



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۱۳۱

کتابنامه

انجمن آثار و مفاصل

آبشار سازان ۲۵۳۵ شماره ثبت ۱۳۱

۱۳۵۵-۱۳۵۶ هجری قمری

الکتاب

کتابخانه مرکزی

دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشکده تهران



مجلس آراء و افکار آذربایجان

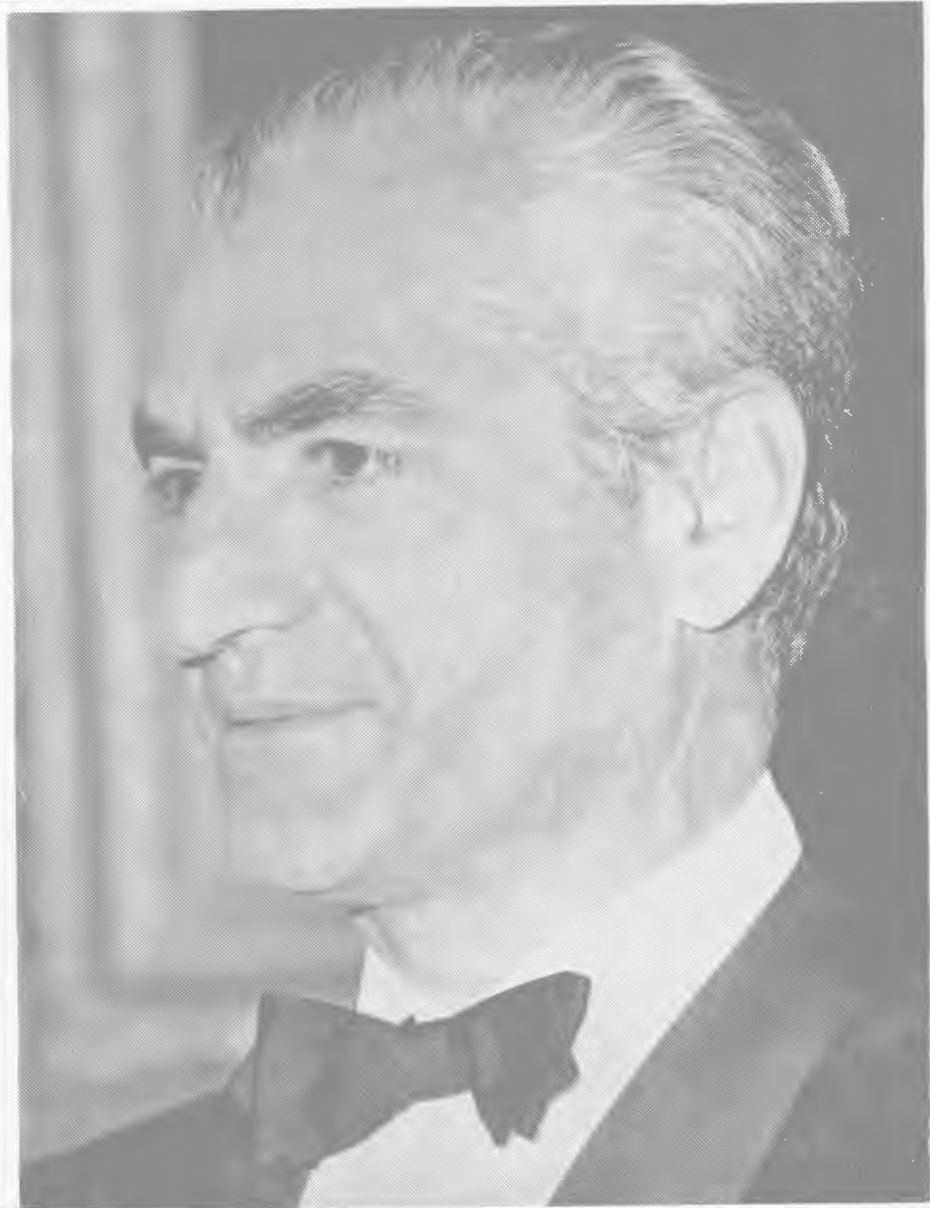
۱۳۱

کتابخانه

آذربایجان

کتابخانه آذربایجان

۱	۰۱۰
۲	۱۸





سلسلہ انتشارات انجمن آثار ملی

۱۳۱



کارنامہ

انجمن آثار ملی

ابتداءً تا ۲۵۳۵ شہادت

۱۳۵۵ - ۱۳۰۱ ہجری جویشیدی

تالیف

دکتر حسین بحرعلومی

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

از این کتاب ۲۵۰۰ نسخه در چاپخانه

میهن به چاپ رسید است

شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۸۳۵ مورخ ۳۵/۱۲/۴

چهاردهمین نشریه انجمن آثار ملی در سال ۱۳۵۲ شاهنشاهی

سال برگزاری جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی

سیر آغاز

بنام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین
سحرگاه سوم اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی (۲۴۷۹ شاهنشاهی)
که کودتا صورت گرفت بدون تردید باید آغاز عصر تجدید حیات ملت ایران بشمار آید
با ورنه سرتیپ ضلخان (بعداً علیحضرت رضا شاه کبیر) مانده تیپ قزاق
همدان بیایخت و اقداماتی که بید زنگ نسبت به تسخیر قشون منظم و استقرار
امنیت و اخراج قوای بیگانه از مملکت بعمل آورد بارتقاع امید در قلوب
ایرانیان تابیدن گرفت و هر ایرانی پاک نژاد بکفر افتاد خدمتی در خوتوانی
بمزد و بوم خویش کند. از جمله چند از برجسته ترین رجال آن تاریخ بابتکار
سردار معظم خراسانی (عبدالحسین تیمورتاش) نماینده مجلس شورای ملی در
پاییز ۱۳۰۱ خورشیدی (۲۴۸۱ شاهنشاهی) در صد و برآمدند که دبستگی
مردم را به آثار هنری و علمی و ادبی پرورش دهند و با تجلیل از بزرگان ایران

و ارائه خدمات آنها بمسئولین خود احساسات ملت را برانگیزند و به بیداری
و یگانگی و وحدت ملی کمک کنند. رجال مذکور عبارت بودند از حسن مستوفی-
حسن پیرنیا- ابراهیم حکیمی- محمد علی فروغی- حسن افندیاری- عبدالحسن
تیمورتاش- فیروز میرزا فیروز- حاج سید نصر الله تقوی- ارباب کنجی و
شاهرخ و محل تجمع آنها در ابتدای خیابان شیرالدوله (جدهم تیمورتاش) در خیابان
ژاله بود. بهیئتیکه تشکیل شد عنوان انجمن آثار ملی را برای خود انتخاب کرد و با
اساسنامه ای که تصویب نمود مشغول کار شد.

وقتی سه داریسپه (بعد از رضا شاه کبیر) بسمت نخست وزیر زمام امور را
قبضه کرد انجمن آثار ملی ریاست عالی خود را بوسیله تفویض نمود و او با قبول این
پیشنهادهای اقدامات و تصمیمات انجمن را مورد حمایت و پشتیبانی مؤثر قرار داد.
اساسنامه انجمن در ۲۴ آبان ۱۳۰۴ شاهنشاهی (خورشیدی) منتشر شد
و طوری بود که بهیئت مؤسس پیوسته پائیده بود و وعده خود را که ۱۵ نفر بود
بمباراه کامل نگاه میداشت و توانست بتدریج بر فعالیت خود بیفزاید
و بدون تطایر خدمات قابل توجه بشهر بنماید.

در ظرف پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی انجمن آثار ملی بچگونگی خدمت

توفیق یافت که از سال ۲۵۲۰ شاهنشاهی (۱۳۴۰ خورشیدی) بر عت
 و کمیت و کیفیت آن بنحو بارزی افزود شد زیرا به پیشنهاد انجمن و فرمان شاه
 آریامهر در سال مذکور دولت تصویب کرد که از هر کیسه سیمان بهنگام خروج از
 کارخانه های داخلی باید موقع ورود از خارج یک ریال نفع انجمن آثار ملی گرفته و توسط
 خزانه داری کل در اختیار انجمن گذاشته شود. مدلول این تصویب نامه ۲۵۲۶
 شاهنشاهی (۱۳۴۶ خورشیدی) بتصویب دو مجلس رسید و بدین ترتیب
 بنیان مالی انجمن استوار شد و توانست بکارهای بی پردازد که مهم ترین آنها
 بقرار ذیل است :

۱- ساختن آرامگاه برای بزرگان نامور ایران چون فردوسی - ابن سینا
 - سعدی - نادرشاه - خیام - شیخ عطار - کمال الملک - بابا طاهر -
 صائب - شیخ روزبهان - سیبویه - شاه شجاع - شیخ ابو الحسن خرقانی
 - ابن مین - ابو الحسن بهیقی - اوحدی و بسیاری بزرگان دیگر که در متن
 کتاب توضیح داده شده است - احداث بنا می معظمی در گورستان تاریخی
 سرخاب تبریز در مجاورت بقعه متبرک سید حمزه و آرامگاه شادروان ثقه الاسلام
 شهید به یاد همان و بزرگان و سرانیدگان مدفون در خطه آذربایجان .

۲- کمک به تعمیر بناهای تاریخی ایران در اصفهان و شیراز و خراسان بوسیله اداره کل باستانشناسی و سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران .
۳- طبع و نشر آثار بزرگانی که برای آنان آرامگاه ساخته شده است یا چاقی درباره آنان و همچنین چاپ و انتشار کتابهای مربوط به شهرها و بناهای تاریخی و فرسنگ ملی .

۴- تهیه تندیس فردوسی و ابن سینا و سعدی و خیام و نادر شاه و نصب آنها در آرامگاه آنان یا محل مناسبی در شهر مجا و تربت آنان .
۵- اقدام به برگزاری کنگره جهانی فردوسی در ۲۴۹۳ شاهنشاهی (۱۳۱۳ خورشیدی) در تهران و طوس و کنگره بین المللی ابن سینا در (۲۵۱۳) شاهنشاهی (۱۳۳۳ خورشیدی) در تهران و همدان .

۶- تهیه مرکز برای انجمن در یکی از بناهای قدیمی و زیبای پایتخت با کتابخانه مخصوص چون کارهای انجمن را توسعه میرفت بنابرست برگزاری آئین بزرگداشت شاهنشاهی سلوی و اینکه موجبات کار انجمن در آن عصر فرخنده فراهم گردید است انجمن آثار ملی تصمیم گرفت تاریخچه ای از کارهای انجام شده را بسکرت تحریر کند تا آیندگان از آن آگاه شوند و حقکار دودمان جلیل سلوی باشند

و صمیمانه رالیه بی ریا و حسد دوستانه اندیشین عزیز و بزرگ خود
خدمت کنند بشناسند. برای تدوین این تاریخچه از آقای دکتر حسین بحر العلوم
استاد ادبیات فارسی در دانشگاه تهران دعوت شد که انجام دادن این مختصراً
بر عهده گیرند و ایشان با قبول این زحمت و صرف مابها وقت موفق بتألیف
کتاب حاضر شدند که مایه خرسندی و سپاس انجمن آثاری است.

چون این بنده از آغاز ایجاد انجمن آثاری پیوسته در فعالیتهای آن
توفیق همکاری و شرکت داشته ام و دو سال است که عضو هیئت مؤسس
هستم برای تأمین نظر مؤلف ارجمند به نوشتن این مختصر در سر آغاز کتاب
مبادرت ورزیدم.

از ایزد یکیتا خواها نم که در سایه عنایات رهبر عظیم الشان ملت
ایران انجمن را به ادامه خدمات بیشتر نفع بخش ملی و تاریخ ایران موفق و
مؤید بدارد.

تهران - بهمن ماه ۲۵۳۵

عسائی صدیق



فهرست مندرجات

بیج - ۶	مقدمه
۲۱-۱	۱- تأسیس انجمن آثار ملی و اقدامات اولیه آن
۴- ۳	تأسیس انجمن آثار ملی
۱۲- ۴	اقدامات اولیه
۲۱-۱۳	اساسنامه و نظامنامه انجمن
۶۰-۲۳	۲- هزاره فردوسی
۲۹-۲۵	تأمین مخارج
۳۰-۲۹	تعیین مدفن فردوسی
۳۴-۳۰	ساختمان آرامگاه
۳۶-۳۵	کنگره فردوسی
۴۰-۳۷	اعضای کنگره فردوسی
۴۳-۴۰	نطق افتتاحیه فروغی، نطق علی اصغر حکمت
۴۹-۴۴	سخنرانان کنگره فردوسی
۵۱-۴۹	پایان کار کنگره
۶۰-۵۱	به سوی طوس
۷۶-۶۱	۳- پس از جشن هزاره فردوسی
۶۵-۶۳	تجدید فعالیت انجمن
۷۶-۶۶	اساسنامه جدید انجمن آثار ملی
۱۵۹-۷۷	هزاره ابن سینا
۸۲-۷۹	ابن سینا
۸۳-۸۲	بزرگداشت ابن سینا
۸۹-۸۳	آرامگاه ابن سینا
۱۰۶- ۸۹	آرامگاه جدید
۱۱۱-۱۰۷	مجسمه ابن سینا
۱۱۳-۱۱۱	چاپ کتابها و رساله‌ها

۱۱۴-۱۱۳	کتابخانه آرامگاه
۱۱۵-۱۱۴	مدال ابن سینا
۱۱۷-۱۱۶	جشن و کنگره ابن سینا
۱۱۸-۱۱۷	نمایشگاه صنعتی در همدان
۱۲۰-۱۱۸	گشایش کنگره
۱۲۵-۱۲۰	نطق آقای علاء
۱۳۳-۱۲۵	جلسات کنگره
۱۳۵-۱۳۳	نمایشگاه آثار ابن سینا
۱۳۵	دسته گل و پیام دانشجویان
۱۳۶-۱۳۵	پیام رئیس انجمن فرانسه و ایران
۱۳۷-۱۳۶	بسوی همدان
۱۳۸-۱۳۷	برده برداری از مجسمه ابوعلی
۱۴۸-۱۳۸	افتتاح آرامگاه
۱۵۰-۱۴۸	جلسه پایان کنگره
۱۵۳-۱۵۰	هدایا
۱۵۳	درآمد و هزینه
۱۵۵-۱۵۳	تمبرهای یادبود ابن سینا
۱۵۵	اوراق بخت آزمائی
۱۵۶-۱۵۵	کمک و وام شیروخورشید سرخ
۱۵۷-۱۵۶	کمکهای دولت
۱۵۹-۱۵۷	بزرگداشت ابن سینا در جهان
۲۰۵-۱۶۱	۵- آرامگاه سعدی
۱۷۲-۱۶۳	آرامگاه سعدی
۱۸۰-۱۷۲	وضع ساختمان آرامگاه
۱۸۳-۱۸۰	مجسمه سعدی
۲۰۰-۱۸۳	برده گشائی از مجسمه
۲۰۱	هزینه آرامگاه سعدی
۲۰۵ تا ۲۰۲	نثار تربت سعدی (قصیده خلیل الله خلیلی)
۲۷۸-۲۰۷	۶- آرامگاه نادرشاه
۲۱۱-۲۰۹	نادرشاه افشار

۲۱۱	خلع شاه طهماسب
۲۱۲-۲۱۱	پادشاهی نادر
۲۱۳-۲۱۲	کشته شدن نادر
۲۱۹-۲۱۳	آرامگاه نادرشاه
۲۲۳-۲۲۰	بنای آرامگاه نادرشاه
۲۲۷-۲۲۴	قرارداد با شرکت کا. ژ. ت
۲۳۱-۲۲۷	استخوانهای نادر
۲۳۲-۲۳۱	دفن استخوانها
۲۳۴-۲۳۲	سنگ قبر نادر
۲۳۶-۲۳۵	رفع يك اشتباه
۲۴۱-۲۳۷	چگونگی آرامگاه
۲۵۴-۲۴۱	کتیبه‌ها
۲۵۴	تحويل آرامگاه
۲۶۱-۲۵۵	مجسمه نادرشاه
۲۷۰-۲۶۲	موزه‌ها
۲۶۹	کتابهای مربوط به نادرشاه
۲۷۰	فرشهای آرامگاه
۲۷۱-۲۷۰	درآمد و هزینه
۲۷۵-۲۷۲	گشایش آرامگاه
۲۷۷-۲۷۵	لوله توپ کنار آرامگاه
۲۷۸-۲۷۷	کسانی که برای بنای آرامگاه نادر کوشش کرده‌اند
۳۲۸-۲۷۹	۷- آرامگاه حکیم عمر خیام
۲۸۵-۲۸۱	خیام
۲۸۷-۲۸۵	قبر خیام
۲۸۹-۲۸۷	آرامگاه جدید خیام
۲۹۲-۲۸۹	نقشه بنا
۲۹۵-۲۹۲	مقاطع کار
۲۹۸-۲۹۵	نصب اولین سنگ بنا
۳۰۴-۲۹۸	انتقال استخوانهای خیام
۳۰۷-۳۰۴	چگونگی آرامگاه

۳۰۷	سنگ قبر
۳۰۹-۳۰۸	محوطه و محل آرامگاه
۳۱۲-۳۰۹	بیست رباعی
۳۱۴-۳۱۲	دفتر - کتابخانه - تالار پذیرائی
۳۲۲-۳۱۴	مهمانسرا
۳۲۵-۳۲۲	ایوان شمالی
۳۲۸-۳۲۵	تصویر خیام
۳۲۸	قالیچه اهدائی شهبانو
۳۴۹-۳۲۹	۸- آرامگاه شیخ عطار
۳۳۳-۳۳۱	شیخ فریدالدین عطار
۳۳۵-۳۳۳	بقعه عطار
۳۳۶-۳۳۵	تعمیرات مقدماتی
۳۳۹-۳۳۶	تعمیرات اساسی
۳۳۹	قرارداد با مهندس سیحون
۳۴۲-۳۳۹	توجه به يك نکته فنی
۳۴۴-۳۴۲	چگونگی بقعه
۳۴۴	تألیف و چاپ کتب
۳۴۴	کتابخانه عطار
۳۴۹-۳۴۶	خیابان بین دو آرامگاه
۳۵۱-۳۴۶	۹- آرامگاه کمال الملك
۳۵۵-۳۵۳	کمال الملك
۳۵۹-۳۵۵	آرامگاه کمال الملك
۳۶۶-۳۶۰	گشایش آرامگاه های خیام، عطار، کمال الملك
۳۸۳-۳۶۷	۱۰- بقعه امامزاده محروق
۳۷۱-۳۶۹	امامزاده محمد محروق و بقعه تاریخی او
۳۷۳-۳۷۱	توجه به تعمیر بقعه
۳۷۶-۳۷۳	تعمیرات اساسی بقعه
۳۷۶	ضریح شاهزاده حسین
۳۷۷-۳۷۶	اداره امور امامزاده
۳۷۹-۳۷۷	کاشیکاری از راه ایوان
۳۸۳-۳۷۹	چگونگی بقعه

۴۱۸-۳۸۵	۱۱-آرامگاه صائب
۳۸۹-۳۸۷	صائب تبریزی
۳۹۰-۳۸۹	مدفن صائب
۳۹۴-۳۹۰	باغ صائب
۳۹۹-۳۹۴	بنای آرامگاه
۴۰۴-۳۹۹	آغاز ساختمان
۴۰۶-۴۰۴	چگونگی بنا
۴۱۱-۴۰۶	کتیبه‌ها
۴۱۱	سنگ مزار
۴۱۵-۴۱۲	گشایش آرامگاه
۴۱۷-۴۱۵	سخنان استادهمانی
۴۱۸	دیوان صائب
۴۱۹	۱۲-آرامگاه پروفیسور پوپ
۴۲۴-۴۲۱	پرفیسور پوپ و آرزوی او
۴۲۵-۴۲۴	نامه پرفیسور پوپ
۴۲۷-۴۲۵	اقدامات انجمن آثار ملی اصفهان
۴۲۸-۴۲۷	ساختمان آرامگاه
۴۳۳-۴۲۸	چگونگی بنا
۴۶۴-۴۳۵	۱۳-آرامگاه باباطاهر
۴۶۲-۴۳۷	شرح احوال باباطاهر
۴۴۶-۴۴۲	آرامگاه باباطاهر
۴۴۷-۴۴۶	نوشته برای روی سنگ مزار
۴۵۱-۴۴۷	آرامگاه جدید
۴۵۲	آغاز کار ساختمان
۴۵۴-۴۵۲	قراردادها
۴۵۴	اعانات
۴۵۶-۴۵۴	چگونگی بنا
۴۶۱-۴۵۶	کتیبه‌ها
۴۶۴-۴۶۲	میدان باباطاهر
۵۰۸-۴۶۵	۱۴-تجدید بنای آرامگاه فردوسی

۴۷۲-۴۶۷	پس از سی سال
۴۷۵-۴۷۳	تجدید بنای آرامگاه
۴۷۶-۴۷۵	دفن عظام ریمه
۴۷۹-۴۷۶	چگونگی بنا
۴۸۲-۴۷۹	کتیبه ها
۴۹۰-۴۸۳	لوحة تاریخی
۴۹۳-۴۹۰	توسعه باغ آرامگاه
۴۹۴-۴۹۳	دبستان فردوسی
۵۰۱-۴۹۴	ساختمانهای دیگر
۵۰۲-۵۰۱	چاپ چند کتاب درباره فردوسی و شاهنامه
۵۰۵-۵۰۲	گشایش آرامگاه
۵۰۸-۵۰۵	پردیس فردوسی
۵۳۵-۵۰۹	۱۵- آرامگاه شیخ روزبهان بقلی
۵۱۳-۵۱۱	شیخ روزبهان بقلی
۵۱۶-۵۱۳	مدفن روزبهان
۵۲۹-۵۱۷	تعمیر آرامگاه
۵۳۲-۵۲۹	بنای جدید آرامگاه
۵۳۲	خیابان روزبهان
۵۳۶-۵۳۲	چگونگی آرامگاه
۵۵۲-۵۳۷	۱۶- آرامگاه شاه شجاع مظفری
۵۴۳-۵۳۹	شاه شجاع
۵۴۴-۵۴۳	مدفن شاه شجاع
۵۴۸-۵۴۴	بنای آرامگاه
۵۵۰-۵۴۸	کتیبه ها
۵۵۱-۵۵۰	دفتر انجمن
۵۵۲-۵۵۱	ثبت در فهرست آثار ملی
۵۶۳-۵۵۳	۱۷- آرامگاه سیبویه
۵۵۶-۵۵۵	سیبویه
۵۶۰-۵۵۶	آرامگاه سیبویه
۵۶۲-۵۶۰	تخریب و تسطیح

۵۶۳-۵۶۲	چگونگی بنا
۵۸۱-۵۶۵	۱۸- آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی
۵۷۰-۵۶۷	شیخ ابوالحسن خرقانی
۵۷۳-۵۷۱	بقعه شیخ ابوالحسن خرقانی
۵۷۷-۵۷۳	تعمیر و تکمیل بقعه و مسجد
۵۷۹-۵۷۷	سنگ قبر
۵۸۱-۵۷۹	کتیبه ها
۵۸۷-۵۸۲	۱۹- آرامگاه خواجو
۵۸۳-۵۸۲	خواجو
۵۸۴-۵۸۳	قبر خواجو
۵۸۵-۵۸۴	محل آرامگاه خواجو
۵۸۷-۵۸۵	تعمیر آرامگاه
۵۹۴-۵۸۸	۲۰- آرامگاه ابن یمین
۵۸۹-۵۸۸	ابن یمین
۵۸۹	آرامگاه ابن یمین
۵۹۴-۵۹۰	آرامگاه جدید
۵۹۹-۵۹۵	۲۱- آرامگاه واعظ کاشفی
۵۹۶-۵۹۵	واعظ کاشفی
۵۹۹-۵۹۶	مقبره کاشفی
۶۰۷-۶۰۰	۲۲- آرامگاه ابوالحسن بیهقی
۶۰۲-۶۰۰	بیهقی
۶۰۲	قبر ابوالحسن بیهقی
۶۰۷-۶۰۲	بنای آرامگاه جدید
۶۱۶-۶۰۸	۲۳- بقعه شاه داعی
۶۱۱-۶۰۸	شاه داعی
۶۱۳-۶۱۱	مزار شاه داعی الی الله
۶۱۶-۶۱۳	تعمیر و تکمیل بقعه
۶۲۵-۶۱۷	۲۴- آرامگاه شیخ کبیر ابوعبدالله بن خفیف
۶۲۰-۶۱۷	شیخ کبیر
۶۲۲-۶۲۰	مدفن شیخ کبیر

۶۲۳-۶۲۲	تعمیر بقعه
۶۲۵-۶۲۳	آرامگاه جدید
۶۳۳-۶۲۶	۲۵- آرامگاه احمد نیریزی
۶۳۰-۶۲۶	احمد نیریزی
۶۳۳-۶۳۰	آرامگاه نیریزی
۶۴۰-۶۳۴	۲۶- آرامگاه کمال الدین خجندی و کمال الدین بهزاد
۶۳۵-۶۳۴	کمال الدین خجندی
۶۳۶-۶۳۵	کمال الدین بهزاد
۶۴۰-۶۳۶	آرامگاه دو کمال
۶۴۹-۶۴۱	۲۷- آرامگاه حاج ملاهادی سبزواری
۶۴۳-۶۴۱	حکیم سبزواری
۶۴۵-۶۴۳	تعمیر آرامگاه حکیم
۶۴۳-۶۴۵	امیر علیاحضرت شهبانو
۶۵۸-۶۵۰	۲۸- آرامگاه نزاری قهستانی و مقبره حاج شیخ هادی بیرجندی
۶۵۱-۶۵۰	نزاری قهستانی
۶۵۶-۶۵۱	آرامگاه نزاری
۶۵۸-۶۵۷	تعمیر مقبره هادوی
۶۶۵-۶۵۹	۲۹- آرامگاه رضی الدین ارتیمانی
۶۶۰-۶۵۹	ارتیمانی
۶۶۵-۶۶۰	آرامگاه رضی الدین
۶۷۰-۶۶۶	۳۰- آرامگاه اوحدی مراغه‌یی
۶۶۷-۶۶۶	اوحدی
۶۷۰-۶۶۷	قبر اوحدی
۶۷۵-۶۷۱	۳۱- بقعه شیخ ابو اسحاق کازرونی
۶۷۲-۶۷۱	ابو اسحاق کازرونی
۶۷۵-۶۷۲	تعمیر بقعه
۶۸۵-۶۷۶	۳۲- آرامگاه کمال الدین اسماعیل
۶۷۷-۶۷۵	کمال الدین اسماعیل
۶۸۰-۶۷۸	قبر کمال اسماعیل
۶۸۵-۶۸۰	آرامگاه جدید

- ۳۳- بنای یادبود مقبرة الشعرا
مقبرة الشعرا
شعراى مدفون در مقبرة الشعرا
بنای یادبود
جلسه هیأت امناء
مسابقه طرح بنا
آزمایش خاك
حرارت مرکزی، آبرسانی و فاضلاب
قطعات پیش ساخته شده
پردیس
خانهها و اراضی لازم
۳۴- آرامگاه ادیب الممالك فراهانی
امیری
آرامگاه ادیب الممالك
۳۵- مزار سیدجمال الدین اصفهانی
سیدجمال الدین اصفهانی
آرامگاه سیدجمال الدین
۳۶- بنای یادبود سیدجمال الدین اسدآبادی
سیدجمال الدین اسدآبادی
بنای یادبود
۳۷- آرامگاه وحید دستگردی و عبرت مصاحبی نائینی
وحید دستگردی
عبرت مصاحبی نائینی
آرامگاه
۳۸- سنگ قبر ایرج و سنگ قبر سری
ایرج
قبر ایرج
سنگ قبر سری
۳۹- بنای یادبود امیر کبیر
میرزا تقی خان امیر کبیر

۷۴۳-۷۴۲	خانه امیر کبیر
۷۴۵-۷۴۳	بنای یادبود
۷۴۶	۴۰- تعمیر آثار تاریخی کلات
۷۴۷-۷۴۶	۴۱- بقعه شاه قاسم انوار
۷۴۷	۴۲- آرامگاه حافظ
۷۴۸-۷۴۷	۴۳- پاسارگاد
۷۴۸	۴۴- استخوان بندی گنبد شاهچراغ
۷۴۹	۴۵- تعمیر برج لاجیم
۷۵۰	۴۶- نقشه کلاف گنبد سلطانیه
۷۵۱-۷۵۰	۴۷- همکاری با وزارت فرهنگ و اداره کل باستانشناسی
۷۵۲	۴۸- تعمیرات بازه‌هور
۷۵۳-۷۵۲	۴۹- تعمیرات اساسی بناهای تاریخی اطراف اصفهان
۷۵۴، ۷۵۳	۵۰- کاخ چهلستون
۷۵۴	۵۱- کاخ هشت بهشت
۷۵۵	۵۲- چهارسوق شاه
۷۵۵	۵۳- آستانه شیخ صفی الدین
۷۵۶	۵۴- گنجنامه
۷۵۶	۵۵- معبد چغازنبیل
۷۵۷	۵۶- باغ فین
۷۵۸-۷۵۷	۵۷- سردر مهمانسرای شاه عباس در کاشان
۷۵۸	۵۸- تعمیرات تکیه امیرچقماق
۷۵۸	۵۹- برج میدانک
۷۵۹	۶۰- تکمیل بنای تاریخی امامزاده عیبدالله
۷۵۹	۶۱- مجموعه عکس و کتاب خطی
۷۶۰	۶۲- ایوان مدائن
۷۶۱	۶۳- اهداء فرش به آرامگاه حاجی بکتاش در ترکیه
۷۶۱	۶۴- بقعه امامزاده زکریا در شکرکوه
۷۶۲	۶۵- تعمیرات ابنیه و آثار تاریخی مختلف
۷۶۳	۶۶- کمک به چاپ چند کتاب
۷۶۴-۷۶۳	۶۷- مسافرت علمی پرفسور کرفتز به ایران

- ۶۸- مسافرت علمی دیگر ۷۶۴
- ۶۹- سفارشنامه انجمن آثار ملی ۷۶۵
- ۷۰- تعمیر بناهای تاریخی با همکاری وزارت فرهنگ و هنر ۷۶۶
- ۷۱- تعمیرات ابنیه تاریخی دیگر در سال ۲۵۲۵ شاهنشاهی ۷۶۷
- ۷۲- کتابخانه وزیری یزد ۷۶۸
- ۷۳- بقعه سید اسماعیل و در تاریخی آن ۷۶۸-۷۶۹
- ۷۴- همکاری با سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران ۷۶۹-۷۷۰
- ۷۵- خرید تابلوهای نقاشی ۷۷۰
- ۷۶- خرید مجموعه کتابهای مربوط به خیام ۷۷۱
- ۷۷- بزرگداشت پرفسور کیرشمن ۷۷۱
- ۷۸- کمک به تعمیرات ابنیه تاریخی در سال ۲۵۲۷ ۷۷۲
- ۷۹- نقوش پیش از تاریخ ۷۷۳
- ۸۰- تعمیرات بناهای تاریخی در سال ۲۵۲۸ ۷۷۳-۷۷۴
- ۸۱- کمک به تعمیرات مدرسه جده بزرگ اصفهان ۷۷۴
- ۸۲- وقفنامه خواجه رشیدالدین فضل الله ۷۷۵
- ۸۳- تعمیرات بناهای تاریخی در سال ۲۵۲۹ ۷۷۶
- ۸۴- چاپ اطلس خط ۷۷۷
- ۸۵- کمک به سازمان خیریه بهداشت ۷۷۷
- ۸۶- کمک به تعمیرات بناهای تاریخی کشور در سال ۲۵۳۰ ۷۷۸
- ۸۷- بقعه احمد بن اسحاق ۷۷۹
- ۸۸- کمک به تعمیرات ابنیه تاریخی در سال ۲۵۳۱ ۷۷۹-۸۸۰
- ۸۹- مسجد ایرانیان در استانبول ۷۸۰-۷۸۱
- ۹۰- سنگ قبر یغمای جندقی ۷۸۱
- ۹۱- کمک به تعمیرات ابنیه تاریخی در سال ۲۵۳۲ ۷۸۲
- ۹۲- موزه ملی کاشان ۷۸۲
- ۹۳- کمک به تعمیرات بناهای تاریخی در سال ۲۵۳۳ ۷۸۳
- ۹۴- نشریه انجمن آثار ملی ۷۸۴
- ۹۵- کمک به تعمیرات بناهای تاریخی در سال ۲۵۳۴ ۷۸۴
- ۹۶- آمار بازدیدکنندگان آرامگاهها ۷۸۵
- ۹۷- درآمد و هزینه انجمن آثار ملی در سال ۲۵۳۴ ۷۸۵-۷۸۷

۷۸۷	۹۸- تصویرها
۷۹۱-۷۸۸	۹۹- تندیسها
۷۹۸-۷۹۱	۱۰۰- محل انجمن آثار ملی
۷۹۹-۷۹۸	۱۰۱- تابلوهای نقاشی
۸۰۷-۷۹۹	۱۰۲- کتابخانه انجمن آثار ملی
۸۱۲-۸۰۷	۱۰۳- رؤسا و مدیران انجمن از آغاز تا کنون
۸۳۲-۸۱۳	تعلیقات و تصاویر
۹۶۸-۸۳۳	فهرست ها
	فهرست اعلام

مقدمه

آنچه در این اوراق آمده شرح قسمتی است از کارهایی که در طول مدت پنجاه سال بوسیله انجمن آثار ملی انجام گردیده است. بدیهی است کارهای بسیار دیگری هم انجام داده اند که توفیق ذکر آنها رانیافته ام و حتی قسمتی از آنچه راهم که ذکر کرده ام مجال شرح و بسط کامل آنها بدست نیامده است، شاید روزی در ذیل و تکمه ای به شرح آنچه نانوشته مانده است نیز پرداخته شود.

نام بسیاری از اشخاص که در طول این پنجاه سال در تهران و شهرستانها در سمتهای مختلف با انجمن همکاری داشته اند و بسا کارها با کوششهای آنان سامان یافته در این اوراق نیامده است. این بدان معنی نیست که زحمات و کوششهای آنان نادیده گرفته شده، بلکه چون در مدارك و مآخذی که در دست نگارنده بوده به نامهای شریفشان برنخورده ام، افتخار ذکر آنها رانیافته ام، در صورتی که از طرف خود یا بوسیله دیگران موضوع یادآوری شود نام آنان زب صفحات ذیل و تکمله این اوراق خواهد شد.

مطالب این کتاب با مراجعه به ده ها کتاب و هزارها صفحه مدارك و مآخذ موجود با چهار سال کار مداوم فراهم آمده و نگارنده حتی سطری یا جمله ای را بدون مأخذ و مدرك ذکر نکرده است و تا آنجا که مقدور و لازم بوده به مدارك و مآخذ نیز اشاره کرده است. گاهی در مآخذی يك مطلب به طرق مختلف ذکر شده بوده، به حکم امانت عیناً

مطلب را از مآخذ نقل کرده‌ام و به تناقضها و احیاناً اشتباهات آنها هم اشاره نموده‌ام. بنابراین اگر خواننده مطلب منقولی را نادرست می‌یابد از آن رواست که آن مطلب منقول است و نگارنده از تغییر آن معذور. در بسیاری از موارد به نوشته‌ها و گفته‌ها بسنده نکرده‌ام و برای مشاهده کارهای انجام شده و دقت در خصوصیات بناها به شهرهای مختلف چون شیراز، اصفهان، مشهد، نیشابور و همدان سفر کرده‌ام و ساعتها و روزها در بناهای تاریخی، آرامگاهها، بقعه‌ها کتابخانه‌ها، موزه‌ها و غیره بررسی کرده و تا آنجا که مقدور بوده است مکتوب را بامشهود تکمیل نموده‌ام. از نمایندگان انجمن آثار ملی در شهرهای مختلف که مرا راهنمایی کرده‌اند سپاسگزارم.

نکته‌ای که بخصوص یادآوری آن را لازم می‌دانم آنست که علاوه بر شرح کارهای انجام شده بوسیله انجمن آثار ملی بسیاری مطالب دیگر هم بضرورت در این کتاب آمده که فراهم آوردن آنها ماهها مرا مشغول داشته است، مثلاً آنچه به عنوان شرح حال در آغاز فصلها آمده برخی چکیده چندین کتاب مهم و معتبر است و برخی با مراجعه‌های مکرر به اشخاص و مقاماتی در تهران و شهرستانها فراهم آمده است، سوابق تاریخی بسیاری از بناها در هیچ مآخذ و مدرکی مدون نبوده و گاهی کلمه کلمه و جمله جمله بامطالعه مداوم از کتابها، مجله‌ها، روزنامه‌ها و مآخذ مختلف دیگر فراهم آمده است، شرح چگونگی بناها باروها کار و مطالعه و مشاهده و اندازه گیریهای دقیق جمع آمده است و با همه اینها آنچه را که نوشته شده است نه کامل می‌دانم و نه خالی از خطا و اشتباه.

از همه اعضاء هیأت مؤسس انجمن آثار ملی یعنی رادمردانی که تنها به ساقطه میهن دوستی و علاقه به ایران و افتخارات آن باشوق

وافر در اجرای منویات شاهنشاه بزرگ به حفظ و احیای آثار ملی می‌کوشند سپاس فراوان دارد که چنین فرصتی فراهم آورده‌اند تا نگارنده نیز به سهم خود در گوشه‌ای از این خدمات پرارج ملی سهم باشد.

استاد عالیقدر جناب آقای دکتر صدیق نایب رئیس هیأت مؤسس در تمام مراحل مشوق و راهنمای نگارنده بوده‌اند و با وجود گرفتاریهای گوناگون با بزرگواری و دقتی که خاص ایشان است بسیاری از فصول کتاب را قبل از چاپ و همه را بعد از چاپ ملاحظه فرموده و با نظر صائب خود اینجانب را هدایت فرموده‌اند، از مراحمشان سپاسگزارم.

دانشمند مکرم آقای سید محمد تقی مصطفوی در فراهم آوردن وسائل کار و راهنمایی اینجانب فروگذار نفرموده‌اند و در حقیقت این کار با کارسازیه‌ها و کارگشائیهای ایشان به سامان رسیده است

نشود کار دوستان به مراد تا نه پای تو در میان باشد

چون چاپ کتاب مصادف با ایامی شد که نگارنده بیمار و بستری و مدتی در بیمارستانهای تهران و مدتی در خارج از کشور به درمان و مداوا سرگرم بود ناگزیر خواندن نمونه‌های چاپی و تصحیح آنها مقدور نشد و جای جای غلطهای چاپی در کتاب هست، شاید غلطنامه تا حدودی به رفع این نقیصه کمک کند.

بهمن‌ماه سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی
حسین بحر العلومی

۱

تاسیس انجمن آثار ملی

و

اقدامات اولیه آن



در ورودی ساختمان فعلی انجمن آثار ملی

تأسیس انجمن آثار ملی

سپیده دم روز سوم اسفند سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ ه. ش) سر آغاز دگر گونیهای عمیقی بود که در مدتی نسبتاً کوتاه در همه شئون کشور ایران و زندگانی مردم آن پدید آمد. «يك فرزند غيرتمند و مصمم ایرانی قد علم کرد و مملکت را از مهلكة تاخت و تاز اجانب و ملوك الطوائفی و بی سامانی نجات داد.»

هنوز دو سال از ورود رضا شاه کبیر به صحنه سیاست مرز و بوم مانگذاشته بود که آسایش و امنیتی پدید آمد و در پرتو آن در پائیز سال ۲۴۸۱ (۱۳۰۱ ه. ش = ۱۹۲۲ م.) گروهی از رجال دانشور و علاقه مند به آثار تاریخی و افتخارات پیشین ایران برای نگهداری و تعمیر ابنیه تاریخی و پاس حرمت یادگارها و مفاخر فرهنگی و هنری قدیم ایران گرد هم آمده جمعیتی به نام «انجمن آثار ملی» تشکیل دادند و در سال ۲۴۸۴ (۱۳۰۴) بدرخواست انجمن سردار سپه که در آن تاریخ نخست وزیر بودند ریاست عالیّه انجمن را پذیرفتند. از بنیانگذاران انجمن اینان بودند: حسن مستوفی (مستوفی الممالك)، حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، محمد علی فروغی (ذکاء الملك)، حسن اسفندیاری (محتشم السلطنه)، ابراهیم حکیمی (حکیم الملك)، عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم)، فیروز میرزا فیروز (نصرت الدوله)، حاج سید نصرالله تقوی و ارباب کیخسرو و شاهرخ. در آن اوقات انجمن هر بار در خانه یکی از اعضاء مؤسس تشکیل میشد و نخست

اساسنامه انجمن در ۱۴ ماده و نظامنامه آن در ۲۱ ماده تدوین و تنظیم گردید^۱.

اقدامات اولیه

نخستین موضوع اساسی که مورد توجه اعضاء انجمن آثار ملی قرار گرفت بنای آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی بود که شرح آن در فصل بعد خواهد آمد، اقدام دیگر کوشش در شناساندن آثار درخشان تاریخی ایران به هموطنان و علاقه‌مند ساختن آنان به این آثار چند هزار ساله بود و بدین منظور انجمن پیش از هر کار از برخی از دانشمندان بنام و متخصصان آثار باستان خواست تا در باره این آثار سخنرانیهای ایراد نمایند و مقاله‌هایی بنویسند و اینک خلاصه‌یی از آنچه در این زمینه انجام گردید ذکر می‌شود:

۱- در تاریخ بیست و دوم مرداد ماه سال ۱۳۰۴ (ه. ش.) دکتر ارنست هرتسفلد (Ernest Herzfeld) استاد دانشگاه برلن و رئیس مؤسسه آثار عتیقه شرقیه آلمان به دعوت انجمن آثار ملی در عمارت وزارت فرهنگ (مسعودیه) درباره آثار ملی ایران سخنرانی جامعی ایراد کرد و در آن ارزش و اهمیت این آثار را بیان داشت و بخصوص یادآور شد که:

«ابنیه و آثار ملی در ایران فراوان و درهمه جا هست و من در این موقع قادر به ذکر آنها نیستم، چون طوایف آریائی که بواسطه آنها این مملکت «ایران شهر» خوانده شده تقریباً نه قرن قبل از میلاد مسیح در ایران ظهور کرده اند آثار ملی واقعی ایران از آن زمان شروع می‌شود. آثار قدیم‌تر از آن هم موجود هست مخصوصاً در مغرب... این مملکت لااقل چهار نوبت به درجه ارتقاء رسیده است: اول- در دوره هخامنشی است که ایران مرکز دنیای معلوم آن زمان بوده و مدت دو بیست و پنج سال در امنیت زندگانی کرده است.

دوم- دوره ساسانی است که در حقیقت دوره تجدد ایران محسوب می‌گردد.

سوم- دوره سلجوقیان است که ایران در بین ملل اسلامی پیش قدم بوده و تازه اروپا از عالم وحشیگری بیرون آمده است.

۱- نخستین اساسنامه و نظامنامه انجمن در پایان همین فصل آمده است.

چهارم- دوره صفویه که صنایع ایران در آن دوره تجلی مخصوصی داشته و در همان موقع اروپا شروع به دست اندازی به آسیا نموده است.

به تاریخ دنیا مراجعه بفرمائید، خواهید دید که هیچیک از ملل عالم این اندازه آثار نداشته است، یونان يك نوبت ترقی کرده، از پانصد سال قبل از میلاد تا سیصد و بعد از آن دیگر اثری ندارد. ایتالیا دونوبت ظهور نمود، یکی در دوره دولت روم و ثانیاً در زمان رنسانس (تجدید حیات). سایر ملل اروپا هم بقدری تازه و جدید هستند که ذکر و مقایسه آنها مورد ندارد.^۱

نکته دیگری که در این سخنرانی بدان اشاره شد این بود که: «ابنیه و آثار ملی منحصر به عمارات قدیمه و کتیبه‌ها و حجاریها نیست، مثلاً اثر ملی حقیقی ایران بالاخص شاهنامه است که شاهکار فردوسی یگانه شاعر بزرگ این مملکت می‌باشد. یکی از شعرای نامی رومی پس از آنکه منظومه خود را به پایان می‌رساند چنین می‌گوید: «بنائی ساخته‌ام که از فولاد بیشتر دوام خواهد کرد.» فردوسی نیز این کیفیت را ادراک کرده، چنانکه درباره شاهنامه خود گفته است:

پی افکندم از نظم کاخی بلند که از باد و باران نیابد گزند
بنائی که هرگز نگردد خراب ز باران و از تابش آفتاب^۲

۲- هیأت مؤسس انجمن آثار ملی از پرفسور هرتسفلد خواست که فهرستی از آثار وابنیة تاریخی ایران بنویسد و مشارالیه در شهریورماه ۲۴۸۴ (۱۳۰۴) فهرستی از آثار تاریخی تهران، آذربایجان، مازندران، خراسان، سیستان، قائنات، سمنان و دامغان، بسطام، استرآباد، اصفهان، صفحات بختیاری، فارس، خوزستان، همدان، کرمانشاهان، نائین، کرمان و محلات فراهم آورد که از طرف انجمن ترجمه و نشر گردید.^۳

۳- روز چهارشنبه بیست و سوم شهریورماه ۲۴۸۵ (۱۳۰۵) پرفسور هرتسفلد در

۱- مجموعه انتشارات قدیم انجمن، ص ۴۱، ۴۲، ۴۳.

۲- مجموعه انتشارات قدیم انجمن، ص ۳۵.

۳- همان مأخذ، ص ۱۳ تا ۲۸.

وزارت فرهنگ درباره شاهنامه و تاریخ سخنرانی جامعی ایراد نمود که بوسیله شادروان متین دفتری ترجمه و در مجموعه انتشارات قدیم انجمن^۱ چاپ شده است.

۴- در اسفندماه سال ۱۳۰۵ (۱۳۰۵) مقاله تحقیقی پرفسور هرتسفلد درباره دو لوح تاریخی که شرحی با مضمون یکسان روی آنها کنده شده و یکی طلا و دیگری نقره بود و در همان ایام در همدان کشف شده بود بوسیله آقای مجتبی مینوی ترجمه و توسط انجمن آثار ملی منتشر گردید. متن لوحها به سه زبان فرس قدیم، عیلامی و بابلی و ترجمه فارسی آن چنین بود: «دارا شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه ممالک، پسر گشتاسپ هخامنشی. دارا شاه می فرماید: این است مملکتی که من دارم، از سکها که پشت سغد هستند گرفته تا کوش و از هندوها تا «سپرد» که اورمزد به من بخشیده که بزرگترین ایزدان است، من و نیز خاندانم را اورمزد پاس دارد.»^۲

۵- در روز پنجشنبه بیست و هشتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۶ (۱۳۰۶) مجلس کنفرانسی به دعوت انجمن آثار ملی در تالار وزارت فرهنگ تشکیل شد و آقای میرزا محمد علی خان فروغی و پرفسور هرتسفلد هر یک خطابه‌یی قرائت نمودند. موضوع سخنرانی فروغی «مشاهدات و تفکرات درباره آثار ملی در ضمن سفر اصفهان و فارس» بود و پس از شرح مؤثری درباره اهمیت آثار تاریخی اصفهان افزود:

«تفکراتی که از مشاهده این آثار دست می‌دهد، گذشته از محبت و اعجابی که شخص نسبت به صفویه و همت و غیرت و ذوق و سلیقه آنها پیدا می‌کند، نسبت به حالت حالیه آنها نمی‌توانم به زبان بیاورم که چه حالی برای انسان دست می‌دهد... همیق قدر عرض می‌کنم بدو از من مردد ماندم که عشق و شور و هنرمندی و علو همت مؤسسين و مباشرين اين آثار را بیشتر مایه حیرت

۱- همان مأخذ، ص ۱۵۱ تا ۱۷۹.

۲- همان مأخذ، ص ۴۵ تا ۵۶.

بدانم یا پستی و بی‌همتی و بی‌لیاقتی و بی‌حسی و شقاوت‌کسانی که این طور چنین نفایس را مورد بی‌اعتنائی و بی‌مبالاتی قرار داده یا راضی به تخریب آنها شده‌اند... این مساجدی که اسم بردم کاشی‌های آنها هر کدام جواهری است گرانبها، یک یک می‌ریزد و جای آن سفید می‌ماند، بطوری که شخص با حس چون آن را می‌بیند گویی تیر به چشمش می‌خورد... روی آن کاشی‌ها بقدری گرد و خاک نشسته که آب و رنگ بسیاری از آنها دیده نمی‌شود، طاقها و دیوارهای آنها شکست می‌خورد و کسی غم ندارد، عمارت چهل ستون و عالی‌قاپو تا چندی قبل زباله‌دان بود و فقط پس از تشکیل قشون جدید که اصفهان یکی از مراکز آن قشون گردید، صاحب منصبان اهتمامی کردند و آنها را از ابتذال و نکبت بیرون آوردند.^۱

ناطق درباره آثار تاریخی فارس گفت:

«از تخت جمشید و احوال اسفناک آن شرح و بسط نمی‌دهم... آنچه نباید از خرابی و تضییع بسراین بنای معظم بیاید آمده، تقریباً تمام نقوش و صور آن ضایع و محو شده، مع ذلك آنچه از آن باقی مانده با حالت حالیه از عجایب آثار روزگار و حفظ آن واجب است». آنگاه ناطق یادآور شد که: «خلاصه حفظ آثار ملی متوقف براین است که مردم حس و ذوق این کار را داشته باشند و بیدار کردن این حس یکی از وظایفی است که انجمن آثار ملی برعهده دارد و از این راه امیدوار است به مقصود خود برسد...»^۲

۶- روز پنجشنبه هجدهم خرداد ۱۳۸۶ به دعوت انجمن آثار ملی آقای علی هانیبال در تالار وزارت فرهنگ خطابه‌ای درباره «تجدید حیات ذوق صنعتی ایران» ایراد کرد و در آغاز یادآور شد که:

«انجمن آثار ملی وظیفه گرانی به‌عهده دارد، تأسیس انجمن خوشبختانه با موقع تاریخی بسیار مهمی مصادف شد که مقدمه یکی از مراحل تاریخی ایران است. یکی از تاریک‌ترین ادوار تاریخ ایران به پایان رسیده و دوره دیگری مملو از امید آغاز گردیده و انجمن آثار ملی بوسیله مساعی خود می-بایست دوکار کند، نخست آنکه تأثیرات شوم دوره پیش را نابود سازد و برچیند و دوم آنکه به نیروی خویش برای دوره احیاء ذوقیات زمینه فراهم سازد و

۱- مجموعه انتشارات قدیم انجمن، ص ۶۳ و ۶۴.

۲- همان مأخذ، ص ۶۴.



علی هانیبال

پی و اساس آن را بریزد. در موقعی که انجمن آثار ملی برای این دو مقصود دامن همت بکمرزدکار آسانی نبود... البته آقایان خود تصدیق خواهند کرد که نابود شدن زیبایی‌ها و صنایع ایران نه تنها برای ایران بلکه برای دنیای متحده و خیم خواهد بود و آن هم صنایعی که قرن‌ها بهترین ذوق‌های عالم را مشغول و مجذوب کرده است...»

وی دربارهٔ اوضاع نابسامان گذشته گفت: «مرور زمان، مردم بی اطلاع و بی اعتنا، آنتیک فروشان و سیاحان همه و همه در نابودی این آثار عظیم می کوشیدند. اوضاع در موقعی که انجمن آثار ملی تأسیس شد چنین بود و عواملی که اشاره کردیم و عوامل دیگر راستی باعث تنزل ذوق صنعتی و صنایع ایران شده است.» آنگاه در دنبال سخنان خود افزود:

«وجود انجمن آثار ملی برای کسانی که تمام اشیاء صنعتی شگفت آور و تمام شاهکارهای جاوید ذوق ایرانی را از ایران می بردند و ایران را از مفاخر خود و از سرچشمه های حیات خود محروم می گذاشتند جواب مقتنع و برهان قاطع است، زیرا که پیش از تأسیس انجمن آثار ملی این غارتگران صنعت وقتی که نسبت به تاراج روحانی و جنایت روحانی ملی طرف عتاب می شدند عذر و بهانه متینی داشتند و می گفتند: آنچه ما می کنیم از هر حیث درست است، ما این کار را به نام آگاهی دنیا می کنیم. تمام این اشیاء صنعتی کهن را که از ایران برمی داریم و می بریم از انهدام نجات می دهیم و برای تاریخ حفظ می کنیم، زیرا که در ایران اشیاء عتیق و اشیاء صنعتی و بناهای تاریخی را حفظ نمی کنند و قدر نمی دانند، يك مؤسسه علمی نیست که به این کار بپردازد و اشیاء قدیم را حراست کند و حتی موزه ای که خوب تشکیل یافته باشد نیست و کسی نمی توانست این بهانه را جواب بگوید و می بایست از شرمساری سرخ شود و خاموش گردد. اینک که انجمن آثار ملی تشکیل یافته و کار خود را آغاز کرده است این بهانه را از دست همه کس گرفته و دیگر کسی حق ندارد چون پیش سرزنش کند و ایران را مقصر بداند...»^۱

مقارن این احوال برخی از سخنرانیهایی که در مجامع دیگر ایراد می شد یا مقاله هایی که گاه به گاه منتشر می گردید به سهم خود در آگاه ساختن افراد میهن دوست و علاقه مند به افتخارات دیرین ایران تأثیر بسزائی داشت که از جمله باید سخنرانی بسیار سودمند و مهیج پرفسور پوپ را درباره صنایع ایران یادآور شد.

در سال ۲۴۸۴ پرفسور پوپ به ایران آمد و سخنرانی جامعی درباره گذشته و آینده صنایع ایران ایراد کرد و در همان هنگام ترجمه آن در رساله ای در ۲۶ صفحه توسط وزارت فرهنگ چاپ شد. در مقدمه یی که بر آن نوشته شده چنین آمده است:

«در ابتدای سال جاری پرفسور پوپ متخصص صنایع اسلامی در دارالصنایع شیکاگو، برای معاینه آثار صنعتی به ایران آمد و در روز چهارشنبه

دوم اردیبهشت در منزل آقای جعفر قلی‌خان اسعد بختیاری وزیر پست و تلگراف در حضور حضرت اشرف آقای رضاخان پهلوی رئیس‌الوزراء و رئیس محترم مجلس و هیئت دولت و جمعی از نمایندگان مجلس شورای ملی و مدعوین محترم و کلنی امریکائی در تهران پس از اینکه از طرف آقای میرزا حسین‌خان علاء وزیر مختار سابق ایران در امریکا و نماینده مجلس شورای ملی معرفی گردید خطابۀ ذیل را راجع به گذشته و آتیۀ صنایع ایران به زبان انگلیسی ایراد و آقای میرزا عیسی‌خان صدیق آن را به فارسی ترجمه کردند...

سخنرانی پرفسور پوپ از عمیقترین و مهیج‌ترین این سلسله سخنرانیه‌ها است که در آن جنبه‌های مختلف صنعت و هنر ایران مورد بحث و مطالعه قرار گرفته و رئوس مطالب آن پس از مقدمه عبارتست از: ادوار صنعتی، عوامل موجدۀ، نفوذ صنایع ایران، بعضی از ممیزات صنایع ایران، موازین صنایع ایران، وضعیت فعلی صنایع ایران، اقدامات عملی برای تجدید حیات صنایع ایران، عقاید غلطی که تجدید حیات صنایع ایران را به تعویق می‌اندازد. وی در مقدمۀ گفتار خود یادآور شد که:



پروفسور پوپ

«... متجاوز از دو هزار سال است که دنیای متمدن قدیم و جدید بالفظو پول قریحه ایرانی را در زیبایی تقدیر کرده است. در ایام روم قدیم غنی‌ترین بزرگان آن مملکت، مبالغ‌گزار برای قطعه کوچکی از پارچه‌های دوره‌ساسانی که حتی امروز عظمت وزینت آنها ما را تهییج می‌کند خرج می‌کردند. چین و ژاپن به این دوری به وسایل مختلف از ایران اقتباسات صنعتی می‌کردند. در میناکاری و رنگ‌آمیزی، در کاشی‌سازی و پارچه‌بافی، چین مدیون ایران است. معماری و نقاشی و بدایع ادبی هند شمالی مستقیماً در تحت نظر صنعتگران ایران ایجاد گردید. در زمان سلجوقیان آسیای صغیر دارای صنعت قشنگ و با اهمیتی شده که تقریباً تمام آن کار معلمین و اهل حرفه ایران بود. تقریباً همه صنایعی که منسوب به ترک است اصلاً ایرانی می‌باشد. علاوه بر اینها صنعت ایران به سواحل اروپا نیز رسید و در آنجا اسلوبها و طرزهای جدید در صنایع نشان داده ظرافت و نظافت و جاذبیت خود را به صنایع موجود اروپا عاریت داد.

صنعت ایران بزرگترین سرمایه این مملکت بوده زیرا نه فقط ثروت حیثیت برای آن بوجود آورده بلکه در هر دوره و هر جا برای ایران دوستان ایجاد کرده و هیچ مملکت متمدنی امروز نیست که مجموعه‌یی از صنایع ایران نداشته باشد، مجموعه‌یی که به صاحب نظران نشان بدهد که ایران استحقاق ستایش و محبت دارد. در رشته صنایع به درجه عالی رسیدن کار کوچکی نیست...».

وی در مورد ادوار صنعتی به معماری حیرت‌آور کاخهای عهد هخامنشی اشاره کرده و گفته است: «... سقف‌ها و سرتیرها را از فلزات درخشان پوشانده بودند، ستونها و دیوارها را با کاشیهای طلائی و مینائی تزیین کرده بودند، کف تالارها را از کاشی‌های خوش‌رنگ عالی فرش کرده بودند، طاق‌ها را به طرز ماهرانه‌ای با سدر و آبنوس و عاج که فوق‌العاده مزین به‌الوان درخشان و طلاکاری بود ساخته بودند، پرده‌ها به دیوارها آویخته و روی هم-رفته تمام فضا پر بود از جلال و عظمت...»

در باره دوره صفویه اشاره کرده است که: «این مسأله صحت ندارد که صنایع بزرگ ایران منحصر به ماقبل اسلام است... یونانیهای قدیم که از جلال و شکوه البسه ایرانی در تحیر بوده‌اند اگر لباس شاهزادگان ایرانی را در زمان شاه عباس می‌دیدند چه می‌گفتند؟ زری‌هایی که از فلزات جامد طلا و نقره ساخته شده بود

همچون مواد مایع در حرکت بود و بنظر نرم می آمد و در روی آنها چنان نقش های عالی و زیبا از روی سلیقه و تناسب طرح شده بود که نه فقط عالی و باشکوه بنظر می آمد بلکه نجابت و جلال نیز از آنها هویدا بود... جای بهت و حیرت است که مملکتی این ادوار صنعتی بزرگ را متوالیاً بوجود آورده و ملاک و مأخذی در سبک های متعدد بدست دنیا داده باشد و هنوز در نظر دنیا کاملاً "مکشوف نباشد..." درباره ساختن گنبد یاد آور شده است که: «... در گنبد سازی يك مسألة بسیار مشکلی موجود است و با وجود اینکه رومی ها استادی و مهارت زیاد در معماری داشتند، مع ذلك هیچگاه ندانستند چگونه گنبد را بسازند و هیچوقت نفهمیدند به چه ترتیب يك گنبد گرد بر فراز يك ساختمان چهار گوش بنا کنند، حقیقهٔ این مسئله بسیار دشوار است، زیرا ساختن گنبد گرد در بالای يك عمارت چهار گوش مستلزم ایجاد يك عده سوراخ و روزنه و روپوشهای مشکل و صعبی است و ایرانیها بودند که ترتیب ساختن حجرات محدب را برای پر کردن روزنه ها اختراع کردند و به این وسیله ساختن گنبد را ممکن الوقوع نمودند...».

سراسر این خطابه آموزنده، جالب، مهیج و غرور انگیز است و بجای ست که هر فرد علاقه مند به مفاخر ملی آن را به دقت مطالعه نماید.^۱

جناب دکتر صدیق نقل می کردند که پرفسور پوپ درباره گنبد شیخ لطف الله و اهمیت آن صحبت کرد و افزود که اخیراً این گنبد عظیم و بی نظیر را دیده است که بعضی از کاشیهای آن ریخته و وضع نابسامانی دارد. اعلیحضرت رضاشاه کبیر که بیش از هر کس به مفاخر ملی ایران دلبستگی داشتند باصفهان مسافرت و پس از مشاهده گنبد مبلغی مرحمت فرمودند تا فوراً تعمیرات اولیه گنبد انجام گردد، بعلاوه بعد هم مقرر فرمودند در تهران کاخ مرمر ساخته شود و بر فراز آن نظیر گنبد شیخ لطف الله بوجود آید و البته این امر چند سال بطول انجامید.

۱- رک: مجموعه انتشارات قدیم انجن، ص ۱۰۳ تا ۱۴۷.

اساسنامه و نظامنامه انجمن

نخستین اساسنامه انجمن در سال ۲۴۸۱ (۱۳۰۱ خورشیدی) بدین شرح تدوین گردید:

ماده ۱- انجمنی به نام «انجمن آثار ملی» تأسیس می‌شود و مقصود آن پرورش علاقه عامه به آثار قدیمه علمی و صنعتی ایران و سعی در نگاهداری صنایع مستظرفه و صنایع دستی و حفظ سبک و شیوه قدیم آنها است.

ماده ۲- مقر انجمن طهران است و ممکن است با تصویب هیئت مؤسسه، شعب آن در ولایات نیز تأسیس شود.

ماده ۳- انجمن مرکب است از پانزده نفر اعضای مؤسس که کمیته انجمن را تشکیل می‌دهند و عده غیر محدود اعضای عمومی و اعضای افتخاری.

ماده ۴: هیئت مدیره انجمن از میان اعضای مؤسس و به رأی آنها انتخاب می‌شود و عبارت خواهد بود از يك رئیس و دو نایب رئیس و دو نفر منشی و يك نفر تحویلدار.

ماده ۵: کمیته انجمن دائمی خواهد بود و هر وقت نقصانی در عده اعضای آن پیدا شود خود کمیته به اکثریت دوثلث آراء اعضای جدید انتخاب وعده را تکمیل خواهد کرد.

ماده ۶: دوره عمل سالیانه کمیته انجمن از اول خرداد شروع و در ۳۱ اردیبهشت ختم می‌شود. در اول هر دوره عمل سالیانه، انتخاب هیئت مدیره کمیته تجدید می‌شود.

کمیته انجمن بر حسب ضرورت جلسه منعقد می‌کند و در آخر هر دوره سالیانه راپرت اعمال خود را که بعهده گرفته عرضه می‌دارد.

ماده ۷ : انجمن آثار ملی می‌تواند از دانشمندان ملل خارجه که دوست علم و صنعت ایران هستند و در خارجه مقاصد انجمن را ترویج و تقویت می‌کنند اعضای طرف مکاتبه یا اعضای افتخاری بگیرد.

ماده ۸ : منظورات اولیه انجمن عبارت خواهد بود از :

- ۱- تأسیس يك موزه در طهران.
 - ۲- تأسیس يك كتابخانه در طهران.
 - ۳- ثبت و طبقه‌بندی آثاری که حفظ آنها به عنوان آثار ملی لازم است.
 - ۴- صورت برداشتن از مجموعه‌های نفیس مربوط به کتابخانه یا موزه که در ایران در تصرف دولت و یا مؤسسات ملی است.
- ماده ۹ : مقاصد دیگر انجمن عبارتست از سعی در استفاده از این مجموعه‌ها و بهره‌مند کردن مردم از آنها بواسطه تعلیم در مدارس و عرضه داشتن به انظار عامه و خطابه‌ها و کوشش در حفظ و احیاء صنایع و هنرهای ایرانی.



محمدعلی فروغی (ذکاء الملك)

ماده ۱۰: برای رسیدن به مقاصد مذکوره در فوق، انجمن از دولت و ملت ایران استمداد خواهد کرد؛ از قبیل اینکه از دولت مکان مناسب برای موزه و کتابخانه و استخدام متخصصین عالم برای اداره این تأسیسات تقاضا خواهد نمود و وضع قوانین لازمه برای حفظ آثار ملی را پیشنهاد خواهد کرد.

ماده ۱۱: پس از تأسیس موزه و کتابخانه و تحصیل نتیجه در استخدام متخصصین برای اداره این تأسیسات و پس از ثبت آثار و ابنیه قدیمه و فهرست کردن مجموعه‌های کتب و آثار صنعتی مملکت، انجمن آثار ملی این تأسیسات را به شعبه عتیقات وزارت معارف (فرهنگ) تحویل داده و خود انجمن به کار خود مداومت نموده در حفظ و تکمیل تأسیسات مزبوره مراقبت و اهتمام مخصوص خواهد داشت.

ماده ۱۲: اصلاح یا تغییر اساسنامه با هیئت مؤسسه است. برای اینکه پیشنهاد تغییر اساسنامه در هیئت مؤسسه قابل توجه شود لازم است که لااقل يك ثلث از اعضاء هیئت مؤسسه لزوم آن را تصدیق کرده باشند، در هر صورت يك ماه پس از آنکه پیشنهاد قابل توجه شد در جلسه‌ای که مخصوص این کار منعقد می‌شود طرح و رأی گرفته می‌شود.

ماده ۱۳: برای حل مسائلی که در اساسنامه پیش بینی نشده از قبیل شرایط عضویت انجمن و میزان مساعدت مالی اعضای هیئت مؤسسه و اعضای انجمن و غیره از طرف هیئت مؤسسه نظامنامه‌ای تدوین و تصویب می‌شود که لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۱۴: اصلاح یا تغییر نظامنامه فوق‌الذکر با هیئت مؤسسه است.

نظامنامه انجمن

ترکیب انجمن

ماده ۱: انجمن آثار ملی موافق اساسنامه مرکب است از اعضای

که به سه قسم تقسیم می شوند:

۱- اعضاء مؤسسه.

۲- اعضاء عمومی.

۳- اعضاء افتخاری.

ماده ۲: اعضاء افتخاری اشخاصی هستند که خدماتی به آثار علمی و صنعتی ایران کرده اند یا علاقه خاصی به مقصود انجمن بوسیله معاونت مادی یا معنوی مهمی ابراز می نمایند. علاوه بر این بعضی اشخاص که در خارج از ایران به مقاصد انجمن کمک می نمایند می توانند اعضاء طرف مکاتبه انجمن باشند.

ماده ۳: شرایط عضویت انجمن آثار ملی از قرار ذیل است:

۱- قبول اساسنامه و نظامات انجمن.

۲- تابعیت ایرانیه برای اعضاء مؤسسه و عمومی.

ماده ۴- قبول اعضاء عمومی و افتخاری به معرفی دو نفر از اعضاء هیئت مؤسسه انجمن و به اکثریت آراء آن بعمل می آید.

ماده ۵: اعضاء عمومی سالی هشت تومان و اعضاء مؤسسه سالی شانزده تومان به صندوق انجمن می پردازند.

تبصره: اگر یکی از اعضاء عمومی مبلغ صد و پنجاه تومان یا بیشتر و یا یکی از اعضاء مؤسسه سیصد تومان یا بیشتر دفعه واحده به صندوق انجمن پردازد عضو دائمی شمرده شده و از پرداخت مقرری عضویت معاف خواهد بود.

جلسات هیئت مؤسسه انجمن

ماده ۶: هیئت مؤسسه انجمن اوقات جلسات مرتب خود را به اکثریت آراء اعضاء خود تعیین می نماید. علاوه بر این جلسات فوق العاده به تقاضای هیئت مدیره یا هشت نفر از اعضاء هیئت مؤسسه منعقد تواند شد.

ماده ۷: تصمیمات هیئت مؤسسه وقتی معتبر است که اکثریت اعضاء



پرفسور ارنست هرتسفلد آلمانی

مؤسسه که در طهران اقامت دارند در جلسه حاضر باشند و اگر در موقع اتخاذ تصمیم نسبت به يك مطلبی حد نصاب مذکور حاصل نشد و مطلب موكول به جلسه بعد گردید در جلسه ثانی هر چند نفر از اعضا که حاضر شوند تصمیم آنها

معتبر خواهد بود.

ماده ۸ : در موارد ذیل تصمیمات هیأت مؤسسه انجمن وقتی معتبر است که اکثریت دو ثلث اعضاء هیأت مؤسسه که در طهران اقامت دارند در جلسه حاضر باشند:

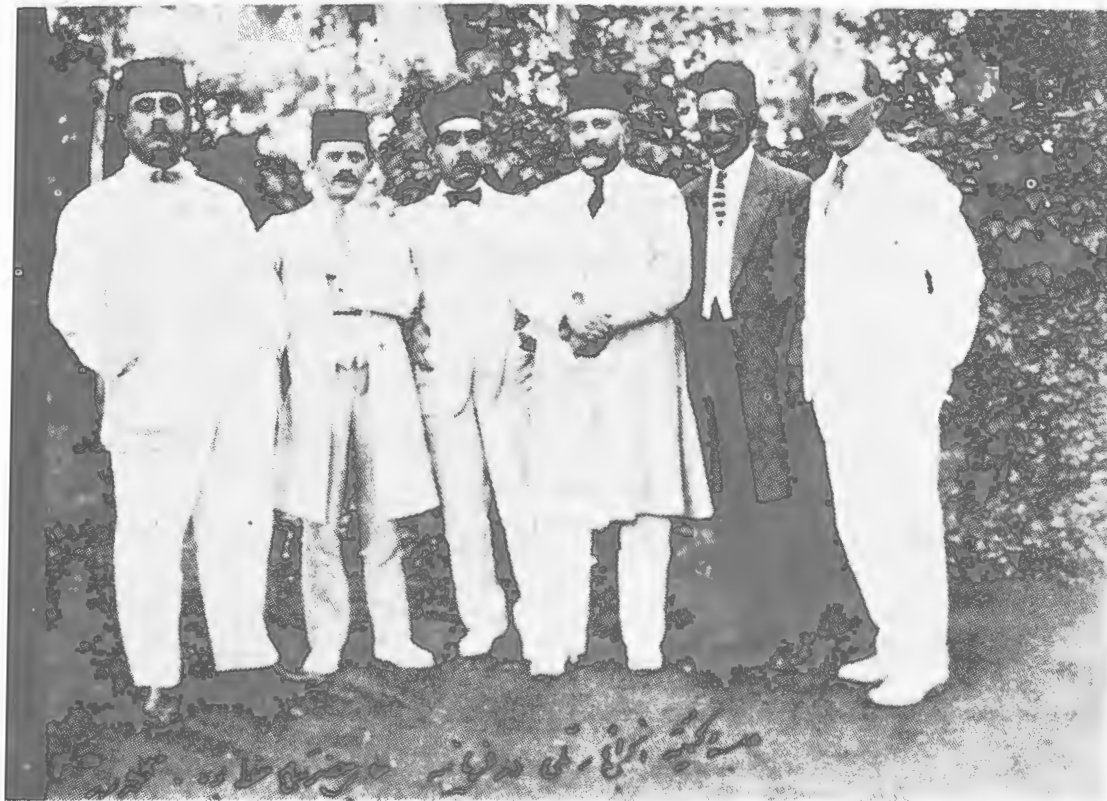
- ۱- انتخاب اعضاء.
 - ۲- تغییر اساسنامه یا نظامنامه.
 - ۳- انفصال اعضاء انجمن.
- تبصره: اشخاصی که به واسطه عذر موجهی از حضور در جلسه ممنوعند می توانند برای دادن رأی یکی از اعضاء حاضره را قائم مقام خود قرار دهند.

هیأت مدیره

ماده ۹ : هیأت مؤسسه انجمن آثار ملی سالی یک مرتبه در ماه خرداد اعضاء هیأت مدیره را انتخاب می کند.

ماده ۱۰- وظایف هیأت مدیره از قرار ذیل است:

- ۱- اجرای تصمیمات هیأت مؤسسه.
 - ۲- اداره کردن امور جاری.
 - ۳- دعوت هیأت مؤسسه به جلسات، موافق ماده ۶.
 - ۴- ترتیب راپرت شش ماهه امور انجمن.
 - ۵- ترتیب راپرت سالیانه برای مجمع عمومی اعضاء.
 - ۶- نظارت در محاسبات انجمن و تهیه حساب شش ماهه از عایدات و مخارج برای هیأت مؤسسه و حساب سالیانه برای مجمع عمومی.
- ماده ۱۱- مطالبی که در هیأت مدیره قطع و فصل می شود به اکثریت تامه آراء است و در صورت تساوی آراء رأی رئیس به هر طرف باشد قاطع است.



جلسه کمیته انجمن آثار ملی در فرمانیه، ۱۴ شهریور ۱۳۰۵ (۱۳۰۵)
از راست به چپ: پرفسور هرتسفلد، حکیم‌الملک، محتشم السلطنه، نصرت الدوله،
حسین علاء، مشارالدوله حکمت

مجامع عمومی

ماده ۱۲- مجمع عمومی که عبارت است از اجتماع اعضاء مؤسسه و عمومی و افتخاری سالی یکمرتبه در اردیبهشت ماه منعقد می‌شود.

ماده ۱۳- دعوت مجمع عمومی برعهده هیأت مدیره است که پس از جلب نظر هیأت مؤسسه روز و ساعت انعقاد جلسه را معین کرده به وسیله دعوت‌نامه یا توسط جراید به اطلاع اعضاء انجمن می‌رساند.

ماده ۱۴- علاوه بر جلسه سالیانه در هر مورد که هیأت مؤسسه انعقاد جلسه مجمع عمومی را لازم بداند، هیأت مدیره به طریق مذکور در ماده قبل اقدام و اعضاء انجمن را دعوت خواهد کرد.

ماده ۱۵- جلسات مجمع عمومی برای مسائل ذیل منعقد می شود:
۱- اصغاء راپرت سالیانه هیأت مدیره راجع به اقدامات آن و کارهایی که شده است.

۲- اصغاء راپرت اموری که مطمح نظر هیأت مؤسسه است و مخارجی که مستلزم اجرای آن امور است.

۳- اطلاع از دارائی و قروض انجمن.

۴- مطالبی که هیأت مؤسسه قبل از اتخاذ تصمیمی نسبت به آن جلب نظر مجمع عمومی را لازم می داند.

ماده ۱۶- جلسات مجمع عمومی وقتی رسمیت می یابد که ثلث اعضائی که در طهران هستند حاضر باشند ولیکن اگر در دفعه اول حد نصاب حاصل نشد حضور هر عده ای برای رسمی بودن جلسه کافی است.

محاسبات انجمن

ماده ۱۷- هیأت مدیره در هر شش ماه يك مرتبه راپرت محاسبات انجمن را تنظیم کرده به هیأت مؤسسه انجمن تقدیم می کند و در هر سال نیز يك بار راپرت جامع دیگری به مجمع عمومی انجمن عرضه خواهد کرد.

ماده ۱۸- محاسبات انجمن به عهده تحویلدار است. مشارالیه باید بصورت محاسبات انجمن را از دارائی و قروض و عایدات و مخارج در دفاتر منظم نگاهدارد. ترتیب راپرت ششماه و سالیانه جمع و خرج انجمن نیز به عهده اوست.

ماده ۱۹- هیچ خرجی از عایدات انجمن جایز نیست مگر اینکه در حدود

اعتباری باشد که قبلاً بتصویب هیأت مؤسسه رسیده است. کلیه عایدات انجمن باید به تحویلدار سپرده شود و حواله جاتی که صادر می شود به امضای رئیس و تحویلدار برسد.

انفصال اعضاء انجمن

- ماده ۲۰ - در موارد ذیل اعضاء انجمن از عضویت منفصل می شوند:
- ۱- در صورت تخلف از شرایط عضویت مقرر در ماده ۳.
 - ۲- اقدام بر ضد انجمن و دخالت به امور سیاسی به نام انجمن.
- ماده ۲۱ - در موارد مذکوره در ماده قبل انفصال اعضاء منوط به تصمیم هیأت مؤسسه است.

۲

هزاره فروسی



مجسمه حکیم ابوالقاسم فردوسی از سنگ مرمر کار اریک پارچه به بلندی ۳۳٫۵ متر در میدان فردوسی، کار استاد ابوالحسن صدیقی

آرامگاه فردوسی

نخستین اقدام مهم و اساسی در راه بزرگداشت مفاخر ملی ایران که وسایل و موجبات اولیه آن به ابتکار انجمن آثار ملی فراهم آمد بنای آرامگاه سخن‌سرای بزرگ ایران حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی و تشکیل کنگره بین‌المللی بمناسبت هزارمین سال تولد آن سراینده عالیقدر بود که در سال ۲۴۹۳ شاهنشاهی (۱۳۱۳ خورشیدی) انجام گردید.

تأمین مخارج. جناب آقای دکتر عیسی صدیق که از آغاز تا انجام کار بنای آرامگاه و جشن هزاره فردوسی در جریان امر قرار داشته‌اند به مناسبت جشنواره طوس که در تابستان ۲۵۳۴ (۱۳۵۴ ه.ش) تشکیل گردید مقاله‌ای بسیار سودمند تحت عنوان «چگونه آرامگاه فردوسی بوجود آمد» نوشته‌اند و درباره تأمین مخارج ساختمان آرامگاه شرح داده‌اند که برای رسیدن بدین منظور انجمن از ۲۴۸۱ (۱۳۰۱ ه.ش) جمع‌آوری اعانه را از توانگران وطن پرست و مدارس آغاز کرد، سپس افزوده‌اند:

«این بنده که از شهریور ۱۳۰۱ ریاست دبیرستان سیروس و معلمی دارالفنون را بعهده داشت بدعوت انجمن در باغ نیرالدوله در خیابان ژاله که مسکن تیمورتاش بود و پسرانش در دبیرستان سیروس بتحصیل اشتغال داشتند حضور یافتم... انجمن نیت خود را درباره ساختن آرامگاه فردوسی و جمع‌آوری اعانه ابراز داشت و از من خواست در این امر اقدام کنم. بنده هم پس از سخنرانی مختصری برای دانش‌آموزان دبیرستان درباره فردوسی و شاهنامه از آنان خواستم که هر کس به اندازه وسع خود به ساختن آرامگاه آن مرد بزرگ کمک کند و ظرف دو هفته یک هزار و سیصد تومان توسط دفتر دبیرستان جمع‌آوری و تسلیم ارباب کیخسرو شاهرخ خزانه‌دار انجمن گردید.

در سال ۱۳۰۳ انجمن آثار ملی از مجلس شورای ملی کمک خواست. چون مجلس بموجب قانون نمی‌تواند پیشنهاد خرج بدهد در ۱۵ اسفند ۱۳۰۳ تصمیم قانونی اتخاذ کرد و از دولت دعوت نمود که برای مقبره حکیم ابوالقاسم فردوسی مبلغ کافی در بودجه منظور و برای تصویب به مجلس پیشنهاد کند... وقتی سردار سپه در ۲۱ آذر ۱۳۰۴ به سلطنت برگزیده شد نه فقط شخصاً به ساختن آرامگاه کمک فرمود بلکه در نخستین کابینه دوران سلطنت او فروغی که ریاست دولت و انجمن آثار ملی را بعهدہ داشت لایحه‌ای به مجلس شورای ملی تقدیم کرد که در اول بهمن ۱۳۰۴ تصویب شد و بموجب آن به وزارت دارایی اجازه داده شد تمبری به نام فردوسی اشاعه و درآمد خالص آنرا به ساختن مقبره فردوسی تخصیص دهد. به این ترتیب انجمن از حمایت و کمک دولت و مجلس برخوردار گشت و شروع به اقدام کرد... در ۲۹ تیر ۱۳۰۶ نیز قانونی به تصویب مجلس رسید که متن آن عیناً نقل می‌شود:

«ماده واحده: مجلس شورای ملی به اداره مباشرت مجلس اجازه می‌دهد از صرفه جوئیهای ۱۳۰۶ مجلس شورای ملی مبلغ بیست هزار تومان برای ساختمان مقبره حکیم ابوالقاسم فردوسی اختصاص دهد تا علاوه بر وجوه اعانه که توسط انجمن آثار ملی برای همین منظور جمع‌آوری شده است با نظارت اداره مباشرت مجلس به مصرف برسد. از تاریخی که موجود شدن محل بیست هزار تومان برای اداره مباشرت مجلس مسلم شود اقدام به شروع ساختمان مقبره مذکور نباید بیش از دوماه بطول انجامد و اداره مباشرت مأمور اجراست.»

با شصت هزار تومان اعانه مردم و مجلس بنای آرامگاه از ۱۳۰۷ با نظارت شاهرخ و شعبه انجمن آثار ملی در خراسان آغاز شد... در ۱۳۰۹ وجوه به اتمام رسید، مجلس شورای ملی مجدداً در سوم تیرماه ۱۳۰۹ قانونی تصویب کرد که بموجب آن از صرفه جوئی بودجه مجلس مبلغ ده هزار تومان برای تکمیل ساختمان مقبره به اداره کارپردازی مجلس تأدیه شود، با اینهمه ساختمان آرامگاه به اتمام نرسید و انجمن آثار ملی تصمیم گرفت از راه بخت آزمائی هفتاد هزار تومان دیگر بدست آورد. البته ممکن بود تمام وجوه لازم یک باره از دولت گرفته شود ولی منظور انجمن این بود که در ساختن آرامگاه بزرگترین سخنور ملی حتی الامکان افراد ملت شرکت جویند تا حس میهن پرستی آنان بیشتر بیدار شود و با اهمیت فرهنگ و مقام بزرگان خود پی برند...

سه نفر از اعضاء هیأت مؤسس انجمن یعنی حکیم الملک و حسین علاء و

کیخسرو شاهرخ تعیین شدند تا به اتفاق عبدالحسین نیکپور نماینده مجلس شورای ملی و رئیس اطاق بازرگانی، و مصطفی فاتح معاون شرکت نفت ایران وانگلیس، و دکتر صدیق رئیس دارالمعلمین عالی وسائل بخت آزمائی را فراهم آورند. طبق تصویبنامه دولت مقرر شد که نمایندگان وزارت دادگستری و بانک ملی ایران و شهربانی و شهرداری تهران نیز در مراسم بخت آزمائی شرکت جویند. این هیأت حکیم الملك را به ریاست وعلاء رابه نیابت ریاست و دکتر صدیق را به دبیری برگزید.

وبا تشکیل هفته ای دو جلسه در دارالمعلمین عالی مقدمات کار فراهم



هیأت مدیره بخت آزمائی فردوسی

از راست به چپ : نماینده بانک ملی، کیخسرو شاهرخ، حسین علاء، حکیم الملك، دکتر صدیق، نماینده شهربانی، مصطفی فاتح، نماینده شهرداری

آمد. آقای دکتر صدیق در مقاله سابق الذکر نوشته اند که:

«مقدمات امر توسط کارمندان دانشسرای عالی با تصویب و نظارت هیأت فراهم شد و روز ۱۲ بهمن ۱۳۱۲ با حضور هشتصد نفر از اعظم تهران فروغی نخست وزیر و رئیس انجمن ضمن سخنرانی بسیار جالبی در دانشسرای عالی راجع به فردوسی وشاهنامه توجه مردم ایران را نسبت به لزوم کمک به اتمام آرامگاه جلب کرد و از روز بعد بلیطهای بخت آزمائی به معرض فروش گذاشته شد



بنیت آرمانی برای تحسین ساختمان آرامگاه و تحلیل بن بست اسرار فرودوسی

از این پیش ختم سخن کن بخت
 نبدان از تابش آفتاب
 که از باد و باران نماند کند
 پس از زلزل بر من گدازین
 که ختم سخن را پراکنده ام



جهان کرده ام از سخن چن بخت
 بنا می آید که دو خراب
 بی آنکه دم از نظم کاهی بند
 هر نفس که دارد پیش وای وین
 غیرم از این پس که من ندهم

آرامگاه بن بست دوسی

بهای بیله ده یال

شماره ۷۲۷۹۷.....

بیلهای بن بست آرمانی در آغاز تیسر ماه ۱۳۱۳ در تحت نظارت دبائنت ملی ایران ، در طهران کشیده خواهد شد

جوائز بھرہ برائے نگران بشرح ذیل ۱۶۰۰۰ جائزہ جمعاً، مبلغ ۸۰۲۷۰۰ روپا

دوروی بلیط بخت آزمایی فردوسی

اتمام آرامگاه رسید و به این ترتیب جمعاً با یکصد و چهل هزار تومان آرامگاه ساخته و پرداخته شد».

تعیین مدفن فردوسی

برای بنای آرامگاه فردوسی لازم بود که محل صحیح قبر آن سخنور بزرگ تعیین گردد. قدیمترین مأخذی که در آن درباره فردوسی و مدفن او سخن رفته کتاب چهارمقاله تألیف احمد بن عمر بن علی نظامی عروضی سمرقندی است که در حدود سال ۵۵۰ هجری قمری تألیف شده است. نظامی عروضی در مقاله دوم کتاب خود (حکایت ۹) ضمن شرح حال فردوسی آورده است که در همان هنگام که صله سلطان محمود را برای فردوسی از دروازه رودبار به شهر طوس می آوردند جنازه فردوسی را از دروازه رزان بیرون می بردند. پس از آن نوشته است که: «در آن حال مذکری بود در طبران تعصب کرد و گفت: من رها نکنم تا جنازه او در گورستان مسلمانان برند که او رافضی بود، و هر چند مردمان بگفتند با آن دانشمند در نگرفت. درون دروازه باغی بود ملک فردوسی، او را در آن باغ دفن کردند. امروز هم در آنجاست و من در سنهٔ عشر و خمسمائه [۵۱۰] آن خاک زیارت کردم»^۱.

در اردیبهشت ماه سال ۲۴۸۵ (۱۳۰۵ ه. ش) ارباب کیخسرو شاه رخ خزانه دار انجمن آثار ملی و رئیس کارپردازی مجلس شورای ملی برای تعیین محل صحیح قبر به طوس اعزام شد^۲ و با تحقیقاتی که از دانشمندان و فضلاء خراسان و معتمدین و معمرین طوس و دهات اطراف آن کرد معلوم شد که باغی که متعلق به حاج میرزا محمد علی قائم مقام التولیه است همان باغ فردوسی می باشد. سپس با همکاری و

۱- چهارمقاله به کوشش دکتر معین، ص ۸۳.

۲- جناب آقای دکتر صدیق فصلی سودمند و مشبع در جلد دوم یادگار عمر (ص ۲۰۱) تا ۲۳۳) تحت عنوان هزاره فردوسی نوشته اند که در نوشتن این فصل از آن هم استفاده شده است.

کَمْک والی خراسان و سرتیب امان‌الله جهانبانی فرمانده لشکر شرق و نمایندگان خراسان در مجلس و نایب التولیه آستان قدس رضوی در باغ مذکور به کاوش پرداختند و قبر را یافتند، شاهرخ در گزارشی به اطلاع انجمن رسانید که «پس از تجسس در باغ تختگاهی یافته شد و با خاک برداری آثار قبر ظاهر گردید، این تختگاه که طول آن شش متر و عرضش پنج متر است مدفن فردوسی است». حاج قائم مقام التولیه باغ را که بیست و سه هزار مترمربع وسعت داشت به انجمن آثار ملی هدیه کرد و فرزندان ملک‌التجار نیز هفت هزار متر مربع از اراضی جنب باغ را هدیه کردند و عرصه‌ای به مساحت سی هزار مترمربع برای شروع به کار آماده شد.^۱

ساختمان آرامگاه

آقای دکتر صدیق نوشته اند که:

«راجع به سبک ساختمان آرامگاه انجمن آثار ملی معتقد بود که خدمات فردوسی در احیای تاریخ و فرهنگ ایران شبیه خدمات کورش بزرگ است و آرامگاه فردوسی باید تاحدی شبیه آرامگاه کورش بزرگ در پاسارگاد باشد. طبق این نظر پرفسور هر تسفلد آلمانی و آندره گدار فرانسوی رئیس باستانشناسی ایران که تخصصش در معماری بود و کریم طاهرزاده مهندس معمار که در آلمان تحصیل کرده بود نقشه‌هایی پیشنهاد کردند، و انجمن آثار ملی نقشه ساختمان کنونی را تصویب کرد.^۲»

مساحت زیربنای اصلی آرامگاه ۹۴۵ مترمربع بود و اتاق آرامگاه بر فراز سکوئی انباشته قرار داشت و بردیوارهای دو طرف راهرو ورودی شش قطعه نقوش برجسته سنگی متضمن صحنه‌هایی از داستانهای شاهنامه و بردیوارهای شمالی و جنوبی اتاق دولوحه سنگ نبشته تاریخی نصب شده بود. در قسمت پایین جبهه جنوبی بیرون بنای آرامگاه به خط نستعلیق چنین نبشته بود:

۱- یادگار عمر، ج ۲، ص ۲۰۳

۲- مقاله جشنواره طوس.



آرامگاه فردوسی در طوس

«از آنجا که اراده پاک اعلیحضرت اقدس شاهنشاه معظم رضا شاه پهلوی که روزگار پادشاهیش دراز باد همواره بر بلند ساختن نام ایران و ایرانیان است چون حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی بواسطه نظم کتاب شاهنامه، زبان و تاریخ و قومیت ایرانیان را زنده و پاینده نموده است تجلیل و تکریم نام نامی آن بزرگوار منظور نظر بلند شاهانه گردید پس جمعی از پروردگان ذات اقدس

همایونی که به پیروی از نیات خسروانه تشکیل جمعیتی بنام انجمن آثار ملی داده بودند این بنا را بر روی مدفن فردوسی برپا ساختند چون بقرائنی که در دست است میتوان یقین کرد که در این سنوات از زمان ولادت آن سخن سنج یگانه هزار سال تمام شمسی میگذرد در موقع انجام این بنا که در سال هزار و سیصد و سیزده شمسی هجری روی داد بساط جشن هزار ساله فردوسی گسترده شد و بسیاری از دانشمندان جهان در آن جشن فرخنده شرکت جستند و نفس نفیس اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی از حضور خود در جشن و در این مکان روان تابناک فردوسی را شاد و جور و جفائی را که از طرف ابنای زمان درباره آن حکیم سخن پرور بکار رفته بود جبران فرمودند»

بر دیوار لوح سنگی که بر دیوارهای شمالی و جنوبی اتاق نصب بود به خط نستعلیق چنین نوشته شده بود:

بنام خداوند بخشنده مهربان

هر آنکس که از مردگان دل بهشت
نباشد همان دوستی را درست
مده کار کرد نیاکان بیباد
مبادا که پند من آیدت یاد
چو نیکی کند کس تو پاداش کن
ممان تا شود رنج نیکان کهن
در هنگامی که هزارمین سال ولادت حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی
نزدیک می شد دولت و ملت ایران بر آن شدند که به پاس شاهکار جاویدانی آن
گوینده بزرگ بنای رفیعی بر سر آرامگاه خاکی او برپا نمایند. از آن میان چند
تن از خدمتگزاران ایران بر این کار فرخنده پیشقدم گشتند و بنام حفظ آثار
ملی انجمنی گرد آوردند و از هیچگونه کوشش در راه انجام مقصود مبارک
فروگذار نکردند و جماعتی بسیار از ایرانیان بلند همت بلکه سراسر باشندگان
این کشور از کیسه فتوت خود در این کار فرخنده یاری نمودند. وزارت معارف
دولت شاهنشاهی نیز بوظیفه خویش از مساعدت دریغ ننموده و تا آنکه این
بنای رفیع و بلند که بفراخور عظمت مقام گوینده شاهنامه بس ناچیز و حقیر

است ساخته و پرداخته گردید ، پس در مهرماه هزار و سیصد و سیزده هجری شمسی درموقعی که بیش از یکصدتن از برگزیدگان و دانشمندان و خاورشناسان و شاعران جهان در طوس گرد آمده بودند در پیشگاه اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی این بنای یادگار گشایش یافت .

به هنگام گشایش آرامگاه فردوسی اعضاء هیأت مؤسسين انجمن از این قرار بوده اند: محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) رئیس انجمن- حسن پیرنیا (مشیرالدوله) حسن اسفندیاری (حاج محتشم السلطنه) - ابراهیم حکیمی (حکیم الملک) - نظام الدین حکمت (مشارالدوله) - سید حسن تقی زاده - محمدعلی فرزین - علی اصغر حکمت وزیر معارف- حسین علا- کیخسرو شاهرخ^۱.
بر روی سنگ مرقد حکیم به خط نستعلیق نوشته شده است:

بنام خداوند جان و خرد

این مکان فرخنده ، آرامگاه استاد گویندگان فارسی زبان و سراینده داستانهای ملی ایران حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی است که سخنان او زنده کننده کشور ایران و مزار او در دل مردم این سرزمین جاویدان است .

تاریخ تولد ۳۲۳ هجری قمری تاریخ وفات ۴۱۱ هجری قمری- تاریخ بنای آرامگاه ۱۳۵۳ هجری قمری . «
آقای دکتر صدیق نوشته اند^۲ :

« کسانی که عملاً در بنای ساختمان آرامگاه شرکت داشتند عبارت بودند از حسین لرزاده معمار و سرکار ساختمان و استاد حسین حجارباشی زنجانی و تقی درودیان مباشر جمع و خرج. حجارباشی علاوه بر تراشیدن سنگهای خلع آرامگاه سنک بزرگ مرمر روی قبر را مجاناً تقدیم کرد و انجمن زرتشتیان تهران چهل- چراغ برنز داخل مزار را هدیه نمود...»

- ۱- شادروانان: حسن مستوفی (مستوفی الممالک)- عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی)- فیروز میرزا فیروز (نصرت الدوله) تازمانی که در قید حیات بوده اند عضویت هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی را داشته اند.
- ۲- مقاله برای جشنواره طوس .

با وجود تمام زحماتی که در ساختن آرامگاه کشیده شد در اثر آشنانبودن سازندگان به فنون آزمایش خاک و محاسبه سنگینی آن بنای عظیم با هجده متر ارتفاع و عدم اطلاع از آبهای زیرزمینی ناحیه طوس، ناستواری بنا از همان سالهای اول ظاهر گشت و باینکه در ظرف سی سال چند بار به کانال سازی وزه کشی مبادرت شد و قسمت فوقانی بنا از زوائد تخلیه گردید نشست ساختمان ادامه یافت. سرانجام پس از مشورت با جمعی از اهل فن راه چاره در این دیده شد که بنارا برچینند و از نو بر پی محکم بسازند و این کار در سال ۱۳۴۳ آغاز شد و چهار سال بطول انجامید^۱.

در مجله هوخ، شماره ۴، سال بیست و هفتم (تیرماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی) که در همین روزهای اخیر منتشر گردیده قسمتی از یادداشتهای خصوصی ارباب کیخسرو شاهرخ بوسیله سرتیپ بازنشسته دکتر جهانگیر اوشیدری درج شده است که ذیلاً سه نکته درباره آرامگاه فردوسی از آن نقل می شود:

۱- نخستین گام انجمن [انجمن آثار ملی] زنده نمودن نام فردوسی از راه برپاساختن آرامگاه آن سخنور نامدار بود، برای این کار پول لازم بود، پول نبود... اعتبار این کار از راه پولهای صرفه جوئی و بلیط قرعه کشی و جریمه و کلا و اعتباری که دولت در اختیار گذاشت و مجلس تصویب کرد پایدار گردید.

۲- اعلیحضرت رضاشاه در سال ۱۳۱۰ تشریف فرمای خراسان و توس شدند، در توس فرمودند: راه از جاده قوچان به مشهد تاتوس را کی ساخته و چه مبلغ هزینه برداشته است؟ بعرض رسید راه را وزارت طرق از پول دولت ساخته و سه هزار تومان هزینه شده است. فرمودند چون کارهای آرامگاه فردوسی باید تمام از طرف ملت بشود مورد ندارد که وزارت طرق از پول دولت این راه را بسازد، هر مبلغ خرج شده خودم می دهم که پول دولت پس داده شود و تمام پول ملت باشد.

۳- آقای قائم مقام التولیه صاحب باغ [باغ فردوسی] بیست هزار متر تقدیم اعلیحضرت و قبالة آن را به نام اعلیحضرت نموده بودند و اعلیحضرت حاشیه آن را به نام انجمن آثار ملی برای آرامگاه فردوسی منتقل فرموده و برای من [شاهرخ] فرستادند، بعداً نیز برحسب ضرورت ده هزار متر دیگر مزید شد، روان همه خدمتگزاران، سخنوران و پادشاهان بزرگ شاد و بیادباد.

۱- شرح تجدید بنای آرامگاه فردوسی در فصلی جداگانه در جای خود خواهد آمد.

کنگره فردوسی

کنگره بین‌المللی حکیم ابوالقاسم فردوسی به مناسبت هزارمین سال تولد آن سخنسرای بزرگ از ۱۲ تا ۱۶ مهرماه ۱۳۹۳ (۱۳۱۳ ه.ش.) خورشیدی در تهران تشکیل شد و آرامگاه او در طوس بوسیله اعلیحضرت رضاشاه کبیر گشایش یافت. از چندسال پیش از آن، مردم جهان از تصمیم دولت و ملت ایران در بزرگداشت شاعر بزرگ خود فردوسی آگاه شده بودند و بتدریج در پایتخت‌ها و شهرهای مهم اکثر کشورها و غالباً به ریاست پادشاهان و رؤسای جمهور و بزرگان و پیشوایان ملتها، مجامع و انجمنهایی برای بزرگداشت شاعر بزرگ ملی ایران تشکیل می‌شد. مقارن تشکیل کنگره فردوسی در ایران در اغلب پایتختها و شهرهای مهم جهان نیز بتدریج جشنهایی به نام فردوسی برپا گردید و بدین ترتیب دنیای متمدن نیز هزارمین سال ولادت شاعر بزرگ ایران را تبجیل کرد.

در سال ۱۳۹۲ (۱۳۱۲ ه.ش.) از طرف انجمن آثار ملی و وزارت معارف از مستشرقان و دانشمندان ایران‌شناس و ایران‌دوست کشورهای مختلف جهان دعوت بعمل آمد تا برای شرکت در کنگره فردوسی به ایران بیایند و به آنان اطلاع داده شد که در تمام مدت توقف در ایران از هنگام رسیدن به مرز تا خروج از آن مهمان دولت و ملت ایران خواهند بود.

مجلس شورای ملی و وزارت معارف مبلغ چهل و پنجهزار تومان از صرفه جوئیهای خود برای مخارج جشن و کنگره بین‌المللی و پذیرایی نمایندگان کشورها و مستشرقین تأمین کردند، و از طرف دولت آقای دکتر صدیقی بریاست

دبیرخانه کنگره برگزیده شدند ، محل اقامت و پذیرایی شرکت کنندگان در آن زمان مشکلی بود که می بایست بطریقی حل گردد . در آن تاریخ در پایتخت ، مهمانخانه آبرومندی که بتوان چهل پنجاه نفر از فضلاء خارجی را در آن پذیرایی کرد وجود نداشت لذا انجمن آثار ملی تصمیم گرفت در منازل اعیان و اشراف چون ناصرالملک نایب السلطنه سابق ، صارم الدوله (اکبر مسعود) وزیر سابق دارائی فرزند ظل السلطان ، فرمانفرما نخست وزیر سابق ، ابراهیم قوام الملک شیرازی از مهمانان خارجی پذیرایی شود و زردشتیان هندوستان در خانه ارباب کیخسرو شاه رخ اقامت کنند .^۱

دانشمندان خارجی یا از راه روسیه و بندر پهلوی و یا از راه بغداد و قصر شیرین وارد ایران می شدند و با اتومبیلهایی که در مرز برای آنان آماده شده بود به تهران می آمدند . در شهرهای بین راه و همچنین در مسافرت به مشهد و سایر شهرها نیز در منازل اشخاص از آنان پذیرایی می شد ، چنانکه در نظر گرفته شده بود که در رشت در منزل آقای سردار معتمد و در کرمانشاه در منزل امیرکل و در اسدآباد در منزل فرمانفرما و در همدان در منزل معز الملک و در قزوین در باغ لاله زار از مهمانان پذیرایی شود .

در مسافرت به مشهد در دامغان منزل حاج میرزا آقا کرامتی و در مراجعت در سمنان منزل آقای فامیلی ، در شاهرود باغ امیر اعظم ، در سبزوار منزل دکتر غنی و در نیشابور منزل نیرالدوله یا سرمقبره خیام برای پذیرایی آنان در نظر گرفته شده بود . در مسافرت به اصفهان و شیراز مقرر بود که در اصفهان در منزل صارم الدوله و معتمد الدوله و در شیراز بوسیله حاج احمد لاری و آقای شیرازی و دیگران پذیرایی شوند .

اعضای کنگره فردوسی

اسامی دانشمندان خارجی که در کنگره بین المللی فردوسی شرکت کردند به ترتیب حروف الفبا از این قرار است:

۱- آشیکاگا (آتسوجی) (Ashikaga Atsuuji) معلم دانشگاه کیوتو ،

نماینده ژاپن

۲- آقا اوغلو (دکتر محمد) معلم صنایع شرق نزدیک در دانشگاه میشیگان ،

انازونی

۳- انکلساریا (بهرام گورته موریس) (Anklesaria. B.T.) ، نماینده

پارسیان هند

۴- اسحق (محمد) ، نماینده هند

۵- اوربلی (Orbeli) ، نماینده شوروی

۶- اونوالا (Unvala (J. M.) ، نماینده پارسیان هند

۷- برتلس (Bertels) ، نماینده شوروی

۸- بک (سباستیان) (Sebastian Beck) استادالسنه شرقیه برلن ، نماینده

آلمان

۹- بلوتنیکیف (Bolotnikov) ، نماینده شوروی

۱۰- پاگلیارو (Antonina Pagliaro) استاد تاریخ السنه و معلم زبان

ایرانی در دانشگاه سلطنتی رم ، نماینده ایتالیا

۱۱- درینک واتر (جان) (Drinkwater, John) شاعر انگلیسی ، نماینده

انگلستان

۱۲- راس (سردنسن) (Ross, sir. Denison) مدیر مدرسه علوم شرقی

لندن ، نماینده انگلستان

۱۳- رضوی (پرفسور محمد طاهر) ، استاد کالژ پرزیدنسی ، نماینده هندوستان

۱۴- روماسکویچ (Romaskevitch) ، نماینده شوروی

- ۱۵- ریپکا (Dr. Rypka)، نماینده چکوسلواکی
- ۱۶- زهاوی (جمیل صدقی)، نماینده عراق
- ۱۷- زاره (پرفسور دکتر فردریک) (Sarre. Dr. Frederick)، نماینده آلمان
- ۱۸- سلجوقی (لسان‌الدین)، نماینده افغانستان
- ۱۹- عبادی (عبدالحمید) استاد تاریخ اسلام در دانشگاه ادبیات مصر، نماینده مصر
- ۲۰- عزام (عبدالوهاب) استاد فارسی در جامعه مصر، نماینده مصر
- ۲۱- فریمان (Freiman)، نماینده شوروی
- ۲۲- فهیم بیرقدارویچ (Bairaktarvitch) معلم دانشگاه بلگراد، نماینده یوگوسلاوی
- ۲۳- کریستنسن (آرتور) (Christensen. Arthur)، نماینده دانمارک
- ۲۴- کوپرلی‌زاده (فوادبیک)، نماینده ترکیه
- ۲۵- آقای کوهنل (دکتر ارنست) (Kühnel, Dr. Ernst) مدیر آثار قدیمه اسلامی موزه‌های برلین، نماینده آلمان
- ۲۶- کونتنو (Contenau. Dr. G.) نماینده فرانسه
- ۲۷- گدار (آندره) مدیر اداره عتقیات وزارت معارف
- ۲۸- گنتر (Franklin Mott Gunther) مدیر مؤسسه امریکائی هنر و باستانشناسی ایران، نماینده امریکا
- ۲۹- لاحق، نماینده افغانستان
- ۳۰- مار (Pr. Marr)، نماینده شوروی
- ۳۱- ماسه (هانری) (Massé Henri) استاد مدرسه ملی السنة شرقی، نماینده فرانسه
- ۱- نام او در کتاب هزاره فردوسی نیست اما در فردوسی‌نامه مهر ص ۲۹۳ ذکر شده است.

۳۲- مایر (Dr. L. A.) استاد صنایع و تاریخ شرق نزدیک در دانشگاه

اورشلیم، نماینده فلسطین

۳۳- محمد حبیب استاد تاریخ دانشگاه علیگر، نماینده هند

۳۴- مینورسکی، نماینده شوروی

۳۵- نظام الدین، نماینده هند

۳۶- نهادیک (علی)، نماینده ترکیه

۳۷- نوشیروان (سردار دستور)، نماینده پارسیان

۳۸- هادی حسن، نماینده هند

۳۹- هاکن (J. Hackin) استاد مدرسه لوور، نماینده فرانسه

۴۰- هروزنی (Hrozny Prof. Dr. B.)، نماینده چکوسلواکی

۴۱- یارنوس کیویچ فرمانده لشکر مرکزی ورشو و رئیس انجمن ایران و

لهستان، نماینده لهستان

و اعضای ایرانی کنگره به ترتیب حروف الفبا عبارت بودند از :

اسفندیاری (حسن) - اعتصام (یوسف) - اعتصامزاده (ابوالقاسم) - اقبال

(عباس) - اورنگ - ایزدی (سلیم) - بهار (ملك الشعراء) - بهمنیار (احمد) -

پورداود - پیرنیا (حسین) - پیرنیا (حسن) - ندین (محمد) - تربیت (محمد علی) -

نقوی (حاج سید نصرالله) - حکیمی (ابراهیم) - خلیلی (عباس) - دهخدا (علی

اکبر) - رهنما (زین العابدین) مدیر سابق روزنامه ایران، از مدیران جراید

مرکز - سمیعی (حسین) - سیاح (جعفر) - شفق (دکتر رضازاده) - شکوه (حسین)،

شمس العرفا - شبانی (عبدالحسین) - صفوی (رحیمزاده) - طبسی (سید حسن) -

فروزانفر (بدیع الزمان) - فلسفی (نصرالله) - قریب (عبدالعظیم) - کسروی (سید

احمد) - کمالی (حیدر علی) - مایل (یدالله) از مدیران جراید مرکز - میرزایانس -

مینوی (مجتبی) - نصر (دکتر ولی الله) نقیسی (سعید) - وثوق (حسن) - وحید

دستگردی - هدایت (مهدیقلی) - هدایت (رضاقلی) - همایی (جلال الدین) یاسمی

(رشید)

(ساعت نه صبح روز دوازدهم مهرماه سال ۲۴۹۳ شاهنشاهی (۱۳۱۳ شمسی) نخستین جلسه کنگره درتالار دارالفنون رسماً افتتاح شد و محمد علی فروغی رئیس الوزراء و رئیس انجمن آثار ملی باخطابه ذیل کنگره را افتتاح کرد:

نطق افتتاحیه فروغی

« آقایان محترم ، پیش از آنکه کنگره افتتاح یابد و به کار مشغول شوید لازم می دانم از جانب دولت و ملت ایران و همچنین از طرف انجمن آثار ملی نسبت به مهمانان ارجمندی که از خارجه به ایران مسافرت نموده اند یک وظیفه بسیار دلنشین را ادا کنم، یعنی از اینکه دعوت ما را اجابت فرموده و قدم رنجه نموده و تحمل سفری دور و دراز را برخود هموار ساخته اند مراتب امتنان و تشکر تام و تمام خودمان را اظهار دارم و نیز آقایان را مستحضر سازم که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بنده را مفتخر به این مأموریت فرموده اند که مسرت خاطر مبارکشان را از ورود مهمانان عزیز به طهران و از اینکه در طوس حضرات را ملاقات خواهند فرمود ابراز و ابلاغ نمایم.

هرچند به قول شیخ سعدی: «سفر دراز نباشد به پای طالب دوست» و آقایان محترم در قبول این زحمت فی الواقع دعوت فردوسی را اجابت فرموده اند و چون دعوت کننده فردوسی باشد می توان گفت: « بعد منزل نبود در سفر روحانی» ولیکن ما هموطنان فردوسی که هنوز به قول خواجه حافظ در «سراجه» تقدیر تخته بند تنیم» و پذیرایی از آقایان به نیابت از فردوسی بر حسب اقتضای وقت برعهده مقرر گرفته است توجه داریم به اینکه مهمانان عزیز ما در اقدام به این مسافرت می دانستند که مشقاتی جسمانی درپیش دارند اما روح لطیف و بزرگ ایشان به قوت همت محنت را راحت دانست و ملت ایران را رهین منت ساخت. بلی آقایان محترم، بر ما منت گذاشتید اما در این اقدام حق داشتید زیرا که فردوسی اگر چه جسماً مقید به علائق ایرانیست است روحاً فرزند انسانیت است، بلکه اگر اجازه دهید عرض می کنم یکی از پدران انسانیت است. اما معرفی فردوسی برای شما دانشمندان از مثل من نادانی سزاوار نیست و بهتر

آنست که اوقات گرانبهای شمارا به خود مشغول نکنم و چون ادای تکلیف نمودم مجال بدهم که به کارهای مفید بپردازید. پس کنگره را افتتاح و اعلام می کنم و چون آقای علی اصغر حکمت در رأس وزارت معارف هستند و به این مناسبت نسبت به مهمانان تکلیف خاصی دارند از ایشان خواهش می کنم وظیفه خود را بجا آورند و برای اینکه شاید بعضی از حضار بازبان فارسی کاملاً مأنوس نباشند بیانات خود را به فرانسه خواهند نمود.»

پس از آن آقای علی اصغر حکمت کفیل وزارت معارف خطاب به بی زبان فرانسه ایراد نمود که ترجمه آن چنین است:

«جای بسی مسرت است که امروز در این محفل نمایندگان ذوق و علم و فضل ممالک مختلف فراهم آمده و با هموطنان فردوسی در جشن میلاد اوشرکت جستند، دولت و ملت ایران از ابراز علاقه و اظهار محبت ذوات محترمی که راههای دور پیموده و کشور فردوسی را به قدم خود مزین ساخته اند سپاسگزار است، و این بنده وظیفه خود می دانم که از جانب همه علاقه مندان به علم و ادب تبریک ورود عرض کرده مراتب تشکر آنان را تبلیغ و تقدیم نمایم. اجتماع این عده از دانشمندان معظم که علی الظاهر پرورده آب و هوا و مقتضیات مختلف هستند برای تجلیل شاعر بزرگ ایران دلیلی قاطع است بر این قول که گفته اند: علم و ادب را وطن معینی نیست، از هر جا که پرتو موهبت الهی درخشیدن گرفت نفوس مستعد و ارواح مشتاق پروانه وار به جانب آن روی آورده خود را در آن آیین مشترک می بینند و می گویند:

متحد بودیم و يك گوهر همه	بی تن و بی سربدیم آن سر همه
يك گهر بودیم همچون آفتاب	بی گره بودیم و صافی همچو آب
چون به صورت آمد آن نور سره	شد عدد چون سایه های کنگره

توجه فوق العاده بی که امسال ملل مختلفه عالم به جشن هزار ساله فردوسی کرده و در بلاد معظم به تجلیل او پرداخته و زبده فضیلتی خود را تا آرامگاه شاعر ایران فرستاده اند خود برهانی ثابت است بر اینکه علی رغم ظواهر امور و حوادث خارجی ملل جهان در حقایق اختلاف و تباینی ندارند، با وجود تفاوت های جزئی که از حیث اقتضای سیاست و تجارت و معیشت و آداب و رسوم جاریه در میان ملل امروزی جهان مشهود است تا به حدی که دنیای کنونی را مادی و تاریک و محل آفات و شرور دانسته اند، هر جا که پای امور معنوی و فواید علمی و

ادبی پیش می‌آید پرده‌آن اختلافات کنار رفته بیکر اتحاد و وفاق جلوه‌گر می‌شود. به عقیده مصلحینی که در پی حصول توافق بشر رنج می‌برند تنها راهی که برای توحید ملل متصور است اشتراك آنهاست در امور مغنوی که از شایبه غرض و نفع مادی منزّه باشد، در میان ملل هر قدر رشته علائق سیاسی و تجاری محکم شود باز آن را نمی‌توان اتحاد حقیقی نام نهاد بلکه اتصالی است که از حیث احتیاجات متقابل موجود گشته است، اتحاد که عبارت از امتزاج و یگانگی باطن باشد جز از طریق اختلاط روحانی صورت نتواند بست، باید در میان ملل همان علاقه پیدا شود که در اعضای يك خانواده یا افراد يك طایفه موجود



علی اصغر حکمت

است چنانکه ضامن و حافظ اتحاد و یگانگی خانواده و قبیله اشتراك در معنویات خاص و تفاخر به رجال مشترك و به یادگارهای مشترك است . باید اقوام عالم در بعضی امور معنوی شريك و سهمیم گشته میان آنها تفاهم روحی حاصل گردد و از آنجا که هر کاری محتاج به آزمایش و ورزش است حصول آن یگانگی تام هم منوط به تمرین است و باید ملل عادت کنند که در برخی امور معنوی خالی از سود مادی باهم دست یگانگی بدهند و طریق آن هم جز تعدد این قبیل محافل نیست ، بنابراین مفتخرم که عرض کنم اقدام ملت ایران در تهیه جشن فردوسی و شرکت ملل معظم و دانشمندان منمخ اگرچه به ظاهر هدف ادبی و تاریخی دارد درواقع نفوس الامر قدمی است که به سوی تفاهم حقیقی فیما بین ملل برداشته شده است .»

پس از اتمام خطابه کفیل معارف هیأت رئیسه کنگره انتخاب شدند و طبق يك سنت بین المللی که معمولاً رئیس را از کشور میزبان بر می گزینند حاج محتشم السلطنه اسفندیاری به اتفاق آراء به ریاست کنگره برگزیده شد و سایر اعضاء هیأت رئیسه به این طریق انتخاب شدند :

پرفسور کریستن سن دانمارکی	نایب رئیس
پرفسور زاره آلمانی	نایب رئیس
پرفسور هانری ماسه فرانسوی	منشی
دکتر عبدالوهاب عزام	منشی

آقای دکتر صدیق نوشته اند که « حاج محتشم السلطنه اسفندیاری که سنش به هفتاد رسیده بود به اتفاق آراء به ریاست برگزیده شد و مقرر شد که من بهلولی او بنشینم و اداره جلسات را توسط رئیس کنگره به عهده گیرم و دانشمندان خارجی را که اجازه نطق می خواهند آهسته معرفی کنم تا رئیس اجازه دهد و هر جا لازم باشد به زبان فرانسه یا انگلیسی به نام دبیرخانه کنگره مطالب لازم را با صدای بلند اعلام کنم .»

کنگره از روز پنجشنبه دوازدهم تا روز سه شنبه شانزدهم مهرماه جمعاً هفت جلسه عمومی داشت و علاوه بر امور تشریفاتی و اداری مانند خواندن

تلگرافها و نامه های متعددی که از کشورهای مختلف در تبریک جشن هزاره فردوسی رسیده بود و پاسخ آنها، در هر جلسه خطابه های فاضلانه بی بوسیله دانشمندان خارجی و ایرانی به زبانهای فارسی، فرانسه و انگلیسی ایراد می شد از این قرار:



هیأت رئیسه کنگره فردوسی

از چپ به راست: پرفسور هانری ماسه - پرفسور کریستن سن - محتشم السلطنه - دکتر صدیق - عبدالوهاب عزام

سخنران

۱ آقای بهرام گورتهمورس انگلساریا

۲- آقای بدیع الزمان فروزانفر

۳- آقای پرفسور برتلس

۴- آقای دکتر رضازاده شفق

موضوع

فردوسی جاویدان (انگلیسی)

صفات صوری و معنوی پهلوانان

شاهنامه (فارسی)

یزدان پرستی ایرانیان و مبارزه

با قوه شر و اهریمن و مزایای

این ایمان محکم (فارسی)

فردوسی از لحاظ دینی (فارسی)

۵- آقای کنتو
نقش‌های علمی که در شوش و
نقاط دیگر ایران در سالهای
اخیر بعمل آمده و مقایسه آثار
تمدن مکشوفه در حفاریات
مذکور با آثاری که در حدود
آسیای صغیر بدست آمده است.
فردوسی و اصول جنگ (فارسی)
نظامی (انگلیسی)
نفوذ فردوسی در آداب امم
(فارسی)
طرز شعر فردوسی
شاه ایران و ملکه عرب
مقایسه‌ای بین فردوسی و ایلیاس
امیروس
ارتباط کلی تمدن سغدی با تمدن
ایران باستان و اسنادی که در
این سالهای اخیر بدست آمده
است
شعر فردوسی و شاعری در عصر وی
وزن شعری شاهنامه از نظر
عروض
نقاشیهای شاهنامه فردوسی
صنایع ایران و نفوذ آن در صنایع و
تمدن غرب (فرانسه)

۶- آقای نایب اول بهارمست
۷- آقای دکتر محمد آقا اوغلو
۸- آقای دکتر عبدالوهاب عزام
۹- آقای بولوتنیکوف
۱۰- آقای پرفسور کریستنسن
۱۱- آقای نصرالله فلسفی
۱۲- آقای پرفسور فریمان
۱۳- آقای ملک الشعراء بهار
۱۴- آقای پرفسور ژرژ مار
۱۵- آقای عباس اقبال آشتیانی
۱۶- آقای گنتر

- ۱۷- آقای حسینی
رواج زبان فارسی در هندوستان
- ۱۸- آقای پرفسور محمد اسحق
نفوذ فردوسی در هندوستان
- ۱۹- آقای پرفسور کونل
صنایع ایران در دوره فردوسی
- ۲۰- آقای سعید نفیسی
منظومه‌های بحر متقارب پیش از فردوسی
- ۲۱- آقای اون‌والا
سکه‌های مکشوفه قدیمه راجع به دوره اسلام و مسکوکات مکشفه پهلوی
- ۲۲- آقای اورنگ
شاهنامه فردوسی
- ۲۳- آقای پرفسور هانری ماسه
حماسه شاهنامه و سجایای شخصی فردوسی
- ۲۴- آقای پرفسور مینورسکی
نفوذ شاهنامه در ادبیات چرکس و گرجی و سایر ملل قلمرو شوروی
- ۲۵- آقای پرفسور نظام‌الدین
فضلا و علمائی که به ادبیات فارسی خدمت نموده‌اند
- ۲۶- آقای دستورانوشیروان
خدمات فردوسی از لحاظ احیاء و حفظ روح ایران در خلال ادوار حمله بیگانگان
- ۲۷- آقای پرفسور اربلی
صنایع ایران در عصر ساسانیان
- ۲۸- آقای پرفسور پاکلیار
کتاب خداینامه و منابع استفاده فردوسی
- ۲۹- آقای رضوی
اشعار منسوب به دقیقی از آن فردوسی است
- ۳۰- آقای پرفسور روماسکوویچ
افسانه‌های ملل آریائی و اطلاع

فردوسی از تمام این داستانها

کتاب ظفرنامه حمدالله مستوفی

که نسخه منحصر بفرد آن در

موزه بریتانیا موجود است

چنانکه خواهد آمد تعدادی از سخنرانیها و خطابه‌ها در کتاب «هزاره فردوسی» چاپ و در ۲۴۰۲ (۱۳۲۲ ه. ش.) منتشر شده است. در برخی از جلسه‌ها شاعران مشهور و زبردستی چون جمیل صدقی زهاوی شاعر نامدار عراق، درینک و اثر شاعر مشهور انگلستان و ملک الشعراء بهار از ایران (که ترجمه اشعار درینک و اثر را به شعر سروده بود) اشعاری شیوا به یاد و به افتخار فردوسی شاعر بزرگ ایران خواندند که مورد توجه اعضاء کنگره قرار گرفت. اینک ایاتی را از جمیل صدقی زهاوی نقل می‌کنیم:

بعد از هزار سال

پس از عرض حرمت پیامی برید

نهان از نظر دور از جان پاك

چه شور است بهرت به روی زمین

که تو در دل یکجهان زنده‌ای

ببفروزد از آن قدر شهنامه‌ات

ستودند نام تو در هر زبان

ولی زنده‌است آنچه تو گفته‌ای

نیفکندی از دست خود خامه را

به فردوسی از من سلامی برید

که ای شاعر خفته در زیر خاک

سر از خاک بردار و آنگه بین

مگو مرده‌ام گر چه تو مرده‌ای

فرو ریخت اعجاز از خامه‌ات

چو پر شد ز شعرت زمین و زمان

هزارست در قبر خود خفته‌ای

نوشتی به سسی سال شهنامه را

در آخر شه غزنه بیداد کرد
 ندانست قدر ترا غزنوی
 کزین امپراطور ایران زمین
 جهانی ز عدل وی آباد شد
 مرادش همه پیشرفتن بود
 خدایا همیشه ورا زنده دار
 درم جای زر داد و ناشاد کرد
 بگو درس گیر از شه پهلوی
 که روشن از او هست دنیاودین
 دل خلق در هر طرف شاد شد
 سر آفت شرق خفتن بود
 بهر روز دلشاد و فرخنده دار
 از بعضی از کشورها هدایائی نیز تقدیم شد و از جمله سفیر کبیر شوروی
 هدایای ذیل را اهداء نمود:

۱ - یگانه کپیه در دنیا از نسخه خطی شاهنامه فردوسی که تاریخ آن
 ۱۳۳۳ میلادی (۷۱۱ هجری) است .

۲ - یگانه کپیه در دنیا از مجموعه بشقابهای عهد ساسانیان مرکب از
 یازده پارچه .

۳ - مجموعه‌یی از آلبومها و کتب ذیقیمت راجع به صنایع ایران .
 وزیر مختار آلمان فهرست گرانبھائی از لغات و اسامی و اعلام شاهنامه
 که حاوی مقایسه ذیقیمتی از سه طبع معروف نیز بود و بوسیله دکتر فریتس ولف
 مستشرق آلمانی تألیف شده بود به ملت ایران تقدیم نمود .
 از دانشگاه میشیگان يك نسخه شاهنامه که از طرف دانشگاه مزبور طبع
 شده بود به پیشگاه اعلیحضرت همایونی و دو نسخه دیگر برای کتابخانه های
 ایران تقدیم شد .

آقای عبدالوهاب عزام نسخه نفیسی از شاهنامه عربی که آن را تصحیح و تحشیه
 نموده و با مقدمه‌ای در مصر به طبع رسانیده بود توسط ریاست کنگره به حضور
 اعلیحضرت همایونی تقدیم کرد و دو نسخه از آن را نیز یکی به آقای رئیس الوزرا
 و یکی به آقای کفیل وزارت معارف تقدیم نمود. آقایان فریمان و هاکن نیز

هدایائی تقدیم نمودند. آقای حسینی نماینده دکن حروف سربی نستعلیقی را که جدیداً دربار دکن پس از ده سال زحمت تهیه کرده بود به عنوان هدیه تقدیم داشت. پرفسور ریپکا استاد ادبیات دانشگاه پراگ هدایای دولت چکوسلواکی را که کتابهایی به زبان چک و زبان آلمانی راجع به فردوسی و ایران بود به موزه فردوسی و کتابخانه مجلس شورای ملی تقدیم نمود.

پایان کار کنگره - روز دوشنبه شانزدهم مهر ماه ۲۴۹۳ (۱۳۱۳.ش.) با ایراد خطابه آقای اسفندیاری ختم کنگره اعلام گردید و آقای حکمت کفیل معارف خطابه اختتامیه‌یی به انگلیسی ایراد کرد و پس از تشکر از اعضاء کنگره افزود که: بنده وظیفه خود می‌دانم که از باب حق شناسی از زحمات گذشتگان از خدماتی که دانشمندان مغرب نسبت به آثار فردوسی انجام داده اند تشکر نموده مختصری از ذکر جمیل آنان را در این محفل تجدید نمایم:

۱ - یکی از اولین کسانی که به ترجمه قسمتی از شاهنامه پرداخت ژرف شامپیون (Joseph Champion) شاعر انگلیسی بود در ۱۷۸۸.

۲ - بعد از او، هاگمان (Hageman) آلمانی در ۱۸۰۱ قسمتی از شاهنامه را بزبان آلمانی ترجمه نمود.

۳ - سپس والنبورگ اطریشی (Wallenburg) در ۱۸۱۰ قسمتی از شاهنامه را به اطریشی ترجمه کرد.

۴ - سال بعد در ۱۸۱۱ لمدن (Lumsden) انگلیسی در هندوستان يك هشتم شاهنامه را به طبع رسانید.

۵ - در ۱۸۲۹ ترنر مگان (Turner Macan) انگلیسی مقیم هندوستان این کار را خاتمه داد و شاهنامه در چهار جلد از روی نسخه قدیم به حلیه طبع آرامست و این چاپ مأخذ چاپهای ایران و هندوستان شده است.

۶ - در زمان لوی فیلیپ پادشاه فرانسه و به امر او یکی از دانشمندان

فرانسوی موسوم به ژول مهل (Jules Mohl) در ۱۸۳۸ شروع به ترجمه شاهنامه کرد و بعد از ۳۵ سال موفق به انجام طبع متن و ترجمه گردید.

۷ - وولرس (Wullers) آلمانی نیز در هفت سال به تصحیح و طبع سه جلد شاهنامه موفق شد، متأسفانه کار این استاد که نمونه دقت و صحت است ناتمام ماند.

۸ - دانشمندانی که در السنه مختلفه راجع به حماسه ملی ایران تحقیقات انتقادی کرده یا بعضی از داستانهای آنرا ترجمه نموده اند بسیارند از آنجمله فضلی ذیل را نام می‌بریم:

اتکین سن انگلیسی (Atkinson) در ۱۸۲۳

استفان وستن انگلیسی (Stephen Westone) در ۱۸۱۵

رابرتسن انگلیسی (Robertson) در ۱۸۳۱

هالیستن فنلاندی (Haliston) در ۱۸۳۹

اشتارکن فلد اطریشی (Starkenfeld) در ۱۸۴۰

شوارتز هوبر اطریشی (Schwarz Huber) در ۱۸۴۱

شاک آلمانی (Schack) در ۱۸۵۱

پیدزی ایتالیائی (Pizzi) در ۱۸۸۸

روکرت آلمانی (Ruckert) در ۱۸۰۴

۹ - جمعی از دانشمندان هم مساعی جمیله در تحقیق و ترجمه حال

فردوسی واصل و منشأ شاهنامه بکار برده اند که از این جمله اند:

ویلیام جونز انگلیسی (W. Jones)

اوزولی انگلیسی (Ouseley)

دارمستر فرانسوی (Darmesteter)

بارون ویکتور روزن روسی (Baron W. Rosen)

زوتن برگ فرانسوی (Zotenberg)

اته آلمانی (Ethe)

۱۰ - جدیدترین و دقیق‌ترین تحقیقات در باب فردوسی و شاهنامه از استاد نولدکه (Noeldeke) آلمانی است که در کتابی موسوم به حماسه ملی ایران منتشر ساخته و در این تألیف معتبر خود طریقی جدیدی برای بحث در منابع شاهنامه باز کرده است.

۱۱ - در میان معاصرین فریتس ولف (F. Wolf) آلمانی مخصوصاً در این مورد سزاوار ذکر است که بیست سال عمر خود را صرف کشف الکلمات شاهنامه نموده و کاری بس بزرگ و مفید انجام داده است. این نسخه شریف اکنون از طرف دولت آلمان بیادگار جشن هزار ساله فردوسی به ملت ایران اهداء شده است.

ناطق پس از سپاسگزاری مجدد از دانشمندان افزود که امید است بقیه سفر آقایان محترم نیز بنا بر دلخواه صورت بگیرد و میهمانان فردوسی به شادمانی و خشنودی به اوطان خود باز گردند.

به سوی طوس

بامداد روز سه‌شنبه هفدهم مهرماه ۲۴۹۳ (۱۳۱۳ ه. ش.) دانشمندان و خاورشناسان با اتومبیلهایی که آماده شده بود همراه میهمانداران خود به سوی طوس روان شدند تا در مراسم گشایش آرامگاه فردوسی در پیشگاه شاهنشاه شرکت جویند. نوشته‌اند که: «خود اعلیحضرت رضاشاه پیشاپیش کاروان به فاصله تقریباً پنجاه کیلومتر در حرکت بود و شخصاً به وضع راه شوسه و وسائل پذیرائی از میهمانان و جزئیات امر رسیدگی می‌فرمود. در طول راه هر جا آبادی وجود داشت مردم آیین‌بندی کرده به انتظار زیارت شاهنشاه و دیدار مستشرقین صف کشیده بودند و نیروی انتظامی مراسم احترامات رسمی

را بجای می آورد»^۱.

مهمانان صبحانه را در جابان و ناهار را در سمنان (در قسمت اداری کارخانه ریسمن بافی) صرف کرده شب را در شاهرود در باغ سرچشمه امیراعظم عضدی بسر بردند و روز دوم ناهار را در قریه داورزن در ۷۵ کیلومتری سبزوار صرف کردند و شب را در سبزوار در خانه دکتر قاسم غنی گذرانیدند. صبح روز سوم پس از دیدن مسجد جامع سبزوار و مزار حاج ملاهادی سبزواری عازم نیشابور گشتند و نزدیک ظهر وارد نیشابور شده بطرف بقعه امام زاده محمد محروق در دو کیلومتری نیشابور که باغ بزرگ و باصفائی است و مزار خیمام نیز در آنجا واقع است روان شدند.



آرامگاه خیمام در ۲۴۹۳ (۱۳۱۳ ه. ش.).

انجمن آثار ملی باتوجه به اینکه خاورشناسان و دانشمندان برای رفتن به طوس به زیارت تربت عمرخیمام در نیشابور هم خواهند رفت باشتاب محوطه قبر خیمام را تعمیر و ستونی از سنگ خلیج بر آن نصب کرد، بر سنگ این رباعی از بهار نقش شده بود :

۱ - یادگار عمر، ج ۲، ص ۲۲۰.

بر تربت خیام نشین کام طلب يك لحظه فراغ از غم ایام طلب
تاریخ بنای بقعه اش گر خواهی کام دل و دین ز قبر خیام طلب

۱۳۱۳

آقای دکتر صدیق که خود جزو کاروان بوده نوشته اند:

«خاورشناسان بتدریج از راه رسیدند و وارد باغ شدند و از منظره دل انگیز و فرح بخش آن شاد گشتند و بر ذوق و هنر ایرانی آفرین گفتند تا به مزار خیام رسیدند و دور آن حلقه زدند. آنان که فارسی می دانستند رباعی مذکور را خواندند و برای سایرین ترجمه کردند. اشتیاق فوق العاده خاورشناسان به زیارت خیام آنان را به مراقبه و تأمل عمیق واداشت، ناگاه سردنيسن راس که تالیفی درباره خیام کرده رباعی ذیل را از ترجمه انگلیسی فیتزجرالد به آوای بلند از حفظ خواند:

چون می گذرد عمر چه شیرین و چه تلخ

بیمانه چو پرشد چه نشابور و چه بلخ

می نوش که بعد از من و تو مساء بسی

از سلخ به غره آید از غره به سلخ

درینک و اتر لحظه ای بعد، رباعی زیر را از همان ترجمه فیتزجرالد از بر با آهنگ دلپسند و شیوایی بسیار خواند:

یاران چو به اتفاق میعاد کنید خود را به جمال یکدیگر شاد کنید

ساقی چو می مغانه بر کف گیرد بیچاره مرا هم به دعا یاد کنید

از شنیدن این رباعی یکی از مهمانان از شدت شور و اشتیاق به صدای

بلند بگریه افتاد و طبعاً حضار بدو تاسی جستند و حالی به همه دست داد که من

از وصف آن عاجز دارم.

... اندکی بعد در سایه درختان کهن ناهار بسیار لذیذی صرف شد، سپس همگی

بسوی مشهد روانه شدیم و بادل پر شور نزدیک غروب بدانجا رسیدیم...».

چهار ساعت بعد از ظهر روز جمعه بیستم مهر ماه اعضای کنگره و مهمانان

در طوس حضور یافتند و نیم ساعت بعد اعلیحضرت رضاشاه کبیر با لباس

ساده نظامی و شل وارد باغ آرامگاه شدند. خاورشناسان و مهمانان بوسیله

فروغی نخست وزیر و رئیس انجمن آثار ملی معرفی شدند و سپس اعلیحضرت

باوقار و صلابتی خاص پشت میز خطابه قرار گرفته در نطق موجزی چنین فرمودند:



اعلیحضرت رضاشاه کبیر در حال سخنرانی بهنگام افتتاح آرامگاه فردوسی

سخنرانی اعلیحضرت رضاشاه کبیر

«بسیار مسروریم از اینکه بواسطه پیشامد جشن هزار ساله فردوسی موفق می‌شویم که وسائل انجام یکی از آرزوهای دیرین ملی ایران را فراهم آوریم و با ایجاد این بنا درجه قدردانی خود و حق‌شناسی ملت ایران را ابراز نمائیم، رنجی را که فردوسی طوسی در احیاء زبان و تاریخ این مملکت برده است ملت ایران همواره منظور داشته و از اینکه حق آن مرد بدرستی ادانده شده بود متأسف و ملول بوده است، اگرچه افراد ایرانی باعلاقه‌ای که به مصنف شاهنامه دارند قلوب خود را آرامگاه او ساخته‌اند ولیکن لازم بود اقداماتی بعمل آید و بنایی آراسته گردد که بصورت ظاهر هم نماینده حق‌شناسی این ملت باشد، بهمین نظر بود که امروزه در احداث این یادگار تاریخی بذل مساعی بعمل آید.

صاحب شاهنامه با افراشتن کاخی بلند که از باد و باران حوادث گزند نمی‌یابد نام خود را جاوید ساخته و از این مراسم و آثار بی‌نیازی باشد ولیکن قدردانی از خدمتگزاران وظیفه اخلاقی ملت است و از ادای حق نباید فروگذار نمود.

مسرت و خرسندی خاطر ما بدرجه کمال رسید از اینکه مشاهده کردیم جماعتی از دانشمندان که دوستان ما و دوستان صنایع و ادبیات ما هستند از اکناف جهان و از راههای دور به آرامگاه حکیم سخن پرداز ما شتافته و در اظهار شادمانی و قدردانی با ما همقدم شده اند، با برآز خشنودی و خرسندی از این احساسات محبت آمیز حضار را به اجراء مراسم افتتاح دعوت می نمایم. »

و آنگاه نوار سهرنگی را که در پیرامون ایوان آرامگاه کشید شده بود قطع فرموده پس از رفتن به درون آرامگاه و زیارت قبر سراینده بزرگ ایران باغ را ترك فرمودند.

بدین ترتیب افتتاح آرامگاه در پیشگاه اعلیحضرت رضاشاه کبیر و با حضور اعضاء هیأت مؤسس انجمن آثار ملی و دانشمندان و شخصیت های ایرانی و خاورشناسان و محققان خارجی که در راه تحقیقات مربوط به ادبیات و فرهنگ و تاریخ ایران عمری را گذرانیده بودند انجام گرفت. خاورشناسان و دانشمندان چهار روز در مشهد اقامت داشتند و از آثار باستانی و موزه و کتابخانه آستانه و بیمارستان و دبیرستان نوبنیاد شاهرضا و کارخانه های قالی بافی دیدن کردند و روز بیست و پنجم مهرماه بسوی کشورهای خود رهسپار شدند.

مدال زیبایی از طرف انجمن آثار ملی برای یادبود هزاره فردوسی از برنج تهیه شده بود به قطر ۸۵ میلی متر که بر یک روی آن تصویر فردوسی در حال پرواز بر بال سیمرغ بود و بالای آن نوشته شده بود « در سلطنت اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی برای جشن هزار ساله فردوسی » و در پائین آن ۱۳۱۳ هجری شمسی. و در روی دیگر مدال کاوه آهنگر بادرفش کاویانی و گروهی از ستمدیدگان نقش شده و بالای آن این بیت بود :

خروشید وز دست بر سرز شاه که شاهان منم کاوه دادخواه
و در پائین این بیت :

اگر داد دادن بود کار تو بیفزاید ای شاه مقدار تو



مدال فردوسی

بمناسبت جشن هزاره فردوسی چند مجلد کتاب نیز تألیف و چاپ شد که
از آن جمله است :

- ۱- منتخب شاهنامه فردوسی بکوشش شادروان محمد علی فروغی (ذکاء الملك) با مقدمه‌ای بسیار جامع و سودمند درباره شاهنامه و فردوسی.
- ۲- فرماندهی خداوند جنگ سپهبد فردوسی گردآورده احمد بهارمست.
- ۳- چاپ شاهنامه در ۱۰ مجلد بوسیله کتابخانه و چاپخانه بروخیم که مجلد اول تا ششم آن از روی چاپ وولرس پس از مقابله با نسخ خطی دیگر چاپ شده و از مجلد هفتم به بعد دنباله چاپ وولرس پس از مقابله با چاپ



مجسمه فردوسی که در آرامگاه حکیم نصب است

- تورنرماکان و ژول-مول بتوسط شادروان سعید نفیسی به چاپ رسیده است .
مرحوم سعید نفیسی در آغاز مجلد هفتم مقدمه کوتاهی نیز نوشته و چگونگی کار خود را در چاپ چهار مجلد آخر شرح داده اند .
- ۴- فردوسی نامه مهر : شماره‌های ۵ و ۶ سال دوم مجله مهر (شماره‌های مهر و آبان که جداگانه نیز چاپ و منتشر شده است. فردوسی نامه مهر شامل

۵۳ مقاله و شعر است درباره شاهنامه فردوسی با تصاویر گوناگون و مرجعی بسیار سودمند می باشد و در پایان آن گزارش کنگره فردوسی با ۳۷ تصویر آمده است.

۵- کتاب هزاره فردوسی: آقای دکتر صدیق درباره این کتاب نوشته اند که وزارت فرهنگ عده ای از مقالات را با دیباچه ای که فروغی بر خلاصه شاهنامه نوشته بود و قسمتی از مقالات تقی زاده که قبلاً در مجله کاوه چاپ برلن انتشار یافته بود و تحقیقات فاضلان محمد قروینی در باب مقدمه قدیم شاهنامه که از پاریس فرستاده بود نا اواسط ۲۴۹۴ (۱۳۱۴ ه. ش.) در سیصد صفحه بقطع بزرگ بزبور طبع آراست ولی از صحافی و تجلید و انتشار آن خودداری کرد... نه سال بعد در دیماه ۲۵۰۲ (۱۳۲۲ ه. ش.) که وزارت فرهنگ بعده من بود در اثر یادآوری دکتر صورتگر استاد دانشگاه تهران مجموعه مقالات کنگره از انبار وزارت فرهنگ بیرون آورده و صحافی شد و تحت عنوان « هزاره فردوسی » انتشار یافت... در کتاب مذکور گزارش کامل کنگره واسامی اعضاء آن بتفصیل آمده است.

«یادبود دیگری که در تهران از هزاره فردوسی بوجود آمد خیابان فردوسی است که اکنون یکی از معابر مهم مرکز شهر است. تا ۱۳۱۳ خیابانی بنام فردوسی بعرض پانزده متر از خیابان سعدی به دروازه شمیران می رفت که در آن سال موسوم به خیابان هدایت شد. خیابان فردوسی کنونی تا ۱۳۱۳ بنام علاءالدوله حکمران تهران بهنگام انقلاب مشروطه بود زیرا خانه علاءالدوله در آغاز و مشرق آن خیابان نزدیک میدان سپه قرار داشت. عرض خیابان مذکور در حدود ده متر بود... همینکه دولت تصمیم به انعقاد جشن هزاره و کنگره فردوسی گرفت شهرداری تهران به توسعه خیابان علاءالدوله همت گماشت و علاوه بر تعریض آنرا تا خندق شهر (که اکنون میدان فردوسی است) امتداد داد و بنام فردوسی موسوم کرد. انجمن زردشتیان هندوستان نیز مجسمه فردوسی را از مفرغ ساخت و برای نصب در میدان تقدیم

کرد و طبق پیشنهاد انجمن عمل شد. مجسمه مذکور فردوسی را درحالتی نشان میداد که بر تشک نشسته و بر بالش تکیه کرده و به سرودن شاهنامه اشتغال دارد. چون این وضع بامیدان و معبر عمومی تناسب نداشت لذا چندسال بعد مجسمه را به دانشگاه تهران منتقل و در گلگشت آنجا نصب کردند و تندیس از شاعر بزرگ به حال ایستاده در میدان قرار دادند^۱.

چندی پیش این تندیس نیز برداشته شد و مجسمه‌ای از سنگ سپیدبر فراز پایه‌ای سنگی در آنجا نصب شد. در پیش پای مجسمه، تندیس کودکی زال بر فراز کوه قرار دارد.

نسخه‌های نفیس شاهنامه و کتابهای دیگری که درباره فردوسی و شاهنامه فراهم آمده بود در کتابخانه ملی در تالاری به نام تالار فردوسی فراهم آمد و اکنون این کتابخانه مرجع پرارجی است برای پژوهش درباره سخنور بزرگ ایران و اثر جاودانی او.

کتابخانه و موزه‌ای نیز در باغ آرامگاه در طوس ترتیب داده شد و هدایایی که از شهرستانها و مؤسسات و افراد بمناسبت جشن هزاره فردوسی رسیده بود در موزه آرامگاه نگاهداری و ثبت و ضبط شد.

«اشاره بدین نکته را مناسب می‌دانم که بابرگزاری مراسم هزاره فردوسی و ساختن آرامگاه او و ترتیب باغ و موزه و سایر اقدامات نسبت به بزرگداشت سخن سرای طوس می‌توان اعتقاد یافت که نخستین فعالیت مستقل ایرانیان نسبت به مفاخر گذشته و تاریخ خودشان از فردوسی آغاز شد و سرآغاز فصل تازه‌ای در تاریخ و فرهنگ ایران گردید. برگزاری مراسم هفتمین سال تألیف گلستان در دوران شاهنشاهی رضاشاه کبیر و آنچه در دوران سلطنت شاهنشاه آریامهر درباره بزرگانی چون شیخ اجل سعدی و ابوعلی سینا و حکیم عمر خیام و شیخ فریدالدین عطار و صائب تبریزی اصفهانی و نادرشاه افشار و کمال‌الملک و دیگر

بزرگان ایران صورت گرفته است اعم از ساختمان آرامگاه و ترتیب کتابخانه‌ها و موزه‌ها و تهیه مجسمه‌ها و ایجاد باغها و خیابانها و تأسیسات آب و برق و مستحذات دیگر و بموازات کلیه این اقدامات تدوین و چاپ و انتشار کتابهای مربوط به اینگونه مفاخر ملی ایران از ثمرات و نتایج چنین سرآغازی بشمار می‌رود...»^۱

۳

پس از جشن هزاره فروسی

پس از جشن هزاره فردوسی

چون قانون حفظ آثار عتیقه در دوازدهم آبانماه سال ۲۴۸۹ (۱۳۰۹ شمسی) در ۲۰ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسیده و نظامنامه اجرای آن را هیأت وزیران در جلسه ۲۸ آبانماه ۲۴۹۱ (۱۳۱۱ ه. ش.) در ۵۲ ماده تصویب کرده بود، وزارت فرهنگ برطبق آن به تأسیس اداره عتیقات (اکنون وظایف آن بوسیله سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران و ادارات کل موزه‌ها و ابنیه تاریخی و باستانشناسی و مردم شناسی که همه مؤسسات تابع وزارت فرهنگ و هنر است انجام می‌گیرد) مبادرت نمود و بموجب ماده ۱۱ اساسنامه انجمن آثار ملی وظایف انجمن نسبت به تعمیر و نگهداری ابنیه و آثار تاریخی و غیره رسماً برعهده آن اداره گذارده شد و به این ترتیب پس از انجام یافتن جشن هزاره فردوسی، انجمن آثار ملی که يك سازمان ملی و فاقد ممر درآمد و اعتبار مخصوص بود تا سال ۲۵۰۳ (۱۳۲۳ ه. ش.) عملاً فعالیت نداشت.

تجدید فعالیت انجمن

در آذرماه ۲۵۰۳ شاهنشاهی (۱۳۲۳ ه. ش.) انجمن آثار ملی از نو به وجود آمد.

آقای دکتر صدیق در این باره نوشته‌اند که^۱

«اقدامی دیگر که از روزاول وزارت (سومین دوره وزارت از آذر ۱۳۲۳

تا ۲۸ فروردین ۱۳۲۴) شروع کردم احیاء انجمن آثار ملی بود، زیرا هزارمین سال تولد ابن سینا (۱۳۷۰ هجری قمری مطابق ۱۳۳۰ خورشیدی) درپیش بود و بنظر نگارنده می‌بایست برای این نابغه نیز که یکی از مفاخر ملت ایران است نظیر کاری که در ۱۳۱۳ شمسی برای فردوسی انجام شد در ۱۳۳۰ خورشیدی برای ابن سینا صورت گیرد.

چون موجبات و وسایل ساختن آرامگاه فردوسی و برگزاری جشن و کنکرة بین‌المللی فردوسی به‌همت انجمن آثار ملی فراهم شده بود و انجمن مذکور از ۱۳۲۴ بعد تشکیل نشده بود (زیرا ذکاء‌الملک فروغی رئیس انجمن از آذر ۱۳۱۴ خانه‌نشین شده بود) به‌منشی انجمن مراجعه شد که حسن ناصر بود.

حسن ناصر از دانشمندان بی‌تظاهر و عفیف و صاحب تألیفات سودمند در آن تاریخ مدیر کل وزارت دارائی بود. معلوم گردید که پس از گشایش آرامگاه فردوسی بدست رضاشاه کبیر سه‌تن از اعضاء مؤسس انجمن، فروغی و مشیرالدوله پیرنیا و کیخسرو شاه‌رخ جهانرا بدرود گفته‌اند^۱ و دو تن دیگر، تقی‌زاده و حسین‌علاء در ایران نیستند و سفیران ایران در انگلستان و امریکا می‌باشند. از این‌رو از بقیه اعضاء شش نفر بودند برای عصر یکشنبه ۱۲ آذر ۱۳۲۳ به منزل خود دعوت کردم. آن شش تن عبارت بودند از:

محتمم السلطنه اسفندیاری

حکیم‌الملک

باقر کاظمی

علی‌اصغر حکمت

سرلشکر جهانبانی

گدار رئیس باستانشناسی و موزه

در جلسات یکشنبه ۱۹ و ۲۶ آذر در منزل نگارنده برای تکمیل عده اعضاء

مؤسس انجمن اشخاص ذیل انتخاب شدند:

وزیر فرهنگ وقت

بهاء‌الملک قراگزلو

ادیب السلطنه سمیعی

۱ - پیش از آن‌هم نصرت‌الدوله فیروز و حسن مستوفی و محمد علی قرزین و نظام‌الدین

حکمت و تیمورتاش در گذشته بوده‌اند.

اللهیار صالح

دکتر قاسم غنی

با اینکه نگارنده در آن موقع از لحاظ وظیفه‌ای که بر عهده داشت عضو انجمن بود بتصمیم حضار به عضویت مؤسس دائمی نیز درآمد .»

انجمنی که بدین ترتیب تشکیل شد در اساسنامه و آئین‌نامه ۲۴۸۴ (۱۳۰۴)

ه. ش. تجدیدنظر کرد و در دیماه ۲۵۰۳ (۱۳۲۳ ه. ش.) آن را بدین شرح

تصویب نمود:



دکتر عیسی صدیق

اساسنامه جدید انجمن آثار ملی

در تاریخ ۲۲ آذرماه ۲۵۰۳ (۱۳۲۳ ه. ش.) انجمن آثار ملی که مدتی بود تشکیل نشده بود منعقد گردید و اعضای مؤسس انجمن طی جلسات متعدد در اساسنامه مصوب ۲۴۸۴ (۱۳۰۴ ه. ش.) تجدید نظر نموده به استناد مفاد دوازده همان اساسنامه آنرا به صورت ذیل تصویب کردند :

«ماده ۱ - منظور انجمن آثار ملی از دیاد علاقه عامه بآثار قدیمه تاریخی و علمی و صنعتی ایران و سعی در نگاهداری هنرهای زیبا و صنایع دستی و حفظ سبک و شیوه قدیم آنهاست و برای اجرای این منظور اقدامات ذیل را خواهد نمود :

الف (کمک و همکاری به تکمیل موزه های تهران و شهرستانها و تأسیس موزه در نقاطی که مقتضی باشد .

ب (کمک و همکاری به تکمیل کتابخانه ملی تهران و تأسیس و تکمیل کتابخانه های شهرستانها .

ج (کمک و همکاری به تکمیل فهرست آثار ملی .

د (تهیه فهرست مجموعه های نفیس مربوط به کتابخانه یا موزه که در ایران در تصرف دولت و یا مؤسسات ملی است .

ه (احیای آثار بزرگان ایران و تجلیل نام آنها بوسیله نشر مصنفات و مؤلفات و ساختن آرامگاه و مجسمه آنها و امثال آن .

و (کوشش در حفظ و احیای صنایع و هنرهای ایرانی بوسیله تأسیس نمایشگاه و ایراد خطابه و امثال آن .

ز (کمک به تهیه نمونه و شبیه سازی مجسمه ها و آثار قدیم ایرانی و

همچنین تهیه نسخ و یا عکس کتب و نقاشی ها و خطوط قدیمه ایرانی که در موزه ها یا کتابخانه های دولتی و ملی کشورهای خارجه موجود است .
(ح) ارتباط با موزه ها و گالری های مخصوص آثار ایران در موزه ها و مؤسسات خارجه به قصد تحصیل اطلاعات لازمه و تشویق آنها به تحقیقات در آثار قدیمه ایران .

ماده ۲ - مقر انجمن تهران و ممکن است با تصویب هیأت مرکزی شعب آن در شهرستانها نیز تأسیس شود .

ماده ۳ - انجمن مرکب است از پانزده نفر اعضای مؤسس که « هیأت مؤسسه » را تشکیل میدهند ، و از عده غیر محدود اعضای عمومی و افتخاری .
ماده ۴ - هیأت مدیره انجمن از میان هیأت مؤسسه و به رأی آنها انتخاب میشود و عبارت خواهد بود از یک رئیس و یک نایب رئیس و یک خزانهدار .
تبصره - هیأت مدیره ، دبیرخانه ای خواهد داشت که رئیس آن منشی هیأت مدیره خواهد بود و ممکن است از اعضای عمومی یا افتخاری باشد .

ماده ۵ - هیأت مؤسسه انجمن دائمی خواهد بود و بر حسب ضرورت جلسات خود را منعقد میسازد و هر وقت نقصانی در عده اعضاء آن پیدا شود هیأت مؤسسه با کثرت دوثلث آراء ، اعضای جدید انتخاب و عده را تکمیل خواهد کرد .

ماده ۶ - در پانزدهم فروردین هر سال انتخابات هیأت مدیره تجدید میشود .
ماده ۷ - مجمع عمومی که مرکب از کلیه اعضاء است در پایان هر سال دعوت می شوند و هیأت مؤسسه گزارش اعمال خود را در عرض سال به مجمع عمومی عرضه میدارد .

ماده ۸ - انجمن آثار ملی میتواند از دانشمندان ملل خارجه که دوستدار علم و صنعت ایران هستند و در خارجه مقاصد انجمن را ترویج و تقویت میکنند اعضای افتخاری بپذیرد .

ماده ۹ - اصلاح یا تغییر اساسنامه با هیأت مؤسسه انجمن است . برای اینکه پیشنهاد تغییر اساسنامه در هیأت مؤسسه قابل توجه شود لازم است که لااقل يك ثلث از اعضای هیأت مؤسسه لزوم آنرا کتباً پیشنهاد کنند و یکماه پس از آنکه پیشنهاد قابل توجه شد، در جلسه‌ای که مخصوص اینکار باید منعقد شود طرح و رأی گرفته می‌شود .

ماده ۱۰ - برای حل مسائلی که در اساسنامه پیش بینی نشده است ، از قبیل شرایط عضویت انجمن و میزان مساعدت مالی اعضای هیأت مؤسسه و اعضای انجمن و غیره ، از طرف هیأت مؤسسه آئین‌نامه‌ای تدوین و تصویب و بموقع اجرا گذاشته می‌شود .

تبصره - اصلاح یا تغییر آئین نامه مذکور با هیأت مؤسسه است ، و بر طبق ماده ۹ باید عمل شود .

ماده ۱۱ - انجمن بموجب ماده ۵۸۷ قانون تجارت ، شخصیت حقوقی دارد و رئیس هیأت مدیره نماینده انجمن خواهد بود .

آئین‌نامه سازمان انجمن

ماده ۱ - انجمن آثار ملی موافق اساسنامه ، مرکب است از اعضای که به سه قسم تقسیم میشوند :

(۱) اعضای مؤسسه ؛

(۲) اعضای عمومی ؛

(۳) اعضای افتخاری ؛

ماده ۲ - اعضای افتخاری اشخاصی هستند که خدماتی بآثار علمی و صنعتی ایران کرده‌اند یا علاقه خاصی بمقصود انجمن بوسیله معاونت مادی یا معنوی مهمی ابراز می نمایند . علاوه براین بعضی اشخاص که در خارج از

ایران بمقاصد انجمن کمک می نمایند ممکن است عضویت افتخاری انتخاب شوند.



هیأت مؤسسين انجمن

از راست به چپ : مهندس منوچهر سالور - مهندس علی صادق - دکتر محمود مهران -
علی اکبر اصغریان (دبیر انجمن) دکتر غلامحسین صدیقی - سید محمدتقی مصطفوی -
خانم فاطمه مهران (مدیر کتابخانه) - حسین قدس نخعی - احمد کاشانیان (مدیر امور مالی)
حسن نبوی- دکتر ذبیح الله صفا- مهندس محسن فروغی

ماده ۳- شرایط عضویت انجمن آثار ملی از قرار ذیل است :

۱ (قبول اساسنامه و نظامات انجمن ؛

۲) تابعیت ایرانی و یا استخدام دولت ایران برای اعضاء مؤسسه و عمومی .

ماده ۴- قبول امضاء عمومی و افتخاری به معرفی يك نفر از اعضاء

هیأت مؤسسه انجمن و باکثريت آراء آن بعمل میآید .

ماده ۵- اعضاء عمومی سالی ۱۲۰ ریال و اعضاء مؤسسه سالی ۳۰۰

ریال بصندوق انجمن می پردازند.

تبصره - اگر یکی از اعضاء عمومی مبلغ دو هزار ریال یا بیشتر و یا یکی

از اعضاء مؤسسه پنج هزار ریال یا بیشتر یکبار ، بصندوق انجمن پردازد، از

پرداخت مقرری عضویت معاف خواهد بود .

ماده ۶- وظایف هیأت مؤسسه ارفرارذیل است :

- (۱) انتخاب هیأت مدیره ؛
- (۲) تصویب تصمیمات هیأت مدیره و تصویب محاسبات انجمن ؛
- (۳) انتخاب اعضاء عمومی و افتخاری و انفصال آنها ؛
- (۴) انتخاب کسری اعضاء هیأت مؤسسه در موارد لزوم ؛
- (۵) اصلاح یا تغییر اساسنامه و آئین نامه ؛
- (۶) مطالعات در پیشرفت منظوره‌های انجمن و دستور به هیأت مدیره برای اجرای آنها .

هیأت مؤسسه

ماده ۷- هیأت مؤسسه باکثرت آراء ، يك رئیس و يك نایب رئیس برای خود معین می کند .

تبصره- رئیس دبیرخانه انجمن ، منشی هیأت مؤسسه و هیأت مدیره و مجمع عمومی خواهد بود .

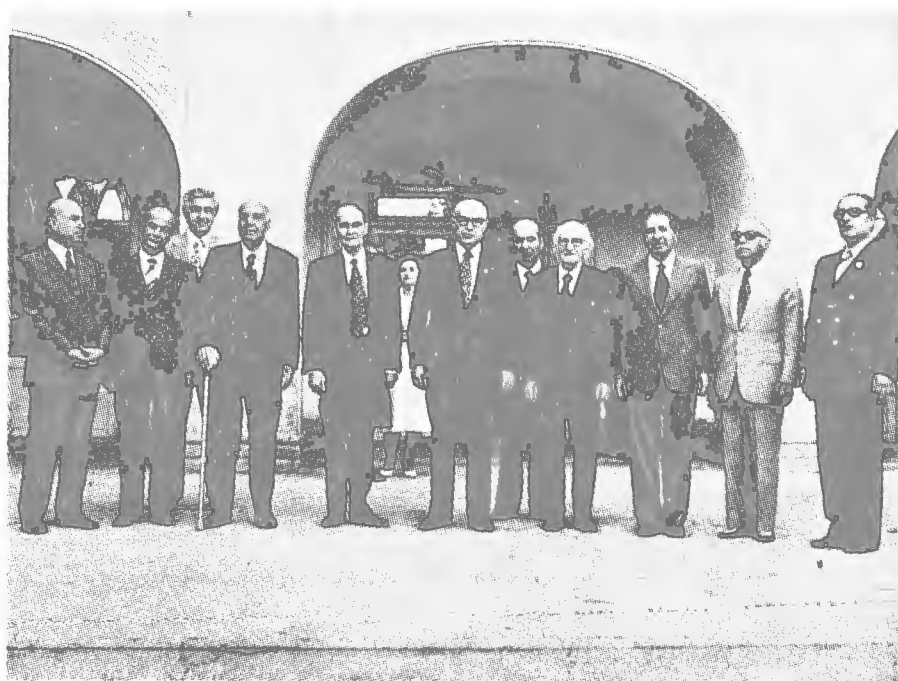
ماده ۸- هیأت مؤسسه انجمن اوقات جلسات مرتب خود را به اکثریت آراء اعضاء خود تعیین می نماید . علاوه بر این جلسات فوق العاده به تقاضای هیأت مدیره یا هشت نفر از اعضاء هیأت مؤسسه منعقد تواند شد .

ماده ۹- تصمیمات هیأت مؤسسه وقتی معتبر است که اکثریت اعضاء مؤسسه که در طهران اقامت دارند در جلسه حاضر باشند و اگر در موقع اتخاذ تصمیم نسبت به يك مطلبی حدنصاب مذکور حاصل نشد و مطلب موکول بجلسه بعد گردید در آن جلسه هر چند نفر از اعضاء که حاضر شوند ، تصمیم آنها باکثرت دوثلث خواهد بود .

ماده ۱۰- در موارد ذیل تصمیمات هیأت مؤسسه وقتی معتبر است که اکثریت دوثلث اعضاء هیأت مؤسسه که در طهران اقامت دارند در جلسه

حاضر باشند :

- (۱) انتخاب اعضاء ؛
- (۲) تغییر اساسنامه یا نظامنامه ؛
- (۳) انفصال اعضاء انجمن .



هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی

از راست به چپ: عبدالملی پورمند (از طرف وزیر فرهنگ و هنر) - مهندس علی صادق - دکتر محمود مهران - دکتر صدیق - علی اکبر اصغریان (دبیر انجمن) - مهندس شریف امامی - خانم میرزا مقدم (کارمندیات مدیره) حسین قدس نخعی - حسن نبوی - احمد کاشانیان (مدیر امور مالی) - دکتر صفا - مهندس فروغی

تبصره - اشخاصی که بواسطه عذر موجهی از حضور در جلسه ممنوعند میتوانند، برای دادن رأی یکی از اعضاء حاضره را قائم مقام خود قرار دهند .

هیأت مدیره

۱۱۵۵ - هیأت مؤسسه انجمن آثار ملی سالی یکمرتبه در پانزدهم فروردین اعضاء هیأت مدیره را انتخاب می کند .

ماده ۱۲- وظایف هیأت مدیره از قرار ذیل است:

- (۱) اجرای تصمیمات هیأت مؤسسه ؛
 - (۲) اداره کردن امور جاری ؛
 - (۳) دعوت هیأت مؤسسه به جلسات موافق ماده ۶ ؛
 - (۴) ترتیب گزارش شش ماهه امور انجمن ؛
 - (۵) ترتیب گزارش سالیانه برای مجمع عمومی اعضاء ؛
 - (۶) نظارت در محاسبات انجمن و تهیه حساب شش ماهه از عایدات و مخارج برای هیأت مؤسسه و حساب سالیانه برای مجمع عمومی .
- ماده ۱۳- مطالبی که در هیأت مدیره قطع و وصل میشود با کثرت نامه آراء است .

مجمع عمومی

- ماده ۱۴- مجمع عمومی که عبارت است از اجتماع اعضاء مؤسسه و عمومی و افتخاری سالی یکمرتبه در اسفندماه منعقد میشود .
- ماده ۱۵- دعوت مجمع عمومی برعهده هیأت مدیره است که پس از جلب نظر هیأت مؤسسه روز و ساعت انعقاد جلسه را معین کرده بوسیله دعوت نامه یا توسط جراید با اطلاع اعضاء انجمن میرساند .
- ماده ۱۶- علاوه بر جلسه سالیانه در هر مورد که هیأت مؤسسه ، انعقاد جلسه مجمع عمومی را لازم بداند هیأت مدیره بطریق مذکور در ماده قبل اقدام و اعضاء انجمن را دعوت خواهد کرد .

ماده ۱۷- مجمع عمومی برای مسائل ذیل منعقد می شود :

- (۱) اصغاء گزارش سالیانه هیأت مدیره راجع به اقدامات آن و کارهایی که شده است .
- (۲) اصغاء گزارش اموری که مطمح نظر هیأت مؤسسه است و مخارجی که مستلزم اجرای آن امور است .
- (۳) اطلاع از دارائی و قروض انجمن .

۴) مطالبی که هیأت مؤسسه قبل از اتخاذ تصمیمی نسبت بآن جلب نظر مجمع عمومی را لازم میداند.

ماده ۱۸۵ - جلسات مجمع عمومی وقتی رسمیت مییابد، که لااقل ثلث اعضای که در تهران هستند حاضر باشند ولیکن اگر در دفعه اول حد نصاب حاصل نشد حضور هر عده برای رسمی بودن جلسه کافی است.

محاسبات انجمن

ماده ۱۹ - هیأت مدیره در هر ششماه یکمرتبه گزارش محاسبات انجمن را تنظیم کرده به هیأت مؤسسه انجمن تقدیم می کند و در هر سال نیز یکبار گزارش جامع دیگری بمجمع عمومی انجمن عرضه خواهد کرد.

ماده ۲۰ - محاسبات انجمن بعهده خزانه دار است. مشارالیه باید صورت محاسبات انجمن را از دارائی وقروض و عایدات و مخارج در دفاتر منظم نگاه دارد.

ترتیب گزارش ششماه و سالیانه جمع و خرج انجمن نیز بعهده او است.

ماده ۲۱ - هیچ خرجی از عایدات انجمن جایز نیست مگر اینکه در حدود اعتباری باشد که قبلاً به تصویب هیأت مؤسسه رسیده است.

کلیه عایدات انجمن باید به خزانه دار سپرده شود و حوالجانی که صادر میشود، بامضاء رئیس و خزانه دار برسد.

ماده ۲۲ - کلیه وظایفی که برای رئیس هیأت مدیره پیش بینی شده در غیبت او بعهده نایب رئیس خواهد بود.

انقصال اعضاء انجمن

ماده ۲۳ - در موارد ذیل اعضاء انجمن از عضویت منفصل میشوند :

۱) در صورت سلب شرایط عضویت مقرر در ماده ۳؛

۲ - اقدام بر ضد انجمن و دخالت بامور سیاسی بنام انجمن.
ماده ۲۴ - در موارد مذکور در ماده قبل انفصال اعضا منوط به تصمیم هیأت مؤسسه است:

این آئین نامه در جلسه ۲۴ دیماه ۱۳۲۳ هیأت مؤسسه با اتفاق آراء تصویب گردید.

در انجمن جدید آقای حسن اسفندیاری (حاج محتشم السلطنه) به ریاست و آقای علیرضا قراگزلو (بهاءالملک) به نیابت ریاست هیأت مؤسسين انتخاب شدند و چون بموجب ماده ۴ اساسنامه برای انجمن هیأت مدیره‌یی در نظر گرفته شده بود در ششمین جلسه هیأت مؤسسين که در تاریخ بیست و چهارم دیماه ۲۵۰۳ (۱۳۲۳ ه. ش.) تشکیل شد هیأت مدیره به این شرح انتخاب گردید:

رئیس هیأت مدیره آقای علی اصغر حکمت

نایب رئیس آندره گدار

خزانهدار تیمسار سرلشکر امان‌الله جهانبانی

و چون تبصره ماده چهار اساسنامه مقرر داشته است که هیأت مدیره دبیرخانه‌یی خواهد داشت که رئیس آن منشی هیأت مدیره خواهد بود و ممکن است از اعضا عمومی یا اعضا افتخاری باشد لذا تالار فردوسی برای دبیرخانه تعیین شد و آقای مهدی بیانی رئیس کتابخانه ملی به عضویت انجمن پذیرفته و به ریاست دبیرخانه برگزیده شد.

انجمن آثار ملی در سی سال اخیر علاوه بر تعمیر آثار تاریخی کشور، آرامگاه ابن سینا در همدان، آرامگاه سعدی در شیراز، آرامگاه نادرشاه در مشهد، آرامگاه عمر خیام در نیشابور، آرامگاه صائب در اصفهان و آرامگاه باباطاهر در همدان را ساخته است. آرامگاه فردوسی را استحکام بخشیده و باغ و مؤسسات آن را توسعه داده و برای فردوسی و ابن سینا و نادرشاه و عمر خیام مجسمه‌هایی ساخته که در آرامگاه‌ها و شهرهای مذکور نصب شده است.

متجاوز از یکصد مجلد کتاب نیز راجع به بزرگان ایران و آثار آنان و بناهای تاریخی طبع و منتشر کرده و کنگره بین‌المللی ابن سینا را تشکیل داده است. انجمن در سال ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه. ش.) حسینیه امیربهادر را که از بناهای زیبای دوران قاجار است با تالار بزرگ و حوضخانه وسیع با آئینه کاری و تزئینات خریداری و تعمیر کرده مقر دائمی خود قرار داده است. هم‌اکنون انجمن کارهای متعددی در دست اقدام دارد که مهمترین آنها ساختن بنای عظیم یادبود



اعضاء هیأت مؤسس به هنگام شرکت آقای هویدا نخست‌وزیر در جلسه انجمن نام‌آوران (مقبره شعرا و شهیدان آذربایجان) و آرامگاه چندتن از شاعران است. انجمن آثار ملی در دوران تشکیل مجدد علاوه بر آنچه نسبت به بزرگداشت مفاخر در گذشته ایران انجام داده و می‌دهد به هر طریق هم که ممکن و مناسب بوده برای تعمیر و نگهداری ابنیه و آثار ملی و هرگونه خدمت به آنها با ادارات مربوط و مسئولان امر همکاری لازم بعمل آورده است، چنانکه تعمیرات

بسیاری از ابنیه تاریخی ایران از محل اعتباراتی که انجمن آثار ملی در اختیار سازمان ملی حفاظت آثار باستانی یا اداره کل موزه‌ها و ابنیه تاریخی گذارده انجام پذیرفته است. اینک آنچه که در دومین مرحله تأسیس انجمن آثار ملی از آذرماه ۲۵۰۳ (۱۳۲۳ ه. ش.) تاکنون انجام یافته است به ترتیب شرح داده می‌شود.

کتابخانه ملی

۲

هزاره ابن سینا



ابن سینا

حجة الحق شیخ الرئيس شرف الملك ابو علی حسین بن عبدالله بن سینا فیلسوف و متفکر بزرگ و طبیب و دانشمند عالیقدر از بزرگترین حکما و اطبای اسلام و از دانشمندان بزرگ جهان است.^۱ بنا بر آنچه خود وی در شرح احوالش نگاشته پدرش عبدالله از اهل بلخ و از عمال دولت سامانی بوده که در زمان فرمانروایی نوح بن منصور (۳۶۶-۳۸۷) به بخارا منتقل و عامل قریه خورمیش (خرمیش) از قراء بخارا گردیده است. عبدالله از قریه‌ای که نزدیک خرمیش بود و افشنه نام داشت زنی بنام «ستاره» گرفت و در ماه صفر سال ۳۷۰ (ق. هـ) خداوند به وی فرزندی عطا کرد که او را حسین نامید. پنج سال بعد از ولادت حسین ستاره فرزند دیگری آورد که او را محمود نامیدند و پس از آن عبدالله با فرزندان خود به بخارا رفت و ابوعلی در آنجا به فرا گرفتن قرآن و ادب و فقه و علوم ریاضی مشغول شد و چندی بعد فیلسوف و دانشمند مشهور ابو عبدالله نائلی به بخارا آمد و به خواهش عبدالله در خانه او منزل گزید و به تربیت ابوعلی همت گماشت. ابوعلی قسمتی از کتب منطق و اقلیدس و المجسطی را نزد استاد خواند و قسمت دیگر را با مطالعه شخصی فرا گرفت، تا آنکه نائلی از بخارا رهسپار خوارزم گردید و آنگاه ابوعلی بتهنئائی به مطالعه و تحقیق در علوم الهی و طبیعی و طب و ریاضی پرداخت و در همه این علوم تبجر یافت و بر اثر معالجه پادشاه سامانی اجازه ورود به کتابخانه عظیم سامانیان را یافت و خود او گوید: «... در آن

۱- شرح احوال او بتفصیل در مجلد اول کتاب جشن نامه ابن سینا تألیف دکتر ذبیح الله صفا از انتشارات انجمن آثار ملی آمده و آنچه در اینجا ذکر شده ملخص آنست.

کتابخانه کتابهایی دیدم که بسیاری از مردم اسم آنها را هم هرگز نشنیده بودند و من نیز پیش از این آنها را ندیده بودم و پس از این هم نیافتم ، این کتابها را خواندم و برفوائد آنها دست یافتم و مرتبه هر کس را در علم شناختم و چون به هژده سال تمام رسیدم از همه این علوم فارغ شده بودم .

ابوعلی از بیست و یک سالگی شروع به تألیف و تصنیف نمود و بیست و دو ساله بود که پدرش درگذشت و چندی ناگزیر شد که به اعمال دیوانی بپردازد و متقلد شغل پدر گردد و چون در این هنگام بسبب غلبه آل افراسیاب بر بخارا کار سامانیان آشفته شده بود ابوعلی از بخارا به گسرگانج پایتخت خوارزم به نزد خوارزمشاه علی بن مأمون بن محمد رفت و در خدمت او و وزیرش احمد بن محمد السهلی (یا سهیلی) متوفی بسال ۴۱۸ که خود از دانشمندان بزرگ بود قربت و مکانت یافت و چندی در آن سرزمین اقامت گزید و برخی از کتب خود را در آنجا نوشت . نظامی عروضی نوشته است که

«... ابو العباس مأمون خوارزمشاه وزیری داشت نام او ابوالحسین احمد محمد السهلی ، مردی حکیم طبع و کریم نفس و فاضل ، خوارزمشاه همچنین حکیم طبع و فاضل دوست بود و بسبب ایشان چندین حکیم و فاضل بر آن درگاه جمع شده بودند ، چون ابوعلی سینا و ابوسهل مسیحی و ابوالخیر خمار و ابوریحان بیرونی ، و ابونصر عراق برادرزاده خوارزمشاه بود و در علم ریاضی و انواع آن ثانی بطلمیوس بود ... و این طایفه در آن خدمت از دنیاوی بی نیازی داشتند و بایکدیگر انسی در محاورت و عیشی در مکاتبت می کردند . روزگار دیرنپسندید و فلک روا نداشت ، آن عیش برایشان منغص شد و آن روزگار بر ایشان بزیان آمد ، از نزدیک سلطان یحیی الدوله محمود معروفی رسید بانامه ای ، مضمون نامه آنکه شنیدم که در مجلس خوارزمشاه چند کس اند از اهل فضل که عذیم النظیرند چون فلان و فلان ، باید که ایشان را به مجلس ما فرستی تا ایشان شرف مجلس ما حاصل کنند و مابه علوم و کفایات ایشان مستظهر شویم و آن منت از خوارزم- شاه داریم ...»

ابوعلی و ابوسهل مسیحی که به عللی نمی خواستند به دربار محمود بروند اندکی پیش از سال ۴۰۳ از راه بیابان خوارزم روی به گسرگان نهادند و

بوسهل مسیحی در بیابان خوارزم در گذشت و ابوعلی به گرگان آمد و قصد داشت که به درگاه شمس المعالی قابوس و شمگیر برود اما چنانکه می‌دانیم قابوس در سال ۴۰۳ مقید و مقتول شد و ناگزیر ابوعلی از گرگان به دهستان در شمال گرگان و در مشرق دریای خزر رفت و از آنجا باز به گرگان بازگشت و چندی در آنجا ماند و بعضی از کتاب‌های خود را تألیف کرد و در سال ۴۰۵ به ری رفت و در آنجا به خدمت مجدالدوله ابوطالب رستم بن فخرالدوله دیلمی (۳۸۷ - ۴۲۰) و مادر او سیده رسید و ابوعلی مجدالدوله را که بیمار بود معالجه کرد و کتاب المعاد را در ری تألیف نمود و در اواخر سال ۴۰۵ یا اوایل سال ۴۰۶ از ری قصد قزوین کرد و از آنجا رهسپار همدان شد و ظاهراً حدود نه سال در همدان ماند و در آنجا وزارت شمس الدوله ابوطاهر شاه خسرو دیلمی پسر فخرالدوله که از ۳۸۷ تا ۴۱۲ در همدان و جبال سلطنت می‌کرد یافت. اما بسبب شورش سپاهیان از وزارت معزول گردید و چهل روز در خانه ابوسعید بن دحدوک پنهان بود تا قولنج امیر شمس الدوله عود کرد و او ابوعلی را برای درمان خواست و شیخ به مجلس او رفت و بار دیگر وزارت یافت و در همان ایام به تألیف طبیعیات کتاب شفا مشغول شد و به تدریس نیز می‌پرداخت تا سال ۴۱۲ که شمس الدوله در گذشت و پسرش سماء الدوله به سلطنت رسید و ابوعلی وزارت وی را پذیرفت و چون تاج الملك وزیر سماء الدوله شیخ را متهم به مکاتبه با مخالفان سلطان کرد سماء الدوله ابوعلی را محبوس ساخت و چهار ماه در قلعه فردجان واقع در ناحیه فراهان زندانی بود و در زندان کتاب الهدایه و رساله‌حی بن یقطان و کتاب القولنج را تألیف کرد و پس از رهائی از حبس با شاگرد خود ابو عبید جوزجانی و برادر و دو غلام خود و درزی صوفیان به اصفهان نزد علاءالدوله کاکویه رفت و پس از آن پیوسته در سفر و حضر با اکرام و اعزاز تمام در خدمت آن پادشاه بود و به تصنیف و تألیف و تدریس اشتغال داشت تا در سال ۴۲۸ که همراه علاءالدوله به همدان

می‌رفت بیمار شد و درگذشت و در همان شهر مدفون گشت. آثار شیخ را در فنون مختلف منطق، طب، طبیعیات، ریاضیات، نجوم، الهیات، علم النفس، خلیقات، سیاست، تصوف، تفسیر قرآن و غیره ۲۳۸ کتاب و رساله و نامه به پارسی و تازی بر شمرده‌اند که تقریباً همه آنها در دست است. علاوه بر منظومه‌هایی که در مسائل مختلف علمی ساخته و هریک رساله‌ای مستقل است، چندین قطعه، رباعی و قصیده به فارسی و عربی نیز به نام او در کتب تراجم و سفینه‌ها آمده که صحت انتساب قسمتی از آنها به وی مورد تردید است.

بزرگداشت ابن سینا

چنانکه پیش از این اشاره کردیم ولادت ابوعلی سینا را ماه صفر سال ۳۷۰ هجری قمری دانسته‌اند و بنا بر این ماه صفر سال ۱۳۷۰ مصادف با هزارمین سال ولادت آن دانشمند بزرگ می‌شد و بدین مناسبت در اکثر مجامع علمی جهان سخن از بزرگداشت وی و انجام دادن مراسمی به افتخار او بود. چندی پیش از آن در برخی از کشورها بمناسبت نهصدمین سال درگذشت او مراسمی برپا داشته بودند و از جمله در کشور ترکیه روز بیستم ژوئن سال ۱۹۳۷ میلادی در دانشگاه استانبول بمناسبت نهصدمین سال درگذشت ابن سینا مراسمی بعمل آمد. همچنین در افغانستان روز پنجشنبه سیزدهم آبانماه سال ۲۴۹۶ (۱۳۱۶ شمسی) در انجمن ادبی کابل به همین مناسبت طی مراسمی در حضور وزیران و دانشمندان افغانستان و نمایندگان سیاسی خارجی نطق‌هایی درباره ابن سینا و آثار و عقاید او ایراد شد و یکی از خیابانهای کابل به نام آن بزرگ نامگذاری گردید. پس از آن با فرا رسیدن هزارمین سال ولادت وی، در ایران و کشورهای مختلف جهان جشنها و مراسمی به یاد آن حکیم

برپا گردید که شرح آن خواهد آمد.

آغاز تهيئه جشن ابن سینا را در ایران باید از آذرماه سال ۲۵۰۳ (۱۳۲۳ ه.ش.) یعنی از شروع دومین دوره فعالیت انجمن آثار ملی دانست که از بدو این دوره دو اقدام مهم منظور نظر اعضاء انجمن بود، یکی بنای آرامگاه سعدی که در سال ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه.ش.) بنای جدید آن افتتاح گردید و دیگر برپاداشتن جشن هزاره ابن سینا و بنای آرامگاه جدید او در همدان.^۱

برای جشن هزاره ابن سینا نخستین اقدام انجمن برگزیدن افرادی بود از بین اعضاء و هیأت رئیسه خود تا کمیته مخصوصی تشکیل دهند و مطالعات لازم را در این مورد بعمل آورند، کمیته اقدامات ذیل را برای این امر لازم دانست:

- ۱ - بنای آرامگاه جدیدی برای ابن سینا که در خور مقام و مرتبت عظیم او باشد،

- ۲ - تهیه مجسمه ابن سینا و نصب آن در جای مناسبی در همدان،

- ۳ - تشکیل کنگره‌یی از دانشمندان و خاور شناسان جهان در تهران،

- ۴ - تأسیس کتابخانه‌یی به نام ابن سینا در همدان،

- ۵ - طبع یا تجدید طبع آثار فارسی ابن سینا،

- ۶ - تهیه مدالهای یادگاری به نام ابن سینا،

- ۷ - نشر مقالات و کتابها و رساله‌هایی درباره زندگی و آثار و

افکار ابن سینا،

- ۸ - جلب همکاری کشورهای دیگر برای بزرگداشت ابن سینا.

آرامگاه ابن سینا

بنابر آنچه ابن اصبیعه و گروهی دیگر از محققان و مورخان نوشته‌اند

۱ - مآخذ این فصل عبارتست از: مجلد اول جشن‌نامه ابن سینا تألیف استاد دکتر ذبیح‌الله صفا و هگمتانه تألیف دانشمند گرامی سید محمد تقی مصطفوی و پرونده‌های موجود در انجمن آثار ملی.

ابن سینا در همدان در گذشته و در زیر حصار آن شهر دفن شده است.^۱ ابن اصبیعه در باره مدفن حکیم نوشته است^۲ که: « وقبره تحت السور من جانب القبلة من همدان ». البیهقی^۳، ابن خلکان^۴، ابن العبری^۵، خواند میر^۶، و قاضی نورالله^۷ نیز نوشته اند که: مقبره وی در همدان است. مقبره ابن سینا در دره مراد بیک



آرامگاه سابق ابن سینا

در ضلع غربی خیابان ابوعلی همدان یعنی خیابانی که از مرکز شهر روبه جنوب و کمی مایل به غرب امتداد دارد واقع است و در کنار آن قبر ابوسعید

- ۱ - جشن نامه ابن سینا، ص ۴۰ و ۲۰۰.
- ۲ - طبقات الاطباء، ج ۲، ص ۹ به نقل از جشن نامه ابن سینا.
- ۳ - تتمه صوان الحکمه، ص ۵۸.
- ۴ - وفيات الاعیان، ج ۲، ص ۱۶۹.
- ۵ - مختصر الدول، ص ۳۲۹.
- ۶ - دستورالوزراء، ص ۱۳۳.
- ۷ - مجالس المؤمنین، ص ۳۳۱.

دخدوڪ می باشد. ابوسعید یا ابوسعبدین دخدوڪ از دوستان ابن سینا بوده و ابن سینا بعد از غائله شورش سپاهیان شمس الدوله دیلمی مدت چهل روز در خانه وی پنهان و منزل ابوسعید در همین محل بوده که اکنون آرامگاه هر دومی باشد. این محل در آن روزگار کنار شهر و پشت باروی جنوبی همدان بوده و تا اواخر قرن سیزدهم هجری چهارطاقی کوچکی بر روی قبر آن دو قرار داشته است و چون چهارطاقی مذکور بتدریج بر اثر فرسودگی روبه ویرانی می رفته یکی از شاهزاده خانمهای دانش دوست قاجاری به نام نگارخانم دختر شاهزاده عباس میرزا ولیعهد فتحعلیشاه در صدد تجدید بنا و تعمیر آن برآمده است. نوشته اند که نگارخانم نخست همسر عبدالله خان صارم الدوله از طایفه حاجی لر بود و پس از آن به همسری مصطفی قلی خان اعتماد السلطنه درآمد. به دستور این شاهزاده خانم بجای چهارطاقی قدیم گنبدی از آجر ساختند و دو سنگ یکی روی قبر ابن سینا و دیگری روی قبر ابوسعید دخدوڪ نهادند. پس از بنای آرامگاه باشکوه جدید سنگ قبرهای مذکور را در سرسرای آرامگاه قرار دادند. سنگ قبر بوعلی در طرف راست سرسرای ورودی و سنگ قبر ابوسعید در طرف چپ آن و اینک آنچه را که محقق ارجمند آقای محمدتقی مصطفوی درباره این دو سنگ قبر نگاشته اند عیناً نقل می کنیم^۱:

«این سنگ قبر (سنگ قبر بوعلی سینا) در قسمت پائین بصورت مکعب مستطیل بطول ۱/۲۵ و عرض ۱/۰۵ و ارتفاع ۲۵/ متر بود و قسمت بالای آن از هر سمت ده سانتی متر کوچکتر با ارتفاع ۳۳/ متر تقریباً بصورت منشور درآمده است و اینگونه سنگ قبر در دوره مغول و بعد از آن زیاد معمول بوده است و بر روی بسیاری از قبور ادوار قدیم دیده میشود. بر روی بدنه ها و حاشیه های چهار طرف این سنگ قبر به خط نسخ غیر مرغوب آیات و جملات ذیل بطور برجسته مرقوم رفته است:

«قل اللهم مالك الملك... تا وتولج النهار (تمام آیه ۲۵ و ابتدای آیه ۲۶ سوره آل عمران یعنی سومین سوره قرآن مجید - بعضی کلمات هم تکرار شده است)



سنگ قبر قدیم ابوعلی سینا

حجت الحق ابوعلی سینا در شجاع آمد از عدم بوجود
در شصا کرد کسب جمله علوم در تکز کرد اینجهان بدرود»

در روی چهار بدنه قسمت پائین سنگ این عبارت بهمان ترتیب مرقوم رفته است: «هذا قبر الجنة المكان فردوس آشیان سلطان الحكماء شیخ ابوعلی سینا نورالله مرقده (کتیبه بهمان صورت که روی سنگ نوشته شده نقل گردیده است و اگر اغلاطی بنظر خوانندگان گرامی برسد مربوط بنگارنده نیست) در ضلع غربی سنگ جملات: حرره الحقیر عبدالصمد و عمل کر بلائی عبدالخالق نویسنده سطور و حجار این سنگ را معرفی می نماید.

ظاهراً این سنگ شبیه سنگهای قبر عهد مغول است و دور نیست برخی از بازدیدکنندگان کنجکاو را به شبهه بیندازد، ولی پهلوی کلمه الملك بر سطح فوقانی سنگ تاریخ ۱۲۹۴ [قمری] تشخیص داده می شود...

سنگ قبر دیگری در طرف چپ دهلیز دیده می شود و بر روی پلاک برنجی که روی پایه آن نصب شده است این عبارت را به خط نستعلیق نقر نموده اند: «سنگ قبر قدیم ابوسعید خدوک که قبلاً روی قبر بوده است»

این سنگ به شکل مربع مستطیل ساده بطول ۱/۵۳ متر و عرض ۹۸/۰ متر و

ارتفاع ۴۸/ متر می باشد بر سطح فوقانی آن به خط نستعلیق و بطور برجسته این عبارت در ۱۵ سطر مرقوم رفته است:

«هو الحی الذی لایموت یامدد علی جبرائیل میکائیل اسرافیل عزرائیل.
چون در این زمان میمنت بنیان که هزار و دویست و نود و چهار از هجرت گذشته
بقعه متبرکه شهریار کشور تجرید حضرت ابوسعید و سلطان الحکماء شیخ ابوعلی
سینا رو بخرابی آورده بود لهذا ملک زاده جهان اختر دودمان قاجار شاهزاده
نگار خانم در تعمیر این بقعه کوشیدند.

ساقی بیار باده که فصل بهار شد هنگام چیدن گل رخسار یار شد
تعمیر خاقانه خراباتیان عشق منت خدایرا که بسعی نگار شد
بیت سوم این اشعار نیز در ضلع غربی سنگ مزبور بخط ثلث مرقوم
رفته است که بشرح زیر خوانده می شود:

شد از ذی المواهب احیای این بنا شکر خدا که از مدد او مزار شد

کتابه علی شیرازی

بر حاشیه سطح فوقانی سنگ این رباعی بخط نستعلیق برجسته نوشته شده است:

ای ذات تو بر کل ممالك مالک وی راه روان کوی (عشقت یا مهرت سالک؟)
من حمد تواز زبان تو میگویم انت الباقی و کل شئی هالک
کتابه میر باقر

معلوم می شود خطوط نستعلیق این سنگ را میر باقر نام و خطوط ثلث آنرا شخصی بنام علی شیرازی نوشته اند.

بر بدنه های شرقی و جنوبی و شمالی سنگ که در موقع آبادی بقعه قدیم
بر خلاف جهت فعلی آن بر روی مزار ابوسعید دخدوک نصب بوده است (یعنی
ضلع شرقی فعلی سنگ طرف بالای سریا رو بمغرب قرار میگرفته است) قسمتی
از آیه مبارکه نور از «الله نور السموات والارض» تا «من شجرة مبارکه» آیه ۲۵
سوره نور- بخط ثلث مرقوم گردیده است.

«گنبدی که به دستور نگار خانم بر قبر بوعلی ساخته شده بود پس از او
تکمیل شد و در سال ۱۳۳۹ هجری قمری شخصی بنام محمد حسین فریدالدوله
گلگون همدانی دور محوطه قبر ابن سینا دیواری کوتاه کشید و در روی
پل قدیم رودخانه که در گوشه جنوب غربی ساختمان مقبره جدید بر روی
آلوسه جرد (نام رودخانه همدانست) قرار داشت احداث کرد و در جنب آرامگاه



سنگ قبر ابوسعید دخدوک

یک تالار بزرگ و تالاری کوچکتر برای کتابخانه و یک مخزن کتب ساخت و چاهی و حوضی ترتیب داد و مخارج این ساختمان از اعانه‌ایی که چندتن از اهالی همدان دادند تأمین گردید...

... تمام بنای آرامگاه یعنی آنچه نگارخانم ساخته و آنچه بعد از آن احداث شده بود از آجر و شکل بنا چهارضلعی غیر منظم بود که گنبدی در وسط آن قرار داشت و محصور بود از طرف مغرب بتالار قرائتخانه و از طرف مشرق بیک دالان که منتهی به اطاق کوچکی می‌شد که حسد مرحوم عارف قزوینی رادر

آنجا بامانت گذاشته بودند. در شمال آرامگاه خانه‌های مسکونی و درست جنوب حیاط آرامگاه قرار داشت و تمام محوطه در مشرق رودخانهٔ الوسه جرد واقع و مشرف بر آن بود. کتابخانه که ۴۹۹ مجلد کتاب داشت بقرائتخانهٔ ابوعلی سینا موسوم بود. در داخل آرامگاه دور دو سنگ قبر ابوعلی و ابوسعید ندرهٔ چوبی کوتاهی قرار داده بودند و چنانکه از همهٔ روایات معلوم میشود آرامگاه مذکور محل اعتکاف اهل زهد و ورع و صوفیان بوده و گاه نیز دانشمندان و سیاحانی برای زیارت آن از اطراف می‌آمده‌اند.^۱

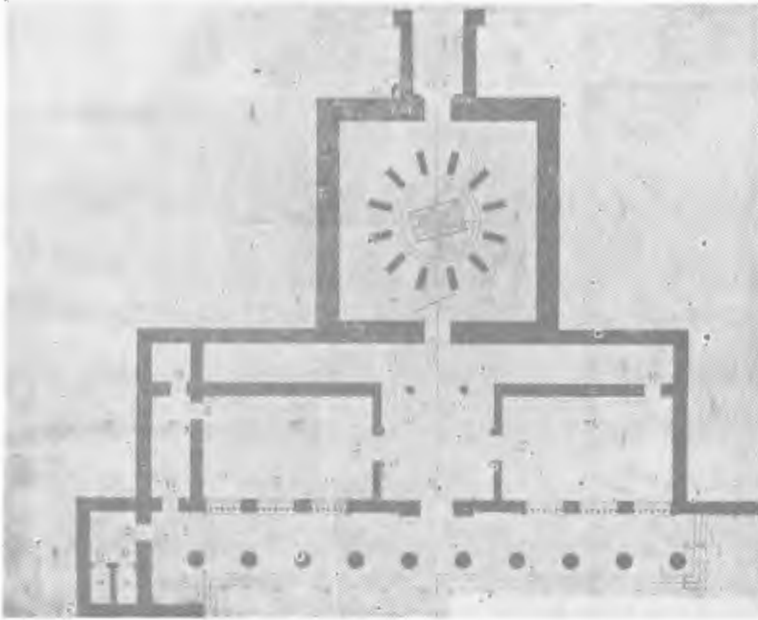
آرامگاه جدید

نظر اعضای انجمن آثار ملی این بود که در بنای آرامگاه بوعلی اصول معماری قدیم و جدید هر دو ملحوظ گردد و درهم آمیزد و با توجه بدین نکته در خردادماه سال ۲۵۰۴ (۱۳۲۴ ه. ش.) طرح نقشهٔ آن بین مهندسان و فارغ التحصیلان رشتهٔ معماری به مسابقه گذارده شد و از بین طرح‌های متعددی که به انجمن رسید طرح پیشنهادی آقای مهندس هوشنگ سیحون که با نظر آقایان آندره گدار مدیرکل فنی موزهٔ باستانشناسی و مهندس محسن فروغی تهیه شده بود مورد قبول قرار گرفت و بعنوان جایزهٔ اجراء ساختمان برعهدهٔ او واگذار گردید.

طرح مزبور با توجه به سبک معماری قرنیه که حکیم در آن می‌زیست از روی یکی از قدیم‌ترین و عظیم‌ترین بناهای آن عصر یعنی گنبد قابوس که از شاهکارهای معماری بشمار می‌رود اقتباس گردیده بود. گنبد قابوس بموجب کتیبهٔ موجود بر روی بنا به سال ۳۷۵ شمسی برابر با ۳۹۷ قمری بنا شده و بنای آرامگاه برای ابن سینا بدان سبک و شیوه از هر جهت مناسب می‌نمود. و از جمله آنکه گنبد قابوس در قرن پنجم یعنی قرنیه که قسمتی از دوران زندگانی ابن سینا در آن گذشته بنا شده و علاوه بر آن آرامگاه شمس المعالی قابوس بن وشمگیر بن زیار

۱- جشن‌نامه، مجلد اول، ص ۲۰۴ و ۲۰۵.

دیلمی است که ابن سینا مدتی در نزد وی بسربرد. گذشته از اینها گنبد قابوس از زیباترین مقابری است که از روزگاران کهن بازمانده و بنایی است بصورت برج بسیار مرتفع با گنبدی مخروطی که مجموع ارتفاع آن به ۵۲ متر می‌رسد (۳۵ متر قسمت قائم برج و ۱۷ متر گنبد مخروطی آن) و قطر تمام دایره برج ۱۷/۳۸ متر می‌باشد. کتیبه‌ی که به خط کوفی ساده قرن چهارم هجری با آجر



ماکت آرامگاه جدید

بطور برجسته در میان دو ترك برج قرار گرفته چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم - هذا القصر العالی - للامير شمس المعالی الامير ابن الامير- قابوس بن وشمیگر- امر بینائه فی حیاته - سنة سبع وتسعين - وثلثمائه قمریه- وسنة خمس وسبعین - وثلثمائه شمسیه»

همین کتیبه در قسمت پائین بدنه‌های دهگانه مزبور محاذی بالای مدخل برج نیز تکرار گردیده است^۱.

آقای مصطفوی نوشته اند که^۱:

«اختلاف عمده که برج آرامگاه بوعلی سینا با گنبد قابوس دارد دو چیز است: یکی اینکه به مناسبت موقعیت و محدود بودن فضای آرامگاه بوعلی و همچنین توجه به میزان مخارجی که پیش بینی می گشت ابعاد برج آرامگاه بوعلی نصف ابعاد گنبد قابوس در نظر گرفته شده است و در ابتدای امر چنین تصمیمی نگرفته بودند لکن محظوراتی... انجمن آثار ملی را وادار نمود از آقای



برج اصلی آرامگاه

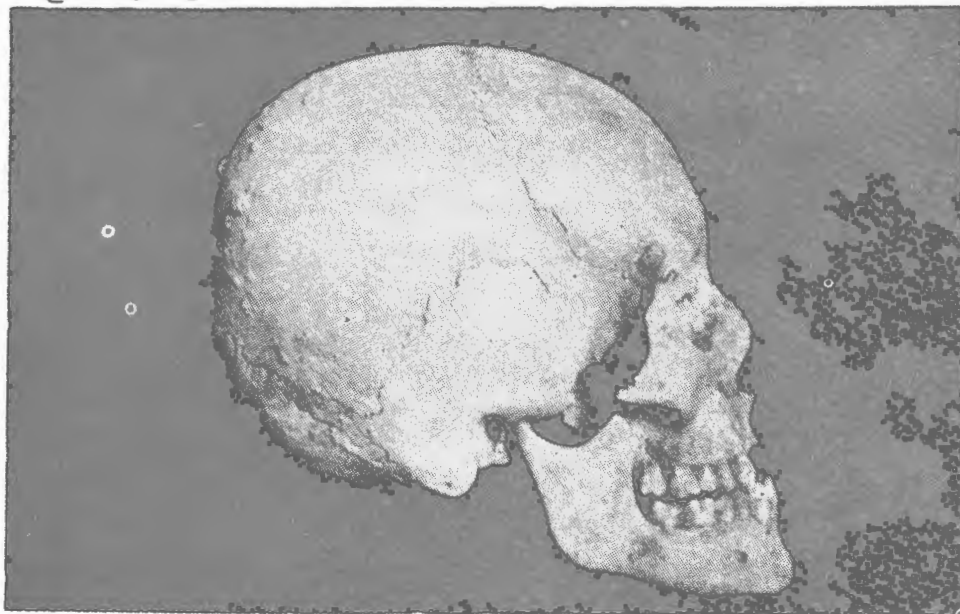
مهندس سیحون مهندس طراح و ناظر آرامگاه بخواهد که ابعاد ساختمان را به نصف تقلیل دهد. اختلاف عمده دیگر اینست که فاصله بین ترکهای آرامگاه بوعلی سینا باز و گشاده است در صورتی که بنای گنبد قابوس از بنیاد تا بالا جز در ورود و روزنه کوچکی در پائین گنبد هیچگونه منفذی به خارج ندارد و به سبک زمان درون آن چون دخمه تاریک و فاقد روشنائی است و این ابتکار یعنی بازگذاشتن فواصل ترکها در برج آرامگاه بوعلی سینا علاوه بر آنکه با وضع اقلیمی همدان و بادهای شدید آن سرزمین بسیار عمل بمورد و مستحسن بشمار می رود اصولاً بنای مزبور را به صورتی بسیار جالب و مطبوع درآورده آنرا بس زیباتر و پسنده تر از آنچه تصور میرفت ساخته است...

در نیمه سال ۲۵۰۶ (۱۳۲۶ ه. ش.) انجمن تصمیم به اجرای طرح ساختمان آرامگاه گرفت. در آن هنگام مهندس سیحون برای تکمیل مطالعات خود در پاریس بسر می برد و پس از آگاهی از تصمیم انجمن در خردادماه ۲۵۰۷ (۱۳۲۷ ه. ش.) طرحهای اجرائی آرامگاه را به عنوان «پایان نامه» به دانشکده هنرهای زیبای پاریس تقدیم کرد و سپس در تیر ماه همان سال آنها را برای اجرا به انجمن ارسال داشت و در اوائل سال ۲۵۰۸ (۱۳۲۸ ه. ش.) بین انجمن آثار ملی ایران و شرکت ساختمانهای کشور (شرکت نسبی مهندس ابتهاج و شرکاء) قرارداد قطعی ساختمان منعقد گردید و در خردادماه همان سال ساختمان آرامگاه آغاز شد. مراسم آغاز ساختمان را فرماندار همان چنین گزارش داده است:

«... روز دوشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۲۸ ساعت ۵ بعد از ظهر مجلس جشنی بمناسبت زدن اولین کلنگ ساختمان آرامگاه فیلسوف شهیر بوعلی سینا نزدیک مقبره فعلی تشکیل شد و پس از سخنرانیهای متعدد مبنی بر عظمت مقام علمی حکیم و فیلسوف مزبور و توجهات مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به بنای آرامگاه شیخ الرئیس و تعمیر آرامگاه سایر بزرگان علم و هنر و انجام تشریفات زدن اولین کلنگ به نام نامی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و صرف جای و شربنی مجلس در ساعت ۷ بعد از ظهر خاتمه پذیرفت».

پس از تخریب مقبره قدیم و گشودن قبر ابوعلی سینا و ابوسعید، مجموعه و قسمتی از استخوانهای ابوعلی و قسمتی از استخوانهای ابوسعید که باقی مانده بود با حضور افراد معتمد و موثق پس از تهیه صورت مجلس در جعبه های مخصوص نهاده و مهر و موم شد تا پس از آماده شدن آرامگاه جدید مجدداً دفن گردد.

استاد محترم آقای دکتر صفا درباره طرح بنا و استواری آن نوشته اند که: «طراح بنا طرح خود را بنحوی پیش بینی کرد که هم یادآور یکی از مقابر عصر زندگی ابن سینا و هم نشانه ای از تکامل فن معماری جدید باشد، این است که معماری بنا در قسمت زیرین روحیه بناهای مصر و ایران و یونان قدیم را با تمام عظمت و جلال آنها نشان می دهد و در قسمت فوقانی یعنی در برج



مجموعه ابن سینا

دوازده ترك تحت تأثير روش معماری مقبره قابوس قرار دارد و از لحاظ اصول ساختمان و سادگی و تناسبات و تكنيك اجراء كاملاً جديد است، بدین ترتیب

طراح ساختمان نشان داده است که این سینا يك فیلسوف و متفکر بزرگ اسلامی است که بنای افکارش بر علوم و اطلاعاتی که از ملل قدیمه رسیده است قرار دارد، سنگهای خشنی که با ابعاد نسبتاً بزرگ در قسمتهای زیرین بنا بکار رفته روحیه استحکام و قدرت را ظاهر می‌سازد و ظرافت آمیخته با عظمتی که در برج و پایه‌های آن دیده می‌شود تباین و اختلاط مطبوعی را با سنگهای خشن نشان می‌دهد، باغچه‌ها و چشمه‌هایی که در حیاط ورودی و مصطفی ساختمان تعبیه شده نمونه کوچکی از باغهای معلق بابل و طراوت مشرق زمین است. به این ترتیب دیده می‌شود که در ساختمان آرامگاه این سینا روش انتخابی بکاررفته و سعی شده است برای نشان دادن هر فکر و روحیه‌ای از يك سبك و يك دوره قدیم و جدید در آن استفاده شود، منتهی در آمیختن این عناصر متفاوت و ایجاد تناسب و هم‌آهنگی در اجزاء مختلفه مأخوذه چنان مهارت و هنرنمایی شده که بی‌مبالغه شاهکاری از آثار معماری بوجود آورده است. شاهکاری که استحکام و تناسب شاعرانه و ظرافت و قدرت را بهم در آمیخته است، اثری که بیننده را در مقابل عظمت و قوت قرار می‌دهد و بی‌اختیار بیاد آن می‌اندازد که: در اینجا مردی بزرگ آرمیده است که روحی عظیم و کوششی بینهایت داشت و اطلاعات وسیع خود را که از مبانی گوناگون فراهم آمده بود با همین تناسب بهم آمیخت چنانکه در عین عظمت و کثرت هم‌آهنگ است و در عین آنکه حاوی قسمت‌ها و مطالب گوناگونی است يك نظم منطقی و ریاضی از آن آشکار می‌باشد. در ساختن این ساختمان عظیم بیش از هر چیز به استواری آن توجه شد تا هم بدین طریق مقام بلند بوعلی رعایت شده باشد و هم این بنای استوار پای برجا که اگر دست زمان بازی نامرتب با آن نکند باید قرن‌ها چون کوهی از گزند باد و باران در امان بماند، نشانه‌ای از استواری افکار و آثار آن مرد جلیل باشد که استخوانهای وی هنوز در زیر برج آن قرار دارد و بهمان نحوه گذشت روزگار در طراوت و تازگی اندیشه‌ها و نوشته‌های او تغییری ایجاد نکرده است در آرامگاه ابدی او نیز دگرگونی راه ندهد».

مساحت اراضی محوطه و زیر بنای آرامگاه جمعاً $3/090$ متر مربع بوده است (در حال حاضر چنانکه خواهد آمد حدود هفت هزار متر مربع است) و مساحت اراضی زیر بنا $1/792$ متر مربع و مساحت زمینی که در طرف مشرق و جنوب آرامگاه واقع بوده $1/298$ متر مربع بوده است. طول ساختمان 64 متر

و روبه‌خیابان بوعلی می‌باشد و نمای آن از سنگ خارا پوشیده شده است. سطح حیاط با سه پله سرتاسری به ایوان ساختمان متصل می‌شود. ایوان ورودی به طول ۳۰ متر و عرض سه متر در مشرق ساختمان قرار دارد و در آن ده ستون از سنگ خارا تعبیه شده که قطر هریک در پائین نود و پنج سانتیمتر و در بالا هفتاد و پنج سانتیمتر و ارتفاع آنها چهارمتر و ده سانتیمتر است و هریک



آرامگاه بوعلی سینا

نمودار يك قرن از ولادت حكيم می‌باشد و جمعاً می‌نماید که هزار سال از ولادت آن بزرگ مرد گذشته است. کف ایوان با سنگ خارا مفروش و سقف آن با بتون مسلح پوشیده است. این ایوان با دری چوبی به ارتفاع $3/24$ متر و عرض $1/90$ متر به سرسرای آرامگاه متصل می‌گردد. طول سرسرا $8/80$ متر و عرض آن $6/30$ متر است و تا سقف $4/19$ متر ارتفاع دارد. دیوارهای سرسرا با سنگ تراورتن محلات و کف آن با سنگ خارای چکشی پوشیده

شده است و قاب در نیز به عرض يك متر از سنگ خاراى چكشى مى باشد. چنانكه اشاره شد در طرف راست و چپ سرسرا سنگ قبر قدیم ابوعلی سینا و ابوسعید دحدوك بر روی پایه هایى از سنگ خارا قرار دارد و بعد از آن دو ستون از سنگ سفید همدان نصب شده و بر سر در ایوان ورودی بر روی مرمریزد به خط ثلث این کتیبه دیده می شود: «ومن يؤت الحكمة فقد اوتى خیراً کثیراً». این کتیبه به خط احمد معصومی زنجانی است. در انتهای غربی سرسرا در آهني دو لت و سنگینی می باشد و در بالای آن کتیبه «بسم الله الرحمن الرحيم» به خط ثلث مرحوم امیرالکتاب است و از این در به محل اصلی آرامگاه وارد می شوند.

محوطه اصلی مقبره چهار گوش و هر ضلع آن یازده متر و نیم و مساحت سطح آن ۱۳۲/۲۵ متر مربع است. دوازده پایه برج آرامگاه در این محوطه چهار گوش قرار دارد و قبر ابن سینا در میان پایه های برج و قبر ابوسعید دحدوك در کنار آن است و روی هر دو قبر لوحه ای از مرمر قرار دارد و کتیبه ای در ۹ سطر به قلم ثلث شیوا به خط آقای احمد معصومی زنجانی برجسته بر روی آن نوشته شده است. این لوحه تشکیل می شود از يك قطعه فوقانی که ابعاد آن ۴۳ سانتیمتر در يك متر است و بر روی آن «بسم الله الرحمن الرحيم» نقش شده و يك قطعه تحتانی به طول دو متر و پنجاه و دو سانتیمتر و عرض يك متر و مجموعاً کتیبه بدین صورت است:

۱- بسم الله الرحمن الرحيم

۲- و آتیناه الحکمة و فصل الخطاب

۳- هذا مرقد الشيخ الرئيس حجة الحق ابوعلی الحسین بن عبد الله بن سینا

۴- قال ابو عبید عبد الواحد الجوزجانی رحمه الله فی رسالة سيرة الشيخ

المعروفه بسر گذشت

۵- کانت ولادته فی ۳۷۰ و جمیع عمره ۵۸ سنة ثم انتقل الی جوار ربه و رحمه

و دفن بهمدان فی سنة ۴۲۸



آرامگاه اینستینا که بمسال ۲۵۱۰ (۱۳۳۰ ه. ش.) در همدان به وسیله
انجمن آثار ملی ساخته شده است

۶- قال اوحدالدین الانوری فی شأنه

۷- دیده جان بوعلی سینا بود از نور معرفت بینا

۸- سایه آفتاب حکمت او تافت از مشرق ولوشنا

۹- جان موسی صفات اوروشن بتجلی و شخص اوسینا

آقای مصطفوی نوشته اند که: «تخته سنگ فوق از آثار برجسته و مهمی است که در بنای پرشکوه آرامگاه بکار برده اند و ضمن انجام کارهای آرامگاه یک بار تخته سنگ بزرگی که از یزد آورده بودند شکسته شد و سنگ قبلی از کنار دریاچه رضائیه تهیه و به همدان حمل گردید!...».

دیوارهای داخل آرامگاه از سنگ تراورتن محلات پوشیده شده و سقفش از بتون مسلح از سیمان پرتلند و ریزه های سنگ خارا است و در ارتفاع سه متر و نیمی از کف مقبره کتیبه ایست به قلم ثلث و آن قصیده عینیّه ابوعلی است که بر روی ۴۰ قطعه از مرمر یزد هر مصرع روی یک پارچه سنگ نوشته شده است. بر هر دیوار شش پنجره شیشه ای (جمعاً ۲۴ پنجره) بالاتر از کتیبه تعبیه شده است. در ضلع غربی مقبره در دیگری است به عرض ۱٫۸۵ متر و ارتفاع ۲٫۷۰ متر که بوسیله دو پایگرد و شش پله به پلی میرسیده که بر روی رودخانه الوسه جرد قرار داشته (چنانکه پس از این خواهد آمد اکنون باتوسعه اراضی آرامگاه، رودخانه از زیر باغچه غربی آرامگاه می گذرد). این پل بوسیله شهرداری همدان از بتون مسلح و روی پایه هایی از سنگ خارا ساخته شده آرامگاه را از جانب مغرب به خیابان بین النهرین که از خیابانهای قدیمی شهر بود متصل می ساخت. پله ها و پایگرد و قاب در از سنگ خارای چکشی و دیوارها از سنگ خارای خشن و سقف از بتن مسلح می باشد. بر بالای این در از سمت رودخانه (اکنون حیاط غربی) بر روی لوحه ای از مرمر یزد این رباعی که از اشعار ابن سیناست و جزو رباعیات خیام انتشار یافته

حَيْثُ انْزَلْنَا

هَبَطْنَا لَيْكَ مِنَ الْمَحَلِّ الْأَرْفَعِ
 مُحْجُوبَةً عَنْ كُلِّ مُفْلِهِ عَارِفٍ
 وَصَلْنَا عَلَى كُرْهِ إِلَيْكَ وَرُبَّمَا
 أَتَيْتُ وَمَا أَتَيْتُ فَلَمَّا وَاصَلْنَا
 وَأَظْهَرْنَا نَيْتَ غُھُودًا بِالْحَيِّ
 حَتَّى إِذَا انْصَلَّتْ بِهَاءُ هُبُوطِهَا
 عَلِقَتْ بِهَا نَاءُ التَّقْيِيلِ فَأَصْبَحَتْ
 شَبَكِي إِذَا ذُكِرْتُ دِيَارًا بِالْحَيِّ
 وَتَظَلُّ سَاجِدَةً عَلَى الدِّمَنِ الَّتِي
 إِذَا عَاقَهَا الشَّرُّ الْكَثِيفُ فَصَدَّهَا
 حَتَّى إِذَا قَرُبَ الْمَسِيرُ مِنَ الْحَيِّ
 سَجَعَتْ وَفَدَّ كَشَفَ الْغَطَاءِ فَأَبْصُرُ
 وَعَدَتْ مُفَارِقَةً لِكُلِّ مُخْلَفٍ
 وَعَدَتْ تُغَرِّدُ فَوْقَ ذُرُوفِ شَاهِقٍ
 فَلَا أَيْ شَيْءٍ أَهْبَطْتُ مِنْ شَاهِقٍ
 إِنْ كَانَ أَرْسَلَهَا إِلَّا لَهُ بِحُكْمٍ
 فَهَبُوطُهَا إِنْ كَانَ ضَرْبُهُ لَا رَيْبَ
 وَتَعُودَ عَالِمَةً بِكُلِّ خَفِيَّةٍ
 وَهِيَ أَلْفَى طَعَمَ الزَّمَانِ طَرِيقَهَا
 فَكَأَنَّمَا بَرَقَ نَأْلُهَا بِالْحَيِّ لَمْ

وَرَقَاءَ ذَاكَ تَعَزَّزَ وَمَسَّحَ
 وَهِيَ الَّتِي سَفَرَتْ وَلَمْ تَنْتَبِهْ
 كَرِهَتْ فِرَاقَكَ وَهِيَ ذَاكَ تَجَمُّعِ
 أَلَفَتْ مُجَاوِرَةَ الْخَرَابِ الْبَلَقِ
 وَمَنَازِلًا يَفِرُّ فِيهَا لَمْ تَقْبَحْ
 عَنْ مِيمٍ مَرَكَزَهَا بِذَلِكَ الْخُرُوجِ
 بَيْنَ الْعَالَمِ وَالْطُّلُولِ الْخُصِّصِ
 بِمَدَامِغِ طَبْعِي وَلَمَّا تَقَطَّعَ
 دَرَسَتْ بِتَكَرُّارِ الرِّجَاحِ الْأَرْفَعِ
 فَقَصُّ عَنْ الْأَوْجِ الْفَسِيحِ الْمَرْجِعِ
 وَدَنَا الرَّحِيلُ إِلَى الْقَضَا الْأَوْجِعِ
 مَا لَيْسَ بِذَرَكٍ بِالْعَبُونِ الْهَجِّعِ
 عَنْهَا حَلِيفُ الثَّرْبِ غَيْرُ مُشْتَبِعِ
 وَالْعِلْمُ يَرْفَعُ كُلَّ مَنْ لَمْ يَرْفَعِ
 سَامٍ إِلَى قَبْرِ الْخُصِصِ الْأَوْصِعِ
 طُوبَى عَنِ الْقَدَنِ اللَّيْلِ الْأَوْجِعِ
 لِيَكُونَ سَامِعَةً بِمَا لَمْ تَسْمَعْ
 فِي الْعَالَمِينَ فَخَرَفَهَا لَمْ يَرْفَعِ
 حَتَّى لَمَّا دَعَرْتُ بِتَعْمِيرِ الْمَطْلَعِ
 ثُمَّ انْطَوَى فَكَأَنَّهُ لَمْ يَلْعِ

بخط أحمد زنجاني

به خط نستعلیق برجسته نوشته شده است:

از قعر گل سیاه تا اوج زحل
 کردم همه مشکلات عالم راحل
 بیرون جستم ز قید هر مکر و حیل
 هر بند گشوده شد مگر بند اجل
 در سرسرای ورودی آرامگاه دو کتیبه دیگر نیز وجود دارد: یکی از آنها لوحه سفیدی است که مرحوم سعید نفیسی به یاد بود هفته ابن سینا^۱ در مهرماه ۱۳۳۱ (۵. ش.) به آرامگاه هدیه کرده و ۶۰ سانتی متر طول و ۴۰ سانتی متر عرض دارد و به خط سیاه نستعلیق در شش سطر این کتیبه بر آن نقر شده است: «حکیم و پزشک بزرگ ایرانی ابوعلی سینا مدتی از عمر گرانبهای خویش را در این شهر گذرانیده و در اینجا بخاک سپرده شده است مهرماه ۱۳۳۱ کمیته ملی هزاره ابن سینا».

این لوحه به دیوار جنوبی راهرو دست چپ و در سمت چپ در ورودی بقعه نصب شده است. لوحه مرمر دیگری در سمت راست در ورودی سرسرا نصب است که بر روی آن به خط نستعلیق برجسته نوشته شده است: «مهندس آرامگاه مهندس هوشنگ سیحون. متصدی ساختمان شرکت نسبی مهندس ابتهاج و شرکاء ۱۳۷۰ قمری ۱۳۳۰ شمسی».

در دو طرف سرسرا دو تالار قرار دارد یکی در طرف جنوب که تالار سخنرانی و اجتماعات است و یکی در طرف شمال که کتابخانه آرامگاه است. طول تالار کتابخانه ۹٫۴۵ متر و عرض آن ۵٫۷۵ متر است و بر دیوار شرقی آن سه پنجره بطول و عرض ۱٫۸۸ متر با شبکه های سنگی از سنگ اصفهان می باشد. در سمت مغرب تالار کتابخانه مخزن کتب است که طول آن ۹٫۴۵ و عرضش ۲٫۱۵ متر می باشد. بر دیوار شمالی تالار کتابخانه روبروی در ورودی کتیبه ای به خط زرین خط به طول ۱٫۸۸ متر و عرض ۰٫۹۴ متر به قلم نستعلیق برجسته

۱- تفصیل را مراجعه شود به مجله هنر و مردم، شماره ۱۴۴، مقاله دکتر محمود

نجم آبادی درباره هزاره ابن سینا.

به رنگ سیاه قرار دارد و بالای آن لوحه دیگری است که بقلم نستعلیق بر آن نقش شده است:

« این آرامگاه نوین بدست مبارک اعلیحضرت همایون
شاهنشاه محمد رضا شاه پهلوی در تاریخ نهم اردیبهشت ۱۳۳۳ افتتاح گردید »
و متن لوحه زیرین چنین است:

بنام ایزد بخشنده مهربان

چنین گوید نیازمند حضرت بی نیازی علی اصغر حکمت شیرازی که چون
در این زمان فرخنده نشان که هزار سال از ولادت با سعادت حکیم حجة الحق
شرف الملک شیخ رئیس ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا می گذشت بفرمان شاهنشاه
بلند جایگاه شهریار خردمند اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی مقرر
گردید که بیادگار هزاره آن بزرگوار که آثار گرانبهای او بروزگاران باقی و
پایدار است بر مزار او بنائی برپا کنند که از عظمت فکر و بلندی اندیشه و
نیروی دانش و جلالت قدر وی نموداری باشد پس جمعی از وطن دوستان که
به نگاهداشت آثار ملی ایران همت گماشته اند و بر این نیت خیر انجمن کرده اند
باجرای امر شاهانه برخاستند و سالی دو بر ساختن این گنبد رفیع و مرقد شریف
فراخور توانائی خود نه در خورشان خواجه رئیس بذل همت نمودند تا بحمدالله
تعالی در سال ۱۳۷۰ هجری قمری برابر با ۱۳۳۰ شمسی به میمنت و مبارکی این
بنای یادگار بپایان رسید امید که این خدمت بس خرد بنام آن دانای بزرگ
در پیشگاه فرزندان ایران و خردمندان جهان نیکو و پسندیده افتد.

تاریخ بنای آرامگاه

ز الوند است تابان تا فروغ بوعلی سینا

بتابد نور حکمت در جهان چون طور در سینا

پی افکند از خرد کیشی و هم از دانش آئینی

که جاوید است در گیتی زهی کیشا و آئینا

شفائی غیر قانونش نیابد خاطر خسته

نجاتی جز اشاراتش نبیند دیده بینا

نبیند دیده بینا حکیمی همچو او دانا

بسروی مسند دانش بزیسر قبه مینا

عیان شد لطف یزدانش نهان شد دیواز جانش

بلندی یافت ایوانش بطغرای و آتینا

رقم زد کلك حکمت در هزارم سال میلادش

که (ماند این کاخ پاینده بفر بوعلی سینا)

(۱۳۷۰)



کتیبه کتابخانه آرامگاه ابن سینا

تالار سخنرانی و اجتماعات به طول ۹۴۵ متر و عرض ۵۷۵ متر در سمت چپ سرسرای ورودی قرار دارد. بر دیوار شرقی این تالار نیز سه پنجره به طول و عرض ۱۸۸ متر با شبکه‌های سنگی از سنگ اصفهان قرار دارد. قاب در و پنجره‌های این تالار هم مانند تالار کتابخانه از سنگ‌خارا و دیوارها گچ‌کاری و کف آن موزائیک است. تالار سخنرانی و اجتماعات با سه قطعه فرش که بوسیله انجمن آثار ملی شعبه همدان به آرامگاه اهدا گردید مفروش است. زمینه این فرش‌ها لاک‌پشتی و در وسط آنها آرامگاه ابن سینا نقش شده است. این سه قطعه فرش را انجمن آثار ملی شعبه همدان از وجوهی که افراد علاقه‌مند همدان بهمین منظور به آن انجمن هدیه کرده‌اند خریده است.

در مجاور دو تالار مذکور دو راهرو طویل قرار دارد که از آنها برای رخت‌کن و آبدارخانه و غیره استفاده می‌شود و در پشت قسمت جنوبی ایوان آرامگاه تلمبه آب و برق و دست شویی و غیره می‌باشد.

در قسمت جنوب شرقی ساختمان پلکانی است که رو به جنوب بالامی رود و پس از رسیدن به پایگردی رو به شمال یعنی برعکس قسمت اول بالامی رود و به محوطه بالای آرامگاه می‌رسد. این پلکان جمعاً ۳۲ پله دارد که همه از سنگ‌خارا ی چکشی است. در سمت جنوب ساختمان پلکان دیگری با ۳۴ پله قرار دارد و همچنین در انتهای جبهه اصلی بنا پلکان دیگری است که دارای ۳۴ پله و چهار پایگرد است و این سه پلکان به سطح فوقانی ساختمان منتهی می‌شود. سطح فوقانی ساختمان جمعاً ۱۴۸۰ متر مربع است که دیواره‌هایی به ارتفاع ۸۵ سانتی‌متر و قطر ۷۵ سانتی‌متر از سنگ‌خارا آن را محصور و محدود ساخته است. برج ۱۲ ترک آرامگاه به ارتفاع ۲۳ متر از روی سقف مقبره و ۲۸۵۰ متر از کف خیابان قرار دارد. نوشته‌اند که:

این برج از سیمان پرتلند انگلیسی و ریزه‌های سنگ‌خارا است و یک‌پارچه ریخته شده و رأس آن به مخروطی که از اطراف و از بالا بسته و از زیر باز است ختم می‌گردد. سطح پشت بام و دیواره‌های آن که با سنگ‌خارا ی خشن ساخته



صندوق مفرغی زیر گنبد آرامگاه بوعلی سینا

شده از سطح مصطبه ۱/۶۸ متر ارتفاع دارد و بوسیله يك شیب یا تنده بتونی به مصطبه اتصال می یابد. در وسط پشت بام مذکور يك سطح مدور به ارتفاع ۳۰ سانتیمتر از سطح پشت بام در میان ترکهای دوازده گانه برج به قطر ۴/۱۰ متر قرار دارد که در مرکز آن يك صندوقه (Stèle) به شکل مکعب که سطح فوقانی آن شکل هرم کم ارتفاع دارد دیده می شود. این صندوقه تماماً از مفرغ می باشد و قالبگیری آن بدست آقای وسیلی (Zdenko Vesely از اهل چکوسلواکی) صورت گرفته است. طول و عرض قسمت بالایی صندوقه مذکور ۹۷/۵۰ سانتیمتر و طول و عرض قسمت پایین آن ۱۰۹ سانتیمتر است.^۱

بر چهار طرف این صندوقه کتیبه ای به خط ثلث برجسته از سخنان ابن سینا از رساله « فی الشفاء من خوف الموت » به خط آقای معصومی زنجانی به شرح ذیل نوشته شده است:

۱ - ضلع شرقی: « قال الشيخ الرئيس ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا فی الشفاء من خوف الموت: اما من جهل الموت ولم یدر ما هو فانا ابین له

ان الموت ليس شيئاً أكثر من ترك النفس استعمال آلائها وهي »

۲ - ضلع جنوبی: « الاعضاء التي مجموعها يسمى بدنًا كما يترك الصانع آلائه فان النفس جوهر غير جسماني ليست عرضاً ولا قابلة للفساد فاذا فارق هذا الجوهر البدن بقي البقاء الذي يخصه وصفاً من كدر الطبيعة وسعد السعادة التامة ولا سبيل الى فنائه وعدمه فان ... »

۳ - ضلع غربی: « الجوهر لا يفنى ولا تبطل ذاته و انما تبطل الاعراض والخواص والنسب والاضافات التي بينه وبين الاجسام و اما الجوهر الروحاني الذي لا يقبل استحالة ولا تغيراً في ذاته و انما يقبل كما لاته و تمامات صورته فكيف يتصور فيه العدم والتلاشي و اما من يخاف الموت لانه لا يعلم الى اين تصير نفسه ... »

۴ - ضلع شمالی: « اولانه يظن ان بدنه اذا انحل و بطل تراكيبه فقد انحلت ذاته و بطلت نفسه و جهل بقضاء النفس و كيفية المعاد فليس يخاف الموت على الحقيقة و انما يجهل ما ينبغي ان يعلمه فالجهل اذاً هو المخوف الذي هو سبب الخوف و هذا الجهل هو الذي حمل العلماء على طلب العلم و التعب فيه و تركوا لاجله لذات الجسم و راحت البدن ».

چنانکه اشاره شد ساختمان از سنگ و بتون مسلح و پی‌ها و دیوارها با سنگ خارا ساخته شده و برج و سقفها از بتون مسلح و ریزه‌های سنگ خارا است. سنگهای گرانیت آرامگاه از کوهستان الوند در دره عباس آباد نزدیک گنجنامه تهیه شده. برای ساختمان آرامگاه جمعاً مبلغ ۵۰۷۵۷۴۷۰ ریال از طرف انجمن آثار ملی بمصرف رسیده است.

ساختمان آرامگاه در سال ۱۳۳۰ ه. ش. به پایان رسید و در بهمن ماه همانسال به نمایندگان انجمن آثار ملی تحویل گردید و در روز پنجشنبه یازدهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۱ ه. ش. با حضور آقایان جهانسوز فرماندار همدان، ابطحی رئیس فرهنگ، ایزدیار بازرس فنی، رئیس

شهربانی، نماینده انجمن آثار ملی و برخی از روحانیان پس از معاینه و بازدید لاک و مهر جعبه های محتوی استخوانهای ابوعلی و ابوسعید دحدوک استخوانها با دقت کامل و رعایت موازین شرع و آداب و رسوم معمول کفن و دفن گردید. قبر ابوعلی سمت راست مدخل آرامگاه و دست چپ قبر ابوسعید دحدوک قرار گرفت.

* * *

از سال ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه. ش.) به بعد شهرداری همدان چند قطعه زمین به آرامگاه واگذار کرد که به محوطه آرامگاه افزوده شد و هم اکنون در اطراف آرامگاه باغچه هایی است که بوسیله نرده های آهنی از فلکه اطراف آرامگاه در خیابان بوعلی جدا شده است و قسمتی از باغچه غربی بر روی رودالوسه جرد قرار دارد. علاوه بر این در مقابل آرامگاه و در سمت مشرق خیابان بوعلی نیز میدان وسیعی از طرف شهرداری در دست احداث است که میدان بوعلی نامیده خواهد شد و در نظر است که مجسمه بوعلی نیز به همین میدان منتقل و در مقابل آرامگاه نصب گردد. در حال حاضر مساحت کل اراضی محوطه و زیربنای آرامگاه حدود هفت هزار متر مربع است.

از سال ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ ه. ش.) به بعد ساختمانهای جدیدی نیز در محوطه جنوبی آرامگاه شده که عبارتست از دواطاق برای دفتر، گلخانه، اطاق فروش بلیط، انبار، مهمانسرا (دواطاق با دست شوئی و حمام و غیره) که نمای همه آنها از سنگ گرانیت می باشد.

در حیاط شرقی آرامگاه روبروی در ورودی و مقابل خیابان بوعلی قبر شاعر ملی ایران ابوالقاسم عارف قزوینی قرار دارد و بر روی سکوئی مربع که هر ضلع آن حدود یک متر است سنگ مرمری است که با خط نستعلیق زیبا بر آن نقر شده:

عمرم گهی بهجر و گهی در سفر گذشت
تاریخ زندگی همه در دردسر گذشت

عارف

آرامگاه عارف قزوینی
وفات بهمن ماه ۱۳۱۲ شمسی

مجسمه ابن سینا

در نسخه‌های کهن، کتابخانه‌ها و کلیساها، نسخه‌های قدیم کتابهای اروپائی و ترجمه‌های لاتین آثار ابن سینا تصاویر مختلفی از آن نایغه بزرگ موجود است که هیچیک از آنها مبتنی بر اسناد و مدارکی نیست^۱ و متناقض با یکدیگر و همه از روی وهم و گمان پرداخته شده است. چون انجمن آثار ملی در نظر داشت که مجسمه‌یی از ابن سینا تهیه کند لازم بود که نخست تصویری از آن فیلسوف بزرگ با توجه به مآخذ و مدارک موجود فراهم آورد و از این رو کمیسیونهای متعدد از دانشمندانی که با آثار شیخ و شرح حال او آشنایی داشتند تشکیل گردید و با توجه به اطلاعاتی که درباره شیخ از متون و از جمله شرح حال شیخ بقلم او و شاگردش ابو عبید و نوشته بیهقی در تتمه صوان الحکمه بدست می‌آمد تهیه تصویری از ابن سینا به عهده هنرمند و پیکرتراش شهیر آقای ابوالحسن صدیقی واگذار گردید و استاد هنرمند در اردیبهشت ماه سال ۲۵۰۴ (۱۳۲۴ ه. ش.) تصویری تمام چهره به قلم سیاه تهیه کرد و در بیست و یکمین جلسه هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی تصویر مذکور مورد تصویب واقع شد و بر روی اوراق بخت آزمائی ابن سینا چاپ شد و برای تهیه مجسمه نیز همین تصویر ملاک عمل قرار گرفت. پس از آن استاد صدیقی در دیماه سال ۲۵۰۸ (۱۳۲۸ ه. ش.) با توجه به طرح نخستین طرحی نیم رخ تهیه نمود که برای تهیه مدال و تمبر یادبود و غیره از آن استفاده شد.

از طرف انجمن آثار ملی به استاد ابوالحسن صدیقی مأموریت داده شد

۱- برای تصاویر ابن سینا رجوع شود به جشن نامه ابن سینا، مجلد اول، ص ۱۹۵ ببعد.



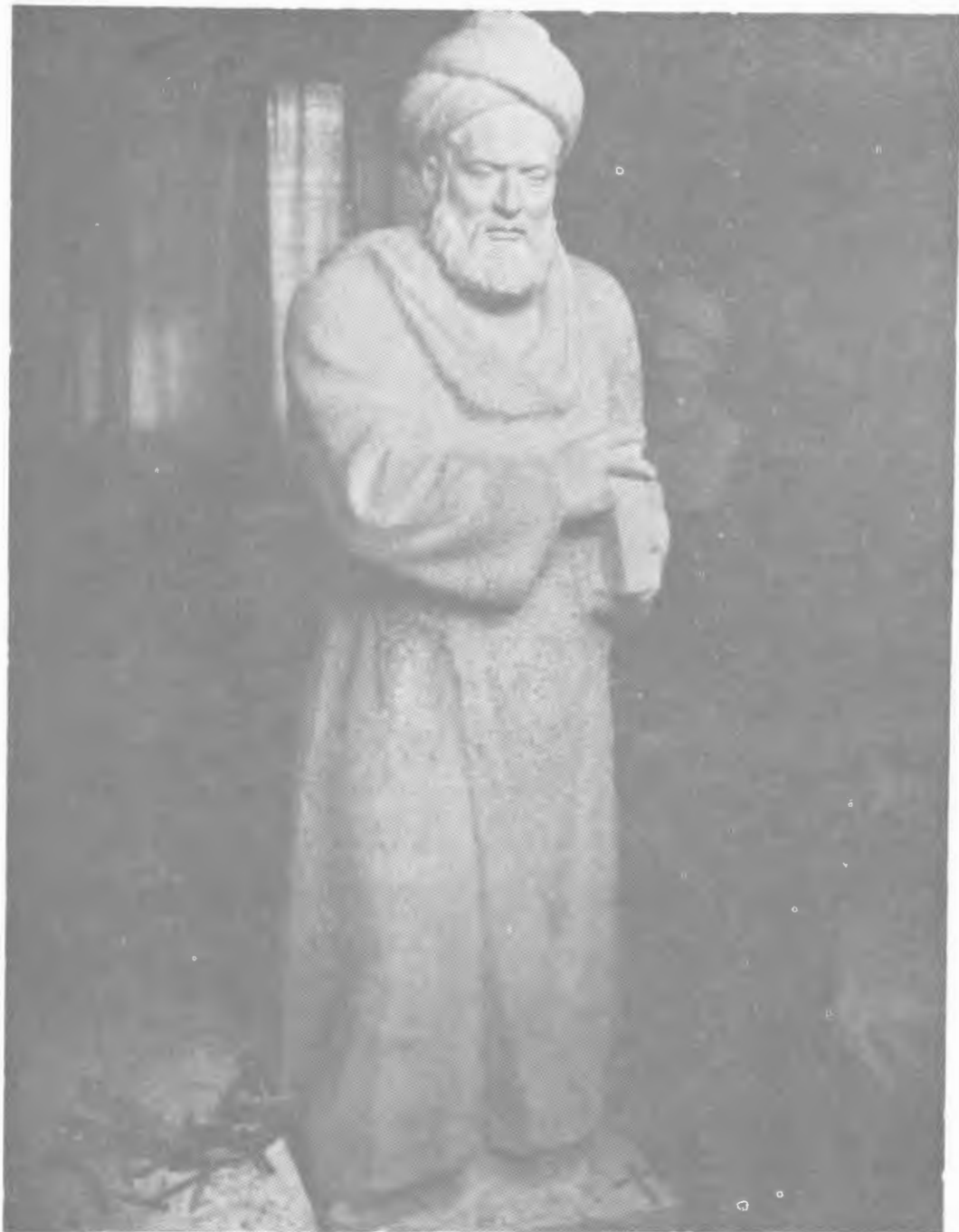
تصویر تمام رخ ابن سینا



تصویر نیمرخ ابن سینا

تا با توجه به تصویر تمام رخ ابن سینا مجسمهٔ ایستاده‌ای از شیخ بسازد تا در میدان بوعلی شهرهمدان نصب گردد و استاد هنرمند مجسمهٔ بوعلی سینا را به ارتفاع ۳/۱۰ متر و پهنای متوسط ۹۰ سانتیمتر و به وزن تقریبی چهارتن و نیم از سنگ یکپارچهٔ مرمر سفید قم تهیه نمود و بر روی پایه‌یی در میدان بوعلی در انتهای خیابان بوعلی همدان نصب گردید.^۱ در جبههٔ شمالی پایه مجسمه بر روی لوحهٔ سنگ سفید به ارتفاع ۱/۸۰ متر و عرض یک متر در ۱۱ سطر به خط نستعلیق کتیبه ذیل نوشته شده است:

۱- اکنون میدان وسیعی در مقابل آرامگاه (در سمت مشرق خیابان بوعلی) در دست احداث است که میدان بوعلی نامیده خواهد شد و در نظر است که مجسمهٔ بوعلی نیز بهمین میدان منتقل و در آنجا نصب گردد.



مجسمه ابن سینا

«ابوعلی سینا»

«۳۷۰-۴۲۸ هجری»

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت
 اندر دل من هزار خورشید بتافت
 این تندیس را انجمن آثار ملی بیادبود هزارمین سال تولد شیخ‌الرئیس ابوعلی
 حسین بن سینا بشهرهمدان اهداء کرده است.

۱۳۷۰ هجری قمری

پیکر نگار: ابوالحسن صدیقی

چاپ کتابها و رساله‌ها

با فرا رسیدن جشن هزاره ابن سینا انجمن آثار ملی درصدد برآمد که علاوه بر کتابها و رساله‌هایی که درباره شیخ فراهم و چاپ می‌کند آثار خود او را نیز بیاری دانشمندان و استادان فن تصحیح و طبع نماید تا از این راه کمک مؤثر و مهمی به شناساندن مقام علمی شیخ و عقاید و افکار و فلسفه او کرده باشد. و چون کتابهای عربی ابن سینا را لجنة ثقافی جامعه دول عربی به مناسبت «المهرجان الالقی لذكری مولد الشیخ الرئیس ابن سینا» عهده‌دار شده بود لذا انجمن آثار ملی مناسب دید که رسالات فارسی ابوعلی را تصحیح و طبع نماید و در دسترس دانشمندان و دانش پژوهان قرار دهد، در نتیجه ببرکت جشن هزاره ابن سینا کتابها و رساله‌های ذیل طبع و نشر گردید:

۱- تجلیل ابوعلی سینا در پنجمین دوره اجلاس یونسکو در فلورانس، اسفند ۲۵۰۹ (۱۳۲۹ ه. ش.) ۹-۱.

۲- رساله جودیة ابن سینا (به تصحیح دکتر محمود نجم آبادی) اسفندماه ۲۵۱۰ (۱۳۳۰ ه. ش.) ۱۰-۱.

۳- رساله نبض ابن سینا (به تصحیح سید محمد مشکوة استاد دانشگاه)،

۱- اعداد دست چاپ نماینده شماره انتشارات انجمن آثار ملی است.

- اسفندماه ۲۵۱۰ (۱۳۳۰ ه. ش.) - ۱۱
- ۴- منطق دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح سید محمد مشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه) ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) - ۱۲
- ۵- طبیعیات دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح سید محمد مشکوة) ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) - ۱۳
- ۶- ریاضیات دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح مجتبی مینوی) ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) - ۱۴
- ۷- الهیات دانشنامه علائی ابن سینا (به تصحیح دکتر محمد معین) ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) - ۱۵
- ۸- رساله نفس ابن سینا (به تصحیح دکتر موسی عمید استاد دانشگاه) ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) - ۱۶
- ۹- رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات (به تصحیح دکتر موسی عمید استاد دانشگاه) ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) - ۱۷
- ۱۰- ترجمه رساله سرگذشت ابن سینا (از دکتر غلامحسین صدیقی) ۲۱
- ۱۱- معراجنامه ابن سینا (به تصحیح دکتر غلامحسین صدیقی) - ۱۹
- ۱۲- رساله تشریح اعضاء ابن سینا (به تصحیح دکتر غلامحسین صدیقی) - ۲۰
- ۱۳- رساله قراضه طبیعیات منسوب به ابن سینا (به تصحیح دکتر غلامحسین صدیقی) ۲۱
- ۱۴- ظفرنامه منسوب به ابن سینا (به تصحیح دکتر غلامحسین صدیقی) ۲۵۲۸ (۱۳۴۸ ه. ش.) - ۲۲
- ۱۵- رساله کنوز المعزمین ابن سینا (به تصحیح جلال الدین همایی) ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) - ۲۳
- ۱۶- رساله معیار العقول - جرثقیل - ابن سینا (به تصحیح جلال الدین همایی استاد دانشگاه) ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) - ۲۴



مجسمہ ابوعلی سینا کہ از سنگ یکپارچہ مرمر سفید قم به سفارش انجمن آثار ملی به وسیلہ استاد
ابوالحسن صدیقی ساخته شدہ و در میدان بوعلی ہمدان نصب گردیدہ است

- ۱۷- رساله حی بن یقطان ابن سینا با ترجمه و شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن سینا (به تصحیح هانری کربن)، سال ۲۹۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) - ۲۵
- ۱۸- جشن نامه ابن سینا (مجلد اول سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن سینا) تألیف دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه، سال ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) - ۲۶
- ۱۹- ترجمه مجلد اول جشن نامه به فرانسه (بوسیله سعید نفیسی) ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) - ۲۷
- ۲۰- ترجمه اشارات و تنبیهات (به تصحیح دکتر احسان یارشاطر) ۲۵۱۲ (۱۳۳۲ ه. ش.) - ۲۸
- ۲۱- پنج رساله فارسی و عربی از ابن سینا (به تصحیح دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه) ۲۵۱۳ (۱۳۳۲ ه. ش.) - ۲۹
- ۲۲- جشن نامه ابن سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضای کنگره ابن سینا) ۲۵۱۴ (۱۳۳۴ ه. ش.) - ۳۱
- ۲۳- جشن نامه ابن سینا مجلد سوم (کتاب المهرجان لابن سینا) حاوی نطقهای عربی اعضای کنگره ابن سینا ۲۵۱۵ (۱۳۳۵ ه. ش.) - ۳۲
- ۲۴- جشن نامه ابن سینا مجلد چهارم (شامل خطابه های اعضای کنگره ابن سینا به زبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی)، ۲۵۱۴ (۱۳۳۴ ه. ش.) - ۳۳

کتابخانه آرامگاه

چنانکه پیش از این اشاره شد از اقداماتی که کمیته جشن هزاره ابوعلی سینا برای بزرگداشت حکیم لازم دانسته بود تأسیس کتابخانه‌یی بود در جوار آرامگاه آن بزرگ و در این باره نظر اعضای انجمن این بود که چون ابن سینا فیلسوف و دانشمندی است جهانی لازم است که همه محافل علمی جهان در تأسیس کتابخانه او شرکت داشته باشند، از این رو در سال ۲۵۰۹ (۱۳۲۹ ه. ش.) طی آگهی به زبانهای فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی، به امضاء وزیر فرهنگ

وقت رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی از همه مؤلفان، مؤسسات فرهنگی و ناشران ایرانی و خارجی درخواست شد که کتابهایی به انجمن آثار ملی ارسال دارند^۱ و در نتیجه کتابهای گوناگون علمی، تاریخی، ادبی و همچنین کتابهایی که درباره ابن سینا یا از آثار آن بزرگ مرد بود از کشورهای مختلف به انجمن آثار ملی ارسال گردید و هم اکنون ۴۳۴۲ مجلد کتاب فارسی و عربی در کتابخانه موجود است که سی مجلد آن کتابهای خطی است و برخی از آنها بسیار نفیس و قابل توجه است و در قفسه‌های شیشه‌ای مخصوص حفظ و نگهداری می‌شود. همه روزه گروهی از دانش پژوهان و دانشجویان با ارائه کارت صادر شده از طرف آرامگاه از کتابهای کتابخانه استفاده می‌کنند. ضمناً ۵۹۰ مجلد کتاب به زبانهای فرانسه، انگلیسی، آلمانی و غیره نیز در کتابخانه موجود است.

مدال ابن سینا

انجمن آثار ملی در نظر داشت که برای اهداء به شرکت کنندگان در کنگره ابن سینا مدال یادگاری شایسته و زیبایی تهیه کند و به شرکت «ارتوس برتراند Arthus Bertrand» در پاریس که از مدال سازان معروف جهان است سفارش تهیه آن را داد. روی مدال همان تصویر نیم رخ ابن سیناست که بوسیله استاد ابوالحسن صدیقی تهیه شده بود و در اطراف تصویر این رباعی معروف شیخ است:

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت

يك موی ندانست ولی موی شکافت

اندر دل من هزار خورشید بتافت

آخر به کمال ذره راه نیافت

۱- قبلاً هم در آرامگاه ابن سینا کتابخانه‌ای بوده که کتابهای آن چند سالی به دانشسرای پسران همدان انتقال یافته بود و اکنون ۶۴۹ مجلد از کتابهای مذکور در کتابخانه جدید موجود است.

و در ذیل تصویر نوشته شده است: «بوعلی». پشت مدال دورنمای آرامگاه جدید ابن سیناست که بالای آن نوشته شده: «یادگار جشن هزارساله میلاد شیخ الرئیس ابوعلی حسین ابن عبدالله ابن سینا». و در ذیل آن نوشته اند: «همدان ۱۳۷۰ هجری قمری».



مدال ابن سینا

جشن و گنگره ابن سینا

در فروردین ماه ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه. ش.) با نزدیک شدن ایام جشن هزاره ابن سینا در مؤسسات فرهنگی از قبیل اداره کل هنرهای زیبا، تالار فرهنگ، اداره موسیقی کشور، کتابخانه ملی، موزه ایران باستان، مدرسه عالی سپهسالار، دانشگاه تهران و کتابخانه مجلس شورای ملی فعالیتهایی آغاز گردید. در موزه ایران باستان دو نمایشگاه از آثار عتیقه بسیار نفیس و از مینیاتورهای بی نظیر ترتیب داده شد، در اداره هنرهای زیبا تابلوهایی از آثار هنری هنرمندان بمعرض تماشاگذارده شد و اداره موسیقی کشور خود را برای نمایش چندپرده ساز و آواز ورقص های محلی آماده ساخت.

دانشمندانی که از کشورهای مختلف دعوت شده بودند در آخرین روز- های فروردین ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه. ش.) بتدریج وارد ایران می شدند و مورد استقبال قرار می گرفتند.

روز چهارشنبه اول اردیبهشت ماه ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه. ش.) ساعت هشت صبح ۶۵ نفر دانشمندان و مستشرقان خارجی با مهمانداران خود در محل باشگاه دانشگاه حضور یافتند. آقایان علاء رئیس انجمن آثار ملی و وزیر دربار شاهنشاهی و کلیه اعضای انجمن آثار ملی و اعضای دبیرخانه جشن هزاره ابن سینا در تالار باشگاه حضور داشتند. در این جلسه که در حدود یک ساعت طول کشید دانشمندان خارجی بیکدیگر معرفی شدند و با هم آشنائی حاصل کردند و اعضای انجمن آثار ملی نیز با آنان آشنا شدند. این عده دانشمندانی بودند که تا صبح چهارشنبه به تهران رسیده بودند.

تالار ابن سینا برای محل انعقاد جشن تالار ابن سینا در نظر گرفته شد، این تالار در قسمت شمالی دانشگاه جنب دانشکده پزشکی قرار دارد. ورود به این تالار از در مخصوصی که در قسمت شمال دانشگاه قرار دارد انجام می شود. این تالار گنجایش هزار صندلی دارد و مجهز به دستگاه حرارت مرکزی و دستگاه های تهویه است و برای تزئین و روشنائی آن لوسترهای مجلل و عالی و چند تابلو نقاشی از کارهای هنرمندان در آنجا نصب کرده بودند که از جمله تابلو تمام قامت ابن سینا بود که طول و عرض آن سه متر در دو متر و توسط هنرمند نامی ابوالحسن صدیقی نقاشی شده بود. در تالار ابن سینا که متجاوز از یک میلیون تومان هزینه آن شده بود یک سکوی سخنرانی بطرز بسیار جالب و زیبایی تهیه کرده بودند، روی سکوی خطابه یک میز نیم دایره قرار داشت که مخصوص رئیس کنگره بود و پشت سر رئیس تعداد پانزده صندلی مخصوص منشیها و مخبرین کنگره قرار داشت. کف تالار نیز با قالیهای کرمان و اصفهان مفروش شده بود. تهیه وسایل و تزئین تالار و انتظامات توسط آقای حسین گونیلی رئیس اداره بازرسی دانشگاه انجام گرفته بود.

نمایشگاه صنعتی در همدان

به مناسبت جشن هزاره ابن سینا و افتتاح آرامگاه آن بزرگ در همدان یک نمایشگاه جالب از صنایع ایران در تالار شهرداری همدان برای مشاهده دانشمندان خاورشناس ترتیب داده شد که عده ای از بازرگانان ایرانی در آن شرکت داشتند. این نمایشگاه تحت نظر آقایان نراقی و عتیقه چی ترتیب یافت. تیمسار سرلشکر مزینی فرمانده نیروی غرب از طرف دربار شاهنشاهی و انجمن آثار ملی مأموریت ترتیب کارهای مقدماتی جشن و امور انتظامی را در همدان داشت و مکرر به همدان مسافرت نمود و مقدمات کار را تا آنجا که مقدور بود فراهم آورد.

مقارن ساعت نه صبح دانشمندان خارجی به کاخ مرمر رفتند و دفاتر مخصوص اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیاحضرت ملکه را امضاء کردند، سپس برای نثار دسته گل به آرامگاه اعلیحضرت رضا شاه کبیر به شهر ری رفتند. مقارن ساعت ده و نیم صبح وارد محوطه آرامگاه شدند و پس از نثار دسته گل آرامگاه را ترك کردند.

دانشمندان خارجی پس از آن برای آقایان نخست وزیر، علاء وزیر دربار و رئیس انجمن آثار ملی، انتظام وزیر امور خارجه، جعفری کفیل وزارت فرهنگ کارت گذاردند و به باشگاه دانشگاه باز گشتند.

گشایش کنگره

ساعت سه بعد از ظهر روز چهارشنبه اول اردیبهشت ماه سال ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه.ش.) مطابق با ۲۱ آوریل ۱۹۵۴ میلادی مراسم افتتاح جشن کنگره هزاره ابن سینا در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در تالار ابن سینا باشکوه کامل آغاز گردید. در این جلسه دانشمندان ۲۷ کشور و از جمله ایران، وزیران و معاونان آنان، سناتورهای، نمایندگان مجلس شورای ملی، نمایندگان سیاسی کشورهای خارجی در ایران، گروهی از رؤسای مؤسسات دولتی و ملی، رؤسا و استادان دانشکده‌ها، فضلا و اطبا و وجوه طبقات شرکت داشتند. تالار ابن سینا و در ورودی آن با پرچم‌های ۲۷ کشور تزیین شده و تصویر رنگی بزرگی از ابن سینا در بالای جایگاه هیأت رئیسه کنگره نصب گردیده بود.

بدو آقاسی دکتر جهان‌شاه صالح وزیر بهداری و رئیس دانشکده پزشکی به دانشمندان خارجی و شرکت کنندگان در کنگره خیر مقدم گفت. سپس تیمسار سپهبد فضل‌الله زاهدی نخست وزیر خطابه افتتاحیه را بدین شرح ایراد کرد:

«میهن‌ان ارجمند، حضار گرامی، خداوند متعال را سپاسگزارم که توفیق

افتتاح کنگره جشن هزاره حکیم بزرگوار و پزشک عالیقدر ابوعلی سینا را به نام نامی اعلیحضرت همایون شاهنشاه محمد رضا شاه پهلوی به بنده ارزانی فرموده است.

حضور در این محفل فرخنده که مجمع برگزیدگان شرق و غرب عالم در فضل و دانش و ادب است برای من مایه کمال مباهات و افتخار می باشد و بالاتر از آن فرصتی است که برای عرض خیر مقدم به حضور میهمانان عزیز و گرامی نصیب من گردیده است و چون همه میهمانان ارجمند برای تعظیم و تجلیل یکی از بزرگترین نوابغ علم و دانش در اینجا اجتماع نموده اند اطمینان قطعی دارم که رنج سفر برایشان گران نیامده و تنها یسار ابوعلی سینا و خاطره آن نابغه بزرگوار مایه انبساط جان و آرامش روان آنان است، زیرا همانطور که نوابغ عالم و علمای بزرگ که در پیشرفت علوم بشری کوشیده خود را وقف همه انواع خویش کرده اند متعلق به همه عالمیاند همانطور هم دستداران آنان به همه عالم به چشم زادگاه خود می نگرند و هر جا که اثری از آن بزرگان یابند در آنجا بهمانگونه آسوده و دلگرم خواهند بود که در میهن خود و خانه خویش.

با این حال عرض تشکر و سپاسگزاری از محضر میهمانان ارجمند فاضل و همه دانشمندانی که دعوت ایران را پذیرفته و در اینجا برای ذکر و یادبود نابغه بزرگ ایران زمین گرد آمده اند واجب است و من امیدوارم تشکیل همین محفل علم و ادب خود وسیله تازه‌یی برای حل پاره‌یی از مشکلات علمی و فلسفی در زمینه کارهای ابوعلی سینا باشد و بتصور من حصول این منظور خود بهترین راه مسرت روح پرفتوح شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا است که همواره تشنه زلال معرفت و حقیقت بود و می گفت:

دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت يك موی ندانست ولی موی شکافت
ملت ایران آنهمه تجلیل و تعظیم را که دوستان ما در سایر کشورهای جهان از ابوعلی سینا کرده اند نشانه بارزی از علاقه آنان به دانش و فضل و تکریم خدمتگزاران عالم انسانی می‌شمارد و من بنام ملت و دولت ایران وظیفه خود می‌دانم که در این مقام از زحمات آنان قدردانی و تشکر کنم و ضمناً امیدوار باشم که اقامه مراسم حاضر مکمل آن خدمات باشد.

چون سپاس و حقشناسی و لزوم ذکر خیر از خدمات خادمان علم و دانش لازم است مناسب می‌دانم که در اینجا از ابتکار و کوشش متمادی و بی‌شائبه‌ای که انجمن آثار ملی ایران در راه تهیه مقدمات این جشن بکار برده است تشکر

کنم و موفقیت آن انجمن را در ادای اینگونه خدمات ذیقیمت ملی و علمی از خداوند
متعال مسألت نمایم.»

نطق آقای علاء

پس از آقای نخست وزیر، آقای علاء رئیس انجمن آثار ملی سخنرانی
مفصلی ایراد کردند که خلاصه آن از اینقرار است:



حسین علاء

میهمانان عزیز: برای همه ما که از کران تا کران عالم برای تجلیل از
شخصیت بزرگ فلسفی و علمی ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا در اینجا گرد
آمده ایم هیچ مقدمه ای بهتر از آن نیست که این مجلس را به نام آن استاد جلیل
و آن نابغه بزرگ عالم بشری و آن شاهباز بلند پرواز آسمان اندیشه و دانش
افتتاح کنیم. این مرد بزرگ که قریب هزار سال پیش قدم به عرصه حیات نهاده
و بعد از پنجاه و هشت سال زندگی پراز کوشش و ثمر دارفانی را در همدان بدرود
گفته و همانجا در آرامگاه ابدی خود غنوده است از آن مشعلهای فروزانی است
که به مشیت خدای تعالی هر چندگاه برای زدودن ظلمات جهل و نادانی از
دلهای آدمیان افروخته شده است. بنده حضور در این محفل بزرگ فرهنگی را
برای خود با بزرگترین لذات مقرون می دانم و به همه کسانی که توانسته اند از
این فیض عظمی برخوردار شوند از صمیم قلب تهنیت می گویم.

نخست باید از این دانشمندان عالیقدر و شخصیت های برگزیده ممالک
که دعوت ما را پذیرفته و رنج سفر را تحمل کرده و مجلس ما را بقدم خود منور

داشته‌اند سپاسگزاری کنم و امیدوار باشم خداوند متعال همواره آنان را در خدمت به‌عالم علم و ادب موفق و مؤید بدارد.

همچنین از تمام حضار محترم که به‌دعوت انجمن آثار ملی برای تجلیل و تکریم ابوعلی سینا نابغه بزرگ در اینجا اجتماع نموده‌اند تشکر می‌کنم و از خداوند متعال مسألت دارم که ما را همیشه در تعظیم و احترام به‌دانشمندان و برگزیدگان عالم موفق دارد.

ضمناً بعرض می‌رسانم که مقدمات اقامه مراسم جشن هزاره ابوعلی سینا که اینک عملاً آن را در تهران و همدان آغاز کرده‌ایم از حدود سال ۱۳۲۳ حسب الامر اعلیحضرت همایون شاهنشاه بوسیله انجمن آثار ملی فراهم شد، در این مدت انجمن آثار ملی با نقشه وسیعی که برای طبع یا تجدید طبع آثار فارسی ابوعلی واحداث آرامگاه جدید بر مزار وی و تهیه تصاویر و مجسمه‌ها و تمبرهای یادبود و تأسیس کتابخانه ابن سینا و تشکیل کنگره و امثال این امور طرح کرده بود با همکاری دانشمندان و بنگاههای مختلف دولتی و ملی و مجامع فرهنگی مشغول عمل بود و اگر پاره‌ای مشکلات انجام یافتن مقاصد انجمن را برعهده تعویق نمی‌گذاشت شاید یکی دو سال پیش به انجام این مراسم توفیق حاصل می‌شد. در خاتمه مناسب می‌دانم از زحمات و توجهات مؤثری که از جانب هیأت دولت و علی‌الخصوص جناب آقای نخست‌وزیر و وزراء فرهنگ و امور خارجه و بهداری کشور برای تسهیل مقاصد انجمن در اقامه مراسم هزاره شده است سپاسگزاری کنم.»

آقای علاء افزودند که از آقای علی اصغر حکمت تقاضا می‌کنم جلسه امروز را اداره نمایند.

پس از آن آقای رضا جعفری کفیل وزارت فرهنگ خطابه مفصلی درباره مقام علمی ابوعلی سینا ایراد نمود و در ضمن آن یادآور شد که: «... این مجلس که شما دانشمندان عالی‌قدر بدان قدم رنجه فرموده و ما را سرافراز و شادمان گردیده‌اید به افتخار حجة الحق، امام الحکماء شیخ الرئيس، شرف‌الملک، بوعلی حسین بن عبدالله بن سینا فیلسوف و طبیب بزرگ اسلامی و محقق گرانمایه ایرانی برپا گردیده که نه تنها کشور باستانی ما بلکه عالم فضل و جهان کمال بوجود وی مباهی و مفتخر است ... البته بر خاطر خطیر شما دانشمندان گرامی که

از اقطار جهان بمنظور تجلیل و تعظیم پایگاه والای معرفت در این انجمن گردآمده و قاطبه ایرانیان را به حسن نظر و لطف بیدریغ سپاسگزار فرموده‌اید پوشیده نیست که عرفا و حکمای ایران در طی قرون متمادی همواره در طریق وحدت بشریت پیشرو بوده و در زمانی که جنگهای مهیب نژادی و مسلکی عرصه گیتی را دچار تباهی و دستخوش پریشانی ساخته معموره عالم را به ویرانی و فساد تهدید می‌کرد با این اوهام باطل و خسانانسوز به پیکار برخاسته و تا پای جان روی از مقصود مقدس خویش برنرفته و گفته‌اند:

خلق همه یکسره نهال خدایند هیچ‌نه‌بشکن ازین نهال‌ونه‌برکن..»
پس از خطابه آقای جعفری، آقای دکتر سیاسی رئیس دانشگاه تهران ضمن خطابه‌ای اظهارداشت:

«برای من موجب کمال مسرت است که می‌توانم به نام دانشگاه تهران به دانشمندان معظمی که برای شرکت در کنگره در جشن هزاره ابن سینا به تهران تشریف آورده‌اند خیرمقدم عرض کنم. اینکه حضار محترم دعوت ما را پذیرفته و رنج سفر را، سفری که گاهی از راههای بسیار دور صورت گرفته است تحمل فرموده‌اید خود دلیل قاطعی است بر اعتقادی که نسبت به علو مقام علمی ابن سینا دارید و بمنظور احترام و تعظیمی است که این حکیم فرزانه را شایسته آن می‌دانید.

تعالیم ابن سینا جنبه جهانی داشته و چنانکه می‌دانیم کتابهای مهم او مانند قانون و شفا تنها در کشورهای خاورزمین تدریس و تعلیم نمی‌شده بلکه به زبان لاتین ترجمه شده و از سده سیزدهم میلادی بعد چندین قرن متوالی در آموزشگاههای عالی و دانشگاههای اروپا کتابهای کلاسی محسوب می‌شده و مورد استفاده شایان دانش پژوهان و دانش جویان بوده است.

جنبه دیگری که در ابن سینا جلب توجه می‌کند وسعت و تنوع معلومات او بوده است که تقریباً همه دانش بشری معلوم در هزار سال پیش را از علوم طبیعی گرفته تا پزشکی و ریاضی و فلسفه شامل می‌شده است و از این جهت نیز او را به معلم اول همانند می‌ساخته است.

ابن سینا حق بسیار بگردن هموطنان ایرانی خود دارد. تازه‌ترین حقی که او به سپاسگزاری و حق شناسی ما پیدا کرده است اینست که موجب شده شما

خاورشناسان و دانشمندان ارجمند از نقاط مختلف جهان متوجه کشور ما بشوید و قدم رنجه فرموده به اینجا تشریف بیاورید و چنین اجتماع عالمانه و کم نظیر را تشکیل دهید. من یک بار دیگر بنام دانشگاه تهران به عموم حضار محترم تهنیت عرض می کنم و توفیق کامل این کنگره را که خودم نیز به عضویت آن مفتخر هستم از صمیم قلب مسألت دارم.»

آنگاه هفت تن از میهمانان خارجی به نمایندگی از طرف کشورهای شرکت کننده در جشن هزاره ابن سینا سخنانی ایراد کردند.

ابتدا آقای دکتر ابراهیم مذکور رئیس هیأت نمایندگی مصر از طرف دولتهای عربی به زبان عربی سخنرانی کرد و خود آن را به زبان فرانسه ترجمه نمود. پس از آن آقای دکتر تاراچند سفیر کبیر دولت هند در ایران از طرف کشورهای آسیایی نطقی به زبان انگلیسی ایراد نمود، دکتر تاراچند پیش از ایراد سخنرانی خود پیام آقای پاندیت نهرو نخست وزیر و وزیر امور خارجه هند را که بمناسبت افتتاح کنگره ابن سینا فرستاده بودند بدین شرح قرائت کرد:

«بمناسبت برگزاری مراسم هزاره ابوعلی سینا در ایران ادعیه خود را تقدیم می دارم. بین فلاسفه بزرگ قدیم نام ابوعلی سینا یا چنانکه بعضی از ملل در اروپا او را اویسن خوانده اند همچنان برجسته مانده و بجاست که ما یادبود این مرد بزرگ را گرامی داریم.»

جواهر لعل نهرو

پس از سخنرانی آقای دکتر تاراچند، آقای پرفسور محمد شفیع رئیس هیأت دانشمندان پاکستان پیامی را که وزیر فرهنگ پاکستان فرستاده بود بدین شرح قرائت کرد:

«از اینکه نتوانستم شخصاً در جشن هزاره ابوعلی سینا حضور بهم رسانم بسیار متأسفم، ولی از این فرصت استفاده نموده بوسیله هیأت نمایندگی پاکستان که تحت ریاست دکتر محمد شفیع یکی از دانشمندان برجسته کشور ما برای شرکت در این جشن فرخنده عازم می باشد این پیام را تقدیم می نمایم... ابوعلی سینا یکی از بزرگترین دانشمندان تاریخ عالم بوده و نبوغ وی اثر بلیغی در دانش بشر از خود باقی گذاشته است. او یکی از برجسته ترین متفکرین جهان

اسلام بود و بوسیله او هرچه در علوم اسلامی خوب بود اروپا را تحت نفوذ خود قرارداد و در کشف متدهای علمی کمک مؤثری کرد. برای غرب نفوذ بوعلی سینا به اندازه‌ای حائز اهمیت بود که لغت (کانن) که معادل کلمه قانون است از اسم کتاب معروف او قانون سرچشمه گرفته است.

وی شاعر ماهر و فیلسوف بزرگی بود، ولی دنیا او را به عنوان استاد علمی که در ریاضیات و فیزیک و علوم پزشکی اثری از خود گذاشته باشد بهتر می‌شناسد، در واقع وی در جهان علوم پزشکی هم در شرق و هم در غرب برای قرنهای متمادی حکومت کرده است.

کتاب پزشکی وی تا قرن هفدهم اساس برنامه‌های تمام دانشگاههای اروپا را تشکیل داده است و سبک پزشکی وی که در کتاب بی‌نظیر خود قانون شرح داده است هنوز هم در عالم اسلام مورد استفاده می‌باشد و مردم پاکستان معتقد به تأثیر شفای آن می‌باشند. در تاریخ شخصیتی که جامع معلومات منطق و علوم ماوراءالطبیعه و ریاضیات و فیزیک و علوم پزشکی و شعر باشد کمتر دیده می‌شود و از این نظر وی نظیر لئونارد داوینچی دانشمند شهیر ایتالیائی می‌باشد. ادای احترامات به بوعلی سینا ما را بیاد روزهایی می‌اندازد که اسلام مشعلدار دانش و تفکر در دنیای تاریخ بوده است.

پس از آن به ترتیب آقایان: پرفسور کاظم اسماعیل بیگ از کشور ترکیه، ۱. ا. برتلس E.E. Bertels از کشور شوروی، پرفسور لوئی ماسینیون Louis Massignon از کشور فرانسه، پرفسور ژرژ کامرون G. Cameron از ایالات متحده آمریکا، پرفسور هانری لوژییه H. Lougier نماینده یونسکو، هریک بیانانی ایراد کردند و عموماً از مقام علمی و ادبی ابن سینا تجلیل و از تشکیل کنگره اظهار خوشوقتی نمودند.

آقای حکمت رئیس جلسه پس از سپاسگزاری از سخنرانان اعلام تنفس کرد تا برای انتخاب هیأت رئیسه کنگره اقدام شود. پس از مذاکرات لازم مجدداً جلسه تشکیل شد و اعلام گردید که آقای علی اصغر حکمت به ریاست کنگره انتخاب شده‌اند.

آقای حکمت پشت میز خطابه قرار گرفت و به زبانهای فارسی، عربی،

انگلیسی و فرانسه از اعضای کنگره تشکر کرد و گفت بموجب مذاکراتی که بعمل آمده‌هشت نفر آقاییانی که از کشورهای خارجی در ایرادنطق‌های افتتاحیه شرکت نمودند به عنوان نواب رئیس و اعضای هیأت رئیسه انتخاب شده‌اند و اسامی آنان بدینقرار است:

آقایان: دکتر تاراچند، پرفسور محمد شفیع، پرفسور برتلس، دکتر ابراهیم مذکور، ژرژ کامرون، هانری لوزیه، پرفسور کاظم اسماعیل، لویی-ماسینیون، آنگاه ختم جلسه اعلام گردید.

جلسات کنگره

جلسات کنگره تا روز هشتم اردیبهشت صبح و عصر تشکیل شد و در هر جلسه دانشمندان کشورهای مختلف و همچنین دانشمندان ایرانی در اطراف آثار علمی و پزشکی و فلسفه ابن سینا خطابه‌هایی ایراد کردند که مجموع آنها در مجلدات دوم و سوم و چهارم جشن‌نامه ابن سینا فراهم آمده و از طرف انجمن آثار ملی به طبع رسیده است و اینک فهرست آنها را ذکر می‌کنیم: روز پنجشنبه دوم اردیبهشت ماه ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه. ش.) خطابه‌های ذیل ایراد گردید:

۱ - پرفسور ا. ا. برتلس (از شوروی): «اصالت رباعیات ابن سینا» به زبان فارسی.

۲ - پرفسور احمد آتش (از ترکیه): «آیا رساله حکمة الموت اثر ابن سیناست؟» به زبان فارسی.

۳ - آقای عبدالغفور برشنا (از افغانستان): «بحث درباره رباعیات شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا» به زبان فارسی.

۴ - پرفسور محمد شفیع لاهوری (از پاکستان): «ملاحظات چندراجع به شرح احوال شیخ» به زبان رفاشی.

- ۵ - پرفسور واسیلی نیکلایوویچ ترنوسکی، prof. V. N. Ternovskii (از شوروی): «بسط اندیشه‌های ابن سینا در دانش پزشکی کنونی شوروی» به زبان روسی.
- ۶ - آقای عفیفی (از عراق): کتاب البرهان ابن سینا و مقایسه آن با کتاب انالوطیقای ثانیة ارسطو» به زبان عربی.
- ۷ - الاستاذ ابن حموده (از الجزایر): «مختصر علم الهيئة للشيخ الرئيس ابی علی بن سینا» به زبان عربی.
- ۸ - پرفسور ولادیمیر مینورسکی Prof. V. Minorsky (از انگلستان): «ابن سینا فرد بشر» به زبان انگلیسی.
- ۹ - دکتر سهیل انور (از ترکیه): «تحقیق راجع به کتاب الوصایای ابن سینا» به زبان فارسی و فرانسه.
- ۱۰ - دکتر شوکت قنواتی (از سوریه): «رعاية الطفولة والامومة فی قانون ابن سینا» به زبان عربی.
- ۱۱ - دکتر جهانشاه صالح (از ایران): «رابطه قانون با نظریات جدید پزشکی» به زبان فارسی.
- ۱۲ - احمد خراسانی (از ایران): «دانشنامه علائی شیخ و مقاصد الفلاسفة غزالی» به زبان فارسی.
- ۱۳ - عبدالحلیم منتصر (از مصر): «النبات عند ابن سینا» به زبان عربی.
- ۱۴ - دکتر کاظم اسماعیل گورکان (از ترکیه): «بحثی از ابن سینا در باب زیست‌شناسی» به زبان فرانسه.
- ۱۵ - دکتر عباس مؤدب نفیسی (از ایران): «شرحی درباره برخی از گیاههای صفاوی که در کتاب دوم قانون ابن سینا از آن یاد شده و تطبیق با دارو شناسی جدید» به زبان فارسی.
- ۱۶ - دکتر ج. اونوالا Dr. J. U. nwalla (از پارسیان هندوستان): «اسناد طبی و جراحی که در یک دخمه قدیم در یزد بدست آمده است» به زبان انگلیسی.

- ۱۷ - پرفسور عبیدالله کریم اف (از شوروی): « برخی از عقاید ابن سینا درباره علم شیمی » به زبان فارسی .
- ۱۸ - دکتر محمد حسین ادیب (از ایران): « امزجه از نظر شیخ الرئيس ابوعلی سینا و مقایسه آن با کشفیات و نظریات جدید » به زبان فارسی .
- ۱۹ - دکتر جلال مصطفوی کاشانی (از ایران): « بیماری آسم از نظر ابن سینا و تطبیق آن با موازین علمی جدید » به زبان فارسی .
- ۲۰ - یحیی رحیم اف (از شوروی): « در اطراف بعضی تعلیمات پزشکی حکیم کبیر ابوعلی سینا » به زبان فارسی .
- خطابه هایی که در روز شنبه چهارم اردیبهشت ماه ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه. ش.) ایراد گردید:
- ۲۱ - دکتر حمود غرابه (از مصر): « الاسلام و الفلسفة السیناویة » به زبان عربی .
- ۲۲ - پرفسور هانری ماسه (از فرانسه): « اصطلاحات فلسفی که ابن سینا در فارسی ایجاد کرده است » به زبان فرانسه .
- ۲۳ - محمد رضا الشیبی (از عراق): « نظرات فلسفی و نقد در آنها » به زبان عربی .
- ۲۴ - دکتر علی اکبر سیاسی (از ایران): « علم النفس ابن سینا و تطبیق آن با روانشناسی جدید » به زبان فارسی .
- ۲۵ - پرفسور لوئی ماسینیون (از فرانسه): « حکمة المشرقیة ابن سینا و معنی آن » به زبان فرانسه .
- ۲۶ - پرفسور ریتر (از آلمان): « ترجمه پاتنجلی از ابوریحان بیرونی » به زبان فارسی .
- ۲۷ - دکتر ناجی الاصل (از عراق): « وحدة العلم و التوحید الفلسفی » به زبان عربی .

- ۲۸ - دکتر عیسی صدیق (از ایران): «نظر ابن سینا در باب تعلیم و تربیت و مقایسه اجمالی آن با نظرهای افلاطون و ارسطو» به زبان فارسی.
- ۲۹ - دکتر ژرژ کامرون (از آمریکا): «ابن سینا و نبوت» به زبان انگلیسی.
- ۳۰ - دکتر قدری حافظ طوغان (از اردن هاشمی): «مقام العقل عند ابن سینا» به زبان عربی.
- ۳۱ - دکتر احمد فوآد الهوانی (از مصر): «نظریه ابن سینا درباره سیاست» به زبان عربی.
- ۳۲ - پرفسور امیل بنونیست E. Benveniste (از فرانسه): «میراث مزدینا در فلسفه ایرانی» به زبان فرانسه.
- روز یکشنبه پنجم اردیبهشت ماه ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ش.) خطابه های ذیل ایراد گردید:
- ۳۳ - دکتر جمیل صلیبا (از عراق): «المدنیة العادله» به زبان عربی.
- ۳۴ - پرفسور گارسیا گونتر (از ایتالیا): «رسالة حی بن یقظان ابن سینا و رسالة حی بن یقظان ابن طفیل» به زبان فرانسه.
- ۳۵ - دکتر مصطفی جواد (از عراق): «الثقافة العقلية والحال الاجتماعية فی عصر ابن سینا» به زبان عربی.
- ۳۶ - علی اصغر حکمت (از ایران): «تفاسیر ابوعلی از قرآن مجید» به زبان فارسی.
- ۳۷ - پرفسور آندره گدار (باستانشناس فرانسوی در خدمت ایران): «ابنیه و آثاری که باید ابوعلی در سفرهای خود دیده باشد» به زبان فرانسه.
- ۳۸ - دکتر فوآد افرام بستانی (از لبنان): «ابن سینا والتربية الحديثة فی لبنان» به زبان عربی.
- ۳۹ - بدیع الزمان فروزانفر (از ایران): «ابوعلی سینا و تصوف» به زبان فارسی.

- ۴۰- کیخسرو اردشیر فیتز A. Fitter (از پاسیان هند): «ایران منشأ نوابغ» به زبان انگلیسی.
- ۴۱- عباس اقبال آشتیانی (از ایران): «چند نکته راجع به زندگانی و آثار ابن سینا» به فارسی.
- ۴۲- پرفسور ژولین هکسلی julien.Huxley (از یونسکو): «افکار تکاملی یک نفر زیست شناس درباره ابن سینا» به زبان انگلیسی.
- ۴۳- رشید شهردان (از پارسیان هندوستان): «سهم ابن سینا در استغنای فارسی و نفوذ آن بر زبانهای هند و فارسی گویان هند» به زبان فارسی.
- ۴۴- پرفسور لوئی گارد L. Gardet (از فرانسه): «روش فلسفی ابن سینا» (به زبان فرانسه) (توسط دکتر ابراهیم مذکور قرائت شد).
- ۴۵- دکتر ابراهیم مذکور (از مصر): «کمیتة ابن سینا در قاهره» به زبان عربی.
- ۴۶- آقای جلال الدین همائی (از ایران): «رابطه ابوعلی سینا با اصفهان» به زبان فارسی.
- ۴۷- پرفسور هانری کرین H. Corbin (از فرانسه): «مکتب ابن سینا و تشیع» به زبان فرانسه.
- ۴۸- آقای سید محمد محیط طباطبائی (از ایران): «جستجو در لفظ سینا» به زبان فارسی.
- ۴۹- مادموازل امیلی - ماری گواش A. M. Goichon (از فرانسه): «فصلی از تأثیر ابن سینا در مغرب زمین» به زبان فرانسه.
- ۵۰- پرفسور ریچارد اتینگهاورن Ettinghausen (از امریکای شمالی): «صنایع ظریفه در ایران عهد ابن سینا» به زبان انگلیسی.
- روزدوشنبه ششم اردیبهشت ماه ۱۳۳۳ ه.ش. خطابه های ذیل ایراد گردید:

- ۵۱ - انواتی (از مصر): «ابن سینا و سن توماس داکن» به زبان فرانسه.
- ۵۲ - سعید نفیسی (از ایران): «ابن سینا در اروپا» به زبان فرانسه.
- ۵۳ - پرفسور آنانیاز زایاچووسکی (از لهستان): «آثار ابن سینا در لهستان» به زبان فارسی.
- ۵۴ - دکتر حسین خطیبی (از ایران): «نثر فارسی در نیمه دوم قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم و سبک نثر فارسی ابن سینا» به زبان فارسی.
- ۵۵ - پرفسور پ. ب. وایچا (از هند): «نکات مهم عملی و عقلی ابن سینا» به زبان انگلیسی.
- ۵۶ - پرفسور زاخودربوریس نیکلایویچ (از شوروی): «بررسی دوره ابن سینا در خاورشناسی شوروی» به زبان روسی.
- ۵۷ - پرفسور هارولد لمب (از آمریکا): «دنیای دوره بوعلی سینا» به زبان انگلیسی.
- ۵۸ - دکتر محمد معین (از ایران): «لغات پارسی ابن سینا و تأثیر آن در ادبیات» به زبان فارسی.
- ۵۹ - پرفسور آتور رسی E. Rossi (از ایتالیا): «برخی اضافات به فهرست آثار ابن سینا در ایتالیا» به زبان فرانسه.
- ۶۰ - اکبر دانا سرشت (از ایران): «مقدمه بر رساله تناهی و نامتناهی» به زبان فارسی.
- ۶۱ - پرفسور والتر آرتلت Artelt. V. (از آلمان): «پزشکان آلمانی قرن هفدهم در ایران» به زبان انگلیسی.
- ۶۲ - بانو عظیم جان اوا Mrs. S. Azmiojanova (از ازبکستان شوروی): «بررسی قانون ابن سینا در ازبکستان» به زبان فارسی.
- در روز سه شنبه هفتم اردیبهشت ماه ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه.ش.) این خطابه‌ها ایراد گردید:

- ۶۳ - دکتر آیدین سایی Aydin Sayili (از ترکیه): « روش علمی ابوعلی سینا » به زبان فارسی.
- ۶۴ - پرفسور رویین لوی R. Levy (از انگلستان): « ابوعلی سینا به مثابه یک فرد انسان » به زبان انگلیسی.
- ۶۵ - دکتر ذبیح‌الله صفا (از ایران): « ابن سینا در داستانهای ایرانی » به زبان فارسی.
- ۶۶ - دکتر ریچارد مک‌کارتی Dr. R. Mccarrthy (نماینده واتیکان): « اهمیت مابعدالطبیعه در فلسفه ابن سینا » به زبان انگلیسی.
- ۶۷ - دکتر فریدون نافذآوزلوق (از ترکیه): « سخنی چند درباره حکیم عالم ابوعلی سینا » به زبان فارسی (توسط دکتر احمد آتش قرائت شد).
- ۶۸ - سررستم مسانی Sir. R. Massani (از پاریس هندوستان): « آثار ابوعلی سینا در کتابخانه‌های خصوصی و عمومی هند » به زبان فارسی (توسط کیخسرو فیر قرائت شد).
- ۶۹ - دکتر موسی عمید (از ایران): « عقل و تقسیمات آن از نظر ابن سینا » به زبان فارسی.
- ۷۰ - دکتر ویلهلم کوچ W. Kutsch (از واتیکان): « هدف تحقیقات ابن سینا » به زبان آلمانی.
- ۷۱ - ولادیمیر ایوانف V. Ivanov (از هند): « ابوعلی سینا و اسماعیلیان مخفی » به زبان فارسی.
- ۷۲ - دکتر محمد نظام الدین (از هند): « چند نسخه از آثار شیخ‌الرئیس در کتابخانه دولتی حیدرآباد، پیشنهاد برای ایجاد یک آکادمی ابن سینا در ایران » به زبان انگلیسی.
- ۷۳ - دکتر محمود نجم‌آبادی (از ایران): « نکانی چند درباره عقاید پزشکی و طب ابن سینا » به زبان فارسی.

- ۷۴ - دکتر مهدی برکشلی (از ایران) : « موسیقی ابن سینا » به زبان فارسی.
- ۷۵ - دکتر عبدالله احمدیه (از ایران) : « قاعده تشخیص و درمان بیماریها از نظر ابن سینا » به زبان فارسی.
- ۷۶ - پرفسور ژ. پ. کانگر P.Conger (از آمریکای شمالی) : « پیام برای کنگره هزاره ابن سینا » به انگلیسی (توسط پرفسور کامرون قرائت شد).
- ۷۷ - دکتر پرویز ناتل خانلری (از ایران) : « رساله اسباب حدوث الحروف » به زبان فارسی.
- ۷۸ - دکتر حسین مینوچهر (از ایران) : « طبقه بندی علوم از نظر شیخ-الرئیس ابوعلی سینا » به زبان فارسی.
- ۷۹ - محمد کاظم طریحی (از عراق) : « رأی لابن سینا فی الاجتهاد به یوضح اثنا عشریته » به زبان عربی .
- ۸۰ - دکتر احسان یارشاطر (از ایران) : « اثر تازه ای از ابن سینا » به زبان فارسی.
- ۸۱ - دکتر هادی حسن (از هندوستان) : « نبغت و ابتکارات ابوعلی سینا » به زبان فارسی (توسط آقای محمدجعفری کارمند سفارت هندوستان قرائت شد). و بدین ترتیب خطابه ها و سخنرانیها در روز سه شنبه هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۳ (۲۵۱۳) ش. مطابق با ۲۷ آوریل ۱۹۵۴ میلادی به پایان رسید و روز بعد چنانکه خواهد آمد مهمانان به همدان عزیمت کردند.
- اعضاء غیر ایرانی کنگره در تمام مدت اقامت خود در تهران و همدان مهمان دولت بودند و در ویلاهای دربند و باشگاه دانشگاه تهران و باشگاه افسران و مهمانخانه فردوسی و مهمانخانه بوعلی در همدان از آنان پذیرائی بعمل آمد و بوسیله مهماندارانی که برای هر هیأت از نمایندگان کشورها انتخاب شده بود راهنمایی می شدند. به هریک از مهمانان از طرف انجمن آثار ملی، موزه ایران باستان، اداره کل هنرهای زیبا، کتابخانه ملی، فرهنگستان ایران

و دانشکده پزشکی هدایایی داده شد و همچنین کتابها، مجله‌ها، و عکسهایی درباره ابن سینا از طرف دانشمندان ایرانی و استادان دانشگاه و مؤسسات ملی به آنان اهداء گردید. در کنگره تسهیلات و وسائل لازم از حیث درمانگاه، بانه‌های پست و تلگراف و تلفن، بانه ملی و کتابفروشی فراهم شده بود و اتومبیل‌های سواری و اتوبوس‌های مرتب برای ایاب و ذهاب آنان به کنگره و بازدید مؤسسات اختصاص یافته بود.

مهمانان دانشمند کنگره قبل از ظهر روز اول اردیبهشت دفتر اعلیحضرت همایون شاهنشاه را امضاء نمودند، سپس برای ادای احترام به آرامگاه اعلیحضرت رضاشاه کبیر رفتند. پس از آن برای نخست وزیر، وزیر دربار، وزیر خارجه، وزیر فرهنگ، رئیس انجمن آثار ملی و رئیس دانشگاه کاتر گذاشتند و عصر روز سوم اردیبهشت ماه در کاخ مرمر در پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه صرف چای کردند.

نمایشگاه آثار ابن سینا

اعضای کنگره اعم از دانشمندان خارجی و ایرانی عصر روز دوم اردیبهشت ماه از نمایشگاه کتب ابن سینا در کتابخانه ملی بازدید بعمل آوردند. فهرست نمایشگاه آثار شیخ الرئیس ابوعلی سینا در کتابخانه ملی که به مناسبت انعقاد جشن هزاره آن دانشمند بزرگ به اشاره انجمن آثار ملی ترتیب داده شده بود در رساله‌ی درهمان اردیبهشت ماه ۱۳۳۳ (ش.) بوسیله کتابخانه ملی به چاپ رسید و اینک برای مزید اطلاع قسمتی از مقدمه آن رساله را که به قلم دکتر مهدی بیانی است و در آن هنگام ریاست کتابخانه ملی را داشته است نقل می‌کنیم:

«نمایشگاه حاضر مجموعه‌ی است از آثار شیخ الرئیس ابوعلی سینا که به دو قسمت تقسیم و در دو تالار تنظیم گردیده است: یکی آثار چاپ شده شیخ و

دیگری آثار خطی وی. قسمت چاپی شامل تألیفات فارسی و تازی و اسنادی از زندگانی ابن سیناست که در ایران یا سایر ممالک بچاپ رسیده و تهیه شده است، یا آنچه درباره وی، چه در ایران چه در دیگر کشورها به زبان فارسی یا سایر زبانها در کتابی یا نشریه ای نوشته شده است. تنظیم این قسمت از نمایشگاه را استاد محترم، آقای سعید نفیسی عهده دار شده اند و آنچه به نمایش گذاشته شده است از مجموعه اختصاصی نفیس نفیسی است.

قسمت خطی که اینجانب افتخار تنظیم و تدوین آن را داشته ام، مشتمل است بر کتابها و رسالات و مقالات خطی از آثار شخص ابن سینا یا منسوب به وی، و نسخ آن جز آنچه متعلق به کتابخانه ملی است، قسمت عمده از کتابخانه مجلس شورای ملی فرستاده شده و نیز از مجموعه های اختصاصی چندتن از کتابدوستان در آن داخل است. مجموع نسخی که به نمایش گذاشته شده عبارتست از ۴۴ مجلد که مشتمل است بر ۵۵ اثر از مؤلفات شیخ که با نسخه های مکرر، مجموعاً بالغ بر ۱۲۳ کتاب و رساله می شود. البته این عده کتاب، شامل تمام نسخه های خطی آثار ابن سینا که در کتابخانه ملی و کتابخانه مجلس شورای ملی است نمی باشد و فقط انتخابی از آنها و در واقع نخبه ای از نسخ نفیسه این دو کتابخانه می باشد که هر یک امتیازی دارند؛ و حتی از شروح آثار شیخ جز سه نسخه که هر یک امتیازی دارند دیگر کتابی به نمایش گذاشته نشده است. در فهرست نمایشگاه کوشش شده است که از هر نسخه توصیف و تعریف مختصری بشود که علاقه مندان بتوانند با ممیزات آنها هر یک را در جای خود بطلبند و بیابند...»

این نمایشگاه تا پایان دوره کنگره برای استفاده عموم دایر بود.

* * *

اعضای کنگره پیش از ظهر روز سوم اردیبهشت از موزه گلستان و عصر روز چهارم اردیبهشت از مدرسه عالی سپهسالار و کتابخانه مجلس شورای ملی و فرهنگستان و عصر روز پنجم اردیبهشت از موزه ایران باستان و روز ششم اردیبهشت از مؤسسات هنرهای ملی بازدید کردند. ساعت سه بعد از ظهر روز هفتم اردیبهشت نمایشهای ورزشی با حضور دانشمندان کشورها و وجوه طبقات

۱- برای اطلاع از نسخه های نفیسی که در آن نمایشگاه فراهم آمده بود مراجعه شود به همان جزوه فهرست نمایشگاه، چاپ اردیبهشت ماه ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه. ش.)

در پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه در ورزشگاه امجدیه بعمل آمد. ساعت ۸ بعد از ظهر روز سوم اردیبهشت از طرف آقای رئیس دانشگاه در باشگاه دانشگاه و ساعت ۸ بعد از ظهر روز دوشنبه ششم از طرف آقای سپهد زاهدی نخست وزیر در عمارت وزارت امور خارجه و ساعت ۸ بعد از ظهر روز دهم اردیبهشت از طرف آقای وزیر فرهنگ در باشگاه افسران به شام از هیأت های نمایندگی کشورها پذیرائی بعمل آمد و در این ضیافتها وزیران و نمایندگان مجلسین و رجال و استادان دانشگاه و دانشمندان و ارباب جراید نیز حضور داشتند و بوسیله ارکستر سنفیک هنرستان موسیقی کنسرتی داده شد. همچنین در روز پذیرائی اداره هنرهای زیبا کنسرتی مرکب از موسیقی ایرانی و فرنگی انجام گرفت و نیز ساعت ۹ بعد از ظهر روز هفتم اردیبهشت تحت نظر اداره هنرهای زیبا در تالار فرهنگ تأثر بوعلی بمعرض نمایش گذاشته شد.

دسته گل و پیام دانشجویان - عده یی از دانشجویان دانشگاه تهران بنماینده گی از طرف کلیه دانشجویان توسط هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی دسته گلی به مستشرقین تقدیم نمودند. پیام زیر نیز از طرف دانشجویان دانشگاه تهران خطاب به مستشرقین خارجی فرستاده شده بود که بوسیله آقای حکمت در کنگره خوانده شد:

«ما دانشجویان ایرانی به همه دانشمندان و مستشرقین کشورهای جهان که برای شرکت در جشن هزاره ابن سینا به میهن ما آمده اند خوش آمد و تهنیت می گوئیم. ارتباطات و مراودات فرهنگی از هر طریق و به هر شکل که باشد عامل مؤثری در حفظ دوستی بین ملتها بشمار می آید و تنها در نتیجه صلح و دوستی بین ملتهاست که فرهنگ و تمدن، این میراث عظیم بشریت از دستبرد مصون مانده به تعالی و شکفتگی می گراید».

پیام رئیس انجمن فرانسه و ایران - آقای پرفسور پاستور و الری رادو عضو فرهنگستان کشور فرانسه و رئیس انجمن فرهنگی فرانسه و ایران در پاریس توسط سفیر کبیر فرانسه این پیام را فرستاده بود که بوسیله آقای حکمت در

کنگره قرائت شد:

«آقای سفرکبیر، در این موقع که مراسم هزاره ابن سینا آن دانشمند بزرگوار ایرانی و مایه افتخار جهان برپا می شود تمنی می کنم آرزوهای قلبی مرا برای موفقیت درخشان این یادبود به مقامات کشوری که در آن اقامت دارید و همچنین به اعضای کنگره تبلیغ فرمائید».

بسوی همدان

شهر همدان از مدتها پیش خود را برای جشن هزاره ابن سینا آماده می کرد. تیمسار سرلشکر مزینی فرمانده نیروی غرب از طرف دربار شاهنشاهی وانجمن آثار ملی مأموریت ترتیب کارهای مقدماتی جشن و امور انتظامی را در همدان داشت. مردم همدان از هر صنف و طبقه سعی داشتند که این جشن تاریخی حتی المقدور آنچنانکه درخور مقام حکیم بزرگ ابوعلی سینا است برگزار گردد. در مدخل فرودگاه همدان که تازه افتتاح شده بود طاق نصرت باشکوهی برپا کرده بودند. در میدان شاهپور و مقابل میدان بوعلی و در مدخل خیابان بوعلی که منتهی به آرامگاه می گردد نیز طاق نصرت هائی از طرف اهالی و اصناف برپا شده بود. همه جا را با پرچم های سه رنگ ایران و تزئینات دیگر آرایش داده بودند و از صبح سه شنبه هفتم اردیبهشت بتدریج کاروانهای شرکت کنندگان در جشن وارد شهر تاریخی همدان می شد. علاوه بر مهمانخانه زیبای بوعلی که از طرف دولت مقارن ساختمان آرامگاه ایجاد گردید مهمانخانه های ایران، روشن، نادری، وشفق نیز برای پذیرائی از مدعوین اختصاص یافته بود، بعلاوه اغلب خانه های متمکنین همدان نیز برای پذیرائی دعوت شدگان آماده شده بود. چهل نفر از دبیران از طرف اداره فرهنگ برای راهنمایی مهمانان تعیین شده بودند.

آقای علاء رئیس انجمن آثار ملی و وزیر دربار و همچنین گروهی از

مقامات و شخصیت‌های کشوری روز سه‌شنبه وارد همدان شدند. مقدمات افتتاح آرامگاه نیز از طرف مأمورین اعزامی انجمن آثار ملی فراهم شده بود و نمایشگاهی از هدایایی که از شهرستانها به آرامگاه ابن سینا رسیده بود و صنایع دستی شهرستانهای مختلف در آرامگاه ترتیب داده شده بود.

پرده برداری از مجسمه ابوعلی

چنانکه سابقا نیز اشاره شد مجسمه ابوعلی در وسط میدان جدید الاحداث بنام میدان ابوعلی نصب شده و اطراف آن را باغچه‌ای بشکل مستطیل و زیبا پر از گل و سبزه احاطه کرده بود. ساعت هفت بعد از ظهر روز چهارشنبه هشتم اردیبهشت آقای علی اصغر حکمت با گروهی از مستشرقان به میدان آمدند و چند دقیقه بعد آقای علاء رئیس انجمن آثار ملی و وزیر دربار شاهنشاهی هم وارد میدان شدند و مراسم پرده برداری از مجسمه شیخ‌الرئیس آغاز گردید.

نخست آقای مصطفوی رئیس اداره کل باستانشناسی طی سخنرانی مبسوطی تاریخچه تأسیس انجمن آثار ملی و خدماتی را که این انجمن برای حفظ آثار ملی نموده است شرح دادند و از توجهات خاص اعلیحضرت رضاشاه کبیر و اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر به حفظ آثار ملی یاد کردند و از آقای علاء تقاضا نمودند که بنام نامی شاهنشاه از مجسمه ابوعلی پرده برگیرند.

پس از آن آقای سمیع شهردار همدان از تشریف فرمائی شاهنشاه به همدان ابراز مسرت و از انجمن آثار ملی بسبب اهداء مجسمه ابن سینا به شهر همدان تشکر نمود. آنگاه یکی از شاعران همدان شعری خواند.

پس از آن آقای علاء اظهار داشتند: «بنام نامی اعلیحضرت همایون شاهنشاه پرده از پیکر فیلسوف و پزشک بزرگ ایرانی ابوعلی سینا برمی گیرم و صورت يك جهان فضل و دانش را نمایان می‌کنم. این صورت همچو ظاهر



پرده برداری از مجسمه ابن سینا

خورشید به چشمها كوچك می آید ولی چشم عقل و اندیشه از درك عظمت آن عاجز و حیران است. امیدوارم همانطور كه پرتو این مجسمه تاابد جاویدان خواهد ماند كشور و ملت ایران نیز همیشه پاینده و در حفظ آثار بزرگان خود پایدار بماند. ضمناً از آقای ابوالحسن صدیقی صنعتگر ارجمند كه ارواح مكرمه ما را به نیروی هنر تجسم داده اند تشكر می كنم. »

پس از گشوده شدن پرده به ترتیب آقایان پرفسور لوئی ماسینیون فرانسوی و دكتر ابراهیم مذكور سناتور و دانشمند مصری هریك درباره ابن سینا سخنرانی مختصری ایراد كردند و مراسم پایان یافت.

افتتاح آرامگاه

ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه نهم اردیبهشت ماه ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه. ش.)



پرده برداری از مجسمه ابن سینا

مراسم افتتاح آرامگاه ابن سینا در همدان در پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر برگزار گردید. از ساعت هشت و نیم صبح آقایان علاء رئیس انجمن و وزیر دربار شاهنشاهی، چندتن از وزیران، رؤسای مجلسین و هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی، علی اصغر حکمت رئیس کنگره جشن هزاره ابن سینا، عده‌ای از نمایندگان مجلسین و کلیه آقایان مستشرقین و دانشمندان خارجی و داخلی و مدعوین در محل آرامگاه حضور یافتند.

مقارن ساعت ۹ شاهنشاه از محل اقامت اختصاصی به آرامگاه ابن سینا تشریف فرما شدند. والاحضرت شاهپور عبدالرضا و آقای سپهبد زاهدی نخست وزیر در التزام رکاب ملوکانه بودند.

ابتدا دسته موزیک سلام نظامی را نواخت و مراسم احترامات بعمل آمد. شاهنشاه از برابر صف مستشرقین عبور فرمودند و آقای علی اصغر حکمت

اعضای شعبه انجمن آثار ملی در همدان را به حضور ملوکانه معرفی کرد. آنگاه شاهنشاه در مقابل پله‌های مقبره ابوعلی قرار گرفتند و آقای حکمت گزارش مشروحی درباره چگونگی ترتیب و تهیه مقدمات جشن هزاره ابن سینا



چند نفر از اعضاء هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی در جلسه مورخ یکشنبه دوم شهریور ماه ۲۵۱۱ شاهنشاهی (۱۳۳۱ ه. ش.)
از راست به چپ: دکتر غلامحسین صدیقی - اللهیار صالح - ابراهیم حکیمی (حکیم الملك)
صادق صادق (مستشار الدوله) - حسین سمیعی (ادیب السلطنه) - علی اصغر حکمت
بعرض رسانید؛ بعد آقای جعفری وزیر فرهنگ سخنانی بعرض رسانید و آقای
صادق سرمد این چکامه را قرائت کرد:

چو پرگرفت بر اوج خرد کبوتر علم

به بام عالم امکان گشود شهر علم

به بام عالم امکان نشست و نفخه روح

دمید در تن انسان و ساخت پیکر علم

چو دید آدمیانند در ستیز و جدال

یکی بخاطر مال و یکی بخاطر علم

باقضای کمالی که مال را نرسد
 نهاد بر سر انسان کامل افسر علم
 نخست نام معلم به انبیا بخشید
 که جز نبی نبود هیچکس پیمبر علم



چند نفر از اعضاء هیأت مؤسسين انجمن در جلسه مورخ یکشنبه دوم شهریور ماه ۱۳۳۱ (۲۵۱۱ ش.ه) د خانه ییلاقی شادروان ابراهیم حکیمی (حکیم الملك) در نیاوران. از راست به چپ نشسته : دکتر غلامحسین صدیقی- شادروان ابراهیم حکیمی (حکیم الملك) شادروان حسین سمیعی (ادیب السلطنه)- شادروان صادق صادق (مستشار- الدوله)- دکتر عیسی صدیق (صدیق اعلم)- اللهیار صالح- علی اصغر حکمت، ردیف ایستاده همکاران انجمن آثار ملی را نشان می دهد. از راست به چپ مهندس هوشنگ سیحون- حسین جودت- جواد کامبیز- سید محمد تقی مصطفوی- دکتر تقی علی آبادی

بروی عالمیان تا گشوده گردد باب

یکی مدینه علم آمد و یکی در علم

هزار مظهر قدرت خدا بر است ولیک

هزار مظهر قدرت کجا و مظهر علم

خدای مصدر کل است بیگمان لیکن

حقیقت همه عالم بود ز مصدر علم

اگر حدیث قضا و قدر شنیدستی
 روایتی بود از قدرت مقدر علم
 گراز بهشت و گراز کوثرت خبر دادند
 اشارتی است نهان از بهشت و کوثر علم
 حدیث چشمه خضر است و سد اسکندر
 حدیث چشمه ایمان و چرخ اخضر علم
 جهان مسخر زر بود و زور اگریکچند
 که زور علم نجستند و قیمت زر علم
 ولی بقدرت تسخیر علم امروز است
 زمین مسخر علم آسمان مسخر علم
 مقام علم فراتر ز دانش من و توست
 درود برتر ما بر مقام برتر علم

* * *

رسیده بودم از گرد راه و رنج سفر
 رسید نامه به دستم ز پیک دفتر علم
 که جشن بوعلی است و قصیده می خواهند
 قصیده‌یی که بود باب علم و درخور علم
 قصیده‌یی که بود در مدیح علم و بود
 بنام طفل بزرگی که زاد مادر علم
 بنام طفلی کاو را «ستاره» مادر بود
 ستاره‌یی که برافروخت روی اختر علم
 ستاره‌یی که از اوروی دهر روشن شد
 ستاره‌یی که از او زاد مهر انور علم

نبود فرصتم اما وظیفه دانستم
 سخن بنام حکیمی که شد سخنور علم
 سخن بنام حکیمی که از زمان صغر
 کبیر بود و از آن شد امام اکبر علم
 امام اکبر شیخ الرئیس بوعلی است
 که خواند از اول دفتر کتاب آخر علم

* * *

هزار سال از این پیشتر که عالم غرب
 ز اختناق عقاید نداشت رهبر علم
 ز فیض مکتب اسلام و فضل ایرانی
 حکیم شرق برآمد ز برج خاور علم
 سخن نگفت مگر آنچه بود درخور عقل
 سخن نگفت مگر آنچه بود باور علم
 پی نجات و شفای بشر ز علت جهل
 ز روی منطق و قانون فکند بستر علم
 طیب بود و حکیم و ادیب و شاعر بود
 زهی به عرصه دانش یل دلاور علم
 هزار عقده بجز عقده اجل بگشود
 که حل عقده مردن نشد میسر علم
 نشد میسر عالم و لی میسر بود
 به پیش خالق علم و به پیش داور علم

* * *

اگر که بوعلی از عمرخواست کیفیت
 نخواست کم کند از کیف لذت آور علم

ز کیف عمر مرادش نه کیف مستی بود
 که مست بود خود از کم و کیف ساغر علم
 ز عرض عمر همان طول عمر می طلبید
 بهای عمر عزیزی که کرد بر سر علم
 ز عمر علم حیاتی طویلتر چه بود
 زهی حیات طویل و طریق اقصر علم

* * *

شنیده‌ام که سکندر گذشت از شهری
 چو می گذشت پی چشمه مطهر علم
 نوشته دید به سنگ مزار اهل قبور
 سنین عمر به خط شگفت آور علم
 سنین عمر ز يك سال دید تاده سال
 ز عمر کوتاهشان شکوه برد در بر علم
 شنید پاسخ کاری حیات انسانی
 برابر است به حداقل و اکثر علم
 وجود آدمی این صورت مجسم نیست
 اگر در او نبود سیرت مصور علم
 حیات تن عرض است و حیات جان جوهر
 حیات جان طلبی زنده شوبه جوهر علم
 حیات بوعلی افزون ز صد سکندر شد
 زهی سکندر عالم زهی سکندر علم

* * *

اگر چه خیل حسودان بدو حسد بردند
 حسد ولی چه کند همسری به سرور علم

گرفتم آنکه خزف جامهٔ گهر پوشد
 چه گوهری است گرانمایه تر ز گوهر علم
 چرا حسود نسوزد که بوعلی سینا
 به طور سینا صد شعله زد ز اخگر علم
 حسود طعنه زد و بوعلی کتاب نوشت
 حسود بار حسد برد و بوعلی بر علم
 حسود صاحب زر بود و زیوریش نبود
 ولیک بوعلی افزود زر به زیور علم
 فقیر کیست؟ کسی کو بود ز علم فقیر
 توانگر است کسی کو بود توانگر علم

* * *

چو فتنه شد به بخار بسوی گرگان رفت
 وز آن دیار برآمد به شهر دیگر علم
 به خاک پاک ابیورد دیدمش خط پای
 که از عبور وی افتاده بود معبر علم
 زری سوی همدان رفت و در صفاهان شد
 به دستگاه وزارت بشوکت و فر علم
 وزیر بود ولیکن وزیر عالم بود
 وزیر عالم یعنی که شاه کشور علم

* * *

ایا گشوده زبانی که دیده بر بستی
 گشای چشم و بیابین قیام محشر علم
 بر آرزو دل خاک ای حکیم بزرگ
 که بر مزار تو شاه آمدست و لشکر علم

بایست از ره تعظیم در برابر شاه
 که ایستاده شهنشاه در برابر علم
 بین به لشکر مستشرقین که آمده‌اند
 به پیشگاه شهنشاه مهر پرور علم
 شهنشاهی که به تعظیم علم و دین علم است
 وز او فراشته شد پرچم مظفر علم
 درود بر قدم شهریار حکمت دوست
 که شد ز همت او نو رواق منظر علم
 درود بر علما باد و فیض محضرشان
 که فیض محضر ایشان خوش است و محضر علم
 ثنای سرمد براهل علم و دانش باد
 زهی ثناگر دانش زهی ثناگر علم
 ۸ اردی بهشت ماه ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه. ش.)

سپس آقای متین فرماندار همدان از طرف اهالی شهر همدان از تشریف فرمائی
 شاهنشاه تشکر نمود و آنگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه چنین فرمودند:

«مایه کمال مسرت است که بیاری خداوند متعال اینک به افتتاح
 آرامگاه حکیم جلیل و پزشک نامی ابوعلی سینا موفق می‌شویم. این مرد
 بزرگ که او را از روی حقیقت باید سرآمد حکما و اطباء شرق و یکی از
 بزرگترین فیلسوفان و پزشکان جهان دانست از کسانی است که در پیشرفت
 انسان بجانب مراحل کمال عقلی و علمی سهم بزرگی دارد و وجود او
 چون مشعلی فروزان وسیله برطرف ساختن ظلمت جهل و تجلی روح انباء
 آدم بوده است. این فیلسوف بزرگ که تمدن ایران و اسلام از بسیاری جهات
 مرهون وجود او است نه تنها مورد علاقه هم‌عصران خود است بلکه از قرنهای
 پیش در همه اقطار عالم نام او را به احترام ذکر کرده‌اند و همه جا با تکریم
 و تجلیل فراوان از او یاد شده است.

کوششهایی که این مرد نام‌آور در راه پیشرفت و ترقی علوم مختلف از
 منطق و حکمت و ریاضی و طبیعی و تمام شعب این علوم خاصه طب و داروشناسی
 کرده است از خاطر دوستان علم و دانش محو نخواهد شد. ابوعلی سینا با
 ذهن منطقی و منطق منظم و علمی خود توانست تمام علوم پراکنده را که

از طرق مختلف در تمدن ایرانی و اسلامی وارد شده و تا عهد او ترتیب و تنسيق کاملی نیافته بود نظام و نسق بخشد.

قدرتی که او در تدوین این کتب علمی بکار برده بدرجای بود که نه تنها آثار او در ایران و تمام جهان اسلامی طرف توجه و استفاده قرار دارد بلکه دیری نگذشت که دانشمندان با ولع تمام شروع به ترجمه و نشر آنها در دانشگاههای اروپا کردند و این ترجمه‌ها سرعت محل استفاده اهل علم قرار گرفت. خدمات بی نظیر ابن سینا به زبان فارسی از راه تألیف کتب مختلف علمی بدیرزمانی علت جداگانه‌ای برای نفوذ قطعی او در قلوب هموطنان خویش بوده است و بهمین سبب در نظر ما هر گونه تجلیل و تشویق از چنین مرد هوشمندی از وظایف بزرگ است و مایه نهایت رضامندی خاطر ماست که انجمن آثار ملی ایران منویات ما را در این باره به بهترین وضعی جامعه عمل پوشانیده و از ادای این وظیفه شگرف به نیکوترین صورتی برآمده است و اصولاً خدمات و سپاسگزاریهان نسبت به گذشتگان که وسیله‌ای برای تشویق آیندگان در ازای خدماتی سودمند به علم و ادب و اجتماع است شایسته کمال تقدیر می باشد و ما از این رو از خداوند متعال مسئلت داریم که امثال شما خدمتگزاران به عالم علم و ادب را توفیق بیشتری در این راه عنایت فرماید.

حضور دانشمندان بزرگی که از اقطار عالم دعوت ایران را قبول کرده و برای زیارت آرامگاه شیخ جلیل ابوعلی سینا به همدان آمده و اینک ما را از ملاقات خود خشنود داشته اند فرصتی مناسب برای بیان کمال مسرت خاطر ماست. این فضایی ارجمندی که مشقت سفر را تحمل کرده و برای شرکت در مراسم هزاره فیلسوف و طبیب و گوینده بزرگوار ما از دیار غربت به اینجا آمده اند، منتهای دوستداری و علاقه و توجه خود را بزرگان عالم و خادمان جامعه بشری ثابت و مدلل ساخته اند و از این رو شایسته کمال تقدیر و احترام است.

ما امید داریم که عشق وافر آنان به تکریم ابوعلی سینا هر رنجی را که از این سفر تحمل کرده اند جبران کند، همکاریهای ذیقیمت همه دانشمندان ارجمند ایرانی با انجمن آثار ملی در اقامه مراسم جشن هزاره ابن سینا که بحمدالله در تهران و همدان بخوبی انجام شده است همواره ملحوظ نظر و مایه رضایت ما بوده است و مراتب تقدیر خود را از آن زحمات پرارزش بدینوسیله اعلام می دارد.

پس از آن آقای نراقی نماینده مجلس شورای ملی از همدان قیچی طلا را تقدیم نمود و شاهنشاه بوسیله آن نوار سه رنگ را قطع و آرامگاه را افتتاح فرمودند و وارد آرامگاه شده دسته گلی نثار آرامگاه کردند و پس از قرائت فاتحه به کتابخانه آرامگاه تشریف فرما شدند، در کتابخانه شاهنشاه دفتر یاد بود آرامگاه را امضاء فرمودند و پس از ملاحظه کتابهایی که از خارج به آرامگاه هدیه شده بود به تالار پذیرایی تشریف بردند، در این تالار مدعوین داخلی و خارجی بحضور ملوکانه شرفیاب شدند و موزیک سرود مهرشاه نواخته شد و مراسم افتتاح آرامگاه پایان یافت.

شاهنشاه و همراهان پس از خروج از آرامگاه پیاده به نمایشگاه صنایع دستی که در نزدیکی آرامگاه ترتیب داده شده بود تشریف فرما شدند و ساعت ده و نیم صبح بازدید از نمایشگاه خاتمه یافت.

جلسه پایان کنگره

دانشمندان و مستشرقان که برای گشایش آرامگاه ابن سینا به همدان رفته بودند صبح روز جمعه دهم اردیبهشت ماه با هواپیما و اتومبیل بسوی تهران حرکت کردند و ساعت چهار بعد از ظهر همه در تهران بودند. ساعت پنج بعد از ظهر جلسه اختتامیه کنگره در تالار ابن سینا به ریاست آقای حکمت تشکیل گردید. ابتدا آقای سید حسن تقی زاده از طرف انجمن آثار ملی چنین گفتند:

« من از طرف انجمن آثار ملی از شما دانشمندان محترم که دعوت ما را پذیرفته و در این جشن تاریخی شرکت کرده اید کمال تشکر را می نمایم و امیدوارم در این مدت کوتاهی که در کشور ما اقامت فرموده اید به شما بد نگذشته باشد و به راحت بسر برده باشید و در برگشت به کشور خود خاطرات خوش از ایران داشته باشید، چنانچه در پذیرائی از آقایان محترم قصوری شده است باده عفو بنگرید. ضمناً از آقای حکمت مدیر عامل انجمن و رئیس کنگره تشکر می کنم که با کفایت و درایت شایسته جلسات مجمع را اداره

کردند. « آقای تقی زاده بیانات خود را به زبانهای عربی، ترکی، فرانسه، انگلیسی، آلمانی و روسی ترجمه و بیان کرد.

سپس آقای دکتر سیاسی رئیس دانشگاه تهران ابتدا پیام آقای زان سارای رئیس دانشگاه پاریس و رئیس انجمن بین المللی دانشگاهها را که نتوانسته بود در این جشن شرکت کند قرائت نمود، پس از آن اضافه کرد: «در این موقع که کارکنگره ابن سینا پایان می رسد بسیار خوشوقت هستم که می بینم پیش بینی که ده روز قبل راجع به نتایج سودمند این کنگره کرده بودیم بحقیقت پیوست و شما دانشمندان ذی صلاحیت و متبحر تسلط ابن سینا را در علوم مختلف فیزیک، شیمی، ریاضی، زیست شناسی، روانشناسی، پزشکی، حکمت و فلسفه بخوبی روشن ساختید و با دلایل و شواهد فراوان معلوم داشتید که این مرد بزرگ کاملاً مستحق و شایسته احترام است و من یکبار دیگر مراتب سپاسگزاری دانشگاه تهران و عموم اهل علم ایران را بشما تقدیم می کنم و یقین دارم که اگر در پذیرائی از شما قصوری روی داده باشد و ما نتوانسته باشیم احساسات قلبی خود را نسبت به شما میهمانان گرامی چنانکه باید به منصفه ظهور و بروز رسانیده باشیم خواهید بخشید و در این موقع که عازم ممالک خود هستید دعای خیر ملت ایران بدرقه راه شما خواهد بود.»

پس از آن بترتیب ۲۵ نفر از مستشرقان و رؤسای هیأتهای دانشمندان خارجی هر یک سخنرانی مختصری نمودند و ضمن ابراز خوشوقتی از تشکیل کنگره هزاره ابن سینا همه از مهمانداری و پذیرائی دولت ایران تشکر کردند. اسامی سخنرانان این جلسه از این قرار بود: آقایان عبدالغفور برشنا (افغانستان)، پرفسور هلموت ریتز (آلمان)، لوئی کوفن (بلژیک)، دکتر ابراهیم مذکور (مصر)، گارسیا کومتر (اسپانیا)، دکتر اتینگهوزن (امریکا)، پرفسور هانری ماسه (فرانسه)، دکتر هاکسلی (انگلستان)، پرفسور دریوس (هلند)، دکتر تاراچند (هند)، دکتر ناجی الاصل (عراق)، پرفسور اتورسی (ایتالیا)،

دکتر قدری طوغان (اردن هاشمی)، فؤاد البستانی (لبنان)، پرفسور مرکن-اشترن (نروژ)، پرفسور محمد شفیع (پاکستان)، پرفسور زایونجی کوسکی (لهستان)، دکتر الفرد اشتر (سویس)، دکتر جمیل صلیبا (سوریه)، دکتر کاظم اسماعیل گورکان (ترکیه)، دکتر لوتراوانس (یونسکو)، پرفسور برتلس (شوروی)، دکتر توچ (واتیکان)، انت دوکاوینسا (یوگسلاوی)، دکتر جهانشاه صالح (ایران).

مقارن ساعت هفت ونیم بعد از ظهر آقای علی اصغر حکمت ختم کنگره را اعلام داشت و دانشمندان و مستشرقان تالار ابن سینا را ترک کردند.

هدایا

هدایایی که به آرامگاه ابن سینا رسیده و در تالار پذیرائی و در قفسه های مخصوص نگاهداری می شود عبارتست از:

هدیه

۱- قالیچه بسیار نفیس بافت کاشان
مصور به تصویر شیخ الرئیس.

۲- دو جلد شاهنامه خطی نفیس

۳- یک جفت قالیچه ابریشمی بافت اصفهان

۴- سجاده پشمی بافت بوکان

۵- گلدان نقره مصور به تمثال بوعلی

با پلاک طلا بوزن دو کیلو و ۴۲۰

گرم ساخت تبریز

۶- میز معرق چوب گردو کار دستی

اهدایکننده

این قالیچه را علیاحضرت شهبانوی دانش-دوست و دانش پرور به مناسبت جشنهای دوهزار و پانصدساله بنیاد شاهنشاهی ایران در ۲۵۵۰ (۱۳۵۰ ه.ش.) بوسیله انجمن آثار ملی به آرامگاه مرحمت فرموده اند

انجمن فرهنگی ایران و پاکستان

اهالی اصفهان بوسیله آقای فولادوند

فرماندار اصفهان

فرهنگ بوکان

شهرداری تبریز

هنرجویان هنرستان تبریز

اهدایکننده

هدیه

- فرهنگیان مشهد
فرهنگ لرستان
دانشسرای مقدماتی شیراز
شهرداری رشت
شهرداری رودسر
فرهنگ سبزوار
فرهنگ سمنان
دبستان تولی شیراز
بغداد
انجمن تجلیل ابن سینا در گیلان
مردم کرمان توسط استانداری
استاد صدیقی
فرهنگ یزد
دبیرستان فروغ مشهد
فرهنگ مهاباد
مردم مرو دشت شیراز
از طرف مردم گیلان
- ۷- يك تخته قالی ۴ × ۳ بافت مشهد
۸- لوح نقره تمثال شیخ الرئیس بوزن ۱۰۵ مثقال
۹- تصویر قلمی آرامگاه سعدی باقاب خاتم
۱۰- دودرگاه پرده ماهوت قلابدوزی
۱۱- چادر شب ابریشمی موجی اعلی
۱۲- تمثال قلمی حاج ملاهادی سبزواری
۱۳- دو تخته تافته پولک دوزی
۱۴- جعبه خاتم مدور بادر محذب
۱۵- نسخه عکسی شش رساله از رسائل ابن سینا
۱۶- تصویر قلمی ابن سینا باقاب
۱۷- سرویس کامل چای خوری شش نفری نقره شامل ۱۹ پارچه بوزن ۲/۰۳۹ مثقال
۱۸- تمثال ابن سینا به قلم استاد ابوالحسن صدیقی
۱۹- تمثال ابن سینا نقاشی روی مخمل با قاب
۲۰- تمثال ابن سینا دست دوزی به طرح فرش
۲۱- دو تخته سجاده پشمی کار دستی مهاباد
۲۲- قندان و کاسه چوبی کار دستی مرو دشت
۲۳- لوحه برنجی مصور به تصویر ابن سینا

اهدایکننده	هدیه
اهالی کردستان	۲۴- جعبه شطرنج و نرد چوب گردو به شکل جامه‌دان کاردستی کردستان بضمیمه قلمدان چوب گردو
دبیران دبیرستانهای کردستان	۲۵- تمثال ابن سینا بر روی لوح چوب گردو
اهالی کرمانشاهان توسط استانداری	۲۶- يك جفت گلدان بزرگ نقره مصور به تصویر ابن سینا و نقوش طاق بستان
جناب آقای علی اصغر حکمت	۲۷- کلام الله مجید چاپ بغداد (۱۳۷۰) بضمیمه رحل خاتم و يك قطعه تصویر ابن سینا
بانو نیر اعظم مدیر عامل جمعیت خیریه بروجرد	۲۸- بشقاب بدل چینی کار قدیم ایران دارای یازده تصویر افراد مغول بضمیمه تمثال ابن سینا با قاب
آقای علی اکبر جلیلودن دانشکده پزشکی تبریز	۲۹- نسخه خطی نفیس قانون ابن سینا ۳۰- سینی نقره مصوره به تصویر ابن سینا بوزن نهصد و سی گرم با پلاک طلا بضمیمه سرویس کامل چای خوری نقره
مهندس بابائیان	۳۱- عکس آرامگاه جدید با قاب
آقای حسین بطحائی شهردار همدان	۳۲- آلبوم نفیس کار اصفهان با جعبه خاتم
بانو جیران پرستار عارف	۳۳- يك رشته تسبیح، يك حلقه انگشتری انفیه‌دان و لیوان کوچک نقره نگین نشان که متعلق به مرحوم عارف قزوینی بوده است
استاد ابراهیم پیداری از هنرمندان همدان	۳۴- جعبه چوب گردو
علی اصغر ساعی از هنرمندان همدان	۳۵- تصویر قلمی محمد بن زکریای رازی
دبستان یکتای کرمانشاه	۳۶- آلبوم با جلد قهوه‌یی

هدیه

اهدایکننده

- ۳۷- بشقاب چینی مرغی بهمن برزویی از نیکوکاران همدان
 ۳۸- ترجمه گنجنامه با قاب سرهنگ یمینی
 ۳۹- گلدان سنگی مرمر با پایه برنجی گلدان اشمیت بوسیله انجمن آثار ملی
 ۴۰- سنگ مرمر با نقش دو ساختمان آقای مؤمن شاه قناعت از تاجیکستان
 از سمرقند بضمیمه اشیاء دیگر شوروی
 ۴۱- تصویر ابوعلی روی چوب گردو آقای مختاری گلپایگانی

درآمد و هزینه

چون در نظر بود که هزینه ساختمان آرامگاه ابن سینا و مخارج جشن هزاره و بزرگداشت او بیشتر از منابع ملی تأمین گردد لذا موضوع به اطلاع عموم رسید و مردم از آن استقبال گرمی کردند و به طرق مختلف در این امر ملی شرکت و بامتصدیان امر همکاری و یاوریهای بزرگی نمودند. شاهنشاه دانش دوست و دانش پرور که بزرگداشت ابن سینا بنا به امر و اراده معظم له انجام می شد در این وظیفه ملی پیشقدم شدند و مبلغ ۵۰۰ ۱۱۲ ۳ ریال اعطا فرمودند که با آن انجمن به فراهم آوردن مقدمات کار آغاز کرد و هزینه های لازم را به طرق ذیل فراهم آورد:

تمبرهای یادبود ابن سینا : انجمن آثار ملی با موافقت دولت اقدام به تهیه تمبرهایی از آثار ملی ادوار مختلف باستانی و تاریخی ایران نمود و مقرر گردید که این تمبرها در پنج سری و هرسی شامل پنج تمبر تهیه شود و قیمت معمولی تمبرها با اضافه نمودن صدی پنجاه بهای اصلی برای بنای آرامگاه بر روی آنها قید گردد، تا با نشر این تمبرها هم تبلیغی در ایران و کشورهای دیگر برای جشن هزاره ابن سینا بشود و هم قسمتی از مخارج ساختمان آرامگاه و جشن فراهم آید. سفارش چاپ این تمبرها به کارخانه « برادبوری ویلکنسن^۱ » در

1 - bradbury wilkinson and company limited new malden surry, England .

لندن که در تهیه اسکناس و دیگر اوراق بهادار معروفیت جهانی دارد داده شد. تمبرهای مزبور از این قرار بود:

دوره اول - از آثار دوره هخامنشی: ۱ - آرامگاه کورش کبیر در مشهد مرغاب (پارساگرد). ۲ - نقش داریوش اول بر اورنگ شاهی و خشایار شاه و یکی از شخصیت‌های آن روزگار که به حال احترام ایستاده است. ۳ - نقش سرباز جاویدان هخامنشی در تخت جمشید. ۴ - تالار آیین (تچر) تخت جمشید. ۵ - نقش حمای شیر به گاو که در قسمت‌های مختلف تخت جمشید نموده شده است. دوره دوم - از آثار دوره ساسانیان: ۱ - نقش اردشیر دوم در طاق بستان (کرمانشاهان). ۲ - کاخ خسرو انوشیروان (ایوان مدائن) در تیسفون نزدیک بغداد. ۳ - نقش اردشیر که حلقه شهریار را از اهورامزدا می‌گیرد در نقش رستم. ۴ - نقش نرسی شاهنشاه ساسانی در نقش رستم. ۵ - نقشی که برای نمودن پیروزی شاهپور اول بر والرین امپراتور معروف روم حجاری شده در نقش رستم.

دوره سوم - از آثار عصر سلجوقی: ۱ - گنبد عالی در ابرقو. ۲ - نقش قدیمترین سکه دارای شیر و خورشید که بنام یکی از پادشاهان سلجوقی است. ۳ - نمای ایوان مسجد جامع اردستان که از ابنیه عصر سلجوقی است. ۴ - درون گنبد خواجه نظام الملك وزیر معروف سلجوقیان در مسجد جمعه اصفهان. ۵ - گنبد علویان در همدان.

دوره چهارم - از آثار عهد مغول و تیموری: ۱ - محراب مسجد جامع رضائیه ۲ - تنگ طلایی مکشوف در گرگان. ۳ - برج معروف به کاشانه که مقبره غازان خان است در بسطام. ۴ - مقبره بابا افضل نزدیک نیاسر در کاشان. ۵ - مسجد گوهرشاد خاتون زوجه شاه رخ پسر تیمور در مشهد مقدس رضوی.

دوره پنجم - ۱ - عکس آرامگاه قدیم ابن سینا. ۲ - گنبد قابوس. ۳ - آرامگاه جدید ابن سینا. ۴ - منظره شهر همدان. ۵ - تصویر حکیم.

چهار سری اول پیش از جشن و سری پنجم مقارن برگزاری جشن شیخ منتشر گردید.

اوراق بخت آزمائی

بنابه درخواست انجمن آثار ملی و پیشنهاد وزارت فرهنگ هیأت وزیران در جلسه بیست و دوم اسفندماه ۲۵۰۶ (۱۳۲۶ ه. ش.) اجازه داد که بمنظور ساختمان آرامگاه شیخ الرئیس اوراق بخت آزمائی مخصوصی منتشر گردد. ضمناً مقرر گردید که تعداد بلیطها در هر نوبت سیصد هزار و بهای هر يك ۲۰ ریال باشد و قرعه کشی هر نوبت سه ماه از تاریخ انتشار بلیطهای آن بعمل آید. درآمد حاصله از هر نوبت قرعه کشی يك ثلث جهت جوائز و سایر هزینه های مربوط از قبیل کارمزد فروشندگان و چاپ بلیط و تبلیغات و غیره و دو ثلث بقیه آن برای ساختمان آرامگاه و مصارف جشن هزارمین سال ابوعلی سینا اختصاص داده شود. فروش این اوراق تا سال ۲۵۰۷ (۱۳۲۷ ه. ش.) ادامه داشت و در بهمن ماه این سال بنابر تصویب هیأت دولت مقرر گردید که هفت درصد عواید اوراق بخت آزمائی ملی برای ساختمان آرامگاه در اختیار انجمن آثار ملی گذاشته شود.

كمك و وام شیر و خورشید سرخ

بموجب قراردادی که در اردیبهشت ماه سال ۲۵۰۹ (۱۳۲۹ ه. ش.) بین انجمن آثار ملی و جمعیت مرکزی شیر و خورشید سرخ ایران منعقد گردید مقرر شد که جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران ظرف مدت پنج ماه مبلغ پنج میلیون ریال به پنج قسط متساوی برای تکمیل ساختمان آرامگاه ابوعلی سینا به انجمن آثار ملی ایران بپردازد. در ماده دوم قرارداد ذکر شده بود که از مبلغ پنج میلیون ریال مذکور يك میلیون ریال آن بنام والا حضرت شاهدخت شمس بهلوی از جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران بمنظور فوق به انجمن آثار ملی ایران بلاعوض اهداء گردد و چهار

میلیون دیگر را انجمن آثار ملی از درآمدهای خود از سهمیه بلیطهای بخت- آزمائی ملی و فروش تمبرهای سری سوم و چهارم و پنجم ابن سینا و همچنین از محل هدایا و اعانات و غیره پردازد.

کمکهای دولت

دولت شاهنشاهی برای بنای آرامگاه و بزرگداشت ابن سینا بموجب تصویبنامه‌ها کمکهایی نمود و بنابر ماده واحده هم که در جلسه بیست و هفتم مرداد ماه ۲۵۱۰ (۱۳۳۰ ه. ش.) به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسید و در سی و یکم مرداد ماه ۲۵۱۰ (۱۳۳۰ ه. ش.) ابلاغ گردید به دولت اجازه داده شد که مبلغ هشت میلیون ریال جهت تکمیل ساختمان و تهیه مقدمات جشن هزاره حکیم ابوعلی سینا تأمین و پرداخت نماید، عین ماده واحده از اینقرار بود:

«ماده واحده: دولت مکلف است مبلغ هشت میلیون ریال از محل درآمد سال جاری کشور به شرح زیر برای تکمیل ساختمان آرامگاه و تهیه مقدمات و مراسم جشن هزاره حکیم ابوعلی سینا تأمین و پرداخت نماید. دوره عمل این اعتبار تا آخر سال ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) ادامه خواهد داشت.

۱- برای تکمیل ساختمان آرامگاه سه میلیون ریال توسط انجمن آثار ملی

بانظارت وزارت فرهنگ.

۲- برای تهیه مقدمات و مخارج جشن و پذیرائی بتوسط وزارت فرهنگ پنج میلیون ریال.»

علاوه بر اینها برخی مؤسسات و اشخاص نیز کمکهایی برای بنای آرامگاه و برپا داشتن جشن و غیره نمودند و از جمله اعانه مجلس شورای ملی برای طبع کتابهای فارسی ابن سینا مبلغ ۵۰۰٫۰۰۰ ریال بود، اعانه وزارت کشور (اداره کل شهرداریها) از محل فروش نفت در نقاطی که شعبه فروش نداشت مبلغ ۱۰۳۷٫۵۰۰ ریال، اعانه شهرداری همدان برای ساختمان سد رودخانه مجاور آرامگاه و دیوار آن و غیره ۲۵۲٫۰۰۲ ریال، اعانه پارسیان مقیم هندوستان (هم ارز ۹۸۵٫۱۰ روپیه هند) ۷۳٫۵۸۸ ریال، اعانه دانشکده پزشکی تهران و پزشکان وزارت بهداری ۵۳٫۶۲۲ ریال، اعانه اتحادیه بازرگانان

تهران بوسیلهٔ تیمسار سپهبد فرج‌الله آق‌اولی ۵۰٫۰۰۰ ریال، اعانه توسط آقای
 ابتهاج ازبانک ملی ایران ۵۰٫۰۰۰ ریال.
 مجموع درآمدها پایان آبان‌ماه ۱۳۳۱ (ش.س.) مبلغ ۸۹۶٫۹۳۷٫۲۰
 ریال و مخارج مبلغ ۳۸۴٫۲۰۶٫۱۹ ریال بوده است.^۱

بزرگداشت ابن‌سینا در جهان

«سازمان علمی و تربیتی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در چهارمین
 کنفرانس خود در سال ۱۹۴۹ م. در پاریس تصمیم گرفته بود که در پنجمین اجتماع
 خود در شهر فلورانس چهارتن از بزرگان دنیا را که سالگرد تولد آنان با سال
 ۱۹۵۰ تصادف می‌کند تجلیل نماید و مقام عالی آنان را در علم و ادب و هنر و
 خدماتی را که هر یک از آن بزرگان به‌عالم انجام داده‌اند بستايد. این دانشمندان
 بزرگ عبارت بودند از ابن‌سینا فیلسوف بزرگ و عالیقدر ایران- کنفوسیوس
 Confucius فیلسوف بزرگ چینی (۴۷۹-۵۵۰ قبل از میلاد) - باخ Jean
 sébastien Buch موسیقیدان نام‌آور آلمانی (۱۶۸۵-۱۷۵۰ میلادی)-
 بالزاک Honoré de Balzac نویسندهٔ نامبردار فرانسوی (۱۷۹۹-۱۸۵۰).
 بعداً موراتوری Muratori مورخ ایتالیایی (۱۶۷۲-۱۷۵۰) بر آن چهار تن
 افزوده شد.

این برنامه در آخرین جلسهٔ کنفرانس مذکور در قصر سیتی از قصورتاریخی
 و معروف فلورانس و مقر پنجمین کنفرانس یونسکو در ساعت پنج‌بعد از ظهر بانجام
 رسید. در این جلسه نخست آقای علی‌اصغر حکمت نطق مفصلی در مقام شامخ
 ابوعلی‌سینا و اهمیت او در طب و فلسفه و خدماتی که به‌عالم کرد و تألیفات فارسی
 و عربی او و اقداماتی که در ایران برای جشن هزارمین سال ولادت وی شده،
 ایراد کرد و بعد آقای دکتر محمد عوض بیک نمایندهٔ دولت مصر نیز در تجلیل
 مقام ابن‌سینا بیاناتی ایراد نمود.

علاوه بر این یونسکو در جزو قراردادهایی که بعنوان ترجمهٔ آثار مشهور
 ملل مختلف با آنها منعقد می‌سازد یک قرارداد با دول عرب برای ترجمهٔ کتاب

۱- برای ملاحظهٔ صورت درآمد و هزینه مراجعه شود به: جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد
 اول ص ۱۹۰، ۱۹۱ و ۲۳۰ و هگمتانه ص ۴۵ و ۴۶ و ترازنامهٔ انجمن.

الاشارات والتنبیہات شیخ تنظیم و توسط کمیسیون بین المللی ترجمہ شاہکارهای آثار متقدمین کہ تابع آن سازمانست بادی این خدمت ذیقیمت اقدام کرد. ترجمہ فرانسوی اشارات از طرف کمیسیون مذکور به مادموازل گواشون واگذار گردیده و آن در سال ۱۹۵۱ انتشار یافته است.

در حین انعقاد پنجمین کنفرانس عمومی یونسکو در فلورانس بین یونسکو و هیأت نمایندگی ایران قراردادی برای ترجمہ آثار مشہور فارسی بزبانهای رسمی یونسکو (انگلیسی، فرانسوی، اسپانیائی) و بالعکس منعقد شد و نظر بنزدیکی جشن ہزارمین سال ولادت ابن سینا کتاب دانشنامہ علائی بعنوان نخستین کتاب فارسی برای ترجمہ انتخاب و ترجمہ آن بہ پروفیسور ہانری ماسہ رئیس مدرسہ السنۃ شرقیہ پاریس واگذار گردید.^۱

در بسیاری از کشورهای جهان نیز مقارن جشن ہزارہ ابن سینا بطرق مختلف از قبیل برپا داشتن مجالس جشن، سخنرانیہا، نشر مقالہ ہا، چاپ آثار ابن سینا وغیرہ در تبجیل حکیم بزرگ ایران کوشیدند کہ از جملہ در کشورهای ترکیہ، افغانستان، ایتالیا، انگلستان، فرانسه، آمریکا، کشورهای عربی، کانادا، لہستان، اتحاد جماہیر شوروی، مجارستان، رومانی، بلغارستان، آلمان شرقی، چکوسلواکی، ہندوستان اقداماتی در بزرگداشت ابن سینا بعمل آمد.^۲

* * *

اینک کہ این فصل بہ پایان می رسد یادآوری این نکته لازم می نماید کہ بعضی از مؤسسات کشور چون کمیسیون ملی یونسکو در ایران، جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران، کمیٹہ ملی ہزارہ ابن سینا، وزارت کشور، وزارت پست وتلگراف، وزارت فرهنگ، وزارت امور خارجه، وزارت راہ، سازمان برنامه، و ہیأت دولت ہمہ در اداء این خدمت ملی بہ سهم خود با انجمن آثار ملی نہایت ہمکاری ومساعدت را بعمل آوردند. همچنین چندتن از فرمانداران ہمدان چون آقایان ہرمز احمدی، شادروان نصرۃ اللہ خواجہ نوری، احمد

۱- جشن نامہ ابن سینا، مجلد اول، ص ۱۷۴ و ۱۷۵ بانڈک تصرف.

۲- تفصیل را رجوع شود بہ مأخذ سابق ص ۱۷۲ تا ۱۸۶.

جهانسوز، بهزادی، عطائی، متین و چندتن از شهرداران چون آقایان صوفی نیا، ملک و سمیع کمال کوشش و دقت را در همکاری با انجمن بعمل آوردند و سعی همه مشکور است.

* * *

هیأت مؤسس و هیأت مدیره انجمن آثار ملی در ظرف مدتی نزدیک به ده سال با مجاهدت و کوشش فراوان به ساختن آرامگاه ابن سینا و برپاداشتن جشن آن حکیم بزرگ توفیق یافت و اینک اسامی آنان (بترتیب الفبائی) ذکر می شود:

هیأت مؤسسين انجمن

شادروان تیمسار سپهبد آقاولی (فرج الله)

شادروان تقی زاده (سیدحسن)

شادروان تیمسار سپهبد جهانبانی (امان الله)

جناب آقای حکمت (علی اصغر)

شادروان ابراهیم حکیمی (حکیم الملك)

شادروان حسین سمیعی (ادیب السلطنه)

شادروان صادق (مستشارالدوله)

جناب آقای صالح (اللهیار)

جناب آقای دکتر صدیق (عیسی)

جناب آقای دکتر صدیقی (غلامحسین)

شادروان علاء (حسین)

شادروان هیأت (علی)

جناب آقای وزیر فرهنگ

رئیس هیأت مؤسسين شادروان مستشارالدوله صادق بود و پس از درگذشت

آن مرحوم از روز یکشنبه سوم اسفند ۱۳۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) شادروان حسین علاء

سمت ریاست هیأت مؤسسين را داشت.

نایب رئیس هیأت مؤسسين شادروان علی هیأت و رئیس هیأت مدیره جناب

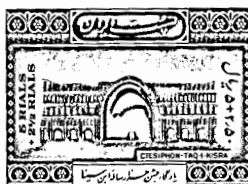
آقای علی اصغر حکمت و تیمسار سپهبد جهانبانی خزانهدار انجمن بودند. رئیس

دیرخانه انجمن ابتدا شادروان دکتر مهدی بیانی بود و پس از او آقای سید

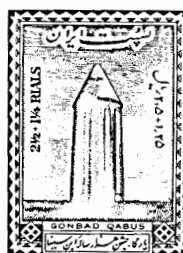
محمد تقی مصطفوی به این سمت برگزیده شدند.



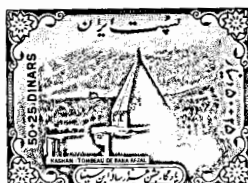
سری اول تمبرهایی که به مناسبت هزاره ابن سینا چاپ شده است



سری دوم نمبرهایی که به مناسبت هزاره ابن سینا چاپ شده است



سری سوم نمبرهایی که به مناسبت هزاره ابن سینا چاپ شده است



سری چهارم نمبرهایی که به مناسبت هزاره ابن سینا چاپ شده است



سری پنجم تمبرهایی که به مناسبت هزاره ابن سینا چاپ شده است



آرامگاه سعدی

آرامگاه سعدی

شیخ مشرف الدین بن مصلح الدین، سعدی شیرازی در اوایل قرن هفتم هجری در شیراز ولادت یافت. در اوان جوانی به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه بغداد علوم ادبی و دینی آموخت و آنگاه به شام و حجاز و برخی بلاد دیگر سفر کرد و در اواسط قرن هفتم هجری در دوران فرمانروائی ابوبکر بن سعد بن زنگی (۶۲۳ - ۶۵۸ ه. ق.) به شیراز بازگشت. در سال ۶۵۵ بوستان را به نظم آورد و در سال ۶۵۶ گلستان را تألیف نمود، از آن پس قسمت عمده عمر خود را در شیراز زیست و به سال ۶۹۱ یا ۶۹۴ هجری قمری درگذشت و در خانقاه خود مدفون گردید. آثار منشورش غیر از گلستان عبارتست از مجالس پنجگانه، نصیحة الملوك، رساله عقل و عشق و تقریرات ثلاثه و اشعارش عبارت از قصائد، مرثی، ترجیعات، مقطعات و چند مجموعه غزل است.

خانقاه شیخ که مدفن اوست در گوشه شمال شرقی شیراز در دامنه کوهی به نام پهنذر (فهندز) قرار دارد و از روزگاران قدیم زیارتگاه مردم صاحبدل و ارادتمندان شیخ اجل بوده است. در تذکره‌ها مکرر به خانقاه و آرامگاه او اشاره شده و از جمله:

۱- پنجاه و هفت سال پس از درگذشت او، جهانگرد و عالم جغرافیائی مشهور ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهیم طنجی (۷۰۳ - ۷۷۹) مشهور به ابن بطوطه در کتاب «تحفة النظر فی غرایب الامصار» معروف به «رحلة ابن بطوطه» آرامگاه شیخ را چنین توصیف کرده است: «ومن المشاهد بخارج شیراز قبر الشيخ الصالح المعروف بالسعدی وکان اشعر اهل زمانه باللسان الفارسی و ربما المع فی کلامه بالعربی وله زاویه کان قد عمرها بذلك

الموضع حسنة - بداخلها بستان مليح و هي بقرب رأس النهر الكبير المعروف به (ركن آباد) وقد صنع الشيخ هنالك احواضاً صغاراً من المرمر لغسل الثياب فيخرج الناس من المدينة لزيارته ويأكلون من سماطه ويغسلون ثيابهم بذلك النهر و ينصرفون و كذلك فعلت عنده رحمه الله^۱.

۲- معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی در کتاب شدالازار که در سال ۷۹۱ (ه.ق.) تألیف کرده در ضمن شرح حال سعدی آورده است: «توفی فی سنة احدى و تسعين و ستمائه و دفن فی صفة خانقاهه العالیه^۲ ...»

۳ - دولتشاه سمرقندی در تذکرة الشعراء خود که در ۸۹۲ ه. ق به اتمام رسیده آورده است که: «... و تربت شیخ سعدی اکنون در شیراز بجائی فرح بخش و حوضی با صفا است، و عمارات بی نظیر آنجا واقع است، و مردم را بدان مرقد ارادتست^۳».

بنابراین از دیرباز آرامگاه سعدی معمور و مطاف اهل دل بوده است. ظاهراً در سال ۹۹۸ بنای آرامگاه سعدی و چند بنای دیگر «به حکم یعقوب ذوالقدر حکمران فارس که مردی فرومایه و بی ادب بود خراب گردید و هیچ اثری از آن باقی نماند ... این عمل ناپسند خشم شاه عباس کبیر را برانگیخت و امر فرمود او را به قتل رسانند^۴ ...»

عمارتی که اخیراً تا سال ۲۵۰۷ (۱۳۲۷ ه. ش.) برپا بود در زمان کریم خان زند و به اهتمام آن شهریار در سال ۱۱۸۷ ه. ق. بنا شد و پس از آن هم چند بار آن را ترمیم و تعمیر کردند. مرحوم فرصة الدوله در کتاب آثار عجم آورده است که: «تکیه سعدیه ... مشتمل است بر چند عمارت تحتانی

۱ - رحله، طبع مصر، ص ۱۳۶.

۲ - شدالازار، طبع تهران، ص ۴۶۴.

۳ - تذکرة الشعراء، چاپ بارانی، ص ۲۳۲.

۴ - شیراز، علی سامی، ص ۱۹۳ و ۱۹۴، به نقل از گلستان هنر قاضی میراحمد منشی معروف به «میرمنشی».

و فوقانی که بنیادش را مرحوم کریم‌خان زند نهاده، در باغچه‌اش اشجار بسیار با ثمار غرس شده، قبر شیخ در عمارتی است که در زاویه‌ی واقع شده^۱...» و مرحوم حاجی میرزا حسن فسائی در کتاب فارسنامه ناصری که در سال ۱۳۱۳ ه. ق. تألیف شده آورده است که: «... و حضرت کریم‌خان زند در حدود سال هزار و صد و هشتاد و اند عمارتی ملوکانه از آجر و گچ برجای خانقاه شیخ سعدی بساخت و تاکنون به آبادی باقی است و در سنه ۱۳۰۳ جناب صاحب‌دیوان میرزا فتح‌علی خان شیرازی این عمارت را فی‌الجمله مرمتی فرموده... معادل پنجاه تومان وظیفه دیوانی برای حق‌التولیت او مجری و برقرار فرمود از آنجهت برزینت تکیه افزوده است^۲».

جهانگردان و خاورشناسانی که در دوره قاجاریه آرامگاه سعدی را دیده‌اند از ویرانی و خرابی آن یاد کرده‌اند و از جمله سرگور اوسلی خاورشناس انگلیسی از قول ویلیام فرانکلین سیاح انگلیسی که در سال ۱۷۸۶ میلادی به شیراز آمده ضمن شرح آرامگاه سعدی آورده است که: «مقبره سعدی به مرور زمان خراب شده و اگر تعمیر نشود بکلی منهدم خواهد شد^۳...» سپس خود اوسلی می‌نویسد که:

«در سال ۱۸۱۱ از طرف دربار ژرژ سوم پادشاه انگلستان بسمت سفارت مأمور دربار فتح‌علیشاه قاجار شدم. در شیراز چندماه اقامت کردم، چندین مرتبه سر قبر شیخ رفتم. تصدیق قول فرانکلین را از دیدن مقبره شیخ نتوان نمود. حقیقه^۴ مقبره روبه‌خرابی است، از باغ و درختهایی که وقتی در آنجا بوده اثری نیست. من فکر کردم بامبلغ کمی مقبره را می‌توان تعمیر کرد و از حسن عقیدتی که به شیخ و کلامش دارم تصمیم گرفتم که با پول خودم مقبره را تعمیر کنم، ولی سرپنجم شاه ایران حسینعلی میرزا که والی فارس است، مرا از اجرای این نیت بازداشت و وعده داد که مقبره را به خرج خود تعمیر کند و گفت به همان اسلوب

۱- آثار عجم، طبع بمبئی، ص ۴۶۶.

۲- فارسنامه، ج ۲، ص ۱۵۸.

۳- شیراز، علی‌سامی، ص ۱۹۴.

وخوبی که کریمخان مقبره حافظ را تعمیر کرده اقدام خواهد شد ولی به قول خود عمل نکرد.^۱»

لرد کرزن در کتاب ایران و مسئله ایران (ج ۲ ص ۱۰۸-۱۰۶) شرحی درباره سعدیه آورده و از جمله نوشته است که: «... کریمخان ساختمان را بدون اینکه تغییری در سنگ قبر بدهد تعمیر نمود، ولی در ابتدای قرن حاضر آرامگاه بطوری خراب گردید، که در سال ۱۸۰۲ اسکات وارینگ (Scot Waring) و در سال ۱۸۱۰ سرجان ملکم Sir John Malcolm حاضر شدند آنرا به خرج خود تعمیر نمایند، و اگرچه از آن تاریخ در مقبره یک تعمیراتی



ساختمان سابق آرامگاه سعدی

شده است، مع هذا تاکنون يك منظره فراموش شده را دارد.^۲... صاحب‌دلانی که به زیارت تربت شیخ می‌رفتند و بیدار دلان و مردم باذوق

۱- شیراز، علی‌سامی، ص ۱۹۴، منقول از کتاب حیات سعدی ترجمه سروش.

۲- نشریه شماره ۲ گشایش آرامگاه سعدی.

شیراز از وضع آرامگاه دلخوش نبودند، خاصه که آنرا با آرامگاه خواجه بزرگ حافظ که بوضع آبرومندی ساخته شده بود مقایسه می کردند. از سال ۲۵۰۳ (۱۳۲۳ ه. ش.) که انجمن آثار ملی دوره جدید فعالیت خود را آغاز کرد پیوسته از انجمن درخواست می شد که به تجدید بنای آرامگاه شیخ اقدام نماید. گاهی نیز جمعیتها و گروههایی که در آن روزگار در فارس تشکیل می شد ساختمان



داخل آرامگاه سابق شیخ سعدی

مقبره سعدی را هم جزو برنامه های خود قرار می دادند، اما این اقدامات پراکنده مثمر نبود و انجمنی هم که به نام ساختمان آرامگاه سعدی تشکیل شده بودند آنها توانست مبلغ سیزده هزار تومان اعانه برای این منظور فراهم آورد که قسمت مهم آن بر اثر اقدامات نمایندگیهای ایران در خارج بوسیله ادا کنندگان خارجی به منظور کمک به ساختمان آرامگاه شیخ تقدیم شده بود. از طرف مقامات رسمی در استان فارس نیز نامه هایی به انجمن می رسید و راههای مختلفی برای تأمین اعتبار ساختمان آرامگاه پیشنهاد می شد.

در سال ۲۵۰۴ (۱۳۲۴ ه. ش.) شعبه انجمن آثار ملی در شیراز تأسیس شد تا در انجام یافتن این منظور عالی از کمکهای علاقه‌مندان و دانشمندان فارس نیز استفاده شود و آنان نیز در این خدمت ملی همکاری و اقدام نمایند. بموجب نامه‌یی که در بیست و چهارم دیماه ۲۵۰۴ (۱۳۲۴ ه. ش.) از طرف انجمن آثار ملی فارس نوشته شده اعضای آن شعبه به این شرح انتخاب و معرفی شده‌اند:

استاندار، فرماندار شیراز - رضا مزینی رئیس هیأت مدیره - تقی گلستان شهردار شیراز - محمدحسین استخر رئیس موزه پارس - علی سامی مدیر بنگاه علمی تخت جمشید و نماینده اداره باستانشناسی - سید احمد مذهب الدوله - ناصر سالار - حسین فصیحی - صدرالدین محلاتی - تیمسار سرتیپ اسماعیل قوامی (فروغ‌الملک) - اسماعیل اشرف و در پایان نامه افزوده شده است: «ضمناً توضیح می‌دهد که پنج نفر آخری از اعضای انجمن ساختمان آرامگاه سعدی بودند، چون انجمن نامبرده ضمیمه این انجمن گردید بر حسب تصویب انجمن آثار ملی فارس بسمت عضویت انتخاب و دعوت شدند.

درنامه دیگری از آقایان: علیمحمد دهقان، فتاح پرهام (خزانه‌دار)، و احمد نادری و مرتضی حکمت نیز به عنوان اعضای انجمن نامبرده شده و اضافه شده است که: «پس از انتخاب آقای حکمت به نمایندگی مجلس آقای محمد - تقی قوامی بجای ایشان انتخاب شد.»

شعبه انجمن آثار ملی در فارس به وزارت فرهنگ و انجمن آثار ملی اطلاع داده است که روز یکشنبه شانزدهم دیماه ۲۵۰۴ (۱۳۲۴ ه. ش.) انجمن تشکیل شد و فعلاً موضوعی که بیش از همه مورد بحث و نظر آقایان اعضای انجمن می‌باشد تهیه مقدمات برای جمع آوری وجوه و تهیه نقشه جهت ساختمان آرامگاه سعدی می‌باشد، و افزوده‌اند که: در دو سال قبل نیز انجمنی به نام ساختمان آرامگاه سعدی تشکیل شد و تاکنون مبلغ یکصد و سی هزار ریال که قسمت عمده آن از

خارج و يك مبلغ جزئی آن نیز در ایران جمع آوری شده تهیه گردیده است و چون برای ساختمان آرامگاه سعدی مبلغی در حدود ده میلیون ریال لازم است که بنای مجلل و آبرومندی ساخته شود بنابراین شعبه انجمن آثار ملی فارس در صدد تنظیم طرحی برای جمع آوری وجه و نشر اعلامیه برای تهیه نقشه از مهندسین است و نتیجه اقدامات و تصمیمی که برای این منظور اتخاذ می شود به استحضار خواهد رسید.

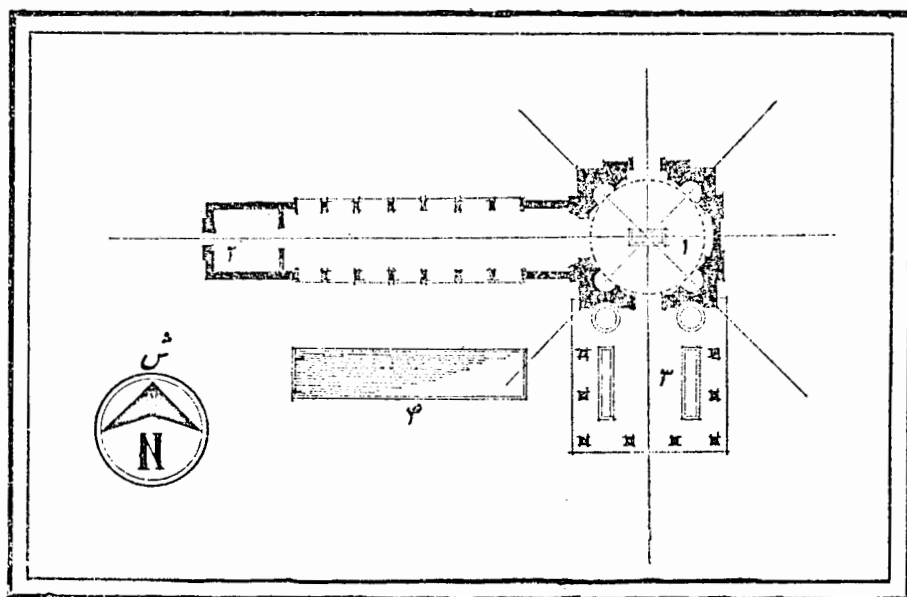
انجمن آثار ملی ضمن موافقت با انتخاب اعضاء شعبه انجمن در شیراز یادآور شده است که در مورد طرح آرامگاه سعدی و امور مربوط به ساختمان آن قبل از اینکه نظر خود را به اطلاع انجمن مرکزی برسانند بهیچگونه عملی اقدام ننمایند.

بنا به پیشنهاد مشیر فاطمی استاندار فارس در تاریخ بیست و هفتم اسفند سال ۲۵۰۵ (۱۳۲۵ ه. ش.) تصویب نامه‌ی از هیأت وزیران گذشت و بموجب آن از فروش آزاد قند و شکر کارخانه مروت دشت کیلویی دو ریال برای ساختمان آرامگاه سعدی اختصاص داده شد و به جهاتی اجرای این تصویب نامه مدتی معوق ماند تا اینکه بر اثر اقدامات انجمن آثار ملی ایران و مساعدتهای اولیاء بانك صنعتی مبلغ ۱۶۰۰۰۰ ریال از این بابت وصول و در حساب مخصوص نگاهداری شد.

در فروردین ماه سال ۲۵۰۷ (۱۳۲۷ ه. ش.) که والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی در شیراز بودند رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی از حضور معظم لها استدعا کرد تا در ساختمان آرامگاه سعدی امر به مساعدت فرمایند و والا حضرت نیز دعوت انجمن را به حسن قبول تلقی فرموده به نام نامی برادر تاجدارشان روز شنبه هفتم فروردین ماه سال ۲۵۰۷ (۱۳۲۷ ه. ش.) نخستین کلنگ ساختمان آرامگاه را زدند و وعده فرمودند که برای بنای آرامگاه و تأمین هزینه آن توجه خاص مبذول فرمایند و چنانکه پس از این خواهد آمد

مساعده‌های مکرر والا حضرت و دستورهایی که درامثال او امر برادر تاجدارشان در این زمینه صادر فرمودند سبب شد که انجمن آثار ملی در انجام دادن این خدمت مقدس ملی توفیق یابد.

برای نقشه ساختمان پس از مطالعات بسیار طرح پیشنهادی آقایان مهندس محسن فروغی و مهندس علی صادق تصویب شد و طبق نظر مهندسان مشاور و تصویب هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی ایران، کار بنای آرامگاه طبق قرارداد بیعده شرکت ساختمانی مثلث واگذار شد و از روز هفتم تیرماه سال ۱۳۲۸ (ش. ۲۵۰۸) عملیات کار آن آغاز گردید.



نقشه بنای آرامگاه سعدی

چنانکه اشاره شد مخارج اولیه ساختمان از محل ۱۶۰۰۰۰ ریال اعتباری بود که از محل عوارض قند و شکر تأمین شده بود و پس از شروع به کار ساختمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه نیز مبلغ پانصد هزار ریال اعطا فرمودند و با این عطیه شاهانه انجمن آثار ملی به پیشرفت ساختمان ادامه داد.

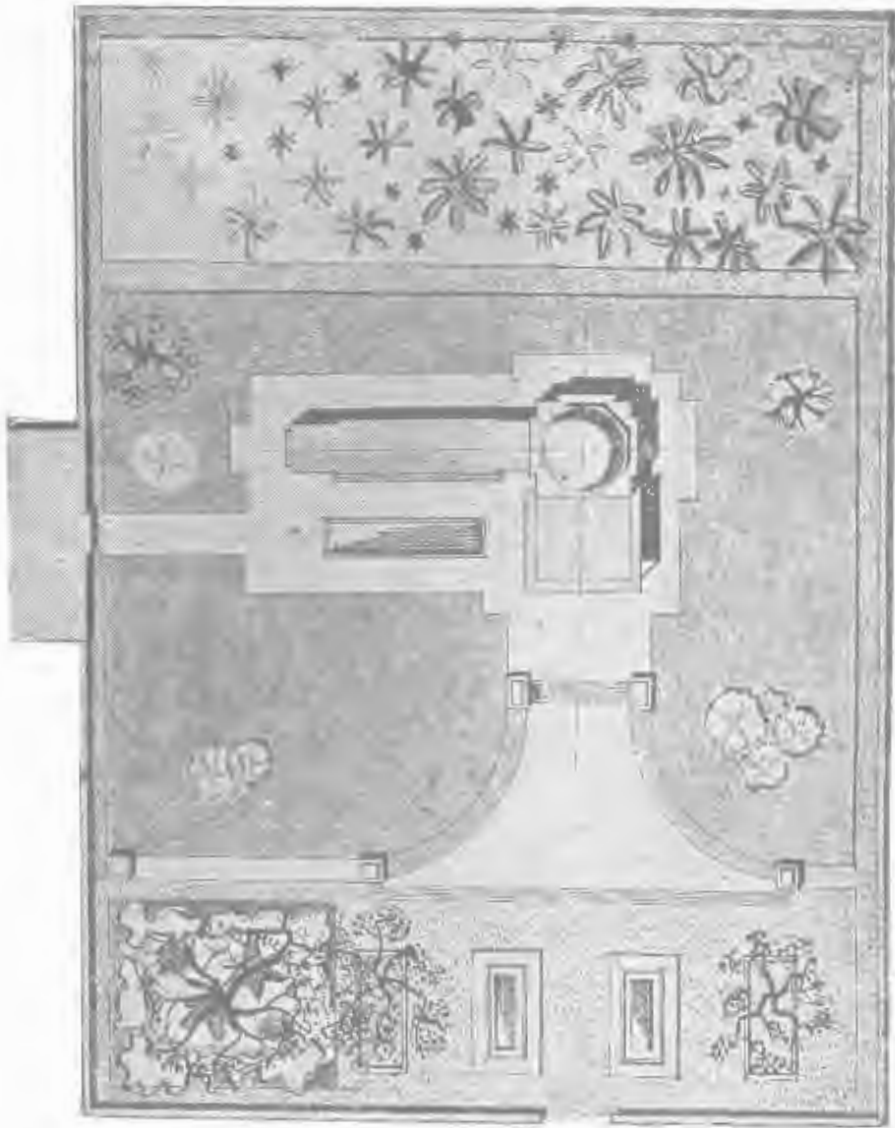
چون اعتبارات مذکور غیر کافی و عوارض قند و شکر هم تحمیل به طبقات فقیر کشور بود از اول سال ۲۵۰۷ (۱۳۲۷ ه. ش.) عوارض مذکور ملغی گردید و بنا به پیشنهاد بانک صنعتی و موافقت سازمان برنامه تصویب نامه ای از هیأت وزیران گذشت که از هرتن سیمان محصول کارخانه سیمان ایران مبلغ سی ریال برای ساختمان آرامگاه سعدی دریافت شود و در حساب مخصوصی تمرکز یافته به مصرف ساختمان برسد. ولی از طرفی درآمد حاصل از این محل تدریجی بود و از طرف دیگر ساختمان آرامگاه به سرعت پیشرفت می کرد و مبلغی پول لازم بود که به مصرف برسد و متدرجاً از محل درآمد مستمر عوارض سیمان مستهلك گردد. والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی به اولیاء سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی مؤکداً دستور فرمودند که حداکثر مساعدت را با انجمن آثار ملی بنمایند و سازمان یک بار مبلغ دو میلیون و نیم ریال و بار دیگر مبلغ یک میلیون و نیم ریال از صندوق سازمان به انجمن آثار ملی وام داد که تدریجاً از محل درآمد عوارض سیمان به سازمان بازگردانیده شود و انجمن با این کمک مالی توانست این یادگار ملی را به پایان برساند.

راه شیراز به آرامگاه سعدی در دامنه کوه های شمالی شیراز از قسمت غربی حافظیه می گذشت و راهی بود ناهموار و دارای پستی و بلندی بسیار، و ساختمان راه مناسبی برای آرامگاه لازم می نمود. ناگزیر از طرف انجمن آثار ملی ایران با وزارت راه مکاتبه شد و مبلغ دو یست هزار ریال اعتبار برای ساختمان سه کیلومتر راه سعدی و پلهای متعدد آن تأمین اعتبار گردید و از مبلغ ۱۳۰۰۰۰ ریال هم که قبلاً برای ساختمان آرامگاه جمع آوری شده بود در حدود ۵۰۰۰۰ ریال به مصرف همین راه رسید و بقیه به حساب ساختمان آرامگاه ریخته شد. نکته ای که یادآوری آن لازم می نماید این است که مالکان اراضی آن حدود باعلاقه و شوق خاص املاک مزروعی خود را برای ایجاد راه سعدیه به رایگان در اختیار انجمن گذاشته، سهم خود در بزرگداشت سعدی بزرگ

شرکت جستند.

وضع ساختمان آرامگاه

پیش از شروع به ساختمان آرامگاه برای توسعه محوطه آن تصمیم گرفته شد که فضای باغ از شمال به جنوب ۱۵۰ متر و از مشرق به مغرب ۱۰۰ متر گردد و دیوار شمالی بجای خود باقی بماند و برای این منظور لازم بود که خانه‌های دهقانی مجاور آرامگاه خریداری و ضمیمه محوطه آرامگاه گردد. از این رو اعتباری در حدود سیصد هزار ریال به انجمن آثار ملی فارس داده شد تا خانه‌ها را خریداری نمایند و انجمن آثار ملی فارس اجرای این امر را به هیأتی پنج نفری واگذار کرد و هیأت مذکور با رضایت مالکان خانه‌های مورد نظر را خرید و با موافقت متولی قریه سعديه اراضی دیگری در نقاط دیگر در اختیار صاحبان آن خانه‌ها گذارده شد تا برای خود خانه تهیه نمایند. به این ترتیب اینک مساحت محوطه آرامگاه ۷۷۰۰ متر مربع است که ۲۶۱ متر مربع آن زیر ساختمان اصلی آرامگاه و ۱۴۱ متر مربع زیر ساختمان تالار پذیرائی و عمارت نگهبان آرامگاه است و بقیه محوطه گلکاری و باغچه‌بندی و درختکاری شده و دو حوض کاشی کاری مستطیل شمالی جنوبی دو طرف محوطه ورودی آرامگاه و یک حوض مستطیل شرقی غربی در مقابل ایوان اصلی بنا است که دارای فواره‌های زیبایی می‌باشد و بر جلوه و شکوه بنای آرامگاه افزوده است. ساختمان اصلی آرامگاه بنایی است با دو ایوان عمود بر یکدیگر که مدفن شیخ اجل در زاویه این دو ایوان قرار گرفته و در انتهای غربی ایوان شرقی غربی قبر مرحوم شوریده (فصیح‌الملک) شاعر معروف قرن اخیر شیراز است. بر روی آرامگاه شیخ گنبدی بنا گردیده که از کاشیهای فیروزه‌ای پوشیده شده. سنگ‌های سیاه پایه‌های بنا و سنگ‌های قرمز رنگ مخصوص که برستونها و جلو ایوان نصب شده و بطرز استادانه‌ای حجاری گردیده بر جلال و شکوه



نقشه ساختمان و محوطه آرامگاه سعدی

عمارت افزوده است. نمای خارجی بنا از سنگ‌های معروف تراورتن‌نمای داخلی آرامگاه از سنگ مرمر است. بنای اصلی و فرعی و محوطه آرامگاه دارای سیم‌کشی داخلی است و بوسیله ماشین برق اختصاصی روشنایی آن تأمین

گردیده است. چشمه آبی از زیر محوطه آرامگاه جاری است که دارای ماهی فراوان است و اکنون بوسیله پلکانی بر سر آب می‌توان رفت و آب مورد احتیاج آرامگاه نیز از همین چشمه تأمین می‌شود.

بردر ورودی باغ سعدی این بیت نقش شده است^۱:

ز خاک سعدی شیراز بوی عشق آید

هزار سال پس از مرگ او گرش بوئی

در داخل آرامگاه هفت کتیبه از گلستان و بوستان و طبیات و بدایع و قصاید شیخ انتخاب و به خط ابراهیم بوذری نوشته شده که از این قرار است:

ای صوفی سرگردان در بند نکو نامی

تا درد نیاشامی، زان درد نیارامی

ملك صمدیت را چه سود و زیان دارد

گر حافظ قرآنی و عابد اصنامی

زهدت بچه کار آید، گر رانده درگاهی

کفرت چه زیان دارد، گر نیک سرانجامی

بیچاره توفیقند، هم صالح و هم طالح

درمانده تقدیرند هم عارف و هم عامی

جهدت نکند آزاد، ای صید که در قیدی

سودت نکند پرواز، ای مرغ که در دامی

جامی چه بقا دارد در رهگذر سنگی

دور فلک آن سنگست ای خواجه، تو آن جامی

این ملك خلل گیرد، گر خود ملك رومی

وین روز بشام آید، گر پادشاه شامی

۱- کتیبه‌ها از کتاب شیراز آقای سامی نقل شده است.

کام همه دنیا را برهیچ بنه سعدی
 چون با دگران باید پرداخت بناکامی
 گر عاقل و هشیاری وز دل خبری داری
 تا آدمیت خوانند، ورنه کم از انعامی
 کتیبه طاق نمای جنوب شرقی داخل مقبره:

الا ای که بر خاک ما بگذری	بخاک عزیزان که یاد آوری
که گر خاک شد سعدی اورا چه غم	که در زندگی خاک بوده است هم
به بیچارگی تن فرا خاک داد	و گر گرد عالم برآمد چو باد
بزرگی که خود را به خردی شمرد	به دنیا و عقبی بزرگی بیرد
توانگه شوی پیش مردم عزیز	که مر خویشان را نگیری به چیز
از این خاکدان بنده ای پاک شد	که در پای کمتر کسی خاک شد
نگر تا گلستان سعدی شکفت	دراو هیچ بلبل چنین خوش نگفت
عجب گر بمیرد چنین بلبلی	که بر استخوانش نروید گلی
کتیبه روی سنگ قبر که به خط نستعلیق عالی نوشته شده مربوط است به زمان کریمخان زند:	

کریم السجایا جمیل الشیم	نبی البرایا شفیع الامم
شفیع الوری خواجه بعث ونشر	امام الهدی صدر دیوان حشر
امام رسل پیشوای سبیل	امین خدا مهبط جبرئیل
شفیع مطاع «نبی» کریم	قسیم جسیم و سیم نسیم
نماند بعصیان کسی در گرو	که دارد چنین سیدی پیشرو
چه نعت پسندیده گویم ترا	علیک الصلوة ای نبی الوری
درود ملک بر روان تو باد	بر آل تو و پیروان تو باد
مخصوصاً شهنشاه دلدل سوار	علی ولی صاحب ذوالفقار
خدایا بحق بنی فاطمه	که بر قولم ایمان کنی خاتمه

اگر طاعتم رد کنی ور قبول
من ودست ودامان آل رسول
چه کم گرددای صدرفرخنده پی
ز قدر رفیعت بدرگاه حی
که باشند مشتی گدایان خیل
بمهمان دارالسلامت طفیل
خدایت ثنا گفت و تبجیل کرد
زمین بوس قدر تو، جبریل کرد
ترا عز لولاک تمکین بس است
ثنای توطه ویس بس است
بود اهل عالم بوصف تو لال
علیک الصلوۃ ای نبی والسلام
در ضلع غربی به روی سنگ مرمر قصیده زیراز قصاید سعدی نوشته شده
است:

خوش است عمر دریغاکه جاودانی نیست
پس اعتبار براین چند روز فانی نیست
درخت قد صنوبر خرام انسان را
مدام رونق نو باوۃ جوانی نیست
گلی است خرم و خندان و تازه و خوشبوی
ولیک امید ثباتش چنانکه دانی نیست
دوام بودنش اندر کنار مادر دهر
طمع مکن که در او بوی مهربانی نیست
چه حاجت است عیان را باستماع بیان
که بیوفائی دور فلک نهانی نیست
کدام باد بهاری وزید در آفاق
که باز در عقبش نکبت خزانی نیست
اگر ممالک روی زمین بدست آری
بهای مهلت یکروز زندگانی نیست
دلای رفیق در این کاروانسرای میند
که خانه ساختن آئین کاروانی نیست



آرامگاه شیخ اجل سعدی شیرازی که به وسیله انجمن آثار ملی احداث شده است

اگر جهان همه کام است و دشمن اندر پی
 بدوستی که جهان جای کامرانی نیست
 چو بت پرست بصورت چنان شدی مشغول
 که دیگر خبر از لذت معانی نیست
 نگاهدار زبان تا به دوزخت نبرد
 که از زبان بتر اندر جهان زیانی نیست
 عمل بیار و علم برمکش که مردان را
 رهی سلیم تر از کوی بی‌نشانی نیست
 طریق حق رو و در هر کجا که خواهی باش
 که کنج خلوت صاحب‌دلان مکانی نیست
 کف نیاز به درگاه بی‌نیاز برآر
 که کار مرد خدا جز خدای خوانی نیست
 مکن که حیف بود دوست از خود آزدن
 علی‌الخصوص مر آن دوست را که ثانی نیست
 چه سود ریزش باران و عطر بر سر خلق
 چو مرد را به ارادت صدف دهانی نیست
 زمین به تیغ بلاغت گرفته‌ای سعدی
 سپاس‌دار که جز فیض آسمانی نیست
 بدین صفت که در آفاق صیت شعرتو رفت
 نرفت دجله که آبش بدین روانی نیست
 نه هر که دعوی زورآوری کند با ما
 بسر برد که سعادت به پهلوانی نیست
 ولی به خواجه عطار گر ستایش مشک
 مکن که بوی خوش از مشتری نهانی نیست

درون آرامگاه زیر کتیبه تاریخ ساختمان جدید سعدی این بیت از او
روی سنگ سیاهی نقر گردیده است:

اگر مرا به دعائی مدد کنی شاید که آفرین خدا بر روان سعدی باد
بر طاقنمای جنوب غربی درون آرامگاه حکایتی از گلستان روی کاشی
زمینه لاجوردی با خط نستعلیق نوشته شده است:

«یاد دارم که با کاروانی همه شب رفته بودم و سحرگاه در کنار بیشه‌ای
خفته، شوریده‌ای همراه ما بود، نعره بزد و راه بیابان در پیش گرفت و يك
نفس آرام نیافت، چون روز شد گفتم: این چه حالت بود، گفت: بابلان را
دیدم به نالش درآمده بودند از درخت، و کبکان از کوه و غوکان از آب و
بهائم از بیشه، اندیشه کردم که مروت نباشد همه در تسبیح و من بغفلت.

دوش مرغی بصبح می‌نالید عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش
یکی از دوستان مخلص را مگر آواز من رسید به گوش
گفت باور نداشتم که ترا بانگ مرغی چنین کند مدهوش
گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح خوان و من خاموش
نوشته طاقنمای شمال شرقی داخل مقبره چنین است:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
بغنیمت شمر ای دوست دم عیسی صبح
تا دل مرده مگر زنده کند، کین دم از اوست
نه فلك راست مسلم نه ملك را حاصل
آنچه در سر سويدای بنی آدم از اوست
به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است
به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست

زخم خونینم اگر به نشود به باشد
 خنک آن زخم که هر لحظه مرا مرهم از اوست
 غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد
 ساقیا باده بده شادی آن کین غم از اوست
 پادشاهی و گدائی بر ما یکسان است
 که بر این درهمه راپشت عبادت خم از اوست
 سعدیا سیل فنا گر بکند خانه عمر
 دل قوی دار که بنیاد بقا محکم از اوست
 کتیبه نمای خارجی مدخل قبر روی کاشی لاجوردی با خط نستعلیق چنین
 است:

بسی صورت بگردیده است عالم	وزین صورت بگردد عاقبت هم
مثال عمر سر بر کرده شمعی است	که کوته باز می باشد دمام
و یا برف گدازان بر سر کوه	کز و هر لحظه چیزی می شود کم
نه چشم طامع از دنیا شود سیر	نه هرگز چاه پر گردد ز شبنم
گل فرزند عالم خشت کردند	نمی خسبد دل فرزند آدم
به سیم و زر نکونامی بدست آر	منه برهم که برگیرندش از هم
به نیشی می زند دوران گیتی	که آن را تا قیامت نیست مرهم
به نقل از اوستادان یاد دارم	که شاهان عجم کی خسرو و جم
ز سوز سینه فریاد خواهان	چنان پرهیز کردند که ازیم
نه هر کس حق تواند گفت گستاخ	سخن ملکی است سعدی را مسلم
مقامات از دو بیرون نیست فردا	بهشت جاودانی یا جهنم
بکار امروز تخم نیکنامی	که فردا برخوری والله اعلم

در انتهای غربی ایوان و قرینه آرامگاه شیخ اطاقی است که قبر شاعر نابینا شوریده شیرازی (فصیح الملك) در آنجاست و کتیبه سردر اطاق شوریده چنین

است:

خاك من و تست كه باد شمال
 عمر به افسوس برفت آنچه رفت
 گر بمثل جام جسم است آدمی
 ای كه درونت به گنه تیره شد
 زنده دل مرده ندانی كه کیست
 پادشهان بر در تعظیم او
 بار خدائی كه درون صدف
 فهم بسی رفت و نبردش طریق
 بردل عشاق جمالش خوش است
 بنده اگر ترك كند اعتماد
 هر كه به گفتار نصیحت كنان
 گر قدمت هست چو مردان برو

می ببرد سوی یمین و شمال
 دیگرش از دست مده بر محال
 سنگ اجل بشکندش چون سفال
 ترسمت آئینه نگیرد صقال
 آنكه ندارد به خدای اشتغال
 دست برآورده برای سؤال
 در كند از قطره آب زلال
 دهر بسی گشت و نماندش مجال
 تلخی هجران و امید وصال
 گر بکند بر کرم ذوالجلال
 گوش ندارد بخورد گوشمال
 ور عملت نیست چو سعدی بنال

مجسمه سعدی

اقدام دیگری که برای تجلیل مقام سعدی از طرف انجمن آثار ملی بعمل آمد ساختن مجسمه آن بزرگ است که به حالت ایستاده و به وضعی که کلیات خود را در دست دارد از روی تصویری که بوسیله استاد هنرمند ابوالحسن صدیقی طرح و ترسیم شده بوسیله همان استاد از سنگ مرمر یکپارچه قم ساخته شد و در بیست و دوم فروردین ماه ۱۳۳۰ (ش.) به شیراز حمل گردید و در وسط میدانی معروف به میدان دروازه اصفهان که در انتهای خیابان حافظ مقابل دروازه قرآن و تنگ الله اکبر قرار دارد روی پایه‌ای که سه متر ارتفاع آنست نصب گردید. ارتفاع این مجسمه دو متر و پنجاه سانتیمتر است و قریب پنج تن وزن دارد و مسافران و سیاحانی که به شیراز می‌روند پس از عبور از دروازه قرآن و خیابان حافظ قبل از هر چیز به دیدار مجسمه سعدی نائل می‌شوند. این مجسمه از طرف انجمن آثار ملی به شهر شیراز اهدا شد. در قسمت بالای لوحه ضلع شمالی طرف دروازه قرآن نوشته شده است: «ابو عبد الله مشرف بن مصلح سعدی شیرازی متولد در حدود ششصد و پنج و متوفی در حدود ششصد و نود هجری قمری»

در قسمت پائین لوحه ضلع شمالی نوشته شده است:

من آن مرغ سخندانم که در خاکم رود صورت

هنوز آواز می‌آید که سعدی در گلستانم

و بر لوحه ضلع جنوبی می‌خوانیم:

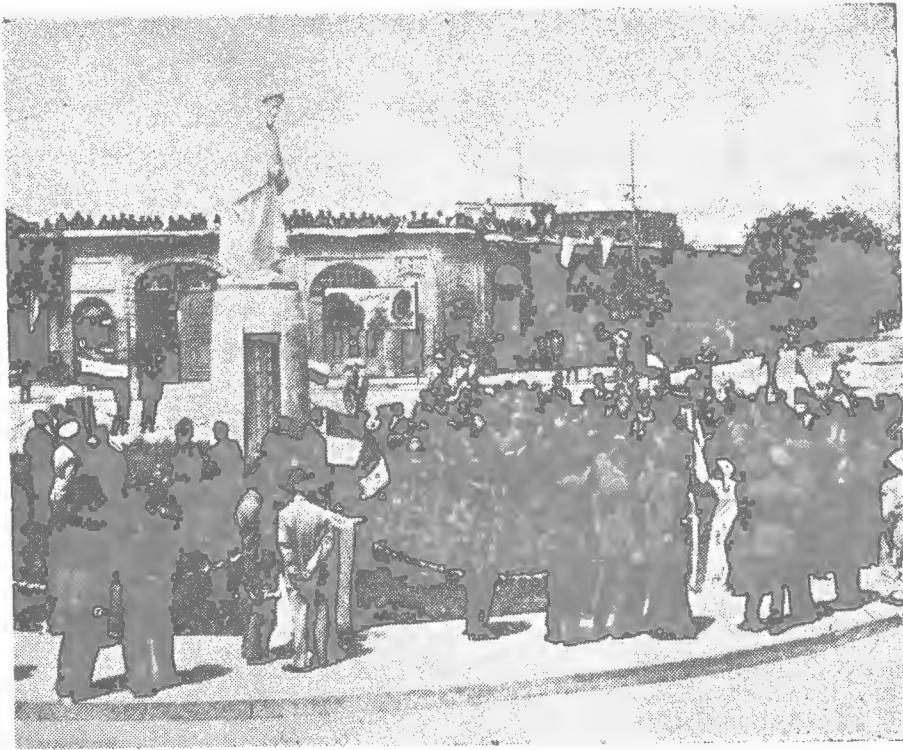


تصویر سعدی که به وسیله استاد هنرمند ابوالحسن صدیقی ترسیم شده است

«این پیکر مبارک بیادگار استاد سخن سعدی شیرازی از روی کهن‌ترین تصاویر موجود بدست هنرمند ابوالحسن صدیقی پرداخته شد و از طرف انجمن آثار ملی به شهر شیراز مینو تراز نیاز گردید ۱۳۳۰ شمسی برابر ۱۳۷۰ قمری»

پرده‌گشایی از مجسمه

ساعت نه‌بامداد روز پنجشنبه یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ (۲۵۱۱) ه.ش. آئین پرده‌گشایی از مجسمه سعدی در شیراز انجام گردید و در حالی که میدان محل مجسمه و خیابانهای اطراف آن مملو از جمعیت بود آقای علی‌اصغر حکمت رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی خطابه زیر را ایراد کرد:



تصویر مجسمه سعدی پس از مراسم پرده‌برداری

«برین روز فرخنده که جهان خلعت اردیبهشتی پوشیده و صحرا و بوستان
نزهت بهشتی یافته، شایسته‌ترین نامی که می‌توان نهاد این است که آنرا «روز
سعدی» بنامیم. زیرا امروز علاقه‌مندان به علم و ادب و معرفت در شهرتاریخی
شیراز گردآمده، آرامگاه بزرگترین و فصیح‌ترین سخن‌آوران سرزمین باستانی
ایران افصح المتکلمین سعدی شیرازی بدست مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
افتتاح می‌یابد.

در طلوع این روز خجسته، نخست از مجسمه آن سخن برای نامدار بنام مبارک شاهنشاهی پرده برداشته می‌شود. مجسمه شاعر بزرگ ایران که از طرف انجمن آثار ملی به شهر هنرپرور و ادب دوست شیراز اهدا شده و در این مکان که اینک دوستداران و شاگردان مکتب آن استاد بزرگ حاضر شده‌اند، بروز گاران باقی و پایدار خواهد ماند.

این تندیس زیبا، که از روی تصویر اخیر سعدی به قلم هنرور نامی ابوالحسن صدیقی طرح و ترسیم شده و انجمن آثار ملی آنرا مانند صورت سعدی قبول کرده است، همان استاد از سنگ مرمر تراشیده و سه متر و یکدهم ارتفاع آنست. مدت یکسال و نیم در تهیه آن صرف وقت کرده و سال گذشته به شیراز حمل گردیده، و اینک يك سال است که به انتظار چنین روزی در زیر پرده استار مخفی بود، بحمدالله تعالی که امروز به میامین قدوم مبارک شاهنشاه، پرده از رخسار این شاهکار صنعت و هنر برداشته می‌شود، و چشم منتظران به دیدار جمال آن تمثال بی‌همال روشن می‌گردد.

در انتخاب این نقطه برای نصب مجسمه آن گوینده عالیقدر لطیفه‌بی است، و آن اینکه، اینجا اولین جایگاهی است که مسافران داخله ایران از طرف شمال به این شهر وارد می‌شوند، در اینجا گرد سفر را افشاند، قدم به شهر تاریخی شیراز می‌گذارند و چه بهتر که نخستین منظره‌ای که بر آن دیده می‌افکنند نموداری از آن سخن‌سرای بزرگوار باشد که مفخر فارسی زبانان است، وصیت شهرتش به باختر و خاور گیتی رفته، و دیوانش مانند تاجی بر تارک ادبیات جهان قرار گرفته، و با توجه به قیافه این استاد عالیقدر این بیت را یاد کنند که فرمود:

«چشم مسافر که بر جمال تو افتد عزم رحیلش بدل شود به اقامت»

و در هنگام بازگشت آنان نیز از همین جایگاه رو به طرف شمال از زبان این مرد بزرگ که به «تنگ الله اکبر» می‌نگرد می‌شنوند که می‌فرماید:

«باز آکه در فراق تو چشم امیدوار چون گوش روزه دار بر الله اکبر است»

امیدوارم مردم ادب دوست و صاحب‌دل این شهر زیبا که بنا بر رسم دیرین هفته‌ای یکبار از این میدان فرح‌انگیز برای زیارت آرامگاه دو چراغ فروزان ادب می‌گذرند، دیدار این قیافه متبسم و رندانه ذوق آنان را برانگیزد و از مکتب این بزرگوار کسب فیض و الهام کنند، و زبان شیرین فارسی را با مطالعه کلمات طیبات و سخنان نغز استاد سخن که همه شعرا و گویندگان جهان را خوشه‌چین خرمن سخن و دانش خود ساخته، توانگر سازند.

اینک از جناب آقای علاء وزیر محترم دربار اعلیحضرت همایون شاهنشاهی که خود از دوستان و هواخواهان ادب فارسی و از ارادتمندان به مقام اجل سعدی هستند تمنا می‌کنم به نام نامی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی پرده از روی مجسمه بردارند و دوستان شیخ را از انتظار بیرون آرند. کاشکی پرده برافتادی از آن منظر حسن تا همه خلق ببینند نگارستان را»

آنگاه آقای حسین علاء وزیر دربار چنین گفتند:

«به نام نامی اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران در این روز وساعت فرخنده افتخار دارم پرده از تندیس شاعر و حکیم سخنگوی بزرگ ایران شیخ مشرف‌الدین مصلح‌بن عبدالله سعدی شیرازی برگیرم، تا همانطور که روان روشن سعدی در آسمان ادب ایران و جهان تابنده است پیکر و تمثال آن بزرگوار نیز در چشمها نمایان و گواه سعادت و سربلندی خاك پاك فارس باشد. در این لحظه با شکوه به گوش هوش می‌شنوم که فرشتگان آسایش و صفا مردم عالم را بدین پند آسمانی می‌خوانند:

«بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند»
 «چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار»
 «تو کز محنت دیگران بی‌غمی شاید که نامت نهند آدمی»

در خاتمه مباهات و سعادت دارم مراتب مسرت خاطر خطیر همایونی را از زحمات انجمن آثار ملی که این مجسمه زیبا را به شهر شیراز تقدیم کرده و مخصوصاً از مساعی خستگی‌ناپذیر رئیس هیئت مدیره آن انجمن که وقت و هم خود را به حفظ آثار ملی و تجلیل بزرگان و مفاخر ایران صرف می‌فرمایند به اطلاع عامه برسانم.

ضمناً از طرف ذات اقدس شاهانه حسن قریحه و هنرمندی صنعتگر شهیر و حجار روشن ضمیر ابوالحسن صدیقی را تقدیر می‌نمایم.

سپس با قطع نوار سهرنگ پرده از مجسمه برداشتند.

پس از بیانات آقای ملک‌زاده رئیس فرهنگ فارس، آقای محمد قلی قوامی شهردار شیراز به نام مردم شیراز از اعضاء انجمن آثار ملی سپاسگزاری کرد و یادآور شد که: «برای رعایت تناسب با محل نصب این مجسمه زیبا به

انجمن محترم شهرپیشنهاد خواهیم کرد خیابانی که از دروازه سعدی تا قسمت غربی شهر امتداد دارد از این به بعد به نام خیابان سعدی نامیده شود و این فلکه نیز به نام فلکه سعدی نام گذاری شود تا دو خیابان حافظ و سعدی اولین نامهایی باشد که جهانگردان و شیفتگان این دوناغه علم و ادب در هنگام ورود به شیراز



مجسمه سعدی

با آنها آشنا و مأنوس شوند و از مقامی که این دو گوهر فروزان در دل شیرازیان دارند آگاه گردند».

آنگاه آقای احمد حشمتزاده از شعرای معروف فارس اییاتی را که در این باره سروده بود خواند و مراسم به پایان رسید.

ساعت چهار و نیم بعد از ظهر روز پنجشنبه یازدهم اردیبهشت ماه سال

۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) اعلیحضرت همایون شاهنشاه برای گشایش آرامگاه سعدی به محوطه آرامگاه تشریف فرما شدند. موزیک سرود شاهنشاهی را نواخت و پس از اجرای مراسم نظامی اعضاء انجمن آثار ملی خیرمقدم عرض نمودند. شاهنشاه به مقابل ایوان تشریف فرما شدند و آقای علی اصغر حکمت رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی با عرض خطابه ذیل از پیشگاه مبارك استدعای گشایش آرامگاه را نمود:

«بر نظر آفتاب اثر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی پوشیده نیست که رسم تجلیل و قدرشناسی از دانشمندان گذشته و بزرگان علم و ادب که شیوه دیرین شاهنشاهان ایران بوده است، در دوران پرافتخار و عظمت اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر احیا شد، چنانکه آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی در زمان شاهنشاه دانش پرور بدانگونه که از گردش روزگار و بادوبارانش گزند نخواهد بود، استوار گشت و در شهر شیراز نیز که از دیرباز مرکز دانش و ادب و تختگاه سلاطین عالیمقدار و موطن فضلاء نامدار بوده و از آثار تاریخی باستانی هزاران یادگار در آن پابرجا و برقرار است، آرامگاه لسان الغیب خواجه شیرازی که زیارتگاه صاحب‌دلان روزگار است بشکل بانزhet و صفای امروزی مانند تاج گلی بر تارک این دشت مرسبز و خرم قرار گرفت. این سنت سنیّه و شیوه مرضیه را اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از آن پدر بزرگوار به ارث برده‌اند، و خدمت‌گزاران انجمن آثار ملی در مرکز و ولایات را همواره مأمور تجدید و مرمت و تأسیس بناهای یادگار و احیاء نام بزرگان علم و ادب کشور ایران می‌فرموده‌اند. چنانکه آرامگاه ابوعلی سینا فیلسوف بزرگ ایران، همچنان به فرمان مبارك ساخته شده است. برای مردم فارس جای کمال افتخار و نهایت مباهات است که آرامگاه سخن‌سرای بزرگ ایران افصح المتکلمین سعدی شیرازی که صیت فضلش به اقطار جهان رسیده و گویندگان کیتی از خرمن ادبش خوشه‌چینی کرده‌اند از آغاز امر یعنی تهیه و طرح ساختمان تا پایان کاری یعنی امروز که به دست مبارك افتتاح می‌پذیرد، در دوران سلطنت اعلیحضرت همایونی و در ظل توجهات مستقیم ذات‌ملوکانه ساخته و پرداخته گشته است و اینک این بنای رفیع به افتخار این عصر پرافتخار گشایش می‌یابد.

مساحت این آرامگاه که در دامنه کوه پهن‌دژ قرار گرفته ۷۷۰۰ متر مربع است که ۲۶۱ متر آن زیر ساختمان اصلی و ۱۴۱ متر مربع زیر ساختمان تالار

پذیرائی و بقیه گلستان و بوستان است. نقشه بنا، طرح مهندسین هنرمند یعنی مهندس علی صادق و مهندس محسن فروغی و تصدی با مهندس کیقباد ظفر بوده است که هر کدام بنوبت خود کمال هنرمندی و استادی را بروز داده‌اند.

آبی که بوسیله لوله کشی در فوارها و حوض جاری است، از چشمه‌ای که از کنار بنا می‌گذرد و از کاریزهای تاریخی ایران است و در کتب تواریخ ذکر آن شده، برداشته می‌شود، هفت کتیبه که در ایوانها و داخل آرامگاه نصب شده همه از سخنان آن گوینده بزرگوار انتخاب شده است.

مخارج این بنا بدو از عطایای ملوکانه آغاز گردید، و از عوارضی که از هر کیلو قند موجودی کارخانه مرودشت دریافت می‌شد تأمین گردید. پس از آن هم که آن عوارض از نظر آنکه بر طبقات فقیر کشور تحمیل می‌شد ملغی گردید، از محل عوارضی است که از قرار هرتن سی‌ریال از محصول کارخانه سیمان ایران گرفته می‌شود، و مساعدتهای گرانبهای اولیای سازمان برنامه و عنایات ذیقیمت والاحضرت اشرف پهلوی در اعطای وام از محل سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی اختتام آرامگاه را صورت پذیر ساخت.

از فروردین ۱۳۲۷ که والاحضرت شاهدخت، اولین کلنگ ساختمان فعلی را به زمین زدند تا فروردین سال ۱۳۳۰ که این بنا خاتمه پذیرفت، سه سال تمام کارگزاران انجمن آثار ملی برای اجرای امر مبارک شاهانه و این اقدام بزرگ رنج مستمر را بر خود هموار ساخته، دمی نیا سودند تا این بنای رفیع خاتمه یافت. بایستی عرض کنم که انجمن آثار ملی شیراز و رئیس فرهنگ وقت در این افتخار نیز سهم بسیار دارند.

اعلیحضرتا، در میان گویندگان بزرگ ایران تنها سعدی صاحب این اختصاص است که چندین پادشاه رعیت پرور و هنردوست در ادوار مختلف او را مورد عنایت و توجه مخصوص قرار داده‌اند، و اینک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رنج سفر بر خود هموار فرموده و بدست مبارک بنای آرامگاه او را گشایش می‌فرماید. شکر این موهبت را سعدی از همه کس فصیحتر می‌گزارد که گفته است:

«هم از بیخت فرخنده فرجام تست	که تاریخ سعدی در ایام تست»
«تو در سیرت پادشاهی خویش	سبق بردی از پادشاهان پیش»
«خدایا تو این شاه درویش دوست	که آسایش خلق در ظل اوست»
«بسی بر سر خلق پاینده دار	به توفیق طاعت دلش زنده دار»

اکنون انجمن آثار ملی از پیشگاه مبارک استدعا می‌کند این زیارتگاه صاحب‌نظران را که سالیان دراز مطاف دانشمندان خواهد بود، بدست مبارک افتتاح فرمایند.»

پس از آن دکتر حسابی وزیر فرهنگ معروض داشت:

«اعلیحضرتا، در این روز خجسته که در ظل توجهات عالیۀ شاهنشاه معظم، بمناسبت افتتاح آرامگاه شیخ اجل سعدی علیه‌الرحمه و تجلیل روح پرفتوح این استاد سخن افتخار بزرگ دیگری نصیب فرهنگ‌کشور و جهان فضل و ادب گردیده است، اجازه می‌خواهد که مراتب سپاسگزاری و تشکرات فائقه را از عنایات مخصوصۀ ذات مقدس ملوکانه به پیشگاه مبارک تقدیم دارد، و همچنین از مساعی و زحماتی که انجمن آثار ملی در این راه مصروف داشته است قدردانی نماید، و به عرض همایونی می‌رساند که وزارت فرهنگ امید دارد که خشنودی خاطر مبارک را در انجام تکالیفی که نسبت به صیانت این بنابر عهده گرفته است فراهم سازد.»

آنگاه آقای عبدالحسین مسعود انصاری استاندار فارس مراتب سپاس-گزاری مردم پارس را به عرض رسانید و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی خطاب به ایراد فرمودند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی پس از ایراد خطاب به مقرض زرینی که بوسیله آقای لطفعلی معدل نماینده فارس به پیشگاه همایونی تقدیم گردید نوار سهرنگی را که نمودار پرچم ایران و در جلو ایوان نصب شده بود گشودند و پس از ورود به آرامگاه تاج‌گلی بدست مبارک بر تربت شیخ نهادند و پس از اندکی توقف از در غربی ایوان شمالی به بیرون تشریف فرما شدند.



اعلی حضرت همایونی در حال استماع گزارش رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بهنگام
افتتاح آرامگاه سعدی

در این هنگام دکتر لطفعلی صورتگر استاد دانشگاه از همشهریان سعدی
قصیده ذیل را به عرض رسانید:

صبح کاین چادر نیای ز فلک برگیرند

سیهی را اثر از صفحه خاور گیرند

آب یاقوت بر این سقف شبه گون باشند

تیره دامن افق در زر احمر گیرند

نیزه بازان سراپرده خورشید به قهر

تیغ بر فرق سپیدار و صنوبر گیرند

مرکب روز ز که بر شود و چلچلگان
 تهنیت را به سوی بام فلک پر گیرند
 بر سر سرو بنان فاخترگان گرد آیند
 تا ثنا گستری مهر منور گیرند
 دلپسندان گره زلف سیه باز کنند
 شانه زان خرمن موج معبر گیرند
 پای کوبان و چمان روی به گلگشت آرند
 گونه را با گل بشکفته برابر گیرند
 با همه نرگس نو رسته که یابند به باغ
 نپسندند که تاج از در و گوهر گیرند
 هنری مردم دانا چو به بستان آیند
 مجلس انس بآئین تر و بهتر گیرند
 سبزه ای، تازه رخی، آب روانی طلبند
 جای در پای درختان تناور گیرند
 می نوشین کهن سال بیارند و نخست
 جام بریاد شهنشاه فلک فر گیرند
 دیده برگونه ساقی بگمارند و نشاط
 زان گل تازه شاداب معطر گیرند
 نغمه باربد از پنجه مطرب خواهند
 غزل سعدی از نای نواگر گیرند
 خسرو ملک سخن، آنکه زبانش را خلق
 تالی تیغ شرار افکن حیدر گیرند
 بهر ثبت سخنش نادره گویان جهان
 همه چون مکتبیان خامه و دفتر گیرند



تصویر شیخ اجل سعدی شیرازی که بوسیله استاد ابوالحسن صدیقی در آذرماه ۲۵۰۹ شاهنشاهی
ترسیم شده و انجمن آثار ملی آنرا برسمیت شناخته است

بوستانش که خزان را نبود در آن راه
 روز هرروز از آن میوه نو برگیرند
 ز غزلهای روان پرور او زنده دلان
 رقص در پای خم و برسر منبر گیرند
 پند او مصدر افعال نکویست ، آری
 فعل را پایه و بنیاد ز مصدر گیرند
 پارسی را به جهان رونق و آوازه از اوست
 ای بسامایه کز آن کلك فسونگر گیرند
 در همه ملك ادب چیست که در گنجش نیست
 همه زان گنج بگیرند و مکرر گیرند
 قوی آن مردم دانا که چو مرگ آیدشان
 لب ببندند و لی زندگی از سر گیرند
 در موزون سخن را که بها نتوان کرد
 نفروشد که خود زر مزور گیرند
 شاهبازان قوی پنجه دراج شکار
 ننگشان آید اگر صعوه لاغر گیرند
 چون ندانند عبادت را جز خدمت خلق
 مزد اگر گیرند از خالق اکبر گیرند
 سعدیا، راستی ار کاخ نوت باید ساخت
 شاید ار گنبدش از چرخ فراتر گیرند
 این بنا گشت گراز کوشش حکمت بر پای
 مردم فارس از آن حکمت دیگر گیرند
 حق استاد که برگردن شاگردان است
 چون گزارند ز حق اجر موفر گیرند

ای خداوند ادب ای که قوافی از تو
 گرمی باده و شیرینی شکر گیرند
 بوستان شعرا روضه چون مینوی تست
 وی بسا فیض کز این روضه و منظر گیرند
 تا جهانست بجا نادره دیوان ترا
 بستایند و بیوسند و ببر در گیرند
 آقای صادق سرمد نیز چکامه ذیل را که بهمین مناسبت سروده بود
 معروض داشت:

گرچه گوینده در اقلیم سخن بیشر است
 «همه گویند و سخن گفتن سعدی دگراست»

همه گویند و لی در نظر اهل سخن
 ای بسا گفته که ناگفتن از آن خوبتر است
 ای بسا گفته که ارزنده يك خواندن نیست

وز پس خواندن در ماندن وی صدا گراست
 همه گویند و نویسند و گذارند و روند

لیکن از گفته و گوینده جهان بیخبر است
 سعدی آمد به جهان و به جهان باز گذاشت

آنچه منظور دل مردم صاحب نظر است
 همه گفتند و نوشتند و هم او گفت و نوشت

زین همه ماندولی ز آنهمه هیچ و هدر است
 سفری چند به اقصای جهان کرد که مرد

سفر آغازد اگر طالب جاه و خطر است
 حکمت آموخت ز وضع امم و سیر بلاد

نامه اش زان همه تحقیق بلاد و سیر است

عبرت اندوخت ز سیر فلک و دور زمان
 دفترش زان همه گنجینه پند و عبر است
 توشه‌ها بست ز هر گوشه و از هر خرمن
 خوشه‌هایافت که این شیوه هر رهسپر است
 در نظامیه نظام ادب آموخت چنانک
 نظم او ماند و نظامیه زیر و زبر است
 باز آورد به شیراز ره آورد سفر
 که ره آورد سفر قسمت اهل حضرات

» « «

شبی از عمر بر ایام سلف خورد اسف
 که تلف گشته همه عمر و جهان در گذراست
 چون نظر کرد بسی دید نمانده ست کسی
 همه رفتند و شب از نیمه گذشت و سحراست
 مصلحت دید که دامن کشد از صحبت خلق
 کنج عزلت بگزیند که به از گنج زر است
 گفت دفتر همه ز اقوال پریشان شویم
 که پریشان نتوان گفت که وقت سفراست
 برگ عیش خوشی از پیش فرستم سوی گور
 که کس از پس نفرستد که پدر یا پسر است
 یکی از جمله انیسان و جلسان قدیم
 گفتش این عهد چه عهدیست که نامعتبر است
 خود تو گفتی که زبان در دهن مرد سخن
 چون کلیدیست که مفتاح کنوز هنر است

ذوالفقار علی(ع) و تیغ زبان سعدی
 نسزد گر به نیام است که نامش سمر است
 حیف از شیخ اجل هست که در حال حیات
 دم فرو بندد و گوید که اجل منتظر است
 این سخن در دل سعدی اثری کرد کز آن
 اثری خاست که عالم بر آن بی ثمر است
 بوستانبان سخن طرح گلستانی ریخت
 که گل و سبزه آن تا به ابد سبزتر است
 لطمه بر عیش ربیعش نزنند طیش خریف
 گریهاراست و خزان است گلش بارور است
 منشآت قلم او همه چون کاغذ زر
 قصب الجیب حدیثش همه چون نیشکر است
 طیباتش چو بدایع همه نغز است و بدیع
 که به هر بیتش صدها صنم سیمبر است
 بوستانش چو گلستانی کز فرط ثمار
 باغ فردوس مگو کان بر این بی ثمر است
 روی گیتی همه با تیغ بلاغت بگرفت
 نه به شمشیر که این معنی فتح و ظفر است
 هفتصد سال فزون ریزه خورخوان ویند
 هر چه گوینده فحل است و سخنگوی راست
 هفتصد سال فزون است که از مکتب اوست
 هر کس از پیرو جوان نثری و نظمی زبر است
 نیست پیغمبر اگر سعدی بی هیچ سخن
 سخنش حجتی از دعوت پیغامبر است

سخزش درس حیات است و حیاتش به سخن
 شاهد چشمه حیوان و حیات خضر است
 سعدی آمد به جهان و ز جهان رفت برون
 به جهانست و تو گویی ز جهان زنده تر است
 خود جهان چیست بجز جلوه آثار هنر
 که جهان زنده به آثار جمیل هنر است
 اگر آثار هنر باز ستانی ز جهان
 همه هیچ است جهان گر همه کان در راست
 گر به دریا نگری در نگری کشتی نوح
 کز هنرمندی نجار نجات بشر است
 و ر به گردون نگری در نگری طیر بشر
 که بشر در طیران بی مدد بال و پر است
 و ر به شهر آبی و در کاخ شهبان در نگری
 هر چه بینی ز هنر بینی اگر بام و در است
 فکر معمار برافراشته ایوان بلند
 کلك نقاش زده است آنچه برایوان صور است
 تخت اگر هست نشسته است بر آن تاج هنر
 تاج اگر هست ز اقبال هنر زیب و فراست

* * *

تا بدانی ز هنرها و ز ارباب هنر
 خود چه والاتر و بالاتر اندر شمر است
 شعر البته که از هرچه هنر والاتر
 شاعر البته که از هرچه هنرمند سراسر است

گر هنرهای جهان جمله زبان باز کنند
 شعر از هرچه زباندار زباندارتر است
 هنر ناطق شعر است و هنرهای دیگر
 همه خاموش و زبان بسته و کور است و کور است
 گر براین قاعده نقاش خط شبهه کشد
 که زبان هنر من نظر است و بصر است
 از منش گوی که بر بی بصران وصف صور
 کار شعر است که این خود هنر اندر هنر است
 شعر اگر سهل و روان است سخن ساده مگیر
 که در این نظم روان جان سخنگوی در است
 دلنشین شد سخن شاعر از آن رو که سخن
 قطعه‌یی از کبد شاعر خونین جگر است

* * *

ای هنرمند بلند اختر کز اختر سعد
 شهرت سعدی و نامت به جهان مشتهر است
 خاک شیراز گلی چون گل سیراب توداد
 خرم آن خاک که باغش همه پر برگ و بر است
 تو ز شیرازی لیکن تو ز شیراز نشی
 گرچه شیراز تو شیراز این بوم و بر است
 تو ز ایرانی و بالاتر از ایرانی از آنک
 همچو خورشید جهانتاب اثر منتشر است
 ذکر آثار جمیل تو در افواه عوام
 صیت گفتار بدیعت همه در بحر و بر است

دولت سعد و ابوبکر اگر یافت زوال
جاودان دولت تو تا به ابد مستقر است
لیکن از حق نتوان چشم گرفتن که ترا
منزلت از کرم آن دو شه نامور است
نامشان نیک که بر منزلت افزودند
که به تعظیم شهان قدر هنرمند بر است

سعدیا خیز که شامت به مزار آمده است
خاصه شاهی که هواخواه هنر چون پدر است
سعدیا خیز که آرامگهت بگشودند
وین هم از مکرمت پادشه تاجور است
جور تاتارگر آواره ز شیرازت کرد
آمد آن شاه که جبران کن جور تراست
آمد آن شه که به تقدیر هنرمند و هنر
همتش جورکش سوء قضا و قدر است
آنچه گفتی به نصیحت به همه پادشهان
همه برنامه این پادشه دادگر است
پادشاهی که به میزان عدالت طلبی
دولتش حامی دهقان و حق برزگر است
سعدیا خیز و به فرموده شه پاسخ گوی
کز پس مرگ حیات سخت مستمراست
گرچه در خاکی ای مرغ سخندان لیکن
آید آواز هنوزت به گلستان مقرر است

من و تو هر دو نوازش شده پادشهم
 زان سخنان همه شاهانه و با زیب و فراست
 وین هم از دولت حق است که شعر من و تو
 ضامن مصلحت خلاق به روز خطر است
 «سرمد» این گفته بر آرامگهت کرد نثار
 گرچه قدر تو فزون است و سخن مختصر است
 به زبان تو اگر گفت مدیحت نه عجب
 که نه اندر خور و صف تو زبانی دگر است
 آفرین بر تو و بر آنکه ترا حرمت داشت

که نکوکاران را نام نکو بر اثر است
 پس از آن شاهنشاه به کتابخانه تشریف فرما شدند و دفتر یادبود را
 موشح فرمودند و یک مجلد کتاب کلیات سعدی چاپ فروغی و یک مجلد دیوان
 حافظ چاپ قزوینی بوسیله وزیر فرهنگ به پیشگاه همایونی تقدیم گردید. پس از
 تشریف فرمایی به تالار استراحت مقارن ساعت شش بعد از ظهر بسوی آرامگاه
 حافظ عزیمت فرمودند.

بموجب ترازنامه و خلاصه حساب درآمد و هزینه انجمن در پایان
 آبانماه سال ۱۳۳۱ (ش. ۵۱۳۳۱) درآمد انجمن برای بنای آرامگاه سعدی و تهیه
 مجسمه آن شاعر بزرگ از محل اعانات، دریافتی از بانک صنعتی و معدنی
 بابت عوارض قند کیلوئی دوریال، دریافتی از کارخانه سیمان بابت تنی سی
 ریال و همچنین دریافتی از سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بعنوان وام
 جمعاً بالغ بر ۹۸۴۳۳۴۹ ریال بوده و هزینه طبق صورت ذیل ۹۸۱۷۶۴۰
 ریال شده است.

هزینه آرامگاه سعدی تا آخر آبانماه سال ۱۳۳۱ (۱۳۳۱ ه. ش.)

مبلغ		شرح
ریال	دینار	
۶۶۲۰۲۹۹	۸۵	پرداختی به شرکت مثلث بابت کارهای ساختمانی آرامگاه سعدی
۲۱۲۰۰۰		پرداختی بابت حق العمل مهندسان برای نظارت در ساختمان آرامگاه
۳۰۰۰۰۰		پرداختی به انجمن آثار ملی شیراز برای کارهای ساختمانی و خرید خانه های قریه سعدیه و غیره
۱۴۵۰۰۰		پرداختی به آقای ابوالحسن صدیقی برای ساختن مجسمه سعدی
۸۵۰۰۰		پرداختی جهت خرید کتب
۵۶۰۵۸۸	۸۵	پرداختی بابت هزینه های متفرق
۱۷۷۷۷۷۰۷	۷۰	پرداختی بابت استرداد وام دریافتی از سازمان شاهنشاهی
۱۰۷۷۰۴۴	۱۰	پرداختی بابت استرداد وام دریافتی از کارخانه سیمان
۹۸۱۷۶۴۰	۵۰	جمع هزینه ها
۲۵۷۷۰۹	۱۵	موجودی حساب سعدی
۹۸۴۳۳۴۹	۶۵	جمع کل

دانشمند و شاعر شهیر افغانی آقای خلیل الله خلیلی این قصیده را بمناسبت افتتاح آرامگاه سعدی سروده‌اند و در مجلس بزرگداشت سعدی در سفارت شاهنشاهی ایران در کابل خوانده شده است:

نثار تربت سعدی

جهان باشد چو دریائی که پیدا نیست پایانش
حوادث موج غلظانش مصائب جوش طوفانش
خرد در چنگ این طوفان بود چون کودك اعمی
که گه افتد به دامانش گهی گیرد گریانش
چه حاصل از معمائی که اعمائست حلالش
چه بار آرد دبستانی که شد لالی سبق خوانش
فسون وحشت و همی کشیده حلقه گوشش
فریب لعبت رنگی گشوده چشم حیرانش
شکوه این کهن معموره چون نقشی بود بر آب
که از يك ذره ناچیز برباد است بنیانش
نباشد آدمی جز مشت خاکی ترشده در خون
که داده کاردانان قضا ترکیب انسانش
ز مشت خاک فرعونى شاید گر کند آخر
شبانی کرده و ارونش عصائی کرده ویرانش
حریم سینه را گر واشکافی کشته‌ها بینی
ز چندین آرزوهای که کرده چرخ بیجانش
نخیزد زین حریم یأس جز فریاد محرومی
نتابد جز چراغ مرگ از طاق شبستانش

نبینی نور امیدی در این وحشت سرا هرگز
 نه از ماه فروزانش نه از خورشید تابانش
 مگر برقی که می تابد ز سوز سینه عارف
 که روشن می شود گیتی به انوار درخشانش
 دل عارف چه باشد؟ مشرق فیض خداوندی
 که صد خورشید برون تابد از طرف گریبانش
 بویژه حضرت سعدی امیر ملک آگاهی
 که می بالد سخن بر خویش از تعظیم عنوانش
 صفیر عرش می آید ز گلبانگ نی کلکش
 نسیم خلد می خیزد ز گلهای گلستانش
 سخن سازان دیگر را بود منت به یک ملت
 بشر می پرورد این اوستاد اندر دبستانش
 ادب آموز قرآنی که پیش معجز کلکش
 فلاطون سر فرود آرد پی حرمت زیونانش
 خداوند سخن سعدی زدود از لوح دل ظلمت
 فلاطون عقل را بنمود سرگردان به برهانش

خوشا شیراز و آن اقلیم ذوق و سرزمین دل
 که بانگ عشق می گردد بلند از کوه و دامانش
 خوشا آن مهد حکمت خیز و آن مرز سخن پرور
 خوشا خاک مصلی و غزالان غزلخوانش
 بجای سبزه و گل حسن می جو شد ز بستانش
 به رنگ لاله دل می روید از طرف بیابانش

خوشا آرامگاه حضرت سعدی که می‌ساید
 فلك پيشانی تعظیم را بر خاك ايوانش
 غباری را که می‌آرد صبا زان خاك عنبربو
 بجای توتیا بر چشم بشانند مردانش



اعلی‌حضرت همایونی بهنگام افتتاح آرامگاه سعدی

سزاوار نشر تربتش چیزی نمی‌بینم
 سروجان راجه مقدار است تا سازم بقربانش
 بفرمان ادب دل خواست بهر هدیه اصحاب
 کند پر جیب و دامن را ز گلهای گلستانش

ولی بوی گلم چندان بشور آورد کز مستی
نه دل ماند و تمنایش نه گل ماند و نه دامانش
بخود نازم که در عهد شه صاحب‌دل افغان
به شعر نغم می‌گردم در این حلقه ثناخوانش
ثنا خوان سنائی را ثنای شیخ می‌زید
که سعدی چون سنائی گشته خضر راه عرفانش

٦

آرامگاه نادر شاه



تصویر نادرشاه افشار در حالیکه تاج بوسر فرزند خود رضاتقی میرزا می‌گذارد .
این تصویر در سال ۱۱۸۹ - یعنی ۲۹ سال پس از مرگ آن شهریار
به وسیله ابوالحسن نقاشی شده است .

نادر شاه افشار

ایل افشار از ایل‌هایی است که شاه عباس کبیر به ناحیه کبکان یا کوبکان در جنوب جبال الله اکبر کوچ داده بودند تا در مقابل حمله‌های ازبکان مقاومت کنند. یکی از افراد این ایل امامقلی بود که ظاهراً شغل پوستین‌دوزی داشت. در روز ۲۸ محرم سال ۱۱۰۰ هجری قمری در دست‌گرد دره‌گز خداوند به امامقلی فرزندی عنایت فرمود که او را به نام جدش نادرقلی یا ندرقلی نام‌نهاد و بعدها به طهماسب‌قلی و سرانجام به نادرشاه افشار معروف گشت.

نادرقلی در آغاز جوانی بود که پدرش درگذشت و هفده ساله بود که با مادرش اسیر ازبکان شد و چهار سال در دست آنان اسیر بود. پس از درگذشت مادر از دست ازبکان گریخت و به خدمت باباعلی بیگ رئیس ایل افشار و حکمران ایبورد درآمد. نادر در دستگاه باباعلی بیگ ترقی کرد و از طرف او برای گزاردن پیامی به دربارشاه سلطان حسین رفت. باباعلی بیگ دختر خود را به همسری نادر درآورد و رضاقلی از همین دختر به دنیا آمد. پس از درگذشت باباعلی بیگ نادر به مشهد رفت و از مقربان ملک محمود سیستانی حکمران خراسان شد. اما طولی نکشید که مورد خشم وی قرار گرفت و به ایبورد گریخت و گروهی را به دور خود گرد آورد و به زرد و خورد با ملک محمود پرداخت، و چون شاه طهماسب از دلاوریهای وی آگاه شد به حکومت ایبورد منصوبش ساخت. هنگامی که شاه طهماسب به قصد تسخیر مشهد به خراسان رفت در خبوشان با نادرقلی ملاقات کرد و نادر ملازم اردوی شاه شد و در ۱۴ صفر ۱۱۳۹ پس از کشته شدن فتحعلیخان، سردار شاه طهماسب، نادر رئیس اردوی

شاه گشت.

نادر در ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۱۳۹ پس از غلبه بر ملک محمود سیستانی شهر مشهد را بتصرف آورد و به تعمیر و تذهیب مرقد حضرت رضا علیه‌السلام همت گماشت، در این هنگام شاه طهماسب که درخوشان اقامت داشت از بیم نادر درصدد دفع او برآمد اما نادر براو چیره شد و با وی تجدید عهد کرد و پس از تارو مار کردن ترکمنها و تاتارهای مرو که بربرادرش ابراهیم‌خان شوریده بودند و سرکوبی شورشیان قاین دیگر بار با شاه طهماسب که پیوسته برضداو توطئه می‌کرد مصاف داد و باز با قول و قرارهایی صلح کردند و به اتفاق بسوی مازندران رفتند و پس از شکست مخالفان و شورشیان در چهارم ذیحجه سال ۱۱۴۱ نادر با شاه طهماسب به مشهد آمده آماده جنگ با اشرف افغان و تصرف اصفهان شد.

اشرف شاه سلطان حسین را با همه افراد خاندان سلطنت در اصفهان کشت و باتوپخانه و تجهیزات برای مقابله با نادر رهسپار تهران شد. نادر در کنار رودخانه مهماندوست در ششم ربیع‌الاول سال ۱۱۴۲ با افغانها نبرد کرد و آنان را شکست داد. در دومین نبرد هم که در محال «خوار» میان سپاه نادر و افغانها واقع شد باز افغانها شکست خوردند و سومین نبرد در مورچه خورت از قرای اصفهان بود که در بیستم ربیع‌الثانی ۱۱۴۲ به فتح قطعی نادر و شکست و فرار اشرف منتهی گردید و اشرف به شیراز گریخت. نادر به اصفهان وارد شد و کمی بعد در جمادی‌الاولی ۱۱۴۲ شاه طهماسب به اصفهان آمد و بر تخت پدر جلوس کرد و اختیارات کاملی به نادر داد. نادر به تعقیب اشرف پرداخت و کار او را یکسره کرد. اشرف بسوی قندهار گریخت و در راه بدست بلوچان کشته شد. پس از آن نادر برای پس گرفتن شهرهایی که عثمانیها در اواخر سلطنت شاه سلطان حسین و دوره تسلط افغانها از ایران گرفته بودند روانه همدان شد و لشکر عثمانی را شکست داد و برای استخلاص آذربایجان بدانسو رفت و

هنگامی که در آن نواحی سرگرم نبرد بود از شورشی که در هرات شده بود آگاه شد و بسوی خراسان رفت و در سال ۱۱۴۴ هرات را بتصرف آورد.

خلع شاه طهماسب

در جمادی الثانی سال ۱۱۴۳ که نادر سرگرم جنگ با ابدالیها بود شاه طهماسب بقصد جنگ با عثمانی و تعقیب فتوحات نادر به تبریز رفت و ایروان را محاصره کرد اما بدون آنکه کاری از پیش ببرد به همدان آمد و در حوالی قریه کردخان همدان از عثمانیها شکست خورد و بموجب پیمانی ولایات گنجه، تفلیس، ایروان، نخجوان، شماخی و داغستان را به عثمانیها واگذار کرد. نادر پس از آگاهی از این حادثه سخت برآشفته و روی به اصفهان نهاد و پس از رسیدن به اصفهان در روز ۱۴ ربیع الاول سال ۱۱۴۵ شاه طهماسب را از سلطنت خلع و به خراسان تبعید کرد و فرزند هشت ماهه او را به نام شاه عباس سوم به پادشاهی برگزید و خود را نایب السلطنه خواند و پس از آن در جنگهای پی در پی باغیان و سرکشان و مهاجمان را شکست داد و شهرهای متعددی چون نجف و کربلا و حله و تبریز و شماخی و غیره را بتصرف آورد و ضمن پیامی از دولت روسیه خواست که ماکو و دربند را تخلیه کند و پس از شکستهای سختی که به عثمانیان وارد آورد گنجه و تفلیس و ایروان را نیز تصرف کرد و آنگاه تقاضای صلح دولت عثمانی را پذیرفت.

پادشاهی نادر

نادر در حالی که آوازه جهانگشاییش همه جا پیچیده بود دعوتنامه‌ای به سران ولایات نوشت و از امرای لشکر و حکام ولایات و قضات و روحانیان دعوت کرد تا در دشت مغان فراهم آیند و در مجلس مشاوره‌ای تکلیف تاج

وتخت ایران را روشن کنند. خود نادر شب نهم رمضان سال ۱۱۴۸ بدشت مغان رسید و تا بیستم رمضان همه نمایندگان دردشت مغان گرد آمدند و پس از مشاوره و گفتگو نادر را به شاهی برگزیدند و شرایط وی را که وفاداری به وی و ترك تعصبات مذهبی بود پذیرفتند و روز ۲۴ شوال سال ۱۱۴۸ مراسم تاجگذاری نادر انجام گرفت و بیاد آن روز سکه ای زده شد که این بیت بر آن ضرب شده بود:

سکه بر زر کرد نام سلطنت را در جهان

نادر ایران زمین و خسرو گیتی ستان

و در طرف دیگر سکه جمله «الخير في ما وقع» بود که به حساب جمل ۱۱۴۸ می شود.

نادر شاه پس از تاجگذاری به سرکوبی یاغیان پرداخت و چون از محمد شاه پادشاه هندوستان آزرده شده بود در ماه صفر سال ۱۱۵۱ عازم هندوستان شد و در ماه صفر سال ۱۱۵۲ پس از پیروزی با غنائم بسیار بسوی ایران آمد و يك ماه در کلات توقف کرد و در آنجا کاخی برای خویش بنا کرد، آنگاه به مشهد آمد و پس از دوماه توقف در آن شهر عازم داغستان شد. جنگهای نادر در داغستان یکسال و نیم طول کشید و تلفات سنگینی به سپاهش وارد آمد و در همین سفر بود که فرزند ارشد خود رضاقلی میرزا را کور کرد.

کشته شدن نادر

اخلاق و رفتار نادر در اواخر عمر بکلی دگرگون شد و سختگیریهای او فزونی گرفت بطوری که همه نزدیکانش از خشم او بیمناک بودند. در این هنگام که از گوشه و کنار مخالفان علم طغیان برافراشته بودند نادر بقصد سرکوبی شورشیان عازم خبوشان شد و در فتح آباد نزدیک خبوشان خیمه زد. در نیمه شب یکشنبه دوازدهم جمادی الثانی سال ۱۱۶۰ هجری قمری در خیمه و بستر

خواب خویش بدست چندتن از امراء افشار وقاجار کشته شد.

آرامگاه نادرشاه

شیخ محمدعلی حزین لاهیجی در تاریخ خود که درباره اوضاع ایران در اواخر دوره صفویه، فتنه محمود و سلطنت نادرشاه فراهم آورده نوشته است که: «نادرشاه به تعمیر و تزئین عمارت روضه منوره رضویه علی ساکنها التحیه پرداخته بعضی از ابنیه عالیّه آن صحن مقدس را سراپا به خشتهای طلا تزئین نمود و نهرآبی از کوهپایه آن دیار آورده بر نهر خیابان که از صحن آن روضه می گذرد افزود و در آن شهر مقبره عالیّه جهت خود عمارت نموده انجام داد بعد از اتمام بردیوار آن بقعه این بیت نوشته دیدند:

در هیچ پرده نیست نباشد نوای تو

عالم پراست از تو و خالیست جای تو

و چندان که تفحص کاتب نمودند معلوم نشد^۱...

نوشته اند که: «پس از فاجعه قتل سروتن نادر را به مشهد انتقال دادند و در مقبره ای که خودش سالها پیش در خیابان بالا ساخته بود به خاک سپردند^۲». «به سال ۱۲۹۶ شمسی هنگامی که شادروان احمد قوام (قوام السلطنه) والی خراسان بود جمعی از اعضاء کمیته حزب دموکرات خراسان که علاقه مند به بزرگداشت نادرشاه افشار بودند بر اثر مشاهده وضع محل آرامگاه آن شهریار که محل گاری خانه و درشکه خانه شده بود همت نموده با کوششها و مجاهدتهای قابل ستایش گاری خانه مزبور و خانه های متصل و مجاور آن را که بطور کلی در تصرف و اختیار متنفذین وقت بود برای احداث باغ نادری و بنای آرامگاه

۱- تاریخ حزین، چاپ ۱۳۳۴، ص ۱۱۹.

۲- نادرشاه از نظر خاورشناسان، ص ۱۷۶.

مجدد نادرشاه منهدم ساختند و بفرخورا مکانات موجود آن زمان بنائی احداث نمودند که بعداً بر اثر رطوبت و بی توجهی به ویرانی گرائید... تا آنجا که اطلاع بدست آمده است شادروان میرسید محمد پرورش (معروف به مدیر) مأمور عالیرتبه وزارت دارائی و حاجی محمد جعفر کشمیری پیشقدمان این خدمت بوده با استفاده از روشن بینی و نفوذ کلام شادروان آقازاده خراسانی و موقعیت شادروان آقارضا مهدوی (رئیس التجار خراسانی) بهمراهی و همگامی چند نفر دیگر از اعضاء کمیته حزب دموکرات خراسان از جمله آقایان حسین شیبانی



آرامگاه پیشین نادرشاه افشار

و ابراهیم ضربابی و شادروان شیخ احمد بهار و عمید السلطنه (معاون ایالت وقت) و انتظام الملك (برادر عمید السلطنه) و میرعباس آریا (معاون اسبق و متوفی وزارت راه) به انجام این مهم توفیق یافته اند.^۱ خصوصیات آرامگاهی که در آن زمان ساخته شده و همچنین مساحت و وضع باغ نادری از این قرار بود:

بنای آرامگاه عبارت بود از يك ايوان در جلو و دو اطاق كوچك و راهرو در طرفين و محل آرامگاه در وسط بنا و دو اطاق در مشرق و دو اطاق در مغرب

۱- یادنامه شادروان حسین علاء؛ ص ۲۵؛ به اختصار.

بنا و يك اطاق نسبتاً طولانی در پشت محل آرامگاه و دو راهرو كوچك در طرفين كه مساحت زیربنای آن جمعاً ۵۴۵ متر مربع بود و مساحت كل زمین و باغ آرامگاه ۱۵۴۶۹/۳۷ متر مربع می شد.

بنای مقبره وسط باغ و ساختمان آن ۲۶ متر طول و ۲۲ متر عرض و ۶ متر ارتفاع از كف زمین داشت و همه بنا آجری با طاق ضربی بود. دو اطاق آجری كوچك با سقف شیروانی در طرفین در آهنی و رودی باغ در جهت جنوبی حاشیه خیابان نادری قرار داشت، همچنین گلخانه ای به عرض ۵ متر و طول ۶ متر و ارتفاع ۴ متر در زاویه شمال شرقی باغ ساخته شده بود.

آب انبار مخروبه ای در ضلع شرقی باغ قرار داشت و دیوار اطراف باغ به ارتفاع ۱/۲ متر با آجر و پس از آن به ارتفاع ۱/۷۵ متر با خشت خام بود. برپیشانی ایوان آرامگاه اشعاری از شادروان محمدحسین میرزا (امیرالشعراء نادری) که از طرف مادر به نادرشاه می رسید به خط نستعلیق بر کاشی نقش شده بود و چند بیت آن این است:

سکه بر زر نام شاهان نادر افشار کرد

ملك را بسا آبرو از تیغ آتشبار کرد

خسرو ایران و توران شهریار هند و سند

آنکه در هر کارزاری کار دشمن زار کرد

تا که آب رفته از این خاك باز آید به جوی

باد پیمای خصم را از تیغ خون ادبار کرد

تاج بخشی چون سکندر کرد بادارای هند

دره التاج شهان خود را از این گردار کرد

این بنا به مرور زمان بر اثر رطوبت و بی توجهی به ویرانی گرائید و علاوه بر آن بهیچوجه درخور جهانگشایی چون نادر نبود، چنانکه دانای خراسانی (فرخ) سروده است:

... شاهنشاه فقید رضا شاه پهلوی

کش دهر نام نابغه خاوران نهاد

چون دید آن بنای نه درخور در ابگفت

کاین نیست پاس آنکه اساسی چنان نهاد...

ویرانی و نابسامانی آرامگاه نادر مردم میهن دوست و علاقه مند به افتخارات
میهن را ناخشنود ساخته بود و بانامه هائی که به مقامات مختلف مملکتی می نوشتند
نگرانی و ناخرسندی خود را در این باره ابراز می داشتند. گاه نیز مقاله ها و
اشعاری در این زمینه در روزنامه ها درج می شد؛ این ابیات از نوید خراسانی
سالها پیش در روزنامه ندای خراسان چاپ شده بود:

هرملتی که قدر بزرگان خود شناخت

افزود نزد اهل خرد اعتبار او

ورز آنکه بر خدمت پیشینیان ز یاد

باید که گریه کرد بر احوال زار او

شاهنشاهی چو نادر افشار کس ندید

با فرو با مهابت و با اقتدار او

ایران خلاص کرد ز چنگال اجنبی

عزم قوی و خنجر دشمن شکار او

ایرانیان چرا شناسند قدر او؟

وز جان و دل نیند چرا حقگزار او؟

نام بلند او ز چه از یاد برده اند؟

ایران چو سر بلند شد از روزگار او

آرامگاه او ز چه گشت اینچنین خراب؟

در پیش چشم مردم شهر و دیار او

این گونه ناسپاسی و این پایه حق کشی

هرگز نبود ز اهل وطن انتظار او

شاهنشاه آریامهر در سالهای آغاز سلطنت خود در سفرهای خراسان به نامناسب بودن بنای آرامگاه نادر اشاره می فرمودند و در سال ۲۵۰۸ (۱۳۲۸ ه. ش.) به نایب التولیه آستان قدس رضوی دستور فرمودند که برای بنای باشکوهی جهت آرامگاه نادر مطالعه شود و در گزارشی که در هشتم تیرماه سال ۲۵۰۸ (۱۳۲۸ ه. ش.) از طرف نیابت تولیت عظمی به وزارت دربار شاهنشاهی تقدیم شده آمده است که:

«در فروردین گذشته هنگامی که در تهران افتخار تشریف به حضور مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را حاصل نمود، امر و مقرر فرمودند که بنای باشکوه و عظمتی در باغ نادری بجای بنای غیر متناسب کنونی ساخته شود، بمنظور اجراء امر ملوکانه سوابق امر و وضعیت موقوفات نادری و مطالعاتی را که در این مورد ضرور است معروض می دارد:

موقوفات نادری - طبق وقفنامه ای که در تاریخ ۱۱۴۵ هجری قمری تنظیم شده و در کتابخانه آستان قدس رضوی ضبط است نادرشاه افشار قبل از اینکه به سلطنت برسد سهامی از مزرعه دهشک و مزرعه شهرطوس واقع در بلوک میان ولایت مشهد و دکانهای زیادی واقع در شهر مشهد را وقف بر مصارف سقاخانه طلای نادری واقع در صحن عتیق و حفاظ و فراش و مؤذن مقبره خود واقع در بالای خیابان و مقبره کسان خود که به شرح وقفنامه در صحن عتیق پشت پنجره فولاد واقع بوده قرار داده است و تولیت موقوفات مذکور را طبق وقفنامه با رضاقلی میرزا فرزند ارشد خود و اولاد او، و پس از انقراض با اولاد محمد ابراهیم خان برادر اعیانی نادرشاه مقرر فرموده و در صورت انقراض هردو اولاد تولیت آن با تولیت آستان قدس رضوی است.

از موقوفات مذکور فقط سهام مزرعه دهشک بوقفیت باقی است و سهام مزرعه شهرطوس و دکانهای وقفی از بین رفته است و حتی معلوم نیست که دکانهای وقفی نادری در چه نقطه ای از شهر مشهد واقع بوده است زیرا اسامی محل وقوع دکانها اکنون شناخته نمی شود.

پس از کشته شدن نادر بفاصله کمی مقبره آن پادشاه را خراب کردند و

بجای آن منازل و کاروانسراهایی ساخته شد تا اینکه بموجب قانون موقوفات نادری که در میزان سال ۱۲۹۳ شمسی به تصویب مجلس شورای ملی رسید تقریباً درسی سال قبل (این گزارش چنانکه اشاره شد در سال ۱۳۰۸ «۵۱۳۲۸» ش. نوشته شده است) به تشویق عده‌ای از علاقه‌مندان کاروانسراها و منازل واقع در اراضی مقبره نادری خراب و بجای آن باغی طرح شد و در سالهای بعد در وسط باغ بنایی عادی و بی‌تناسب بعنوان مقبره نادری ساخته شد^۱.

بموجب قانون مزرعه دهشک را اداره دارائی خراسان به اجاره می‌دهد و درآمد آن زیر نظر اداره اوقاف و اداره فرهنگ خراسان به مصرف می‌رسد، سهم دهشک را از نسق ۵۱۳۲۷ ش. به مدت پنج سال از قرار سالی سیصد و هشتاد و سه هزار ریال به اجاره داده‌اند و درآمد محل نسبتاً قابل توجه است و بعد از وضع آنچه در بودجه سالیانه بعنوان باغبان و مأمور نظیف و حقوق آستان قدس بابت سقاخانه طلائئ صحن عتیق همه ساله منظور می‌شود قریب دویست و پنجاه هزار ریال در هر سال اضافه درآمد محل باقی خواهد ماند...

تقاضای ثبت دهشک را آقایان درویش علی میرزا شاهرخ نادری و مرحوم محمد حسین میرزا نادری امیرالشعرا که خود را از اعتاب نادرشاهی دانند نموده‌اند و سند و قفیت چهارده سهم و ثلث سهم از مدار بیست سهم کل دهشک بعنوان موقوفه نادری به نام آقایان در تاریخ ۲۱ مردادماه ۱۳۱۳ شمسی صادر شده و به متقاضیان تسلیم گردیده است^۲.

رونوشت این گزارش را که قسمتی از آن در اینجا نقل شد نایب التولیه آستان قدس رضوی برای انجمن آثار ملی فرستاده و یادآور شده است که با توجه به درآمد مستمر موقوفه نادری موضوع ساختمان آرامگاه نادرشاه و تهیه مجسمه او در انجمن آثار ملی خراسان^۳ مطرح شده و طرحی برای تأمین

۱- رجوع شود به صفحه ۲۱۳-۲۱۴ همین کتاب.

۲- بموجب نامه‌ای که در تاریخ هفتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۷ (۵۱۳۲۷ ش.) آقای بدر نایب التولیه آستان قدس رضوی به شادروان صادق رئیس هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی نوشته است: «برای هیأت مؤسسين شعبه انجمن در خراسان این افراد انتخاب شده‌اند: آقایان فقیه میرزوی از علمای خراسان- طاهری متولی مسجد گوهر شاد- اوکتایی رئیس کتابخانه آستان قدس- محمود فرخ- شیخ محمود حلبی- گلکانی- سرتیپ مهین

بودجه آن از طریق جمع آوری اعانه و وامی که از درآمد موقوفه مستهلک شود تهیه شده است و درخواست کرده که نسبت به شرایط مسابقه برای بهترین طرح مجسمه و بنای موزه و غیره نظر خود را مرقوم دارند، و افزوده است که در صورت لزوم نقشه باغ نادری و بنای موجود ارسال خواهد شد. با وجود این مقدمات باز بعللی اقدام درباره ساختمان آرامگاه نادرشاه سه چهار سال معوق ماند و چنانکه خواهد آمد از سال ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه. ش.) مجدداً این اقدامات کم و بیش دنبال شد تا آنکه در سال ۲۵۱۴ (۱۳۳۴ ه. ش.) مقدمات کار به وسیله انجمن آثار ملی از هر جهت فراهم آمد و از سال ۲۵۱۵ (۱۳۳۵ ه. ش.) بنای آرامگاه نادرشاه و تهیه مجسمه آن شهریار عملاً آغاز گردید.

فرمانده لشکر خاور - مسعودی نماینده سابق مجلس - گلشن آزادی - حسن کفائی - مولوی - موسویان رئیس اطاق بازرگانی - فیوضات رئیس فرهنگ خراسان - نایب التولیه آستان قدس - نفر پانزدهم بعداً تعیین خواهد شد. « پس از آن افزوده است که: « روز دوشنبه ۳۰ فروردین هیأت مدیره انجمن چنین تعیین شدند:

رئیس شعبه انجمن آثار ملی خراسان
نایب رئیس
خزانه دار
رئیس دبیرخانه

آقای بدر نایب التولیه آستان قدس
آقای فیوضات رئیس فرهنگ خراسان
آقای موسویان رئیس اطاق بازرگانی
آقای مولوی

بنای آرامگاه نادرشاه

در اسفندماه سال ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه.ش.) آقای رام استاندار خراسان نامه‌ای به وزارت دربار شاهنشاهی نوشته یادآور شد که: اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در مسافرتهاى خود به خراسان اوامرى برای تجدید بنای آرامگاه نادر فرموده‌اند و انجمن آثار ملی استان نهم با مذاکره در چندین جلسه در نظر گرفته است که بنای نامناسب کنونی را برداشته در محل آن سکوی زیبایی از سنگ مرمر خلیج بسازد که زیرسکو مقبره و روی آن مجسمه نادر سوار بر اسب نصب گردد. اجرای این امر نیازمند حدود دو میلیون تومان اعتبار است، در نظر گرفته شده که در درجه اول از ارتش شاهنشاهی و بعد از سایر ادارات و بنگاههای دولتی و ملی و سناتورها و نمایندگان مجلس شورای ملی و سایر مقامات و مؤسسات کمک گرفته شود.

وزارت دربار شاهنشاهی رونوشت نامه استاندار خراسان را به انجمن آثار ملی فرستاده و اشعار داشته است که اعلیحضرت همایون شاهنشاه در اجرای پیشنهاد استاندار خراسان تأکید و مقرر فرمودند هر اقدام و مساعدتی که از طرف انجمن مقدور است معمول گردد.

چون در هجدهم اسفندماه ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه.ش.) از طرف انجمن آثار ملی استان نهم اعلانی بعنوان مسابقه به امضای آقای رام استاندار و رئیس انجمن آثار ملی استان نهم در روزنامه‌های خراسان چاپ شده و تهیه نقشه ساختمان آرامگاه و مجسمه نادرشاه افشار به مسابقه گذاشته شده بود که تا روز آخر خردادماه ۲۵۱۴ (۱۳۳۴ ه.ش.) هریک از داوطلبان نقشه ساختمان و نقشه

مجسمه را به دفتر انجمن تسلیم نمایند، لذا در تاریخ بیست و هفتم فروردین ماه ۱۳۳۴ ه. ش.) ۲۵۱۴ (نامه‌ی بدین مضمون از طرف انجمن آثار ملی به استاندار خراسان نوشته شد: «با توجه به اعلان مربوط به مجسمه و آرامگاه نادر در شماره ۴۶۰۲ روزنامه آفتاب شرق باستحضار خاطر عالی می‌رساند که چون طبق نظر هیأت مؤسسين انجمن جهت تأمین نظریات مذکور در گزارشهای مشروح و قبلی آن جناب با اطلاع و همکاری جناب آقای مؤید ثابتي سناتور خراسان مشغول اقدام می‌باشد و با آقای ابوالحسن صدیقی استاد هنرمند مجسمه‌ساز مذاکراتی بعمل آمده و طرح مجسمه در دست تهیه است. لذا برای آنکه اقدامات مختلف اصطکاک پیدا نکند تصور می‌رود بهتر باشد موافقت فرمایند که تا حصول نتیجه اقدامات انجمن در تهران از اقدامات دیگر خودداری شود».

در تاریخ هشتم خرداد ۱۳۳۴ ه. ش.) ۲۵۱۴ (استاندار خراسان در پاسخ نامه مذکور به انجمن آثار ملی نوشته است که: «در باره مجسمه نادر و نقشه ساختمان آرامگاه آن شه‌ریار با تشکر از توجه آن هیأت محترم به پیشنهاد انجمن آثار ملی استان نهم همانطور که مرقوم فرموده‌اند انتظار نتیجه اقدامات عالی را دارد و اقدام دیگری که با اقدامات آن انجمن اصطکاک پیدا کند بعمل نخواهد آمد...»

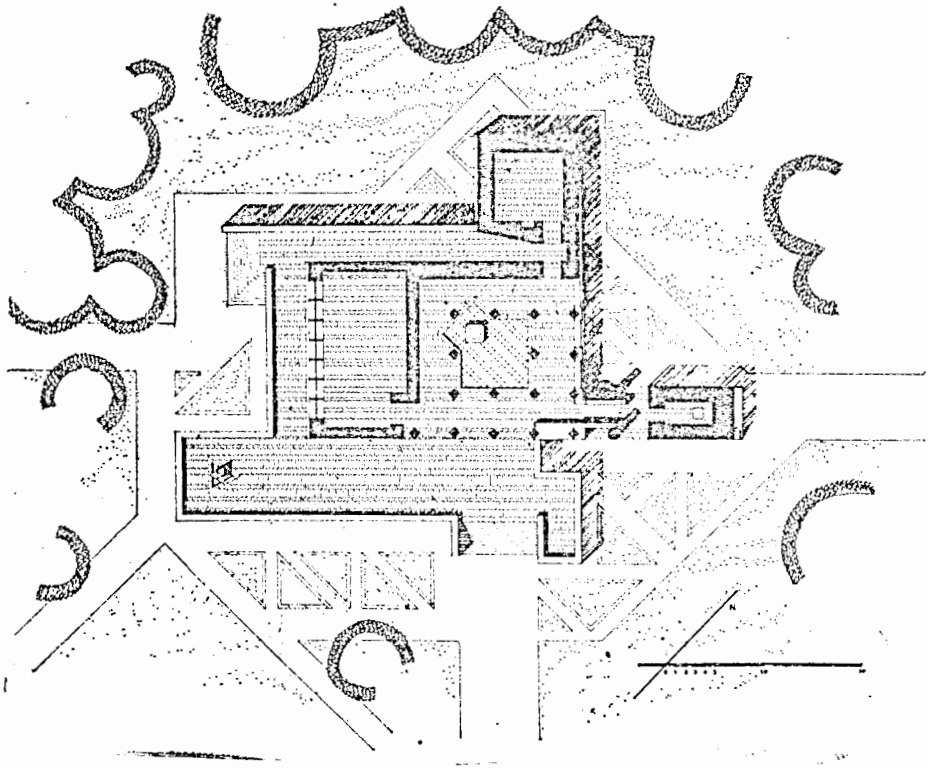
در روز بیست و ششم اردیبهشت ماه ۱۳۳۴ ه. ش.) ۲۵۱۴ (بدعوت انجمن آثار ملی، جلسه‌ای با حضور آقایان معتمدی وزیر مشاور، مؤید ثابتي سناتور خراسان، تیمسار سپهبد جهانبانی، تیمسار سرلشکر زاهدی معاون وزارت جنگ، ابوالحسن صدیقی استاد مجسمه‌ساز، تیمسار سرتیپ احمد بهار مست رئیس دایره تعاون و انتشارات ارتش، مشکوتی مدیر کل اوقاف، مصطفوی رئیس باستانشناسی و دبیر انجمن آثار ملی، مهندس سیحون تشکیل شد و نسبت به تهیه مجسمه و سکوی دخمه بر روی آرامگاه که پایه مجسمه بر روی آرامگاه نادر شاه خواهد بود و ساختمان موزه و کتابخانه و تالار قرائت و منزل متصدی

باغ و ترتیب باغ آرامگاه مذاکره شد و مقرر گردید که برای اجرای این امور از وزارت جنگ، استانداری و انجمن آثار ملی خراسان، وزارت فرهنگ و اوقاف، آستان قدس رضوی، شهرداری مشهد، و انجمن آثار ملی کمک خواسته شود و سهمیه‌ای برای هر يك تعیین گردید.



جلسه هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی در باغ ییلاقی حکیم الملك بتاريخ سه شنبه ۳۱ مرداد ماه ۲۵۱۴ (۱۳۳۴ ه. ش.) در فراهم آمدن مقدمات آرامگاه نادر از راست بچپ: اللهیار صالح - دکتر عیسی صدیق - علی‌هیأت (نایب رئیس هیأت مؤسسين) - سید حسن تقی‌زاده - حسین علاء (رئیس هیأت مؤسسين) - مؤید ثابتي (سنا تور وقت خراسان) - تیمسار سپهبد فرج‌الله آق‌اولی (رئیس هیأت مدیره) ابوالحسن صدیقی - مهندس هوشنگ سیحون - دکتر صدیقی - مصطفوی - دکتر محمود مهران - ابراهیم حکیمی (حکیم الملك) - جواد کامبیز (دبیر انجمن)

در مرداد ماه ۲۵۱۴ (۱۳۳۴ ه. ش.) به آقایان مهندس سیحون و ابوالحسن صدیقی از طرف انجمن نوشته شد که در تعقیب مذاکرات حضوری با هیأت مدیره انجمن آثار ملی درباره طرح نقشه آرامگاه نادر شاه افشار و تهیه مجسمه مناسب آن شهریار اقدام کنند و نقشه و طرح مناسبی که سزاوار آرامگاه چنین شهرریاری



نقشه مجموعه بنای آرامگاه و موزه و پایه مجسمه نادرشاه افشار، طرح از مهندس سیحون

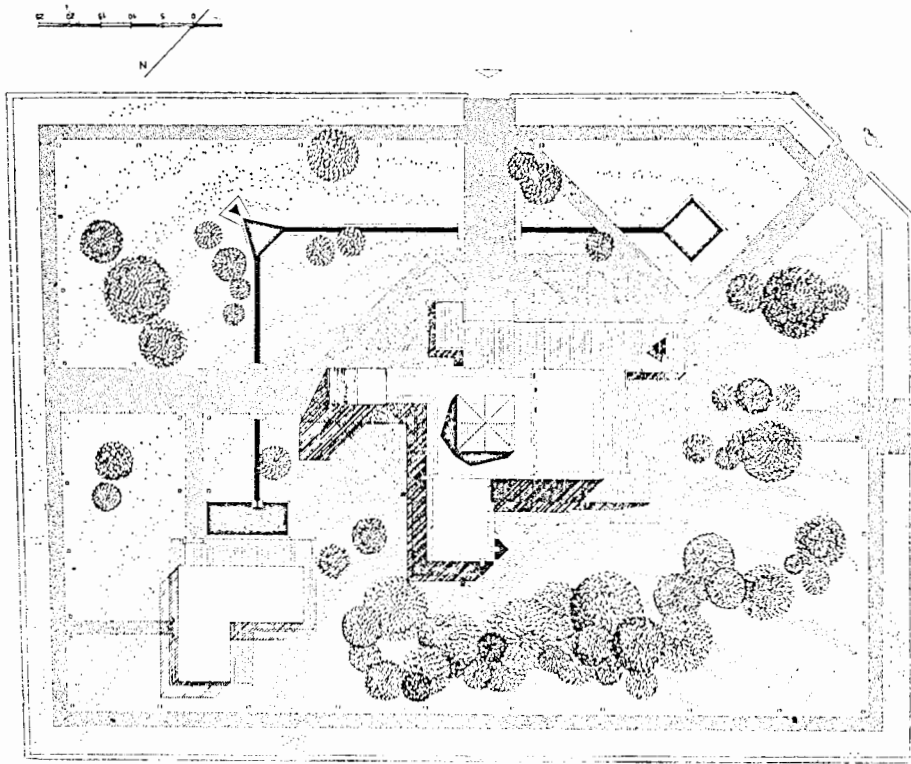
باشد تهیه نمایند. آقای مهندس سیحون طرحی را که برای آرامگاه تهیه کرده بود به انجمن داد و انجمن آن را برای اظهار نظربه دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران فرستاده در تاریخ ۲۵۱۴/۸/۲۱ (۱۳۳۴ ه.ش.) نامه‌ای به امضای آقای مهندس فروغی رئیس دانشکده هنرهای زیبا بدین مضمون به انجمن رسید که نقشه‌ای که توسط آقای مهندس سیحون برای آرامگاه نادرشاه افشار تهیه شده است در جلسه مورخ ۲۵۱۴/۸/۲۰ (۱۳۳۴ ه.ش.) شورای دانشکده مورد مطالعه قرار گرفت و بتصویب رسید.

قرارداد با شرکت کا.ژ.ت

بموجب دعوتنامه‌ای که در مردادماه ۲۵۱۵ (۱۳۳۵ ه.ش.) از شش شرکت ساختمانی جهت مناقصه بنای آرامگاه نادرشاه افشار بعمل آمده بود روز سه‌شنبه سیزدهم شهریور ۲۵۱۵ (۱۳۳۵ ه.ش.) جلسه هیأت مدیره انجمن آثار ملی برای رسیدگی به پیشنهادهای رسیده برای ساختمان آرامگاه و پایه مجسمه در دفتر انجمن آثار ملی درموزه ایران باستان تشکیل گردید. آقایان مهندس محسن فروغی و استاد ابوالحسن صدیقی و مهندس هوشنگ سیحون و مهندس عبدالعزیز فرمانفرمائیان نیز طبق دعوت ریاست هیأت مدیره انجمن در جلسه حضور داشتند، پس از بررسی پیشنهادهای، پیشنهاد شرکت کا.ژ.ت که با تخفیف ۰.۶٪ از سایر پیشنهادهای بیشتر مقرون به صرفه بود مورد قبول اعضا جلسه واقع شد با این قید که مدت اجرای کار بجای ۱۸ ماه ۲۴ ماه باشد.

در تاریخ ۲۲ مهرماه ۲۵۱۵ (۱۳۳۵ ه.ش.) بین انجمن آثار ملی و شرکت سهامی مقاطعه کاری و ساختمانی کا.ژ.ت قراردادی در ۲۷ ماده منعقد گردید که بموجب آن عملیات ساختمانی بنای آرامگاه نادر و عمارت فرعی و محوطه سازی آن بعهده شرکت مذکور گذارده شد و مقرر گردید که طبق شرایط قرارداد و با توجه به دفتر مشخصات (۴۴ صفحه) و فهرست قیمتها (۶ صفحه) و فهرست کارهای ساختمانی (۵۱ صفحه) شرکت مذکور آرامگاه را بنا نماید و کلیه عملیات ساختمانی و تأسیساتی و ساختمانهای فرعی و تسطیح و حصارکشی محوطه را در مدت بیست و چهار ماه از تاریخ امضاء قرارداد بپایان رسانیده تحویل دهد. هزینه کل بنای آرامگاه و پایه مجسمه و کارهای مربوط به محوطه جمعاً بالغ بر بیست و چهار میلیون و دویست و سی هزار ریال (۲۴۰۰۰۰۰ ریال) برآورد گردید.

در گزارشی که آقایان مهندس سیحون و حسین جودت در بهمن ماه ۲۵۱۵ (۱۳۳۵ ه.ش.) به انجمن دادند به اطلاع انجمن رسانیدند که دفتر مهندس سیحون



نقشه باغ نادری و ساختمان آرامگاه نادرشاه و بناهای متصل بآن

مطالعات خود را در قسمت زمین آرامگاه انجام داد، نتیجه از این قرار است:

۱- نمونه خاکهای طبقاتی حاصل از سونداژهای محل در دفتر فنی دانشگاه تحت آزمایش قرار گرفت، نتیجه آزمایش سستی کامل زمین را تا عمق پنج متر تأیید می‌نماید.

۲- در اقسام طرح اجرایی از نوع میخکوبی بتونی تا قشر مقاوم زمین و همچنین رادیه ژنرال مطالعات عمیق بعمل آمد، طرح کم خرج تر که در عین حال استحکام بنا را تأمین کند همان رادیه ژنرال تشخیص داده شد به این کیفیت که برای بنای اصلی مقبره يك رادیه (صفحه بتون آرمه) در سرتاسر بنا و يك رادیه مجزا در زیر برج تعبیه شود و این رادیه‌ها تقریباً در عمق پنج متری انجام

خواهد گرفت و از روی رادیه پی‌های بنای اصلی و پایه‌های برج شروع می‌شود و تا هم کف زمین با قشرهای خاک کوبیده آب پاشی شده پرمی گردد و برای جلوگیری از نشست کف نیز زیر فرش کف قشری از بتون آرمه خواهیم داشت و اطراف بنا نیز از لحاظ جلوگیری از رطوبت زه‌کشی خواهد گردید و از کف بنا با مختصر تغییراتی طبق نقشه‌های مصوب اجرا خواهد شد.

هزینه این عملیات اضافی که بر اثر سستی زمین مشهود و بخصوص در محل آرامگاه نادرشاه بسا آن مواجه شده‌ایم رقم نسبتاً قابل ملاحظه‌ای می‌باشد. بالغ بر ۵۷۶۶۶۰۰ ریال که مبلغ يك میلیون ریال آن را از طریق صرفه‌جوییهای دیگری در بنا می‌توان تأمین نمود و در نتیجه بر مبلغ برآورد سابق که در قرارداد مقاطعه کار به آن اشاره شده است مبلغ ۴۷۶۶۶۰۰ ریال علاوه می‌گردد... برای جلوگیری از پیش آمدهای بد مانند آنچه که برای آرامگاه فردوسی پیش آمده و انجمن را پیوسته نگران داشته است اجرای رادیه ژنرال با تحمل تفاوت هزینه آن بسیار لازم است، خواهشمند است اجازه فرمایند در باره آن به مقاطعه کار دستور لازم داده شود...

موضوع دیگری که برای بنای آرامگاه مورد توجه قرار گرفت انتخاب معدن سنگ مناسبی جهت بنا بود، برای این منظور از معدنهای کوه سنگی، وکیل آباد و معدن تپه‌سلام که سنگ گرانیت داشت بازدید بعمل آمد و بین معادن مذکور سنگ گرانیت معدن کوه سنگی بهتر تشخیص داده شد و از لحاظ برش و تراش نمونه برداری گردید و چون این معدن زیر نظر آستان قدس بود پس از کسب اجازه از نیابت تولیت عظمی برای استخراج سنگ گرانیت بوسیله يدك کش‌های لشکر خراسان در مدت ۱۵ روز سنگ لازم به محل کار حمل گردید. بموجب نامه‌ای که آقای قدوسی رئیس اوقاف و دبیر انجمن آثار ملی استان نهم به انجمن آثار ملی نوشته است در روز ۳۰/۸/۱۳۳۵ (ش. با حضور نمایندگان اداره‌های اوقاف، فرهنگ، دارائی خراسان و کارشناس

اوقاف و نماینده شرکت کا.ژ.ت ساختمان و باغ آرامگاه نادر به آقای مهندس کنستانتین نماینده شرکت مقاطعه کار کا.ژ.ت تحویل گردید و شرکت مذکور از تاریخ ۲۵۱۵/۹/۱۱ (۱۳۳۵ ه.ش.) شروع به اقدام و خراب کردن بنای پیشین آرامگاه کرد و در تاریخ ۲۵۱۵/۱۰/۵ (۱۳۳۵ ه.ش.) رنگ‌ریزی بنا طبق نقشه انجام و در تاریخ ۲۵۱۵/۱۰/۶ پی‌کشی عمارت آغاز گردید. با آقای مهندس سیحون نیز در تاریخ بیستم آبان‌ماه ۲۵۱۵ قرارداد جداگانه‌ای در ۹ ماده منعقد گردید که بموجب آن آقای مهندس سیحون تعهد نمود که نقشه‌های بنای آرامگاه نادرشاه افشار را که شامل بنای اصلی و پایه مجسمه است و همچنین طرح‌های مربوط به محوطه و بناهای فرعی را طبق برنامه‌ای که بین آقای مهندس سیحون و شرکت کا.ژ.ت تنظیم می‌شود منتهی تا پنج ماه از تاریخ قرارداد تهیه و تحویل نماید. کلیه محاسبات فنی مربوط به استقامت بنا با انضمام نقشه‌های تفصیلی، پوشش فلزی، بتن مسلح و همچنین تهیه نقشه‌های تأسیسات آب و برق و بهداشت بعهد آقای مهندس سیحون می‌باشد، بعلاوه آقای مهندس سیحون مسئولیت نظارت در اجرای کارهای آرامگاه را بنماینده‌گی از طرف انجمن بعهد می‌گیرد و انجمن آثار ملی در قبال تعهدات ایشان معادل ۰.۵٪ کل هزینه ساختمان را به ایشان خواهد پرداخت.

استخوانهای نادر- چون بسبب پی‌کنی و خاکبرداری در محل آرامگاه نادر لازم بود که برای انتقال موقت استخوانها و عظام رمیم دو قبر موجود در آرامگاه که یکی متعلق به نادرشاه افشار و دیگری متعلق به مرحوم کلنل محمد - تقی خان پسیان بود اقدام گردد برای این منظور آقایان سید محمد تقی مصطفوی خزانه‌دار و عضو انجمن آثار ملی مرکز و مدیر کل باستانشناسی- محمد طاهر بهادری عضو انجمن آثار ملی خراسان و رئیس اداره فرهنگ مشهد- محمد حسین قدوسی عضو و دبیر انجمن آثار ملی خراسان و رئیس اداره اوقاف استان نهم- مهندس کارلو گریدیس کنستانتین نماینده شرکت مقاطعه کار کا.ژ.ت- استاد

مصطفی مبهوت نماینده و ناظر اداره اوقاف خراسان- مهندس ایوان فیانگر نماینده آقای مهندس سیحون مهندس آرامگاه، سه ساعت بعد از ظهر روز ششم فروردین ماه ۱۳۳۶ (ش.س) در آرامگاه حضور یافتند و این امر با حضور آنان انجام گرفت و اینک قسمتی از صورت مجلس مربوط به آن را نقل می کنیم:



بازکردن صندوق استخوانهای نادرشاه

«... با مشاهده دوقبر و عکسبرداری از آنها خاکبرداری قبر نادرشاه آغاز گردید. در بدو امر ضمن خاکبرداری کوزه ای سفالی که دارای سرمفالی بود و چند

شکستگی در اطراف داشت پیدا شده که از بالای آن آثار جمجمه‌ای مشهود بود. کوزه بدون اینکه باز شود عیناً پارچه پیچی شد و خاکبرداری قبرنادر ادامه یافت، نخست جمجمه با مقداری از شانه نمایان شد که از آن عکس‌برداری گردید. سپس با ملایمت تمام، کلیه استخوانها جمع‌آوری و با مقداری از خاکهای اطراف استخوانها که زرد رنگ بودند در دو کیسه گونی پاکیزه گذارده شد و با گونی محتوی



استخوانهای نادرشاه در درون صندوق

کوزه مذکور در يك صندوق آهن سفید سینکادرلای پنبه قرار داده شد. این صندوق که ابعاد آن $۱۱۰ \times ۵۱ \times ۳۱$ سانتیمتر بود به شماره يك علامتگذاری و پس از سیم‌پیچی در آن لحیم گردید.

پس از قبر مرحوم کلنل محمد تقی خان پسیان خاکبرداری شد، استخوانها با پارچه‌ای پوشیده شده بود که با کمال احتیاط در دو کیسه گونی و در صندوقی از آهن سفید به ابعاد $۱۱۰ \times ۵۱ \times ۳۱$ در لای پنبه قرار داده شد و این صندوق بشماره دو مشخص گردید و پس از سیم‌پیچی لحیم شد و هر يك از دو صندوق در صندوقی تخته‌ای که دولولا از يك طرف و دوقفل از طرف دیگر داشت گذاشته و قفل شد و به مهر انجمن آثار ملی مهر گردید و در اطاق مجاور اطاق دفتر ساختمان كه يك پنجره كوچك به خارج دارد و يك در به اطاق دفتر ساختمان در داخل سكوی قسمت شمالی انتهای اطاق مزبور كه از آجر ساخته شده ضبط گردید تا پس از



بیرون آوردن استخوانهای نادرشاه از صندوق
انجام یافتن ساختمان در محل اولیه که در ساختمان در نظر گرفته شده به آرامگاه
ابدی منتقل گردد. و چون در جریان ساختمان جدید آرامگاه حفظ دو صندوق



استخوانهای نادر در درون پارچه



اقامه نماز بر عظام رمیمه نادرشاه افشار

بر عهده اداره اوقاف خراسان و شرکت مقاطعه کار می باشد لذا آقای استاد مصطفی مبهوت که ضمناً مأموریت نظارت بر ساختمان از طرف اداره اوقاف خراسان را دارد از طرف اداره اوقاف مسئول حفظ دو صندوق گردید و همچنین شرکت مقاطعه کار نیز مسئول حفظ دو صندوق مذکور می باشد.

دفن استخوانها - پس از آنکه ساختمان آرامگاه نادرشاه پایان رسید برای نقل استخوانهای آن شهریار از محل موقتی به محل اولیه آقایان: تیمسار سپهبد فرج الله آقاولی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی - دکتر حسین

خطیبی مدیرعامل شیر و خورشید سرخ ایران- سید محمدتقی مصطفوی خزانه دار انجمن آثار ملی- طاهر بهادری عضو انجمن آثار ملی استان نهم- محمد فائضی رئیس اوقاف و دبیر انجمن آثار ملی استان نهم- محمود علمی مدیر انبیه تاریخی کشور. ساعت شش بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۸ مردادماه ۱۳۳۸ در محل آرامگاه



استخوانهای نادرشاه در درون قبر

حضور یافتند و پس از بازدید صندوق محتوی استخوانهای نادرشاه و گشودن آن، استخوانها با نهایت دقت در پارچه سفیدی پیچیده شد و پس از خواندن نماز میت و اجرای مراسم مذهبی بوسیله آقای شیخ محمود روح بخش استخوانها در محل قبر گذارده و روی آن پوشانیده شد و سنگ قبر در جای خود قرار گرفت.»

سنگ قبر نادر

سنگ قبر نادر بصورت منشوری ناقص است که هریک از اضلاع آن در پایین تقریباً دو متر و در بالا یک متر و نیم است و صفحه ای برنجی بر روی آن بطور برجسته قرار گرفته و این عبارات بر آن نوشته شده است:



نصب سنگ قبر نادرشاه افشار

هوالدی لایموت

آرامگاه شهریار توانای ایران

نادرشاه افشار

که در محرم یک هزار و صد هجری تولد یافت

و در جمادی الآخر یک هزار و صد و شصت

هجری درگذشت

• • •

بردیوار غربی بقعه با برنج بطور برجسته نوشته شده است: «القدرة لله»
و بردیواره جنوبی: «الحمد لله الذی لایقی الاوجه ولا یدوم الا ملکه له
الملك والیه یرجعون»
و بردیواره شمالی: «آنکه پاینده و باقی است خدا خواهد بود».



سنگ قبر نادر شاه

استخوانهای شادروان کلنل محمدتقی خان پسیان نیز پس از انجام مراسم
مذهبی در محوطه آرامگاه و میان چمن بخاك سپرده شد؛ نوشته روی سنگ
قبر آن شادروان چنین است:

آنکه پاینده و باقیست خدا خواهد بود

آرامگاه

فرزند رشید ایران

شادروان

سرهنگ محمد تقی پسیان

سال تولد یک هزار و سیصد و نه قمری

سال شهادت غره صفر یک هزار و سیصد و چهل قمری

رفع يك اشتباه: شادروان عباس اقبال آشتیانی در شماره دوم سال سوم مجله یادگار به استناد نوشته فارسنامه ناصری، درباره وجود استخوانهای نادرشاه در محل مقبره او در مشهد اظهار تردید کرده و یکی از روزنامه‌ها در ششم شهریورماه ۱۳۱۸ (۱۳۳۸ ه. ش.) درباره این موضوع پرسشی کرده بود که از طرف انجمن آثار ملی توضیحات کاملی داده شد و اینک قسمتی از آن توضیحات در اینجا نقل می‌شود:

«... دانشمند فقید عباس اقبال آشتیانی به نوشته فارسنامه ناصری تألیف مرحوم حاج میرزا حسن شیرازی استناد جسته است که ضمن وقایع سال ۱۲۱۰ هجری می‌نویسد شهریار قاجار قبر نادرشاه افشار را که در جوار حرم محترم رضوی علیه السلام بود دستور داد شکافتند و استخوانهای او را در کریاس خلوت کریم‌خانی تهران قرین استخوانهای مغفرت پناه کریم‌خان وکیل نمودند و بعد از چند سال بفرمان فتحعلیشاه قاجار استخوانها را به نجف برده در آنجا دفن نمودند. اگر به وقایع آغاز سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر مراجعه شود ملاحظه می‌گردد که در یکی از روزهای نیمه دوم سال ۱۳۰۴ شمسی شادروان ضیاء الواعظین شیرازی با اتفاق چند نفر از بازماندگان خاندان زند طی مراسمی که در خلوت کریم‌خانی کاخ گلستان صورت گرفت بحضور اعلیحضرت رضاشاه کبیر رسیده شمشیری از یادگارهای کریم‌خان زند به حضورشان اهدا کردند و در همان موقع محل دفن استخوانهای شهریار زند در حضور رضاشاه و نامبردگان شکافته شد و استخوانهای کریم‌خان تحویل خاندان زند گشت که آنها را به ملایر بردند و در مسقط الرأس شهریار زند به خاک سپردند.

بنابراین نقل استخوانهای کریم‌خان از خلوت کریم‌خانی به نجف اشرف بفرمان فتحعلیشاه قاجار صحت ندارد، چه اگر این نوشته فارسنامه صحیح بود خاندان زند استخوانهای کریم‌خان را از زیر پله‌های خلوت کریم‌خانی نمی‌یافتند که به ملایر ببرند. بنابراین همانطور که قسمت دوم نوشته فارسنامه صدق نمی‌کند قسمتی از نیمه اول نوشته مزبور هم که مربوط به شکافتن قبر نادرشاه و انتقال استخوانهای او به تهران باشد با توجه به دلایل موجود صحیح نیست. در فروردین ماه سال ۱۳۳۶ هنگامی که آقای مصطفوی عضو هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی مرکز با حضور چندتن از اعضای انجمن آثار ملی خراسان برای پی‌برداری بنای آرامگاه فعلی نادرشاه بر سر مزار آن شهریار حضور یافتند و مقبره او را باز نمودند استخوانهای نادرشاه بوضعی که از ابتدا

دفن شده بود در محل خود موجود بود و جمجمه آن فاقد فك اسفل بود و بر بالا و پهلوی سر آثار ضربت تبر به شرحی که در واقعۀ قتل آن شهریار شجاع در تواریخ ذکر شده است نمایان بود و يك جمجمه جداگانه هم داخل کوزه سفالی بمسافت قریب سی سانتیمتری آن دفن شده بود که عیناً محفوظ گذارده شد. استخوانهای شادروان کلنل محمد تقی خان هم به مسافت کمی از قبر مزبور قرار داشت.

از طرفی هنگامی که در سال ۱۳۱۵ شمسی هنگام ریاست فرهنگ شادروان سرلشکر علی ریاضی بنای اصلی مقبره کریمخان زند در شیراز به تصدی آقای علی سامی رئیس باستانشناسی فارس تحت تعمیر و اصلاح قرار داشت و برای استفاده از آن جهت موزه پارس آماده می شد مدفن کریمخان زند در شاه نشین شرقی بنای مزبور هویدا گشت که قطعاتی از چرم بلغار درون آن باقی بود و استخوانی در میان نداشت و بشرحی که گذشت استخوانهای وکیل را بدستور آقا محمدخان قاجار از محل مذکور خارج نموده در زیر پلکان خلوت کریمخانی سپرده بودند لیکن چنین جسارتی به استخوانهای نادرشاه افشار نورزیده بودند و بهمین جهت استخوانهای نادرشاه در محل خود عیناً محفوظ بود و اکنون هم پس از اتمام بنای جدید آرامگاه در همان محل دفن گردیده است...

اشاره به این موضوع را نیز بمورد میدانده که در پایین مجلس بزرگ نقاشی فتح هندوستان بر دیوار شرقی تالار چهلستون اصفهان که نادرشاه را در صحنه جنگ کرنال نشان می دهد این دوبیت نوشته شده است:

به حسب الحکم شاهنشاه دوران فریدون فر محمدخان قاجار
ز کلك صادق نقاش نو شد نشان و نام نادر شاه افشار

بدینقرار معلوم می شود صادق خان نقاش معروف دوران آقا محمدخان قاجار و فتحعلیشاه بدستور آقا محمدخان نقاشی مزبور را کشیده یا به احتمال قویتر تجدید نموده است و اگر آقا محمدخان حس بی احترامی درباره نادرشاه داشت باید به خلاف این عمل می شد.

ضمناً همانطور که درباره جمجمه ابن سینا حکیم بزرگ ایران عمل شد از استخوانهای نادرشاه نیز هنگام نبش قبر از جهات مختلف عکس برداری شد و در موقع دفن نیز عکس برداری کامل بعمل آمد تا در موقع خودمورد استفاده علاقه مندان قرار گیرد».



مجسمه نادرشاه افشار

چگونگی آرامگاه

بنای آرامگاه مشتمل است بر قسمت مرکزی که خوابگاه ابدی شهریار ایران نادرشاه افشار است و دو تالار موزه که یکی موزه سلاح ادوار مختلف تاریخ ایران و دیگری مختص سلاح و آثار مربوط به دوران نادرشاه می باشد. ایوانها و پلکانهای متعدد و پایه بلند مجسمه همه از سنگهای گرانیت خراسان ساخته شده است. اصولاً در ساختمان آرامگاه نادرشاه توجه به این مطلب بوده است که مجسمه سواره نادر و چند نفر از سربازان او بر فراز پایه متصل به آرامگاه نصب شود و ارتفاع بنا درخور چنین عملی باشد و ضمناً رعایت روحیه فرزند رشید ایران نادرشاه که سراپا تصمیم و قدرت توأم با سادگی و بی پیرایگی بوده بشود و بهمین جهت با بکار بستن نکات مناسبی از معماریهای تاریخی ایران (در بنای آرامگاه از مسجد تاری خانه دامغان الهام گرفته شده است) بنای استواری از تخته سنگهای تراش بزرگ گرانیت خراسان ساخته شده

است که نمای آن در خارج همه از تخته سنگهای عظیم گرانیت کوه سنگی مشهد و ستونهای يك پارچه از همان سنگ می باشد و در داخل بنا هم برای پوشش وزینت دیوارها از همان سنگ های تراورتن استفاده شده است تا بنا درخور صلابت و سادگی شهریار افشار باشد و مجسمه آن پادشاه بر فراز پایه ای در گوشه بنا متناسب با آن نصب گردد. همچنین ترتیب باغچه بندی و نهر سازی و چمن کاری و کابل کشی برق و لوله کشی آب و فواره ها و گلخانه و نرده چهار سوی محوطه و احداث عمارت جداگانه شامل تالار پذیرائی و اتاقهای پاسداران و نگهبانان و کلیه تأسیسات موتور برق ۶۰ کیلوواتی و چاه نیمه عمیق داده شده است و چنانکه اشاره شد ارتفاع آرامگاه تا حدودی کم گرفته شده است تا با ایجاد پایه مجسمه به ارتفاع ۱۲ متر و خود مجسمه که در حدود پنج متر به ارتفاع می افزاید تناسب ارتفاع آرامگاه کاملاً مشهود باشد.

کف مقبره و تالارهای موزه سنگ فرش است و در محوطه باغ حوضها و نهرهای سنگی ایجاد شده و در اطراف خیابانها و باغچه ها جدول بندی سنگی شده و در اطراف باغ بر روی دیوارهای سنگی نرده های فلزی نصب شده است. برای چراغهای محوطه نیز پایه های سنگی تعبیه گردیده.

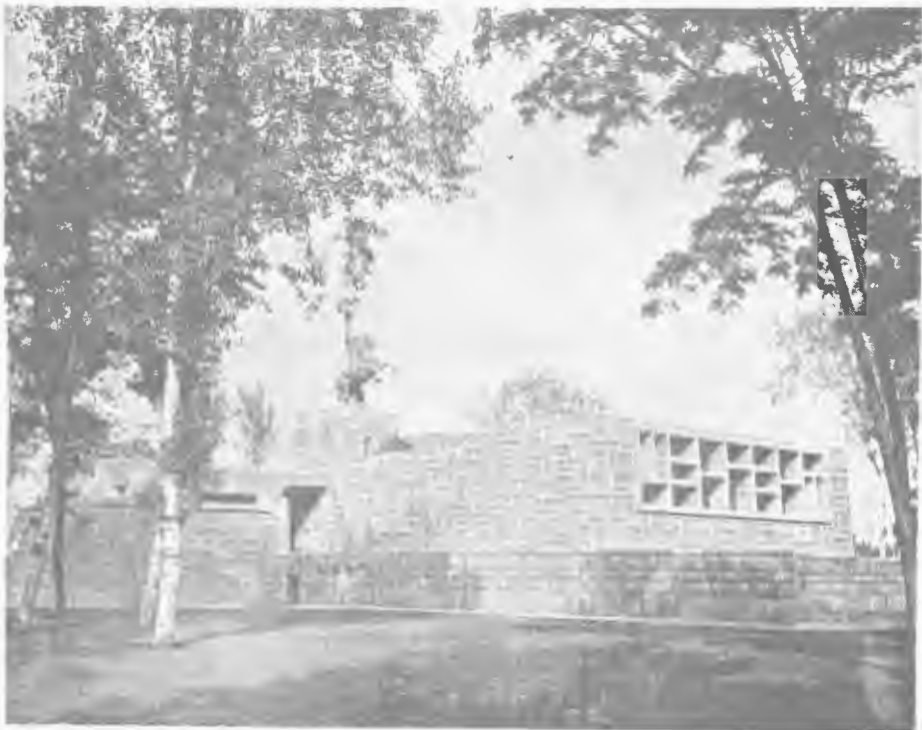
خیابانهای آرامگاه بتون ریزی و سنگ چینی و محوطه چمنکاری است و درهای فلزی برای محوطه تهیه و نصب گردیده است.

زمین باغ آرامگاه اعم از آنچه فضای باغ یا زیربانی آرامگاه است جمعاً ۱۴۴۰۷ متر مربع و آنچه زیربنای اصلی آرامگاه و مجسمه قرار دارد ۱۳۰۷ متر مربع و آنچه زیربنای دیگر یعنی اتاق پذیرائی و منزل پاسداران و نگهبانان و محل موتور برق و گلخانه و غیره قرار گرفته ۳۷۸ متر مربع می باشد.

بنای آرامگاه نادرشاه در صلابت و استواری و فن معماری مورد توجه اهل فن قرار گرفته و در شماره ۲۵ مجله معروف Aujourd'hui که مخصوص کارهای هنری و آثار معماری و نقاشی و حجاری و امثال اینهاست با شرح و

بسط لازم معرفی گردیده و این بنا را در ردیف ساختمانهای برجسته عصر حاضر تعریف و توصیف کرده اند.

در کتاب نادرنامه نگارش شادروان محمد حسین قدوسی (ص ۴۵۶ تا ۴۶۱) درباره بنای آرامگاه نادر چنین آمده است:



آرامگاه جدید نادرشاه افشار

«فضای آرامگاه که باغ و دارای درختهای نسبتاً کهنی است به عرض و طول ۱۴۰ و ۱۰۳ متر و مساحت آن بیش از چهارده هزار متر است. باغ مزبور از چهار طرف که خیابان نادرشاه، خیابان شاهرضا نو و دو خیابان عمتری است معبر عمومی میباشد و دیوار آن از سنگهای گرانیت بعرض ۷۰ و ارتفاع ۵۰ سانتیمتر و در روی آن نرده های آهنی بنقش تبرزین قرار گرفته و یک در ورودی در خیابان شاهرضا نو مقابل بنای اصلی آرامگاه و دو در در چهارراه تقاطع خیابان نادرشاه و شاهرضا نو و یک در در خیابان نادرشاه مقابل بنای آرامگاه دارد.»

در فضای باغ چهارحوض آب در سه زاویه بنای اصلی، یکی بعرض و طول ۱۲/۵ متر و دیگری بشکل مثلث بقاعده و ارتفاع ۶ متر و یکی مقابل عمارت فرعی بطول و عرض ۸ در ۴/۵ متر و چهارمی حوضی کوچک در پشت بنای فرعی قرار دارد که سه حوض اولی بوسیله جویهای سرباز آب بیکدیگر مربوط است و تمام حوضها در حدود یکمتر عمق دارد، جویها با سنگ و سیمان ساخته شده است. بقیه فضا خیابان کشی است و باغچه بندی چمن با جداولهای سنگی. ساختمان فرعی که تقریباً ۲۰۰ متر مربع است مرکب از سه اتاق است که دواطاق آن بعرض و طول ۴/۵ متر و سومی بعرض و طول ۶/۵ در ۱۰ متر می باشد، بعلاوه دارای مستراح و دو راهرو و دوش و آبدارخانه است، در نزدیکی آن محل موتورخانه است که در زیر زمین بعرض و طول ۵ در ۸ متر است و در نزدیکی آن گلخانه قرار دارد و نیز چاه نیمه عمیقی برای تأمین آب آرامگاه در طرف دیگر بنا میباشد. بنای اصلی آرامگاه که به مساحت ۱۲۰۰ متر مربع است دارای سه ایوان شرقی و جنوبی و غربی متصل بیکدیگر و سه راهرو و پله است. یکی بطرف خیابان شاهرضانو و دیگری بطرف خیابان نادرشاه و دیگری مقابل برج مجسمه است. ایوانها بعرض ۳/۵ الی ۶ متر و ارتفاع ایوانها از کف باغ ۱/۸۳ متر است. اصل بنا دارای چهار قسمت است، یکی تالاری بعرض و طول ۱۵/۵ در ۸/۴ متر که مقابل خیابان نادری است و دارای هفت پنجره بزرگ بطرف جنوب میباشد دیگری اصل مقبره است بعرض و طول ۱۵ در ۱۵ متر که دو طرف آن بعرض تقریبی چهارمتر و ارتفاع ۲/۵ متر است و شانزده ستون یکپارچه سنگی بارتفاع ۲/۲۶ متر در اطراف مقبره میباشد. سقف مقبره بیش از ۶ متر ارتفاع دارد که قبر نادر در گوشه آن قرار گرفته و دیوار اطراف مقبره از مرمر قرمز رنگ ساخته شده است. قسمت سوم برجی است که در زاویه شمال شرقی بنای اصلی قرار گرفته و با دو ستون سنگی یکپارچه بارتفاع ۴/۰۹ متر به بنای اصلی اتصال دارد. ارتفاع برج ۱۲/۵ متر و عرض و طول پائین آن ۵ در ۵/۵ متر و بالای آن بعرض و طول متوسط ۴/۸۵ متر است. مجسمه نادرشاه سوار بر اسب در حال حمله در بالای برج و سه سرباز عصر نادری در یک قسمت از بدنه برج که از بالای برج دومتر پائین تر است قرار داده شده است.

داخل برج در قسمت فوقانی آن منبع آب است که به تمام آرامگاه لوله کشی شده و قسمت پائین برج خالی است.



آرامگاه نادرشاه افشار در مشهد که به وسیله انجمن آثار ملی ساخته و پرداخته شد
و کار بنای آن به سال ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه. ش.) پایان یافت

قسمت چهارم در طرف شمال غربی مقبره ساختمان موزه است بعرض و طول ۷ × ۷ متر که بدنه داخلی تالار بزرگ و موزه از سنگ ترورتان سفید میباشد و در زیر ایوان غربی متصل بآرامگاه دودستگاه دستشویی ساخته شده است. بطور کلی تمام ساختمانهای آرامگاه از دیوار و نرده ساختمان اصلی و فرعی و حتی ۶ متر پی بنای اصلی منحصر آ از سنگهای گرانیات مجاور کوه سنگی (۶ کیلومتری مشهد) و آهن و سیمان ساخته شده است.

کتیبه‌ها

بر دیوار موزه آرامگاه لوح مرمری نصب و بر آن نقش شده است:

بنام پروردگار توانا

بسال هزار و سیصد و سی و چهار خورشیدی فرمان مبارک اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران برای احداث آرامگاه و نصب مجسمه فرزند رشید ایران نادرشاه افشار شرف صدور یافت و انجمن آثار ملی افتخار انجام این مهم را پیدا کرد و پس از تهیه وسایل کار از سال هزار و سیصد و سی و شش خورشیدی ساختمان آغاز گردید و طی چهار سال پایان پذیرفت. این بنا از سنگ خاراى خراسان که مظهری از اراده استوار و معرف روح توانا و پایدار آن شهریار کامکار است بتاریخ دوازدهم فروردین ماه ۱۳۴۲ در پیشگاه شاهنشاه دادگستر و دانش پرور گشایش یافت.

نادرشاه افشار در محرم هزار و صد و هجری قمری در ناحیه دستگرد خراسان چشم بجهان گشود و در بیست و چهارم شوال یک هزار و صد و چهل و هشت بر اورنگ پادشاهی تکیه زد و شب یکشنبه دوازدهم جمادی الثانیه یک هزار و صد و شصت پس از یازده سال و سه ماه سلطنت در شصت و یک سالگی چشم از جهان فرو بست.

نادرشاه در مکانی که اینک آرامگاه ابدی اوست در زمان حیات بقعه‌ای

برای مدفن خود ساخته بود که دست سوانح آن را از میان برد و چهل سال پیش بنای دیگری به جای آن برپا شد که آن نیز معروض تباهی گردید. این بنای با شکوه با عنایت خاص شاهنشاه و همت بلند ملت سرافراز ایران آغاز و انجام یافت.

امید است آرامگاه نادرشاه افشار که یادگار برجسته دوران فرخنده کنونی و نمونه بارز توجه شاهنشاه و مظهر حق شناسی مردم کشور نسبت بدین قهرمان ملی است از گزند زمان در امان و بعنوان قدردانی ابناء وطن از برگزیدگان این مرز و بوم جاودان بماند.

اشعار برگزیده: روز چهارشنبه ۱۶ آذرماه ۲۵۱۹ (۱۳۳۹ ه. ش.) جلسه ای با حضور چند تن از استادان در دفتر رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران تشکیل شد و از بین اشعاری که برای ثبت در آرامگاه نادرشاه رسیده بود منظومه های آقایان جلال الدین همایی و دانای خراسانی (فرخ) و مؤید ثابتی و محمدعلی ناصح برگزیده شد.

این چهار منظومه برالواح مرمرنوشته و در تالارهای موزه و پذیرائی آرامگاه نصب شده است.

از استاد جلال الدین همایی (سنا)

بسمه تعالی شانه

آفرین بر رأی ملك آرای شاهنشاه که کرد
 زنده زین آرامگاه فرو شکوه نادری
 پهلوی دوم آن شاهی که با بخت جوان
 تازه کرد ایران بفرو عدل و دانش گستری
 چون بزرگی داشت خود نام بزرگان زنده کرد
 شه چنین باید به والا طبعی و نیک اختری

پهلوی باید که داند قدر نادر شاه را
 و آنهمه کشورگشائی و آنهمه فخر آوری
 مرد داند ارزش مردان که دانا گفته است
 قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری
 زنده کن نام بزرگان تا بمانی زنده نام
 این بود رمز حیات جاودان گر بشگری
 اینکه می بینی خود از آثار شاهنشاهی است
 بس اثرهای بی ازوی هر کجا چون بگذری
 گلشن ایران که از باد خزان افسرده بود
 از بهار عدل او شد همچو گلبرگ طری
 جان کشور تازه از فرهنگ و از بهداشت کرد
 روح ملت را نمود از ضعف و نادانی بری
 بینوایان را ز مال و ملک برخوردار ساخت
 ملک خود بخشید هم بر دیهقانان بر سری
 بدسگالان سرفکنده نیک خواهان سرفراز
 عزم شه بود این و تدبیرش نه امر سرسری
 کشور ایران زمین در هفت کشور چون سراسر است
 شاه ایران را بشاید بر همه شاهان سری
 به به از آن انجمن کآثار ملی زنده کرد
 آری آری این بود معنی ایران پروری
 کرد هم آن انجمن بنیاد این آرامگاه
 کش بجان و دل همه گویند احسن و فری
 همت شاهانه در اول قدم هموار ساخت
 راه این مقصود را بی منت و خواهشگری

بعد از آن بر حکم: الناس علی دین الملوک
 هر کسی بوسع خود بنمود جهد و یاوری
 مردمان از دولت و ملت همه با جان و دل
 کوشش افزودند با همدستی و با همسری
 از پی انجام این امر مهم مردان کار
 متفق گشتند با هم لشکری و کشوری
 تا بنائی این چنین افراشت سر بر آسمان
 با چنین محکم اساسی با چنین خوش منظری
 آفرین بردست و بازوی هنرمندی که ساخت
 این عمارت با چنین زیبائی و خوش پیکری
 اینت خوش آرامگاهی در جوار شاه طوس
 مرقد هشتم امام شیعیان جعفری
 لایق مدحش نیفتد آنچه گنجور سخن
 گوهر معنی بیاراید به الفاظ دری
 نادره کاخی چنین نه بی سبب انجام یافت
 از خدا توفیق بود و از شهنشه رهبری
 در هزار و سیصد و هشتاد شد ختم بنا
 چونکه با دور قمر از سال هجرت بشمری
 خواستم تاریخ بنیاد عمارت از «سنا»
 گفت اکنون تازه شد آرامگاه نادری

۱۳۸۰

وز برای افتتاحش هم بشمسی زد رقم
 هست این زیبا سرا آرامگاه نادری

۱۳۴۰

از داناتای خراسانی (محمود فرخ)

تاریخ کز فحول و نوابغ نشان نهاد
 نام بزرگ شاه بصد داستان نهاد
 کشورگشای نادره نادرکه پای عزم
 بالاتر از رکاب قزل ارسلان نهاد
 اورنگ پادشاهی ایران که پایه اش
 بر خاک بود بر زبر آسمان نهاد
 بود از جفای چرخ مزار وی آنچنانک
 در وصف آن نه خامه به دفتر توان نهاد
 چل سال و اند پیش که ایران نهاد گام
 در آن رهی که پیشتر از ما جهان نهاد
 قانون و حکم اساس بنائی زخشت و گل
 کآنروز داشت امکان در این مکان نهاد
 شاهنشه فقید رضا شاه پهلوی
 کش دهر نام نابغه خاوران نهاد
 چون دید آن بنای نه درخور در ابگنت
 کاین نیست پاس آنکه اساسی چنان نهاد
 گفتند شهریار زمان را از آنچه شاه
 در آن زمان که دید بر آن بر زبان نهاد
 ایران خدیو (شاه محمد رضا) که بخت
 همواره سربخده متش از روی جان نهاد
 با فرۀ جوانی اندر دها و عدل
 آنجا نهاد پای که نوشیروان نهاد

بس کارخانه‌ها و عمارات و راهها
 در سرزمین خویش کران تا کران نهاد
 بسیار رسم کهنه بد از میان ببرد
 بس رسم نومناسب عهد و زمان نهاد
 رسم بزرگ داشتن مردم بزرگ
 مطروس بود، عزم همایون بر آن نهاد
 زین بیش بر مزار بزرگان باستان
 بس بقعه گران و بنای کلان نهاد
 هم گفت کاین مزار ز آثار ملی است
 پاسش بسعی جمعی از آزادگان نهاد
 آن خشت و گل ز آهن و خار ابدیل یافت
 رای رزین شاه چوپا در میان نهاد
 کردند پیکری که دو پیکر برخش او
 گوئی ز روی رشک عنان بر عنان نهاد
 گفتند هر که شور وطن داشت بایدش
 سر بهر احترام بر این آستان نهاد
 «دانا» ز دل نهاد سر و گفت «نام شاه
 جاوید باد کاین اثر جاودان نهاد»
 نیز از هزار و سیصد و هشتاد ساله
 بی تعمیم بلفظ صریح و روان نهاد

از محمدعلی ناصح

آفرین از ایزد جان آفرین برشهریار
 پادشاه کشور ایران خدیو کامکار
 خسرو ثانی ز والا دودمان پهلوی
 چون نخستین کشور جم را پناه و دستیار
 روز ملك از مهر وی هرروز روشن تر ز دی
 کار ما با لطف او هر سال نیکوتر ز پار
 پرتو دادش جهان آراتر از صبح دوم
 نیروی عدلش روان افزاتر از باد بهار
 حقشناسی پاکدین فرمانده کشور بحق
 با جوانمردی جوان و با جوانی مرد کار
 سایه یزدان شهنشاهی که میبخشد فروغ
 بر سپهر ملك رأی روشنش خورشیدوار
 بوستان دلگشای ملك را هرچند ساخت
 دست بیداد خزان یکچند بی نقش و نگار
 پایمردی کرد چون خسرو گل ازخارش دمید
 باز شاخ آورد برگ و برگ باز آورد بار
 خانه آباد ما را روزی ار ویرانه کرد
 دستبرد تازی و آشوب یغمای تزار
 عاقبت گم شد ز مرز و بوم ایران بوم شوم
 نغمه ساز آمد بگلشن با هزار آوا هزار
 چون زمین شد پست موج فتنه گردونگرای
 وین محیط آورد گوهرهای رخشان برکنار

این خود از تأیید یزدان است کز کشورخدیو
 دیدی و بینی هنرهای شگرف و شاهکار
 دست قدرت نامه شاهی بنام وی نوشت
 آری آری «دست ناپیدا قلم بین خط گزار»
 زان اثرهای بآئین وان هنرهای شگرف
 کز حساب عقل افزون باد و بیرون از شمار
 این یکی باشد که چون کاخ فلک آراستند
 برفراز مرقد نادر بنائی استوار
 کیست دانی شاه نادر ای همایون پورجم؟
 آنکه ایران را بنام نامیش هست افتخار
 زان سپس کز دیده ایران و ایرانی ربود
 خواب آسایش نهیب فتنه بی زینهار
 وندرین کشور ز هرسو سرکشید و قدفراشت
 بد نهادی اهرمنوش زشتخوئی دیوسار
 آفتاب تیغ نادر از نیام آمد برون
 روز روشن کرد در چشم مخالف شام تار
 از پرندآور نوید مرگشان آمد بگوش
 شوخ چشمان را زبیم شه گریزان درحصار
 سرکشان را بار سر برداشت از گردن ولی
 گردنان را سایه سان یکسر بخاک افکندخوار
 دوست شد از فرمهرش چون گل نوتازه روی
 دشمن از آسیب قهرش لاله آسا داغدار
 چون بحکم پادشاه دادگستر پهلوی
 شد مزار شاه نادر اهل معنی را مزار

خامه ناصح «بغفران الهی» زد رقم
از پی تاریخ و اینک بر دعاکرد اختصار
۱۳۷۹

در پناه پاك ایزد بساد میهن همچو شاه
تا خدا و شاه و میهن باشد ایران را شعار
تا به پایان شب تاریک سازد دست چرخ
روشنان را در قدوم خسرو مشرق نثار
آنکه را تخت است از و نازان و افسر سربلند
ملك و اقبال این یکی فرمانبر آن خدمتگزار
نام شه جاوید و غواص خرد از بحر طبع
در ثنای وی نثار آورده در شاهوار

از مؤید ثابتی

بعهد شهنشاه ایران زمین	خداوند دیهیم و تاج و نگین
خدیی که در شاهراه هدی	بود رهبرش فرۀ ایزدی
همایون بر خسروانی درخت	محمد رضا شاه پیروز بخت
بتجلیل نادر به فرمان شاه	بپا گشت این بقعه و بارگاه
سرافراخت از سنگ و آهن چوکوه	چنین گنبد آسمانی شکوه
از این بقعه کاندلر جهان نام یافت	تن و جان نادر شه آرام یافت
ز گردنکشان و ز جنگ آوران	ز گردان و نام آوران جهان
بعزم و دلیری و رای و خرد	کسی کی بجز نام نادر برد
چو نادر بلی در صف کارزار	ندیده دگر دیده روزگار
در آنکه که ایران بد از هر کران	گرفتار دیوان و اهریمنان
ز مشرق فروغی نمودار شد	چو مهر درخشان پدیدار شد



چند نفر از اعضای هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی باتفاق گروهی از متصدیان امروبرخی
علاقمندان دیگر در آرامگاه نادر پیش از پایان ساختمان آن- روز پنجم آذرماه ۱۳۱۸
(۱۳۳۸.ش.۵)

از راست به چپ- دو نفر اول متصدیان شرکت- قاطعه کار آرامگاه (شرکت کا. ژ. ت.)-
آقای حبیبی مدیر کل آموزش و پرورش خراسان- آقای فردریک تالبرگ- شادروان قدوسی
رئیس اوقاف خراسان که سهم عمده و اساسی در آغاز کار ساختمان آرامگاه نادر داشت- نفر
بعد؟- شادروان مهدی ایرانی (کارمند انجمن)- آقای صادق صمیمی (رئیس اداره کل
باستانشناسی)- احمد کشانیان (مدیر امور مالی انجمن)- آقای دکتر جواد کامبیز (دبیر انجمن)-
آقای حسین جودت (مدیر کارهای ساختمانی انجمن)- سید محمد تقی مصطفوی (خزانهدار
انجمن)- شادروان علی هیأت (عضو هیأت مؤسسين)- آقای دکتر عیسی صدیق (نایب
رئیس هیأت مؤسسين)- شادروان سپهبد امان الله جهانبانی (عضو هیأت مؤسسين)- شادروان
سپهبد فرج الله آقاولی (رئیس هیأت مدیره انجمن)- آقای فیروز هیأت- شادروان سرلشکر
غلامحسین مقتدر- آقای محمود علمی (کارمند انجمن)- استاد ابوالحسن صدیقی- آقای
محمد طاهر بهادری (نماینده انجمن در خراسان)- نفر آخر؟

برانگیخت تیغ جهانگیر را
 بیچید چنگال شیر و پلنگ
 نهی ساخت این کشور از دیوشوم
 سر شهریاران و پشت سپاه
 که شاخ امید تو آمد بیار

بر آهیخت چون برق شمشیر را
 چو پیل دمان اندر آمد بجنگ
 ز دشمن پرداخت این مرز و بوم
 الا ای سزاوار دیهیم و گاه
 زمانی سر از خواب نوشین برآر



جلسه انجمن آثار ملی مرکزی با شرکت انجمن آثار ملی خراسان در تالار کتابخانه آرامگاه
 نادر روز شنبه ششم آذرماه ۲۵۱۸ (۱۳۳۸.ش.)
 از راست به چپ: شادروان محمد مهران نایب التولیه آستان قدس رضوی-شادروان
 علی هیأت عضو هیأت مؤسسين انجمن- آقای دکتر صدیق- سرلشکر سردادور فرمانده
 لشکر خراسان- آقای محمد دادور استنادار خراسان

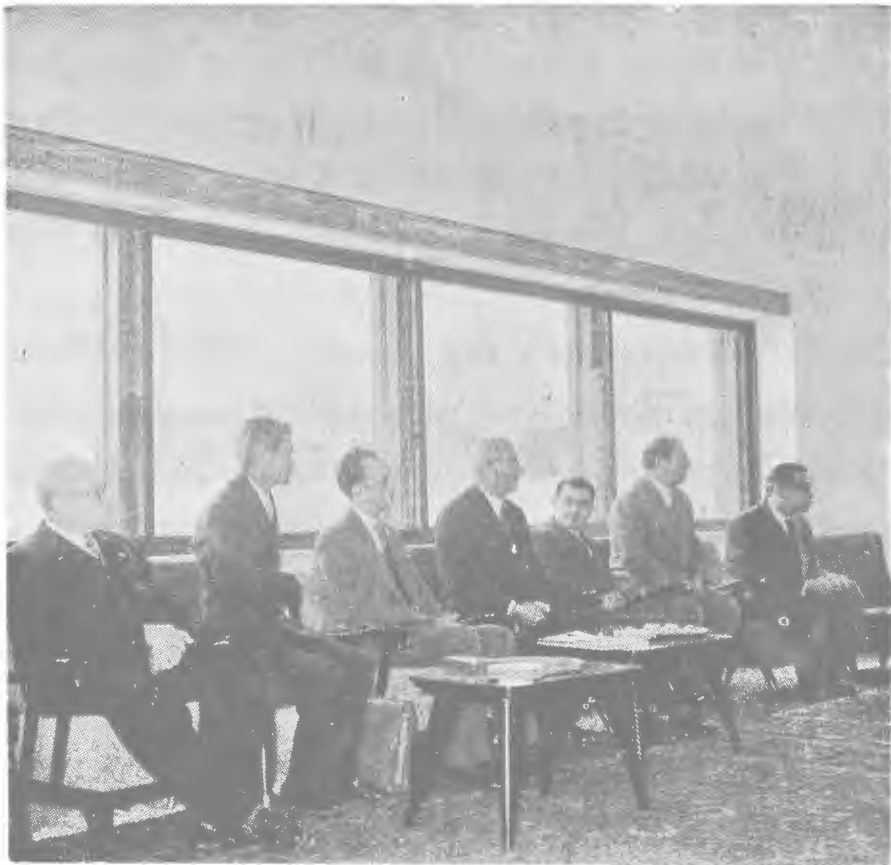


تصویر دیگری از جلسه انجمن آثار ملی مرکزی وانجمن آثار ملی خراسان.
از راست به چپ- مهندس هوشنگ سیحون- آقای صادق صمیمی- آقای دکتر جواد کامبیز- سید محمد تقی مصطفوی- شادروان سپید فرج الله آق اولی

سرافراز چون کوه الوند شد
که ایدون برآمد بلند آفتاب
مبارک تر از عید نوروز شد
بیاراست این باغ را چون بهشت
شهنشاه ایران زمین پهلوی
جهانی پراز دانش و داد شد

نهالی که کشتی برومند شد
چه خسی بر آورد گرسرز خواب
شب ما بفرخندگی روز شد
یکی بوستانبان فرخ سرشت
فرازنده افسر خسروی
ز فروی این ملک آباد شد

لوحة دیگر: بر روی لوحه‌ای مرمری در اتاق زیر مجسمه چنین نقر شده است:
 «هنگام ساختمان آرامگاه و مجسمه نادرشاه افشار هیئت مؤسسين انجمن
 آثار ملی عبارت از این اشخاص بوده‌اند: حسین علاء - سید حسن تقی زاده -
 ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) - علی هیئت - علی اصغر حکمت - سبهد امان‌الله
 جهانبانی - دکتر عیسی صدیق - سبهد فرج‌الله آق‌اولی - سر لشکر محمد حسین فیروز -



تصویر دیگری از جلسه انجمن آثار ملی مرکزی وانجمن آثار ملی خراسان
 از راست به چپ - آقای پزشک‌پور (شهردار مشهد) - آقای حبیبی (مدیر کل آموزش
 و پرورش خراسان) - نفر بعد؟ معاون استانداری خراسان و فرماندار مشهد - شادروان
 حسین قدوسی (رئیس اوقاف خراسان) - دونفر بعد؟ آقای اوکتایی رئیس کتابخانه آستان
 قدس رضوی.

دکتر رضازاده شفق- دکتر محمود مهران- اللهیار صالح- دکتر غلامحسین صدیقی- مهندس محسن فروغی- سید محمد تقی مصطفوی.
مقامات و اشخاص مسطور در زیر انجمن آثار ملی را در تهیه قسمتی از اعتبار مورد نیاز آرامگاه و مجسمه یاری کرده‌اند:

وزارت جنگ- وزارت دارائی- وزارت فرهنگ- قاطبه مردم بوسیله بنگاه راه آهن دولتی ایران- علاقه‌مندان مختلف در اکناف کشور بوسیله انجمن آثار ملی و فرهنگ خراسان- اداره کل اوقاف. طراح و سازنده نمونه اصلی مجسمه: استاد ابوالحسن صدیقی. طراح و ناظر ساختمان مهندس هوشنگ سیحون- سازنده بنا شرکت مقاطعه کاری کا-ژ-ت- مفرغ ریزی مجسمه بوسیله کارخانه برونی دررم».

تحويل آرامگاه

بنا به تقاضای شرکت کا.ژ.ت روز سه‌شنبه ۲۵/۳/۵۱۸ (۱۳۳۸ ه.ش.) تحويل موقت بنای اصلی آرامگاه و برج و پایه مجسمه به نمایندگان انجمن آثار ملی انجام گردید و روز پنجشنبه هفدهم اسفندماه ۲۵۲۰ (۱۳۴۰ ه.ش.) تحويل قطعی آرامگاه به آقایان جودت و مهندس سیحون که از طرف انجمن آثار ملی بهمین منظور بمشهد رفته بودند انجام شد.

مجسمه نادرشاه

بموجب قراردادی که در تاریخ چهاردهم آبانماه سال ۲۵۱۵ (۱۳۳۵ ه. ش.) بین انجمن آثار ملی و آقای ابوالحسن صدیقی در ۸ ماده و یک ماده الحاقی بسته شد. استاد ابوالحسن صدیقی متعهد گردید که مجسمه گچی بزرگ آماده برای برنزی گروپ مجسمه نادرشاه افشار را به ابعادی که مقرر شده آماده نماید، ساختن مجسمه بزرگ گچی مبلغ هفتصد و بیست هزار ریال برآورد شده است، ابتدا در نظر بود که مجسمه برنزی در ایران ساخته شود اما بموجب ماده ۴ این قرارداد آقای ابوالحسن صدیقی متعهد گردیده که بلافاصله پس از امضاء قرارداد به ایتالیا مسافرت کند و با کسب اطلاعات در خارج حتی المقدور سعی نماید که مجسمه در ایران ساخته شود. ضمناً در گاه بر اثر مطالعه‌ای که بعمل آورد معلوم شد که موجبات ساخت مجسمه در خارج بهتر میسر است و برآورد هزینه ساخت آن در خارج تفاوت محسوسی با برآوردهایی که در ایران شده ندارد، پس از دریافت گزارش و نظرایشان تصمیم ساختن آن در خارج بنظر انجمن آثار ملی خواهد بود.

طبق این ماده آقای ابوالحسن صدیقی به ایتالیا رفت و در هفتم اسفندماه سال ۲۵۱۵ (۱۳۳۵ ه. ش.) بانجمن گزارش داد که سه مؤسسه در فلورانس و ناپل ورم آمادگی خود را برای ریختن مجسمه گروپ نادر اعلام کرده‌اند و چون مؤسسه Bruni در رم هم مجهزتر است و هم با مبالغ کمتری کار را انجام می‌دهد ارجاع کار به این مؤسسه موافق مصلحت است.

پس از مکاتبات و مشورتهای گوناگون سرانجام در تاریخ ۲۴ آوریل

۱۹۵۸ مطابق با ۴ اردیبهشت ۲۵۱۷ (۱۳۳۷.ش.) بین انجمن آثار ملی ایران از یکطرف و کارخانه ریخته‌گری برونی بنمایندگی (آرتور برونی) از طرف دیگر قراردادی در ۷ ماده منعقد گردید. تعهدات کارخانه عبارت بود از بزرگ کردن ماکتها- گزیده برداری و برنز ریزی مجسمه گروپ سواره نادرشاه طبق نمونه‌ای که استاد ابوالحسن صدیقی می‌دهد مرکب از مجسمه سواره به ارتفاع پنج‌متر از پایه مجسمه تا نوک سر سوار که قاعده آن $4 \times 2/5$ متر می‌باشد (ارتفاع مجسمه اینطور حساب شده که اسب بر روی چهار دست و پا تکیه کرده باشد). سه مجسمه به ارتفاع سه‌متر با قاعده و جدار اتصالی آن- يك نیم تنه برجسته به ابعاد $1/30 \times 1/83$ متر- دو قسمت فرعی عبارت از يك پرچم و يك توپ. اجرای این عملیات طبق مدلهایی خواهد بود که استاد صدیقی خواهد داد و این مدلها و ابعاد آنها حداقل به مقیاس $\frac{1}{4}$ اندازه‌های مذکور خواهد بود. اگر اندیسمان مجسمه سوار با گچ و سه مجسمه دیگر بدو با خاک رس و بعد با گچ قالبگیری خواهد شد. سیستم ریخته‌گری با اصول موم آب شده انجام و اجرا می‌شود. برنزی که بکار برده می‌شود باید از بهترین نوع برای سیستم مذکور باشد و ضخامت متوسط برنز بشرح زیر خواهد بود:

در قاعده مجسمه سواره به ضخامت ۱۰ تا ۱۵ میلیمتر، اسب و سوار به ضخامت ۵ تا ۲۰ میلیمتر، سایر مجسمه‌ها به ضخامت ۴ تا ۸ میلیمتر خواهد بود.

تمامی این مجسمه‌ها در داخل دارای شبکه‌های اتصالی بوده و بدنه‌هایی خواهند داشت که استحکام کامل مجسمه‌ها را تأمین کند، برنرها با رنگ شیمیائی خالص زنگار خواهد شد... و کلیه این کارها باید مورد تصدیق قطعی استاد صدیقی قرار گیرد.

مدت تحویل دو ماه پس از تاریخی خواهد بود که استاد صدیقی ماکتها را تحویل می‌دهد و تأخیر هر هفته جریمه‌ای معادل يك صدم مبلغ کترات خواهد داشت. ضمناً کارخانه تعهد نموده است که برای کمک در نصب مجسمه متخصصی



منظره ای از آرامگاه نادرشاه افشار و مجسمه سواره آنشهریار که به وسیله استاد ابوالحسن صدیقی به سفارش انجمن آثار ملی ساخته شده است

به ایران (مشهد) بفرستد که هزینه سفر او را صاحب کار خواهد داد. بهای کلیه کارهای موضوع قرارداد مبلغ ۲۵۵۰۰۰۰ لیر ایتالیائی تعیین شده و این قیمت برای تحویل دادن مجسمه‌ها در محل کارخانه در شهر رم می‌باشد و شامل هزینه بسته‌بندی نیز هست. در مورد هر گونه اختلاف موضوع به حکمیت هیأتی که از سه تن داور تشکیل می‌شود (یک نفر از طرف هر یک از اصحاب معامله و نفر سوم با موافقت آنها) ارجاع خواهد شد. این قرارداد را شادروانان حسین‌علاء، رئیس هیأت مؤسسين و تیمسار آق‌اولی رئیس هیأت مدیره امضاء کردند.

آقای موسی نوری اسفندیاری سفیر کبیر ایران در ایتالیا به انجمن نوشته‌اند که:

«پنج نسخه قرارداد برنرریزی گروپ مجسمه نادرشاه افشار روز ۲۵ اردیبهشت ۱۳۳۷ به امضای آقای برونی رسید و یک نسخه به ایشان داده شد و یک نسخه در بایگانی سفارت شاهنشاهی در رم ضبط و یک نسخه به استاد صدیقی داده شد و دو نسخه را هم عودت دادم.»

ساخت مجسمه در کارخانه برونی زیر نظر استاد ابوالحسن صدیقی و مراقبت سفارت ایران ادامه داشت، اما بسبب اشکالات فنی انجام کار چند ماهی به تأخیر افتاد و سرانجام در تاریخ ۱۳/۹/۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه. ش.) آقای نوری اسفندیاری سفیر کبیر ایران در ایتالیا اطلاع داد که کار ساختن مجسمه روبه پایان است و ضمناً یادآور شده بود که به پایان مأموریتش چند روز بیشتر نمانده است و مشغول تهیه مقدمات حرکت خود به تهران می‌باشد.

پس از ایشان شادروان جمال امامی بسمت سفیر کبیر ایران در ایتالیا به رم رفت و آن مرحوم نیز مانند سلف خود نهایت همکاری را با انجمن درباره ساخت مجسمه بعمل آورد.

در تاریخ ۳۱ فروردین ۲۵۱۹ (۱۳۳۹ ه. ش.) نامه‌ای از سفارت ایران به

انجمن نوشته شد که برای حمل مجسمه نادر به ایران با مشاوره با آقایان استاد ابوالحسن صدیقی و Marino وکیل مشاور سفارت کبری کمپانی S.A.I.M.A که کمپانی معروفی است و از هر حیث صالح و قابل اعتماد است در نظر گرفته شده و برای حمل مجسمه از رم تا خرمشهر با توجه به کلیه احتیاطهای لازم مبلغ ۴۷۰۰۰۰۰ لیر مطالبه می نمایند. برای بیمه مجسمه نیز با شرکت بیمه *Compania Tirrena* مذاکره شده و شرکت مذکور مبلغ ۳۶۰۰۰۰ لیر برای بیمه مطالبه می کند.

انجمن طی نامه ای با پیشنهادهای آقای جمال امامی سفیر کبیر موافقت نمود و بنحو مذکور عمل شد. در همان تاریخ ۳۱ فروردین آقای دکتر صدیق عضو هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی با هیأتی از استادان و هنرمندان ایران مرکب از آقایان محسن مقدم - مجتبی مینوی - دکتر نگهبان استادان دانشگاه و آقای مصطفوی عضو انجمن آثار ملی و دکتر مهدی فروغ رئیس اداره هنر - های دراماتیک برای شرکت در کنفرانس بین المللی هنر و آثار ایران به آمریکا عزیمت نمودند و ضمن توقف در رم صبح پنجشنبه اول اردیبهشت ماه برای بازدید گروپ مجسمه نادر شاه به کارخانه برونی رفته وضع مجسمه را مورد بررسی قرار دادند.

روز دهم تیر ماه ۲۵۱۹ شش صندوق محتوی قسمتهای مختلف و لوازم مجسمه بوسیله کشتی *Cain charles* از بندر Livorno به سوی ایران حرکت داده شد. این صندوقها عبارت بود از:

۱- صندوق محتوی مجسمه نادر شاه سوار بر اسب و قطعاتی که بعداً باید متصل گردد بوزن تقریبی ۹۰۰۰ کیلوگرم به اندازه های $۲/۵۰ \times ۳/۸۰ \times ۶/۱۰$ متر.

۲- صندوق محتوی سرباز شپورزن بوزن تقریبی ۱۵۰۰ کیلو به اندازه های $۱/۹۰ \times ۲/۱۵ \times ۳/۵۳$ متر.

۳- صندوق محتوی سرباز بیرق‌دار بوزن تقریبی ۱۳۰۰ کیلو به اندازه‌های $۱/۶۳ \times ۲/۰۵ \times ۳/۴۵$ متر.

۴- صندوق محتوی سرباز تفنگ‌دار بوزن تقریبی ۱۳۰۰ کیلو به اندازه‌های $۱/۳۷ \times ۱/۹۸ \times ۲/۹۷$ متر.

۵- صندوق محتوی نیم برجسته آرم نادرشاه و بدنه پشت دوسرباز بوزن تقریبی ۱۰۰۰ کیلو به اندازه‌های $۱/۲۰ \times ۲/۱۵ \times ۳/۵۲$ متر.

۶- صندوق محتوی وسایل کار از قبیل چهارپایه و سه‌پایه و سه صندوق گل و خمیر کار و وسایل دیگر بوزن ۵۰۰ کیلو و به اندازه‌های $۱/۴۰ \times ۲/۴۵ \times ۲/۹۰$ متر. برای حمل مجسمه از خرمشهر به مشهد از ارتش کمک خواسته شده بود و تیمسار سرتیپ کاتوزیان رئیس اداره حمل و نقل (ترابری) ارتش به فرماندهی گردان حمل و نقل سنگین نوشته بود: «دستور دهید یک دستگاه خودرو ام-۵۲ و یک ام-۱۷۲ با راننده و کمک راننده و مکانیسمین بسیار ورزیده تحت سرپرستی و بمسئولیت فرمانده گروهان مربوط به خرمشهر اعزام شوند و بمحض ورود کشتی حامل مجسمه نادرشاه آن را بدقت بارگیری و باربندی نموده و با آهنگ حرکت ۲۰ کیلومتر در ساعت بصوب مشهد حمل نمایند. یک دستگاه جیپ برای فرمانده گروهان و یک دستگاه دوج برای حمل پنج نفر سرباز اسکورت از گروهان سوار در اختیار گرفته با خود رو ام-۵۲ و یک در سکوی نظامی تهران حاضر و با قطار حرکت داده شود.

صندوق محتوی مجسمه نادرشاه با خودرو و سایر صندوقهای محتوی مجسمه‌ها (سرباز شیپورزن، سرباز پرچمدار، سرباز تفنگدار و غیره) با قطار راه آهن از خرمشهر به مشهد بارگیری گردد.

سروان حمید بیگلری افسر حمل و نقل و همراهان روز یازدهم مردادماه به خرمشهر عزیمت نمودند و چون از طرف انجمن آثار ملی و وزارت فرهنگ برای معافیت گمرکی مجسمه اقدامات لازم بعمل آمده و وزارت گمرکات



مجسمه سواره نادرشاه افشار

وانحصارات دستور لازم به گمرک خرمشهر داده بود صندوقها از گمرک تحویل گرفته شد و پنج صندوق بوسیله راه آهن و صندوق بزرگ بوسیله تریلی بسوی مشهد حمل گردید.

روز ۲۸ مردادماه ۱۳۳۹ (ش.ه) مجسمه وارد مشهد شد و در محوطه باغ در محلی که تعیین شده بود قرار گرفت و روز سوم شهریور مجسمه ها در باغ آرامگاه پیاده گردید.

روز ۱۳ شهریور کار بتن ریزی پایه مجسمه به پایان رسید و روز هفدهم آبانماه ۱۳۳۹ (ش.ه) مجسمه بوسیله برونی متخصص ایتالیائی و دو نفر همراهان او که بهمین منظور به مشهد آمده بودند و با حضور استاد ابوالحسن صدیقی بر بالای برج در جای خود قرار گرفت. هزینه های مربوط به ساخت و حمل مجسمه بالغ بر ۸۸۷٫۴۳۰۴ ریال گردید.

موزه‌ها

چنانکه اشاره شد ساختمان آرامگاه علاوه بر قسمت مرکزی که مقبره نادرشاه است مشتمل بر دو تالار موزه نیز هست که یکی موزه سلاح ادوار مختلف تاریخ ایران است و دیگری اختصاص به سلاح و آثار مربوط به دوران نادرشاه دارد. قسمتی از آنچه در این موزه‌ها فراهم آمده بنابر درخواست به خرج انجمن آثار ملی بوسیله ارتش شاهنشاهی تهیه شده و قسمتی در اختیار مؤسسات و افراد بوده که یا به موزه‌های آرامگاه هدیه کرده‌اند و یا بوسیله انجمن آثار ملی خریداری شده است. مثلاً در تاریخ ششم اسفندماه ۲۵۲۵ (۱۳۴۵ ه. ش.) که نمایشگاه عکسهای آثار باستانی توسط تیمسار سپهبد باتمانقلیچ



تصویر نادرشاه در یکی از صحنه‌های نبرد که در موزه آن شهریار نگهداری می‌شود، کار مرحوم میر مصور ارژنگی

استاندار خراسان در آرامگاه نادرشاه افشار افتتاح گردید آقای محمدعلی کاووسی يك قبضه شمشیر به آرامگاه هدیه نمود. طبق اظهارات او این شمشیر فولادینی است که در روز تاجگذاری نادرشاه افشار دردشت مغان از طرف ملت، به شهریار ایران تقدیم شد. روی تیغه آن با طلانوشته شده است:

شاه شاهان نادر صاحبقران گشت سلطان سلاطین جهان

اصالت شمشیر طبق نظر کارشناسان از هر جهت تأیید شده است.

همچنین آقای غلامرضا ریاضی شش قطعه مسكوك بشرح زیر تقدیم آرامگاه نموده اند: مسكوك نرسی يك قطعه - مسكوك ساسانی سه قطعه - مسكوك صفوی دو قطعه. و نیز آقای محمدرضا قزل ایاغ تصویرنادر اهدائی شادروان مظفرالملک را به آرامگاه تقدیم نمود.



مجسمه نیم تنه مرمری نادرشاه

مجسمه نیم تنه مرمری نادرشاه که سابقاً بوسیله استاد صدیقی جهت شادروان صادق صادق (مستشارالدوله) تهیه شده بود و از چندسال قبل متعلق به شهرداری مشهد بود با نظر و موافقت آقای پزشکپور شهردار مشهد به تالار موزه سلاح زمان نادرشاه اختصاص داده شد. همچنین دو قبضه شمشیر آقای کمال گرانسایه که از جدشان به ایشان به ارث رسیده بود خریداری و در موزه ضبط شد. بعلاوه از سلاح ادوار هخامنشی، اشکانی و ساسانی نیز تصاویری مستند و متعدد تهیه گردیده و در تالار موزه سلاح قدیم ایران بوضع مناسبی قرار داده شده است.

اشیائی که در موزه‌های آرامگاه نادر نگاهداری می‌شود عبارتست از:

شماره	شرح	تعداد
۱	زره مشعل‌دار حلقه درشت قد بلند	یکعدد
۲	کلاهخود قلمی مجسمه نشان زره‌دار	«
۳	نیزه کوتاه (شبیه سلاح نادری)	«
۴	گرز کوچک ۶ پر (« «)	«
۵	چکمه زرد افسر نادری	یکزوج
۶	قبای افسر پیاده نظام نادری	یکعدد
۷	قاب عکس افسر نادری	«
۸	عمامه شیرشکری افسر نادری	«
۹	کلاه چهارترك ماهوتی	«
۱۰	بند تیر کمان	«
۱۱	پیکان چوبی	۸ عدد
۱۲	زوبین فولادی طلاکوب	یکعدد
۱۳	نیزه فولادی طلاکوب	«
۱۴	شبیه کمان نادرشاه	«
۱۵	شمشیر تیغه راست با جلد چرمی کهنه	یک قبضه

شماره	شرح	تعداد
۱۶	آئینه فولادی ساده ترنج‌دار پشت	یک عدد
۱۷	آئینه فولادی ساده ترنج‌دار سینه	«
۱۸	آئینه فولادی ساده ترنج‌دار کوچک	۲ عدد
۱۹	سپر پوست کرگدن با قبه مینائی	یک عدد
۲۰	تفنگ زرکوب	یک قبضه
۲۱	باروت‌دان	یک عدد
۲۲	چهار آئینه طلاکوب	«
۲۳	چکمه مشکی سواره نظام‌ناری	یک زوج
۲۴	سپر چرمی قبه فلزی	یک عدد
۲۵	زانوبند آهنی	«
۲۶	بازوبند آهنی	«
۲۷	قاب عکس تصویر سواره نظام‌ناری	«
۲۸	پیراهن ساتن سواره نظام‌ناری	«
۲۹	کلاه‌خود زره‌دار سواره نظام‌ناری	«
۳۰	شلوار ساتن سواره نظام‌ناری	«
۳۱	زره سواره نظام‌ناری	«
۳۲	جلیقه پنبه‌ای سواره نظام‌ناری	یک عدد
۳۳	قبای سرباز پیاده نظام‌ناری	«
۳۴	شلوار « « «	«
۳۵	شال کمر سفید سرباز پیاده نظام‌ناری	«
۳۶	پیراهن سفید سرباز پیاده نظام‌ناری	«
۳۷	تفنگ سنگ چخماق با لوله زرکوب	یک قبضه
۳۸	دبه باروت نقشه‌دار	یک عدد
۳۹	قاب عکس تصویر سرباز پیاده نظام	«
۴۰	خنجر دسته یشم با جلد مخمل	یک قبضه
۴۱	کلاه چهارترک سیاه رنگ	یک عدد
۴۲	تفنگ فولادی با لوله زرکوب	یک قبضه
۴۳	کفش سرباز پیاده نظام با میج‌پیچ	یک زوج

شماره	شرح	تعداد
۴۴	بازوبند آهنی نقشه دار	یک عدد
۴۵	بازوبند آهنی بانقش ترنج دار	«
۴۶	ساعده بند فولادی	«
۴۷	شانه بند فولادی	«
۴۸	شمشیر بلند نوک باریک با جلد کهنه	یک قبضه
۴۹	تبرزین فولادی	یک عدد
۵۰	تبرزین با دسته فولادی نقشه مارپیچ	«
۵۱	تبرزین با دسته فولادی طلاکوب	«
۵۲	سکه های دوران نادر شاه	۱۰ عدد
۵۳	شمشیر کج با دسته زرکوب	یک قبضه
۵۴	قاب قطعه خط محمدرضی	
۵۵	شمشیر فولادی مخصوص نادر	یک قبضه
۵۶	سکه های دوران سامانیان	۶ عدد
۵۷	سرنیزه دو شاخه با دسته	یک قبضه
۵۸	خنجر دوشاخه با جلد آهنی	«
۵۹	کلیشه چوبی صورت نادر شاه	یک عدد
۶۰	شمشیر با غلاف مخمل	یک قبضه
۶۱	تصویر رنگ و روغنی نبرد نادر شاه، با قاب	یک عدد
۶۲	تصویر کوچک نادر شاه	«
۶۳	خمپاره انداز	«
۶۴	لوله توپ نادری	«
۶۵	قالیچه تصویر نادر شاه با قاب	«
۶۶	سپر فولادی	«
۶۷	کلاه خود	«
۶۸	تبرزین	«
۶۹	گرز کله گاوی	«
۷۰	سرنیزه با غلاف	«
۷۱	شمشیر بدون غلاف	یک قبضه

شماره	شرح	تعداد
۷۲	تفنگ کوچک کمری	يك قبضه
۷۳	سرنیزه	«
۷۴	شمشیر بدون غلاف	«
۷۵	باروت دان کوچک	يك عدد
۷۶	باروت دان بزرگ	«
۷۷	خنجر باغلاف	يك قبضه
۷۸	قداره	«
۷۹	تفنگ سرپر باروتی	يك قبضه
۸۰	طپانچه متوسط	«
۸۱	خنجر نولتیز با غلاف	«
۸۲	کارد دسته استخوانی سفید	يك عدد
۸۳	کارد دسته استخوانی شاخ گوزنی	«
۸۴	شلاق دسته چرمی	«
۸۵	رکاب اسب منقش	يك زوج
۸۶	سرنیزه مکشوفه از املش	يك عدد
۸۷	گرز سنگی مکشوفه از لرستان	«
۸۸	سرنیزه بلند دسته دار	«
۸۹	سرگز استخوانی بشکل گلابی	«
۹۰	کارد مفرغی دسته باریک	«
۹۱	سرنیزه دسته دار پهن	«
۹۲	کارد دسته دار	«
۹۳	گرز سنگ مرمر	«
۹۴	سرگز سنگی	«
۹۵	تبر دوسر بزرگ	يك عدد
۹۶	تبر کلنگی مفرغی	«
۹۷	سرتبر	«
۹۸	تبر دوسر کوچک	«
۹۹	تبر تاج خسروی	«
۱۰۰	تیغه کارد	«

شماره	شرح	تعداد
۱۰۱	سرنیزه دسته‌دار	۴ عدد
۱۰۲	کارد دسته‌دار	یک عدد
۱۰۳	کارد مفرغی شکسته	«
۱۰۴	تیغه کارد سردسته کج	«
۱۰۵	سرگز مفرغی	یک عدد
۱۰۶	گرز مفرغی با نقش	
۱۰۷	گرز مفرغی اعلا	«
۱۰۸	گرز مفرغی متوسط	«
۱۰۹	گرز مفرغی لرستان	دو عدد
۱۱۰	گرز از سنگ به شکل سیب	یک عدد
۱۱۱	تبر سردندان‌دار	«
۱۱۲	گرز سنگی	«
۱۱۳	کارد مفرغی	
۱۱۴	سرتیر مفرغی (پیکان)	۱۰ عدد
۱۱۵	سرنیزه آهنی	یک عدد
۱۱۶	سرنیزه باریک	«
۱۱۷	کارد مفرغی	«
۱۱۸	سرتاج خسروی	«
۱۱۹	گرز سنگی	«
۱۲۰	سرنیزه پهن	«
۱۲۱	قاب عکس آلومینیومی بزرگ	۲ عدد
۱۲۲	قاب عکس آلومینیومی کوچک	۱۴ عدد
۱۲۳	مجسمه نیم تنه نادر از سنگ مرمر	یک عدد
۱۲۴	بازوبند فولادی نقش‌دار	
۱۲۵	شمشیر دسته استخوانی	
۱۲۶	شمشیر دسته سیاه	
۱۲۷	خنجر بدون شلاف	

شماره	شرح	تعداد
۱۲۸	قرابینه نقش استخوان	
۱۲۹	زره فولادی	
۱۳۰	شلاق چرمی	
۱۳۱	چارق چرمی	

در کتابخانه آرامگاه نیز در حدود ۲۰۰۰ مجلد کتابهای مختلف فراهم آمده است.

کتابهای مربوط به نادرشاه: بمناسبت ساختمان آرامگاه نادرشاه افشار کتابهای ذیل از طرف انجمن آثار ملی منتشر گردید

- ۱- نبردهای بزرگ نادرشاه بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر
- ۲- شاهنامه نادری تألیف مولانا محمدعلی فردوسی ثانی بتصحیح و تحشیۀ احمد سهیلی خوانساری
- ۳- نادرشاه تألیف شادروان دکتر رضازاده شفق
- ۴- درۀ نادره تألیف میرزا مهدیخان با تصحیح و تحشیۀ دکتر سیدجعفر شهیدی
- ۵- نامه های طبیب نادرشاه ترجمۀ دکتر علی اصغر حریری (با اهتمام حبیب یغمائی)
- ۶- جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدیخان با تصحیح و تعلیقۀ سیدعبدالله انوار
- ۷- نادرنامه تألیف شادروان محمدحسین قدوسی^۱

۱- شادروان محمدحسین قدوسی صاحبمنصب بازنشستۀ فرهنگت خراسان از سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه.ش.) با سمت دبیرانجمن آثار ملی بخدمات ملی واجتماعی افتخاراً ادامه داده باعلاقه وشوق سرشار در ترمیم و تعمیر ابنیه تاریخی خراسان کوشا بود و کتاب نادرنامه را نیز تألیف نمود. وی روز ۲۵ فروردین ماه ۲۵۲۱ (۱۳۴۱ ه.ش.) هنگام خروج از باغ نادری دچار سکتۀ قلبی گردیده در گذشت. رحمه الله علیه.

فرشهای آرامگاه: برای آرامگاه نادر دو قطعه فرش نفیس در کارخانه صابر واقع در مشهد تهیه شده، یکی يك قطعه فرش حاشیه قلمدانی به ابعاد ۷×۴ و دیگر قالی متن افشان به ابعاد $۳/۴۵ \times ۲/۱۰$.

درآمد و هزینه

چنانکه پیش از این ذکر شد برای مخارج ساختمان آرامگاه و بنای مجسمه نادر شاه افشار وزارت جنگ، وزارت فرهنگ، شهرداری مشهد، استانداری خراسان و انجمن آثار ملی مشهد و چند سازمان دیگر هریک سهمی بعهده گرفته بودند و انجمن آثار ملی به اتکاء آن تعهدات آغاز به کار کرده بود. لیکن در عمل چون از طرفی بسبب سستی زمین آرامگاه تعبیه رادیه ژنرال لازم می نمود و از طرف دیگر ساختن مجسمه بصورت گروپ مجسمه نادر در خارج از کشور مخارج تازه ای پیش آورد و بعلاوه همه مبالغ تعهد شده هم به انجمن نرسید ناگزیر انجمن از دولت درخواست کرد تا برای تأمین این کسر هزینه به بهای بلیط راه آهن تهران به مشهد و بالعکس مبلغی بعنوان کمک به ساختمان آرامگاه نادر شاه افزوده شود و هیأت وزیران در جلسه مورخ $۲۵۱۶/۹/۱۳$ (۱۳۳۶ ه. ش.) تصویب نمودند که بمنظور ساختمان آرامگاه نادر شاه توسط انجمن آثار ملی از هر مسافر خط آهن مشهد که با درجه يك مسافرت می نماید معادل سی ریال، از درجه ۲ بیست ریال و از درجه ۳ ده ریال علاوه بر بهای بلیط مسافرت از تاریخ اول دیماه ۱۳۳۶ (۱۳۳۶ ه. ش.) تا مدت دو سال اخذ و بمنظور ساختمان آرامگاه در اختیار انجمن آثار ملی گذارده شود. این تصویب نامه بعداً به درخواست انجمن آثار ملی و تصویب دولت برای یک سال دیگر از تاریخ $۲۵۱۸/۱۰/۱$ تا $۲۵۱۹/۹/۳۰$ (۱۳۳۸/۱۳۳۹ ه. ش.) تمدید شد و بدین ترتیب انجمن توانست کارهای مربوط به آرامگاه را به انجام رساند.

استانداری خراسان و انجمن آثار ملی مشهد نیز برای تأمین سهمیه خود

کارتهای مصوری به بهای ۱۰۰۰ - ۵۰۰ - ۱۰۰ - ۵۰ و ۱۰ ریال تهیه و بین کلیه استانداردها و فرماندارها توزیع نمود و جوهری را که از این راه بدست آورد در اختیار انجمن آثار ملی نهاد.

جوهری که از طرف مقامات مختلف برای تأمین مخارج آرامگاه پرداخته شده از اینقرار است:

وزارت جنگ	۶۰۰۰۰۰ ریال
وزارت فرهنگ	۱۱۹۵۱۰۰۰ «
انجمن آثار ملی خراسان	۳۱۸۰۰۰۰ «
بنگاه راه آهن دولتی	۲۲۳۷۱۰۰۰ «
وزارت دارائی	۱۱۷۹۸۰۰۰ «

جمع ۵۵۳۰۰۰۰ ریال

و هزینه‌ها از اینقرار بوده است:

هزینه بنای آرامگاه و پایه مجسمه	۲۸۰۶۰۲۸۰ ریال
هزینه‌های مربوط به محوطه آرامگاه	۱۵۰۸۲۹۹۷ «
دستمزد و حق‌النظاره	۲۰۳۲۲۹۲ «
هزینه‌های مربوط به ساخت و حمل مجسمه	۴۳۰۴۸۸۷ «
هزینه‌های متفرقه	۴۱۴۸۹۲۹ «
هزینه تهیه و طبع کتب	۱۷۰۰۰۰ «

جمع ۵۵۳۲۹۱۷۵ ریال

یادآوری این نکته لازم می‌نماید که مساعدتهای بیدریغ و همکاریها و همگامیهای آقای دکتر منوچهر اقبال نخست وزیر وقت در فراهم آوردن وجوه لازم و وسائل کار ساختمان آرامگاه و مجسمه نادرشاه وحل و رفع مشکلاتی که پیش می‌آمده بسیار مؤثر بوده است و خود و اعضاء دولت ایشان از هیچگونه همراهی و معاضدت دریغ نکرده‌اند.

کشایش آرامگاه

روز دوشنبه دوازدهم فروردین ماه ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه.ش.) اعلیحضرت همایون شاهنشاه آرامگاه نادرشاه را افتتاح فرمودند. ساعت ده و پانزده دقیقه موکب ملوکانه به محل آرامگاه رسید. ابتدا تیمسار سپهبد آقا ولی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بعرض رسانید:

اعلیحضرتا:

بزرگداشت مفاخر ملی ایران و تجلیل از خدمات فرزندان درگذشته این کشور کهن سال یکی از هدفهای دیرین و دائمی اعلیحضرت همایون شاهنشاه است، شهریاری که خود از عنفوان جوانی تحمل همه نوع فداکاری و از خود گذشتگی را در راه عظمت میهن و رفاه مردم نموده آبادانی کشور چند هزار ساله و آسایش ملت ایران و حفظ تمامیت این سرزمین و پیشرفت مادی و معنوی ساکنین آنرا وجهه همت خویش ساخته است بیش از هر فرد دیگری خدمات مردان فداکار میهن عزیز را دریافت و ارج نهاده است و همین عنایات شاهانه موجب تهییج حس غرور ملی و افزونی شوق به جانبازی و جان نثاری برای عظمت ایران و



اعلیحضرت همایونی بهنگام استماع گزارش کارهای آرامگاه نادر

پاس افتخارات تاریخی آنست.

برای تأمین چنین نظریاتی بود که در سالهای اولیه سلطنت خود فرمان به تشکیل مجدد انجمن آثار ملی که پس از برگزاری جشن هزاره ساله حکیم ابوالقاسم فردوسی عملاً فعالیتی نداشت فرمودند و در نتیجه اوامر شاهانه احداث آرامگاه شیخ الرئیس ابوعلی سینا و مجسمه او و برگزاری مراسم هزاره آن حکیم و همچنین بنای مجدد مناسبی بر تربت شیخ سعدی و تهیه مجسمه وی بوسیله انجمن آثار ملی عملی گردید.

چند سال پیش نیز مقرر فرمودند از سردار دلآوری که ایران را در تاریخ ترین لحظات از خطر اضمحلال و انقراض نجات بخشیده و باوج عظمت و سربلندی رسانید و در این محل روی در نقاب خاك كشیده است تجلیل شایسته بعمل آید و آرامگاهی متناسب شأن و مقام وی بسا پیکری (مجسمه ای) از آن فرزند رشید میهن ساخته و پرداخته گردد زیرا خوابگاه شهریاری که رفتاروی نسبت بدشمنان در عین نیرومندی و پیروزی توأم با نهایت گذشت و مهربانی بود و از طرف دیگر تاریخ او را آخرین فاتح آسیا دانسته نبوغ فرماندهیش مورد ستایش شخصیت نظامی مانند ناپلئون بناپارت واقع شده بود وضع نامناسب داشت که شایسته مقام وی نبود و شاهنشاه و ملت حق شناس و میهن پرست ایران روا نمی دانستند آرامگاه چنان سه سالاری بدانصورت باقی بماند.

انجمن آثار ملی که مأموریت اجرای این فرمان مبارك را یافته بود پس از تهیه طرح بنا بوسیله مهندس هوشنگ سیحون و طرح مجسمه بوسیله استاد ابوالحسن صدیقی و تأیید شورای دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران چگونگی را بعرض پیشگاه مبارك رسانید و با تصویب ذات شهریاری بنیادی نهاده شد که مظهر تصمیم و اراده اعلیحضرت همایون شاهنشاه و متناسب با روح سلحشور و پایدار و شخصیت سربازی استوار نادرشاه افشار باشد.

ساختمان آرامگاه علاوه بر قسمت مرکزی که خوابگاه ابدی شهریار نیرومند ایرانست مشتمل بر دو تالار موزه نیز هست که یکی موزه سلاح ادوار مختلف تاریخ ایران و دیگری مختص سلاح و آثار مناسب دیگر مربوط بدوران نادرشاه افشار می باشد و ضمناً فضای زیر برج پایه مجسمه برای محل دفتریاد بوداختصاص یافته بناهای جداگانه ای نیز برای محل پذیرائی و سکونت پاسداران و نگهبانان و جایگاه موتور برق و نیازمندیهای دیگر ساخته و آماده گشته است.

توأم با ساختمان بنای آرامگاه کتب مختلف حاوی سرگذشت عبرت انگیز

نادرشاه و تاریخهای چندی که در زمان او نگارش یافته است بوسیله استادان و محققین دانشمند به سفارش و هزینه انجمن آثار ملی تألیف و چاپ گشته دوره کامل آن مشتمل بر هفت جلد از راههای مناسب در اختیار دانش پژوهان و علاقمندان گذارده شده است.

ایرانیان با آشنائی باندیشه‌های بلند و حکیمانه شاهنشاه خود بدین حقیقت پی‌می‌برند که آنچه سبب استحکام سازمان اداری اجتماع و بقا و تعالی يك ملت و جامعه میتواند بود ایجاد حس تشویق و قدرشناسی است. اجتماعات بشری که بذروه کمال رسیده‌اند بهمین نکته توجه داشته‌اند که ارزش خدمات افراد خدمتگزار را در دقایق حساس تاریخ حیات و زندگانی خویش فراموش نکنند و حس تشخیص خود را با بروز چنین لحظات ظاهر ساخته‌اند. اکنون با سپاسگزاری از مراحم و عنایات شاهانه که موجب اصلی این خدمت بوده است گزارش کار ساختمان آرامگاه و مجسمه نادرشاه و اقدامات مربوط بآنرا بطور اختصار بشرف‌عرض پیشگاه مبارک میرساند:

مجموع فضای باغ و ابنیه آرامگاه ۱۴۴۰۸ مترمربع

آنچه زیربنای اصلی آرامگاه و مجسمه قرار گرفته است ۱۳۰۷/۵۵ مترمربع مساحتی که زیر ابنیه تابعه مشتمل بر اطاق پذیرائی و منزل پاسداران و نگهبان

و محل موتور برق واقعست ۳۷۷/۳۵ مترمربع
مجموع هزینه کلیه بناها و مجسمه و کتب مربوط بنادرشاه که بمناسبت احداث

آرامگاه تدوین شده و بچاپ رسیده است ۵۵،۳۰۰،۰۰۰ ریال

وجوهی که از طرف مقامات مختلف برای تأمین مبلغ فوق پرداخت شده بشرح ذیل است:

وزارت جنگ ۶۰۰،۰۰۰ ریال

وزارت فرهنگ ۱۱،۹۵۱،۰۰۰ ریال

انجمن آثار ملی خراسان از محل توزیع و فروش برگهای مصور مخصوص در تمام کشور ۳،۱۸۰،۰۰۰ ریال

عوارض مخصوص بانجمن آثار ملی که بوسیله بنگاه راه‌آهن دولتی از مسافران تهران مشهد و بالعکس فراهم آمده است ۲۲،۳۷۱،۰۰۰ ریال

وزارت دارائی ۱۱،۷۹۸،۰۰۰ ریال

اینک بنام و نمایندگی انجمن آثار ملی از پیشگاه ملوکانه استدعا میشود اجازه فرمایند بنای آرامگاه رسماً افتتاح یابد و با تشریف فرمائی و ملاحظه خدمات انجام یافته

موجبات افتخار و سپاسگزاری روزافزون انجمن آثار ملی را فراهم فرمایند.»

آنگاه شاهنشاه فرمودند:

«در مقابل مقبره شخصی بزرگ و شاهنشاه توانایی مانند نادر وظیفه خود می‌دانم که اصولاً وظایف افراد را نسبت به بزرگان قوم متذکر شوم. مردم باید بکوشند تا به بزرگان قوم خود و گذشتگان مملکت خود با نظر احترام بنگرند. ما باید به پادشاهان بزرگ با نظر تکریم و احترام نگاه کنیم. این بنای بزرگ یکی از یادگارهای خوبی است که بعنوان حق‌شناسی برای یکی از سرداران بزرگ ایران بنا شده و امیدوارم این روح حق‌شناسی همواره در وجود همه ما باقی بماند. صحبت از یک سردار بزرگی مانند نادر مرا بیاد قوای تأمینیه کشور می‌اندازد، اما امروز قوای تأمینیه مملکتی در عصر ما جنبه دیگری دارد و به اصطلاح جنبه فنی پیدا کرده است. امروزه صحبت همه جا از کارهای فنی است.

با وجودی که تمام صحبت‌ها امروزه در اطراف خلع دوره‌ی زند و با وجود تلاشی که برای حفظ صلح بعمل آمده است مع ذلک تا روزی که دنیا به این مرحله نرسیده است وظیفه ما این است که برای دفاع خودمان وسائل لازم را داشته باشیم، امروزه این وسائل جنبه فنی پیدا کرده و باید از افراد خود کم کنیم و به افراد فنی اضافه کنیم...

امیدوارم که انجمن آثار ملی روز بروز در حفظ آثار این مملکت موفق‌تر بوده باشد و بناهایی در هر نقطه این کشور مانند اینگونه بنا به یادگار باقی بگذارند.»

سپس شاهنشاه با قطع نوار سهرنگ آرامگاه را افتتاح کردند و پس از توقف کوتاهی بر مزار نادر به بازدید قسمت‌های مختلف آرامگاه پرداختند و در پایان پس از امضاء دفتر یادبود آرامگاه مقارن ساعت یازده صبح محل آرامگاه نادر شاه را ترک فرمودند.

لوله توپ کنار آرامگاه

در سی و پنجمین سال شهریارى شاه عباس بزرگ، سپاهیان ایران



اعلیحضرت همایونی در مقابل قبرنادرشاه

بفرماندهی امامقلیخان سردار نامی و فرمانفرمای فارس طی پیکارهای سخت چند ماهه (از بهمن ماه ۲۱۸۰ شاهنشاهی تا اردیبهشت ماه ۲۱۸۱ شاهنشاهی برابر با بهمن ماه ۱۰۰۰ تا اردیبهشت ماه ۱۰۰۱ خورشیدی و ربیع الاول تاجمادی الثانی ۱۰۳۱ هجری و فوریه تا آوریل ۱۶۲۲ میلادی) با فداکاری و پایمردی فراوان، بیگانگان و متجاوزین به خاک میهن عزیز را از جزیره هرمز و دژ نظامی بس مستحکم آنجا (بنام دژ البوکرک) بیرون راندند و پرچم دولت پرتقال را که بیش از یک قرن بر فراز دژ نامبرده برافراشته بود برای همیشه فرود آوردند. پس از سقوط دژ پنجاه توپ بزرگ برنجی و تعداد بیشتری توپهای دیگر و زنبورک و منجنیق که در آنجا موجود بود بدست سپاهیان ایران افتاد که آنها را به بندر گمبرون (بندرعباس) ولار و شیراز حتی اصفهان و بغداد فرستادند و از آنجمله هفتاد عراده توپ بزرگ و کوچک در میدان نقش جهان اصفهان تا



لوله توپ کنار آرامگاه

مهران نیابت تولیت آستان قدس رضوی. ۳- تیمسار سرلشکر سردادور فرمانده
لشکر ۱۲ خراسان. ۴- آقای فقیه زاده رئیس دادگستری خراسان. ۵- آقای
حبیبی مدیر کل فرهنگ استان نهم. ۶- آقای حجت فرماندار مشهد. ۷- آقای
پزشکپور شهردار مشهد. ۸- آقای عضدی رئیس بانک ملی مشهد و خزانه دار
انجمن. ۹- آقای فائضی رئیس اوقاف خراسان. ۱۰- آقای محمود فرخ.
۱۱- شادروان دکتر علی اکبر فیاض. ۱۲- آقای ابوالقاسم نوید حبیب اللهی.
۱۳- آقای علی اکبر گلشن آزادی. ۱۴- آقای محسن طاهری. ۱۵- آقای عبدالعلی
اکتایی. ۱۶- آقای محمد طاهر بهادری. ۱۷- شادروان محمد حسین قدوسی.



آرامگاه حکیم سرخس

خیام

خواجه امام حجة الحق ابو الفتح عمر بن ابراهيم خيامی نیشابوری معروف به حکیم عمر خیام^۱ از ریاضی دانان، حکما و شاعران بزرگ ایران است. خیام بین سالهای ۴۳۰ و ۴۴۰ دیده به جهان گشود، از دوران جوانی و تحصیلات او اطلاع صحیحی در دست نیست و آنچه مسلم است وی در حکمت، ریاضی، نجوم و پزشکی از سرآمدان روزگار خود بوده است. در سال ۵۴۶۷. ق ملکشاه سلجوقی خیام را با چند تن دیگر از دانشمندان بنام آن روزگار چون ابوالمظفر اسفزاری و میمون بن نجیب واسطی و ابوالعباس لوکری به اصلاح تقویم مأمور ساخت. نوشته اند که: «نظریات خیام برای اصلاح تقویم حتی از تقویم فعلی اروپا که موسوم به تقویم گریگوریست صحیح تر است، چه تقویم گریگوری در طول ۲۳۲۰ سال يك روز خطا می کند و تقویم خيامی در ۳۷۷۰ سال يك روز خطا می کند.»^۲ خیام با همکاری ابوالفتح عبدالرحمن المنصور الخازنی و دیگر دانشمندان رصدی برای ملکشاه ترتیب دادند که مال بسیار بر آن خرج شد و تا سال ۴۸۵ یعنی سال وفات ملکشاه دایر بود و پس از آن متروک شد.^۳ رساله.

-
- ۱- قدیمترین مأخذی که در آنها ذکری از خیام شده غیر از نامه سنایی به خیام به ترتیب عبارتست از: چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی- مرصادالعباد شیخ نجم الدین ابوبکر رازی معروف به هدایه- نزهة الارواح و روضة الافراح فی تواریخ حکماء المتقدمین والمتأخرین از شمس الدین محمد بن محمود الشهرزوری- کامل التواریخ ابن اثیر- تاریخ- الحكماء قاضی اکرم جمال الدین ابوالحسن علی بن یوسف القفطی- آثار البلاد و اخبار العباد زکریا بن محمد بن محمود القزوینی- جامع التواریخ رشید الدین فضل الله وزیر- فردوس التواریخ ابرقوهی- تاریخ الفی از احمد بن نصر الله تتوی هندی (حواشی چهارمقاله قزوینی).
 - ۲- از یادداشت های دهخدا در ذیل خيامی (حاشیه). ۳- کامل ابن اثیر، ذیل وقایع سال ۴۶۶۷.

هایی که در علوم ریاضی از خيام بازمانده مانند رساله جبر و مقابله و رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس و رساله حل يك مسأله جبری بوسیله قطوع مخروطی، همه دلایل بارزی است بر تبهر و استادی خيام در علوم ریاضی. نوشته اند که از بیست و يك قسم معادلات جبری که خيام ذکر کرده ده قسم آن را خود او وضع و حل کرده است.^۱

چنانکه اشاره شد خيام در پزشکی نیز از سرآمدان روزگار خود بوده و نوشته اند که سنجر پسر ملکشاه بیماری آبله داشت و خيام را برای معالجه او برگماشتند.

ابوالحسن علی بن زید بیهقی که خود خيام را در ایام جوانی ملاقات کرده او را تالی ابوعلی در اجزاء علوم حکمت دانسته و نوشته است که خيام در لغت و فقه و تواریخ نیز عالم بود و در حکمت و ریاضیات و معقولات آگاه ترین کسان بود.^۲

خيام در روزگار خود نیز مورد احترام پادشاهان و بزرگان و دانشمندان بود و با سلاطین و رجال دوره سلجوقی چون ملکشاه و خواجه نظام الملك و دانشمندانی چون غزالی مراوده داشت. حکیم و عارف بزرگ سنائی غزنوی وی را پیشوای حکیمان می دانسته و به وی نوشته است: «... چون این نبشته بدان پیشوای حکیمان رسد، در حال به ذوالفقار زبان حیدوار سرهوشان بردارد، و به دره صلابت عمری بنیت نیت ایشان ذره ذره کند تا از ننگ رنگ و چنگ نیرنگ خویش باز رهند»^۳. و مضامین و عبارات مختلف همین نامه حرمت خيام را در دیار خود بخوبی آشکار می سازد.

اما شهرت فوق العاده خيام در قرن اخیر در مشرق زمین و اروپا و آمریکا

۱- مجله شرق، سال اول، ص ۴۸۰، مقاله شادروان عباس اقبال.

۲- تاریخ ادبیات در ایران، ص ۵۲۴.

۳- مکاتیب سنائی بکوشش نذیر احمد استاد دانشگاه علیگر هندوستان، نامه هشتم، ص ۷۶.

بیشتر بسبب رباعیات حکمت آمیزی است که از وی بازمانده است. شادروان علامه قزوینی در حواشی چهارمقاله درباره رباعیات خیام آورده است که: «رباعیات عمر خیام علاوه بر اینکه بکرات و مرآت در ایران و هندوستان بطبع رسیده است، به بسیاری از السنه اروپا نیز از لائن و فرانسه و انگلیسی و آلمانی و ایتالیائی و دانمارکی ترجمه شده و مرآت عدیده چاپ شده است و شهرت خیام در اروپا و مخصوصاً در انگلستان و آمریکا بمراتب بیشتر از شهرت او در وطن خود؛ یعنی ایران می باشد و علت عمده این اشتها فوق العاده، آنست که یکی از مشاهیر و اعظم شعراء انگلیس موسوم به ادوارد فیتزجرالد^۱ رباعیات خیام را باشعار انگلیسی که در نهایت سلاست و عذوبت است و در فصاحت و بلاغت معنی، تقریباً معادل اصل فارسی آنست ترجمه نموده و در سنه ۱۸۵۹ در لندن منتشر ساخت و این ترجمه چنان مطبوع طباع خواص گردید و چندان قبولیت عامه بهمرسانید که پس از آن چندین مرتبه... در انگلستان و آمریکا طبع شد و نسخ آن بزودی تمام گردید و جمع کثیر از ادباء و فضلا بترجمه رباعیات او پرداختند و بسیاری دیگر بتقلید و سبک رباعیات خیام رباعیات ساختند و طبع نمودند به اندازه ای که می توان گفت از حیز احصاء بیرون است و اکنون در انگلستان و آمریکا (ادبیات عمری) خود طریقه و سبک مخصوص از ادبیات و اشعار گردیده است...». درباره رباعیات خیام بسیاری از خاورشناسان چون کریستن سن دانمارکی، ژوکوفسکی خاورشناس روسی، فردریک روزن و غیره^۲ و دانشمندان ایرانی چون شادروانان محمدعلی فروغی و دکتر قاسم غنی و همچنین سعید نفیسی و دیگران تحقیقات فراوان کرده اند. غیر از رباعیات اشعار دیگری نیز به عربی و فارسی به خیام نسبت داده اند. آنچه از آثار خیام

1- Edward Fitzgerald.

۲- رجوع شود به کتاب نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او، بقلم یکانی، ص ۱۱۱

تاکنون پیدا شده و نسخی از آنها در دست می‌باشد^۱ عبارتست از:

- ۱- رساله فی براهین الجبر والمقابلہ.
- ۲- رساله فی شرح ما شکل من مصادر کتاب اقلیدس.
- ۳- رساله در علم کلیات یا رساله وجودیه (فارسی).
- ۴- رساله فی الکون والتکلیف.
- ۵- ترجمه خطبة الغراء ابن سینا (فارسی).
- ۶- رساله فی الوجود.
- ۷- رساله در سه مسأله.
- ۸- رساله الضیاء العقلی فی موضوع العلم الکلی.
- ۹- رساله فی الاحتمال لمعرفة مقداری الذهب والفضة فی جسم مرکب منهما.
- ۱۰- نوروزنامه (فارسی).
- ۱۱- رساله در بیان زیج ملکشاهی.
- ۱۲- رساله در حل یک مسأله جبری.
- ۱۳- رساله لوازم الامکنه.
- ۱۴- رساله در صحت طرق هندی برای استخراج جذر و کعب.
- ۱۵- رساله مشکلات الحساب.
- ۱۶- رساله در طبیعیات.
- ۱۷- رساله نظام الملك راجع به حکومت.
- ۱۸- مجموعه نامه‌ها.
- ۱۹- رباعیات.
- ۲۰- قطعات شعر فارسی و عربی.

درباره درگذشت خیام ابوالحسن علی بن زید بیهقی گوید: «داماد خیام امام محمدالبغدادی برایم حکایت کرده است که خیام با خلای زین دندان

۱- تفصیل را رجوع شود به مأخذ سابق، ص ۲۹۲ تا ص ۲۹۶.

پاك می‌کرد و سرگرم تأمل در الهیات شفا بود، چون به فصل واحد و کثیر رسید خلال را میان دو ورق نهاد و وصیت کرد و برخاست و نماز گزارد و هیچ نخورد و هیچ نیشامید و چون نماز عشاء بخواند به سجده رفت و در آن حال می‌گفت: خدایا بدان که من ترا چندانکه میسر بود بشناختم، پس مرا بیمارز، زیرا شناخت تو برای من بمنزله راهیست بسوی تو، و آنگاه بمرد.^۱»

درگذشت خیام را به سال ۵۱۷ هجری قمری نوشته‌اند.

قبر خیام

پس از درگذشت حکیم عمر خیام جسد آن بزرگ را در گورستان حیره نیشابور نزدیک مزار امامزاده محمد محروق از اعقاب امام زین العابدین (ع) امام چهارم شیعیان ب خاک سپردند. قدیمترین مأخذی که در آن از گور خیام سخن رفته چهارمقاله نظامی عروضی است. نظامی عروضی که در سال ۵۰۶ ه. ق در بلخ در کوی برده فروشان در خانه امیر ابوسعید جره ب خدمت خیام رسیده نوشته است که:

«... در میان مجلس عشرت از حجة الحق عمر شنیدم که او گفت: «گور من در موضعی باشد که هر بهاری شمال بر من گل افشان می‌کند» مرا این سخن مستحیل نمود و دانستم که چنوبی گزاف نگوید. چون در سنه ثلاثین به نیشابور رسیدم چهار (چند) سال بود تا آن بزرگ روی در نقاب خاک کشیده بود. آدینه‌ای به زیارت او رفتم و یکی را با خود ببردم که خاک او بمن نماید. مرا به گورستان حیره بیرون آورد، و بردست چپ گشتم، در پایین دیوار باغی خاک او دیدم نهاده، و درختان امرود و زردآلو سراز آن باغ بیرون کرده، و چندان برگ و شکوفه بر خاک او ریخته بود که خاک او در زیر گل پنهان شده بود و مرا یاد آمد آن حکایت که به شهر بلخ از او شنیده بودم. گریه بر من افتاد

۱- بنقل از تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۵۲۵.

که در بسیط عالم و اقطار ربع مسکون اورا هیچ جای نظیری نمی‌دیدم. ایزد تبارک و تعالی جای او درجنان کناد بمنه و کرمه».

باحمله فجیع مغول به نیشابور و کشتار عمومی مردم آن شهر بناها ویران شد و گورستانها نیز خراب و پایمال گردید. پس از فتنه مغول نخستین بار در زمان سلطان حسین بایقرا بقعه امامزاده محروق تجدید بناشد و در زمان شاه طهماسب صفوی ایوان جلو بقعه و غرفه‌های اطراف احداث گردید و یکی از آن غرفه‌ها در جهت شرقی بنای امامزاده محل قبر حکیم عمر خیام بود و قبر بصورت مکعب مستطیل با آجر و گچ در وسط غرفه قرار داشت.

از حدود يك قرن پیش برخی از خارجیان به زیارت قبر خیام رفته و درباره آن مطالبی نوشته‌اند. از آنجمله است مستر سیمپسن عضو کمیسیون سرحدی افغان در ایران که در اکتبر سال ۱۸۸۴ به نیشابور رفته و مرقد خیام را دیده و پس از مقدمه‌یی نوشته است: «... خلاصه، از صحن بهرواقی که مقبره امامزاده (محمد محروق) در آنجا واقع است بالارفتیم. مهماندار ما بطرف دست‌چپ برگشت. در یک زاویه ملاحظه شد که مقبره خیام واقع است. سقف آن بسیار خشن و ناهموار و دارای سه هلالی است. و دیواره و سقف گچ کاری شده ولی گچ جابجا ریخته است. بنایی که روی قبر می‌باشد عبارتست از مربعی مستطیل که از آجر و گچ ساخته شده و هیچگونه زینت و آرایشی ندارد. اگر مقبره عمر خیام خیلی پریشان و خرابست؛ ولی گویا در همین نزدیکیها مرمتی در آن شده است و از اینجا معلوم می‌شود که اهل نیشابور بکلی عمر خیام را فراموش نکرده‌اند».

سیاستمدار معروف انگلیسی لرد کورزون (Lord Curzon) در کتاب مسائل ایران و ایرانیان (Persia and Persian Question) نوشته است: «قبر شاعر منجم ایرانی، عمرالخیامی که نام و آثار او به‌نسل حاضر با

قلم دایمانه فیتزجرالد و نوشته‌های بعضی دیگر از شعرا و مترجمان مادون او شناسانده شده، در نیشابور است.

... می‌ترسم که حال پریشان قبری که من در نیشابور دیدم: انگلیسیانی را که حیران ده‌های خیام هستند بسیار متأثر سازد. این مزار که روزگاری با جدولهای آب و باغچه‌های پراز گل آراسته بوده، امروز در وسط باغ‌مروکی است که با علفهای هرزه مستور است. روی این قبر چیزی که نام و نشان و شهرت و شأن شاعر را نشان دهد هرگز و بهیچوجه مشهود نیست...».

چنانکه پیش از این شرح داده‌ایم^۱ در سال ۲۴۹۳ (۱۳۱۳ ه. ش.) مراسم جشن هزاره فردوسی در تهران و طوس برگزار گردید، و چون پیش‌بینی می‌شد که خاورشناسان و دانشمندانی که به طوس مسافرت می‌کنند و طبعاً از نیشابور می‌گذرند به زیارت عمر خیام هم خواهند رفت لذا انجمن آثار ملی بر آن شد که بر مزار او آرامگاهی بنا کنند، و چون وقت کافی درپیش نبود با شتاب ساختمان سنگی روبازی در محل غرفه قبر خیام ایجاد شد. این ساختمان که در مشرق بارگاه امامزاده محمد محروق در زیر آسمان قرار داشت عبارت بود از دو ایوان بالا و پایین و دیواره کوتاه سنگی از سنگ خلیج مشهد در اطراف محل قبر، روی قبر که سه چهار متر از دیوار بقعه امامزاده فاصله داشت ستونی قرار داده شده و این رباعی از ملک الشعراء بهار با خط خوش بر آن منقوش بود:

بر تربت خیام نشین کام طلب	یک لحظه فراغ از غم ایام طلب
تاریخ بنای بقعه‌اش گر خواهی	کام دل و دین ز قبر خیام طلب

۱۳۱۳

آرامگاه جدید خیام

از همان سال ۲۴۹۳ (۱۳۱۳ هجری شمسی) که آرامگاه خیام گشایش

۱- رجوع شود به صفحه ۵۲ همین کتاب.



آرامگاه سابق حکیم عمر خیام

یافت علاقه‌مندان به‌خیام و مردم صاحب‌نظر آن را در خورشان و مقام خیام نمی‌دانستند و بخصوص پس از بنای آرامگاه ابن سینا و سعدی و شروع به‌ساختن آرامگاه نادر پیوسته از اولیای امور و انجمن آثار ملی می‌خواستند که بنایی متناسب با مقام خیام بر تربت او بنیاد نهاده شود. آقای فاضلی رئیس فرهنگ نیشابور از سال ۱۳۳۳ ه. ش. با ارسال گزارشها و نامه‌هایی به‌استاندار خراسان و وزارت فرهنگ و انجمن آثار ملی پیوسته تقاضای مردم و زائران مزار خیام را درباره‌ی بنای آرامگاه آن بزرگ اظهار می‌داشت و در تیرماه ۱۳۳۵ ه. ش. آقای رام استاندار خراسان از انجمن آثار ملی درخواست کرد که نقشه‌ی آرامگاه خیام و عطار تهیه شود و پس از آن آقای رضا جعفری استاندار و رئیس انجمن آثار ملی خراسان به‌انجمن آثار ملی نوشت که در سفر نیشابور آرامگاه خیام بازدید شد، این بنا بهیچوجه متناسب با شأن و مقام آن حکیم نیست و درخواست کرد که برای تجدید بنای آرامگاه خیام که از هر حیث

مناسب باشد اقدام و بذل توجه شود. در نامه‌هایی که پس از آن از مقامات اداری و رسمی خراسان و نمایندگان آن استان در مجلس شورای ملی و مجلس سنا به انجمن آثار ملی می‌رسید درخواست می‌شد که نقشه اساسی بنای آرامگاه خیام تهیه و هزینه ساختمان آن برآورد شود تا مردم خراسان نیز بسهم خود در این امر مهم ملی شرکت جویند.

در آبان‌ماه سال ۲۵۱۵ (۱۳۳۵ ه. ش.) انجمن آثار ملی به استاندار خراسان اطلاع داد که از چندی قبل جهت تهیه نقشه متناسب برای آرامگاه خیام و بقعه عطار و آرامگاه کمال‌الملک اقدام شده و پس از خاتمه امر نسبت به ارسال آن به استانداری و انجمن آثار ملی خراسان اقدام خواهد شد.

نقشه بنا

در مردادماه ۲۵۱۵ (۱۳۳۵ ه. ش.) از طرف انجمن آثار ملی به مهندس سیحون استاد دانشگاه تهران نوشته شد که طبق گزارشهای رسیده وضع ساختمان آرامگاه عمر خیام بسیار نامناسب می‌باشد و انجمن در نظر دارد در این مورد اقداماتی بعمل آورد، نقشه و طرح لازم را تهیه نموده با انجمن در این مورد همکاری نمائید و در آذرماه همان سال مجدداً از طرف انجمن به مهندس سیحون نوشته شد که: چون در نظر است آرامگاهی که باشان حکیم عمر خیام و کمال‌الملک متناسب باشد ساخته شود همانطور که قبلاً هم در این باره مذاکره شده نقشه‌ای متناسب و سزاوار مقام آن حکیم بزرگ و این هنرمند شهیر تهیه و به انجمن آثار ملی ارسال دارید تا در این موقع که زمره علاقه‌مندان به انجام این امر به انجمن آثار ملی مراجعه می‌کنند درباره تهیه مقدمات آن اقدام شود.

يك ماه بعد آقایان مهندس سیحون و حسین جودت پس از بازدید آرامگاه خیام در نیشابور طی گزارشی به اطلاع انجمن رسانیدند که:

«... راجع به مقبره خیام بطوری که ملاحظه فرموده‌اند، محل آن فعلاً»

چسبیده به بقعه امامزاده محمد محروق می‌باشد و هر گونه عملی در این محل نمی‌تواند استقلال و برجستگی به مقبره خیام بدهد و لازم است که محل جدیدی در همان محوطه در نظر گرفته شود. با مطالعاتی که در این قسمت بعمل آمد محل آرامگاه تعیین گردید و «کروکی» لازم نیز متناسب با محل جدید تهیه گردید تا در صورتی که مورد موافقت باشد نقشه‌های تکمیلی و صورت برآورد هزینه آن تقدیم گردد.»

توضیح این نکته لازم می‌نماید که مساحت باغ امامزاده محمد محروق که در زمان صفویه در محل قبرستان حیره احداث شده در حدود ۴۳۲۰۰ متر مربع است و بصورت مربع مستطیل بطول ۲۴۰ متر و عرض ۱۸۰ متر شمالی جنوبی می‌باشد و بقعه امامزاده در وسط این باغ قرار دارد و محلی را که مهندس سیحون برای آرامگاه خیام در نظر گرفته بود و آرامگاه حکیم در آن محل نباشد در گوشه شمال شرقی باغ قرار دارد.

انجمن آثار ملی طرحی را که مهندس سیحون برای آرامگاه خیام تهیه کرده بود، در ششم خردادماه ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه. ش.) به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران فرستاد و تقاضا کرد که طرح مذکور را مورد مطالعه دقیق قرار دهند و هرگاه از لحاظ اصول فن معماری ایران نکات و دقائق بیشتری در نظر دارند مراتب را اعلام نمایند تا آقای مهندس سیحون در تکمیل و تهیه نقشه قطعی اقدام نماید. آقای مهندس محسن فروغی رئیس دانشکده هنرهای زیبا در تاریخ ۱۷ خردادماه ۲۵۱۷ طی نامه‌ای به انجمن اطلاع داد که طرحی که توسط آقای مهندس هوشنگ سیحون استاد این دانشکده برای آرامگاه حکیم عمر خیام تهیه شده است و «ماکت‌های» مربوط به آن مورد دقت قرار گرفت و از طرف آقای مهندس سیحون درباره آن توضیحات کافی داده شد. با توجه به این نکته که در تهیه طرح مزبور از سبک معماری ایرانی حداکثر استفاده بعمل آمده این نقشه چه از لحاظ اصول فن معماری و چه از نظر سبک برای آرامگاه حکیم بزرگ ایران کاملاً

متناسب است.

از آن پس اعضای انجمن آثار ملی در جلسه‌های متعددی موضوع بنای آرامگاه و نقشه آن را مورد بررسی دقیق قرار دادند و در برخی از این جلسه‌ها آقایان مؤید ثابتی، نبوی و برخی دیگر از نمایندگان خراسان در مجلس، نیز حضور داشتند. سرانجام در تاریخ بیست و چهارم اسفندماه ۱۳۳۷ (ش. ۲۵۱۷) بین انجمن آثار ملی و آقای مهندس سیحون قراردادی در ۱۳ ماده امضاء شد که بموجب آن مقرر گردید که آقای مهندس سیحون نقشه‌های آرامگاه خیام و آرامگاه کمال‌الملک و کارهای تکمیلی آرامگاه و محوطه آرامگاه عطسار و بناهای تابعه آنها و خیابان بین دو آرامگاه را تهیه و در اجرای آنها نظارت نماید و بابت نقشه و محاسبات فنی و نظارت معادل پنج درصد کل هزینه کارها به ایشان پرداخت گردد.

بموجب این قرارداد آقای مهندس هوشنگ سیحون متعهد گردیده که نقشه‌های مقدماتی و همچنین نقشه‌های قطعی و نقشه‌های تفصیلی بنای یادبود حکیم عمر خیام را که شامل بنای اصلی و سکو بندی اطراف و آبنماها و بناهای تابعه آن باشد متدرجاً از تاریخ امضاء قرارداد تهیه و تحویل نماید. نقشه‌های قطعی بر اساس ماکت و طرح اولیه‌ای که بتأیید دانشگاه رسیده و مورد تصویب انجمن قرار گرفته است حداکثر سه ماه پس از تاریخ این قرارداد و نقشه‌های تفصیلی بتدریج تحویل گردد. علاوه بر این مقرر گردیده است که آقای مهندس سیحون مسئول نظارت در اجرای کارهای آرامگاه باشد و يك نفر مهندس دیپلمه ساختمان که سابقه کار در کارگاه‌ها داشته باشد از طرف خود در کارگاه بگمارد که بطور دائم اجرای کارها را طبق نظر و دستور ایشان در محل مراقبت و نظارت نماید و حقوقش بعهده آقای مهندس سیحون باشد. علاوه خود آقای مهندس هر دو ماه يك بار شخصاً کارها را در محل بررسی و نظارت نماید و گزارش پیشرفت عملیات را کتباً به انجمن بدهد. ضمناً آقای مهندس سیحون قبول کرده

است که برنامه کار را با مقاطعه کار طوری تنظیم و در اجرای آن مراقبت نماید که ساختمان مقارن زمان گشایش آرامگاه نادر آماده گشایش باشد. آقایان مهندس سیحون وجودت قسمتی از خصوصیات بنای آرامگاه خیام را طی گزارشی چنین به اطلاع انجمن رسانیده اند:

«... استخوان بندی بنا فلزی و دارای روکش آلومینیوم خواهد بود. در قسمت سقف نوعی شیشه های ضخیم الوان و در متن قسمت بدنه باکشی پشت و رو تزئین خواهد شد. زیرسازی بنا با بتون و کرسی و پله ها و آبنماها با سنگ گرانیت و بدنه دیوار مجاور آبنماها با سنگ تراورتن و سنگ روی قبر از سنگ سیاه مشهد خواهد بود.

محل آرامگاه در انتهای محور شرقی و غربی باغ و در ابتدای اختلاف سطح موجود واقع است و از کل منظره باغ امامزاده محروق استفاده خواهد شد.

مقاطعه کار

شرکت ساختمانی کا.ژ.ت در تاریخ بیست و دوم آذر ۱۳۵۷ (۲۵۱۷/۵۱۳۳۷.ش.) به انجمن آثار ملی اطلاع داد که: با استحضار از نظر آقای مهندس سیحون نسبت به ساختمان آرامگاه خیام که باید با بتون ظریف اجرا شود و از هر جهت بدون عیب و قابل قبول آن انجمن باشد این شرکت حاضر است این کار را انجام دهد و در صورتی که احتیاج به متخصصان و کارگران خارجی باشد طبق نظر انجمن و آقای مهندس سیحون از خارج استخدام نماید و کار را بطرز آبرومندی که مورد قبول مهندس ناظر و آن انجمن باشد پایان رساند.

آقایان مهندس سیحون وجودت طی نامه مفصلی به انجمن نوشته اند که: ... همانطور که استحضار دارند طرح اولیه ساختمان آرامگاه خیام با استخوان بندی فلزی تهیه گردید و در نظر بود که روکار آن با آلومینیوم پوشیده شود، پس از مراجعه به اهل فن معلوم شد که روکش آلومینیوم بر فلز آثار

نامطلوبی از لحاظ ترکیبات شیمیائی دارد. از این رو تصمیم گرفته شد که کار با طرز بتون ظریف اجرا گردد و ارتفاع آرامگاه نیز از ۱۲ متر به ۲۲ متر ترقی داده شود تا عظمت بیشتری پیدا کند... چون از طرفی ارجاع مستقیم اجرای کار به دستگاههای خارجی مستلزم تحمل هزینه زیاد می باشد و از طرف دیگر شرکت مقاطعه کاری کا.ژ.ت حاضر است کار ساختمان آرامگاه مذکور را بمسئولیت خود انجام دهد و در صورت لزوم از کارگران متخصص خارجی نیز استفاده کند، این شرکت بطوری که در ساختمان آرامگاه نادر مشاهده شد مقاطعه کاری است که علاقه مندی خود را به حیثیت مقاطعه کاری ظاهر ساخته است و در اجرای کار دقیق می باشد. آرامگاه خيام از ابنیه ای است که باید منتهای دقت در استحکام و حسن اجرای کارهای آن بعمل آید، بنابراین صلاح کار در این است که اجرای آن بعهده همین شرکت که امتحان خود را داده است و اگذار گردد، چون از لحاظ جنبه فنی اجرای این کار وضع خاصی دارد باید به شرکتی واگذار شود که از هر جهت مورد اطمینان باشد. بدیهی است اندک بی-توجهی در این کار ممکن است نظیر آرامگاه فردوسی موجب تأثر و پشیمانی گردد.

آقایان مهندس محسن فروغی، مهندس صادق، مهندس سیحون وجودت نیز صورت مجلسی تهیه و به اطلاع انجمن آثار ملی رسانیده اند که: ساختمان بنای آرامگاه خيام که شامل استخوان بندی از فلز و بتن و روکار سنگی و کاشی-کاری در قسمت بدنه می باشد کاری عادی نیست که بتوان مشابهی برای آن در خارج داشت، این ساختمان در عین حال که ظریف است باید از لحاظ اجرای کار و تأمین استحکام آن دقت فراوان گردد. چون عمده در عملیات مذکور کارهای ظریف است و باید طبق اصول عالی فن در اجرای آن دقت کافی بعمل آید بنابراین انجام دادن آن باید به مقاطعه کاری رجوع شود که علاوه بر داشتن سابقه کار در کارهای مهم آزمایش خوبی هم در نظایر این کارها داده باشد.

شرکت کا.ژ.ت دارای سابقه عملیات مهم و مجهز به وسایل لازم می باشد و در کار آرامگاه نادرشاه افشار طبق اظهار نظر آقای مهندس سیحون حیثیت مقاطعه کاری خود را بخوبی حفظ نموده و کارها را بر قاعده صحیح و اصول فنی انجام داده است و کارش مورد رضایت آن انجمن و آقای مهندس سیحون مهندس ناظر می باشد. لذا امضاء کنندگان رأی می دهند که به اتکاء مناقصه ای که برای آرامگاه نادر طرح شده و بر اساس قراردادی که آن شرکت با انجمن دارد انجام دادن این کار نیز بهمان شرکت محول گردد، با مراعات این نکته که چون در اجرای کار ساختمان بنای یادبود خیام عملیات خاصی باید انجام گیرد ممکن است فهرست بهاء قیمت برای بعضی از کارهای آن متناسب با بهاء قرارداد سابق نباشد. و لازم باشد که قیمت جدید متناسبی منظور گردد.

در جلسه هیأت مدیره انجمن که در تاریخ دوم دیماه ۲۵۱۷ (۱۳۳۷.ش.) تشکیل شد و با توجه به سابقه عمل شرکت کا.ژ.ت در آرامگاه نادر و توضیحات گزارشهای مذکور و همچنین وضع استثنائی آرامگاه خیام از لحاظ نوع کارچنین تصمیم گرفته شد که برای زودتر عملی ساختن این امر مهم اجرای آن بعهده شرکت کا.ژ.ت گذارده شود و شرکت مذکور تخفیفی را که برای کار آرامگاه نادر پذیرفته است برای این کار هم قبول نماید، زیرا بفرض مناقصه گذاشتن علاوه بر تعویق کار تصور تخفیفی بیش از آنچه در آرامگاه نادر حاصل شده است نمی رود و مقاطعه کار دیگر هم باید مدتی بگذرد تا امتحان طرز کار و عمل خود را بدهد.

بموجب تصمیم مذکور، در تاریخ هفتم دیماه ۲۵۱۷ (۱۳۳۷.ش.) از طرف انجمن به شرکت کا.ژ.ت نوشته شد که: با پیشنهاد آن شرکت راجع به ساختمان آرامگاه خیام با شرایط زیر موافقت می شود:

۱- ساختمان آرامگاه خیام همانطور که تعهد کرده اید باید طبق مشخصات عالیّه فن و به سبکی اجرا گردد که پس از برچیدن کفراژ و قالب بندی احتیاج به

هیچ گونه ترمیم و روکاری نداشته باشد و از هر حیث در اجرای آن دقت کامل بشود که دوام و بقای این بنای مهم تاریخی کاملاً تأمین شود.

۲- اجرای کار این ساختمان باید طوری پایان یابد که در آن موقع که آرامگاه نادر افتتاح می شود آرامگاه خیام نیز در همان تاریخ گشایش یابد.

۳- کارهای این ساختمان نیز باید با رعایت تخفیف شش درصد که در قرارداد آرامگاه نادر منظور بوده انجام گردد.

۴- ماکتی به دستور آقای مهندس سیحون و به مقیاسی که از طرف مهندس نامبرده دستور داده می شود بلاعوض از طرف آن شرکت ساخته و تحویل شود.

ضمناً شرحی به آقای سعیدی عضو انجمن حفظ آثار باستانی و ملی نیشابور نوشته شده که قسمتی از باغ را که محل کارگاه ساختمان آرامگاه خیام می- شود تحویل آن شرکت بدهند. بنابراین لازم است کار ساختمان را در اسرع وقت شروع نموده از پیشرفت کار مرتباً انجمن آثار ملی ایران را آگاه سازید.

کلیه کارهای این آرامگاه نیز مانند آرامگاه نادر از هر حیث بدستور آقای مهندس سیحون و تحت نظارت ایشان باید اقدام شود.

در همان تاریخ نامه ای نیز به آقای دکتر مهران وزیر فرهنگ نوشته شد که به اداره کل اوقاف دستور دهند قسمتی از باغ امامزاده محروق را که برای محل آرامگاه خیام در نظر گرفته شده در اختیار نمایندگان انجمن و مقاطعه کار ساختمان قرار دهند و نیز دستور لازم به ادارات فرهنگ و اوقاف نیشابور صادر نمایند که در اجرای این امر مهم نهایت همکاری را بنمایند.

نصب اولین سنگ بنا

ساعت ۵ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۸ اردیبهشت ماه ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه.ش.) با حضور استاندار و جمعی از اعضاء انجمن آثار ملی خراسان و رؤسای ادارات و معاریف نیشابور طی مراسمی اولین سنگ بنای آرامگاه خیام نصب

گردید.

در آغاز این مراسم آقای برهمند فرماندار نیشابور طی سخنانی اظهار داشت که در اواخر سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه.ش.) تیمسار سپهبد آقا اولی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی به اتفاق عده‌ای از مهندسان و آقای علمی مدیر ابنیه تاریخی مسافرتی به نیشابور نموده از آرامگاه خيام و بقعه شیخ فریدالدین عطار و قبر مرحوم محمد غفاری (کمال‌الملک) هنرمند فقید بازدید نمودند و پس از مراجعت ایشان به تهران قرارداد تهیه نقشه آرامگاه خيام با آقای مهندس سیحون منعقد گردید و اجرای ساختمان به شرکت ساختمانی کا.ژ.ت. واگذار شد و اینک گودبرداری این بنا خاتمه یافته است، و امروز اولین سنگ شروع ساختمان بنام نامی اعلی حضرت همایون شاهنشاهی نصب می‌گردد. تعمیر و تکمیل مقبره شیخ فریدالدین عطار نیز آغاز گردیده و نقشه آرامگاه شادروان کمال‌الملک هم در دست تهیه است. سنگهای لازم جهت جرزها و کتیبه‌ها و ازاره‌های داخل و خارج آرامگاهها در مشهد تهیه شده و مشغول حمل آنها به نیشابور می‌باشند. عده‌ای از هنرمندان کاشی‌ساز مشهد نیز مشغول تهیه کاشیهای نفیسی جهت نمای آرامگاهها می‌باشند. برای ارتباط بین دو آرامگاه خيام و عطار نقشه جامعی جهت ایجاد خیابانی وسیع و مشجر تهیه شده و اکنون مشغول احداث آن می‌باشند. چون قسمت عمده اراضی این خیابان متعلق به اشخاص بود آقای ابراهیم سعیدی عضو انجمن حفظ آثار ملی و باستانی نیشابور از طرف انجمن آثار ملی آن اراضی را خریداری نمودند.

برای تأمین آب جهت احتیاجات دو آرامگاه و گلکاری و آبیاری اشجار قرارداد حفريك حلقه چاه عمیق با شرکت آبیاری و شیار خراسان منعقد شده و هم اکنون هفتاد متر آن حفر گردیده است. در ضمن اجرای این کارها برای تعمیرات اساسی بقعه تاریخی امامزاده محمد محروق نیز که در همین باغ واقع است اقدام بعمل خواهد آمد. انجمن آثار ملی برای چاپ برخی از آثار خيام

و عطار و تألیف کتابهایی درباره آن دو بزرگ مطالعاتی بعمل آورده و قرارداد-
هایی با دانشمندان و مؤلفان منعقد ساخته است.

پس از آن آقای رضا جعفری استاندار و رئیس انجمن آثار ملی خراسان
لوحه‌ای را که تهیه شده بود در پی بنا قرارداد. بر این لوحه نوشته شده بود که:
«در هجدهمین سال سلطنت پرافتخار اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه
پهلوی شاهنشاه عدالت گستر و دانش پرور این بنا به یاد بود حکیم غیاث الدین
عمر خیام نیشابوری از طرف انجمن آثار ملی ایران به امر و اراده شاهنشاه معظم
آغاز گردید. ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۳۸».

و بدین ترتیب از اوایل سال ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه. ش.) ساختمان آرامگاه
خیام عملاً آغاز و قسمتی از کارهای اساسی آن در همین سال انجام گردید که
از آن جمله بود: گودبرداری و بتون ریزی پی‌های بنا- ساختن دیوارهای سنگ-
تراش در اطراف بنا- ساختمان قسمتی از دیوارهای خیابان ورودی باغ-
ساختمان قسمتی از پله‌های سنگی در مدخل و وسط باغ و پله‌بندیهای مختلف
دیگر- سفت کاری ساختمان پذیرایی و کتابخانه و دفتر بنا- استوار کردن قسمتی
از استخوان بندی فلزی بنا- تهیه و تراش مقداری از سنگهای روکار بنا- تهیه
سنگ گرانیت جهت آبنماهای اطراف بنا و غیره. ضمناً معلوم شد که طرح
بتون مسلح ظریف بصورتی که مورد نظر بوده بعلت اشکالات فنی در ایران غیر
عملی است. و بجای آن پیشنهاد گردید که استخوان بندی برج مشبك بنا از آهن
ساخته شود و روی آن را با سنگهای تراش نازك نما سازی کنند و چون اجرای
این طرح هزینه زیاد ترو مهلت بیشتری را ایجاب می نمود پس از مدتی مذاکره
و بررسی بوسیله هیأت مدیره انجمن آثار ملی موضوع در جلسه هیأت مؤسسين
انجمن مطرح و مقرر شد که از طرف هیأت مؤسسين بررسی بیشتری در محل بعمل
آید و در نتیجه در آذرماه ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه. ش.) عده‌ای از آقایان هیأت مؤسسين
به خراسان عزیمت نمودند و با بررسی در جلسه‌هایی که در نیشابور و مشهد تشکیل

شد اجرای طرح اخیر یعنی ساختمان بنای یادبود خيام بصورت برج مشبك با استخوان بندی آهنی و روپوش سنگ تراش و تزيينات كاشيكاري تصويب و شروع به اجرای آن گرديد.

در سالهای ۲۵۱۹ و ۲۵۲۰ (۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ ه.ش.) كار ساختمان آرامگاه ادامه داشت و قسمتی از آخرين كارهای بنا كه در سال ۲۵۲۰ انجام يافت عبارت بود از: نصب سنگهای رو كار بنا- تهيه و نصب هشت بدنه كاشی كاری- های معرق لوزی شكل بزرگ حاوی رباعیات به خط تعلیق بسيار درشت و نقوش و گل و بوته اسليمی در جبهه های خارج و داخل بنا- كاشی كاری معرق ستمف زیر گنبد - معرق كاری سنگی روی گنبد- تكميل آب نماهای سنگ گرانیت در اطراف محوطه خارج بنا- تكميل دیوارهای سنگی خیابان رو بروی بنا- ساختن دیوارهای سنگی كرسی محوطه بلندتر واقع در جلو اما مزاده محروق - نصب نرده های سراسری در جلو كرسی محوطه اما مزاده - پوشش محوطه بالای آب نماهای اطراف آرامگاه خيام بوسیله سنگهای گرانیت نامنظم- اسفالت كردن خیابان ورودی و خیابان جنوبی آرامگاه- تكميل پیاده روهای اطراف میهمانسرا و دفتر و كتابخانه خيام- احداث حاشیه های مجاور خیابانها و سینه مالها برای گل كاری و چمن كاری در محوطه باغ آرامگاه- ساختن چهار رشته پله های سنگی در طول خیابان واقع در محور اما مزاده- تهيه اثاثه و لوازم جهت میهمانسرا و دفتر و كتابخانه خيام از قبیل فرش، مبل، تخت خواب و غیره. و بدین ترتیب در اوایل سال ۲۵۲۱ (۱۳۴۱ ه.ش.) كار ساختمان آرامگاه به پایان رسید.

انتقال استخوانهای خيام

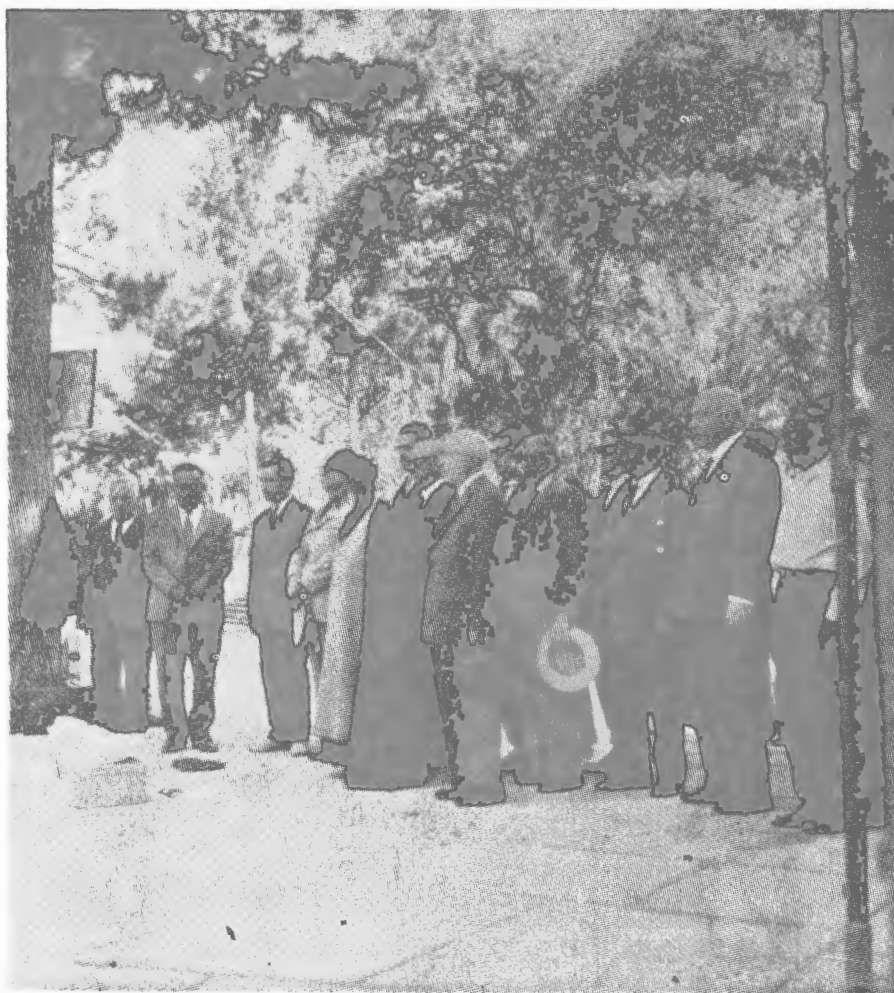
در فروردین ماه سال ۲۵۲۱ (۱۳۴۱ ه.ش.) كه ساختمان آرامگاه خانمه می یافت از طرف انجمن آثار ملی به فرماندار و رئیس انجمن آثار ملی نیشابور و آقای ابراهیم سعیدی عضو انجمن آثار ملی نوشته شد كه: «پس از برداشتن



بیرون آوردن استخوانهای خیام از مدفن سابق حکیم

آثار مقبره سابق حکیم عمر خیام باید عظام رمیمه حکیم با دقت کامل و عکسبرداریهای دقیق با حضور نمایندگان انجمن آثار ملی نیشابور و مقامات مربوط و ذیصلاحیت در صندوقی جای داده شود و با انجام تشریفات مذهبی صندوق محتوی عظام رمیمه در محل جدید آرامگاه طبق اصول مذهبی دفن گردد. در این باره قبلاً به نمایندۀ شرکت کا. ژ. ت اطلاع داده شود که محل دفن در آرامگاه جدید آماده باشد.»

در روز ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۱ (۱۳۴۱ ه. ش.) با حضور شادروان تیمسار



اقامه نماز بر استخوانهای خیام

از راست به چپ: دو نفر از کارگران- آقایان حسن نبوی (عضو مؤسس انجمن آثار ملی)- دکتر شهابی مدیر کل اوقاف- شادروان حسن سمندر- تیمسار مرلشکر محمدحسین فیروز (عضو مؤسس انجمن)- رفعتی افشار (مدیر کل باستانشناسی)- دکتر صدیق- شادروان سپهبد فرج الله آقاولی (رئیس هیأت مدیره)- احمد کاشانیان- آسیدنورالله احمدی (پیش- نماز)- شادروان سپهبد جهانبانی (عضو مؤسس انجمن)- رئیسین رئیس فرهنگ نیشابور- مهندس کنستانتین (از شرکت کا.ژ.ت.) شادروان مهدی ایرانی (کارمند انجمن).

سپهبد آق‌اولی و آقایان دکتر صدیق- تیمسار سرلشکر فیروز- حسن نبوی- دکتر علی اکبر شهابی مدیر کل اوقاف و گروهی از معتمدین و مقامات اداری و اعضاء انجمن آثار ملی نیشابور پس از اجرای مراسم مذهبی بوسیله حجة الاسلام سید نورالله احمدی امام جماعت نیشابور عظام رمیمه خیام که در محفظه‌ی قرار داده شده بود به آرامگاه جدید انتقال یافت.

آثار بنای آرامگاه سابق: در اسفندماه ۲۵۲۰ (۱۳۴۰ ه. ش.) آقایان مهندس سیحون وجودت به انجمن آثار ملی گزارش دادند که شهرداری نیشابور در نظر دارد که اثر بنای آرامگاه سابق خیام را به میدانی که مقابل دبیرستان خیام است انتقال دهد و صورت مجلسی تهیه شده است که بضمیمه ارسال می‌گردد. در صورت مجلس آمده بود که: «چون بسا احداث بنای عظیم یادبود خیام در باغ امامزاده محروق لازم بود که اثر بنای سابق به محل مناسب دیگری انتقال یابد در جلسه‌ای با حضور رئیس انجمن شهر، مجتهدی کفیل شهرداری، عبدالله سعیدی وکیل سابق نیشابور، حسین جودت، مهندس سیحون، مهندس کنستانتین تصمیم گرفته شد که با موافقت انجمن آثار ملی آنرا بیکی از میدانهای شهر انتقال دهند. موافقت آقای تهرانی استاندار خراسان و نیابت تولیت عظمی آستان قدس رضوی نیز جلب شده و اداره اوقاف نیز با این امر موافقت کرده است و چون کارهای آرامگاه خیام تا آخر فروردین سال ۱۳۴۱ پایان می‌یابد لازم است که عملیات مربوط به انتقال اثر بنائی تا آن تاریخ انجام گردد».

انجمن آثار ملی در تاریخ هفتم فروردین ۲۵۲۱ (۱۳۴۱ ه. ش.) به فرمانداری نیشابور نوشت که صورت مجلس مورخ ۲۵۲۰/۱۲/۱۶ دایر به انتقال آثار بنای سابق مقبره حکیم عمر خیام به میدان مقابل دبیرستان خیام ضمن گزارش کلی مربوط به آرامگاه خیام در جلسه مورخ ۲۵۲۰/۱۲/۲۲ هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی ایران مطرح و مورد موافقت واقع شد. ضمناً از طرف آقایان هیأت

مؤسسين نكاتی ذكر شد. لازم است ضمن عمل آنها را در نظر گرفته مراعات نمایند:



تصویر دیگری از اقامه نماز براستخوانهای خیام
در صف اول اعضای مؤسسين انجمن آثار ملی از چپ براست:
سرلشکر فیروز- دکتر صدیق- سپهبد جهانبانی- مصطفوی- سپهبد آقاولی- و در
جلوی صف: آقا سید نورالله احمدی پیش نماز نیشابور

- ۱- اثر بنای مزبور بهمان وضع که روی قبرخیام بوده است بارعایت کرسی و پله بندی آن عیناً به میدان منتقل و بهمان صورت در وسط محوطه باغچه بندی میدان نصب گردد.
- ۲- دريك قسمت مناسب از دیواره آن عبارتی حك گردد حاکی از این



انتقال استخوانهای خیام به داخل آرامگاه جدید

که آثارمورد ذکر سابقاً روی قبرخیام مجاور بقعه امامزاده محروق قرار داشته و پس از احداث بنای جدید یادبود آثارمقبره سابق به این میدان منتقل گردیده است.

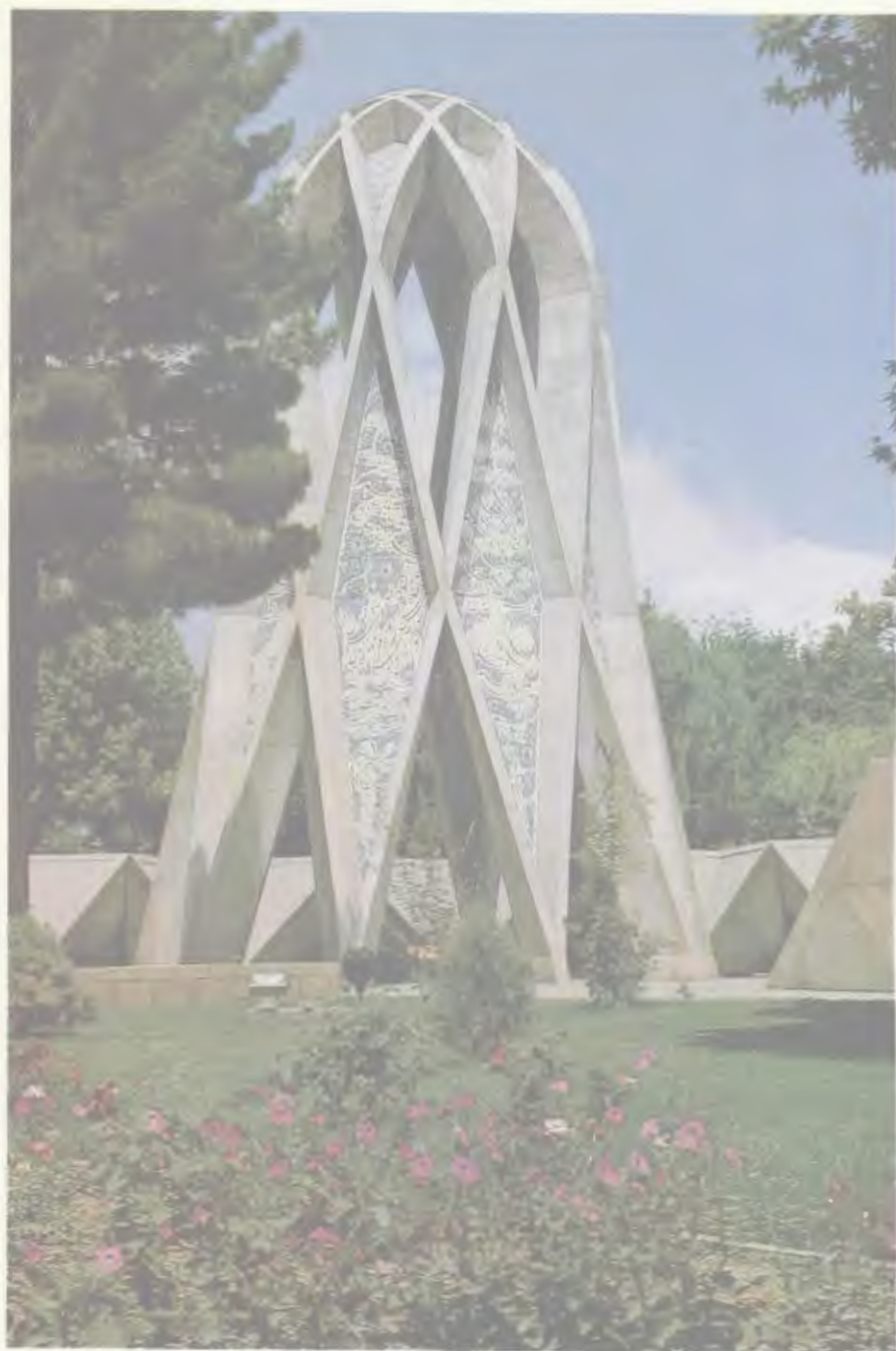
۳- میدانی که این آثار بنا در آن نقل و استوار می گردد با تصویب انجمن شهر میدان خیام نامیده شود.



آرامگاه جدید خیام

چگونگی آرامگاه

آرامگاه حکیم عمر خیام که از لحاظ معماری يك بنای نمونه است دارای ۲۲ متر ارتفاع می باشد و استخوان بندی اصلی آن فلزی است و با تیرهای آهن احداث گردیده.



آرامگاه حکیم عمر خیام که به سال ۲۵۲۱ (۱۳۲۱ ه. ش.) در نیشابور به وسیله
انجمن آثار ملی ساخته شده است



مجسمه نيم تنه حکيم عمرخيام از سنگ مرمر کارار پک پارچه که بوسيله استاد ابوالحسن صديقي به سفارش انجمن آثار ملي دردم تهيه شده و دوباغ آرامگاه حکيم در نيشابور نصب گرديده است.

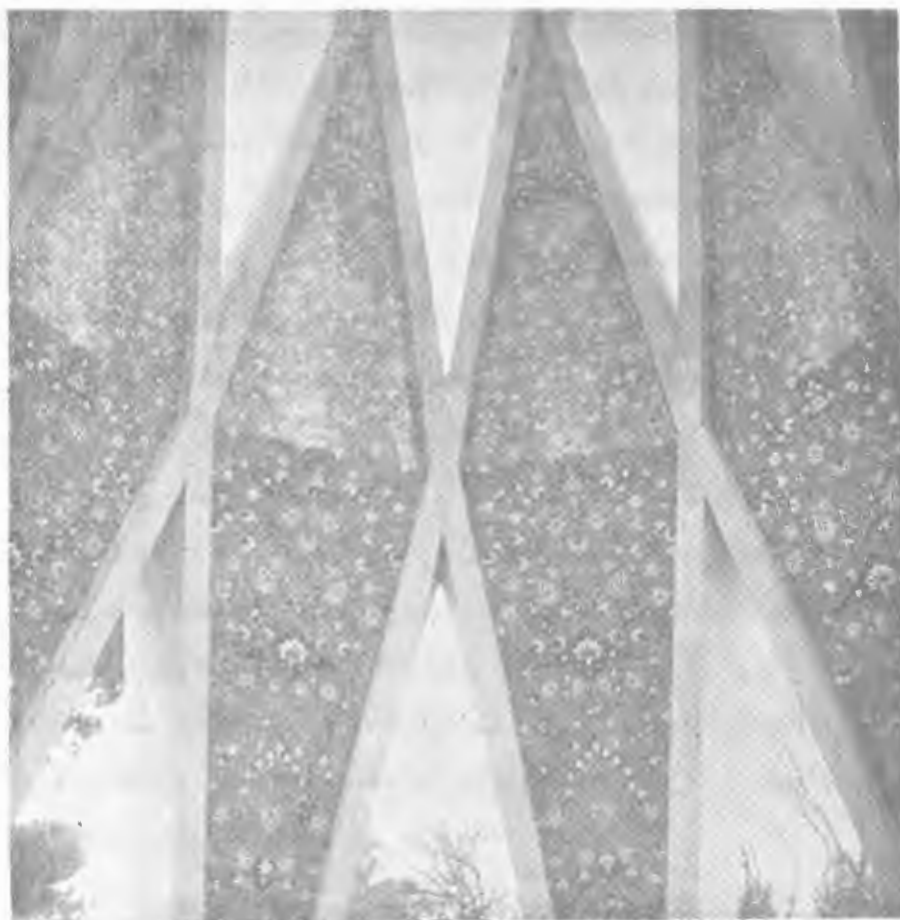
شکل بنادرپایین یعنی کف بنا کثیرالاضلاع منتظم ده ضلعی است که شعاع هریک پنج متر می باشد. اضلاع بنا مستقیماً بالا رفته بصورت اشکال هندسی منظم تورفتگی پیدامی کند و بعد بصورت تقریباً مخروط بهم رسیده شبیه گنبدی را در بالا بوجود می آورد و قسمت عمده آن مشبك و تو خالی می باشد و آنچه از آن تو پر ملاحظه می شود از داخل و خارج با کاشیهای معرق و نقشه های مناسب و کتیبه های عالی از اشعار خود حکیم مزین گردیده است.

روی کار بنای آرامگاه معرق کاری سنگی است و با قطعات نازك سنگهای محکم و شفاف روسازی شده است.

فضای داخل لوزیهای بزرگتر درپایین بنا از دو سمت با کاشیهای معرق تزیین یافته و بسته شده است. بدین ترتیب که در جبهه خارجی آنها رباعیهای منتخب حکیم بخط تعلیق بسیار درشت و نقوش و گل و بوته های اسلیمی است و در جهت داخلی کاشیهایی است که نمودار آثار تاریخی ایران می باشد. لوزیها ردیف وسط خالی و باز گذارده شده است. خلاصه آنکه قاب بندیها با سنگهای ظریف و شفاف انجام شده و سطح لوزیهای داخل آنها از دو جانب با کاشیهای معرق تزیین یافته و بسیار زیبا بنظر می رسد.

یادآوری این نکته لازم می نماید که قاب بندی کاشی بوسیله سنگ در بناهای تاریخی سابقه دارد و در بنای تاریخی درب امام اصفهان (۸۸۰ ه.ق.) نمونه های عالی کاشی معرق با قاب سازی سنگ مرمر دیده می شود، در بنای مسجد مولانا در تایباد از آثار زمان شاهرخ تیموری و مسجد کبود تبریز (۸۷۰ ه.ق.) که در هردو بنا ظریفترین و عالیترین نمونه های کاشی معرق ایران موجود است سنگ و کاشی را با وضعی زیبا و هنرمندانه تلفیق نموده و در کنار هم بکار برده اند.

در جبهه خارجی آرامگاه خیام نیز از سنگهایی که با استقامت تراز سنگ مرمر و در عین حال از حیث رنگ و شفافیت مناسب با کاشیهای معرق بنا



نمای بخشی از بدنه آرامگاه خیام

می باشد استفاده شده است.

اشکال مثلث ولوزی که بر اضلاع دهگانه آرامگاه خیام مشاهده می شود بسبب شکل دایره ای بنا و انحنا آن در جهت عمودی بصورت مثلثها ولوزیهای غیر مستوی است و در سراسر بنا خمیدگیهایی دارد و بهمین سبب سنگها با انحنایی مناسب هموار گردیده است. سقف زیر گنبد با کاشیهای معرق و قسمت خارجی گنبد با معرق سنگی پوشیده شده است.

در کنار آرامگاه هفت خیمه سنگی بسیار زیبا وجود دارد و در زیر هر-

يك حوض آب باکاشی فیروزه‌ای رنگ ساخته شده و ریزش آب در آنها منظره‌ای بدیع ایجاد کرده است و در گرداگرد محوطه خارج بنا در پشت برج آبنماهایی از تخته سنگهای عظیم گرانیت با طرحهای هندسی هرمی شکل تعبیه گردیده است.

بیست رباعی منتخب از خیام که بر جبهه خارجی ده‌تَرَک لوزی شکل با خط تعلیق باکاشی معرق نقش گردیده بر طبق درخواست انجمن آثار ملی بوسیله استاد جلال‌الدین همایی انتخاب و به خط آقای مرتضی عبدالرسولی نوشته شده است و آقای مصطفی طباطبائی کاشیکار اصفهانی و دستیاران همشهری او با کاشی معرق آنها را تهیه و نصب کرده‌اند.

سنگ قبر

سنگ مزار خیام سنگی است بصورت منشور پنج ضلعی و عبارات ذیل بر روی آن نوشته شده است:

کل شیء هالک الاوجهه
آرامگاه

حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم
خیام نیشابوری

که پس از هفتاد و چند سال زندگانی در سال ۵۱۷

هجری قمری بر حمت ایزدی پیوست

چنانکه اشاره شد بنای آرامگاه خیام از لحاظ هنری بنایی است نمونه که مورد توجه محافل هنری نیز قرار گرفته است. چنانکه مجله معروف Japan Arshetect در شماره ژانویه ۱۹۶۳ خود بنای آرامگاه خیام را از نظر طرح و جنبه‌های هنری مورد ستایش قرار داده است.

محوطه و محل آرامگاه

محل بنای آرامگاه چنانکه اشاره شد در گوشه شمال شرقی باغ امامزاده محمد محروق قرار دارد و خیابان بزرگ شمالی جنوبی باغ با وضع اصلی محل و درختهای کهنسال آن محور و چشم انداز اصلی بقعه مذکور را تشکیل می دهد و بنای آرامگاه خیام در جانب شمال شرقی همین خیابان به مسافت مختصری از آن احداث شده و خیابان دیگری در محور آن رو به مغرب ایجاد گردیده و ورودیه باغ هم در جانب غربی باغ ترتیب یافته است. بعلاوه اختلاف سطح داخل باغ، کف خیابان اصلی سابق الذکر و سطح زیرین بنای آرامگاه خیام پایین تر از محل بقعه امامزاده و محوطه روبروی بقعه قرار گرفته است و در نتیجه منظر و موقع امامزاده که بنایی مذهبی و تاریخی است محفوظ مانده است. با توجه بوضع زمین باغ، قرار گرفتن آرامگاه خیام در گوشه محوطه بصورتی که یک طرف آن دیوار سنگی و طرف دیگر پلکانی برای بالا رفتن به بالای آبنماهای اطراف برج می باشد منظره ای بسیار زیبا ایجاد کرده است، در محوطه بالای آبنماها که هم سطح با قسمت بلندتر باغ است درختهای بید کاشته شده و با پراکنده شدن شاخه های آنها در فضای برج بر سر سبزی و طراوت محوطه افزوده خواهد شد. دیوارهای بلند کرسی بنا با سنگ ساخته شده و بین کرسی محوطه و بقعه امامزاده محروق نرده های کوتاه سراسری نصب گردیده است.

تمام محوطه آرامگاه از چمن و گل و سبزه پوشیده شده و پیاده روهایی در اطراف مهمانسرا و دفتر و کتابخانه خیام ساخته شده است. در باغ آرامگاه در کنار خیابانها حاشیه ها و سینه مالهایی برای گلکاری و چمنکاری احداث گردیده و خیابانهای ورودی و جنوبی آرامگاه اسفالت شده و دیوارهای خیابان مقابل آرامگاه با سنگ پوشیده شده است. ضمناً با تعمیرات و ترمیمات وسیعی که در بقعه امامزاده محروق صورت گرفته بر شکوه و نزهت آرامگاه خیام بسیار افزوده شده است. چراغهای پایه داری در محوطه تعبیه شده و در پای هر یک صفحه فلزی سه گوش سیاهی نصب شده تا در محوطه آرامگاه سایه

روشن مناسب با خاموشی و سکوت ابهت آمیز چنین مکانی فراهم آید. بطور کلی باغ و آرامگاه خیام را از هر حیث می توان از نقاط خوش منظره و دیدنی و زیبا بحساب آورد.

بیست رباعی: در تاریخ شانزدهم فروردین ۲۵۱۹ (۱۳۳۹ ه. ش.) از طرف انجمن آثار ملی نامه ای به استاد جلال الدین همایی نوشته و از ایشان درخواست شد که بیست رباعی از رباعیات خیام را انتخاب کنند تا بر بنای یادبود حکیم نوشته شود. استاد بیست رباعی برگزیدند و بخط تعلیق آقای عبدالرسولی با کاشی معرق به رنگهای لاجوردی و زرد تغاری و سیاه و قهوه ای و سبز در داخل لوزیهایی که بر پایه های بنا قرار داشت (در هر لوزی دور رباعی) نوشته شد. اینک آنچه را که بر سطح لوزیها نوشته شده است نقل می کنیم:

پایه غربی: هو الملك الکریم - هو الله تعالی - بسم الله الرحمن الرحیم - حکیم عمر خیام فرماید:

مرغی دیدم نشسته بر باره طوس در پیش نهاده کله کیکا ووس
با کله همی گفت که افسوس افسوس کوبانگ جرسها و چه شدناله کوس
هو الملك الکریم وله ایضاً رحمة الله علیه و غفرانه

هر نیک و بدی که در نهاد بشر است اندوه و غمی که در قضا و قدر است
با چرخ مکن حواله کاندل ره عقل چرخ از تو هزار بار بیچاره تراست

حرره العبد الفقیر المحتاج برحمة الله عبدالرسولی ۱۳۳۹

پایه دوم: بسم الله الرحمن الرحیم وله ایضاً رحمة الله و الغفران

چون دور فلک هیچ بکام تو نگشت خواهی تو فلک هفت شمر خواهی هشت
هرگز غم دو روز مرا گرد نگشت روزی که نیامده است و روزی که گذشت
هو الملك الکریم وله رحمة الله علیه

روزی که گذشته است از او یاد مکن فردا که نیامده است فریاد مکن
برنامه و گذشته بنیاد مکن حالی خوش باش و عمر بر باد مکن

پایه سوم : حقیقه الحق سبحانه و تعالی بسم الله الرحمن الرحیم وله رحمة الله
 علیه و غفر الله له ، هو الملك الکریم .

دشمن بغلط گفت که من فلسفیم
 ایزد داند که آنچه او گفت نیم
 لیکن چو در این غم آشیان آمده ام
 آخر کم از آنکه خود ندانم که کیم

هو الله تعالی

هم دانه امید بخرم من مانند
 هم باغ و سرای بی تو و من مانند
 سیم و زر خویش از در می تابجوی
 بادوست بخور و رن به دشمن مانند

پایه چهارم : حقیقه الحق سبحانه و تعالی وله رحمة الله علیه و غفر الله له .

در کارگه کوزه گری رفتم دوش
 دیدم دوهزار کوزه گویا و خموش
 ناگاه یکی کوزه بر آورد خروش
 کو کوزه گرو کوزه خرو کوزه فروش

وله ایضاً رحمة الله علیه و غفر الله له

دردایره کامدن و رفتن ماست
 آنرا نه نهایت نه بدایت پیدا است
 کس می نزنند دمی درین معنی راست
 کاین آمدن از کجا و رفتن بکجا است

پایه پنجم : هو الملك الکریم وله رحمة الله علیه و غفر الله له حقیقه الحق سبحانه و
 تعالی

هر سبزه که بر کنار جوئی رسته است
 گویی ز لب فرشته خوئی رسته است
 پا بر سر سبزه تا بخواری ننهی
 کان سبزه ز خاک لاله روئی رسته است

هو العزیز هو العلی الاکبر وله رحمة الله علیه خیام علیه الرحمة والغفران
 فرماید

آنانکه محیط فضل و آداب شدند
 در جمع کمال شمع اصحاب شدند
 ره زین شب تاریک نبردند برون
 گفتند فسانه ای و در خواب شدند

پایه ششم : حقیقه الحق سبحانه و تعالی هو الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم
 وله رحمة الله علیه و غفر الله له

ای دل همه اسباب جهان خواسته گیر
 باغ طربت به سبزه آراسته گیر

و آن گاه بر آن سبزه شبی چون شبنم بنشسته و بامداد برخاسته گیر
 هو الملك الكريم. هو المحبوب وله ايضاً رحمة الله عليه وغفر الله له
 این کوزه چو من عاشق زاری بوده است
 لب تشنه لعل آبداری بوده است
 این دسته که برگردن او می‌بینی

دستی است که برگردن یاری بوده است

پایه هفتم: حقيقة الحق سبحانه وتعالى. هو الله تعالى. بسم الله الرحمن الرحيم
 ابرآمد و باز بر سر سبزه گریست بی باده گلرنگ نمی‌باید زیست
 این سبزه خود امروز تماشاگاه ماست تا سبزه خاک ما تماشاگاه کیست
 هو الملك الكريم

آنانکه کهن شدند و آنانکه نوند هریک بمراد خویش يك يك بدوند
 این کهنه جهان بکس نماند باقی رفتند و رویم و دیگر آیند و روند
 پایه هشتم: هو الله تعالى - بسم الله الرحمن الرحيم - حکیم عمر خیام علیه الرحمة
 والغفران فرماید

ای دوست غم جهان بیهوده مخور بیهوده غم جهان فرسوده مخور
 چون بوده گذشت و نیست نابوده پدید خوش باش و غم بوده و نابوده مخور
 هو الملك الكريم وله ايضاً رحمة الله عليه وغفر الله له

تا چند اسیر رنگ و بو خواهی شد تا کی پی هرزشت و نکو خواهی شد
 گر چشمه زمزمی و گرا آب حیات آخر بگل خاک فرو خواهی شد
 پایه نهم: حقيقة الحق سبحانه وتعالى. بسم الله الرحمن الرحيم وله رحمة الله
 عليه وغفر الله له

آن مایه ز دنیا که خوری یا پوشی معذوری اگر در طلبش می‌کوشی
 باقی همه رایگان نیرزد هشدار تا عمر گران بها بدان نفروشی
 هو الملك الكريم وله ايضاً رحمة الله عليه وغفر الله له

مالعبتکائیم و فلک لعبت باز از روی حقیقتی نه از روی مجاز
 بازیچه همی کنیم بر نطع وجود رفتیم به صندوق عدم يك باز
 پایه دهم: بسم الله الرحمن الرحيم وله ايضاً عليه الرحمة والغفران
 چون میگذرد عمر چه شیرین و چه تلخ پیمانه چو پر شد چه نشابور و چه بلخ
 خوش باش که بعد از من و توماه بسی از سلخ بغره آید از غره به سلخ
 وله رحمة الله عليه وغفر له
 برخیز و مخور غم جهان گذران بنشین و دمی بشادمانی گذران
 در طبع زمانه گر وفائی بودی هرگز بتو نوبت نشدی از دگران
 در داخل ترنجبی در پایه ای نوشته شده است:

«فرمان شاهنشاه ایران محمد رضا شاه پهلوی این گنبد و آرامگاه حکیم
 عمر خیام نیشابوری بسعی و اهتمام انجمن آثار ملی ساخته و پرداخته شد، پایان
 بنا ۱۳۴۱ شمسی ۱۳۸۱ قمری هجری»

دفتر - کتابخانه - تالار پذیرائی

دفتر - در قسمت شمال غربی باغ خیام عمارت دفتر آرامگاه با تمام
 وسائل لازم قرار دارد. ابعاد اتاق دفتر $۴/۴۶ \times ۳/۷۰$ متر می باشد و بردیوار
 غربی آن سنگی نصب شده و قصیده آقای ابراهیم صهباکه روز دوشنبه ۱۲
 فروردین ماه ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه.ش.) هنگام افتتاح آرامگاه خیام در پیشگاه ملوگاه
 خوانده شد با مقدمه ای بدینگونه بر آن نقر گردیده است:

«هنگام افتتاح آرامگاه فیلسوف نامدار و دانشمند عالیقدر ایران حکیم عمر
 خیام نیشابوری اشعار زیر در پیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
 محمدرضا شاه پهلوی بوسیله آقای ابراهیم صهبا سراینده آنها خوانده شد:

نوبهار آمد و با شادی بسیار آمد	خرمی از در و دیوار پدیدار آمد
شهر خیام پر از شور و نشاط و طرب است	گل بخندید و بصد جلوه بازار آمد
لطف شه شامل صاحب نظران می باشد	که بمنزلگه پاکان سبکبار آمد

خسرو ملك كيان پهلوی دوم را
 اثری تازه پدیدار شد از همت شاه
 این بنا مدفن پاك عمر خیام است
 قبر عطار در این خاك دلاویز بود
 این زمین خلوت جاوید کمال الملك است
 خوش بر احوال نشابور ادب پرور ما
 خیز خیام و کنون چند رباعی بر خوان
 توئی آن شاعر پرشور که شعر تر تو
 هر دری را که تو با طبع گهرزا سفتی
 وقت آن شد که ز نو ساغر صهاگیری
 دیگر امروز ترا خواب حرام است حرام

کتابخانه- کتابخانه خیام به ابعاد $۶/۹۰ \times ۶/۹۰$ متر در شرق دفتر آرامگاه واقع است و در حال حاضر بیش از پانصد مجلد کتاب دارد. بر دیوار شمالی کتابخانه بر روی سنگ مرمر این کتیبه منقور است:

بنام پروردگار دانا و توانا

پس مرتبه بلند علمی و فلسفی حکیم و منجم و طبیب و ریاضی دان
 عالیمقدار و رباعی سرای نامدار ایران خواجه امام حجة الحق ابوالفتح عمر بن
 ابراهیم خیامی معروف بحکیم عمر خیام متوفی در سال ۵۱۷ هجری قمری فرمان
 مبارك اعلی حضرت همایون شاهنشاهی محمد رضا شاه پهلوی برای احداث
 آرامگاه آبرومندی بر تربت وی که از سالیان دراز مورد علاقه، مردم دانشمند
 و میهن دوست قرار گرفته بود شرف صدور یافت و چون سنگ یادبودی که بسال
 ۱۳۱۳ شمسی مقارن با برگزاری مراسم هزاره حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی بر مزار
 حکیم نهاده شده بود بامقام معنوی آن دانشمند درخور نمی آمد ساختمان بنای
 جدیدی مناسب شأن وی مورد نظر قرار گرفت و انجمن آثار ملی عهده دار اجرای
 آن گشت و افتخار یافت که باین نیت ملی و اساسی جامه عمل بپوشاند.

آرامگاه جدید خیام با توجه به سوابق تاریخی و رعایت نکات هندسی
 مناسب و شیوه های اصیل ایرانی در کنار باغ امامزاده محمد محروق ساخته شده
 است، بقایای جسد حکیم نیز به آرامگاه کنونی انتقال یافته است و می توان
 پنداشت که مجموع بنای آرامگاه و آب نماهای سنگی سترک گرداگرد آن نمودار

مختصری از نکات هندسی و ریاضی بشمار میرود که مقام والای حکیم عمر خیام در این رشته دانش معروف جهانیان است.

علاوه بر بنای آرامگاه برای موزه و کتابخانه و مهمانسرای خیام نیز ابنیه مناسبی در گوشه و کنار همان باغ ساخته و پرداخته شد که مورد استفاده زائران و بازدیدکنندگان علاقه‌مند تربت حکیم واقع گردد.

تالار پذیرائی - در شمال دفتر و کتابخانه، تالار پذیرائی با تمام لوازم آن قرار دارد، این تالار که ابعادش $۱۱ \times ۴/۲۵$ متر می‌باشد دارای فرش نفیسی است به ابعاد $۱۰ \times ۳/۳۲$ متر و مهمانان و شخصیت‌های داخلی و خارجی که برای بازدید آرامگاه می‌آیند در این تالار پذیرایی می‌شوند.

مهمانسرا - در شمال غربی باغ، ساختمان مخصوصی مشتمل بر چهار اتاق



بازدید چندتن از دوستداران خیام در نخستین روزهای فروردین ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ش. ۰) مقارن با سرکشی هیأت مدیره انجمن آثار ملی از آرامگاه حکیم. از راست به چپ: مهندس سیحون - حبیب یغمائی تیمسار سپهبد آق‌اولی - دکتر تقی‌تفضلی - مهندس نکو - مهندس کنستانتین - سید محمد تقی مصطفوی



فیتزجرالد مترجم رباعیهای خیام بانگلیسی

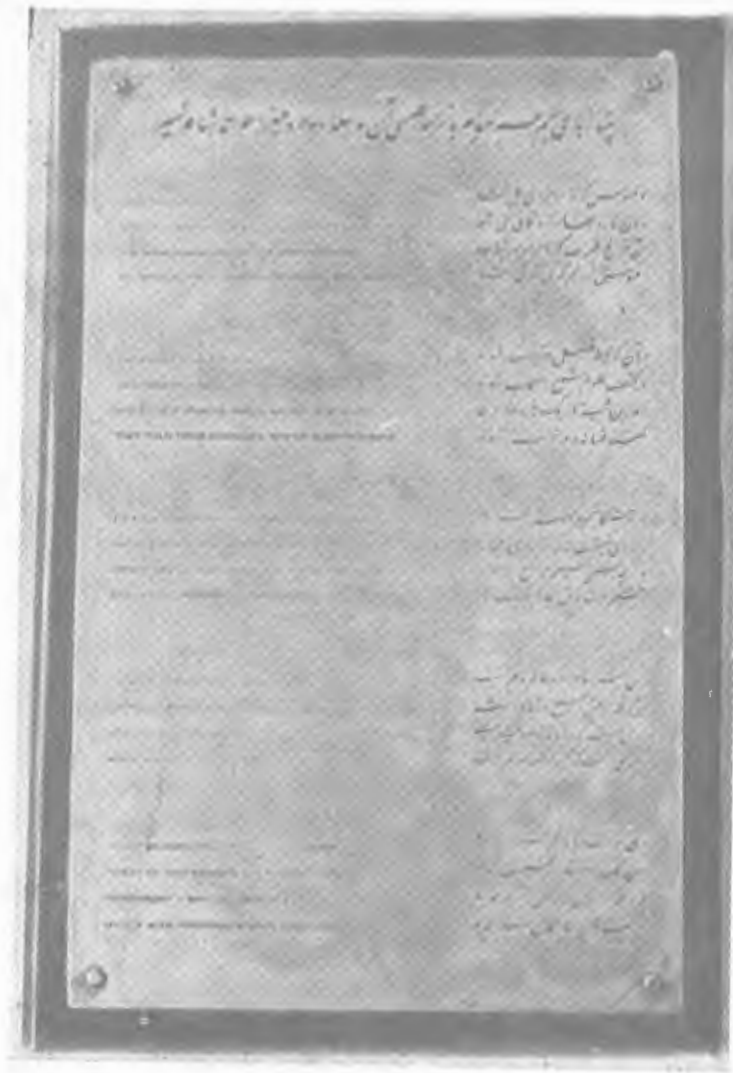
بنام مهمانسرا بصورت آبرومندی بنا گردیده و لوازم آنها از قبیل فرش و میزو صندلی و قفسه و چراغ و تختخواب و حمام و بخاری و غیره فراهم گشته است. برای مهمانسرا چهار تخته قالی 3×2 تهیه شده. این قالیها با نقشه‌ای از روی گچبری دوره ساسانی که ضمن کاوشهای هیأت علمی آمریکا در نیشابور در سالهای قبل کشف شده بود در کارخانه صابر مشهد تهیه شد و ارزش کل آنها بقرار هر مقاط (بضم میم) ۱۵۰ ریال معادل ۲۲۲۴۵۰ ریال گردید. نقشه مذکور پس از آن به شرکت فرش ایران فرستاده شد و شرکت مذکور فرشهای جالب و نفیسی از روی آن تهیه کرد.

آقای دکتر صدیق ده رباعی با ترجمه انگلیسی آنها (ترجمه فیتزجرالد)

انتخاب کرده‌اند که روی لوحه‌های فلزی نقرشده و بر دیوار اطاق دفتر وتالار کتابخانه آرامگاه نصب گردیده است. این رباعیها از روی نسخه کتاب رباعیات عمر خیام که بوسیله پرفسور آدبری (Arberry) استاد دانشگاه کمبریج از روی اصل نسخه مورخ ۶۵۸ هجری با ترجمه‌های فیتزجرالد Fitzgerald و وین فیلد Whinfield در سال ۱۹۴۹ میلادی چاپ گردیده انتخاب شده است.



لوحه اول



لوحة دوم

نقر رباعیهای مذکور و ترجمه انگلیسی آنها بر روی لوحهای فلزی بوسیله آقای علی زرین صفت انجام گردیده و برای این منظور دو لوح فلزی به ابعاد ۲۵ سانتیمتر × ۴۰ سانتیمتر از نوع ورشو مغز سفید بضخامت ۰/۹ تهیه گردیده و روی هر يك از صفحات مذکور پنج رباعی خیام که با خط آقای زرین خط و بشیوه نستعلیق نوشته شده به خط گود در دست راست نقش شده و ترجمه انگلیسی

هررباعی با حروف کتابی نمرة ۱۲ بارعایت فاصله در دست چپ نقش گردیده
 و در بالای هریک از لوح‌ها نوشته شده است:
 «چند رباعی حکیم عمر خیام با ترجمه انگلیسی آن بوسیله ادوارد فیتز
 جرال‌دشاعر شهیر»

لوحه اول

۱

تا در تن تست استخوان ورگ وپی
 از خانه تقدیر منه بیرون پی
 گردن منه ار خصم بود رستم زال
 منت مکش ار دوست بود حاتم طی

But come With old Khayyam, and Leave the Lot
 Of Kaikobad and Kaikhosru forgot:
 Let Rustam lay about him as he will,
 Or Hatim Tai cry Supper—heed them not.

۲

یاران چو باتفاق میعاد کنید
 خود را بجمال یکدیگر شاد کنید
 ساقی چومی مغانه بر کف گیرد
 بیچاره مرا هم بدعا یاد کنید

And when Thyself With shining Foot shall pass
 Among the Guests Star-scatter'd on the Grass,
 And in thy joyous Errand Reach the Spot
 Where I made one-turn down an empty Glass!

۳

گر گوهر طاعتت نسفتم هرگز
 گردگنه از چهره نرفتم هرگز
 نومید نیم ز بارگاه کرم
 زیرا که یکی را دو نگفتم هرگز

If I myself upon a looser Creed
 Have loosely strung the Jewel of Good deed,
 Let this one thing for my atonement plead;
 That One for Two I never did mis-read.

۴

سرگشته بچوگان قضا همچون گوی
 چپ میرو راست میرو و هیچ مگوی
 کانکس که ترا فکند اندر تک و پوی
 او داند و او داند و او داند و او

The Ball no Question makes of Ayes and Noes,
 But Right or Left as strikes the Player goes;
 And He that toss'd Thee down into the Field,
 He knows about it all-HE knows-HE knows!

۵

گر بر فلکم دست بدی چون یزدان
 برداشتمی من این فلک را ز میان
 وز نو فلکی دگر چنان ساختمی
 کازاده بکام دل رسیدی آسان

Ah Love! Could thou and I with Fate conspire
 To grasp this sorry Scheme of Things entire,
 Would not We shatter it to bits-and then
 Re-mould it nearer to the Heart's Desire!

لوحة دوم

۱

افسوس که نامه جوانی طی شد
 وان تازه بهار زندگانی طی شد
 آن مرغ طرب که نام او بود شباب
 افسوس ندانم که کی آمد کی شد

Alas, that Spring should vanish with the Rose!
 That Youth's sweet-scented Manuscript should close!
 The Nightingale that in the Branches sang,
 Ah, whence, and whither flown again, who knows!

۲

آنان که محیط فضل و آداب شدند
 در کشف علوم شمع اصحاب شدند
 ره زین شب تاریک نبردند برون
 گفتند فسانه و در خواب شدند

The Revelations of Devout and Learn'd
 Who rose before us, and as Prophets burn'd,
 Are all but Stories, which, awoke from Sleep
 They told their comrades, and to Sleep return'd.

۳

ما لعبتکانبیم و فلک لعبت باز
 از روی حقیقت نه که از روی مجاز
 باز بچه همی کنیم بر نطع وجود
 افتمیم بصندوق عدم یکیک باز

'Tis all a Chequer-board of Nights and Days
 Where Destiny with Men for Pieces Plays:
 Hither and thither moves, and mates, and slays,
 And one by one back in the Closet lays.

۴

این کهنه رباط را که عالم نام است
آرامگه ابلق صبح و شام است
بزمی است که وامانده صد جمشید است
گوری است که تکیه گاه صد بهرام است

Think, in this batter'd Caravanserai
Whose Doorways are alternate Night and Day,
How Sultan after Sultan with his Pomp
Abode his Hour or two, and went his way.

۵

ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم
وین يك دم نقد را غنیمت شمیریم
فردا که از این دیرکهن درگذریم
با هفت هزار سالگان سربسیریم

Ah, my Beloved, fill the Cup That clears
TO-DAY of past Regrets and future Fears-
To-morrow?—Why, To-morrow I may be
Myself with Yesterday's Sev'n Thousand Years.

ایوان شمالی- در شمال باغ آرامگاه در محلی که در سابق آرامگاه
واقع بوده و آن را مسدود کرده اند ایوانی تعبیه شده که قرینه ایوان امامزاده
محمد محروق است. بردیوار شمالی ایوان کتیبه ای است بدین شرح:

«نظامی عروضی نویسنده شهیر قرن ششم هجری در کتاب معروف خود
بنام چهار مقاله چنین نوشته است:

در سنه ست و خمسمایه بشهر بلخ درکوی برده فروشان در سرای امیر
ابوسعید جره خواجه امام عمر خیامی و خواجه امام مظفر اسفزاری نزول

کرده بودند و من بدان خدمت پیوسته بودم در میان مجلس عشرت از حجة الحق عمر شنیدم که او گفت گور من در موضعی باشد که در بهاری شمال بر من گل افشان میکند مرا این سخن مستحیل نمود و دانستم که چنوبی گزاف نگوید چون در سنه ثلثین بنشاپور رسیدم چهار (چند) سال بود تا آن بزرگ روی در نقاب خاک کشیده بود و عالم سفلی از و یتیم مانده و او را بر من حق استاد بود و آدینه بزیارت او رفتم و یکی را با خود ببردم که خاک او بمن نماید. مرا بگورستان حیره بیرون آورد و بردست چپ گشتم در پائین دیوار باغی خاک او دیدم نهاده و درختان امرود و زردآلو سراز آن باغ بیرون کرده و چندان برگ شکوفه بر خاک او ریخته بود که خاک او در زیر گل پنهان شده بود و مرا یاد آمد آن حکایت که بشهر بلخ ازوشیده بودم گریه بر من افتاد که در بسط عالم و اقطار ربع مسکون او را هیچ جای نظیری نمیدیدم. ایزد تبارک و تعالی جای او در جنان کناد بمنه و کرمه» دنباله کتیبه چنین است:

«کارهای مربوط به اصلاح و تعمیر و تکمیل بقعه امامزاده محمد محروق و بقعه شیخ فریدالدین عطار و باغهای آنها و ساختمان آرامگاه حکیم عمر خیام و بناهای تابعه آن مشتمل بر کتابخانه و موزه و مهمانسرا و دفتر واحداث بنای آرامگاه کمال الملک و ایجاد خیابان مشجربین آرامگاهها و تأمین آب و برق ابنیه نامبرده از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۴۷ شمسی بوسیله انجمن آثار ملی صورت گرفته است.

جناب آقای ابراهیم سعیدی شخصیت ارجمند نیشاپور نسبت به پیشرفت منظور با انجمن آثار ملی همکاریهای ارزنده معمول داشته اند. هیئت مؤسسين انجمن مزبور در آن هنگام علاوه بر وزیران محترم فرهنگ وقت مرکب از اشخاص نامبرده زیر بوده اند:

شادروانان ابراهیم حکیمی، حسین علاء، علی هیئت آقایان سید حسن تقی زاده، مهندس جعفر شریف امامی، علی اصغر حکمت، دکتر عیسی صدیق، دکتر صادق رضا زاده شفق، سپهبد امان الله جهانبانی، سپهبد فرج الله آقاولی، سرلشکر محمد حسین فیروز، دکتر محمود مهران، دکتر غلام حسین صدیقی، حسن نبوی، اللهیار صالح، مهندس محسن فروغی، سید محمد تقی مصطفوی.

طرح و نظارت ساختمانهای آرامگاه و ابنیه تابعه از مهندس هوشنگ سیحون، سازنده آنها شرکت کا.ژ.ت. تعمیر و تکمیل و اصلاحات بقاع مورد

ذکر بوسیله اداره آموزش و پرورش نیشابور.

امید است فرزندان این مرزوبوم بیش از پیش در بزرگداشت مقام و منزلت بزرگان دین و مفاخر ملی خود ونکو داشت آثاری که بیاس احترام ایشان با تلاشها و کوششهای دامنهدار ساخته و پرداخته شده است توفیق یابند.
کتابه زرین خط مهرماه ۱۳۴۸ شمسی

از استاد جلال الدین همایی درخواست شد که شش رباعی برای ایوان تازه ساز کنار باغ آرامگاه خیام (ایوان شمالی) بسازند. سهرباعی از آن رباعیها بردیوار شرقی و سهرباعی بردیوار غربی ایوان شمالی با خط نستعلیق بر روی سنگ نوشته شده است.

سهرباعی دیوار شرقی چنین است:

گنجینه علم فخر ایام اینجاست
آنکس که سخن گرفت از او کام اینجاست
با شرط ادب قدم در این بقعه بنه
آرامگاه حکیم خیام اینجاست

آن خواجه که در کشور حکمت شاه است
اندر فلک ادب فروزان ماه است
بر قامت وصف دانش و بینش او
هر جامه که دوزی ز سخن کوتاه است

ماهی که جهان علم نورانی کرد
هم علم نوشت و هم سخندانی کرد
چون پیکر پاک او نهان شد در خاک
بر تربت او باد گل افشانی کرد

* * *

و سه رباعی دیوار غربی بدینگونه است:

شاهی که ز انقلاب دارد منشور	دیو ستم از پنجه عدلش مقهور
زو خلق در آسایش و کشور معمور	یارب زگزند چشم بددارش دور

* * *

آن انجمنی که شاه باشد یارش	هر روز بنای تازه باشد کارش
این طرفه بنا که خاک خیام دراوست	باشد اثری تازه هم از آثارش

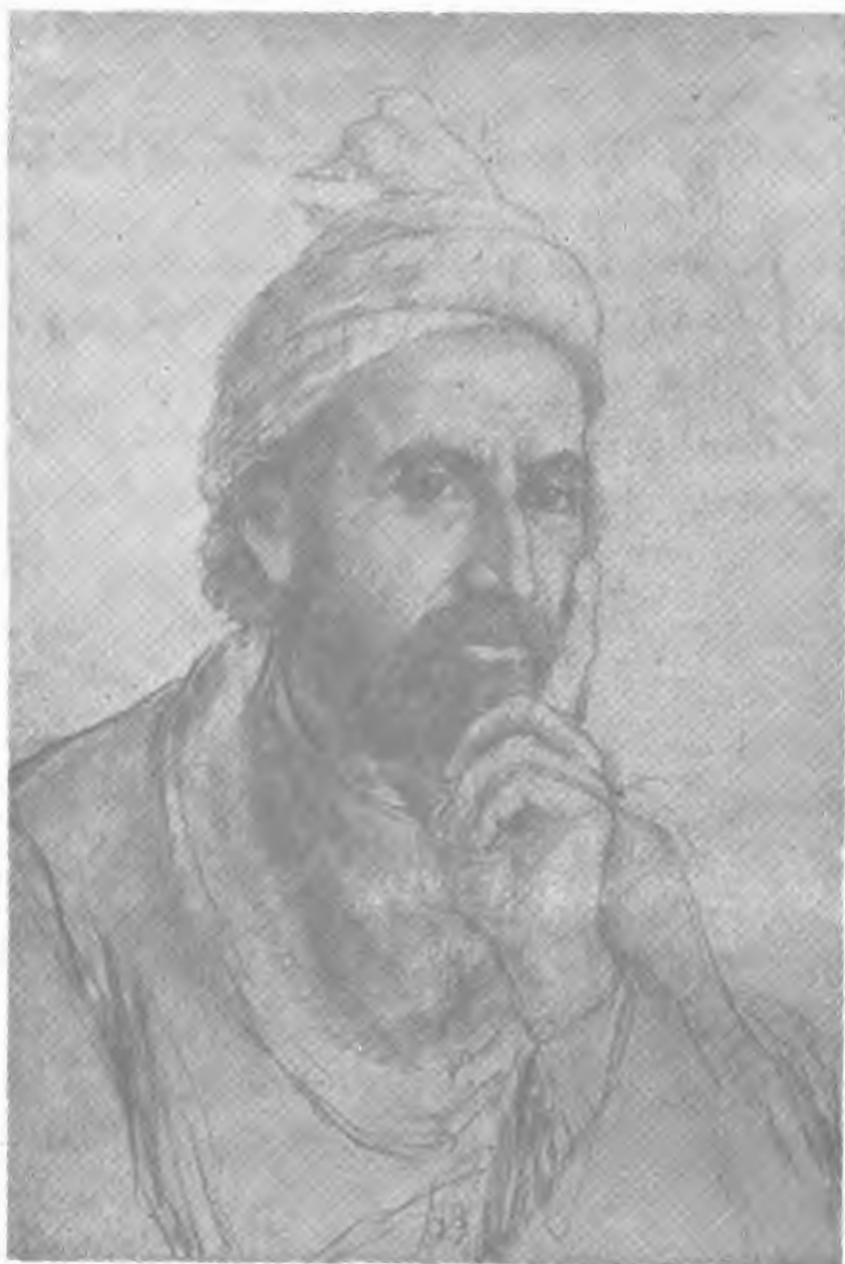
* * *

این نغز عمارت که بود روح فزا	کاخی است که زی مرد سخن شد برپا
ز آنست که از قول همائی سنا	(ای کاخ سخن) شده است تاریخ بنا

۱۳۴۲

تصویر خیام

بمنظور تهیه تصویری از خیام که مانند تصاویر سعدی و فردوسی و ابن سینا مورد تصویب انجمن آثار ملی قرار گیرد در مهرماه سال ۱۳۴۱ جلسه‌ای با حضور آقایان دکتر صدیق و دکتر رضازاده شفق و مهندس هوشنگ سیحون رئیس دانشکده هنرهای زیبا و اکبر تجویدی معاون دانشکده هنرهای تزیینی و شیرزاد نماینده انتشارات رادیو و هیأت مدیره انجمن انجمنی تشکیل گردید. در این جلسه گفته شد که اینک که آرامگاه مجلل و آبرومندی بوسیله انجمن آثار ملی بر تربت حکیم عمر خیام ساخته شده تهیه تصویر خیام لازم می‌نماید و بخصوص که تهیه تصویر خیام بمنظور ساختن مجسمه او نیز لازم است. در این جلسه همچنین گفته شد که انجمن آثار ملی در نظر دارد تصویری از شاعر معروف انگلیسی فیتزجرالد که بهترین و معروفترین مترجم رباعیات خیام است تهیه نماید تا در تالار کتابخانه مجاور آرامگاه خیام نصب گردد. آنگاه مطالبی که درباره



تصویر خیام

شخصیت خیام با بررسی دقیق در احوال و آثار او و همچنین اقوال معاصران وی فراهم آمده بود مورد بحث و مطالعه قرار گرفت و مقرر شد که پس از آن نیز بطرق مختلف تحقیقات و مطالعاتی در این باره بعمل آید. سرانجام تهیه تصویر حکیم عمر خیام بعهدۀ آقای استاد محمدعلی حیدریان گذارده شد و استاد بر مبنای مطالعات و تحقیقاتی که بعمل آمده بود ابتدا طرح سیاه قلم تصویر را تهیه کرد و پس از تأیید و تصویب انجمن آثار ملی تصویر حکیم عمر خیام با رنگ و روغن ساخته شد. تصویر فیتزجرالد نیز بوسیله استاد حیدریان تهیه گردید. تألیف چند کتاب درباره خیام - مقارن بنای آرامگاه و پس از آن کتاب - های ذیل که یا از آثار خیام و یا درباره آن حکیم بزرگ است بوسیله انجمن آثار ملی چاپ شده است:

- ۱- جبر و مقابله خیام به تصحیح و تحشیه آقای دکتر جلال مصطفوی .
- ۲- حکیم عمر خیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب.
- ۳- طربخانه (رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری) تألیف یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی با مقدمه و تصحیح و تحشیه آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه تهران.
- ۴- نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او به قلم اسماعیل یکانی.
- ۵- خیامی نامه (جلد اول) تألیف استاد جلال الدین همایی.

بر دیوار جنوبی دفتر آرامگاه لوحه ای فلزی با قاب چوبی به ابعاد ۳۰/۳۰ × ۴۵/ متر نصب و این سه رباعی از سروده های جناب آقای حسین قدس نخعی با خط نستعلیق بر آن نبشته شده است:

۱

خیام که گوهر معانی میسفت	بس نکته به ما ز کنه اسرار بگفت
آوخ که فلك خیمه او را برچید	و آن گوهر پر بهادر این خاك نهفت

۲

آنانکه بزیستند با عزت و شان و آنانکه گذشتند ز هر نام و نشان
آن روز که داس مرگ بدرود همه با دست تهی شدند یکسان ز جهان

۳

خوابیست گذشته در شبی دور و دراز
نی علم و نه زر گشاید این پرده راز
زان راهروان که پشت این پرده شدند
افسوس کسی برون نمی گردد باز
تندیس خیام - مجسمه نیم تنه حکیم عمر خیام با سنگ مرمر سفید در سال
۱۳۴۹ ه. ش. بوسیله استاد ابوالحسن صدیقی تهیه شده و در شمال خیابان
ورودی باغ خیام در باغچه جنوبی مهمانسرا قرار داده شده است. بر روی
لوحة فلزی که روی سنگ پایه مجسمه نصب است نوشته شده:

حکیم عمر خیام نیشابوری

(۴۳۹-۵۱۷ هجری قمری)

ریاضی دان و ستاره شناس و سراینده رباعیات

سازنده تندیس - استاد ابوالحسن صدیقی

قالیچه اهدایی علیاحضرت شهبانو - در جریان مراسم تاجگذاری، علیاحضرت
شهبانو فرح قالیچه نفیسی به ابعاد $۲/۱۴ \times ۱/۳۸$ که بر روی آن تصویر حکیم
عمر خیام و آرامگاه او می باشد به آرامگاه خیام اهدا فرمودند که اینک زینت -
بخش تالار پذیرائی آرامگاه است، در ذیل آن این جمله بافته شده است:
«حکیم عمر خیام فیلسوف و ریاضی دان عالی قدر ایران». زمینه قالیچه به رنگ
قهوه ای کم رنگ است.



آرامگاه شیخ عطار

شیخ فریدالدین عطار

شیخ فریدالدین ابوحامد محمدبن ابراهیم عطار نیشابوری شاعر و عارف بزرگ ایران در قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری به سال ۵۴۰ ه.ق. در کدکن از توابع نیشابور که اکنون از منضمات تربت حیدریه است دیده به جهان گشود. ظاهراً پدر عطار دار و فروش بوده و در عرف چنین کسان را عطار می‌گفته‌اند. چنانکه می‌دانیم شهر قدیم نیشابور در فتنه غزان ویران گردید و کسی در آنجا باقی نماند^۱ اما چیزی نگذشت که شادیاخ که در جانب راست شهر قدیم واقع بود جای آن را گرفت و آبادان و مجمع علما و دانشمندان شد و مرکزیت یافت تا سال ۶۱۸ ه.ق. که آن شهر نیز بدست مغولان بکلی ویران گردید و این بار نیشابور در محل قدیم برپا شد. نوشته‌اند که^۲: «به احتمال قوی شیخ عطار اوایل زندگی و شانزده سال نخستین عمر خود را در شهر قدیم نیشابور و بقیه را تا وقتی که شهادت یافت در شادیاخ و شهر جدید بسربرد و به اقتضای شغل خود و پدرش مبادی طب و داروشناسی را فرا گرفت و بیماران را معالجه می‌کرد، چنانکه در اسرارنامه داستانی از معالجات خود نقل می‌کند و در مثنوی خسرونامه می‌گوید:

به دار و خانه پانصد شخص بودند که در هر روز نبضم می‌نمودند
عطار از کودکی به تصوف و سخن صوفیان علاقه‌مند بوده و خود نوشته^۳

۱- ابن اثیر، ذیل حوادث ۵۵۶ و ۵۵۷.

۲- شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ عطار، تألیف شادروان فروزانفر، از انتشارات انجمن آثار ملی، ص ۳۹.

۳- تذکرة الاولیا، چاپ لیدن، ج ۱ ص ۵.

است که: «بی سببی از کودکی باد دوستی این طایفه در دلم موج می زد». و باز بگفته خود او مصیبت نامه والهی نامه را که هردو بیانگر رموز تصوف و دلیل بر آنست که سراینده آنها مراحل سیرو سلوک را پیموده در داروخانه و هنگام اشتغال به داروفروشی و طبابت بنظم آورده است. بنابراین داستانی که جامی و دیگران درباره تغییر حال عطار و گرایش او به تصوف و عرفان نقل کرده اند نمی تواند قابل قبول باشد.

عطار از خردسالی به تحصیل علم و کسب کمال پرداخت و علوم مختلف ادبی، حکمت، کلام، تفسیر، حدیث و فقه آموخت و در شناختن خواص گیاهان و ادویه و عقاقیر و همچنین فراگرفتن دانش پزشکی اهتمام نمود. شیخ از علم نجوم نیز اطلاع کامل داشته و در آثارش به بروج و ستارگان و اصطلاحات نجومی و فلکی اشارات فراوان شده است. از کتاب اسرارنامه برمی آید که عطار در حکمت الهی نیز چیره دست بوده است. خلاصه آنکه: «عطار علوم عقلی و نقلی را تحصیل کرده و در طلب این فنون صرف وقت و بذل جهد نموده ولی علوم برهانی را مفید نشناخته و نقل و سمعیات را نافع تر دیده و بدین سبب از فلسفه روی گردان شده است»^۱...

از اشارات فراوانی که در آثار وی به آیات و احادیث و مسائل فقهی و غیره شده احاطه او به علوم دینی و روایات مذهبی و معارف اسلامی بخوبی مشهود است. چنانکه ذکر شد عطار از آغاز عمر به تصوف و احوال و اقوال مشایخ صوفیه علاقه وافر داشته و در فراهم آوردن شرح احوال و گفته های بزرگان اهل تصوف و مربوط به آنان کوشش بسیار کرده و جمله را در کتاب تذکرة الاولیا درج کرده است. این کتاب مشتمل بر شرح احوال و نقل اقوال بزرگان اسلام و مشایخ صوفیه و از آثار منشور بسیار گرانبها و پراچ زبان پارسی است. در این کتاب نهصد و هشتاد و هشت حکایت و دو هزار و هشتصد و شصت و چهار

کلمه از اقوال مشایخ گرد آمده است.^۱

مولانا جلال‌الدین با علو قدری که داشته عطار را در آثار خود بارها ستوده و بسیاری دیگر از بزرگان عرفا و سرآمدان شعر و ادب پارسی نیز شیخ را مورد ستایش قرار داده‌اند.

آثار عطار: درباره آثار عطار سخن بسیار گفته و کتابها و رساله‌های فراوان به او نسبت داده‌اند و برخی از تذکره نویسان آثار او را مطابق با سوره‌های قرآن ۱۱۴ کتاب و رساله و گروهی بیش از این دانسته‌اند، اما آنچه مسلماً از آثار اوست کتابها و رساله‌هایی است که خود در مقدمه خسرونامه و مختارنامه از آنها نام برده و عبارتست از: الهی‌نامه- اسرارنامه- جواهرنامه- خسرونامه- شرح القلب- مصیبت‌نامه- منطق الطیر- دیوان قصاید و غزلیات- و مختارنامه که مجموعه رباعیات شیخ است و با تذکره الاولیاء که اثر منشور اوست جمعاً ده کتاب می‌شود. از این کتاب‌ها جواهرنامه و شرح القلب در دست نیست و بنابراین هشت اثر منظوم و منشور از شیخ عطار در دست است. برخی از کتابها و رساله‌های دیگر را نیز بعضی از محققان از عطار دانسته و دلایلی بر صحت انتساب آنها به شیخ ذکر کرده‌اند.

شهادت عطار: محققان و تذکره نویسان نوشته‌اند که عطار بدست مغولان در نیشابور شهید گردید و چنانکه می‌دانیم فتح نیشابور و قتل عام مردم آن بدست مغولان روز شنبه پانزدهم صفر سال ۶۱۸ اتفاق افتاد و پانزده روز طول کشید. بنابراین شیخ عطار در نیمه دوم صفر سال ۶۱۸ بدست مغولان در شادباخ نزدیک به موضعی که بخاک سپرده شده به قتل رسیده است.^۲

بقعه عطار

بقعه عطار بمسافت يك كيلومتر و نیم در مغرب آرامگاه خیام و به قرب

۱- همان مأخذ، ص ۵۱.

۲- مأخذ سابق، ص ۹۱.

نیشابور واقع است. مقبره شیخ در عهد تیموریان روبه ویرانی نهاده بود و بفرمان امیر علیشیر مرمت گردید و عمارتی بر روی آن بنا شد. دولتشاه سمرقندی نوشته است که: «قبر شیخ در بیرون شهر شادیاخ است در محلی که موسوم است به شهر بازرگان و عمارت آن زاویه ای مختصر و ویران بود، اما چون همواره رای صواب نمای و خاطر مشکل گشای امیر جلیل... نظام الحق والدین امیر علیشیر... به تعمیر بقاع خیر مصروف است و احیای سنت سنیه اکابر ماضی می فرماید، بر سر روضه منوره شیخ که ملتجای زوار است عمارتی ساخته که پرنورتر از روضه رضوان و در فرح بخشی جان فزای تر از مرغزار جنان است...» (بدستور امیر علیشیر نوائی سنگی نیز برای قبر شیخ عطار تهیه و بر آن نصب گردید).

این بنا را نیز دست روزگار به ویرانی کشانید و در سال ۱۳۲۷ هجری قمری از طرف شاهزاده سلطان حسین میرزا نیرالدوله فرمانفرمای وقت خراسان بنای مزبور تعمیر و گنبد آن تکمیل شد و محوطه محصور در اطراف بقعه احداث گشت.

نامه ها و گزارشهایی که از سال ۲۵۰۹ (۱۳۲۹ شمسی) به انجمن آثار ملی می رسید حاکی از آن بود که بقعه عطار بسبب بی توجهی و فراموشی پنجاه ساله روبه ویرانی دارد و برای حفظ و تعمیر و تکمیل آن باید هرچه زودتر اقداماتی بعمل آید. مقارن این احوال در نیشابور انجمنی به نام انجمن حفظ آثار ملی و باستانی تشکیل گردید و مبلغی اعانه برای تعمیر آرامگاه عطار و بنای یادبود هنرمند فقید کمال الملک جمع آوری کرد.

در خرداد ماه سال ۲۵۱۲ (۱۳۳۲ ه. ش.) آقای حسن نبوی نماینده مجلس به انجمن آثار ملی نوشت: «بنای آرامگاه شاعر و عارف شهر شیخ فریدالدین عطار روبه خرابی است و بصورتی که فعلاً هست بهیچوجه تناسبی با مقام عارف مزبور ندارد، سالهاست که همه علاقه مندان تعمیر و ساختمان آن را لازم شمرده اند، آنچه که حداقل باید انجام گیرد این است که گنبد و پایه های آن

باکاشی معمولی پوشانیده شود و دیوار مخروبه گلی فعلی تبدیل به آجری بانمای مناسب شود و زمینهای اطراف که متعلق به آرامگاه است ضمیمه آرامگاه و بهار آینده درختکاری شود و موتور کوچکی روی چاه آب آنجا نصب گردد، البته اهالی محل هم بقدر توانایی خود کمک خواهند کرد...».

در نامه دیگری آقای نبوی به انجمن اطلاع داده اند که مخارج تعمیر آرامگاه عطار بوسیله افراد خبره برآورد شده و مبلغ پانصد و سی هزار ریال برای این منظور لازم است که مبلغ یکصد و هشتاد هزار ریال آن از محل موقوفه مخصوص عطار و اعانات جمع آوری شده تأمین خواهد شد.

تعمیر و تکمیل بقعه شیخ عطار در دو مرحله یکی در سال ۱۳۳۲ ه. ش. (تعمیرات مقدماتی) و دیگری در سال ۱۳۳۷ ه. ش. (تعمیرات اساسی) انجام گردید و اینک به شرح هریک می پردازیم:

تعمیرات مقدماتی

با مکاتباتی که در سال ۱۳۳۲ ه. ش. بین انجمن آثار ملی و وزارت فرهنگ بعمل آمد اداره کل اوقاف مبلغ یکصد و بیست هزار ریال برای تعمیر بقعه شیخ عطار در اختیار اداره اوقاف نیشابور گذاشت تا با وجوهی که در محل فراهم آمده به این امر اقدام شود و انجمن آثار ملی از آقای سعیدی نماینده انجمن در نیشابور خواست تا از طرف انجمن آثار ملی در تعمیر و تکمیل بقعه شیخ همکاری نماید و با مبلغی که تأمین شده کار را آغاز نمایند.

روزی ام دیماه سال ۱۳۳۲ ه. ش. در جلسه ای با حضور فرماندار، شهردار، رؤسای فرهنگ و اوقاف، کارشناس شهرداری نیشابور و آقای سعیدی قراردادی با آقای حاج حسن معمارباشی منعقد گردید که وی گنبد بقعه عطار را کاشیکاری کند و دیوار شمالی محوطه را به ارتفاع ۲/۳۰ متر از سطح زمین با آجر بسازد و یک باب آب انبار بطول شانزده و عرض شش و عمق چهارمتر و

دو اطاق هریک به طول ۴ متر و عرض ۳ متر بنا نماید و بطور مقطوع مبلغ ۲۴۵۰۰۰ ریال دریافت دارد و به این ترتیب تعمیرات مقدماتی آرامگاه عطار آغاز گردید. در مردادماه سال ۲۵۱۳ (۱۳۳۳.ش.) از فرهنگ نیشابور به انجمن اطلاع داده شد که تعمیرات آرامگاه عطار در دست اقدام است و مساحت محوطه اصلی آرامگاه که در حدود ۱۸۸۰ متر مربع بود اکنون با قطعاتی که اضافه شده نزدیک به ۵۸۸۰ متر مربع گردیده و معادل ۴۰۰۰ متر مربع بوسعت محوطه افزوده شده است و اینک حفرچاه و تهیه موتور و تلمبه، احداث استخر، تسطیح و آجر فرش محوطه، تعمیر طاقنماهای اطراف بقعه، سیمانکاری و گچکاری طاقنماها، مرمت داخل بقعه و نصب در و پنجره و نصب در آهنی بزرگ باغ و دیوار کشی اطراف از کارهایی است که برای آرامگاه عطار باید انجام گردد.

تعمیرات اساسی

در بهمن ماه سال ۲۵۱۶ (۱۳۳۶.ش.) آقایان مهندس سیحون و حسین جودت بدستور انجمن آثار ملی از آرامگاه عطار بازدید نموده گزارشی بدین شرح تسلیم انجمن نمودند: «... راجع به مقبره عطار کاری که می توان کرد تحکیم بنا است و بهتر ساختن وضع آن بدون اینکه در اساس بنا تغییراتی داده شود و برای این منظور باید بقعه تعمیر اساسی شود تا استحکام آن تأمین گردد و روکار آن نیز با سنگ پوشیده و داخل دهنه های اطراف کاشیکاری شود.

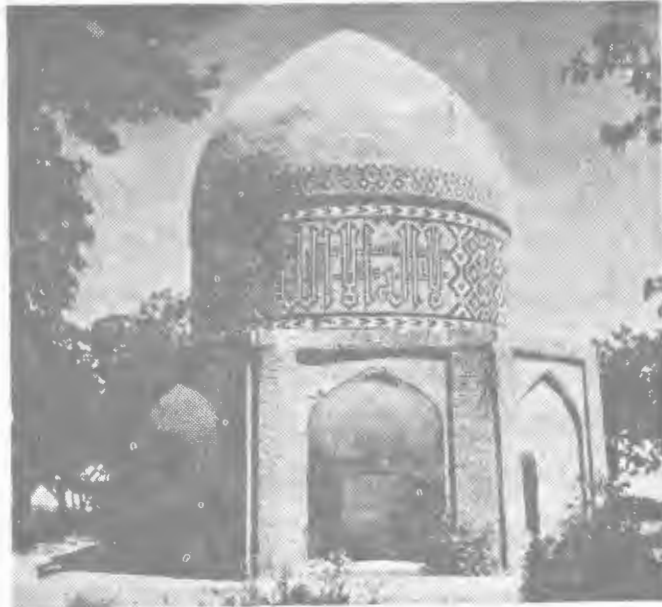
در صورت مجلسی هم که آقایان مهندس فروغی، مهندس صادق، مهندس سیحون و حسین جودت درباره آرامگاههای خیام و عطار و کمال الملک تهیه کرده اند و پیش از این بدان اشاره شد^۱ نوشته اند که: راجع به بنای آرامگاه عطار باید استخوان بندی قبلی بنا تحکیم یافته ازاره های آن در داخل و خارج



بقعه شیخ فریدالدین عطار نیشابوری
بنای اصلی بقعه در سده ۲۱ شاهنشاهی (نهم هجری) ساخته شده و در سده ۲۲
شاهنشاهی نسبت به تکمیل آن تاحدی اقدام گردید و در سال ۲۵۱۹ (۱۳۳۹
ش.ه) به وسیله انجمن آثار ملی تکمیل و مرمت و کاشیکاری شد

و جرزها و کتیبه بنا سنگ کاری شود و کاشیکاری ایوانها به سبکی که شایسته سابقه تاریخی این بنا است انجام یابد.

در آذرماه سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه. ش.) از طرف انجمن به آقای محمود علمی مدیر ابنیه تاریخی نوشته شد که انجمن آثار ملی ایران مصمم است که بنای موجود آرامگاه عطار را در وضع فعلی تعمیر و تکمیل کند و برای مرحوم کمال الملک نیز بنای مناسبی احداث نماید. انجمن شما را که سوابق ممتدی در تعمیر ابنیه تاریخی در خراسان دارید بسمت ناظر فنی انتخاب می کند که در کارهای اساسی تعمیرات آرامگاه عطار با نظر آقای مهندس سیحون اقدام نمائید و چون تعمیرات آرامگاه که مشتمل بر تکمیل کاشیکاری گنبد و کاشیکاری طاقمنای خارجی و ازاره سنگی بنا در داخل و خارج و فرش کف آن با سنگ متناسبی است باید هر چه زودتر انجام یابد لذا نحوه عملی را که در گنبد سبز مشهد داشته و دارید برای آرامگاه عطار نیز در نظر بگیرید و معلوم نمایید که



بقعه شیخ فریدالدین عطار بوضع پیشین

برای شروع کارهای تعمیراتی بقعه چه مصالحی لازم است تا در تهیه آنها اقدام گردد و بمحض اینکه فصل مساعد شد استادکاران و کارگران بکارگمارده شوند. پس از آن در بهمن ماه همانسال با حضور آقای ابراهیم سعیدی محل آرامگاه عطار برای شروع تعمیرات به آقای علمی تحویل داده شد و آقای علمی قرار دادی بدین شرح با آقای وحدتی مقاطعه کار منعقد نمود:

قرارداد: برای تکمیل و تزئین ساختمان بقعه شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در تاریخ پنجم اسفندماه ۲۵۱۷ (۱۳۳۷.ش.) بین انجمن آثارملی ایران به نمایندگی آقای محمود علمی از یک طرف و آقای حاجی حسن آقا وحدتی (مقاطعه کار) از طرف دیگر قراردادی بشرح ذیل منعقد شد:

۱- مقاطعه کار متعهد گردید که در ظرف مدت هشت ماه کارهای مشروحه زیر را انجام دهد:

۲- در حدود یکصد و شصت متر مربع سنگ کف خواب و ورگی و ازاره داخل و خارج بقعه عطار را طبق نمونه موجود در داخل و خارج گنبد سبز مشهد از سنگ خلیج سفید و سیاه تهیه نماید.

۳- حدود یکصد متر مربع کاشی معرق برای تزئین جرزها و لچکیهای بقعه طبق نمونه کاشیهای جسمی معرق نصب شده روی کار بقعه گنبد سبز مشهد باضافه حاشیه دور متن جرزها که نسبت به کار گنبد سبز اضافه خواهد بود تهیه کند.

۴- تهیه حدود سی متر مربع کاشی معقلی داخل چهارغرفه بقعه طبق نقشه کاشی معقلی ازاره غرفه های خواجه ربیع مشهد (از حیث نوع کاشی و نقشه).

اجرت حمل سنگهای مندرج در ماده ۲ از مشهد تا پای کار و هزینه نصب آنها بعهده انجمن آثار ملی است و دستمزد ساختن معرق و نصب آن در روی کار و بهای کاشی بعهده مقاطعه کار و بهای مصالح مورد نیاز و نقشه کار بعهده انجمن آثار ملی خواهد بود.

مصالح لازم جهت نصب کاشی معقلی داخل غرفه های بقعه (جز کاشیهایی که

بعهده پیمانکار است) و هزینه چوب بست بعهده انجمن آثار ملی خواهد بود. بموجب بند ۸ قرارداد آقای علمی متعهد گردیده است که در ازاء هر متر مربع سنگ یک هزار و پانصد ریال و در مقابل تحویل و تهیه کاشی و اجرت کاشی تراشی و نصب کاشی معرق در روی کار بقرار مترمربعی شش هزار ریال و در مقابل هر متر مربع کاشی معقلی تحویل روی کار متر مربعی سه هزار و چهار صد ریال به اقساط به مقاطعه کار پرداخت نماید.

پس از آن آقایان مهندس سیحون وجودت به انجمن اطلاع داده اند که با احاطه ای که آقای علمی به تعمیر و تزین بناهای تاریخی دارد در قرارداد با وحدتی پیش بینیهای لازم را برای حسن اجرای تعمیر و تزین و استحکام بقعه نموده است.

قرارداد با مهندس سیحون: بموجب قراردادی که در اسفندماه سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷.ش.) از طرف انجمن آثار ملی با آقای مهندس سیحون برای بناهای یادبود خیام و عطار و کمال الملك منعقد گردیده و سابقاً بدان اشاره کرده ایم آقای مهندس سیحون متعهد شده است که نقشه های تفصیلی اجرایی و همچنین طرح های مربوط به محوطه و بناهای تابعه آرامگاه عطار را ظرف مدت دوماه تهیه و پس از تصویب انجمن به مقاطعه کار تسلیم نماید. و در ماده شش این قرارداد مقرر شده است که: چون مباشرت در کارهای تکمیلی آرامگاه عطار از نظر سوابق ممتدی که آقای محمود علمی در تکمیل و تعمیر این قبیل آثار دارند بعهده ایشان واگذار گردیده آقای مهندس سیحون آقای علمی را بعنوان مباشر و مراقب کارهای مذکور گماشته خود در کارهای تکمیلی و تعمیری بنا نظارت می نماید و علی الاصول از جهات فنی مسئولیت صحت کار را بعهده می گیرد.

توجه به يك نکته فنی: در گزارشی که آقای مهندس سیحون درباره بقعه عطار به انجمن داده نوشته است که: ... راجع به بنای آرامگاه عطار همانگونه

که ملاحظه فرموده‌اند قد و پای تنه بنا نسبت به گنبد بی تناسب است و معلوم می‌شود که مقداری از بنا متدرجاً به زیر خاک رفته چنانکه در داخل مقبره نیز کف را بالا آورده‌اند و همین تغییر کف در داخل و بالا آوردن سطح اطراف در خارج سبب شده است که بنا ارتفاع اصلی خود را از داخل و خارج از دست بدهد. برای رفع این نقیصه مقرر شد که در حدود شصت سانتیمتر بر کتیبه افزوده شود و در حدود شصت سانتیمتر نیز کف اطراف بنائین برده شود و سطح محوطه محیط بر آن با آن کف تنظیم گردد.

در اردیبهشت ماه ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه. ش.) آقای مهندس سیحون گزارش داده است که با انجام خاک برداری اکنون بنای آرامگاه عطار ارتفاع طبیعی و اصلی خود را نشان می‌دهد و دستور داده شد که سینه مال اطراف بناباشیب مناسب ساخته شود و در بالای سینه مال جدولی بتونی ترتیب یابد. همچنین مقرر شد که در خیابان ورودی در داخل محوطه و مقابل آرامگاه در مجاورت محوطه‌ای که به کف طبیعی رسیده پنج پله سنگی و در ابتدای خیابان نزدیک به مدخل سه پله سنگی نصب شود و چون در نیشابور سنگ با دوام وجود ندارد قرار شد پله‌ها را در مشهد تهیه و به نیشابور حمل کنند.

در شهریور ماه ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه. ش.) از طرف انجمن به آقای دادور استاندار و رئیس انجمن آثار ملی استان نهم نوشته شد که: در دیوار قدیمی محوطه مقبره نادر بطرف خیابان نادری (بالا خیابان) يك درآهنی قدیمی نصب بوده است که با برداشتن آن دیوار و نصب نرده در اطراف محوطه دیگر به آن درآهنی برای محوطه آرامگاه نادر احتیاجی نیست و چون آن در برای محوطه آرامگاه عطار مورد احتیاج است دستور فرمایند با اطلاع و موافقت ادارات فرهنگ و اوقاف خراسان به شرکت مقاطعه کار کا. ژ. ت اجازه داده شود که در مذکور را برای آرامگاه عطار به نیشابور بیاورد. درآهنی قدیمی مذکور در مهرماه ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه. ش.) از مشهد به نیشابور انتقال یافت و در مدخل

محوطه آرامگاه عطار نصب گردید.

سنگ سیاه نفیس مقبره نیز در شهریور ماه همانسال به ابعاد $۳۲/۰ \times ۷۰/۰ \times ۱/۶۳$ متر بوسیله شرکت سهامی لومار تهیه و تحویل گردید.

خلاصه آنکه برای تکمیل و تعمیر بقعه عطار آنچه از اواخر سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه. ش.) تا اوایل سال ۲۵۱۹ (۱۳۳۹ ه. ش.) انجام گرفت عبارت بود از:

کاشیکاری گنبد و نمای خارجی، پوشش کف بنا از مرمر، تزیین داخل بنا و نصب تخته سنگ مرمر سیاه بر مزار حکیم، کاشیکاری معرق جرزها و کتیبه‌های خارجی جبهه بنا، سنگ کاری ازاره‌های داخل و خارج و جرزها و کتیبه‌ها، ساختمان کتابخانه و دفتر در محوطه آرامگاه، احداث حوضها و نه‌رهای کاشی و اصلاحات دیگر محوطه، تهیه و نصب نرده آهنی و در ورودی محوطه جدول بندی و ایجاد باغچه‌ها و سینه‌مالها و چمنکاری محوطه و بتون کاری کف پیاده‌روها و خیابانهای ورودی، ساختن دیوار سمت مدخل محوطه. چون پس از شروع به کار در ضمن عمل مشاهده شد که بنای آرامگاه احتیاج به پی بندی اساسی دارد ناچار زیر بنا به عمق دو متر حفرو با آجر و سیمان و شن پی بندی شد و نیز به ارتفاع $۱/۴۰$ متر پایه‌های جرزها که از آجر و گل ساخته شده بود به علت سستی جمع آوری و مجدداً با آجر و سیمان ساخته شد و این عمل هم در داخل بقعه و هم در خارج آن انجام گردید. ضمناً از نظر تناسب بنا مقداری از کف ایوانها و غرفه‌ها و داخل بقعه برداشته شد و همچنین مقداری به ارتفاع جرزها و نمای خارجی بنا افزوده گردید و چون با ابهت بنا مصرف آجر موزائیک در کف ایوانها و غرفه‌ها و داخل بقعه بنظر مناسب نیامد لذا از سنگ سفید خلیج مشهد برای آن استفاده شد. برای زیبایی ایوانها از کاشیکاری معقلی در داخل غرفه‌ها استفاده گردید و بدین ترتیب کار تعمیر و تکمیل آرامگاه در اوایل سال ۲۵۱۹ (۱۳۳۹ ه. ش.) به پایان رسید و چنانکه خواهد آمد روز دوشنبه دوازدهم فروردین ماه ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش.) در پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه

افتتاح گردید.

چگونگی بقعه

در کتاب آثار باستانی خراسان (جلد اول، صفحه ۲۲۹ تا ۲۳۳) درباره بقعه عطار چنین آمده است: «وضع بنا هشت ضلعی است و در خارج بنا چهار غرفه كوچك و در داخل چهار شاه نشین دارد و در ورودی به مقبره از طرف مشرق است و قبر شیخ عطار در وسط بنای مقبره واقع شده و در بالای مقبره گنبد كوچکی ساخته شده است، و مساحت زیر بنا یکصد و نوزده متر مربع است و در طرف چپ در ورودی پلکان آجری است که به پشت بام مقبره می رود...»

وسعه زیر سقف بنا که قبر در آن وقوع دارد تقریباً شش متر در شش متر بطور هشت ضلعی می باشد و از این سعه چهار در به چهار طرف بنا مفتوح می گردد ولیکن در ورودی مقبره از طرف مشرق بنا همیشه باز است.»

فروش بقعه: فرش بسیار نفیس آرامگاه عطار که يك اثر هنری جالب است به خواست شادروان تیمسار سپهبد آقا اولی و همت و کوشش آقایان سید محمد تقی مصطفوی و بهادری در نیشابور، در کارخانه فکور تهیه شده، فرش مذکور کثیرالاضلاع هشت ضلعی است و طوری بافته شده که سنگ قبر در وسط آن قرار گرفته است. مخارج تهیه فرش در حدود مبلغ ششصد هزار ریال شده است. سنگ قبر عطار: سنگ قبر عطار به طول و عرض ۷۳/۱۶۰ متر و ارتفاع ۳۰ سانتیمتر است و بر روی آن نقر شده:

آرامگاه عارف ربانی

سخن سرای نامی

فریدالدین عطار

هر که او رفت از میان اینک فنا

چون فنا گشت از فنا اینک بقا
سال ولادت پانصد و چهل قمری

تاریخ شهادت شنبه ۱۵ صفر سال ششصد و هجده قمری
بالا سر قبر میله‌ای سنگی است که در سال ۸۹۱ هجری قمری تهیه شده
و ارتفاع آن حدود سه متر می‌باشد و در دوره بالای آن اسامی ائمه اثنا عشر
نقر شده. در طرف جلو سنگ را مسطح و بصورت لوح ساخته‌اند، در اطراف
سنگ آیه‌الکرسی است تا والله سمیع علیم و در پشت سنگ نوشته شده است:
ز مشرق تا به مغرب گرامام است علی و آل او ما را تمام است
و در زیر آن نوشته شده است: ۸۹۱.

بر روی لوح به خط ثلث بیست بیت نوشته شده که بعضی از ابیات آن
این است^۱:

قبر آن عالی جناب است آنکه بود	خاک راهش دیده چرخ کبود
شیخ عالم شیخ عطار فرید	آنکه هستند اولیا او را مرید
طرفه عطاری که از انفاس او	قاف تا قاف جهان شد مشکبو
خاک نیشابور تا یوم القیام	آبرو دارد از این عالی مقام
کتیبه: بر دیوار جنوب شرقی بقعه بر روی لوحه‌ای از سنگ مرمر این	
عبارات نوشته شده است:	

بنام خدای یکتا

در انجام فرمان مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی محمدرضا شاه پهلوی
مبنی بر تجلیل مقام و مرتبه بزرگان و مفاخر علمی در گذشته کشور ایران انجمن
آثار ملی به تکمیل و تزئین بقعه شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری عارف و
سراینده معروف قرن ششم و هفتم هجری همت گمارد.

۱- تفصیل را رجوع شود به کتاب آثار باستانی خراسان، اثر عبدالحمید مولوی،

عارف بزرگوار مزبور در سن نزدیک به هشتاد سالگی بسال ۱۸۰۶ هجری قمری هنگام قتل عام نیشابور بدست مغولان شربت شهادت نوشید.

در سال ۸۹۱ هجری از طرف امیر علیشیر نوائی آرامگاهی بر تربت وی ساخته شد که دست روزگار آنرا بویرانی کشانید و در سال ۱۳۲۷ هجری قمری از طرف شاهزاده سلطان حسین میرزا نیرالدوله فرمانفرمای وقت خراسان بنای مزبور تعمیر و محوطه محصورى در اطراف بقعه احداث گشت و چون یش از پنجاه سال فراموشی و بی توجهی بر آن گذشت مجدداً ویرانی فراوان یافت.

در خلال سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱ شمسی از طرف انجمن آثار ملی نسبت به تکمیل بقعه و کاشیکاری نما و غرفه‌های خارجی و اصلاحات مختلف و توسعه محوطه آن اقدام گردید و ضمناً آرامگاه هنرمند فقید محمد غناری (کمال‌الملک) که سابقاً بیرون و دور از محوطه بقعه عطار قرار داشت بر اثر وسعت یافتن محوطه مزبور در داخل آن واقع گردید و بنای شیوائی فراخور امکانات انجمن که تا حدی هم درخور مقام هنری استاد فقید بود برای آن احداث گشت.

تألیف و چاپ کتب: کتابهایی که مقارن تکمیل و تعمیر بقعه عطار دربارهٔ شیخ تألیف یا از آثار او تصحیح و چاپ شد عبارت بود از :

۱- شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار، تألیف شادروان فروزانفر استاد دانشگاه تهران .

۲- اشترنامه، به تصحیح و تحشیه آقای دکتر مهدی محقق استاد دانشگاه تهران .

۳- خسرو نامه، تألیف شیخ فریدالدین عطار، به تصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری .

۴- دیوان غزلیات و قصائد عطار، به اهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی . کتابخانه عطار: در قسمت شمال شرقی باغ عطار ساختمانی است شامل یک راهرو، یک اتاق دفتر و یک کتابخانه و در کتابخانه آن در حدود ۴۰۰ مجلد کتاب نگاهداری می‌شود.



بقعه شیخ عطار پس از تعمیر

خیابان بین دو آرامگاه

از اواخر سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ شمسی) که مقدمات ساختمان آرامگاه خیام و تعمیر و تکمیل بقعه شیخ عطار فراهم آمد احداث خیابانی که رفت و آمد از شهر نیشابور به آرامگاه خیام و از آنجا به بقعه عطار را تسهیل کند نیز مورد توجه قرار گرفت.

طرح خیابان بوسیله آقای مهندس سیحون تهیه و اجرای آن بعهده شرکت کا.ژ.ت. و گذار گردید و در نظر گرفته شد که این خیابان که گردشگاهی برای اهالی نیشابور نیز هست شامل سواره رویی بعرض هشت متر باشد و پس از تسطیح سنگریزی شده روی آن اسفالت شود و در طرفین جدولهای بتونی و بعد از جدولها سینه‌مالهایی برای چمنکاری و گلکاری تعبیه گردد، سپس در طرفین سینه‌مالها پیاده‌روهایی بعرض ۲/۷ متر ساخته و در طول پیاده‌روها در کنار نهرهای آب درختکاری شود.

چون اراضی مسیر خیابان از اراضی زراعی و متعلق به مالکان مختلف بود لذا از طرف انجمن آثار ملی از آقای ابراهیم سعیدی عضو انجمن آثار ملی نیشابور خواسته شد که به نمایندگی انجمن آثار ملی ایران اراضی لازم را خریداری نماید و آقای سعیدی با توجه به مقتضیات و مصالح محلی به خرید اراضی اقدام کرد و کار احداث خیابان و دومیدان مقابل دو آرامگاه از همان اواخر سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه.ش.) آغاز گردید و پس از آن در سال ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه.ش.) اقدامات ذیل بعمل آمد:

- ۱- زیرسازی خیابان از ابتدای انشعاب جاده فرعی آرامگاه خیام تا باغ خیام و از آنجا تا بقعه عطار.
- ۲- جدول‌سازی دو طرف خیابان و طرفین پیاده‌روهای آن که بر بالای سینه‌مالهای دو سمت احداث گردیده.

۳- ساختمان پلهای كوچك متعدد و يك پل بزرگ در مسیر خیابان و روی



خیابان بین آرامگاه خیام و عطار

مسیل نزدیک به بقعه عطار.

- ۴- احداث سه میدان یکی در اوایل خیابان و نزدیک به محل انشعاب جاده و یکی در محوطه مدخل باغ آرامگاه خیام و یکی محاذی مدخل بقعه عطار.
 - ۵- اسفالت کردن خیابان و میدانهای مذکور.
 - ۶- حفرچاه عمیق و نصب تلمبه بر آن در نزدیکی میدان اولی جهت آبیاری درختها و گلها و چمنهای خیابان و محوطه آرامگاهها.
- حفرچاه و نصب تلمبه بوسیله شرکت سهامی آبیاری و شیار خراسان انجام گردید و سه ساعت بعد از ظهر روز پنجم دیماه ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه.ش.) با

حضور آقایان برهمند فرماندار نیشابور، ابراهیم سعیدی نماینده انجمن آثار ملی، نماینده شرکت کا.ژ.ت، مهندس شهرداری نیشابور، کارشناس برق و دیزل شهرداری، و نماینده شرکت سهامی آبیاری و شیار خراسان موتور و تلمبه نصب شده روی چاه بکار افتاد و آب جریان یافت و با آزمایشی که بعمل آمد میزان آبدهی رضایت بخش اعلام گردید.

۷- ساختمان موتورخانه و اطاق سرایدار و محصور کردن محوطه آن مجاور چاه عمیق.

۸- ساختمان برج و منبع آب در نزدیکی میدان واقع در ابتدای خیابان.
۹- لوله کشی از منبع آب به باغ خیام و امامزاده محمد محروق، و در طول خیابان برای مشروب کردن سینه مالهای طرفین خیابان و گلهای و درختها، و ادامه لوله کشی تا محوطه بقعه عطار.

۱۰- ایجاد تأسیسات کامل مرکز تولید برق ۱۳۰ کیلوواتی و نصب پایه های بلند فلزی و چراغهای فلورسنت در تمام طول خیابان و میدانها و داخل باغ خیام و بقعه عطار.

یادآوری این نکته لازم می نماید که درختکاری کنار نهرهای طرفین خیابان طبق مذاکره با فرمانداری و شهرداری نیشابور و موافقت و مساعدت مقامات مزبور از طرف شهرداری نیشابور انجام گردید و در اسفندماه سال ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه. ش.) آقای برهمند فرماندار نیشابور به اطلاع انجمن رسانید که درختکاری (بلوار) عطار و خیام خاتمه یافت و نهالهای بسیار زیبا در طرفین خیابان غرس گردید. در سال ۲۵۱۹ (۱۳۳۹ ه. ش.) از طرف انجمن بفرمانداری نیشابور اطلاع داده شد که در اطراف خیابان بین دو آرامگاه شروع به ساختن متزلها و اطاقهای بی تناسبی شده است، چنانکه استحضار دارند این خیابان گردشگاه مردم شهر نیز هست و ساختمانهای بی تناسب وضع آن راناپسند خواهد ساخت، لذا اولاً حریمی در حدود پنجاه متر برای خیابان قائل شوند که درختکاری شود،



خیابانی که شهر نیشابور را به آرامگاه خیام متصل می‌کند

ثانیاً ساختمانها با نقشه و اجازه شهرداری باشد. چون آرامگاههای خیام و عطار خارج از حوزه شهرداری بود با اقداماتی که از طرف فرمانداری و انجمن شهر نیشابور بعمل آمد آرامگاههای مذکور و اراضی اطراف آن تا شعاع صد متر جزو حوزه شهرداری نیشابور گردید.

چاه دیگر: در سالهای اخیر بین آرامگاه خیام و چاه شماره ۱ چاه عمیق دیگری به عمق ۱۳۰ متر در کنار بلوار خیام حفر گردیده که با برق منطقه‌ای از آن بهره‌برداری می‌شود و از آب آن برای مشروب ساختن اشجار و چمنها و گلهای بلوار و باغ استفاده می‌شود، بنابراین در حال حاضر دو چاه عمیق درختها و گلهای و چمنها را مشروب می‌سازد.

۹

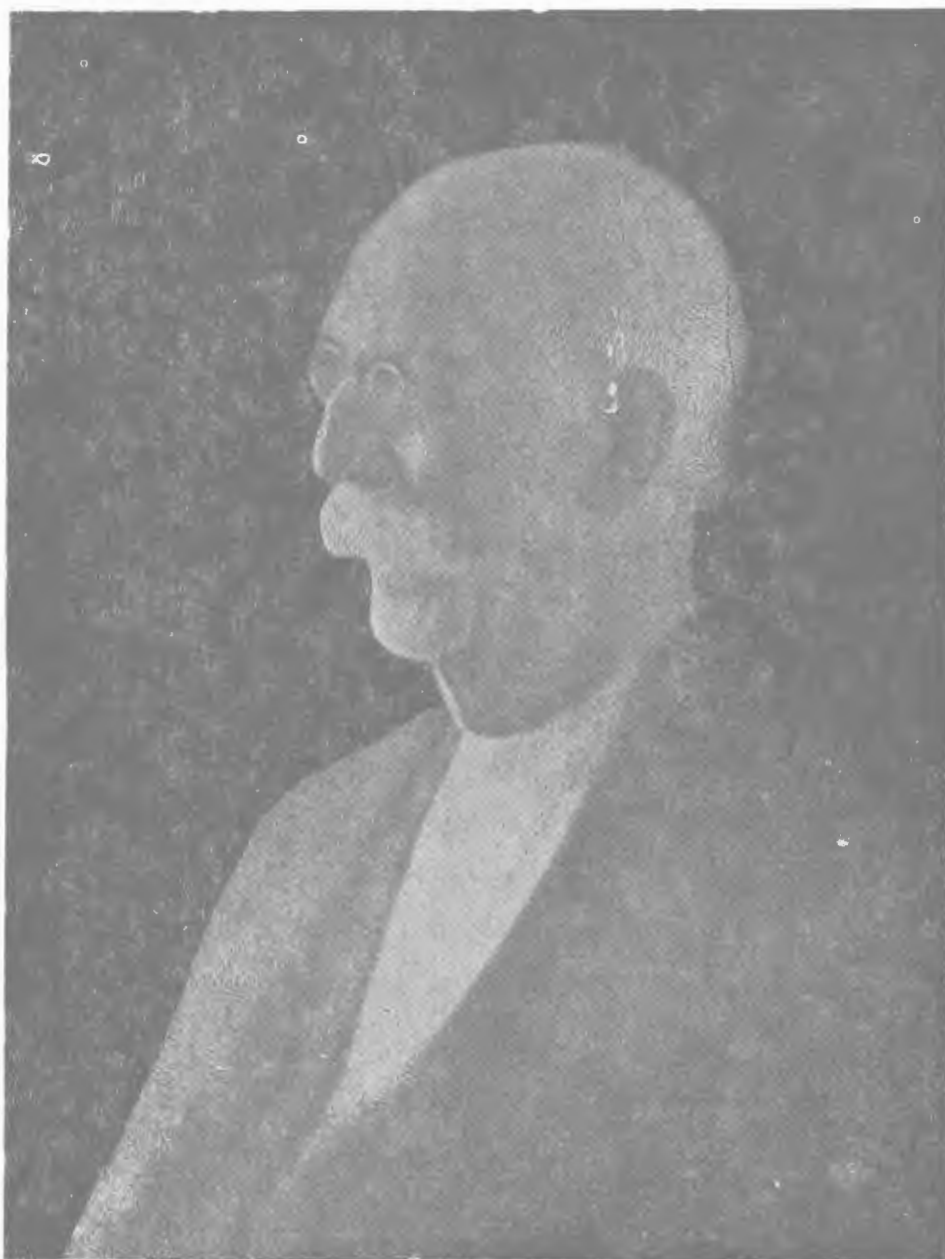
آرامگاه کمال الملک



آرامگاه هنرمند قلی محمد غفاری کمال الملک در کنار باغ بقعه شیخ فریدالدین عطار (نیشابور)
که به وسیله انجمن آثار ملی ساخته و پرداخته شده است

کمال‌الملک

شادروان محمد غفاری (کمال‌الملک) فرزند میرزا بزرگ در آخر شوال سال ۱۲۶۴ ه.ق در کاشان دیده به جهان گشود و پس از تحصیلات مقدماتی در پانزده سالگی به تهران آمد و برای ادامه تحصیل وارد دارالفنون شد. سه سال بعد هنگام امتحان آخر سال ناصرالدین شاه به دارالفنون آمد و در یکی از اطاقتها تصویر اعتضاد السلطنه وزیر فرهنگ وقت را دید و پرسید این تابلو کار کیست؟ وزیر فرهنگ محمد غفاری را معرفی کرد و ناصرالدین شاه پس از ملاطفت بسیار نسبت به نقاش جوان و پر استعداد دستور داد که در عمارت بادگیر اطاقی برای او تعیین کنند تا در آنجا مشغول نقاشی گردد. محمد غفاری در آن اطاق به نقاشی مشغول شد و نوشته اند که در ظرف چهار سال یکصد و هفتاد تابلو تهیه کرد و ملقب به لقب نقاشباشی و معلم نقاشی شاه شد و در سال ۱۳۱۰ ه.ق به وی لقب کمال‌الملک داده شد. کمال‌الملک بر حسب تقاضای خود و به خرج خویش برای دیدن کارهای استادان بزرگ فن به اروپا رفت و از موزه‌های معروف و آثار هنری نقاشان بزرگ بازدید کرد و در سال سوم اقامتش در اروپا خبر کشته شدن ناصرالدین شاه را شنید و به ایران بازگشت. بر اثر ناملایماتی که در دوره مظفرالدین شاه برای کمال‌الملک پیش آمد در سال ۱۳۲۱ قمری به بغداد رفت و چند سال در آنجا مقیم بود. و تابلوهای زرگر بغدادی و شاگردش، میدان کربلا و فالگیر بغدادی ره آورد این سفر بود. کمال‌الملک پس از بازگشت از بغداد در سال ۱۳۲۹ قمری بر اثر علاقه و کوشش شادروان حکیم‌الملک وزیر معارف وقت و کمک و تشویق گروهی از دوستانش مدرسه صنایع مستظرفه را تأسیس کرد. این مدرسه در اراضی باغ نگارستان ایجاد شد و استاد



تصویر کمال الملک

در آن شاگردان بنامی تربیت کرد که از نقاشان و مجسمه‌سازان زبردست شدند. در اواسط سال ۲۴۸۶ (۱۳۰۶ شمسی، ۱۳۴۷ قمری) کمال‌الملک تقاضای بازنشستگی کرد و در ۲۲ اردیبهشت ماه سال ۲۴۸۷ (۱۳۰۷ شمسی، ۱۳۴۸ قمری) به ملک شخصی خود در حسین‌آباد نیشابور رفت و به نگاهداری عده‌ای از فرزندان برادر مرحوم خود ابوتراب غفاری پرداخت و پس از مدتی اقامت در آنجا بر اثر کسالتی ممتد دو ساعت بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۷ مردادماه ۲۴۹۹ (۱۳۱۹ شمسی، ۱۳ رجب المرجب ۱۳۵۹ قمری) در شهر نیشابور بدرود زندگانی گفت و در نزدیکی مقبره شیخ عطار بخاک سپرده شد. کمال‌الملک هنرمندی عالیقدر بود و نقاشیهای او از آثار هنری ممتاز و عالی است و نمونه‌هایی از آنها در موزه کاخ گلستان و عمارت بهارستان و موزه ملی ملک محفوظ است.^۱

آرامگاه کمال‌الملک

چنانکه اشاره شد شادروان کمال‌الملک را در قبرستان مقابل باغ آرامگاه شیخ عطار و در کنار دیوار باغ بخاک سپردند، در سال ۲۵۰۹ (۱۳۲۹ ه.ش.) از نخست‌وزیری نامه‌ای به آقای صدر استاندار استان نهم نوشته شد و رونوشت آن به انجمن آثار ملی ارسال گردید مبنی بر اینکه وضع آرامگاه استاد هنرمند عالی‌مقام ایرانی مرحوم کمال‌الملک که در قبرستان جلو آرامگاه شیخ فریدالدین عطار در شهر نیشابور واقع است بنحو تأسف آوری درآمده و حتی بر روی آن سنگ نصب نگردیده و نام این فرزند عالیقدر ایران بر روی آجری حاک شده است، لازم است به پاس افتخارات فناناپذیری که بوسیله مرحوم کمال‌الملک نصیب این کشور گردیده است از محل بازدید بعمل آورده در درجه اول سنگ مزار آبرومندی برای آن تهیه کنید و در صورت امکان نسبت به ساختمان بنای

۱- برای آگاهی از شرح حال کامل استاد رجوع شود به کتاب آثار باستانی خراسان، صفحه ۲۳۴ تا صفحه ۲۵۴.

یادبودی در محل مزار اقدام لازم بعمل آورید.

از مکاتبات متعدد واقدامات مختلفی که در ظرف چندسال در این باره بعمل آمد نتیجه مطلوبی حاصل نشد و تنها در سال ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه. ش.) که تعمیرات مقدماتی بقعه عطار آغاز شد قطعاتی به محوطه آرامگاه افزوده گردید و مساحت آن از ۱۸۸۰ به ۵۸۸۰ مترمربع رسید و قبر کمال‌الملک در داخل باغ آرامگاه عطار قرار گرفت. (در سالهای اخیر اراضی دیگری به باغ آرامگاه افزوده و مساحت آن بالغ بر ۱۸۰۰۰ مترمربع شده است).

در آبانماه سال ۲۵۱۵ (۱۳۳۵ ه. ش.) آقای رضا جعفری استاندار خراسان به انجمن آثار ملی نوشت که در سفر نیشابور آرامگاه ابدی کمال‌الملک زیارت شد، با نهایت تأسف باید عرض کنم که مقبره این هنرمند عالیقدر ایرانی که مسلماً زیارتگاه هنرمندان ایران و جهان خواهد بود بهیچوجه مناسب با شئون این مرد بزرگ که هنرش موجب افتخار است نمی‌باشد. بسیار بجا است که بنائی متناسب بر آرامگاه ابدی او ساخته شود. خواهشمند است دستور فرمایند نقشه بنائی که درخور مقام او است تهیه و هزینه ساختمان آن برآورد شود تا افراد شریف این استان نیز بسهم خود در این امر مهم همکاری نمایند.

در سال ۲۵۱۶ (۱۳۳۶ ه. ش.) آقایان مهندس سیحون و حسین جودت به دستور انجمن آثار ملی از مرقد کمال‌الملک بازدید بعمل آورده به انجمن گزارش دادند که: مقبره شادروان کمال‌الملک باید بصورت پوششی از بتون و متناسب با محوطه بنا گردد و اطراف آن باز باشد. در قراردادی که در اسفندماه سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه. ش.) با آقای مهندس سیحون منعقد شد مقرر گردید که ایشان نقشه‌های مربوط به آرامگاه کمال‌الملک را ظرف مدت دوماه تهیه نمایند و پس از تصویب انجمن به مقاطعه کار تسلیم گردد. آقای مهندس سیحون همچنین مسئولیت نظارت در اجرای کارهای آرامگاه کمال‌الملک را بنماینده‌گی از طرف انجمن آثار ملی قبول کرده بعهده گرفت و بدین ترتیب ساختمان آرامگاه

کمال‌الملک از اوایل سال ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه. ش.) بوسیله شرکت کا. ژ. ت. و با نظارت آقای مهندس سیحون آغاز گردید و تا سال ۲۵۲۰ (۱۳۴۰ ه. ش.) پی- سازی آرامگاه، نصب استخوان بندی آهنی، کاشیکاری بنا، تهیه و نصب سنگ

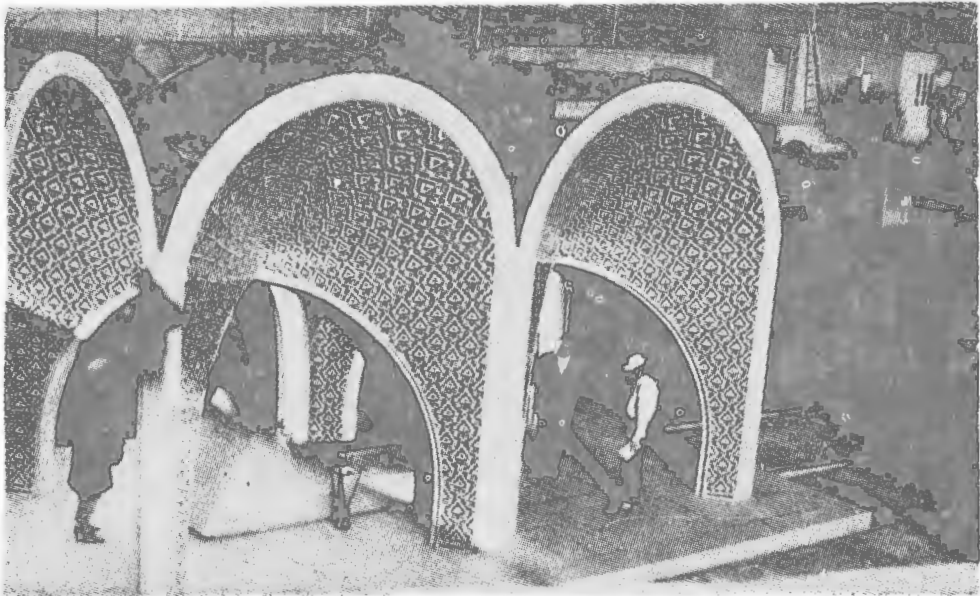


آرامگاه کمال‌الملک قبل از نصب کاشیکاری

مزار و نقش برجسته نیم تنه سنگی وی کار استاد ابوالحسن صدیقی از شاگردان استاد، جدول سازی و باغچه بندی محوطه آرامگاه، احداث دو حوض در محوطه آرامگاه و غیره انجام گردید و بنائی متناسب با عهد و زمان زندگی و عوالم هنری شادروان

کمال‌الملک ساخته شد و چنانکه خواهد آمد روز دو شنبه دوازدهم اسفندماه سال ۲۵۲۲ (۱۳۴۲.ش.) مورد بازدید شاهنشاه قرار گرفت.

بنای آرامگاه کمال‌الملک در فضای شمالی مقبره شیخ فریدالدین عطار با بتون مسلح بنا گردیده و مساحت زیر بنا ۲۸ متر مربع می‌باشد و دارای شش ایوانچه مقعر است و داخل فرو رفتگی ایوانچه‌ها را با کاشی معرق نفیس به رنگهای لاجوردی و سفید و غیره زینت داده‌اند.^۱



آرامگاه کمال‌الملک

روی قبر کمال‌الملک سنگی است به طول و عرض $۱ \times ۳/۴۶$ متر که ارتفاع آن ۴۰ سانتیمتر می‌باشد. در بالاسر بصورت منشوری درآمده که $۱/۲۰$ متر ارتفاع دارد. بر روی سنگ مزار نوشته شده است:

۱- آثار باستانی خراسان، ص ۲۵۲ و ۲۵۳.

آنکه پاینده و باقیست خدا خواهد بود

آرامگاه

شادروان محمد غفاری کمال‌الملک

تولد آخرماه شوال المکرم ۱۲۶۴ هجری

درگذشت یکشنبه ۱۳ رجب المرجب ۱۳۵۹ هجری

مطابق ۲۷ مردادماه ۱۳۱۹ شمسی

بر روی منشور بالاسر نقش برجسته نیم رخ کمال‌الملک اثر ابوالحسن صدیقی بطور برجسته بر لوح سنگی سفید نمایان است و در سمت دیگر منشور نوشته شده است:

«فرمان شاهنشاه ایران محمد رضا شاه پهلوی ساختمان آرامگاه استاد هنرمند عالیقدر شادروان محمد غفاری کمال‌الملک فرزند شادروان میرزا بزرگ غفاری از طرف انجمن آثار ملی در سال ۱۳۴۰ شمسی بنیاد گردیده است.»

گشایش

آرامگاه خیام، بقعة عطار، آرامگاه کمال الملك و بناهای تابعة آنها

روز دوشنبه ۱۲ فروردین ماه ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ شمسی) اعلیحضرت همایون شاهنشاه پس از گشایش آرامگاه نادر در مشهد در ساعت یازده و ربع با قطار سلطنتی برای افتتاح آرامگاههای خیام و عطار بصوب نیشابور عزیمت فرمودند و قطار حامل شاهنشاه و همراهان يك ساعت بعد از ظهر روز دوشنبه وارد نیشابور شد. پس از تشریف فرمائی شاهنشاه به باغ آرامگاه خیام تیمسار سپهبد آقاولی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بعرض رسانید:

اعلیحضرتا:

خاطر مبارك ذات همایونی بخوبی آگاه است که از دیرزمان مرتبه بلند حکیم حجة الحق عمر خیام نیشابوری در علم و فلسفه و ادب بر جهانیان معلوم گردیده نام این فرزند برومندان ایران مخصوصاً از حدود صدسال پیش به این طرف در اقطار جهان پیچیده است و ترجمه های شیوای افکار نغز و رباعیات معروفش به زبانهای مختلف، روشنی بخش عالم دانش و معنویت دنیای خاکی می باشد بزرگداشت مقام ارجمند حکیم نیز همواره مورد علاقه خاطر خطیر شاهانه بوده فرمان به انجام هر گونه اقدامی درخور این منظور فرموده و می فرمودند و از جمله کارهایی که در این باره ضرورت قطعی داشت احداث آرامگاه آبرومندی بر تربت این نابغه علم و ادب ایران بود که چشم مردم دانشمند و میهن پرست ایران و روشن بینان جهان از دیرباز انتظار انجام یافتن آنرا داشت. هر چند در سال ۱۳۱۳ شمسی هنگام برگزاری جشن هزاره حکیم ابوالقاسم فردوسی ستون سنگی سفیدی در وسط صفة کوچک سنگی بر مزار حکیم عمر خیام ساخته شد لکن از همان هنگام احداث بنای مستقلی در خور مقام بلند حکیم مورد



اعلی‌حضرت همایونی به‌نگام افتتاح آرامگاه‌های خیام و عطار و کمال‌الملک

نظر وعلاقه بود وانجمن آثار ملی در چند سال اخیر ضمن انجام خدمات محوله در خطه خراسان نسبت به ساختمان چنین آرامگاهی اهتمام ورزید و اینک جای کمال خوشوقتی است که این خدمت اساسی در راه بزرگداشت یکی از اختران تابناک جهان دانش و فرهنگ که در سرزمین عزیز ایران در خطه نیشابور بدنیا آمده و همینجا در خاک غنوده است بفرمان شاهنشاه معظم خردپرور جامه عمل پوشیده است.

برای احداث بنای آرامگاه جدید خیام از آنچه در کتاب نظامی عروضی مذکور افتاده است الهام گرفته شد آنجا که از قول حکیم می‌نویسد: «گور من در موضعی باشد که هر بهاری شمال بر من گل افشان می‌کند» بطوری که از نظر مبارک شاهانه می‌گذرد گنبدی به سبک عهد سلجوقی یعنی شبیه آثار معاصر با دوران زندگی خیام با ابداعات و تصرفاتی درخور فنون معماری و پیشرفت‌های حاصل در هنر ساختمانی امروز ایران بنیاد گردیده و تزئینات کاشیکاری حاوی رباعیات خیام و طرح‌های اصیل ایرانی در خارج و داخل آن جلوه گر می‌باشد و اطراف محوطه بیرون گنبد نیز آب‌نماهای مخصوص هر می‌شکل از تخته سنگهای خارای سترک تعبیه گردیده است و مجموعاً بنای آرامگاه



در آرامگاه خیام

نمودار مختصری از نکات هندسی و ریاضی که مقام عمر خیام در این رشته دانش معروف جهانیان است بشمار می‌رود.

برای اینکه آرامگاه خیام تغییری در منظرو وضع تاریخی بقعه امامزاده محمد محروق وارد نیابد پس از بررسی کامل محل مناسبی در ضلع شرقی باغ که با سوابق تاریخی و گفته حکیم نیز بهتر مطابقت می‌نماید جهت احداث بنای کنونی انتخاب گردید و ابنیه تابعه مربوط به چنین آرامگاهی مشتمل بر موزه و کتابخانه و دفتر و مهمانسرا با احتیاجاتی درخور آنها در جانب شمالی ساخته و پرداخته شد.

ضمناً بقعه شیخ فریدالدین عطار نیشابوری عارف و سراینده معروف قرن ششم و هفتم هجری که از قرار معلوم صدسال پس از حکیم عمر خیام بدست مغولان خونخوار شربت شهادت نوشیده است و بمسافت یک کیلومتر و نیمی مغرب آرامگاه خیام قرار دارد تکمیل شد و بصورت مناسبی کاشیکاری و تزیین گردید و باغ آن توسعه یافت و با احداث حوض و نهر آب و ساختمان بنای دفتر و کتابخانه

بوضعی بهتر و مناسب‌تر درآمد.

آرامگاه شادزوان محمد غفاری کمال الملك نیز که در کنار باغ آرامگاه شیخ فریدالدین عطار واقع بود و بر اثر توسعه باغ در وسط فضای آن قرار گرفت از نظر دورنماید و بنائی مناسب با عهد و زمان زندگی و عوالم هنری آن فقید که مزین به کاشیکاری‌های ظریف است بر مزار استاد عالیقدر ساخته شد و نقش برجسته نیم‌تنه سنگی وی کار استاد ابوالحسن صدیقی از شاگردان استاد بسفارش انجمن آثار ملی بر سنگ مزار وی نصب گردید.



شاهنشاه بر سر تربت عطار

برای تأمین رفت و آمد از شهر نیشابور به آرامگاه خیام و از آنجا به تربت عطار خیابان اسفالت مشجری مجموعاً بطول سه کیلومتر که از شاهراه نیشابور به مشهد بطرف آرامگاه خیام منشعب گشته از آنجا به بقعه عطار امتداد می‌یابد ساخته شد و پلهای متعدد و آبروهای لازم در مسیر خیابان احداث گردید و با حفر چاه عمیق و بکار گذاشتن موتورهای برق و نصب پایه‌های فلزی و لوله کشی آب و کابل کشی برق و اقدامات ضروری دیگر مربوط به چنین خدمتی ترتیب تأمین آب و برق خیابان و باغهای آرامگاه و ابنیه مزبور داده شده است.

توأم باین اقدامات همانطور که در مورد جشن هزاره شیخ رئیس ابوعلی سینا به سال ۱۳۳۳ و نسبت به بزرگداشت نادرشاه افشار واحداث آرامگاه وی در حال حاضر عمل شده است کتب و نشرات مربوط به حکیم عمر خیام و شیخ فرید



در آرامگاه کمال الملك

الدین عطار بوسیله دانشمندان و محققین ذی فن بسفارش انجمن آثار ملی تدوین و چاپ و منتشر گشت که نسخه‌های آن قبلاً از عرض پیشگاه مبارک شاهنشاه فرهنگ دوست و دانش پرور گذشت.

ارقام تقریبی هزینه‌های خدمات مورد ذکر بشرحی است که از شرف عرض پیشگاه همایونی می‌گذرانند:

۱- هزینه بنای آرامگاه خيام و ابنیه تابعه آن از موزه و کتابخانه و شبکه برق و لوله کشی و منبع آب و غیره ۶۶۴۵۳۲۵۰ ریال

۲- هزینه تکمیل و تزئین بقعه عطار و توسعه محوطه و سایر کارهای مربوط به آن و هزینه احداث آرامگاه هنرمند فقید کمال الملك ۵۴۶۴۰۰۰ ریال

- ۳- هزینه حفرا عمیق و موتورهای آب و برق ۲۰۰۳۶۴۳ ریال
 ۴- هزینه احداث خیابان مشجر اسفالتی بطول سه کیلومتر ۱۱۰۵۸۰۳۴ ریال
 ۵- هزینه تهیه و طبع کتب ۱۲۰۰۰ ریال

جمع کل ۴۸۴۰۰۸۷۸ ریال

اگر نادرشاه افشار مظهر دلاوری و قهرمان استقلال نظامی و سیاسی ایران در زمان آشفته‌ای از تاریخ این کشور باستانی بود حکیم عمر خیام عالم ریاضی و هندسه و فلسفه در عین حال سراینده عالقدر رباعیات نغز حکیمانه منحصر بخود بشمار رفته است و شیخ فریدالدین عطار نیز یک قرن بعد از حکیم عمر خیام عالم شهر در منطق و از مظاهر درخشان تصوف و عرفان ایران محسوب می‌گردد و هر دو حکیم عالقدر از اختران تابناک دنیای دانش و معنویت عنصر پاک ایرانی در سراسر جهان هستند.

انجمن آثار ملی سپاسگزاری خالصانه خود را به پیشگاه مبارک ملوکانه که عنایت و توجه مخصوص ذات همایونش موجب حقیقی این آثار و نگاهبان فرهنگ واقعی و عمیق ایران و مفاخر ملی و آثار پرافتخار گذشته آنست تقدیم



شاهنشاه بهنگام توشیح دفتر یادبود آرامگاه خیام، دوشنبه ۱۲ فروردین ماه ۱۳۴۲ (ش. ۸۱۳۴۲)

می‌نماید و وظیفه خود می‌داند تشکرات و خرمندی خود را از همکاری‌های صمیمانه مقامات مختلف ملی و دولتی خصوصاً وزارتین فرهنگ و دارائی و خزانه‌داری کل و اداره کل اوقاف و همچنین مقامات محلی و شخصیت‌های مؤثر و علاقه‌مند نیشابور نسبت به پیشرفت خدمات محوله به‌انجمن درباره آثار مورد ذکر در این هنگام بشرف‌عرض مبارک برساند.

اینک از پیشگاه مبارک ملوکانه استدعا می‌نماید با تشریف فرمائی به‌بنای آرامگاه حکیم عمر خیام و شیخ فریدالدین عطار اجازه افتتاح رسمی آن را مرحمت و انجمن آثار ملی را با بذل این توجه شاهانه و عنایت ملوکانه بیش از پیش شکرگزار و سپاسگزار ذات مبارک فرمایند.

در این هنگام آقای ابراهیم صهبا ایبائی را بعرض رسانید.^۱ شاهنشاه در میان ابراز احساسات حاضران آرامگاه خیام را گشودند. سپس بسوی امامزاده محمد محروق رفتند و در مقابل در ورودی امامزاده علما و روحانیان نیشابور صف کشیده بودند و برای سلامت شاهنشاه دعا کردند. آنگاه شاهنشاه آرامگاه شیخ عطار را گشودند و پس از مشاهده آرامگاه کمال‌الملک در ساعت دو و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر آنجا را ترک گفتند.



روحانیان نیشابور مقدم اعلیحضرت همایونی را گرامی میدارند

بقعه امانزاده محروق



منظر بقعة امامزاده محمد معروق از سمت جنوب شرقی پس از تعمیرات آن به وسیله انجمن آثار ملی

امامزاده محمد محروق و بقعه تاریخی او

محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهم السلام در سال دویست هجری قمری در عهد مأمون خلیفه عباسی بدست گماشتگان مأمون شهید شد و جسدش را سوزانیدند و بهمین سبب ویرا محمد محروق خواندند^۱، آنچه از بدن سوخته محمد محروق باقی مانده بود در قبرستان حیره نیشابور بخاک سپرده شد و قبرش زیارتگاه علاقه‌مندان گردید. چندی بعد جسد امامزاده ابراهیم را که از فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام بود در کنار قبر امامزاده محمد محروق بخاک سپردند و قبرستان حیره بیش از پیش مورد توجه شیعیان قرار گرفت.

در باره بقعه امامزاده محمد محروق و امامزاده ابراهیم نوشته‌اند که^۲:

«... در زمان سلطنت سلجوقیان بقعه مناسبی بر مزار دوسید عالیقدر بنا کردند اما هنگام حمله مغول و قتل عام مردم نیشابور و انهدام شهر، این بقعه نیز طوری تاراج و ویران شد که اثری از آن باقی نماند. در دوران سلاطین تیموری تا حدودی به مقابر بزرگان علم و حکمت و عرفان و پیشوایان دین و مذهب توجه گردید و از جمله در نیشابور در زمان سلطنت سلطان حسین بایقرا به دستور امیر علیشیر نوائی سنگی بر مزار عطار نصب شد و به همت شاه میرحسین یکی از رجال توانای آن زمان بقعه‌ای بر مرقده امامزاده محمد محروق و بقعه کوچکتری در جهت غربی همان بقعه بر مزار امامزاده ابراهیم ساخته شد.

در زمان سلطنت شاه طهماسب صفوی ایوان شمالی و شبستانهای سه طرف

۱- تفصیل را رجوع شود به کتاب آثار باستانی خراسان از انتشارات انجمن آثار ملی، ص ۲۹۲ تا ص ۳۱۹ و نیز رجوع شود به منتخب التواریخ ص ۳۰۹ و عمدة المطالب و مطلع الشمس.

۲- یادنامه شادروان حسین علا، ص ۴۱ تا ۴۵، مقاله محمود غلمی بانصرف و تلخیص.

دیگر برجوانب بقعه افزوده گردید. وصندوق مثبت روی قبر، درهای مثبت بقعه، کاشیهای زیررنگی عالی داخل هردو حرم، کاشیهای معرق کتیبه، کاشیهای زیررنگی ازاره ایوان و پیشانی نمای ایوان (باستثنای روی جرزه‌ها که نیمه کاره باقی مانده بود) همه تهیه و نصب گردید و گنبد روی حرم امامزاده محمد نیز کاشیکاری و مزین شد و تا حدی شکوه و جلال اولیه را بازیافت.

در دوره سلطنت قاجاریه بعلت عدم توجه متصدیان امر و متولیان، بنای مهم مذکور مجدداً روی به ویرانی نهاد و قسمتی از ایوان و پایه‌های غرفه‌های طرفین ایوان از محل خود متمایل گشت و گنبد شکست برداشت و بنا از هر طرف از وضع عادی خارج شد.

در زمان اعلیحضرت رضا شاه کبیر برای تعمیر بناهای تاریخی و صیانت آنها توجه لازم بعمل آمد و از جمله درحین ساختمان اولیه آرامگاه حکیم عمر خیام تعمیر مختصری هم دربنای هردو امامزاده انجام گرفت و از طرف متصدی موقوفه امامزاده نیز درحدود امکان به تعمیر آنها مبادرت شد تا آنکه به امر شاهنشاه آریامهر آرامگاه جدید خیام درکنار باغ امامزاده ساخته شد و بقعه شیخ فریدالدین عطار تعمیر و تزئین گردید و برمزار شادروان کمال‌الملک غفاری هم آرامگاه مناسبی احداث شد و طبعاً آبادانی و تعمیر بقاع تاریخی امامزاده محمد محروق و امامزاده ابراهیم نیز مورد توجه قرار گرفت و از طرف انجمن آثار ملی با معاضدت وزارت فرهنگ و ادارات کل اوقاف و باستانشناسی تعمیرات اساسی در آنها انجام گردید... توضیحاً اضافه می‌نماید که ضمن خاکبرداری پسی شرقی باغ امامزاده که از طرف انجمن آثار ملی برای تبدیل دیوار چینه‌ای به دیوار اساسی آجری اقدام می‌شد چند قطعه کاشی و سنگ بدست آمد که کاشی آن از نوع کاشیهای مرغوب و عالی زمان سلجوقیان بود که دربنای اولیه امامزاده نصب بوده و فعلاً در اداره فرهنگ نیشابور موجود است و نیز چند تخته گچبری از نوع معروف به (قالب کوبی) شبیه به گچبریهای قالب کوبی مدرسه میرزا جعفر مرشد (در ایوان شمالی و جنوبی) پیدا شد که مربوط به زمان صفویه است. گچبریهای مذکور در ضلع غربی بقعه امامزاده محمد در محل مسجد قدیم که ویران شده بود و مجدداً از طرف انجمن آثار ملی ساختمان آن انجام گرفت از زیر خاک بدست آمد که با احتمال قوی دال بر گچبری زمان شاه طهماسب در ایوان امامزاده محمد می‌باشد...»

توجه به تعمیر بقعه

چنانکه اشاره شد بر اثر ساختمان بنای جدید آرامگاه حکیم عمر خیام و عمارات جداگانه جهت کتابخانه، دفتر، تالار پذیرائی و بنای مخصوص برای مهمانسرا در جانب شمالی باغ امامزاده محمد محروق و احداث خیابان مشجر و اسفالت بطول سه کیلومتر که عبور و مرور را از شهر نیشابور به امامزاده تسهیل می‌کرد و تعمیر و تزین بقعه عطار و ایجاد مرکز نیروی برق مستقل در کنار باغ خیام و لوله‌کشی آب و کابل‌کشی برق و نصب پایه‌های فلزی با چراغهای فلورسنت در طول سه کیلومتر خیابان و داخل باغ طبعاً لازم می‌نمود که نسبت به بقعه امامزاده محروق هم‌باتوجه به جنبه تبرک و تاریخی آن اقدامات مؤثری بعمل آید، بخصوص که این بنای تاریخی از جهات مختلف روبه‌ویرانی داشت: نمای اصلی آن از قدیم ریخته و قسمتهایی هم ناتمام مانده بود، جبهه شرقی آن که سابقاً اطافهای متصل به حرم داشته است از میان رفته و منهدم شده بود و در نتیجه یک طرف بنای حرم و گنبد فاقد تکیه‌گاه و پشت‌بند بود، ضلع غربی بقعه در جانب خارجی امامزاده ابراهیم دیوار کاهگلی ناموزونی بود و بطرف خیابان اسفالت شده و مشجری قرار داشت که معبر عمومی زوار به امامزاده بود و طبعاً باقی ماندن آن بدان حالت مانند سایر قسمتهای بقعه در نظر مردم حمل بر بی‌علاقگی اولیای امور و بخصوص تبعیضی ناموجه و ناشایسته به این بنای مذهبی و تاریخی در قبال آنچه درباره آرامگاه خیام و بقعه شیخ عطار بعمل آمده بود می‌شد، در ضلع جنوبی بقعه نیز در سالهای پیش بمنظور جلوگیری از انهدام آن دیواری متصل به دیوار اصلی ساخته شده بود که احتیاج به تعمیر و اصلاح اساسی داشت و دیوارهای چینه‌ای سه طرف باغ هم عموماً نیمه ویران و ریخته بود.

انجمن آثار ملی از هنگام آغاز بنای آرامگاه خیام آمادگی خود را برای تعمیر بنای امامزاده محروق که در فهرست آثار ملی نیز ثبت شده است اعلام

نمود و اعتباراتی نیز در اختیار اداره فرهنگ نیشابور گذارد و قسمتی از تعمیرات آن انجام گرفت، اما به‌علی کار تعمیر بقعه مدتی تعطیل شد و بتعویق افتاد، در این مدت علاوه بر مکاتباتی که درباره لزوم تعمیرات اساسی بقعه امامزاده با اداره فرهنگ نیشابور، اداره کل اوقاف و اداره کل باستانشناسی می‌شد افراد علاقه‌مند نیز با توجه به وضع بنای آرامگاه خیام در جنب بقعه و ابنیه جدید دیگر درخواست اقدام سریع در این امر را داشتند چنانکه آقای حسن نبوی نماینده نیشابور در مجلس شورای ملی در مهرماه ۲۵۲۱ (۱۳۴۱ ه. ش.) به انجمن آثار ملی چنین نوشت: ساختمان آرامگاه و باغ خیام از هر حیث خاتمه یافته است ولیکن نصف باغ که به امامزاده محمد محروق اختصاص یافته فاقد اصلاحات و تعمیرات و تزئینهایی است که در قسمت محوطه خیام انجام شده است و چون هر دو قسمت يك باغ محسوب می‌شود مادام که تعمیرات باغ امامزاده انجام نشده است باغ خیام کامل نخواهد بود، عمل کاشیکاری بقعه و تعمیر گنبد و ایوان بوسیله معمار و کاشی سازهای محلی و مشهدی بایولی که اداره اوقاف و انجمن آثار ملی حواله کرده‌اند انجام خواهد شد، اما مخارج تعمیرات دیگر که این قسمت را از هر جهت کامل و شبیه به قسمت خیام کند طبق آنچه آقای مهندس کنستانتین نماینده شرکت کا. ژ. ت. در نیشابور برآورد کرده است در حدود یکصد و شصت هزار تومان تخمین شده است که نسبت به مخارجی که تاکنون در این ناحیه شده مبلغ زیادی نیست بخصوص که مقبره و باغ امامزاده مورد توجه عموم است و بنای آن هم جزو آثار ملی به ثبت رسیده است، اینک که مهندسان بادرستگاه ساختمانی شرکت کا. ژ. ت. در محل می‌باشند این کار آسانتر انجام خواهد گرفت.

ضمناً یادآوری می‌نماید که امامزاده محروق دارای موقوفاتی است که سالیانه در حدود هجده هزار تومان درآمد دارد^۱ و در صورت لزوم اداره اوقاف

۱- درآمد موقوفات امامزاده محمد محروق در سال ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) از اینقرار

که تصدی آن را بعهده دارد قسمتی از مخارج تعمیرات را تأمین خواهد کرد.

تعمیرات اساسی بقعه

روز سه شنبه ۱۵ آبانماه ۲۵۲۱ (۱۳۴۱ ه.ش.) در جلسه هیأت مؤسسان انجمن آثار ملی که با حضور نمایندگان اداره کل باستانشناسی و اداره کل اوقاف تشکیل شد مقرر گردید که اقدامات ذیل در بقعه و باغ امامزاده محمد محروق صورت گیرد:

۱- نمای جبهه اصلی طبق نمونه های اصلی و قدیم موجود که مربوط و متعلق به دوران صفویه است تکمیل گردد.

۲- در جبهه شرقی بقعه بجای بناهای متصل به حرم که در سالهای پیش از میان رفته و منهدم گردیده است مجدداً شبستانی با همان ابعاد باشالوده بندی و عایق کاری اساسی و رعایت سبک ساختمان اصلی بقعه ساخته شود و دری بجانب جنوب در محوطه باز گردد و بوسیله دهانه ای که محل قدیم آن معلوم است مانند سابق با داخل حرم مرتبط باشد که بدینوسیله عملاً مسجدی در جانب پیش روی مرقد و مربوط و متصل به حرم باشد و وضع قدیم بقعه در این

← بوده است:

الف- آب و ملك طلاجرد پنج سهم	۳۷۵۰۰ ریال
ب- آب و ملك سبزپوشان سه سهم و نیم	۷۰۰۰ ریال
ج- يك سهم آب بوژمهران	۱۱۰۰۰ ریال
د- يك سهم آب و ملك فرخك	۱۰۰۰۰ ریال
ه- كاروانسرای امامزاده محل دبستان شاهپور	۶۷۵۰ ریال
و- يك باب آب انبار كاروانسرا	۲۷۰۰ ریال
ز- چهار دربند دكان	۱۲۸۰۰ ریال
ح- فروش میوه و سردرختی باغ خیام و امامزاده	۱۵۰۰۰ ریال
جمع	۱۵۳۷۵۰ ریال

قسمت نیز احیا گردد.

۳- جبهه غربی که بر اثر احداث قبور و نفوذ رطوبت وضعی بسیار نامناسب و نامطلوب پیدا کرده پس از پی‌بندی محکم و عایق کاری بوسیله نماسازی ساده سبک دوره صفوی به نام معقلی از وضع نامناسب خارج گردد و پنجره‌های آنهم شبیه پنجره‌های عهد صفویه از آلت‌های چوبی ساخته و نصب شود.

۴- جبهه جنوبی بقعه که چند درگاه و طاق‌نما در دیوار الحاقی آن احداث شده بصورت فعلی تزیین گردد و داخل طاق‌نماها با همان نوع معقلی که برای جبهه غربی ذکر شد روسازی گردد.

۵- دیوارهای نیمه ویران چینه‌ای سه طرف باغ که پی‌بندی هم ندارد با پی‌ریزی اساسی بصورت دیوار ساده آجری و محکم تجدید شود.

۶- پیاده‌روهای جوانب بنای بقعه با سنگ‌چین و زیرسازی محکم و با شیب مناسب ساخته شود که مانع نفوذ رطوبت به اطراف بنا گردد.

۷- خیابان‌بندی و درختکاری باغ با رعایت وضع محوطه اصلاح و تکمیل گردد.

مجموع هزینه این کارها قریب به دو میلیون ریال برآورد گردید و موافقت شد که نیمی از این مبلغ از طرف اداره کل باستانشناسی از اعتباراتی که اداره کل اوقاف برای تعمیر ابنیه متبرک و تاریخی به اختیار آن اداره می‌گذارد تأمین شود و نیم دیگر را انجمن آثار ملی در اختیار اداره فرهنگ نیشابور بگذارد و برای مراقبت در حسن انجام کار از لحاظ فنی و کاشیکاری آقای محمود علمی که سالیان دراز در تعمیر ابنیه تاریخی و از جمله احیای گنبد و کاشیکاری بقعه خواجه ربیع و گنبد سبز مشهد و دیگر آثار تاریخی خراسان سابقه و تجربه داشت و از هر جهت آشنا بوضع کار و رموز فنی اینگونه امور بود از طرف انجمن آثار ملی تعیین گردید و کار تعمیر اساسی بقعه آغاز شد و

چون تا افتتاح آرامگاه خيام مدتی اندك باقی بود ناگزير آقاي علمی و اداره فرهنگ نيشابور سرعت دست بكار ساختن ديوارهای باغ و ادامه نماسازی جبهه اصلی و پی برداری بنای متصل به ضلع شرقی حرم و زیرسازی و مقدمات اصلاح ديوار غربی بقعه شدند و اداره كل اوقاف نیز به اداره اوقاف نيشابور دستور داد تا از محل درآمد موقوفات امامزاده تزیینات باغ و جدول بندی و درختکاری و امور لازم دیگر را انجام دهند تا روز دوازدهم فروردین ماه سال ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش.) که آرامگاه خيام در پیشگاه شاهنشاه گشایش یافت قسمتی از تعمیرات امامزاده محروق بپایان رسیده بود. شاهنشاه پس از بازدید از بقعه امامزاده نسبت به تعمیرات اساسی دیگر و کاشیکاری بقعه به انجمن آثار ملی دستور مؤکد فرمودند و از آن پس نیز کار تعمیر بقعه ادامه یافت و تا آخر سال ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) کاشیکاری ایوان بزرگ امامزاده پایان پذیرفت و کاشیکاری چهار طاقنمای طرفین آن بصورتی متناسب با طرح و شیوه ایوان اصلی انجام گرفت، مسجدی که متصل به ضلع شرقی بقعه برای استفاده زائران و در عین حال جهت استحکام و تناسب حرم و گنبد در دست ساختمان بود باتمام رسید، نمای سراسری جانب شرقی بقعه نیز بصورتی مناسب نظیر نمای جانب غربی کاشیکاری معقلى شد.

در سال ۲۵۲۴ (۱۳۴۴ ه. ش.) نماسازی جبهه شرقی و کاشیکاری آن و دیگر اصلاحات و تعمیرات بقعه بپایان رسید و بر اثر اقدامات چند ساله انجمن آثار ملی و همکاری اداره كل اوقاف و باستانشناسی و فرهنگ نيشابور بقعه امامزاده محروق با موقع و منظرى که در بلندترین قسمت باغ دارد بصورتی درآمد که مورد توجه همگان قرار گرفت و علاوه بر زائران دو امامزاده بسیاری از شخصیتهای ایرانی و خارجی که بقصد زیارت تربت خيام بدانجا می روند بقعه امامزادگان را از هر جهت بوضعى آبرومند که در خور چنین اثر مذهبی و تاریخی است مشاهده می نمایند. چنانکه خواهد آمد تزیین بقعه در سالهای

بعد نیز ادامه داشته است.

ضریح شاهزاده حسین

ضریح متبرک و تاریخی شاهزاده حسین (ع) در شهر قزوین بموجب مصراعی که ماده تاریخ آنست (بانی این ابوتراپ شده) در سال ۱۰۴۵ هجری قمری ساخته شده و بر مقبره شاهزاده حسین نصب گردیده بود. چون برای آن مقبره ضریحی نو تهیه شده و این ضریح تاریخی در آنجا بدون استفاده مانده بود و در معرض آسیبهای گوناگون قرار می گرفت، در سال ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) با موافقت سازمان اوقاف بوسیله انجمن آثار ملی و از اعتبارات مخصوص انجمن خریداری شد و به بقعه شریف امامزاده محمد محروق حمل و روی صندوق مقبره نصب گردید تا هم صندوق مرقد امامزاده محروق که از آثار نفیس دوران شاه طهماسب صفوی و مربوط به قرن دهم هجری است از آسیب مصون بماند و هم ضریح تاریخی مذکور بنحوی شایسته در محلی مناسب نگاهداری شود و مورد استفاده قرار گیرد. ضریح مذکور در اردیبهشت ماه ۲۵۲۵ (۱۳۴۵ ه. ش.) بدستور انجمن آثار ملی از قزوین به نیشابور انتقال داده شد.

اداره امور امامزاده

در اسفندماه ۲۵۲۴ (۱۳۴۴ ه. ش.) از فرمانداری نیشابور به استانداری خراسان پیشنهاد شد که چون امامزاده محروق در جنب باغ خیام قرار دارد و بازدید کنندگان آرامگاه خیام به امامزاده محروق هم می روند باید ترتیبی داده شود که باغ امامزاده هم مانند محوطه باغ خیام آراسته و زیبا باشد و چون محل مذکور در اختیار انجمن آثار ملی نیست انجمن نمی تواند برای سامان دادن به امور آنجا مداخله نماید و اداره اوقاف هم اعتبار کافی برای این منظور

در اختیار ندارد، لذا پیشنهاد می‌شود که محل مذکور یا جزو سازمانهای استان قدس رضوی منظور شود و یا به انجمن آثار ملی ایران واگذار گردد تا در تنظیم امور آنجا و نصب چراغ و گلکاری و آبیاری اشجار باغ توجه بیشتری شود و به آبرومندی اداره گردد.

اینگونه گزارشها و پیشنهادها به انجمن آثار ملی نیز می‌رسید و غالباً حاکی از عدم رضایت زائران از اوضاع باغ و بقعه امامزاده در مقابل باغ و آرامگاه خیام بود. با مذاکرات و مکاتباتی که بین انجمن آثار ملی و اوقاف خراسان بعمل آمد توافق شد که اداره نمودن کلیه امور باغ و بقعه و مستحدثات امامزاده محمد محروق به انجمن آثار ملی واگذار گردد و در خردادماه ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه.ش.) باغ و بقعه امامزاده و باغ آرامگاه خیام به نمایندگی انجمن آثار ملی تحویل گردید و مقرر شد که موقوفات امامزاده کماکان در تصرف اداره اوقاف باشد و درآمد آنها بوسیله آن اداره بمصارف مقرر برسد.

کاشیکاری ازاره ایوان

در آبانماه ۲۵۲۵ از طرف انجمن آثار ملی دستور داده شد که کاشیکاری ازاره ایوان امامزاده محمد محروق تجدید گردد، به این ترتیب که ازاره سه طرف ایوان مزبور که با کاشیهای شش گوشه و بصورت نامرتب است و مساحت آن چهل متر مربع می‌باشد برچیده شود و با حاشیه معرق از نوع کاشیهای جسمی مرغوب مانند کاشیهای مسجد گوه رشاد پوشانیده شود و در متن از همان کاشیهای شش گوشه با رعایت ظرافت و دقت و درزگیری نصب شود. تعویض کاشیهای ایوان امامزاده با نظر آقای مهندس سیحون و تصویب شورای فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی در اوایل سال ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه.ش.) آغاز گردید و کاشیهای سالم شش گوشه سابق در دو طرف در ورودی امامزاده نصب گردید و دو طرف داخل ایوان با کاشیهایی که تهیه شده بود پوشانیده شد.

سر در ورودی امامزاده محروق نیز در حدود ده متر مربع بطرز آئینه- کاریهای حرم مطهر حضرت رضا(ع) و بدست یکی از استادان آئینه کار که آن حرم مطهر را آئینه کاری کرده بودند انجام گردید.



بقعه امامزاده محمد محروق پس از تعمیرات

بر دیوار شرقی امامزاده این کتیبه باکاشی دیده می شود:

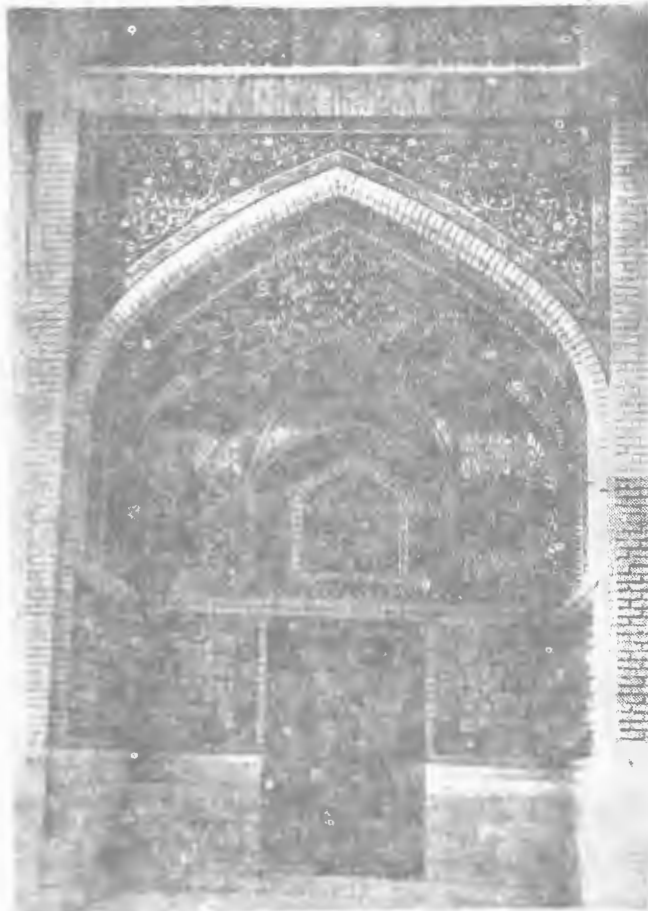
«فرمان مبارک اعلی حضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه اسلام پناه و دانش پرور ایران تکمیل و تزیین بقعه متبرکه امامزاده محمد محروق و بنیان مسجد و احداث آرامگاه حکیم عمر خیام در محل مناسب جدید آن و مرمت و کاشیکاری بقعه عارف ربانی شیخ فریدالدین عطار و اصلاح و توسعه فضای آن و ساختمان آرامگاهی مناسب جهت نقاش هنرمند شادروان استاد محمد غفاری کمال الملک بزعیمه انجمن آثار ملی گذارده شد و بحمد الله تعالی با پنج سال تلاش و کوشش مداوم توفیق انجام این مهم نصیب گردید. در راه اجرای فرمان شاهنشاه وزارت فرهنگ- وزارت دارائی- استانداری خراسان و مقامات محلی نیشابور بویژه

اداره فرهنگ انجمن آثار ملی را صمیمانه یاری نمودند. امید است فرزندان آینده این مرز و بوم پاس حرمت مفاخر ایران و زحمات گذشتگان را نیکو دارند.»

فروردین ۱۳۴۴ شمسی
کتابه محمد حسن رضوان

چگونگی بقعه

آقای عبدالحمید مولوی درباره بقعه امامزاده محمد محروق نوشته اند که:^۱



غرفه تختانی مزار امامزاده محمد محروق

۱- نقل از کتاب آثار باستانی خراسان، جلد اول، ص ۲۹۹ تا ص ۳۱۷ با تلخیص.

... در وسط باغ ساختمان مزار و منضمات آن به نهصد و هفتاد مترمربع بالغ می‌گردد و نمای اصلی بنای عالی مزار روبه مشرق است و کلیه بنا شامل يك ايوان و دو حرم و يك مسجد و شش حجره در اطراف بقعه می‌باشد و در دو طرف ايوان شرقی در هر طرف يك حجره دوطبقه است و در جلو آن ايوانکی دارد و غرفه جلو دو حجره را با کاشی‌های الوان تزیین کرده‌اند...

ايوان شرقی- کف بنای ايوان بقدر يك پله از خیابان اطراف بنا بلندتر است و نرده سنگی قدیمی محکم کوتاهی در جلو ايوان نصب است. ازاره ايوان دارای کاشیهای زیررنگی شش گوش عهد نادرشاه افشار است و در هر مسدس نقوشی بکار برده شده... و ازاره ايوان حاشیه‌ای از کاشی معرق در زمینه لاجوردی و گل و برگ‌زرد و آبی دارد و بالای ازاره مذکور نقش گره باشمسه کاشی معرق در زمینه سفید و فیروزه‌ای و تغاری و لاجوردی است.. در بالاتراز نقش گره و شمسها کتیبه معرقی است از عهدشاه طهماسب صفوی در زمینه کاشی لاجوردی و خط ثلث متوسط با کاشی سفید... از بالای کتیبه کمربندی ايوان تا زیرسقف را رسمی‌بندی بسیار ظریف کرده و دوفیل گوش در دو گوشه ايوان و شش پا باریک در دو طرف راست و چپ ايوان قرار داده و در قسمت فوقانی اسپر ايوان نزدیک به تیزه ايوان نصف شمسه بسیار عالی با کاشی معرق الوان بکار برده‌اند و فیل گوش‌ها و پا باریک‌ها و سایر تزیینات ايوان جلوه مطلوبی به ارباب بصارت می‌دهد و کاشی این قسمت‌ها دارای رنگ لاجوردی و فیروزه‌ای و تغاری و مشکی و سبز و زرد است و تمام نقوش و کاشی‌ها جلوه هنری بسیار عالی عهد صفوی را نمایان و جلوه گر می‌سازد... در کتیبه سردر ايوان مزار امامزاده محمد محروق چنین نوشته‌اند: «در سلطنت اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی با معاضدت وزارت فرهنگ و انجمن آثار ملی انجام پذیرفت ۱۳۴۱ شمسی ۱۳۸۲ قمری»

در بالای دری که در وسط اسپر ايوان وقوع دارد يك دهنه مشبك‌سازی



شبهه‌سازی باکاشی معرق نفیس در بالای در ورودی امامزاده محروق
 باکاشی نصب شده و باکاشی معرق نقش ترنج درهم را بوجود آورده‌اند... در
 پائین مشبك بالا دريك سطر با خط ثلث عالی بر روی کاشی مسطور است: «و
 هیهنا مرقد السید الشہید محمد بن محمد بن زید بن الامام زین العابدین علیہ السلام
 سنہ ۱۳۸۲ الهجرى القمرى»... عرض ایوان چهارده متر و شصت و پنج صدم‌متر
 است و سر در ایوان هشت‌متر و هفتاد صدم‌متر ارتفاع دارد... وضع داخل
 بقعه بسیار ساده است و فقط در ازاره به ارتفاع یکصد و شصت و پنج صدم‌متر
 کاشی زیررنگی ظریف مانند ازاره ایوان بقعه نصب شده و بقیه دیوارهای
 چهارطرف بقعه را پس از گچ‌مالی روی آجر سفید کرده‌اند، حتی در زیر طاق



گنبد امامزاده محروق و گنبد امامزاده ابراهیم

در ژوایای بقعه مقرنس ندارد و سه دربند در زیر سقف بقعه برای روشنائی داخل بقعه باز کرده و جلوائین دربندها مشبك چوبی کام و زباندار گذارده‌اند و بر فراز سقف بقعه گنبدی متناسب به ارتفاع بیست و شش متر قرار دارد که سطح گنبد را نره کاشی الوان نصب کرده‌اند.. و ارتفاع ساقه گنبد پنج متر است... از داخل بقعه امامزاده محمد محروق در ضلع جنوبی دری به مسجد مجاور بقعه باز می‌شود که مسجدی است که بعدها ساخته شده و ربطی به تاریخ اصل بنا ندارد... حرم امامزاده ابراهیم در مغرب بقعه امامزاده محمد محروق وقوع دارد



اعلیحضرت همایونی در امامزاده محمد محروق، روز دوشنبه ۱۲ فروردین ماه ۲۵۲۲
(۱۳۴۲ ه.ش.)

و کوچکتر از حرم امامزاده محروق می باشد و در بالای این حرم گنبدی بسیار کوتاه می باشد... ازار حرم امامزاده ابراهیم مانند بقعه مجاور دارای کاشی-های زیررنگی شش گوش می باشد... و نمای داخلی بقعه بسیار ساده است و روی آجر دیوار حرم را گچ مالیده و سفیدکاری کرده اند'...

۱- برای آگاهی از جزئیات بقعه و تزیینات آن و کتیبه ها و درها و غیره رجوع شود به کتاب آثار باستانی خراسان، جلد اول، اثر عبدالحمید مولوی.

صائب تبریزی

شاه عباس کبیر گروهی از بازرگانان و ثروتمندان تبریز را به اصفهان آورد و در محله عباس آباد اصفهان ساکن ساخت، میرزا عبدالرحیم تبریزی نیز از جمله این بازرگانان بود و سید محمدعلی صائب فرزند میرزا عبدالرحیم در حدود سال ۱۰۱۰ ه. ق در اصفهان دیده به جهان گشود و در همان شهر پرورش یافت و دانش آموخت و چون به سن بلوغ رسید به مکه رفت و پس از بازگشت از سفر حج بقصد زیارت حضرت ثامن الائمه (ع) راهی خراسان شد و در آنجا قصایدی در منقبت حضرت رضا (ع) سرود، در مقطع غزلی اشاره کرده است که:

لله الحمد که بعد از سفر حج صائب

عهد خود تازه به سلطان خراسان کردم

در سال ۱۰۳۴ به هند عزیمت کرد و مدتی در کابل اقامت نمود و مورد توجه میرزا احسن الله متخلص به احسن و ملقب به ظفرخان که از جانب سلطان هند والی آنجا بود و خود قریحه شاعرانه داشت واقع شد و از وی نوازش و احسان بسیار دید. ظفرخان در مقطع غزلی از صائب چنین یاد کرده است:

طرز یاران پیش احسن بعد از این مقبول نیست

تازه گوئیهای او از فیض طبع صائب است

صائب همراه ظفرخان به دربار شاه جهان به دکن رفت و نزد آن پادشاه تقرب و حرمت بسیار یافت. اما در سال ۱۰۳۹ به او خبر رسید که پدرش به اکبر آباد آمده تا او را به ایران ببرد. صائب از ظفرخان اجازه بازگشت به موطن خود را خواست و پس از دو سال یعنی در سال ۱۰۴۲ همراه پدر به اصفهان آمد

و در این هنگام که در ایران و هند شهرت بسیار یافته بود مورد توجه شاه - عباس ثانی قرار گرفت و به ملك الشعرایی دربار برگزیده شد و آن پادشاه را در اشعار خود می ستود چنانکه گوید:

از آن به تیغ زبان شد جهانگشا صائب

که مدح گستر عباس شاه ثانی شد
صائب دیوانهای شاعران بزرگ پیش از خود را مطالعه می کرده و آن بزرگان را در اشعار خود ستوده است، درباره حافظ گوید:

ز بلبان خوش الحان این چمن صائب

مرید زمزمه حافظ خوش الحان باش

و از مولوی چنین یاد کرده است:

از گفته مولانا مدهوش شدم صائب

این ساغر روحانی صهبای دگر دارد

و به سعدی چنین اشاره کرده است:

در این ایام شد ختم سخن برخامه صائب

مسلم بود گر زین پیش بر سعدی شکر خایی

در جواب قصیده خلاق المعانی کمال اسماعیل سروده است:

من کیم صائب که خلاق سخن در این مقام

خامه معجز بیان را از بنان انداخته

اشعار صائب را از هشتاد هزار تا دویست هزار و بیشتر نوشته اند و سفینه ای نیز فراهم آورده است که شامل بیست و پنج هزار بیت از هشتصد تن از شاعران بوده است.

صائب از سرآمدان و پیشوایان سبک هندی است و در اشعار خود مضامین باریک و دقیق، تعبیرات لطیف و معانی عمیق فراوان دارد و از خصوصیات او در شاعری ارسال مثل است و غالب ابیات او یا شامل مثلی است و یا خود مثل

سائر شده است. صائب اواخر عمر خود را در اصفهان در باغ تکیه معروف به تکیه میرزا صائب گذراند و در سال ۱۰۸۱ یا ۱۰۸۶ ق در گذشت و در همان باغ به خاک سپرده شد.

مدفن صائب

قبر صائب تبریزی در باغی که از قدیم به نام تکیه صائب معروف بوده، در جنوب غربی اصفهان، در ضلع جنوبی خیابان صائب و در کنار مادی نیاسرم واقع است. در مقدمه کلیات صائب تبریزی نقل شده است^۱ که: «... در قسمت جنوبی باغ، پای دیوار صفا ای قرار دارد و بر روی آن قبر صائب و اندکی بالاتر قبر نوه او محمد علی فرزند میرزا رحیم صائب و قدری بالاتر قبر میرزا محمد محسن فرزند صائب واقع شده ... سنگ قبر صائب یکپارچه و میان تهی است ولی فعلاً به دو نیم شده، میان سنگ را بدین منظور تهی ساخته اند که در آن گل بگذارند. یک مطلع و یک غزل از صائب به خط محمد صالح (خوشنویس مشهور آن عصر که قسمتی از کتیبه مدرسه چهار باغ بخط اوست) بر این سنگ منقور است... و در پائین سنگ نوشته: تحریراً شهر جمادی الاولی سنه ۱۰۸۷ فقیر محمد صالح. در بالای سنگ دوم چنین نوشته شده: وفات مرحمت و غفران پناه میرزا محمد علی ولد میرزا رحیم صائب بتاريخ یوم یکشنبه هشتم شهر جمادی الثانیة ۱۱۴۱ ... بر سنگ سوم که یک قطعه مرمر کوچک است چنین نقر شده: وفات مرحمت و غفران پناه میرزا محمد (محسن) ابن میرزا محمد علی صائب فی هفتم شهر محرم الحرام ۱۱۴۹».

بطوریکه ملاحظه می شود قبر صائب و افراد خانواده او در این باغ که ملک اختصاصی او بوده قرار دارد.

سنگ قبر صائب قطعه سنگی است نفیس و سیاه که ابیاتی از او با خط

۱- کلیات صائب تبریزی، از انتشارات کتابفروشی خیام، مقدمه، ص ۴۴، نقل از مقاله آقای گلچین دریکی از شماره های سال ۱۳۲۸ مجله تهران مصور.

نستعلیق زیبا بر آن نقش گردیده است. اشعاری که بر روی سنگ قبر نقش شده اول این بیت است^۱:

محو کی از صفحه دلها شود آثار من

من همان ذوقم که میبایند از گفتار من

و پس از آن این غزل است:

در هیچ پرده نیست نباشد نوای تو	عالم پراست از تو و خالیست جای تو
تاج و کمرچو موج و حبابست ریخته	در هر کناره ای زمحیط سخای تو
هر چند کائنات گدای در تو اند	هیچ آفریده نیست که داند سرای تو
در مشت خاک من چه بود لایق نثار	هم از توجان ستانم و سازم فدای تو
غیر از نیاز و عجز که در کشور تو نیست	این مشت خاک تیره چه دارد سزای تو
صائب چه ذره است و چه دارد فدا کند	ای صد هزار جان مقدس فدای تو

تحریراً شهر جمیدی الاول سنه ۱۰۸۷ فقیر محمد صالح.

باغ صائب

باغی که مدفن صائب و خانواده اش می باشد اینک در حدود هفت هزار متر مربع است و ظاهراً مساحت زیادی از عرصه آن سابقاً مورد تجاوز و حیف و میل قرار گرفته است. آنچه از باغ باقی مانده بود در سال ۱۳۰۹ ه. ش. (۲۴۸۹) بوسیله اداره اوقاف به نام موقوفه مجهول التولیه به ثبت رسید و ورقه مالکیت آن صادر شد و پس از آن باغ را جزو موقوفات مسجد لبنان اصفهان قلمداد کردند و از طرف وزارت فرهنگ حکم تصدی آن به نام امام آن مسجد صادر گردید.

با آنکه از سال ۱۳۲۷ ه. ش. و پیش از آن همواره مردم ادب دوست و علاقه مندان صائب در اندیشه و آرزوی ساختن آرامگاه او بودند، اما موضوع

۱- دیوان صائب، از انتشارات انجمن آثار ملی، مقدمه، ص ۸۵.

موقوفه بودن باغ ودخالت متصدیان ومتولیان وقف مانع اجراء وانجام این منظور بود، چنانکه سالها پیش گروهی از ادب‌پروران آذربایجان با توجه و هدایت شادروانان حکیم‌الملک، تقی‌زاده ودکتر شفق بمنظور ساختن آرامگاه و احیای نام این شاعر بلندپایه کوششهایی بعمل آوردند و وجوهی برای این منظور جمع‌آوری شد، اما بسبب آنکه باغ در اختیار آنان نبود آن اقدامات متوقف ماند.

نامه‌هایی که از سال ۲۵۱۶ (۱۳۳۶ ه. ش.) از طرف مردم ادب دوست اصفهان وانجمنهای ادبی آن سامان به انجمن آثار ملی ومقامات مسئول می- رسید حاکی از آن بود که به عنوان تبدیل به احسن در صدد تجزیه وتقسیم وتصاحب باغ می‌باشند. آقای مهندس منوچهر ذوالفنون مهندس معمار شهرداری اصفهان در تاریخ نهم آذرماه ۲۵۱۶ (۱۳۳۶ ه. ش.) به فرمانداری اصفهان گزارش داده است که: بنا به دستور آن جناب در محل مزار صائب حاضر شدم و از باغ و مزارها بازدید کردم. متولی موقوفه اظهار می‌داشت که این زمین موقوفه مسجد لبنان است وفقط می‌تواند حدود یک هزار متر مربع آن را که به طول ۷۰ متر و عرض ۱۴ متر باشد برای آرامگاه صائب اختصاص دهد... بنظر من نه تنها نباید چیزی از محوطه باغ فعلی کسر گردد بلکه به همین اندازه هم در قسمت جنوب باغ است که به مالکیت اشخاص درآمده وباید به باغ اضافه گردد... این باغ متعلق به صائب بوده وبزرگترین سند آن وجود مزار او و خانواده اش در این باغ است.

در اسفندماه سال ۲۵۱۶ (۱۳۳۶ ه. ش.) نامه‌ای با حدود صد امضاء از اصفهان به انجمن آثار ملی ایران رسید بدین مضمون که: مقبره خانوادگی صائب تبریزی واقع در خیابان صائب سمت جنوب غربی شهر تاریخی اصفهان در باغ بزرگی مقابل نهر نیاسرم معروف ومشهور به باغ تکیه میرزا صائب قرار دارد که در گذشته بیش از دو ثلث این باغ بوسیله غاصبان فروخته شده وقبوری

که در وسط باغ (ملك اختصاصی شاعر) بوده است اکنون در کنار دیوار جنوبی آن قرار گرفته و فعلاً "هم به عناوین بیجا و بی اساس در باغ را به روی همه بسته و قصد امحاء آرامگاه و غصب محوطه آن را دارند و چون می دانند که سه سال دیگر سیصدمین سال درگذشت صائب است و ممکن است آرامگاهی برای او بنا شود می خواهند ترتیبی دهند که برای ساختمان آرامگاه محلی باقی نماند.

پس از مکاتبات فراوان بین انجمن آثار ملی، وزارت فرهنگ، استانداری اصفهان، و اداره اوقاف در سال ۲۵۱۹ (۱۳۳۹ ه. ش.) وزارت دربار شاهنشاهی گزارش آقای فرزندگان استاندار اصفهان را درباره آرامگاه صائب که از شرف عرض ملوکانه گذشته بود به انجمن آثار ملی ارسال داشت و ابلاغ نمود که: «مقرر فرمودند انجمن آثار ملی به موضوع رسیدگی نماید». قسمتی از گزارش آقای فرزندگان به آقای علاء وزیر دربار از این قرار است:

«... ضمن بررسیها معلوم شد که آرامگاه شاعر عالیقدر ایران صائب تبریزی در کنار مادی نیاسرم در شهر اصفهان در باغی که از قدیم به تکیه صائب معروف بوده قرار دارد و چون این باغ به عنوان موقوفه اجاره داده شده متصدی وقف و مستأجر هیچکس را اجازه ورود به باغ نمی دهند و اغلب مردم حتی از محل آرامگاه این شاعر شیرین سخن فارسی که در ایران و هندوستان و پاکستان و غیرها مورد تکریم و علاقه اهل ذوق و ادب است بیخبر می باشند. لذا دستور داده شد که انجمن آثار ملی اصفهان با حضور رئیس اوقاف و علاقه مندان و مطلعین به موضوع و سوابق امر رسیدگی نمایند و نتیجه را گزارش دهند تا اقدامات لازم بعمل آید، بطور خلاصه نتیجه بررسی این شده که باغ صائب که ملك شخصی خود شاعر بوده بصورت موقوفه مجهول التولیه به ثبت رسیده و جزو موقوفات مسجد لبنان قلمداد شده و متصدی موقوفه آن را به یکی از کارمندان اداره کشاورزی اجاره داده و با آنکه مدت اجاره منقضی گردیده باز هم مستأجر حاضر به خلع ید و تحویل مورد اجاره نمی باشد.

با تشکیل جلسات مکرر و مذاکرات و اقدامات مجدانه ای که بعمل آمد اخیراً توفیق حاصل شده که این محل از دست مستأجر خارج و تحویل اداره

اوقاف اصفهان داده شود و برای آنکه رعایت همه جهات امر شده باشد و به عایدات مسجد هم لطمه نخورد به انجمن آثار ملی اصفهان دستور داده شد که محل مزبور را اجاره نمایند تا مقبره صائب از دست اشخاصی که سالیان دراز در آن رابسته و به نفع خود از آن بهره برداری کرده اند خارج و برای عموم آماده استفاده شود. با این مقدمات در آرامگاه صائب که سالیان دراز بر روی علاقه مندان بسته بود ضمن تشریفات باز و تابلو مناسبی بر فراز آن نصب گردید و با آنکه وضع داخلی آن خراب و بسیار نامطلوب است فعلاً زیارتگاه مردم شده و به شهرداری و اداره اوقاف نیز دستور داده شد که فعلاً در حدود مقدرات موجبات نظافت و تعمیرات لازم فوری آن را فراهم آورند تا از وضع زنده ای که دارد خارج گردد. اکنون که پس از سالها این توفیق حاصل گردید و در میان جشن و سرور علاقه مندان این در بسته گشوده گردیده جا دارد که با طرح نقشه صحیحی آرامگاه مناسبی برای صائب ساخته شود که بدیهی است با بودجه های محلی اجرای آن مقدور نخواهد بود و ناگزیر از استعانت از آن جناب و انجمن آثار ملی و دوستان ادبیات و زبان فارسی می باشد. استدعا دارد که ضمن گزارش جریان امر به پیشگاه مبارک ملوکانه توجهی مبذول فرمایند که با جلب مساعدت انجمن آثار ملی و استعانت از آذربایجانیان مقیم تهران و بهر طریق دیگر که مقتضی و مصلحت باشد موجبات احداث بنای آبرومندی برای آرامگاه صائب فراهم گردد و پیش از هر کار مقرر فرمایند که مهندسی متخصص به اصفهان اعزام شود تا با در نظر گرفتن خصوصیات زمین نقشه عمارت مناسبی را که البته به سبک بناهای زمان صفوی خواهد بود طرح ریزی و میزان هزینه آن را تعیین نماید...»

نامه آقای بشارت کفیل اداره باستانشناسی اصفهان به انجمن آثار ملی نیز حاکی از این بود که از مستأجر باغ صائب خلع ید بعمل آمد و در حال حاضر باغ در تصرف متصدی موقوفه و اداره اوقاف اصفهان می باشد و ورود اشخاص به داخل باغ آزاد گردید، همچنین با نصب تابلو و محفظه شیشه ای بر روی سنگ قبر توسط اداره باستانشناسی تا حدی از خرابی آن جلوگیری بعمل آمده است. پس از جلسات و مکاتبات متعدد سرانجام در تاریخ اول مهر- ماه سال ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش.) اجاره نامه باغ در دفتر اسناد رسمی شماره ۳ اصفهان تنظیم گردید و خلاصه آن چنین بود: ماجر متصدی موقوفه مسجد لبنان

با موافقت اداره اوقاف استان اصفهان و مستأجر اداره باستانشناسی اصفهان و مورد اجاره شش دانگ باغ ۲۶۰۵ باقیمانده و شش دانگ خلوت تفکیکی از آن بشماره ۲۶۰۵۱۲ واقع در بخش يك اصفهان از اول مهرماه ۱۳۴۲ لغایت پنج سال تمام شمسی به مال اجاره مبلغ هشتاد و هفت هزار و هشتصد و پنجاه ریال. نخستین شرط از شرایط هفده گانه اجاره این بود که مستأجر متعهد است از این تاریخ تا شش ماه دیگر نسبت به ساختمان بنای آرامگاه شاعر نامی صائب و سایر احتیاجات که متناسب با ساختمان آرامگاه باشد طبق نقشه آقای مهندس فروغی که طی نامه شماره ۱۰۶۴۹ مورخ ۱۹/۵/۲۵۲ (۱۳۴۲) ه.ش. به اداره باستانشناسی ابلاغ شده اقدام نماید و بموجب ماده ۱۴ مقرر شده بود که در آخر مدت اجاره طبق نظر کارشناس اداره اوقاف و باستانشناسی میزان اجاره بعدی تعیین گردد. پس از انقضای مدت اجاره تاکنون وجه اجاره باغ بصورت اجرت- المثل پرداخت شده است.

بنای آرامگاه

چنانکه پیش از این اشاره شد بنای آرامگاهی برای صائب تبریزی از سالها پیش مورد نظر و توجه افراد ادب دوست و انجمنهای ادبی اصفهان بود و انجمن آثار ملی اصفهان نیز در جلسه های متعدد خود این موضوع را مورد تأیید و تأکید قرار داده طرحهایی نیز برای انجام آن در نظر گرفته بود. از جمله در تاریخ پنجشنبه ۲۴ بهمن ماه سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه.ش.) جلسه انجمن آثار ملی اصفهان با حضور آقایان: انتخابی پیشکار دارائی اصفهان- معصومخانی رئیس کل فرهنگ- تیمسار مختاری شهردار- ملکوتی رئیس اوقاف- دکتر نواب- دکتر کارو- کیوان معاون بانک ملی- بهادری رئیس هنرستان هنرهای زیبا- عدنانی رئیس دبیرستان گلبهار- صدرهاشمی رئیس دبیرستان فرهنگ-

نیکزاد مدیر موزه باستانشناسی - عبدالغفار نوربخش - عباس بهشتیان - نصرالله مهذب^۱ در دفتر تیمسار سرلشکر گرزن استاندار استان دهم و رئیس انجمن آثار ملی تشکیل گردید و درباره بنای آرامگاه صائب مذاکرانی بعمل آمد و مقرر شد که بوسیله مهندس شهرداری یا مهندسی دیگر نقشه باغ صائب تهیه گردد و نیز کمیسیونی تعیین شد تا درباره ساختمان آرامگاه و هزینه آن مطالعاتی بعمل آورد، اما این اقدامات که همواره ادامه داشت به نتیجه مثبتی منتهی نمی شد تا آنکه در اردیبهشت ماه سال ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش.) هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی به دعوت آقای مهندس پارسا استاندار اصفهان برای رسیدگی به آثار تاریخی اصفهان و اقداماتی که باید درباره آنها بعمل آید به شهر تاریخی اصفهان دعوت شدند و روز سه شنبه ۲۴ اردیبهشت ماه در آرامگاه صائب حضور یافته باغ و محل آرامگاه را از نزدیک مشاهده نمودند و روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت - ماه در جلسه ای با شرکت اعضاء انجمن آثار ملی اصفهان در تالار چهلستون تصمیم قاطع انجمن آثار ملی را برای بنای آرامگاه صائب اعلام داشتند و بلافاصله برای فراهم آوردن وسائل کار اقدامات لازم بعمل آمد و چون آقای مهندس فروغی عضو هیأت مؤسسين قبول کردند که افتخاراً نقشه آرامگاه را تهیه و در ساختمان آن نظارت نمایند لذا روز ۲۶ اردیبهشت ماه ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش.) از طرف انجمن به ایشان نوشته شد که: طبق نظر عالی دو برگ نقشه آرامگاه صائب که بوسیله آقای حسین معارفی معمار در اصفهان تهیه شده است و در جلسه مورخ ۲۵/۲/۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش.) بر سر مزار سراینده عالیقدر مورد ملاحظه و بررسی قرار گرفت و با در نظر گرفتن وضع آرامگاه و موقع باغ آن

۱ - اعضای انجمن آثار ملی اصفهان در حال حاضر عبارتند از آقایان: استاندار - پیشکدارانی - شهردار - مدیر کل اوقاف - مدیر کل اطلاعات و جهانگردی - مدیر کل فرهنگ و هنر - رئیس باستانشناسی - رئیس هنرستان هنرهای زیبا - محمد مهریار - دکتر عبدالباقی نواب - حسین مرنندی - مجتبی کیوان - دکتر هنر فر - کریم نیکزاد - نصرالله ملکوتی - عباس بهشتیان - مهندس شیرازی و رضا ابو عطا.

مناسب دیده شد که تغییرانی در آن صورت گیرد و بصورت ایوان ساده بلند به



هیأت مؤسین انجمن آثار ملی و اعضاء انجمن آثار ملی اصفهان و عده‌ای از مقامات مربوط در کاخ هشت بهشت اصفهان (بهنگام مسافرت هیأت نامبرده به اصفهان برای انجام امور مربوط که ترتیب ساختمان آرامگاه صائب نیز از آن جمله بود).

ردیف اول از راست به چپ: حسینقلی ملک‌نصر (دبیر انجمن) - دکتر علی اکبر شهابی - سید محمد تقی مصطفوی - مهندس پارسا - دکتر شفق - دکتر صدیق - علی اصغر حکمت - سید حسن تقی‌زاده - تیمسار آق‌اولی - تیمسار فیروز - نفر بعد؟ - احمد کاشانیان نفر بعد؟ - ردیف دوم: احمد علی بشارت رئیس باستانشناسی اصفهان - دکتر لطف‌الله هنرفر - مهندس سیحون - دکتر محمود مهران - سید مجتبی کیوان - حسین جودت

سبک عهد صفویه در آید بضمیمه این نامه بحضورتان ارسال می گردد تا همانطور که در نظر است دستور فرمایند نقشه آرامگاه مزبور را بنحوی که باید اجرا گردد اصلاح نموده به اختیار انجمن آثار ملی بگذارند که بفوریت به اصفهان فرستاده شود و ساختمان آرامگاه آغاز گردد.

در تاریخ بیستم تیرماه ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش.) از طرف انجمن آثار ملی به استنادار اصفهان نوشته شد:

«جناب آقای مهندس پارسا استاندار و ریاست انجمن آثار ملی اصفهان - دودوره نقشه های قطعی و اجرایی آرامگاه صائب بایک نسخه نقشه نمای اصلی آن که بوسیله جناب آقای مهندس فروغی تهیه و در جلسه مورخ ۴۲۴۴۱۸ هیأت مؤسسين انجمن تصویب شده است بضمیمه ایفادی گردد، خواهشمند است مقرر فرمایند نسبت به آغاز ساختمان آرامگاه طبق تصمیمات متخذه قبلی اقدام گردد، توضیحاً اضافه می نماید که چند نقشه به طرحهای مختلف به دستور و راهنمایی جناب آقای مهندس فروغی تهیه شد و نقشه ارسالی از همه آنها مناسب تر و زیباتر تشخیص گردید و جناب آقای مهندس سیحون رئیس دانشکده هنرهای زیبا نیز با نظر جناب آقای مهندس فروغی و هیأت مدیره انجمن در این قسمت هم عقیده بوده طرح ارسالی را از هر بابت مناسب تر دانستند. توضیحات حضوری به آقای معارفی معمار داده شد ... و البته هر گونه توضیح و استفساری در این باره باشد امر به اعلام فرمایند تا پاسخ داده شود. جناب آقای مهندس فروغی هم برای نقشه های مورد نظر حاضر به دریافت وجهی نشده بمنظور کمک به ساختمان را آگاه هزینه این کار را شخصاً پرداخته اند، از نظر هزینه و جنبه مالی بهتر بنظر می رسد که انجمن آثار ملی اصفهان یکی از اعضاء خود را که آمادگی بیشتر جهت صرف وقت در این خدمت ملی داشته باشد بعنوان نایب رئیس یا مدیر عامل یا هر سمت مناسب دیگر انتخاب فرمایند و جناب آقای کیوان نیز که عهده دار سمت خزانه داری انجمن هستند در صورت موافقت آقای سیف الله تجددخواه از کارکنان صدیق و مطلع باستانشناسی اصفهان که اکنون هم باوجود بازنشستگی بطور رایگان مرجع خدمات مختلف درباره آثار تاریخی است برای سرپرستی امور ساختمان از لحاظ استاد و کارگر و تهیه مصالح و غیره مورد اطمینان قطعی و افاده شایان بنظر می رسد.

با توجه به مراتب بالا ممکن است ترتیبی فرمایند که با استفاده از وجوه موجود آن انجمن دست بکار ساختمان آرامگاه بشوند و بدهی شهرداری اصفهان به انجمن آثار ملی اصفهان نیز صرف همین خدمت گردد، انجمن آثار ملی منتظر گزارش آغاز ساختمان می باشد و البته آماده هر گونه کمک و همکاری مناسب نیز هست تا این خدمت ملی پس از سالها مکاتبه و بررسی به خواست خداوند به نحو شایسته و آبرومند جامه عمل بپوشد.

رئیس هیأت مؤسسين

حسين علاء

رئیس هیأت مدیره

سپهبد آقاولی

برای توضیح یادآوری این نکته لازم می نماید که انجمن آثار ملی اصفهان در جلسه روز دوشنبه ۱۹ فروردین ماه ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش.) خود تصمیم گرفته بود که از انجمن مرکزی اجازه بگیرد که مبلغ ۸/۱۰۵۸۲۷۲ ریال موجودی خود را به مصرف ساختمان آرامگاه صائب برساند و از شهرداری اصفهان هم



تصویر دیگری از چند تن از اعضاء هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی و اعضاء انجمن آثار ملی اصفهان در کاخ هشت بهشت

بخواید که هرچه زودتر مبلغ نهصد هزار ریالی را که مدتی است بعنوان وام از انجمن گرفته^۱ مسترد بدارد (توضیح آنکه مبلغ نهصد هزار ریال مذکور از موجودی ۸/۱۰۵۸۲۷۲ ریال داده شده و مبلغ ۱۵۸۲۷۲ ریال نیز در حساب موجود بوده است).

در دیماه سال ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش.) از اداره باستانشناسی اصفهان به انجمن آثار ملی اطلاع داده‌اند که مبلغ نهصد هزار ریال قرضه شهرداری از انجمن آثار ملی اصفهان با حسن توجه آقای نبوی کفیل شهرداری پس از چند سال تأخیر پرداخت گردید و بمحض مساعد شدن هوا کار ساختمان آرامگاه دنبال خواهد شد.

آغاز ساختمان

بموجب برنامه‌ای که تنظیم شده بود روز جمعه پنجم مهرماه سال ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش.) با حضور جناب آقای علم نخست‌وزیر وقت و آقای مهندس پارسا استاندار اصفهان و جمعی از معاریف و ادب دوستان اصفهان نخستین کلنگ بنای آرامگاه صائب به نام نامی شاهنشاه بوسیله استاد جلال‌الدین همایی به زمین زده شد و بدین ترتیب ساختمان آرامگاه آغاز گردید. آقای همایی در این باره مرتجلاً^۲ سروده‌اند:

دیدم به خواب صائب شیرین سخن که گفت

دیدم ز ابر تیره عیان گشت ماه ما

۱- در تاریخ ۳۱/۶/۱۳۴۲ شهرداری اصفهان از استاندار و رئیس انجمن آثار ملی اصفهان درخواست کرده است که انجمن آثار ملی، وافت فرمایند از محل حساب انجمن آثار ملی مبلغ نهصد هزار ریال برای تعمیرات پلهای خواجه و سی و سه پل و ساختن چند رشته پل دیگر به شهرداری وام داده شود و به محض پیدا شدن اعتبار تا قبل از سال ۲۵۱۸ آنرا بحساب انجمن برگشت دهند و انجمن آثار ملی نیز با توجه به این شرط با این امر موافقت کرده بود.

در دولت علم ز عنایات شهریار
 شد پارسا مهندس و افزود جاه ما
 در سال سیصد و چهل و دو پس از هزار
 آدینه روز پنجم از مهرماه ما
 با امر شاه دست علم اولین کلنگ
 زد در بنای بقعه آرامگاه ما
 آثار نیک هر چه بساند ز ما بجای
 باشد بصدق دعوی دانش گواه ما

پس از آن از طرف اداره باستانشناسی اصفهان این شرح به استاندار اصفهان نوشته شده است: «... این اداره بنا بدستور اداره کل باستانشناسی و انجمن آثار ملی از محل اعتبارات مربوط به انجمن آثار ملی اصفهان نسبت به انعقاد اجاره باغ صائب برای مدت پنج سال اقدام نمود و اولین کلنگ ساختمان آرامگاه صائب بنام نامی اعلیحضرت شاهنشاه با حضور جناب آقای نخست وزیر بوسیله استاد محترم آقای جلال الدین همایی بر زمین زده شد و عملیات ساختمانی طبق نقشه ای که بدستور و راهنمایی جناب آقای مهندس فروغی تهیه شده و مورد تصویب انجمن آثار ملی ایران قرار گرفته و جهت اجرا به این اداره ابلاغ گردیده از تاریخ ششم مهرماه ۱۳۴۲ شروع شده است لذا خواهشمند است دستور فرمایند برای نظارت در امور ساختمان و امور وصول و ایصال وجوه يك نفر نماینده تام الاختیار از طرف انجمن آثار ملی اصفهان تعیین و به این اداره معرفی فرمایند.»

بموجب نامه ای که بدستور انجمن آثار ملی از طرف اداره باستانشناسی به آقای سیف الله تجددخواه نوشته شده سرپرستی امور ساختمان آرامگاه صائب بعهدۀ ایشان محول گردیده است، ضمناً امور حسابداری آرامگاه بعهدۀ آقای علی کیانپور و امور فنی آرامگاه بعهدۀ آقای معارفی معمار ابنیه تاریخی



چند نفر از اعضای هیأت مؤسسين انجمن و مقامات مربوط اصفهان بر مزار صائب پیش از لحدات بنای آرامگاه شاعر. از راست به چپ: کشاورز (رئیس اوقاف وقت اصفهان) - نفر دوم؟ - حسین جودت (کارمند انجمن) - دکتر محمود مهران - دکتر شفیق - سید حسین تقی زاده - دکتر صدیق - تیمسار سرلشکر فیروز - حسن مشعونی (مدیر باستانشناسی) - تیمسار سیهید آقایی - علی اصغر حکمت - نفر بعد؟ مهندس پارسا (استاندار وقت اصفهان)

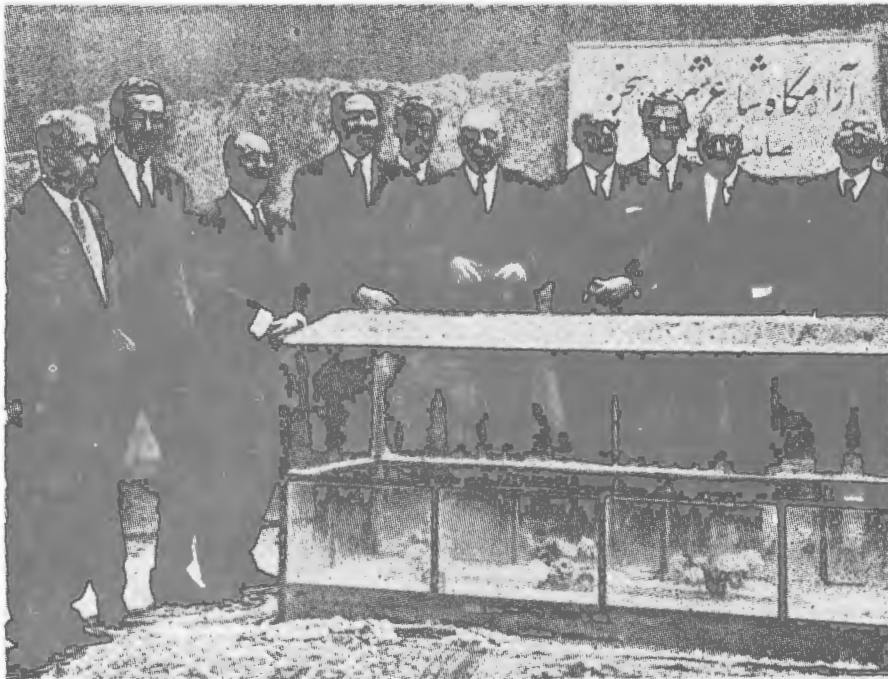
گذارده شده است تا در مورد تدارك احتياجات و رفع حوائج ساختمانی آرامگاه با نظارت آقای عباس بهشتیان ناظر عملیات ساختمانی اقدام نمایند.

در اواخر تیرماه ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) آقای معارفی معمار ابنیه تاریخی گزارش داده است که:

۱- پی کنی مطابق نقشه از سطح باغ به عمق $2/30$ متر و عرض ۹۰ سانتیمتر کنده شده و خاک آن بخیابان وسط حمل گردیده است.

۲- سطح پی کنی ماسه آهک کشیده شده و دو قشر گونی و سه قشر قیر قیراندود شده از روی قیراندود به ارتفاع $2/3$ متر و عرض ۹۰ سانتیمتر با سنگ

- و ماسه و آهك و مختصر سیمان (ملاط) دست چین شده تاكف باغ.
- ۳- روی سنگ کاری با ماسه و آهك و سیمان صافکاری شده و با يك قشر گونی و دو قشر قیر قیراندود شده است.
- ۴- از روی قیراندود به ضخامت ۲۵ سانتیمتر و عرض ۷۰ سانتیمتر، قالب دبه (كفراژبندی) و بتون مسلح شده است.
- ۵- از روی بتون مسلح به ارتفاع ۹۰ سانتیمتر قالب دبه (كفراژبندی) و بتون غیر مسلح ریخته شده است.



چند نفر از اعضای هیأت مؤسسين انجمن و مقامات مربوط اصفهان بر مزار صائب از راست به چپ: دکتر عیسی صدیق- سرلشكر فیروز- حسن مشحون - تیمسار سپهبد آق اولی- علی اصغر حكمت- نفر بعد؟- مهندس پارسا- دکتر علی اكبر شهابی (مدیر كل وقت اوقاف)- احمد كاشانیان (مدیر امور مالی انجمن)- سید محمد تقی مصطفوی

- ۶- استخوان بندی ساختمان و سفت کاری بوسیله ۶ جفت تیر آهن نمرة ۲۰ هفت متری که به یکدیگر اكسیژن شده بطور عمودی نصب گردیده و در عقب کار

- سه پایه بتون آرمه برای اتصال طاق ساخته شده است.
- ۷- چهار تیر آهن نمره ۱۶ شش متری از طرف عرض روی پایه های آهن عمودی اکسیژن شده و ۲ تیر آهن نمره ۲۲ و یک تیر آهن نمره ۲۴ از طول روی ۴ پایه آهن جلو نصب و اکسیژن شده است.
- ۸- در ارتفاع ساختمان سه رشته بتون آرمه کلیه بنا را یکدیگر متصل نموده است.
- ۹- قسمتهای آجر کاری بوسیله ملاط سیمان و ماسه انجام شده.
- ۱۰- سقف آرامگاه طبق نقشه با آهن گرد ۲۴ و ۱۶ آرماتور بندی و بتون آن ریخته شده و کفرازاها جمع آوری گردیده است.
- ۱۱- جان پناه های فوقانی بوسیله بتون آرمه انجام شده و پشت بام صاف کاری و با دو قشر گونی و ۳ قشر قیر قیر اندود شده است.
- ۱۲- سنگ ازاره قسمت شرقی آرامگاه و دیواری که برای جلوگیری از دید بنا های خارجی ساخته شده در طول ۱۵ متر و به ارتفاع یک متر نصب و خاقانی سنگی آن به ضخامت ۱۲ سانتیمتر و عرض ۶۰ سانتیمتر نصب شده و آجر کاری تراش دیوار با ارتفاع یک متر چیده شده است.
- ۱۳- سنگ های مرمر یک ستون و دو نیم ستون گوشوار طرفین تا ارتفاع سرستون نصب شده و بقیه را هم در محل موجود کرده اند.
- ۱۴- کلیه ستون های آهنی جلو ساختمان و طرفین و دور سازی آنها با تیر آهن نمره ۱۰ انجام شده است.
- ۱۵- کف آرامگاه به ارتفاع یک متر با سنگ لاشه و غیره پر شده است.
- ۱۶- زیر سازی پله های آرامگاه در حدود ۲۰ متر مکعب سنگ چیده شده و روی آن را بتون ریخته اند تا پله های سنگی روی آن نصب گردد.
- ۱۷- خیابان مقابل آرامگاه بعرض ۸ متر و بعقب ۴۰ سانتیمتر خاکی ریزی شده و سنگ های ازاره سمت غرب و پله ها و گلدانها در محل حاضر شده و

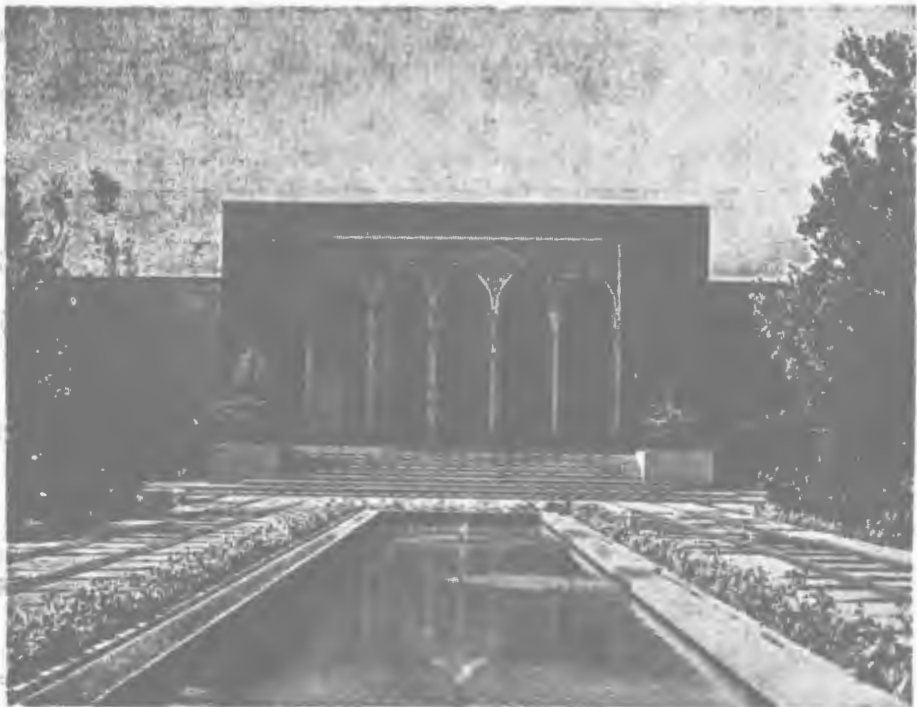
مشغول تراش و حاضر کردن آنها می‌باشند.

آقای بشارت رئیس اداره باستانشناسی در بیستم مهرماه ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) با ارسال گزارش مذکور به اطلاع انجمن آثار ملی رسانیده‌اند که عملیات مفت کاری بنا خاتمه پذیرفته و عملیات تزینی آن در دست اجراست. در اسفند ماه ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) آقای مهندس پارسا استاندار اصفهان به انجمن اطلاع داده‌اند که: عملیات مقدماتی ساختمان آرامگاه صائب طبق نقشه مصوب انجام گردیده و تاکنون مبلغ هفتصد هزار ریال از محل اعتبار انجمن آثار ملی اصفهان پرداخت شده و چون این انجمن اعتبار قابل توجهی ندارد که بتواند جوابگوی کلیه کارهای ساختمانی و اصلاحات لازم باغ آرامگاه باشد انجام امر مستلزم وجود اعتبار مکفی خواهد بود، خواهشمند است نسبت به تأمین و حواله اعتبار اقدام شود تا زودتر کار ساختمان به پایان رسد. از طرف انجمن پاسخ داده شده است که موضوع در جلسه هیأت مؤسسين مطرح گردید و مبلغ دومیلیون ریال تصویب و تعهد گردید که در سال جاری پرداخت شود و انجمن آثار ملی اصفهان بقیه هزینه برآوردی را تأمین نماید.

چگونگی بنا

در ضلع جنوبی باغ، ایوانی که بعنوان آرامگاه صائب بنا شده قرار دارد، این ایوان در حدود دو متر از سطح باغ مرتفع تر است و با ده پله از سنگ تیشه‌ای از سطح باغ به روی ایوان می‌رسیم. جلو آرامگاه شش ستون مرمر و در طرفین شرقی و غربی هر یک يك ستون مرمر قرار دارد. طول ایوان ۱۴ متر و ۲۰ سانتیمتر و عرض آن از لب پله‌ها تا انتهای ایوان ۶ متر و ارتفاع ایوان در حدود هشت متر می‌باشد. کف ایوان با سنگ تیشه‌ای مفروش است و پله‌ها نیز چنانکه اشاره شد از سنگ تیشه‌ای است. ستونهای مرمری ۸ ضلعی است و در ارتفاع سه متر و پانزده سانتیمتری سرستونهایی است که منتهی به طاق چشمه‌ای

می‌گردد و بالای هر يك از چشمه‌ها اشكال لوزی است که با کاشی معرق تزین شده است و در وسط هر لوزی ، لوزی دیگری است که بشکل اسلیمی‌ختایی درآمده و در وسط لوزی کتیبه‌های مشبك قرار گرفته است و چون به سقف می‌رسد حاشیه‌ای با سنگ مرمر است که عرض آن حدود ۴۰ سانتیمتر می‌باشد. زیر سقف از آئینه با طرح شطرنجی تزین یافته و سقف به دو نوع تزین شده است: یکی حاشیه که با اشكال هندسی است و دیگر آئینه کاری که بصورت طرح شطرنجی می‌باشد. در جبهه جنوبی آرامگاه ۵ لوحه می‌باشد که زمینه هر لوحه کاشی معرق با طرح اسلیمی‌ختایی است و حاشیه با زمینه آبی تیره و اسلیمی‌ختایی است. روی لوحه‌ها زمینه فیروزه‌ای رنگ می‌باشد و اشعار و عباراتی که نوشته شده و بعد خواهد آمد با خط نستعلیق و سفید رنگ است و بین لوحه‌ها سرجرزهای مرمری وجود دارد. جبهه شرقی و غربی ایوان هر يك دارای دودهنه



آرامگاه صائب

و یک ستون و دوطاق چشمه‌ای است و مانند جبهه شمالی تزیین یافته است . در سه طرف شرقی ، غربی و شمالی آرامگاه باغ مصفا و مشجر است و مقابل آرامگاه حوضی مستطیل شکل با سه فواره تعبیه گردیده است ، که طول آن ۲۵ متر و عرضش سه متر و نیم می باشد. نمای شمالی خارجی ایوان بصورت دوقاب است که سطح قاب اولی از سنگ گرانیت پوشیده شده و قاب دوم با سنگ مرمر ۵ دهنه طاق و چشمه‌ای است. در طرفین پله‌های ورودی آرامگاه دوباغچه است که با سنگ تیشه‌ای محصور شده و به وضع زیبایی گلکاری شده است .

کتیبه‌ها

در اسفند ماه ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه.ش.) از طرف اداره باستانشناسی اصفهان به انجمن آثار ملی نوشته اند که : «طبق نقشه مصوب در آرامگاه صائب پنج طاقما پیش‌بینی شده که اشعار مناسبی از صائب و همچنین تاریخ ساختمان با کاشی معرق تهیه و در طاقماهای مذکور نصب گردد. کتیبه‌های لازم را تعیین نموده ارسال دارید تا بوسیله آقای حبیب‌الله فضائلی خطاط نوشته شود، ضمناً طرحهایی برای حاشیه و رنگ کتیبه‌ها تهیه و ارسال شده است که هر یک از آنها مورد تصویب است ابلاغ فرمایند تا نسبت به تهیه آن اقدام گردد.» متن لوحه‌ها که از طرف انجمن آثار ملی انتخاب و ارسال گردیده و با کاشی معرق در طاقماها نصب شده از اینقرار است :

لوحه ۱

چند بیت از غزلی که به تفال از دیوان صائب برای آرامگاه وی آمده است با چند بیت دیگر حکیم:

خوش آن روزی که منزل در سواد اصفهان سازم

ز وصف زنده رودش خامه را رطب اللسان سازم

صبا آسا بگرد سر بگردم چارباغش را
 به هرشاخی که بنشیند دل من آشیان سازم
 شود روشن دوچشمم از سواد سرمه‌خیز او
 ز مژگان زنده رود گریه‌شادی روان سازم
 به آن گرمی که من رواز غریبی در وطن دارم
 اگر بر سنگ بگذارم قدم ریگ روان سازم
 باند افتاده صائب آنقدر طبع خدادادم
 که شمع طور را خاموش از تیغ زبان سازم

اگر سکندر از آینه ساخت لوح مزار
 چراغ تربت من روشنائی سخن است

عمر جاوید بود اهل سخن را صائب
 کز پس مرگ هم این زنده دلان درسختند

مرا به خاک در دوست آشنائی نیست
 به آشنائی دل می‌روم به خانه دوست

لوحه ۲

ابیاتی منتخب از افکار نفز و شیوای صائب

شکستگی نرسد خاطر ترا صائب
 که سرخ کرد ز گفتار روی ایران را

تا در این باغی بشکر آنکه داری برگ و بار
 برگ میباید فشانند و بار میباید کشید

بغیر دل که عزیز و نگاهداشتنی است
 جهان و هرچه در او هست وا گذاشتنی است

جای من خالی است در وحشت سرای آب و گل
بعد از این صائب سراغ از گوشه دل کن مرا

خاکی بلب گور فشاندیم و گذشتیم
ما مرکب از این رخنه جهانندیم و گذشتیم
چون ابر بهار آنچه از این بحر گرفتیم
در جیب صدف پاک رساندیم و گذشتیم
چون سایه مرغان هوا در سفر خاک
آزار بموری نرساندیم و گذشتیم
صد تلخ چشیدیم زهر بی مزه صائب
تلخی بحریمان نچشانندیم و گذشتیم

لوحه ۲

بنام پروردگار دانا و توانا
فرمان مبارك اعلی حضرت همایون
محمد رضا شاه پهلوی
آریامهر
شاهنشاه دانش پرور دادگستر ایران
ساختمان آرامگاه میرزا محمدعلی صائب تبریزی
سراینده بلند پایه نازک اندیشه نغز گفتار
(که بسال ۱۰۸۶ هجری در هفتاد سالگی بر حمت
حق پیوسته است) بر فراز تربت او و در کنار
بستانسرائی که مدفن شاعر بزرگوار و خاندانش بود
بنیاد نهاده شد
آغاز ساختمان ۱۳۴۲ و پایان آن ۱۳۴۶ شمسی
طرح - جزی زاده خط - فضائی

لوحه ۴

ابیائی منتخب از افکار نغز و شیوای صائب

مرگ هیبت است سازد از فراموشان مرا
من نه آن شمع که پنهان زیر سرپوشم کنند

میتوان از سینه روشن ضمیران جمع کرد
گر بشوید آسمان سنگدل دیوان ما

تار و پود عالم امکان بهم پیوسته است
عالمی را شاد کرد آنکس که يك دل شاد کرد

جهان شود لب پر خنده ای اگر مردم
دهند دست بهم در گره گشائی هم

از دیگران چراغ نخواهد مزار من
کز سوز سینه شمع مزارم دل خود است

سالها گرد زمین چون آسمان گردیده ام
تا چنین روشندل و صافی روان گردیده ام
سبز گردیدست چون طوطی پرو بالم ز زهر
تا در این عبرت سرا شیرین زبان گردیده ام
سایه من گرچه میبخشد سعادت خلق را
از جهان قانع بمشت استخوان گردیده ام

لوحه ۵

ماده تاریخ

بنام ایزد که با تأیید الطاف خداوندی
 مراد اهل دل حاصل بکرداری مناسب شد
 بعهد پهلوی شاهنشاه ایران که از فرّش
 جهان آباد و دهرایمن ز آفات و مصائب شد
 ز سعی و همت آن انجمن کآثار ملی را
 نگهبان از گزند دهر و آسیب نوایب شد
 بنائی این چنین محکم پی و نغز آیین
 پی آرامگاه شاعر مشهور صائب شد
 مهین استاد نام آور که در طرز سخنرانی
 میان شاعران عهد چون مه در کواکب شد
 چو خورشید است آثارش بهر یوم وبری طالع
 اگر چه خود به زیر ابر خاک تیره غارب شد
 سخن چون صبح صادق دان کزو خورشید میزاید
 و گر عمر سخندان در مثل چون صبح کاذب شد
 سخن کوتاه کنم چون یافت این آرامگاه پایان
 بتاریخ بنا طبع سخن پرداز راغب شد
 سنا پا در میان بنهاد و گفت از بهر تاریخش
 اساس طرح این آرامگاه از فکر صائب شد

۱۳۸۴

آقای مهندس پارسا استاندار اصفهان از انجمن درخواست کرده بودند
 که بمنظور توجه بیشتر در مورد رنگ آمیزی کاشیها و چگونگی خطوط آقای
 مهندس فروغی به اصفهان عزیمت نمایند و در اواخر اسفند ماه ۱۳۴۴ (۲۵۲۴) ۱۳۴۴

۵.ش.) آقای مهندس فروغی به اصفهان رفتند و با حضور ایشان تصمیمات مقتضی اتخاذ گردید .

سنگ مزار - سنگ قدیمی مزار صائب در سنگ مرمر يك پارچه یزد که جاسازی شده قرار گرفته است. طول سنگ مرمر دو متر و چهل و شش سانتیمتر و عرض آن ۹۸ سانتیمتر و ارتفاعش ۵۵ سانتیمتر می باشد و بر روی سطح شمالی سنگ با خط نستعلیق نوشته شده است : « سینه صائب زیارتگاه ارباب دل است » . سنگ قدیمی دارای ۲ متر و پنج سانتیمتر طول و ۴۱ سانتیمتر عرض است و برآمدگی آن از روی سنگ مرمر ۵ سانتیمتر می باشد و چنانکه سابقاً اشاره شد وسط آن را برای گذاشتن گل و غیره کنده اند و کتیبه ای که پیش از این ذکر شد بر روی آن نقش شده است .



تصویر دیگری از آرامگاه صائب

گشایش آرامگاه

ساختمان آرامگاه صائب در اصفهان که مقدمات آن در سال ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه.ش.) فراهم شده بود بکوشش و هزینه انجمن آثار ملی از اواخر همان سال آغاز گردید و در سال ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه.ش.) به پایان رسید. آقای مهندس همایونفر استاندار اصفهان در اسفندماه سال ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه.ش.) از انجمن آثار ملی درخواست کرد تا نظر انجمن را در باره برنامه افتتاح آرامگاه اعلام نمایند و از طرف انجمن مراتب به دفتر مخصوص شاهنشاهی اطلاع داده شد و از دفتر مخصوص به انجمن ابلاغ گردید که: «بطوری که در خور مقام این سراینده بزرگ است ترتیب گشایش آرامگاه توسط جناب آقای استاندار اصفهان داده شود».

آقای ابراهیم همایونفر استاندار اصفهان به اطلاع انجمن رسانید که: بنای جدید آرامگاه خلاق المضمین شادروان صائب تبریزی شاعر عالیقدر که بوسیله انجمن آثار ملی ایران و اصفهان متناسب با شئون آن دانشمند و شاعر بلند پایه بنا شده پایان پذیرفته است و روز سه شنبه شانزدهم مهرماه ۲۵۲۷ (۱۳۴۷ ه.ش.) ساعت ۱۰/۵ صبح طبق برنامه مخصوصی افتتاح خواهد شد. بدین منظور از عده ای از مقامات عالی رتبه کشور دعوت بعمل آمده است که در مراسم مزبور شرکت فرمایند و آقای حسین همدانیان عضو انجمن آثار ملی اصفهان نیز افتخار پذیرائی از مهمانان گرامی را به ناهار دارند. چنانچه بغیر از اشخاص مذکور در فهرست ضمیمه (فهرستی از مدعوین ضمیمه بوده است) شخصیتهای دیگری را هم مصلحت بدانند از آنجا که مهماندار واقعی انجمن آثار ملی است دعوت فرمایند.

ساعت ۱۰/۵ روز سه شنبه شانزدهم مهرماه ۲۵۲۷ (۱۳۴۷ ه.ش.) مراسم گشایش آرامگاه صائب با حضور جمع کثیری از دانشمندان و معاریف کشور و مهمانانی که از تهران و آذربایجان به اصفهان آمده بودند و جمعی از نمایندگان مجلسین، مدیران کل و رؤسای سازمانهای دولتی و شعرا و علاقه مندان صائب

بدین شرح انجام گردید: بدو آقای همایونفر استاندار اصفهان ضمن خیرمقدم به مهمانان از توجهات خاصه ملوکانه و خدمات ارزنده انجمن آثار ملی سپاسگزاری کرد. سپس آقای حبیب الله اشراقی رئیس فرهنگ و هنر استان اصفهان اظهار داشت :

«با اجازه حضار محترم از طرف انجمن آثار ملی اصفهان به اینجانب که عضوی از اعضاء آن هستم افتخار این مأموریت داده شده که از حضور میهمانان ارجمند گرامی که بدین منظور رنج سفر بر خود هموار فرموده اند و عموم علاقه مندان و مدعوین محترم که بدعوت جناب آقای همایونفر استاندار معظم و ریاست انجمن آثار ملی اصفهان در این محفل پرشور شرکت فرموده اند اظهار تشکر و سپاسگزاری نماید، بدیهی است معرفی شاعر بلند پایه و عالی قدری چون صائب که حق بزرگی برگردن ادبیات گرانمایه ایران دارد در مجلسی که از ادبا، اساتید و دانشمندان نامور تشکیل یافته است جایز نیست. تنها بذکر بیتی از آن شاعر ارجمند که مناسبت مجلس باشکوه امروز را بر مزارش تداعی می کند اکتفا نماید. سر بهم آورده دیدم برگهای غنچه را اجتماع دوستان یکدل آمد بیاد در اینجا اجازه می خواهد گزارش مختصری از اقدامات انجام یافته بمنظور احداث این آرامگاه را بعرض برساند :

باغی که ملاحظه می فرمائید و در حال حاضر حدود هفت هزار متر مربع از آن باقی است متعلق به صائب بوده که بعنوان مدفن خود و اولادش انتخاب کرده است. این محل را اداره اوقاف در سال ۱۳۰۹ شمسی به نام (موقوفه) به ثبت رسانیده .

سالها قبل به پیروی از منویات عالی شاهنشاه آریامهر شهریار دانش پژوه و دانشمند که پیوسته نظر مهر مظاهرشان معطوف به تجلیل از مفاخر ملی است جمعی از پیروان مکتب صائب و اعضاء انجمن آثار ملی اصفهان به فعالیت پرداختند تا بنائی متناسب با شئون علمی و ادبی این شاعر بلند پایه بر آرامگاه او احداث نمایند .

این امر مورد توجه هیأت محترم مؤسسين انجمن آثار ملی ایران قرار گرفت و در سال ۱۳۴۲ هیأت مؤسسين انجمن به اصفهان آمدند و با توجه به علاقه دوستان صائب و اعضاء انجمن آثار ملی اصفهان تصویب فرمودند که آرامگاهی شایسته شان این شاعر دانشمند به سبک و شیوه زمان او یعنی دوران

صفویه در این محل بنا گردد و تقبل نمودند کمکهای لازم را بدین منظور معمول فرمایند. آقای مهندس فروغی نیز تقبل فرمودند که افتخاراً طرح و نقشه بنای آرامگاه را تهیه فرمایند. بدنبال آماده شدن طرح و نقشه بنا مقدمات آغاز ساختمان آرامگاه فراهم گردید.

آقای احمد علی بشارت رئیس اداره باستانشناسی بعنوان مجری طرح - آقای معارفی بسمت ناظر فنی و آقای بهشتیان بسمت ناظر مالی تعیین گردیدند. در تاریخ ۵/۷/۴۲ بموجب برنامه تنظیمی قبلی جناب آقای علم نخست وزیر محترم وقت به اصفهان تشریف فرما شدند و حسب الامر جناب ایشان که برای دانشمندان ارج و منزلتی خاص قائل هستند نخستین کلنگ آرامگاه صائب بوسیله استاد جلال الدین همایی ادیب و دانشمند گرانمایه معاصر بزمین زده شد. بنای این آرامگاه در سال ۱۳۴۶ به پایان رسید. با کسب اجازه نام اشخاصی را که در ساختمان و تزئین این بنا مشارکت داشته اند به استحضار می رساند:

طرح کاشیکاری از: آقای هوشنگ جزی زاده.

خط از آقای: حبیب الله فضائی

استادان کاشیکار: آقایان حسین ویدالله مصدق زاده، علی معزی، حبیب الله و مصطفی مصدق.

هزینه خاکبرداری، خالکریزی، دیوارکشی، نرده کشی، کف سازی و عملیات ساختمانی این آرامگاه جمعاً بالغ بر ۲۵۰۳۳۴۶۳ ریال گردیده است که مبلغ سه میلیون و یکصد و سی و شش ریال آن را انجمن آثار ملی ایران اعطاء فرموده اند و بقیه از اعانات و کمکهای جمع آوری شده انجمن آثار ملی اصفهان استفاده شده است. ضمناً از آن تاریخ تا کنون مبلغ سیصد و هفتاد و دو هزار و هفتصد و پنجاه ریال مخارج نگهداری محل بوده است.

در اینجا لازم می داند از طرف اعضاء انجمن آثار ملی اصفهان و پیروان اصفهانی مکتب صائب از بذل توجه و علاقه مندی فراوان و ارزنده اعضاء محترم انجمن آثار ملی ایران مخصوصاً تیمسار معظم سپهبد آقاولی که مرتباً به اجرای این طرح نظارت داشته و کراراً هم برای بازدید عملیات ساختمانی رنج سفر بر خود هموار می فرموده اند اظهار سپاسگزاری و امتنان نماید. بدیهی است مردم ادب پرور اصفهان این ابراز توجه و محبت ارزشمند را هرگز فراموش نخواهند کرد.

اینک مباهی و مفتخر است که اعلام دارد که با کسب اجازه از پیشگاه مبارک

بندگان شاهنشاه آریامهر مقرر گردیده است این آرامگاه گشایش یابد .
 بیشك امروز برای شعرای باذوق و مردم دانش‌پژوه اصفهان و شیفتگان
 خلاق المضامین صائب شاعر بلندپایه روزی مسرت‌بار و شادی‌بخش است ،
 همه یکصدا دعا گوی ذات اقدس شهریار ی هستند که در پرتو عنایات و توجهاتشان
 این گونه از ادبا و دانشمندان نامور این سرزمین تجلیل و تکریم بعمل می‌آید .
 در پایان لازم میدانم از توجهات علاقه‌مندان جناب آقای همایونفر استنادار
 معظم و ریاست محترم انجمن آثار ملی اصفهان که علاقه وافر ی به تجلیل از
 مفاخر ملی ابراز می‌فرمایند اظهار کمال تشکر و سپاسگزاری نماید . آرزو مند است
 با همت والای جناب ایشان و علاقه‌مندی فراوان مردم ادب‌پرور اصفهان نسبت
 به احداث خیابان آرامگاه خلاق المعانی کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی نیز
 اقدامات شایسته انجام گیرد و آرامگاهی که متناسب با شأن این شاعر بلندپایه
 است بر مزار وی ایجاد گردد.»

سخنن استاد همایی - استاد جلال‌الدین همایی از زبان همه ادبا و ادب-
 دوستان به شاهنشاه آریامهر که (این همه آوازه‌ها از شه بود) درود فرستاد و
 بسخن خویش چنین ادامه داد :

«باغ آرامگاه صائب بروزگار صفویه محل اقامت و یا لنگرگاه درویش
 صالح لبنانی بوده است ، صائب در حق درویش اعتقادی عظیم داشت و درویش
 نیز به شاعر بزرگ بادیده احترام می‌نگریست . باغ لنگرگاه درویش بالاخره
 آرامگاه صائب شد و سالیان دراز به باغ تکیه معروف بود . در مهرماه سال
 ۱۳۰۱ شمسی من که در مزارات اصفهان مشغول جستجو و تحقیق بودم با نشانیهای
 تاریخی بدین محل برخورد نمودم ، در آن هنگام هیچ اثری از مزار و سنگ
 آرامگاه در باغ دیده نمی‌شد . با این وصف بكمك باغبان بستانسرای صائب در
 گوشه‌ای به حفاری پرداختم و سنگ مزار شاعر بزرگ را از زیر توده‌های
 خاك بیرون آوردم . بعد از آن کم‌کم اهل ادب از محل آرامگاه صائب آگاهی
 یافتند . چند سال قبل در مهرماه بود که به زمان نخست‌وزیری جناب آقای علم
 اولین کلنگ آرامگاه صائب بزمین زده شد و اکنون هم مهرماه است که برای
 افتتاح آن دورهم جمع شده‌ایم .»

استاد همایی آنگاه به یادگارهای باقی مانده از عصر صفوی اشاره کرد و افزود: حال که شاهنشاه آریامهر نسبت به احیاء آثار تاریخی توجهی عمیق مبذول میفرماید دریغ است که ملت ایران سپاسگزار عواطف شاهانه نباشد. استاد با اظهار تشکر از اعضاء انجمن آثار ملی بویژه تیمسار آقاولی‌سپاسگزاری نمودند. پس از آن آقای امیری فیروزکوهی شاعر معاصر چنین آغاز سخن کرد: آمدن من به اصفهان با ضعف مزاج و بیماری حرکت شوقی و عاشقانه بود و الا در چنین حالی چنین مسافرتی ممنوع می‌نمود و اما دربارهٔ مقام صائب سخن نمی‌گویم جز آنکه آشکارا سازم که من در برابر نبوغ و عبقریت صائب فنای محضم، آنگاه قصیدهٔ شیوائی را که پنجاه و هفت بیت بود و بهمین مناسبت سروده بودند خواندند و چند بیت آن این است:

آن رشك جنان را که لقب نصف جهان است
 زان نصف جهان است که نصفش به جنان است
 خلد است بدان نصفه که آن نصفه عیان است
 ماه است بدین نیمه که این نیمه جهان است...
 صائب که مقام سخن و فکر صوابش
 برتر ز کلام است و فراتر ز بیان است
 نیش قلمش تیغ جهانگیر معانی
 صوب سخنش کشور اندیشه ستان است...
 آن طرح نو آئین بنگر بر سر خاکش
 تا خاک بینی که همه نورفشان است
 هر شمع بر آن خاک بشکرانه زبانست
 هر چند که آن طور سخن بسته دهان است
 پس از آن آقای مجتبی کیوان شاعر توانای اصفهان شعر خود را که تضمینی از غزل صائب بود قرائت کرد و يك بند آن این است:

صائبا نامه به نام تو چو عنوان گردد
 کیست آن کو نه به مدح تو ثنا خوان گردد
 چندی ار قبر تو چون قدر تو پنهان گردد
 ماه آخر ز پس ابر نمایان گردد
 قدر تو روشن و قبر تو گلستان گردد
 خاک پای تو زیارتگه زندان گردد
 دل ما کی نهی از درد به افغان گردد
 این نه ابری است که با باد پریشان گردد
 آقایان عبدالحسین سپنتا عضو انجمن آثار ملی اصفهان و بیربای گیلانی
 (شیدا) دبیر انجمن ادبی «مکتب صائب» نیز بیاناتی ایراد کردند و آنگاه شادروان
 صغیر اصفهانی این قطعه را قرائت کرد :
 در خواب گشت صائب ظاهر بچشم جانم
 با طلعتی که وصفش گفتن نمی توانم
 گفتم که اهل تبریز یا اهل اصفهانی
 خود حل این معما فرمای تا بدانم
 گفتا که زادگاهم هر چند اصفهان است
 و اکنون چو گنج پنهان در خاک اصفهانم
 اما به آب و خاکم نسبت مده که دیگر
 من نیستم زمینی خورشید آسمانم
 اندر جهان نباشد جایی که من نباشم
 تبریز و اصفهان چیست من صائب جهانم
 و بدین ترتیب مراسم افتتاح آرامگاه صائب به پایان رسید .

دیوان صائب

همزمان با ساختمان آرامگاه صائب تبریزی انجمن آثار ملی برای چاپ دیوان اصلی از حکیم و سراینده بزرگوار اقدام نمود و خوشبختانه نسخه‌ای خطی از زمان شاعر که قسمتهایی از آن به خط خود او است بدست آمد و طبق سفارش انجمن آثار ملی آقای سید کریم امیری فیروزکوهی شاعر و ادیب معاصر مقدمه‌ جامعی بخط خوش و متناسب با متن دیوان تدوین نمود و دیوان بدون تغییر و تصرف عیناً بصورت افست بچاپ رسید. متن دیوان ۹۶۶ صفحه و مقدمه ۱۲۰ صفحه است و در پایان مقدمه درباره‌ مختصات نسخه آمده است که: باید دانست که هیچک از این دواوین موجود، کلیات صائب نیست، بلکه همه آنها ... منتخباتی است که شخص صائب بتفاریق ایام و بر حسب درخواست این و آن می نویسانده و غزلهای تازه ساخته خود را در حواشی آنها بخط خویش اضافه میکرده است ولیکن این نسخه نسبت به اغلب نسخی که من دیده‌ام دارای غزلهای بیشتر و در حدود دو برابر آنها است و ثانیاً خط متن هم تقلیدی ماهرانه از خط صائب و بسیار شبیه به حواشی است.

۱۲

آرامگاه پُرفورپوپ

پرفسور پوپ و آرزوی او

پرفسور آرثور اپهام پوپ Arthur Upham Fope مؤلف کتاب بسیار نفیس بررسی هنر ایران A Survey of Persian Art (از سال ۲۴۹۷ تا ۱۳۱۷ ه.ش.) تا سال ۲۴۹۸ «۱۳۱۸ ه.ش.» در شش مجلد به چاپ رسیده است) از بزرگترین شرق شناسان جهان بود و چنانکه قبلاً اشاره کرده ایم^۱ در اواخر فروردین سال ۲۴۸۴ (۱۳۰۴ ه.ش.) به تهران آمد و در جلسه‌ای در تالار بزرگ خانه سردار اسعد بختیاری وزیر پست و تلگراف وقت که اینک تالار بزرگ باشگاه بانک ملی ایران است در حضور اعلیحضرت رضا شاه کبیر که در آن هنگام سردار سپه و نخست وزیر و وزیر جنگ و فرمانده کل قوا بودند و هفت ماه بعد به سلطنت رسیدند وعده‌ای دیگر درباره‌ی هنر ایران سخنرانی مهیجی ایراد کرد. پرفسور پوپ معلم هنرهای شرق نزدیک در دانشگاه شیکاگو بود و همواره به ایران و سوابق تاریخی و هنر ایران عشق می‌ورزید و تا واپسین روزهای زندگانی خود در باز شناساندن هنر و فرهنگ ایران تلاش می‌کرد. آقای دکتر صدیق نوشته اند^۲ که: «در سال ۱۹۶۰ میلادی مطابق با سال ۱۳۳۹ شمسی به همراه ده نفر از استادان دانشگاه برای برگزاری چهارمین کنگره بین‌المللی هنر و باستانشناسی ایران که در نیویورک و واشنگتن تشکیل می‌شد به امریکا سفر کرده

۱ - همین کتاب ص ۹ تا ۱۲.

۲ - روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۱۸/۱۰/۱۳۵۴ (۱۳۵۴ ه.ش.).

بودیم. پرفسور پوپ ریاست اجرائی کنگره را بعهده داشت و در همانجا از من خواست تا از حضور شاهنشاه تقاضا کنم اجازه فرمایند تا او در وصیت نامه اش قید کند که پس از مرگ جسد او به ایران حمل و در اصفهان دفن شود.»

در کتاب یادگار عمر در این باره چنین آمده است:

«... روز ۱۹ اردیبهشت هیأت نمایندگی ایران از واشنگتن به نیویورک بازگشت، در آنجا روزی پرفسور پوپ با تلفون وقت ملاقات خواست و گفت چند دقیقه می خواهد مرا تنها ببیند. روز ۲۷ اردیبهشت ماه سه ساعت و نیم پس از نیمروز به مهمانخانه بزرگ شمالی بدیدن من آمد و پس از اظهار خرسندی از برگزاری کنگره و ابراز امتنان از هیأت نمایندگی ایران مختصری از زندگانی خود بویژه از ۱۳۰۴ که نخستین بار به ایران آمده بود بیان داشت و نتیجه گرفت که در اثر مطالعات و تحقیقات و مشاهدات خود ضمن ۲۰ سفر به ایران ستایش بیحد و عشق بی ریا نسبت به ایران پیدا کرده و زیبادوستی و انسانیت و قدرشناسی ایرانیان چندان او را مسحور کرده که می خواهد این ستایش و عشق را در آینده در مردم سایر ممالک نیز ایجاد کند. آنچه تا آن موقع در تألیفاتش نوشته درخور فضلا و دانشمندان است و آنچه در نظر دارد بکنند برای جهان گردان و اشخاص عادی است. به دنبال این بیانات گفت: من اکنون در آستانه هشتادمین سال عمر خود قرار دارم و می خواهم وصیت کنم. آرزوی من این است که جسد مرا ایران به خاک سپرده شود تا آیندگان از ستایش من نسبت به ایران و هنرمندان و متفکرین بزرگی که در دامان خود پرورده است مستقیماً و به رأی العین آگاه شوند و قدر و مقام این ملت و مملکت را بدانند. از شما خواهش می کنم مراتب را بعرض شاهنشاه ایران برسانید و اجازه بگیرید من در وصیت نامه خود قید کنم که پس از مرگ جنازه مرا به ایران حمل کنند و در اصفهان به خاک سپارند...»

به او قول دادم که مراتب را به پیشگاه همایونی معروض دارم و برای نیل به مقصود هر کاری ممکن باشد انجام دهم.

در مراجعت به ایران موضوع به حضور همایونی معروض افتاد و باعث

تأثر و درعین حال قدردانی از احساسات استاد عالیقدر شد و به وزاوت فرهنگ و انجمن آثار ملی دستور صادر گردید. انجمن آثار ملی پس از مکاتبه و مذاکره با شعبه انجمن در اصفهان واعزام نماینده به آن شهر و بحث و گفتگو با مهندس



پرفسور پوپ

ابراهیم پارسا استاندار آنجا و تماس مکرر با شهرداری اصفهان سرانجام در باغ شهرداری در ساحل زاینده رود، در مشرق پل خواجه زمین مناسبی را برای این منظور انتخاب کرد.

نامه پرفسور پوپ

در تاریخ ۱۴ مهرماه ۲۵۲۴ (۱۳۴۴ شمسی) مطابق با ششم اکتبر ۱۹۶۵ پرفسور پوپ به آقای دکتر صدیق نایب رئیس هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی نامه‌ای درباره علل آرزو مندیش به این امر که در ایران و در شهر اصفهان به خاک سپرده شود از وارن، ایالت کنتیکوت، ایالات متحده امریکا نوشته که ملخص ترجمه آن چنین است:

«... راجع به مسائل مربوط به آرامگاه برای مادونفر (پرفسور و همسرش) اختیار مذاکره و تصمیم با شماست که هر ترتیبی را رضایت بخش میدانید بدهید... اصفهان مورد عشق مخصوص من است، در آنجا مهمترین کارهای خود را انجام داده و بزرگترین سعادت را درک کرده‌ام... منظور عمده من از انتخاب آخرین منزل در اصفهان این است که به مردم ایران نشان داده شود که اندیشمندان بزرگ و هنرمندان و سخنوران و رهبران خلاق و دانشمندان آنها چنان اوصاف و خصائلی دارند که باعث ژرف‌ترین ستایش متفکران سایر کشورهاست، تا آنجا که می‌خواهند ابراز حق‌گزاری و اخلاص آنها تنها زبانی نباشد بلکه به‌زواری که از سایر اقطار عالم بدانجا می‌آیند ثابت کنند که اگر کسی در ایران بخاک سپرده شده به این علت نیست که تصادفاً در آنجا جهان را بدرود گفته بلکه بر اثر اعتقاد راسخ به مقدس بودن آن سرزمین است و برای کسانی که به مقام معنوی ایران پی برده‌اند مزیت و افتخاری است که ایران را آخرین منزل خود قرار داده‌اند تا بدین وسیله ایمان خود را به سرزمین و مردان بزرگی که آن را طی قرن‌ها بوجود آورده‌اند و آینده با افتخاری که برای آن پیشگوئی می‌کنند ابراز دارند.»

از طرف انجمن آثار ملی اصفهان نامه‌ای به پرفسور پوپ نوشته و به‌وی اطلاع داده شد که: رونوشتی از نامه ۶ اکتبر ۱۹۶۵ آن ایرانشناس ارجمند و دانشمند والامقام از طرف جناب آقای سناتور پرفسور عیسی صدیق در جلسه

انجمن آثار ملی ایران که اینجانب هم افتخار شرکت در آن را داشتم مطرح و مورد تجلیل و احترام اعضای محترم آن انجمن قرار گرفته و برای اتخاذ تصمیم و انتخاب زمین بوسیله اینجانب به انجمن آثار ملی اصفهان ارجاع و در جلسه انجمن با احترام و توجه کامل قرائت و تصمیمات زیرین اتخاذ گردید:

اولا باید به اطلاع جنابعالی برساند که مضمون نامه آن استاد عزیز و احساسات پاک و لطیفی که نسبت به شهر اصفهان ابراز داشته‌اید تمام اعضای انجمن را تحت تأثیر قرارداد واز دل و جان به این همه عاطفه و احساس که از منبع دانش و کمال سرچشمه میگیرد آفرین خواندند واز خداوند متعال برای شما و خانم عزیزتان طول عمر و سلامت درخواست دارند.

ثانیاً نظر جنابعالی که آرامگاه ابدی شما و سرکار خانم در اصفهان باشد همانطوری که مورد موافقت اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر قرار گرفته از طرف اعضای این انجمن اقدام خواهد شد و زمین مناسبی در بولوار کنار پل خواجه در نظر گرفته می‌شود که عمارت متناسب و آبرومندی نیز در آن تأسیس و ساخته شود.

بنابراین انجمن آثار ملی اصفهان خرسند است که با تأمین منظور جنابعالی بتواند در مقابل خدمات عظیم و گرانبهای آن ایران‌شناس عزیز بفرهنگ و هنر و تاریخ و آثار باستانی این مرز و بوم کهن خدمت کوچکی که مورد علاقه جنابعالی و آرزوی همه دانشمندان و اهالی اصفهان است انجام دهد.

در خاتمه باز هم سلامت و تندرستی برای جنابعالی و خانم عزیزتان آرزو مندیم و در مقابل مقام شامخ علمی جنابعالی و ارجمندی تحقیقات و کارهای گرانبهای شما در شناختن ایران باستان سر تعظیم فرود می‌آوریم. با تقدیم احترامات فائده‌استاندار و رئیس انجمن آثار ملی اصفهان

مهندس پارسا

اقدامات انجمن آثار ملی اصفهان

در اواخر سال ۲۵۲۴ (۱۳۴۴ شمسی) آقای مهندس پارسا استاندار و رئیس انجمن آثار ملی اصفهان به آقای علی اصغر حکمت رئیس هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی نوشته‌اند که: «... در اجرای اوامر اعضای محترم آن انجمن

و همچنین انجام تقاضای مورخ ششم اکتبر ۱۹۶۵ دانشمند و خاورشناس آقای پرفسور پوپ که رونوشت آن از طرف سناتور محترم جناب آقای دکتر صدیق جهت اختصاص قطعه زمینی در اصفهان برای ساختمان آرامگاه دانشمند مزبور به اصفهان ارسال گردیده بود باستحضار عالی می‌رساند که موضوع با نهایت علاقه در جلسه مورخ ۱۰/۱۱/۴۴ انجمن آثار ملی اصفهان مطرح شد و باعلاقه مخصوص انجمن به انجام تقاضای آقای پرفسور پوپ و اینکه آرامگاه در محل مناسب و آبرومندی که در معرض دید همه سیاحان و واردین قرار گرفته از هر جهت آبرومند باشد مقرر شد قطعه زمینی از انتهای شرقی بلواری که از طرف شهرداری در قسمت شرقی پل خواجو ساخته شده و فعلاً "مورد استفاده اهالی و سیاحان و مسافران قرار دارد و از هر جهت مناسب می‌باشد در اختیار آن انجمن قرار گیرد تا به هر نحو که صلاح و مقتضی بدانند اقدام لازم معمول فرمایند.»

از طرف انجمن آثار ملی در پاسخ نامه آقای مهندس پارسا یادآور شده‌اند که موضوع در جلسه هیأت مؤسسين مورد مذاکره واقع شد و مقرر گردید که آقای مهندس محسن فروغی به اصفهان عزیمت نمایند و در محل ضمن مطالعه نظر انجمن را نیز اعلام کنند تا اقدام لازم معمول گردد.

در بهمن ماه سال ۲۵۲۵ (۱۳۴۵.ش.) از طرف استاندار و رئیس انجمن آثار ملی اصفهان به انجمن آثار ملی اطلاع داده شده است که در ملاقاتی که روز اول دیماه با جناب پرفسور و خانمشان در اصفهان دست داد ایشان اظهار علاقه نمودند که ساختمان آرامگاه هر چه زودتر شروع شود تا در بهار سال آینده که از شیراز به اصفهان می‌آیند بنای مذکور را شخصاً بازدید کنند. بنابراین مقرر شد که نقشه مصوب انجمن را ارسال دارند و اعتبار ساختمان مذکور نیز تأمین و حواله گردد تا ساختمان آرامگاه آغاز شود و چون مقرر بود که نقشه بنا توسط آقای مهندس فروغی تهیه شود و ساختمان آن نیز با

نظارت ایشان انجام گیرد لذا مراتب به آقای مهندس فروغی اطلاع داده شد و ایشان وعده دادند که نقشه ساختمان را تهیه و ارسال دارند و چون تا آخر فروردین ۲۵۲۷ (۱۳۴۷ ه.ش.) هنوز نقشه تهیه و ارسال نشده بود مجدداً آقای مهندس همایونفر استاندار اصفهان از انجمن درخواست کردند که نقشه را تهیه نموده ارسال دارند.

آقای دکتر صدیق نوشته اند که: «به هنگام تشکیل پنجمین کنگره بین المللی هنر و باستانشناسی ایران در تهران و اصفهان و شیراز در فروردین ۱۳۴۷ پرفسور پوپ که ریاست کنگره پنجم را بعهده داشت در اصفهان از باغ شهرداری وزمینی که انتخاب شده بود دیدن کرد و مراتب امتنان خود را شفاهاً و کتباً ابراز داشت. مهندس محسن فروغی نقشه آرامگاه را طبق تمایل پرفسور پوپ به اسلوب معماری قرن پنجم هجری تهیه نمود که مورد تحسین او واقع شد.»

در گذشت پرفسور پوپ: در سال ۲۵۲۵ (۱۳۴۵ شمسی) مؤسسه آسیائی که پرفسور پوپ مدتها پیش برای پژوهش و تدریس فرهنگ آسیا بویژه ایران در نیویورک تأسیس کرده بود به تصویب دولت به شیراز منتقل و وابسته به دانشگاه پهلوی شد و پرفسور و همسرش در آنجا مشغول خدمت شدند.

پرفسور پوپ روز هشتم شهریور ۲۵۲۸ (۱۳۴۸ ه.ش.) دنیا را بدرود گفت و جنازه اش به اصفهان حمل و در محل تعیین شده در باغ شهرداری با احترامات شایسته بخاک سپرده شد.

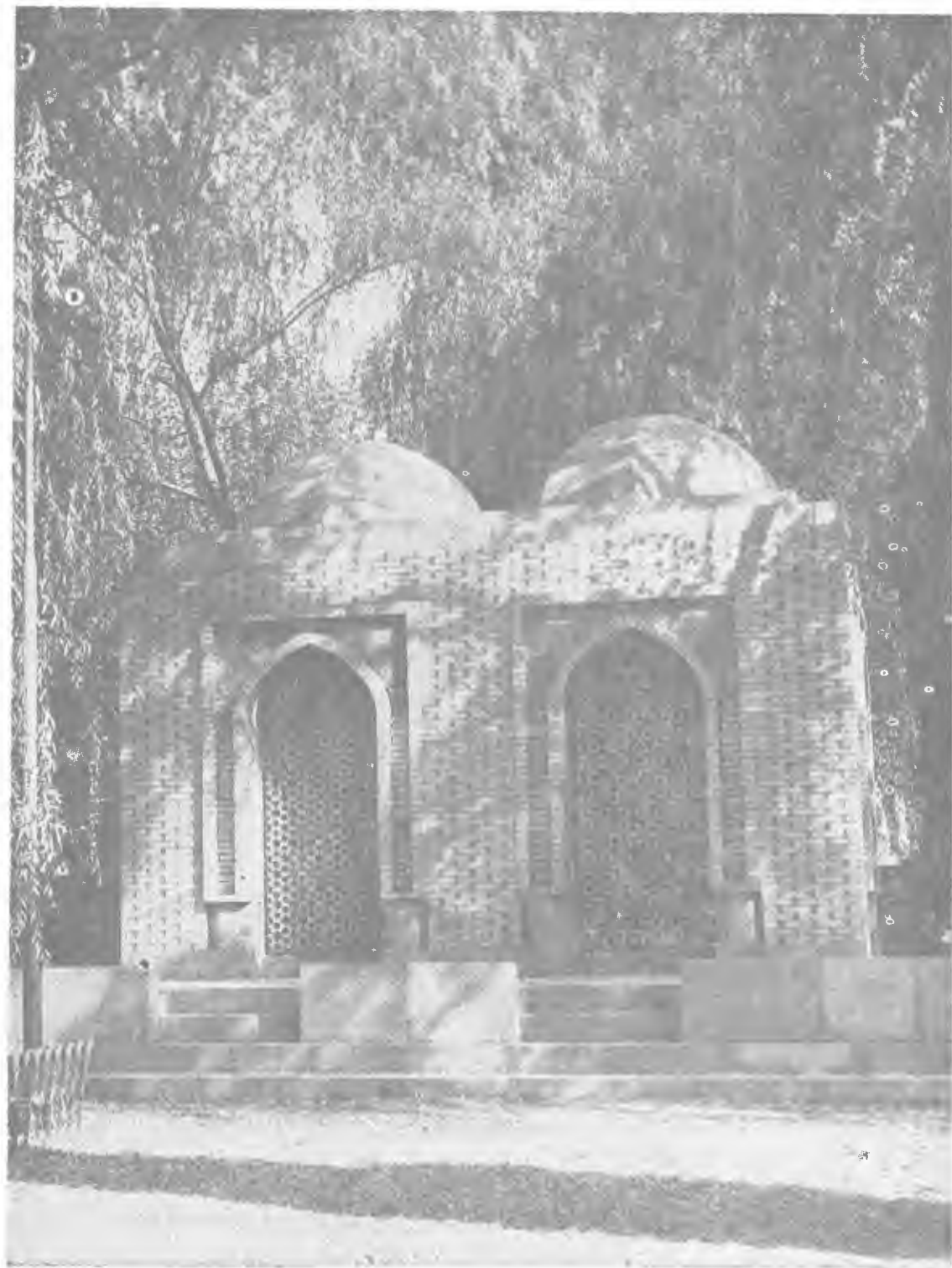
ساختمان آرامگاه

در تاریخ هجدهم اسفند ۲۵۲۸ (۱۳۴۸ ه.ش.) از طرف انجمن آثار ملی مبلغ سیصد هزار ریال بعنوان آقای مهندس باقر آیه الله زاده شیرازی نماینده سازمان ملی حفاظت آثار باستانی اصفهان حواله گردید تا ساختمان آرامگاه را آغاز نماید و در اوایل فروردین ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه.ش.) مهندس شیرازی به

اطلاع انجمن رسانید که نقشه برداری از محل و طرح سکوسازی و تعیین موقعیت بنا صورت گرفته و ساختمان بنا آغاز خواهد شد. پس از تهیه مقدمات و نقشه های لازم در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه. ش.) عملیات ساختمان آرامگاه بر مبنای نقشه تهیه شده بوسیله آقای مهندس فروغی و نظارت دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی اصفهان و آقای معارفی معمار آغاز گردید و تا مرداد ماه ۲۵۲۹ اسکلت اصلی به اتمام رسید. در آبان ماه همان سال اطلاع داده شد که ساختمان بنا تا زیر گنبد سنگی آن پایان یافته و در مورد سنگهای گنبد بعثت موجود نبودن سنگهای يك پارچه آقای مهندس فروغی دستور داده اند که گنبد های سنگی بصورت چهار پارچه ساخته شود، سنگها از نوع سنگ گرانیست اصفهان انتخاب گردیده و بزودی به نصب آنها اقدام خواهد شد. با مبالغی که بعداً از طرف انجمن آثار ملی حواله شد از سال ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه. ش.) تا سال ۲۵۳۱ آرامگاه ساخته شد و در اواسط سال ۲۵۳۱ (۱۳۵۱ ه. ش.) کاشیکاریهای داخلی، نصب سنگ قبرها و تنظیم فضای اطراف آرامگاه و تزیینات دیگر به پایان رسید و مجموعاً در حدود يك میلیون و چهارصد هزار ریال مخارج بنا شد.

چگونگی بنا

آرامگاه بر روی سکوئی بنا شده که تا سطح زمین در حدود ۶۰ سانتیمتر ارتفاع دارد و از سنگ تیشه ای مفروش شده است و بوسیله پاهایی که در اطراف تعبیه شده به بالای آن می رسند. در خارج آرامگاه و گرداگرد آن ایوانی می باشد و ساختمان بصورت اطاق مستطیل شکلی است که طول آن شش و عرض آن سه متر می باشد و در حدود ۵ متر ارتفاع دارد، در سمت مشرق و مغرب دو درگاه طاق و چشمه ای مشبك از آجر و کاشی و در سمت شمال يك درگاه بهمین وضع می باشد و اطراف هر درگاه حاشیه ای است که با کاشی و



آرامگاه پرفسور پوپ در اصفهان

آجر تزئین یافته است. ازارة آرامگاه به ارتفاع سی سانتیمتر از سنگ تیشه‌ای است و در ورودی آرامگاه که در جنوب واقع است از چوب و بسبك درهای دوره صفویه با آلت تزئین شده و عمل حسن عشاقی نجار اداره فرهنگ و هنر اصفهان می‌باشد و در سال ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ ه. ش.) تهیه شده است. نمای آرامگاه از آجر و بنا دارای دو گنبد از سنگ تیشه‌ای است که در واقع يك گنبد بر فراز قبر پرفسور پوپ و يك گنبد بالای قبر همسر او می‌باشد. داخل آرامگاه با سنگ تیشه‌ای مفروش است و قبری که در سمت جنوب آرامگاه است از شادروان پرفسور پوپ می‌باشد و سنگی به طول ۱/۶۰ متر و عرض ۵۰ سانتیمتر از نوع سنگ گرانیت ماشی مرغوب اصفهان بر روی قبر می‌باشد و بر آن نوشته‌اند:

آرامگاه

پرفسور پوپ ایران‌شناس نامور آمریکایی

۱۳۴۸-۱۲۶۰ هجری خورشیدی

ARTHUR UPHAM PoPe

AMERICAN EXPERT

IN

PERSIAN ART

1881-1969

در ایران از آن جستم آرامگاه که تا باز دانند یاران راه
که اندر جهان هر که دانشور است از این خاک پاکش به سرافراست

در شمال آرامگاه قبر دیگری برای همسر پرفسور پوپ تهیه شده است. بر دیوار شمالی آرامگاه لوحه‌ای است از سنگ گرانیت مشکی و روی آن دو لوحه فلزی قرار دارد، یکی به زبان انگلیسی و دیگری ترجمه آن به زبان فارسی. لوحه انگلیسی که نامه پرفسور پوپ است چنین می‌باشد:

ARTHUR UPHAM POPE

WARREN, CONNECTICUT

P.O. Cornwall Bridge, Conn.

October 6th, 1965.

H. E. Issa Sadiq
316 Heydayat
Teheran, Iran

My dear Sadiq:

Concerning all matters pertaining to a final resting place for both of us, all negotiations are in your hands and you have my authority to make any arrangements that you think are satisfactory.

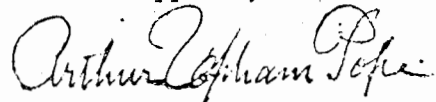
Isfahan is, of course, my special love, where my most important work was done and my greatest happiness. It would be an appropriate place insofar as my own sentiments go. All such matters I leave to you.

As you know, His Majesty has twice approved of this arrangement, but my recent collapse makes it desirable for me to have some assurance that - if an urn with ashes had to be shipped to Persia, they would be properly received and disposed of there.

The whole point is to show the Persian people that their great spirits, artists, poets, creative leaders, scholars are of such quality as to evoke the profoundest admiration of kindred spirits in other lands, who affirm their gratitude and devotion in more than words, and to affirm to visitors from other countries that one is not interned in Persia by the accident of dying there, but with the conviction that it is a holy ground and a privilege for those who understand it to use it as a final resting place, as a witness of their faith in the land and the great personalities that have through the many centuries made it what it has been and, at the same time, prophecize a noble future.

You are very good to attend to this, with all the other matters on your mind.

Devotedly yours,



و بر روی لوحه فارسی چنین نوشته شده است:

«ملخص ترجمه نامه مورخ ۱۴ مهر ۱۳۴۴ (۶ اکتبر ۱۹۶۵) آرثور ایهام پوپ ایران شناس نامی و ایراندوست بزرگوار به جناب آقای دکتر عیسی صدیق نایب رئیس هیئت مؤسسين انجمن آثار ملی درباره علل آرزومندیش که در ایران و شهر اصفهان بخاک سپرده شود. از وارن، ایالت کنتیکوت ایالت متحده آمریکا ۱۶ اکتبر ۱۹۶۵.

بعد از عنوان و مقدمه... اصفهان مورد عشق مخصوص من است... در آنجا مهمترین کارهای خود را انجام داده و بزرگترین سعادت را درک کرده‌ام... منظور عمده من از انتخاب آخرین منزل در اصفهان این است که به مردم ایران نشان داده شود اندیشمندان بزرگ و هنرمندان و سخنوران و رهبران خلاق و دانشمندان آنها چنان اوصاف و خصائلی دارند که باعث ژرفترین ستایش و متفکرین مشابه سایر کشورهاست، تا آنجا که میخواهند ابراز حقگزاری و اخلاص آنها تنها زبانی نباشد بلکه بزواری که از سایر اقطار عالم بدانجا می آیند ثابت کنند که اگر کسی در ایران بخاک سپرده شده به این علت نیست که تصادفاً در آنجا جهان را بدرود گفته بلکه در اثر اعتقاد راسخ به مقدس بودن آن سرزمین است و برای کسانی که به مقام معنوی ایران پی برده اند مزیت و افتخاری است که ایران را آخرین منزل خود قرار داده اند تا بدینوسیله ایمان خود را به سرزمین و مردان بزرگی که آن را طی قرنهای بوجود آورده اند و آینده با افتخاری که برای آن پیشگوئی می کنند ابراز دارند.»

در حاشیه گنبد ها با خط نستعلیق با کاشی زمینه فیروزه ای این ابیات سروده

استاد جلال الدین همایی نوشته شده است:

کتیبه گنبد اول چنین است:

سزد ژرف در حال من بنگرید
زبان درونم جز آثار نیست
ز خاکم شود راز دل آشکار

شما ای که برخاک من بگذرید
کنونم که امکان گفتار نیست
اگر چه نباشد زبانم بکار

منم پیکری از هنر ساخته
 مرا آرزو بود کاندنر جهان
 در ایران از آن جستم آرامگاه
 که اندر جهان هر که دانشور است
 از آنرو سپردم تن اندر به خاک
 و کتیبه گنبد دوم چنین است:

گزیدم ز ایران زمین اصفهان
 نهادم بر این تربت پاک سر
 زدم خیمه در ساحل زنده رود
 ز آثار ملی بفرمان شاه
 در این سرزمین تا برآسوده ام
 بود تا ز پیشینگان یاد بود
 چنان کرد باید که در روزگار
 به پنجاه و سیصد پس از الف سال

بعشق هنر عمر در باخته
 به ایران زمینم سرآید زمان
 که تا باز دانند یاران راه
 از این خاک پاکش به سرافراست
 که خاکم شود جزو این خاک پاک

جهانی که خوانیش نصف جهان
 که گنجینه دانش است و هنر
 که تا جان شود زنده ز اواز رود
 شد اینجا مرا طرفه آرامگاه
 سر فخر بر آسمان سوده ام
 بر آیندگان باد از من درود
 ز ما نام نیکو بود یادگار
 سنا گفت بگذشته را وصف حال

۱۳

آرامگاه باباطاهر

آرامگاه باباطاهر

باباطاهر عریان همدانی از عارفان و شاعران قرن پنجم هجری است که ظاهراً در اواخر قرن چهارم ولادت یافته است. در مقطع غزلها و دربرخی از دوبیتیهایش نام خود را طاهر ذکر کرده و از جمله سروده است:

خدایا عشق طاهر بی نشان بی که از عشق بتان بی پاسرستم^۱

منم طاهر که در خونابه نوشی محمد را کمینه چاکرستم^۲

منم طاهر که از عشق نکویان دلی لبریز خون اندر برستم^۳

مواز روز ازل طاهر بزادم از این رو نام باباطاهر ستم^۴

دلی دیرم چو مرغ پر شکسته چو کشتی بر لب دریا نشسته

همه گویند طاهر تار بنواز صدا چون می دهد تار شکسته^۵

از خاندان، تحصیلات و زندگانی او اطلاع صحیحی در دست نیست.

در سال ۴۴۷ هـ که طغرل بیک سلجوقی در همدان به دیدن باباطاهر رفته ظاهراً بابا

۱- شرح احوال و آثار و دوبیتیهای باباطاهر عریان، از انتشارات انجمن آثار ملی،

ص ۱۷۴.

۲- همان مأخذ ص ۱۷۵.

۳- همان مأخذ ص ۱۷۶.

۴- همان مأخذ، ص ۱۴۳.

عارفی کامل و مورد احترام بوده است. راوندی داستان ملاقات او را با طغرل بیک چنین آورده است: ^۱ «شنیدم که چون سلطان طغرل بیک بهمدان آمد از اولیا سه پیر بودند باباطاهر و باباجعفر و شیخ حمشا، کوهکیست بر در همدان آنرا خضر خوانند بر آنجا ایستاده بودند، نظر سلطان بریشان آمد، کوکبه لشکر بداشت و پیاده شد و با وزیر ابونصر الکندری پیش ایشان آمد و دستهایشان ببوسید، باباطاهر پاره شیفته گونه بودی او را گفت: ای ترک با خلق خدا چه خواهی کرد؟ سلطان گفت: آنچه تو فرمایی، گفت: آن کن که خدا می فرماید، آیه: ان الله يامر بالعدل والاحسان^۲، سلطان بگریست و گفت چنین کنم، بابادستش بستد و گفت: از من پذیرفتی؟ سلطان گفت: آری، بابا سرا بریقی شکسته که سالها از آن وضو کرده بود در انگشت داشت بیرون کرد و در انگشت سلطان کرد و گفت: مملکت عالم چنین در دست تو کردم بر عدل باش، سلطان پیوست آن در میان تعویذها داشتی و چون مصافی پیش آمدی آن در انگشت کردی.»

آثاری که از باباطاهر بازمانده عبارتست از:

- ۱- ترانه‌ها یا دوبیتیهای باباطاهر که در بحر هزج مسدس محذوف و به- لهجه لری^۳ سروده شده، و به نام فهلویات مشهور است. درباره این ترانه‌ها نوشته‌اند: ^۲ «این اشعار بسیار لطیف و پراز عواطف رقیق و معانی دل‌انگیز است لیکن بر اثر کثرت اشتها و تداول در میان عامه فارسی زبانان در آنها تصرفاتی صورت گرفته است. چنانکه غالباً از هیئت اصلی خود بگردیده و به پارسی دری نزدیک شده‌اند». دوبیتیهای باباطاهر مکرر در ایران و برخی از کشورهای دیگر چاپ و منتشر شده و دو قطعه و چند غزل نیز با همان لهجه از او بازمانده است.
- ۲- مجموعه کلمات قصار عربی که عقاید عرفانی را در علم و معرفت

۱- راحة الصدور، به تصحیح محمد اقبال، ص ۹۹ و ۹۸.

۲- سورة ۱۶، آیه ۹۲.

۳- تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، ص ۳۸۴.

و ذکر و عبادت و وجد و محبت بیان کرده است^۱ مشتمل بر ۴۲۰ کلمه عارفانه در پنجاه باب. و خانمه‌ای در اشیاء متفرقه^۲.

۳- سرانجام: کتابی است مشتمل بر دو بخش. بخش نخست رساله‌یی است که با کلمات شبیه بقصار عقاید عرفا و صوفیه را بیان می‌دارد و از قرار شرحی که در مقدمه آن نوشته شده مصنف را بابا طاهر معرفی می‌کند. بخش دوم کتابی است به نام «الفتوحات الربانی فی اشارات الهمدانی» که گویا شارح آن جانی بیک همدانی باشد.

ترانه‌های باباطاهر به برخی از زبانهای خارجی نیز ترجمه شده است از اینقرار:

۱- کلمان هوار (Clement Huart) فرانسوی در سال ۱۸۸۵ میلادی ۵۹ دوبیتی باباطاهر را با ترجمه فرانسوی و حواشی در مجله آسیائی (Journal Asiatique) (نوامبر و دسامبر ۱۸۸۵ دوره ۸ جلد ۶) منتشر ساخت و در سال ۱۹۰۸ میلادی ۲۸ دوبیتی دیگر را با یک غزل از اشعار باباطاهر مجدداً انتشار داد^۳.
۲- ادوارد هرن آلن مستشرق انگلیسی قسمتی از رباعیات باباطاهر را با شش نسخه خطی مقابله کرده اصل و ترجمه انگلیسی آن را ضمن چهار بخش به شرح ذیل در کتاب «اندوه بابا طاهر» به سال ۱۹۰۲ میلادی در لندن چاپ و منتشر نمود:

الف- مقدمه جامعی که به کمک مستشرقین تهیه و تنظیم گشته.
ب- ترجمه منظوم اشعار باباطاهر که توسط خانم الیزابت کرتیس برتون به زبان انگلیسی ترجمه شده.
ج- اشعار باباطاهر که اختلافات شش نسخه مقابله شده را در ذیل صفحات نگاشته.

۱- تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، ص ۳۸۴.

۲- شرح احوال و آثار و دوبیتیهای باباطاهر عریان، ص ۵۸.

۳- مأخذ سابق، ص ۹۸.

- د- ترجمه اشعار به نثر انگلیسی از خود ادوارد هرن^۱.
- ۳- ژرژلزنسکی (Leszeznski) ترجمه ۸۰ دوبیتی و یک غزل (غیر از غزل هوار) باباطاهر را از روی نسخه خطی برلن نگاشته و دوبار در سالهای ۱۹۱۷ و ۱۹۲۰ میلادی در مجله نیواورینت New orient طبع و منتشر ساخته است^۱.
- برای مطالعه شرح احوال و آثار باباطاهر به مآخذ ذیل می توان مراجعه کرد:
- ۱- راحة الصدور و آية السرور، به سعی و تصحیح محمد اقبال، ص ۹۸-۹۹.
 - ۲- نزهة القلوب، چاپ لیدن، ج ۲ ص ۷۱.
 - ۳- ریاض العارفین، چاپ تهران، ۱۳۱۶، ص ۱۶۷.
 - ۴- شرح احوال و آثار و دوبیتی های باباطاهر عریان به انضمام شرح و ترجمه کلمات قصار وی منصوب به عین القضاة همدانی با اصل و ترجمه کتاب الفتوحات الربانیة فی مزج الاشارات الهمدانیة به شرح و تفسیر محمد بن ابراهیم مشهور به خطیب وزیری به کوشش دکتر جواد مقصود.
 - ۵- مجمع الفصحاء، ج ۱، ص ۳۲۶.
 - ۶- تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، چاپ سوم، ص ۳۸۳-۳۸۶.
 - ۷- تاریخ ادبیات ایران، تألیف دکتر رضازاده شفق، از انتشارات دانشگاه پهلوی، ص ۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵.
 - ۸- تاریخ ادبیات ادوارد برون، ج ۱، ترجمه علی پاشا صالح، ص ۱۳۱-۱۳۲.
 - ۹- تاریخ ادبیات ادوارد برون، ج ۲، ترجمه فتح الله مجتبائی، نیمه نخست، ص ۳۹۲-۳۹۵.
 - ۱۰- هگمتانه، تألیف سید محمد تقی مصطفوی، چاپ تهران، ۱۳۳۲، ص ۱۹۴ تا ۲۰۰.

- ۱۱- کتاب یادداشت‌های سفر همدان، از ابراهیم صفائی.
- ۱۲- مقدمه‌هایی که برای چاپ‌های مختلف دیوان باباطاهر نوشته شده است.
- ۱۳- شد الازار، ص ۵۱۵-۵۱۶.
- ۱۴- سبک‌شناسی، ج ۱، ص ۲۲.
- ۱۵- مجله دانشکده ادبیات، سال ۴، شماره دوم، مقاله آقای مجتبی مینوی.
- ۱۶- مجله ارمنان، فروردین ۱۳۳۸، مقاله ابراهیم صفائی.
- ۱۷- مجله ارمنان، سال نهم، شماره دهم، ترجمه مقاله مینورسکی راجع به باباطاهر از دکتر کاسمی.
- ۱۸- شرح کلمات قصار باباطاهر به عربی به نام «ایضاح» و شرح دیگری به فارسی به نام «توضیح» از حاج ملاسلطانعلی گنابادی.
- ۱۹- شرح کلمات قصار باباطاهر به فارسی به نام «آئینه بینایان» از حاج میرزا محسن مدرس.
- ۲۰- دائرة المعارف اسلامی.
- ۲۱- شرح و ترجمه کلمات قصار باباطاهر، منسوب به عین القضاة همدانی.
- ۲۲- رساله دکتر آبراهیمیان به زبان فرانسه درباره لهجه دوییتی‌های باباطاهر، چاپ پاریس.
- ۲۳- مجله آسیائی Journal Asiatique نوامبر و دسامبر سال ۱۸۸۵ میلادی، دویتیهای باباطاهر با ترجمه فرانسه.
- ۲۴- اصل و ترجمه دیوان باباطاهر، به زبان انگلیسی، بوسیله ادوارد هرن.
- ۲۵- ترجمه منظوم اشعار باباطاهر به زبان انگلیسی از خانم الیزابت کورتیس برتون.
- ۲۶- مقالات آقای دکتر پرویز ناتل خانلری در مجله پیام نو.
- ۲۷- لغت‌نامه دهخدا.

۲۸- مجله آسیائی بنگاله (۱۹۰۴ م.)، شرح حال باباطاهر، نوشته میرزا مهدیخان کوکب.

۲۹- آتشکده آذر به اهتمام دکتر سید جعفر شهیدی، ص ۲۶۳-۲۶۴.

۳۰- یادداشت‌های قزوینی، جلد پنجم، ص ۲۸۱ - ۲۸۴. و جلد اول، ص ۱۵ و ۱۴.

آرامگاه باباطاهر

آرامگاه باباطاهر بر فراز تپه‌ای در شمال غربی همدان و در اواسط خیابان باباطاهر قرار دارد. در قرن ششم هجری برجی هشت ضلعی با آجر بر روی قبر باباطاهر ساخته شده بود، مینورسکی نوشته است: «ساختمان مقبره طاهر خیلی ساده و بی‌پیرایه می‌باشد. نمی‌توان از آن فواید تاریخی بدست آورد و در کتاب نزهة القلوب حمدالله مستوفی ذکر مختصری از آن شده است. تصویر مقبره مزبور در یکی از مجلات منطبعة درمسکو Mnorsky Matériaux و همچنین در کتاب دیدار قبر باباطاهر در همدان مؤلف [تألیف] ویلیام جاکسن انگلیسی موجود است. این کتاب را که مؤلفش تقدیم به ادوارد برون نموده در سنه ۱۹۲۲ در کمبریج طبع نموده‌اند»...

«در مقابل بقعه ساده مذکور بنائی مرکب از چند اطاقک معمولی قرار داشت که اکثر محل سکونت دراویش صوری بود، مزار مزبور در اثر بی‌توجهی اولیاء امور وقت مانند اکثر ابنیه تاریخی به مرور زمان رو به ویرانی نهاد و کم‌کم بصورت مقبره‌ای مخروبه و بنای نیمه ویرانی درآمد و پس از سالهاگذشت زمان در عصر رضا شاه کبیر مقبره باباطاهر از طرف شهرداری همدان تجدید بنا گردید.»^۱

۱- نقل از شرح احوال و آثار و دویته‌های باباطاهر عریان.



مقبره باباطاهر در همدان

دانشمند گرانقدر آقای سید محمد تقی مصطفوی درباره این آرامگاه

نوشته اند^۱ که:

«آرامگاه باباطاهر قبل از زمان اعلیحضرت شاهنشاه فقید عبارت از برج متروک نیمه ویرانی بر فراز تپه‌ای که اکنون دیده می‌شود بود و در زمان شاهنشاه فقید از طرف شهرداری همدان بنای جدیدی در محل بنای سابق ساختند و ضمن پی برداری لوحه کاشی کوچک فیروزه رنگی که از آثار قرن هفتم هجری است کشف گردید... در حاشیه و اطراف این کاشی بعد از بسمله آیه کریمه انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوه ویؤتون الزکوة وهم را کعون (آیه ۵۵ سورة مائده یعنی سورة پنجم قرآن مجید) بطور برجسته بخط کوفی مرقوم رفته

۱ - هکمتانه ، چاپ خرداد ۱۳۳۲ ، ص ۱۹۴-۲۰۰ .



آرامگاه قدیم باباطاهر (سال ۲۴۷۹ شاهنشاهی برابر ۱۲۹۹ شمسی)

حاشیه بالائی آن هم به همان خط و همان طرز مشتمل بر کلام مبارك لا اله الا الله محمد رسول الله است و در وسط قسمت پائین کاشی کلماتی مرقوم رفته که لعاب فیروزه رنگ کاشی مانع از تشخیص آنست و کلمات ابوالوفابن ابوالقاسم که عیناً در کاشی عتیق امامزاده یحیی تهران هم وجود دارد تشخیص داده می شود و هرچند سال تاریخی مشاهده نمی گردد ولی یقیناً این لوحه کاشی مربوط به قرن هفتم هجری می باشد: طول آن ۴۵ سانتیمتر و عرض آن ۳۰ سانتیمتر است، کاشی مزبور نظیر یکی دو کاشی دیگر است که در بعضی از مرقد های عرفا و بزرگان مذهب شیعه در زمانی که هنوز مذهب رسمی و علنی ایران تشیع نبود بدست آمده است و مخصوصاً لوحه نظیر آن به همان اندازه و همان سبک و با همان خطوط در بقعه امامزاده یحیی تهران بدست آمد و سال تاریخ آن ۶۲۸ تشخیص داده شد.

لوح کاشی مکشوف در مزار باباطاهر اینک در موزه ایران باستان نگهداری می شود.

باری بنای جدید در زمان شاهنشاه فقید شروع گردید و بصورتی غیر مناسب آنرا نیمه تمام گذاردند و در سالهای ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ شمسی از



لوحه کاشی مربوط به بقعه باباطاهر از آثار قرن هفتم هجری

طرف شهرداری همدان به تکمیل و اصلاح آن تاحدی که وضع موجود بنا اقتضا می نمود و راه می داد اقدام شد که اکنون به اتمام رسیده است و از طرف انجمن آثار ملی بنا به انتخاب جناب آقای حکمت ۱۴ دویستی از اشعار عارف مزبور برای کتیبه کاشی داخل بنا و عباراتی هم برای نوشته روی سنگ مزار در نظر گرفته شد و بوسیله فرماندار علاقه مند و جدی آنجا شادروان نصرت الله خواجه -



آرامگاه قبلی باباطاهر

نسوری وجانشین آن فقید آقای احمد جهانسوز که تکمیل و اصلاح آرامگاه باباطاهر یکی از ثمرات کوچک سعی وجدیتشان در اصلاحات فراوان و اقدامات دامنهدار شهر تاریخی همدان است بنای مزبور باتمام رسید و هرچند نوشتن کتیبه‌ها و نصب سنگ مرمر بر روی مزار و کاشی بردیوار بواسطه وضع نامساعد مالی شهرداری همدان عملی نشد و انجمن آثار ملی هم برخلاف نظر اولیه خود تا موقع نگارش این سطور نتوانسته است این کمک را به آرامگاه باباطاهر بنماید ولی از نظر اطلاعات مفیدی که در نوشته روی سنگ مزار پیش‌بینی شده است و نمونه‌های نغز دوییتی‌های باباطاهر ذکر متنهای فوق را در این راهنما مفید و مورد میداند تا هم خوانندگان علاقه‌مند را از این بابت بهره‌ای برسد و هم باشد که بعداً منظور فوق عملی گشته کتیبه‌های کاشی و سنگ روی مزار با این نوشته‌ها زینت بخش فضای درونی آرامگاه باباطاهر گردد.

نوشته برای روی سنگ مزار

بسم الله الرحمن الرحيم

من امامه الموت دامت حیوته وهومیت ومن امامه الحیوة دام موتیه وهوحی^۱

۱- در کلمات قصار باباطاهر (صفحه ۷۵) کتاب شرح احوال و آثار و دوییتی‌های

در ریاض العارفین مسطور است که طاهر همدانی نورالله روحه مشهور به باباطاهر عریان از خاک پاک همدان بوده و در آن ولایت به دیوانگی شهرت نموده. گویند چنان آتشی در دل آن دیوانه فرزانه افروخته و بنیاد صبر و طاقت او را سوخته بودند که با آنکه برودت هوای آن بلاد مشهور است در فصل زمستان در کوه الوند در میان برف عور نشسته و از گرمی شکایت می کرد و بقدر بیست ذرع اطراف وی برف گذاشته بود. و فاش را در چهار صد و ده نوشته اند. لیکن نظر به حکایت صحبت او با سلطان طغرل سلجوقی که در حدود ۴۴۷ به همدان آمد ظاهر آفات او بعد از آن تاریخ واقع شده باشد. گویا در سال ۳۹۰ هجری قمری برابر با سال هزار میلادی این دوبیتی را سروده است:

من آن بحر که در ظرف آمد ستم من آن نقطه که بر حرف آمد ستم
بهر الفی الف قدی برآمد الف قدم که در الف آمد ستم
پس از آن چهارده دوبیتی منتخب آقای حکمت آمده است.

آرامگاه جدید

بمناسبت نزدیک شدن جشن هزاره ابن سینا شهرداری همدان از سال ۲۵۰۹ (۱۳۲۹ ه. ش.) با کوشش بسیار به کار تعمیر و تکمیل آرامگاه باباطاهر که سالها ناتمام و نیمه ویران مانده بود مشغول شد، اما مردم همدان با مشاهده آرامگاه عظیم ابن سینا احساس می کردند که آرامگاه باباطاهر درخور شأن و مقام عرفانی و علمی او نیست و نامه هایی که از جانب افراد، جمعیتها و ادارات دولتی به انجمن آثار ملی می رسید حاکی از آن بود که مردم همدان درخواست دارند که بنایی متناسب با مقام عارف نامی ایران بر فراز تربتش بنیاد گردد. در دیماه ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه. ش.) از فرمانداری همدان نامه یی بدین مضمون به شادروان حسین علا وزیر دربار شاهنشاهی نوشته شد: «علاقه مندان به معنی

باباطاهر عریان) کلمه ۳۵۲ چنین است:

من احياء الموت دامت حيوته وهوميت، ومن اماته الحيوه دام موته و هوحي

و سالکان طریق ذات یکتا و پیروان مردان خدا، بویژه مریدانی که به مقام شامخ باباطاهر عریان همدانی معرفت و آشنایی دارند سالهاست آرزو مندند که برای این مرشد عالیقدر طریقت و سالک راه حقیقت و مظهر تقوی و فضیلت آرامگاهی مناسب با مقام عظیم و خوی سلیم و دانش خدادادی این حکیم چنانکه درخور روان پاک او باشد بنا شود. مکرر مشاهده شده است که زایران با وفا و مریدان با صفای او با مشاهده وضع مزارش متأسف و متأثر شده اند. اکنون عده‌یی با ایمان از محترمین شهر همدان که به بابای عریان ارادت کامل دارند فراهم آمده و افرادی ذی‌علاقه از بین خود برگزیده‌اند تا با همت و کمک کسانی که بابا را رادمرد بزرگ عالم عرفان می‌شناسند و بزرگداشت رادمردان را خدمت به خالق و خلق می‌شمارند این منظور را جامه عمل پوشانند و خاطر مردم حقیقت‌خواه را خرسند سازند...». آقای محمد فرهمندفرماندار رئیس انجمن آثار ملی همدان در دنبال مطالب مذکور از جناب علادرخواست مساعدت و یاری کرده بود. این نامه از وزارت دربار به انجمن آثار ملی فرستاده شد و روز دوازدهم بهمن‌ماه در جلسه هیأت مؤسسين مطرح گردید و آقای دکتر صدیق پیشنهاد کردند که چون جریان امر مربوط به آثار ملی است از طرف انجمن آثار ملی تا آنجا که میسر باشد مساعدت و همکاری لازم معمول گردد.

در اسفندماه همین سال اداره فرهنگ همدان نیز طی نامه‌ای به انجمن آثار ملی نوشت: «همانطور که استحضار دارند اغلب مستشرقان و جهانگردان و رجال داخلی و خارجی که برای بازدید آرامگاه فیلسوف شهیر ابوعلی سینا و سایر ابنیه تاریخی به همدان مسافرت می‌کنند، از آرامگاه عارف ربانی و شاعر عالیقدر باباطاهر عریان نیز بازدید می‌نمایند، و چون وضع فعلی آرامگاه بسیار نامطلوب است و بصورت مخروبه‌ای درآمده که واقعاً تأثرآور است، لذا جمعی از علاقه‌مندان و ارادتمندان باباطاهر تصمیم گرفته‌اند که با کمک و

مساعدت اشخاص خیر و دوستان شعرو ادب آرامگاهی که درخورشان آن عارف حق باشد بناگردد...» آقای حسین بطحائی رئیس فرهنگ همدان در پایان نامه از انجمن آثار ملی درخواست کرده بود که در اجرای این امرخیر اقدام لازم بعمل آورند.

در شهریورماه ۲۵۲۴ (۱۳۴۴ ه.ش.) نیابت تولیت بنیاد پهلوی نیز در این زمینه نامه‌ای به انجمن نوشته بودند و در پاسخ آن از طرف انجمن نوشته شد که: «انجمن آثار ملی اخیراً با صرف هزینه سنگینی آرامگاه بوعلی سینا را در شهر همدان ساخته است و علاوه بر آن تعهدات سنگین مختلفی که در سایر موارد از قبیل تجدید بنای آرامگاه فردوسی و تعمیر ابنیه مهم تاریخی فارس و اصفهان و کمک به تعمیرات طاق کسری و غیره برعهده دارد تاکنون مانع تخصیص اعتباری برای تغییر وضع ساختمان آرامگاه باباطاهر بوده است، بدیهی است در اولین فرصت در این باره نیز اقدام لازم بعمل خواهد آمد...»

در تاریخ بیست و ششم دیماه همان سال از طرف انجمن به آقای مهندس فروغی نوشته شد که نقشه مناسبی در حدود آنچه برای آرامگاه صائب در اصفهان تهیه نموده‌اند برای ساختمان آرامگاه عارف ربانی باباطاهر همدانی نیز ترسیم و جهت رسیدگی به هیأت مؤسسين انجمن مرحمت فرمایند. در اسفندماه ۲۵۲۴ جناب آقای پهلبد وزیر فرهنگ و هنر به انجمن نوشتند که جمعی از اهالی و شهردار همدان درباره لزوم بهبود وضع آرامگاه باباطاهر نامه‌هایی نوشته‌اند و چون طبق نظر کارشناسان فنی این وزارت بنای آرامگاه فعلی جنبه باستانی و تاریخی ندارد و از دیرباز آن انجمن در احداث آرامگاه برای بزرگان تاریخ و ادب کشور پیشقدم بوده خواهشمند است دستور فرمایند نسبت به تجدید بنای مقبره آن عارف بزرگ و گوینده شهیر اقدام شایسته‌ای که درخور آن شاعر عالیقدر و شهر باستانی همدان باشد معمول دارند.

در پاسخ این نامه نیز نوشته شد که: «از طرف انجمن از جناب آقای

مهندس فروغی استدعا شده است که همانطور که در مورد نقشه آرامگاه صائب اقدام نموده نقشه قابل ستایشی به شیوه معماری دوران زندگی او تهیه نمودند و به مرحله اجراء در آمد، نقشه مناسبی نیز جهت آرامگاه عارف ربانی باباطاهر ترسیم نمایند... نتیجه اقدامات بعدی را بتدریج باستحضار خواهد رسانید». در تاریخ پنجم تیرماه ۲۵۲۵ (۱۳۴۵ ه. ش.) صورت مجلس ذیل تسلیم انجمن آثار ملی گردید:

«سه قطعه نقشه یکی شامل وضع تپه و قطعه زمین مجاور آن که برای آرامگاه باباطاهر اختصاص یافته و یک قطعه که موقعیت و اندازه محل آرامگاه را نشان می دهد با یک قطعه نقشه نمای آرامگاه باباطاهر عریان که از هر گونه حشو و زایدی عاری است و با تبادل نظر آقایان مهندس فروغی و مهندس سیحون تهیه شده است به پیوست تقدیم می گردد و یادآور می شود که:

۱- بنای اصلی آرامگاه در مربعی به ابعاد ۱۰×۱۰ و از مجموعه ای از منشورها تشکیل گردیده که دارای مدخلهای ورود و منفذهای نور می باشد و با کلافهای بتونی داخل استحکام و دوام آن کاملاً تأمین گردیده است. پی سازی آن از سنگ و آهک و دارای عایق کاری است و استخوان بندی آن از آجر و کلاف کشی های بتونی در گردشهای منشورها خواهد بود. نما و فرش آن از سنگ و در داخل کتیبه هایی از کاشی پیش بینی شده است.

۲- محوطه بالای تپه علاوه بر آرامگاه شامل گلخانه و موتورخانه و منزل سرایدار می باشد. در کف و بدنه های تپه پله ها و جدولها و دست اندازها و چمن کاری و گل کاری منظور گردیده است.

۳- در قسمت محوطه پایین تپه که از طرف شهرداری به آرامگاه تفویض می گردد کتابخانه و حوضها و مجاری ارتباط تعبیه گردیده است که يك پله بالارونده از این قسمت به طرف تپه پیش بینی شده و چمنکاری و گل کاری در این قسمت در نظر گرفته شده است.

۴- برای مشروب نمودن این محوطه دوچاه نیمه عمیق با موتور و تلمبه پیش‌بینی گردیده است و با تعبیه تعداد کافی پایه‌های چراغ و نورافکن هاروشنائی بناها و محوطه تأمین می‌گردد.

در تاریخ سوم شهریورماه ۲۵۲۵ جلسه‌ای با حضور آقایان مهندس سیحون- بالاخانلو نماینده همدان درمجلس شورای ملی- حسین جودت و شهردار همدان در شهر همدان تشکیل و تصمیمات ذیل اتخاذ گردید:

۱- آقایان مهندس سیحون و حسین جودت به نمایندگی انجمن آثار ملی تعهد نمودند که بنای آرامگاه باباطاهر به هزینه انجمن آثار ملی طبق نقشه‌ای که به تصویب انجمن خواهد رسید بناگردد.

۲- آقای شهاب‌الدین مشکوتی شهردار همدان متقابلاً تعهد نمودند که به موازات عملیات انجمن آثار ملی، در احداث میدان و پیاده‌روها و باغچه‌بندی اطراف آرامگاه طبق نقشه مصوب به هزینه شهرداری اقدام نمایند.

۳- چون در بازدید محل آرامگاه مشاهده گردید که در آنجا به دفن اموات مبادرت می‌شود مقرر گردید که از این پس شهرداری از این عمل جلوگیری کند و نیز تصمیم گرفته شد که در اطراف میدان جدید فقط بناهای یک طبقه ساخته شود و از ساختمان مغازه و اماکن عمومی پیرامون میدان جلوگیری گردد. ضمناً دیوارهای اطراف باید با پروفیل نرده‌سازی شود که از هر لحاظ زیبایی میدان ملحوظ گردد.

در همین جلسه نیز تصمیم گرفته شد که:

الف- خیابان باباطاهر در قسمت غرب میدان با عرض ۲۴ متر بطرف جاده کرمانشاه ادامه داده شود (با امتداد خیابان تا دیوار باغچه قبلاً موافقت شده بود).

ب- در قسمت شمال از میدان باباطاهر خیابانی بطرف جاده کرمانشاه احداث گردد.

آغاز کار ساختمان

در تاریخ بیست و سوم خردادماه ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه.ش.) از طرف انجمن به فرمانداری کل همدان نوشته شد که: «... اینک که نقشه ساختمان آرامگاه باباطاهر از طرف آقای مهندس فروغی تهیه و به تصویب انجمن رسیده است. و اجرای آن بطور امانی به آقای جودت واگذار گردیده خواهشمند است مقرر فرمایند که بنای فعلی آرامگاه و محوطه آن را طبق صورت مجلس با حضور نمایندگان ادارات مربوط به نمایندگی انجمن آثار ملی تحویل بدهند. ضمناً دستور فرمایند که بموازات پیشرفت کار ساختمان آرامگاه اقدامات مربوط به احداث میدان و خیابانهای اطراف و چمنکاری و گل کاری های محوطه آرامگاه نیز انجام گردد.»

روز دوازدهم تیرماه از طرف شهرداری همدان به انجمن آثار ملی اطلاع داده شد که: ضمن اظهار تشکر و سپاس فراوان روز شنبه دهم تیرماه ساختمان آرامگاه باباطاهر به نمایندگی انجمن آثار ملی تحویل داده شد و با تشریفات لازم اولین کلنگ تجدید ساختمان آرامگاه به زمین زده شد و موجب کمال خرسندی اهالی همدان گردید.

قراردادها

در تاریخ بیست و چهارم مردادماه ۲۵۲۶ قرارداد ذیل بین انجمن آثار ملی و آقای مهندس فروغی منعقد گردید:

ماده اول- آقای مهندس فروغی متعهدند که نقشه های اجرایی و تفصیلی و همچنین محاسبات فنی مربوط به بنای آرامگاه باباطاهر را متناسب با برنامه پیشرفت کار تهیه کرده دو دوره از آن را مستقیماً به آقای حسین جودت تحویل دهند.

ماده دوم- آقای مهندس فروغی متعهدند که در مواقع لازم از کارهای ساختمانی آرامگاه باباطاهر مستقیماً و یا بوسیله مهندس نماینده خود بازدید لازم بعمل آورند و گزارش پیشرفت کارها را به انجمن بدهند.

ماده سوم- آقای مهندس فروغی به صورت حسابهای مخارج آرامگاه که از طرف آقای حسین جودت تسلیم می شود رسیدگی کرده پرداختهای آقای جودت را گواهی خواهند کرد.

ماده چهارم- انجمن آثار ملی ایران معادل پنج درصد مخارج کلی آرامگاه مذکور را بعنوان حق تهیه نقشه و نظارت به آقای مهندس فروغی خواهد پرداخت و این حق العمل مناسب با پیشرفت عملیات پرداخت می شود.

بین انجمن آثار ملی و آقای حسین جودت نیز قراردادی بشرح ذیل منعقد گردید:

بمنظور اجرای ساختمان آرامگاه باباطاهر در همدان بطور امانی، مواد زیر بین انجمن آثار ملی و آقای حسین جودت امضاء و مبادله می شود:

ماده اول- آقای جودت متعهد می شود که ساختمان آرامگاه باباطاهر را در همدان طبق نقشه و دستور آقای مهندس فروغی و مشخصاتی که از طرف ایشان تعیین می شود با رعایت اصول عالی فن اجرا نماید.

ماده دوم- کلیه مخارج مربوط به اجرای کار آرامگاه باباطاهر از هر حیث (بهای مصالح- دستمزد- کرایه حمل مصالح- کرایه ماشین آلات مورد احتیاج جهت اجرای کار و مخارج متفرقه مربوط به کارگاه) به حساب انجمن آثار ملی ایران محسوب و منظور می شود.

ماده سوم- معادل بیست درصد روی کلیه مخارج مذکور در ماده دوم بابت اداره اجرای کار به آقای حسین جودت پرداخت خواهد شد. بدیهی است که حقوق مهندس ناظر مقیم و همچنین مخارج پرسنلی دفتری و هزینه های مربوط به ایاب و ذهاب مهندسین جهت بازدید کارها بعد از آقای جودت خواهد بود.

ماده چهارم- پس از امضاء قرارداد به میزان پانصد هزار ریال، بنا به تقاضای آقای حسین جودت و موافقت آقای مهندس فروغی بعنوان تنخواه گردان داده می شود که در صورت وضعیت نهایی واریز و تصفیه خواهد شد. ماده پنجم- در آخر هر ماه از کلیه مخارج انجام شده صورت وضعیت تنظیم و بضمیمه اسناد مربوط برای آقای مهندس فروغی ارسال می شود که پس از رسیدگی و گواهی ایشان قابل پرداخت خواهد بود.

اعانات

از طرف شهرداری همدان به انجمن اطلاع داده شد که مبلغ ۱۳۵۶۵۶ ریال برای بنای آرامگاه باباطاهر قبلاً اعانه جمع آوری شده است و انجمن در تاریخ سیزدهم آذرماه ۲۵۲۶ به شهرداری همدان نوشت که انجمن آثار ملی ایران صلاح در این می بیند که این وجه پس از خاتمه کارهای ساختمان بمصرف حوائج ضروری و نگهداری آن اختصاص داده شود...

چگونگی بنا

در باره آرامگاه جدید باباطاهر نوشته اند^۱ که: «آرامگاه جدید باباطاهر از شاهکارهای ممتاز و ساختمانهای بدیع عصر جدید است که طرح اصلی آن از معماریهای قرن هفتم و هشتم هجری گرفته شده و آمیختگی خاصی بامعماری سبک جدید و اسلوب تزئینی نوین امروزی پیدا نموده که از هر حیث جالب توجه همگان و مورد پسند خاطر خرد و کلان واقع گردیده است.

ارتفاع برج آرامگاه که بر قاعده هشت ضلعی قرار گرفته از سطح فوقانی تپه ۲۰/۳۵ متر و از کف خیابان ۲۵/۳۵ متر می باشد. ستونهای هشتگانه برج

۱ شرح احوال و آثار و دوبیتیهای باباطاهر عریان ، ص ۶۹ .



آرامگاه جدید باباطاهر

آرامگاه و قطعه سنگ روی مزار و پوشش کف مقبره و همچنین پله‌ها و فرش اطراف برج آرامگاه از سنگ گرانیت حجاری شده‌ی عالی تعبیه گشته و جهت نمای قسمتهای خارجی ساختمان از سنگ سفید مرغوب استفاده گردیده است. در سقف محوطه داخلی آرامگاه کاشیکاریهای معرق و معقل کاریهای بسیار ظریفی بکاررفته که جلوه خاصی به قسمت داخلی مزار داده است...».

کتیبه‌ها

در مقابل در ورودی آرامگاه در قسمت پایین بدنه داخلی سنگی مرمریت نصب و بر آن نوشته شده است:

بنام پروردگار بخشنده مهربان

در دوران شهریاری اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر آرامگاه عارف ربانی و حکیم صمدانی طاهر همدانی مشهور بباباطاهر عریان که از اختران تابناک ادب و عرفان ایران در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری بوده است بر فراز تپه اصلی جایگاه همیشگی آن در جانب شمال شهر باستانی همدان از نو ساخته و پرداخته شد. از سال تولد عارف بزرگوار اطلاع موثقی در دست نیست و درگذشت او در حدود سال ۴۵۰ هجری قمری (۴۳۷ شمسی = ۱۰۵۸ میلادی) اتفاق افتاده است. در قرن ششم هجری برج آجری هشت ضلعی بر آرامگاه اوساخته شد که باگذشت روزگار بویرانی گرائید و در واپسین سالهای سلطنت اعلیحضرت همایون رضاشاه کبیر بنای آجری ساده دیگری باگنبد آجری از طرف شهرداری همدان بجای برج پیشین احداث گردید و در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ شمسی (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۰ قمری) هم بوسیله شهرداری همدان اصلاحات و تغییراتی در آن انجام پذیرفت لکن به گونه ای نبود که خاطر دلبستگان مقام معنوی بابا را پسند افتد ولذا بفرمان مطاع مبارک شاهانه بسال ۱۳۴۶ خورشیدی (۱۳۸۶ قمری = ۱۹۶۷ میلادی) ساختمان آرامگاه حکیم بصورت کنونی از طرف انجمن آثار ملی آغاز شد و در تابستان ۱۳۴۹ خورشیدی (۱۳۹۰ قمری = ۱۹۷۰ میلادی) ساختمان پایان پذیرفت.

استاد جلال همائی قطعه زیر را جهت ماده تاریخ بنای آرامگاه سروده‌اند:

آنکه شد این روضه‌اش آرامگاه پیر اهل عشق باباطاهر است
چشم باطن را در این قدسی مقام جلوه نور حقیقت ظاهر است
سال اتمام بنا جستم، سنا گفت: مست جام معنی طاهر است
امید است فرزندان فرزانه مرزوبوم ایران پیش از پیش شایستگی درک
عوالم عرفانی بابا و آشنائی با گفته‌ها و سروده‌های آن حکیم وارسته را داشته‌در
بزرگداشت مقام و پاس منزلت والای او و نیکو داشت آرامگاه و رعایت حرمت
تربت وی توفیق روزافزون بدست آورند.

بیست و چهار دو بیتی - بیست و چهار دو بیتی از دوبیتیهای باباطاهر بوسیله
جناب آقای علی اصغر حکمت انتخاب شده و بر روی ۲۴ قطعه سنگ مرمریت
نوشته و در قسمت پایین اطراف محوطه داخلی جایگاه نصب شده است.
دوبیتیهای مذکور چنین است:

۱

چو من يك سوته دل پروانه‌ای نه بعالم همچو من دیوانه‌ای نه
همه ماران و موران لانه دارند من دیوانه را ویرانه‌ای نه

۲

موکه سر در بیابونم شو و روز سرشك از دیده بارونم شو و روز
نه تب دارم نه جایم میکنند درد همیدونم که نالونم شو و روز

۳

دلت ای سنگدل برما نسوجه عجب نبود اگر خارا نسوجه
بسوجم تا بسوجونم دلت را در آتش چوب‌تر تنها نسوجه

۴

من آن اسپید بازم همدانی که لانه دارم اندر که نهانی
بیال خود پرم کوهان بکوهان بچنگ خود کنم نخجیر بانی

۵

خداوندا بفریاد دلم رس کس بیکس توئی من مانده بیکس

- همه گویند طاهر کس نداره
خدا یار منه چه حاجت کس
- ۶ مکن کاری که برپا سنگت آید
جهان با این فراخی تنگت آید
چو فردا نامه خوانان نامه خوانند
تو را از نامه خواندن تنگت آید
- ۷ ز دست دیده و دل هر دو فریاد
که هرچه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز پولاد
زنم بر دیده تا دل گردد آزاد
- ۸ مدام دل بر آتش دیده تری
بیویت زندگی یابم پس از مرگ
خم عیشم پر از خون جگر بی
ترا گر بر سر خاکم گذر بی
- ۹ بصحرا بنگرم صحرا تو بینم
بهرجا بنگرم کوه و درودشت
بدریا بنگرم دریا تو بینم
نشان از قامت رعنا تو بینم
- ۱۰ دلم از درد تو دائم غمین
همی جرمم که موته دوست دیرم
بسالین خشتم و بستر زمینه
نه هرکت دوست دیرد حالش اینه
- ۱۱ دلم از عشق خوبان گیج و ویجه
دل عاشق مثال چوب تری
مژه برهم زنم خونابه ریجه
سری سوجه سری خونابه ریجه
- ۱۲ من آن آزرده بیخانمانم
من آن سرگشته خارم دریابان
من آن محنت نصیب سخت جانم
که هربادی وزد پیشش دوانم
- ۱۳ مو آن بحر م که در ظرف آمدستم
چو نقطه بر سر حرف آمدستم

- بهرالقی الف قدی برآید
 الف قدم که در الف آمدستم
 ۱۴
- جره بازی بدم رفتم به نخجیر
 سیه چشمی زده بر بال مو تیر
 بوره غافل معجز در چشمه ساران
 هر آن غافل چره غافل خوره تیر
 ۱۵
- دو زلفونت بود تار ربایم
 چه میخواستی از این حال خرابم
 تو که با ما سر یاری نداری
 چرا هر نیمه شو آئی بخوابم
 ۱۶
- مو آن رندم که نامم بی قلندر
 چو روز آید بگردم گرد کویت
 نه خان دارم نه مون دارم نه لنگر
 جو شو آید بختون وانهم سر
 ۱۷
- دلی دیرم چو مرغ پر شکسته
 همه گویند طاهر تار بنواز
 چو کشی بر لب دریا نشسته
 صدا چون میدهد تار شکسته
 ۱۸
- بکشت خاطر م جز غم نروییو
 بصرای دل بی حاصل مو
 بیایم جز گل ماتم نروییو
 گیاه ناامیدی هم نروییو
 ۱۹
- بهار آئی بهر شاخی گلی بی
 بهر مرزی نیارم پا نهادن
 بهر باغی هزاران بلبل بی
 مباد از مو بتر سوته دلی بی
 ۲۰
- یکی برزیگری نالان در این دشت
 همی کشت وهمی گفت ای دریغا
 به چشم خون فشان آلاله میکشت
 که باید کشتن و هشتن در این دشت
 ۲۱
- اگر دل دلبر دلبر کدومه
 دل و دلبر بهم آمیته وینم
 اگر دلبر دله دل را چه نومه
 ندونم دل که و دلبر کدومه

۲۲

اگر مستان مستیم از تو ایمن
اگر گرییم و ترسا و مسلمان
اگر بی پا و دستیم از تو ایمن
بهر ملت که هستیم از تو ایمن

۲۳

تو که ناخوانده ای علم سماوات
تو که سود و زیان خود ندانی
تو که ناپرده ای ره در خرابات
بیاران کی رسی هیهات هیهات

۲۴

چه خوش بی مهربونی هردوسری
اگر مجنون دل شوریده ای داشت
که یکسر مهربونی در دسر بی
دل لیلی از او شوریده تر بی

* * *

لوحه ها: دولوحه برنجی در محوطه داخلی آرامگاه نصب است که بر یکی اسامی هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی هنگام ساختمان آرامگاه و نام طراح و اجرا کنندگان و نویسنده خطوط کتیبه ها و بردگیری نام برخی از شخصیتها که در کنار مزار باباطاهر مدفونند نوشته شده است.

لوحه اول

اسامی هیأت مؤسسين

هنگام ساختمان آرامگاه عارف ربانی باباطاهر عریان هیئت مؤسسين انجمن آثار ملی علاوه بر جناب آقای پهلبد وزیر محترم فرهنگ و هنر مرکب از این اشخاص بوده اند:

شادروان سید حسن تقی زاده

جنابان آقایان مهندس جعفر شریف امامی - علی اصغر حکمت - دکتر عیسی صدیق - دکتر صادق رضا زاده شفق

تیمساران سپهبد امان الله جهانبانی - سپهبد فرج الله آقاولی - سرلشکر محمد حسین فیروز -

جنابان آقایان دکتر غلامحسین صدیقی - دکتر محمود مهران - حسن نبوی - مهندس محسن فروغی - مهندس منوچهر سالور - سید محمد تقی مصطفوی.

طرح و نقشه بنا از: جناب آقای مهندس محسن فروغی
اجرا کنندگان: آقایان حسین جودت- مهندس گودرز جودت
نویسنده خطوط کتیبه‌ها: حسن زرین خط

لوحه دوم

نام برخی از شخصیت‌ها که در کنار مزار باباطاهر بخاک سپرده شده‌اند

۱- محمد بن عبدالعزیز کنیه‌اش ابوالوفا از ادبای نامی قرن سوم هجری است که ابوتمام طائی حماسه معروف خود را در خانه او تألیف نموده و از کتابخانه وی بهره‌مند گشته است (لوح کاشی مزار او که متعلق به قرن هفتم هجری می‌باشد در موزه ایران باستان نگاهداری می‌شود).

۲- ابوالفتح اسعد ملقب به مجدالدین در فقه مقامی بلند و در شهر غزنه شهرتی بکمال یافت و برای دوبار بسمت مدرسی در نظامیه بغداد مشغول گردید تا اینکه برسولی همدان گسیل گردید و بسال ۵۲۷ هجری در آنجا درگذشت.

۳- حاجی میرزا علی نقی کوثر از دانشمندان قرن سیزدهم هجری می‌باشد که در عرفان مقامی ارجمند و در طب احاطه کامل داشت.

۴- چندتن از معاریف نیمه قرن (۱۴) هجری سید تقی معروف به قلندر از عرفا، وسید صفا و مفتون کبریا از ادباء و شیخ محبعلی قره‌گزلو از خدمتگزاران فرهنگ و سرهنگ سلیمان محتشم کرمانشاهی رئیس شهربانی همدان و سرهنگ محسن قویمی در اینجا بخاک سپرده شده‌اند.

* * *

ساختمان آرامگاه در سال ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه. ش.) پایان یافت. مساحت کل زیربنا و باغ آرامگاه ۸۹۶۵ متر مربع و ارتفاع برج آرامگاه از سطح فوقانی تپه ۲۰/۳۵ متر و از کف خیابان ۲۵/۳۵ متر می‌باشد. مجموع مخارج ساختمان آرامگاه بموجب گزارشهای سالیانه انجمن ۲۲/۴۷۲/۷۴۸ ریال بوده است.



نمای برج آرامگاه جدید باباطاهر

میدان باباطاهر

در مقابل آرامگاه باباطاهر میدان وسیعی است که بوسیله شهرداری همدان احداث گردیده و انجمن آثار ملی در تهیه نقشه‌های میدان و بولوار باباطاهر با شهرداری همدان همکاری داشته است. در آذرماه سال ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه.ش.) از طرف شهرداری همدان به انجمن آثار ملی نوشتند که: «... شهرداری همدان سعی دارد که میدان و بولوار باباطاهر را جهت برگزاری جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی آماده نماید بدینجهت متمنی است ترتیبی اتخاذ

گردد که نقشه‌های آن تا اسفندماه سال جاری آماده و تحویل شهرداری گردد...»
انجمن آثار ملی از آقای مهندس محسن فروغی درخواست کرد که نقشه‌های
مذکور را آماده نمایند و در تاریخ شانزدهم آذرماه ۲۵۲۹ قرارداد ذیل بین
انجمن آثار ملی و آقای مهندس فروغی منعقد گردید:

قرارداد: بین انجمن آثار ملی ایران از یک طرف و جناب آقای مهندس
محسن فروغی از طرف دیگر قرارداد زیر برای تهیه طرح و نقشه‌های عمومی
و اجرائی میدان باباطاهر منعقد می‌شود:

۱- جناب آقای مهندس فروغی متعهد می‌شوند که طرح عمومی و
نقشه‌های تفصیلی و اجرائی «میدان باباطاهر» را با توجه به نیازمندیهای میدان
مذکور تهیه کرده توسط انجمن آثار ملی ایران برای اجرای کار به شهرداری
همدان تسلیم فرمایند.

۲- مساحت تقریبی میدان مذکور با توجه به مشخصاتی که در نقشه عمومی
شهر همدان در نظر گرفته شده است جمعاً بالغ بر ۱۰۹۵۰۰ متر مربع است که
در طرح مهندسین مشاور منظور می‌باشد. در میدان مذکور محل بناهای گلخانه،
کتابخانه، استخر، رستوران، زمین‌های بازی کودکان و سایبانها و ساختمان-
های نگهبانان و دفتر اداری میدان پیش‌بینی خواهد شد. احداث معابر و گلکاری
و چمنکاری و شبکه آب و برق نیز مورد نظر قرار خواهد گرفت.

۳- بمنظور تهیه نقشه‌ها و طرحهای لازم برای میدان مذکور جناب آقای
مهندس فروغی چندتن از مهندسین و تکنیسین‌ها را بکار خواهند گماشت و
لوازم کار آنان را از هر حیث فراهم خواهند فرمود که طبق برنامه مشغول تهیه
نقشه‌ها بشوند.

۴- مدت اجرای کار هجده ماه از تاریخ امضاء این قرارداد خواهد بود.

۵- برآورد هزینه تهیه نقشه‌های موضوع قرارداد برای هر متر مربع ۲۰
ریال در نظر گرفته شده است که برای کل مساحت میدان که بالغ بر ۱۰۹۵۰۰

متر مربع است جمعاً بالغ بر ۲/۱۹۰/۰۰۰ ریال می شود که بطور مقطوع به آقای مهندس فروغی پرداخت خواهد شد...

۶- چون مبلغ مذکور در این قرارداد بطور مقطوع به جناب آقای مهندس فروغی پرداخت می شود بنابراین کایه هزینه های مربوط به تهیه این نقشه ها اعم از دستمزد مهندسان و تکنیسین ها و کرایه محل دفتر و نیز اسباب و لوازم کار از هر حیث بعهده جناب آقای مهندس فروغی خواهد بود.



آرامگاه باها طاهر در همدان که به سال ۲۵۲۹ (۱۳۲۹ ه.ش.) به وسیله
انجمن آثار ملی ساخته شده است

تجدید بنامی آرامگاه فردوسی

پس از سی سال

چنانکه پیش از این شرح دادیم^۱، بمناسبت هزارمین سال ولادت حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی در سال ۲۴۹۳ (۱۳۱۳ ه. ش.) آرامگاه او ساخته و پرداخته گردید اما «... با وجود تمام زحماتی که در ساختن آرامگاه کشیده شد بر اثر آشنا نبودن سازندگان به فنون آزمایش خاک و محاسبه سنگینی آن بنای عظیم با هجده متر ارتفاع و عدم اطلاع از آبهای زیرزمینی ناحیه طوس، ناستواری بنا از همان سالهای اول ظاهر گشت و باینکه در ظرف سی سال چندبار به کانال سازی وزه کشی مبادرت شد و قسمت فوقانی بنا از زوائد تخلیه گردید باز نشست ساختمان ادامه یافت»^۲.

در تاریخ هفتم اردیبهشت ماه ۲۵۰۷ (۱۳۲۷ ه. ش.) آقای بدرنایب التولیه آستان قدس در ضمن نامه‌ای که به شادروان صادق رئیس هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی نوشت یادآور شد که برای تعمیر آرامگاه فردوسی و ترمیم خرابیهای آن و دیگر اقداماتی که برای حفظ آثار پرارج ملی در خراسان لازم است، شعبه انجمن آثار ملی خراسان تشکیل گردید و این افراد برای عضویت آن برگزیده شدند: آقایان فقیه سبزواری از روحانیان خراسان - طاهری متولی مسجد گوهرشاد - اوکتائی رئیس کتابخانه آستان قدس - فرخ - شیخ محمود حلبی - گلکانی - سرتیپ مهین فرمانده لشکر خاور - مسعودی نماینده سابق مجلس - گلشن آزادی - حسن کفائی - مولوی - موسویان - فیوضات رئیس

۱- همین کتاب، ص ۲۴ تا ۳۵.

۲- مقاله آقای دکتر صدیق برای جشنواره طوس.

فرهنگ خراسان- نایب التولیه آستان قدس. نفر پانزدهم بعدتعیین خواهد شد. اعضا هیأت مدیره انجمن روز دوشنبه ۳۰ فروردین به این شرح انتخاب شدند:

- ۱- بدر نایب التولیه آستان قدس رضوی، رئیس انجمن آثار ملی خراسان
- ۲- فیوضات رئیس فرهنگ خراسان، نایب رئیس
- ۳- موسویان رئیس اطاق بازرگانی، خزانه دار
- ۴- مولوی، رئیس دبیرخانه

پس از آن یادآور شده است که تاکنون مبلغ پانصد و پنجاه هزار ریال اعتبار برای تعمیرات آرامگاه فردوسی به شرح ذیل تصویب و پرداخته شده است:

۱- در سال ۱۳۲۴ مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال

۲- در سال ۱۳۲۵ « ۱۰۰.۰۰۰

۳- در سال ۱۳۲۶ « ۷۵۰۰۰

۴- اخیراً رسیده است مبلغ ۷۵۰۰۰ «

و کارهایی که از این اعتبارات انجام شده از اینقرار است:

انجام چوب بست دور آرامگاه- برداشتن مرتبه اول و دوم روی بنا تا روی گنبد آجری داخل بقعه بعثت شکست آنها- تجدید ساختمان هردو مرتبه بر اسلوب اولیه و سبک نمودن بنا (توضیح آنکه داخل هر دو مرتبه را قبلاً پر کرده بودند)- تعمیر اساسی استخر آرامگاه- تعمیر بست نشین بالای ازاره اول بنا. و افزوده است که تعمیرات آرامگاه ادامه دارد.

این اقدامات و اقدامات دیگری که برای حفظ بنای آرامگاه بعمل می آمد بی ثمر بود و بسبب نشست مداوم آن، در داخل کاشیها می شکست و فرو می ریخت و در خارج بین سنگهای بنا شکافهایی بوجود می آمد. تا آنجا که در تاریخ پانزدهم تیرماه ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش.) تیمسار سپهبد امیر عزیزی

استاندار خراسان به انجمن آثار ملی نوشت که در ظرف ده ماهی که اینجانب در مشهد هستم مسافرتین و زائرانی که از آرامگاه فردوسی بازدید کرده اند مکرر حضوری یا تلفنی و یا کتبی وضع بسیار زننده آن را یادآور شده اند... بهتر است دستور داده شود که تا هنگامی که در بنا تعمیرات اساسی نشده است از ورود مسافران و بازدید کنندگان به آرامگاه جلوگیری شود...

در هجدهم آذرماه ۲۵۲۲ اداره کل باستانشناسی نیز نامه ای در همین باره به انجمن آثار ملی نوشت و از طرف انجمن طی نامه ای به آن اداره اطلاع داده شد که انجمن آثار ملی با صرف هزینه هایی که برای تعمیرات ظاهری بنای آرامگاه فردوسی شده و می شود موافق نیست زیرا طبق نظر مهندسانی که کراراً از بنای آرامگاه مذکور بازدید کرده اند این بناپی محکم و اساسی ندارد و روی زمین سست غیر مقاوم بنا شده است و همه ساله قسمتی از آن نشست می کند و در نتیجه نماسازی آن هم چه از خارج و چه از داخل خراب می شود و خلاصه تا وقتی که برای تحکیم اساسی بنا فکری نشود مبالغی را که صرف آن می شود از بین رفته باید تلقی کرد. اکنون انجمن آثار ملی در این زمینه یعنی تصرف اساسی در بنا مشغول مطالعه می باشد و در نظر است که در زیر آن رادیه ژانرال با بتون آرمه تعبیه گردد و سنگینی و بار زیاد بنا هم گرفته شود و در عین حال نمای خارجی آرامگاه بهیچوجه تغییر نکند و بهمان وضع و هیأت که در جهان معرفی شده حفظ گردد.

در پاسخ نامه آقای معینان وزیر مشاور و سرپرست انتشارات و رادیو نیز که وضع نامطلوب آرامگاه را به انجمن یادآور شده بود در اسفندماه ۲۵۲۲ از طرف انجمن نوشته شد که بنای آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی بعلت عدم توجه عاملان و مهندسان وقت به وضع زمین و همچنین عجله در اجرای آن بمناسبت جشن هزاره فردوسی آنطور که باید با رعایت اصول صحیح معماری اجرا نگردیده و در نتیجه از چند سال قبل بر اثر نشست، شکستگی زیاد در آن

روی داده و روز به روز هم بیشتر رو به خرابی می‌رود.

بر اثر بررسیهای مکرری که انجمن آثار ملی توسط هیأت‌های فنی بعمل آورده معتقد است که تحمل هرگونه هزینه‌ای برای رفع معایب ظاهری این بنا بی‌نتیجه خواهد بود و باید جهت تجدید بنا که در عین حال نمای خارجی آن به طرز فعلی حفظ شود اقدام اساسی بعمل آید، از این رو بطور کلی مراتب بعرض اعلیحضرت همایون شاهنشاه رسیده است و این اقدام اساسی را برای آرامگاه حکیم فردوسی تأیید و تأکید فرموده‌اند. در حال حاضر با تصویب هیأت مؤسسين انجمن، نقشه تجدید بنا بوسیله مهندسان تهیه شده و بزودی با توضیحات لازم بعرض شاهنشاه خواهد رسید و بمحض تصویب اقدام لازم از طرف انجمن بعمل خواهد آمد.

در گزارشی که در سال ۲۵۲۳ از طرف انجمن آثار ملی درباره فعالیت‌های انجمن در مرحله دوم تشکیل آن تهیه شده درباره تجدید بنای آرامگاه فردوسی آمده است که: «امر خطیر و مهمی که انجمن آثار ملی در پیش دارد اقدام به تجدید ساختمان آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی است... از آغاز سال ۱۳۴۳ بوسیله مهندسان مطلع و صلاحیتدار نسبت به طرح تجدید ساختمان بنا بررسی دقیق و کامل بعمل آمد تا هیأت خارجی و وضع بیرون بنا و حجم و منظر آن با همان سنگها و نوشته‌ها و ستونها عیناً محفوظ بماند و داخل آن بجای اطاق کوچک تاریک و مرطوب کنونی با کاشیهای لعاب ریخته و شکافهای موجود و معایب دیگر، فضایی وسیع با استفاده از قسمتهای انباشته زیر سکوها گرداگرد بنا ترتیب داده شود و از نمونه‌های تزیینات معماری عهد غزنوی یعنی دوران زندگی حکیم و سراینده عالیقدر ایران که بسیار کمیاب و شایسته اهمیت و توجه مخصوص است در تزیین داخل بنا استفاده شود و صحنه‌هایی از داستانهای ملی و پهلوانی شاهنامه بر دیوارهای داخل آرامگاه تعبیه گردد و خلاصه در عین حفظ وضع خارجی بنا، داخل آن شکوهی درخور

مقام حکیم ابوالقاسم فردوسی و عظمت و فرهنگ و هنر کشور کهنسال ایران و پیشرفت دانش و توجه امروزه کشور به مفاخر ملی خود بیابد.

برای این منظور انجمن آثار ملی از طرفی نقشه‌های اجرایی دقیق بنای جدید را تهیه نمود و از طرف دیگر موضوع را با استانداری و انجمن آثار ملی خراسان در میان نهاد و چون اجرای امر به شرح مذکور تنها چاره کار دانسته شد، انجمن برای فراهم ساختن اعتبار در سالهای ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ تاحد امکان از قبول هر گونه تعهد و هزینه جز در موارد بسیار لازم خودداری نمود و در نتیجه توانست تا پایان سال ۱۳۴۳ نزدیک به بیست میلیون ریال موجودی داشته باشد تا کار تجدید ساختمان آرامگاه سریعتر انجام یابد و به تناسب پیشرفت کار تا پایان آن که حدود دو سال طول خواهد کشید از اعتبارات عادی و معمولی خود استفاده کند و نیازی به تأمین اعتبار مخصوص در بودجه کل کشور نباشد.

آقایان مهندس سیحون و حسین جودت در تاریخ هفدهم آذرماه ۲۵۲۲ به انجمن نوشتند که بر حسب دستور انجمن به اتفاق آقای مهندس نکو مهندس شرکت کا.ژ.ت از بنای آرامگاه فردوسی بازدید بعمل آوردیم، برای تجدید بنای آرامگاه باید اولاً پیش از خراب کردن نقشه‌های دقیق و عکسهای روشن از آن برداشته شود تا پس از تجدید بنانمای خارجی آن با وضع فعلی تفاوت نکند. ثانیاً زیر بنای آرامگاه وزیر صفت آن به ابعاد 30×30 متر خالی گردد. ثالثاً در سراسر قسمت زیرین بنا رادیه ژنرال از بتون آرمه تعبیه گردد که بعدها حتی در حوادث احتمالی از قبیل زلزله و غیره نیز بنا نشست نکند و شکست نیابد. رابعاً قسمت داخل گنبد آرامگاه بکلی خالی شود، آنگاه از داخل ارتفاعی در حدود ۱۴ متر خواهد داشت که سقف و بدنه آن کاشیکاری خواهد شد....

در تاریخ بیست و ششم فروردین ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) از طرف انجمن آثار ملی به ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی چنین نوشته شد:

«در سال ۱۳۴۳ بیشتر هم انجمن صرف تجدید ساختمان آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی می گردد، زیرا بنای عظیم مزبور بر اثر سستی بنیاد در معرض آسیب دائم و خطرات روز افزون قرار گرفته و تلاشها و کوششها و هزینه های چندین ساله برای تعمیر و نگهداری آن مفید نیفتاده است.

انجمن آثار ملی امیدوار است از محل موجودی و اعتبارات سال جاری خود این خدمت خطیر را بنحو دقیق و اساسی به مرحله اجرا درآورده در ظرف دو یا حداکثر سه سال آنرا بیابان برساند و بدین ترتیب آرامگاه حکیم سخن سرای عالیقدر و زنده کننده تاریخ و افتخارات ایران عزیز با حفظ صورت و هیأت کنونی به وضعی تجدید گردد که کلیه سنگها و نوشته ها و نماسازی آن در جای خود قرار گرفته محفوظ بماند و در عین حال بجای قسمتهای انباشته زیر سکوه های اطراف بنا بر فضای داخل آرامگاه افزوده شده محوطه وسیعی اطراف مدفن حکیم ایجاد گردد و اجمالاً در مقابل نگارانیهای موجود و مداوم و ریختن کاشیها و ایجاد شکاف در بنا و رطوبت دائم و سایر لطمات روز-افزون که خطر انهدام قطعی بنا را در بردارد، آنچه شایسته مقام ارجمند حکیم ابوالقاسم فردوسی و درخوردوران کنونی و تاریخ و فرهنگ ایران است بوجود آید و به پشتیبانی الطاف خداوندی و عنایات شاهانه در راه بزرگداشت مفاخر ایران و در تعقیب آنچه تا به حال انجام یافته است وضع آرامگاه حکیم هم بدانگونه که لایق است در آید.

در پاسخ این نامه در تاریخ هشتم اردیبهشت ماه ۲۵۲۳ از دفتر مخصوص شاهنشاهی به انجمن نوشته شد که پیشنهاد تجدید بنای آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی از لحاظ مبارک ملوکانه گذشت و مورد تصویب واقع گردید.

تجدید بنای آرامگاه

در تاریخ بیست و پنجم خرداد ماه ۲۵۲۳ بین انجمن آثار ملی و آقای مهندس هوشنگ سیحون برای تجدید بنای آرامگاه فردوسی قراردادی منعقد گردید که برخی از مواد آن چنین بود:

ماده ۱- آقای مهندس هوشنگ سیحون متعهد می شوند که نقشه های مقدماتی و همچنین نقشه های قطعی و تفصیلی و اجرایی بنای آرامگاه فردوسی واقع در خراسان و بناهای تابعه آنرا طبق برنامه ای که بین طرفین با توجه به پیشرفت عملیات تنظیم می شود و مورد توافق قرار می گیرد تهیه کرده در سر رسید های مقرر در برنامه مستقیماً به انجمن و یا با اجازه انجمن به مقاطعه کار تسلیم نماید.

ماده ۲- آقای مهندس هوشنگ سیحون متعهدند که فهرست جامعی از مقادیر قطعی کار و مشخصات بنا و همچنین بر آوردی از هزینه کارها برای مقایسه با پیشنهادها تهیه کرده با نقشه های قطعی کارها ظرف مدت چهار هفته از تاریخ امضاء این قرارداد تسلیم انجمن نمایند.

ماده ۳- چون بنای شکست خورده فعلی باید خراب گردد و سنگهای نمای آن بدقت جمع آوری شود تا مجدداً در بنای جدید بکار رود بنابراین نظارت تخریب آن بعهده آقای مهندس سیحون خواهد بود که دستور دهند قبل از تخریب سنگها نمره گذاری و بطور مرتب جمع آوری گردد و در محل های مناسبی چیده شود تا در موقع تجدید بنا به سهولت از آنها استفاده گردد.

ماده ۴- آقای مهندس هوشنگ سیحون علاوه بر تهیه نقشه ها و تعهداتی که در ماده ۱ و ۲ این قرارداد کرده اند مسئولیت نظارت اجرای کارهای آرامگاه را به نمایندگی از طرف انجمن قبول کرده بعهده می گیرند به این ترتیب که اولاً نماینده ای که سابقه کار در کارگاهها داشته باشد از طرف خود در کارگاه می گمارند که بطور دائم و تمام وقت در آنجا حضور داشته باشد و اجرای کارها را

طبق نظر و دستور ایشان در محل مراقبت و نظارت نماید و بعلاوه متعهد می‌شوند که لااقل در هر ماه يك بار شخصاً کارها را در محل بررسی نمایند و دستورهای لازم را بدهند و در هر ماه يك بار نیز از پیشرفت عملیات کتباً گزارشی به انجمن تسلیم نمایند. حقوق نماینده دائم کارگاه و همچنین هزینه ایاب و ذهاب نماینده مذکور و نیز هزینه ایاب و ذهاب آقای مهندس سیحون بعهده خود آقای مهندس خواهد بود.

ماده ۵- رسیدگی بصورت وضعیتهای موقت و گواهی پرداخت آنها و... بعهده آقای مهندس خواهد بود.

ماده ۶- انجمن آثار ملی در مقابل تعهداتی که آقای مهندس هوشنگ سیحون در مواد سابق الذکر نموده اند معادل پنج درصد هزینه کل کار را به ایشان پرداخت خواهد نمود.

مواد ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ قرارداد درباره نحوه پرداخت حق الزحمه مهندس و شرایط دیگر قرارداد است.

در تاریخ هفتم آذرماه ۲۵۲۳ برای چند شرکت ساختمانی معتبر دعوتنامه فرستاده شد تا در صورتی که داوطلب باشند در مناقصه شرکت نمایند و روز دوشنبه ۹/۳۰ ده نامه پیشنهادی که رسیده بود بازو قرائت شد و شرکت سهامی مقاطعه کاری و ساختمانی کا-ژ-ت در مبلغ مقطوع ۳۵۶۰۲۹۰۰ ریال برنده اعلام گردید و روز اول اسفندماه به اداره کل فرهنگ خراسان نوشته شد که باغ و محوطه آرامگاه را تحویل شرکت مقاطعه کار نمایند و بدین ترتیب کار تجدید بنای آرامگاه فردوسی از اواخر سال ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه.ش.) عملاً آغاز گردید.

برای تعیین مقاومت زمین آرامگاه از آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک سازمان برنامه خواسته شد تا خاک آن را آزمایش کند و با آزمایشهایی که بعمل آمد خصوصیات خاک و میزان مقاومت زمین آرامگاه معلوم گردید.

برای حفظ نمای اصلی و هیأت خارجی آرامگاه پس از برداشتن عکسهای لازم همه سنگها شماره گذاری و برچیده شد، آنگاه زیرزمینی به گودی پنج و طول و عرض سی متر ایجاد گشت و سراسر آن رادیه ژنرال بابتون آرمه تعبیه گردید و سکوی انباشته پیشین به تالاری با وسعت ۹۰۰ متر مربع تبدیل شد و در نتیجه این تدبیر، مساحت درونی آرامگاه جایگزین خاک و آوار سکوی انباشته سابق گردید. با اجرای این امر محوطه اتاق کوچک پیشین در همان ارتفاع سابق واقع گردید اما باتزیینات کاشیکاری مناسب همچون سقف زیرین گنبدی بر فراز تربت حکیم جلوه گر گشت.

دفن عظام رمیمه

در تاریخ بیست و نهم آبانماه ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه. ش.) از طرف انجمن آثار ملی به آقای بهادری نماینده انجمن در خراسان نوشته شد که: «بنابه گزارشهایی که به انجمن رسیده است مشغول نصب سنگ در اطراف قبر فردوسی می باشند بنابراین لازم است که عظام رمیمه فردوسی را که در صندوقی محفوظ و مضبوط می باشد به محل قبر انتقال دهید و با حضور نماینده استاندار خراسان ضمن انجام دادن مراسم مذهبی دفن نموده صورت مجلس مربوط را ارسال دارید.»

در آذرماه ۲۵۲۶ این صورت مجلس از طوس به انجمن آثار ملی فرستاده شد: «... در اجرای دستور انجمن محترم آثار ملی مبنی بر انتقال عظام رمیمه حکیم عالیقدر فردوسی و دفن در آرامگاه جدید، سه ساعت بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۴۶ با حضور آقایان ابوالفضل شاهرخی نماینده استاندار خراسان، حاج سید محمد واعظ خراسانی محدث و واعظ آستان قدس، محمد طاهر بهادری نماینده انجمن آثار ملی در خراسان، گیوجودت نماینده شرکت ساختمانی کا.ژ.ت، عظام رمیمه فردوسی که در سال ۱۳۳۴ بوسیله کمیسیون

مخصوص از مقبره سابق برداشته شده و تاکنون در صندوقی محفوظ و مضبوط بود با انجام تشریفات مذهبی در مقبره جدید (همان محل سابق) مدفون گردید...»

چگونگی بنا

چنانکه اشاره شد بنای کنونی آرامگاه از نظریات خارج و نمای اصلی عیناً با آنچه در بنای اولیه مشاهده می‌شد همانند است لیکن وضع درونی آن نسبت به بنای اولی اختلاف دارد و چنانکه اشاره شد اتاق کوچک سابق تبدیل به تالاری بوسعت ۹۰۰ مترمربع گردیده و شش قطعه نقوش برجسته سنگی منظمی صحنه‌هایی از داستانهای شاهنامه که بر دیوارهای دو طرف راهرو باریک ورودی اطاق سابق آرامگاه قرار داشت و همچنین دولوحه سنگ نبشته تاریخی که بر دیوارهای شمالی و جنوبی اطاق مذکور نصب بود بصورتی که مناسب بنظر می‌رسیده بر دیوارهای پلکان ورودی دو جانبه تالار آرامگاه کارگذاری شده است تا مورد ملاحظه بینندگان علاقه‌مند واقع گردد.

راه ورودی آرامگاه در مغرب بنا واقع است و با دو رشته پله یکی از شمال به جنوب و دیگری از جنوب به شمال به پائین می‌رود و در هر طرف ۲۲ پله از سنگ گرانیت مشهود است. بر دیوار پلکانهای ورودی شش نقش برجسته مشاهده می‌شود که نقوش دیوار پله شمالی عبارت است از:

۱- آمدن پادشاه هندوستان به دربار شاهنشاه ایران.

۲- نقش برجسته دوفرد از اسپهبدان در حضور شاهنشاه ساسانی.

۳- نقش برجسته داریوش بزرگ.

و نقوش دیوار پله جنوبی عبارت است از:

۱- پیکار رستم.



آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی پس از تجدید ساختمان که روز دهم اردی بهشت ماه ۲۵۲۷ شاهنشاهی آئین گشایش آن در پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر انجام گرفت.

۲- جنگ دلاوران ایران و توران.

۳- نقش برجسته رستم و سهراب.

بالای سردر ورودی با برنز به خط نستعلیق نوشته شده است:

جلوه عرش است این درگاه کلاه از سربنه

وادی طور است اینجا موزه از پایت بکن

مرقد استاد طوس است این، بخاکش جبهه‌سای

مدفن فردوسی است این برزمینش بوسه زن^۱

در ورودی آهنی است با شیشه و نمای برنز و درزیر دورشته پله دواتاقک است که از آنها برای کلیدهای برق و انبار و غیره استفاده می‌شود. در داخل ساختمان ۲۰ ستون مرمری در قسمت پائین و هشت ستون در قسمت بالا وجود دارد. در طرح‌های کاشیکاری معرق درون آرامگاه در قسمت پائین زیر سقف از طرح‌های تزیینی دوران زندگانی سراینده عالیقدر طوس و در بدنه‌های سراسری بالای داخل بنا از طرح‌های کاشی‌های ادوار باستانی ایران که با عصر داستانهای شاهنامه همزمان و پیوسته است استفاده و اقتباس نموده‌اند. مقبره در وسط تالار قرار گرفته است، بدین ترتیب که ابتدا سکویی است سنگی که هر ضلع آن تقریباً پنج متر و ارتفاع آن ۳۰ سانتیمتر است و بر روی آن سکوی دیگری است که سه متر در سه متر می‌باشد و ارتفاع آن ۳۰ سانتیمتر و سنگ قبر بر روی آن قرار دارد.

سنگ قبر مرمر یک پارچه است به طول تقریباً یک متر و نیم و عرض هشتاد سانتیمتر و همان سنگی است که در سال ۲۴۹۳ (۱۳۱۳ ه. ش.) بر روی تربت حکیم نهاده شده و قبلاً بدان اشاره نموده ایم.^۲

بر دیوارهای داخل آرامگاه نقوش سنگی برجسته‌ای است که بوسیله آقای فریدون صدیقی فرزند استاد ابوالحسن صدیقی ساخته شده است. دو قطعه نقش برجسته دیوار جنوبی هر یک به درازای ۸/۳۰ متر و پهنای ۱/۲۰ متر مشتمل بر تصاویر ذیل است:

۱- زال در پناه سیمرغ

۲- جنگ زال با شیر

۱- این دوبیت از قصیده آقای همایی است که همه آن پس از این خواهد آمد.

۲- همین کتاب، ص ۳۳.

- ۳- بکمند گرفتن رستم رخس را
 - ۴- جنگ رستم با اژدها و کشته شدن اژدها
 - ۵- بکمند افتادن زن جادوگر بدست رستم
 - ۶- جنگ رستم با دیوسفید
 - ۷- رفتن رستم به نزد پادشاه مازندران
 - ۸- جنگ رستم با پیلتن مازندران
 - ۹- چاره جویی رستم از سیمرغ برای شکست اسفندیار
 - ۱۰- آوردن رستم تیردوشاخ را از جنگل
 - ۱۱- جنگ رستم با اسفندیار و پیروزی رستم
 - ونقوش دیوار شمالی عبارت است از:
 - ۱- انقلاب کاوه آهنگر بر ضد ضحاک ستمکار
 - ۲- دربار انوشیروان عادل
- بر دیوار شمالی ۱۳ پنجره است که به حیاط خلوت باز می شود و داخل آرامگاه با چهل عدد چراغ سنگی روشن می گردد.

کتیبه ها

کتیبه هایی که در هنگام بنای آرامگاه ، مقارن جشن هزاره فردوسی بر-
جبهه های خارجی آرامگاه نصب شده از این قرار است:
بر جبهه جنوبی بنای آرامگاه به خط نستعلیق این ابیات شاهنامه نوشته شده است:

به نام خداوند جان و خرد	کز این برتر اندیشه برنگذرد
خداوند کیهان و گردان سپهر	فروزنده ماه و ناهید و مهر
ز نام و نشان و گمان برتر است	نگارنده بر شده گوهر است
یکی نامه بد از گه باستان	فراوان بدو اندرون داستان

پراکنده در دست هر موبدی
 یکی پهلوان بود دهقان نژاد
 پژوهندۀ روزگسار نخست
 ز هر کشوری موبدی سالخورد
 پیرسیدشان از نژاد کیان
 که گیتی باآغاز چون داشتند
 چگونه سرآمد به نیک اختری
 بگفتند پیشش یکایک مهان

و بر جبهه غربی نوشته شده است:

چو بشنید از ایشان سپید سخن
 چنان یادگاری شد اندر جهان
 چو از دفتر این داستانها بسی
 جوانی پیامد گشاده زبان
 بنظم آرم این نامه را گفت من
 ز گشتاسب وارجاسب بیتی هزار
 بر او تاختن کرد ناگاه مرگ
 برفت او و این نامه ناگفته ماند
 دل روشن من چو برگشت از او
 که این نامه را دست پیش آورم
 بشهرم یکی مهربان دوست بود
 مرا گفت خوب آمد این رای تو

کتیبه جبهه شمالی چنین است:

نوشته من این نامه پهلوی
 گشاده زبان و جوانیت هست

از او بهره برده هر بخردی
 دلیر و بزرگ و خردمند و راد
 گذشته سخنها همه بازجست
 بیاورد و این نامه را گرد کرد
 وز آن نامداران و فرخ گوان
 که ایدون بما خوار بگذاشتند
 برایشان همه روز کند آوری
 سخنهای شاهان و گشت جهان

یکی نامور نامه افکند بن
 براو آفرین از کهان و مهان
 همی خواند خواننده بر هر کسی
 سخنگوی و خوش طبع و روشن روان
 از او شادمان شد دل انجمن
 بگفت و سرآمد بر او روزگار
 نهادش بسر بر یکی تیره ترگ
 چنان بخت بیدار او خفته ماند
 سوی تخت شاه جهان کرد روی
 ز دفتر بگفتار خویش آورم
 تو گفتی که بامن بیک پوست بود
 به نیکی خرامد مگر پای تو

به پیش تو آرم مگر نغوی
 سخن گفتن پهلوانیت هست



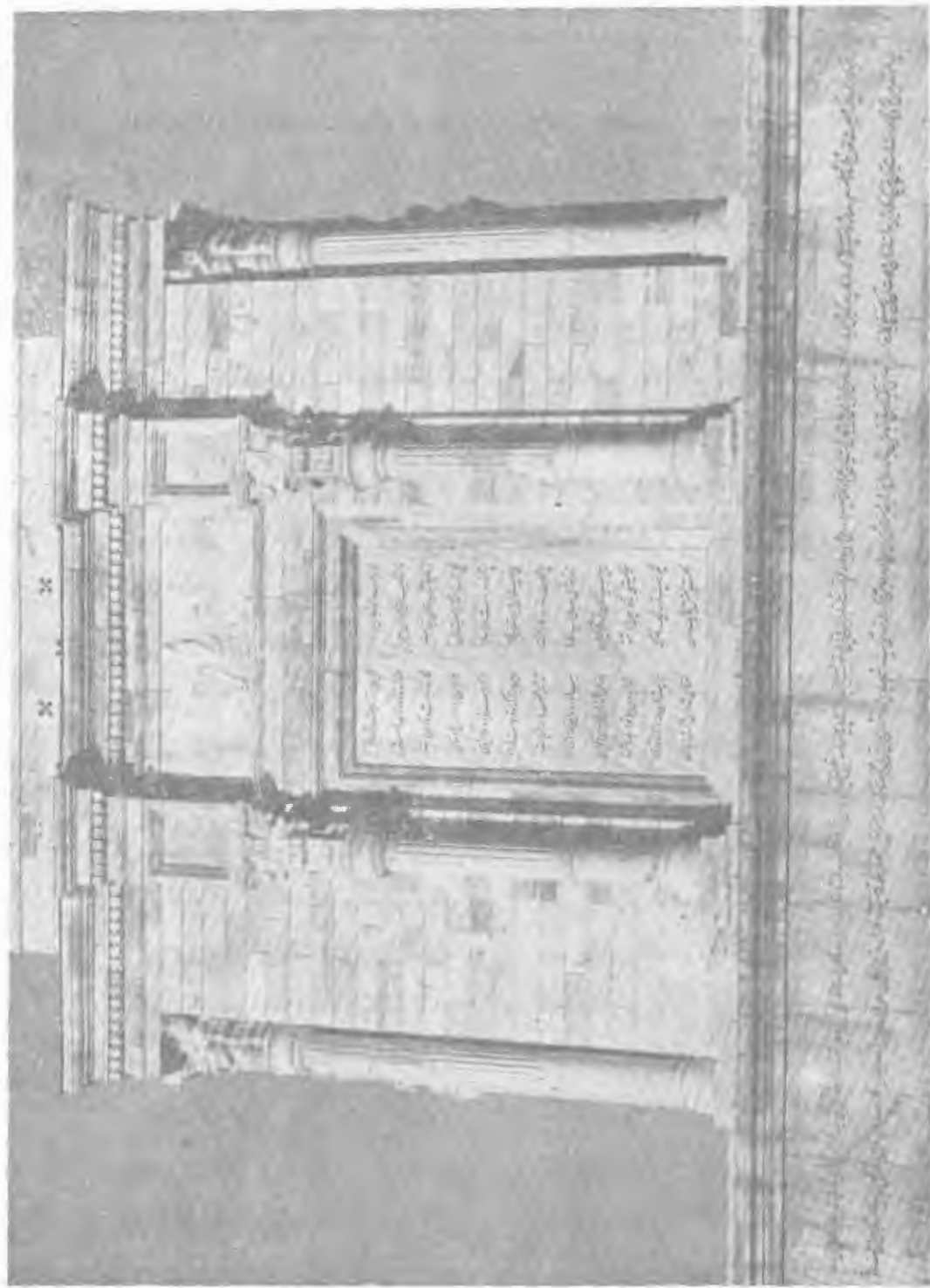
آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی پس از تجدید ساختمان

شو این نامه خسروی بازگوی
 چو آورد این نامه نزدیک من
 پیوستم این نامه باستان
 ز اییات غرا دوره سی هزار
 من این نامه شهریاران پیش
 همان نامداران گردنکشان
 همه مرده از روزگار دراز
 چو عیسی من این مردگان رانم
 بناهای آباد گردد خراب
 پی افکنم از نظم کاخی بلند

و بر جبهه شرقی آرامگاه نوشته شده است:

بدین نامه بر عمرها بگذرد
 جهان کرده ام از سخن چون بهشت
 بسی رنج بردم در این سال سی
 زمانم سر آورد گفت و شنید
 رخ لاله گون گشت برسان ماه
 ز پیری خم آورد بالای راست
 کنون عمر نزدیک هشتاد شد
 سرآمد کنون قصه یزدگرد
 ز هجرت شده پنج هشتاد بار
 چو این نامور نامه آمد به بن
 هر آنکس که دارد هش و رای و دین
 نمیرم از این پس که من زنده ام

بدین جوی نزد مهان آبروی
 برافروخت این جان تاریک من
 پسندیده از دفتر راستان
 مر آن جمله در شیوه کارزار
 بگفتم بدین نغز گفتار خویش
 که دادم یکایک از ایشان نشان
 شد از گفت من نامشان زنده باز
 سراسر همه زنده کردم بنام
 ز باران و از تابش آفتاب
 که از باد و باران نیابد گزند



کتابخانه جبهه جنوبی و در ذیل آن کتیبه تاریخی است که متن آن در صفحه ۳۲ و ۳۱ همین کتاب آمده است

لوحه تاریخی

بر دیوار شرقی درون تالار آرامگاه این نبشته تاریخی بخط نستعلیق نوشته

شده است:

بفرمان شاهنشاه دانش پرور و دانش دوست ایران اعلیحضرت همایون
محمد رضا شاه پهلوی آریامهر و بفرخ روزگار شاهنشاهی او ساختمان آرامگاه
سخن سرای گرانمایه و دانشمند بلند پایه استاد ابوالقاسم فردوسی طوسی پاسدار
ارجمند پارسی در روز دهم اردیبهشت در پیشگاه شاهنشاه گشایش یافت.
یزدان پاك را سپاس فراوان که انجمن آثار ملی را توانائی ارزانی فرمود
تا با چند سال کوشش، آرامگاهی چنین شکوهمند و استوار سازد، باشد که شکوه مندی
و فراخنائی باغ پیرامون آن و دیگر ساختمانها و کارهایی که انجام یافته است
دوستان میهن گرامی را خشنود کند و شیفتگان زبان شیوا و فرهنگ کهن پارسی
را پسند افتد.

با کوششهای چندین ساله، هم نمای بیرونی آرامگاه که در سال ۱۳۱۳
خورشیدی بفرمان سردودمان پهلوی رضا شاه کبیر ساخته شده است بدان سان که
بود پا برجای نگاه داشته شد و هم درون آرامگاه تالار بزرگی آنچنان که درخور
و شایسته خوابگاه همیشگی چنان سخن سنج گرامی است پی افکنده شد تا دل -
باختگان زبان پارسی و فرهنگ کهن این مرز و بوم که بدین آرامگاه می آیند بیشتر
درنگ کنند و بزرگی و ارجمندی سخن شناس نامی بیندیشند.

زمینهای باغ از هر سو بیش ازدو برابر گسترش داده شد و برای درختکاری
و سرمبزی آن کوشش فراوان بکار رفت، تندیس سخن گستر نامدار از سنگ يك
لخت تراشیده شد و در جایگاه شایسته استوار گشت و نیز ساختمانهای چندی برای
آسایش دیدار کنندگان و آرامش کارکنان و نگهبانان برپا گردید و نیازمندیهای دیگر
مانند آب و روشنائی و جزاینها افزوده گشت، خیابانی، ازپل کشف رود تا باغ
آرامگاه ساخته شد تا شکوه مندی آرامگاه را فزاید.

آنچه شد بفرخور توانائی انجمن و باندازه ایست که نیازمندیها و دریا یست ها در
دسترس بود نه درخور شایستگی سخنسرای بزرگ، امید چنان است که آیندگان
نیز در بزرگداشت فردوسی که درود بر روان او باد بکوشند.

انجمن آثار ملی

چکامه استاد جلال‌الدین همایی : این چکامه که طبق‌نامه ریاست‌دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران از میان بیست و چهار چکامه اثر سخن‌سرایان شرکت‌کننده در مسابقات مربوط به آرامگاه فردوسی حائز مقام اول گردیده بر لوحه‌ای سنگی به خط نستعلیق نوشته شده و در درون تالار کتابخانه آرامگاه نصب گردیده است.

بسمه تعالی شانه و تقدس

آرامگاه فردوسی

ای صبا ای پیک مشتاقان پیامی بر ز من
سوی طوس آن سرزمین نامداران زمن
پرورشگاه امامی چون محمد زین دین
زادگاه خواجه‌یی همچون قوام‌الدین حسن
وان نصیرالدین حکیم هوشمند بی‌همال
و آن ابوجعفر فقیه پیشوای مؤمن

ای صبا چون پای هشتی اندر آن نیکو دیار
واندر آن ساحت گذشتی کامجوی و گام‌زن
شست و شوئی کن بآب رودبار طاب‌بران
پس بدان سو شو که باشد کعبه اهل سخن
اندر آن آرامگاه در شو که فارغ از جهان
صد جهان جان است آنجا خفته در پیک پیرهن
یساد او را در ضمیر آری شود روشن روان
نام او را بر زبان رانی شود شیرین دهن

اندر اقلیم سخن سنجی و ملک شاعری است
 خسروی کشور گشا رویین تنی لشکر شکن
 اوستادان سخن پرور، امیران کلام
 جمله بر درگاه او خاضع چو پیش بتشمن

جلوه عرش است این درگاه کلاه از سربنه
 وادی طور است اینجا موزه از پایت بکن
 مرقد استاد طوس است این، بخاکش جبهه سای
 مدفن فردوسی است این، برزمینش بوسه زن
 با درود و با تحیت آستان او بیوس
 پس بگو کای درسرخ استاد استادان فن
 ای ز تومشکین هوای شعر چون از مشک جیب
 ای ز تورنگین بساط نظم چون از گل چمن
 گوهر از نظم تومی بارد چو باران از سحاب
 حکمت از شعر تومی زاید چو از پستان لبن
 تیغ اگر باشد سخن، باشی تواس سیمین نیام
 شمع گر باشد سخن، باشی تواس زرین لگن
 خود پیمبر نیستی لیکن بود شهنامه ات
 آیتی منزل نه کم از معجز سلوی و من
 کی بود همچند یک در دری از نظم تو
 آنچه با قوت از بدخشان خیزد و دراز عدن

از پس ساسانیان تا نوبت سامانیان
 شعر تازی بود و رسم ربع و اطلال و دمن

در پناه دولت سامانیان، گویندگان
 چون دقیقی و شهید و رودکی و بوالحسن
 رنجها بردند در احیاء شعر پارسی
 تا شدند آن کاخ را بنیان گذار و پی فکن
 شد بنائی لیک بی اندام و سست و پست بود
 تو بنای تازه افکندی بآیین و سنن
 کاخی از نو ساختی نغز و بلند و استوار
 کش برآزد با بروج آسمان پهلوی زدن
 شاعران پیش از تو بس بردند سودا از شعر خویش
 تو در این ره خرج کردی عمر و مال خویشان
 مزد کار خویش را آنان ز شاهان بستند
 مرتو را باشد زمانه وامدار و مرتنه
 گرتو ناکام از جهان رفتی جهان کام از تو یافت
 جاودان ماندی بگیتی و تو را فرسودن
 مرگ را زی ساحت مرد سخندان راه نیست
 جاودان ماند سخن گرچه تبه گردد بدن

* * *

مدح شه محمود گفتی و نبردی کام از او
 چونکه از غمز بدانندیشان بتو بدکردن
 کاش بودی شاه ما را تا عطا دیدی از او
 گوهر الوان بکیل و زر پالوده بمن
 ارزش شهنامه ات را ناقدی باید بصیر
 پهلوانی گنج را خود پهلوی داند ثمن

گر ز قهر شاه غزنی رنج و محنت برتو تافت
 شاه ما را بین کت از دل بستر د رنج و محن
 خیز و بنگر کت ز نو آرامگاهی ساختند
 با شکوه و پرتجمل چون بهار برهمن
 سال هجری بد هزار و سیصد و هشتاد و هشت
 کاین بنای تازه شد ز آثار ملی انجمن
 این هم از آثار شاهنشاه داندل یکی است
 زین قبیل آثار از او بسیار بینی برعلن

روزگار آریامهر است برخیز و بین
 سر بر سر آسوده خلق و جمله آبادان وطن
 انقلاب شاه و ملت بود منشوری بزرگ
 کز طراز تازه در پیچید طومار کهن
 از نهیب عزم او بگریخت دیوار تجاع
 همچنان کز صولت یزدان جنود اهرمن
 در پناه رحمتش کشور همه نزدیک و دور
 در دعای دولتش ملت همه از مرد و زن

تاز کوه و دشت خیزد چشمه و کاریزو رود
 تا بیاغ و راغ روید سنبل و سرو و سمن
 زنده و پاینده باد ایران و شاهنشاه او
 در پناه ایزد دادار و حی ذوالمنن

وز همایی سنا این چامه مساند یادگار

ز افتخار نام فردوسی خداوند سخن

فروردین ماه ۱۳۴۷ شمسی - محرم الحرام ۱۳۸۸ هجری قمری

بخط حسن زرین خط

جلال‌الدین همایی «سنا»

حجاری شعبان‌پور منوچهری

نشته‌های تاریخی بر لوح سنگی برای کنار تالار موزه آرامگاه

هنگام احداث آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی که بفرمان اعلیحضرت
همایون رضاشاه کبیر صورت پذیرفت اراضی باغ آن از طرف شادروان میرزا
محمدعلی قائم مقام التولیه و آقای حسین ملک واگذار شد.
در سال ۱۳۴۵ شمسی که آرامگاه بوضعی شایسته‌تر درآمد و توسعه باغ
آن مورد نظر قرار گرفت آقایان موسی و عیسی مشار قائم مقامی فرزندان برومند
شادروان قائم مقام التولیه و آقای حسین ملک شخصیت فرهنگ دوست و نیکوکار
زمینهای مورد نیاز را برای افزایش مساحت باغ و شکوه بیشتر این مکان محترم
اهداء کردند و انجمن آثار ملی را بیش از پیش سپاسگزار همت بلند و روشن بینی
خویش ساختند.

هنگام ساختمان آرامگاه بوضع کنونی و انجام کلیه اقدامات دیگر مربوط
بآن هیئت مؤسسين انجمن آثار ملی علاوه بر وزیر محترم فرهنگ و هنر مرکب
از نامبردگان زیر بوده اند:

شادروانان: حسین علاء - علی هیئت

آقایان: سید حسن تقی زاده - مهندس جعفر شریف امامی - علی اصغر حکمت -
دکتر عیسی صدیق - دکتر صادق رضا زاده شفق - سید امان الله جهانبانی - سید
فرج الله آقاولی - سر لشکر محمد حسین فیروز - دکتر محمود مهران - دکتر
غلامحسین صدیقی - حسن نبوی - اللهیار صالح - مهندس محسن فروغی - سید
محمد تقی مصطفوی

طراح و ناظر ساختمان مهندس هوشنگ سیحون
سازنده شرکت کا.ژ.ت

توسعه باغ آرامگاه

پیش از این شرح داده‌ایم^۱ که مقارن جشن هزاره فردوسی و هنگامی که آرامگاه آن بزرگ در دست ساختمان بود در حدود سه چهارم از اراضی مورد احتیاج برای باغ فردوسی را شادروان قائم مقام التولیه اهدا نمود و حدود یک چهارم آن بوسیله شادروان حاج حسین آقا ملک اهدا گردید. هنگام تجدید بنای آرامگاه برای آراستگی و عظمت و شکوه و آبرومندی باغ و آسایش بازدیدکنندگان و بنای موزه و ساختمانهای دیگر لزوم توسعه باغ آرامگاه مورد توجه هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی قرار گرفت و به تیمسار سپهبد باتمانقلیچ نیابت تولیت آستان قدس و استاندار خراسان نوشته شد که در این باره مطالعه و اقدام نماید. قسمت عمده اراضی مورد احتیاج متعلق به ورثه شادروان قائم مقام التولیه و قسمتی هم متعلق به شادروان حاج حسین آقا ملک و شرکاء بود. آقایان موسی و عیسی مشار قائم مقامی فرزندان شادروان قائم مقام التولیه در تاریخ دوازدهم تیرماه ۲۵۲۵ (۱۳۴۵.ش.) طی نامه‌ای به اطلاع تیمسار سپهبد باتمانقلیچ رسانیدند که: «... راجع به باغ مقبره فردوسی که مذاکره شد تقاضا داریم مراتب آمادگی اینجانبان را برای اهداء اراضی مورد نیاز به انجمن آثار ملی اعلام فرمایند...»

در بیستم تیرماه ۲۵۲۵ تیمسار سپهبد باتمانقلیچ به انجمن آثار ملی نوشت که اکنون که فرزندان شادروان قائم مقام التولیه به تبعیت از نیات حسنه آن مرحوم حاضر به اهداء قسمتی دیگر از اراضی مورد نیاز برای باغ آرامگاه فردوسی شده‌اند برای آنکه نام اهدا کنندگان زمین معین باشد مقرر گردد که

نام این آقایان و پدر نیکوکارشان و دیگر اهداکنندگان بر لوحه‌ای نقر و در باغ آرامگاه نصب گردد.

در تاریخ اول مردادماه ۲۵۲۵ از طرف تیمسار سپهبد آقاوولی رئیس هیئت مدیره انجمن آثار ملی به تیمسار باتمانقلیچ نوشته شد که:

«در بازدیدی که روز ۲۲ خردادماه سال جاری به اتفاق چند نفر از اعضاء هیأت مؤسسان انجمن آثار ملی از آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی بعمل آمد توجه فرمودند که امر تجدید ساختمان مزار حکیم بزرگوار و سراینده بلندمرتبت ایران به لطف خداوند بصورت رضایت بخش و بنحو آبرومندی پیشرفت می نماید. اما با ترتیبی که نسبت به آراستگی و عظمت آرامگاه، آبرومندی و شکوه باغ و آسایش زیارت کنندگان و احداث موزه آنجا پیش بینی شده است فضای کنونی باغ با اقدامات مورد نظر و مقام و منزلت زنده کننده زبان و ملیت و قومیت ایران و ایرانی مناسب نیست و اینک جای نهایت خرسندی است که آقایان قائم مقامی به تبعیت از پدر نیکوکارشان آمادگی خود را نسبت به واگذاری اراضی مورد نیاز جهت توسعه باغ فعلی آرامگاه فردوسی اعلام نموده اند، برای مزید استحضار یادآور می شود که در جلسه ماهیانه هیأت مؤسسان انجمن آثار ملی موضوع توسعه باغ آرامگاه فردوسی مطرح و ضرورت آن قطعی تشخیص داده شد و مقرر گردید که نام شادروان قائم مقام التولیه که قریب سه چهارم اراضی کنونی باغ آرامگاه را اهدا نموده اند و نام آقای حاج حسین آقا ملک که یک چهارم دیگر را تفویض کرده اند و نام دیگر مالکان محترمی که زمین مورد نیاز جهت توسعه باغ فعلی را واگذار نمایند همه بر لوحه‌ای نوشته و در محل مناسبی نصب گردد.

با توجه به مراتب مذکور و بطوری که حضوراً مذاکره شد لازم است که باغ آرامگاه از هر طرف پنجاه متر توسعه یابد که در جهات شمال و مشرق و مغرب به فضای باغ افزوده شود و در سمت جنوب که مدخل باغ است محوطه کافی با نقشه صحیح برای توقفگاه و سائل نقلیه و احتیاجات مختلف درخورچنین جایگاهی تأمین گردد... با آقای حاج حسین آقا ملک نیز برای واگذاری اراضی مورد احتیاج در قسمت جنوب باغ مذاکره شد و آماده واگذاری زمین مورد نیاز می باشند، بنابراین خواهشمند است هر چه زودتر کمیسیونی تحت نظر خود جنابعالی با شرکت آقایان مالکان محترم و آقای مدیرکل آموزش و پرورش

خراسان و آقای محمد بهادری خزانده دارانجمن آثار ملی خراسان و نماینده شرکت کا.ژ.ت که ریاست کارگاه ساختمانی آرامگاه فردوسی را عهده دار است و رئیس ثبت اسناد خراسان تشکیل گردد و ترتیب تفویض حاشیه ای بعرض پنجاه متر از هر طرف باغ کنونی آرامگاه فردوسی به انجمن آثار ملی و آرامگاه فردوسی داده شود. نقشه مربوط به وضع جدید باغ و شبکه آب و برق و طرح توقفگاه جلو مدخل باغ و غیره بنحو اساسی و بفوریت تهیه و اجرا خواهد شد.

در تاریخ ۳۰ مردادماه ۲۵۲۵ از طرف آقایان بهادری نماینده انجمن آثار ملی در خراسان و گیو جودت رئیس کارگاه ساختمانی آرامگاه فردوسی درباره توسعه باغ آرامگاه گزارشی بدین شرح برای تیمسار سپهبد باتمانقلیچ استاندار و رئیس انجمن آثار ملی خراسان فرستاده شد:

«... در جلسه ۲۶ مردادماه ۱۳۴۵ انجمن آثار ملی خراسان که در حضور جنابعالی تشکیل شد با توجه به نامه مورخ اول مردادماه ۱۳۴۵ انجمن آثار ملی ایران مبنی بر وجوب توسعه باغ آرامگاه فردوسی، به اینجانبان مأموریت داده شد تا با مطالعه در وضع فعلی باغ و با توجه به ساختمانهای مورد نظر انجمن آثار ملی نقشه محوطه فعلی باغ و حدود و اندازه زمینهای مورد نیاز را تعیین کرده بعرض برسانیم.

اینک باتقدیم نقشه های مزبور به استحضار می رساند که باغ کنونی آرامگاه به ابعاد ۱۲۴×۲۰۴ متر و بمساحت تقریبی بیست و پنج هزار متر است که مقارن جشن هزاره فردوسی و بنای آرامگاه او سه چهارم آن را مرحوم حاج قائم مقام التولیه از اراضی اسلامی و یک چهارم را آقای حاج حسین آقا ملک و شرکاء از اراضی شهرطوس اهدا نموده اند.

اکنون که انجمن آثار ملی توسعه باغ را از هر طرف پنجاه متر لازم دانسته و از مالکان فعلی انتظار واگذاری این اراضی را دارد طبق نقشه تقدیمی ابعاد باغ ۲۲۴×۳۰۲ متر و بمساحت تقریبی شصت و هفت هزار متر مربع خواهد شد که باز هم سه چهارم اراضی لازم را (حدود سی هزار متر مربع) آقایان قائم مقامی و یک چهارم دیگر را (قریب ده هزار متر) آقای حاج حسین آقا ملک و شرکاء اهداء خواهند نمود. علاوه بر این در جنوب شرقی باغ مقداری از اراضی خارج از باغ برای ساختمان دبستان جدید لازم است که مالکان آن مرحمت خواهند نمود... بدیهی است نقشه برداری دقیق و تفکیک اراضی بوسیله مأمور ثبت

اسناد انجام خواهد گرفت.»

مرا انجام بموجب سند شماره $\frac{۵۴۴۷}{۴۵/۱۰/۱۷}$ دفتر اسناد رسمی شماره ۶ مشهد آقایان عیسی قائم مقام رضوی و موسی قائم مقامی در جهات شرقی و شمالی و غربی باغ آرامگاه فردوسی بعرض پنجاه متر از اراضی مزرعه اسلامیة تفکیک نموده در اختیار تیمسار باتمانقلیچ استاندار و رئیس انجمن آثار ملی خراسان گذاشتند و اراضی مزبور بالغ بر ۳۱۵۶۴ متر مربع شد. درمورد اراضی مورد نیاز در قسمت جنوب باغ آرامگاه نیز در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۲۵۲۶ (۱۳۴۶.ش.) از طرف استانداری خراسان به انجمن آثار ملی نوشته شد که: «درباره اراضی قسمت جنوبی محوطه آرامگاه فردوسی بوسیله مهندس یارمحمدی مدیرکل کشاورزی و اصلاحات ارضی خراسان اقدام شد و اراضی مورد نیاز انجمن آثار ملی بتصرف انجمن درآمد.»

بدین ترتیب مجموع مساحت باغ آرامگاه فردوسی بالغ بر ۵۶۷۵۳ متر مربع گردید و قسمتی از باروی قدیم طوس در قسمت شمال و مشرق و مغرب در داخل باغ آرامگاه واقع گردید که بنحو شایسته با احداث سایبانهایی محفوظ داشته شد.

دبستان فردوسی

در سال ۲۴۹۳ (۱۳۱۳.ش.) به هنگام بنای آرامگاه فردوسی، در انتهای باغ آرامگاه چند اتاق کوچک در محوطه ای محدود ساخته شد و در آنجا دبستانی دائر گردید. هنگام تجدید بنای آرامگاه چون بر اثر توسعه باغ دبستان مذکور ضمیمه باغ می شد و بعلاوه بهیچوجه متناسب با احتیاجات زمان نبود و گروهی از کودکان در آن محل نامناسب تحصیل می کردند لذا انجمن آثار ملی موافقت نمود که بجای آن بنای غیر مناسب دبستانی آبرومند بنا نماید و پس از مکاتبه با اداره کل آموزش و پرورش خراسان و مذاکره با مالکان و خرده مالکانی که با اجرای اصلاحات ارضی صاحب زمینهای پیرامون باغ شده بودند، بموجب

صورت مجلس ذیل زمین مورد نیاز برای بنای دبستان در اختیار اداره کل آموزش و پرورش خراسان گذارده شد:

«بمنظور رفاه روستازادگان و مبارزه با جهل و بیسوادی در تاریخ ۴۵/۷/۲۰ برای ایجاد دبستان شهرطوس، زمینی به ابعاد ۵۰ × ۵۰ متر و بمساحت ۲۵۰۰ مترمربع در پشت ضلع شرقی و در امتداد دیوار جنوبی باغ آرامگاه فردوسی از طرف مالکان و خرده مالکان به اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان اهدا گردید. امضاء کنندگان ذیل که اهدا کنندگان زمین هستیم تعهد می‌نمائیم که بهیچ عنوان حق تصرف در زمین مذکور را نداشته باشیم و اداره آموزش و پرورش از تاریخ امضاء این صورت مجلس حق تصرف زمین و بنای دبستان در آن را دارد، چنانچه پس از تفکیک زمینهای شهرطوس مقداری از این زمین به مالکان اولیه تعلق گرفت زمینی به همان مساحت از زمینهایی که در اختیار ما زارعان است به مالکان اولیه خواهیم داد.» - سی امضاء

و این بود نخستین اقدام روستائیان طوس که صاحب زمین شده بودند. انجمن آثار ملی نیز مبلغ يك ميليون ريال برای ساختمان بنای جدید دبستان تعهد و پرداخت نمود.

در تاریخ هشتم آذرماه همان سال قرارداد بنای دبستان با پیمانکار بسته شد و ساختمان آن آغاز گردید. عمارت سابق دبستان به همان صورت قدیم در شمال باغ آرامگاه باقی مانده و اکنون چندتن از کارگران باغ با خانواده‌های خود در اطاقهای آن سکونت دارند و حمام عمومی کارگران نیز در همین ساختمان است.

ساختمانهای دیگر

در باغ فردوسی ساختمانهایی نیز برای کتابخانه، مهمانسرا، دفتر، محل‌هایی برای سکونت کارکنان و آسایشگاههایی برای بازدید کنندگان و

بناهای مورد نیاز دیگر احداث گردیده است.

در سمت شمال شرقی باغ هفت دستگاه عمارت دو اتاقه برای کارکنان و عمارتی سه اتاقه با وسائل کامل برای مدیر آرامگاه ساخته شده است. در شمال باغ دو گلخانه، موتورخانه برق، چاه نیمه عمیق، منبع آبی که از آن برای آبیاری اشجار و گلها و چمنها استفاده می شود احداث گردیده است. در مشرق باغ مهمانسرای به ابعاد 20×20 متر بصورت سرپرده و باشاه نشینهایی بنا شده و در طبقه زیرین آن آشپزخانه، دستشویی و غیره قرار دارد، در این مهمانسرا مسافران با پرداخت وجه از غذای گرمی که تهیه می شود استفاده می نمایند.

در جنوب شرقی باغ چهار دستگاه عمارت دو اتاقه با حمام، دستشویی و غیره ساخته شده و وسائل لازم از قبیل تختخواب و یخچال و غیره برای آنها فراهم گردیده و مهمانان خصوصی در آنها پذیرایی می شوند، در همین سمت دفتری نیز برای نگهبانان ایجاد شده است.

در مغرب باغ آسایشگاهی بصورت دژ و با پانزده جایگاه برای استراحت بازدید کنندگان ساخته شده است، این جایگاهها بطور رایگان در اختیار زائران قرار داده می شود تا در آنها استراحت کنند و غذایی را که همراه دارند صرف نمایند، ضمناً در اینجا غذای سرد و نوشابه های غیر الکلی نیز برای فروش عرضه می گردد. در این سمت باغ دستشویی و اتاق دیگری برای نگهبانان نیز وجود دارد.

تالار پذیرایی آرامگاه در سمت جنوب غربی باغ قرار دارد و فرش نفیس آن ۳۷ متر مربع است که در کارخانه صابر مشهد بافته شده است. کتابخانه آرامگاه در جنب تالار پذیرایی و دارای ۹۰۰ مجلد کتاب است، فرش نفیس کتابخانه نیز در کارخانه صابر بافته شده و ۳۶ متر مربع می باشد.

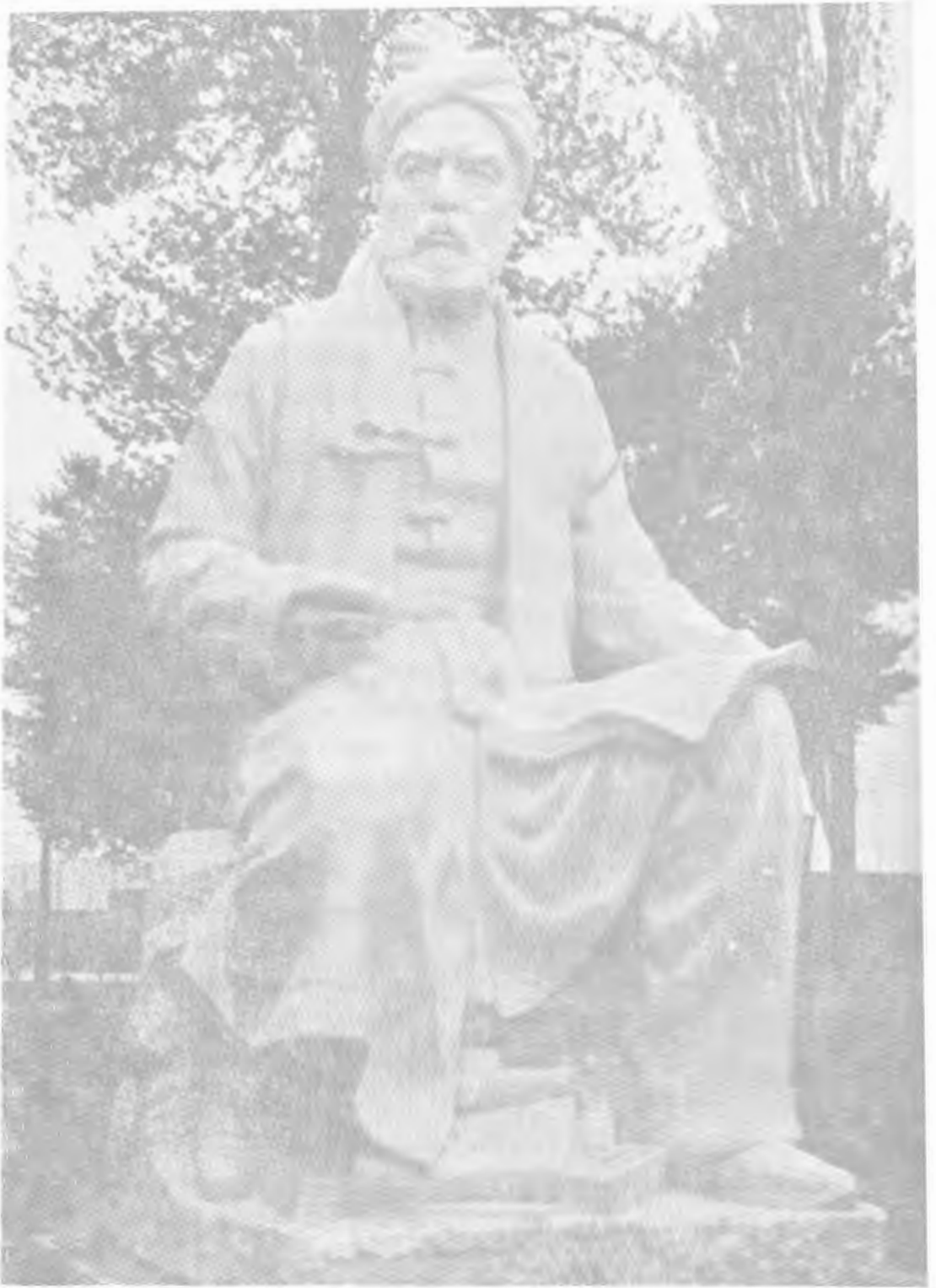
درباغ فردوسی جمعاً یازده باغچه مطابق برای گلکاری تعبیه شده که پنج باغچه در مشرق و شش باغچه در مغرب باغ می باشد. استخر باغ به ابعاد 10×30 متر با سه فواره و همچنین هشت آبمگاه در اطراف باغ احداث شده موجب طراوت و زیبایی آن گردیده است. با خریداری و نصب دو موتور قوی برق و کشیدن کابل و حفر چاه نیمه عمیق و لوله کشی آب و نصب نورافکنهای متعدد نسبت به تأمین برق و آب مورد نیاز باغ آرامگاه و ابنیه و استخر و خیابان مقابل آرامگاه اقدام لازم بعمل آمده است.

تندیس فردوسی- تندیس حکیم که از سنگ يك پارچه و بصورتی بدیع بوسیله استاد ابوالحسن صدیقی تراشیده شده نزدیک آرامگاه نصب گردیده است. موزه- از سال ۲۴۹۳ (۱۳۱۳ ه. ش.) تاکنون اشیاء ذیل برای موزه آرامگاه فراهم آمده است:

- | | |
|------------------------------------|---------|
| ۱- جعبه تحریر چوب گردو کار سنندج | يك عدد |
| ۲- گلدان « « « | « |
| ۳- پرده ابریشمی چهارخانه، سه پارچه | « |
| ۴- پرده ابریشمی دارائی | ۲ درگاه |
| ۵- شمشیر با غلاف سروه نقره | يك عدد |
| ۶- چادر شب ابریشمی ۴ تخته | « |
| ۷- قاب عکس فردوسی نقره | « |
| ۸- شال ملیله دوزی رومیزی | ۲ عدد |
| ۹- پارچه ابریشمی شیری | يك توپ |
| ۱۰- سوزنی ماهوت تکه دوزی | يك عدد |
| ۱۱- گلدان نقره سیاه قلم | « |
| ۱۲- پرده ماهوت مشکی قلاب دوزی | « |
| ۱۳- گلدان قلمزده تخت جمشید | ۲ عدد |
| ۱۴- گلدان کاشی کار مظفر | يك عدد |
| ۱۵- « « « « بغل سوراخ | « |
| ۱۶- گلدان نقره قلمزده تخت جمشید | ۲ عدد |



تدیس حکیم ابوالقاسم فردوسی از سنگ مرمرکارارا يك پارچه که به وسیله
استادابوالحسن صدیقی ساخته شده ودرآرامگاه حکیم نصب گردیده است



تندیس حکیم ابوالقاسم فردوسی از سنگ مرمر کارار یک پارچه در کنار باغ آرامگاه حکیم
درطوس - کار استاد ابوالحسن صدیقی.

- ۱۷- میز عسلی چوب گردو پایه مخروطی کار رضائیه يك عدد
 » ۱۸- عكس روغنی با قاب چوب گردو
 » ۱۹- میز چوب گردو پایه كچ كار سنندج
 ۲۰- قالی تبریزی ۴ × ۶ يك تخته
 » ۲۱- كناره تركمنی گل برجسته
 ۲۲- قالیچه كاشانی بوته ریز دو تخته
 ۲۳- كلاه خود مفرغی يك عدد
 » ۲۴- زره فولادی
 » ۲۵- سپر ۴ قیه
 » ۲۶- ساعدبند با بند دو دست
 » ۲۷- تبرزین مفرغی
 » ۲۸- گرز مفرغی
 » ۲۹- قالیچه كوچك كاشی قاب گرفته
 » ۳۰- قاب تصویر کیومرث سیاه قلم
 ۳۱- پرده ابریشمی معروف به رضا ترکی ۴ درگاه
 ۳۲- تابلو آب رنگ تذهیب دار يك عدد
 ۳۳- چادر شب ابریشمی دست دوزی يك عدد
 ۳۴- سوزنی ابریشمی يك عدد
 » ۳۵- رومیزی شال عنابی
 » ۳۶- تابلو مینیاتور تذهیب دار
 ۳۷- پرده دست باف ۲ درگاه
 ۳۸- پرده قالیچه نما دست دوزی زرد يك عدد
 » ۳۹- قالیچه كوچك نقش آرامگاه
 ۴۰- قالیچه بیرجندی لچك ترنج دو تخته
 ۴۱- پارچه ابریشمی رومیزی يك عدد
 » ۴۲- سینی نقره قلمزده تخت جمشید
 ۴۳- شیرینی خوری نقره كشكولی دو عدد
 ۴۴- شربت خوری نقره با استكان عدد
 ۴۵- جاستكانی نقره عدد
 ۴۶- قاشق شربت خوری عدد

- ۴۷- قاشق چای خوری
۴۸- چایدان نقره
۴۹- سینی نقره سیاه قلم
۵۰- جا استکان نقره سیاه قلم
۵۱- قوری نقره سیاه قلم
۵۲- میزشش گوش خاتم کار شیراز
۵۳- شمعدان سه شاخه خاتم
۵۴- ساعت خاتم کاری
۵۵- سینی چوبی دور منبت
۵۶- قالیچه کار سمنان
۵۷- قالی تبریزی هدیه دارالفنون
۵۸- قالیچه کار کاشان
۵۹- قندان نقره
۶۰- قالیچه کوچک پستی کار گنبد کاوس
۶۱- چراغ نقره سیاه قلم پایه گلابی
۶۲- گلدان بزرگ ۴ شاخه
۶۳- سینی نقره سیاه قلم
۶۴- گلدان نقره کوچک سیاه قلم
۶۵- رومیزی سفید نخ ابریشم دوزی
۶۶- رومیزی پارچه سفید
۶۷- گلدان نقره کوچک دسته دار
۶۸- گلدان سیاه قلم
۶۹- گلدان نقره کوچک قلم زده
۷۰- قالی مشهدی ۲/۹ × ۴
۷۱- کار دور شو بروجردی
۷۲- قالی کار کاشان ۲/۵۶ × ۳/۷
۷۳- دوات سنگ مرمر
۷۴- شمشیر کج دسته
۷۵- قالیچه ترکمنی کوچک
۷۶- تصویر سیاه قلم فردوسی با قاب
- ۳ عدد
یک عدد
»
۶ عدد
یک عدد
»
۲ عدد
یک دستگاه
۶ عدد
یک تخته
»
»
یک عدد
»
»
»
۲ عدد
یک عدد
»
»
»
۲ عدد
یک تخته
یک عدد
یک تخته
یک عدد
»
یک تخته
یک عدد

- ۷۷- کاشی مصور قابدار ۲ عدد
- ۷۸- چهل چراغ برنزی برای روی قبر ۱ عدد
- ۷۹- تابلو نقره لهستانی »
- ۸۰- تابلو روغنی فردوسی »
- ۸۱- عکس فردوسی ابریشم دوزی »
- ۸۲- مینی چوبی منبت کاری »
- ۸۳- جعبه خاتم ساخت رومیه (با عاج) »
- ۸۴- پوست پلنگ »
- ۸۵- گلدان نقره کوچک (سنبل دان) »
- ۸۶- شمشیر فولادی با غلاف »
- ۸۷- مجسمه فردوسی با جعبه شیشه »
- ۸۸- گلدان کاشی ۲ عدد
- ۸۹- تابلو روغنی تصویر فردوسی ۱ عدد
- ۹۰- قاب خوشخط »
- ۹۱- مجسمه گچی فردوسی »
- ۹۲- قالیچه بلوچی کوچک يك تيخته
- ۹۳- قندیل بزرگ کار اصفهان يك عدد
- ۹۴- مجسمه طاوس مفرغی ۲ عدد
- ۹۵- تمثال اعلی حضرت رضاشاه کبیر با قاب يك عدد
- ۹۶- قلمدان »
- ۹۷- تفنگ سرپر کوتاه »
- ۹۸- تابلو کوچک منبت کاری »
- ۹۹- تصویر ابریشم دوزی فردوسی »
- ۱۰۰- قوطی سیگار خاتم »
- ۱۰۱- تصویر سقا »
- ۱۰۲- گلدان کاشی ۲ عدد
- ۱۰۳- کوزه سفالی گردن بلند »
- ۱۰۴- گورکه میل ورزش »
- ۱۰۵- عکس آرامگاه با قاب ۳ عدد
- ۱۰۶- قاب اشعار ۱ عدد

- ۱۰۷ - تصویر حافظ »
 ۱۰۸ - تنگ کاشی ساخت همدان »
 ۱۰۹ - سینی کاشی ساخت همدان »
 ۱۱۰ - لیوان کاشی ساخت همدان ۶ عدد
 ۱۱۱ - قاب عکس نقره به وزن ۲۷ مثقال ۱ عدد
 ۱۱۲ - سنجاق سینه طلا ۱ عدد

چاپ چند کتاب درباره فردوسی و شاهنامه: مقارن تجدید بنای آرامگاه فردوسی از عده‌یی از دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی خواسته شد که کتابها و مقاله‌هایی درباره فردوسی و شاهنامه تدوین و تهیه نمایند. این کتابها در همان هنگام به سفارش انجمن تألیف گردید:

فردوسی و شعرا، تألیف مجتبی مینوی

فردوسی و شاهنامه او، تألیف حبیب یغمائی

زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، تألیف محمد علی اسلامی ندوشن

کتابشناسی فردوسی، فهرست آثار و تحقیقات درباره فردوسی و شاهنامه،

تألیف ایرج افشار

و پس از آن تاکنون نیز این کتابها درباره فردوسی و اثر گرانقدرش

بوسیله انجمن چاپ و منتشر شده است:

کشف الایات فردوسی (جلد اول)، تألیف محمد دبیرسیاقی

یادنامه فردوسی حاوی مقالات و چکامه‌ها به مناسبت تجدید آرامگاه

حکیم ابوالقاسم فردوسی

کشف الایات شاهنامه فردوسی (جلد دوم)، تألیف محمد دبیرسیاقی

نگاهی به شاهنامه، تألیف پرفسور فضل‌الله رضا

فرهنگ شاهنامه، تألیف دکتر رضازاده شفق

دانش و خرد فردوسی، تألیف محمود شفیعی

مجموعه مقالات فروغی درباره شاهنامه و فردوسی، با اهتمام حبیب

یغمائی.

داستان داستانها رستم و اسفندیار، تألیف محمدعلی اسلامی ندوشن علاوه بر اینها بمنظور آشنایی بیشتر هموطنان به مقام و مرتبت استاد طوس رساله‌هایی فراهم آمده و بوسیله انجمن آثار ملی انتشار یافته که از آنجمله است رساله فردوسی حاوی شرح حال و شخصیت و آثار حکیم تألیف سناتور دکتر عیسی صدیق، و رساله حاوی اطلاعات مربوط به بنای آرامگاه فردوسی و باغ آن و بناهای تابعه و منتهای سنگ نبشته‌های تاریخی بنا و تصاویری از آرامگاه و مجسمه حکیم.

گشایش آرامگاه

ساعت ۵ بعد از ظهر روز سه شنبه دهم اردیبهشت ماه سال ۲۵۲۷ (۱۳۴۷ ه. ش.) شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو برای گشایش آرامگاه فردوسی با همراهان به باغ آرامگاه تشریف فرما شدند. در محوطه آرامگاه سناتورها و نمایندگان خراسان، رؤسای ادارات و نمایندگان سیاسی به حضور شاهنشاه معرفی شدند. سپس تیمسار سپهبد آق‌اولی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی گزارش تجدید بنای آرامگاه را بدین شرح بعرض رسانید:

اعلیحضرتا

برخاطر خطیر شاهانه روشن است که حکیم ابوالقاسم فردوسی هنگامی به نظم شاهنامه پرداخت که بر اثر سوانح روزگار، تاریخ و فرهنگ درخشان ایران در بوته فراموشی سپرده شده بود و فرمانروایان بیگانه آیین تابناک اسلام را وسیله حکومت جابرانه خود قرار داده همه گونه سعی و کوشش در برانداختن شواهد بزرگی و شکوه ایران بکار می‌بستند تا آثار مجد و عظمت گذشته این کشور باستانی را از خاطر مردم بزدايند و فقط برخی از بزرگان ایران با وجود تعلق خاطر به آیین مقدس اسلام مایل بودند میهن گرامی شان استقلال ملی و فرهنگ دیرین خود را یابد و از دایره حکمرانی بیگانه بیرون بماند.

فردوسی به اراده خود وبدون دستور وتعلیم وتشویق هیچکس با نیروی باطنی و روحی خویش پرده استتاری را که حوادث ومهاجمات بر روی عظمت و جلال دودمانهای شاهنشاهی وتمدن درخشان ایرانیان کشیده بود ازهم درید و ایرانی با مجد وشکوه وآباد ونیرومند در معرض دیدگان ایرانیان جلوه گر ساخت و در راه زنده کردن زبان فارسی وفرهنگ وتاریخ گذشته ایران خدمتی بس بزرگ وبی بدل انجام داد که بحق شایسته هرگونه بزرگداشت و قدرشناسی است.

با چنین عظمت روح واندیشه وعمل که نتیجه آن استوار داشتن ایرانیان دراعاده عظمت ونیروی گذشته بود آرامگاه این حکیم بزرگ یعنی دانشمند والامقامی که در زندگانی پرافتخارش رنج بسیار کشیده وبا چنان اندیشه ومقام بلند، حقارت دیده بود درپشت باروی ویران طوس بصورت گمنام قرار داشت و تا سال ۱۳۰۱ شمسی بنائی درخور آن مرد بزرگ وشایسته خدمت سترک وبی بدل وی برای خوابگاه ابدی او بنیاد نگشت تا اینکه اعلیحضرت همایون رضا شاه کبیر ضمن سایر اقدامات خود برای زنده کردن ایران وایرانی به بزرگی مقام فردوسی هم توجه وبه بنای آرامگاه وی دستور فرمود وبه سال ۱۳۱۳ جشن هزاره آن حکیم را برپا داشت وبه ترتیبی شایسته آیین گشایش آرامگاه وی با شرکت دانشمندان وخاورشناسان ایران وجهان برگزار گشت.

چون در آن هنگام که بنای آرامگاه ساخته شد مراحل آزمایش خاک واستوار داشتن شالوده ساختمان همطراز با پیشرفتهای فنی کنونی نبود واز طرفی وضع درونی بنا شایستگی چندان نداشت، اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر مقرر فرمودند انجمن آثار ملی نسبت به مرتفع گشتن چنین نقیصه ها و شکوه وجلال افزونتر آرامگاه بهر صورت میسر باشد اقدام نماید ودر اجرای فرمان مطاع مبارک پس از چند سال کار وکوشش، بنای آرامگاه وباغ وساختمانهای مربوط به آن بصورتی که از نظر شاهانه می گذرد ساخته شده بطوری که هیئت اصلی ومنظر خارجی اولیه وقدمی بنای آرامگاه عیناً محفوظ مانده در قسمت داخلی آن تالار وسیعی به وسعت نهصد متر مربع مزین به نما سازیهای سنگی وکاشیکاریهای متناسب با چنین مقام خوابگاه ابدی حکیم را فرا گرفته است وتمام سنگ نبشته ها و نقوش برجسته بنای سابق عیناً در محلهای شایسته نصب گردید.

محوطه باغ از هرسو پنجاه متر توسعه یافته بیش از دو برابر باغ پیشین گردید. ضمناً ساختمانهای لازم جهت کتابخانه وموزه ومهمانسرا وآسایشگاه برای



اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بهنگام استماع گزارش مربوط به بنای آرامگاه فردوسی

زیارت کنندگان و شیفتگان فردوسی و دفتر و محل سکونت کارکنان آرامگاه و نیازمندیهای گوناگون چنین مقامی احداث گشت و تقدیس سخن سرای نامدار از سنگ يك پارچه تراشیده و در جایگاه مناسب نصب گردید و خیابان پهن مشجر بطول بیش از يك کیلومتر از پل کشف رود و کنار بنای تاریخی بقعه غزالی تا باغ آرامگاه ترتیب یافت.

لوحه تاریخی مربوط به وضع کنونی آرامگاه در بدنه تالار بزرگ آنجا و چکامه حاوی تحولات و اقدامات معروض بردیوار تالار کتابخانه نهاده شد و قسمتی از باروی قدیمی طوس که بر اثر توسعه باغ آرامگاه در داخل آن واقع گردید بنحو شایسته با احداث سایبانی درخور آن محفوظ داشته شد.

همزمان با این اقدامات از يك عده دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی نسبت به تهیه و تدوین مقالات و کتب حاوی پژوهشهای تازه مربوط به سراینده عالیقدر طوس دعوت گردید و بدین ترتیب نشرات تازه ای فراهم آمد که تعدادی از آنها چاپ و انتشار یافته بقیه نیز در دست عمل است.

مجموع مساحت باغ آرامگاه بالغ بر ۶۰/۵۶۷۵۳ مترمربع و مساحت زیر بنای اصلی آرامگاه ۹۴۵ مترمربع و مساحت زیر ساختمانهای دیگر ۲۷۶۶۶ متر مربع بوده هزینه تمام اقدامات معروض به میزان ۹۸۵۸۵۵۹۶ ریال رسیده است.

از پیشگاه مبارک شاهانه استدعا می نماید اجازه فرمایند آرامگاه برای زیارت شیفتگان تربت آن بزرگوار و همه علاقه مندان افتتاح یابد.»

در این هنگام شاهنشاه با قطع نوار سه رنگ بنای آرامگاه فردوسی را افتتاح فرمودند و به اتفاق علیاحضرت شهبانو و سایر همراهان از قسمتهای مختلف آن بازدید بعمل آوردند، شاهنشاه در پایان بازدید از بنای آرامگاه و مجسمه و سایر ساختمانها و باغ با ابراز خرسندی فرمودند:

«... مردم ایران باید بیش از پیش به خدمات این حکیم بزرگ آگاهی حاصل کنند و به آثار او بسبب زنده کردن زبان پارسی اهمیت بدهند و افکار او باید بیشتر در عرصه مطالعه عمومی قرار گیرد، بنابر این طرحی تهیه کنید که بموجب آن مردم ایران قدر خدمات شایان دانشمند بزرگ کشور خود را بدانند و به آثار ارجمند و گرانبهای او بیشتر واقف شوند». این مراسم در ساعت شش و نیم بعد از ظهر پایان یافت.

پردیس فردوسی

هنگام تجدید بنای آرامگاه فردوسی برای عبور و مرور زائران خیابان پهن و مشجری بطول ۱۲۰۰ متر از پل کشف رود تا مدخل باغ آرامگاه ترتیب داده شد. هنگام گشایش آرامگاه شاهنشاه مقرر فرمودند که باز هم به وسعت باغ آرامگاه افزوده شود بدین ترتیب که از آرامگاه فردوسی تا آرامگاه غزالی پردیسی به پهنای باغ آرامگاه فردوسی ایجاد گردد و خیابان پهن و مشجر موجود در وسط پردیس قرار گیرد و آرامگاه فردوسی در انتهای شمالی و آرامگاه غزالی در انتهای جنوبی آن واقع شود.

از آن هنگام انجمن آثار ملی با استفاده از همکاریهای نیابت تولیت

آستانقدس رضوی و استانداری وانجمن آثار ملی خراسان به فراهم آوردن مقدمات تحویل و تحول اراضی لازم پرداخت تا پردیسی به درازای ۱۲۰۰ و پهنای ۲۰۰ متر احداث نماید.

در صورت مجلسی که در تاریخ نوزدهم تیرماه سال ۲۵۲۸ (۱۳۴۸ ه. ش.) بوسیله نماینده اداره اصلاحات ارضی خراسان، نماینده ثبت اسناد، نماینده آستانقدس و نماینده انجمن آثار ملی تهیه شده، درباره اراضی مورد نیاز چنین آمده است:

۱- اراضی دو طرف جاده آرامگاه هرطرف به عرض ۸۷ متر که از دیوار جنوبی آرامگاه بطرف جنوب ادامه دارد تا محل عبور راه چشمه گیلان که مقابل نهراشتراکی طوس علیا و سفلی واقع شده و بطول تقریبی نهصد و چهل متر و عرض یکصد و هفتاد و چهار متر است از قرار هکتاری سی هزار ریال تقویم می شود، اراضی مذکور دیم زار است و آبی برای زراعت ندارد و بند این مزارع در کشف رود بواسطه خشکی رودخانه فاقد آب است و اگر هم بخواهند چاه عمیقی حفر نمایند کم آب یا بی آب خواهد بود.

۲- بعد از نهصد و چهل متر مذکور اراضی شهر طوس سفلی واقع شده است، در این قسمت چاه نیمه عمیقی حفر شده و اراضی دو طرف جاده را با آب چاه مذکور زراعت می نمایند لذا وضع این زمینها با اراضی ماده ۱ تفاوت دارد و بهای هر هکتار آن در دو طرف جاده بعرض ۸۷ متر بقرار هکتاری شصت هزار ریال تقویم می شود و هرگاه باز هم بخواهند دو طرف جاده را تا پل کشف رود ادامه دهند که طول تقریبی این قسمت هزار متر می شود بهای آن مانند قسمت سابق الذکر هر هکتاری شصت هزار ریال خواهد بود.

۳- قبل از دیوار بقعه هارونیه در طرف شمال اراضی سنگ چال واقع است و چون مستعد درختکاری نیست و باید برای آماده ساختن آن اقداماتی بعمل آید لذا بهای آن هکتاری ده هزار ریال تعیین می گردد.

۴ - چون در اراضی طوس علیا چاهی حفر شده و چاه دیگری هم در اراضی سرباغان حفر گردیده اگر این دو چاه در داخل اراضی لازم برای پردیس قرار گیرد باید بوسیله کارشناس هزینه احداث چاهها تعیین و بمالکان آنها تأدیه گردد. خرید قسمتی از اراضی مورد نیاز و بیش از يك سوم کارهای نه‌رسازی و درختکاری پردیس تا سال ۲۵۲۸ انجام گردید و خرید قطعی قسمتهایی از اراضی چون به کشاورزان تعلق داشت و مقدمات قانونی آن تا ماههای آخر سال ۲۵۳۱ فراهم نیامده بود در اواخر سال مذکور به مرحله عمل درآمد و در همین سال قسمتی از نرده‌های فلزی و مصالح ساختمانی دیوارهای سراسری پردیس نیز تهیه گردید. دیوارکشی دوطرف پردیس تا مسافت کمی از نهر کشف رود در سال ۲۵۳۲ انجام شد و دیوارکشی و نصب نرده‌های دوطرف پردیس و باغچه‌بندیها و کاشتن گلها و درختان زینتی و چمنکاری و غیره تا سال ۲۵۳۴ به پایان رسید. اخیراً برای رفت و آمد ساکنان روستاهای مجاور پردیس و وسائط نقلیه آنان نسبت به احداث دومعبر در دو سمت پردیس هر کدام به درازی ۱۲۰۰ متر و پهنای ۱۲ متر اقدام شده و اراضی آن از طرف انجمن آثار ملی خریداری گردیده و با همکاری فنی اداره راه خراسان تسطیح و شن‌ریزی آن در دست عمل و اقدام است تا آنچه برای تزین پردیس انجام می‌گیرد بر اثر رفت و آمد در داخل آن ضایع نگردد.

بمنظور تأمین آب بیشتر برای این محوطه و مستحدماتی که بصورت مجموعه در خور چنین کانون بزرگ ملی و فرهنگی بتدریج ساخته می‌شود، چاه عمیقی در زمینهای سمت جنوب کشف رود حفر شده و بزودی نسبت به احداث منبع و تکمیل شبکه لوله‌کشی و ترتیب بهره‌برداری از چاه مذکور اقدام خواهد شد. «با ایجاد پردیس و معبرهای مذکور محوطه‌ای به درازی نزدیک به يك کیلومتر و نیم و پهنای دو بیست و دو متر (باتوجه به باغ آرامگاه از يك طرف و مسافت بین پل کشف رود تا آنسوی باروی طوس) بادرختان سرسبز و گل

و گیاه و آبنماها و غیره ترتیب داده شده که بنای آرامگاه فردوسی و باغ و موزه و کتابخانه و مستحدثات دیگر آن و باروی طوس در يك کنار آن واقع شده و آرامگاه محمد غزالی و محوطه آن در کنار دیگر آن قرار گرفته است و بصورت ظاهر گردشگاهی است برای زائران تربت دو حکیم، اما در حقیقت جایگاه مناسب و وسیعی است که امید است در آینده کانون مهمی برای پژوهش درباره تاریخ و زبان و فرهنگ کهنسال ایران در سرزمین طوس گردد.^۱

۱ - مقاله دانشمند گرانقدر سید محمد تقی مصطفوی تحت عنوان: فردوسی و فردای ایران با اندک تصرف.

آرامگاه شیخ روزبهان نقی

شیخ روزبهان بقلی

سلطان العارفین و قطب المحققین شطاح فارس جمال الاسلام شیخ کبیر ابو محمد روزبهان بن ابی نصر بن روزبهان سایر بقلی دیلمی فسائی شیرازی* از دانشمندان و عارفان بزرگ نیمه دوم قرن ششم هجری است که در سال ۵۲۲ ه. ق. در فسا دیده به جهان گشود و در نیمه محرم سال ۶۰۶ ه. ق. پس از هشتاد سال زندگی در شیراز درگذشت. خاندانش در دوران سلطنت آل بویه از دیلم و گیلان به شیراز آمده در این شهر سکنی گرفتند. «در باره دوران کودکی در

* - برای آگاهی از شرح حال وی رجوع شود به:

- ۱ - روزبهان نامه بکوشش محمدتقی دانش پژوه، از انتشارات انجمن آثار ملی.
- ۲ - عبهر العاشقین، به تصحیح شادروان دکتر محمد معین و پرفسور هانری کرین.
- ۳ - روزبهان یا شطاح فارس، تألیف غلامحسین ندیمی.
- ۴ - شیراز، علی سامی، ص ۳۹۹ تا ۴۱۱.
- ۵ - تاریخ ملجوقیان و غز در کرمان، ص ۱۳۶.
- ۶ - شدالازار، معین الدین شیرازی.
- ۷ - طرائق الحقایق، معصوم علی شاه، ج ۲.
- ۸ - کشف الاسرار و مکاشفات الانوار.
- ۹ - نفحات الانس جامی.
- ۱۰ - مجله دانشکده ادبیات شیراز، شماره یک، سال اول، ص ۴۳ تا ۴۴ (سال ۱۳۳۶)

مقاله صدرالدین محلاتی.

۱۱ - لغت نامه.

۱۲ - آثار عجم فرصت، ج ۲، ص ۴۶۱.

۱۳ - اقلیم فارس، تألیف سید محمدتقی مصطفوی.

۱۴ - شیراز نامه، به تصحیح بهمن کریمی.

۱ - شیراز، سامی، ص ۴۰۰.

کتاب تحفه اهل العرفان از بعضی مصنفات وی چنین نقل شده است: شیخ فرموده اتفاق ولادت من در میان قومی بود که در غایت ضلالت و جهالت بودند، و شغل ایشان همه تباهی و مناهی بود، چون به سن تمیز رسیدم، داعیه طلب در وجودم پیدا شد، با خود گفتم که «خداوند پروردگار من کجاست؟ و در آن طفلی از کودکان و همشینیان در مکتب می پرسیدم «خداوند خود می شناسید؟» می گفتند: «می گویند از جای و جهات متزه است» از این سخن مرا وجدی حاصل می شد.^۱

روزبهان در ایام جوانی ریاضت بسیار کشید و به عراق و کرمان و حجاز و شام سفر کرد و به حضور دانشمندان و عارفان نامی و بلند آوازه رسید. درباره تحصیلاتش گوید^۲: «چون به سن بلوغ رسیدم قرآن یاد گرفتم.» و به تصریح خود او در کشف الاسرار حافظ قرآن بوده است. در تفسیر قرآن تبحریافت و دو کتاب در تفسیر تصنیف کرد. بنابر آنچه در شدالازار^۳ و نفحات الانس آمده، روزبهان «صحیح بخاری» را نزد حافظ سلفی در ثغر اسکندریه سمع کرد. وی چند کتاب نیز در فن حدیث تألیف کرده است. روزبهان علم فقه را از فقیه ارشد الدین نیریزی و جزا و فرا گرفت و کتابهایی در این فن تصنیف نمود. شیخ در تصوف و عرفان به گروهی از عرفا و مشایخ ارادت ورزید و به کمال رسید و در این رشته نیز کتابهایی نوشت و مدت پنجاه سال در جامع عتیق شیراز و جز آن به وعظ پرداخت. روزبهان بقلی سلسله روزبهانیه را تأسیس کرد و وی را در نواحی عالم اصحابی بود که به حسن طریقتش معترف بودند و از دریای حقیقتش بهره می بردند.^۴

فخرالدین عراقی در «عشاقنامه» درباره وی گوید:

پیر شیراز شیخ روزبهان	آن به صدق و صفا فرید جهان
اولیا را نگین خاتم بود	عالم جان و جان عالم بود

۱- دیباچه عبهر العاشقین، ص ۸. ۲- تحفه العرفان. ۳- ص ۲۴۳.

۴- شدالازار، ص ۲۴۶.



منظر آرامگاه شیخ روض بهان که به سال ۲۵۳۱ (۱۳۵۱ ه. ش.) ساخته و پرداخته شده است

شاه عشاق و عارفان بود او سرور جمله و اصلاان بود او
چون به ایوان عاشقی برشد روزبه بود و روزبه تر شد
سالها با جمال جان افروز روزشب کرده بود و شبها روز
شیخ روز بهان شعر نیز می سروده و از وی اشعاری باز مانده که از آنجمله است:

تمثال رخ ترا به چین بردستند آنجا که مصوران چابک دستند
درپیش مثال روی تو بنشستند انگشت گزیدند و قلم بشکستند

* * *

کی بو که سر زلف تو در چنگ زنم صدبوسه بر آن رخان گلرنگ زنم
در شیشه کنم مهر و هوای دگران درپیش تو ای نگار، بر سنگ زنم

مدفن روزبهان

قبر شیخ روزبهان در محله بسالا کفد شیراز که امروز به محله در شیخ (درب شیخ) معروف است نزدیک به انتهای شرقی خیابان لطفعلیخان زند واقع است. «ووجه تسمیه محله به «در شیخ» بمناسبت قبر همین عارف بزرگوار است. این محوطه در قدیم یعنی قرن ششم و هفتم هجری در کنار قبرستان قدیمی و معروف باغ نو قرار داشته که خود شیخ رباط بزرگی در آنجا ساخته و بعداً در وسط هسان رباط مدفون گردیده است. لیکن در نتیجه متروک ماندن آن قبرستان و تبدیل اراضی به خانه ها، مزار شیخ نیز در محوطه کوچکی در حدود سی متر مربع وسعت و دو متر گودتر از سطح کوچه بوضع نامطلوبی متروک افتاد...»^۱ درباره رباط روزبهان در دیباچه عبهر العاشقین آمده است که^۲ «روزبهان بقلی رباطی در باب الخدش شیراز (باب خدش یادرب خدش یادرب خدش از

دروازه‌های شیراز بوده، رك. شد الا زارص ۲۴۶، ۲۶۵، ۵۲۷ و ۵۲۹) بنا کرد که در آن مریدان را ارشاد می‌کرد و آیندگان و روندگان را اطعام می‌فرمود. «در کتاب روح‌الجنان^۱ ذکر شده است که «... چون [روزبهان] به شیراز رسید رای انورش مصلحت چنان دید بنیادرباطی نهد. چون رای اقامت مصمم شد، و این قصد محکم؛ بعضی از مشایخ زمان و اهل عرفان در عمارت رباط به نفس خود مساعدت نمودند و آن سالکان، صاحب‌دل بدست خود کارگل فرمودند. و در رمضان سنه ستین و خمسمائه ساخته و پرداخته شد، و وقف کرد رباط را بر اولیاء الله و صافیان و صوفیان درگاه...» و چنانکه اشارت رفت شیخ در همین رباط مدفون گردید.

در تحفة‌العرفان^۲ آمده است که «وفاتش در محرم سنه ست و ستمائه بوده است... و از جهت مدفن مبارك در بارگاه رباط از طرف جنوب‌خانه‌ای بود و مدفن آنجا اشارت کرده بود، اما در آخر عمر از آن بگردید، آنجا که این ساعت قبر او است دکانی بود بالای آن گشوده، و هیچ سقف نبود، فرمود که مرا آنجا نهید... پس چون در گذشت آنجا قبر فرو بردند، و خلق شهر بیکبار آهنگ رباط کردند...».

در کتاب شیراز سامی^۳ نقل شده است که: «سنگ قبر شیخ در صدر محوطه قرار گرفته و سنگ صندوقی بزرگتری که در حواشی آن نام چهارده معصوم به خط ثلث نوشته شده در زمان صفویه برای حفظ سنگ قدیم او از اقدامات تعصب‌آمیز عوام الناس بر روی سنگ اصلی گذارده‌اند. تاریخ وفات شیخ با این عبارت «فی‌منتصف محرم سنه ست و ستمائه» روی سنگ قبر نوشته شده است.

۱- از انتشارات انجمن آثار ملی (جزو روزبهان‌نامه) ص ۱۷۸.

۲- از انتشارات انجمن آثار ملی (جزو روزبهان‌نامه) ص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۳- ص ۴۱۰ و ۴۱۱.

فرزندان و نوادگان و نبیرگان شیخ اغلب فاضل و واعظ و دارای تألیفات و اشعاری بوده‌اند و بعضی از آنها درجوار شیخ مدفون می‌باشند، از آنجمله: شیخ فخرالدین احمد بن روزبهان بقلی پسر کوچک او که خود دانشمند و سالک راه طریقت بوده و کتاب الوجیز غزالی را هم از حفظ داشته و هم به نظم درآورده است (متوفی ۵۶۴۱ . ق.).

شیخ صدرالدین روزبهان ثانی فرزند فخرالدین احمد روزبهان که او نیز از دانشمندان زمان خود بوده و درمسجد جامع عتیق وعظ می‌کرده است (متوفی ۵۶۸۵ . ق.).

شیخ شرف‌الدین ابراهیم بن صدرالدین روزبهان ثانی که او نیز درمسجد جامع عتیق وعظ می‌کرده و کتاب «تحفة العرفان فی ذکر شیخ روزبهان» از نوشته‌ها و آثار اوست.

شادروان دکتر محمد معین نوشته است^۱ که «نگارنده در ۱۲ اسفندماه ۱۳۳۵... به زیارت آرامگاه شیخ روزبهان در محله «در شیخ» نایل آمد. محوطه آرامگاه مرکب از مکعب مستطیلی است بطول ۷ متر و ۶۵ سانتیمتر و عرض ۳ متر و ۷۲ سانتیمتر و سقف ندارد. در این محوطه کوچک شش^۲ سنگ قبر بزرگ قرار دارد که روی بعض سنگها کتیبه‌ای نگاشته‌اند.

اولین قبر سمت جنوب قبر شیخ روزبهان بقلی معروف است. طول سنگ قبر شیخ یک متر و ۶۹ سانتیمتر، عرض ۵۶ سانتیمتر، ارتفاع ۴۶ سانتیمتر است، بر روی سنگ قبر، سابقاً سنگ صندوقی قرار داشته است که روی آن مربع کوچکی بخط ثلث نگاشته شده، و آن تاکنون باقی مانده است. در حاشیه یعنی اطراف سنگ قبر، آیه الکرسی بخط نسخ نوشته شده که بعضی کلمات آن قابل قراءت است^۳...

۱- دیباچه عبهر العاشقین، ص ۱۶ تا ۱۸.

۲- در اصل «هفت قبر» است، اما در صفحه ۱۱۲ دیباچه استاد آن را تصحیح کرده است.

۳ نقل با تلخیص.

«سنگ دوم سنگی است که روی آن دو مربع بخط کوفی نوشته شده، و گویا سنگ لوحه پایین مزار شیخ بوده است که در دیوار پایین پا قرار داده شده بود و بعداً آنرا افقی بر زمین نهاده‌اند.^۱

سنگ سوم دارای کتیبه‌ای است که از آن جمله چنین خوانده می‌شود: ... قدوة المحققین، شیخ الشیوخ، جلال الحق والدین، یحیی بن المولی الولی... ابی محمد روزبهان^۲...

سنگ چهارم از آن شیخ شرف الدین ابراهیم بن روزبهان ثانی است. سنگ پنجم سنگی است که کلمات «احمد» و «روزبهان» در آن خوانده می‌شود، و تاریخ آن هم «احدی و سبعمایه» است.^۳

سنگ ششم قسمتی از سنگ صندوقی کوچکی است که در کنار دیوار محوطه گذاشته شده و بیش از نیم متر طول و ربع متر عرض و همین مقدار ارتفاع دارد. کلماتی که در طرفین این سنگ خوانده می‌شود چنین است: «السعيد الاعلم، الشهيد، ضياء الملة والدین... علی بن المولی الاعظم^۴...»

ظاهراً اطراف این قبور دیوار سنگی کوتاهی قرار داشته که چهار ضلع آن مانند گلدسته از سنگ بوده است، و قسمتی از سنگ و یکی از سنگهای زاویه محجر مذکور هنوز باقی است.

درخانه واقع در شمال شرقی مقبره، چاهی است از سنگ تراشیده و حلقه وار سنگ را در دهانه چاه قرار داده‌اند، و گویند این چاه متعلق به رباط شیخ بوده است.^۵

۱- مطالب منقول همه با تصحیحاتی که در صفحات ۱۱۲ و ۱۱۳ دیباچه آن کتاب شده نقل گردیده است.

۲- نقل با تلخیص.

۳- نقل با تلخیص.

۴- دوست دانشمند آقای محمد تقی دانش پژوه توانسته‌اند قسمت دیگری از نوشته‌های این سنگها را بخوانند، رک: دیباچه روزبهان‌نامه.

تعمیر آرامگاه

چنانکه اشاره شد پس از درگذشت شیخ روزبهان خاندقاهش محل آرامگاه او و چند نفر از کسان نزدیکش شد و در طول سالیان متمادی تنها اطاقی ویران از مجموع آثار آنجا باقی مانده بود.

استاد فقید، شادروان دکتر محمد معین در تاریخ هشتم آبانماه ۲۵۱۶ (۱۳۳۶ ه. ش.) درباره لزوم تعمیر آرامگاه شیخ کبیر روزبهان بقلی نامه‌ای بدین شرح به انجمن آثار ملی نوشته است (عیناً بدون هیچگونه تصرف و تغییر نقل می‌شود):

ریاست محترم انجمن آثار ملی

محترماً باستحضار میرساند چندی پیش بدعوت دانشکده ادبیات شیراز برای تدریس بشیراز رستم و آثار و ابنیۀ آن شهر را بازدید کردم. روزی همراه آقایان عدالت مدیر کل فرهنگ فارس، بصیری رئیس فرهنگ شیراز، سامی رئیس بنگاه علمی تخت جمشید، صدرالدین محلاتی معلم دانشکده ادبیات شیراز، دکتر نورانی وصال دانشیار دانشکده ادبیات شیراز بآرامگاه شیخ کبیر ابومحمد روزبهان بن ابی نصر بقلی فسوی شیرازی عارف معروف (متوفی ۶۰۶ ه. ق)، که در محله در شیخ (درب شیخ) واقع است، رفتیم. وضع اسف‌آور این آرامگاه که عبارت از محوطه ایست کوچک و بدون سقف، که شش قبر شامل قبر روزبهان و افراد خاندان او در آنجا قرار دارد، و روی هر قبر سنگی است، و سنگ‌هادرای کتیبه بخط ثلث و نسخ بوده که اینک فقط کتیبه دوسنگ قبر قابل قرائت است (تأحذی):

نخست کتیبه قبر خود روزبهان، دیگر کتیبه قبر صدرالدین روزبهان ثانی بن احمد بن روزبهان بقلی. در کتیبه سنگ قبر روزبهان بقلی چنین خوانده میشود: «... عماد الدین جمال الاسلام... الله فی... بن ابی نصر السائر البقلی... دارجلاله فی المکاشفات... لقاء جماله فی المشاهدات، توفی فی منتصف محرم ست وستمائه، والحمد لله رب العالمین»

فرست در آثار عجم (ج ۲ ص ۴۶۱) مینویسد: «بقعه‌ای عالی بوده از

سنگ و گچ، اطراف آن بقعه ایوانها و سرا و صحنها بوده، الحال تمام راجعاعتی متصرف شده در آنها ساکن آمده بلکه محل گاو و گوسفند قرار داده اند.» و معصوم علی شاه در طرائق الحقائق (ج ۲ ص ۲۸۷) مینویسد: «الحال محتاج بتعمیر است، و رفته رفته آثار آن تکیه عارف ربانی را از میان برده اند. خداوند توفیق دهد بکسانی که تجدید این بنای خیر نمایند.»

کاملاً آشکار است که محوطه آرامگاه و خانقاه شیخ را بتدریج تصرف کرده جزو املاک شخصی در آورده اند، و حتی مجاور آرامگاه خانه ایست که چاهی عمیق، که دهانه آنرا از سنگ تراشیده ساخته اند در هشتی آن واقع است، و این چاه متعلق بر براط شیخ روزبهان بوده، و اینک جزو خانه شخصی یکی از سکنه محل است.

عظمت مقام روزبهان بر اولیای محترم انجمن پوشیده نیست. وی مؤلف تفسیر معروف عرایس البیان فی حقایق القرآن، و لطائف البیان فی تفسیر القرآن، و مکنون الحدیث، و حقائق الاخبار، و العقاید، و منطق الاسرار، و شرح الطواسبین، و لوامع التوحید، و عبر العاشقین و کتب متعدد دیگر بفارسی و عربی است. از فضلی نامی اروپایی آقایان لوئی ماسینیون استاد معروف فرانسوی، ریتر استاد معروف آلمانی، ایوانف فاضل روسی مقیم هند، رسایی در باب او نوشته اند. کتاب عبر العاشقین او را که بزبان فارسی در باب عشق و عرفان نگاشته، نگارنده به همراهی آقای هانری کربن دانشمند فرانسوی تصحیح کرده و بچاپ رسانیده است و اینک دو مقدمه مشروح آن بزبانهای فارسی و فرانسه در ترجمه احوال و آثار روزبهان تحت طبع است. نگارنده توسط دوستان عکسهای از وضع موجود آرامگاه مزبور تهیه کرده بجانب آقای گدار و جناب آقای مصطفوی مدیر کل موزه ارائه داده است. عکسهای مذکور هم در مقدمه عبر العاشقین چاپ خواهد شد.

چون هم اولیای محترم انجمن مصروف احیای آثار بزرگان ایرانست، پیشنهاد مینماید مقرر فرمایند با مطالعه دقیق دوسه خانه اطراف آرامگاه و مخصوصاً خانه ای که چاه رباط در آن واقع است خریده؛ سقفی بر آرامگاه بزنند؛ و این آثار باقیمانده از قرن هفتم هجری را احیاء کنند و مشمول دعای خیر صاحب طرائق الحقائق و گروه بسیار از صاحبان قرار گیرند.

با تقدیم احترام محمد معین

در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۵۶ (۱۲ نوامبر ۱۹۵۶) پرفسور هانری کربن (Henry corbin) نامه ذیل را در همین باره به آقای سید محمد تقی مصطفوی مدیر کل باستانشناسی نوشته است:

Mon Cher Directeur,

Comme vous m'avez invité à le faire lors de notre récent entretien, je voudrais que cette lettre récapitule les raisons qui nous ont fait considérer ensemble l'opportunité de présenter à «La Société des monuments nationaux de l'Iran» un projet tendant à la restauration de la tombe du grand mystique RUZBEHAN BAQLI, à Shirâz. Je me réfère en outre aux deux lettres que vous a adressées d'autre part mon ami le professeur Moh. MO'IN, lesquelles contiennent une documentation précise.

L'idée de ce projet s'est en effet imposée à nous, au Dr MO'IN et à moi-même, au cours de notre collaboration dont le fruit sera la publication prochaine d'un premier volume des oeuvres de RUZBEHAN en persan, accompagné d'une traduction française. Nous avons ensemble subi l'attrait profond de cette figure qui jusqu'ici n'a retenu l'attention que d'un tout petit nombre d'Orientalistes, dont M. MASSIGNON. RUZBEHAN fut pourtant le contemporain de SOHRAWARDI, de Fariddaddin 'ATTAR. Tous les recueils de biographies le mentionnent. Mais avant tout, il a marqué le soufisme iranien de son empreinte la plus caractéristique. Il a vécu et il est mort à Shirâz (en 606 Hég.: 1209 A.D.) c'est un pur Fârsi; sa spiritualité et son lexique font de lui le précurseur de HAFEZ et son frère d'âme le plus proche. Chose étrange, à part son tafsîr lithographié en Inde, ses autres

oeuvres qui ont survécu, sont restées inédites. Elles sont un trésor de mystique, de poésie et de langue persane, que nous espérons remettre au jour les années prochaines.

J'avais eu moi-même le dessein de me rendre à Shirâz l'an dernier, pour faire un pèlerinage à sa tombe. Les soins que demandait la préparation de l'édition m'ont obligé de me contenter d'un pèlerinage mental. Mais vous aviez vous-même accueilli chaleureusement ma suggestion de demander sur place même, à un fonctionnaire du service archéologique, d'aller inspecter les lieux et de nous dire si la prise d'une photographie était possible. Nous avons reçu une réponse diligente, mais nous laissant deviner une situation déplorable. En tout cas, grâce à vous, mon cher Directeur, lorsque le professeur MO'In se rendit lui-même à Shirâz au printemps dernier, il trouva les autorités du Fârs déjà alertées par la question RUZBEHAN, et put rapporter de précieux renseignements recueillis sur place.

Hélas Nous ne sommes pas les premiers à nous lamenter. Il est émouvant de voir des auteurs du siècle dernier, Ma'sûm ALISHAH (auteur des *Torâ'iq al-Haqâ'iq*) et Forsat SHIRAZI, déplorer que l'on ait laissé des "squatters" s'emparer de ce qui fut le Khangâh de RUZBEHAN, y loger leur bétail, tandis que le mausolée abritant non seulement la tombe RUZBEHAN mais celles de six de ses descendants, tombait complètement en ruine. Nos auteurs priaient Dieu d'inspirer à quelques âmes généreuses le souci de réparer ces outrages. L'heure n'en est-elle pas venue aujourd'hui? N'en avons-nous pas les moyens?

Vous trouverez annexées à la présente lettre quelques photographies que le Dr. MO'IN a récemment recues de Shirâz.

Elles seront reproduites dans notre prochain livre, et permettent de se faire quelque idée de l'état actuel. la piée (d'environ 7 mètres sur 6 mètres) ou sont disposées les sept tombes, n'a plus ni voûte ni plafond; il s'est produit tout autour un exhaussement naturel du sol. Les inscriptions sont encore en partie lisibles, mais plusieurs des pierres tombales ont éclaté. Quelques maisons s'y trouvent maintenant accolées, qu'il faudrait acquérir, faire disparaître sans doute pour que pût s'élever de nouveau un petit monument, simple et digne, en pur style iranien, qui ferait revivre pour tous le souvenir de cette pure gloire spirituelle de Shirâz.

Les nouvelles recues tout récemment par le professeur MO'IN du Directeur général de l'Instruction Publique du Fars sont tout à fait encourageantes. Vous en aurez reçu copie ou résumé d'autre part. La somme exigée pour la première opération nécessaire, le rachat des maisons bâties postérieurement autour de la tombe, représenterait une somme de trois cent mille Rials. Mais il s'avère que non seulement les autorités de Shirâz mais certaines notabilités de la province sont toutes prêtes à donner leur concours financier. Nous avons la conviction que l'on peut compter sur le concours de maintes bonnes volontés. Il appartient éminemment à l'"An-jomân Asâr-e Melli" de provoquer ce concours. Dès lors, la seconde phase de l'opération ne présentera pas davantage de difficultés; plutôt que de restauration, il vaudrait mieux parler de l'érection du monument qu'attend le souvenir de RUZBEHAN. Avec l'enthousiasme de tous, le succès ne semble pas douteux.

Vous savez combien je m'en réjouirai. La fréquentation de l'oeuvre de RUZBEHAN m'a inspiré pour sa pensée quel-

que chose comme une dévotion fraternelle. Le travail que nous aura demandé la restitution de cette oeuvre, ne saurait avoir d'autre ni de meilleure récompense que celle de Voir rendre à la mémoire de ce grand Spirituel l'hommage visible que nous vous proposons. Vous serez certainement son avocat écouté par l' "Anjomân Asâr-e Melli" qui accueille toujours semblables projets avec la haute conscience de ses responsabilités. Et vous savez que si dans la faible mesure de mes moyens je puis encore vous être utile, vous pouvez compter sur moi.

Veillez agréer, je vous prie, mon cher Directeur, l'assurance de mes sentiments bien amicaux et dévoués.

Henry CORBIN

Professeur à l'Ecole des Hautes- Etudes
(Sorbonne)

Directeur du Département d'Iranologie de
I.I.F.I.

Monsieur Moh. Taqi MOSTAFAVI
Directeur général des Antiquités
au Musée

T E H E R A N.

که خلاصه ترجمه آن چنین است:

آقای مدیر عزیز

همچنان که طی مذاکرات اخیر مرا به انجام دادن این امر دعوت کردید، مایلیم که در این نامه خلاصه علل و دلایلی را که موجب شد که طرحی در بنای تجدید بنای آرامگاه عارف بزرگ روزبهان بقلی به انجمن آثار ملی بفرستیم یادآور شوم و علاوه بر آن به دو نامه‌ای که از طرف دوستان استاد محمد معین برای شما ارسال شده و حاوی مدارک دقیق و صحیحی است استناد نمایم. اندیشه تنظیم این طرح، در طی همکاری ما که ثمره آن انتشار نخستین مجلد از مصنفات روزبهان به زبان فارسی همراه با ترجمه فرانسوی آن در آینده نزدیک خواهد بود به من و دکتر معین الهام شده است.

ما تحت تأثیر ژرف و شگرف آن سیمایی قرار گرفته‌ایم که تاکنون تنها توجه معدودی از خاورشناسان مانند ماسینیون بدان معطوف شده است، روزبهان با سهروردی و فریدالدین عطار معاصر بود و در عموم مجموعه‌های تراجم احوال نام وی آمده. او قبل از هر چیز نقش جالب و خاص خود را بر چهره عرفان ایرانی برجسته نهاده است.

در شیراز دیده به جهان گشود و هم در آنجا در سال ۶۰۶ هجری = ۱۲۰۹ میلادی از جهان دیده بربست. وی ایرانی ناب و بی‌غش بود و معنویت و مصطلحاتش او را پیشگام و طلیعه حافظ و نزدیکترین برادر روحانی او گردانید. امر عجیب و بدیع این است که بغیر از تفسیر او که در هند با چاپ سنگی به طبع رسیده دیگر مصنفاتی که از وی بازمانده به چاپ نرسیده است. این آثار گنجینه عرفان و شعر زبان فارسی است که امیدواریم در سالهای آینده منتشر گردد.

من خود سال پیش قصد داشتم به شیراز بروم و مزار او را زیارت کنم، اما اقداماتی که برای مقدمات نشر آثار وی لازم بود مرا ناگزیر کرد که به سیر

وسفر معنوی درعالم فکر بدان مقصد قناعت نمایم.
 ... استاد معین در بهار گذشته به شیراز رفت و ملاحظه کرد که اولیای امور
 فارس در این باره بیدار و هشیار شده‌اند و در نتیجه توانست گزارشی متضمن
 اطلاعات سودمند فراهم آورد.

ما نخستین کسانی نیستیم که در این باره اظهار تأسف می‌کنیم، مصنفان
 سدهٔ اخیر معصوم علی‌شاه (مصنف طرائق الحقایق) و فرصت شیرازی هم از
 اینکه چوپانان خانقاه روزبهان را جایگاه اغنام و احشام خود کرده‌اند اظهار
 تأسف کرده‌اند و از اینکه مقبرهٔ روزبهان که تنها مزار او نیست بلکه مضاجع
 شش تن^۱ از کسان او نیز هست یکسره ویران شده است. مصنفان مذکور به-
 درگاه خداوند دعا کرده‌اند که به‌چندتن از ارباب کرم و فتوت الهام بخشد تا
 به‌جبران این اهانات دست ببرند. آیا امروز آن وقت فرا نرسیده است؟ آیا
 وسایل لازم برای این منظور را در دست نداریم؟ به‌پیوست این مکتوب عکس-
 هایی می‌باشد که دکتر معین بتازگی از شیراز دریافت کرده است. این عکسها
 در کتاب ما چاپ خواهد شد و امکان خواهد داد تا تصویری از وضع کنونی
 آرامگاه داشته باشیم. قطعه زمینی (قریب ۷ متر در ۶ متر) که هفت قبر^۲ مورد
 بحث در آن پراکنده است، دیگر نه گنبدی دارد و نه سقفی و در پیرامون این
 زمین سطح خاك بالا آمده، کتیبه‌های مقابر هنوز هم بیش و کم قابل خواندن
 است ولی تعدادی از سنگها ترکیده و شکسته است. اکنون متصل به این مقابر
 چند خانه احداث شده است که باید آنها را به‌اختیار آورد و بدون تردید خراب
 کردن آنها به‌جای بار دیگر بنای کوچکی برپا گردد، بنائی ساده ولی شایسته و لایق
 و بسبك ایرانی، بطوری که دگر باره خاطرهٔ این افتخار معنوی شیراز رازنده کند.
 اخباری که در ایام اخیر از مدیر کل فرهنگ فارس به‌استاد معین رسیده
 بتمام معنی امیدبخش است و رونوشت یا ملخص آنها به‌شما خواهد رسید.

۱- پنج تن صحیح است، رجوع شود به صفحه ۵۱۵ همین کتاب.

۲- صحیح شد قبر است.

مبلغ لازم برای اقدامات اولیه یعنی خرید خانه‌هایی که بعدها در پیرامون مقبره ساخته شده است، شاید در حدود سیصد هزار ریال باشد، ولی مسلم است که نه تنها مراجع دولتی شیراز بلکه بعضی معاریف استان کاملاً برای مساعدت مالی آماده‌اند و ما یقین داریم که به مساعدت جمعی کثیر از خیرخواهان می‌توان امید بست.

در درجه اول وظیفه «انجمن آثار ملی» است که محرك و مشوق این مساعدتها گردد و در این صورت دیگر برای مرحله دوم عملیات مشکلات و موانعی نخواهد بود. بجای آنکه از احیاء و تجدید ساختمان سخن برود، بهتر است که از پی افکندن بنائی که روزبهان چشم براه آنست سخن بگوئیم و بسا وجود اشتیاق همگان گویی توفیق در آن مسلم است.

... سروکار داشتن با آثار روزبهان درمن ارادتی برادرانه نسبت به او بوجود آورده است.

... به یقین شما آقای مدیر وکیل مدافع او خواهید بود که انجمن آثار ملی سخنانتان را به سمع قبول می‌شنود، انجمن مذکور پیوسته نظیر این طرحها را با حد اعلای وقوف به مسئولیت خود پذیرا بوده است... آقای مدیر عزیز، خواهشمندم لطفاً مراتب احساسات بس دوستانه و ارادتمندانه‌ام را بپذیرید.

هانی کربن

استاد مدرسه مطالعات عالیّه (سوربن)

و مدیر بخش ایرانشناسی

شادروان دکتر محمد معین در تاریخ ۲۹ آبانماه ۲۵۱۶ نامه دیگری به انجمن آثار ملی نوشته‌اند که قسمتی از آن چنین است:

پیرو نامه قبل، مجدداً باستحضار میرساند که آقای عدالت مدیر کل

فرهنگ استان هفتم بدرخواست نگارنده تحقیقاتی درباب آرامگاه شیخ روز- بهان در شیراز کرده‌اند و در نامه شماره ۴۳۱۰۳ مورخ ۳۶/۸/۶ بنگارنده نوشته‌اند: «اقدامی که برای مقبره شیخ فعلاً باید انجام پذیرد، این است که خانه مجاور آن که بیش از ۳۰۰ هزارریال ارزش ندارد خریداری و بمحوطه اضافه گردد، و بعداً بارگاهی با نقشه صحیحی ساختمان شود، و لازم‌تر از این بالاتر آوردن سطح مقبره تاحدکوچه و پوشاندن آنست، که در این خصوص به آقای پیرزاده متصدی باستانشناسی- که از کارمندان علاقه‌مند به آثار باستان است- دستور لازم داده شد که اقدام نماید. بدیهی است پس از بالا آوردن سطح محوطه سنگها بترتیبی که موجود است، گذاشته خواهد شد...»

انجمن آثار ملی در تاریخ سوم آذرماه ۲۵۱۶ در پاسخ هردو استاد پس از ابراز تشکر نوشته است که موضوع در جلسه هیأت مؤسسين مورد طرح و بررسی قرار خواهد گرفت. در تاریخ ۲۴ آذرماه از طرف انجمن به شادروان عدالت مدیرکل فرهنگ فارس نوشته شد که ... آرامگاه شیخ کبیر ابومحمد روزبهان وضع اسف آوری بخود گرفته و مقداری از محوطه مربوط به آرامگاه و چاه متعلق به رباط شیخ جزو خانه‌های شخصی گردیده است، برای احیای آرامگاه و ساختمان مقبره شیخ روزبهان که عظمت مقام معنوی او بر اهل دانش پوشیده نیست انجمن آثار ملی در نظر دارد که تا حدی که مقدور است اقدام نماید لذا خواهشمند است نظر آن اداره را نسبت به وضع بنا و اعتباری که جهت توسعه محوطه و ساختمان مقبره شیخ مورد احتیاج می‌باشد اعلام فرمایند تا هر اقدامی که میسر باشد معمول گردد.

شادروان عدالت در پاسخ این نامه نوشته است که... حداقل دو خانه کوچک طرفین مقبره که جزئی از رباط شیخ می‌باشد بساید خریداری شود... چاه خانقاه شیخ که حفاظت آن مورد نظر انجمن است خارج از محوطه دو خانه مزبور می‌باشد و در زاویه خانه دیگری است که چنانچه فقط دو خانه

طرفین مقبره خریداری شود برای حفاظت چاه باید چندمتری از آن خانه نیز خریداری و اطراف چاه نرده کشی گردد. مساحت یکی از دو خانه مذکور ۲۶۰ مترمربع و بهای آن مبلغ سیصد هزارریال و مساحت خانه دیگر یکصد و ده متر مربع و بهای آن دویست هزارریال است.

در جلسه اسفند ماه ۲۵۱۶ هیأت مؤسسين مقرر شد که آقای علی اصغر حکمت که در ایام نوروز به شیراز مسافرت می کنند وضع آرامگاه روزبهان را مورد بررسی قرار داده نتیجه را به اطلاع انجمن برسانند.

آقای حکمت در تاریخ هفتم فروردین ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه.ش.) به انجمن آثار ملی نوشتند که «... هنگام اقامت در شیراز حسب الامر به زیارت آرامگاه شیخ روزبهان نائل شدم. آقای سامی رئیس باستانشناسی فارس و رئیس فرهنگ فارس نیز حضور داشتند، پس از مطالعه معلوم شد که خریداری خانه های اطراف مقبره فعلاً عملی نیست و صاحبان آنها با آنکه در اراضی صحن مقبره خانه دارند توقع قیمت گزاف دارند، بنظر می رسد اگر اعتباری در حدود ۶الی ۷ هزار تومان پیش بینی شود با صرف آن بتوان به تعمیر و پوشش اطاق مقبره اقدام و آنرا مسقف و کاشیکاری کرد و درو پنجره و چراغ نیز نصب نمود...»

در نامه مبسوطی که در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ماه ۲۵۱۷ درباره آثار تاریخی فارس از طرف انجمن به استاندار و رئیس انجمن آثار ملی فارس نوشته شده آمده است که در مورد آرامگاه شیخ روزبهان که قبلاً مکاتبات مفصلی با اداره فرهنگ فارس بعمل آمده با توضیحاتی که از طرف جناب آقای حکمت در جلسه هیأت مؤسسين انجمن داده شد معلوم گردید که خریداری خانه های اطراف بقعه بعثت توقع خارج از اندازه صاحبان آنها و ضعف مالی انجمن فعلاً عملی نیست و مقرر شد که مبلغ شصت هزارریال در اختیار آقای علی سامی رئیس اداره آثار باستانی فارس گذارده شود تا نسبت به پوشش مقبره و

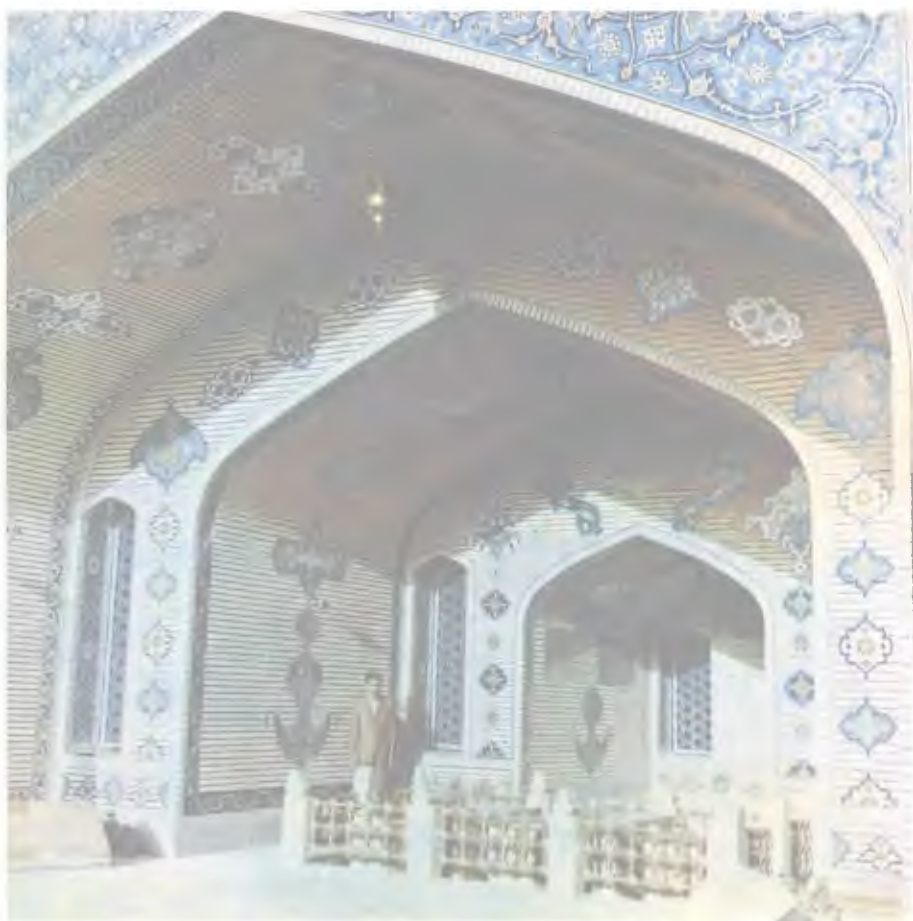
تعمیرات اساسی و تزئینات مناسب داخل آن اقدام نماید و فعلاً^۲ بهمین اندازه اکتفا شود تا چنانچه در آینده موجبات خریداری خانه‌ها و توسعه آرامگاه بنحو عملی و منطقی فراهم آمد درموقع خود اقدام گردد...

در تاریخ بیست و هفتم آذرماه ۲۵۱۷ آقای علی سامی رئیس اداره آثار باستانی فارس و بنگاه علمی تخت جمشید به انجمن آثار ملی نوشت که درباره ساختمان آرامگاه شیخ روزبهان باکمال مسرت به استحضار می‌رساند که تعمیرات آن که سالیان دراز مورد تقاضا و آرزوی علاقه‌مندان بود پایان پذیرفت و اقدامات انجام گرفته در آن از اینقرار است:

وضع اولیه قبر شیخ روزبهان بسیار نامطلوب و نازیبنده و سنگهای قبر در بیغوله‌ای به عمق ۲/۵ متر از سطح کوچه بوضع ناشایستی افتاده بود، لذا سطح فضا و سنگهای قبور تا حدود ۲/۷۵ متر بالا آورده شد و فضای روباز مقبره با شیب بامی آهنی و توفال کوبی مسقف گردید، کف آرامگاه با کاشیهای فیروزه‌ای رنگ مفروش و یک در ورودی و یک نیمدر جهت روشنائی ساخته و نصب گردید، سیمکشی داخلی برای برق و سفیدکاری آرامگاه بکلی خاتمه پذیرفت و با وضع فعلی دیگر نقیصه‌ای ندارد و از صورت نامطلوب گذشته به وضع آبرومندی درآمده است.

کل هزینه خرید چوب و آهن و شیب بامی سقف و توفال کوبی و کاه گل - مالی و نازک کاری و سنگ کاری زیر قبور و کاشیکاری کف آرامگاه و ساختن در و نیمدر و سیمکشی و خرید سایر لوازم و مصالح از قبیل سنگ شالوده و آجر و کاشی و گچ و آهک و سیمان بالغ بر ۵۱۶۱۸/۵ ریال می‌باشد.

و بدین ترتیب تعمیرات آرامگاه شیخ روزبهان به پایان رسید و بپیشنهاد آقای علی سامی موافقت شد که یکی از خدمتگزاران جزء اداره باستانشناسی حفاظت و نظافت آرامگاههای شیخ روزبهان و شیخ کبیر اضمیمه کارهای جاری خود نموده بعد از ظهرها به آنها رسیدگی کند و ماهی سیصد ریال بعنوان فوق العاده از بودجه



داخل آرامگاه شیخ روزبهان



داخل آرامگاه شیخ روزبهان که مدفن چند تن از فرزندان و نوادگان شیخ است

انجمن دریافت نماید.

بنای جدید آرامگاه

از سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه. ش.) که آرامگاه شیخ روزبهان تا حدودی تعمیر گردید انجمن آثار ملی همواره در نظر داشت که آرامگاهی در خورشان و مقام شیخ برای او بنا نماید و با خرید خانه‌های اطراف، صحن وسیعی برای آرامگاه وی فراهم آورد.

این موضوع مورد تقاضای مردم شیراز و فسائیهای ساکن آن شهر نیز بود چنانکه در تاریخ یازدهم شهریورماه ۲۵۲۳ نامه‌ای با دهها امضاء به آقای پیرنیا استاندار و رئیس انجمن آثار ملی فارس رسید که قسمتی از آن چنین بود: ... در سالهای اخیر توسط آقای سامی رئیس سابق باستانشناسی فارس با همکاری آقای میرزا صدرالدین محلاتی به دستور انجمن آثار ملی اقدام به ساختمان مقبره شیخ روزبهان شد و قرار بود بعد از آن سه منزل اطراف مقبره خریداری شود و صحن خانقاه شیخ مانند سابق وسعت پیدا کند. این موضوع که مورد درخواست و آرزوی اهالی شیراز بوده و هست هنوز عملی نشده است... نظر انجمن آثار ملی و استانداری فارس این بود که مقارن توسعه صحن آرامگاه روزبهان خیابانی بعرض ۱۲ متر نیز از خیابان لطفعلیخان زند منشعب و به آرامگاه منتهی گردد. از این رو در تاریخ ۲۳ شهریورماه ۲۵۲۴ آقای پیرنیا استاندار و رئیس انجمن آثار ملی فارس به انجمن آثار ملی نوشت: «در تعقیب نامه‌های قبلی راجع به خیابان و آرامگاه شیخ روزبهان خاطر شریف را مستحضر می‌دارد که جمع کل بهای تقریبی خانه‌هایی که در مسیر خیابان و اطراف محوطه آرامگاه قرار گرفته و باید خریداری شود در حدود ۳۴۳۷۶۸۹ ریال ارزیابی گردیده است که مبلغ ۸۳۱۹۳۷ ریال آن مربوط به چند خانه‌ای است که اطراف محوطه کوچک فعلی مقبره روزبهان قرار گرفته و باید خریداری و

ضمیمه آرامگاه گردد. چون شهرداری شیراز علاوه بر مبلغ ۷۵۲ و ۶۰۵ ریال که بابت غرامت خانه‌های مسیر خیابان باید بپردازد مبلغ زیادی هم خرج خیابان‌کشی و تسطیح و جدولسازی و اسفالت آن خواهد کرد، خواهشمند است دستور فرمایند مبلغ ۸۳۱۹۳۷ ریال بهای خانه‌ها را با افزایش صدی بیست بطور تقریب برای افزایشی که در نتیجه اعتراض صاحبان خانه‌ها ممکن است به بهای تقریبی ارزیابی شهرداری اضافه گردد تأمین و حواله فرمایند تا هرچه زودتر سروصورتی به راه مقبره و خود مقبره روزبهان داده شود.

برای این منظور مبلغ یک میلیون ریال از طرف انجمن آثار ملی در اختیار استانداری و انجمن آثار ملی فارس گذارده شد تا خانه‌های مذکور خریداری شود. آقای پرنیادر تاریخ پنجم آذرماه ۲۵۲۵ خطاب به شهرداری شیراز نوشته است که «مبلغ هشتصد هزار ریال جهت خرید سه خانه حریم مقبره شیخ روزبهان فرستاده شد، خواهشمند است دستور فرمائید قبل از خراب کردن سه خانه مذکور به انجمن آثار ملی اطلاع دهند تا مهندسان انجمن وضع خانه‌ها را مورد بررسی و معاینه قرار دهند...»

در چهارم اسفندماه ۲۵۲۷ جناب آقای مهرداد پهلبد وزیر فرهنگ و هنر نیز به انجمن آثار ملی نوشته‌اند که «علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران مقرر فرمودند که مقبره شیخ روزبهان بقای فسائی شیرازی که از اجله عرفا و دانشمندان ایران است متناسب با شخصیت عارف مذکور احیا گردد و چون قبلاً هم از طرف انجمن اقدامی در این مورد بعمل آمده خواهشمند است دستور فرمایند میزان پیشرفت کار و همچنین برنامه‌ای را که در این زمینه اجرا خواهد شد به این وزارت اعلام دارند تا مراتب به عرض علیاحضرت شهبانوی ایران برسد.»

در پاسخ این نامه نوشته شده است که ... از چند سال پیش بر اثر تقاضای انجمن آثار ملی فارس مبالغی برای این منظور تخصیص و به اختیار استانداری

فارس و شهرداری شیراز گذارده شده و اکنون هم اقداماتی در دست انجام است، به آقای حسین جودت دستور داده شد که فوراً به شیراز رفته موضوع را تعقیب نمایند...

چون مستغلات خریداری شده کافی برای بنای جدید آرامگاه نبود، لذا اقدام به ساختمان تا سال ۲۵۲۹ به تأخیر افتاد و پس از تماس با شهرداری شیراز و مکاتبه با وزارت کشور و فراهم آمدن مقدمات قانونی، قسمتی از اراضی شهرداری واقع در مقابل آرامگاه نیر به محوطه آرامگاه اختصاص یافت و پس از تهیه نقشه‌های متعدد و گوناگون که بوسیله آقایان مهندس فروغی و مهندس سیحون برای آرامگاه روزبهان تهیه شده بود آخرین نقشه بشیوه معماری اصیل ایرانی و در خور مقام شیخ از طرف آقای مهندس فروغی تهیه و ارائه شد و مورد تصویب و مبنای عمل قرار گرفت و در تاریخ ۲۸ بهمن ماه ۲۵۲۹ از طرف انجمن به آقای صدری استاندار و رئیس انجمن آثار ملی فارس نوشته شد که نقشه مربوط به ساختمان بقعه روزبهان که توسط جناب آقای سناتور مهندس فروغی تهیه شده است بضمیمه ارسال می‌گردد، دستور فرمائید که کلیه خانه‌های خریداری شده تخریب و محوطه برای پی‌برداری بنای جدید آماده شود، نقشه اجرایی تفصیلی ساختمان قریباً ارسال خواهد شد.

در فروردین ماه ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ ه. ش.) آقای حسین جودت به انجمن گزارش داد که کار ساختمان آرامگاه روزبهان روز ۱۴/۱/۳۰ (۱۳۵۰ ه. ش.) شروع شد و محوطه با سیم خاردار محدود و مشخص گردید. در قسمتی از محوطه دو اتاق یکی برای دفتر و دیگری برای انبار ساخته شد، چون شش قبری که در جوار یکدیگر قرار دارد نسبت به سطح زمین بنایی که ساخته خواهد شد در گودی قرار گرفته است به طول ۶/۳۰ متر و عرض ۲/۹ متر تا ارتفاع کف خیابان بالا آورده و محصور گردید و روی قبرها چادر زده شد که در جریان ساختمان بنا به آنها آسیبی وارد نشود تا نسبت به وضع نهائی آنها تصمیم گرفته شود، مطالعات

لازم راجع به مصالح بعمل آمد و چون در شهر شیراز آجر خوب که بدرد روکار بنا بخورد نیست و آجر کلیه بناهای خوب شیراز از اصفهان حمل می-شود بنابراین برای روکار آرامگاه نیز باید از آجرهای اصفهان خریداری و حمل گردد.

ساختمان آرامگاه تا آخر سال ۲۵۳۰ (۱۳۵۰) نزدیک به مرحله پایان رسید و سفتکاری قسمتهای مختلف بنا، ساختن دیوار محوطه، تهیه و نصب نرده‌ها، فرش کف آرامگاه و ایوان و محوطه جلو بنا با سنگ تراش چهار گوش کوچک و منظم، عایق کاری و فرش بام، تهیه پایه‌های سنگی و نرده‌های فلزی مناسب برای نصب در اطراف سنگهای تاریخی مزار شیخ و فرزندان، قسمت عمده کاشیکاریهای معرق و معقلیه‌های داخل بنا و نما سازی جبهه خارجی بنا انجام گردید و در سال ۲۵۳۱ ساختمان بنای آرامگاه و تزیینات کاشیکاری آن پایان یافت و نقشه دفتر و کتابخانه مناسب با محوطه موجود آرامگاه تهیه و مقدمات ساختمان آن فراهم شد.

خیابان روزبهان - خیابان روزبهان که طول آن در حدود ۵۰۰ متر است از خیابان لطفعلیخان زند منشعب شده و تا مقابل آرامگاه روزبهان امتداد یافته است. ظاهراً مقرر است که شهرداری شیراز این خیابان را امتداد داده به خیابان آستانه سید علاءالدین حسین متصل سازد.

چگونگی آرامگاه - آرامگاه شیخ روزبهان اکنون در انتهای خیابان روزبهان و سمت مشرق آن قرار دارد. پس از ورود به محوطه آرامگاه از سه پله سنگی بالا رفته به ایوانی سرباز می‌رسیم که اطراف ساختمان کشیده شده است، پس از آن ایوان مسقفی است و بعد از آن ایوانی با عرض کمتر که قبر شیخ روزبهان و قبور پنج تن از فرزندان و فرزند زادگانش در آن واقع است و شش سنگ قبر سابق الذکر در کنار یکدیگر قرار دارد و اطراف آنها را با نرده‌های فلزی که پایه‌هایی از سنگ تیشه‌ای گندمی دارد محدود و محصور ساخته‌اند. برپیشانی این ایوان با خط نستعلیق بر روی سنگ نوشته شده است:

آرامگاه شیخ کبیر ابومحمد روزبهان
تولد در فسا ۵۲۲ هجری - وفات در شیراز ۶۰۶ هجری

بربالای ایوان لوحه‌ای برنجی است که روی آن نوشته شده است:
«لااله الا الله الملك الحق المبين» و در پایین این لوحه بر روی سنگ نوشته شده است:

«ای ترا با هر دلی رازی دگر»

پس از این ایوان شاه‌نشینی است که در انتهای آن (مقابل در ورودی) دو پنجره مشبك با کاشی معرق قرار دارد و در بین آن دو پنجره و همچنین سمت شمال و جنوب شاه‌نشین سنگ نبشته‌هایی نصب گردیده است. نمای ساختمان از آجرها تراش و کاشیهای معرق و معقلکاری است و چاه سابق الذکر در شمال شرقی محوطه قرار گرفته و دهانه آن با سنگ گندمی پوشانیده شده است.
کتیبه ها - بین دو پنجره مشبك مذکور سنگ نبشته تاریخ بناست بدین شرح:

بخواست خدای هر دو جهان
بفرمان مبارك اعلی حضرت همایون
محمد رضا پهلوی شاهنشاه آریامهر

بنای آرامگاه شیخ روزبهان ابومحمد فرزند ابی نصر فرزند روزبهان سایر بقلی دیلمی فسانی شیرازی در جایگاه بخشی از مجموعه ساختمانهای خانقاه و رباط و دیگر ابنیه دوران زندگی آن بزرگوار که پس از مرگش خوابگاه ابدی وی و چند نفر از افراد خانواده او گردید بوسیله انجمن آثار ملی ساخته شد. تولد شیخ ۵۲۲ هجری = ۵۷۰ خورشیدی. درگذشت شیخ ۶۰۶ هجری ۵۸۸ خورشیدی. آغاز ساختمان ۱۳۵۰/۱/۱۵ پایان ساختمان ۱۳۵۱/۴/۱۵
طرح از مهندس محسن فروغی اجراکننده حسین جودت

در سمت جنوب شاه‌نشین کتیبه‌ای است در دو قسمت که قسمت اول آن

چنین است:

«شیخ روزبهان ابو محمد بن ابونصر بقلی فسائی شیرازی سال ۵۲۲ هجری در فسا چشم بدنیاگشود و در محرم ۶۰۶ هجری در شیراز در خانقاه خود که اکنون این بنا در آنجا برپا شده است جهان را بدرود گفت. این عارف بزرگوار جامع بین کمالات صوری و معنوی - قال و حال - زهد و عشق - صحو و سکر - تحقیق و تعلیم در شریعت و طریقت و پیشوای کاروان راه حقیقت بوده است»
قسمت دوم کتیبه سمت جنوب چنین است:

- قسمتی از رباعیات شیخ روزبهان -

دل داغ تو دارد، ارنه بفروختمی

در دیده توئی، و گرنه بر دوختمی

جان منزل تست ورنه روزی صدبار

در پیش تو چون سپند بر سوختمی

زنهار در آن کوش که باشی پیوست

مقبول کسان گرت برآید از دست

مگذار که افتی از نظر مردانرا

هر چیز که از طاق دل افتاد شکست

تا چند سخن تراشی و رنده زنی؟

تا کی بهدف تیر پراکنده زنی؟

گر يك سبق از علم خموشی دانی

بسیار براین گفت و شنو خنده زنی

اگر آهی کشم صحرا بسوزم جهان را جمله سرتاسر بسوزم

بسوزم عالم ار کارم نسازی چه فرمائی بسازم^۱ یا بسوزم

* * *

در این زمانه منم قائد صراط الله ز حد خاور تا آستانه اقصی
روندگان معارف کجا مرا بینند که هست منزل جانم بماوراء ورا
کتیبه سمت شمال شاه نشین چنین است:

آثار شیخ روزبهان

- ۱- لطائف البیان فی تفسیر القرآن ۲- عرائس البیان فی حتمایق القرآن
- ۳- مکنون الحدیث ۴- حدائق الاخبار ۵- الموشح فی المذاهب الاربعه
- ۶- کتاب العقاید ۷- کتاب الارشاد ۸- کتاب المناهج ۹- مشرب الارواح
- ۱۰- منطق الاسرار ببیان الانوار ۱۱- رساله الانس فی روح القدس ۱۲- کتاب
- العرفان فی خلق الانسان ۱۳- سیر الارواح ۱۴- عبهر العاشقین ۱۵- لوامع
- التوحید ۱۶- مسالك التوحید ۱۷- شرح الحجب والاستار فی مقامات اهل
- الانوار ۱۸- سیر الارواح ۱۹- غلطات السالکین ۲۰- شرح الشطحیات
- فارسی ۲۱- سلوة القلوب ۲۲- سلوة العاشقین ۲۳- مقایس السماع ۲۴-
- صفوة مشارب العشق ۲۵- دیوان المعارف ۲۶- تحفة المحیین ۲۷- منهج
- السالکین.

ساختمان فرعی- در جنوب شرقی ساختمان آرامگاه دواطاق که هر يك چهارمتر در چهارمتر است ساخته شده که یکی از آنها محل کتابخانه می باشد و هم اکنون در حدود یک هزار مجلد کتاب در آن نگهداری می شود و اطاق دیگر محل سکونت نگهبان آرامگاه است. زمین محوطه آرامگاه با سنگ چکشی و کف اطاقها با موزائیک مفروش شده است.

ثبت در فهرست آثار ملی - از طرف وزارت فرهنگ و هنر در نهم تیرماه ۲۵۳۴ به سازمان حفاظت آثار باستانی نوشته شد که بنای آرامگاه شیخ محمد

روزبهان واقع در شیراز به لحاظ مقام والای شیخ درعالم عرفان و ارتباط آن با شئون ملی کشور حائز اهمیت خاص بود و با تصویب شورای عالی فرهنگ و هنر قابل ثبت در فهرست آثار ملی ایران تشخیص داده شد. اینک به اطلاع می‌رساند که جریان ثبت این بنا طی شده و از تاریخ ۵۳/۱۲/۲۶ به شماره ۱۰۴۳/۴ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. بنابراین از تاریخ فوق مقررات قانون و آئین‌نامه حفظ آثار عتیقه مصوب دوازدهم آبان‌ماه ۱۳۰۹ و مقررات ماده واحده قانون ثبت آثار ملی مصوب آذرماه ۱۳۵۲ درباره آن به اجرا گذاشته می‌شود. خواهشمند است دستور فرمائید بمنظور حفظ و حراست اثر ملی مذکور و جلوگیری از هرگونه دخل و تصرف در آن مراتب را به کلیه مقامات تابعه ابلاغ نمایند.

انجمن آثار ملی در پاسخ نامه‌ای که از طرف سازمان ملی حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران درباره موضوع مذکور به انجمن نوشته شده بود در تاریخ ۳۴/۵/۴ پاسخ داد که... موضوع ثبت آرامگاه شیخ محمد روزبهان واقع در شیراز قبلاً از طرف انجمن آثار ملی به وزارت فرهنگ و هنر پیشنهاد شده بود بدیهی است حفظ و صیانت آرامگاه مزبور بصورت کنونی مورد علاقه انجمن آثار ملی می‌باشد و یقین دارد که مسئولان مربوط هم به اهمیت این موضوع توجه فرموده و می‌فرمایند.

۱۶

آرامگاه شاه شجاع مظفری

شاه شجاع

جلال‌الدین ابوالفوارس شاه شجاع فرزند مبارزالدین محمدبن امیر مظفر بن منصور از شهریاران آل مظفر بود که در سال ۷۳۳ هجری قمری متولد شد و در سال ۷۶۰ به پادشاهی رسید و پس از ۵۳ سال عمرو ۲۶ سال سلطنت در بیست و دوم شعبان سال ۷۸۶ ه.ق. درگذشت و خواجه حافظ در تاریخ وفات او سرود:

رحمن لایموت چو آن پادشاه را

دید آن چنان کزو عمل‌الخیر لایفوت

جانش غریق رحمت خود کرد تابود

تاریخ این معامله «رحمان لایموت»

پدر شاه شجاع، امیر مبارزالدین محمدبن مظفر مؤسس سلسله مظفریان یا آل مظفر بود و مادرش از سلسله قراختائیان کرمان. «آل مظفر مدت ۷۷ سال در فارس، اصفهان، کرمان، خراسان، آذربایجان و قسمتی از خوزستان پادشاهی کردند و سرانجام سلسله آنها بدست امیر تیمور منقرض گردید».^۱

شاه شجاع مردی دلیر بود و قسمت عمده مدت سلطنت خود را به دفع مخالفان و جنگ با برادران و برادر زادگان گذراند و در اغلب این نبردها پیروز گردید. «وی مردی فاضل، شاعر، شعر دوست، ادب‌پرور و دارای خطی زیبا بود و نزد قاضی عضدالدین ایچی و جمعی دیگر از دانشمندان زمان تحصیل کرد، شاه شجاع حافظ قرآن بود و در اقامه شعائر دینی جدی بلیغ داشت، وی مدرسه «دارالشفاء» شیراز را تأسیس کرد و سید شریف جرجانی را مأمور

تدریس در آن مدرسه نمود و خود او نیز غالباً در حوزه درس مولانا قوام الدین عبدالله استاد حافظ حاضر می شد^۱.

شاه شجاع ممدوح حافظ بود و خواجه که قسمتی از عمر خود را در مصاحبت این پادشاه گذرانیده در چند غزل وی را ستوده است.

در باره دوستی حافظ با شاه شجاع نوشته اند^۲ که «محرك واقعی این دوستی، بهر حال، بیشتر علاقه ای بود که شاه شجاع به شعر و ادب داشت. خود وی از شعر لذت می برد و با اشعار قدما فارسی و عربی- مانوس بود. غزل را با لطف و حال می گفت و حتی بعضی قطعات دارد آکنده از حماسه و هزل. در شاعری گویی فرصتی می جست برای آنکه آلام و آمالی را که جبروت و حشمت شاهانه مانع ابراز آن بود بیان کند.

در سالهای سرگردانی که اختلاف با شاه محمود [برادرش] وی را از شیراز رانده بود يك منظومه ساخت به نام ده نامه- روح العاشقین در بحر هزج- که باقی است و حاکی از تألمات واقعی وی در آن ایام. غزلها و قطعه هایی که نیز از او باقی است اگرچند بسیار نیست اما نشان می دهد که شاه ترکان شعر را يك تفنن ساده نمی شمرده است بلکه در آن صرف اوقات می کرده است. حافظ نیز که گاه بعضی اشعار وی را استقبال می کرد. «دلم جز مهر مهر و بیان طریقی بر نمی گیرد» که مطلع يك غزل مشهور شاعر است جوابی بود به يك غزل شاه شجاع. بیهوده نیست که شاعر شیراز در این غزل خویش «ز شاهنشاه عجب» می داشت «که سرتاپای حافظ را چرا در زر نمی گیرد». غزل دیگرش نیز که در طی آن «هاتفی از گوشه میخانه دوش» وعده رحمت می دهد نیز استقبالی است از يك غزل شاه شجاع با همین وزن و قافیه، که طراوت بیان و شور و حالی که در آن است می بایست مایه تحسین و اعجاب حافظ شده باشد. بعلاوه بعضی

۱- لغت نامه.

۲- از کوچه زندان، ص ۱۳۲.

اشعار و منشآت عربی هم که از او باقی است حاکی است از علاقه واقعی که این پادشاه داشته است به معلومات رایج در عصر خویش.

حافظ در غزلی به مطلع:

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد

دل رمیده ما را رفیق و مونس شد

گوید:

به صدر مصطبه ام می‌نشانند اکنون دوست

گدای شهر نگه کن که میر مجلس شد

خیال آب خضر بست و جام اسکندر

به جرعه نوشی سلطان ابوالفوارس شد

و در پایان غزلی دیگر فرماید:

عمر خسرو طلب از نفع جهان می‌طلبی

که وجودی است عطا بخش و کریم و نفاع

مظهر لطف ازل روشنی چشم امل

جامع علم و عمل جان جهان شاه شجاع

مطلع غزل دیگری از او چنین است:

قسم به حشمت و جاه و جلال شاه شجاع

که نیست باکسم از بهر مال و جاه نزاع

و در مقطع همین غزل گوید:

جبین و چهره حافظ خدا جدا مکناد

ز خاک بارگه کبریای شاه شجاع

و در غزل دیگری گوید:

سحر ز هائف غیم رسید مژده به گوش

که دور شاه شجاع است می‌دلیر بنوش

محل نور تجلیست رای انور شاه
 چو قرب او طلبی در صفای نیت کوش
 بجز ثنای جلالش مساز ورد ضمیر
 که هست گوش دلش محرم پیام سروش
 در سال ۷۷۷ ه. ق شاه شجاع مدتی به آذربایجان رفت، حافظ که همراه
 موکب او نبود در غزلی سرود:
 ای صبا گربگذری بر ساحل رود ارس
 بوسه زن برخاک آن وادی و مشکین کن نفس
 محمل جانان ببوس آنگه به زاری عرضه دار
 کز فراق سوختم ای مهربان فریاد رس
 نام حافظ گر بر آید بر زبان کلك دوست
 از جناب حضرت شاهره بس است این ملتمس
 چنانکه اشاره شد شاه شجاع خود ادیب و شاعر بود و به فارسی و عربی
 شعر می سرود. این قطعه را به برادرزاده خود شاه یحیی حاکم یزد که بروی
 یاغی شده بود و پس از محاصره اعتذار نمود نوشته است:^۱
 ترا نگفتم ای روزگار بی حاصل
 که من ز مهر تو و کین تو ندارم باک
 من آن نیم که به اقبال تو شوم خرم
 من آن نیم که زادبار تو شوم غمناک
 به برو بحر و تر و خشک از چه می نازی
 تو ای و قطره یی از آب شور و مثنی خاک
 مرا سری است که ترك کلاه همت او
 نسازد آستر الا ز اطلس افلاک

۱- سفینه فرخ، چاپ اول، ص ۷، به نقل از کتاب تاریخ عصر حافظ.

برادرش محمود درگذشت ووی این رباعی را سرود^۱:
 محمود برادرم شه شیر کمین می کرد خصومت از پی تاج و نگین
 کردیم دو بخش تا بر آساید ملک اوزیر زمین گرفت و من روی زمین

مدفن شاه شجاع

آقای سامی درباره قبر شاه شجاع نوشته اند^۲: «قبر این پادشاه در اراضی کنار کوه تخت ضرابی (یا کوه چهل مقام) در جوار قبر شیخ قطب الدین محمود و در یکصد متری مغرب تکیه هفت تنان قرار گرفته و کریمخان زند سنگ بزرگی بدست میرزا محمد کرمانی مؤلف خلاصة العلوم که منشی او بوده، روی قبر انداخته است و این عبارت به خط خوش نستعلیق به روی آن نقر گردیده است: «هو الحی الذی لایموت. هذا مدفن السلطان العادل الباذل المرحوم المغفور شاه شجاع مظفری و وفاته سنة ست و ثمانین و سبعمائة فی الهجرة كما قال العارف السالك شمس الدین محمد الحافظ علیه الرحمة» حیف از شاه شجاع و تجدید مزاره فی شهر ربیع الثانی ۱۱۹۲».

می توان حدس زد که روی قبر شاه شجاع اصلاً ساختمان و دستگاهی نبوده زیرا پس از او با آن اختلافاتی که در بین سرکردگان این سلسله درگیر شد و بعلاوه چهار سال بیش جانشینان او نتوانستند پادشاهی را در این خاندان نگاهدارند و بدست امیر تیمور برچیده شدند، تصور می رود که توفیق ساختمان مناسبی را بر روی قبر پیدا نکرده باشند، و بطوری که میرزا محمدخان کرمانی منشی کریمخان زند در کتاب «خلاصة العلوم» نوشته بر حسب تقاضایی که از او می شود مأمور بنای بقعه ای بر روی آرامگاه می گردد ولی موفق نشده است. بنابراین آرامگاه چنین سلطان شجاع و سلحشور و دانشمندی متروک و مهجور

۱- آتشکده آذر، بخش نخست.

۲- شیراز، سامی، ص ۳۸۹.

در گوشه‌ای افتاده بود.»

بنای آرامگاه

انجمن آثار ملی در سال ۱۳۳۷ ه.ش. بنا بر تقاضای انجمن آثار ملی فارس تصمیم گرفت که آرامگاهی مناسب برای شاه شجاع بر مزار او بنا کند و نقشه ساختمان در همان سال بوسیله آقای مهندس سیحون آماده گردید اما معلوم شد که اراضی اطراف قبر که از قدیم الایام از موقوفات تکیه هفت تنان بوده، در معرض دستبرد سودجویان قرار گرفته و همه را تصرف کرده اند و تنها چند متر زمین و سنگ قبری باقی است، و اداره اوقاف فارس از مراجع قانونی تقاضای رسیدگی و احقاق حق کرده است.

برای واگذاری زمین جهت احداث آرامگاه بایمسار سرتیپ علی پارسا که قسمتی از زمینهای آن حدود به ایشان تعلق داشت مکاتباتی بعمل آمد و ایشان آمادگی خود را برای هر گونه همکاری و همراهی اعلام داشت.

در تیرماه سال ۱۳۱۹ نقشه ساختمان آرامگاه را آقای سامی رئیس باستانشناسی فارس به آقای مهندس صدر هاشمی (مهندس ناظر ساختمان دانشگاه شیراز و گنبد حضرت شاه چراغ) تسلیم کرد تا ضمن تطبیق آن با محل هر گونه همکاری لازم را برای بنای آرامگاه بنماید و یادآور شد که مبلغ یکصد و پنجاه هزار ریال از محل اعتبار اعطائی انجمن آثار ملی مرکز در سال ۱۳۱۷ موجود است و چنانچه کسری هم داشته باشد از طرف انجمن تأمین خواهد شد و بدین ترتیب ساختمان آرامگاه شاه شجاع آغاز گردید و تا اوایل سال ۱۳۲۰ قسمتی از کارهای مقدماتی و اسکلت بندی آهنی آن به پایان رسیده است.

با آنکه مالکان اراضی اطراف آرامگاه برای واگذاری قسمتی از اراضی خود برای محوطه آرامگاه قول مساعد داده بودند باز از اوایل سال ۱۳۲۰

بسبب مشخص نبودن وضع اراضی اطراف و محظوراتی که از این حیث درپیش بود ساختمان آرامگاه متوقف گردید.

در جلسه مورخ ۲۱ تیرماه ۲۵۲۳ انجمن آثار ملی فارس راجع به ساختمان آرامگاه شاه شجاع مظفری و اراضی حریم آن از طرف آقای سامی اطلاعاتی به استحضار اعضاء انجمن رسید و آقای پیرنیا استاندار و رئیس انجمن آثار ملی فارس تصمیم خود را دائر به احداث يك خیابان فرعی از خیابان دروازه قرآن به آرامگاه بیان داشت و به آقای شهردار که در جلسه حضور داشت تأکید نمود که هر چه زودتر نقشه این خیابان را تهیه و برای تصویب به استانداری تسلیم نماید، ضمناً مقرر شد که شرحی به انجمن آثار ملی ایران نوشته شود تا اعتبار ساختمان آرامگاه را تأمین و حواله نمایند. برای واگذاری اراضی اطراف آرامگاه شاه شجاع به آرامگاه نیز مقرر گردید که حتی الامکان با توجه به خیابانی که احداث خواهد شد از حقوقی که شهرداری از این لحاظ پیدا خواهد کرد استفاده شود. (یادآوری این نکته لازم می نماید که تاکنون «شهریورماه ۲۵۳۵» احداث این خیابان انجام نگرفته است)

در شهریورماه همانسال از طرف استانداری فارس به انجمن آثار ملی نوشته شد که هزینه تقریبی تکمیل ساختمان آرامگاه را مهندسان انجمن تعیین کنند و معادل آن به اضافه مبلغی که جهت حصارکشی و تسطیح فضای حریم آرامگاه تا حدود یک هزار متر مربع ضرورت دارد حواله شود.

پس از چند روز مبلغ يك میلیون ریال از طرف انجمن آثار ملی بعنوان انجمن آثار ملی فارس به شیراز حواله شده و به استاندار نوشته شده است که وجه مذکور را بعلاوه مبلغ چهارصد هزار ریال موجودی در حساب انجمن آثار ملی فارس به مصرف تکمیل و تعمیر بناهای مورد نظر و از جمله بنای آرامگاه شاه شجاع برسانند.



بنای ناتمام آرامگاه شاه شجاع

بدین ترتیب مقدمات تکمیل آرامگاه فراهم آمد و تا سال ۲۵۲۴ سفت کاری بنا و سیمانکاری پایه‌ها و سقف و روپوش سنگی آن و قسمتهایی از کاشیکاری داخل و خارج سقف گنبدی شکل آن پایان رسید و تهیه و نصب کتیبه‌ها و تزیینات آن در سالهای بعد انجام گردید.

آقای سامی در سال ۲۵۲۷ نوشته‌اند که «بنای آرامگاه شاه شجاع عبارت از چهارپایه سنگی است که يك سقف گنبدی كوچك آن را پوشانده است، درون گنبد با کاشی معرق کاری و تزیین شده و جای چهار کتیبه در درون برای اشعار خود شاه شجاع و چهار کتیبه در بیرون برای اشعاری که حافظ در مدح شاه شجاع سروده تعبیه شده که روی کاشی با خط نستعلیق نوشته خواهد شد^۱. انجمن آثار ملی در تلاش است که مقداری از اراضی اطراف آرامگاه را که همه وقف و متعلق به تکیه هفت تنان بوده و متأسفانه در چند سال پیش اشخاص سودجو و متجاوز آنها را تملك و غصب نموده‌اند تهیه نماید تا فضای

۱- تاکنون (شهریورماه ۲۵۳۵) کتیبه‌های درون شامل تاریخ بنا و ایاتی از شاه شجاع و حافظ نصب گردیده و کتیبه‌های خارج نصب نشده است.

آرامگاه بزرگتر از محوطه فعلی شود و آن را مشجر و گلکاری نمایند^۱»
 در اسفندماه ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ ه. ش.) آقای پیروز استاندار و رئیس انجمن
 آثار ملی فارس به اطلاع انجمن آثار ملی رسانید که با همه کوششی که برای
 گسترش فضای آرامگاه شاه شجاع بعمل آمد هنگام تحدید حدود پلاک شماره
 ۷۳۴ بخش ۳ بیش از چهارصد متر مربع (۲۰ متر × ۲۰ متر) زمین از طرف
 مالکان برای آرامگاه منظور نشد، ضمناً یادآور شده است که ساختمان هشتاد
 متر دیوار اطراف محوطه آرامگاه با سنگ میخکی، و نرده های (پروفیل) و
 همچنین نصب چهار معرق سقف درون بنا و باغچه بندی فضای آرامگاه پایان
 پذیرفته است.

در سالهای بعد بتدریج نصب چراغ در محوطه و رنگ آمیزی نرده ها و
 لوله کشی آب و غیره نیز انجام گردیده است، بعلاوه در سالهای اخیر در حدود
 ششصد متر مربع از اراضی گورستان متروکه شمال آرامگاه با نظر و موافقت
 استاندار و رئیس انجمن آثار ملی فارس و دیگر مقامات مسئول شیراز برای
 توسعه محوطه آرامگاه و بنای دفتر انجمن و کتابخانه آرامگاه و اطاق نگهبان
 به محوطه آرامگاه افزوده شده و اکنون مساحت آن در حدود یک هزار متر مربع
 است. فعلاً از خیابان مقابل تکیه هفت تنان بوسیله يك كوچه شش متری به
 آرامگاه رفت و آمد می شود.

سنگ قبر: سنگ قبر شاه شجاع همان سنگی است که در زمان کریمخان
 زند و بدستور آن شهریار بر روی قبر سلطان گذاشته شده است. این سنگ يك
 پارچه به طول ۳ متر و عرض ۹۰ سانتیمتر و ارتفاع ۴۰ سانتیمتر است و بر روی
 آن نوشته شده:

هو الحی الذی لا یموت

هذا مدفن السلطان العادل البازل المرحوم المغفور شاه شجاع المظفری

وفاته فی سنة ست وثمانین و سبعمائه من الهجره كما قال العارف السالك شمس-
الدین محمد الحافظ علیه الرحمة حیف از شاه شجاع و تجدید مزاره فی شهر
ربیع الثانی سنة ۱۱۹۱.

کتیبه‌ها: در سمت جنوب شرقی داخل آرامگاه تاریخ بنا با کاشی معرق
چنین نوشته شده است:

بنام پروردگار بخشنده مهربان

بروزگار شاهنشاهی اعلی حضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه
آریامهر و به پیروی از خجسته فرمان همایونش مبنی بر پاس حرمت شهریاران
در گذشته ایران آرامگاه جلال الدین شاه شجاع مظفری ممدوح خواجه حافظ
که پس از برکناری پدرش امیر مبارزالدین نخستین شهریار سلسله مظفریان
(آل مظفر) به پادشاهی رسیده بود از طرف انجمن آثار ملی ساخته شد و در
سال کورش بزرگ هزار و سیصد و پنجاه خورشیدی پایان پذیرفت. دوران
شهریاری شاه شجاع بیست و شش سال (از هفتصد و شصت تا هفتصد و هشتاد و
شش هجری بود)

کتیبه شمال شرقی چنین است:

طره شاهد دینی همه پند است و فریب

عارفان بر سراین رشته نجویند نزع

عمر خسرو طلب از نفع جهان میطلبی

که وجودیست عطا بخش و کریم و نفاع

مظهر لطف ازل روشنی چشم امل

جامع علم و عمل جان جهان شاه شجاع

حافظ

و نوشته شمال غربی چنین است:

بسمه تعالی شانه

شیوه عشاق نباشد خروش	گر بمثل خون دل آید بجوش
بلبل از آن خار جفا می خورد	کو بگلستان ننشیند خموش
پیرهن صبر قبا کرد هجر	ای دل سرگشته سر سر مپوش
هر که چومن شربت دوری چشید	زهر هلاهل بودش همچونوش
تازه حدیثی بشنیدم ز عشق	زان سخنم صبر برفته است وهوش
کای بغم دوست چنین مبتلا	پند خردمند نکردی بگوش
دل که اسیرست مبادش خلاص	سر که فدا نیست مبادا بدوش

* * *

دلا ملك ما عالمی دیگر است	که بس مختصر آدم این جهان
بآزار موری همه ملك جم	نیرزد برهمنم رایگان

شاه شجاع

و نوشته سمت جنوب غربی چنین است:

بسمه تعالی شانه

ای دل صفای عشق ازین خاکدان مجوی
یکذره کیمیای وفا زین جهان مجوی
بیزار شوز مردم و آزاد شو ز خویش
وز مرد و مردمی و مروت نشان مجوی
سیمرغ وار گوشه نشین باش زینهار
بازاغ و بازغن منشین و آستان مجوی
بنیاد چرخ بر سر آب است چون حباب
بگذر ز بادا و هیچ در این جا مکان مجوی

گر تیغ برکشد سر تسلیم از او بکش
 و نقد عمر می‌دهدت رایگان مجوی
 چون بافتند خز وجود ترا ز خاک
 ترك کلاه اطلس خود ز آسمان مجوی
 در چاه وحشت است ترا یوسف‌ای عزیز
 بوی قمیص از گذر کاروان مجوی
 شاه شجاع

دفتر انجمن

در تاریخ هفدهم مردادماه سال ۲۵۳۱ از طرف انجمن آثار ملی نقشه دفتر آرامگاه شاه شجاع برای آقای سامی نماینده انجمن در فارس فرستاده شد و در اسفندماه همان سال مبلغ یکصد هزارریال بابت قسمتی از هزینه ساختمان که در ضمن دفتر نمایندگی انجمن آثار ملی فارس نیز می‌باشد به شیراز حواله گردید و ساختمان دفتر و عمارات فرعی دیگر آغاز شد. آقای جودت در تاریخ ۱۸ خرداد ۲۵۳۳ به انجمن گزارش داده است که در مسافرت به شیراز از آرامگاه شاه شجاع نیز بازدید بعمل آمد و مشاهده شد که دفتر آرامگاه بنحو مطلوب توسط آقای سامی ساخته و آماده استفاده شده و برای تهیه مبلمان و لوازم دیگر آن از طرف ایشان دستور لازم داده شده است. بنای احداث شده عبارت است از دو اطاق برای دفتر و کتابخانه با آبدارخانه و نظافتگاه بعلاوه يك اطاق و يك انبار بزرگ و پستو که به اطاق سابق سرایدار افزوده شده است. در فاصله بین دفتر و محوطه قبر شاه شجاع چند قبر هست و آقای سامی موافقت بستگان صاحبان آنها را جلب کرده اند که قبرها در محل خود محفوظ بماند. فضای بین دفتر و محوطه آرامگاه از شرق و غرب محصور و نرده کشی خواهد شد.

در بیست و سوم مردادماه ۲۵۳۳ آقای سامی به انجمن گزارش داده‌اند که در باره ساختمان دفتر نمایندگی انجمن آثار ملی جنب آرامگاه شاه شجاع به اطلاع می‌رساند که فضای بین دفتر و آرامگاه (در شمال آرامگاه) که حدود دویست متر مربع می‌شود با کاشی سیمانی مفروش و باغچه‌بندی و گلکاری گردید و با دیواری از سنگ میخکی محصور و نرده‌گذاری شد. برای ورود به حیاط دفتر دری آهنی در سمت مشرق، مقابل تکیه هفت تنان گذارده شد و چون قسمتی از نرده‌های سیمی را که به دور آرامگاه سیویه گذارده شده بود بچه‌های ولگردکننده و ضایع ساخته بودند از لحاظ صرفه‌جویی همانها تعمیر گردید و بجای نرده آهنی برای دفتر انجمن بکار رفت تا برای آرامگاه سیویه دیواری آجری ساخته شود. نسبت به سیمکشی محوطه آرامگاه شاه شجاع و نصب چراغهای محوطه و چراغهای روی جرزهای دو در ورودی آرامگاه و همچنین تکمیل سیمکشی دفتر انجمن و تهیه لسترهای مناسب و ارزان قیمت اقدام گردید. اینک مقدار زمینی که برای آرامگاه و دفتر انجمن و حیاط در اختیار است حدود یک هزار متر مربع می‌باشد.

ثبت در فهرست آثار ملی - از طرف وزارت فرهنگ و هنر در تاریخ ۲۵/۱۱/۲۵۳۴ به مدیر کل فرهنگ و هنر استان فارس نوشته شده است که بنای آرامگاه شاه شجاع و محوطه مربوط به آن واقع در دامنه کوهستان شمالی شهر شیراز توسط کارشناسان این وزارت مورد بررسی قرار گرفته و بمناسبت دارا بودن ارزش شئون ملی قابل ثبت در فهرست آثار ملی ایران تشخیص داده شده است، اینک به اطلاع می‌رساند که جریان قانونی ثبت این بنا طی شده و از تاریخ ۱۸/۹/۵۴ به شماره ۱۱۶۹/۷ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، بنابراین از تاریخ فوق مقررات قانون و آئین نامه حفظ آثار عتیقه مصوب دوازدهم آبانماه ۱۳۰۹ شمسی درباره آن به اجرا گذاشته می‌شود. با توجه به اینکه مرتکبین به تخریب آثار ملی علاوه بر مجازاتهای مقرر در مواد

۱۲۷ و ۱۲۷ مکرر قانون مجازات عمومی نیز خواهند بود مقتضی است مراتب را بمنظور حفظ وحراست بنای مذکور وجلوگیری از هرگونه تخریب یا خاکبرداری یا دخل وتصرف در آن به کلیه مسئولان مربوط ابلاغ نمائید. در اسفندماه همانسال در پاسخ نامه آقای سامی که بضمیمه رونوشت نامه سابق الذکر را به انجمن آثار ملی فرستاده بود از طرف انجمن نوشته شد که ثبت آرامگاه شاه شجاع در فهرست آثار ملی ایران بنا به پیشنهاد این انجمن صورت گرفته، دستور فرمائید در مورد حفظ وصیانت آرامگاه مزبور مانند سایر آرامگاهها اقدام لازم معمول دارند.

۱۷

آرامگاه سیوید

سیبویه

امام النحاة ابوبشر عمرو بن عثمان فارسی بیضاوی ملقب به سیبویه از دانشمندان بنام ایران در سده دوم هجری بود که به سال ۱۴۴ ه.ق. در بیضاوی فارس دیده به جهان گشود و در سال ۱۷۷ یا ۱۷۹ در شیراز درگذشت. * سیبویه

* برای شرح حال سیبویه رجوع شود به:

- ۱- ابن خلکان، ج ۱، ص ۳۸۵.
- ۲- طبقات الادباء، ص ۷۱.
- ۳- الفهرست، چاپ تهران، ص ۵۷.
- ۴- دمیری، ج ۲، ص ۱۲۴.
- ۵- المزهر، سیوطی، ج ۲.
- ۶- اخبار النحویین البصریین، ص ۴۸.
- ۷- انباء الرواة، ج ۲، ص ۳۴۶.
- ۸- بغیة الوعاة، ص ۳۶۶.
- ۹- طبقات زبیدی، ص ۳۸.
- ۱۰- المعارف، ص ۲۳۷.
- ۱۱- معجم الادباء، ج ۱۶، ص ۱۱۴.
- ۱۲- طبقات ابن قاضی شهبه، ج ۲، ص ۲۰۶.
- ۱۳- طبقات القراء ابن الجرزی، ج ۱، ص ۶۰۲.
- ۱۴- الفلاکة والمفلوکین، ص ۸۳.
- ۱۵- مرآة الجنان، ج ۱، ص ۳۴۸.
- ۱۶- شذرات الذهب، ج ۱، ص ۲۵۲.
- ۱۷- تهذیب اللغة. ازهری، ج ۱، ص ۹.
- ۱۸- روضات الجنات، ص ۵۰۳.
- ۱۹- تاج العروس، ج ۱، ص ۳۰۵.
- ۲۰- تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۱۹۵.
- ۲۱- دائرة المعارف اسلامی...

نخست به تحصیل فقه و لغت روی آورد و آنگاه از خلیل بن احمد و عیسی بن عمر ثقفی (متوفی به سال ۵۱۴۹ ق.) و یونس بن حبیب (متوفی به سال ۵۱۸۳ ق.) نحو آموخت و به کمال رسید. وی از استادان مسلم علم نحو و بنیانگذار این فن بود و کتاب بسیار جامع و معروف «الکتاب» را در نحو نوشت که دانشمندان سلف و خلف از نوشتن مانند آن عاجز آمدند (الفهرست ص ۵۷).

دانشمندان و نویسندگان بزرگ «الکتاب» را ستوده و از جمله نوشته‌اند که «ولم یستقل النحو بنفسه استقلالاً تاماً حتی الف فیه سیبویه کتابه المشهور... والف کتابه الذی لم یسبقه احد الی مثله» (آداب اللغة العربیه؛ الجزء الثانی ص ۱۳۲). نوشته‌اند که چون کسی می‌خواست نزد ابوالعباس مبرد «الکتاب» را بیاموزد مبرد به وی می‌گفت: «هل رکبت البحر» یعنی آیا می‌خواهی به دریادر شوی و مرادش از این سخن بزرگداشت این کتاب و دشواری آن بود. و ابوعثمان مازنی می‌گفت: «پس از «الکتاب» نوشتن کتابی بزرگ در نحو شرم‌آور است. (آداب اللغة العربیه ج ۲ ص ۱۳۲).

بسیاری از دانشمندان بر این کتاب شروح و حواشی نوشته‌اند که از جمله مبرد، ابوبکر زبیدی و سیرافی را می‌توان نام برد.

از جمله وقایع زندگانی سیبویه مناظره وی با کسایی است در حضور یحیی بن خالد که ماجرای آن در قصیده‌یی به نام زنبوریه بنظم آمده است (معنی اللیب باب «اذا») بسیاری از دانشمندان بنام چون ابوالحسن اخفش و قطرب از شاگردان سیبویه بوده و از وی نحو آموخته‌اند.

سیبویه در پایان عمر ساکن شیراز بود و در همان شهر درگذشت و به خاک سپرده شد.

آرامگاه سیبویه

قبر سیبویه در محله سنگ سیاه شیراز قرار دارد و علت اشتهار این محله

به سنگ سیاه وجود سنگی سیاه رنگ است در کنار تربت سیبویه که عامه مردم را بدان توجهی خاص بوده است و از آن شفا می خواسته اند. قبر این دانشمند بزرگ در دکانی محقر، مهجور و متروک بود، تا سال ۲۵۱۶ (۱۳۳۶ ه. ش.) که انجمن آثار ملی تصمیم گرفت برای وی آرامگاهی مناسب بنا نماید و به وضع نامطلوب مقبره او پایان بخشید. در ۲۴ فروردین همین سال از طرف انجمن به اداره فرهنگ فارس نوشته شد که در جلسه هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی درباره آرامگاه سیبویه مذاکراتی بعمل آمد و مقرر شد که آرامگاه مناسبی برای این دانشمند بزرگ احداث گردد. خواهشمند است برای فراهم آوردن مقدمات کار به خرید مستغلات و منازل اطراف مقبره به هر نحو که صلاح می دانند اقدام نمایند. شادروان عدالت مدیر کل فرهنگ فارس در اردیبهشت سال مذکور به انجمن آثار ملی اطلاع داد که انجمن آثار ملی شیراز به ریاست آقای رام استاندار و رئیس انجمن آثار ملی فارس تشکیل گردید و در موضوع تغییر وضع نامطلوب آرامگاه سیبویه مذاکرات لازم بعمل آمد و قرار شد که با مالکان دکانها و منازل اطراف مقبره تماس گرفته شود و نظر آنان برای فروش جلب و میزان قیمت املاکشان برآورد گردد. و برنامه بعدی اداره کل فرهنگ فارس آمده است که متصدی امور باستانشناسی و معمار این اداره کل از اماکن مجاور مقبره سیبویه بازدید بعمل آوردند، نظر معمار این است که یکی از خانه های مجاور بقعه در حدود دویست و پنجاه هزار ریال و دو دکان وقفی چهل هزار ریال و خانه دیگر سیصد و پنجاه هزار ریال ارزش دارد، پس از آنکه از طرف هیأت مدیره انجمن آثار ملی معلوم گردید که چه مقدار زمین جهت ساختمان آرامگاه لازم است، برای خرید همه یا قسمتی از آنها اقدام خواهد شد.

در تاریخ بیست و هفتم خردادماه ۲۵۱۶ (۱۳۳۶ ه. ش.) از طرف انجمن به اداره کل فرهنگ فارس نوشته شد که پس از وصول نامه آن اداره کل جریان

امر در هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی مورد رسیدگی قرار گرفت و خرید خانه مجاور بقعه که بهای آن دویست و پنجاه هزار ریال است و دو دکان وقفی به بهای چهل هزار ریال که جمعاً دویست و نود هزار ریال می شود برای آرامگاه سیبویه تصویب گردید، اینک مبلغ مذکور حواله شد، آنها را خریداری و نتیجه را اعلام نمائید تا برای طرح نقشه واحداث آرامگاه اقدام گردد.

در تیرماه همانسال از طرف اداره کل فرهنگ فارس به انجمن آثار ملی اطلاع داده شد که شهرداری شیراز قریباً به احداث چند خیابان اقدام خواهد کرد، و بر طبق نقشه ترسیم شده مقبره سیبویه در وسط فلکه وی که چهار خیابان به آن منتهی می شود قرار می گیرد. موضوع خرید خانه و دکانهای اطراف مقبره در انجمن آثار ملی فارس که با حضور استاندار و شهردار شیراز تشکیل شد مطرح گردید، اعضاء انجمن با ملاحظه نقشه، چنین صلاح دیدند که در خرید خانه و دکانها عجله نشود و موضوع به وقت دیگری محول گردد و مبلغ ۲۹۰ هزار ریال در حساب مخصوصی در بانک ملی ایران گذاشته شد.

از آن پس تا سال ۲۵۳۱ (۱۳۵۱ ه. ش.) با وجود مکاتبات متعدد و مکرری که بعمل آمد، در مورد خرید خانه ها و دکانهای مجاور آرامگاه اقدامی نشد و مقامات محلی هر بار موضوع سروسامان دادن به آرامگاه را موکول به امتداد یافتن خیابان منوچهری تا کنار آرامگاه می ساختند.

در یادداشتی که آقای سامی به نگارنده لطف کردند نوشته اند که «قرار بود که خیابان شرقی غربی شیراز که از جلو بقعه حضرت سید علاءالدین حسین علیه السلام می گذرد، از کنار آرامگاه سیبویه بگذرد و به خیابان منوچهری وصل شود و میدانی در اطراف قبر سیبویه دایر گردد که مقبره در وسط میدان قرار گیرد ولی این فکر هیچگاه به مرحله عمل در نیامد و در نتیجه ساختمان آرامگاه به تأخیر افتاد.

احداث چنین خیابانی در نقشه جامع شهر که اخیراً طرح شده پیش بینی

نشده و تقریباً احداث میدانی در محله سنگ سیاه هم منتفی گردیده است.

در آذرماه سال ۲۵۳۱ آقای منوچهر پیروز استاندار و رئیس انجمن آثار ملی فارس به اطلاع انجمن آثار ملی رسانید که به شهرداری شیراز دستور داده شد راجع به ارزیابی و معامله رقبات مجاور آرامگاه سیبویه اقدام لازم بعمل آورند. چند ماه بعد آقای سامی به انجمن نوشت که: ارزیابی دوخانه و دو مغازه حریم آرامگاه سیبویه از طرف شهرداری انجام گرفت و بتصویب انجمن شهر شیراز رسید، نتیجه ارزیابی چنین است:

۱- دودکان بمساحت ۳۴/۶ متر مربع بمبلغ ۶۴۳۵۶ ریال

۲- يك خانه « ۱۶۵ « « ۲۵۹۷۷۸ «

۳- خانه دیگر « ۲۱۹/۶۸ « « ۴۳۶۷۶۴ «

که مساحت رقبات ارزیابی شده ۴۱۹/۲۸ متر مربع و ارزش آنها بمبلغ ۷۶۰۸۹۸ ریال می باشد. پرداخت سرقفلی و هزینه خریدم به مبلغ مذکور اضافه می شود.

انجمن آثار ملی ضمن اعلام موافقت خود با مراتب مذکور به آقای سامی نوشت که هرگاه برای معامله بیش از اعتبارات موجود در انجمن آثار ملی فارس مبلغی لازم باشد مراتب را اطلاع دهید تا اقدام گردد.

در سال ۲۵۳۲ دانشگاه پهلوی شیراز تصمیم گرفت که از هفتم تادوازدهم اردیبهشت ماه ۲۵۳۳ کنگره یی جهانی برای بزرگداشت سیبویه دانشمند نامور ایران در شیراز تشکیل دهد و از انجمن آثار ملی درخواست کرد که نسبت به تعمیر آرامگاه این دانشمند سریعاً اقدام شود. از طرف انجمن به دانشگاه پهلوی نوشته شد که «... موضوع احداث آرامگاه سیبویه در انجمن آثار ملی سابقه ای بس طولانی و ممتد دارد و سالهاست که مبلغی از اعتبارات انجمن برای فراهم آمدن مقدمات این امر به شیراز حواله شده است. با آقای سامی نماینده انجمن

آثار ملی در فارس تماس گرفته از چگونگی امر اطلاع بیشتری حاصل فرمایند. از آن پس برای آنکه آرامگاه سیبویه هنگام برگزاری مجلس بزرگداشت وی وضع بالنسبه آبرومندی داشته باشد مقامات محلی با جدیت و سرعت بیشتری در موضوع خرید رقبات مجاور آرامگاه اقدام نمودند و در مهرماه ۲۵۳۲ آقای پیروز استاندار و رئیس انجمن آثار ملی فارس به شهرداری شیراز نوشت که چون تشریفات نقشه برداری و ارزیابی و تصویب خرید خانه‌ها و دکانهای حریم آرامگاه سیبویه پایان پذیرفته است دستور فرمایند هرچه زودتر نسبت به خرید و تخریب آنها اقدام شود.

طبق نظر استاندار فارس و شهردار شیراز مبلغ هفتصد هزار ریال دیگر به اختیار شهرداری گذارده شد و ساختمانهای متصل به مقبره پس از ۱۶ سال به بهای بیش از سه برابر آنچه در آغاز امر برآورد شده بود در اسفندماه سال ۲۵۳۲ خریده شد.

تخریب و تسطیح

تخریب خانه‌ها و دکانها و تسطیح محوطه آرامگاه و دیوار و نرده کشی آن به هزینه انجمن آثار ملی و توسط دائرة مهندسی دانشگاه پهلوی انجام گرفت و در اردیبهشت ماه ۲۵۳۳ گزارشی در این باره تهیه شد که قسمتی از آن چنین است: يك باب منزل نیمه خراب که در شمال محوطه قرار داشت و يك باب منزل مسکونی و سه دهانه مغازه (يك دهانه همان مغازه‌ای بوده که قبر در آن قرار داشته است) در تاریخ ۵۳/۱/۲۵ تحویل گرفته شد.

کارهای تخریب و حمل نخاله و خاک به خارج شهر و تسطیح محوطه و دیوار و نرده کشی از تاریخ ۵۲/۱/۲۶ لغایت ۵۳/۲/۶ انجام گردید. طرز اجرای کار بصورت استعمال بود و هزینه اجرای آن چهارصد و دو هزار و یکصد و پنجاه ریال گردید. مشخصات فعلی آرامگاه چنین است: مساحت محوطه که تسطیح و شن‌ریزی نیز شده است در حدود چهار صد متر مربع می‌باشد طول

دیوارها و نرده‌های اطراف محوطه ۵۰ متر به ارتفاع ۲۱۰ سانتیمتر است. سکویی در محل آرامگاه تعبیه شده که با چند پله به کف حیاط می‌رسد. یک در آهنی به عرض یک متر که سابقاً در جلو قبر نصب شده بود اکنون بعنوان در ورودی در ضلع غربی محوطه نصب شده است. یک حوض سنگی و یک درخت نارنج در قسمت شرقی محوطه آرامگاه وجود دارد.

در مجلس بزرگداشت سیبویه گفته شده بود که ساختمان آرامگاه او در خردادماه سال جاری آغاز خواهد شد آقای سامی طرحی را که بوسیله مهندس جاوید سامی تهیه شده بود در خردادماه ۲۵۳۳ برای انجمن آثار ملی ارسال داشت و سناتور مهندس فروغی آن را مورد بررسی قرار دادند. پس از تهیه نقشه بوسیله آقای مهندس فروغی از آقای علی سامی خواسته شد که با توجه به نقشه آرامگاه هزینه تقریبی ساختمان را بر مبنای مظنه‌های روز بر آورد و اعلام نماید.

آقای سامی به انجمن نوشت که وضع ساختمان در شیراز خوب نیست، مصالح فوق العاده گران است، آجر نامرغوب هر یک هزار قالب سه هزار ریال فروخته می‌شود، مزد کارگر عادی روزانه چهار صد ریال و مزد بنا یک هزار ریال است به این ترتیب هزینه ساختمان در این شهر اگر از تهران بیشتر نباشد کمتر نیست، بنابراین دستور فرمایند هر تصمیمی که منظور نظراست در تهران اتخاذ گردد.

انجمن آثار ملی به آقای حسین جودت مأموریت داد تا به شیراز رفته ترتیب اجرای کار ساختمان آرامگاه سیبویه را با همکاری آقای سامی بدهد. روز بیست و دوم تیرماه ۲۵۳۴ ساختمان آرامگاه طبق طرح آقای مهندس فروغی و مناسب با محوطه و گذرهای پیرامون آن به سرپرستی مهندس جاوید سامی عملاً آغاز گردید.

آقای جودت در روز ۳۰ تیرماه به انجمن نوشت که حصاری موقتی که

دور زمین آرامگاه کشیده شده بود برداشته شد، طرح ساختمانی برای نگهبان آرامگاه ریخته شد، کف بنادر نقاط مختلف تعیین گردید، گودبرداری دور تا دور محوطه انجام شد، قرارداد تهیه سنگ برای دیوار کشی محوطه با سنگتراش بسته شد و مقداری از سنگهای مورد قرارداد به کارگاه حمل گردید، قرارداد ساخت نرده آهنی بسته شد، قرارداد تهیه آجر بسته شد، با معرفی آقای سامی آقای محمدرضا جوانمرد بعنوان معمار ساختمان تعیین و بکار مشغول گردید. نگارنده در اواخر شهریورماه ۲۵۳۵ که سرگرم تدوین این صحایف بود برای دیدن آرامگاههای مشایخ و بزرگان مدفون در شیراز که بوسیله انجمن آثار ملی ساخته شده یا در دست ساختمان است به شیراز سفر کرد و بطوری که مشاهده شد آرامگاه سیویه در دست ساختمان بود، سفت کاری و قسمتی از تزئینات آن پایان یافته، محوطه آن محصور و گلکاری شده و ساختمانهای فرعی آن مورد استفاده بود.

چگونگی بنا

بنای اصلی آرامگاه نالاری است در سمت شمال، محوطه که طول آن هشت متر و عرض پنج متر می باشد. استخوان بندی بنا از آجر و پوشش سقف تیر آهن است. ساختمان در داخل شامل طاقنماهایی با کاشی معرق است که بوسیله کارگران خراسانی تعبیه می گردد و سقف آن در داخل بوسیله استادان هنرمند شیرازی بشکل (رسمی هشت) و معقلی کاری آراسته شده و می شود. قبر سیویه در وسط ساختمان است و سنگ سیاه معروف در جلو در ورودی در معرض دید عموم قرار دارد.

سنگ قبر به طول ۱۹۰ سانتیمتر و عرض ۷۰ سانتیمتر و ارتفاع ۳۵ سانتیمتر تهیه شده و بر روی آن نام و تاریخ ولادت و وفات استاد نقر خواهد شد. محوطه

آرامگاه با سنگ نیشه‌ای مفروش شده و درون آرامگاه با سنگ سیاه‌نخف-آباد و سنگ سفید جوشقان یاده بید فرش خواهد شد. هنوز کتیبه‌ها و عبارتی که باید روی سنگ قبر نقرشود تهیه نشده است. در جنوب غربی آرامگاه سرسرا، دو اطاق برای سکونت نگهبان، حمام، آشپزخانه و اطاق دفتر ساخته شده و هم اکنون از آنها استفاده می‌شود. انجمن آثار ملی در نظر دارد که با خرید یکی دو خانه دیگر از خانه‌های مجاور آرامگاه کتابخانه‌ای در این محل تأسیس نماید که مورد استفاده علاقه‌مندان و اهل محل قرار گیرد.

۱۸

آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی

شیخ ابوالحسن خرقانی

عارف ربانی شیخ ابوالحسن علی بن جعفر^۱ خرقانی از اکابر مشایخ طریقت بود که به سال ۳۴۸ هجری قمری در قریه خرقان از توابع بسطام دیده به جهان گشود. شیخ در آغاز امر خربنده (خرکچی) بود و بنابر قول خود او از راه خربندگی به خداشناسی راه یافت. در انساب سمعانی در این باره چنین آمده است: «... وکان ابتداء امره انه کان خربندجاً یکری الحمار و یحمل الاثقال علیه، وکان یقول: «وجدت الله فی صحبة حمار» یعنی کنت خربندجاً لمافتح لی هذا الامر، و سلك بی هذا الطريق^۲». شیخ پس از آن به طریقت تصوف روی آورد و با ریاضت و مجاهدت مقامی بلند یافت و ممدوح مشایخ و اولیا گردید. هجویری گوید^۳: «امام یگانه و شرف اهل زمانه ابوالحسن علی بن احمد از اجله مشایخ بود و قدمای ایشان و اندر وقت خود ممدوح همه اولیای خدای». شیخ عطار در تذکرة الاولیاء باره وی می نویسد: «آن بحراندوه، آن راسخ تر از کوه... آن اعجوبه ربانی، آن قطب وقت ابوالحسن خرقانی، رحمة الله علیه سلطان سلاطین مشایخ بود و قطب اوتاد و ابدال عالم... انتساب شیخ را در تصوف به بایزید بسطامی دانسته اند^۴. در تذکرة الاولیاء آمده است که خرقانی به بسطام می آمد و بر سر خاک بایزید می ایستاد و می گفت: «بار خدایا، از آن خلعت که بایزید را داده ای ابوالحسن را بوئی ده».

مولوی در دفتر دوم، چهارم و ششم مثنوی برخی از احوال و اقوال

۱- در برخی از مآخذ نام پدرش احمد ذکر شده است.

۲- انساب سمعانی، چاپ حیدرآباد، ج ۵، ص ۹۳ و ۹۴ (نقل از احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی، ص ۳).

۳- احوال و اقوال شیخ، ص ۱۱.

۴- همان مأخذ، ص ۱۰۵، به نقل از نفحات الانس جامی.

خرقانی را بنظم آورده است.^۱ داستانهایی نیز در باره ملاقات شیخ ابوسعید ابوالخیر با خرقانی در اسرار التوحید و مآخذ دیگر آمده است و همچنین نوشته‌اند که ابوعلی سینا به زیارت خرقانی شد و او را تصدیق کرد. داستانی هم درباره ملاقات سلطان محمود غزنوی با خرقانی در برخی از مآخذ نقل شده است. از حوادث زندگانی خرقانی کشته شدن پسرش بوده و در اسرار التوحید نقل شده است که «شیخ ابوالحسن را پسری بود احمد نام که پدر را به وی نظری بود هر چه تمامتر... در این شب که شیخ ابوسعید به خرقان می‌رسید شب زفاف بود [یعنی شب زفاف احمد بود] احمد را ناگاه بگرفتند و سرش از تن جدا کردند و برادر صومعه پدر انداختند. وقت بانگ نماز شیخ ابوالحسن از صومعه بیرون می‌آمد، پایش بر آن سر آمده...» ظاهراً شیخ را بجز احمد فرزندی یا فرزندان دیگر نیز بوده است، در نورالعلوم آمده^۲ که وقتی که بوسعید به خرقان رسید عیال شیخ ابوالحسن فرزندی بیرون فرستاد تا شیخ ابوسعید دست بر سر او فرود آورد، بوسعید گفت «جائی که شیخ ابوالحسن باشد به من حاجت نباشد». و باز در همان کتاب ذکر شده^۳ که «پسری را به جائی فرستاد، دزدان در آمدند و هر چه داشت از رخت و کاله جمله را بردند. پسر برهنه در آمد بنزدیک شیخ زن شیخ بنزدیک شیخ آمده که «ای پیر، یکی پسر را کشتند در مسجد، و این را غارت کردند، نه از آن خبر داشتی و نه از این، و آن گاه سخن از ملک و ملکوت گوئی با مردمان...».

چند رباعی به شیخ ابوالحسن خرقانی نسبت داده‌اند که از آنجمله است:

از جور و ستم شرر ز آهم می‌ریخت

غم خار و خشک بر سر راهم می‌ریخت

۱- همان مآخذ، ص ۱۰۰ تا ۱۰۴.

۲- احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی، ص ۱۷.

۳- منتخب نورالعلوم، ص ۱۴۲.

۴- ص ۱۴۵.

هر گه که به سوی او نگه می کردم
خونابه حسرت از نگاهم می ریخت

* * *

با یارم و دایم دلم از غم ریش است
در وصلم و محنتم ز هجران بیش است
تلخست شراب عیش در کام دلم
حالی دارم که نوش بر من نیش است

شیخ در شب سه شنبه دهم محرم سال ۴۲۵ هجری قمری در خرقان
درگذشت. سمعانی گوید^۱: «ومات الشیخ ابوالحسن الخرقانی فی یوم الثلاثاء
وهو یوم عاشوراء من سنة خمس وعشرين واربعماية».

کتاب نورالعلوم - از سخنان شیخ ابوالحسن خرقانی کتابی فراهم آمده
است که آن را نورالعلوم نامیده اند. استادعالیقدر آقای مجتبی مینوی نوشته اند^۲
که «گویا کسانی بوده اند که گفته های او را [خرقانی را] ضبط و ثبت می کرده اند.
مجموعه آن سخنان ظاهراً به صورت کتابی درآمده بوده است که آن را
نورالعلوم نامیده بودند، و نسخه منحصر بفردی (تا آنجا که ما می دانیم) از
منتخب این نورالعلوم بدست ما رسیده است.

انجمن محترم آثار ملی پس از اینکه مسجد و خانقاه و تربت شیخ ابوالحسن
خرقانی را تعمیر کرد به اینجانب تکلیف کرد که این منتخب نورالعلوم را از برای
طبع تهیه کنم... کتابی که در سال ۲۵۳۴ بوسیله استاد تهیه و طبع شده شامل دو
قسمت است، قسمت اول اقوال اهل تصوف درباره خرقانی که از نه مأخذ بشرح
ذیل فراهم آمده است:

۱- احوال و اقوال خرقانی، ص ۱۵.

۲- احوال و اقوال خرقانی، ص ۴.

- ۱- کشف المحجوب هجویری
- ۲- طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری
- ۳- انساب سمعانی
- ۴- اسرار التوحید
- ۵- منطق الطیر
- ۶- تذکرة الاولیاء
- ۷- مرصاد العباد
- ۸- مثنوی مولوی
- ۹- نفحات الانس

قسمت دوم منتخب کتاب نورالعلوم شیخ ابوالحسن خرقانی است که از صفحه ۱۰۷ تا صفحه ۱۴۸ کتاب در ده باب به شرح ذیل آمده است:

باب اول در سؤال و جواب - باب دوم در وعظ و نصیحت - باب سیم در احادیث رسول علیه السلام - باب چهارم در لطفی که خدای تعالی با وی کرد - باب پنجم در مناجاتی که با خدای کرده است - باب ششم در هیجان وی - باب هفتم در وحی القلوب - باب هشتم در مجاهدات - باب نهم در حکایت وی - باب دهم در کرامات وی.

نسخه اصلی منتخب نورالعلوم به نشان OR. 249 در موزه بریتانیا محفوظ است و عکس آن را انجمن آثار ملی از کتابخانه مرکزی دانشگاه از برای چاپ گرفته و در اختیار استاد مینوی نهاده است. استاد کتاب را به مناجاتی از شیخ ابوالحسن خرقانی ختم کرده اند، این مناجات از مجموعه ای در کتبخانه حفید افندی در سلیمانیه در استانبول نقل شده است.



بقعه شیخ ابوالحسن خرقانی در قلعه نوبسطام

بقعه شیخ ابوالحسن خرقانی

خرقان در ۲۴ کیلومتری شاهرود واقع و شامل دو قسمت است: قسمت شمالی خانه‌ها و باغهای قدیم و خرابه‌هایی است که خرقان نامیده می‌شود و قسمت جنوبی که بعداً آباد شده معروف به قلعه‌نو می‌باشد. مقبره شیخ ابوالحسن خرقانی بر روی تپه‌ای قرار دارد و در سمت شمال شرقی و شمال غربی این تپه

خرابه‌های خرقان واقع است. عرض تپه از شرق به غرب ۴۲ متر و طول آن از شمال به جنوب ۱۱۶ متر است و مقبره در سمت شمال این تپه و شامل دو قسمت مسجد و مقبره می‌باشد. مسجد از داخل بشکل مربعی است که در چهار طرف آن طاقنماهایی به عمق ۲/۵ متر می‌باشد و مسجد را بصورت کثیرالاضلاع منظمی درآورده است، در طاقنمای غربی محرابی است که دارای کتیبه‌ها و گچ‌بری‌هایی می‌باشد، طاقنمای مقابل محراب در سمت شرق مدخل مسجد و طاقنمای جنوبی مسدود و طاقنمای شمالی به مقبره شیخ متصل می‌باشد. روی قبر شیخ يك چهار اطاقی به ابعاد سه متر در سه متر ساخته شده و در کنار آن اطاقی به ابعاد سه متر در سه متر واقع است. ظاهراً قبر شیخ در فضای آزاد قرار داشته و در این اواخر این دو اطاق را بر بنای هشت گوش منظم مسجد اضافه نموده‌اند. بنای اصلی در اواخر دوران سلجوقی (قرن ششم هجری) بر فراز تپه ساخته شده و بمرور زمان رو به ویرانی نهاده است و در سال ۱۳۴۸ هجری قمری مرحوم معتضد الملك عظیم‌ا عضدی بقعه و مسجد را تعمیر نموده و سنگی بر روی مزار شیخ نهاده است.

بر بالای محراب گچ‌بری دوران سلجوقی در داخل بقعه نوشته است: «قال النبی علیه السلام المصلی یناجی ربه» و بر حاشیه محراب عبارتی فارسی بخط ثلث مرقوم رفته که بخش بیشتر آن موجود و بخشی از آن فروریخته است. آنچه اکنون از نوشته فارسی آن باقی مانده است و خوانده می‌شود چنین است:

«علی شیخ گفت قدس الله روحه قبله پنج است کعبه قبله مؤمنانست و بیت المعمور قبله فرشتگانست و بیت المة ... قبله دعاگویانست ... و حق قبله جوانمردان و دوستان است...».

در کتاب تذکرة الاولیاء شیخ عطار جزو گفته‌های شیخ ابوالحسن خرقانی

مضمون مذکور چنین آمده است: «وگفت قبله پنج است کعبه است که قبله مؤمنان است و دیگر بیت المقدس که قبله پیغامبران و امتان گذشته بوده است و بیت المعمور با آسمان که آنجا مجمع ملائکه است و چهارم عرش که قبله دعاست و جوانمردان را قبله خداست فاینمائکونوا فثم وجه الله.»

تعمیر و تکمیل بقعه و مسجد

در تیرماه سال ۲۵۱۹ (۱۳۳۹ ه. ش.) عده‌ای از اهالی بیدخت گناباد نامه‌ای به آقای دکتر اقبال نخست وزیر وقت نوشته و استدعا نموده بودند که بنای مقبره شیخ ابوالحسن خرقانی تعمیر اساسی شود که عین نامه آنها از نخست وزیری جهت اقدام به وزارت فرهنگ و از آنجا به این عنوان که این قبیل بناها به ثبت تاریخی نرسیده و شخصیت مذکور از مشاهیر ملی و تعمیر بقعه او از وظایف انجمن آثار ملی است به انجمن ارسال شده بود. در مردادماه همان سال نامه‌ای در همین باره از طرف اهالی کاشان به وزارت فرهنگ رسیده بود که آن را هم آقای دکتر مهران وزیر فرهنگ وقت به انجمن آثار ملی فرستاده بودند. در آن هنگام انجمن آثار ملی سرگرم اتمام بنای آرامگاه‌های عطار، خیام، نادرشاه افشار و کمال‌الملک و گرفتار مضیقه مالی بود و در پاسخ این نامه‌ها و نامه‌های دیگری که در این زمینه از طرف مقاماتی چون فرمانداری کل سمنان، فرمانداری شاهرود، و افرادی چون آقای منصور خواجه نصیری مشاور عالی وزیر کشور و سیدعلی اکبر کریمی متصدی آرامگاه خرقانی و غیره دریافت می‌داشت و همه حاکی از آن بود که آرامگاه خرقانی و مسجد آن نیازمند تعمیرات اساسی است پاسخ می‌داد که پس از پایان یافتن کارهای در دست اقدام و رفع مضیقه مالی انجمن در این باره نیز اقدام خواهد شد.

در اردیبهشت ماه ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه. ش.) آقای حسین جودت از طرف انجمن آثار ملی به خرقان رفت تا از آرامگاه شیخ بازدید نموده نظر خود را در

باره تکمیل و تعمیر بنا و وضع محوطه آن به اطلاع انجمن برساند. قسمتی از گزارش آقای جودت چنین است:

۱- بنای کثیرالاضلاعی مسجد خرقانی را با همین نقشه و وضعی که دارد می‌توان با محکم ساختن پی‌ها و علاوه کردن روکار آجری برنمای فعلی که از آجرهای کهنه ونو و بدون بندکشی است، و ساختن يك گنبد به سبك گنبد‌های دوره سلجوقی بر روی گنبد فعلی و نصب سنگهای ازاره در داخل و فرش کف بنا با سنگ، بصورت آبرومندی درآورد.

۲- بمنظور حفظ قبر شیخ باید یکی از طاق‌نماهای مسجد را که در شمال مسجد و مجاور قبر است توسعه داد و در مشرق و مغرب آن لوحه‌های سنگی که روی آنها کتیبه‌هایی از کلمات قصار شیخ نوشته شده باشد نصب نمود.

۳- دور تا دور تپه در قسمت پایین باید دیواره سنگی کوتاه با نرده‌های ساده ساخت و بدین ترتیب محوطه را محصور کرد و با پله‌هایی از طرف جنوب به بالای تپه رفت و آمد نمود، روی تپه چمنکاری و گلکاری خواهد شد.

۴- چون از کشورهای دیگر چون افغانستان و پاکستان و غیره نیز ارادتمندان شیخ به زیارت تربتش می‌آیند لذا در انتهای شمالی تپه باید شش اطاق، بالوازم آنها برای اقامت موقت زائران تعبیه نمود.

۵- يك بنای سه اطاقی بالوازم آن نیز در قسمت پایین مجاور ضلع جنوب غربی برای سرایدار بقعه ساخته خواهد شد.

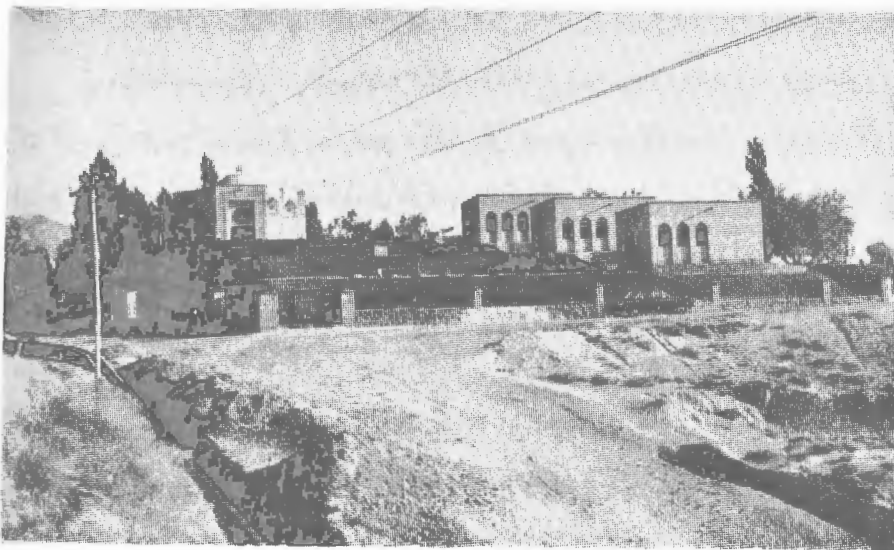
۶- وضع محراب و گنچ‌بری آن که قسمت مهم این بنای تاریخی است بهمان وضع سابق باقی خواهد ماند. آقای جودت مخارج کلیه این کارهای یعنی تکمیل گنبد، ساختن ازاره داخل بقعه، رنگ کردن بنا، فرش کردن کف بنا با سنگ محکم، ساختن ازاره دور بنا، فرش کردن ایوان دور بنا، ساختمان استخوان‌بندی مقبره، ساختمان بنا برای پذیرایی زوار، ساختن دیوار و نرده اطراف محوطه، باغچه‌بندی و گلکاری محوطه و غیره را مبلغ ۱۶۸۶۰۰۰ را

ریال برآورد کرده بودند.

انجمن آثار ملی در پاسخ نامه‌ای که در آبان‌ماه ۲۵۳۰ از طرف فرمانداری کل سمنان همراه با رونوشت نامه ساکنان قلعه نوخرقان درباره تعمیر آرامگاه خرقانی به انجمن رسیده بود نوشت که در باره لزوم توجه به تعمیرات مسجد و مقبره شیخ ابوالحسن خرقانی عارف نامی این موضوع سابقاً بدستور انجمن آثار ملی مورد مطالعه قرار گرفته و آقای جودت نماینده انجمن در این زمینه مطالعاتی نموده است. کمک انجمن طبعاً مربوط به تعمیرات مسجد و ساختن چند اطاق ساده برای زائران خواهد بود و قسمت باغ و محوطه کارهایی دارد که باید جنابعالی ساکنان محل را تشویق فرمایید که سهم خود علاقه‌ای نشان دهند و در محصور کردن محوطه و ساختن پله‌های لازم و غیره اقدام نمایند. فرماندار سمنان در دیماه ۲۵۳۰ به اطلاع انجمن رسانید که در صورتی که انجمن تعمیر مسجد و مقبره و ساختمان محل سکونت زوار را بعهده بگیرد این فرمانداری کل می‌تواند بایاری مردم علاقه‌مند و خیراندیش کار محوطه‌سازی و دیوارکشی و پله‌سازی لازم را بانجام رساند، پس از وصول این نامه آقای جودت به انجمن نوشت که قبلاً هزینه کارهای تعمیراتی و تکمیل بنای مسجد و مقبره شیخ ابوالحسن خرقانی جمعاً بالغ بر ۱۶۸۶۰۰ ریال برآورد شده بود چون فرمانداری کل سمنان تعهد کرده است که با یاری مردم خیراندیش محوطه‌سازی پیرامون آرامگاه را انجام دهد و هزینه این قسمت ۳۹۶۰۰۰ ریال می‌شود بنابراین رقم مربوط به تعمیرات مسجد و آرامگاه و ساختمان اطاقهایی جهت زائران پس از کسر رقم مذکور بالغ بر ۱۲۹۰۶۰۰ ریال خواهد شد.

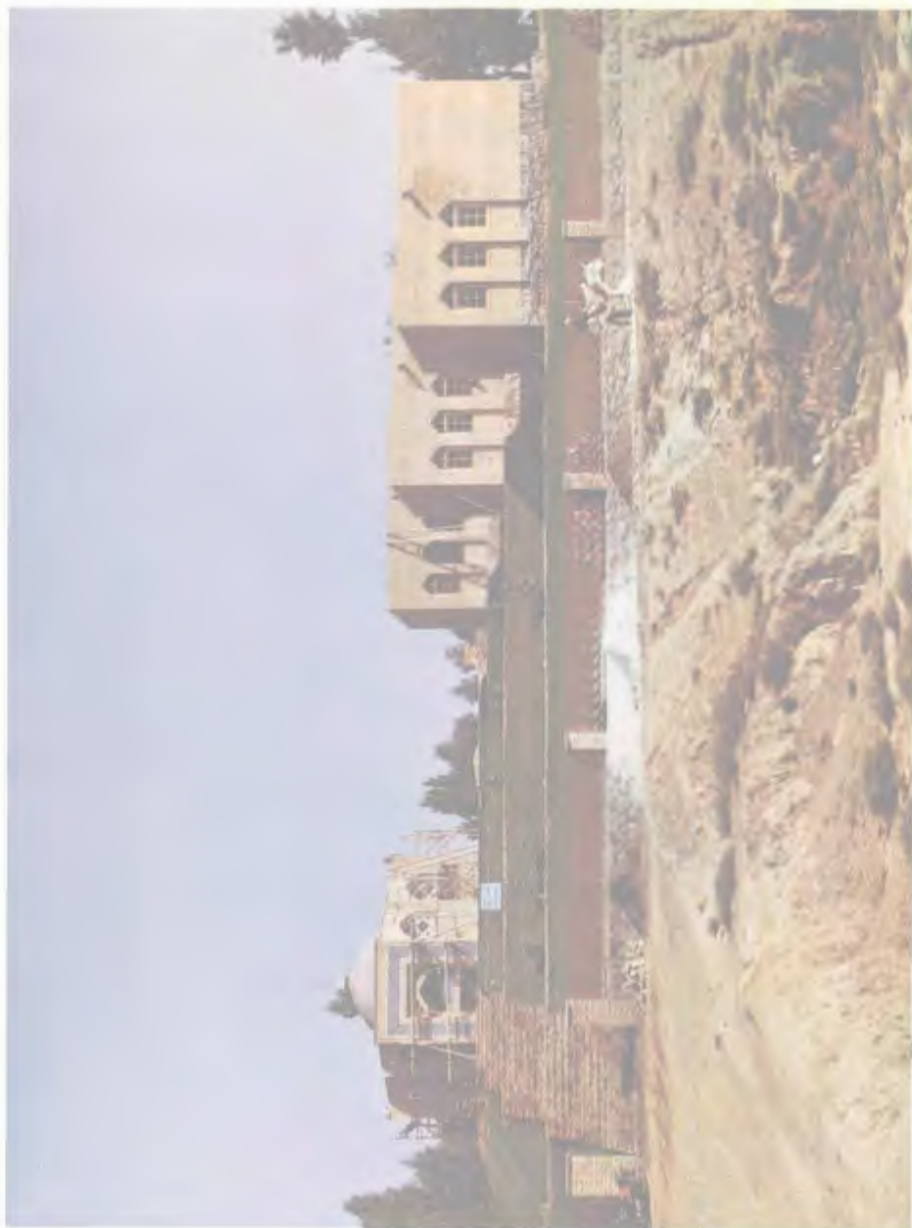
آقای جودت طی نامه دیگری به اطلاع انجمن رسانید که روز دوشنبه ۲۳/۱۱/۵۰ در محل آرامگاه خرقانی با حضور جمع کثیری از اهالی شاهرود و فرماندار و رؤسای ادارات کار تعمیر و تکمیل بنای آرامگاه و مسجد شیخ

ابوالحسن خرقانی آغاز گردید و عده‌ای کارگر به کار مشغول شدند. کار تعمیر و تکمیل و نوسازی آرامگاه خرقانی تا اوایل سال ۱۳۳۲ ادامه یافت و در تاریخ بیست و هفتم فروردین آن سال آقای جودت به انجمن آثار ملی گزارش داد که کلیه کارهای آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی از نصب سنگهای کتیبه، نصب سنگ قبر-فرش کردن و ازاره‌سازی سنگی مسجد و آرامگاه، نصب فانوسهای داخل مسجد و داخل آرامگاه، رنگ زدن بدنه و سقف مسجد و بدنه آرامگاه، سیم کشی برق و نصب لامپهای لازم، نصب فانوس سر در آرامگاه و فانوسهای بناهای تابعه و رفع نقائص دفتر و اطاقهای زائران همه انجام گردیده است، ترتیب تحویل بنا را بهر نحو که صلاح بدانند دستور فرمایند.



مقبره شیخ ابوالحسن خرقانی و بناهای جداگانه زائران

بدین ترتیب بقعه شیخ ابوالحسن خرقانی که بر اثر ویرانی و تصرفات گوناگون بصورتی نامطلوب درآمده بود از طرف انجمن آثار ملی احیاء و تعمیر اساسی شد و سراسر تپه محل آرامگاه نیز از وضع نابسامان پیشین بدر آمد و چمنکاری و گلکاری گردید و سه بنای مستقل برای زائران فراوان بقعه



منظر نیمه شیخ ابوالحسن خرقانی بر فراز تپه محل آرامگاه شیخ و بناهای
جد آگاهان که برای زائران ساخته شده است



محراب عهد سلجوقی (قرن ششم هجری) در بقعه شیخ ابوالحسن خرقانی

که تعدادی از آنان از کشورهای دیگر به زیارت شیخ می آیند و همچنین ساختمان دفتر آرامگاه و لوازم آن ساخته و پرداخته شد. ضمناً به تصرفهای ناروایی که بر اثر آنها طی سالیان دراز زمین و آب متعلق به بقعه شیخ مورد بهره برداری شخصی واقع شده بود با همکاری هیأت امنای آرامگاه و پرداخت اجرة المثل به اشخاصی که ادعاهایی داشتند پایان داده شد و قسمتهایی از زمینهای متعلق به اشخاص نیز خریداری و به محوطه آرامگاه افزوده شد.

سنگ قبر

در سال ۱۳۴۸ هجری قمری مقارن تعمیر بقعه خرقانی بوسیله شادروان معتضد الملك عظیماء عضدی سنگی برای قبر شیخ تهیه و بر روی آن ابیاتی نقش شده است، آن ابیات را از یادداشت های خصوصی دانشمند گرانقدر آقای سید محمد تقی مصطفوی نقل می کنیم. آقای مصطفوی ذیل این ابیات نوشته اند که «پیش از ظهر پنجشنبه ۵۲ ر ۵۴ باکمک آقای میرباقری روحانی محترم اهل شاهرود و رئیس انجمن شهر و رئیس شورای منطقه ای آموزش و پرورش خوانده و نوشته شد» و اینک آن ابیات:

این مرقد شریف که در این مکان بود

آرامگاه قطب زمین و زمان بود

شیخ الطریقه بوالحسن خارقانی است

این کالبد که در دل خاکش مکان بود

انی اشم رائحة الحق از یمن

فرمایش پیمبر آخر زمان بود

مغز و مشام حضرت سلطان ابایزید

هم بهره ور ز رائحة خارقان بود

هشتاد و هفت سال چو قبل از ولادتش
 او را مبشر آن شه صاحبقران بود
 از خارقان گرفته کفی خالک و بوی کرد
 گفتا که این گلی است کزین گلستان بود
 از بعد من طلوع کند ماهی از زمین
 کز او فروغ مهر و مه آسمان بود
 شد کنیتش ابوالحسن و نام او علی
 باب گرامش (!) جعفر بافر و شان بود
 بر چارصد فزود ز هجرت چو بیست و پنج
 تاریخ فوت بوالحسن خارقان بود
 از حضرتش هزار کرامت کنند نقل
 این قصه عجیب یکی ز آنمیان بود
 دیدش ابوعلی که به شیری سوار بود
 او را مطیع و رام هژبر ژبان بود
 باری چو تازیانه به کف دید شیخ را
 بر شیر می زند که بهر سو روان بود
 شیخ الرئیس لب پی پرشش گشود و گفت
 بردام و دد ز بهر چه حکمت روان بود
 پرسید چون ز راز بیاسخ سرود شیخ
 کاینم کرامتی ز خدای جهان بود
 بر زشتخوئی زن بد چونکه صابرم
 دام و دد درنده مطیعم از آن بود
 بر سیصد و هزار چل و هشت چون فزود
 تاریخ سال این حرم و آستان بود

تعمیر بقعه معتضدالملک کرد و خواست
 این بقعه رشک روضه باغ جنان بود
 زین مضجع عظیم عظیمیا بروزگار
 نامش بیادگار شرف جساودان بود
 این شعرهای نادره از طبع نادری است
 کاند در فنون شعر بسدیع الزمان بود

کتیبه‌ها

بر بالای سر در ورودی آرامگاه با کاشی معرق و به خط ثلث نقش
 شده است:

«لا اله الا الله الملك الحق المبين محمد رسول الله الصادق البار الامين»
 و در ذیل آن نوشته شده است:

بسمه تعالی

عارف ربانی شیخ ابوالحسن علی بن جعفر خرقانی یکی از ستارگان قدر
 اول عالم روحانی و معنوی ایرانست که بسال ۳۴۸ هجری در قریه خرقان از
 توابع بسطام دنیا آمد و از دوران جوانی به کسب دانش پرداخت و به مقامی
 شامخ رسید و در رهپزگاری بلند آوازه شد و محفلش کانون علم و حکمت گردید
 و بسال ۴۲۵ هجری چشم از جهان فرو بست و نزدیک زادگاه خود بخاک
 سپرده شد.

رباعی زیر از سروده‌های منسوب بدو است:

آن دوست که دیدنش بیاراید چشم
 بی دیدنش از گریه نیاساید چشم
 ما را ز برای دیدنش باید چشم
 و دوست نبیند بچه کار آید چشم

در دوطرف اطاق آرامگاه نیز دو کتیبه نصب شده که یکی از آنها چنین است:

بنام خداوند بخشنده مهربان

بقعه عازف ربانی شیخ ابوالحسن خرقانی که مشتمل بر مسجد و آرامگاه آن بزرگوار است در اواخر دوران سلجوقی (سده ششم هجری) ساخته شد و بر اثر گذشت روزگار آسیب فراوان دید و حدود پنجاه سال پیش هم تعمیراتی توأم با تغییرات و تصرفهای ناموزون در آن انجام گرفت و طولی نکشید که ویرانیهای مجدد بدان راه یافت و متدرجاً بصورتی درآمد که بهیچ وجه بامقام عارف نامبرده تناسب نداشت. بفرمان مبارک اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر در بهمن ماه ۱۳۵۰ خورشیدی اصلاح اساسی و تعمیر و تکمیل این بقعه و آرامگاه از طرف انجمن آثار ملی آغاز شد و محوطه آن آراسته گشت و چند محل جداگانه هم برای آسایش زائرین و بازدیدکنندگان آنجا ساخته و پرداخته گردید و این مرحله خدمت در اسفندماه ۱۳۵۱ پایان پذیرفت.

و کتیبه دیگر چنین است:

آنکه پاینده و باقیست خدا خواهد بود

از سلطان العارفین بایزید بسطامی نقل کرده اند که هر سال یکبار برباط دهستان می آمد و بر فراز تلی ایستاده همانند کسی که بوی خوش استشمام نماید نفس می کشید چون علت را از وی پرسیدند

گفت: زین سو بوی یاری میرسد	کاندرین ده شهریاری میرسد
بعد چندین سال میزاید شهی	میزند بر آسمانها خرگهی
رویش از گلزار حق گلگون بود	از من او اندر مقام افزون بود
چیست نامش گفت نامش بوالحسن	حلیه اش را گفت و ابرو و دفن
قد او و رنگ او و شکل او	یک بیک را گفت از کیسو و رو

(از مثنوی مولوی)

شیخ فریدالدین عطار در باره شیخ ابوالحسن خرقانی چنین نویسد:

«آن آفتاب الهی - آن آسمان نامتناهی قطب زمان ابوالحسن خرقانی پیشوای اهل طریقت و راهنمای سالکان راه حقیقت در درگاه حضرت عزت آشنائی عظیم داشت».

آیین گشایش رسمی آرامگاه پیش از ظهر روز پنجشنبه چهارم مردادماه سال ۲۵۳۲ (۱۳۵۲ ه.ش.) با حضور هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی و رؤسای ادارات شاهرود و شخصیت‌های محلی بوسیله شادروان سپهبد فرج‌الله آقاوولی رئیس پیشین هیأت مدیره انجمن انجام گرفت. در آیین گشایش از طرف ریاست هیأت مدیره انجمن و فرماندار شاهرود بیاناتی ایراد و مرتبت معنوی این عارف بزرگ یادآوری گردید.



نمای دیگری از آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی

آرامگاه خواجو

خواجو - ابوالعطا کمال الدین محمود بن علی بن محمود معروف به خواجو شب یکشنبه بیستم ذی الحجه سال ۶۸۹ هجری قمری در کرمان دیده به جهان گشود و در روزگار خردی و جوانی در زادگاه خود علم و ادب آموخت و آنگاه به مسافرت پرداخت و به شیراز، اصفهان، خوزستان، آذربایجان، بغداد، مصر و شام رفت و در اواخر عمر مقیم شیراز شد و هم در آن شهر به سال ۷۵۳ هجری قمری درگذشت^۱. خواجو هنگام اقامت در شیراز با خواجه حافظ معاشرت داشت و غزلهای او مورد پسند حافظ بود، چنانکه خواجه فرماید:

استاد سخن سعدی است پیش همه کس اما

دارد سخن حافظ طرز سخن خواجو

بعضی از غزلهای حافظ در جواب غزلهای خواجو سروده شده است.

آثار خواجو عبارتست از:

۱- برای شرح احوال خواجو رجوع شود به مقدمه دیوان اشعار خواجو به اهتمام و تصحیح احمد سهیلی خوانساری و مآخذ دیگری از قبیل تاریخ ادبیات ادوارد برون (از سعدی تا جامی)، مجالس النفایس، مجمع الفصحا، تاریخ عصر حافظ، تاریخ ادبیات دکتر شفق و مقدمه روضة الانوار خواجو چاپ کوهی کرمانی بقلم حسین مسرور.

- ۱- صنایع الکمال.
- ۲- بدایع الجمال.
- ۳- همای و همایون.
- ۴- گل و نوروز.
- ۵- روضة الانوار.
- ۶- کمال نامه.
- ۷- گوهر نامه.
- ۸- سام نامه.
- ۹- مفاتیح القلوب و مصابیح الغیوب.
- ۱۰- رساله البادیه.
- ۱۱- رساله سبع المثانی.
- ۱۲- رساله مناظره شمس و سحاب.

قبر خواجه

در شمال شیراز دامنه کوه «صبوی» جایی که راه شیراز به اصفهان آغاز می شود از قدیم به تنگ الله اکبر معروف بوده و شیخ اجل سعدی در آرزوی این دامنه با صفا سروده است:

خوشا سپیده دمی باشد آنکه بینم باز

رسیده بر سر الله اکبر شیراز

قبر خواجه در تنگ الله اکبر در شمال دروازه قرآن قرار دارد و شاعری سروده است:

تن خواجهی کرمانی به شیراز به تنگ افتاده است الله اکبر

آب رکناباد از جوار مقبره خواجه می گذرد و بقعه شیخ مشرقی نیز

نزدیک به قبر خواجو است.

آرامگاه خواجو در سال ۲۴۹۵ در دوره وزارت آقای علی اصغر حکمت و به دستور ایشان و توجه و علاقه مرحوم علی ریاضی رئیس فرهنگ فارس با جوهی که علاقه‌مندان کرمان فرستادند و مبلغی از اعتبارات فرهنگ فارس بصورت فعلی درآمد. «نرده آهنی دور آرامگاه قبلی حافظ بدانجام منتقل شد و بشکل نرده‌های کوچک در حصارهای شرقی باغچه آرامگاه خواجو نصب گردید و سقف آن محجر آهنی نیز برای سقف کوبی اطاق پذیرایی و کتابخانه خواجو بمصرف رسید».

محل آرامگاه خواجو

در تاریخ اول مرداد ماه سال ۲۵۱۰ (۱۳۳۰ ه. ش.) آقای فریدون توالی نماینده باستانشناسی در فارس رونوشت نامه‌ای را که در باره محل آرامگاه خواجو به اداره کل باستانشناسی نوشته بود به انجمن آثار ملی فرستاد. این نامه حاکی از آن بود که در سال ۲۴۹۵ (۱۳۱۵ ه. ش.) شخص متجاوز تقاضای ثبت محل آرامگاه خواجو را به نام خود نموده و پس از توجه اداره فرهنگ و اوقاف فارس بدین موضوع با تدابیری شخص مذکور را وادار کرده‌اند که با سند محضری عیناً رقبه ثبت شده را به اداره معارف و اوقاف فارس صلح کند. با این وصف چون رونوشت صلحنامه در پرونده ثبتی آرامگاه موجود نبوده ورثه وی اخیراً تقاضای صدور سند بنام خود نموده‌اند، ضمناً چون پرونده سال ۲۴۹۵ (۱۳۱۵ ه. ش.) آرامگاه خواجو متضمن اصل سند صلحنامه بر اثر تفکیک ادارات فرهنگ و اوقاف در دسترس نبود بازحمات فراوان استفاده از آشنائی با آقای صدرالدین محلاتی سردفتر اسناد رسمی رونوشتی از سند

مزمور تهیه و به ادارات اوقاف و ثبت اسناد ارسال گردید و قبلاً از صدور سند به نام متقاضیان جلوگیری شد تا موضوع مورد رسیدگی قرار گیرد. امید می رود که تا دو ماه دیگر سند مالکیت به نام اوقاف فارس صادر گردد. آقای توللی در پایان نامه خود لزوم تهیه اعتبار جهت مرمت آرامگاه را یادآور شده است.

تعمیر آرامگاه

از سال ۲۵۰۹ برای تعمیر آرامگاه خواجه مکتباتی بین ادارات مختلف می شد و انجمن کرمانیان مقیم شیراز و افراد خیر نیز برای این منظور اقداماتی بعمل آورده بتدریج مبلغی جمع آوری نمودند. در خردادماه سال ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه. ش.) استانداری فارس نقشه ای را که برای بنای آرامگاه جدید خواجه تهیه شده بود همراه نامه ای به انجمن آثار ملی فرستاد و یادآور شد که برای ساختمان آرامگاه جدید مبلغ یک میلیون و ششصد هزار ریال مورد نیاز است، موجودی انجمن آثار ملی فارس مبلغ ۲۵۰۱۰ ریال می باشد و مبلغی هم که در محل برای این منظور می توان فراهم آورد از یکصد هزار ریال تجاوز نمی کند، بنابراین عملی شدن نقشه مذکور منحصرأ از طریق کمکهای مالی انجمن آثار ملی امکان پذیر خواهد بود.

در همان ایام از طرف انجمن آثار ملی به استانداری فارس اطلاع داده شد که بسبب تعهدات سنگین و ضیق مالی فعلاً انجمن اعتباری برای بنای جدید آرامگاه ندارد اما سعی خواهد شد که برای تعمیر آرامگاه فعلی وجوهی اختصاص داده شود.

در اردیبهشت ماه سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه. ش.) از طرف انجمن به استاندار و رئیس انجمن آثار ملی فارس نوشته شد که چند سال پیش مبلغ بیست و پنج هزار ریال از طرف انجمن برای تعمیر آرامگاه خواجه به شهرداری شیراز امانت

داده شده است و چون برای احداث پله‌های آرامگاه مذکور مبلغ یکصد هزار ریال لازم است، طبق پیشنهاد آقای علی اصغر حکمت قرار شد که از طرف انجمن مبلغ بیست و پنج هزار ریال دیگر برای این منظور اختصاص داده شود و بدین ترتیب مبلغ پنجاه هزار ریال بوسیله انجمن آثار ملی تأمین گردد و مبلغ پنجاه هزار ریال هم شهرداری شیراز برای این امر منظور نماید و آقای سامی رئیس اداره آثار باستانی فارس این امر را به انجام رساند. چندی بعد نیز از طرف هیأت مدیره انجمن آثار ملی موافقت شد که با اعانات فراهم آمده و مبلغی از اعتبارات موجود در انجمن آثار ملی فارس و مبلغ یکصد هزار ریال که از طرف انجمن آثار ملی و شهرداری شیراز فراهم آمده است تعمیرات آرامگاه خواجه انجام گردد. در آذرماه سال ۱۳۵۷ آقای سامی رئیس اداره آثار باستانی فارس و بنگاه علمی تخت جمشید گزارش داد که ساختمان يك اطاق به اندازه ۵/۵ × ۳/۵ متر و يك پستو برای مستحفظ آرامگاه خواجه در قسمتی از فضای آرامگاه با شیب بامی آهنی و سنگ و آجر خاتمه پذیرفت و فعلاً "مستحفظ آرامگاه در اطاق ساکن می‌باشد. اطاق داخلی آرامگاه که قبلاً محل سکونت مستحفظ شده بود با کاشی سیمانی مفروش و سفیدکاری گردید و درهای آن تعویض و برای پذیرایی و کتابخانه مستعد و مجهز شد و ایوان جلو آن با شیب بامی آهنی مسقف و با کاشی سیمانی مفروش گردید. قسمتی از فضای آرامگاه آجر فرش و شش‌پایه چراغ از آهن لوله تهیه و نصب شد. قسمتی از دیوار سنگی مشرق فضای پایین آرامگاه و پلکان ورودی تعمیر و نوسازی شد، گلخانه کوچکی نیز با چوب فعلاً تهیه و برای حفاظت گلها در کوچه غربی نصب گردید و بدین ترتیب آرامگاه خواجه تا حدودی تعمیر شد و سامانی یافت.

اخیراً (اواخر شهریورماه ۱۳۳۵) که نگارنده برای مشاهده بناهایی که از طرف انجمن آثار ملی در شیراز ساخته و تعمیر و تزئین شده است بدان شهر زیبا مسافرت کرده بود از مشاهده وضع آرامگاه خواجه بسیار متأسف

گردید، در ورودی آرامگاه حلبی سیاه و درهم شکسته‌ای است و پله‌ها کثیف و دیوار شرقی فرو ریخته است و غربت این شاعر بزرگ کرمانی در شهری که مردمش به مهمان‌نوازی شهره‌اند کاملاً مشهود می‌باشد. امید است دستگاه‌های مسئول و افراد علاقه‌مند با بذل توجهی به وضع آرامگاه این شاعر توانا سروسامانی دهند.

لوحة سنگی که اکنون بر روی مدفن خواجه موجود است از آثار حجاری قرن هشتم هجری می‌باشد^۱.

آرامگاه ابن یمن

ابن یمن - امیر فخرالدین محمود بن امیر یمین الدین طغرائی مستوفی فریومدی معروف به ابن یمین از شاعران معروف قرن هشتم هجری است که در حدود سال ۶۸۵ هجری قمری در فریومد^۱ خراسان دیده به جهان گشود. پدرش امیر یمین الدین طغرائی شغل دیوانی داشت و شعر نیز می سرود، ابن یمین مانند پدر مدتی به کار دیوانی مشغول بود و در جنگ زاوه که به سال ۷۴۳ ه.ق. بین سربداران و آل کرت روی داد دیوان اشعارش از بین رفت و پس از آن آنچه را از اشعار خود در نزد دوستانش یسافته فراهم آورده و با آنچه بعد از آن سروده جمعاً در حدود پانزده هزار بیت از او بازمانده است.

ابن یمین شیعی مذهب بوده و ائمه اطهار و شهیدان کربلا راستوده است، از اشعار این شاعر مستفاد می شود که وی از علم و ادب بهره کافی داشته و در کسب کمال کوشش بسیار کرده است. هنر ابن یمین بیشتر در سرودن قطعات اخلاقی و اجتماعی است و او را پس از انوری بزرگترین قطعه سرای محسوب داشته اند. ابن یمین روز شنبه هشتم ماه جمادی الآخر سال ۷۶۹ ه.ق. در فریومد

۱- فریومد از شهرک های بسیار قدیمی خراسان است و در دامنه تپه ماهورهای بین سبزوار و جوبین واقع گردیده و محلی بسیار خوش آب و هواست (آثار باستانی خراسان، ص ۴۸۹ و ۴۹۰).

درگذشت و در مقبره پدرش به خاک سپرده شد.^۱ در باره تاریخ درگذشت او شاعری سروده است:

بود از تاریخ هجرت هفتصد با شصت و نه
روز شنبه هشتم ماه جمادی الآخرین
گفت رضوان حور را برخیز و استقبال کن
خیمه بر صحرای جنت می زند ابن یمن

آرامگاه ابن یمن

آرامگاه ابن یمن در قصبه فریومد بر بالای تپه‌ای در مجاورت مسجد جامع معروف فریومد قرار دارد. گزارشی که در دیماه سال ۲۵۳۳ (۱۳۵۳ ه.ش.) در باره این آرامگاه به انجمن آثار ملی رسیده حاکی است که مقبره ابن یمن يك چهارطاقی بوده از خشت و گل که دیوار غربی آن بکلی خراب شده و دیوارهای شرقی و شمالی و جنوبی آن باقی است و قبر در بین این سه دیوار است، سابقاً این بنا با سقفی گنبدی پوشیده بوده است ولی در حال حاضر قسمت کمی از سقف بر بالای این دیوار باقی است و قسمت عمده آن به مرور زمان ریخته و از بین رفته است. دیوارهای سه طرف به ارتفاع ۳/۵ تا ۴ متر و ابعاد مقبره نه متر در نه متر و مساحت آن جمعاً هشتاد و يك متر مربع می باشد و روی قبر با آجر فرش شده است.

در سمت جنوب آرامگاه اخیراً دبستانی به نام دبستان ابن یمن ساخته شده و اینک دایر و مورد استفاده است.

۱- تاریخ ادبیات ایران، چاپ دانشگاه پهلوی، ص ۴۹.

آرامگاه جدید

در سال ۲۵۲۲ انجمن آثار ملی از اداره فرهنگ شهرستان شاهرود خواست تا برای تجدید بنای آرامگاه ابن یمن یکی دوتن از فرهنگیان و دونفر مهندس و معمار مورد اعتماد نقشه روشن و مناسبی موافق با وضع و احتیاجات محلی تهیه نمایند و با صورت برآورد هزینه آن به اطلاع انجمن آثار ملی برسانند. از طرف اداره مذکور در همان تاریخ گزارشی به انجمن رسید حاکی از آنکه هیأتی از مطلعان و مدیر کتابخانه فرهنگ به فریومد رفتند و پس از مشاهده آرامگاه ابن یمن و مطالعه در باره تجدید ساختمان آن به شاهرود بازگشته نتیجه مطالعات خود را در اختیار آقای مهندس نجفیان رئیس ناحیه راه آهن شمال شرق گذاشتند تا نقشه لازم را تهیه نمایند، نقشه ای که بوسیله مشارالیه تهیه می شود با صورت برآورد مخارج کامل آن به زودی به انجمن آثار ملی ارسال خواهد شد.

در اردیبهشت ماه سال ۲۵۲۳ نقشه آرامگاه جدید ابن یمن که بوسیله آقای مهندس رحمانی تحت نظر آقای مهندس نجفیان رسم شده بود بانضمام گزارش وضع محل و نحوه تهیه مصالح و وسائل لازم به انجمن رسید. گزارش مذکور مشعر بر آن بود که ضمن بازدیدی که از محل آرامگاه ابن یمن بوسیله مهندس و کارشناس رسمی و چند تن از فرهنگیان بعمل آمد نکات ذیل مورد توجه قرار گرفت که برای مزید استحضار به عرض می رسد:

۱- آرامگاه ابن یمن در فرومد بالای بلندی قرار گرفته و زمین آن از نوع شنهای بسیار سخت می باشد.

۲- سمت جنوب آرامگاه باغی است به مساحت تقریبی يك هكتار که از زمین آرامگاه در حدود سه الی چهار متر گود تراست و صاحب باغ قبلاً مقدار زیادی از زمین آرامگاه را تراشیده و ضمیمه باغ نموده است و خوشبختانه

چون به محل سخت رسیده طبعاً پیشروی او متوقف شده است. ضمن تماسی که با مشارالیه گرفته شد قول داد که هر مقدار زمین برای توسعه آرامگاه مورد احتیاج باشد بلاعوض واگذار نماید. چنین بنظر می‌رسد که در این محل باید به فاصله ده متری آرامگاه در داخل باغ دیواری سنگی ساخته شود تا اولاً حریم آرامگاه مصون و محفوظ باشد ثانیاً آرامگاه از طرفین فاصله متناسبی داشته باشد و همچنین آب برگردانی برای ساختمان گردد و مانع از ریزش و تخریب تدریجی آن بشود.

۳- زمینهای سمت مشرق و مغرب و شمال آرامگاه بلند است و باید خاک برداری شود که البته پس از تسطیح آنها و ساخته شدن آرامگاه منظره‌ای مطلوب پیدا خواهد کرد، یادآوری این نکته را لازم می‌داند که آرامگاه ابن یمن بر بالای بلندی و از مسجد جامع فرومد هم بلندتر است و در صورتی که بنای آن ساخته شود از فاصله دور نمایان خواهد بود.

۴- آرامگاه فعلی از خشت خام ساخته شده و از سالها پیش رو به ویرانی نهاده و نیازمند خاکبرداری است تا سنگ آرامگاه آشکار شود، فعلاً چند قطعه سنگ در محل آرامگاه هست که هیچکدام سنگ اصلی نیست.

۵- راههای فرومد عبارتست از راه فرومد به عباس آباد که ۳۶ کیلومتر است و راه فرومد به صدر آباد ۲۰ کیلومتر و راه فرومد به ایستگاه جاجریم ۲۴ کیلومتر که ماشینهای شرکت کرومیت در آنها رفت و آمد می‌کند و مصالح ساختمانی برای آرامگاه را می‌توان از این راهها حمل کرد.

۶- سنگ لازم برای آرامگاه باید از کوههای نزدیک ایستگاه جاجریم آورده شود که قبلاً هم مهندسان آلمانی از همین سنگها برای ساختمان ایستگاههای ناحیه خراسان استفاده کرده‌اند، از کوههای مذکور تا فرومد ۲۴ کیلومتر است و جاده آن ماشین‌رو و خوب است.

۷- شن و ماسه لازم را از رودخانه مجاور قصبه فرومد به مقدار وافر

- می‌توان تهیه نمود و تا محل آرامگاه يك كيلومتر بیشتر فاصله ندارد.
- ۸- از مصالح ساختمانی، آجر در قصبه فرومد نیست و باید از سبزوار یا شاهرود بدانجا حمل کرد، البته سبزوار نزدیکتر و آجر آنهم بهتر و ارزان‌تر است (از فرومد تا سبزوار هشتاد کیلومتر است).
- ۹- هر مقدار آهك لازم باشد از شرکت کرومیت که در نزدیکی فرومد به استخراج سنگ کرومیت اشتغال دارد می‌توان خرید.
- ۱۰- کارگران و بناهایی که در ایستگاههای راه آهن کار کرده‌اند در فرومد فراوانند ولی معمار و مهندس در اینجا نیست.



مقبره قدیم ابن یمن

- ۱۱- در فاصله صد متری آرامگاه مسجد جامع فرومد است و جوی آبی هم در داخل مسجد روانست که اگر چه آب آن زیاد نیست ولی از آن برای

حوض و باغچه آرامگاه می‌توان استفاده نمود.

۱۲- در ساز، نجار، آهنگر، جوشکار، شیشه‌بر، سیم‌کش و لوله‌کش در فرمود نیست.

۱۳- طبق برآوردی که بعمل آمده مبلغ پانصد هزار ریال هزینه ساختمان خواهد شد.

در آذرماه ۲۵۳۳ انجمن عمران دهستان فرمود طی نامه‌ای درخواست کرده بود که در باره احداث آرامگاه ابن یمین اقدام لازم بعمل آید، انجمن آثار ملی در همان تاریخ از آقای حسین جودت خواست که به فرمود برود و وضع آرامگاه ابن یمین، مساحت زمین و وضع خانه‌ها و اراضی مجاور آن را مورد مطالعه قرار داده گزارشی تهیه نماید. نماینده انجمن در تاریخ ۲۱ دیماه ۲۵۳۳ در گزارش مبسوطی چگونگی آرامگاه و فاصله فرمود یا فریومد تاسبزوار و شاهرود و اقدامات لازم برای تجدید بنای آرامگاه را شرح داده به اطلاع انجمن رسانید که مساحت آرامگاه ابن یمین در حال حاضر ۸۱ متر مربع است و مدیر مدرسه مجاور آرامگاه و معتمدان محل اظهار می‌دارند که در حدود ۱۷۰ متر مربع دیگر از اراضی اطراف آرامگاه آزاد است و می‌توان آن را ضمیمه فضای آرامگاه ساخت.

در بهمن ماه ۲۵۳۳ انجمن آثار ملی به آقای مهندس فروغی نوشت که نقشه اجمالی وضع محل قبر ابن یمین ارسال می‌شود خواهشمند است دستور فرمایند که نقشه آرامگاه مذکور را تهیه نموده در اختیار انجمن بگذارند.

ساختمان آرامگاه از اوایل فروردین ماه سال ۲۵۳۴ آغاز گردید و بموجب گزارش نماینده انجمن مصالح لازم از آجر و سنگ لاشه و آهک و سنگ جدول و سنگ پله و سنگ رگی در محل کار آماده شد و معمار و بنا و کارگر به کار مشغول شدند. نماینده مذکور در گزارش خود افزوده است که فرمانداری شاهرود کمال همکاری را معمول داشت و دستورهای لازم به گروهان ژاندارمری محل

و بخشداری میامی صادر نمود. در گزارش دیگری که در اردیبهشت ماه ۲۵۳۴ به انجمن رسید ذکر شده بود که برای آماده ساختن محوطه آرامگاه با موافقت امنای محل مقداری از اراضی جلو و کنار آرامگاه خط کشی شده و به آرامگاه اختصاص یافت و کار محصور کردن محوطه و ساختن بنایی جهت نگهبان در دست اقدام است و برای سرپرستی کارگاه یکی از معتمدان محل به نام حسن اسلامی تعیین شد و مقرر گردید که در قبال زحماتی که بعهد می گیرد در هر ماه مبلغ چهار هزار و پانصد ریال به وی پرداخت گردد.

خلاصه آنکه کارهای مربوط به ساختمان آرامگاه ابن یمن سراینده و حکیم نامی قرن هشتم از فروردین ماه سال گذشته (۲۵۳۴) در قصبه کهن و تاریخی فرومد زادگاه وی آغاز شد و با موافقت امنای محل محوطه ای بوسعت حدود دوهزار متر مربع از اراضی پیرامون آرامگاه اختصاص به این امر یافت و تا پایان سال ۲۵۳۴ شاهنشاهی کار ساختمان دیوارهای سنگی اطراف محوطه و تهیه و نصب نرده فلزی آن و اطاقهای دفتر و خانه سرایدار و سایر متعلقات بنا پایان پذیرفت.

بنای آرامگاه بصورت برج دوازده ترک شیوه معماری اصیل ایران توأم با ابتکارات درخور معماری امروز کشور پی ریزی شد و شالوده بتونی آن انجام یافت و دوازده پایه قائم آهنی آن نصب گردید و دیوارسازی و دیگر کارهای آن هم اکنون ادامه دارد.

آرامگاه واعظ کاشفی

واعظ کاشفی - کمال الدین حسین بن علی بیهقی سبزواری واعظ مشهور به کاشفی از دانشمندان قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری بوده بموجب اجازه روایتی که به خط کاشفی بازمانده^۱ پدرش نیز از علماء بزرگ زمان خود بوده است. کاشفی در آغاز عمر در سبزوار به تحصیل علم پرداخته و در علوم دینی و معارف الهی و نجوم و ریاضیات و غیره تبحر یافته است. وی در سبزوار و هرات و نیشابور به وعظ و ارشاد می پرداخته و در دوران سلطنت سلطان حسین بایقرا (در گذشته به سال ۹۱۱ قمری) و وزیر دانش دوست او امیر علیشیرنوائی مقام و منزلتی خاص داشته و در هرات ملازم مولانا جامی بوده است. واعظ کاشفی در سال ۹۱۰ هجری قمری در گذشته و در تاریخ وفاتش گفته اند:

در هدایت صرف شد ایام عمرش زان سبب

گشت تاریخ وفات او «هدایت دستگاه»

از کاشفی کتابها و رساله های فراوان بازمانده که غالب آنها به زبان فارسی است، از جمله تألیفات او است: انوار سهیلی - اخلاق محسنی - الاختیارات یا

۱- روضة الشهداء، چاپ کلاله خاور، ص ۳۳۵.

اختیارات النجوم-آینه سکندری یا جام جم-المواهب العلیه یا تفسیر حسینی-
الرسالة العلیه فی الاحادیث النبویه-اسرار قاسمی-بدایع الافکار فی صناعة
الاشعار-تحفة الصلوات-التحفة العلیه فی علم الحروف و بیان اسرارها-جامع
الستین-روضة الشهداء^۱-سبعة کاشفیه-شرح اسماء الحسنی-شرح مشنوی-جواهر
الاسرار یا اللباب المعنوی-مطلع الانوار و چند کتاب و رساله دیگر.

برای آگاهی از شرح حال کاشفی به مآخذ ذیل می توان مراجعه کرد:
حبیب السیر ج ۲، جزء ۳-مجالس النفایس-رشحات عین الحیات-تذکره
هفت اقلیم-ریاض العلماء-مجالس المؤمنین-از سعدی تا جامی-لغت نامه ذیل
کاشفی و ذیل حسین کاشفی-مقدمه روضة الشهداء چاپ خاور-الذریعه-اعیان
الشیعه-کشف الظنون-روضات الجنات-هدیه العارفین.

مقبره کاشفی

آقای حسن نبوی عضو هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی در تاریخ پانزدهم
اسفندماه سال ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ ه. ش.) به انجمن نوشته اند که مقبره ملاحسین کاشفی
واعظ در سبزوار در آخر خیابانی در شرق شهر به صورتی خراب و بد منظر
در آمده است، بسیار بمورد است که درباره ساختمان این مقبره اقدامی بشود.
در سال ۲۵۳۱ انجمن آثار ملی به سرپرست سازمان باستانشناسی نوشت
که در نظر است بنایی برای آرامگاه ملاحسین کاشفی مدفون در شهر سبزوار
ساخته شود و مقدمات امر هم فراهم آمده است، نظر سازمان باستانشناسی
را در باره آرامگاه کاشفی اعلام نمایند، از فرمانداری و شهرداری سبزوار
و ادارات آموزش و پرورش و اوقاف آن شهر نیز خواسته شد که از لحاظ

۱- پس از آنکه کاشفی کتاب روضة الشهداء را نوشت ذاکران شرح مصائب شهیدان
کربلارا از روی آن کتاب می خواندند و مردم می گریستند و از آن روزگار کلمه های روضه،
روضه خوان و روضه خوانی متداول گردید.

وضع حقوقی و موقوفات و طرح جامع شهر چگونگی محل مقبره را به اطلاع برسانند تا بعداً در ساختمان مورد نظر اشکالی پیش نیاید.

از اداره کل حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران در فروردین ماه سال ۲۵۳۱ به انجمن آثار ملی نوشته شد که آرامگاه فعلی کاشفی در سبزوار از خشت خام و نیمه ویران است و ارزش تاریخی و هنری ندارد، بنابراین از نظر این اداره کل ایجاد بنای جدید در آن محل بلامانع است.

در اردیبهشت ماه همان سال از شهرداری سبزوار نیز نامه‌ای بدین مضمون به انجمن رسید که مقبره ملاحسین کاشفی بقعه‌ای است متروک در شرق شهر سبزوار و در داخل محدوده شهر و سابقاً به نام مقبره پیر حاجات زیارتگاه اهل حاجت بوده است، این آرامگاه در حال حاضر در حاشیه خیابانی به نام خیابان خواجه نظام‌الملک و در مجاورت میدان ورزش واقع است و صورت نامطلوبی دارد و بجاست که نسبت به تجدید بنای آن اقدامی بعمل آید. از اداره اوقاف سبزوار نیز اطلاع دادند که از محل مذکور سابقه‌ای در آن اداره موجود نیست.

از اداره آموزش و پرورش سبزوار نیز اطلاع رسید که زمین مقبره برای ساختن آرامگاه جدید کم است و باید به‌طریقی از زمینهای اطراف آن به زمین مقبره افزوده گردد. پس از این مقدمات از آقای حسین جودت خواسته شد که به سبزوار رفته در باره ساختمان مقبره کاشفی اقدام نماید.

در مردادماه سال ۲۵۳۲ آقای جودت به انجمن آثار ملی گزارش داد که در تاریخ ۵۲/۵/۲ محل آرامگاه ملاحسین کاشفی با حضور فرماندار و رئیس اداره اوقاف و مسئول فرهنگ و هنر سبزوار تحویل گرفته شد، چون کل مساحت زمین آرامگاه ۲۰۰ مترمربع بود و برای بنای آرامگاه جدید کافی بنظر نمی‌رسید لذا همان روز جلسه‌ای با حضور فرماندار و چند تن از رؤسای ادارات سبزوار و آقای علی اصغر نوروزی از مالکان اراضی مجاور آرامگاه

کاشفی در محل آرامگاه تشکیل گردید و پس از مذاکرات لازم آقای نوروزی با طیب خاطر آمادگی خود را برای واگذاری زمین لازم اعلام داشت و بموجب صورت مجلسی که تهیه شد آقای نوروزی در حدود هفتصد متر از اراضی مجاور آرامگاه را که متری پانصد ریال ارزش دارد بطور رایگان و بلاعوض برای ساختمان آرامگاه واگذار نمود تا متعاقباً برای تنظیم سند رسمی آن اقدام گردد. بلافاصله مصالح لازم از قبیل آهک و سنگ و آجر در کارگاه ریخته شد و کار ساختمان آرامگاه کاشفی از همان روز آغاز گردید.

در سال ۲۵۳۲ محوطه آرامگاه کاشفی محصور گردید و محل زیربقعه تا عمق ۲/۵ متر خاکی برداری و با سنگ لاشه و ملات گل و آهک پی ریزی شد و روی پی و سراسر زیر دیوارهای بنا با مصالح لازم استحکام یافت، استخوان بندی فلزی آرامگاه مهیا گردید و بنا جهت نگهداری از هر حیث ساخته و آماده شد.

در سال ۲۵۳۳ سفت کاری بنا پایان یافت و کف پیاده روها سنگ فرش و نرده های لازم نصب و قسمتی از کاشیکاری بنا نیز انجام گردید، و سرانجام در سال ۲۵۳۴ ساختمان آرامگاه از هر جهت به پایان رسید و بنای بسیار زیبایی با معماری اصیل ایرانی به فراخور هنر و فرهنگ کنونی ایران بر مزار این شخصیت روحانی ایجاد گردید. طرح و نقشه این بنا بوسیله آقای مهندس احمد فرح بخش از تحصیل کردگان رشته مهندسی در کشور مکزیک با راهنمایی و سرپرستی آقای مهندس فروغی تهیه شده است. فرمانداری سبزوار و دیگر مقامات مربوط در آن شهر کمال همکاری را در اجرا و تکمیل این امر داشته اند. بر روی سنگ قبر کاشفی نوشته شده است:

کل من علیها فان

آرامگاه عالم شهیر و خطیب نامی ملاحسین کاشفی ملقب به کمال الدین فرزند علی مشهور به واعظ سبزواری مؤلف کتب بسیاری در تفسیر قرآن مجید و علوم اسلامی و

اخلاق و نجوم و غیره و نیز روضه الشهداء و انوار سهیلی. فقید بزرگوار در قرن نهم هجری معاصر با سلطان حسین بایقرا میزیسته و مورد تکریم بزرگان از جمله علیشیر نوائی بوده.

بسال ۹۱۰ هجری برابر ۸۸۴ خورشیدی و ۱۵۰۵ میلادی درگذشته است.

این کتیبه نیز بر دیوار آرامگاه کاشفی نصب شده است:

هنگام سلطنت هرافتخار اعلیحضرت همایون محمد رضا پهلوی شاهنشاه آریامهر بنای آرامگاه شادروان ملاحسین کاشفی ملقب به کمال الدین مشهور به واعظ سبزواری فرزندعلی از طرف انجمن آثار ملی ساخته و پرداخته شد.

آغاز ساختمان: ۱۳۵۲ خورشیدی برابر ۱۳۹۳ هجری و ۱۹۷۳ میلادی

پایان ساختمان: اسفندماه ۱۳۵۳ خورشیدی برابر ربیع الاول ۱۳۹۶ هجری و مارس

۱۹۷۶ میلادی.

آرامگاه ابوالحسن بیهقی

بیهقی- ابوالحسن علی بن زید بن محمد بیهقی مشهور به «ابن فندق» و «فرید خراسان» از دانشمندان بزرگ قرن ششم هجری است که ظاهرآ در روز دوشنبه بیست و هفتم شعبان سال ۴۹۳ هجری قمری ولادت یافت^۱. بیهقی خود گوید^۲: «مولد من... در قصبه سبزوار از ناحیه بیهق بود... پدر من مرا به کتاب سپرد و پس از آن ما به ناحیه ششتمذ از قراء این ناحیه رحلت کردیم چه پدر مرا در آنجا ضیاعی بود...». بیهقی از خردسالی به کسب دانش پرداخت و از استادان بزرگ زمان خود چون احمد بن محمد میدانی مصنف کتاب السامی فی الاسامی، امام ابراهیم الهراز المتکلم، امام محمد فزاری، تاج القضاة یحیی بن عبدالملک، قطب الدین محمد مروزی و حکیم عمر خیام نیشابوری علم و ادب آموخت. وی شرح ملاقات خود را با خیام که به سال ۵۰۷ انفساق افتاده بود در کتاب تنمۀ صوان الحکمه (ص ۱۱۶) آورده است. بیهقی در فقه، اصول، ریاضیات، فلسفه، کلام، لغت، عروض و دیگر دانشها

۱- مقدمه مرحوم قزوینی بر تاریخ بیهق و لغت نامه، ذیل ظهیرالدین حاشیه شماره ۱.

۲- معجم الادباء، یاقوت حموی چاپ مصر، ج ۱۳، ص ۲۱۹ به نقل از مشارب

التجارب.

تبحر یافت و کتابهای متعدد در علوم و فنون گوناگون نوشت. فرید خراسان در سال ۵۱۸ در مرو مجلس وعظ داشت و در سال ۵۲۶ قضاء بیهق یافت و در سال ۵۳۷ در نیشابور سه روز در هفته مجلس می‌گفت و رجال بزرگ در محضرش حاضر می‌شدند. یاقوت حموی به نقل از قول خود بیهقی بیش از هفتاد کتاب و رساله از او نام برده است^۱ و آنچه اکنون از آثار وی در دست است عبارت است از کتاب تتمه صوان الحکمه، تاریخ بیهق، جوامع احکام النجوم، لباب الانساب و شرح نهج البلاغه. بیهقی در سال ۵۶۵ هجری قمری درگذشت.

برای آگاهی از احوال و آثار بیهقی به‌ماخذ ذیل می‌توان مراجعه کرد:

- ۱- معجم الادباء، چاپ مصر، ج ۱۳.
- ۲- معجم المؤلفین، ج ۷.
- ۳- لغت نامه ذیل ظهیرالدین (ابوالحسن...) و علی بیهقی.
- ۴- سیر النبلاء ذهبی، ج ۱۲.
- ۵- الوافی صفوی، ج ۱۲.
- ۶- کشف الظنون.
- ۷- اعیان الشیعه.
- ۸- ایضاح المکنون، ج ۱ و ج ۲.
- ۹- هدیه العارفین، ج ۱.
- ۱۰- کنوز الاجداد، محمد کردعلی.
- ۱۱- فهرست کتابخانه رضوی.
- ۱۲- مقدمه تاریخ حکماء الاسلام، محمد کردعلی.
- ۱۳- فهرس المخطوطات المصوره، ج ۲.
- ۱۴- مصنفی علم الرجال آقا بزرگ تهرانی.

۱- معجم الادباء، ج ۱۳، ص ۲۲۵-۲۲۸.

۱۵- تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲.

۱۶- مقدمه تاریخ بیهقی و تاریخ بیهقی.

۱۷- تنمّه صوان الحکمه.

قبر ابوالحسن بیهقی

قبر بیهقی بر روی تپه‌ای در مغرب قریه ششتمد (در ۳۳ کیلومتری سبزوار) قرار دارد و سابقاً دارای بنایی آجری به وسعت پنج متر در پنج متر و به ارتفاع هشت متر بوده که بمرور ویران شده و آجرهای آن هم از بین رفته است. چند سال پیش مجدداً بنایی از خشت خام به وسعت ده متر در ده متر در آن محل ساخته شد که آن هم اخیراً خراب شده و تنها چهار دیوار آن باقی مانده بود. در وسط این چهار دیوار صورت قبری بود که در حدود سی سانتیمتر ارتفاع داشت و سنگ قبری نیز بر روی آن بود که نوشته‌های آن ریخته و محو شده بود. این مقبره به نام مقبره امام فریدالدین خوانده می‌شد. قطعه زمین موقوفه‌ای به مساحت سه هزار متر مربع در سمت شمال غربی مقبره موجود است که در محل به موقوفه مزار بیهقی معروف می‌باشد.

بنای آرامگاه جدید

عده‌ای از اهالی سبزوار در سال ۲۵۱۰ (۱۳۳۰ ه. ش.) نامه‌ای به اداره کل باستانشناسی نوشته و تقاضا کرده بودند که برای فریدالدین ابوالحسن بیهقی مقبره‌ای ساخته شود که عین نامه آنها از طرف آن اداره به انجمن آثار ملی فرستاده شد. از آن پس نیز پیوسته از طرف اهالی قریه ششتمد و ادارات دولتی سبزوار در این باره نامه‌هایی به انجمن آثار ملی می‌رسید و بخصوص اهالی محل یادآور می‌شدند که مردم ششتمد و قراء اطراف برای مزار امام فریدالدین بیهقی

احترامی خاص قائلند و استدعا دارند که برای بنایی درخور مقام این دانشمند عالقدر دستور لازم صادر گردد. اما انجمن آثار ملی بسبب تعهدات سنگینی که در قبال ساختمان آرامگاههای بزرگانی چون حکیم عمر خیام و شیخ فریدالدین عطار و نادر شاه افشار داشت و هم بسبب اشکالات و مضایق مالی نمی توانست برای بنای آرامگاه بیهقی اقدام عاجلی بعمل آورد.

در آبانماه سال ۲۵۱۹ از طرف اداره کل باستانشناسی به انجمن نوشته شده که مقبره ابوالحسن بیهقی یکی از مشاهیر و دانشمندان ایران در قریه ششم سبزوار به صورت ویرانی درآمده و تجدید بنای آن از نظر مقام علمی آن دانشمند بزرگ لازم است، اهالی محل نیز کمال علاقه را برای بنای آرامگاه او ابراز می دارند خواهشمند است در این باره هر اقدامی که مصلحت است بعمل آید. در پاسخ این نامه هم انجمن آثار ملی یادآور شد که این انجمن کمال علاقه را به مرمت آرامگاههای بزرگان و از جمله ابوالحسن بیهقی دارد اما در حال حاضر با کارهای مهمی که در دست عمل است در این باره اقدامی میسر نمی باشد.

آقای محمدطاهری سبزواری قاضی دادگستری از افرادی بود که موضوع بنای آرامگاه بیهقی را با کمال علاقه دنبال می کرد و از جمله در شهریورماه ۲۵۲۶ به وزارت فرهنگ و هنر و انجمن آثار ملی نوشت که لزوم ساختمان مقبره ابوالحسن علی بن زید بیهقی از لحاظ احترام به شخصیت علمی و جهانی آن بزرگ و تبجیل نبوغ فکری و قریحه و استعداد خلاقه و پرارزش او مورد تصدیق و تأیید متصدیان و اولیاء امور است اما اکنون پس از شش سال که در این باره مکاتبه می شود عملاً اقدامی صورت نگرفته است. وی درخواست کرده بود که به ساختمان مقبره بیهقی توجه خاصی مبذول گردد. انجمن آثار ملی در پاسخ نامه مذکور یادآور شد که نماینده انجمن به محل رفته و گزارشی در باره آرامگاه بیهقی به انجمن تسلیم کرده است و از جمله مواردی که در

گزارش مذکور آمده لزوم ساخته شدن راه بین سبزوار و ششتمد می باشد، مادام که این راه ساخته نشده اقدام به ساختمان آرامگاه بیهقی و حمل مصالح و رفت و آمد دشوار خواهد بود. انجمن در حدود امکانات خود با علاقه مندی درباره ساختمان آرامگاه مذکور مطالعه می کند و امیدوار است که علاقه مندان به این امر هم در باره ساختن راه کوشش لازم را بنمایند^۱.

در اواخر سال ۲۵۳۱ انجمن آثار ملی به اداره کل حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران نوشت که از چند سال پیش انجمن آثار ملی برای ایجاد بنای آرامگاه ابوالحسن بیهقی (ابن فندق) که در ششتمد (۳۳ کیلومتری سبزوار) واقع است در صدد اقدام برآمده و مقدمات آن را هم فراهم ساخته است، نظر آن سازمان در باره آرامگاه مذکور چیست؟ از فرمانداری و شهرداری سبزوار و ادارات آموزش و پرورش و اوقاف آن شهرستان نیز خواسته شد که نظر خود را در باره آرامگاه و محل آن به انجمن اطلاع دهند.

در فروردین ماه ۲۵۳۲ از اداره کل حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی به انجمن اطلاع داده شد که طبق گزارش مسئول مرمت ابنیه تاریخی فرمانداری کل سمنان، آرامگاه ابوالحسن بیهقی در قریه ششتمد از خشت خام و نیمه ویران است و ارزش هنری و تاریخی ندارد و از نظر این اداره کل ایجاد بنای جدید از طرف انجمن در آن محل بلامانع است. از اداره آموزش و پرورش سبزوار نیز در پاسخ نامه انجمن نوشتند که آرامگاه ابوالحسن بیهقی در قریه ششتمد احتیاج کامل به تعمیر دارد و زمین مناسب هم در اطراف آرامگاه بقدر لازم هست و هر مقدار زمین برای محوطه آرامگاه مورد احتیاج باشد به رایگان در اختیار انجمن گذارده خواهد شد.

۱- برای ساختن راه مذکور مکاتبات متعددی بین دستگاهها و افراد مختلف چون اداره کل راههای فرعی وزارت راه، انجمن آثار ملی، وزیر راه، استاندار خراسان، اداره کل تعاون و امور روستاهای استان خراسان، فرمانداری سبزوار و غیره بعمل آمده ولی هنوز این راه ساخته و آماده نشده است.

اداره اوقاف سبزوار نیز عدم ارتباط محل مذکور را با موقوفه و وقف اعلام داشت. کار ساختمان آرامگاه ابوالحسن بیهقی از سال ۲۵۳۲ عملاً آغاز گردید. نماینده انجمن در آبانماه ۲۵۳۲ گزارش داد که محوطه آرامگاه بیهقی به وسعت پنجاه متر در چهل متر محصور گردید و بنای مسکونی نگهبان آرامگاه در دست ساختمان است. گود برداری زیر بقعه به عمق دو متر و نیم انجام یافته و سنگ لاشه و ملات گل و آهک پی ریزی آن نیز آماده شده است. در اوایل سال ۲۵۳۳ دیوارکشی محوطه و خرید موتور برق و ساختمان بنای نگهبان و اطاق موتورخانه و پی سازی بنای آرامگاه و لوله کشی برای رسانیدن آب به بالای تپه (محل آرامگاه) انجام گرفت اما چون برای آب رسانی به کارگاه از طرف بعضی از افراد محل مزاحمت هایی ایجاد شد کار ساختمان آرامگاه متوقف گردید.

در شهریورماه ۲۵۳۳ از بخشدار ششتمد و فرمانداری سبزوار و اداره آموزش و پرورش آن شهرستان طی نامه هایی به اطلاع انجمن رسانیده شد که در ظرف دو ماهی که کار ساختمان مقبره ابن فندق تعطیل شده پیوسته اهالی محل مراجعه می کنند و تقاضا دارند که برای اتمام و تکمیل آرامگاه مذکور اقدام گردد. سازمان حفاظت آثار باستانی نیز طی نامه ای با اشاره به تقاضاهای مکرر اهالی محل در مورد تکمیل آرامگاه بیهقی، خواسته بود که در باره احداث ساختمان آرامگاه اطلاعاتی کسب نماید.

در تاریخ ششم مهرماه ۲۵۳۳ از طرف انجمن به سازمان مذکور نوشته شد که «طبق تصمیمی که از طرف هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی برای احداث آرامگاه ابوالحسن بیهقی گرفته شده بود يك رشته اقدامات پی گیر درباره راه سازی بین سبزوار و ششتمد بعمل آمد و قطعه زمینی روی تپه محل قبر بیهقی تسطیح و محصور شد و برای نگهبان اطاقی احداث گردید و برای موتورخانه نیز محلی بنا شد. چون از مکاتبات با وزارت آب و برق برای تأمین روشنایی

آرامگاه نتیجه‌ای گرفته نشد با راهنمایی وزارت مذکور انجمن موتوری برای برق خرید و با شور با ساکنان محل قرار شد تا مسجد جامع که نزدیک محل آرامگاه است لوله‌کشی شود و آب از آبگیر و استخر موجود در آنجا برای مصرف ساختمان آرامگاه برده شود. در این موقع چون عده‌ای از اهالی محل مانع استفاده از آب آبگیر شدند، در برابر این عمل ناپسندکار تعطیل شد و حق این است که اساساً انجمن این هزینه و کوشش را به محل دیگری اختصاص دهد...

نامه‌ای که در بیست و دوم آبان‌ماه ۲۵۳۳ به امضاء چند نفر از شخصیتها و رؤسای محلی ششتمد به انجمن رسید حاکی از آن بود که رفتار چند نفر معدود نباید سبب شود که تصور فرمایند که خدای ناخواسته همه یا اکثر مردم ششتمد نسبت به بنای آرامگاه این دانشمند عالیقدر بی‌اعتنامی باشند، اینک به تعویق افتادن ساختمان آن موجب تأثر و تأسف اهالی است و استدعای اتمام و تکمیل آن را دارند» پس از آن نیز ورقه‌ تعهد اهالی محل در مورد تأمین مصرف آب مورد نیاز ساختمان از طریق فرمانداری سبزوار به انجمن رسید و از اوایل سال ۲۵۳۴ ساختمان آرامگاه مجدداً آغاز گردید. و چون مقرر بود که ساختمان با قطعات پیش ساخته شده بنا گردد لذا چهار قطعه نقشه شالوده آرامگاه که در شرکت سهامی پریفاب بوسیله مهندس رضا حیدر علی تهیه شده بود مورد مطالعه آقای مهندس محسن فروغی قرار گرفت و طی نامه‌ای به شرکت مذکور نوشته شد که «نقشه شالوده بنای آرامگاه بیهقی از نظر معماری بلا اشکال می‌باشد، لازم است که جنس و قطعات پیش ساخته شده مانند جنس و قطعات پیش ساخته شده بنای یادبود مقبرة الشعرا باشد، دستور فرمایند هر چه زودتر هجده قطعه مربوط به آرامگاه بیهقی ساخته و برای حمل آماده شود.

در تیرماه ۲۵۳۵ از طرف انجمن به آقای ابوالفضل صدر فرماندار سبزوار نوشته شد که «قطعات پیش ساخته شده مربوط به بنای آرامگاه بیهقی به شرکت پریفاب تهران سفارش داده شده است و هجده پارچه خواهد بود که هر يك

به وزن تقریبی چهار تن ساخته می شود، این قطعات باید بوسیله ماشین های بزرگ به محل آرامگاه نقل و برپایه های بتونی که ساخته شده است نصب گردد. عبور دادن این قطعات سنگین و بزرگ از کوچه های داخل ده ششتمد غیر مقدور است. در سفری که نماینده انجمن اخیراً به ششتمد نموده برای عبور دادن قطعه های مذکور راهی را که از روی تپه های جنوبی می گذرد و به آرامگاه می رسد در نظر گرفته است که با تسطیح معبر مذکور موجبات انتقال قطعات میسر خواهد شد. چون قطعات یاد شده قریباً در شرکت پریقاب ساخته و آماده حمل می شود لازم است دستور فرمایند برای تسطیح راه مذکور اقدام نمایند.

فرماندار سبزوار از اداره تعاون و امور روستاهای آن شهرستان خواسته بود که در تسطیح آن راه اقدام نماید و اداره مذکور اعلام نموده بود که ماشینهای راه سازی آن اداره فعلاً در تربت جام مشغول راه سازی هستند و پس از بازگشت آنها به سبزوار اقدام خواهد شد. برای آنکه تأخیری در کار حاصل نشود نماینده انجمن آثار ملی به فرمانداری سبزوار رفت و قرارداد تسطیح راه مورد نظر را با پیمانکار منتخب فرمانداری منعقد نمود و مقرر شد که از طرف فرمانداری سبزوار نماینده ای به ششتمد رفته با نظر رئیس انجمن ده ترتیب اجرای کار را بدهد. هم اکنون که این سطور نوشته می شود (مهرماه ۲۵۳۵) کار ساختمان آرامگاه بیهقی ادامه دارد و امید است در سال جاری پایان برسد.

بَقْعَةُ شَاهِ دَاعِي إِلَى اللَّهِ

شاه داعی - فخر العارفین سید نظام الدین محمود بن حسن الحسنی ملقب به داعی الی الله یا شاه داعی از سادات حسنی شیراز^۱ و از نوادگان داعی صغیر از اعقاب زید بن حسن بن علی بن ابیطالب علیهما السلام است و به همین سبب وی را لقب «داعی الی الله» و تخلص «داعی» بوده است، اما علاوه بر «داعی» تخلص «نظامی» نیز داشته که ظاهراً بمناسبت لقب خود «نظام الدین» تخلص اخیر را اختیار کرده است. شاه داعی در سال ۸۱۰ هجری قمری در شیراز دیده به جهان گشود. نوشته اند^۲ که «داعی مدت سی سال در شیراز به وعظ مشغول بوده است و از بدایت حال قدم در وادی سیر و سلوک نهاده. نخست دست ارادت به دامن شیخ مرشد الدین ابواسحاق زده، پس بطلب تکمیل نفس و شوق زیارت شاه نعمه الله ولی عزیمت سفر کرمان می کند... و به ماهان می رسد و به حضور شاه نعمه الله ولی در می آید و به قبول «خرقه و وصله» مستعد می شود... پس به شیراز بازمی گردد و روزگاری در جوار شیخ مرشد الدین ابواسحاق

۱- دیوان شاه داعی شیرازی، جلد اول، پیشگفتار، صفحه ۳۵.

۲- مقدمه دیوان شاه داعی بقلم استاد بزرگوار آقای علی اصغر حکمت، صفحه «یه» و «یو».

بسر می برد و مرتبه شیخی طایفه نعمت الهی در شیراز او را مسلم می شود. در آنجا به سرودن اشعار می پردازد و رسالات منشور بسیار می نویسد...».

آثار منظوم داعی عبارتست از:

اول- مثنویهای شش گانه یاسنه داعی که عبارتست از: مشاهد- گنج روان- چهل صباح- چهارچمن- چشمه زندگانی- عشق نامه.

دوم- دیوانها که عبارتست از: قدسیات - واردات - صادرات - سخن تازه - فیض مجدد.

شاه داعی را «۱۳۶۶۱» بیت شعر مسلم و دو بیت مشکوک النسبه است بانضمام ابیاتی در ساقی نامه که به ضرس قاطع نمی توان گفت از او است.^۱

شادروان فرصت شیرازی درباره آثار شاه داعی نوشته است که «تصنیفاتش بسیار است عربیاً و فارسیاً اسامی بعضی از آنها را بدین شرح ذکر کرده است:

۱ - کتاب محاضر السیر فی احوال خیر البشر

۲ - رساله خیر الزاد.

۳ - رساله بیان عیان.

۴ - رساله جواهر الكنوز

۵ - رساله نظام و سرانجام

۶ - رساله قلب و روح.

۷ - رساله مرآت الوجود.

۸ - رساله الفوائد فی نقل العقائد.

۹ - رساله اشاره الثقال.

۱۰ - رساله ترجمه الاخبار العلویة.

۱۱ - رساله الشدد متعلقة بالعد.

۱۲ - مرشد الرموز.

۱ - دیوان شاه داعی، جلد اول، پیشگفتار، ص ۶۱.

- ۱۳ - رساله کمیلیه.
 ۱۴ - تحریر الوجود المطلق.
 ۱۵ - رساله لمعه.
 ۱۶ - رساله فی معنی المحبة.
 ۱۷ - رساله تحفة المشتاق.
 ۱۸ - کشف المراتب.
 ۱۹ - رساله طراز الایاله.
 ۲۰ - رساله رضائیة.
 ۲۱ - رساله ولایت.
 ۲۲ - شرح بر بعضی کلمات محیی الدین.
 ۲۳ - شرح بر مثنوی مولوی رومی.
 ۲۴ - شرح بر گلشن راز مسمی به نسایم گلشن.
 ۲۵ - شرح بعضی از اشعار عطار.

تصنیفات و تألیفات دیگر هم دارد که مسطور در تذکره هاست^۱...
 از جمله آثار شاه داعی که در دست است شانزده رساله ذیل می باشد^۲:
 رساله راه روشن - رساله الکلمات الباقیه - رساله نظام و سرانجام -
 رساله کمیلیه ثانیه - رساله المسمی به ترجمه الاخبار العلویه - رساله چهارمطلب -
 رساله در البحر - رساله شجریه - الرساله المسمی به اسوة الکسوة - تاج نامه -
 رساله تحریر معنی الوجود - رساله المسمی بکشف المراتب - رساله بیان عیان -
 رساله لطایف - ترجمه رساله شیخ محیی الدین - شرح بیت شیخ عطار - گلشن راز
 وی بنام نسائم الاسحار نیز در کتابخانه ملی ملک و کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار

۱ - آقای حکمت در مقدمه دیوان شاه داعی شیرازی صفحه «لد» جدولی از آثار شاه داعی
 با تطبیق سه فهرست از طرائق الحقایق و ریاض العارفین و ریحانة الادب ترتیب داده اند.
 ۲ - رجوع شود به کتاب شانزده رساله از شاه داعی ، چاپ دبیر سیاقی .

موجود است. شاه داعی روز پنجشنبه بیست و دوم جمادی الاولی سال ۸۷۰ هجری قمری در شیراز درگذشت و در همانجا ب خاک سپرده شد. برای آگاهی از احوال و آثار شاه داعی به ماخذ ذیل می توان مراجعه کرد :

- ۱ - دیوان شاه داعی شیرازی بامقدمه آقای علی اصغر حکمت و پیشگفتار محمد دبیرسیاقی، بکوشش دبیرسیاقی.
- ۲ - اقلیم پارس، سید محمد تقی مصطفوی.
- ۳ - کتاب شیراز، علی سامی.
- ۴ - عرفات العاشقین تقی الدین کاشی.
- ۵ - فارسنامه ناصری.
- ۶ - آثار عجم، فرصت شیرازی.
- ۷ - طرائق الحقایق نایب الصدر شیرازی.
- ۸ - ریاض العارفین رضاقلی هدایت.
- ۹ - ریحانة الادب محمد علی تبریزی (مدرس)
- ۱۰ - لغت نامه ذیل داعی (شاه...)
- ۱۱ - کتاب شانزده رساله از شاه داعی چاپ دبیرسیاقی.

مزار شاه داعی الی الله

«در جنوب شهر شیراز دروازه‌یی است که به نام «شاه داعی» معروف است وقتی که پادشاه عادل مرحوم کریمخان زند، وکیل الرعایا باروی شیراز را احداث فرموده است این مخرج را یکی از دروازه‌های شهر قرار داده و جاده که از دو طرف به دوسده سنگی محدود است از جلو دروازه به طرف جنوب ادامه دارد و از کنار قبرستان معروف تاریخی دارالسلام یا «درب سلم» گذشته به فاصله يك ميل کما بیش به بنای تکیه‌ای می‌رسد که آن نیز از بناهای خیر همان

پادشاه خیر و نیکوکار است. دیواری آجری و جلوخان کوچکی در جلو دارد و دودرخت سرو در فضای باغچه عقب آن روئیده ... مرحوم حاج میرزا حسن فسائی در فارسنامه ناصری می نویسد: «حضرت کریم خان زند طاب ثراه عمارت و قبه ای بر قبر او بساخت و در سال ۱۲۹۹ ه. ق. حاجی میرزا کریم (از تجار صاحب خیر شیراز) آنرا تعمیر نمود. میرزا نصیر فرصت (فرصة الدوله) در آثار العجم می نویسد: تکیه شاه داعی دوراز دروازه، دوطرف است: يك طرف باغچه مشجر و با عمارت نیکو بنیان، يك طرف دیگر فضای محقر و تربتی پاکیزه و معطر، حوضی دارد و طاقی و آب انباری و رواقی که مرحوم کریم خان زند ساخته ... وصف بنای تکیه در حال حاضر از این قرار است: در شرق فضای کوچکی که در جلو باغچه تکیه واقع شده يك اطاق آجری به اندازه $۵/۸ \times ۶/۵$ متر بنا شده و بر فوق آن بقعه ای افراشته و همان است که زمان کریم خان زند ساخته اند و همان اسلوب و سبک معماری عصر او است. در زیر قبه يك سنگ قبر بسیار بزرگ و مجلل از نوع مرغوب (سنگ گندمک) بر روی مرقده شاه نهاده اند، بر روی سنگ حجاریهای ظریفی از رموز عرفانی نقش کرده اند که نزد آن طایفه معروف به «پیشانی» علامت نیاز، «پستان» علامت حضرت علی و «شکم» علامت جوع، بالاخره شکل قلب مرکب از ۱۱ برگ که صورت کلمه «هو» را تشکیل می دهد. بر روی سنگ هیچ اثر خط و کتیبه ای نیست ولی در لوحه سنگ زیرین درپائین نام و تاریخ وفات صاحب قبر به این شرح بقلم ثلث مسطور است که بعضی کلمات آن محو شده و به زحمت خوانده میشود:

لقد اشرق وجه الارض بنور وجود قطب المحققين وسند الموحدين الداعی

۱ - آقای دبیرسیاتی در صفحه ۳۹ پیشگفتار دیوان این عبارات را نقل کرده و با آنچه آقای حکمت نقل کرده اند اختلافاتی دارد از این قرار: بجای سید الموحدين، زین الموحدين، بجای قدس الله سره ... قدس سره نظاماً لفلک مجد الارشاد (در حاشیه اینجا چند کلمه خوانده نمیشود) و پس از آن: فی يوم الخميس الثاني والعشرون من جمادی الاولى سنة سبعین وثمانية مائة.

الی الله قدس الله سره نظاماً لقلب الارشاد نظام الدین محمود الحسینی المتوفی^۱
یوم الخمیس الثانی والعشرین من جمادی الاولی سنة سبعین وثمانمائه
این سنگ ۰/۶۵ × ۲/۶۵ متر است.

قبر سید قاسم فرزند شاه داعی نیز در کنار قبر آن عارف بزرگ قرار گرفته
و سنگ بزرگ خوش نقش و خوش طرحی روی هردو توسط کریمخان زند
انداخته شده است.^۲

تعمیر و تکمیل بقعه

در مردادماه سال ۲۵۱۹ (۱۳۳۹ ه. ش.) از اداره باستانشناسی و انجمن
آثار ملی فارس به انجمن آثار ملی نوشته شد که شاه داعی الی الله از اعظام
عرفا و حکمای قرن نهم هجری است که بیش از ۳۵ تألیف داشته است، از
سه سال پیش با وجوهی که بوسیله اشخاص خیر و نیکوکار جمع آوری شده
بود با نقشه و برنامه‌ای شروع به تعمیر قبر او گردید و چون وجوه اعانه تمام
شده است اکنون تعمیر آنجا متوقف مانده و برای پوشانیدن سقف تالاری که
در آنجا بنا شده و باید با تیر آهن و آجر پوشانیده شود وجهی موجود نیست و
از انجمن درخواست شده بود که برای تعمیر و تکمیل این بقعه اقدام لازم بعمل
آورند. طی نامه‌یی از آقای سامی رئیس اداره باستانشناسی و دبیر انجمن آثار
ملی فارس استفسار شد که از طرف مردم برای این منظور چه مبلغ کمک شده
است و اعتباری که لازم می‌دانند از طرف انجمن آثار ملی حواله گردد چه مبلغ
می‌باشد.

آقای سامی به اطلاع انجمن رسانید که مبلغی که از طرف نیکوکاران
جهت تالار قبر شاه داعی الی الله پرداخته شده در حدود یکصد و پنجاه هزار

۱- مقدمه دیوان شاه داعی شیرازی بقلم آقای علی اصغر حکمت.

۲- شیراز، علی سامی، ص ۴۱۴.

ریال است و کل هزینه برآوردی برای ساختمان تالار ایوان جنوبی روبه باغ تکیه در حدود پانصد هزار ریال می باشد.

صورت مجلس ارسال شده از شیراز حاکی از آن بود که رؤسای ادارات باستانشناسی و اوقاف فارس و آقایان علیمحمد فصحتی کارشناس دادگستری فارس و مشاور فنی شهرداری شیراز و عبدالمجید سلیمی و عزیز صرافت از نیکوکاران شیراز جلسه ای در محل تکیه شاه داعی الی الله تشکیل داده اند و تصمیمات ذیل در آن جلسه اتخاذ شده است:

۱- اطاق شرقی حیات کوچک تکیه که مزار حضرت شاه داعی و فرزند و نوه او در آنجاست و از بناهای شادروان کریم خان زند است به همان صورتی که می باشد تعمیر و نظیف و سفیدکاری گردد و چون سنگ قبر شاه داعی از سنگهای قدیم است و در پائین آن خط ثلث خوبی است که ممکن است بر اثر ساینده گی بتدریج محو گردد مقرر گردید که حفاظی تهیه و روی آن نصب گردد و ایوان جلو اطاق مذکور نیز تعمیر و مانند سابقش مقرر بندی شود.

۲- ایوان جلو اطاقهای شمالی که پایه های آن متزلزل شده و در شرف انهدام است بکلی برچیده و ضمیمه تالار جدید الاحداث بشود و اطاقها تعمیر و سفیدکاری و در صورت لزوم با تیر آهن پوشیده شود.

۳- يك تالار ورودی سرپوشیده بجای فضای كوچك فعلی برای مجالس چهل و سیام و چهارمساء و ده روز و سرسال و سایر مراسم سوگواری و پذیرایی اشخاصی که مردگان را تشییع می نمایند ساخته شود. طول و عرض تالار در حدود ۱۰ تا ۱۳ متر خواهد بود و در جنوب این تالار ایوانی بجای اطاقهای فعلی ساخته خواهد شد که درهای آنها بطرف باغ باز می شود و کف تالار در حدود بیست سانتیمتر از کف اطاق مزار شاه داعی پایین تر خواهد بود.

۴- چون دیوار غربی فضای كوچك خراب و پایه های آن متزلزل گردیده باید بکلی برچیده شود و بجای آن يك سردر مناسب طبق نقشه تنظیم شده بوسیله

آقای حاجی فصاحتی که به تصویب حاضران در جلسه رسیده است به سبک قدیم و با سنگ حجاری شده و کاشی کاری بنا شود که ضمناً همین در ورودی تالار خواهد بود.

۵- تنظیم باغ جنوبی و تکمیل درخت کاری و تعمیر دیوارهای باغ و اصلاح مجرای آب پس از پایان یافتن امور مذکور انجام گردد.

در تاریخ بیست و چهارم شهریورماه ۲۵۱۹ مبلغ یکصد هزار ریال از طرف انجمن آثار ملی جهت تعمیرات قبر شاه داعی الی الله به شیراز حواله گردید. در جلسه مناقصه‌ای که ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه هفدهم مهرماه ۲۵۱۹ در دفتر اداره باستانشناسی شیراز تشکیل گردید آقای مصطفی دانشی از طرف بنگاه امید برنده مناقصه ساختمان اسکلت آهنی تالار شاه داعی گردید و قرارداد با وی بسته شد که اسکلت شیروانی سقف تالار را با توجه به اینکه آهن پوششی آن از آهن ورق هفت کیلویی باشد نصب و تحویل نماید و کلیه دستمزد و بهای آهن نبشی مورد لزوم و آهن ورقه سفید هفت کیلویی و اکسیژن کاری و حمل مصالح و کلیه کارها بعهده او باشد و بساب بهاء و دستمزد و نصب شیروانی و غیره بر روی هم برای هر کیلو آهن بکاررفته مبلغ ۳۳ ریال در وجه مشارالیه به اقساط پرداخته شود.

در شهریورماه ۲۵۲۴ آقای پیرنیا استاندار و رئیس انجمن آثار ملی فارس به انجمن نوشت که تالار بقعه حضرت شاه داعی الی الله که مورد بازدید ریاست محترم هیأت مؤسسان انجمن آثار ملی قرار گرفته ساخته و مسقف گردیده است و اینک برای کاشیکاری نمای اطاقی که قبر شاه داعی و فرزند و نوه او در آن قرار دارد و تزیینات داخل بقعه و شیشه درهای آهنی که برای نور و تهویه در بالای تالار نصب گردیده و همچنین کاشیکاری سردر ورودی باید اقدام شود تا آرامگاه با وضع مطلوبی در انتظار بازدید کنندگان نمودار گردد. مبلغی که برای انجام یافتن این منظور پیش‌بینی شده در حدود پانصد هزار ریال است.

در آبانماه سال مذکور مبلغ یکصد هزار ریال دیگر از طرف انجمن آثار ملی برای تعمیرات آرامگاه شاه داعی به شیراز حواله گردید. آقای پیرنیا در اردیبهشت ماه ۲۵۲۶ به انجمن آثار ملی نوشت که با مبلغ یکصد هزار ریال اعتباری که در سال ۱۳۴۴ برای مقبره شاه داعی الی الله حواله کردند کاشیکاری سر در ورودی و نصب سنگهای مرمر ازارة تالار ورودی آرامگاه انجام گردید. چون برای معرق کاری نمای خارجی خود مقبره مبلغ دوست هزار ریال بر آورد مخارج گردیده خواهشمند است دستور فرمایند که برای پادار کردن این مبلغ و حواله آن امر به اقدام بفرمایند.

در خردادماه آن سال از طرف انجمن آثار ملی به استاندار و رئیس انجمن آثار ملی فارس نوشته شد که برای معرق کاری نمای خارجی بقعه شاه داعی الی الله و تعمیرات دیگر آن تا میزان دوست هزار ریال از محل مانده اعتبارات حواله شده در سالهای گذشته و موجودی آن انجمن اقدام فرموده اسناد هزینه آن را ارسال دارید.

و به این ترتیب بقعه شاه داعی الی الله به همت مردم نیکوکار و کمکهای مستمر سالیانه انجمن آثار ملی تعمیر و توسعه یافته کاشیکاری و تزیینات و اصلاحات آن انجام گردید.

آرامگاه شیخ کبیر ابو عبدالله بن خفیف

شیخ کبیر ابو عبدالله محمد بن خفیف شیرازی ملقب به شیخ الاسلام و شیخ المشایخ پیشوا و عارف بزرگ سده سوم و چهارم هجری قمری و سرسلسله فرقه خفیفیه از فرق صوفیه بود. «شرح حال شیخ کبیر توسط یکی از مریدانش ابوالحسن دیلمی نگاشته شده و ابن جنید شیرازی آنرا به فارسی برگردانیده است (این کتاب در سال ۱۹۵۵ میلادی در آنکارا توسط خانم آناماریا شمیل تاری Anna Maria Schimmel Tari به چاپ رسیده است...) اومی نویسد: شیخ پسریکی از سرهنگان لشکر عمرو بن لیث دومین فرمانروای خاندان صفاری و از دیلمیان بود و در کلاشم گیلان تولد یافته بود. در نیشابور به خدمت صفاریان درآمد و دختر یکی از زاهدان فرقه کرامیه را به زنی گرفت و به اتفاق همسر باردار خویش در رکاب عمرو بن لیث به شیراز رفت و ابن خفیف در سال ۲۰۷ ه.ق. در شیراز از مادر زاد^۱... مادر شیخ کبیر به «ام محمد» معروف و صاحب کمال بود و با عرفای زمان خود بحث و گفتگو داشت^۲» نوشته اند که شیخ کبیر

۱ - اشتباه محض است زیرا یعقوب لیث در سال ۲۴۸ هجری قمری به امارت رسید و

برادرش عمرو لیث در سال ۲۶۵ هجری قمری پس از درگذشت او امارت یافت.

۲ - مقاله آقای سامی درباره شیخ کبیر مضبوط در بایگانی انجمن آثار ملی

از شاگردان ابوطالب خزرج بغدادی بود و عمری دراز یافت و در علم شریعت و طریقت تصانیف بسیار داشت و او را اول کسی از مشایخ دانسته اند که شعر گفت. عطار در تذکرة الاولیا آورده که او مجتهد بود در طریقت و مذهبی خاص داشت و جماعتی اند از متصوفه که تولی بدو کنند و در علم ظاهر بسی تصنیف نفیس دارد همه مقبول و مشهور. ابوالعباس احمد بن ابوالخیر زرکوب شیرازی در باره شیخ کبیر نوشته است که «شیخ رکن الدین کتکی در سیرت مبارکش ذکر فرمود که... اصلش از دیالمه بود اما در شیراز مولود گشت و در آن جایگاه انتما یافت، مدتی به تحصیل علوم و معارف مواظبت نمود و مدتی طریق مسافرت اختیار فرمود، سه نوبت حج گزارده در کربلا دوم به صحبت شیخ جنید رسید و حسین منصور را دریافت. در کربلا سومین چون به بغداد رسید شیخ جنید وفات کرده بود و ابومحمد رویم قائم مقام گشته، شیخ کبیر خرقه تصوف از دست او پوشید... و چون مراجعت فرمود روی به طریق معارف آورد و هجده پاره کتاب معتبر به اندک روزگاری تصنیف کرد و در آن عهد سلطنت فارس و خطه شیراز به عضدالدوله اختصاص داشت، عضدالدوله عظیم معتقد شیخ بودی و اکثر مهمات اهل استحقاق بدان واسطه به حسن اسعاف و انجاح مقرون آمدی و در تاریخ لیلۃ الثلاثاء ثالث والعشرون رمضان سنه احدى وسبعین وثلثمائه روح مبارکش از قفس قالب نزیل فردوس برین گشت...» از این قرار در گذشت شیخ کبیر شب سه شنبه بیست و سوم رمضان سال ۳۷۱ بوده است اما تاریخ ولادت وی معلوم نیست. سعدی از شیخ باتکریم نام برده و سروده است:

به ذکر و فکر و عبادت، به روح شیخ کبیر

به حق روز بهان و به حق پنج نماز

که گوش دار تو این شهر نیکمردان را

ز دست کافر و بد دین و ظالم و غماز

و شاه داعی الی الله ایاتی درستایش شیخ کبیر دارد که چنین آغاز می شود:

غلام حضرت شیخ کبیریم رهین منت شیخ کبیریم

در شد الا زار^۱ آثار شیخ بدین شرح ذکر شده است:

۱ - شرف الفقراء المتحققین علی الاغنیاء المنفقین

۲ - شرح الفضائل

۳ - جامع الارشاد

۴ - الفصول فی الاصول

۵ - الاستذکار

۶ - اللوامع

۷ - المنقطفین

۸ - لبس المرقعات

۹ - الاغاثه

۱۰ - اختلاف الناس فی الروح

۱۱ - الاقتصاد

۱۲ - فضل التصوف

۱۳ - المفردات

۱۴ - بلوی الانبیاء

۱۵ - الرد والالفة

۱۶ - الجمع والتفریق

۱۷ - مسائل علی بن سهل

۱۸ - الرد علی ابن رزمان

- ۱۹ - الرد علی ابن سالم
- ۲۰ - الجوع وترك الشهوات
- ۲۱ - معرفة الزوال
- ۲۲ - اسامی المشایخ
- ۲۳ - المعراج
- ۲۴ - المنهج فی الفقه
- ۲۵ - الاستدراج والاندراج
- ۲۶ - المعتقد الكبير والصغير

برای آگاهی از احوال و آثار شیخ کبیر به مآخذ ذیل می توان مراجعه

نمود :

تذکرة الاولیاء شیخ عطار - شدالازار - آثار عجم فرصت - شیرازنامه
ابوالعباس احمد بن ابی الخیر زرکوب - مجمع الفصحاء - نامه دانشوران - لغت
نامه - اقلیم پارس - ریاض العارفین - سفرنامه ابن بطوطه - کشف المحجوب -
تاریخ بناکتی...

مدفن شیخ کبیر

«پس از درگذشت شیخ کبیر او را در خانقاهش دفن کردند و قبر وی اکنون
در کوچه غربی پشت بازار وکیل شیراز از طرف بازار نو واقع است. اطراف
مزار شیخ در سده های گذشته فضای وسیعی بوده که زمانی خانقاه و رباط و
روزگاری گورستان بوده است. قبر شیخ کبیر همواره مطاف و زیارتگاه اهل
طریقت و حقیقت و متصوفه بوده و شاهان و امرا و بزرگان فارس هرگاه عازم
سفرهای جنگی بوده یا مشکلی داشته اند به زیارت قبر او می رفته و از او همت
می خواسته اند.»^۱

در قرن ششم هجری قمری زنگی بن مودود «به تجدید بنای بقعه شیخ همت گماشت. احمد بن ابی الخیر زرکوب نوشته است^۱ که «در آن مدت که اتابک سنقر درگذشت اتابک زنگی بن مودود که برادرزاده اتابک سنقر بود قائم مقام گشت... و بر سر مرقد قطب الاولیاء والمحققین شیخ کبیر ابو عبدالله محمد بن خفیف الشیرازی عمارتی محقر بود، آنرا از جای برگرفت، و اصل رباط خفیف بنیاد نهاد، و چندپاره ده معتبر با چند قطعه زمین بر آنجا وقف کرد، مدت سلطنت او در شیراز چهارده سال بود و در شهر سنه احدى و سبعین و خمسمائه وفات یافت.»

تجدید بنای آرامگاه شیخ و بنای رباط و وقف چندپارچه ده و زمین بر آن بوسیله زنگی بن مودود در شدالازار نیز ذکر شده است. پس از آن در قرن هشتم هجری قمری شیخ بهلول که در بین سالهای ۷۱۴ و ۷۱۹ فرمانروائی شیراز داشت قبه ای بر سر تربت شیخ کبیر بنا نهاد. در شیرازنامه ابو العباس زرکوب که در حدود سال ۷۳۶ هجری قمری تألیف یافته آمده است^۲ که «[شیخ بهلول] بر سر روضه شیخ کبیر قطب الاولیاء والمحققین ابو عبدالله بن الخفیف قبه عالی از خالص مال خود بنا فرمود و این زمان از آثار مرضیه او در شیراز آن قبه مانده». در زمان شهریاری کریمخان زند که بناهای کاخ، ارك، میدان، بازار، حمام، آب انبار، مسجد و سایر بناهای او در شمال شهر شیراز آن روزگار طراحى و بنیانگذاری شد، گورستان خفیف هم که اطراف خانقاه شیخ کبیر ابو عبدالله بن خفیف بود به میدان توپخانه و بازار تبدیل گردید و تنها قبر خود شیخ در کوچه پشت میدان توپخانه آن روز در يك اطاق محقر باقی ماند، و تا همین اواخر هم قبر شیخ کبیر درون آن اطاق محقر قرار داشت.

گروهی از عرفا و مشایخ و بزرگان نیز در جوار مرقد شیخ کبیر به خاک سپرده شده اند و از آن جمله اند:

شیخ زاهد عارف حسین بن محمد بن احمد معروف به بازیار که خرقة تصوف از دست شیخ کبیر پوشید و در سال ۳۹۱ درگذشت و در آستانه رباط شیخ کبیر مدفون شد (شیرازنامه ص ۹۸).

دیگر شیخ ابی احمد فضل بن محمد معروف به ابی احمد کبیر که در سال ۳۷۷ وفات یافت و قبرش در جوار شیخ کبیر پس پشت او در اندرون قبه است، از آن دو قبر که متصل به قبر منکوحه شیخ است قدس سره اولین قبر اوست (شیرازنامه ص ۹۹).

دیگر شیخ ابی احمد حسن بن علی معروف به ابی احمد صغیر که در سال ۳۸۴ وفات کرد و در جوار شیخ کبیر در پس پشت امیر احمد مدفون گشت و قبرش متصل به قبر او و هر دو قبر با قبر منکوحه شیخ متصل است (شیرازنامه ص ۱۰۰).

ملك شرف الدین شاه محمود اینجو، سرسلسله خاندان اینجو نیز در جوار مرقد شیخ مدفون است. در سال ۷۳۷ که پسران محمود شاه در فارس حکومت داشتند استخوانهای پدر را به شیراز آورده در جوار مقبره شیخ کبیر عبدالله بن خفیف دفن کردند. شاه شیخ ابواسحاق ممدوح حافظ وبانی خدایخانه مسجد جامع عتیق شیراز چهارمین فرزند شاه محمود بود.

تعمیر بقعه

در اردیبهشت ماه سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه. ش.) از طرف انجمن آثار ملی به استاندار فارس نوشته شد که در گوشه و کنار شهر تاریخی شیراز آرامگاههای بزرگانی چون شیخ عبدالله بن خفیف و میرسید شریف جرجانی و عبدالرزاق لاهیجی و غیره وجود دارد که لازم است نسبت به آنها مراقبت لازم بعمل آید و از طرف ادارات فرهنگ، شهرداری و باستانشناسی شیراز در نظافت و حفظ حریم آنها توجه کافی مبذول شود تا هنگامی که انجمن آثار ملی پس از انجام

یافتن تعهدات کنونی برای تعمیر و تکمیل آرامگاههای مذکور اعتباری فراهم می‌آورد لاقلاً صورت فعلی آنها باقی مانده باشد. در همان هنگام مبلغ بیست هزار ریال به شیراز حواله شد تا آرامگاه شیخ کبیر ابو عبدالله بن خفیف تعمیر گردد و در آذرماه سال ۲۵۱۷ آقای سامی رئیس اداره باستانشناسی فارس و بنگاه علمی تخت جمشید به آقای رام استاندار و رئیس انجمن آثار ملی فارس گزارش داد که تعمیر قبر ابو عبدالله بن خفیف از محل بیست هزار ریال اعتبار انجمن آثار ملی پایان پذیرفت. سطح اطاقی که سنگ قبر در وسط آن قرار گرفته در حدود سی سانتیمتر بالا آورده شد و با کاشی فیروزه‌ای مفروش گردید، یک نیمدر برای روشنائی و تهویه اطاق نصب گردید و اطاق کوچک ورودی نیز با کاشیهای سیمانی مفروش و سقف آن توفال کوبی شد. در مقبره نیز به یک در محکم و مناسب تبدیل شد و سفیدکاری و سیمکشی هر دو اطاق انجام گردید. مقبره مذکور فعلاً از وضع نامطلوب گذشته خارج شده و بصورت بهتری درآمده است.

آرامگاه جدید

در آبانماه سال ۲۵۳۳ آقای سامی نماینده انجمن آثار ملی در فارس به انجمن نوشت که نظر انجمن آثار ملی پیوسته این بوده است که کاروانسرای شمال آرامگاه ابو عبدالله بن خفیف خریداری و ضمیمه آرامگاه که بدون فضا و فقط دو اطاق محقر است بشود، چنانچه مصلحت باشد موافقت فرمایند مقدمات ارزیابی و تشریفات خرید آن توسط شهرداری شیراز زودتر فراهم آید. زیرا یک کاروانسرا کمی بالاتر در همین کوچه تبدیل به تیمچه شده و چون این محل هم از طرفی روبروی بازار است و از طرفی هم بین وراثی تقسیم شده بیم آنست که فروخته و تبدیل به تیمچه گردد. در آذرماه همانسال انجمن با خرید کاروانسرای مذکور موافقت کرد و دوماه بعد یعنی در بهمن ماه از شهرداری شیراز به اداره امور فنی نوشته شد که چون مقرر است برای توسعه آرامگاه

ابوعبدالله بن خفیف عارف نامی سده چهارم کاروانسرای شمالی آرامگاه که در کوچه پشت بازار وکیل (ابتدای بازار نو) واقع است خریداری شود، لازم است فوری برابر مقررات قانون نوسازی و عمران شهری نسبت به تهیه نقشه و تعیین مساحت کاروانسرای مذکور اقدام لازم بعمل آورند.

شهرداری شیراز در فروردین ۲۵۳۴ نقشه‌هایی را که از طرف اداره امور فنی شهرداری از رقبات اطراف آرامگاه شیخ تهیه شده بود برای هیأت ارزیاب فرستاد تا طبق مفاد قانون نوسازی نسبت به ارزیابی رقبات مذکور اقدام نمایند. در خردادماه همانسال آقای سامی به اطلاع انجمن رسانید که کاروانسرای واقع در شمال آرامگاه ابن خفیف به وسیله هیأت ارزیاب به مبلغ ۳۹۱۴۲۷۷ ریال برآورد شده است در صورت موافقت با خرید آن مراتب را اعلام فرمایند. پس از موافقت انجمن آثار ملی، انجمن شهر شیراز موضوع ارزیابی و خرید کاروانسرای مذکور را در جلسه مورخ ۳۴/۴/۲۳ خود تصویب نمود. چون طبق معمول از طرف مالکان کاروانسرا به مبلغ ارزیابی شده اعتراض شده بود موضوع در جلسه‌ای مورد رسیدگی قرار گرفت و صورت مجلس ذیل تهیه گردید:

«در ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه ۱۷/۱۰/۵۴ کمیسیون ماده ۸ مقرر در قانون نوسازی و عمران شهرداری با حضور امضاء کنندگان زیر در شهرداری تشکیل و پس از مطالعه سوابق امر و پرونده مربوط به ردیف يك فهرست ارزیابی شش دانگ يك باب کاروانسرای معروف به نعل بندی مورد مسیر توسعه آرامگاه شیخ ابوعبدالله بن خفیف واقع در اول بازار نو پشت بازار وکیل و دبیرستان شاهپور متعلق به ورثه مرحوم حاج حسنعلی حق‌نیا و شرکا باتوجه به وضع محل و ابلاغ شهرداری و اعتراض آقای عبدالرسول حق‌نیا وکیل وراثت مرحوم حق‌نیا و شرکا که تسلیم شهرداری شده بود و ارفاق تام به ورثه مذکور که تعداد آنها زیاد است و مبلغ مختصری عاید هر يك می‌شود چنین تصمیم اتخاذ شد که به مبلغ ارزیابی شده هیأت ارزیاب صدی شش (۶/۰) اضافه شود.» این صورت

مجلس به امضاء نماینده دادگاه ، نماینده وزارت کشور ، نماینده انجمن شهر و نماینده انجمن آثار ملی و دیگر اعضاء جلسه رسیده است. نماینده انجمن آثار ملی با ارسال صورت مجلس مذکور برای انجمن ، یادآور شده است که ضمناً سر قفلی سه اجاره دار محل هم مبلغ ۲۴۰۰۰۰ ریال تعیین شده است. از طرف شهرداری به مالکان نیز ابلاغ گردید که به مبلغ ارزیابی شده که ۳۹۱۴۲۷۷ ریال بوده صدی شش افزوده می شود و بالغ بر ۴۱۴۹۱۳۳ ریال می گردد. لازم است در ظرف سه ماه برای تنظیم سند مراجعه نمایند. و به این ترتیب کاروانسرای معروف به نعل بندی به مساحت ۷۶۴ متر مربع واقع در شمال آرامگاه شیخ کبیر با همکاری و همگامی ارزنده استاندار و انجمن آثار ملی فارس و شهرداری شیراز خریداری شد و روز شنبه ۲۵۳۵/۲/۱۱ تخریب آن آغاز گردید.

طبق طرح تهیه شده و نقشه ای که بوسیله آقای مهندس فرزانه مهر زیر نظر آقای مهندس فروغی تهیه گردیده آرامگاه جدید شیخ کبیر شامل سه قسمت خواهد بود: بنای اصلی آرامگاه ، کتابخانه ، بناهای دیگر شامل دفتر و محل سکونت نگهبان و لوازم آنها. هم اکنون محل مذکور تسطیح شده و اطاق نگهبان و غیره در دست ساختمان است.

در این باره به استحضار می رساند که این اقدامات در راستای احداث آرامگاه جدید شیخ کبیر و احداث بناهای وابسته به آن می باشد و امید است با مساعدت و همکاری شما در تسریع این امر موثر باشد.

با احترام و تشکر
 مدیر عامل
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی
 تهران
 تاریخ: ۱۳۸۵/۰۲/۱۱
 شماره: ۱۳۸۵/۰۲/۱۱
 موضوع: احداث آرامگاه جدید شیخ کبیر و احداث بناهای وابسته به آن

آرامگاه احمد نیریزی

احمد نیریزی - احمد بن شمس الدین محمد^۱ نیریزی از مردم نیریز فارس و از خوشنویسان بزرگ قرن دوازدهم هجری بود که «در جوانی از نیریز به اصفهان مهاجرت کرد و در حدود سال ۱۱۰۰ هجری قمری در این شهر مسکن گزید. نیریزی به دربار شاه سلطان حسین صفوی اختصاص یافت و مورد توجه امرا و فضلا و هنرمندان عصر واقع شد و علاوه بر حق التحریرهای فراوان، از جانب پادشاه و شاهزادگان و امرا و حکام هدایا و انعامهای بسیار دریافت می داشت و همچنان که بزرگان زمان به هنر وی ارج می نهادند او نیز آثاری گران بها پدید می آورد.

نیریزی خط نسخ را ابتدا از آقا ابراهیم قمی تعلیم گرفت و پس از آن از روی خطوط علاءالدین تبریزی تمرین بسیار کرد، و از این دواستاد به احترام و نیکی یاد کرده است. نیریزی معروفترین و زیر دستترین استاد نسخ نویس ایران بود و از او آثار قلمی بسیار بجای مانده است.

۱- نام پدرش را اهل محل ملا علی اکبر می دانند (مقاله محمد طاهری نیریزی ضبط شده در انجمن آثار ملی).

وی شیوه مخصوصی در خط نسخ وضع کرد و همان شیوه پس از او سر مشق نسخ نویسان ایران گردید. این استاد هنرمند به داشتن فضائل نفسانی نیز مشهور بود. گویند از درآمد خود به مبلغی اندک اکتفا می کرد و بقیه را انفاق می نمود. نیریزی در اواخر عمر به زیارت عتبات عالیات رفت و با وجود کبر سن در آنجا هم از کتابت باز ننشست. يك نسخه دعای کمیل به خط او در کتابخانه سلطنتی ایران هست که آن را به سال ۱۱۵۲ هجری قمری در نجف اشرف کتابت کرده است. نیریزی به مناسبت اختصاص به دربار شاه سلطان حسین صفوی، «سلطانی» رقم می کرد و بسیاری از آثار او به امر این پادشاه نوشته شده است.^۱ ظاهر آ قرآنی به خط وی در مصر هست که تمامی صفحات آن با طلای خالص تذهیب شده است^۲ و کتیبه های دو طرف ایوان چهلستون اصفهان نیز به خط او است. با وجود شهرت فراوان جزئیات زندگانی این هنرمند مشخص نیست و حتی سال تولد و وفات او هم دقیقاً معلوم نشده و آنچه مسلم است بیش از نیم قرن به پدید آوردن نوشته های هنری و پرارزش مشغول بوده است. از مهمترین آثار او پنج نسخه قرآن مجید است در کتابخانه سلطنتی. یکی از قرآنهای دستنویس وی در سال ۲۵۲۴ (۱۳۴۴ ه. ش.) به فرمان شاهنشاه در تهران چاپ و منتشر شد. شاهنشاه آریامهر در مقدمه آن چنین نوشته اند:

بسم الله الرحمن الرحيم

واضح است که وجود يك حرف زائد و يا يك اعراب بیجا ممکن است معنای يك آیه و یا مفهوم اصلی يك سوره را تغییر دهد. به این جهت برای آنکه این کلام الله مجید از هر گونه سهو و اشتباه قلمی در کلمات و اعراب عاری باشد دستور دادیم که هر کلمه و اعراب از آغاز تا انتهای کلام الله مجید با مراجعه به مراجع اصلی مطمئن مورد بررسی خیلی دقیق قرار داده شود تا کوچکترین سهوی در این قرآن موجود نباشد. انجام این امر بیش از يك سال بطول انجامید و اکنون می توان اعتماد کامل داشت که این کلام الله

۱ - نقل از اطلس خط، ص ۳۵۳ و ۳۵۴ با تصرف و تلخیص.

۲ - پیدایش خط و خطاطان، شرح حال نیریزی، ص ۹۰ تا ۹۲.

مجید که با خط بهترین خطاطان قرآن نویس یعنی مرحوم نیریزی نوشته شده دارای هیچگونه افتادگی و یاسهو و یا اشتباهی نیست.

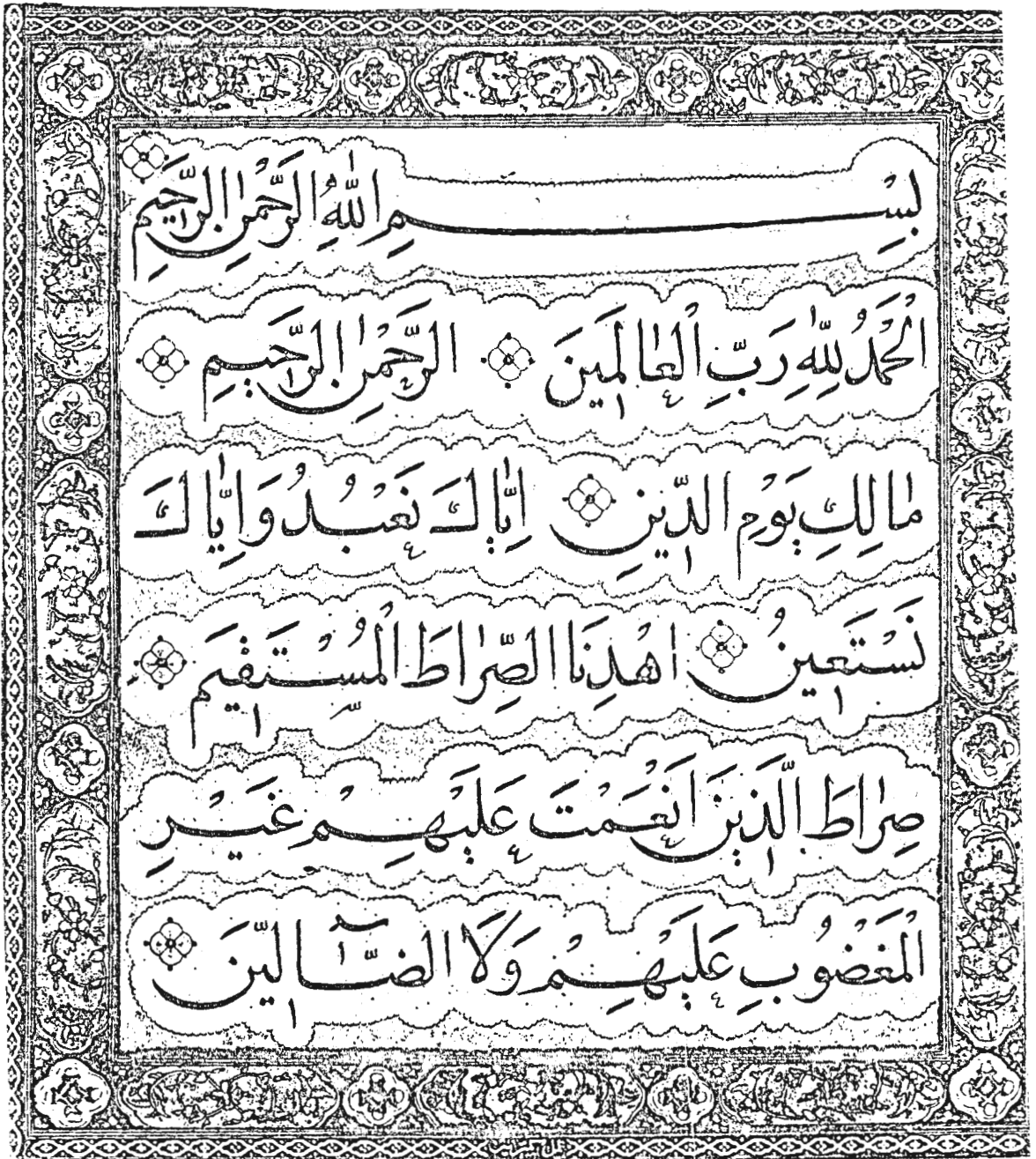


عین دستخط شاهنشاه آریا مهر

بسم الله الرحمن الرحيم

واضح است که در هر یک حرف بلند و یک اعراب می گنجد است معانی است
و یا مفهوم در یک سوره لا تغرب و یا بهر جهت را از آنکه این کلام الله محمد را هر کس
سهو و اشتباه قلم در کلمات و اعراب عاری باشد دستور دادم که هر کلمه و اعراب را
تا انتها کلام الله محمد را مراعاته فراموشی از حدیث مطهری و هر چه در حق قرار دهد
تا کو حکم نه سهو در این قرآن موجه نباشد. انجام این امر شایسته اهل نظر
و سخا و انون می توان اعتماد کامل داشت این کلام الله محمد را تا خطی برتر خطان
قرآن بود یعنی مرحوم نیریزی نوشته شده و این هیچگونه افتادگی و یاسهو و اشتباهی نیست

مرحوم
۴



سوره فاتحه الكتاب از قرآن آریامهر خط نیریزی

نیریزی بعد از سال ۱۱۵۱ هجری قمری در گذشته است. طبق تحقیقاتی که در محل بعمل آمده استاد درنیریز در محله سادات که در قسمت شمال رودخانه ای واقع است سکونت داشته و خرابه های منزل او تا چند سال قبل موجود بوده و فعلاً قسمتی از آن باقی است. وی درنیریز در مدرسه غیاثیه که هنوز مختصری از آثار آن باقی است به تعلیم شاگردان خویش اشتغال داشته است. برای شرح احوال و آثار نیریزی به مآخذ ذیل می توان مراجعه کرد:

۱ - ریحانة الادب

۲ - الذریعه

۳ - پیدایش خط و خطاطان

۴ - فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار

۵ - لغت نامه

۶ - کارنامه بزرگان

۷ - اطلس خط

آرامگاه نیریزی

چنانکه اشاره شد شادروان احمد نیریزی در محله سادات نیریز سکونت داشته و پس از درگذشت در سمت جنوب منزلش درجائی که به محله نیریزی معروف بود و هنوز آثار آن باقی است به خاک سپرده شده است. در شمال مدفن وی مقبره امامزاده میر شهاب الدین احمد قرار دارد. معروف است که لوحه ای برای مزار خود تهیه کرده و به خط خود عباراتی بر روی آن نوشته و جای تاریخ درگذشت را خالی گذاشته بود تا پس از وفاتش آن را بنویسند و این سنگ در حدود هشتاد سال پیش گم شده است. در مردادماه سال ۱۳۳۱ که تیمسار سرلشکر علوی مقدم رئیس هیأت بازرسی شاهنشاهی در استان فارس به نیریز رفته بودند از سادات محله و قبر نیریزی نیز بازدید نموده و طی گزارشی یادآور

شده بودند که اگر آرامگاه مناسبی برای این هنرمند شهیر ساخته شود باعث سپاسگزاری اهالی نیریز و تشویق هنرمندان و دانشمندان کشور خواهد شد. ریاست بازرسی شاهنشاهی و اداره فرهنگ و هنر فارس و وزارت فرهنگ و هنر نیز لزوم بنای آرامگاهی را برای نیریزی تأیید و تأکید نموده بودند.

روز سیزدهم مردادماه ۲۵۳۱ ازطرف انجمن آثار ملی به آقای سامی نوشته شد که انجمن در نظر دارد برای حفظ نام نیک احمد نیریزی خوشنویس معروف بنایی بر مزار وی بر پا سازد، بوسیله اداره آموزش و پرورش نیریز یا فرهنگ و هنر فارس و یا به هر ترتیب دیگری که عملی است در اجرای نظر انجمن اقدام نمائید.

آقای سامی نامه‌هایی به انجمن شهرستان و فرمانداری نیریز نوشت و یادآور شد که انجمن آثار ملی در نظر دارد که با کمک مردم آن شهرستان بنای یادبودی برای خطاط هنرمند احمد نیریزی بر پا سازد، بهر نحو که مصلحت می‌دانند توجه مردم آن شهرستان را برای همکاری و همگامی در این امر جلب نمایند. صورت جلسه انجمن شهر نیریز که در آذرماه آن سال به انجمن رسید حاکی از آن بود که اهالی بقدر توانایی خود آماده همکاری برای بنای آرامگاه نیریزی هستند و اگر از طرف انجمن آثار ملی اعتباری برای این منظور در نظر گرفته شود در محل نیز کمکهای لازم خواهد شد.

ساختمان آرامگاه نیریزی در سال ۲۵۳۴ آغاز گردید و انجمن آثار ملی مبلغ پانصد هزار ریال برای کمک به ساختمان مذکور اختصاص داد و از طرف علاقه‌مندان محلی هم به کوشش آقای حاجی سیدعلی قطبی کارمند بازنشسته آموزش و پرورش مبلغی در حدود ۷۰۰۰۰ ریال فراهم آمد. در شهریورماه ۲۵۳۴ از طرف انجمن آثار ملی به آقای سامی نوشته شد که چون بانجاری که حاصل شده است مخارج آرامگاه نیریزی بانوجه به مظنه مصالح روز بیش از مبلغی

خواهد شد که از طرف انجمن تأمین شده است لذا به علاقه‌مندان محلی تأکید شود که کمکهای محلی را ناجایی که مقدور است افزایش دهند تا ایجاد آرامگاه آبرومندی برای این هنرمند نامی مقدور گردد. در مهرماه سال مذکور آقای سامی گزارش داد که روز ۵۴/۷/۱۵ آرامگاه احمد نیریزی بازدید شد، در شمال و جنوب آرامگاه گورستانی متروکه می‌باشد که تبدیل آن به باغ مانعی ندارد و سنگهای قبر آن هم که اغلب به خط ثلث عالی است در جاهای خود نگهداری میشود. بنای کوچک محکمی کنار آرامگاه هست که از آن قبلاً برای دفتر آرامگاه می‌توان استفاده نمود، این بنا به نام امامزاده سید میر شهاب‌الدین معروف می‌باشد که باید سفیدکاری و تزئین شود. گور احمد نیریزی سنگ ندارد و باسیمان نمایانده شده و معمرین محل می‌گویند که سنگ قبر نیریزی را که به خط خود او بوده برده‌اند. در آذرماه ۲۵۳۴ مجدداً آقای سامی به انجمن نوشت که همراه آقای مهندس جاوید سامی از کارهای ساختمانی آرامگاه احمد نیریزی بازدید بعمل آمد. قسمتی از دیوار شمالی و غربی صفت آرامگاه ساخته شده و مقداری سنگ میخکی و آجر تهیه و به محل حمل گردیده است. از مقامات محلی هم خواسته شد که بهر نحو که ممکن است همکاری لازم بعمل آورند.

درفروردین ۲۵۳۵ شهردار نیریز به فرماندار آن شهرستان نوشت که در باره ساختمان آرامگاه خطاط و هنرمند شهیر احمد نیریزی شهرداری نیریز اقدامات ذیل را بعمل آورده است:

- ۱ - تقبل هزینه آبرسانی تا محل ساختمان مقبره جهت کارهای ساختمانی.
- ۲ - احداث خیابان ۱۲ متری که از جنب آرامگاه عبور می‌کند بمنظور تسهیل عبور و مرور و سائط نقلیه.

۳- برای تهیه طرح احداث فضای سبز و ایستگاه وسائط نقلیه مراجعه کنندگان به آرامگاه هم از دفتر مهندسی استان تقاضای فرستادن مهندس شده است و پس از تهیه طرح اقدام خواهد شد.

اکنون آرامگاه در محوطه‌ای به وسعت پنجاه متر در بیست متر در دست ساختمان است و از طرف علاقه‌مندان محلی هم برای اصلاح وضع اراضی پیرامون گورستان و تهیه مقدمات ایجاد فضای سبز اقداماتی بعمل آمده است.

آرامگاه کمال الدین خجندی

و

کمال الدین خجندی

کمال الدین خجندی - کمال الدین مسعود خجندی شاعر و عارف بزرگ قرن هشتم هجری در خجند از شهرهای ماوراءالنهر ولادت یافت، وی در اواسط قرن هشتم هجری به حج رفت و در بازگشت به تبریز آمد و در آن شهر اقامت گزید و مورد توجه سلطان حسین پسر سلطان اويس جلایر قرار گرفت و آن پادشاه در ویانکوه در نیم فرسنگی تبریز باغی به وی اهداء کرد و خانقاهی در آن بنا نمود و کمال در آن اقامت گزید. دیوان کمال شامل ۶۹۷۴ بیت در سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ هـ. ش.) در تبریز به طبع رسیده است. کمال ظاهراً در سال ۸۰۳ هجری قمری در تبریز درگذشت.

درباره کمال خجندی به ماخذ ذیل می توان مراجعه نمود: مقدمه دیوان

کمال - «نفحات الانس - بهارستان - مجالس النفاثس - سبحة الابرار - تذكرة الشعراء دولتشاه سمرقندی - مجمع الفصحا - ریاض العارفین - مرآت الخیال - آنشکده آذر - طرائق الحقایق - ریحانة الادب...»^۱ و از سعدی تاجامی.

کمال‌الدین بهزاد

کمال‌الدین بهزاد نقاش و مینیاتورساز بزرگ ایران در اواخر عهد تیموری و اوائل دوره صفویه بود. وی از مردم هرات و شاگرد پیر سیداحمد تبریزی و بقولی شاگرد امیر روح‌الله معروف به میرک نقاش بود. بهزاد در دربار سلطان حسین میرزا بایقرا و نزد امیر علیشیرنوائی تقرب یافت. پس از آن در سال ۹۱۶ هجری قمری شاه اسماعیل صفوی وی را از هرات به تبریز برد و چند سال بعد بهزاد به ریاست کتابخانه سلطنتی منصوب گردید. این استاد هنرمند در زمان شاه طهماسب صفوی نیز نزد آن پادشاه تقرب داشت و پادشاه نزد او نقاشی می‌آموخت. «در این عصر از مینیاتور بیشتر برای مصور کردن کتابهایی مانند شاهنامه فردوسی و داستانهایی مانند خسرو و شیرین نظامی سود می‌جستند و بزرگترین استاد این هنر بهزاد بود»^۲ مینیاتورهای بسیاری به بهزاد منسوب است که اصالت غالب آنها مورد تردید می‌باشد، «اما تصویرهایی با امضای اصیل او در نسخه‌ای از بوستان سعدی نقش شده و اینک در کتابخانه ملی قاهره مخزون است... برخی از کتابها با تصویرهای منسوب به بهزاد مزین است مانند خمسة امیر علیشیرنوائی (مورخ ۸۹۰ ه.ق. در کتابخانه بودلیان)، گلستان (مورخ ۸۹۱ ه.ق. جزء مجموعه روچیلد پاریس) و غیره»^۳ بهزاد را احیاکننده نقاشی اصیل ایرانی و از مفاخر فرهنگ ایران بشمار می‌آورند. این هنرمند عالیقدر در سال ۹۴۲ هجری قمری در تبریز درگذشت و در جوار مقبره کمال‌الدین خجندی

۱ - مقدمه دیوان کمال خجندی از عزیز دولت‌آبادی.

۲ - فرهنگنامه، ج ۱۷، ص ۳۶. ۳ - دائرة المعارف فارسی نقل باتلخیص..

بخاك سپرده شد. برای احوال و آثار بهزاد به مآخذ ذیل می توان مراجعه نمود. دائرة المعارف فارسی - فرهنگ فارسی دکتر معین - حاشیه برهان قاطع ذیل بهزاد - سرآمدان هنر تألیف کریم طاهرزاده بهزاد، چاپ برلین، ۱۳۴۲ قمری ص ۶-۱۶ - تاریخ صنایع ایران تألیف ویلسن، ترجمه عبدالله فریار، تهران، ۱۳۱۷ ص ۱۷۰ - ۱۷۱ - دوره تحول نقاشی ایران بقلم ابوالقاسم طاهری در مجله روزگار نو، ج ۵: ۱ ص ۴۳ - لغت نامه.

آرامگاه دو کمال

آقای دکتر صدیق نایب رئیس هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی در اسفندماه سال ۲۵۳۱ ضمن مسافرت به تبریز و بازدید اماکن تاریخی آنجا، به راهنمایی چندتن از دوستان اران مفاخر گذشته ایران از مزار کمال الدین مسعود خجندی غزلسرای نامی و کمال الدین بهزاد هراتی هنرمند نقاش مینیاتور ساز نیز بازدید نمودند. این دو قبر درون يك بنا از بناهای قرن نهم هجری قرار دارد که به گونه سردابه ای در گورستان معروف به باغ کمال یا گورستان کمال در کناره شرقی شهر تبریز و در حاشیه شمالی امتداد خیابان پهلوی می باشد و حدود چهار کیلومتر از مرکز شهر فاصله دارد. آقای دکتر صدیق به اطلاع انجمن رسانیدند که بنای آرامگاه این دو بزرگ بصورتی ناپسند بنظر می آید و نامحاذی سقف آن از بیرون و درون از خاك و خاشاك انباشته شده و در دل خاکدانی ناپاك مدفون گشته است و موجب تأثر شدید بینندگان می گردد. قسمتی از اراضی گورستان تاریخی کمال را هم ساکنان آن حدود تصرف نموده اند. در این هنگام که انجمن آثار ملی بعالت باقی نماندن نشانه و سنگ بنائی از آرامگاههای سرایندگان و بزرگان مدفون در گورستان سرخاب تبریز دست بکار احداث بنای معظمی به نام یادبود مقبرة الشعرا می باشد، آرامگاه مشخص و موجود دو شخصیت نامی

مذکور وضعی چنین ناپسند دارد.

انجمن آثار ملی از آغاز سال ۲۵۳۲ برای تعمیر آرامگاه آن دوبرگ و ترتیب دادن محوطه ای برای آن اعتبار لازم را تأمین نمود و با همکاری مؤثر مدیر کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی و دفتری فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی آن استان کار تعمیر آرامگاه را آغاز کرد.

در مهرماه ۲۵۳۲ آقای دولتشاهی مدیر کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی به اطلاع انجمن رسانید که کار دیوار کشی ضلع شمالی و غربی گورستان شیخ کمال و همچنین خاکبرداری و تسطیح آن خاتمه یافته و اینک به انتظار آماده شدن سنگهای تراشی هستیم که باید بر روی دیوار گذاشته شود و سپس نرده آهنی ضلع شمالی و در ورودی نصب گردد و نیز کار تعمیر خود مقبره با نظارت دفتر فنی حفاظت آثار باستانی استان و با همکاری آقایان دکتر هدایتی رئیس دفتر و مهندس صدفی همکار ایشان پایان پذیرفته و شیب بندی دیوارهای شرقی و جنوبی در دست اقدام است. در فصل مناسب حاشیه گورستان در سه ردیف منظم درختکاری خواهد شد و کار باغچه بندی و گلکاری محوطه در اواخر بهار سال آینده انجام خواهد گرفت.

برای تعمیر آرامگاه در سال ۲۵۳۲ از طرف انجمن آثار ملی مبلغ ششصد هزار ریال به اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی حواله شد و پس از آن مبلغ پانصد هزار ریال دیگر به عنوان آن اداره کل حواله گردید تا برای محوطه سازی، دیوار کشی و هزینه های دیگر مقبره دو کمال بمصرف برسد.

در بیست و هفتم تیرماه سال ۲۵۳۳ آقای جودت از تبریز به انجمن آثار ملی چنین گزارش داد: در حال حاضر وضع کار آرامگاه کمال خجندی و کمال بهزاد از این قرار است:

۱- محوطه آرامگاه بطول ۵۰ متر و عرض ۲۰ متر که هزار متر مربع می شود محصور گردیده است.

- ۲ - روی دیوار شمالی طرف در ورودی و همچنین دیوار غربی نرده آهنی نصب شده است.
- ۳ - سراسر بدنه جنوبی و شرقی، سینه مال احداث و پائین و بالای سینه مال با سنگ چین محدود گردیده است.
- ۴ - در قسمت داخل در طرف غرب و جنوب و شرق زمین سه ردیف درخت تبریزی و سرو کاشته شده است.
- ۵ - بعد از درختها يك حاشیه در طول غربی و جنوبی جدول کشی و گلکاری شده است.
- ۶ - کف تمام محوطه تسطیح گردیده است.
- ۷ - ساختن کرسی دور بام مقبره و ازاره سنگی آن پایان یافته است.
- ۸ - روی بام مقبره شیب بندی لازم تعبیه شده است.
- ۹ - پله و ورودی مقبره تعمیر و اصلاح گردیده است.
- ۱۰ - يك سنگ قبر در خود کارگاه و قبرستان سابق موجود بوده و يك سنگ قبر در خرابه های ارگ بلا صاحب و بدون نام و نوشته بوده، این دو سنگ به زیر زمین منتقل و بر روی قبرها نصب شده است.
- ۱۱ - سیم کشی محوطه انجام یافته و چندین چراغ چمنی در محوطه نصب شده است.
- ۱۲ - کار سیم کشی و نصب چراغ در سردابه انجام یافته است.
- ۱۳ - کف زیر زمین فرش شده است.
- ۱۴ - دور تا دور بالای بام مقبره با سنگ قلوه فرش شده است.
- ۱۵ - بنای گلخانه و اطاق برای نگهبان و انبار و غیره در دست ساختمان است.
- ۱۶ - از لوله کشی شهر، آب برای آرامگاه تأمین و تقاضای انشعاب برق نیز شده است.

خلاصه آنکه کار تعمیر آرامگاه کمال‌الدین خجندی و کمال‌الدین بهزاد از اوایل سال ۲۵۳۲ آغاز گردید و در حدود نیمی از کارهای دیوارکشی محوطه و تهیه نرده و خاکبرداری و تسطیح محوطه در همان سال انجام یافت و قطعاتی از زمینهای مجاور آرامگاه که برای توسعه محوطه آن ضرورت کامل داشت با کاردانی و کوشش مدیرکل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی ضمیمه آن گردید و تا اواسط سال ۲۵۳۳ تعمیر اساسی آرامگاه به پایان رسید و دو سنگ مزار قدیمی به داخل سرداب حمل و بر روی مدفن آن دو بزرگ قرار داده شد و نام هر يك بر سنگ مزارش نقش گردید.

سنگی که بر روی قبر بهزاد قرار داده شده سنگی است خاکستری رنگ به ابعاد $۳۲ \times ۵۷/۵ \times ۲۱۶$ سانتیمتر که بر روی يك کرسی از آجر به ضخامت هفت سانتیمتر نصب گردیده. تراش سنگ به صورت مقعر انجام یافته و در بالای سنگ گلی حجاری شده است. گل از سه دایره متحدالمرکز درست شده که اولین دایره را يك گل دوازده پر تزئین داده و دایره میانی از دوازده هلال تشکیل یافته و دایره بیرونی با ۴۸ ماه کوچک مزین است. بر روی سنگ نوشته شده است:

«کمال‌الدین بهزاد هراتی درگذشت ۹۱۴ خورشیدی.»

سنگ قبر کمال‌الدین خجندی سنگ سیاه رنگی است به ابعاد $۳۹ \times ۵۵ \times ۲۰۸/۵$ سانتیمتر که بر روی کف قرار گرفته. تراش این سنگ نیز بصورت مقعر است و بالای آن گلی حجاری شده. گل وسط ماه ساده‌ای است که بوسیله هفت پره تخم مرغ شکل احاطه شده و ماه کوچکتری در پره هشتم که تخم مرغی شکل بزرگتری است قرار دارد. بر روی سنگ نوشته شده است:

«کمال‌الدین مسعود خجندی درگذشت ۷۷۹ خورشیدی.»

سنگ نوشته‌ای دارای $۱/۰۵$ متر طول و $۶۰/۵$ سانتیمتر عرض در ضلع جنوبی بنا، در ارتفاع $۱/۳۹$ متر از کف در وسط طاقنمایی به عرض $۲/۸۸$ متر و عمق $۲/۰۴$ متر

و ارتفاع ۲/۵۸ متر نصب گردیده و عبارات آن چنین است:

«آرامگاههای کمال الدین مسعود خجندی غزلسرای نامی قرن هشتم هجری (در گذشت ۸۰۷ هجری برابر ۷۷۹ خورشیدی = ۱۴۰۰ میلادی) و کمال الدین بهزاد هراتی بزرگترین استاد هنرمند نقاش مینیاتور ساز (تولد ۸۵۴ برابر ۸۲۹ خورشیدی = ۱۴۵۰ میلادی در گذشت ۹۴۲ برابر ۹۱۴ خورشیدی = ۱۵۳۵ میلادی) در گورستان ولیان کوی بصورت نامطلوب بلکه بوضع موهون درآمده بود».

مقام بلند آن سراینده بلند مرتبت و آن هنرمند عالی قدر ایجاب می نمود توجه بیشتری به آرامگاه ایشان مبذول گردد بدین منظور در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ خورشیدی گورستان مذکور از طرف انجمن آثار ملی ایران تسطیح و سپس محصور گردید و علاوه بر تعمیر مقبره محوطه آن به درخت و چمن و گل آراسته شد. دو سنگ قبر بزرگ نیز در محل خوابگاه ابدی نامبردگان نصب گردید. اینک آرامگاه مذکور تحت نظر انجمن اداره می شود و بصورت باغچه ای مصفا گردشگاه اهل محل و زیارتگاه علاقه مندان و بازدید کنندگان می باشد - ۱۳۵۳ خورشیدی».

در جنوب شرقی محوطه نزدیک به کنج جنوب شرقی بنا نیز تابلوی که همین عبارات بر آن نوشته شده نصب گردیده است. در ضلع غربی باغ هم تابلوی است که بر روی آن نوشته شده است:

تبریز بجای جان جان خواهد بود

پیوسته بدو دل نگران خواهد بود

تا در نکشم آب چرنداب و گجیل

سرخاب ز چشم من روان خواهد بود

آرامگاه حاج ملاهادی سبزواری

حکیم سبزواری - حکیم شهیر حاج ملاهادی سبزواری متخلص به اسرار در سال ۱۲۱۲ هجری قمری دیده به جهان گشود و از خردسالی به فرا گرفتن دانش آغاز کرد. در همان ایام پدرش در بازگشت از سفر مکه در شیراز درگذشت. هادی تا ده سالگی در سبزواری بود و از آن پس به مشهد رفت و در آنجا عربی و فقه و اصول و اندکی منطق و ریاضی آموخت و چون سخت به حکمت علاقه مند بود به اصفهان رفت و مدت هشت سال در آن شهر حکمت آموخت و در حوزه های درس فقه و اصول نیز حاضر می شد، آنگاه به خراسان بازگشت و مدت پنج سال در شهر مشهد حکمت و فقه و تفسیر تدریس کرد و پس از آن حوزه بزرگ تدریس حکمت را در سبزواری تأسیس کرد و چون آوازه شهرت او در ایران و برخی از کشورهای اسلامی پیچید طالبان حکمت از اطراف و اکناف به سبزواری روی آوردند و در حوزه درس او حاضر شدند. حکیم در روزیست و هشتم ذیحجه سال ۱۲۸۹ هجری قمری سه ساعت به غروب مانده در سبزواری درگذشت و در بیرون دروازه شهر معروف به دروازه نیشابور در محلی که بر سر راه زواری مشهد بود به خاک سپرده شد و پس از چندی میرزا یوسف پسر میرزا

حسن مستوفی الممالک بر سر مزار او تکیه و بقعه‌ای بنا کرد. حکیم شعر نیز می‌سروده و تخلصش «اسرار» بوده ، دیوانش چاپ شده‌است.



تصویر حاج ملاهادی سبزواری

آثار حکیم سبزواری عبارتست از:

- ۱ - لآلی المنتظمه : منظومه درمنطق
- ۲ - غرر الفوائد : منظومه در حکمت
- ۳ - حاشیه بر اسفار اربعه ملاصدرای شیرازی
- ۴ - حاشیه بر مبدأ و معاد ملاصدرای شیرازی
- ۵ - حاشیه بر شواهد الربوبیه ملاصدرای شیرازی
- ۶ - اسرار الحکیم
- ۷ - شرح مثنوی
- ۸ - شرح دعای جوشن کبیر

- ۹ - شرح دعای صباح
 - ۱۰ - حاشیه بر شرح سیوطی
 - ۱۱ - حاشیه بر شرح تجرید محقق لاهیجی در کلام
 - ۱۲ - راح قراح در علم بدیع
 - ۱۳ - سؤال و جواب، پرسشهایی که شاگردان حکیم و دیگران طرح کرده‌اند و جواب هر یک.
 - ۱۴ - رساله در محاکمات میان ملا محسن فیض و شیخ احمد احسائی
 - ۱۵ - دیوان اسرار
 - ۱۶ - ریح در علم بدیع
- برای آگاهی بیشتر از احوال و آثار حکیم رجوع شود به:
- توسعه الهیات در ایران تألیف محمد اقبال - سالی میان ایرانیان تألیف ادوارد برون - ریاض العارفین - الذریعه - نزهة الارواح - زندگانی و فلسفه حاج ملاهادی سبزواری بقلم مرتضی مدرسی - دیوان حاج ملاهادی سبزواری چاپ کتابفروشی ثقفی اصفهان - مطلع الشمس - شرح منظومه چاپ مهدی محقق .

تعمیر آرامگاه حکیم

تعمیر آرامگاه حکیم سبزواری از حدود سال ۲۵۱۷ (۱۳۲۷ ه. ش.) مورد توجه مقامات محلی و دولتی قرار گرفت و در سال ۲۵۱۹ هنگام مسافرت هیأت دولت به سبزواری این امر از جمله امور مورد تفاضای اهالی و فرمانداری آن شهر بود و از طرف دولت هم در این باره وعده مساعد داده شد و مکاتباتی هم با انجمن آثار ملی بعمل آمد. اما انجمن در آن هنگام بعثت تعهداتی که نسبت به بنای آرامگاه خیام، آرامگاه نادر و آرامگاه کمال‌الملک و تعمیر و تکمیل بقعه عطار داشت نمی‌توانست برای تعمیر بقعه «اسرار» اقدامی بعمل

آورد. بر اثر مکاتبات متعددی که در این خصوص بعمل آمده بود در شهریورماه سال ۲۵۲۷ از طرف سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران به آقای سیدمحمد تقی مصطفوی نوشته شد که چون این سازمان فقط دربارهٔ ابنیه و آثاری که به ثبت تاریخی رسیده است اقدام می کند خواهشمند است نظر خود را در خصوص بنای آرامگاه حاج ملاهادی سبزواری از لحاظ قدمت و اهمیت تاریخی و معماری آن اعلام فرمایند تا این سازمان بتواند تصمیم مقتضی اتخاذ نماید. آقای مصطفوی در شهریورماه ۲۵۲۷ به سازمان مذکور نوشتند که «در مورد آرامگاه عارف شهیر مرحوم حاج ملاهادی سبزواری متخلص به اسرار معروض می دارد که اینجانب در تاریخ ششم آبانماه ۱۳۴۶ شمسی توفیق بازدید آرامگاه مذکور را داشتم و آنطور که مشاهده نمودم آرامگاه آن بزرگ در وسط تالار بزرگی که به شیوه معماری حدود صدسال پیش ساخته شده است قرار دارد و اطراف تالار شاه نشین و اطاقهای دیگری هست و پوشش کلیه بنا طاقهای ضربی است و محوطه وسیع و مصفای آرامگاه از سطح خیابان اصلی شهر کمی پایین تر است و بوسیله نرده ای از آن مجزا می گردد.

سنگ قبر اصلی را که به ابعاد و صورت معمولی است در سالهای اخیر از محل خود برداشته و در کنار بقعه بردیوار نصب نموده اند، روی آن اشعار ذیل خوانده می شود:

اسرار چو از جهان بدر شد	از فرش به عرش ناله بر شد
تاریخ وفات او چه پرسند	گویم «که نمرد زنده تر شد»

۱۲۸۹

بر روی مزار حکیم بجای سنگ قبر اصلی صورت قبر تازه ای با سیمان ساخته و آن را رنگ کرده و جعبه آینه ای هم روی آن نهاده اند. بنظر اینجانب تغییر بنای کنونی که نمونه ساختمانهای دوران قاجاریه و متناسب با زمان درگذشت حکیم و درخور مقام او و موقع شهر سبزواری است

و در کنار خیابان مشجری واقع می‌باشد و وضع دلبستگی دارد، موردی ندارد، و چنانکه بخواهند در آن اصلاحاتی بعمل آورند شایسته است همانطور که در مورد سنگ قبر صائب عمل شد تخته سنگ بزرگی از مرمر یا سنگ ممتاز دیگری بجای صورت قبر سیمانی رنگ شده فعلی قرار دهند و سنگ قبر اصلی را هم از کنار دیوار برداشته داخل سطح فوقانی تخته سنگ نصب نمایند. ضمناً وضع بنا از لحاظ رطوبت و بام و تعمیرات لازم مورد بررسی مهندس مطلع و معمار کار آزموده‌ای قرار گیرد و پس از اطمینان کامل از این بابت چنانچه اعتباری موجود باشد در موقع خود نسبت به تزئینات و گچبری و آیین کاری داخل تالار آرامگاه که شایسته شیوه معماری بنا باشد نیز اقدام گردد. ضمناً باید توجه داشت که تعدادی مقابر شخصیتها و خانواده‌های سبزواری در قسمت‌های مختلف بنای آرامگاه وجود دارد و برای هزینه تعمیرات معمولی، طبیعی و منطقی است که مانند تمام آرامگاههای خانوادگی از همت بازماندگان آنها استمداد و استفاده شود».

امیر علیاحضرت شهبانو

در اسفندماه سال ۲۵۳۳ نامه ذیل از طرف وزیر فرهنگ و هنر به انجمن آثار ملی رسید:

« در تشریف فرمائی علیاحضرت شهبانوی ایران به سبزواری (ضمن بازدید از شهرهای پیرامون کویر) آرامگاه حاج ملاهادی سبزواری فیلسوف شهیر ایران مورد توجه مخصوص قرار گرفت و او امری در جهت بازسازی آن صادر فرمودند. چون انجمن آثار ملی همواره در بزرگداشت مشاهیر ایران اقدامات شایسته‌ای معمول می‌دارد خواهشمند است در اجرای امریه علیاحضرت شهبانوی ایران بازسازی این آرامگاه را مقدم بر سایر موارد و در اولویت قرار دهند.»

انجمن بلافاصله به اطلاع وزارت فرهنگ و هنر رسانید که در بودجه سال

۱۳۵۴ مبلغی جهت تعمیر و تکمیل آرامگاه حکیم سبزواری منظور گردید. در اردیبهشت ماه سال ۲۵۳۴ (۱۳۵۴ ه. ش.) آقای جودت به انجمن گزارش داد که از آرامگاه حکیم سبزواری (اسرار) بازدید بعمل آمد. وضع آرامگاه از اینقرار است:

۱ - محوطه آرامگاه اسرار در سمت جنوب باغ عمومی رضوان قرار دارد و مساحت آن ۴۴۷ متر مربع است، مستطیلی است که طول آن تقریباً دو برابر عرض آن می باشد.

۲ - بنای آرامگاه اسرار شامل مقبره ای است به ابعاد هشت متر در هشت متر و علاه بر مدخل دارای سه شاه نشین در مقابل و شرق و غرب می باشد و هشت اطاق نیز در فواصل بین شاه نشینها دارد که همه به یکدیگر مربوط می باشد.

۳ - روی مربع وسط که مقبره اسرار است گنبد آبرومندی برپاست و قسمت زیر گنبد را گچکاری نیمه مقرنس نموده اند.

۴ - در شاه نشین شرقی مقابر متعلق به خانواده متولی و شاه نشین غربی انبار و در شاه نشین جنوبی قبور متفرقه موجود می باشد.

۵ - اطاقهای اطراف مقابر خانواده گچی است.

۶ - در قسمت شرقی و غربی محوطه هر طرف بیست طاقنما و در قسمت جنوب ده طاقنما است و یک بنای دومرتبه در وسط قرار دارد. محوطه از طرف شمال به میدان باغ رضوان باز می شود.

۷ - در قسمت جنوب باغ حوضی نزدیک بنای آرامگاه و چاه آبی مجاور آن موجود است.

۸ - باغچه های محوطه پراز درخت است و فقط در قسمت مدخل محوطه محلی برای نمازگزاری زائران قدری بالاتر از کف محوطه ساخته اند و در ورودی برای ورود انومیل نیز پیش بینی شده که فعلاً مسدود می باشد.

۹ - در محوطه و بنای آرامگاه از شبکه برق و آب لوله کشی شهر استفاده

می شود.

۱۰ - اکنون نیز گاه گاه با اجازه متولی (حکیمی) در اینجا مرده دفن می کنند.

۱۱ - بر دیوار قسمت ورودی آرامگاه سنگی نصب شده و تاریخ وفات حاج ملاهادی را بر آن سال ۱۲۸۹ قمری نقر کرده اند.

۱۲ - تاریخ بنا دوسال بعد از فوت حاجی می باشد.

۱۳ - در مقبره عکس واقعی حاجی موجود است.

۱۴ - در حال حاضر رطوبت در قسمت زیادی از بنا سرایت کرده و در و پنجره ها بصورت نامطلوبی است.

۱۵ - در دو طرف محوطه طاقنماهای شرقی و غربی خراب شده است و به منظور اخذ تصمیم درباره تکمیل یا تجدید ساختمان آرامگاه لازم است که آقای مهندس فروغی از بنا بازدید بعمل آورند و اظهار نظر نمایند.

آقایان مهندس فروغی وجودت روز ۵۴/۵/۳۰ از آرامگاه حکیم بازدید بعمل آورده به اطلاع انجمن رسانیدند که نظر کلی این است که بنای موجود تعمیر اساسی شود و کارهایی که باید در آن انجام گیرد از این قرار است:

۱ - در وهله اول باید بام آرامگاه عائق کاری و اسفالت شود و شیب لازم به آن داده شود تا رطوبت باعث خرابی سقف نگردد.

۲ - در مرحله دوم گنبد موجود که آجری است با کاشی از نوع کاشی که در آرامگاه باباطاهر بکار رفته است پوشیده شود.

۳ - کف مقبره سنگ فرش شود و این سنگ فرش تا قسمت ورودی ادامه یابد.

۴ - دور تا دور داخل بنا سنگ رگی نصب گردد.

۵ - قبل از نصب سنگها گربه روهایی دور تا دور کف ایجاد گردد و به هواکشهای بیرون و سقف متصل و مربوط شود تا از نفوذ رطوبت به داخل بنا

جلوگیری بعمل آید.

- ۶ - مقرنس کاری زیرسقف آرامگاه تکمیل و تجدید گردد.
 - ۷ - سنگ قبر آبرومندی از سنگ يك پارچه گرانیت بر قبر اسرار نصب گردد و سنگ قبر سابق در جوار آن قرار گیرد.
 - ۸ - شاهنشینهای چهار طرف و اطاقهای گوشواره ها سفیدکاری و با سنگ رگی تعمیر شود .
 - ۹ - سنگ قبرهایی که در شاهنشینها و اطاقها بصورت برجسته قرار گرفته هم کف زمین گردد تا از اطاقهای مذکور بمنظور دفتر و کتابخانه آرامگاه بتوان استفاده نمود.
 - ۱۰ - دوطاقنمای طرفین دربندنه معقلی کاری و در کف سنگ فرش گردد.
 - ۱۱ - کلیه درها و پنجره ها تجدید گردد و از چوب ساخته شود.
 - ۱۲ - جرزها و طاقنماهای سه طرف دیگر بنا تعمیر و بندکشی شود.
 - ۱۳ - فضای جلو آرامگاه چمنکاری و گلکاری شود.
 - ۱۴ - کلیه دیوارها و طاقنماهای سه طرف بنا بندکشی شود.
 - ۱۵ - عمارتی که در قسمت جنوب محوطه است تعمیر شود و برای سکونت نگهبان اختصاص یابد.
 - ۱۶ - زیر نرده های طرف میدان بندکشی و تعمیر شود.
 - ۱۷ - باغچه پشت آرامگاه اصلاح و حوض محوطه عقب تعمیر گردد.
 - ۱۸ - شبکه برق محوطه و بنا تکمیل و از داخل سیم کشی شود.
 - ۱۹ - دفن اموات در آرامگاه و محوطه آن ممنوع شود
- برای اجرای کارهای تعمیراتی و تکمیلی آرامگاه اسرار باید متولی آن آقای حسام حکیمی و همچنین اداره کل اوقاف در واگذاری آرامگاه به انجمن موافقت نمایند و یا لااقل ظرف مدتی که انجمن مباشرت در تکمیل و تعمیر آن دارد مداخله ای نداشته باشند. ظاهراً مقبره موقوفاتی هم دارد که بعداً درآمد

آن باید زیر نظر هیأت امنائی صرف نگهداری آن گردد.

روز دوازدهم بهمن ماه ۲۵۳۴ جلسه‌ای با حضور آقایان حسن متولی و کاظم اسکوئی نمایندگان سبزواری در مجلس شورای ملی و حسام‌الدین حکیمی متولی آرامگاه که نوه مرحوم حاج ملاهادی می‌باشد در دفتر آقای مصطفوی و با حضور ایشان تشکیل شد و مقرر گردید که آرامگاه برای انجام تعمیرات و اصلاحات مورد نظر در اختیار انجمن آثار ملی قرار گیرد و پس از تعمیر و تکمیل مجدداً از طرف انجمن آثار ملی به آقای حکیمی تحویل شود تا مراقبت از آرامگاه و سرپرستی آن کماکان بعهده ایشان باشد. در همان تاریخ به فرمانداری سبزواری نوشته شد که بر حسب امر و دستور علیاحضرت شهبانو مقرر است که انجمن آثار ملی نسبت به آرامگاه حکیم بلند مرتبت حاج ملاهادی سبزواری اقداماتی بنماید و برای این منظور لازم است که آرامگاه مذکور و محوطه آن کلاً در اختیار انجمن قرار گیرد، دستور فرمایند در جلسه‌ای با حضور رؤسای ادارات فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش و اوقاف و شهرداری سبزواری مطرح شود و بموجب صورت مجلسی که امضاء خواهند کرد آرامگاه تحویل انجمن گردد و در همین صورت مجلس قید گردد که از این پس به دفن اموات در آرامگاه و محوطه آن مبادرت نگردد. این جلسه نیز در اسفند ماه همان سال در سبزواری تشکیل شد و بانکات یاد شده موافقت گردید.

در اوایل سال ۲۵۳۵ آرامگاه و محوطه آن به آقای حسین جودت نماینده انجمن تحویل داده شد و تعمیر و تکمیل آن آغاز گردید.

آرامگاه نزاری قهستانی

و

مقبره حاج شیخ هادی بیرجندی

نزاری قهستانی - حکیم سعدالدین نزاری قهستانی فرزند جمیل الدین از حکما و شعرای بنام قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری بود و در سال ۶۴۵ هجری قمری در روستای فوداج از روستاهای بیرجند دیده به جهان گشود. تذکره - نویسان و محققان وی را مردی حکیم و محقق^۱ و نیکو طبع^۲ دانسته و نوشته اند که وی چون حکیم ناصر خسرو غالباً در انزوا و گوشه گیری می زیسته است.^۳ حکیم نزاری از اقران شیخ سعدی بوده و با شیخ دوستی و هم صحبتی داشته^۴ و خواجه حافظ در غزلسرای پیرو سبک نزاری بوده است.^۵ خواجهوی کرمانی، کمال خجندی، جامی و بعضی دیگر از شاعران نیز در غزلسرای به شیوه نزاری

۱ - تذکره دولتشاه سمرقندی.

۲ - تذکره هفت اقلیم.

۳ - تاریخ مغول اقبال.

۴ - بهارستان آیتی.

۵ - بهارستان.

توجه داشته‌اند.^۱ آثار نزاری عبارتست از: دستورنامه که منظومه‌یی است در حکمت و اخلاق و پرفسور برنلس خاورشناس مشهور آن را تصحیح و چاپ کرده است - منظومه سفرنامه - منظومه هرمنامه - و دیوان اشعار که شامل قصاید غزلیات، قطعات، ترکیب بندها و رباعیات است. نزاری در سال ۷۲۰ هجری قمری در بیرجند درگذشت و در همانجا ب خاک سپرده شد. برای احوال و آثار او مراجعه شود به:

از سعدی تا جامی - بهارستان آیتسی بیرجندی - تاریخ مغول اقبال - تذکره دولتشاه سمرقندی - حبیب السیر - روضة الصفا - ریحانة الادب - کشف الظنون - مجالس النفائس - مجمع الفصحا - هفت اقلیم - نسیم بهاری مرتضی مجتهدزاده.

آرامگاه نزاری

مدفن حکیم نزاری در قبرستان عمومی بیرجند بود و امرای قایمات آرامگاهی برای او بنا نموده بودند. شهرداری بیرجند قبرستان مذکور را تبدیل به باغ ملی نمود و در سال ۲۵۱۶ (۱۳۳۶ ه. ش.) باغ را به بانک ملی ایران فروخت و محل مقبره نزاری بصورت انباری برای بانک درآمد و متصدیان شهرداری برای اینکه سنگ مزار حکیم در زیر کاغذهای باطله و وسایل اسقاط از بین نرود آنرا به شهرداری منتقل نمودند. انبار نیز بتدریج به بنای مخروبه‌ای تبدیل گردید. آقای محیط طباطبائی در شماره ۲۹۳ مجله یغما (بهمن ماه ۲۵۳۱) ضمن مقاله‌ای تحت عنوان مقبرة الشعراء تبریز اشاره کرده بود که «در شهر بیرجند گور نزاری قهستانی شاعر نامدار اسماعیلی را دیدم که شهرداری آنجا با وجود استفاده کامل از زمین فضای قبر نزاری، دل خود را نتوانسته بود راضی کند که لااقل از مردم روستای خوسف در حفظ بقعه ابن حسام درس

بگیرد و چندمتری از زمین پیرامون قبر نزاری را در کنار باغی که بر محوطه قبر او ساخته بود برای ساختن چارطاقی و نهادن تخته سنگی بر آن منظور دارد.»

در خردادماه سال ۲۵۲۷ شورای حفاظت آثار باستانی شهرستان بیرجند لزوم بنای یادبودی را به نام نزاری قهستانی تأیید و تأکید کرد و مقرر شد که با مقامات مسئول در این باره مکاتبه و مذاکره شود و از مردم بیرجند نیز کمک خواسته شود. از آن پس از طرف اداره آموزش و پرورش و فرمانداری و شهرداری بیرجند و وزارت فرهنگ و هنر و آقای سناتور خزیمه علم و آقای ابراهیم صهبا شاعر بیرجندی مکاتبات و مذاکراتی با انجمن آثار ملی ایران درباره بنای آرامگاه حکیم نزاری بعمل می آمد و انجمن در هر مورد یادآور می شد که مدفن حکیم در حال حاضر در محوطه ای قرار دارد که در تصرف و ملکیت بانک ملی بیرجند می باشد، مادام که این موضوع حل و فصل نشده و مقداری از اراضی اطراف مدفن حکیم جهت آرامگاه اختصاص نیافته است هیچگونه اقدام و عملی مقدور نمی باشد.

در اردیبهشت ماه سال ۲۵۳۲ آقای کاظم غنی شهردار بیرجند نامه ای به آقای خوشکیش مدیر کل بانک ملی ایران نوشت و تقاضا نمود مقداری از اراضی پیرامون قبر حکیم نزاری را که در تصرف بانک ملی است جهت بنای آرامگاه او به شهرداری واگذار نمایند. آقای غنی از انجمن آثار ملی نیز تقاضا کرده بود که در این باره بذل توجهی نموده اقدام لازم بعمل آورند. انجمن آثار ملی در همان هنگام به آقای خوشکیش نوشت که «آقای کاظم غنی شهردار بیرجند شرحی درباره قبر نزاری قهستانی به جنابعالی نوشته و تقاضا کرده است که مساحت کمی از محوطه بانک ملی بیرجند را که قبر آن شاعر نامی در آن قرار دارد برای بنای آرامگاه شاعر اختصاص دهند و از این انجمن نیز تقاضا نموده اند که بمنظور بزرگداشت نزاری اقداماتی بعمل آورد. چون مساعدت و

كمك انجمن در اجرای منویات اهالی آنجا موکول به این است که زمینی برای بنای آرامگاه آن حکیم در اختیار باشد لذا خواهشمند است دستور فرمایند از نتیجه تصمیمی که درباره تقاضای شهرداری بیرجند اتخاذ می شود این انجمن را نیز آگاه فرمایند تا بتوان نسبت به مزار و آرامگاه حکیم اقدام لازم بعمل آورد.» به آقای حسین جودت نیز دستور داده شد که با آقای خوشکیش ملاقات و مذاکره نموده نتیجه را اعلام دارد.

در تاریخ بیست و هفتم آذرماه ۲۵۳۲ از طرف انجمن آثار ملی به آقای غنی شهردار بیرجند نوشته شد که آقای حسین جودت نماینده انجمن با آقای خوشکیش مدیر کل بانک ملی ایران ملاقات نمود و درباره قبر نزاری قهستانی که در محوطه ملکی بانک ملی در بیرجند قرار دارد مذاکره کرد و درخصوص آن شاعر و علاقه اهالی محل نسبت به احداث آرامگاه او توضیحاتی داد و آقای مدیر کل بانک ملی قبول کردند که از اراضی محوطه بانک ملی بیرجند که در حدود پنجهزار متر مربع است مقدار متناسبی در اختیار شهرداری و اهالی بیرجند بگذارند به این شرط که از طرف شهرداری بانظر رئیس بانک ملی شعبه بیرجند نقشه زمین مورد نیاز پیرامون قبر تهیه و برای بانک ملی ایران فرستاده شود تا مراتب در شورای عالی بانک ملی ایران مطرح گردد. بنابر این لازم است هرچه زودتر نقشه مذکور تهیه و ارسال گردد.

در بهمن ماه ۳۵۳۲ از بانک ملی ایران نامه یی بدین شرح به انجمن آثار ملی رسید:

«در مورد واگذاری محل آرامگاه حکیم نزاری قهستانی به استحضار می رساند که شورای عالی بانک موافقت نمود که ۱۵۸/۳۷ متر مربع از قسمت شمال شرقی زمین بانک ملی بیرجند واقع در بر خیابان محمدرضا شاه که قبر شاعر نامی در آن قرار دارد برای بنای آرامگاه او واگذار شود. به شعبه بانک

در بیرجند دستور داده شد که درمورد تفکیک و واگذاری محل مذکور اقدام کند» در فروردین ۲۵۳۳ از طرف انجمن به آقای سناتور مهندس فروغی نوشته شد که بر اثر اقدامات مشترک شهرداری بیرجند و انجمن آثار ملی و باکوشش و حسن نیت آقای خوشکیش مدیر کل بانک ملی ایران موافقت شد که قسمتی از اراضی محوطه بانک ملی بیرجند به مساحت ۱۵۸/۳۷ مترمربع پیرامون قبر نزاری قهستانی برای احداث آرامگاه آن شاعرنامی واگذار گردد، اینک از طرف شهرداری بیرجند تقاضا شده است که نقشه‌ای متناسب با زمین مذکور جهت آرامگاه آن حکیم تهیه گردد، خواهشمند است در این باره اقدام نموده طرح و نقشه لازم را تهیه فرمایند تا نسبت به ساختمان آن تصمیم لازم اتخاذ گردد.

در مهرماه سال ۲۵۳۳ در پاسخ نامه جناب آقای اسدالله علم وزیر دربار شاهنشاهی که همواره درباره آرامگاه نزاری اظهار علاقه می نمودند و جریان کار نیز باستحضارشان می رسید نوشته شد که «بطوری که خاطر شریف مستحضر است موضوع بنای آرامگاه حکیم نزاری قهستانی از دیرگاه مورد توجه انجمن آثار ملی بود و مشکلی که وجود داشت قرار داشتن مقبره آن شاعرنامی در محوطه بنای شعبه بانک ملی بیرجند بود و با اقداماتی که بعمل آمد این مشکل حل شد و در حال حاضر انجمن آثار ملی مشغول تهیه طرح و نقشه مناسبی برای آرامگاه حکیم می باشد و به آقای مهندس فروغی نایب رئیس هیأت مدیره انجمن دستور تهیه آن داده شده است. بنابراین میتوان مطمئن بود که ساختمان آرامگاه نزاری قهستانی بزودی آغاز می شود و این خدمت نیز باتوجهات آن جناب که عامل مؤثری در تحقق کار بوده است انجام خواهد یافت. در فروردین ماه ۲۵۳۴ از طرف انجمن به شهرداری بیرجند نوشته شد که «اینک که نقشه ساختمان آرامگاه نزاری قهستانی آماده شده است به آقای جودت نماینده انجمن دستور داده شد که به محل آمده ترتیب شروع کار ساختمان را بدهد، بدیهی است که در

اجرای کار همکاری و مساعدت لازم معمول خواهند داشت.

روزپانزدهم خردادماه ۲۵۳۴ زمین اهدائی تحویل داده شد و بلافاصله کار ساختمان آرامگاه بوسیله آقای حسین جودت نماینده انجمن آغاز گردید و گزارش امر به امضای آقایان زمانی فرماندار، شالچیان شهردار، اشجری رئیس بانک ملی، علی توکلی سرپرست ساختمان و حسین جودت برای انجمن ارسال گردید. آقای جودت در گزارش جداگانه‌ای به اطلاع انجمن رسانید که «روز ۱۵/۳/۵۴ باحضور فرماندار و شهردار بیرجند و چندتن از رؤسای ادارات آن شهرستان قطعه زمین اهدائی بانک ملی برای ساختمان آرامگاه نزاری قهستانی به اینجانب تحویل گردید و چون قطعه زمین مذکور ۱۷/۵ متر در ۹ متر است و برای ریختن مصالح و اجرای عملیات کافی نمی باشد موافقت رئیس بانک ملی جلب گردید که از فضای مجاور آن متعلق به بانک برای گردش کار استفاده شود و معمار مجربی به نام غلامرضا انصافی بکارگمارده شد. چون قطعه زمین مذکور در حدود ۱/۵ متر از کف خیابان مجاور پائین تر بود دستور لازم جهت پی سازی زیربنا و هم کف نمودن آن با خیابان مجاور که راه ورودی آرامگاه از آن خیابان می باشد داده شد و بلافاصله کارگران به کار مشغول شدند و بدین ترتیب کار ساختمان آرامگاه حکیم سعدالدین نزاری قهستانی در خردادماه سال ۲۵۳۴ از روی نقشه مناسب باشیوه معماری اصیل ایران توأم با سلیقه و ذوق در خور روزگار کنونی آغاز شد و با وجود دشواریهای گوناگون نزدیک به شصت درصد کار آن تا پایان آن سال انجام پذیرفت. اشاره بدین نکته لازم می نماید که به علت گسترش فوق العاده کارهای ساختمانی تهیه آجر برای آرامگاه نزاری قهستانی در خراسان میسر نگردید و بناچار از ورامین (تهران) فراهم و به بیرجند برده شد.

این عبارات برای نقر بر روی سنگ مزار نزاری تهیه شده است:

«ملك الحكما حكيم سعدالدين نزاری قهستانی فرزند جميل الدين از بزرگان عرفا و سرایندگان نامی ایران و معاصر با سعدی شیرازی است که در سال ۶۴۵ هجری قمری مطابق با ۱۸۰۶ شاهنشاهی برابر ۱۲۴۷ میلادی در روستای فوداج از توابع بیرجند بدنیا آمده است.

مفرنامه و هرمزنامه و دستورنامه از تألیفات مهم او بوده است. قصاید و غزلیاتش بیست هزار بیت است.

در سال ۷۲۰ هجری قمری مطابق با ۱۸۷۹ شاهنشاهی برابر ۱۳۲۰ میلادی چشم از جهان پوشیده و در شهر بیرجند در این مکان بخاک سپرده شده است.»

تعمیر مقبره هادوی

شادروان حاج شیخ هادی هادوی مجتهد بیرجندی از علمای بزرگ، در نیمه اول رجب سال ۱۲۷۷ هجری قمری در بیرجند ولادت یافت. وی از شاگردان آیه الله میرزا حسن شیرازی و سید محمد فشارکی و میرزا محمد تقی شیرازی و آیه الله رشتی و آیه الله خراسانی رضوان الله علیهم بود. مرحوم هادوی در اوایل مشروطیت مقالاتی در روزنامه حبل المتین می نوشت و از طرف آیه الله خراسانی بعنوان طراز اول به مجلس شورای ملی معرفی شد. خود آن مرحوم نوشته است: «حضرت آیه الله خراسانی طاب ثراه مرا بعنوان طراز اول به مجلس شورای ملی معرفی کرد و ممتازالدوله که در آن وقت رئیس مجلس بود عزیمت مرا خواست، من پذیرفتم، ولی برای اینکه در دفع اجماعانی که آنوقت جریان عادی داشت رسمیتی داشته باشم ریاست انجمن ولایتی را پذیرفتم و وظایف آن وقت را تا آن درجه که میسر بود پایان بردم...». از آثار مرحوم هادوی کتاب بستان الناظر، ترجمه عهدنامه مالک اشتر، ترجمه ادب الکبیر و چندین تألیف فقهی و اصولی است. شادروان حاج شیخ هادی شعر نیز می سرود و دیوان وی بامقدمه جامعی بقلم خود آن مرحوم در سال ۱۳۵۴ هجری قمری به چاپ رسیده است.^۱

در سال ۱۳۵۲ که از طرف انجمن آثار ملی مقدمات ساختمان آرامگاه نزاری قهستانی فراهم می آمد آقای ابراهیم صهبا نامه ای به انجمن نوشته یادآور شد که یکی از علمای طراز اول ایران و شعرای صاحب دیوان بیرجند مرحوم حاج شیخ هادی در بیرجند مدفون است، اما مقبره ای درخور شخصیت ممتاز خود ندارد. چنانچه انجمن آثار ملی مقبره آن عالم ربانی و شاعر نامی را که مورد احترام کامل مردم مسلمان بوده و شاعر معروف ایرج میرزا جلال الممالک در مدت

۱ - از دوستان دانشمند آقایان دکتر رضائی معاون دانشگاه تهران و اسماعیل رضوانی معاون دانشکده ادبیات که مرا بر احوال و آثار مرحوم هادوی هدایت فرمودند سپاسگزار است. شرح حال مبسوطی از آن بزرگ فراهم آمده که امید است در فرصت مناسبی منتشر گردد.

اقامت خود در بیرجند وی را ستوده و سروده است:

شکر خدا را که بخت هادیم آمد هادی درگاه شیخ هادیم آمد...
تجدید بنا نمایند موجب تشکر فراوان علمای اعلام و شاعران و ادیبان
خواهد شد.

از طرف انجمن شهر بیرجند و علاقه‌مندان و بستگان آن مجتهد بزرگوار
نیز نامه‌هایی در این باره به انجمن آثار ملی می‌رسید. در تاریخ پانزدهم تیرماه
سال ۲۵۳۴ آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی به انجمن نوشتند که «متشکر خواهم
شد که از هر گونه اقدام در مورد تجدید آرامگاه حاج شیخ هادی مجتهد بیرجندی
اینجانب را نیز مطلع نمایند». و انجمن آثار ملی در پاسخ این نامه نوشت:

«در باره مقبره مرحوم هادوی که از اجله علمای بیرجند و دانشمندان آن
سرزمین است به اطلاع می‌رساند که به آقای حسین جودت نماینده انجمن که اینک
در بیرجند عهده‌دار ساختمان آرامگاه حکیم نزاری قهستانی می‌باشد مأموریت
داده شد که از مقبره هادوی نیز بازدید بعمل آورد و نظر خود را اعلام دارد.
گزارش آقای جودت حاکی از این است که مقبره آن مرحوم در گورستان عمومی
بیرجند است و کارهایی که باید انجام شود عبارتست از تعمیرات داخل و خارج
مقبره، نصب ازاره سنگی در داخل مقبره، سنگ فرش ایوان، تعمیراتی در
کاشیکاریها و تبدیل کتیبه گچی سردر کاشی معرق و این کار جمعاً در حدود هفتصد
هزار ریال هزینه خواهد داشت. تأمین محوطه و فضای خاص برای آرامگاه بسبب
وجود قبرهای اشخاص در اطراف آرامگاه مورد پیدا نمی‌کند و خالی از اشکال
نیست».

در اواخر سال ۲۵۳۴ به آقای جودت دستور داده شد که تعمیرات مقبره
شادروان هادوی را شروع کند و هم‌اکنون این تعمیرات در شرف پایان است.

آرامگاه رضی الدین ارسیمانی

ارتیمانی - میرسید محمد رضی الدین ارتیمانی متخلص به رضی، سراینده و عارف دوران شاه عباس بزرگ صفوی، در نیمه دوم قرن دهم هجری قمری در روستای ارتیمان از توابع توپسرکان دیده به جهان گشود و در شهرهای همدان و اصفهان کسب دانش کرد. وی سیدی کریم طبع و نیکوخوی و از میرزایان دفتر شاه عباس بود و به دامادی خاندان صفوی نایل آمد و پسر ارشد او میرزا ابراهیم ادهم، شاعر معروف از طرف مادر از خاندان صفوی بود. رضی-الدین در سیر و سلوک و عرفان نیز مقامی شامخ یافت و پس از مدتی از اصفهان به توپسرکان بازگشت و بر تپه‌ای زیبا و مشرف به شهر خانقاهی بنا نمود و به ارشاد مستعدان پرداخت و منصب شیخ الاسلامی آن نواحی را نیز داشت. دیوان شعر رضی الدین در دست است و در سال ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه. ش.) در تهران به طبع رسیده و شامل ۱۵۵۳ بیت از قصیده، غزل، قطعه، رباعی مفردات و غیره می باشد و ساقی نامه و سوگند نامه اش از آثار خوب ادبی و عرفانی بشمار می آید. در دیوانش قصیده‌یی است در ستایش شاه صفی و قصیده‌ای که به اقتضای قصیده معروف مسعود سعد سروده شده و یک بیتش این است:

جرم همه آنکه شخص ادراکم عیسم همه آنکه عین عرفانم
 وساقینامه او چنین آغاز می شود:
 الهی به مستان میخانه ات به عقل آفرینان دیوانه ات
 ارتیمانی در سال ۱۰۳۷ هجری قمری درگذشت و در دامنه کھسار
 تویسرکان بر روی تپه همینه مدفون گردید. برای شرح احوالش می توان به مآخذ
 ذیل مراجعه نمود:
 تذکره نصرآبادی - ریاض العارفین - صبح گلشن - قاموس الاعلام ترکی -
 لغت نامه - تاریخ ادبیات اه - مجمع الفصحا - تشکده آذر - تذکره میخانه -
 بستان السیاحه ...

آرامگاه رضی الدین

مدفن میررضی الدین ارتیمانی در دامنه کوهسار تویسرکان بر فراز تپه ای
 موسوم به همینه، مشرف به شهر قرار دارد. در مردادماه سال ۲۵۳۰ آقای یحیی
 سلیمی مدیر کتابخانه عمومی تویسرکان به انجمن آثار ملی نوشت که جا دارد
 در سال جاری که سال کورش کبیر نام دارد و با برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله
 شاهنشاهی مجدد و عظمت و افتخارات گذشته ایران در معرض دید جهانیان
 قرار می گیرد، انجمن آثار ملی آرامگاه ویرانه و مخروبه شاعر و عارف
 دلسوخته ای را احیاناً باید و آن مقبره میررضی الدین ارتیمانی است که در شهرستان
 تویسرکان واقع است و وضع آن بیننده را متأثر می سازد. در سال ۲۵۳۱ نیز از
 آقایان سلیمی، سید محمدباقر امام جمعه، سهراب اسدی تویسرکانی و برخی
 دیگر از معارف تویسرکان در این باره نامه هایی به انجمن آثار ملی رسید و انجمن
 طی نامه ای از آقای سلیمی خواست که اطلاعات جامعی در باره ساختمان
 آرامگاه رضی همراه با عکسهای از جبهه های مختلف بنای مذکور تهیه نموده
 به انجمن ارسال دارد تا با اطلاع و نظر اداره کل موزه ها و ابنیه تاریخی مورد

مطالعه و بررسی قرار گیرد. در فروردین ماه ۲۵۳۲ از طرف انجمن آثار ملی به اداره کل حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی نوشته شد که از انجمن درخواست شده است که در مورد مرمت آرامگاه میررضی الدین ارتیمانی اقدام نماید، اینک عکسهایی از آرامگاه مذکور به ضمیمه ارسال می شود تا در صورتی که در این مورد نظری دارند اعلام فرمایند. از اداره کل حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی به انجمن اطلاع داده شد که از آقایان علی اصغر میرفتاح باستانشناس و عبدالحسین شاهکار مهندس معمار خواسته شد تا از آرامگاه ارتیمانی بازدید نموده نظر خود را اعلام نمایند. آقایان در گزارشی به اطلاع رسانیدند که «ارتیمان در سه کیلومتری تویسرکان بین این شهرستان و سیرکان و در جنوب الوند قرار گرفته است... و بقعه میررضی الدین ارتیمانی بر روی تپه ای واقع می باشد. آرامگاه این شاعر و عارف دوره صفویه شامل سه حجره بوده و قبر رضی در حجره میانی و درست در زیر گنبد کاسه ای حجره قرار دارد، حجره شرقی بکلی ویران شده و پلکان بنا در این قسمت واقع می باشد. در حجره ها قبور دیگری نیز هست که قدمت آنها زیاد نیست و سنگ قبر ارتیمانی هم سنگی جدید است. آرامگاه ارتیمانی از لحاظ معماری و هنری نمی تواند در ردیف بناهای تاریخی قابل حفاظت باشد، ولی مردم محل علاقه مند به حفظ و تعمیر این بنا هستند. سرپرست واحدهای باستانشناسی و مردم شناسی با ارسال گزارش مذکور به انجمن آثار ملی، یادآور شده بود که اهالی تویسرکان توجه مخصوصی به آرامگاه ارتیمانی دارند و بجاست که در صورت تصویب مقرر فرمایند نسبت به مرمت و احیای بنای آن اقدام شود. در تیر ماه ۲۵۳۲ از فرمانداری شهرستان تویسرکان و فرمانداری کل همدان نیز طی نامه هایی درخواست شده بود که برای ساختمان آرامگاهی آبرومند و درخور شأن رضی الدین اقدام شود. در همان ایام از طرف انجمن آثار ملی به اداره آموزش و پرورش شهرستان تویسرکان نوشته شد که یکی از

معماران طرف اطمینان محل از مقبره و حجره‌های مجاور آن بازدید کنند و هزینه تعمیراتی را که لازم دارد برآورد نمایند و نتیجه به اطلاع انجمن آثار ملی برسد. بموجب گزارش اداره آموزش و پرورش تویسرکان مخارج تعمیر مقبره ارتیمانی مبلغ پانصد هزار ریال برآورد شده بود و در ضمن افزوده بودند که محل آرامگاه بیرون شهر و به مسافت حدود یک کیلومتر در شمال شهر در دامنه کوهستان واقع است و اطراف آن ساختمانی نیست و مساحت تقریبی زمین زیربنای مخروبه آرامگاه حدود چهل متر مربع است.

چون نظر انجمن آثار ملی این بود که هیأت امنائی در محل تشکیل شود و هرگونه تعمیر و یا ساختمانی که برای آرامگاه رضی لازم است از طرف هیأت امناء با توجه به کمکهای مالی اهالی محل تعیین شود لذا در تاریخ بیست و ششم اردیبهشت ماه ۲۵۳۳ با حضور آقای اکبری فرماندار تویسرکان، مقامات و افراد ذیل بعنوان اعضاء هیأت امناء تعیین شدند:

فرماندار - شهردار - رئیس آموزش و پرورش - معاون فرمانداری و بخشدار حومه - امام جمعه - یحیی سلیمی رئیس کتابخانه عمومی - حاج حسن یوسفی معتمد محل - جهانگیر صالحی دبیر آموزش و پرورش - هوشنگ جوهری معتمد محل و محمد عطار.

در نخستین جلسه هیأت امناء مذاکره شد که چون آرامگاه ارتیمانی بر اثر گذشت زمان و عدم توجه به آن بصورت مخروبه‌ای در آمده و مرمت و تعمیر آن امکان پذیر نیست و مقرون به صرفه نمی باشد لذا لازم است که آرامگاه جدیدی بجای مخروبه کنونی ساخته شود، بدیهی است هنگام شروع ساختمان از طرف انجمن آثار ملی، هیأت امناء نیز با کمک مالی اهالی محل همکاری و مساعدت لازم را معمول خواهند داشت.

در شهریور ماه ۲۵۳۳ از طرف انجمن به آقای سناتور مهندس فروغی نوشته شد که در نظر است برای آرامگاه رضی الدین ارتیمانی طرح ساده‌ای

تهیه شود تا با کمک انجمن و مساعدت مالی اهالی محل به احداث بنا اقدام گردد. خواهشمند است طرح مناسب کم هزینه‌ای تهیه فرمائید تا جهت اجرا به محل ارسال گردد.

در اردیبهشت ماه سال ۲۵۳۴ به اطلاع انجمن رسانیده شد که مبلغ ۱۵۰۰۰۰ ریال برای بنای آرامگاه رضی الدین در محل فراهم آمده و در حساب مخصوصی در بانک موجود می باشد و متعاقب آن در اواخر اردیبهشت ماه به آقای حسین جودت مأموریت داده شد که برای شروع ساختمان آرامگاه ارتیمانی به توپسرکان برود. آقای جودت از توپسرکان گزارش داد که «روز ۵۴/۲/۳۰ محل آرامگاه رضی الدین ملاحظه شد، اراضی اطراف آرامگاه چندین هکتار است و برای محدود کردن حوزه کار و در نتیجه محدود شدن هزینه دستور محصور کردن قسمتی از اراضی به طول ۶۸ متر و عرض ۲۹/۸ متر داده شد. محل قبر و آرامگاه، در قسمت شمال این قطعه زمین است. پس از آن در جلسه‌ای که با حضور آقای شکیب آذر فرماندار و رؤسای ادارات آموزش و پرورش و فرهنگ و هنر و اوقاف توپسرکان و چندتن از اعضای هیأت امنای تشکیل شد صورت مجلس ذیل تهیه و امضا گردید:

۱ - چون از بنای آرامگاه ارتیمانی فقط دو طاقنما باقی است و پی این دو طاقنما هم رطوبت گرفته و فشار سقف نیز بسیار زیاد است و تعمیر و تکمیل بقعه مقدور نمی باشد لذا مقتضی است آنچه از بنا باقی است خراب شود و آرامگاه جدیدی درخور مقام عارف و شاعر نامی رضی الدین ارتیمانی احداث گردد.

۲ - زمینی بطول ۶۸ متر و عرض ۲۹/۸ متر از اراضی اطراف مدفن این شاعر نامی مجزا شد و در اختیار نماینده انجمن آثار ملی قرار گرفت و از طرف نماینده انجمن دستور لازم درباره دیوارکشی و نصب نرده و کف بندیهای زیر آرامگاه داده شد که از روز ۵۴/۲/۳۱ کارگر و مصالح لازم در محل کار فراهم و کار

آغاز گردد.

۳- از طرف نماینده انجمن اعلام گردید که بنای آرامگاه واحداث دفتر و منزل نگهبان و نیز کارهای تسطیح و دیوار کشی و نصب نرده و ترتیب محوطه کلاً بعهده انجمن آثار ملی خواهد بود و هزینه نگاهداری آرامگاه و حقوق نگهبان و تعمیرات لازم بنا پس از خاتمه کار بعهده هیأت امنای می باشد.

۴- چون علاوه بر زمینی که در اختیار نماینده انجمن قرار گرفت مقدار زیادی زمین در مقابل و طرفین زمین مذکور هست، لازم است که این اراضی به نحو مطلوبی قلمستان و فضای سبز شود و نیز جاده شهر به آرامگاه تعمیر و اسفالت گردد و همه این کارها باید به موازات پیشرفت کار ساختمان آرامگاه انجام شود. آقای فرماندار اظهار داشتند که درباره راه و پردیس اطراف آرامگاه دستور لازم خواهند داد.

تا پایان سال ۲۵۳۴ محوطه آرامگاه اریتمانی به مساحت ۲۰۲۶ متر مربع محصور گردید و دیوار کشی و نصب نرده و بنای اطاقهای دفتر و نگهبانی و تسطیح محوطه و پله بندی و تعبیه سینه مالها و درختکاری انجام یافت و از طرف استانداری همدان و فرمانداری تویسرکان برای تأمین اعتبار جاده سه کیلومتری بین تویسرکان و آرامگاه اقدامات لازم بعمل آمد.

در خردادماه ۲۵۳۵ نقشه های آرامگاه بوسیله آقای مهندس غلامرضا فرزانه تهیه و به انجمن آثار ملی تحویل گردید و بلافاصله به محل فرستاده شد تا بر طبق آنها ساختمان اصلی آرامگاه آغاز گردد.

در مردادماه همین سال جلسه هیأت امنای آرامگاه تشکیل شد و پس از مذاکرات لازم صورت مجلس ذیل تهیه گردید:

«آرامگاه اریتمانی احتیاج به برق دارد و اداره برق منطقه ای هزینه سیم کشی از شهر تا آرامگاه را یک میلیون و چهارصد و پنجاه هزار ریال تعیین کرده است و چنین اعتباری در اختیار هیأت امنای نمی باشد، لذا اعضا هیأت تصمیم گرفتند که از

موجودی حساب‌انجمن شهرستان تویسرکان از محل درآمد وقایع ازدواج و طلاق که به ساختمان آرامگاه رضی‌الدین اختصاص داده شده است مبلغ یکصد و پنجاه هزار ریال برای خرید یک دستگاه مولد برق ده کیلوواتی بردارند و مولد برق مذکور را خریداری نمایند تا از نیروی برق هم برای روشنائی محل و هم برای آبیاری درختان اطراف آرامگاه استفاده شود. در جلسه دوم شهریورماه ۲۵۳۵ هیأت امناء به اطلاع اعضاء رسانیده شد که مولد برق خریداری و از تهران به تویسرکان حمل گردیده و کلیه هزینه‌های خرید و حمل آن بالغ بر ۱۵۱۲۰۰ ریال شده است.

از طرف انجمن آثار ملی در تاریخ ۱۴/۶/۲۵۳۵ به فرمانداری تویسرکان نوشته شد که از همکاری فرمانداری و هیأت امنای آرامگاه ارتیمانی درباره خرید موتور برق و تحویل آن به آرامگاه سپاسگزار است، به نمایندگی انجمن دستور داده شد که ضمن اجرای کارهای ساختمانی آرامگاه در نصب و دایر کردن موتور مذکور اقدام نماید.

ساختمان آرامگاه رضی‌الدین هم اکنون ادامه دارد و این عبارات برای سنگ قبر او تهیه شده است:

«میررضی‌الدین ارتیمانی از سرایندگان معاصر شاه‌عباس بزرگ صفوی است، در نیمه دوم سده دهم هجری قمری مطابق سده بیست و دوم شاهنشاهی و سده شانزدهم میلادی در روستای ارتیمان از توابع تویسرکان بدنیا آمده و در همدان و اصفهان تحصیلات خود را ادامه داده و به منشیگری در دربار شاه‌عباس بزرگ ارتقاء یافته است. ساقینامه و سوگندنامه او از جمله آثار جالب توجه ادبی و عرفانی بشمار میرود.

در سال ۱۰۳۷ هجری قمری = ۲۲۱۰ شاهنشاهی = ۱۶۵۸ میلادی چشم از دنیا پوشیده و در ده‌همینه دامنه کهنسار تویسرکان بخاک سپرده شده است»

آرامگاه اوحدی مراغه‌ئی

اوحدی - رکن‌الدین اوحدی مراغه‌یی اصفهانی فرزند حسین از مردم مراغه بود و در اصفهان نشأت یافت. وی از مشاهیر شاعران و عارفان ایران در قرن هشتم هجری بوده و نخست صافی تخلص می‌کرده و بعد از انتساب به شیخ ابوحامد اوحدالدین کرمانی که به یک واسطه مریدش بوده تخلص خود را اوحدی قرار داده است. اوحدی در اواخر عمر در آذربایجان بسر می‌برده و مثنوی معروفش به نام «جام جم» که از مثنویهای خوب عرفانی و اخلاقی و اجتماعی است در آن سامان سروده شده است. دیوانش مشتمل بر غزلها، قصیده‌ها، رباعیها، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند است و در مدارس هندوستان و تهران به چاپ رسیده است. وی مثنوی عارفانه دیگری هم به نام منطق‌العشاق یاده‌نامه دارد. اوحدی در سال ۷۳۸ ه. ق. در مراغه درگذشت و قبرش در همانجاست.

برای احوال و آثار او به‌ماخذ ذیل می‌توان مراجعه نمود:

مقدمه دیوان اوحدی، از انتشارت کاوه، تهران، ۱۳۴۰ - مجمع‌الفصحاح -
طرائق‌الحقایق - الذریعه - قاموس‌الاعلام - ریحانة‌الادب - دیوان اوحدی چاپ

دانشگاه مدارس هندوستان - از سعدی تا جامی - دانشمندان آذربایجان - لغت‌نامه - گنج سخن، جلد دوم - مقدمه جام‌جم اوحدی بقلم وحید دستگردی.

قبر اوحدی

چنانکه اشاره شد قبر اوحدی در مراغه می‌باشد. مرحوم وحید دستگردی نوشته است^۱: قبر او در کنار مراغه واقع و اینک زیارتگاه خاص و عام است ... بقعه او به حال خود باقی می‌باشد و بنای مفصل اطراف خراب شده و این عبارت بر سنگ قبر او منقور است: هذا قبر المولی المعظم قدوة العلماء افصح الكلام [؟] وزبدة الانام الدارج الی رحمة الله تعالی اوحدا الملة والدین بن الحسین الاصفهانی فی منتصف شعبان سنة ثمان ثلثین سبعمائة [؟].

در خردادماه سال ۱۳۵۲ از طرف اداره آموزش و پرورش مراغه به اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی نوشته شد که «قبر اوحدی مراغه‌ای شاعر مشهور واقع در شهرستان مراغه در محوطه هنرستان صنعتی بدون حفاظ و در معرض عوامل جوی است، مراتب به اطلاع رسید تا حفاظ یا گنبدی برای آن بنا و از خرابی و انهدام آن جلوگیری شود».

در سال ۱۳۳۲ برای بزرگداشت اوحدی مراغه‌ای هیأت امنای تجدید مقبره او در مراغه تشکیل شد و آقای پیرنیا رئیس هیأت به وزارت فرهنگ و هنر نوشت که برای احداث آرامگاه اوحدی اعتباری تأمین و حواله شود. رونوشت این‌نامه را از سازمان ملی حفاظت آثار باستانی به انجمن آثار ملی فرستاده یادآور شدند که «احداث آرامگاه اوحدی مورد علاقه مردم آذربایجان می‌باشد، دستور فرمایند پیشنهاد هیأت امنای مقبره اوحدی را مورد بررسی قرار داده هر نوع مصلحت است اقدام فرمایند». آقای دکتر دادفر نماینده مراغه

۱ - مقدمه جام‌جم، چاپ ۱۳۰۷، صفحه اول.

نیز نامه‌ای در همین باره به مدیریت فرهنگ و هنر سازمان برنامه نوشته بود که رونوشت آن را به انجمن آثار ملی فرستادند و از طرف انجمن آثار ملی به آقای دکتر خسرو رضائی مدیر امور فرهنگ و هنر جهانگردی نوشته شد که «... با توجه به مقام ادبی اوحدی مراغه‌ای نسبت به امر ساختمان آرامگاهی برای آن سراینده نامی اقدام شایسته بعمل خواهد آمد... موقع را برای اشاره به بناهای تاریخی بی نظیر یا کم نظیر مراغه و جلب توجه آن جناب و آقای دکتر دادفر مناسب می‌داند. یقیناً خاطر شریف بخوبی از درجه اهمیت بناهای گنبد سرخ و کبود گنبد (یا قبر مادر هلاکو) و برج مدور مجاور قبر مذکور و آثار بازمانده از رصدخانه مراغه استحضار دارند. اجازه می‌خواهد بعرض برساند که بنای بی نظیر کبود گنبد و برج مجاور آن بر اثر احداث ساختمانهایی در کنار آن، داخل محوطه بسیار کوچک و گودی قرار گرفته است، و مطلقاً رعایت حریم و حرمت چنین بنای منحصر بفردی را نکرده‌اند و هر بیننده از این وضع در شگفت می‌شود. جا دارد بناهایی را که در حریم این ابنیه مهم مخصوصاً در همین اواخر ساخته و برپا گردیده تا حد معقول طبق نظر کارشناسان سازمان ملی حفاظت آثار باستانی از میان بردارند و محوطه باز و کافی که از لوازم این بناهای تاریخی است با مدخل و راه متناسب ترتیب دهند. برای انجام این منظور همکاری اهالی و مقامات دولتی و شهرداری مراغه لازم است تا برای رعایت حق چنین آثار ارزنده تاریخی بطور هم آهنگ همگامی و همکاری شود و بناهای مذکور را که از لحاظ سبک معماری و صنعت کاشیکاری و آجرکاری و معقلی سازی و دیگر هنرهای ظریف دارای ارزندگی خاصی است بطور آبرومند حفظ نمایند...»

در آبانماه سال ۲۵۳۳ آقایان دکتر محمود مهران و مهندس فروغی از مقبره اوحدی بازدید بعمل آورده نظر خود را درباره بنای آرامگاه او به اطلاع انجمن آثار ملی رسانیدند. پس از آن از طرف انجمن به آقای حسین جودت

دستور داده شد که به مراغه رفته مقدمات بنای آرامگاه رافراهم نماید. در تاریخ هجدهم اردیبهشت ماه ۲۵۳۴ آقای جودت به انجمن آثار ملی گزارش داد که بمنظور شروع ساختمان آرامگاه اوحدی به مراغه رفتن و کارهای ذیل انجام گردید:

۱ - باریاست اداره آموزش و پرورش مراغه و آقای پیرنیا رئیس هیأت امنای مقبره اوحدی ملاقات نمود و صورت مجلسی مبنی بر تحویل محوطه آرامگاه اوحدی به انجمن آثار ملی و هیأت امنای مقبره تنظیم گردید و از طرف مقامات مربوط و رئیس هیأت امنای مقبره و اینجانب امضاء گردید.

۲ - بنابر تقاضای اینجانب آقای حسین اسماعیلیه عضو هیأت امنایست سرپرست کارگاه تعیین گردید، وی از رؤسای ادارات محل است و مقرر شد که فعلاً ماهیانه سه هزار ریال برای هزینه ایاب و ذهاب او از طرف انجمن پرداخت گردد.

۳ - در یکی از اطاقهای موجود در محوطه آرامگاه دفتر کارگاه دایر و لوازم آن آماده گردید.

۴ - به معرفی هیأت امنای آقای حاج اسماعیل معمار برای کارهای محوطه و ساختن اتاق نگهبان و دیوار کشی محوطه مشغول بکار شد.

۵ - برای آنکه محوطه آرامگاه اوحدی از محوطه آرامگاه سرخوش و مقابر دیگر مجزا شود دستور داده شد که بین این دو محوطه نرده کشی شود.

۶ - نقشه منزل نگهبان تهیه و برای اجرا به معمار داده شد.

۷ - کلیه مصالح لازم از آجر، سنگ تراش، سنگ بادکوبه‌ای، گچ، آهک و سنگ لاشه خریداری و به کارگاه حمل گردید.

۸ - بموجب صورت مجلسی ایجاد یک مدخل بزرگ از طرف کودکستان مجاور و نصب درآهنی بر آن تصویب و دستور اجرای آن داده شد.

۹ - بمنظور ارتباط بین محوطه آرامگاه اوحدی و محوطه آرامگاه سرخوش

دستور نصب يك در آهني نیز، بين دو محوطه داده شد. و بدین ترتیب در سال ۲۵۳۴ مقدمات احداث بنای مناسبی برای آرامگاه اوحدی در مراغه فراهم گشت و محوطه مناسبی از زمینهای اطراف آرامگاه محصور و دیوار کشی شد و ساختمان اطاقهای نگهبان و دفتر انجام گرفت. بنای آرامگاه هم اکنون در دست ساختمان است.

بقعه شیخ ابواسحاق کازرونی

ابواسحاق کازرونی - ابواسحاق ابراهیم بن شهریار کازرونی از مشاهیر مشایخ خطه فارس در روز یکشنبه پانزدهم رمضان سال ۳۵۲ هجری قمری در کازرون زاده شد. چون خانواده او تهی دست و مستمند بودند وی ناچار بود که پیشه‌ای بیاموزد، اما چون به خواندن و آموختن قرآن شوق داشت سحرگاهان پیش از رفتن به کار، به درس قرآن می‌رفت. شیخ پانزده ساله بود که به ملازمت ابن خفیف درآمد و پیرو او شد. ابواسحاق در آغاز کار در مسجد بزرگ «نورد» وعظ می‌گفت. در سال ۳۷۰ ه.ق. به بنای مسجدی در کازرون آغاز کرد و پس از پنج سال به پایان رسید و پیوسته بر وسعت آن افزوده شد تا عاقبت از چهار سقف به صد سقف رسید. چون مردم به شیخ سخت روی آوردند و به وی گرویدند برای او مجالی و حالی پیدا شد که بصورت دقیق‌تر و مجدانه‌تری به هدایت و ارشاد پردازد و تا پایان زندگانی به ارشاد اشتغال داشت. شیخ روزیکشنبه هشتم ذی‌القعدة سال ۴۲۶ هجری قمری درگذشت. بقعه شیخ (ایوان مرشدیه) همواره قبله گاه صاحب‌دلان و مطاف سالکان مسالك علم و عرفان بوده است^۱.

۱- نقل باتلخیص از مقدمه فردوس المرشدیه، چاپ تهران، به کوشش ایرج افشار.

برای شرح احوال وی رجوع شود به:

«کشف المحجوب - فارسنامه ابن بلخی - تذکرة الاولیا - تاریخ گزیده - نزهة القلوب - شیرازنامه - ابن بطوطه - نفحات الانس - حبيب السیر - سفينة الاولیا - فارسنامه ناصری - آثار العجم^۱» - شد الازار - فردوس المرشدیه.

تعمیر بقعه

در تیرماه سال ۲۵۳۰ از اداره آموزش و پرورش شهرستان کازرون به مدیر کل فرهنگ و هنر فارس نوشته شد که آرامگاه شیخ مرشد ابواسحاق کازرونی روبه ویرانی نهاده و اخیراً عده‌ای از علاقه‌مندان به اقداماتی برای تعمیر آن دست زده‌اند و انتظار دارند از طرف مقامات مربوط از کمکهای مادی و معنوی برای این امر مضایقه نشود. مدیر کل فرهنگ و هنر فارس رونوشت این نامه را به انجمن آثار ملی فرستاد و انجمن آمادگی خود را برای کمک و همکاری در مرمت آرامگاه شیخ اعلام داشت و از اداره کل فرهنگ و هنر فارس خواست که دستور دهند تا متخصصان آن اداره کل هزینه تعمیرات بقعه را برآورد و اعلام نمایند. در بهمن‌ماه ۲۵۳۰ از طرف هیأت‌نوسازی بقعه شیخ (ایوان مرشدیه) نیز نامه‌ای به انجمن آثار ملی رسید حاکی از آنکه چون بقعه شیخ به ویرانه‌ای تبدیل شده و بصورت نامطلوبی درآمده است، اخیراً هیأتی بمنظور نوسازی و تجدید بنای آن در کازرون تشکیل شده است و مقدمات کار را هم فراهم آورده‌اند. اعضاء هیأت نوسازی ایوان مرشدیه از انجمن آثار ملی که پیوسته در این امور مقدم بوده انتظار کمک و راهنمایی دارند.

در اسفندماه همانسال از سازمان ملی حفاظت آثار باستانی به انجمن آثار ملی نوشته شد که «برنامه مرمت آرامگاه شیخ ابواسحاق کازرونی توسط دفتر فنی این سازمان در منطقه فارس تنظیم و هزینه آن به میزان سیصد هزار ریال برآورد

۱ - فهرست مأخذ از مرحوم علامه قزوینی است که به اختصار نقل شده.

گردیده است. خواهشمند است دستور فرمایند هر نوع کمکی که در این مورد میفرمایند اعلام شود تا اقدام لازم بعمل آید. طرح تعمیراتی بقعه به این شرح تنظیم شده بود:

- ۱ - برداشتن ساختمان نوسازی که در محوطه بنا شده است.
- ۲ - مرمت نمای مقبره.
- ۳ - عایق کاری و اندود پشت بام.
- ۴ - محوطه سازی.
- ۵ - محصور کردن محوطه بادیوار و نرده.

۶ - برقراری ارتباط بین بقعه و مسجد مجاور بقعه شیخ ابواسحاق. چون انجمن آثار ملی از آقای سامی نماینده انجمن در فارس نیز خواسته بود که در این باره مطالعه نموده نتیجه را گزارش دهد، در تاریخ بیست و ششم اسفند ماه ۲۵۳۰ نامه‌یی بدین شرح از آقای سامی به انجمن رسید: «... آرامگاه شیخ ابواسحاق کازرونی معروف به ایوان مرشده در روز ۵۰/۱۲/۱۹ در معیت آقایان کجوری مدیر کل فرهنگ و هنر فارس و شهردار کازرون بازدید شد. ساختمان بقعه بسیار ساده و عبارت از اطاقی است به درازا و پهنای ۶/۲۰ متر و بلندی چهار متر با گنبد کوچکی که با کاشی خشتی فیروزه رنگ پوشیده شده و درون آن با گچ مقرنس کاری گردیده است. دو تکه سنگ مربوط به دو سنگ قبر با خط ثلث عالی روی قبر موجود می باشد که یکی کهنتر و دیگری جدیدتر است و تاریخ ۷۷۱ ه. ق دارد. سنگ کاری جرزها و طاقنماهای بیرونی و احداث يك گنبد مناسب تر بر روی بقعه و معرق کاری یا گچ بری سقف داخلی از اهم کارهایی است که در وهله نخست باید در آنجا انجام گیرد. فضای آرامگاه اکنون ۳۲ متر درازا (از شرق به غرب) و ۲۹ متر پهنا (از شمال به جنوب) دارد.

چون در سمت مشرق بقعه مسجدی است و در مشرق مسجد هم زمین بایری به درازای ۲۴ متر و پهنای ۱۵ متر، چنانچه زمین مذکور توسط شهرداری محل

خریداری گردد و با فضای مسجد به محوطه فعلی بقعه افزوده شود، این سه قسمت جمعاً بالغ بر ۱۶۳۰ مترمربع می گردد. چنانچه این پیشنهاد مورد تأیید قرار گیرد و زمین مذکور خریداری شود آنگاه برای احداث دیوار و نرده سه سمت شمال، شرق و جنوب که کوچه است و همچنین درختکاری و باغچه بندی و گل کاری محوطه اقدام می توان کرد. فعلاً فضای آرامگاه با یک دیوار گچ و سنگی همانند همه دیوارهای کازرون محصور می باشد و در ورودی هم در شمال قرار دارد. هیأت نوسازی ایوان مرشدیه از وجوه مختصری که فراهم آورده است یک اطاق و راهرو در زاویه شمال غربی برای دفتر آرامگاه ساخته است که قرار است جلسه های هیأت در همانجا تشکیل شود. پیشنهاد می شود که

۱ - خریداری زمین و ترمیم شبستان مسجد بعهده شهرداری و متمکنان علاقه مند کازرونی محول گردد.

۲ - سنگ کاری یا تراش چینی و معرق کاری و بطور کلی تعمیر و تزئین بنای آرامگاه و ساختمان دیوار و نرده کشی اطراف با کمک انجمن آثار ملی انجام گیرد. «
در اواخر فروردین ۲۵۳۱ از طرف انجمن آثار ملی به سازمان ملی حفاظت آثار باستانی نوشته شد که «با بررسی گزارش آقای سامی نماینده انجمن آثار ملی در فارس در باره طرح تعمیرات مقبره شیخ ابواسحاق در کازرون، این انجمن موافقت دارد که مبلغ سیصد هزار ریال اعتبار که از طرف دفتر فنی آن سازمان در فارس برای اجرای طرح مذکور برآورد شده است توسط آن سازمان و بموازات شروع و پیشرفت کارهای تکمیلی بقعه در اختیار اداره کل فرهنگ و هنر فارس قرار دهد، دستور فرمایند مراتب را به قسمتهای مربوط اعلام دارند.»

در اردیبهشت ماه ۲۵۳۱ از طرف سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران به آقای کجوری مدیر کل فرهنگ و هنر فارس نوشته شد که «برنامه تعمیرات بنای تاریخی مقبره شیخ ابواسحاق در کازرون که به تصویب شورای فنی

سازمان رسیده است تلوا ارسال می گردد. قرار است هزینه اجرای برنامه مذکور توسط انجمن آثار ملی در اختیار این سازمان گذاشته شود، لذا دستور فرمایند فقط مبلغی را که حواله میشود با رعایت مقررات بمصرف تعمیر بنای مذکور برسانند و زائد بر آن مبلغ هیچگونه هزینه ای نشود که قابل پرداخت نخواهد بود. و به این ترتیب تعمیر و تکمیل ایوان مرشدیه بوسیله سازمان ملی حفاظت آثار باستانی و به خرج انجمن آثار ملی انجام گردید.

انجمن آثار ملی در اواخر سال ۱۳۳۱ به سرپرست سازمانهای باستانشناسی و مردم شناسی نوشت که انجمن آثار ملی علاوه بر اعطاء اعتبار برای تعمیرات بقعه شیخ ابواسحاق کازرونی، قراردادی نیز با آقای ایرج افشار منعقد ساخته است که کتاب فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه را که سیرت نامه شیخ مرشد ابواسحاق کازرونی است تجدید طبع نماید. این کتاب هم اکنون در زیر چاپ است.

آرامگاه کمال الدین اسماعیل اصفهانی

کمال الدین اسماعیل - خلاق المعانی کمال الدین ابوالفضل اسماعیل بن جمال الدین ابومحمد عبدالله بن عبدالرزاق اصفهانی از قصیده سرایان معروف و شاعران بزرگ و آخر قرن ششم و ثلث اول قرن هفتم هجری بود. در علت اشتیاق کمال اسماعیل به «خلاق المعانی» دولت شاه سمرقندی گوید: «اما اکابر و شعرا کمال الدین اسماعیل را خلاق المعانی می گویند، چه در سخن او معانی دقیقه مضمربست که بعد از چند نوبت که مطالعه رود ظاهر میشود...»

کمال در حدود سال ۵۸۸ هجری قمری دیده به جهان گشود و از کودکی به کسب کمال پرداخت و در سن ۱۹ و ۲۰ علاوه بر شاعری جوانی فاضل و عالم بود و خود را از هیچ فن از فنون هنر خالی نمی دانست. مهارت وی در دقایق زبان و ادب تازی قابل تردید و انکار نیست و «رسالة القوس» او دلیل بارزی است بر رنجی که در فرا گرفتن زبان عربی تحمل کرده است. آیات، احادیث، اصطلاحات علوم مختلف نجوم و پزشکی و ریاضی و اصطلاحات فلسفی در اشعار او کم نیست. کمال از آغاز جوانی در شاعری و خلق معانی دقیق شهرت یافته است و با وجود التزامات دشوار و ردیف های مشکل و صناعات ادبی فراوان شعرش از حیث

لفظ ومعنی در حد کمال است. بسیاری از دانشمندان و بزرگانسی که در زمان او یا پس از او بوده اند در آثار خود از وی به احترام یاد کرده اند که از آن جمله اند: خواجه نصیرالدین طوسی در معیار الاشعار - عظاملك جویی در تاریخ جهانگشای - شمس الدین محمد بن قیس رازی در المعجم فی معاییر اشعار العجم - ابو حامد محمد بن ابراهیم در ذیل سلجوقنامه - محمد بن بدر جاجرمی در مونس الاحرار - خواجه حافظ در اشعار خود - و فضل الله بن روزبهان خنجی در مهمان نامه بخارا و ...

کمال اسماعیل در طریقه تصوف پیرو ابو حفص شهاب الدین عمر سهروردی متوفی به سال ۶۳۲ ه. ق. (برادرزاده ابونجیب عبدالقادر سهروردی) بود که گروهی از کبار مشایخ قرن هفتم از شاگردان او بودند و نامه ای از سهروردی در دست است که به کمال اسماعیل نوشته و در مقدمه دیوان کمال آن را نقل کرده ایم. دیوان کمال اسماعیل شامل ۱۴۸۲۳ بیت شامل قصیده، قطعه، غزل، ترکیب بند، رباعی و غیره بانضمام رساله القوس وی و نامه ای به نثر که از او در دست است بوسیله نگارنده به چاپ رسیده و در سال ۲۵۲۸ (۱۳۴۸ ه. ش.) منتشر شده است؛ کمال اسماعیل در سال ۶۳۳ هجری قمری هنگام حمله مغولان به اصفهان و تسخیر آن شهر در اصفهان حاضر بود و کشتارهای فجیع آن قوم را در مولد و منشأ خود بچشم دید و پیوسته مردم را به مقاومت در مقابل آن قوم دعوت می کرد و قصیده ای در ستایش جلال الدین منکبرنی که همواره با مغولان در جنگ بود سرود و وی را به پایداری تشویق و ترغیب کرد و سرانجام در دوم جمادی الاولی سال ۶۳۵ ه. ق. بدست خونخواران مغول کشته شد. آقای حسن صدر عرفانی (سالك) شاعر ارجمند معاصر تاریخ شهادت کمال الدین اسماعیل را با حساب جمل (کمال الدین اسماعیل اصفهانی) بدست آورده اند که ۶۳۵ می شود و سخت نیکو افتاده است.

برای شرح احوال و آثار کمال اسماعیل رجوع شود به مقدمه مبسوط نگارنده بر دیوان آن بزرگ.

قبر کمال اسماعیل

در محله جوباره اصفهان در حیات کوچک و مخروبه‌ای در اطاقی کوچک
و مخروبه قبری است که آن را قبر شاعر بزرگ اصفهان کمال الدین اسماعیل



آرامگاه خلاق المعانی کمال الدین اسماعیل اصفهانی

می‌دانند. از سال ۲۴۸۵ (۱۳۰۵ ه. ش.) شادروان وحید دستگردی به بنای مقبره‌ای
آبرومند برای کمال اسماعیل همت گماشت و با کوشش و تلاش آن شادروان

تصمیم گرفته شد که در انتهای خیابان چهارباغ در کنار زاینده رود (شمال شرق پل سی و سه چشمه) مقبره آبرومندی برای این شاعر نامی بنا شود و استخوانهای او را از جوباره (جهانباره) بدانجا منتقل نمایند. مقدمات کار از هر حیث فراهم آمد و حتی طاقنمایی هم به نام مقبره کمال اسماعیل ساخته شد و خیابان مجاور آنرا نیز خیابان کمال اسماعیل نام نهادند، اما این کار به پایان نرسید و مزار کمال در همان محل سابق بصورت ناپسندی باقی ماند. نگارنده در سال ۲۵۲۸ در مقدمه دیوان کمال اسماعیل (صفحه نود و سه) آرزو کرده بود که انجمن آثار ملی و شهرداری و مردم ادب دوست اصفهان با بنای مقبره آبرومندی برای خلاق المعانی به این وضع ناپسند پایان دهند و اکنون با اقدامات شهرداری اصفهان و انجمن آثار ملی زمان تحقق این آرزو را نزدیک می بیند. در اینجا یادآوری دو نکته لازم می نماید:

نخست آنکه قطعه زمین موقوفه واقع در میدان پهلوی اصفهان (در شمال شرق پل سی و سه چشمه) به مساحت حدود بیست و یک متر مربع که طاقنمایی به نام مقبره کمال اسماعیل در آن ساخته شده بود در سال ۲۵۲۵ (۱۳۴۵ ه. ش.) برای کمک به بنای آرامگاه آن شاعر بزرگ فروخته شد و طاقنما را هم خراب کردند. در نامه ای که سرکار سرهنگ زاهدی مدیر کل اوقاف منطقه اصفهان در همان سال به انجمن آثار ملی نوشته یادآور شده اند که مبلغ دوست و سی و یک هزار ریال بهای قطعه زمین موقوفه کمال الدین اسماعیل واقع در میدان پهلوی که از قرار متری یازده هزار ریال فروخته شده برای کمک به ساختمان مقبره آن شاعر عالیقدر در بانک موجود می باشد...

نکته دیگر آنکه چون در برخی از نامه ها به موقوفات کمال الدین اسماعیل اشاره شده بود نگارنده روز شنبه ۲۹ آبان ماه ۲۵۳۵ از تهران بوسیله تلفن چگونگی را از اداره کل اوقاف اصفهان پرسید و آقای حکیمی معاون آن اداره اظهار داشتند که در محله جوباره سه قطعه زمین به نام موقوفه کمال اسماعیل موجود

می باشد و این زمینها در حال حاضر بلا استفاده است و ممکن است در آینده برای بنای کودکانستان و امثال آن به اجاره داده شود.

آرامگاه جدید

در سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه. ش.) نامه‌یی از طرف آقای حسام‌الدین دولت آبادی به آقای دکتر اقبال نخست وزیر وقت نوشته و تقاضا شده بود که به مقبره خلاق المعانی کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی توجهی بشود و آرامگاهی برای آن شاعر بزرگ بنا گردد. این نامه را به انجمن آثار ملی فرستادند و از آن پس نیز همواره نامه‌هایی از طرف معاریف و ادب دوستان اصفهان در این باره به انجمن و مقامات مملکتی می‌رسید. شادروان صغیر اصفهانی در نوروز سال ۲۵۱۹ (۱۳۳۹ ه. ش.) در قصیده‌یی شیوا درخواست مردم اصفهان را درباره مقبره‌های صائب و کمال منعکس ساخته بود و آقای بدیع‌الافاضل برهمن از ادب دوستان اصفهان این چکامه را همراه نامه‌ای به انجمن فرستاده و یادآور شده بود که زمین مقبره کمال اسماعیل را برای بنای کنیسه فروخته‌اند و اکنون مقبره کمال در حفره‌یی باقی و به قبر بابا کماجی معروف است، آرامگاه پیشرو سبک عراقی چنان مخروبه و بی سامان است که هر بیننده‌ای را متأثر می‌سازد.

در اردیبهشت ماه سال ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش.) آقای مهندس پارسا استاندار اصفهان از هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی دعوت کرد تا از آثار تاریخی معظم آن شهر بازدید کنند و تصمیماتی درباره تعمیر اساسی و حفظ آنها اتخاذ نمایند. اعضاء هیأت مؤسسين پس از بازدید آثار تاریخی اصفهان قطعنامه‌یی در ۲۰ ماده راجع به چگونگی اقدامات لازم برای آن آثار گرانقدر تنظیم کردند که چنین آغاز می‌شود:^۱

۱ - این قطعنامه در جزوه سفارشنامه انجمن آثار ملی تألیف آقای سید محمد تقی مصطفوی چاپ شده است.

«نظر به اوامر مطاع اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در تشریف فرمائی اخیر به اصفهان مبنی بر توجه بیشتر به تعمیر و نگهداری بناهای تاریخی اصفهان و بادعوتی که از طرف جناب آقای مهندس پارسا استاندار و ریاست محترم انجمن آثار ملی اصفهان از هیأت مؤسسان انجمن آثار ملی بعمل آمده بود هیأت مزبور به اتفاق آقایان دکتر شهابی مدیر کل اوقاف و مشحون سرپرست اداره کل باستانشناسی روز ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۴۲ به اصفهان آمده مدت سه روز ابنیه تاریخی مختلف آن شهر را بازدید و بررسی نمودند... و پس از مشورت و تبادل نظر این تصمیمات اتخاذ گردید...»

ماده ۱۶ قطعنامه مذکور چنین است: «چون آرامگاه کمال الدین اسماعیل در کنار خیابانی که قرار است از طرف شهرداری احداث شود واقع می گردد، پس از احداث خیابان باتوجه به وضع محل، نقشه و طرح مناسب تهیه گشته در این باره اقدام شایسته بعمل خواهد آمد.»

در آخر آذرماه سال ۲۵۲۲ آقای مهندس پارسا به شهرداری اصفهان نوشت: «راجع به احداث خیابان مجاور آرامگاه شاعر عالیقدر کمال الدین اسماعیل که در قطعنامه انجمن آثار ملی منظور و سابقاً به شهرداری ابلاغ شده است نتیجه را زودتر اعلام دارید». از آن پس در پاسخ افراد علاقه مندی چون عباس بهشتیان، مهدی ملک احمدی، محمدحسین صغیر و مقامات و اداراتی که درباره بنای آرامگاه کمال نامه هایی به انجمن آثار ملی می فرستادند نوشته می شد که «محل آرامگاه قرار است در مجاورت خیابان جدید الاحداثی قرار گیرد و تا آن خیابان احداث نشود درباره آرامگاه اقدامی میسر نخواهد بود.» در خردادماه ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه. ش.) آقای مهندس همایون فرستادار اصفهان مجدداً به شهرداری نوشت که نسبت به نقشه برداری و ارزیابی اماکن واقع در مسیر خیابان جلو آرامگاه کمال الدین اسماعیل زودتر اقدام نمائید. در فروردین ۲۵۲۷ آقای مهندس شیرازی رئیس دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی

نقشه طرح شده برای خیابان آرامگاه کمال الدین اسماعیل را که به تصویب شورای حفاظت آثار استان و استانداری رسیده بود به اداره کل فرهنگ و هنر اصفهان تسلیم نمود و آن اداره یک نسخه از نقشه را به انجمن آثار ملی فرستاد. انجمن آثار ملی در مورد نقشه مذکور به اداره فرهنگ و هنر اصفهان نوشت که ادامه خیابان به نحوی که از لحاظ وسائل نقلیه از بن بست بیرون آید لازم بنظر می رسد. انتظار دارد که در این باره مطالعه نموده تصمیم لازم اتخاذ نمایند. انجمن آثار ملی در نامه ای هم که در آذرماه سال ۲۵۲۷ به آقای همایونفر استاندار اصفهان نوشت یادآور گردید که «... همانطور که اطلاع دارند مقرر این بوده است که شهرداری اصفهان به احداث خیابان مقابل آرامگاه کمال اسماعیل و اختصاص محلی برای ساختمان آرامگاه با توجه به اینکه آرامگاه در کوچه و بن بست قرار نگیرد اقدام نماید و پس از احداث خیابان انجمن آثار ملی بنوبه خود در تهیه نقشه آرامگاه و ساختمان آن اقدام کند. با ملاحظه نقشه ارسال شده که قطعاً نسخه اصلی آن بنظر آن جناب رسیده است مشاهده میشود که نقشه خیابان در کمال دقت و کاردانی و توجه به نکات لازم تهیه شده است و انجمن آثار ملی بنوبه خود از آقای مهندس آیه الله زاده شیرازی برای تهیه چنین نقشه ای کمال خرسندی و امتنان را دارد. تنها نکته ای که بنظر می رسد و قبلاً هم بدان اشاره شده منتهی شدن خیابان منشعب از خیابان هاتف به میدان کمال اسماعیل و ادامه نداشتن آن از میدان مذکور می باشد. انتظار دارد که این نقیصه نیز با ادامه خیابان احداثی برطرف گردد...»

آقای مهندس آیه الله زاده شیرازی در اواخر سال ۲۵۲۷ به سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران نوشت که در خصوص نقشه خیابان آرامگاه کمال اسماعیل به استحضار می رساند که امکان از بن بست خارج نمودن خیابان مذکور هست و در صورت لزوم نقشه تکمیلی آن را تهیه خواهد نمود.

سرانجام روز سوم بهمن ماه ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه. ش.) احداث خیابان خلاق-

المعانی کمال الدین اسماعیل اصفهانی آغاز گردید و همانگونه که نظر اولیاء انجمن آثار ملی بود خیابان مذکور از مقابل مقبره کمال بسمت مشرق ادامه یافت و میدانی وسیع در مقابل مقبره آن شاعر بزرگ ایجاد گردید.

در شهریورماه سال ۲۵۳۲ انجمن آثار ملی در پاسخ نامه آقای غلامرضا کیانپور استاندار و رئیس انجمن آثار ملی اصفهان که نوشته بودند دستور فرمائید در تهیه طرح آرامگاه کمال الدین اسماعیل تسریع شود، نوشت: «... طبق نظر انجمن آثار ملی قرار است آقای مهندس آیه الله زاده شیرازی رئیس دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی طرح بنای آرامگاه کمال الدین اسماعیل را با توجه به وضع زمین و مقتضیات محل تهیه نماید و برای بررسی و اظهار نظر نزد آقای سناتور مهندس فروغی ارسال دارد و پس از تصویب هیأت مؤسسين ترتیب اجرای آن داده شود...»

آقای مهندس شیرازی در تاریخ ۲۵ خرداد ۲۵۳۳ درباره حصارکشی زمین اختصاصی آرامگاه کمال الدین اسماعیل به اطلاع انجمن رسانید که کارهای ذیل باید انجام گیرد:

- ۱ - پی کنی و شفته ریزی بعقب متوسط سه متر.
 - ۲ - نصب سنگ ازاره به ارتفاع ۵۰ سانتیمتر از نوع سنگ لاشتر دوتیشه.
 - ۳ - خاک ریزی کف محوطه و تسطیح آن.
 - ۴ - دیوارکشی دو طرف جنوبی و غربی تا ارتفاع ۱/۸۰ متر با آجر و بندکشی آن.
 - ۵ - نصب نرده های فلزی (موجود و مربوط به هشت بهشت) درجهبه خیابان و نصب خاقانی زیر آن.
- هزینه انجام کارهای مذکور بالغ بر هفتصد هزار ریال می شود. در خصوص طرح آرامگاه به اطلاع می رساند که طرح اولیه تهیه شده است و آن را به نظر

آقای مهندس فروغی خواهد رسانید. در آذرماه ۲۵۳۳ آقای مهندس شیرازی گزارش اجمالی کارهای انجام یافته تا یازدهم آذرماه را بدین شرح به اطلاع انجمن رسانیده‌اند:

۱ - پی کنی به عمق سه متر و عرض يك متر باتنگ گذاری و پر کردن پی‌ها با شن و خاك محل و آهك تا كف زمین.

۲ - سنگ چینی روی پی‌ها در جهت شمال و قسمتی از شرق و جنوب بطول ۱۸۰ متر و عرض ۷۵ سانتیمتر و ارتفاع يك متر.

۳ - (بتون ارمه) روی پی‌های جنوب غرب و قسمتی از شرق و جای پایه‌های آهن شمال بطول ۱۸۰ متر و ارتفاع متوسط ۲۵ سانتیمتر و عرض ۵۰ سانتیمتر.

۴ - کشیدن قیر و گونی روی همه پی‌های مذکور که طول آن ۱۸۰ متر و عرض يك متر می‌باشد.

۵ - تهیه آهن برای ۴۰ پایه پنجره‌های جنوب باکفی و لوازم مربوط.

۶ - حمل ۳۸ باب پنجره آهن از هشت بهشت به محل مقبره کمال الدین اسماعیل و پاک نمودن آنها بانفت و آماده کردن برای نصب در قسمت شمال.

۷ - دیوار چینی درجهه جنوبی و غربی به ارتفاع متوسط ۱/۵ متر.

۸ - شروع نصب پایه‌های نرده شمالی (برخیابان).

۹ - خاك ریزی داخل محوطه.

ضمناً برای درختکاری و حفر چاه و نصب موتور آب کش و غیره مبلغ چهار صد هزار ریال دیگر مورد احتیاج است.

گزارشی که در اردیبهشت ماه ۲۵۳۴ از طرف آقای مهندس شیرازی به انجمن رسیده حاکی است که نود درصد کارهای حصار کشی انجام شده و باید این کارها صورت پذیرد:

۱- اتمام نصب سنگهای ازاره زیر نرده‌های برخیابان اصلی و رنگ آمیزی نرده‌ها.

- ۲ - نصب در ورودی محوطه و ستونهای طرفین آن.
 - ۳ - حفر و آماده ساختن چاه آب و نصب موتور شناور در آن.
 - ۴ - خاکریزی داخل محوطه و تسطیح و غلطک زنی آن.
 - ۵ - تعبیه خیابانهای اصلی محوطه و تعیین محل غرس اشجار و گلکاری.
 - ۶ - کاوشهای اطراف ساختمان آرامگاه و آماده نمودن محل برای بنای جدید ضمن منظور داشتن درد و قبر مربوط به شخصیت‌های کلیمی مجاور آرامگاه.
- برای انجام یافتن کارهای مذکور مبلغ یک میلیون و دویست هزار ریال باید حواله شود.

بموجب قراردادی که در مهرماه ۲۵۳۴ بین انجمن آثار ملی و آقای مهندس باقر آیه‌الله‌زاده شیرازی منعقد گردید مقرر شد که آقای مهندس شیرازی نقشه‌های ساختمان آرامگاه کمال اسماعیل اعم از نقشه‌های تفصیلی و اجرایی و محاسبات فنی و محوطه‌سازی آنرا تهیه نموده در اجرای آن نظارت نماید و پنج درصد کل هزینه ساختمان از طرف انجمن به ایشان پرداخته شود.

هم‌اکنون اطاقهایی برای دفتر و انبار و سکونت نگهبان در مشرق محوطه ساخته شده و از چاه عمیق و موتور بهره‌برداری می‌شود. موتورخانه و کنتور برق آماده گردیده و در اطراف محوطه درخت کاشته شده است. نقشه‌های لازم نیز تهیه گردیده و پس از آنکه بنظر آقای مهندس فروغی رسید و مورد تصویب انجمن قرار گرفت ساختمان اصلی آرامگاه آغاز خواهد شد.

بنای یادبود مقبرة الشعراء

مقبرة الشعراء - در آغاز این فصل برای روشن شدن موضوع، نخست قسمتهائی از مقاله آقای عزیز دولت آبادی که در باره مقبرة الشعراء سرخاب در سال ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) در نشریه دانشکده ادبیات تبریز چاپ شده و قسمتهائی از مقاله آقای محیط طباطبائی که تحت عنوان «مقبرة الشعراء یا مدینه الشعراء تبریز» در بهمن ماه سال ۲۵۳۱ در مجله یغما به چاپ رسیده است نقل می گردد.

آقای دولت آبادی نوشته اند: «... مقبرة الشعراء سرخاب آرامگاه چندتن از بزرگترین شعراء ایران و آذربایجان می باشد... بشهادت اسناد تاریخی و تذکرها و کتب رجال از قدیم الایام بین کویهای شهر تبریز چهار کوی سرخاب و چرنداب و گجیل و شش گیلان یا شش گیل به شهرت و اهمیت موصوف بوده اند. ... مقبرة الشعراء در سرخاب واقع بوده و عبارت دیگر بخشی از این کوی بشمار میرفته است... درباره مقبرة الشعراء توجه به این نکات لازم مینماید:

- ۱ - مقبرة الشعراء بشهادت همه مدارك موجود در سرخاب واقع بوده است.
- ۲ - بنظر می رسد که تسمیه این گورستان به «مقبرة الشعراء» باین علت بوده

که بمروور زمان شاعران بزرگی چون خاقانی و ظهیر و غیره در آنجا آرام ابدی یافته اند تا جائی که برای دیگر شاعران آرمیدن در جوار آن سرایندگان نامدار آرزوئی بزرگ بشمار میرفته.

۳- ذکر این نکته نیز لازم بنظر می رسد که فقط در مدارك متأخر به نام «مقبرة الشعراء» بر می خوریم و در منابع قدیمی مثل تذکرة دولتشاه سمرقندی تنها سرخاب یا مقبرة سرخاب یا خاک سرخاب و غیره به چشم می خورد و علت این موضوع جز این نتواند بود که اولاً چنانکه گفتیم مزار مزبور تدریجاً نام «مقبرة الشعراء» یافته است، ثانیاً برای مؤلفانی چون دولتشاه سمرقندی جزئیاتی از قبیل نام محلی مزار مهم نبوده و به ذکر سرخاب اکتفا نموده اند.

۴- یکی از قوی ترین قرائنی که به کشف و تعیین محل مقبرة الشعراء سرخاب کمک می کند اینست که بقول حشری «حضرت سید حمزه در جوار سرخاب آرمیده. ص ۸۸» و از طرف دیگر می دانیم که محل مقبرة الشعراء در ابتدای سرخاب بوده (حشری، ص ۱۱۶) و همچنین نادر میرزا در تاریخ دار السلطنة تبریز راجع به مقبرة الشعراء حدس زده که محل قدیمی آن در شرق مقبرة میرزا عیسای حسینی فراهانی بجنب بقعة سید حمزه بوده است (تاریخ تبریز، ص ۱۳۳)...

۵- ضمن مرور در منابع راجع به مقبرة الشعراء به این نکته بر می خوریم که در بعضی از این منابع از قبیل تاریخ حشری آنجا که سخن از مقبرة الشعراء و مزار شاعرانی چون حکیم خاقانی و حکیم اسدی و شاهپور و ظهیرالدین محمد فاریابی به میان می آید می گوید «اظهر من الشمس» است (تاریخ حشری، ص ۱۱۶) در حالی که در منابعی چون تاریخ اولاد الاطهار و دیگر منابع متأخر (مثل تاریخ دار السلطنة تبریز نادر میرزا) از مقبرة الشعراء همچون مقبرة ای معدوم و گورستانی نامعلوم یاد می شود... علل از بین رفتن مزارات شعرائی که در سرخاب مدفون بوده اند و انهدام مقبرة الشعراء مسائل متعدد و پیچیده ای بوده است که برجسته ترین آن مسائل و حوادث عبارتند از:

۱ - حوادث طبیعی از قبیل زلزله (مثل زلزله وحشتناک سال ۱۱۹۳) و سیل و غیره ...

۲ - لشکر کشیها و حوادث نظامی و سیاسی ...

۳ - تعصبات مذهبی و تأثیر این تعصبات در انصراف توجه عمومی از مسائلی مثل تفاخر به نام و مزار شاعران بزرگ گذشته ...
معروف ترین شعرائی که در مقبرة الشعرا مدفونند:

۱ - اسدی طوسی ۲ - قطران ۳ - خاقانی ۴ - مجیرالدین
بیاقانی ۵ - ظهیرالدین فاریابی ۶ - شاهپور بن محمد ۷ - اثیرالدین
اخسیکتی و ...»

آقای محیط طباطبایی نوشته اند: «شهر تبریز پس از آنکه در سده ششم مرکز حکومت اتابکان آذربایجان شد، پناهگاه شعرائی گردید که در بوم و برخود از جمعیت خاطر و آسایش حال برخوردار نبودند و فراغت بال و زندگی آسوده را در سایه حمایت اتابک جهان پهلوان می جستند. خاقانی و ابوالعلا و فلکی از شروان و گنجه، ظهیر فاریابی و شاهفور نیشابوری و انوری ابیوردی (به روایتی) از خراسان به تبریز آمدند و در آنجا رحل اقامت افکندند و پس از مرگ یکایک آنانرا در حظیره مخصوصی دفن کردند. این حظیره را در تذکره ها و تاریخ به عنوان مقبرة الشعرا یاد کردند. شعرای دیگری که از عهد ایلخانیان تا ایلکانیان و دوره آق قویونلو از تبریز برخاستند یا از نقاط دیگر ایران به تبریز آمدند و در آن شهر جان سپردند، غالباً در همین حظیره و در جوار خاقانی و دیگران مدفون شدند.

این حظیره مقبرة الشعرا تا اواخر سده دهم هجری در تبریز معمور و معروف بود... صرف نظر از گذشته ها، اینک باید تجلیل از نام بلند خاقانی و انوری و ظهیر و فلکی و همام و قطران را در ایجاد بنای یادبود تازه و باشکوهی وسیله جست.

خوشبختانه این کاری است که بازانجمن آثار ملی انجام آن را برعهده گرفته و دیر یا زود مانند کارهای دیگر خود به پایان می‌رساند...

شعرای مدفون در مقبرة الشعراء

در تاریخ بیست و هشتم اردیبهشت ماه ۲۵۳۳ از طرف انجمن آثار ملی به ریاست دانشگاه آذربایجان نوشته شد: «... بمنظور بزرگداشت شعرا و سرایندگان نامی ایران که در گورستان تاریخی سرخاب تبریز ب خاک سپرده شده‌اند مقرر است که بنای یادبودی در محوطه باقیمانده گورستان سرخاب برپا گردد. ساختمان مذکور در سال ۱۳۵۲ از طرف انجمن آثار ملی آغاز شده و در حال حاضر شالوده‌های بزرگ و استوار آن در مرحله نزدیک به پایان است... انجمن آثار ملی با استفاده از مقالات تحقیقی دانشمندان که در این باره انتشار یافته است... و همچنین پرسش و استفسار از سایر دانشمندانی که نسبت به این امر صاحب نظر بوده‌اند چنین تصویری کند که گروهی از سرایندگان مدفون در گورستان تاریخی سرخاب تبریز عبارتند از: خاقانی شروانی - اسدی طوسی - قطران تبریزی - شاهپور بن محمد - ظهیر فاریابی - سلمان ساوجی - ائیرالدین اخسیکتی - شهری سبزواری - مانی شیرازی - مجیرالدین بیلقانی - و افراد دیگری از سرایندگان که نام آنان در نشرات مختلف و اخیراً در کتاب آثار باستانی آذربایجان جلد اول مندرج است... از ریاست محترم و استادان ارجمند صاحب نظر آن دانشگاه تقاضای همکاری معنوی می‌نماید که استادان محترم دانشگاه آذربایجان و سایر شخصیت‌های آشنا به ادب و شعر و آثار گویندگان و سرایندگان نامی خطه آذربایجان با تشکیل جلسات و بررسی شایسته نظر خود را درباره سه مطلب ذیل اعلام فرمایند:

۱- نام آن عده از سرایندگان که مدفون بودند نشان در مقبرة الشعراء سرخاب مورد تأیید است.

۲ - درجه بندی سرایندگان مدفون در مقبرة الشعرا از نظر اولویت و شخصیت و مقام شاعری و جنبه های ملی و هنر نکته دیگری که بنظر مجمع محترم مزبور لایق و درخور ذکر می باشد.

۳ - در صورتی که احیاناً قرینه و اطلاعی از قیافه و لباس و هیأت کلی هر يك از سرایندگان مذکور بتوان از روی آثار او بدست آورد.
رونوشت این نامه برای استانداری محترم و اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی و دانشمندگرمی آقای عبدالعلی کارنگ هم فرستاده شد و تقاضای همکاری گردید.

در تاریخ بیست و دوم تیرماه ۲۵۳۳ در پاسخ نامه مذکور دو گزارش و يك تکمله شامل یادداشتها و توضیحات از دانشگاه آذرآبادگان به انجمن آثار ملی رسید. در گزارش شماره يك که به اهتمام آقای نصرالله امامی تهیه و تنظیم شده درباره قسمت اول چنین اظهار نظر شده است: از تجزیه اسناد و مدارك موجود چنین نتیجه گیری می شود که شعری که یقیناً در مقبرة الشعرا سرخاب مدفونند عبارتند از:
۱- اسدی طوسی - به استناد: روضات الجنان، تاریخ حشری و دانشمندان آذربایجان.

۲ - قطران تبریزی - به استناد: مقدمه مرحوم نخجوانی به نقل از صاحب روضه اطهار و تاریخ حشری. مدفن او را در مقبرة مشایخ شادی آباد نیز نوشته اند.
۳ - ظهیرالدین فاریابی - به استناد: مجمل فصیحی خوانی ذیل حوادث سال ۵۹۸، تاریخ حشری، بستان السیاحه، نزهة القلوب، روضات الجنان، مجالس النفایس، تاریخ گزیده، تذکرة دولتشاه، مجمع الفصحی و هفت اقلیم.
۴ - حکیم خاقانی - به استناد: تذکرة نتایج الافکار، تذکرة دولتشاه سمرقندی، تذکرة شمع انجمن، نزهة القلوب، روضات الجنان، آنشکده آذر و مجالس المؤمنین.

۵ - مانی شیرازی - به استناد: روضات الجنان، تاریخ حشری و تذکرة

شمع انجمن.

۶ - شاهپور بن محمد نیشابوری^۱ - به استناد: روضات الجنان، تاریخ حشری، صبح گلشن و تذکرة دولتشاه.

۷ - همام تبریزی - به استناد: نزهة القلوب و روضات الجنان.

۸ - شمس مغربی - به استناد: روضات الجنان.

شعرایی که مدفون بودن آنها در مقبرة الشعرا مشکک است:

۱ - انوری ابیوردی: دولتشاه سمرقندی و آذربیکدلی صاحب تذکرة میخانه قبر انوری را در بلخ می دانند و آن را در جوار مزار سلطان احمد خضرویه ذکر می کنند ولی حمدالله مستوفی در نزهة القلوب و فصیحی خوافی ذیل حوادث سال ۵۸۵ هجری را در سرخاب مدفون می دانند، روضات الجنان ذکر می از او نکرده است... استاد مدرس رضوی در مقدمه دیوان انوری مدفون بودن انوری در بلخ را به یقین بیشتر نزدیک می دانند.

۲ - فلکی شروانی: حمدالله مستوفی و صاحب بستان السیاحه او را مدفون در سرخاب می دانند ولی در روضات الجنان اگرچه نام او در موضعی برده شده است ولی سخنی از مدفون بودن او در تبریز نشده و آن قول معروف که وی در قصبه شماخی مدفون است بیشتر قوت می گیرد.

شعرایی که تصور می رفته است که در مقبرة الشعرا مدفون باشند ولی در آنجا مدفون نیستند:

۱ - در یادداشت شماره یک درباره شاهپور بن محمد نیشابوری توضیح داده اند که در پاره ای از مآخذ متأخر شاهپور بن محمد واشهری سبزواری را دوشخص دانسته اند و حال این که هر دو را باید یک نفر دانست و به دلایل ذیل این قول مستدل است: ۱- آقای کارنگ نوشته اند: اشهری نیشابوری. ۲ - آقای دولت آبادی نوشته اند: اشهری سبزواری. ۳ - روضات الجنان شخصی به نام اشهری سبزواری ذکر کرده است. (۴- روضات الجنان شخصی به نام شاهپور بن محمد اشهری نیشابوری ذکر کرده است. بسیارند کسانی که به جهت نزدیک بودن نیشابور و سبزواری انتساب به هر دو شهر دارند). «

۱ - امیر اثیرالدین اخسیکتی: دولت‌شاه سمرقندی، آذربایگدلی، صاحب تذکره خلاصة الاشعار ونیز ریاض العارفین و مجمع الفصحاکه در فوت اثیر در شهر خلخال اتفاق نظر دارند سخنی از مدفون بودن او در تبریز نیاورده‌اند و تنها آقای دولت آبادی و استاد محیط طباطبائی که مأخذشان تاریخ حشری بوده است مقبره اثیر را در تبریز دانسته‌اند. در روضات الجنان و نزهة القلوب هم از بودن مقبره اثیر در تبریز اشاره‌ای نشده است.

۲ - سلمان ساوجی: در روضات الجنان آمده که مقبره او نزدیک مولانا تاج‌الدین کرکهری است و قبر این مولانا در چرنداب است نه در سرخاب.
۳ - کمال خجندی: در محله کوره‌پزخانه در کنار کمال بهزاد نقاش بزرگ مدفون است.

۴ - مجیر بیلقانی: تنها در ریاض الجنة (نسخه خطی) و تذکره حشری از مدفون بودن او در تبریز یاد شده است.» انتهى.

در گزارش شماره ۲ که به اهتمام آقای میرودود یونسی تهیه شده مدفونین مقبره الشعرا بترتیب اهمیت و قطعیت چنین ذکر شده است:

۱ - خاقانی ۲ - ظهیرالدین فاریابی ۳ - شاه‌فور ۴ - اسدی
۵ - انوری ۶ - همام ۷ - اثیرالدین اخسیکتی ۸ - قطران ۹ - مجیر -
الدین بیلقانی ۱۰ - مغربی.

اما در یادداشتها و توضیحات آمده است که اثیرالدین اخسیکتی به احتمال قوی در خلخال مدفون است. بنابراین در گزارش شماره ۲ برهشت نفری که در گزارش شماره یک بطور قطع مدفون در مقبره الشعرا دانسته شده‌اند نام انوری و مجیرالدین بیلقانی نیز افزوده شده است.

انوری به استناد: نزهة القلوب حمدالله مستوفی، چاپ دبیرسیاقی، ص ۸۹ و مجمل فصیحی، چاپ فرخ، ج ۲، ص ۲۶۸ - ۲۶۷ و نسخه خطی شماره ۳۶۰۹ [؟] ص ۱۱۲ - ۱۱۶ و...

درباره مجیرالدین بیلقانی در گزارش شماره ۲ نوشته شده است که «بقول دولتشاه و تابعین وی مقتول در اصفهان و به قولی مدفون در تبریز در مقبرة الشعراء، ر.ک: تاریخ گزیده، ریاض الجنة و...»

* * *

درباره مقبرة الشعراء تبریز و شعرايی که در آنجا مدفونند به مآخذ ذیل می توان مراجعه نمود:

تاریخ حشری - تاریخ دارالسلطنة نادر میرزا - تاریخ اولاد الاطهار - تذکرة دولتشاه سمرقندی - آثار باستانی آذربایجان - روضات الجنان - دانشمندان آذربایجان - روضة اطهار - مجمل فصیحی خوافی - بستان السباحه - نزهة القلوب - مجالس النفائس - تاریخ گزیده - مجمع الفصحاء - هفت اقلیم - تذکرة نتایج الافکار - تذکرة شمع انجمن - آتشکده آذر - مجالس المؤمنین - صبح گلشن - تذکرة میخانه - مقدمه دیوان انوری - مقدمه دیوان خاقانی - تذکرة خلاصة الاشعار - ریاض العارفین - ریاض الجنة - نشریه دانشکده ادبیات تبریز شماره سوم، سال شانزدهم، مقاله دولت آبادی - مجله یغما شماره ۲۹۳، بهمن ماه ۱۳۵۱، مقاله محیط طباطبائی - لغت نامه.

بنای یادبود

در مردادماه سال ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه.ش.) از اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی به انجمن آثار ملی نوشتند که مدتی است ایجاد پارك و بنای مقبرة الشعراء در محل گورستانهای متروک سرخاب از طرف این اداره کل و استانداری آذربایجان شرقی و شهرداری تبریز مورد توجه قرار گرفته و اقدامات مقدماتی در این مورد بعمل آمده است. چون ایجاد بنای مقبرة الشعراء مورد نظر انجمن آثار ملی ایران نیز هست و سابقاً وعده هرگونه مساعدت مالی داده اند در صورتی که اعتبار کافی از طرف انجمن منظور و حواله شود در پیشرفت کار بسیار

مؤثر خواهد بود.

در آبانماه سال ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه.ش.) از طرف انجمن آثار ملی به شادروان مهندس سرلك استاندار آذربایجان شرقی نوشته شد: «همانطور که خاطر شریف مستحضراست در محوطه مقبرة الشعرا عده‌ای از بزرگان علم و ادب و مشروطه خواهان به خاک سپرده شده‌اند، این محل در حال حاضر وضع مناسبی ندارد و با بررسیهایی که انجمن آثار ملی بعمل آورده به این نتیجه رسیده است که در صورتی که محوطه مذکور بصورت پارك درآید از وضع نامناسب فعلی بیرون آمده جلوه خاصی پیدا خواهد کرد و در این صورت انجمن آثار ملی هم به احترام سرایندگان بلندمرتبتی که از قرون گذشته در این محل مدفون هستند بنای یادبودی از اعتبارات خود احداث خواهد کرد. در صورتی که مصلحت بدانند دستور فرمایند در تعقیب کوششهایی که از چند سال پیش در این زمینه در تبریز بعمل آمده است عده‌ای از شخصیت‌های موجه آذربایجان بعنوان هیأت امنای مقبرة الشعرا انتخاب شوند تا برای اجرای برنامه مذکور و تحصیل اعتبار در محل اقدامات اساسی معمول داشته با همکاری و مساعدت شهرداری تبریز و اداره کل اوقاف منطقه آذربایجان شرقی طرح مربوط به این کار را تهیه نموده برای بررسی به این انجمن ارسال دارند... انجمن آثار ملی علاوه بر تقبل ساختمان بنای یادبود مقبرة الشعرا آماده همه نوع راهنمایی و همکاری نیز می‌باشد.»

انجمن آثار ملی با ارسال رونوشت نامه مذکور برای سناتورهای آذربایجان شرقی و نمایندگان تبریز در مجلس شورای ملی از آنان نیز خواست که در این باره از اهتمام و همکاری مضایقه نمایند.

قسمتی از آنچه در گزارش کارهای انجمن آثار ملی در سال ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه.ش.) درباره بنای یادبود مقبرة الشعرا آمده چنین است: «ایجاد بنای یادبود مقبرة الشعرا در گورستان متبرك سيد حمزه در محله سرخاب تبریز که بر طبق مدارك تاریخی مدفن سرایندگان بلند قدری است... دست کم از دوازده سال پیش

مورد توجه دانشمندان و نویسندگان و مقامات مختلف آذربایجان شرقی قرار داشته و درباره آن کوششهای ثمربخشی بعمل آورده‌اند، چنانکه شهرداری تبریز نسبت به تهیه نقشه محوطه مورد نیاز و خرید خانه‌های واقع در آن بطور شایسته اقدام کرده است.

در نیمه دوم سال ۱۳۴۹ بمنظور عملی شدن منظور مذکور اقدامات دیگری در تهران و تبریز مشترکاً بعمل آمد و طبق پیشنهاد انجمن آثار ملی هیأت امنای مربوط به این امر در تبریز به ریاست استاندار آذربایجان شرقی و هیأت امنای تابع آن در تهران مرکب از آقایان سناتورهای آذربایجان شرقی و نمایندگان تبریز در مجلس شورای ملی تشکیل گردید و امید می‌رود با اقدامات چند جانبه، این خدمت اساسی و ملی و فرهنگی که از هربابت شایسته پیشینه تاریخی و فرهنگی سرزمین گرامی آذربایجان است جامه عمل پيوشد تا مکان متبرک مورد ذکر در عین حال که مدفن درگذشتگانی همچون شادروان ثقة الاسلام شهید و خاندانهای اصیل و بزرگان دیگر آذربایجان است همانند آرامگاه فردوسی بزرگ مطاف و زیارتگاه تمام صاحب‌دلان و شیفتگان و دل‌بستگان ملیت و فرهنگ و ادب ایران باشد.

جلسه هیأت امنای

ساعت ۹ صبح روز دوشنبه شانزدهم فروردین ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ ه. ش.) جلسه هیأت امنای مقبرة الشعراء تبریز با حضور شادروانان: سرلک استاندار آذربایجان شرقی، دکتر رضا زاده شفق، تیمسار سناتور جهانبانی، آقای سناتور بهادری، نمایندگان تبریز آقایان: دکتر شفیع امین، محمد دیهیم، غلامرضا عدل، ابوالفتح جهانشاهی، منوچهر پزشکی، جعفر جوادی، حسین شکیب، کاظم صدقیانی زاده، احمد حق شناس و سعید پدramی، آقایان سید محمد تقی مصطفوی و احمد کاشانیان از انجمن آثار ملی، مدیران کل: آموزش و پرورش، فرهنگ و هنر و اوقاف منطقه آذربایجان شرقی، رئیس انجمن شهر و شهردار

تبریز، معاون انجمن شهرستان، رئیس حزب ایران نوین، رئیس حزب مردم، آقایان: مهندس توکلی، کارنگ، نسرین پور، مولوی، دولت آبادی، و دکتر مرتضوی رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز در کاخ استانداری آذربایجان شرقی تشکیل شد و بنا به تقاضای استاندار، شادروان دکتر رضازاده شفق ریاست جلسه را بعهده گرفت.

آقای دکتر شفق اظهار داشت که قبلاً هیأتی بعنوان هیأت امنای مقبرة الشعرا در تبریز تشکیل شده و شروع به کار نموده است، پیشنهاد می کنم هیأتی که اخیراً در تهران بعنوان هیأت امنای مقبرة الشعرا مرکب از همین آقایان سناتورها و نمایندگان تبریز تشکیل یافته در هیأت امنای قبلی ادغام شود و ریاست آن کما فی السابق با استاندار آذربایجان شرقی باشد. بدیهی است اینجانب و همکارانم در تهران با سمت عضویت با کمال علاقه همکاری لازم و مستمر را با هیأت موجود در تبریز خواهیم داشت. اصل مطلب طرح مقبرة الشعرا است که باید به چه نحو به مرحله عمل درآید. در تهران برای این منظور سه جلسه متوالی با حضور آقایان مهندس شریف امامی رئیس مجلس سنا و تیمسار سپهبد آقاولی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی تشکیل یافت و نهایت امیدواری حاصل گردید که این امر بخوبی انجام یابد. پس از آن استاندار اظهار داشت که چون موضوع احداث مقبرة الشعرا مورد علاقه شدید مردم تبریز است و اینجانب نیز به این امر ملی کاملاً علاقه مندمی باشم لذا هیأتی به نام هیأت امنای مقبرة الشعرا در تبریز تشکیل داده شروع به کار نمودیم و ضمن عمل معلوم شد که قبلاً نیز در این باره اقداماتی شده است. در حال حاضر نقشه پارك آماده می باشد و به تصویب انجمن شهر و وزارت کشور رسیده و نسبت به تمليك املاکی که در محدوده پارك واقع می شود اقدامات لازم بعمل آمده است. بدیهی است این پارك و بنا باید بنحوی احداث شود که هم خدمتی به مردم تبریز باشد و هم از بزرگانی که در آنجا مدفونند حق شناسی بعمل آید. آنگاه آقای شهردار اظهار داشت که

همانطور که فرمودند مقدمات کار احداث پارك آماده شده و طبق برآورد در حدود بیست میلیون ریال هزینه دارد که در حال حاضر شهرداری توانسته است فقط مبلغ دو میلیون و سیصد هزار ریال به این امر تخصیص دهد و نسبت به تأمین بقیه هزینه که هفده میلیون و هفتصد هزار ریال می باشد باید از طرف هیأت امناء آقای استاندار اقدام شود. یکی از نمایندگان مجلس اظهار داشت که از طرف مالکان املاک واقع در محدوده پارك مقبرة الشعراء نامه ای به اینجانب و سایر همکارانم رسیده و نسبت به ارزیابی اراضی مذکور که تقریباً شش سال قبل صورت گرفته اعتراض نموده اند و باتوجه به طول زمان و چند برابر شدن قیمت املاک باید توجه شود که حقی از کسی تضییع نشود. آقای استاندار اظهار داشت که این مطلب مورد توجه است و طبق قانون توسعه معابر اعتراض مالکان مزبور در هیأت حل اختلاف که مرجع قانونی است مطرح و سعی خواهد شد که در اجرای منویات شاهنشاه که تأکید در عدالت اجتماعی می فرمایند قیمت عادلانه به صاحبان املاک داده شود.

آقای مصطفوی نماینده انجمن آثار ملی به اطلاع حاضران رسانیدند که انجمن آثار ملی کلیه هزینه ساختمان بنای مقبرة الشعراء را خواهد پرداخت و امیدوار است که بنائی درخور شأن بزرگان شعراء که در آنجا مدفونند ایجاد گردد، ولی احداث پارك در اطراف بنای یادبود بعهدۀ شهرداری است و باید از طرف مسئولان امر و وزارت کشور و سایر محلها اعتبار لازم تأمین گردد. نکته دیگر آنکه بعقیده اینجانب نقشه ساختمان بنای یادبود مقبرة الشعراء باید به مسابقه گذارده شود تا هنرمندان و مهندسان نقشه ای که از هر حیث شایسته باشد تهیه نمایند. شادروان دکتر شفق اظهار داشت که ضمن اجرای نقشه و طرح باید توجه شود که مقابر ثقة الاسلام و بزرگان دیگری که در آنجا موجود است محفوظ بماند و بطور آبرومندی مرمت شود. پس از مذاکرات مفصل اقدامات قبلی استانداری و هیأت امنای مقبرة الشعراء و نقشه ای که برای پردیس تهیه شده بود مورد تأیید و

تصویب قرار گرفت و قرار شد نسبت به تمليك املاکی که در محوطه پردیس واقع است هر چه زودتر اقدام شود و برای بقیه اعتبار لازم جهت پردیس بوسیله آقایان سناتورها و نمایندگان مجلس در مرکز اقدام لازم بعمل آید و نقشه بنای یادبود مقبرة الشعرا از طرف انجمن آثار ملی به هر طریق که مصلحت بدانند آماده و شروع به ساختمان بنا گردد.^۱

* * *

انجمن آثار ملی روز آخر تیرماه سال ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ ه. ش.) گزارشی به دفتر مخصوص شاهنشاهی تسلیم نمود که قسمتی از آن چنین است:

جناب آقای معینان ریاست محترم دفتر مخصوص شاهنشاهی

«... از چند سال پیش با توجه به پیشینه فرهنگی و تاریخی آذربایجان، اقدامی مهم و اساسی در زمینه فرهنگ و ادب ایران در آن سرزمین لازم بنظر آمد و تصمیم گرفته شد که نظیر آنچه در استان خراسان برای بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی و عمر خیام و برخی بزرگان دیگر در استانهای دیگر انجام پذیرفته است در خطه آذربایجان هم به مرحله عمل در آید.

بر طبق مدارک تاریخی و قرائن دیگر، خوابگاه ابدی چند تن سراینده بلند مرتبه زبان پارسی همچون اسدی طوسی و قطران تبریزی و خاقانی شروانی و ظهیر فاریابی و دیگر سراینده گانی از قرن پنجم تا قرن هشتم هجری در گورستان قدیمی و متبرک سید حمزه در محله سرخاب تبریز واقع است (همانجا که بقعه سید حمزه و مزار جمعی از شهدای راه آزادی ایران از جمله شادروان ثقة الاسلام تبریزی قرار دارد) و به همین مناسبت از دیر زمان نام مقبرة الشعرا در کتابها برای

۱ - شادروان دکتر رضازاده شفق فرزند پرومند آذربایجان که ریاست هیأت امنای بنای یادبود مقبرة الشعرا را بعهدہ داشت و از اعضاء مؤسس انجمن آثار ملی بود روز چهارشنبه ۱۷ شهریور ۲۵۳۰ به سرای جاودانی شتافت. رحمة الله علیه.

آرامگاههای ناپیدای این سرایندگان ذکر شده است. بدین لحاظ در نظر گرفته شده است که با بررسیهای شایسته و رعایت جوانب مختلف امر ترتیب ساختمانی به نام یادبود مقبرة الشعراء در آنجا داده شود. برای این منظور با وزارت فرهنگ و هنر و استانداری آذربایجان و شهرداری تبریز مکاتبه شده و موافقت و موجبات همکاری مقامات مذکور فراهم گشته است و با استفاده از همکاریهای فکری ارزنده ریاست محترم مجلس سنا و آقایان سناتورهای آذربایجان و نمایندگان تبریز، هیأت امنای مقبرة الشعراء در تبریز و تهران تشکیل گردیده و ترتیب کار بدین نحو داده شده است که شهرداری تبریز نسبت به ایجاد پارک مناسبی در محوطه گورستان تاریخی سرخاب اقدام کند و تعدادی خانه‌های موجود و ابنیه احداث شده در قسمتی از اراضی گورستان را خریداری نماید تا فضای پارک بصورت شایسته‌ای درآید و انجمن آثار ملی هم تهیه طرح بنای یادبود را به مسابقه گذارده پس از تعیین برنده مسابقه نقشه ساختمان را بمرحله اجرا درآورد و اثر برجسته‌ای در ردیف آنچه در پرتو عنایات خاص ملوکانه برای حکیم ابوالقاسم فردوسی ایجاد شده است در شهر تبریز احداث گردد.

در صورت اجازه و تأیید ذات مبارک ملوکانه با اجرای چنین طرحی پس از معلوم شدن نتیجه مسابقه و تهیه نقشه قطعی بنای یادبود، انجمن آثار ملی از اعتبارات خود از سال آینده نسبت به ساختمان بنای مذکور اقدام خواهد کرد. شهرداری تبریز برای احداث پارک مورد نظر نیازمند همکاری و کمک اولیای محترم دولت خواهد بود که در این باره نیز بموقع خود از طرف انجمن توجه مقامات ذی صلاح جلب و تقاضای مساعدت خواهد شد. از لحاظ اهمیت موضوع اجرای چنین منظوری در سرزمین تاریخی آذربایجان استدعا می‌شود بنحو شایسته‌ای مراتب را بشرف عرض پیشگاه مبارک ملوکانه رسانیده منویات ذات مبارک را به انجمن آثار ملی اعلام فرمایند.»

رئیس هیات مدیره - سپهبد آق‌اولی

روز بیست و هفتم مردادماه ۲۵۳۰ نامه‌ای بدین شرح از دفتر مخصوص به انجمن آثار ملی رسید:

«گزارش شماره ۱۰۴۰ مورخ ۱۳۵۰/۴/۳۰ درباره طرح ایجاد پارک مناسبی در محوطه گورستان تاریخی سرخاب تبریز و ساختمان بنای مقبره الشعرا از شرفعرض گذشت و مورد تصویب ذات مبارک ملوكانه قرار گرفت.»

مسابقه طرح بنا

در شهریورماه سال ۲۵۳۰ آگهی دعوت به مسابقه طرح بنای یادبود مقبره الشعرا برای درج در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان و مجله یغما فرستاده شد و خلاصه آن چنین بود:

در نظر گرفته شده است ساختمانی در خور منزلت تاریخی و معنوی سرزمین آذربایجان و بیاس حرمت سرایندگان بلندمرتبتی که از سده پنجم هجری به بعد در شهر تاریخی تبریز در گذشته و ب خاک سپرده شده اند و خوابگاه ابدیشان پنهان مانده است بنام یادبود مقبره الشعرا در محل گورستان تاریخی سرخاب تبریز (پیرامون بقعه متبرک سید حمزه) ساخته شود. اینک بدین وسیله از مهندسين ارجمند کشور دعوت می‌نماید باتوجه به نکات ذیل:

- ۱ - حجم بنای اصلی بیش از یک هزار و پانصد متر مکعب نباشد.
- ۲ - الهام گرفتن از اصول و شیوه معماری اصیل ایرانی در طرح ساختمان.
- ۳ - پیشینی محل ساختمانهای جداگانه برای احداث کتابخانه و دفتر و دیگر بناهای مورد نیاز چنین جایگاه ملی در آینده.

۴ - در نظر گرفتن این امر که بقعه متبرک سید حمزه و آرامگاههای چند نفر از شخصیتهایی که در راه استقلال و آزادی ایران جان باخته اند همچون شادروان ثقة الاسلام شهید و شادروان امان الله میرزا ضیاءالدوله در گوشه و کنار همین گورستان قرار دارد.

۵ - بموازات ساختمان بنای یادبود مقبرة الشعراء که از طرف انجمن آثار ملی احداث می گردد (یا پس از پایان آن) محوطه گورستان تاریخی سرخاب هم بوسیله شهرداری تبریز و با کمک مقامات مربوط بصورت بستانسرایبی شایسته درخواهد آمد.

نقشه ای مناسب برای این منظور تهیه نموده تاظهر روز چهارشنبه بیست و پنجم اسفندماه سال کورش بزرگ ۱۳۵۰ خورشیدی به دفتر انجمن آثار ملی در تهران (خیابان ارامنه - سرپل امیربهادر شماره ۱۰۰) یا به دفتر استانداری آذربایجان شرقی در تبریز تسلیم فرمایند.

نقشه های رسیده در شورای مرکب از نمایندگان وزارتخانه های فرهنگ و هنر، کشور، آبادانی و مسکن، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشکده معماری دانشگاه ملی، شورای عالی شهرسازی، انجمن ارشیتکتهای ایران با شرکت مهندسان وابسته به انجمن آثار ملی مورد بررسی قرار می گیرد و نسبت به سه طرح برنده اول پاداشهایی بشرح ذیل منظور می گردد:

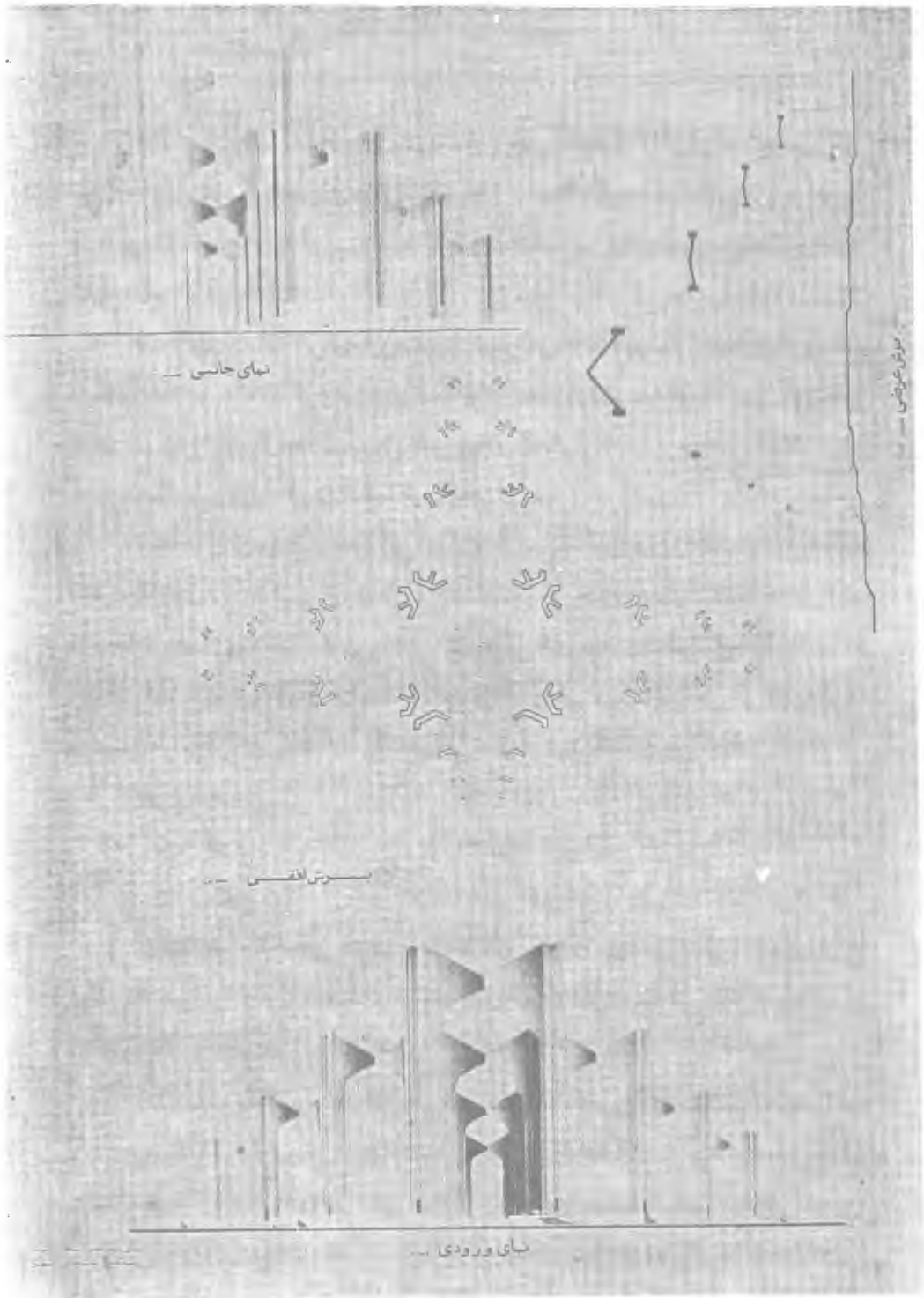
طرح نخستین ۱۵۰٫۰۰۰ ریال

» دوم ۱۰۰٫۰۰۰ ریال

» سوم ۵۰٫۰۰۰ ریال

برنده طرح نخستین در صورت توافق بعنوان مهندس ناظر اجرای طرح برگزیده می شود و مبلغ یکصد و پنجاه هزار ریال پاداش پرداختی با تراضی طرفین از حق النظاره کسر می گردد.

نقشه محوطه گورستان تاریخی سرخاب که بصورت بستانسرا درخواهد آمد و بوسیله شهرداری تبریز تهیه شده و بتصویب مقامات مربوط رسیده است برای ملاحظه علاقمندان در دفتر استانداری آذربایجان شرقی و محل انجمن آثار ملی (تهران) موجود است... باشد که همانند آنچه در دوران فرخنده کنونی بر تربت بزرگانی همچون حکیم ابوالقاسم فردوسی و ابن سینا و عمر خیام و



نقشه مقبرة الشعرا

باباطاهر و شیخ فریدالدین عطار و شیخ روزبهان و شیخ سعدی و خواجه حافظ و صائب و نادرشاه افشار و کمال‌الملک انجام شده است اثر دیگری که گویای بزرگداشت مفاخر پیشین سرزمین عزیز ایران باشد بدین ترتیب بنیاد شود و برجای ماند.»

در فروردین ماه ۲۵۳۱ تیمسار ارتشبد ضرغامی استاندار جدید آذربایجان شرقی به انجمن آثار ملی نوشت که باتوجه به محدود بودن فصل ساختمان در آذربایجان که در سال پیش از شش ماه نمی باشد خواهشمند است ترتیبی اتخاذ فرمایند که در شروع کارهای ساختمان بنای یادبود مقبرة الشعراء تسریع بعمل آید.

انجمن آثار ملی در پاسخ نامه مذکور به اطلاع استاندار رسانید که روز دوشنبه چهارم اردیبهشت ماه در جلسه ای با حضور نمایندگان سازمانها و مؤسسات مختلف طرحهای رسیده برای بنای یادبود در محل انجمن مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. در صورتی که مصلحت بدانند نماینده ای نیز از طرف دفتر فنی آن استان و در صورت موافقت نماینده ای نیز از طرف شهرداری تبریز تعیین و معرفی فرمایند. بدیهی است پس از تعیین و تصویب یکی از طرحها مقدمات اجرای آن از طرف انجمن فراهم خواهد گردید و همانطور که در ساختمانهای نظیر آن از طرف انجمن عمل شده اجرای طرح بطور امانی خواهد بود تا همه گونه دقت در استحکام آن بعمل آید. در تاریخ بیست و هشتم فروردین ۲۵۳۱ از طرف انجمن آثار ملی گزارشی به دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانو تقدیم شد تا از لحاظ علاقه مندی معظم لها به ایجاد واحداث اینگونه بناهای مربوط به تاریخ و فرهنگ ایران و آثار معماری اصیل کشور در صورتی که اجازه فرمایند نماینده مخصوص فرستاده شود تا در جلسه ای که روز چهارم اردیبهشت ماه تحت نظر آقای سناتور مهندس فروغی برای رسیدگی به طرحهای بنای یادبود تشکیل می شود شرکت نمایند.

روز نهم فروردین ماه در پاسخ گزارش مذکور از دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانو به انجمن ابلاغ گردید که مراتب بعرض رسید. باتشکر از اقدامی که بعمل آمده چون کمیسیون مذکور تحت نظر و باحضور جناب آقای محسن فروغی تشکیل می شود اعزام نماینده دیگری لازم بنظر نمی رسد.

ساعت هشت و نیم صبح روز دوشنبه چهارم اردیبهشت ماه سال ۲۵۳۱ جلسه ای باحضور نمایندگان سازمانهای مربوط برای بررسی طرح های رسیده و انتخاب طرح بنای یادبود در محل انجمن تشکیل گردید و از بین یازده طرح واصل طرح پیشنهادی آقای مهندس غلامرضا فرزانه مهر اول و طرح آقای مهندس حسین امانت دوم و طرح آقای مهندس رضاعلائی سوم شناخته شد. ضمناً اعضای جلسه توصیه کردند که به هریک از کسانی هم که طرح پیشنهادی آنها بیرون از سه طرح برنده است مبلغی پاداش به نشانه اظهار سپاسگزاری از همکاری آنان در این خدمت فرهنگی و ملی و برای جبران قسمتی از هزینه خدمتی که انجام داده اند پرداخت گردد. موضوع اخیر در جلسه هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی مورخ ۱۷/۱۲/۵۱ به اطلاع اعضاء رسید و مورد تأیید و موافقت قرار گرفت و در جلسه ای باحضور آقایان مهندس فروغی، سید محمد تقی مصطفوی و حسین جودت با ملاحظه مجدد نقشه ها و طرحها و بررسی بیشتر مناسب دانسته شد که پاداشهایی بشرح ذیل منظور گردد:

آقایان ایرج ناصحی و مصطفی دانشور هریک مبلغ دو هزار و پانصد تومان.

آقای مسعود قره باغی دو هزار تومان.

آقای احمد شخصیان یک هزار و پانصد تومان.

آقایان هوشنگ حسابی و ایرج حسابی یک هزار و دویست تومان.

آقای علیرضا اشرف (مشهد) یک هزار تومان.

برای طرحی هم که از طرف آقای عبدالحسین حقیری تسلیم شده بود

چون بعد از موعد مقرر در آگهی رسیده بود پاداشی منظور نشد.

* * *

در چهارم اردیبهشت ماه سال ۲۵۳۱ از طرف انجمن آثار ملی به آقای حسین جودت نوشته شد: اکنون که طرح بنای یادبود مقبرة الشعراء تبریز انتخاب گردیده است باید مقدمات شروع به کار فراهم گردد، بدین منظور هر چه زودتر به تبریز رفته محل ساختمان را ملاحظه نمایند و هر گونه نقص و کسری که از لحاظ محل بنا و محوطه آن بنظر می رسد با کمک استانداری آذربایجان شرقی و مدیر کل فرهنگ و هنر آن استان و شهرداری تبریز به رفع آن اقدام نموده نمودار قطعی را به انجمن تسلیم نمایند تا با توجه به آن نقشه های اجرایی و تفصیلی تهیه شده ساختمان بنای یادبود شروع گردد.

آقای جودت پس از مسافرت به تبریز در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ماه به انجمن گزارش داد که پس از بازدید محل ساختمان در اراضی قبرستان متروک سرخاب و اراضی وابسته مجاور آن، با آقای مهندس غلامرضا فرزانه مهر درباره بنا و محل آن شور لازم بعمل آمد و در نتیجه تصمیم گرفته شد:

۱- حجم متعادل بنا حداکثر به ابعاد ۴۵×۵۰ متر باشد که در سمت ورودی ۴۵ متر و در طرفین ۵۰ متر باشد.

۲- درباره محل مناسب برای پیاده کردن نقشه با در نظر گرفتن موانع و مشکلات موجود، باید در ورودی بطرف خیابان جدید الاحداث ۱۶ متری بوده محور بنا بر خیابان مذکور عمود باشد.

۳- قرار شد از انجمن آثار ملی تقاضا شود که دستور فرمایند آقای مهندس فروغی به اتفاق آقایان مهندس غلامرضا فرزانه مهر و جودت به محل رفته با حضور آقای دولتشاهی مدیر کل فرهنگ و هنر محل ساختمان را ملاحظه نموده درباره وضع قطعی آن اتخاذ تصمیم نمایند.

در تاریخ ششم خردادماه سال ۲۵۳۱ جلسه‌ای با حضور آقایان مهندس فروغی، دولتشاهی مدیر کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی و جودت نماینده انجمن آثار ملی در اداره کل فرهنگ و هنر در تبریز تشکیل شد و پس از تعیین محل دقیق بنای یادبود در نزدیکی خیابان ۱۶ متری که از طرف شهرداری تبریز احداث می‌شود نظر داده شد که خانه‌هایی که در مجاورت شمالی و شرقی قبرستان کهنه و قبرستان متروک قرار دارد باید خریداری و تخریب گردد و لازم است مقامات محلی از هم‌اکنون به تهیه اعتبار و خرید آنها اقدام نمایند تا در خاتمه کار ساختمان بنای یادبود، محوطه اطراف آن برای احداث چمن و باغچه و گلکاری و بستن سرا آماده باشد. همچنین تصمیم گرفته شد که در کار محصور کردن محوطه و نصب در کامیون‌رو و قطع عبور و مرور اقدام فوری بعمل آید. دو باب اطاق برای دفتر و سرایدار با نظافتگاه و دستشویی، و انبار برای مصالح ساختمانی و چند نظافتگاه برای کارگران ساخته شود و این کارها از آن تاریخ تا ۱۵ روز بعد کلاً انجام یابد.

در تاریخ پانزدهم مردادماه ۲۵۳۱ (۱۳۵۱ ه.ش.) بمنظور اجرای کار ساختمان بنای یادبود مقبرة الشعرا در تبریز که مقرر بود بطور امانی انجام یابد بین انجمن آثار ملی و آقای حسین جودت قراردادی منعقد گردید که بموجب آن آقای جودت متعهد گردید که ساختمان بنای یادبود را مطابق نقشه و دستور آقای مهندس غلامرضا فرزانه مهر و مشخصاتی که از طرف ایشان تعیین می‌شود و تحت نظر آقای مهندس فروغی با رعایت اصول عالی فن اجرا نماید و کلیه مخارج مربوط به بنای یادبود از هر حیث (بهای مصالح، دستمزد، کرایه حمل مصالح، کرایه ماشینها و وسایل مورد احتیاج و مخارج متفرقه مربوط به کارگاه) به حساب انجمن آثار ملی ایران محسوب و منظور شود و معادل بیست درصد روی کلیه مخارج مزبور بابت اداره اجرای کار به آقای حسین جودت پرداخت گردد. حقوق مهندس ناظر مقیم و مخارج دفتری و هزینه‌های مربوط به ایاب و

ذهاب مهندس برای بازدید کارگاه همه بعهده آقای جودت خواهد بود. آزمایش خاک: از مؤسسه مهندسی ومكانيك خاك (ماخ) كه صلاحیت آن از طرف سازمان برنامه تأیید شده بود خواسته شد كه از خاك زمین محل ساختمان آزمایش بعمل آورده میزان مقاومت آن را تعیین نماید. پس از آزمایشهای مختلف معلوم شد كه زمین آنجا از لحاظ ساختمانی وضعی بسیار نامساعد دارد و ناگزیر مقرر گردید كه مؤسسه (ماخ) بمنظور تقویت مقاومت زمین بنای یادبود در پنج قشریست سانتیمتری مخلوط خاك كارگاه را كوبیده و از هر قشر جداگانه آزمایش بعمل آورد بطوری كه پس از خاتمه كار پنج قشر مقاومت در حدود نیم كيلو گرم بر سانتیمتر مربع افزوده گردد، و با این افزایش باید مقاومت زمین جمعاً بالغ بر ۱/۲۵ كيلو گرم بر سانتیمتر مربع بشود. به این ترتیب در محل ساختمان گود برداری تا عمق هفت متر بعمل آمد و ابتدا پنج قشر خاك و ماسه و سنگ مخلوط، هر قشر به ضخامت ۲۰ سانتیمتر بوسیله ماشینهای غلطك كوبیده و بعد اعلای ممکن فشرده شد و بر روی زیرسازی كه بدین کیفیت در سراسر محوطه زیر ساختمان به مساحت حدود يك هزار و شصده متر مربع انجام یافت يك طبقه بتون ریزی لاغر به قطر ۲۰ سانتیمتر صورت گرفت، سپس يك طبقه بتون مسلح (رادیه ژنرال) به قطر پنجاه سانتیمتر در سراسر محوطه احداث شد و بدین ترتیب محل مذکور برای ساختمان بنای عظیم یادبود آماده گردید.

گزارشی كه در هشتم شهریور ماه ۲۵۳۲ به انجمن آثار ملی رسید حاكي از آن بود كه در محل بنای یادبود مقبرة الشعراء كارهای ذیل انجام یافته است:

۱ - دواطاق برای دفتر ساخته شده و نقشه های مربوط به دیوارهای اطاقها نصب شده است.

۲ - پنج باب اطاق در طرف غرب محوطه برای انبار و منزل كارگران و نگهبان ساخته شده است.

۳ - مقابل اطاقهای دفتر گلکاری شده است.

- ۴ - گودبرداری به عمق هفت متر انجام شده و یک متر از عمق برای پی ریزی ساختمان در پنج قشر ۲۰ سانتیمتری با غلطک بیست تنی کوبیده شده است.
- ۵ - آهن های گرد خریداری شده بریده و خم شده است و برای کار آماده می باشد.
- ۶ - مقداری از تیر آهن های لازم خریداری و به کارگاه حمل شده است.
- ۷ - سنگهای حاصل از گودبرداری در محل مناسبی جمع آوری شده تا بموقع خود بمصرف برسد.
- ۸ - کف حیاط مقابل مقبره قائم مقام تا ۱/۵ متر خاک ریزی شده و برای ریختن مصالح آماده گردیده است.
- ۹ - برای انبار آهن ها در حدود ۴۵ متر سقف با فیر ساخته شده است.
- ۱۰ - خانه های خریداری شده خراب و جزو محوطه شده است.
- ۱۱ - در حال حاضر مقدار ۷۵۰ تن سیمان در کارگاه موجود می باشد، اما برای ساختن طبقه زیر زمین تا سقف هم کف در حدود ۱۳۵۰ تن سیمان لازم است و باگسترش حیرت آور کارهای ساختمانی در سراسر کشور اینک تهیه سیمان بسیار دشوار می باشد.

حوادث مرکزی، آبرسانی و فاضلاب

در تاریخ هجدهم آذرماه ۲۵۳۲ بین انجمن آثار ملی و شرکت سهامی وارمر برای تأسیسات شویاز و آبرسانی و آب نماها و فاضلابهای بنای یادبود مقبره الشعرا قراردادی منعقد گردید که بموجب آن شرکت وارمر تأسیسات مذکور را طبق نقشه های مربوط و بارعایت اصول عالی فن و بنابر برنامه ای که از طرف انجمن ابلاغ می گردد احداث نماید و انجمن برای شویاز مبلغ ۲۷۴۳۰۶ ریال و برای قسمتهای دیگر مبلغ ۶۲۸۴۵ ریال در وجه شرکت مذکور طبق شرایطی پرداختد.

تا آخر سال ۲۵۳۲ علاوه بر اقدامات مذکور، سه باب خانه که برای پی برداری بنا تخریب آنها لازم بود خریداری و جزو محوطه گردید و پس از آماده ساختن زمین زیربنا، شانزده شالوده بزرگ بتون مسلح به اندازه ها و بلندیهای مختلف در دست عمل قرار گرفت که پس از پایان ساختمان آنها تعداد ۴۶ پایه بنا بر فراز آن شالوده ها ساخته شود. علاوه بر این چند حلقه چاه در اطراف محوطه بنا حفر شد و ابنیه لازم برای کارگران و دفتر و انبار احداث گردید و مقادیری از سیمان و آهن مورد نیاز هم فراهم آمد. با توجه به کمبود سیمان در سراسر کشور حسن توجه و همکاری اولیای شرکت سیمان فارس و خوزستان و آيک درخور ستایش است که در وهله اول مقدار پانصد تن سیمان در اختیار نماینده انجمن گذاردند و با وسایل حمل و نقل همان کارخانه به تبریز حمل گردید و برای دو هزار تن دیگر هم وعده مساعد دادند.

قطعات پیش ساخته شده

در تیرماه سال ۲۵۳۳ آقای حسین جودت به انجمن آثار ملی گزارش داد که «پس از مطالعات بسیاری که از طرف مهندسان انجمن و کارگاه ساختمان بنای یادبود مقبرة الشعراء بعمل آمده معلوم شده است که بهترین و ظرفیت‌رین روکار برای بنای یادبود قطعات پیش ساخته بتون مسلح فشرده است و از چندماه قبل این موضوع با شرکت پریفاب در میان گذاشته شده و متخصصان آن شرکت مدت سه ماه موضوع را مورد مطالعه قرار داده و در نتیجه اطلاع داده اند که کار در دو مرحله بشرح ذیل انجام خواهد شد:

۱- تهیه مصالح اولیه از سیلیس ها و آهن گرد و ترکیبات شن و ماسه غربال شده و قالبهای متعدد برای قطعات مختلف شش هزار مترمربع روکار بنا که همه در کارخانه شرکت پریفاب تهیه و ساخته و آماده می گردد و هر يك از قطعات چندین تن وزن خواهد داشت.

۲ - حمل این قطعات از کارخانه به کارگاه در تبریز و نصب آنها بر روی کار.

پس از چند جلسه مذاکره و تبادل نظر با مسئولان کارخانه مذکور اینک قراردادی تهیه شده که برای تصویب و امضاء بضمیمه تقدیم می گردد. بموجب این قرارداد مقرر شده بود که شرکت سهامی خاص پریفاب شش هزار متر مربع قطعات پیش ساخته شده بتونی صاف ماسه پاش شده، با سیمان سفید و سیلیس را از قرار مترمربعی ۴۴۰۰ ریال که بهای کل آن ۴۰۰۰۰ ریال ۲۶ می شود تهیه نموده از تاریخ ۱۳۵۴/۲/۳۱ شروع به تحویل آنها نماید و بهای آن را در سررسیدهای تعیین شده در قرارداد دریافت کند.

روز ۳۱ تیرماه ۲۵۳۳ قرارداد امضاء و مبلغ سه میلیون ریال قسط اول قرارداد به شرکت مذکور پرداخت گردید.

در تاریخ ۲۴ فروردین ماه ۲۵۳۴ نامه ای بدین شرح از شرکت سهامی خاص پریفاب به انجمن آثار ملی رسید: «چون نمایندگان انجمن اظهار تمایل نموده اند که کار حمل قطعات پیش ساخته از محل کارخانه به تبریز و همچنین کلیه امور نصب قطعات توسط این شرکت انجام گیرد لذا خواهشمند است هرچه زودتر نماینده انجمن را برای مذاکره و عقد قرارداد معرفی نمایند تا وقفه ای در پیشرفت کار حاصل نگردد.»

بموجب صورت مجلسی که با حضور نمایندگان انجمن آثار ملی و شرکت سهامی پریفاب در تاریخ ۱۷/۴/۳۴ تهیه و امضاء شد، موضوع نصب قطعات بنای یادبود شامل کارهای ذیل تعیین گردید:

۱ - نصب قطعات.

۲ - درزگیری قطعات بوسیله مواد قابل انبساط خارجی که در عین حال باید هم رنگ قطعات ساخته شده باشد.

۳ - اندود نهائی مواد سلیکاتی بمنظور جلوگیری از نفوذ آب و گرد و خاک که این قسمت باید پس از نصب کلیه قطعات انجام گردد.

۴ - تهیه جرثقیلهای کمکی جهت جابجا کردن قطعات.

چون هزینه اندود نهایی معلوم نیست بهای آن در مقابل صورت حساب اجراکننده که به تأیید شرکت سهامی پریفاب رسیده باشد پرداخت خواهد شد و درباره مواد دیگر برای هر مترمربع از روکار بنا مبلغ یک هزار و هشتصد ریال از طرف انجمن پرداخت خواهد گردید.

پردیس

در تاریخ هفتم اسفندماه ۲۵۳۳ از طرف انجمن آثار ملی به تیمسار سپهبد اسکندر آزموده استنادار جدید آذربایجان شرقی نوشته شد: «... به موازات پیشرفت کارهای ساختمانی بنای یادبود مقبرة الشعراء که مخارج آن بعهده این انجمن است سایر کارهای مربوط به احداث پردیس (پارك) از خرید خانه‌های لازم و ایجاد فضای سبز و خیابان‌بندی داخل پردیس و محصور کردن آن نیز باید بتدریج عملی گردد... چون هزینه کلیه کارهای مربوط به پردیس مذکور بعهده شهرداری محل می‌باشد علی‌القاعده باید تأمین اعتبار و اجرای کار از طرف شهرداری دنبال گردد. چون انجمن آثار ملی علاقه‌مند است که این امر مهم که باعث آبادی بیشتر شهر تاریخی تبریز می‌باشد هرچه زودتر انجام گیرد لذا تقاضا دارد که درباره پیش‌برد کارهای پردیس دستورهای لازم به شهرداری تبریز داده شود...»

آقای حمید وارسته شهردار تبریز در آبان‌ماه ۲۵۳۴ نامه‌ای به انجمن نوشته و اظهار امیدواری کرده بود که با همکاری مقامات مختلف موضوع احداث پردیس پیرامون بنای یادبود عملی گردد. در پاسخ این نامه از طرف انجمن آثار ملی نوشته شد که چون برای احداث پردیس خرید خانه‌های اطراف

و آماده نمودن فضای سبز و باغچه بندی و نرده کشی و غیره کارهایی است که مدتی وقت می گیرد و این کارها باید بموازات پیشرفت کار ساختمان بنای عظیم یادبود عملی گردد، لذا تسریع در اجرای کارهای مذکور لازم بنظر می آید تا هنگام به پایان رسیدن ساختمان یادبود، پردیس مورد نظر نیز آماده باشد. روز سه شنبه بیستم آبانماه ۲۵۳۴ جلسه ای در استانداری آذربایجان شرقی تشکیل گردید و درباره احداث پردیس پیرامون بنای یادبود مذاکره و گفته شد که اقدام انجمن آثار ملی منحصر به ساختمان بنای یادبود خواهد بود و کار خیابان - کشی اطراف و ایجاد پردیس که نقشه آن بتصویب رسیده بعهدۀ شهرداری تبریز محول گردیده است. طبق آخرین برآوردی که از طرف مهندس دفتر مهندسی استان بعمل آمده، کارهای مذکور مبلغ دو یست میلیون ریال بشرح ذیل هزینه دارد :

- ۱ - غرامت عرصه در حدود سی هزار متر مربع مبلغ ۹۰۰۰۰۰۰ ریال
- ۲ - غرامت اعیانی در حدود ده هزار متر مربع « ۳۰۰۰۰۰۰ »
- ۳ - برآورد محوطه سازی و خیابان کشی « ۸۰۰۰۰۰۰ »

جمع کل ۲۰۰۰۰۰۰۰ »

که تأمین آن از طرف شهرداری در مدت کوتاه میسر نخواهد بود و لازم است که از طرف استانداری و هیأت امنای مقبره الشعرا و علاقه مندان برای تأمین مبلغ مذکور اقدام لازم بعمل آید.

تیمسار سپهبد اسکندر آزموده استاندار آذربایجان شرقی مراتب را برای استحضار آقای هویدا نخست وزیر بحضورشان گزارش و تقاضا کرد که مبلغ مذکور از هر محلی که ممکن است در اختیار شهرداری تبریز قرار گیرد و رونوشت آن را هم برای آقای قدس نخعی رئیس هیأت مدیره انجمن ارسال داشت. از طرف انجمن آثار ملی نیز نامه ای به آقای هویدا نخست وزیر نوشته

و درخواست شد که در تأمین اعتبار برای پردیس مذکور دستور لازم داده شود. نامه انجمن از طرف نخست‌وزیری برای آقای عبدالمجید مجیدی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه فرستاده شد تا بررسی و اقدام نمایند. در پاسخ از طرف سازمان برنامه ضمن نامه‌ای به آقای نخست‌وزیر اطلاع داده شد: «... با اینکه احداث پردیس در اطراف این بنا اصولاً مورد تأیید می‌باشد، ولی با توجه به تنگنای مالی شدید کنونی احداث پردیس می‌تواند پس از خاتمه عملیات اصلی بنای یادبود مقبرة الشعراء انجام پذیرد. مستدعی است موافقت فرمایند اعتبار مورد نیاز احداث پردیس در بودجه سال ۱۳۵۶ پیشینی گردد.» رونوشت این نامه هم به انجمن آثار ملی ارسال گردید.

در تاریخ هفدهم مهرماه ۲۵۳۵ از انجمن آثار ملی به تیمسار سپهبد آزموده استاندار آذربایجان شرقی نوشته شد که «... دوقطعه نقشه که وضع پردیس اطراف بنای یادبود را معلوم می‌دارد به پیوست ارسال می‌گردد. حد شرقی پردیس با جلب نظریاست اداره کل اقتصاد آذربایجان شرقی و موافقت رئیس باشگاه ورزشی کارگران بنحوی در نظر گرفته شده است که از خیابان موجود بین محوطه اداره کل اقتصاد و باشگاه کارگران استفاده شود و برای آنکه به باشگاه کارگران در اجرای این طرح صدمه‌ای وارد نیاید توافق شده است که دیوارهای اطراف باشگاه به نرده تبدیل گردد و در داخل پردیس با وضع موجود باقی بماند. لذا خواهشمند است دستور فرمایند نقشه ضمیمه را برای ملاحظه و تصویب شهرداری تبریز ارسال دارند و از هم اکنون تشریفات مقدماتی آن را طبق مقررات شهرداری برای خرید و تخریب خانه‌های داخل در این نقشه فراهم سازند. بدیهی است چنانکه ذکر شد اداره کل اقتصاد و باشگاه ورزشی کارگران از خرید و تخریب مستثنی است و تنها دیوارهای محوطه آنها به نرده تبدیل خواهد شد. تأیید و تصویب شهرداری را درباره نقشه ارسالی امر به ابلاغ نمایند تا طرح قطعی و نقشه‌های تکمیلی مربوط به پردیس از طرف مهندسان این انجمن تهیه و برای اجرا به شهرداری تبریز ارسال گردد.»

نمونه كوچك (ماكت) : در فروردین ماه ۲۵۳۵ آقای مهندس غلامرضا فرزانمهر به انجمن نوشت که برای محاسبات فنی سقف بنای یادبود مقبرة الشعرا نمونه كوچك (ماكت) سقف ها مورد احتیاج آقای مهندس مشایخ مسئول محاسبات فنی بنای یادبود می باشد و بعد آنیز در موقع اجرای کفراژ بندی و در سایر موارد استفاده از آن لازم می باشد، لذا دستور فرمایند برای ساخت آن اقدام شود.

آقای جودت نیز در همان ایام تأیید و تأکید نمود که اجرای محاسبات فنی بدون نمونه كوچك که روشن کننده وضع سقف است مقدور نیست و بعلاوه برای اجرای کار در موارد مختلف نیز نمونه كوچك مورد نیاز است. پس از مراجعه به چندتن از سازندگان نمونه كوچك (ماكت) قرارداد ساختن آن با مهندس جهانگیر مظلوم یزدی بسته شد که آن را طبق مشخصاتی که آقای مهندس فرزانمهر تعیین نموده تهیه نماید و در مقابل مبلغ نهصد هزار ریال دریافت دارد.

خانه ها و اراضی لازم

خانه ها و باغچه هایی در حریم بنای یادبود مقبرة الشعرا قرار داشت که خرید و تخریب آنها برای بنای یادبود لازم می نمود و سه باب از آنها در سال ۲۵۳۲ جمعاً به مبلغ ۱۲۸۵۰۶۰ ریال و سه باب در سال ۲۵۳۴ جمعاً به مبلغ ۱۹۸۰۰۰۰ ریال بوسیله آقای طهماسب دولتشاهی بنمایندگی انجمن آثار ملی و با اعتبارات انجمن خریداری گردید و پس از تخریب جزو محوطه آرامگاه شد.

چون در جنب بنای یادبود زمین موقوفه ای بود که مورد احتیاج برای بنا بود لذا در تاریخ پانزدهم شهریور ماه ۲۵۳۴ نامه ای از انجمن آثار ملی به سازمان کل اوقاف نوشته شد که چون در قسمت غربی بنای یادبود مقبرة الشعرا در تبریز قطعه زمینی در تصرف اداره اوقاف آذربایجان است که برای بنای یادبود مورد نیاز کامل است خواهشمند است هر گونه مناسب می دانند به اداره اوقاف آذربایجان شرقی دستور فرمایند که قطعه زمین مذکور را بمنظور استفاده برای

کارگاه در اختیار نماینده انجمن قرار دهند.

بموجب موافقت آقای محمدحسین احمدی رئیس سازمان اوقاف جلسه‌ای با حضور نماینده انجمن، متولی موقوفه، مسئول امور اوقافی و سرپرست اوقاف تبریز تشکیل شد و در مورد اجاره يك قطعه زمین پلاك ۱۹۹ واقع در بخش چهار تبریز موقوفه مدرسه سيد حمزه مذاکره و طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری ارزش زمین مزبور که مساحت آن ۶۱۹/۵ متر مربع است مترمربعی دوهزار ریال تعیین شد و اجاره بهای سالیانه آن با احتساب ارزش ملکی مبلغ ۴۹۵۶۵ ریال تعیین گردید.

پس از وصول گزارش امر، انجمن آثار ملی موافقت خود را با اجاره زمین مذکور اعلام داشت و زمین وقتی تحویل گردید. خانه‌های دیگری نیز در حریم بنای یادبود هست که درخواست خرید و تخریب آنها شده است.

* * *

در گزارش کارهای انجمن آثار ملی در سال ۲۵۳۳ اشاره شده است که پس از پایان کار يك طبقه بتون ریزی لاغر و يك طبقه بتون مسلح به قطر ۵۰ سانتیمتر (در مساحت حدود هزار و شصت متر مربع) تعداد شانزده شالوده بزرگ بتون مسلح به اندازه‌ها و بلندیهای مختلف توأم بانصب صفحات فلزی و بکار بستن چهار پایه‌ها و میزهای فلزی (که در دل پایه‌های مذکور جای گرفت) احداث گردید و بر فراز آنها چهل و شش پایه فلزی استخوان بندی بنا تا ارتفاع شش متر استوار گشت... و در گزارش کارهای سال ۲۵۳۴ افزوده شده است که ۴۶ پایه فلزی تا ارتفاع ۱۲ متر و پایه‌های متوسط و بزرگ تا ارتفاع ۱۸ متر نصب شده و پایه‌های برجهای کوچک تا ارتفاع لازم (در حدود ۱۴ متر) ساخته و نصب گشته است. همچنین صدی نود قطعات پیش ساخته مربوط به اشکوب زیرین بنا کار گذارده شده دیوارهای آجری جانبی آن اشکوب تماماً ساخته شده است و استخوان بندی فلزی سقف در دست ساختمان است.

کارهایی که در نیمه اول سال ۲۵۳۵ انجام گرفته عبارت است از:

- ۱ - تهیه و نصب قسمتی از خرپاهای فلزی سقف زیرزمین.
 - ۲ - تهیه قالب برای بتونریزی سقف مذکور.
 - ۳ - انجام یافتن يك قسمت از کارهای سفت کاری و آجرکاری زیرزمین.
 - ۴ - نصب قسمتی از ستونهای فلزی در ارتفاعات بالای ۱۲ متر.
- و اکنون نیز کار ساختمان بنای یادبود ادامه دارد.

در پایان یادآوری این نکته لازم می‌نماید که «انجمن آثار ملی با عقیده و ایمان راسخ احداث بنای یادبود مقبرة الشعرا را در شهر تاریخی و پرافتخار تبریز گامی استوار در خور پیشینه فرهنگی و معنوی خطه عزیز آذربایجان می‌داند و بنای مذکور را نه تنها به عنوان یادبودی از سرایندگان نامی مدفون در آن جایگاه می‌شناسد بلکه چون علاوه بر سرایندگان سابق الذکر شخصیهایی همچون شادروان ثقة الاسلام شهید و خاندانهای قائم مقام و مولوی و شادروان ضیاء الدولة جهانبانی و دیگر افراد برگزیده و فدائی میهن در مجاورت بقعه متبرک سید حمزه و در کنار بنای یادبود مقبرة الشعرا بخاک سپرده شده‌اند، این اثر و یادگار دوران آریامهر را بعنوان یادبودی از سرایندگان نامی ایران و دیگر نام آوران آذرآبادگان بشمار می‌آورد و بمنظور ایجاد هم آهنگی بین آرامگاه شادروان ثقة الاسلام و سایر ابنیه مورد ذکر تصمیم دارد آنچه شایسته این منظور است ضمن اجرای طرح بنای یادبود مقبرة الشعرا انجام دهد. توجه دولت و مقامات مربوط نیز اجرای امر را تسهیل می‌نماید چنانکه ضمن طرح اصلاحی بودجه سال ۲۵۳۳ مبلغ پنجاه میلیون ریال از محل اعتبارات دولتی به اختیار انجمن آثار ملی گذارده شد و موجب پیشرفت کار بنای یادبود گردید».

آرامگاه ادیب الممالک فراهانی

امیری - میرزا محمدصادق ملقب به ادیب الممالک و متخلص به امیری
 فرزند حاج میرزا حسین فراهانی و نواده میرزا معصوم (برادر میرزا ابوالقاسم
 قائم مقام وزیر محمدشاه قاجار) در روز پنجشنبه ۱۴ محرم سال ۱۲۷۷ هجری
 قمری در قریه گازران از توابع اراک دیده به جهان گشود. وی از خردسالی به
 فراگرفتن علوم و ادبیات پارسی و تازی پرداخت. «امیری پانزده سال بیشتر نداشت
 که پدرش به سال ۱۲۹۱ ه.ق. درگذشت و نظم خانواده اش برهم ریخت و او
 بر اثر فشار طلبکاران و تعدیات کارگزاران در سال ۱۲۹۳ ه.ق. پیاده به تهران
 آمد و بعد از چندی... با امیر نظام گروسی آشنا شد و به مناسبت نام او تخلص
 خود را از پروانه به امیری مبدل ساخت... در ربیع الاول ۱۳۱۴ ه.ق. از طرف
 مظفرالدین شاه به لقب ادیب الممالک ملقب شد و در ذیقعدۀ همان سال امیر نظام
 به پیشکاری آذربایجان منصوب شد و امیری با او به تبریز رفت و در ۱۳۱۶ ه.ق.
 معاون و نایب رئیس مدرسه لقمانیۀ تبریز شد. در اوایل سال ۱۳۱۸ ه.ق.
 به قفقاز و از آنجا به خوارزم رفت و پس از چندی به مشهد آمد و تا سال ۱۳۲۰
 ه.ق. در مشهد زیست و گویا در اواخر آن سال یا اوایل سال بعد به تهران آمد و
 در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ ه.ق. نویسنده مهم و درجه اول روزنامه ایران سلطانی
 بود. در سال ۱۳۲۳ ه.ق. سفری به باکو کرد و در آنجا با روزنامه ارشاد ترکی

همکاری داشت و ورقه ضمیمه آن را به فارسی انتشار می داد.
در شعبان ۱۳۲۴ ه.ق. که مجلس شورای ملی گشایش یافت، در تهران بود و سردبیری روزنامه مجلس را که میرزا محمدصادق طباطبائی تأسیس کرده بود بعهده داشت.

در سال ۱۳۲۷ جزو مجاهدان فاتح مسلحاً وارد تهران شد و چندی بعد به خدمت وزارت عدلیه درآمد... امیری در سال ۱۳۳۵ ه.ق. که مأمور عدلیه یزد بود سکنه کرد و به تهران آمد و روز چهارشنبه ۲۸ ربیع الثانی آن سال در ۵۸ سالگی در تهران درگذشت.^۱

ادیب الممالک در انواع شعر بخصوص در قصیده و قطعه استاد بود و اشعارش «بیشتر نماینده زندگانی اجتماعی و مبارزات سیاسی و است و او در وطنیات، سیاست، اجتماعیات و آوردن تمثیلات و حکایات که مبتنی بر نظرهای انتقادی و اصلاحی باشد از نخستین گویندگان استاد جدید ماست».^۲

برای احوال و آثار او می توان به مآخذ ذیل مراجعه نمود: مجله ارمغان (شماره اول، سال سوم، ص ۱۵-۲۵) - مقدمه دیوان ادیب الممالک - تاریخ ادبیات ادواردیرون، جلد چهارم، ترجمه رشید یاسمی، ص ۲۴۵ تا ۲۴۸ - لغت نامه - گنج سخن - از صبا تا نیما، جلد دوم، ص ۱۳۷ تا ۱۴۶ - یادداشت های قزوینی مجله یادگار، سال سوم، شماره ۳، آبان ماه ۱۳۲۵ شمسی.

آرامگاه ادیب الممالک

شادروان ادیب الممالک پس از درگذشت در سمت جنوب باغچه آرامگاه خاندان طباطبائی (نزدیک میدان مرکزی شهر ری) در حجره مرحوم میرزا ابوالحسن قائم مقامی به خاک سپرده شد. در پانزدهم اردیبهشت ماه ۲۵۲۹

۱ - نقل از جلد دوم از صبا تا نیما، ص ۱۳۷ و ۱۳۸، با اندک تصرف و تلخیص.

۲ - گنج سخن، جلد سوم، ص ۲۴۹.

(۱۳۴۹ ه. ش.) نامه‌ای از آقای میرابوالفضل قائم مقامی به انجمن آثار ملی رسید و در آن یادآوری شده بود که حجره‌ای که مدفن شادروان ادیب الممالک است بر اثر مجاورت با دکانهایی که در خیابان جدید الاحداث ساخته شده بصورت مخروبه‌ای درآمده است و چنانچه اقدام مؤثری نشود قریباً ضمیمه دکانها شده از بین می‌رود، از آن مرحوم اولادی هم باقی نمانده است. واستدعا شده بود که نسبت به ساختمان آرامگاهی که شایسته خدمات آن شادروان باشد اقدام شود. از طرف انجمن آثار ملی به آقای حسین جودت مأموریت داده شد تا از محل بازدید بعمل آورده هزینه تعمیرات آن را برآورد نماید. گزارش آقای جودت حاکی از آن بود که لازم است در تعمیر آرامگاه مذکور تسریع شود. در سال ۲۵۳۰ آرامگاه ادیب الممالک سراینده آزاده و بلندمرتبت صدر مشروطیت ایران از طرف انجمن آثار ملی بوضع شایسته و آبرومندی مرمت گردید، زمین اطاق با سنگ فرش شد و ازاره‌های سنگی در اطراف اطاق نصب گردید. سنگ مزار مناسبی از مرمر بجای سنگ مزار پیشین وی که از میان رفته بود نهاده شد و کتیبه‌ای نیز در خور چنین مقامی بر سنگ نقر و بر بالای دیوار آرامگاه نصب گشت. چراغهایی هم تهیه و بر اطراف اطاق آویخته شد. روز بیست و نهم آذرماه سال ۲۵۳۰ آقای جودت به اطلاع انجمن رسانید که کار تعمیر مقبره ادیب الممالک واقع در محوطه آرامگاه طباطبائی از هر حیث به پایان رسیده است.

بر روی سنگ قبر ادیب الممالک این عبارات نوشته شده است:

«آرامگاه استاد سخن ابو عیسی میرزا محمد صادق خان حسینی فراهانی امیر الشعراء ادیب الممالک امیری. چهاردهم محرم الحرام ۱۲۷۷ هجری. بیست و هشتم ربیع الثانی ۱۳۳۵ هجری»^۱

۱ - «در همه مآخذ تاریخ وفات ادیب الممالک سال ۱۳۳۶ ه. ق. ضبط شده ولی مسلماً قول محمد قزوینی که تاریخ وفات او را با قید تاریخ روز و ماه و مدت عمر، سال ۱۳۳۵ ه. ق. ذکر کرده درست تر است. رجوع شود به یادداشت‌های علامه قزوینی، مجله یادگار، سال ۳ آبان ۱۳۲۵ ش ۳» (جلد دوم از صبا تا نیما، ص ۱۳۸).

و کتیبه‌ای که بر بالای دیوار نصب شده چنین است:

« این مکان آرامگاه شادروان ادیب الممالک سراینده آزاده و بلندمرتبت
صدر مشروطیت ایران است که چون مزار وی صورتی متروک و ناپسند یافته بود
از طرف انجمن آثار ملی به تعمیر و تکمیل آن پرداخته شد و سنگ مزار مناسبی
جهت آن فراهم و نصب گردید.

چند قبر دیگر نیز در جوار آرامگاه آن شادروان بزرگوار قرار دارد که
سنگهای هر کدام در محل خود محفوظ و معرف صاحبان آنهاست.^۱»

آبانماه ۱۳۵۰ خورشیدی

مزار سید جمال الدین اصفهانی

سید جمال الدین واعظ اصفهانی از ناطقان و آزادیخواهان بنام و از رهبران صدر مشروطیت بود که در سال ۱۲۷۹ هجری قمری در همدان دیده به جهان گشود. وی با بیانی سخت دلنشین و ایمان کامل به آزادی در شهرهای مختلف و از جمله اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز و تهران به وعظ می پرداخت و در تنویر افکار مردم می کوشید.

سید جمال الدین به دستور عمال محمد علی شاه دربر و جرد زندانی و در سال ۱۳۲۶ قمری مسموم و شهید گشت و آرامگاه وی در همان شهر است. دو رساله از وی به نام «لباس التقوی» و «رؤیای صادق» باقی است و صورت نطقها و مجالس وی به نام (الجمال) به چاپ رسیده است.^۱

آرامگاه سید جمال الدین

در تاریخ چهارم اسفندماه سال ۲۵۲۸ (۱۳۴۸ ه. ش.) آقای دکتر محمود مهران مدیر عامل سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران نامه ای بدین شرح به شادروان تیمسار سپهبد آق اولی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار

۱ - لغت نامه به نقل از فرهنگ فارسی.

ملی نوشتند: «بطوری که استحضار دارند مرحوم سید جمال الدین واعظ اصفهانی از مبارزین راه مشروطیت بود که توسط عمال استبداد بشهادت رسید و هم اکنون قبر او در بروجرد وضع نامطلوبی دارد، در مسافرت اخیر اینجانب به ژنو آقای جمال زاده ضمن اظهار تأثر از این وضع تقاضا داشت انجمن آثار ملی که همواره در احیاء مفاخر ملی و مقابر بزرگان ایران اقدامات مؤثر و مفیدی مبذول می دارند در این مورد بخصوص نیز بذل مساعدت فرمایند...»

انجمن آثار ملی بلافاصله آمادگی خود را برای تعمیر مقبره مذکور اعلام داشت و طی نامه‌ای به اطلاع آقای دکتر مهران رسانید که در جلسه مورخ ۱۳۴۸/۱۲/۱۸ هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی این موضوع مطرح شد و موافقت گردید که انجمن آثار ملی هزینه این کار را از اعتبارات خود بپردازد. طرح کاملی که باراهنمایی آقای مهندس فروغی تهیه و میزان مخارج آن معلوم می شود مورد عمل و اقدام قرار خواهد گرفت.

در تاریخ ششم تیرماه ۲۵۳۰ از طرف انجمن به فرمانداری بروجرد نوشته شد که «بر اثر مراجعه و توجه علاقه‌مندان به مقام شادروان سید جمال الدین اصفهانی خطیب نامدار و شهید راه آزادی ایران از چندی قبل با همکاری سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران طبق نظر و نقشه آقای سناتور مهندس محسن فروغی سنگهای خرابی برای آرامگاه آن شادروان تهیه شده که برای نصب در محل آرامگاه به بروجرد حمل می شود. مقرر فرمائید در انجام این خدمت ملی از طرف رؤسای ادارات و متصدیان مربوط همکاری شایسته بعمل آید.»

سنگ مزار بزرگ يك پارچه از سنگ خارا با قطعات بزرگ دیگر از همان نوع سنگ به بروجرد حمل شد و بر روی مزار آن خطیب نامی و آزادیخواه شهیر که در محوطه باغ شهرداری بروجرد واقع است (قبلاً تنها سنگ ساده محفوری بر روی آن قرار داشت که دیر یا زود از میان می رفت) طبق نقشه‌ای

که آقای مهندس فروغی تهیه کرده بودند بصورتی مناسب نصب و اطراف آن به طرز زیبا و شایسته‌ای بوسیله شهرداری بروجرد چمنکاری و گلکاری گردید. بر روی سنگ قبر این عبارات نقش شده است:

«مزار سیدجمال الدین اصفهانی واعظ شهیر از رهبران نامدار مشروطیت و شهید راه آزادی ایران (۱۲۷۹ - ۱۳۲۶ قمری) - (۱۲۴۱ - ۱۲۸۷ شمسی)». در آذرماه ۲۵۳۱ از طرف انجمن آثار ملی به آقای تفصلی سرپرست شهرداری بروجرد نوشته شد: «از اینکه نسبت به مزارشادروان سیدجمال الدین واعظ شهیر صدر مشروطیت مراقبت لازم معمول می‌فرمایند نهایت تشکر و امتنان را دارد. پاس احترام این قبیل شخصیت‌های خدمتگزار کشور از وظایف عالیۀ اخلاقی هر فرد است.»

نویسنده توانا آقای سید محمدعلی جمال زاده در همان ایام نامه‌ای به آقای سید محمد تقی مصطفوی نوشته درخواست کردند که مراتب امتنانشان را به اعضاء انجمن آثار ملی ابلاغ نمایند. قسمتی از نامه آقای جمال زاده چنین است: «از لطف و تفقدی که درباره مقبره پدرم مبذول میدارند بسیار ممنونم، جای دوری نمی‌رود، سید غریب و بی‌کس بود و سخت غریب بشهادت رسید و از ما بدور مانده است، مستحق رعایت است... با حضرت آقای مهندس فروغی دوستی دیرینه دارم، استدعا دارم پیام ارادتمندی مرا خدمت ایشان ابلاغ فرمائید، از انجمن آثار ملی و از رئیس محترم آن مؤسسه امتنان قلبی پایدار دارم...» آقای جمال زاده در یک مصاحبه تلویزیونی نیز از انجمن آثار ملی ابراز امتنان نموده بودند و در آبانماه ۲۵۳۱ از طرف انجمن به ایشان نوشته شد:

«چند شب پیش مصاحبه‌ای که با آن استاد ارجمند در ژنو شده بود در تلویزیون ملی ایران پخش گردید و بسیار مورد استفاده عموم قرار گرفت و از اینکه اظهار لطف و محبت فرموده راجع به سنگ قبرشادروان پدر بزرگوارتان

در بروجرد انجمن آثار ملی را مورد عنایت قرار داد بدین‌هايت تشکر و سپاسگزاری را دارد و همچنین از آنچه در مجله‌های یغما و وحید در این زمینه مرقوم فرموده‌اید صمیمانه اظهار امتنان می‌نماید، بدیهی است از طرف انجمن آثار ملی جز انجام وظیفه خدمتی صورت نگرفته است...».

بنای یابو و سید جمال الدین اسدآبادی

سید جمال الدین اسدآبادی فرزند صفدر متفکر و مصلح اجتماعی شرق در سال ۱۲۵۴ هجری قمری ولادت یافت. وی مردی آزادیخواه و آزادمنش و دارای افکار و عقاید فلسفی و سیاسی و اجتماعی و طرفدار استقرار دموکراسی در ممالک شرق و ایجاد وحدت میان مسلمانان و تشکیل اتحادیه دول اسلامی بود و همه عمر با استبداد و استعمار مبارزه کرد. در پاریس روزنامه عروۃ الوثقی را انتشار داد و در قاهره و استانبول و هند و افغانستان طی نطقهای پرشور افکار آزادیخواهانه را به مردم تلقین کرد.^۱

ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۶ ه.ق. سید جمال الدین را از ایران تبعید نمود و وی به لندن رفت و در آنجا به انتشار روزنامه «ضیاء الخافقین» پرداخت که به زبانهای عربی و انگلیسی منتشر می شد. چون مجدداً مورد تعقیب قرار گرفت در سال ۱۳۱۰ به درخواست سلطان عبدالحمید عثمانی به استانبول رفت و سرانجام در همانجا در پنجم شوال ۱۳۱۴ ه.ق. مسموم و مقتول شد. از تألیفات او است:

۱ - ابطال مذهب الدهرین

۲ - الدین اساس المدينة و الکفر فساد العمران

۳ - تاریخ افغانستان.

بنای یادبود

از سال ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه. ش.) آقای صفات الله جمالی از منسوبان شادروان سیدجمال الدین اسدآبادی نامه‌هایی به انجمن آثار ملی می‌نوشت و یادآور می‌شد که خانه سیدجمال الدین اسدآبادی در محله سیدان اسدآباد که زادگاه آن نابغه شهیر بوده ویران شده است و آقای بهاء الله جمالی (برادر آقای صفات الله) اخیراً آنرا محصور ساخته است، بجاست که به پاس حرمت آن بزرگ‌مرد که مایه افتخار ایران و جهان است بهرنحوه که صلاح و مقتضی می‌دانند بنای یادبودی در زادگاه او برپا و در کنار آن کتابخانه‌ای تأسیس نمایند.

در اسفندماه سال ۲۵۳۱ انجمن به اطلاع آقای جمالی رسانید که «در باره زادگاه سیدجمال اسدآبادی که از پیش‌تازان حریت و تجدد این سرزمین بوده در جلسه هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی در تاریخ ۱۳۵۱/۱۱/۲۲ مذاکره و مقرر شد که نمایندگان انجمن زادگاه آن بزرگ‌را بازدید نموده نظر خود را گزارش کنند تا از طرف انجمن در باره آن اقدام لازم بعمل آید...».

در همان ایام آقای حسین جودت به انجمن گزارش داد که «محله سیدان تا میدان اسدآباد سه کیلومتر فاصله دارد و در این محله قبرستانی است که در اواسط آن بقعه‌ای به نام امامزاده احمد قرار دارد و در مقابل آن قبرستان و امامزاده خانه سیدجمال الدین است که اکنون زمین محصور است به طول ۱۸ متر و عرض ۱۲/۷۵ متر. در صورتی که موافقت گردد سنگ یادبودی به نام سیدجمال الدین در جای مناسبی از آن زمین نصب و بقیه محوطه باغچه‌بندی و گلکاری گردد و يك اطاق با لوازم آن هم برای نگهبان ساخته شود».

به دستور انجمن نقشه سنگ یادبود آماده شد و در پاسخ نامه‌های متعدد بستگان و منسوبان شادروان سیدجمال الدین که همواره تقاضای تسریع در کار

بنای یادبود درخانه و زادگاه آن سیدجلیل را داشتند نوشته شده که «نقشه سنگ یادبود مربوط به شخصیت بارز سیدجمال‌الدین اسدآبادی تهیه شده و بر روی سنگ مسطحی به ابعاد ۷۰ × ۱۲۰ سانتیمتر برای نوشتن عبارات لازم در نظر گرفته شده است و بزودی دستور اقدامات لازم دیگر هم داده خواهد شد».

گزارش مورخ ۲۵۳۳/۱۱/۲۰ آقای جودت حاکی از آن بود که زمین محصور زادگاه سیدجمال‌الدین برای نصب سنگ یادبود و بنای کتابخانه و اطاق نگهبان و غیره بسنده نیست و باید خانه و زمین مجاور خریداری و ضمیمه آن گردد. بعلاوه لازم است که در مقابل زادگاه، خیابانی برای رفت و آمد زائران احداث شود. در گزارش بعدی، آقای جودت اطلاع داده بود که در تاریخ ۱۳۵۴/۱/۲۵ به اتفاق آقای مهندس گودرز جودت از کارهای مربوط به خانه سیدجمال‌الدین اسدآبادی بازدید بعمل آمد. مصالح لازم در کارگاه آماده و پی‌بندی دیوارهای اطراف پایان یافته بود. چون در فضای موجود که سنگ یادبود در وسط آن نصب می‌شود جای لازم برای بنای اطاق نگهبان و تأسیسات دیگر نیست لذا با حضور معتمدان محل قطعه زمین و خانه مجاور که مساحتش ۱۳۰ متر مربع است به مبلغ ۵۸۵۰۰ ریال خریداری و ضمیمه محل گردید. در جلسه‌ای که در همان ایام با حضور آقایان بخشدار و شهردار اسدآباد و حسین جودت و شادروان حسن سجادی نماینده انجمن آثار ملی در همدان تشکیل گردید آقای جودت اظهار داشت که بنای یادبود سید جمال‌الدین اسدآبادی در زادگاه آن مرد بزرگ به هزینه انجمن آثار ملی ساخته می‌شود و علاوه بر آن تالاری برای کتابخانه و قرائت‌خانه و اطاقی برای نگهبان در زمینی که از طرف انجمن خریداری شده ساخته خواهد شد. مقارن با ساختمان بناها لازم است که هیأت امنائی در محل تشکیل شود تا حفظ و نگهداری ابنیه بعهده آن هیأت گذارده شود.

در همین جلسه آقایان بخشدار و شهردار اسدآباد وعده دادند که معبر

- مقابل بنارا تسطیح و آماده عبور و مرور زائران نمایند.
- در تاریخ ۲۵۳۴/۳/۲۲ آقای اجودت گزارش داد که کارهای انجام شده بنای یادبود سید جمال الدین اسدآبادی از اینقرار است:
- ۱ - دیوارهای زادگاه ساخته شده است.
 - ۲ - سکوی سنگ یادبود در زادگاه سید جمال الدین با پی ریزی محکم ساخته و آماده شده است.
 - ۳ - سنگ یادبود از همدان به اسدآباد حمل گردیده و آماده تراش است.
 - ۴ - معامله قطعه زمین و خانه مجاور انجام گردیده و بهای آن پرداخته شده است.
 - ۵ - آقای ابوسعید بخشدار و آقای هوشنگ مؤید شهردار اسدآباد متعهد شده اند که خیابانی در مقابل بنای یادبود سید جمال الدین احداث نمایند.
 - ۶ - بمنظور تأمین برق بنای یادبود اقدام شده و مقرر گردیده است که برق سه فاز ده آمپر برای بنای یادبود داده شود.
 - ۷ - برای تأمین آب نیز قبلاً اقدام شده و اکنون در کارگاه از آن استفاده می شود.
 - ۸ - آقای جلال جمالی برای تحویل گرفتن کتابهای اهدائی انجمن و تنظیم و ترتیب و نگهداری آنها تعیین گردیده است.
- در گزارش سالیانه انجمن مربوط به سال ۲۵۳۴ آمده است که «بنای یادبود سید جمال الدین اسدآبادی در زادگاه او (اسدآباد همدان) در زمینی به مساحت ۱۵ × ۲۰ متر در فروردین ماه ۲۵۳۴ شاهنشاهی آغاز شد و به علت نیاز به محل ساختمان اطاق نگهبان و دفتر قطعه زمینی به مساحت ۱۳۰ متر مربع در مجاورت آن خریداری و ضمیمه محوطه گردید و تا پایان سال ۲۵۳۴ شاهنشاهی کار دیوارسازی محوطه و ساختمان نگهبان و محل و قبر و تسطیح

کف محوطه و سکوها با سنگ خارا انجام گرفته، تخته سنگ یادبود و لوحه فلزی تهیه و نصب گشته و کارهای تکمیلی هم در دست انجام است.»

در خردادماه ۲۵۳۵ آقای دکتر محمود مهران مدیرعامل سازمان حفاظت آثار باستانی به انجمن آثار ملی نوشتند که آقای صفات‌الله جمالی اسدآبادی ضمن نامه‌ای اعلام داشته است که در زادگاه مرحوم سیدجمال‌الدین اسدآبادی اقداماتی صورت گرفته و از جمله در وسط محوطه زادگاه سکوی وسیع و بزرگی بنا شده و در مرکز آن میله و لوحه‌ای قرار گرفته و شرح خدمات آن شادروان به خط نستعلیق جلی بر روی لوح نقش شده است. سه اطاق هم در جبهه شمالی بنا برای کتابخانه و پذیرائی از واردین و سکونت نگهبان احداث شده و چندین مجلد کتاب نیز برای کتابخانه آنجا از طرف انجمن فرستاده شده است. در ضمن تقاضا کرده است که توجه بیشتری به تکمیل ساختمان و محوطه آن بشود. چنانچه از لحاظ امور فنی احتیاجی به کمک این سازمان باشد اطلاع دهند تا این سازمان بوسیله دفتر فنی خود در کرمانشاهان اقدام لازم معمول دارد.

در پاسخ نامه آقای دکتر مهران نوشته شد که کار بنای یادبود در زادگاه سیدجمال‌الدین در اسدآباد در شرف اتمام است و بزودی به پایان خواهد رسید. گزارش مورخ ۲۵۳۵/۵/۴ آقای جودت حاکی از آن بود که کارهای بنای یادبود خاتمه یافته است. در این گزارش آمده بود که

کارهای بنای یادبود سیدجمال‌الدین اسدآبادی و از جمله محوطه سازی و ساختن دیوارهای اطراف و سر در ورودی و فرش کف و نصب سنگ یادبود و چمن کاری محوطه کلاً انجام شده است. اطاق نگهبان با نظافتگاه و آشپزخانه و اطاق کتابخانه از حیث فرش کف و نصب در و پنجره و سفیدکاری و عایق کاری خاتمه یافته است. قفسه‌های کتابخانه در اطاق کتابخانه نصب شده و کتابهای اهدائی انجمن در آنها قرار داده شده است. چون تاکنون از طرف بخشداری و

شهرداری اسدآباد در بارهٔ احداث خیابان مقابل بنای یادبود اقدامی نشده است قرار شد که از استانداری همدان خواسته شود که در این مورد اقدام لازم بعمل آورند.

در نهم مردادماه ۲۵۳۵ به نمایندۀ انجمن آثار ملی در همدان نوشته شد که «بنای یادبود که در زادگاه سید جمال الدین اسدآبادی خاتمه یافته است تحویل شمایی گردد. در موارد لزوم از آنجا بازدید نموده ترتیب کارهای لازم را بدهید، برای نگهبان و سرپرست کتابخانهٔ آنجا فعلاً ماهیانه ۵۰۰ ریال پرداخته می شود و متصدی مذکور مشمول دریافت کمک هزینهٔ غیر نقدی نیز خواهد بود. هزینهٔ آب و برق و سایر هزینه های متفرقه مربوط به آن بنارا نیز پرداخت خواهید نمود و اسناد مربوط را به انجمن ارسال خواهید داشت. موضوع مهم دیگر احداث خیابان مقابل بنای یادبود مذکور است، رونوشت شرحی که اخیراً برای استانداری همدان در این باره نوشته شده برای شما ارسال می گردد تا موضوع را در محل تعقیب نمائید.»

به آقای قدرت الله خدایاری استاندار همدان نوشته شده بود که «... چون کارهای ساختمانی بنای یادبود سید جمال الدین اسدآبادی به پایان رسیده و تا کنون دربارهٔ خیابان مقابل بنای یادبود عملاً کاری انجام نشده است خواهشمند است دستور فرمائید بخشداری و شهرداری اسدآباد این تقیصه را نیز مرتفع نمایند تا بنای یادبود برای گشایش و بازدید علاقه مندان آماده گردد.» عباراتی که برای کتیبۀ بنای یادبود از طرف انجمن تهیه و تصویب گردید چنین است:

«سید جمال الدین اسدآبادی (تولد در کوی سیدان اسدآباد ۱۲۵۴ هـ. برابر ۱۲۱۷ خورشیدی = ۱۸۳۸ میلادی - درگذشت در استانبول (ترکیه) ۱۳۱۴ هـ. برابر ۱۲۷۴ خورشیدی = ۱۸۹۵ میلادی) از جمله پیشقدمان حریت و آزادی ایران بوده مبارزات دلیرانه اش با عمال استبداد ثبت تاریخ و کوششهای

پیگیرش در راه اتحاد و اتفاق ملل مسلمان مشهور آفاق است.
این سنگ یادبود از طرف انجمن آثار ملی ایران تهیه و در زادگاه آن
شادروان نصب گردید تا خاطره خدمات گرانقدر آن بزرگمرد برای همیشه
در زادگاهش طنین‌انداز و در دیدگاه زائران و جهانگردان برقرار و
بایدار باشد.»

آرامگاه وحید دستگردی

و

عبرت مصاحبی نائینی

وحید دستگردی^۱ - حسن وحید دستگردی در سال ۱۲۹۸ هجری قمری مطابق با ۱۲۵۸ خورشیدی در قریه دستگرد خیار که در یک فرسخی جنوب غربی اصفهان قرار دارد متولد گردید. وحید در خردسالی در یکی از مکتب‌خانه‌های محل به تحصیلات مقدماتی پرداخت، سپس برای ادامه تحصیل رهسپار شهر اصفهان گردید و مدتی در آن شهر به تحصیل مشغول بود و علوم ادب و حکمت و فقه را از استادان بزرگی چون میرزایحیی مدرس اصفهانی، جهانگیرخان قشقائی، سید محمد باقر درچه‌ای و مرحوم آخوند ملا محمد کاشی فراگرفت و به مرحله کمال رسید.

در سال اول مشروطیت (۱۳۲۴ ه.ق.) وحید در صف آزادیخواهان و

۱ - از دوست فاضل گرامی آقای محمود وحیدزاده دستگردی (نسیم) خواهش کردم که شرح حال پدرشان شادروان وحید دستگردی را برای درج در این صفحات بنویسند و شرح حال مبسوطی از آن ادیب وحید نوشته برای اینجانب ارسال داشتند که اینک خلاصه‌ای از آن در اینجا نقل می‌شود و همه آن نوشته سودمند را در فرصت دیگری چاپ و منتشر خواهم نمود، از لطفشان بسیار سپاسگزارم.

مشروطه‌طلبان در آمد و نگارش مقالات سیاسی و ادبی چهار روزنامه معروف را که در آن زمان در اصفهان به نام زاینده رود، پروانه، درفش کاویان و مفتش ایران منتشر می‌شد بعهده گرفت. در آغاز جنگ جهانی اول شادروان وحید که در میهن‌خواهی و وطن‌پرستی شهرتی بسزایافته بود به چهارم محال بختیاری رفت و پس از دو سال اقامت در آنجا در سال ۱۳۳۶ ه.ق. به اصفهان مراجعت و پس از چند ماهی به طهران مسافرت نمود و بقصد اقامت همیشگی این شهر را مرکز فعالیت‌های ادبی خویش قرارداد. در همین ایام با دوستی و ارتباطی که با مرحوم علیخان ظهیرالدوله پیدا کرده بود به راهنمایی و ارشاد وی قدم در راه سیر و سلوک نهاد. شادروان وحید دستگردی در بهمن ماه ۱۲۹۸ شمسی نخستین شماره مجله ادبی و تاریخی ارمغان را در تهران منتشر ساخت. این مجله مدت بیست و دو سال در زمان حیات مرحوم وحید انتشار یافت و پس از درگذشت آن بزرگ تاکنون به مدیریت فرزندش وحیدزاده (نسیم) منتشر شده است.

شادروان وحید دستگردی در سال ۱۲۹۹ شمسی انجمن ادبی ایران را در خانه مسکونی خویش دایر نمود و مدتی نیز جلسات انجمن در وزارت معارف تشکیل می‌شد و پس از چندی وحید به عللی از انجمن کناره‌گیری کرد و انجمن ادبی حکیم نظامی را در خانه خود تأسیس نمود. در انجمن ادبی حکیم نظامی که هنوز هم دایر است آثار ادبی بسیاری تصحیح و تحشیه و تفسیر شده و بچاپ رسیده و از آنجمله است: سبعة حکیم نظامی گنجوی، دیوان جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی، دیوان ابوالفرج رونی، دیوان هاتف اصفهانی یا ره آورد وحید، دیوان باباطاهر، دیوان ادیب الممالک، جام جم اوحدی، دیوان قائم مقام فراهانی، بختیارنامه، تحفه سامی، تذکره نصر آبادی، رسائل خواجه عبدالله انصاری و غیره.

شادروان وحید دستگردی روز سه‌شنبه هشتم دیماه ۱۳۲۱ ه.ش. در ساعت هشت و نیم بعد از ظهر پس از شصت و سه سال زندگانی درگذشت و در شمال غربی امامزاده عبدالله در شهر ری بخاک سپرده شد.

عبرت مصاحبی نائینی

میرزا محمد علی مصاحبی نائینی متخلص به عبرت در رمضان سال ۱۲۸۵ هجری قمری در اصفهان دیده به جهان گشود. وی در اصفهان نزد استادان بزرگ علم و ادب آموخت و در شعر و شاعری شهرت یافت، از سال ۱۳۰۴ ه. ق. که پدرش درگذشت به سیر در آفاق و انفس پرداخت و مدت هفده سال در سیاحت و سیر و سفر بود و در این مدت بخدمت جمعی از مشایخ و عارفان رسید و خود قدم در سیر و سلوک نهاد. در سال ۱۳۲۱ ه. ق. به اصفهان آمد و از آن پس به تهران روی آورد و تا پایان عمر در آنجا بسر برد. عبرت در نوشتن انواع خط خاصه خط نسخ مهارت داشت و غالباً از راه استنساخ امرار معاش می کرد. نوشته اند که^۱ «عبرت پیری روشندل، شاعری ادیب، عارفی کامل و خطاطی ماهر بود». عبرت در نوزدهم دیماه سال ۱۳۲۱ ه. ش. درگذشت و در امامزاده عبدالله در کنار قبر وحید دستگردی بخاک سپرده شد.

شادروان میرزا محمد خان قزوینی در وفيات معاصرین نوشته است^۲ که «عبرت نائینی شاعر معروف و هو محمد علی بن عبد الخالق بن میرزا حبیب الله بن میرزا علی اکبر النائینی اصلاً و الاصفهانی مولداً و منشأً و الطهرانی مسکناً و مدفناً در ۱۹ دی ۱۳۲۱ شمسی مطابق ۹ ژانویه ۱۹۴۳، و گلچین معانی آشنای ما در تاریخ وفات او گفته:

نوزده روز گذشت از دی مه مرد عبرت و علیه الرحمه

عبرت تذکره مبسوطی از شاعران معاصر به نام «مدینه الادب» تدوین کرده و کتاب دیگری به نام «نامه فرهنگیان» دارد که نسخه خطی هر دو در کتابخانه

۱- تذکره شعرای معاصر اصفهان.

۲- یادداشتهای قزوینی، جلد هشتم، ص ۲۱۰.

مجلس شورای ملی موجود است.^۱

آرامگاه

در آذرماه سال ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه. ش.) نامه‌ای به امضاء آقایان: علی اصغر حکمت، جلال الدین همائی، محمدعلی ناصح، شادروان عبدالرحمن فرامرزی و سیدمحمد محیط طباطبائی بدین شرح به انجمن آثار ملی رسید: «بطوری که استحضار دارند مرحوم حسن وحید دستگردی یکی از شعرای دانشمند معاصر بود که علاوه بر نشر مرتب مجله ارمان به تصحیح و تنقیح و چاپ دواوین چندتن از شعرای بزرگ ایران نیز پرداخت و خدمتی بزرگ به زبان و ادب فارسی انجام داد.

وحید در دیماه سال ۱۳۲۱ رخت به سرای باقی کشید و درامامزاده عبدالله بخاک سپرده شد. اکنون متولی امامزاده به تسطیح قبور واقع در آن محل پرداخته و چون قبر مرحوم وحید در گوشه‌ای واقع شده که پس از تسطیح و گذشت چند سال احتمال دارد آثار آن از بین برود لذا تقاضا داریم بمنظور بزرگداشت جامعه علم و ادب و حرمت کسی که خود را وقف زنده نگاهداشتن زبان و ادبیات پارسی نموده دستور فرمایند بنائی درخور، بر آرامگاه او بسازند.

در جوار قبر مرحوم وحید قبر شاعر استاد عبرت مصاحبی نائینی است و بدینوسیله از امحاء قبر آن مرحوم نیز جلوگیری بعمل خواهد آمد.»

آقای سیف‌الله وحیدنیامدیر مجله وحید نیز در این باره نامه‌هایی به انجمن نوشته و درخواست کرده بودند که با توجه و عنایت اعضای دانشمند انجمن آثار ملی این کار خیر صورت عمل بخود بگیرد.

از طرف انجمن آثار ملی به آقایان نصیر عصار معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان اوقاف و دکتر شادمان استاندار استان مرکزی نوشته شد

که « طبق گزارشی که به انجمن آثار ملی رسیده قبر وحید دستگردی شاعر بزرگ معاصر و همچنین قبر عبرت مصاحبی نائینی که او نیز از شعرای بزرگ این عصر است در انتهای قبرستان امامزاده عبدالله قرار دارد. آقایان دکتر صدیقی و سید محمد تقی مصطفوی و حسین جودت نمایندگان انجمن از محل قبرهای مذکور بازدید بعمل آوردند و معلوم شد که طبق تصمیم متصدیان قبرستان همه قبور آنجا هم کف با زمین می شود و چون حفظ آثار قبرهای این دو تن ادیب معاصر مورد توجه ادب دوستان و دانشوران است، انجمن آثار ملی مصمم است بنائی بر روی قبرهای مذکور احداث کند، لذا تقاضا دارد به متصدیان مقابر امامزاده عبدالله دستور فرمایند که اجازه دهند انجمن بنحوی که تصمیم دارد در حفظ و نگهداری این دو قبر اقدام نماید.»

نامه هایی نیز به شهرداری تهران و شهرداری شهرری نوشته و تقاضا شد که پروانه لازم برای بنای مذکور صادر نمایند. چون از طرف شهرداری تعهد خواسته شده بود که در مقبره ای که بنا می شود دفن جدیدی نشود، انجمن در این باره متعهد گردید و پس از مکاتبات متعدد سرانجام پروانه ساختمان آرامگاه صادر گردید.

هیأت مؤسین انجمن آثار ملی تصویب نمودند که طبق نقشه تهیه شده ساختمان آرامگاه آغاز گردد و آقای حسین جودت ساختمان بنا را بطور امانی بعهده گرفت و در سال ۲۵۳۱ ساختمان به پایان رسید. آرامگاه مذکور اطاقی است بطول ۴/۵ متر و عرض ۳/۵ متر که در دو طرف شمال و جنوب آن دو پنجره تعبیه شده و در اطراف در ورودی نیز پنجره هایی با کاشی ساخته شده است. زمین آرامگاه با سنگ مفروش و ازاره های چهار طرف نیز از سنگ می باشد. بر روی سنگ قبر وحید نوشته شده است :

«آرامگاه استاد سخن شادروان حسن وحید دستگردی مدیر مجله ادبی

ارمغان متولد سال هزار و دویست و نود و هشت متوفی شب بیستم ذی الحجه

۱۳۶۱ هجری قمری مطابق با هشتم ماه دی ۱۳۲۱ خورشیدی» .

بر روی سنگ قبر عبرت چنین نقش شده است :

ایجوانان که شکر گفتارید	از خموشان جهان یاد آرید
چو رسیدید بر این تربت پاک	قدم آهسته گذارید بخاک
عبرت استاد سخن سنج شهیر	آن سراینده بيمثل و نظیر
اینك آرامگاه اینجا دارد	دست کوتاه ز دنیا دارد
چه توان کرد سرانجام اینست	حاصل گردش ایام اینست
یاد آرید از این خفته که بود	برتر اندیشه اش از چرخ کبود
پیشه اش نیکی و خیر اندیشی	شیوه آزادگی و درویشی
در سلوکش چو یقین حاصل شد	خرقه بر کند و بحق واصل شد
نوزده روز چورفت از دی مه	مرد عبرت و علیه الرحمه

۱۳۲۱

از طرف انجمن آثار ملی این عبارات بر سنگ نقش و بر بالای دیوار

آرامگاه نصب شده است :

«به پیروی از منویات ذات خجسته اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی شاهنشاه آریامهر آرامگاه دونفر از شخصیت‌های ارجمند فرهنگ و ادب ایران شادروانان محمدعلی عبرت مصاحبی نائینی و حسن وحید دستگردی از طرف انجمن آثار ملی ساخته و پرداخته شد. ۱۳۵۱ خورشیدی».

سنگ قبر ایرج

و

سنگ قبر سری

ایرج - جلال الممالک ایرج میرزا فرزند غلامحسین میرزا پسر ملک ایرج بن فتحعلیشاه در اوایل ماه رمضان سال ۱۲۹۱ هجری قمری در تبریز ولادت یافت و پس از تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه دارالفنون تبریز شد. ایرج در فارسی و تازی و فرانسوی مهارت داشت و روسی و ترکی نیز آموخته بود. وی بسبب قریحه و ذوق سرشار مورد توجه و عنایت شادروان امیر نظام گروسی واقع شد؛ ایرج در سال ۱۳۰۹ ه. ق. که ۱۹ ساله بود از طرف ولیعهد (مظفرالدین میرزای قاجار) به لقب صدرالشعرائی ملقب گردید ولی از قبول لقب امتناع نمود و وارد خدمت دولت شد و به مشاغل گوناگونی پرداخت. از کارهای سودمند او هنگام خدمت در وزارت معارف تأسیس اداره عتیقات بود. نوشته‌اند که «شعر ایرج ساده و روان و مشتمل بر کلمات و تعبیرات عامیانه است ... وی سبک قدیم را که در آن توانا بود رها کرد و خود سبکی خاص پدید آورد. در این سبک افکار نو و مضامینی که گاه از ادبیات خارجی اقتباس شده و گاه مخلوق اندیشه شاعر است و نیز مسائل مختلف اجتماعی و هزلیات و شوخیهای نیشدار و ریشخندها و تمثیلاتی که شاعر از غالب آنها نتایج اجتماعی در نظر

دارد با زبانی بسیار ساده و گاه نزدیک به زبان مخاطب بیان شده است^۱. ایرج روز دوشنبه بیست و هفتم شعبان ۱۳۴۳ ه. ق. مطابق با ۲۲ اسفند ۱۳۰۴ ه. ش. درگذشت.

قبر ایرج- در بهمن سال ۲۵۳۲ (۱۳۵۲ ه. ش.) از طرف هیأت مشاوره انجمن اخوت نامه‌ای بدین شرح به انجمن آثار ملی رسید:

« نظر به اینکه مقام ادبی شادروان ایرج میرزا (جلال الممالک) ایجاب می‌نماید که از طرف آن انجمن نسبت به ترمیم و تعمیر آرامگاه وی که در محل مقبره صفا (ظهیرالدوله) قرار دارد اقدام بشود، متمنی است با توجه به اینکه طرح جدید مقبره او توسط آقای مهندس جودت تنظیم شده و نمونه کوچک (ماکت) آن توسط انجمن اخوت که مسئول حفظ و نگاهداری آرامگاه صفا می‌باشد تهیه شده و مورد تأیید هیأت مشاوره انجمن اخوت قرار گرفته و به انجمن آثار ملی فرستاده شده است، خواهشمند است مقرر فرمایند از محل اعتبارات آن انجمن نسبت به اجرای طرح مذکور که مورد تأیید آن انجمن نیز می‌باشد تسریع فرمایند».

در پاسخ نامه مذکور نوشته شد که راجع به تعمیر و ترمیم آرامگاه شادروان ایرج میرزا باستحضار می‌رساند که در این باره اقدام شده و سنگهای آرامگاه مذکور که از معدن گرانبه همدان استخراج شده به تهران حمل و پس از تراش به نصب آنها اقدام خواهد شد. در پاسخ نامه‌های وزارت فرهنگ و هنر و افرادی چون آقای ابراهیم صهبا که در این باره درخواست تسریع در اقدام داشتند نیز یادآوری می‌شد که بزودی این امر انجام خواهد گردید.

سرانجام با همکاری عملی انجمن اخوت ترتیب احداث سکوی مناسبی با تخته سنگهای خارا و سنگ بزرگ يك پارچه خارا برای روی قبر ایرج میرزا در گورستان ظهیرالدوله داده شد و سنگ پیشین را هم در کنار سنگ بزرگ

بصورت مناسب قرار دادند و اشعاری را که شادروان ایرج میرزا برای لوح مزار خود سروده و بر روی سنگ پیشین نقش شده بود بر روی لوحه‌های فلزی نگاشته و بر روی تخته سنگ خارای مذکور نصب نمودند. اینک بر روی آرامگاه سه لوحه فلزی نصب شده است:

یکی به شکل مربع که بر بالای سنگ قبر قرار دارد و بر روی آن نوشته شده است:

«ایرج میرزا جلال الممالک تولد ۱۲۹۰ قمری درگذشت ۱۳۴۴ قمری»

دو صفحه فلزی مستطیل شکل نیز یکی در طرف راست صفحه سابق الذكر و یکی در زیر آن صفحه مربع شکل قرار دارد و بر روی هریک پنج بیت از ابیات مذکور نقش شده است. بر روی لوحه اول این ابیات نوشته شده:

ای نکویان که در این دنیا آید	یا از این بعد به دنیا آید
اینکه خفته است در این خاک منم	ایرجم ایرج شیرین سخنم
مدفن عشق جهانست اینجا	یک جهان عشق نهانست اینجا
من همانم که در ایام حیات	بی شما صرف نکردم اوقات
گرچه امروز به خاکم مأواست	چشم من باز به دنبال شماست

و بر روی لوحه دوم نوشته شده است:

هر که را موی خوش و روی نکوست	مرده و زنده من عاشق اوست
تا مرا روح روان در تن بود	شوق دیدار شما در من بود
بعد چون رخت ز دنیا بستم	باز در راه شما بنشستم
بگذارید به خاکم قدمی	بنشینید بر این خاک دمی
گاهی از من به سخن یاد کنید	در دل خاک دلم شاد کنید

سنگ قبوسری - بدیع الزمان نوربخش شاعر نابینای قاضی متخلص به

«سری» در چهاردهم رجب سال ۱۳۱۹ هجری قمری ولادت یافت و در بیست و نهم شوال ۱۳۶۵ درگذشت و در پائین قبر ایرج بخاک سپرده شد . بنا به درخواست آقای ابراهیم صهبای و اشارت آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی انجمن آثار ملی نسبت به تجدید سنگ قبر این شاعر نایینای بیرجندی اقدام نمود .

آقای صهبای قطعه شعری از سروده‌های سری فرستاده بود که بر صفحه‌ای فلزی نقش و بر روی سنگ خارای جدید نصب گردید و آن ابیات چنین است :

من که خاک است کنون مأوایم	سریم سری نایینایم
بوجود آمدم از مادر ، کور	کور و کور رفتم و خفتم در گور
شاعری شد به جهان پیشه من	هنر شعر بد اندیشه من
نه مرا محرم اسراری بود	نه مرا مونس و غمخواری بود
عاقبت رخت ز دنیا بستم	وز غم کوری و کوری رستم

و در ذیل این ابیات نوشته شده است :

« قطعه شعری است که بدیع الزمان سری (تولد ۱۳۱۹ ه . - درگذشت ۱۳۶۹ ه .) سراینده نایینای قایینی برای سنگ مزار خود سروده است . »

بنای یابو بو و امیر کبیر

میرزا تقی خان امیر نظام که بعدها مشهور به امیر کبیر شد اصلاً از مردم هزاوه فراهان است و پدرش مشهدی باقر طباطبائی میرزا ابوالقاسم قائم مقام بود. میرزا تقی خان که در خاندان قائم مقام تربیت یافته بود در جوانی در تبریز وارد دستگاه ناصرالدین میرزا ولیعهد شد و بتدریج ترقی کرد تا سرپرستی ولیعهد و محول گردید. «پس از مرگ محمد شاه در سال ۱۲۶۴ میرزا تقی خان ولیعهد را به تهران حرکت داد و وسائل استقرار سلطنت او را فراهم آورد و با مقام صدارت عظمی به رتق و فتق امور پرداخت و دستگاه دولت و دربار را دقیقاً تحت نظارت قرار داد. مستمریهای بیجا را قطع کرد، امور مالی کشور را متمرکز ساخت، مالیاتهای معوقه را وصول کرد، قشون را منظم نمود، با دول همسایه روابط سیاسی بر اساس دوستی متقابل دایر کرد و قیود سیاسی را درهم شکست، با تأسیس دارالفنون و استخدام معلمان اروپائی بنیاد فرهنگ نور را ریخت...» سرانجام بتحریر مخالفان، ناصرالدین شاه او را عزل و به کاشان تبعید کرد و در سال ۱۲۶۸ هجری قمری در فین کاشان کشته شد.

خانه امیر کبیر - هزاوه زادگاه امیر کبیر در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی اراک و در دره مصفا و زیبائی قرار گرفته است. دره هزاوه شمالی جنوبی و بطول تقریبی ۴ کیلومتر و عرض بین یک کیلومتر تا ۳۰۰ متر است و در دهانه



میرزا تقی خان امیر کبیر

دره قریه بزرگ و آبادی به نام مهران قرار دارد. هزاوه در میان کوههای پربرف محصور و زیباترین ناحیه فراهان جنوبی است. در دره مذکور هفت قریه یا هفت محله وجود دارد که عبارتست از محله های: کوه بر - بزرگ - پایین - سر آسیابها - تره زار - امامزاده و محله چاله. جمعیت تقریبی این هفت محله دوازده هزار نفر است. خانه ای که میرزا تقی خان امیر کبیر در آن بدنیا آمده و سالهای کودکی و نوجوانی خود را در آن بسر برده در نقطه ای است مشهور به سریال (بفتح سین) در حد شرقی «میان ده» که بخشی است از «محل بزرگ» هزاوه. ساختمان اصلی بکلی از میان رفته و اکنون در حاشیه غربی آن خانه مسکونی یکی از اهالی محل است.

بنای یادبود - در آذرماه سال ۱۳۳۲ آقای مهرداد پهلبدوزیر فرهنگ و هنر

به انجمن آثار ملی نوشتند: «بطوری که اطلاع دارید میرزا تقی خان امیر کبیر که از رجال بزرگ ملی قرن اخیر ایران می باشد در هزاوه از توابع شهرستان اراک بدنیا آمده و بمناسبت خدمات ارزنده ای که در محیط و اوضاع نامناسب عصر خود در راه پیشرفت امور فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور انجام داده است ضرورت دارد از او به نحو شایسته ای تجلیل شود. وزارت فرهنگ و هنر دوبار کارشناسانی را به هزاوه فرستاده است که رسیدگیهای لازم بعمل آورند تا خانه شخصی امیر کبیر بازسازی و احیاء و با شیوه خاصی ارائه و معرفی شود. متأسفانه تحقیقات انجام شده حاکی از آنست که خانه مسکونی امیر کبیر بکلی خراب شده ولی محل و زمینی که خانه مذکور بر روی آن قرار داشته است بطور قطع مشخص و معلوم می باشد. بنابراین با توجه به اینکه انجمن آثار ملی همواره از شخصیت های ملی و فرهنگی بطور شایسته ای تجلیل می نماید مراتب را به اطلاع میرساند تا برای میرزا تقی خان امیر کبیر نیز بنای یادبودی احداث نمایند.»

آقای حسین جودت به دستور انجمن آثار ملی از مجل خانه امیر کبیر در هزاوه بازدید کرد و به اطلاع انجمن رسانید که روی زمینی که خانه امیر کبیر بوده است اکنون دیگری خانه ای بنا نموده و مساحت آن زمین در حدود چهار صد متر مربع می باشد. این خانه در دامنه غربی تپه ای قرار دارد و در شمال و مشرق آن اراضی آزاد و بلا مالک است. برای احداث و ایجاد سنگ یادبودی در زادگاه امیر کبیر اینک طرحی تهیه شده تا باغچه ای روی تپه مشرف بر زادگاه آن مرد بزرگ و مصلح سترگ تعبیه گردد و سنگ یادبودی در وسط آن نصب گردد. نقشه سنگ یادبود مذکور و همچنین نقشه اجرایی کارهایی را که در محوطه باید انجام گیرد آقای مهندس فروغی تهیه و ابلاغ خواهند فرمود. در اسفند ماه سال ۲۵۳۳ از طرف انجمن به آقای مهندس فروغی نوشته شد:

«بطوری که مستحضرنند در جلسه هیأت مؤسسين تصویب شد سنگ یادبودی تهیه و در هزاوه زادگاه امیر کبیر در محلی مناسب نصب گردد. طرحی که بوسیله

نماینده انجمن تهیه شده است ارسال میگردد. خواهشمند است دستور فرمایند در تهیه طرح و نقشه سنگ یادبود آن مرد بزرگ تاریخ اقدام نمایند. »

به کتابخانه ملی نیز نوشته شد که «انجمن آثار ملی مصمم است مجسمه‌ای از امیرکبیر که از رجال برجسته و از پیشتازان تجدد و اصلاحات ایران می‌باشد تهیه کند. بقراری که در جلسه هیأت مؤسسين روز ۱۳۵۴/۲/۲۱ مذاکره گردید يك تابلو نقاشی از امیرکبیر که متعلق به شادروان حسن مهران (حاجی معتضدالدوله رفاهی) بوده به آن کتابخانه تعلق دارد و در آنجا موجود است. بمنظور استفاده از آن تابلو که در زمان حیات امیرکبیر ساخته شده و از هر جهت اصیل و مستند است و بهترین مدرک برای معرفی آن بزرگ مرد می‌باشد تقاضا دارد اجازه فرمایند از روی آن عکسهای لازم برای استفاده در تهیه مجسمه مورد نظر به هزینه انجمن آثار ملی برداشته شود. »

هم‌اکنون محوطه بنای سنگ یادبود در هزاره آماده شده و بزودی در تهیه و نصب سنگ و همچنین تهیه مجسمه اقدام خواهد شد.

تعمیر آثار تاریخی کلات

در سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه. ش.) آقای علمی مدیر ابنیه تاریخی طبق نظر انجمن آثار ملی با وجود دشواریهای فراوان به کلات رفت و برای نخستین بار نسبت به تعمیرات عمارت تاریخی خورشید که بنای معظم تاریخی منحصر بفرد از آثار نادر شاه است اقدامات اساسی انجام داد، قسمتهایی از دیوارهای فرو ریخته و ویران بنای مذکور با سنگهای اصلی آن تعمیر شد و وضع نامتناسب مجاور آن عمارات اصلاح گردید و باغ آن تاحدی بصورت مناسب تغییر یافت.

بقعه شاه قاسم انوار

بنای تاریخی بسیار مفصل بقعه شاه قاسم انوار در نزدیکی تربت جام از آثار امیرعلیشیر نوایی (مربوط به قرن نهم هجری) بصورت ویرانی افتاده قسمتهای موجود آن بر اثر شکافها و ریختگی قسمتهای دیگر در معرض انهدام

۱ - برای آگاهی از احوال و آثار و چگونگی آرامگاه شاه قاسم انوار رجوع شود به آثار باستانی خراسان، جلد اول، از صفحه ۱۰ تا صفحه ۲۹.

قرار داشت . در سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه. ش.) شادروان حاج حسین ملک برای تعمیر آن مبلغ پانصد هزار ریال تقبل نمود و قسمتی از آن را به اختیار انجمن آثار ملی گذارد و آقای علمی مدیر ابنیه تاریخی با استفاده از مبلغ اعطائی آقای ملک و مبلغی از اعتبارات انجمن آثار ملی قسمت زیادی از تعمیرات بقعه را انجام داد .

۴۲

آرامگاه حافظ

باغ زیبای آرامگاه حافظ که بعلمت فقدان اعتبار با وجود مجاهدتهای فراوان ادارات فرهنگ و آثار باستانی فارس وضع رضایت بخشی پیدانمی کرد در سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه. ش.) بوسیله انجمن آثار ملی بصورت شایسته و مناسب اصلاح گردید و دیوارها و کاشیکاریهای اطراف مرمت شد ، بنای واقع در شمال باغ که برای کتابخانه منظور شده بود تعمیر شد و بنام کتابخانه آرامگاه حافظ مورد استفاده قرار گرفت .

۴۳

پارک

لزوم اقدامات اساسی و دامنه دار که درخور آثار تاریخی و یادگارهای

معظم کورش کبیر و داریوش و دیگر شاهنشاهان هخامنشی باشد در پاسارگاد و نقش رستم و آرامگاههای آن شهریاران مورد توجه و تأیید انجمن آثار ملی قرار گرفت و آقای سامی رئیس اداره آثار باستانی فارس طبق نظر انجمن در این باره بررسیهایی نموده به تهران آمد و با گزارشهای کتبی و توضیحات حضوری اعضاء انجمن را از اقدامات مورد لزوم آگاه ساخت، هیأت مؤسسين در جلسه اسفند ماه ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه. ش.) با طرح احداث خیابانهای مشجر در پاسارگاد که آرامگاه کورش و آثار باقیمانده کاخهای مختلف آنجا را بیکدیگر مربوط سازد و جلگه تاریخی پاسارگاد را تا حد زیادی بصورت مناسب در آورد موافقت کامل خود را اعلام داشت و مقرر گردید که آقای سامی با وسائلی که انجمن آثار ملی در اختیارش گذارده و خواهد گذارد بنحو شایسته این منظور اساسی را بمرحله اجرا در آورد. ضمناً به آقای سامی مأموریت داده شد که برای اصلاحات اساسی محوطه نقش رستم که در مقابل آرامگاههای داریوش و خشایار شاه و شاهنشاهان دیگر هخامنشی و نقوش برجسته ساسانیان است بررسی نموده طرح آن را به استحضار انجمن برساند تا آنچه در خور این مکان مهم تاریخی است انجام گردد.

۲۶۲

استخوان بندی گنبد شاهچراغ

بنا بر تقاضای انجمن آثار ملی فارس آقای مهندس سیحون از طرف انجمن آثار ملی در سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه. ش.) به شیراز رفته بقعه شاهچراغ را بازدید نمود و نقشه استخوان بندی گنبد آنرا در دفتر فنی خود پس از بررسیهای

دقیق به هزینه انجمن آثار ملی تهیه نمود و نسخه‌هایی از آن برای انجمن آثار ملی فارس فرستاده شد.

۲۵

تعمیر برج لاجیم

برج تاریخی لاجیم که نام محلی آن امامزاده عبدالله است از آثار تاریخی بسیار مهم قرن پنجم هجری می‌باشد که مقبره اسپهبد شهریار باوندی بوده و کتیبه‌هایی به خط کوفی و پهلوی متوازیاً بر بالای آن تعبیه شده است. بسبب واقع شدن این بنای تاریخی در جنگلهای سوادکوه مازندران و دور از دسترس بودن، محتاج توجه مخصوص بود و گزارشهای اداره فرهنگ مازندران و علاقه‌مندان دیگر خرابی آن بنا و لزوم تعمیر فوری آنرا تأیید و تأکید می‌کرد. انجمن آثار ملی در سال ۲۵۱۷ مبلغی برای تعمیر آن بنا منظور نمود و معمار اداره کل باستانشناسی چندبار برای بازدید و ترتیب تعمیر آن به محل رفت اما به علت خرابی راه و عدم مساعدت هوا و وضع جنگل رسیدن به آن محل ممکن نبود، سرانجام با مساعدت اولیای کارخانه «تراورس» سازی شیرگاه موفق به بازدید آن گردید و چون لازم بود که آجر و مصالح دیگر و بنا همه از تهران فرستاده شود، مقدمات امر فراهم شد و تعمیرات بنا در سال ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه.ش.) آغاز گردید.

۲۶۶

نقشه کلاف گنبد سلطانیه

در سال ۲۵۱۷ (۱۳۳۷ ه. ش) آقای مهندس سیحون به اتفاق دانشجویان رشته معماری دانشگاه تهران از گنبد سلطانیه که معظمترین بنای اسلامی ایران بشمار می‌رود و تعمیر آن بقدری خطیر بود که بنظر بسیاری از علاقه‌مندان غیر ممکن می‌نمود بازدید نمودند و چون دریافتند که مهمترین اقدام لازم تهیه و نصب کلاف بتون مسلح دایره شکل در اطراف گنبد می‌باشد، لذا برای همکاری در این خدمت مهم ملی به درخواست انجمن آثار ملی نقشه کلاف مذکور را با محاسبات دقیق و بررسیهای فنی لازم مجانی تهیه کرده به انجمن تسلیم نمودند و انجمن آنرا عیناً به اداره کل باستانشناسی تحویل داد و خوشبختانه آن اداره بلافاصله کلیه آهن مورد لزوم را بر طبق نقشه سابق الذکر تهیه کرد و آقای مهندس سیحون نظارت فنی نصب کلاف را نیز افتخاراً بر عهده گرفت. انجمن آثار ملی در سال ۲۵۱۸ مبلغ دوست و پنجاه هزار ریال برای کمک به تعمیرات گنبد سلطانیه در اختیار اداره باستانشناسی قرار داد.

۲۶۷

همکاری با وزارت فرهنگ و اداره کل باستانشناسی

در راه اجرای خدمات لازم برای آثار تاریخی ایران بین انجمن آثار

ملی از طرفی و وزارت فرهنگ و اداره کل باستانشناسی از طرف دیگر همواره کمال معاضدت و همکاری برقرار بوده است و در برخی از موارد که اداره کل باستانشناسی بر اثر مقتضیات موجود همکاری بیشتری را از طرف انجمن آثار ملی لازم می‌دانسته آنچه مقدور و میسر بوده از طرف انجمن بعمل آمده است. در سال ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه. ش.) اعتباراتی بشرح ذیل طبق نظر وزارت فرهنگ و اداره کل باستانشناسی از طرف انجمن آثار ملی منظور شده و بمصرف رسیده است :

- الف - مبلغ سیصد هزار ریال بابت نصف بهای سفارش یکصد هزار عدد کارت پستال رنگی اشیاء موزه ایران باستان.
- ب - مبلغ یکصد و هفتاد و پنج هزار ریال بابت نصف بهای سفارش ده هزار «سری» عکسهای تخت جمشید و پاسارگاد و نقش رستم.
- ج - مبلغ دویست و پنجاه هزار ریال بابت نصف بهای هشتاد هزار عکس رنگی از مناظر تاریخی اصفهان.
- د - مبلغ هفتاد و پنج هزار ریال بابت نصف هزینه تعمیرات برج رادکان در گرگان ...

در سال ۲۵۲۰ نیز از طرف انجمن آثار ملی برای تعمیرات کاخ اردشیر بابکان در فارس اعتبار لازم در اختیار اداره باستانشناسی فارس گذارده شد. بعلاوه در سال ۲۵۲۰ دوازده نوع عکس رنگی از نفایس موزه ایران باستان به سفارش انجمن آثار ملی تهیه گردید و بطرق مقتضی در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. سه هزار عدد از عکسهای مذکور هنگام تشکیل نمایشگاه هفتصدساله هنر ایران در پاریس به سفارت کبرای شاهنشاهی در آنجا فرستاده شد تا در اختیار دانشمندان و علاقه‌مندان به آثار باستانی و هنری ایران قرار گیرد. در سالهای بعد هم همواره این همکاری بین انجمن و اداره باستانشناسی ادامه داشته است و در جای خود به برخی از این همکاریها اشاره خواهد شد.

۲۸

تعمیرات بازه هور

بنای تاریخی بازه هور یعنی تنها اثری که از عهد ساسانیان در خراسان باقی مانده و از آن اطلاع داریم بسبب دوری از شهر و آبادی در معرض آسیب روز افزون قرار داشت. در سال ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) تعمیرات اساسی بنای مذکور آغاز گشت و طبق نظر اداره کل فرهنگ خراسان اعتباراتی برای اجرا و اتمام کار در اختیار آن اداره گذارده شد.

این بنا در کنار راهی که از شاهراه مشهد - نیشابور (از محلی به نام شاه تقی) به طرف جنوب منشعب می شود و به تربت حیدریه و شهرهای دیگر جنوب خراسان می رود در کنار آبادی به نام رباط سفید واقع شده است.

۲۹

تعمیرات اساسی بناهای تاریخی اطراف اصفهان

در خارج شهر اصفهان و توابع آن شهر مانند داخل آن بناهای تاریخی متعدد و مهمی وجود دارد که بخصوص از لحاظ تاریخ معماری ادوار اسلامی ایران حایز اهمیت فراوان است و با وجود لزوم تعمیرات فوری آنها بواسطه دوری بسیاری از ابنیه از شهر برای تعمیر و حفظ آنها اقدامی نشده بود. انجمن آثار ملی با نظر و تصویب اداره کل باستانشناسی در سال ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.)

هزینه تعمیرات اساسی تعدادی از این بناها را بر عهده گرفت و اعتبار لازم را در اختیار اداره باستانشناسی اصفهان گذارد ، بناهایی که به این ترتیب تعمیر شد عبارت بود از: مسجد جامع اردستان - مسجد بازار اردستان - آرامگاه امیرویس (سنگ سفید) در اردستان - مسجد جامع زواره - مسجد پامنار زواره - مسجد ازیران - بقعه باباملا - مناره گار - مسجد جامع برسیان - مسجد جامع کاج - مسجد جامع سروش آذران - مسجد جامع خوزان (همایون شهر) - مسجد جامع اشترجان - کاروانسرای مهیار . علاوه بر تعمیرات اساسی و مفصل بناهای مذکور ، محوطه مجاور هر يك از این بناها و چند اثر مهم تاریخی دیگر واقع در نقاط دور افتاده خارج اصفهان مانند منار زیار و گنبد دشتی بعنوان حریم تعیین و دیوار کشی گردید تا بر اثر مجاورت با خانه ها و تصرفات مختلف غیر مناسب لطمه ای به آن بناها وارد نیاید .

غیر از کاروانسرای مهیار که از بهترین و زیباترین کاروانسراهای عهد صفویه (زمان شاه سلیمان) است ، بقیه بناهای ذکر شده از آثار قابل توجه عهد سلجوقی (قرن ششم) و دوره مغول (قرن هشتم) بشمار می رود . بیشتر این آثار بصورتی بود که اگر به سرعت تعمیر نمی شد خطر انهدام قطعی آنها در پیش بود و جای کمال خرسندی است که با اهتمام و همکاری اداره باستانشناسی این خدمت ملی انجام گردید.

۵۰

کاخ چهلستون

انجمن آثار ملی در آغاز سال ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) مبلغ يك میلیون ریال

در اختیار اداره باستانشناسی اصفهان گذارد تا تعمیرات کاخ چهلستون را که جنبه فنی بسیار دقیق دارد انجام دهد و اقداماتی که در این باره مورد نظر است به انتظار تأمین و وصول اعتبارات خاص معوق نماند. خوشبختانه تعمیرات لازم در فصل مساعد بصورت کاملاً رضایت بخشی ادامه یافت. ضمناً به اطلاع اداره باستانشناسی اصفهان رسانیده شد که برای تعمیرات فنی مورد نظر کاخ مذکور در صورت لزوم اعتبارات تازه ای در اختیار آن اداره گذارده خواهد شد.

۵۱

کاخ هشت بهشت

پس از آنکه در نتیجه کوششها و مجاهدتهای چندین ساله و اقدامات بموقع وزارت فرهنگ و حسن نیت سرکار سرهنگ قهرمان، کاخ تاریخی و سلطنتی هشت بهشت اصفهان به وزارت فرهنگ واگذار گردید، بنا بر پیشنهاد اداره باستانشناسی اصفهان، انجمن آثار ملی در سال ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) مبلغ پانصد هزار ریال برای تعمیرات کاخ مذکور در اختیار آن اداره گذارد و آقای مهندس فروغی عضو هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی نظارت فنی و سرپرستی تعمیرات آن کاخ تاریخی را بطور افتخاری بر عهده گرفتند.

۵۲

چهارسوق شاه

طاق عظیم چهارسوق شاه اصفهان در نتیجه بارندگیهای شدید شکست یافت و از طرف شهرداری اصفهان برداشته شد. اداره باستانشناسی اصفهان دست به تجدید ساختمان آن زد و بعثت فراهم نبودن اعتبار آنرا نیمه کاره گذارد و وضع آن در انتظار بازدید کنندگان آثار تاریخی و بازارهای اصفهان نامناسب می نمود. در سال ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) تجدید بنای طاق مذکور بصورت صحیح و آبرومندی به هزینه انجمن آثار ملی انجام گردید و علاوه بر آن با همکاری وزارت فرهنگ برای تعمیر سایر چهارسوقها و بازارهای تاریخی اصفهان نیز مطالعات لازم بعمل آمد.

۵۳

آستانه شیخ صفی الدین

تعمیرات آستانه شیخ صفی الدین و بقعه شیخ جبرائیل در اردبیل که بوسیله اداره باستانشناسی اجرا می شد بر اثر کسرا اعتبار ناقص و ناتمام مانده بود. در سال ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) طبق درخواست اداره باستانشناسی از طرف انجمن آثار ملی مبلغ سیصد هزار ریال برای کمک بتعمیرات آستانه و بقعه مذکور در اختیار اداره فرهنگ اردبیل گذارده شد.

۵۲

گنجنامه

محوطه مقابل سنگ نبشته‌های میخی گنجنامه همدان در سال ۲۵۲۳ به هزینه انجمن آثار ملی و بوسیله اداره فرهنگ همدان تسطیح و سنگ‌چین گردید و مقدمات ترجمه سنگ نبشته مذکور به زبانهای فارسی و فرانسه و انگلیسی با استفسار از دانشگاه تهران و دانشکده‌های ادبیات تبریز و مشهد و شیراز و اصفهان در همان سال فراهم گردید.

۵۵

معبد چغازنبیل

معبد عظیم چغازنبیل از آثار تاریخی بینظیر باقی مانده از دوران عیلامی است. با خاکبرداری و کاوشهای علمی در آنجا لزوم مرمت و استحکام بقایای مکشوف بسیار لازم می‌نمود. در سال ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش.) طبق نظر اداره کل باستانشناسی و بنا به درخواست آقای پرفسور گیرشمن رئیس هیأت علمی باستانشناسی فرانسه مبلغی اعتبار از طرف انجمن آثار ملی پرداخته شد و زیر نظر فنی دانشمند مذکور و نماینده اداره کل باستانشناسی بمصرف استحکام و تعمیر آن اثر تاریخی معظم رسید و در سال ۲۵۲۳ نیز مجدداً مبلغی برای این منظور تأمین و حواله گردید.

این بنا در مغرب راه شوش به اهواز ، به مسافت تقریبی ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی شوش نزدیک به ساحل رود کارون قرار دارد .

۵۶

باغ فین

ایوان شرقی باغشاه فین معروف به صفة کریمخانی بکلی منهدم شده بود. در سال ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ هـ. ش.) طبق نظر اداره کل باستانشناسی به هزینة انجمن آثار ملی و بوسیلة اداره فرهنگ کاشان تجدید ساختمان گردید و در سال ۲۵۲۳ برای اتمام کارهای آن مبلغی دیگر از طرف انجمن در اختیار اداره فرهنگ کاشان گذارده شد .

۵۷

سردر مهمانسرای شاه عباس و کاشان

سردر مهمانسرای شاه عباس در میدان مدخل شهر کاشان تنها اثر باقیمانده از ابنیه متعدد به نام چهارباغ، دولتخانه ، باغ ایلچی و ابنیه سلطنتی دیگر است که در عهد صفویه بیرون شهر کاشان ساخته شده و چون مدتی تلگرافخانه در آن محل دایر بود این سردر به نام سردر تلگرافخانه معروف شده است. ضمن اقدامات راهسازی و اصلاحات شهری نقشه ای طرح شده بود که در صورت اجرای آن، بنای تاریخی مذکور در مسیر خیابان واقع و منهدم می گردید. از طرف انجمن

آثار ملی نامه‌هایی به فرمانداری و اداره فرهنگ کاشان و مسئولان امر در تهران نوشته شد و تقاضای رعایت جنبه تاریخی و حفظ بنای ذکر شده گردید و با حسن توجه و اقدامات مقامات یادشده قرار تغییر نقشه بصورتی که آن بنای تاریخی محفوظ بماند داده شد.

۵۸

تعمیرات تکیه امیر چقماق

تعمیرات اساسی و ازاره سنگی بنای تاریخی تکیه امیر چقماق در یزد بوسیله اداره فرهنگ یزد به هزینه انجمن آثار ملی در سال ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه.ش.) به پایان رسید و نماسازی و کاشیکاری بنای مذکور بهمان ترتیب در دست عمل و اقدام قرار گرفت.

۵۹

برج میداکن

کنار راه کرج به چالوس به مسافت قریب ۶۰ کیلومتری کرج در محلی موسوم به میداکن برجی سنگی و گچی از ابنیه دوران سلجوقی (؟) وجود دارد که بام آن بکلی از میان رفته بود و همه ساله قسمتهایی از بالای دیوار آن فرو می‌ریخت و اگر برای تعمیر آن اقدام نمی‌شد طبعاً پس از چندی بقعه آن نیز منهدم

می‌شد. طبق نظر اداره کل باستانشناسی از طرف انجمن آثار ملی در سال ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) هزینه تعمیرات اساسی آن تأمین گردید و در اختیار اداره مذکور قرار گرفت و بوسیله اداره ابنیه تاریخی آن بنا بدقت تعمیر شد.

۶۰

تکمیل بنای تاریخی امامزاده عیدالله

در دنباله کمکی که از طرف انجمن آثار ملی در سال ۲۵۲۲ (۱۳۴۲ ه. ش.) برای تکمیل و تعمیر بنای تاریخی امامزاده عیدالله در دماوند شده بود در سال ۲۵۲۳ نیز طبق نظر اداره کل باستانشناسی مبلغی منظور گردید و برای این امر در اختیار متصدیان مربوط گذارده شد.

۶۱

مجموعه عکس و کتاب خطی

در سال ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه. ش.) يك مجموعه عکس مشتمل بر عکسهای تاریخی مختلف قدیم که در تصرف یکی از علاقه‌مندان به آثار کهن بود و همچنین يك مجلد کتاب خطی اشعار کردی که از طرف الماس خان کندولی از سرداران کرد دوران نادر شاه سرود شده بود و به یکی از اعضاء بازنشسته وزارت دارائی

تعلق داشت از طرف انجمن آثار ملی خریداری گردید تا بنحو شایسته در معرض استفاده علاقه‌مندان قرار گیرد .

۶۲

ایوان مدائن

اداره کل باستانشناسی کشور عراق برای استحکام و جلوگیری از فروریختن دیوار عظیم ایوان مداین همکاری یونسکو و کشورهای مختلف جهان را خواستار شده بود . انجمن آثار ملی بمناسبت علائق مشترک ملی و تاریخی بین ایران و عراق هیأتی فنی مرکب از آقایان مهندس فروغی عضو هیأت مؤسسين انجمن و مهندس سیحون رئیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و معارفی معمار ابنیه تاریخی اصفهان را برای بازدید بنا و اظهار نظر تعیین نمود و در سال ۱۳۴۳ (۲۵۲۳ ه. ش.) با اطلاع و موافقت مقامات مربوط کشور شاهنشاهی و کشور عراق به بغداد رفتند (از طرف وزارت فرهنگ نیز آقای نصره الله مشکوتی برای همکاری با هیأت مذکور انتخاب و اعزام گردید) . ورود این هیأت به عراق نخستین مرحله همکاری از طرف کشورهای دیگر در این باره تلقی گشته مورد سپاسگزاری روزنامه‌های عراق و نظر هیأت هم مورد قبول مقامات باستانشناسی عراق قرار گرفت . انجمن آثار ملی آمادگی خود را برای تهیه نقشه‌های اجرایی طرح پیشنهادی هیأت مذکور و هرگونه همکاری فنی و مادی در راه اجرای آن اعلام نمود .

۶۳

اهداء فرش به آرامگاه حاجی بکتاش در ترکیه

طبق پیشنهاد سرکنسولگری شاهنشاهی در استانبول در سال ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) از طرف وزارت امور خارجه تقاضای اقدام مناسبی نسبت به شرکت در مراسم افتتاح موزه آرامگاه حاجی بکتاش عارف معروف ایرانی در سرزمین ترکیه گردید و انجمن آثار ملی قطعه فرش نفیسی که شایسته چنین موقعی بود خریداری نمود و در اختیار اداره روابط فرهنگی وزارت امور خارجه نهاد و به کشور ترکیه فرستاده شد.

۶۴

بقعه امامزاده زکریا در شکرکوه

کلاردشت

در قریه شکر کوه کلاردشت بقعه‌ای به نام امامزاده زکریا از ابنیه قرن هفتم هجری بصورت برج هشت ضلعی با گنبد هرمی شکل بر فراز تپه مشرف به دشت و آبادیهای مجاور آن وجود دارد وعده‌ای از معتمدان و علاقه‌مندان محل به انجمن آثار ملی مراجعه و تقاضای تعمیر اساسی و خصوصاً تعمیر گنبد آن و تعمیر مسجد جامع قریه را که متصل به بقعه است نمودند. پس از بازدید محل از طرف نمایندگان انجمن آثار ملی تعمیرات آنجا در سال ۲۵۲۴ (۱۳۴۴ ه. ش.)

بصورت اساسی بوسیله معمار مطلع و آشنا به اینگونه تعمیرات بارعایت سبك و شیوه اصلی بقعه انجام گرفت .

۶۵

تعمیرات ابنیه و آثار تاریخی مختلف

در سال ۲۵۲۴ (۱۳۴۴ ه. ش.) برای تعمیرات و اصلاحات ابنیه تاریخی مختلف ایران مانند کاخ و ابنیه اردشیر بابکان در فیروز آباد فارس - مسجد جامع شوشتر (از مهمترین و قدیمترین مساجد ایران) - مسجد جامع گاپایگان (یکی از بهترین و اصیلترین نمونه های معماری ایران از آغاز قرن ششم هجری) - ابنیه تاریخی متعدد اصفهان خصوصاً ابنیه مهم تاریخی دور از شهر که از لحاظ معماری اهمیت فراوان دارد و علاوه بر تعمیرات لازم از نظر حریم و فضای کافی اطراف آنها با توجه به آبادانی روز افزون مناطق حول و حوش شهر تاریخی اصفهان حائز اهمیت و وضع مخصوص و حساس است و باغشاه فین کاشان و غیره به فراخور نیازمندی و رعایت موقع و اهمیت آنها اعتباراتی به اختیار وزارت فرهنگ و هنر و ادارات باستانشناسی هر محل و یا مقامات مربوط و صلاحیتدار دیگر گذارده شد که با رعایت نکات فنی و توجه به شیوه های اصلی و باستانی هر محل اقدام لازم بعمل آورند. مجموع اعتباراتی که برای تعمیرات و اقدامات مورد ذکر و اداره آرامگاهها در سال ۲۵۲۴ از طرف انجمن آثار ملی منظور و پرداخته شده بالغ بر ۹۸۱۴۴۲۸ ریال بوده است.

۶۶

کمک به چاپ چند کتاب

- در سال ۲۵۲۴ (۱۳۴۴ ه. ش.) برای چاپ کتابهای ذیل از طرف انجمن آثار ملی کمکهای لازم شده است:
- ۱ - کتاب ایران شهر درد و جلد بزرگ از انتشارات کمیسیون ملی یونسکو.
 - ۲ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف دکتر لطف الله هنرفر.
 - ۳ - شرح احوال حضرت عبدالعظیم (ع) تألیف حاجی عزیز الله عطاردی قوچانی.
 - ۴ - آثار تاریخی شیراز تألیف دکتر بهمن کریمی.
 - ۵ - جلد دوم تمدن ساسانی تألیف علی سامی.

۶۷

مسافرت علمی پرفسور کرفتر به ایران

پرفسور کرفتر (Krefter) باستانشناس شهیر آلمانی که کشف الواح زر و سیم داریوش بزرگ در تخت جمشید از جمله خدمات او بشمار می رود در دنباله بررسیهای دقیق و مداوم علمی خود نسبت به آثار معظم تخت جمشید چند سال بود که به فراهم ساختن مقدمات تهیه نمونه کوچک (ماکت) آثار مذکور اشتغال داشت و برای مسافرت به ایران و برخی تحقیقات و تجسسات علمی و دقت در نقشه ها و اندازه های مربوط به نمونه مذکور نیاز به کمک داشت. انجمن

آثار ملی بوسیله وزارت امور خارجه نسبت به این مسافرت و تأمین منظور علمی یاد شده در سال ۲۵۲۴ (۱۳۴۴ ه. ش.) اقدام نمود و پرفسور کرفتر و همسرش به میزبانی انجمن آثار ملی به ایران آمدند و پس از مطالعات لازم و بازگشت به آلمان گزارش جامع و مفیدی مشتمل بر نکات قابل توجه درباره آثار تخت جمشید و اصفهان و بعضی امور مربوط به جهانگردی نوشته ارسال داشتند که از طرف انجمن آثار ملی به فارسی ترجمه و نسخه‌های متعدد آن به مراکز و مؤسسات علمی و تحقیقی و افراد صاحب صلاحیت فرستاده شد. پرفسور کرفتر و بانوی او که نمونه کوچکی آثار تخت جمشید را به وضع روزگار آبادانی برای تقدیم به پیشگاه شاهنشاه آریامهر آماده ساخته بودند در سال ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه. ش.) به دعوت انجمن آثار ملی به تهران آمده پس از باریافتن به پیشگاه شاهانه و انجام منظور و پس از چهار هفته توقف در تهران به آلمان بازگشتند. به پاس خدمات ارزنده پرفسور کرفتر بنا بر پیشنهاد آقای دکتر صدیق در جلسه ۱۶ آبانماه ۲۵۳۰ هیأت مؤسسين، دانشمند مذکور به عضویت افتخاری انجمن برگزیده شد.

۶۸

مسافرت علمی و دیگر

آقای حاج عزیزالله عطاردی قوچانی از افراد محقق و علاقه‌مند سرگرم تألیف کتاب جامعی درباره خراسان بود و برای استفاده از کتابخانه بزرگی که قرن پیش از بخارا به حجاز انتقال یافته بود قصد مسافرت به آن سرزمین را داشت و نیازمند کمک معنوی و مادی بود. انجمن آثار ملی در سال ۲۵۲۴

(۱۳۴۴ ه. ش.) در هر دو مورد اقدام نمود و با کمکهای مؤثر دولت دانشمند مذکور عازم مقصد و مقصود خود گردید.

۶۹

سفارشنامه انجمن آثار ملی

به منظور آشناساختن عموم نسبت به اهمیت آثار تاریخی و استفاده از همکاری مقامات و سازمانهای مختلف در راهنگاهداری و حرمت آثار مذکور و در عین حال شرکت در برنامه سازمان یونسکو تحت عنوان مجاهدت بین المللی بخاطر حفظ آثار تاریخی *Campagne internationale pour la Sauvegarde des monuments Historiques* از طرف انجمن آثار ملی در سال ۲۵۲۴ (۱۳۴۴ ه. ش.) رساله ای تهیه شد که در آن مقدمه ای حاوی توضیحات شایسته درباره توجه به آثار باستانی و قطعنامه انجمن آثار ملی که در اردیبهشت ماه ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه. ش.) راجع به آثار تاریخی اصفهان صادر گردیده است و قطعنامه کنگره بین المللی حفظ ابنیه و آثار تاریخی که در خرداد ماه ۲۵۲۳ در ونیز تشکیل شده است و همچنین فهرست اجمالی آثار متبرک و اماکن باستانی و ابنیه تاریخی که رعایت مصلحت آنها هنگام انجام کارهای عمرانی تازه ضرورت دارد، مذکور افتاده است. این رساله تألیف دانشمند گرانقدر آقای سید محمد تقی مصطفوی و شماره ۴۹ از سلسله انتشارات انجمن آثار ملی است.

۷۰

تعمیر بناهای تاریخی با همکاری وزارت فرهنگ و هنر

در سال ۲۵۲۵ (۱۳۴۵ ه. ش.)

برای تعمیر ابنیه تاریخی طبق نظر وزارت فرهنگ و هنر در سال ۲۵۲۵ شاهنشاهی از طرف انجمن آثار ملی اعتباراتی به شرح زیر تأمین و در اختیار مقامات آن وزارتخانه گذارده شده است :

- ۱ - برای تعمیرات کاخ اردشیر بابکان در فیروزآباد ۷۵۰٫۰۰۰ ریال
 - ۲ - برای شروع به تعمیر بناهای تاریخی گنجعلیخان در کرمان ۱٫۰۰۰٫۰۰۰ ر
 - ۳ - برای تعمیر ابنیه طرفین سردر باغشاه فین کاشان ۱٫۰۰۰٫۰۰۰ ر
 - ۴ - جهت تعمیرات آثار تاریخی مراغه ۲۰۰٫۰۰۰ ر
 - ۵ - جهت کمک به تعمیرات بناهای تاریخی اصفهان ۱٫۸۰۰٫۰۰۰ ر
 - ۶ - برای تهیه وسائل روشنائی مسجد شاه اصفهان ۱٫۵۰۰٫۰۰۰ ر
 - ۷ - برای تعمیرات مدرسه خرگرد و مسجد مولانا در تایباد (خراسان) ۲۵۰٫۰۰۰ ر
 - ۸ - جهت تکمیل تعمیرات تکیه میرچقماق یزد و سایر ابنیه تاریخی آن شهر ۶۰۰٫۰۰۰ ر
 - ۹ - برای ادامه تعمیرات معبد عیلامی چغازنبیل ۵۰٫۰۰۰ ر
- در خوزستان

۷۱

تعمیرات ابنیه تاریخی دیگر

درسال ۲۵۲۵ شاهنشاهی

- درسال ۲۵۲۵ (۱۳۴۵ ه. ش.) اعتبارات دیگری برای تعمیر ابنیه و آثار تاریخی از طرف انجمن آثار ملی به شرح ذیل حواله شده است :
- ۱ - برای تعمیرات مدرسه ملا عبدالله اصفهان توسط استانداری و انجمن آثار ملی اصفهان در وجه هیأت معتمدین وزیر نظر باستانشناسی اصفهان ۴۰۰٫۰۰۰ ریال
 - ۲ - برای تعمیرات مسجد گلپایگان بوسیله اداره اوقاف آن شهر با همکاری و مراقبت آقای محمدی امام جماعت مسجد مذکور وزیر نظر اداره باستانشناسی ۸۰٫۰۰۰ ریال
 - کمک انجمن برای تعمیرات مسجد جامع گلپایگان تا چند سال بعد نیز ادامه داشت و همه ساله مبلغی برای این منظور حواله می شد چنانکه در سال ۲۵۲۷ (۱۳۴۷ ه. ش.) سنگ فرش مسجد در دست اقدام قرار گرفت و انجمن آثار ملی مبلغی برای انجام یافتن آن تأمین و پرداخت نمود.
 - ۳ - برای تعمیرات لازم مسجد جامع ابرقو توسط استاندار و انجمن آثار ملی فارس زیر نظر اداره باستانشناسی آن استان ۵۰٫۰۰۰ ریال

۷۲

کتابخانه وزیر میرزا

کتابخانه وزیر مسجد جامع کبیر یزد که حاوی هزاران جلد کتاب مفید و از جمله تعدادی نسخه های خطی بسیار نفیس است از طرف آقای حاجی سید علیمحمد وزیر در دنباله مساعی قابل تقدیر ایشان در راه احیای بنای مسجد مذکور یکجا اهداء گردیده و به تشویق آقای وزیر مردمان با همت و خیر دیگر نیز نسخه های خطی نفیسی به آن افزوده اند. برای تنظیم و چاپ فهرست این کتابخانه از طرف انجمن آثار ملی در سال ۲۵۲۵ (۱۳۴۵ ه. ش.) مبلغ یکصد و چهل هزار ریال به اختیار آقای وزیر گذارده شد تا طبق اصول فنی و با نظر کارشناسان مطلع دانشگاه تهران نسبت به تدوین و چاپ فهرست کتابخانه مذکور اقدام گردد. کمک به کتابخانه مذکور تا چند سال بعد نیز ادامه داشته و همه ساله مبلغی از طرف انجمن آثار ملی برای کمک به آن کتابخانه پرداخته شده است. این کتابخانه در سال ۲۵۲۸ بصورت یکی از مؤسسات تابعه آستان قدس رضوی درآمد.

۷۳

بقعه سید اسماعیل و در تاریخی آن

به مناسبت فرارسیدن پانصدمین سال در منبت عتیقه بقعه سید اسماعیل (ع)

در تهران که تاریخ آن غره جمادی الاول سال ۸۸۶ قمری است روز یکشنبه ۱۳ آذرماه ۲۵۲۵ (۱۳۴۵ ه. ش. مصادف با بیست و یکم شعبان ۱۳۸۶ قمری) هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی به اتفاق معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان کل اوقاف و معاون وزارت فرهنگ و هنر و مدیر کل باستانشناسی و نماینده سازمان جلب سیاحان از بقعه مذکور و در تاریخی آن که فعلاً قدیمترین اثر باستانی مورد اطلاع در قسمت قدیم شهر تهران است بازدید بعمل آوردند و طرحی در نظر گرفته شد که با همکاری ادارات و مقامات مربوط نسبت به اصلاح وضع بقعه اقدام اساسی بعمل آید.

پس از بازدید بقعه از کلیسای تاریخی طاطا و وس که نزدیک بقعه سید اسماعیل واقع و قدیمترین کلیسای تهران است نیز بازدید بعمل آمد.

۷۲

همکاری با سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران

فرمان تأسیس سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران در تاریخ ۲۹ آبانماه ۲۵۲۴ (۱۳۴۴ ه. ش.) صادر شد و با تأسیس آن سازمان، انجمن آثار ملی طبق نظر وزارت فرهنگ و هنر همه ساله مبلغی در اختیار سازمان مذکور گذارده است تا با تنظیم برنامه های اساسی و دقیق بمصرف تعمیرات لازم بناهای تاریخی برسد.

در سال ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه. ش.) مبلغ ده میلیون ریال از طرف انجمن آثار ملی در اختیار سازمان ملی حفاظت آثار باستانی گذارده شد و بمصرف تعمیرات

- بناهای زیر رسید :
- ۱- کاخهای دوره ساسانی در فیروزآباد و سروستان فارس .
 - ۲- مسجد وکیل در شیراز .
 - ۳- چهارطاقی عهد ساسانی در قصر شیرین .
 - ۴- دوبرج عهد سلجوقی - قرن پنجم هجری - در خرقان .
 - ۵- بقعه امام محمدغزالی در طوس .
 - ۶- برج رادکان در خراسان .
 - ۷- بقعه شیخ شهاب الدین در اهواز .
 - ۸- بقعه چهار پادشاهان در لاهیجان .
 - ۹- مشهد میر بزرگ در آمل .
 - ۱۰- مسجد جامع و مناره ساوه .
 - ۱۱- باغشاه فین و بقعه شاهزاده ابراهیم در کاشان .
 - ۱۲- کاخ چهلستون و سردر قیصریه و چهارسوق و ضرابخانه در اصفهان .
 - ۱۳- بقعه امامزاده زید و خانه دوران محمدشاه قاجار در تهران .

۷۵

خرید تابلوهای نقاشی

در سال ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه. ش.) مجموع تابلوهای بزرگ نقاشی مشتمل بر صحنه‌هایی از داستانهای پهلوانی شاهنامه محصول چندین سال کار و کوشش آقای علی رخسار بابررسیهای کامل و ارزیابی دقیق از طرف انجمن آثار ملی خریداری گردید تا بصورت مناسب در بناهای تابعه آرامگاه حکیم ابوالقاسم

فردوسی در معرض تماشای بازدید کنندگان قرار داده شود.

۷۶

خرید مجموعه کتابهای مربوط به خیام

مجموعه کتابهای مربوط به حکیم عمر خیام که طی سالیان دراز با علاقه کامل آقای احمد افشار شیرازی گردآوری شده و شامل نسخه های کمیاب و مهم متعدد بود در سال ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه. ش.) بانظر و تشخیص کارشناسان مطلع ارزیابی و از طرف انجمن آثار ملی خریداری شد. درباره این مجموعه نفیس در فصل مربوط به کتابخانه توضیحات لازم داده خواهد شد.

۷۷

بزرگداشت پرفسور گیرشمن

پرفسور گیرشمن R. Ghirshman باستانشناس ایراندوست فرانسوی که از سال ۲۴۹۰ (۱۳۱۰ ه. ش.) به بعد به اتفاق و همکاری همسر خود به کاوشهای علمی و تحقیقات باستانشناسی در ایران اشتغال داشت در سال ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه. ش.) به افتخار بازنشستگی نائل شد. از لحاظ قدرشناسی نسبت به تألیفات گرانقدرش درباره ایران و خدمات ارزنده وی و بانوی او مجلس پذیرائی مناسبی از طرف

انجمن آثار ملی به افتخار آنان ترتیب یافت و هدیه‌ای از هنرهای تزیینی اصیل ایران به پرفسور و همسرش اهدا گردید.

۷۸

ملک به تعمیرات بنای تاریخی

در سال ۲۵۲۷

از محل ده میلیون ریالی که در سال ۲۵۲۷ (۱۳۴۷ ه. ش.) انجمن آثار ملی از اعتبارات خود در اختیار سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران گذارد تعمیرات بناهای تاریخی ذیل در آن سال انجام گردید:

- ۱- مسجد شاه مشهد.
- ۲- بقعه خواجه ربیع در مشهد.
- ۳- بقیه تعمیرات بقعه امام محمدغزالی.
- ۴- بقیه تعمیرات مشهد میربزرگ در آمل.
- ۵- بقیه تعمیرات بقعه چهارپادشاهان در لاهیجان.
- ۶- بقیه تعمیرات بقعه امامزاده زید در تهران.
- ۷- تعمیرات خانه دوران محمد شاه قاجار در کوچه میرزا محمود وزیر تهران که قبلاً از محل اعتبارات انجمن آثار ملی خریداری شده است.
- ۸- آرامگاه‌های شاه عباس دوم و شاه سلطان حسین در قم.
- ۹- بقعه امامزاده محمد در تفرش.
- ۱۰- بقعه شاهزاده ابراهیم در کاشان.

- ۱۱- بقیه تعمیرات باغشاه فین کاشان .
- ۱۲- سنگ فرش حیاطهای مسجدشاه اصفهان .
- ۱۳- مسجد جامع کبیر یزد .
- ۱۴- بقیه تعمیرات چهارطاقی عهدساسانی در قصر شیرین .

۷۸

نقوش پیش از تاریخ

آقای حمید ایزدپناه از دبیران ساکن خرم آباد لرستان که به سفارش انجمن آثار ملی مشغول تألیف کتاب آثار تاریخی و باستانی لرستان بود در تابستان سال ۲۵۲۷ (۱۳۴۷ ه.ش.) ضمن تجسس و پژوهش در این زمینه ، تعدادی نقوش پیش از تاریخ را در کوهستان هومیان کنار تنگه میرملاس در بخش کوه دشت مشاهده نموده چگونگی را به اطلاع انجمن آثار ملی رسانید و انجمن برای تهیه عکسهای رنگی و سیاه و سفید از نقوش مذکور اقدام نمود و پس از کسب نظر برخی از دانشمندان باستانشناس درباره اهمیت آن آثار ، گزارش امر را همراه بانقشه و عکس به دفتر مخصوص شاهنشاهی و وزارت فرهنگ و هنر ارسال داشت .

۸۰

تعمیرات بناهای تاریخی

در سال ۲۵۲۸

در سال ۲۵۲۸ (۱۳۴۸ ه.ش.) مبلغ دوازده میلیون ریال بعنوان کمک

به تعمیرات ابنیه و آثار تاریخی از طرف انجمن آثار ملی در اختیار سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران گذارده شد و سی و نه بنای تاریخی با این مبلغ تعمیر گردید که از آن جمله است:

گنبد قابوس - چهل ستون قزوین - بقعه مالک در سنقر - مسجد کبود تبریز - سی و سه پل اصفهان - بقعه شیخ صفی در اردبیل - مشهد میر بزرگ آمل - ارگ علیشاه در تبریز - مسجد خواجه نصیر در مراغه - بقعه سید حمزه در اردبیل - بقعه قطب الدین حیدر - مدرسه غیاثیه در خرگرد خراسان - مسجد جامع گناباد - پل کهنه کرمانشاه - مسجد جامع بروجرد - مشهد اردهال معروف به مشهد قالی شویان از توابع کاشان - بقعه شیخ شهاب الدین در اهر - امامزاده قاسم در الیگودرز - امامزاده عباس ساری - مسجد دارالاحسان سنندج - گنبد علویان در همدان - بقعه شیخ جبرئیل در اردبیل - مسجد معزالدین در مراغه - برج رادگان گرگان - مسجد جامع نائین - قلعه فلک الافلاک در خرم آباد لرستان - ارگ کریمخان در شیراز - مسجد جامع اردستان و ادامه تعمیرات چند بنای دیگر.

۸۱

کمک تعمیرات مدرسه جده بزرگ اصفهان

بر اثر گزارش استاندار و رئیس انجمن آثار ملی اصفهان با موافقت و تأیید سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران در سال ۲۵۲۸ (۱۳۴۸ ه. ش.) مبلغ سیصد هزار ریال برای کمک به تعمیرات مدرسه جده بزرگ اصفهان از طرف انجمن آثار ملی پرداخته شد تا همانند آنچه در مدرسه ملا عبدالله اصفهان از چند سال پیش به این طرف انجام گرفته است در مدرسه جده نیز با همت نیکوکاران

و کوششهای اداره کل اوقاف آن شهر با رعایت نظر فنی اداره باستانشناسی انجام گیرد.

۸۲

وقفنامه خواجه رشیدالدین فضل‌الله

ضمن قطعنامه مجمع علمی مربوط به خواجه رشیدالدین فضل‌الله شخصیت بارز علمی و سیاسی و وزیر معروف دوران مغول که از یازدهم تا پانزدهم آبانماه سال ۲۵۲۸ (۱۳۴۸ ه. ش.) در دانشگاههای تهران و تبریز انجام گرفت توصیه شد که نسخه خطی گرانبهای وقفنامه خواجه رشیدالدین که در خانواده شادروان ذکاءالدوله سراج میر در تبریز محفوظ مانده است بنحو مناسب برای خدمات و بررسیها و استفاده‌های علمی از صورت تملک شخصی بیرون آید و تربیتی داده شود که مؤسسات فرهنگی و دانشمندان بتوانند بدان دسترس یابند. انجمن آثار ملی با همکاریهای ارزنده فکری و علمی دانشکده ادبیات تبریز و اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی در قبال پرداخت مبلغ پانصد هزار ریال (بعنوان پاداش حق الحفاظه) نسخه نفیس مذکور را بدست آورد.

وقفنامه ربع رشیدی که مورخ به سال ۷۰۹ قمری بود زیر نظر آقاییان معجینی مینوی و ایرج افشار در سال ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ ه. ش.) چاپ عکسی گردید.

۸۳

تعمیرات بناهای تاریخی

در سال ۲۵۲۹

در سال ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه. ش.) نیز انجمن آثار ملی مبلغ دوازده میلیون ریال برای کمک به تعمیرات آثار و ابنیه تاریخی در اختیار سازمان ملی حفاظت آثار باستانی گذارد و باین مبلغ سی و نه بنا تعمیر شد که از آنجمله است:

گنبد هشت (مدرسه حسینیان) یزد - قلعه فلك الافلاك - چهلستون قزوین (محل موزه) - مقبره حمدالله مستوفی در قزوین - مسجد ملك کرمان - مدرسه قنبر علیخان در تهران - سر در شهربانی قزوین - پل خشتی لنگرود - میل گنبد قابوس - مصلی در پائین خیابان مشهد - برج اخنجان خراسان و غیره.

علاوه بر آن ارقام دیگری بشرح ذیل در سال ۲۵۲۹ از طرف انجمن آثار ملی برای تعمیر بناهای تاریخی پرداخته شده است:

۱ - برای تعمیر پلهای تاریخی اصفهان در وجه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی: ۱۲٫۵۰۰٫۰۰۰ ریال

۲ - بابت نصف هزینه تعمیرات لازم کاخ خورشید در کلات نادری در وجه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی: ۷۵۰٫۰۰۰ ریال

۳ - بابت تعمیر آرامگاه امام احمد غزالی در قزوین در وجه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی: ۱۵۰٫۰۰۰ ریال

۴ - برای خرید خانه های مجاور گنبد تاریخی معظم سلطانیه در وجه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی: ۳۰۰٫۰۰۰ ریال

۵- برای کمک به تعمیرات مدرسه جده بزرگ اصفهان توسط استاندار
ورئیس انجمن آثار ملی: ۵۰۰,۰۰۰ ر

۸۲

چاپ، اطلس خط

طبق پیشنهاد استاندار و رئیس انجمن آثار ملی اصفهان برای هزینه چاپ
کتاب (اطلس خط) تألیف آقای حبیب الله فضائلی که مورد تأیید و علاقه استادان
دانشگاه و دیگر دانشمندان اصفهان قرار گرفته بود انجمن آثار ملی در سال
۱۳۴۹ ه. ش. مبلغ ۶۴۰,۰۰۰ ریال به اختیار استاندار اصفهان گذارد
که زیر نظر استادان و دانشمندان آن شهر به نام نشریه ای از طرف انجمن آثار
ملی اصفهان بمناسبت جشنهای دوهزار و پانصد ساله شادمنشاهی به چاپ برسد.

۸۵

کمک به سازمان خیریه بهداشت

همه ساله از طرف انجمن آثار ملی مبلغی بعنوان کمک به سازمان خیریه
بهداشت پرداخته می شود. در سال ۱۳۴۹ ه. ش. نیز مبلغ پنجاه هزار
ریال در اختیار سازمان مذکور گذارده شد.

۸۶

ملک به تعمیرات بناهای تاریخی کشور

در سال ۲۵۳۰

در سال ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ ه. ش.) نیز طبق تصویب هیأت مؤسین انجمن آثار ملی مبلغ ۲۵۷۳۵۰۰۰ ریال از طرف انجمن برای تعمیر آثار و ابنیه تاریخی و ملی در اختیار سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران گذارده شد که مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰۰ ریال آن بمصرف تعمیر آثار تاریخی در نقاط مختلف کشور رسید و مبلغ ۷۳۵۰۰۰۰ ریال بقیه هم قسمتی برای آرامگاه حر عاملی در مشهد مقدس و قسمت دیگر جهت ترتیب وضوخانه مسجد جامع گلپایگان اختصاص داده شد. بناهایی که در سال ۲۵۳۰ از محل اعتبارات انجمن آثار ملی بوسیله سازمان ملی حفاظت آثار باستانی انجام پذیرفته عبارت است از:

آذربایجان شرقی: ارگ علیشاه در تبریز - مسجد کبود در تبریز - گنبد شیخ حیدر در خیاو - مسجد معزالدین در مراغه - خانقاه شیخ شهاب الدین در اهر.

خراسان: مصلاي مشهد - قصر خورشید در کلات نادری - مسجد شاه مشهد - تربت جام - رباط شرف.

اصفهان: آتشگاه اصفهان - شاهزاده ابوالفتح در گلپایگان - خانه قدیمی نائین - پل الله وردیخان - پل خواجو.

فارس: ارگ کریمخان - عمارات کریمخانی - مسجد نو در شیراز - مدرسه خان در شیراز.

گیلان و مازندران و گورگان: پل لنگرود - مشهد میر بزرگ در آمل - میل گنبد قابوس.

سمنان و دامغان و بسطام: مسجد جامع سمنان - پیر علمدار در دامغان -

تاریخانه دامغان - چشمه علی در دامغان - مسجد بایزید در بسطام .
 قزوین و همدان : مسجد جامع قزوین - موزه قزوین - گنجنامه همدان .
 یزد : مسجد جامع کبیر یزد - سید رکن الدین - مسجد شاه ابوالقاسم -
 گنبد هشت .
 کرمان : حمام گنجعلیخان - مسجد ملک .
 کاشان و قم : باغشاه فین کاشان - آرامگاه شاه عباس دوم .
 خوزستان و بروجرد و لرستان : آبادانادرشوش - قلعه فلك الافلاك لرستان .

۸۷

بقعه احمد بن اسحاق

در سال ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ ه. ش.) مبلغ سیصد هزار ریال از طرف انجمن آثار ملی برای تعمیر و مرمت بقعه حضرت احمد بن اسحاق واقع در سرپل ذهاب در اختیار استانداری کرمانشاه گذارده شد که با همکاری دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی آن استان و استفاده از کمک علاقه مندان محلی بمصرف برسد (طبق نظر انجمن از طرف کارخانه سیمان دورود هم دویست کیسه سیمان برای کمک به این منظور به رایگان داده شد).

۸۸

کمک به تعمیرات انجمن تاریخی

در سال ۲۵۳۱

در سال ۲۵۳۱ (۱۳۵۱ ه. ش.) مبلغ بیست و پنج میلیون ریال سهمیه سالیانه

انجمن آثار ملی برای کمک به تعمیرات ابنیه و آثار تاریخی، مذهبی و ملی در وجه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی پرداخته شد و با این مبلغ سی و شش بنا در نقاط مختلف کشور تعمیر شد که از آن جمله بود: گنبد مسادر هلاکو در مراغه - بقعه شیخ زاهد گیلانی در لاهیجان - مزار مولانا زین الدین ابوبکر در تایباد - بند امیر در فارس - مسجد کهن فهرج یزد - مجموعه ابراهیم خان در کرمان - ارگ بم - باغ دولت آباد یزد - مجموعه بناهای گنجعلیخان و میدان کرمان - رباط گنجعلیخان - مسجد میر عماد کاشان - مسجد جامع شوشتر و غیره.

علاوه بر مبلغ سابق الذکر در سال ۲۵۳۱ مبلغ یک میلیون و چهارصد و ده هزار ریال دیگر هم از طرف انجمن در اختیار سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران گذارده شد تا بمصرف تعمیرات فوری و لازم بناهای تاریخی برسد.



مسجد ایرانیان در استانبول

مدتی بود که «انجمن خیریه و همکاری ایرانیان مقیم ترکیه» تعمیر و آبرومند ساختن مسجد ایرانیان واقع در محوطه وسیع و مصفای گورستان تاریخی ایرانیان در استانبول را وجهه همت خود قرار داده بود و با صرف مبالغ زیاد در انجام دادن این خدمت اقدام می نمود. سرکنسولگری شاهنشاهی در آن شهر ضمن گزارش امر به وزارت امور خارجه درخواست نمود که از طرف مقامات مربوط ایران نیز در این زمینه توجه و اقدام بشود. چون موضوع به انجمن آثار ملی ارتباط داشت از طرف انجمن اظهار آمادگی جهت همکاری شد و برای تعیین چگونگی همکاری لازم دو نفر از اعضاء هیأت مؤسسين در

سال ۲۵۳۱ (۱۳۵۱ ه. ش.) به استانبول رفته محل را بازدید و بررسی نمودند و در نتیجه قرار شد که نسبت به تهیه فرشهای مناسب و مقداری کاشی معرق و ارسال آنها به استانبول اقدام شود.

در سال ۲۵۳۳ (۱۳۵۳ ه. ش.) کار تهیه کاشی معرق محراب و عرابده (مجموعاً بیش از ۲۵ متر مربع) و هشت تخته فرش (مجموعاً ۱۰۳/۶۸ متر مربع) بافت کارخانه حاج عباسقلی صابر در مشهد) برای مسجد ایرانیان مقیم استانبول به پایان رسید و بوسیله راه آهن به استانبول فرستاده شد. فرشها در حضور امام جماعت مسجد ایرانیان تحویل گردید و استاد سید مصطفی طباطبائی پور کاشیکار اصفهانی سازنده کاشیهای معرق نیز به استانبول فرستاده شد و کاشیها را در محل خود نصب کرد. پایان این کار با مراسم تحویل آموزشگاه عالی از طرف دولت شاهنشاهی به کشور ترکیه بوسیله سفیر کبیر شاهنشاهی در ترکیه مقارن افتاد و شخصیتهای ایرانی مقیم استانبول از این خدمت سپاسگزاری بسیار نمودند. طبق نظر استادان هنرمند و هنرشناسان ترکیه يك بدنه کاشی معرق که استاد سازنده برای نیازمندیهای پیشبینی نشده تهیه کرده و همراه برده بود به دانشکده هنرهای زیبای استانبول اهدا گشت.

۹۰

سنگ قبر یغمای جندقی

با راهنمایی استاد حبیب یغمائی و همکاری استادان اصفهان و اداره آموزش و پرورش خور و شخصیتهای محلی آنجا سنگ مرمر بزرگ يك پارچه بانوشته های مناسب برای آرامگاه ابوالحسن یغمای جندقی (در گذشته به سال

۱۲۷۶ هجری) در تهران تهیه شد و به محل آرامگاه در بقعه متبرک سید داود خور
حمل و نصب گردید.

۹۱

کمک به تعمیرات ابنیه تاریخی

در سال ۲۵۳۲

در سال ۲۵۳۲ (۱۳۵۲ ش.) مبلغ بیست و پنج میلیون و پانصد هزار ریال
بعنوان سهمیه انجمن آثار ملی برای کمک به تعمیر بناهای تاریخی کشور در اختیار
سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران گذارده شد و با این مبلغ ۳۹ بنای
تاریخی تعمیر شد که از آنجمله است:

پل دختر در میانه - مسجد جامع قائن - چشمه عمارت در بهشهر - کاروانسرای
شاه عباس در فرح آباد ساری - خانقاه بایزید و کاشانه بسطام - برج مهماندوست
دامغان - بقعه بایزید در بسطام - کاروانسرای لاسجرد سمنان - برج چهل دختران
دامغان - بقعه امامزاده هادی در همدان - بقعه سیدرکن الدین در یزد - مهمانسرای
شاه عباس در کاشان - برج علاءالدین در ورامین - مجموعه بناهای تاریخی
لواسان - تخصیص پانصد هزار ریال اعتبار برای کمک به تعمیر بقعه و باغ
قدمگاه در نیشابور...

۹۲

موزه ملی کاشان

موزه ملی کاشان بوسیله انجمن حفاظت آثار باستانی کاشان و نظیر

به همت اعضای آن انجمن و با کمک شرکت ملی نفت ایران و همکاری وزارت فرهنگ و هنر ایجاد شده است. در سال ۲۵۳۳ (۱۳۵۳ ه. ش) برای ساختن ایوان سراسری اطراف بنای موزه نیازمند کمک مادی بودند. قسمت عمده هزینه آن از طرف شرکت ملی نفت ایران و اعضای انجمن مذکور تأمین شد و انجمن آثار ملی هم برای تأمین کسری هزینه آن مبلغی به فراخور امکانات خود پرداخت.

۹۳

کمک به تعمیرات بناهای تاریخی

در سال ۲۵۳۳

در سال ۲۵۳۳ (۱۳۵۳ ه. ش) مبلغ بیست و شش میلیون و پانصد هزار ریال برای کمک به تعمیر بناهای تاریخی کشور از طرف انجمن آثار ملی در اختیار سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران گذارده شد و به مصرف تعمیر ۳۷ بنا رسید که از آن جمله است:

تپه میل در ورامین - امامزاده احمد در لواسان - بقعه پیرداود در قمصر - مسجد گز اوش در بناب - مسجد مطلب خان در خوی - مسجد جامع مهاباد - بقعه و رباط قدمگاه - مسجد جامع کرمان - مسجد کهن فهرج در یزد - بقعه سید رکن الدین در یزد - مسجد ضیائیة در یزد - خانقاه و مسجد سلطان بندر آباد در یزد - بقعه شیخ علی بلیمان در بید آخوند یزد - خانقاه شیخ علاءالدوله در سمنان - بقعه شاهزاده طالب در قریه آدران شهریار - بقعه خواجه مظفر بتکچی در گرگان ...

۹۲

نشریه انجمن آثار ملی

در سال ۲۵۳۴ (۱۳۵۴ ه. ش.) برای چاپ و انتشار مجله‌ای به نام نشریه انجمن آثار ملی اقدام شد و امتیاز آن به نام آقای مرتضی مدرس چهاردهی صادر گردید و تاکنون (آذرماه ۲۵۳۵) دو شماره آن انتشار یافته است. انجمن آثار ملی امیدوار است از طریق چاپ و انتشار این مجله هم بتواند خدمتی در راه آثار و مفاخر ملی و تاریخی ایران انجام دهد.

۹۵

کتاب به تعمیرات بناهای تاریخی

در سال ۲۵۳۲

در سال ۲۵۳۴ شاهنشاهی (۱۳۵۴ ه. ش.) مبلغ بیست و هفت میلیون ریال برای کمک به تعمیر بناهای تاریخی کشور از طرف انجمن آثار ملی در اختیار سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران گذارده شد و بمصرف تعمیر و احیاء بیست و هشت اثر تاریخی رسید که از آنجمله است:

مسجد حاج رجبعلی در تهران - مجموعه سردار در قزوین - مسجد ملا رستم در مراغه - مسجد صاحب الامر در تبریز - مسجد مطلب خان در خوی - پل کهنه کرمانشاه - بقعه پیراقوس (بابامسافر) در شهداد کرمان - مقبره خواجه اتابک در کرمان - مدرسه درب کوشک اصفهان - برج مهماندوست در دامغان - مجموعه بناهای تاریخی بسطام ...

۹۶

آمار بازدید کنندگان آرامگاهها

همه ساله عدد زیادی از هموطنان و همچنین افراد خارجی از آرامگاههایی که بوسیله انجمن آثار ملی ساخته شده بازدید می نمایند و اینک آمار بازدید کنندگان در سال ۲۵۳۴ (۱۳۵۴ ه. ش.) را در اینجا نقل می کنیم :

ردیف	شرح	بازدید کنندگان ایرانی	بازدید کنندگان خارجی	رایگان	جمع
۱	آرامگاه فردوسی	۳۷۶۶۵۲	۳۷۸۶۳	۵۹۰۰	۳۸۶۶۱۵
۲	آرامگاه نادرشاه	۱۷۰۷۷۰۲	۲۰۷۲۴۴	۴۵۰۰	۱۹۵۷۴۴۶
۳	آرامگاه خیام و عطار	۷۳۷۰۳۲	۳۷۱۹۰	۱۷۱۵۰	۷۷۷۳۷۲
۴	آرامگاه ابوعلی سینا	۶۵۷۱۷۵	۲۷۱۸۰	۳۷۴۹۸	۹۸۷۸۵۳
۵	آرامگاه باباطاهر	۵۸۷۷۶۵	۳۰۹	۱۷۹۸۴	۶۱۷۰۵۸
۶	آرامگاه خرقانی	-	-	۱۶۷۸۵۵	۱۶۷۸۵۵
	جمع	۷۴۴۷۳۲۶	۲۹۷۷۸۶	۶۱۷۸۸۷	۸۳۵۷۹۹۹

۹۷

درآمد و هزینه انجمن آثار ملی

در سال ۲۵۳۲

همه ساله صورت درآمد و هزینه انجمن آثار ملی در گزارش سالیانه منعکس می گردد و اینک برای نمونه صورت درآمد و هزینه انجمن در سال ۲۵۳۴ (۱۳۵۴ ه. ش.) در اینجا نقل می شود :

الف - درآمد :

ریال	۳۷۳۵۴۰۶۶	۱ - موجودی پایان سال ۲۵۳۳
»	۱۲۰۰۰۰۰۰	۲ - کمک دولت
»	۱۰۴۵۰۰۰۰۰	۳ - عوارض سیمان (وصولی از خزانه داری کل)
»	۱۲۳۷۵۹۰	۴ - درآمد فروش تمبر بوعلی سینا
»	۶۲۴۱۸۵۵	۵ - درآمد بلیط ورودی آرامگاهها
»	۲۸۳۹۷۴۹	۶ - درآمد فروش کتاب
»	۸۴۰۶۰۶	۷ - درآمد متفرقه

جمع درآمد ۱۶۵/۰۱۳/۸۶۶ ریال

ب - هزینه :

ریال	۲۷۰۰۰۰۰۰۰	۱ - کمک به تعمیرات و مرمت بناهای تاریخی در وجه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران
»	۶۶۴۳۳۸۳۱	۲ - هزینه ساختمان آرامگاههای بزرگان
»	۴۵۷۸۰۴۴۵	۳ - خرید زمین و خانه در طوس و مقبرة الشعرا و آرامگاه خیام
»	۲۶۰۰۰۰۰	۴ - کمک به سازمان خیریه کمکهای بهداشتی کشور و کتابخانه وزیری یزد
»	۱۲۴۷۷۰۱۵۶	۵ - خدمات قراردادی ، حق التألیف ، هزینه چاپ کتاب ، و مطبوعات و متفرقه
»	۲۱۸۱۷۴۸	۶ - آب ، برق ، سوخت و روشنایی
»	۴۴۷۷۰۱۰	۷ - مواد مصرف شدنی ، لوازم نظیف ، پوشاک ، نوشت افزار و غیره

- ۸- حمل و نقل، هزینه سفر، مأموریت و ارتباطات ۹۱۱۰۶۹ ریال
- ۹- حقوق، دستمزد، حق الزحمه، پاداش و مدد معاش
اولاد کارکنان دبیرخانه و کارکنان و کارگران آرامگاهها
در شهرستانها ۲۶۹۸۱۹۸۹ »
- ۱۰- کالای مصرف نشدنی، کتاب، اثاث و تجهیزات
عمده برای مرکز و آرامگاهها ۷۱۲۶۹۱۲ »

جمع هزینه	۱۶۰۱۲۸۱۲۸۱۵۲ ریال
موجودی پایان سال	۶۲۳۶۶۱ »
بدهکاران موقت	۱۲۲۶۲۰۴۵ »
جمع کل	۱۶۵۰۱۳۸۶۶ »

۹۸

تصویرها

یکی از هدفهای دیرین انجمن آثار ملی فراهم آوردن تصاویر مناسب و شایسته از بعضی مفاخر علمی و فرهنگی در گذشته ایران بوده است و بدین منظور در سال ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ ه. ش.) آقای علی آذرگین استاد نقاش هنرمند به سفارش انجمن تصویر حکیم عمر خیام را از روی مجسمه آن حکیم که بوسیله استاد ابوالحسن صدیقی تهیه شده است ترسیم نمود.

در سال ۲۵۳۱ آقای آذرگین تصویر شیخ اجل سعدی شیرازی و تصویر ابوعبدالله جعفر رودکی را از روی مدارك موجود به سفارش انجمن بصورت تابلوهای رنگ و روغنی تهیه نمود. در سال ۲۵۳۲ نیز تصویر حکیم ابوالقاسم

فردوسی بوسیله استاد علی آذرگین به سفارش انجمن آثار ملی بصورت آب و رنگ تهیه شد و در نتیجه تصویرهای مستند رودکی، فردوسی، خیام و سعدی به ترتیبی که گذشت ساخته شده و در انجمن آثار ملی محفوظ است.

۹۹

تندیس

بنابر سفارش انجمن آثار ملی، استاد ابوالحسن صدیقی که از تربیت یافتگان شادروان کمال‌الملک است مجسمه‌های چند نفر از بزرگان و مفاخر ملی ایران را تهیه نموده است و یادردست تهیه دارد بدینقرار:

۱- تندیس ابن سینا: این مجسمه چنانکه شرح آن پیش از این آمده^۱ دارای ۳/۱۰ متر ارتفاع و پهنای متوسط ۹۰ سانتیمتر و وزن تقریبی چهار تن و نیم است که به سفارش انجمن آثار ملی از سنگ یکپارچه سفید قم تهیه و در میدان بوعلی همدان نصب گردیده است.

۲- تندیس سعدی: پیکره سعدی به حالت ایستاده به وضعی که کتاب کلیات خود را در دست دارد از روی تصویری که توسط استاد ابوالحسن صدیقی طرح و ترسیم شده بوسیله همان استاد به سفارش انجمن آثار ملی از سنگ مرمر یکپارچه قم ساخته و در میدان دروازه اصفهان در شیراز نصب شده است.^۲

۳- تندیس نادرشاه: چنانکه به تفصیل شرح داده ایم^۳ مجسمه برنزی گروپ سواری نادرشاه افشار نیز با همکاری و نظارت مستقیم آقای صدیقی به سفارش

۱- همین کتاب ص ۱۰۸ تا ۱۱۱.

۲- صفحه ۱۸۱ تا ۱۹۰ همین کتاب.

۳- ص ۲۵۵ تا ۲۶۱.

انجمن آثار ملی ساخته شده و در کنار آرامگاه آن شهریار نصب گردیده است .

۴- تندیس خیام : پیکره نیم تنه خیام با سنگ مرمر سفید در سال ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه.ش.) به دستور انجمن آثار ملی بوسیله استاد صدیقی تهیه و در باغ آرامگاه حکیم نصب شده است^۱.

۵- تندیس اعلیحضرت رضاشاه کبیر: پیکره اعلیحضرت رضاشاه کبیر به سفارش انجمن آثار ملی بوسیله استاد ابوالحسن صدیقی از سنگ یک پارچه تهیه شد و به فرمان شاهنشاه آریامهر به دانشگاه تهران تحویل و در بنای تازه ساز آنجا نصب گردید .

۶- تندیس فردوسی : مجسمه بزرگی حکیم ابوالقاسم فردوسی به سفارش انجمن آثار ملی از سنگ یکپارچه کارار با ترکیبی مناسب و درخور مقام حکیم بوسیله استاد ابوالحسن صدیقی در سال ۲۵۲۸ (۱۳۴۸ ه.ش.) تهیه شد و در سال ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ ه.ش.) بر فراز تخته سنگ بزرگ یکپارچه خارا که به کوشش و کاردانی مهندس گودرز جودت از کوه الوند به محل کار آورده شده بود در وسط میدان فردوسی تهران نصب گردید و آیین پرده برداری آن روز دوشنبه پنجم مهرماه ۲۵۳۰ صورت گرفت^۲ .

۷- تندیس خیام: پیکره حکیم عمر خیام از سنگ یکپارچه مرمر کارار به بلندی ۲/۲۵ متر بوسیله استاد صدیقی به سفارش انجمن آثار ملی در رم تهیه شد و به تهران حمل گردید و طبق دستور علیاحضرت شهبانوی ایران در پردیس فرح بر روی پایه سنگ خارای یکپارچه نصب شد. طبق درخواست انجمن آثار ملی آیین پرده برداری آن بوسیله آقای مهندس شریف امامی رئیس مجلس سنا و

۱- همین کتاب ص ۳۲۸ .

۲- رجوع شود به صفحه ۲۴ .

عضو انجمن آثار ملی روز پنجشنبه پانزدهم آبان ۲۵۳۴ (۱۳۵۴.ش.) انجام گرفت و به شهر تهران اهدا گردید. جزوه مناسبی هم درباره آن چاپ و در اختیار علاقه‌مندان گذارده شد.

۷- تندیس یعقوب لیث: قرارداد تهیه مجسمه مفرغی سواره یعقوب لیث صفاری از قهرمانان استقلال ایران به بلندی پنج متر و بیست و پنج سانتیمتر بین انجمن آثار ملی و استاد ابوالحسن صدیقی بسته شده و از چندی پیش در ایستگاه دزفول که نزدیکترین شهر به ویرانه‌های جندی شاپور (محل آرامگاه آن قهرمان بزرگ) می‌باشد مورد مطالعه است. ضمناً از طرف وزارت کشور اظهار علاقه شده است که مجسمه دیگری از این قهرمان ملی برای نصب در محل مناسبی در سرزمین سیستان تهیه گردد و انجمن با نظر مثبت موضوع را مورد مطالعه قرار داده است.

۸- تندیس ابوریحان بیرونی: همزمان با آنچه به فرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در سال ۲۵۳۲ (۱۳۵۲.ش.) برای بزرگداشت ابوریحان محمد بن احمد بیرونی نابغه شهیر و دانشمند نامی ایران در سده‌های چهارم و پنجم هجری (۳۶۲-۴۴۰ هجری) از طرف مقامات مختلف علمی کشور انجام گرفت، انجمن آثار ملی هم نسبت به تهیه و چاپ چند کتاب (ترجمه فصلی از آثار الباقیه - التفهیم بامقدمه و شرح حال ابوریحان به‌خامنه استاد جلال‌الدین همایی- تحقیق درباره آثار ریاضی ابوریحان از ابوالقاسم قربانی) اقدام نمود. ضمناً قرارداد تهیه پیکره سنگی یکپارچه آن نابغه بزرگ با استاد فریدون صدیقی بسته شد تا پس از آماده شدن در محل مناسبی نصب گردد.

استاد فریدون صدیقی درباره تهیه سنگ مناسب برای پیکره مذکور در تاریخ اول بهمن ماه ۲۵۳۲ (۱۳۵۲.ش.) طی گزارشی به اطلاع انجمن رسانید که از کوهی به نام کردستان واقع در شصت و پنج کیلومتری مغرب محلات

سنگی بدست آورده است که بوسیله متخصصان رشته سنگ‌شناسی دانشگاه جندی‌شاپور مورد بررسی قرار گرفته و معلوم شده است که در برابر فشار قوی بین ۸۰ تا ۹۰ فشارجو (اتمسفر) در برابر مابین ۳۵ تا ۵۰ درجه زیر صفر گرما بطور نامحدود مقاومت دارد و سختی آن نسبت به سنگ خارا (گرانیت) بین ۷ تا ۱۰ بوده وضع بیرون و درون سنگ ۳۰۰ تا ۴۰۰ سال غیر قابل دگرگونی است و باچنین مزایایی درعین حال بسیار خوش‌تراش است .

دسترسی به چنین سنگی که درمحل به نام «چینی» خوانده می‌شود از لحاظ انجمن آثار ملی موجب کمال خرسندی است ، زیرا تاکنون تهیه پیکره‌های سنگی بزرگ و یکپارچه مفاخر ایران به علت عدم اطلاع از سنگ مناسب در داخل کشور کاری بس دشوار می‌نمود و بهمین دلیل پیکره‌های سنگی از سنگ مرمر کارار در ایتالیا تهیه می‌شد و اینک می‌توان از این پس بدون نیاز به سنگ مرمر کارار از سنگ موسوم به «چینی» موجود در کوهستان کردستان محلات استفاده کرد .

۱۰۰

مجله انجمن آثار ملی

پیش از این اشاره کرده‌ایم^۱ که انجمن آثار ملی در بدو تأسیس جاومحل معینی نداشت و جلسات انجمن هر بار در خانه یکی از اعضاء مؤسس تشکیل

می‌شد. در آذرماه سال ۲۵۰۳ (۱۳۲۳ ه.ش.) پس از تجدید فعالیت انجمن ابتدا چند جلسه در منزل آقای دکتر صدیق وزیر فرهنگ وقت تشکیل شد و پس از آن تالار فردوسی برای دبیرخانه انجمن تعیین گردید و شادروان مهدی بیانی رئیس کتابخانه ملی به عضویت انجمن و ریاست دبیرخانه برگزیده شد.^۱ پس از آن بتدریج که دامنه فعالیت‌های انجمن گسترش می‌یافت نیاز به محلی وسیع و مخصوص به انجمن نیز احساس می‌شد. در سال ۲۵۱۸ (۱۳۳۸ ه.ش.) از طرف انجمن به آقای علا وزیر دربار شاهنشاهی نوشته شد که انجمن آثار ملی نیازمند محل مناسب مختص به خود می‌باشد تا کتابهایی را که به چاپ رسانیده است و نمونه‌های کوچک (ماکت) عمارات را که فراهم آورده و وسائل خود را در آن متمرکز سازد. در حال حاضر پرونده‌ها و نشرات انجمن در یکی دو اتاق و قسمتی از انبارهای عمارت موزه ایران باستان جاداده شده است و تاحدزیادی باعث زحمت اداره کل باستانشناسی است. استدعا دارد که عمارت قدیمی و تاریخی بادگیر که اکنون در اختیار وزارت راه است و با احداث بنای جدید وزارت راه آزاد خواهد شد برای انجمن آثار ملی در نظر گرفته شود. موضوع مورد تصویب قرار گرفت و اداره بیوتات سلطنتی دو اتاق عمارت مزبور را که در تصرف داشت در اختیار انجمن گذارد و کتابهای انجمن در آنجا قرارداد شد.

چون احتیاجات انجمن آثار ملی به محل و جای بخصوص برای انتشارات آن روز افزون بود و اتاقهای کاخ گلستان برای این نیازمندیها کافی نبود لذا انجمن آثار ملی در صدد برآمد که محل مناسبی که بتواند جوابگوی احتیاجات آن باشد تهیه نماید.

با وجود محدود بودن اعتبارات، بسبب لزوم استقرار انجمن در ساختمان

وسیعی که حائز جنبه هنری باشد سرانجام خانه قدیمی متعلق به شادروان امیربهادر^۱ واقع در محل معروف به سرپل امیربهادر که واجد اینگونه شرایط بود برای خرید در نظر گرفته شد.

ابتدا از اداره کل ثبت ، بانك رهنی و وزارت دادگستری خواسته شد که قیمت عرصه و اعیان آن خانه را که معروف به حسینیۀ امیربهادر و در بخش چهار سنگلج خیابان آرامنه واقع است تعیین نمایند و پس از آن به دفتر اسناد رسمی شماره ۵۸ تهران نوشته شد که «در نظر است خانه پلاك شماره ۲۳۰۷ ملكی شركت پخش سیگار ایران واقع در بخش چهار تهران معروف به حسینیۀ امیربهادر برای انجمن آثار ملی خریداری گردد، مبلغ کل بهای مورد معامله شش میلیون و یکصد هزار ریال می باشد، در تنظیم سند آن اقدام نمائید» و بدین ترتیب خانه ای بزرگ و قدیمی از مجموع خانه های شادروان امیربهادر وزیر دربار مظفرالدین شاه قاجار که در کتیبه دهلیز آن نوشته شده است: «عمل میرزا آقاگنج کار ولد حسن ۱۳۱۸» برای محل انجمن خریداری شد مساحت این خانه حدود سه هزار متر مربع

۱- شادروان حسین پاشا خان امیربهادر متولد سال ۲۴۱۲ (۱۲۳۲ ه.ش.) فرزند محمدصادق خان آجودان باشی پس از فوت پدر در دوره ناصری در تبریز به سمت آجودان باشی مظفرالدین میرزا ولیعهد منصوب گردید و در سال ۲۴۵۵ (۱۲۷۵ ه.ش.) پس از قتل ناصرالدین شاه با مظفرالدین میرزا از تبریز به تهران آمد و به سمت کشیکچی باشی مظفرالدین شاه مشغول خدمت گردید و پس از چندی با سمت وزیر درباری همراه مظفرالدین شاه به اروپا مسافرت کرد . پس از فوت مظفرالدین شاه و در دوره کوتاه سلطنت محمدعلی شاه بالقب سپهسالار اعظم به سمت وزیر جنگ منصوب گردید . پس از خلع محمدعلی شاه امیربهادر برای معالجه به وین پایتخت اطریش رفت و پس از چند سال اقامت در وین به تهران بازگشت و بعلت ضعف مزاج در خانه خود در تهران که امروز محل انجمن آثار ملی است اقامت گزید و در سال ۲۴۷۷ (۱۲۹۷ ه.ش.) در سن ۶۵ سالگی درگذشت . وی علاقه خاصی به ادبیات فارسی داشت و اقدام به تجدید چاپ شاهنامه نمود که امروز نسخ آن کمیاب است .

می‌باشد و دارای تالار بزرگ زیرزمینی آینه کاری و تالار بزرگ فوقانی و حوضخانه و کاشیکاری و اطاقهای متعدد برای محل انعقاد جلسات و سخنرانیها و قرائتخانه عمومی و تشکیل جلسات هیأت مؤسسين و هیأت مدیره و دفتر و بایگانی و حسابداری و مخزن کتب و نیازمندیهای دیگر است. چون از نظر سبک معماری ایرانی و تزیینات آینه کاری این محل شایسته کمال توجه بود لذا در سال ۲۵۲۷ (۱۳۴۷ ه. ش.) تعمیرات آن با رعایت شیوه اصیل قدیم انجام پذیرفت و در سال ۲۵۲۹ ازاره‌های تالار آینه که از سنگ نامناسب و سست تعبیه شده بود به ازاره‌های مرمر تبدیل گردید و رفع نقائص ساختمانی بنا عم از طاقنما بندی و نماسازی صحن و مرمت کلی ساختمان درخور وضع قدیمی آن انجام گردید. تأسیسات تهویه مطبوع از نوع تابستانی و زمستانی «فن کویل» برای کلیه قسمت‌های سرای مذکور و بناهای تابعه آن بوسیله شرکت سهامی تأسیساتی «وارمر» تأمین شد و هزینه آن بالغ بر ۲۳۳۷٫۶۰۰ ریال گردید.

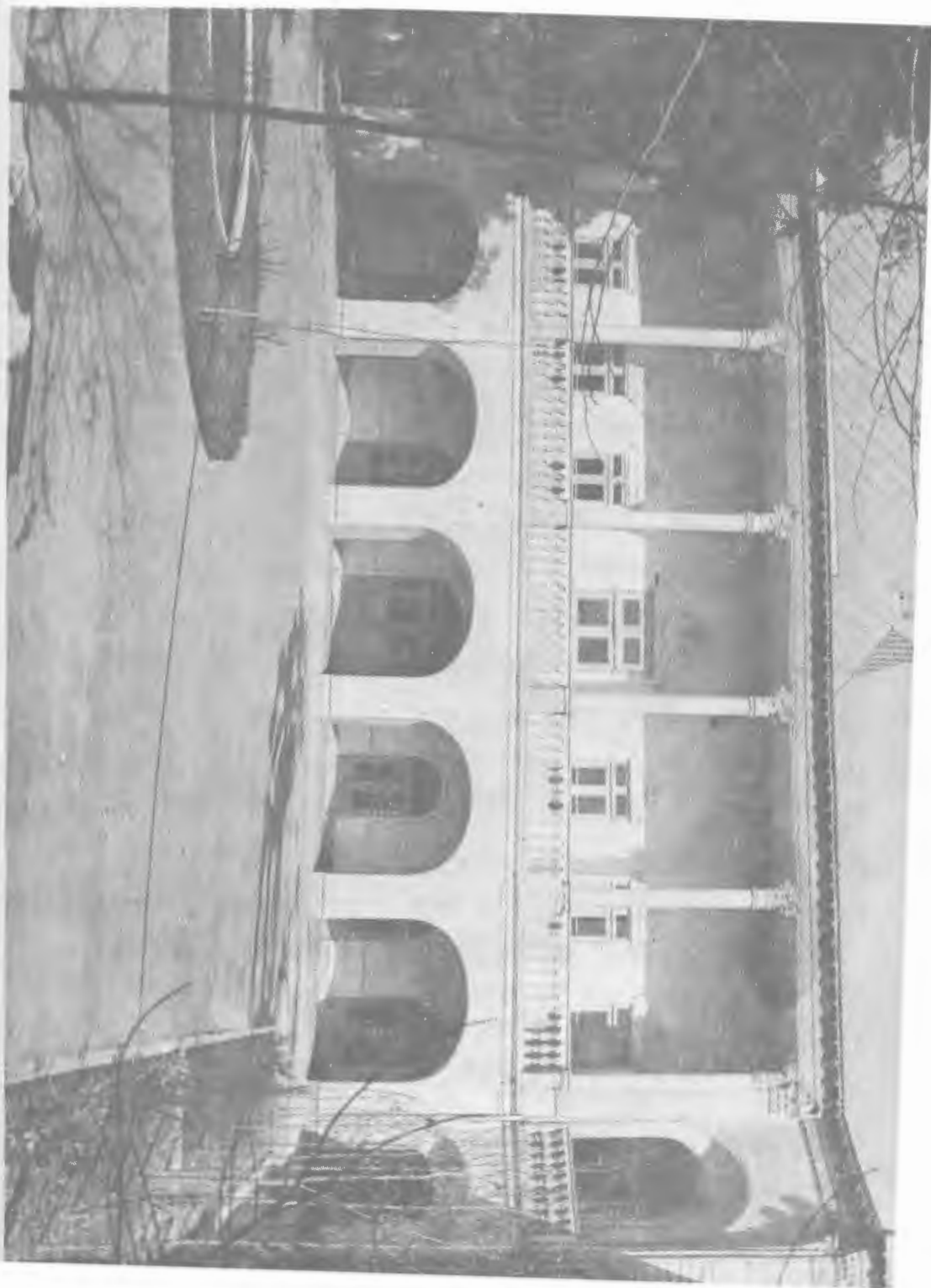
چنانکه اشاره شد این خانه را امیربهادر در حدود سال ۱۳۱۸ هجری قمری به عنوان حسینه بنا نهوده است. در کتابخانه ملی ملک نسخه‌ای از دیوان بقای اصفهانی شاعر معاصر امیربهادر جنگ به شماره ۵۶۲۶ موجود است^۱ و در آن قصیده‌ای است درباره حسینه امیربهادر که اکنون محل انجمن آثار ملی است. این قصیده ۴۶ بیت است و چنین آغاز می‌شود:

این حسینه به از روضه باغ ارم است که در او بال ملک فرش به زیر حرم است
و ابیات او آخر آن چنین است:

مرحبا بانسی این بزم وزیر دربار که یکی لمعه تأیید ز سر تا قدم است
فخر اورانه که بر خلق امیر است و وزیر فخر او را به غلامی امام امم است
در سال ۲۵۲۸ (۱۳۴۸ ه. ش.) بردیوار غربی ایوان مقابل عمارت لوحه‌ای

۱- آقای ایرج افشار این موضوع را به اطلاع انجمن رسانیدند.

جمعه چتراسی صارت محل المجمع آقاوعلی- از خانه های حسین پاشا خان اسر وها در مورخ به سال ۱۳۱۸ هجری



سنگی نصب شد که بر آن نوشته شده است :
 «هر که نه گویای تو خاموش به هر چه نه باد تو فراموش به

به نام نامی اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی

آریامهر شاهنشاه ایران

این سرای کهنه اعیانی که از نظر نکات معماری ایرانی و آیین کاری و تزئینات دیگر شایسته نگاهداری و توجه بنظر می رسد در زمان مظفرالدین شاه قاجار ضمن مجموعه ساختمانهای متعلق به حسین پاشاخان وزیر دربار آن زمان و ملقب به امیر بهادر احداث گشته. تاریخ مرقوم بر سقف دهلیز جنوبی تالار آیین آن ۱۳۱۸ قمری مقارن با ۱۲۷۹ شمسی (۱۹۰۰ میلادی) است.

انجمن آثار ملی که در سال ۱۳۰۱ شمسی (۱۹۲۲ میلادی) به ریاست اعلیحضرت همایون شاهنشاه رضاشاه کبیر از جمعی از شخصیتهای دلسوز و علاقه مند به آثار تاریخی و باستانی و مفاخر در گذشته ایران تأسیس شده و از داشتن محل اختصاصی محروم بود در سال ۱۳۴۶ شمسی ۱۹۶۷ میلادی آنرا خریداری نمود و پس از انجام تعمیرات اساسی و مفصل بارعایت شیوة اصیل و قدیمی بنا آنرا مقر دائمی خود قرار داد.

هیأت مؤسسان انجمن در این مرحله خدمت علاوه بر جناب آقای وزیر

فرهنگ و هنر مرکب از نامبردگان زیر بودند :

سید حسن تقی زاده - مهندس جعفر شریف امامی - علی اصغر حکمت -
 دکتر عیسی صدیق - دکتر صادق رضازاده شفق - سپهبد امان الله جهانبانی -
 سپهبد فرج الله آقاولی - سرلشکر محمد حسین فیروز - دکتر محمود مهران - دکتر
 غلامحسین صدیقی - مهندس محسن فروغی - حسن نبوی - اللهیار صالح -
 سید محمد تقی مصطفوی .

امید می رود این مرکز پژوهش و کانون کوشش که هدف اصلی از ایجاد

آن تلاش در راه بزرگداشت مفاخر فرهنگی ایران و پاس حرمت و آشنائی بیشتر به یادگارهای تاریخی و ملی و آثار معنوی این سرزمین باستانی است و در طول نزدیک پنجاه سال که از تاریخ ایجاد آن می‌گذرد به اندازه امکانات خود منشأ خدمات و آثاری درباره بزرگان علم و ادب و افتخارات گذشته میهن گرامی بوده است بموازات پیشرفتهای علمی و فنی دنیای کنونی و بفرخور



تصویر ۲- لوحه منصوب بر دیوار غربی ایوان مقابل عمارت انجمن آثار ملی

افزایش دانش و بینش فرزندان این مرز و بوم و همگام با دیگر ترقیات کشور
مراحل توسعه و تکمیل را در آینده بپیماید و برای دوستداران فرهنگ و هنر
چند هزار ساله ایران بیش از پیش مرجعی سودمند و پایگاهی شایسته و درخور
هدف مقدس خویش باشد بمنه و کرمه . اردیبهشت ماه ۱۳۴۸ شمسی .

۱۰۱

تابلوهای نقاشی

این تابلوهای نقاشی در انجمن آثار ملی موجود است :

- ۱- تابلو نقاشی رنگ و روغن اعلیحضرت رضاشاه کبیر (نقاشی روی دیوار) به ابعاد $۱/۰۸ \times ۲/۰۹$ متر اثر فیروزفر .
- ۲- تابلو نقاشی رنگ و روغن اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر به ابعاد $۱/۲۰ \times ۱/۵۳$ متر اثر آذرگین .
- ۳- تابلو نقاشی رنگ و روغن علیاحضرت شهبانوی ایران به ابعاد $۱/۲۰ \times ۱/۵۳$ متر اثر آذرگین .
- ۴- تابلو نقاشی رنگ و روغن والاحضرت همایون ولایتعهد به ابعاد $۱/۲۰ \times ۱/۵۳$ متر اثر آذرگین .
- ۵- تابلو نقاشی رنگ و روغن والاحضرت همایون ولایتعهد به ابعاد $۰/۵۵ \times ۰/۶۹$ متر اثر آذرگین .
- ۶- تابلو نقاشی رنگ و روغن حافظ به ابعاد $۰/۷۵ \times ۱$ متر اثر استاد ابوالحسن صدیقی .

۷- تابلو نقاشی رنگ و روغن جوانی شادروان ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) به ابعاد $۱/۸۲ \times ۱/۲۴$ متر اثر شادروان محمد غفاری (کمال‌الملک) اهدائی خانم حکیم‌الملک به انجمن آثار ملی.

ضمناً يك تابلو مشتمل بر طرح مقرنس کاری که در سال ۱۱۹۶ هجری ترسیم شده و برای آشنائی به رموز این هنر ظریف ملی واجد اهمیت فراوان است بوسیله آقای سناتور مهندس فروغی به انجمن آثار ملی اهداء گردیده است.

۱۰۲

کتابخانه انجمن آثار ملی

در سال ۲۵۲۶ شاهنشاهی (۱۳۴۶ خورشیدی) يك خانه اعیانی قدیمی که از جمله نمونه‌های آثار معماری و هنری قابل توجه سده اخیر تهران بشمار می‌رود برای محل انجمن آثار ملی خریداری گردید و یکی از تالارهای آن که از نظر روشنائی، سکوت و هوا برای کتابخانه مناسب بنظر می‌رسید برای این منظور اختصاص یافت و بایکصد و شش مجلد کتاب که تحویل اینجانب گردید کتابخانه انجمن بنیاد نهاده شد. میز، صندلی، اثاث لازم برای کتابخانه و تالار مطالعه وقفه‌بندی مخزن تا پایان سال ۲۵۲۷ (۱۳۴۷ ه.ش.) آماده گردید و ترتیب تهیه تدریجی کتب و انتشارات مربوط به تاریخ، جغرافیا، باستانشناسی، هنر، ادبیات و فرهنگ ایران از طریق مبادله، خرید و غیره داده شد.

کتابخانه شادروان عبدالحسین بیات - کتابهای بازمانده در کتابخانه شادروان عبدالحسین بیات در سال ۲۵۲۸ (۱۳۴۸ ه.ش.) به پیشنهاد و راهنمایی شادروان

۱- این گزارش به وسیله خانم فاطمه مهران رئیس کتابخانه انجمن آثار ملی تنظیم شده است و با اندک تلخیص نقل می‌شود.



تالار مطالعه و جستجی از کتابهای فارسی کتابخانه

تیمسار فرج الله آقاولی وبر اثر حسن نیت آقای بزرگ بیات برادر شادروان عبدالحسین بیات به انجمن آثار ملی اهدا گردید .
اینجانب به خانه آن مرحوم مراجعه نمود و کتابها را تحویل گرفت. تعداد کتابهای مذکور از اینقرار بود :

۳۸ جلد

کتابهای خطی

» ۲۴۴۶

کتابهای فارسی چاپی

۱ ۶۶۲

کتابهای خارجی چاپی

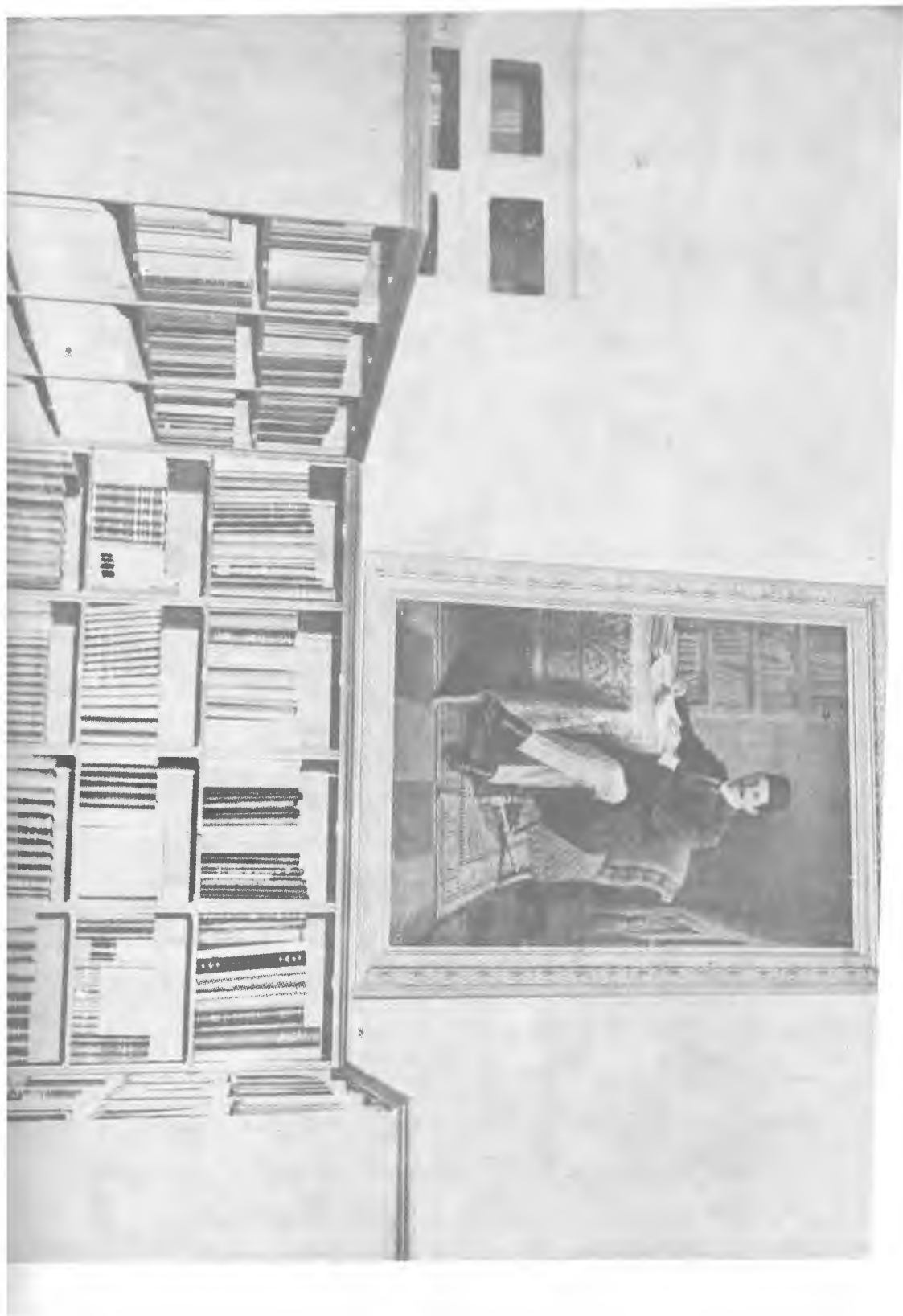
۳۱۴۶ جلد

جمع

این کتابها در دفتری جداگانه ثبت شده و برگه‌های آنها در برگه‌دان ویژه‌ای تنظیم گردیده و نام اهداکننده (شادروان عبدالحسین بیات) نیز در محل ضبط آن کتابها نوشته شده است .

قسمتی دیگر از کتابهای کتابخانه انجمن نیز از آغاز تاکنون از طرف دانشگاهها و مؤسسات فرهنگی و علمی و اشخاص علاقه‌مندی که ذکر نامشان برخلاف سلیقه آنهاست اهدا گردیده و قسمتی از طریق مبادله با دانشگاهها و مؤسسات فرهنگی و علمی فراهم آمده ، قسمتی هم خریداری شده است و بطور خلاصه توسعه و تکمیل کتابخانه همواره مورد توجه انجمن بوده و ادامه داشته است چنانکه :

در سال ۲۵۲۸ (۱۳۴۸ ه. ش.) با توجه به اینکه قسمت مهمی از کتابهای خارجی اهدائی از کتابخانه شادروان عبدالحسین بیات به زبان فرانسه و مربوط به تاریخ، باستانشناسی ، فرهنگ و ادب ایران بود، پس از بررسی دقیق کتب برگزیده‌ای در همین زمینه به زبان انگلیسی بوسیله مؤسسه معروف Lazac از ناشران معتبر کتابهای مربوط به شرق شناسی در لندن خریداری گردید .
در سالهای ۲۵۲۹ و ۲۵۳۰ علاوه بر کتابهایی که از طرف سازمانهای مختلف



فرهنگی و دانشگاهی به صورت مبادله به کتابخانه رسید ، کتابهایی متناسب با هدفهای انجمن نیز خریداری گردید.

در سال ۲۵۳۱ (۱۳۵۱ ه.ش.) تعداد ۲۶۹ مجلد کتاب بصورت مبادله یاهدیه و ۳۰۲ مجلد از طریق خریداری به کتابخانه انجمن رسید.

در سال ۲۵۳۲ از طرف دفتر علیا حضرت شهبانوی ایران و دانشگاه و دیگر مؤسسات علمی کشور و برخی از شخصیتهای علاقه‌مند مجموعاً ۲۷۰ جلد کتاب به کتابخانه رسید و مرکز مبادله انتشارات مصر (المركز القومي لتبادل المطبوعات- قاهره) نیز ۲۷ مجلد کتاب (بعنوان مبادله) به کتابخانه انجمن فرستاد. در همین سال ۵۲ جلد کتاب نیز برای کتابخانه خریداری گردید.

در سال ۲۵۳۳ (۱۳۵۳ ه.ش.) از طرف شرکت ملی نفت و دانشگاهها و دیگر سازمانهای علمی کشور (بصورت مبادله) و بوسیله برخی از شخصیتهای علاقه‌مند بصورت اهداء جمعاً ۲۸۱ جلد کتاب به کتابخانه انجمن رسیده و ۶۶ جلد هم خریداری شده است .

در سال ۲۵۳۴ (۱۳۵۴ ه.ش.) علاوه بر کتابهایی که خریداری گردید ، پژوهنده گرامی آقای امیر مهدی بدیع مؤلف کتابهای تحقیقی گوناگون که دوره کتاب «Les Grecs et les Barbares» از جمله آنها بشمار می‌رود علاوه بر هدیه جلد چهارم این اثر بسیار ارزنده خود (چاپ سوئیس ۱۹۷۵) که به تنهایی شامل سه بخش در سه مجلد جداگانه است ، دوست جلد هم از هریک از دو تألیف محققانه خود به شرح ذیل :

1- L. Idée de la Méthode des Sciences

چاپ سوئیس ۱۹۵۳

2-- Zarathoustra (Monde et Parole de Zarathoustra)

چاپ سوئیس ۱۹۶۱

به انجمن آثار ملی اهدا نمود .



مجموعه خيام - در سال ۲۵۲۶ شاهنشاهی (۱۳۴۶ خورشیدی) مجموعه کتب مربوط به حکیم عمرخيام نیشابوری بالغ بر ۳۰۷ جلد مشتمل بر نسخه های چاپی کمیاب و مهم درباره خيام و رباعیهای او و ترجمه رباعیات او به زبانهای مختلف و ترجمه به زبانهای گوناگون از ترجمه فیتزجرالد^۱ از آقای احمد افشار شیرازی که طی سالیان متمادی باشور و علاقه خاص آنها را فراهم آورده بودند خریداری شد. این گنجینه که از جمله نفیس ترین و عزیز ترین مجموعه ها بشمار می رود در محفظه ای خاص نگهداری می شود و فهرست جامع و کامل آن نیز در دفترى جداگانه فراهم آمده است .

فهرست این مجموعه نفیس از لحاظ زبان از این قرار است :

- | | |
|---------------------------|--------|
| ۱- فارسی | ۶۵ جلد |
| ۲- فارسی و انگلیسی | » ۱۳ |
| ۳- فارسی و فرانسه | » ۵ |
| ۴- فارسی و عربی و انگلیسی | » ۱ |
| ۵- فارسی و روسی | » ۳ |
| ۶- فارسی و ترکی | » ۶ |
| ۷- فارسی و عربی | » ۴ |
| ۸- فارسی و آسوری | » ۱ |
| ۹- انگلیسی | » ۱۵۸ |
| ۱۰- فرانسه | » ۱۳ |
| ۱۱- انگلیسی و فرانسه | » ۱ |

۱- برای آگاهی از سبب شهرت فراوان خيام در جهان رجوع شود به کتاب یادگار
عمر استاد دکتر عیسی صدیق، چاپ تهران، سال ۱۳۴۵ خورشیدی، از صفحه ۴۱ به بعد.

- ۱۲- انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیائی و دانمارکی ۲ »
 ۱۳- آلمانی ۵ »
 ۱۴- آلمانی، فرانسه و انگلیسی ۱ »
 ۱۵- نروژی ۱ »
 ۱۶- ارمنی ۲ »
 ۱۷- روسی ۱ »
 ۱۸- کردی ۱ »
 ۱۹- چک ۱ »
 ۲۰- پرتغالی ۱ »
 ۲۱- ایتالیائی ۳ »
 ۲۲- ژاپونی ۱ »
 ۲۳- عربی ۱۵ »
 ۲۴- عبری ۱ »
 ۲۵- ترکی ۱ »
 ۲۶- فارسی، انگلیسی، آلمانی و فرانسه ۱ »

۳۰۷ جلد

جمع

از این تعداد ۱۲۷ جلد آن ترجمه از فیتزجرالد می باشد.

تعداد کتابهای کتابخانه انجمن در حال حاضر (آخر آذرماه ۲۵۳۵)

از این قرار است :

۱- تعداد کتابهای چاپی فارسی اهدائی و خریداری و غیره : ۴۵۹۱ جلد

۲- کتابهای فارسی متعلق به کتابخانه شادروان عبدالحسین بیات که به

کتابخانه انجمن اهدا شده است : ۲۴۴۶ »

- ۳- کتابهای خطی که از طرف انجمن تهیه شده است: ۸ جلد
- ۴- کتابهای خطی کتابخانه شادروان عبدالحسین بیات (اهدائی
به کتابخانه انجمن): ۳۸
- ۵- مجموعه خیام: ۳۰۷
- ۶- کتابهای چاپی غیر فارسی خریداری و اهدائی: ۱۲۰۴
- ۷- کتابهای چاپی خارجی اهدائی از کتابخانه شادروان
عبدالحسین بیات: ۶۶۲

۸۷۴۸ جلد

جمع

یادآوری این نکته لازم می‌نماید که همه ساله عده‌ای از دانشمندان ایرانی و خارجی و دانشجویان دانشکده‌های هنرهای زیبا و معماری و مدرسه عالی جهانگردی و مدارس عالی و آموزشگاههایی که رشته تحصیلی و پژوهشهای آنان با آثار تاریخی و مفاخر ملی پیوستگی دارد به کتابخانه انجمن مراجعه می‌نمایند و طبق آیین‌نامه از کتابها و مدارك موجود بهره‌مند می‌شوند.

۱۰۳

رؤسا و مدیران انجمن از آغاز تا کنون

و اعضاء جدید

پیش از این شرح داده ایم که انجمن آثار ملی در پائیز سال ۲۴۸۱ (۱۳۰۱ ه.ش) تشکیل گردید و در سال ۲۴۸۴ (۱۳۰۴ ه.ش) به درخواست انجمن، سردار سپه

که در آن تاریخ نخست وزیر بودند ریاست عالیّه انجمن را پذیرفتند. در این دوره انجمن که تا سال ۲۴۹۴ (۱۳۱۴ ه. ش.) ادامه داشت ریاست انجمن بعهده شادروان محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) بود و ارباب کیخسرو و شاهرخ مدیرعامل و خزانه دار انجمن بود. مدتی هم حسن ناصر سمت دبیری انجمن را داشت. در آذرماه سال ۲۵۰۳ (۱۳۲۳ ه. ش.) هنگامی که آقای دکتر صدیق وزیر فرهنگ بودند به کوشش ایشان فعالیت انجمن آثار ملی مجدداً آغاز گردید و رئیس و نایب رئیس هیأت مؤسسين، و هیأت مدیره انجمن بدین شرح برگزیده شدند:

رئیس هیأت مؤسسين	حسن اسفندیاری (محتشم السلطنه)
نایب رئیس	علیرضا قراگزلو (بهاءالملک)

هیأت مدیره

رئیس	آقای علی اصغر حکمت
نایب رئیس	آندره گدار
خزانه دار	سرلشکر امان الله جهانبانی

و شادروان دکتر مهدی بیانی ریاست دبیرخانه انجمن را بعهده داشت. در تاریخ پنجم اسفند ماه سال ۲۵۰۳ (۱۳۲۳ ه. ش.) شادروان حسن اسفندیاری درگذشت.

تا سال ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) رئیس هیأت مؤسسين شادروان صادق صادق (مستشارالدوله) بود، وی در شانزدهم آذرماه سال ۲۵۱۱ درگذشت و پس از او شادروان حسین علا از روز یکشنبه سوم اسفندماه سال ۲۵۱۱ به سمت ریاست هیأت مؤسسين برگزیده شد.

هنگام افتتاح آرامگاه ابن سینا و جشن هزاره او در اردیبهشت ماه سال ۲۵۱۳ (۱۳۳۳ ه. ش.) رئیس هیأت مؤسسين شادروان حسین علا و نایب رئیس

شادروان علی هیئت و رئیس هیأت مدیره آقای علی اصغر حکمت و خزانه دار سپهد جهانبانی بود. پس از شادروان دکتر مهدی بیانی مدتی آقای سید محمد تقی مصطفوی سمت ریاست دبیرخانه انجمن را داشت .

شادروان حسین علا روزیکشنبه بیست و یکم تیرماه ۲۵۲۳ (۱۳۴۳ ه.ش.) درگذشت و در تاریخ سه شنبه هفدهم شهریورماه ۲۵۲۳ آقای علی اصغر حکمت به سمت رئیس هیأت مؤسسين انتخاب شد .

شادروان سپهد آقاوولی که از سال ۲۵۱۸ (۱۳۲۸ ه.ش.) به عضویت هیأت مؤسسين برگزیده شده بود در سال ۲۵۲۴ (۱۳۳۴ ه.ش.) به ریاست هیأت مدیره انجمن انتخاب شد و تا سحرگاه دوشنبه سیزدهم آبانماه سال ۲۵۳۳ (۱۳۵۳ ه.ش.) که چشم از جهان فرو بست در این سمت باقی بود .

در سال ۲۵۲۵ (۱۳۴۵ ه.ش.) بر اثر درگذشت شادروانان حسین علا و علی هیئت دوتنفر از اعضای هیأت مؤسسان، آقایان مهندس جعفر شریف امامی و حسن نبوی به عضویت هیأت مؤسسين برگزیده شدند .

پس از درگذشت علی هیأت آقای دکتر عیسی صدیق به سمت نایب رئیس هیأت مؤسسين انجمن انتخاب گردیدند .

در جلسه مورخ ۱۹ مهر ماه ۲۵۲۹ (۱۳۴۹ ه.ش.) بر اثر درگذشت شادروان سید حسن تقی زاده ، آقای مهندس منوچهر سالور عضو هیأت مؤسسين گردید .

شادروان دکتر رضا زاده شفق در شهریورماه ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ ه.ش.) درگذشت و در جلسه ۱۱ مهرماه ۲۵۳۰ (۱۳۵۰ ه.ش.) هیأت مؤسسين آقای مهندس علی صادق را به جانشینی آن شادروان به عضویت هیأت مؤسسين برگزید .

در جلسه روز یکشنبه سوم آذرماه سال ۲۵۳۳ (۱۳۵۳ ه.ش.) بسبب درگذشت تیمسار فقید سپهد فرج الله آقاوولی و سپهد امان الله جهانبانی و

استعفای قبلی آقای اللهیار صالح آقایان حسین قدس نخعی و دکتر یحیی مهدوی و دکتر ذبیح الله صفا به عضویت هیأت مؤسسين برگزیده شدند و آقای قدس نخعی سمت ریاست هیأت مدیره را یافتند.

اکنون (بهمن سال ۲۵۳۵ مطابق با ۱۳۳۵ ه.ش.) اعضای هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی علاوه بر آقای مهرداد پهلبد وزیر فرهنگ و هنر عبارتند از آقایان :

سناتور مهندس جعفر شریف امامی - علی اصغر حکمت - سناتور دکتر عیسی صدیق - حسین قدس نخعی - سرلشکر محمد حسین فیروز - دکتر محمود مهران - دکتر غلامحسین صدیقی - حسن نبوی - سناتور مهندس محسن فروغی - دکتر ذبیح الله صفا - مهندس منوچهر سالور - دکتر یحیی مهدوی - سناتور مهندس علی صادق - سید محمد تقی مصطفوی.

رئیس و نایب رئیس هیأت مؤسسين و هیأت مدیره انجمن عبارتند از:

رئیس هیأت مؤسسين	آقای علی اصغر حکمت
نایب رئیس	آقای دکتر عیسی صدیق

هیأت مدیره

رئیس	آقای حسین قدس نخعی
نایب رئیس	آقای مهندس محسن فروغی
خزانه دار	آقای سید محمد تقی مصطفوی

آقای علی اکبر اصغریان نیز سمت دبیری انجمن را عهده دار می باشد . از اعضای درگذشته انجمن تا هنگام نگارش این سطور می توان افراد

ذیل را نام برد :

۱- آقای عبدالعلی پورمند معاون پژوهشی وزارت فرهنگ و هنر بجای وزیر در جلسه ها شرکت می کند .

حسن مستوفی (مستوفی الممالک) - حسن پیرنیا (مشیرالدوله) - عبدالحسین تیمورتاش (سردار معظم خراسانی) - محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) - ارباب کیخسرو شاهرخ - فیروز میرزا فیروز (نصرةالدوله) - نظام‌الدین حکمت (مشارالدوله) - حسن اسفندیاری (حاج محتشم السلطنه) - صادق صادق (مستشارالدوله) - علیرضا قراگزلو (بهاءالملک) - علامه محمد قزوینی - دکتر قاسم غنی - حسین سمیعی (ادیب السلطنه) - ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) - پرفسور ارنست هرتسفلد آلمانی - سید حسن تقی‌زاده - علی‌هیئت - سپهبد امان‌الله جهانبانی - سپهبد فرج‌الله آق‌اولی - دکتر رضازاده شفق .

کارمندان انجمن آثار ملی

در مرکز

خانمها : فاطمه مهران ، رئیس کتابخانه - الهه سمندر ، کتابدار - ویکتوریا میرزاقدم ، رئیس دفتر - فیروز عزیزی ، ماشین‌نویس و بایگان - منیره پورشهیدی ، ماشین‌نویس - نسترن وخشور ، کارمند - شهلا خرمی ، کارمند - مجله و بایگان .

آقایان : احمد کاشانیان ، رئیس حسابداری - علی راستکار ، مدیر بایگانی - علی کاشانیان ، مدیر بیمه و حسابداری - غلامحسین سنگینی ، حسابدار - محسن رزاقی ، متصدی دفاتر حسابداری - فخرالدین صفوی ، کارمند - ابوالفضل میرزاقادری ، مدیر مخزن کتاب و کارپرداز - علی قطب ، کارمند مخزن کتاب - مرتضی مدرسی چهاردهی ، مدیر مجله - حسن پیرنهاد ، عضو انتشارات - دکتر حسینعلی سلطان‌زاده پسیان ، عضو انتشارات - حسین جودت ، کارشناس فنی ساختمان - سرایدار و مستخدم و راننده دوازده نفر .

در شهرستانها

آقایان : محمد بهادری ، نماینده انجمن در خراسان - پرویز قهرمانی ، مدیر داخلی آرامگاه فردوسی - کارکنان آرامگاه فردوسی ۲۴ نفر - حسن محمدزاده

کرمانی ، مدیر داخلی آرامگاه نادرشاه -- کارکنان آرامگاه نادرشاه ۱۱ نفر--
 مهدی روشندل، نماینده انجمن درنیشابور- کارکنان آرامگاههای خیام، عطار،
 کمال‌الملک ، و امامزاده محمد محروق جمعاً ۲۲ نفر -- احمد ساجد ، نماینده
 انجمن در همدان و مدیر آرامگاه ابن‌سینا-- کارکنان آرامگاه ابن‌سینا ۶ نفر --
 عبدالعلی رئوفی ، مدیر آرامگاه باباطاهر -- کارکنان آرامگاه باباطاهر ۸ نفر--
 ابراهیم عاطفی، نماینده انجمن در خرقان-- کارکنان آرامگاه خرقانی ۳ نفر--
 علی سامی ، نماینده انجمن آثار ملی در فارس- کارکنان در فارس ۳ نفر-- کارکنان
 مقبره الشعراء تبریز ۳ نفر-- در آرامگاه ابن‌یمین يك نفر- در آرامگاه کاشفی (سبزوار)
 يك نفر-- در آرامگاه اوحدی مراغه‌ای ۲ نفر -- در بنای یادبود سید جمال‌الدین
 اسدآبادی يك نفر.

تعلیقات

صفحة ۸۹ سطر ۲۰ : ۱ ... به سال ۳۷۵ شمسی برابر ۳۹۷ قمری .
منظور سال شمسی یزدگردی است نه سال شمسی هجری .
صفحة ۲۵۰ سطر ۱۰ : آقای دکتر عیسی صدیق (نایب رئیس هیأت مؤسسين).
در آن تاریخ شادروان علی هیئت نایب رئیس هیأت مؤسسين بوده است
نه آقای دکتر صدیق .

صفحة ۲۸۱ سطر ۱۱ : « تقویم خیامی در ۳۷۷۰ سال يك روز خطا میکند » .
در تاریخ فرهنگ ایران تألیف استاد دکتر صدیق صفحه ۴۲۶ و ۴۲۷
چنین آمده است :

« عمر خیام (متوفی در ۵۱۷) را در عالم بیشتر بواسطه رباعیاتش می شناسند
در صورتی که مهمترین خدماتش در علم ریاضی است . اوست که
اولین کتاب جبر و مقابله کامل را تدوین کرد و معادلات را طبقه بندی
نمود و معادله درجه سوم را حل کرد ، اوست که تقویم جلالی در قرن
پنجم هجری (یازدهم میلادی) تنظیم کرد که در هر ۵۰۰۰ سال يك روز
نسبت به حرکت حقیقی خورشید اختلاف دارد در صورتی که تقویم
اروپائی و مسیحی که پانصد سال بعد بدستور پاپ گرگوار متوفی در
۱۵۸۵ در عالم مسیحیت رسمیت یافت در هر ۳۳۳۰ سال يك روز
اختلاف دارد . »

صفحة ۳۵۳ سطر آخر : « این مدرسه در اراضی باغ نگارستان ایجاد شد » .
عبارت باید چنین باشد : « این مدرسه در یکی از بناهای باغ نگارستان
تأسیس گردید » .

صفحة ۴۳۰ سطر ۵ : «درواقع يك گنبد بر فراز قبر پرفسور پوپ و يك گنبد بالای قبر همسر او می باشد ...»

در روزنامه اطلاعات روز سه شنبه پنجم بهمن ماه ۲۵۳۵ (۱۳۵۵ ه.ش.) در باره درگذشت همسر پرفسور پوپ چنین آمده است:

«شیراز - خبرنگار اطلاعات: دکتر فیلیس اکرمین پوپ همسر پرفسور آرتور پوپ ایرانشناس معروف ساعت ۵ سحرگاه امروز در سن ۸۶ سالگی در شیراز جان سپرد. دکتر فیلیس ۱۲ سال پیش همراه شوهرش به شیراز آمد و به اتفاق وی مؤسسه آسیائی را در این شهر بنیاد نهاد. وی دارای تألیفات گرانبها و ارزشمندی در زمینه تاریخ و تمدن ایران است. طبق وصیت وی جسدش در سرپل خواجه اصفهان و در کنار گور همسرش پرفسور پوپ به خاک سپرده شد ...» نگارنده روز پنجشنبه هفتم بهمن ماه (دوروز پس از درگذشت وی) از گورش بازدید کرد. او را در کنار گور همسرش به خاک سپرده بودند و اطراف و درون آرامگاه پوشیده از تاج گل‌هایی بود که از طرف مقامات مختلف و دوستان و آشنایانش فرستاده شده بود.

صفحة ۴۸۴ : چند تن از کسانی که نامشان در این لوحه آمده به هنگام گشایش آرامگاه فردوسی در سال ۲۴۹۳ (۱۳۱۳ ه.ش.) در قید حیات نبوده و یا در آن تاریخ عضو انجمن نبوده اند، تفصیل را رجوع شود به صفحه های ۳۲ و ۳۳ همین کتاب.

صفحة ۶۰۱ سطر ۱۴ : چنانکه در غلطنامه نیز آمده کلمه « صفوی » نادرست و صحیح آن « صفدی » می باشد.

صفحة ۶۲۶ : در اواخر دیماه ۲۵۳۵ نامه ای از آقای علی سامی درباره نی ریزی رسید و درباره آثار او نوشته اند:

« آن اندازه آثار خوشنویسی که از او بجای مانده از کمتر استادی دیده

شده است . مقداری از آثار او در این کتابخانه ها موجود می باشد :

الف - کتابخانه سلطنتی کشور شاهنشاهی:

- ۱- قرآن قطع رحلی به تاریخ ۱۱۱۷ ه . ق .
- ۲- قرآن قطع رحلی به تاریخ ۱۱۴۵ ه . ق .
- ۳- قرآن قطع رحلی به تاریخ ۱۱۱۱ ه . ق .
- ۴- قرآن قطع وزیری به تاریخ ۱۱۴۱ ه . ق .
- ۵- قرآن قطع رحلی به تاریخ ۱۱۲۴ ه . ق .
- ۶- قرآن قطع رحلی به تاریخ ۱۱۲۷ ه . ق .
- ۷- سورة يس به انضمام دعاهاى روزهاى هفته به تاریخ ۱۱۱۰ ه . ق .
- ۸- سورة يس والفتح والقدر به تاریخ ۱۱۳۰ ه . ق .
- ۹- سورة الفتح والقدر به تاریخ ۱۱۴۲ ه . ق .

ب- کتابخانه سلطنتی مصر:

- ۱- قرآنی که تمام صفحه هایش با زر ناب تذهیب گردیده است .
- ۲- قرآنی بتاریخ ۱۱۱۴ ه . ق . که در اصفهان نوشته است و به کتابخانه نورالدین بیک مصطفی ترکی تعلق داشته است .

ج- کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار:

- ۱- دعاء جوشن کبیر به تاریخ ۱۱۱۳ ه . ق .
- ۲- مجموعه ادعیه به تاریخ ۱۱۱۶ ه . ق .
- ۳- کتاب الادعیه دردو مجلد به تاریخهای ۱۱۳۰ و ۱۱۴۳ ه . ق .
- ۴- دعاء کمیل به تاریخ ۱۱۳۹ ه . ق . که در اصفهان و برای آقامیرزا محمدعلی نوشته است .

د - خزانه آستان قدس رضوی:

- ۱- کتاب الادعیه المأثوره وبعض النسیجات به تاریخ سال ۱۱۵۱ ه . ق .
- در ۴۶ برگ با تذهیب و در حواشی آن سند هر دعاء به فارسی نوشته

شده است .

۵- کتابخانه آستان مقدس شاهچراغ:

۱- يك قطعه زیارت هفتم حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام .

و- ایوان چهلستون اصفهان:

۱- آیه الکرسی در دو طرف ایوان به تاریخ سال ۱۱۲۷ ه . ق . که با

جدولهای زر تاب تذهیب شده است .

غیر از آثار مذکور، تکه های بسیار عالی دیگری در جاهای مختلف از

این استاد در دست است .

سال زائیده شدن احمد نی ریزی بدرستی معلوم نیست ولی از سال

۱۰۹۶ تا سال ۱۱۵۲ ه . ق . بیش از نیم سده خوشنویسی می کرده است .»

صفحه ۶۳۴ سطر ۹ : « درولیانکوه درنیم فرسنگی تبریز ...»

در بسیاری از مآخذ نام این محل که بعدها مدفن کمال خجندی گردید،

«ولیانکوه» آمده و در برخی از مآخذ «ولیانکوی» ذکر شده است .

به درخواست نگارنده نامه ای به آقای دولتشاهی مدیرکل فرهنگ و

هنر آذربایجان شرقی نوشته شد که چگونگی را از دانشمندان تبریز

تحقیق نموده مرقوم دارند . نامه ای در پنجم دیماه ۲۵۳۵ از آقای

عبدالعلی کارنک رسید، قسمتی از آن که مربوط به این موضوع است

نقل می شود: « چند روز پیش آقای دولتشاهی تلفنی می پرسیدند که نام

محلۀ مدفن کمالین، ولیانکوه است یا ولیانکوی؟ گویا یکی از حضرات

محققین در کتاب « از سعدی تا جامی ، براون» ولیانکوه به نظرشان

رسیده است . بنده عرض کردم، از همان زمان کمال خجندی، بل یکی

دو قرن پیش از وی نیز آنجا کوی و لیان ، صوفیان و درویشان بوده

است و کوههای سرخاب و زردکوه (ساری داغ) که در شمال و شرق

آن محله قرار گرفته اند هرگز کوه و لیان یا ولیانکوه نامیده نشده اند.

در کتب مسالك وممالك ومزارات، از جمله روضات الجنان وجنات الجنان حافظ حسین کربلائی تبریزی نیز که چهار قرن قبل از زمان «بزاون» تألیف یافته، همه جا ولیانکوی آمده است، با اطمینان خاطر باید ولیانکوی نوشت نه چیز دیگر.

آقای عبدالعلی کارنگ در تاریخ هشتم بهمن ماه ۲۵۳۵ ضمن نامه‌یی نوشته‌اند: «دروقت نامه ربع رشیدی دوباره به کلمه «ولیانکوه» برخوردم لطفاً عریضه قبلی بنده را تصحیح بفرمائید که از هفت قرن پیش، هم «ولیانکوی» و هم «ولیانکوه» معمول بود است.

صفحه ۶۴۰ سطر ۳: بر سنگ نوشته منسوب بر دیوار آرامگاه کمالین تاریخ وفات کمال خجندی سال ۸۰۷ هجری نوشته شده است و در همه مأخذ ۸۰۳ می‌باشد، در این باره نیز آقای کارنگ نوشته‌اند: «تاریخ تولد کمال-الدین مسعود خجندی معلوم نیست، ولی تاریخ درست مرگش روشن است هم به نثر و رقم نوشته‌اند و هم ماده تاریخ منظوم دارد. سال ۸۰۳ ه. ق. است^۱» رک به ص ۴۲۴ - ۴۲۶، آثار باستانی آذربایجان ج ۱، شهرستان تبریز ۱۰. راجع به تاریخ تولد و مرگ کمال الدین بهزاد خوشبختانه مأخذ زیاد است... کمال الدین بهزاد به سال ۸۷۰ ه. در شهر هرات به دنیا آمده و در ۹۴۲ ه. ق. در تبریز وفات یافته است، ماده تاریخ منظوم هم دارد.

صفحه ۷۲۸ سطر آخر: چنانکه در غلطنامه هم آمده است کلمه «وقبر» نادرست می‌باشد و صحیح آن «دفتر» است.

۱- در نامه آقای دولتشاهی در این باره نوشته شده است: «در مورد تاریخ وفات شیخ کمال چنین پیدا است که نوشته لوحه اشتباه است و همه کتابها سنه ۸۰۳ را معتبر شناخته‌اند.

هشتصد و سه گذشت کان خورشید همچو مه در سحاب غیب نهفت
« از خواجه عبدالرحیم خلوتی »

آرامگاه شاه عباس کبیر : شاه عباس اول صفوی معروف به شاه عباس کبیر پسر سلطان محمد خدا بنده به سال ۹۷۸ هجری قمری در دره رات دیده به جهان گشود و در سال ۹۹۶ به سلطنت رسید . نوشته اند : « وی مردی دلیر ، جنگجو ، پردل و زورمند بود و در سواری و شمشیرزنی و تیراندازی مهارت و زبردستی خاص داشت ، بهنرهای زیبا مانند خوشنویسی ، تذهیب ، نقاشی ، مینیاتور سازی ، کاشیکاری ، زیبایی و امثال آن توجه بسیار می کرد . قسمتی از کارهای وی عبارتست از :

۱- جنگ با بیگانگانی که به ایران هجوم آورده بودند و مغلوب ساختن و راندن آنها از ایران .
 ۲- بازگردانیدن سرزمینهای از دست رفته به ایران و تجدید افتخارات دیرین کشور .

۳- منظم کردن وضع اداری کشور .
 ۴- بوجود آوردن ارتش منظم .
 ۵- تأسیس کارخانه توپ ریزی .
 ۶- ترویج هنر و صنایع ظریفه و تشویق هنرمندان .
 ۷- ساختمان مسجد شیخ لطف الله که در سال ۱۰۱۱ شروع و در سال ۱۰۲۸ به پایان رسید .

۸- ساختن عمارت چهلستون .
 ۹- ساختمان ویا تکمیل بنای عالی قاپو .
 ۱۰- احداث خیابان چهارباغ در اصفهان .
 ۱۱- احداث پل سی و سه چشمه مشهور به پل چهارباغ .
 ۱۲- ساختمان عمارت هشت بهشت .
 ۱۳- آباد کردن نجف آباد اصفهان و وقف آن بر نجف اشرف .
 ۱۴- ایجاد کاروانسراهای متعدد در راهها .

۱۵- تعمیر مرقده و گنبد مطهر حضرت رضا علیه السلام .

۱۶- کوچ دادن عده‌ای از آرامنه از جلفای ارس به جلفای جدید نزدیک اصفهان و بسیاری کارهای دیگر . خلاصه آنکه این پادشاه دولتی بوجود آورد که از لحاظ قدرت و امنیت و ثروت و رواج تجارت و نظم تشکیلات اداری و سیاسی کم نظیر بود . شاه عباس در شب پنجشنبه بیست و چهارم جمادی الاول سال ۱۰۳۸ هجری قمری در اشرف مازندران در گذشت و جنازه او را بردوش ناکاشان آوردند و در پشت مدفن امامزاده حبیب بن موسی به امانت سپردند .

مدفن شاه عباس : اسکندربیک منشی مخصوص شاه عباس در تاریخ عالم آرای عباسی آورده است که «جنازه [شاه عباس] را در پشت مشهد بیرون کاشان که مدفن امامزاده عالیقدری است موسوم به امامزاده حبیب بن موسی به امانت گذاشتند که ان شاء الله به یکی از اماکن مشرفه و آستانهای متبرکه نقل شود ... » در مقاله‌ای مبسوط تحت عنوان : « نظری به آرامگاه شاه عباس کبیر در کاشان و مدارک تاریخی آن » چنین آمده است : «... از مجموع قرائن و منابع چنین برمی آید که شاه عباس خود وصیت کرده بود که پس از مرگ جسدش را در مزار حبیب بن موسی در کاشان دفن نمایند و همچنین از وصایای دیگر او که ناورنی^۱ فرانسوی هم می نویسد این بود که قبرش باید گمنام و بدون تجمل و تشریفات شاهانه باشد ... از اینجهت حتی سنگ بزرگ و گرانبهای هم که از دورترین نقاط کشور برای آن مزار آورده بودند بدون نوشتن هیچگونه نام و نشانی بر روی آن قبر گذاشته^۲ شد ...

۱- مجله هنر و مردم، شماره بیست و چهارم دوره جدید، مهرماه ۱۳۴۳، به قلم حسن نراقی.

۲- این سنگ گرانها و کمیاب بنا بگفته آندره گدار مدیر کل پیشین اداره باستانشناسی و موزه ایران باستان متعلق به معادن قفقازیه بوده است و دارای ۱/۹۲ متر طول و ۰/۶ سانتیمتر عرض و ۰/۵ سانتیمتر ارتفاع می باشد . «همان مأخذ» .

اسکندریك منشی در ضمن وقایع او اخر نخستین سال سلطنت شاه صفی هنگام مسافرت او به کاشان در کتاب ذیل عالم آرای عباسی نوشته است که بتاريخ روز سه شنبه ۲۳ محرم الحرام از دار السلطنه اصفهان به دار المؤمنین کاشان رسیدند ... به زیارت مدفن شریف حضرت گیتی ستان جنت آشیان مشرف گشته جهت ترویج روح آن حضرت به ختمات کلام حضرت ملک علام و اطعام فقرا و مساکین و خیرات و تصدقات اقدام فرمودند و از تربت مقدس و روح مطهرش استمداد همت فرموده لوای جهانگشا به صوب مقصد افراختند ... از این سند معتبر و بیان رسای اسکندریك چنین برمی آید که نه ماه پس از درگذشت شاه عباس و بخاك سپردن او اکنون دیگر نه اینکه موضوع امانت گذاشتن و یا نقل و انتقال جنازه اش مطرح نیست و بکلی منتفی گشته بلکه آرامگاه وی را هم در کاشان بعنوان « مدفن شریف حضرت گیتی ستان » و همچنین « تربت مقدس » یاد می کنند بغیر از همین قبر معین و مشخص در حبیب بن موسی در هیچ جای دیگر قبری که منسوب به شاه عباس و یا مظنون به اینکه قبر او باشد وجود ندارد و در هیچ کتاب و مأخذ معتبری هم دیده نشده که تاریخ یا چگونگی انتقال جسد او در کاشان بجای دیگر نوشته و تصریح شده باشد و هر جا هم چنین عنوانی بمیان آمده بدون ذکر مأخذ و سند و بلکه با شك و تردید و از جمله شایعات افواهی بوده است مانند تذکره آشکده آذر یا کتاب دانشمندان آذربایجان که با ایهام و اجمال نوشته اند : شاه عباس درمازندران وفات کرد و در نجف اشرف مدفون است. در صورتی که هیچگونه اثری از قبر شاه عباس در نجف اشرف وجود نداشته و ندارد، چنانکه شاه صفی که در سال سوم سلطنتش (سال ۱۰۴۱) به نجف رفته در شرح مسافرت او که اسکندریك منشی در تاریخ « ذیل عالم آرای

عباسی» نوشته نام و نشانی از مدفن شاه عباس در میان نیست ، در حالی که هنگام مسافرت او به کاشان مطابق شرحی که ذکر شد به زیارت مدفن و تربت جد خود شتافته و مراسم احترام را بجا آورده بود ، دلیل واضح دیگر آنکه اسکندریك منشی که نقل و انتقال صوری نعش منسوب به شاه طهماسب را با شرح و بسط تمام نوشته و حتی درباره جنازه سلطان محمد خدا بنده که ابتدا در مزار شاهزاده حسین قزوین بخاک رفته بود در تاریخ عالم آرا می نویسد: «بعد از مدتی از آنجا نقل به عتبات عالیات شد». بدیهی است که هرگاه نقل و انتقالی هم برای نعش شاه عباس از کاشان به محل دیگری پیش آمده بود بطریق اولی در کتاب «ذیل عالم آرای عباسی» که وقایع پنج سال بعد از فوت شاه عباس را هم نگاشته است لابد اشاره می نمود ... اکنون بطور قطع و با یقین کامل می توان گفت که مدفن حقیقی شاه عباس کبیر معلوم و معین بوده و همان قبر معروفی است که در مزار حبیب بن موسی واقع در پشت مشهد کاشان با سنگ سیاه بزرگ و گرانمایی مشخص می باشد^۱.

آرامگاه شاه عباس : از سال ۲۵۰۶ (۱۳۲۶ ه. ش.) بنابه پیشنهاد آقای دکتر صدیق انجمن آثار ملی در صدد بوده است که آرامگاهی برای شاه عباس کبیر بنا کند و نخستین اقدامش تحقیق در تعیین محل قبر آن پادشاه بزرگ بوده است. در تاریخ ۲۵۰۶/۱۲/۲۶ از طرف انجمن به وزارت امور خارجه نوشته شد که «چون انجمن آثار ملی در نظر دارد برای بنای آرامگاه شاه عباس کبیر که یکی از بزرگترین سلاطین و مایه افتخار ایران است در کاشان اقداماتی بعمل آورد، خواهشمند است به سفارت ایران در بغداد دستور اکید صادر فرمایند که یکی از اعضاء علاقه مند

۱- تفصیل را رجوع شود به مقاله مذکور و کتابهای عالم آرای عباسی و ذیل عالم آرای عباسی و مآخذ دیگری که در ذیل آن مقاله آمده است.

سفارت را مأمور تحقیق درباره محل آرامگاه منسوب به شاه عباس در مشهد متبرکه و مخصوصاً در نجف اشرف نمایند تا اطلاعات کامل و کافی تهیه کند و جهت اطلاع انجمن آثار ملی ارسال دارند. « در تاریخ سوم خرداد ماه ۱۳۲۷ (۱۳۲۷ ه. ش.) نامه‌ای از سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد رسید و نوشته بودند که « راجع به آرامگاه مرحوم شاه عباس کبیر باز جوئیهای دقیقی از مطلعین در نجف بعمل آمد و همگی اظهار بی اطلاعی نمودند ... » از طرف اداره کل باستانشناسی نیز در تاریخ ۲۶/۱۱/۷ طی نامه‌ای در پاسخ استفسار انجمن آثار ملی اطلاع داده شد که « ... پس از فوت شاه عباس جسد او را در جوار مرقده حبیب بن موسی در کاشان به امانت سپردند که بعد به عتبات عالیات نقل داده شود ، پس از آن دیگر اثری که دال بر بردن جسد به عتبات باشد مشهود نگردیده و محقق است که جنازه در جوار آرامگاه حبیب بن موسی باقی مانده است ... ». پس از آن هم باز تحقیقاتی در این زمینه بعمل آمد و سرانجام برای انجمن مسلم گردید که « آرامگاه شاه عباس کبیر در محل بقعه حبیب بن موسی در محله پشت مشهد شهر کاشان می باشد . » با آنکه بر اثر مکاتبات مکرر انجمن آثار ملی با ادارات و مقامات مختلف خیابانی بنام خیابان شاه عباس در کاشان احداث شده و از نزدیک بقعه حبیب بن موسی و قبر شاه عباس می گذرد باز در حدود هشتاد متر بین خیابان و بقعه فاصله است و باید این فاصله را از معبری نسبتاً باریک عبور نمود و طبعاً بنا نبودن راه بنای آرامگاهی در خور مقام آن پادشاه بزرگ مقدور نمی باشد . با وجود مکاتبات فراوانی که طی چندین سال با سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ، مسؤولان طرح جامع کاشان ، فرمانداری و شهرداری کاشان و غیره بعمل آمده هنوز این راه کوتاه ساخته نشده است . چون طرح جامع

شهرکاشان زیر نظر دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی ایران تهیه میگردد اخیراً از طرف انجمن آثار ملی به آن دانشکده نوشته شده است که « هیأت مؤسس انجمن آثار ملی در انجام دادن دستورهای مقامات عالی کشور و بمنظور عملی کردن خواسته های علاقه مندان به تاریخ و فرهنگ ایران از چند سال پیش در صدد برآمده است که به منظور بزرگداشت شاه عباس کبیر ، آرامگاه مناسبی که درخور مقام آن شهریار بزرگ صفوی باشد بسازد و چون راه وصول به آرامگاه فعلی شاه عباس مناسب نیست تاکنون در این مورد اقدامی نشده و طبق بررسی هایی که بعمل آمده است اگر معبر مستقلى از خیابان شاه عباس کاشان به آرامگاه این شهریار ایجاد گردد ، عملیات ساختمانی آرامگاه بصورتی صحیح تر و شایسته تر انجام خواهد شد لذا خواهشمند است دستور فرمایند با مطالعانی که استادان محترم آن دانشکده در این مورد نموده اند طرح لازم برای این منظور ارائه نمایند تا با اجرای آن بهر صورتی که مناسب و میسر باشد مقدمات احداث آرامگاه مورد نظر نیز فراهم گردد . » و اکنون منتظر رسیدن پاسخ این نامه می باشند.

خلاصه آنکه مدت ۲۹ سال است که انجمن آثار ملی در صدد بنای آرامگاهی برای شاه عباس کبیر است و بسبب موانع و مشکلاتی که قسمتی از آنها ذکر شد تاکنون موفق به بنای آن نشده است .

منابع درآمد انجمن آثار ملی: منبع اصلی درآمد انجمن آثار ملی عوارضی است که از سیمان اخذ و در اختیار انجمن گذارده می شود . قانون اخذ این عوارض در اردیبهشت ماه سال ۲۵۲۶ (۱۳۴۶ ه. ش.) بدین شرح از مجلس شورای ملی گذشت : کمیسیون دارائی در جلسه ۲۹ بهمن ماه ۱۳۴۵ با حضور آقای زاد معاون وزارت فرهنگ و هنر لایحه شماره ۳۲۹۶۳-۹/۱۰/۱۳۴۲ راجع به اخذ مبلغ بیست ریال عوارض

از هرتن سیمان بنفع انجمن آثار ملی را که در مجلس سنا اصلاح شده بود مورد رسیدگی قرار داد و اصلاحات مجلس سنا را عیناً تصویب نمود. اینک گزارش آن را به مجلس شورای ملی تقدیم می‌دارد.

ماده واحده: دریافت مبلغ بیست ریال عوارض از هرتن سیمان وسیله وزارت دارائی جهت تعمیرات بناهای تاریخی که در اختیار انجمن آثار ملی قرار گرفته و می‌گیرد تأیید و تصویب میشود.

مخبر کمیسیون دارائی - عزت‌الله اوزار

این قانون در تاریخ سه‌شنبه ۱۹/۲/۴۶ به تصویب نهائی مجلس شورای ملی رسید و ابلاغ شد.

علاوه بر این همه ساله مبلغی به عنوان کمک به انجمن آثار ملی در بودجه عمومی کشور منظور و به انجمن پرداخته می‌شود. این مبلغ در سال ۲۵۳۵ بالغ بر ۲۴/۳۰۰/۰۰۰ ریال بوده است.

عواید دیگر انجمن که تحت عنوان درآمدهای متفرقه ذکر می‌شود عبارتست از درآمد بلیط‌های ورودی آرامگاهها، فروش کتاب، فروش نمبر بوعلی سینا و غیره.

جلسات هیأت مؤسس انجمن: در هر ماه یک بار جلسه هیأت مؤسس انجمن آثار ملی تشکیل می‌شود و پس از قرائت و تصویب صورت جلسه قبل مطالب لازم طرح می‌شود و مورد شور و بحث قرار می‌گیرد. سیصد و دومین جلسه هیأت مؤسس انجمن ساعت ۵ بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۴ آذرماه ۲۵۳۵ به ریاست آقای دکتر صدیق و با حضور آقایان: مهندس شریف امامی - سرلشکر فیروز - دکتر مهران - نبوی - دکتر صدیقی - دکتر مهدوی - دکتر صفا - مهندس فروغی - مهندس صادق - پورمند -

۱- مبلغی که از این بابت عاید انجمن می‌گردد در صورت درآمد و هزینه انجمن از صفحه ۷۸۵ تا ۷۸۷ همین کتاب ذکر شده است.

۲- رجوع شود به صورت درآمد و هزینه انجمن در صفحه ۷۸۵ تا ۷۸۷ همین کتاب.

جودت و مصطفوی در محل انجمن تشکیل گردید .
در اول هر سال گزارش کارهایی که در سال قبل بوسیله انجمن آثار ملی
انجام گردیده و ترازنامه انجمن تهیه میشود ، پس از آنکه حسابداران
آزموده بانک به ترازنامه رسیدگی کردند ، دو نفر از اعضاء هیأت
مؤسس گزارش آنها را مورد رسیدگی قرار می دهند و نتیجه را به هیأت
مؤسسين تسليم می نمایند. گزارش سالیانه و ترازنامه پس از تأیید و
نصوب هیأت مؤسس هم در روزنامه ها و هم بطور جداگانه چاپ و
منتشر می گردد .



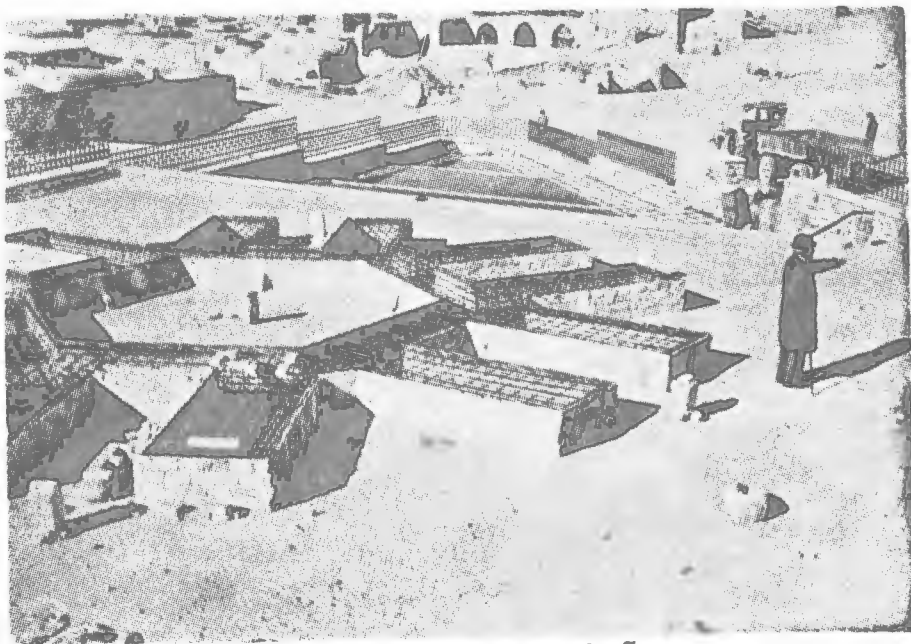
آرامگاه ملا حسین واعظ کاشفی - سبزوار



آرامگاه ناتمام اوحدی - درمراغه



آرامگاه نزاری قهستانی در بیرجند



آرامگاه ابن یمن در فریومد سبزوار



آرامگاه ابن یمن در فریومد



آرامگاه میررضی الدین ارتیمانی



بنای یادبود سیدجمال الدین اسدآبادی در اسدآباد

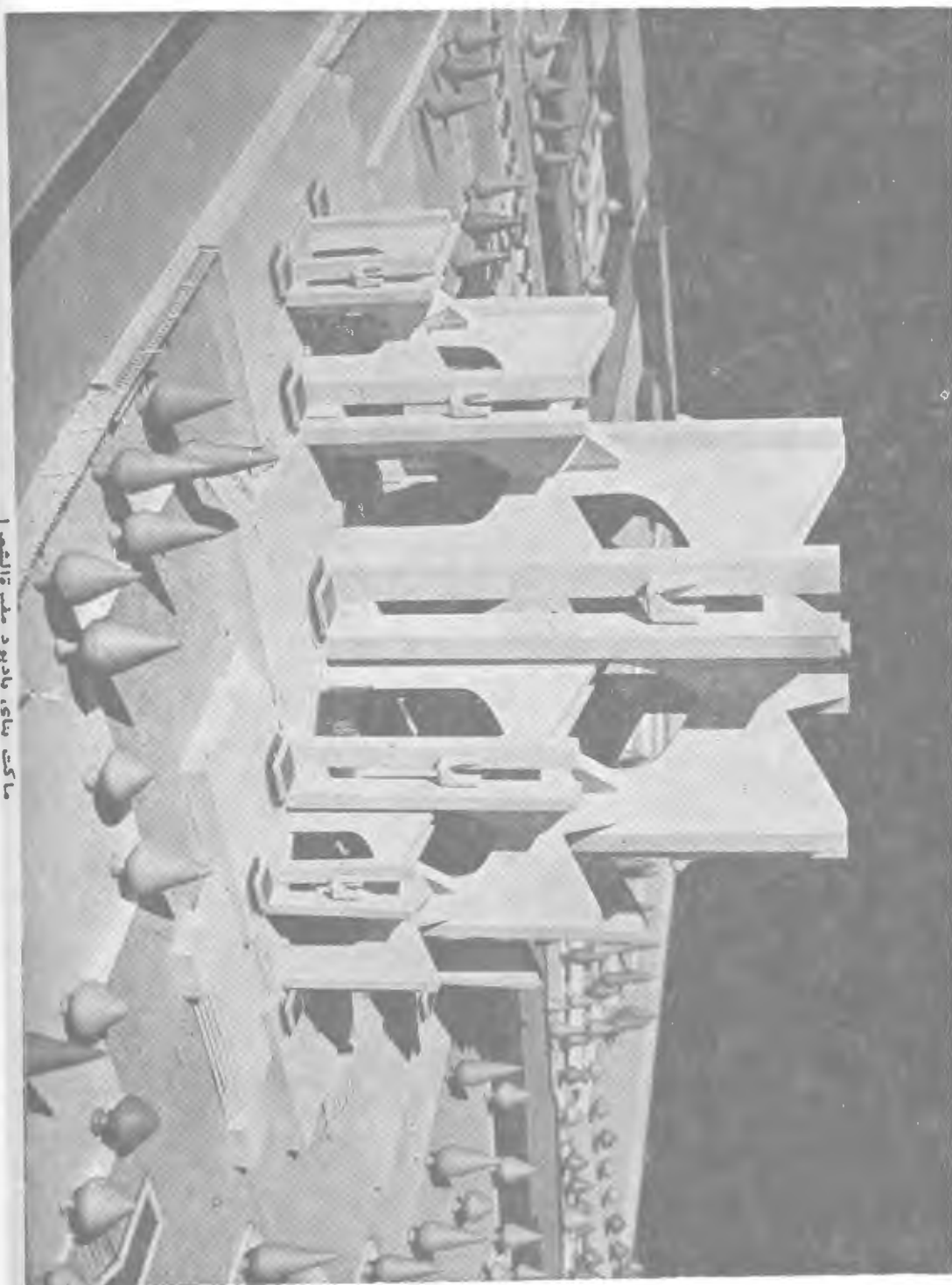


آرامگاه حاج ملاهادی سبزواری متخلص به اسرار - سبزواری



بنای یادبود مقبرة الشعرا در تبریز

ماکت پلای، یادبود ملبر و آلنسر



کاربرد ۱۰-۵

۵۳.۷۰

کلی پلاور ۱۵-۵

۰±۰.۰۰

۳۲.۵۰

۹

۳۶.۵۰

مختصات نقطه زینت درجه اول از سمت راست به چپ
به صورت متر و سانتی متر از سمت راست به چپ
۵۷۸۵ متر مربع

Bo-1-2

۱۰۶.۱۰

۱۵-۱۵

خان کمال

۳۶.۷۰

۲۷.۳۰

۵-۹۰

۷۲.۲۰

ایستگاه
مردم
ایستگاه

فہرستہا

فهرست تصاویر

- ۱- درورودی ساختمان فعلی انجمن آثار ملی ، ص ۲ .
- ۲- علی هانیبال ، ص ۸ .
- ۳- پرفسور پوپ ، ص ۱۰ .
- ۴- محمدعلی فروغی ، ص ۱۴ .
- ۵- پرفسور هرتسفلد ، ص ۱۷ .
- ۶- جلسه کمیته انجمن آثار ملی در فرمانیه ، ۱۴ شهریور ۲۴۸۵ (۱۳۰۵ ه . ش .) ص ۱۹ .
- ۷- مجسمه فردوسی منصوب در میدان فردوسی تهران ، ص ۲۴ .
- ۸- هیأت مدیره بخت آزمائی فردوسی ، ص ۲۷ .
- ۹- بلیط بخت آزمائی فردوسی ، ص ۲۸ .
- ۱۰- آرامگاه فردوسی ، ص ۳۱ .
- ۱۱- علی اصغر حکمت ، ص ۴۲ .
- ۱۲- هیأت رئیسه کنگره فردوسی ، ص ۴۴ .
- ۱۳- آرامگاه قدیم خیام ، ص ۵۲ .
- ۱۴- اعلیحضرت رضاشاه کبیر در حال سخنرانی ، بهنگام گشودن آرامگاه فردوسی ، ص ۵۴ .
- ۱۵- مدال فردوسی ، ص ۵۶ .
- ۱۶- مجسمه فردوسی منصوب در آرامگاه حکیم ، ص ۵۷ .
- ۱۷- دکتر عیسی صدیق ، ص ۶۵ .
- ۱۸- هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی ، ص ۶۹ .

- ۱۹- هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی ، ص ۷۱ .
- ۲۰- هیأت مؤسسين انجمن آثار ملی ، ص ۷۵ .
- ۲۱- آرامگاه ابن سینا ، ص ۷۸ .
- ۲۲- آرامگاه سابق ابن سینا ، ص ۸۴ .
- ۲۳- سنگ قبر قدیم بوعلی سینا ، ص ۸۶ .
- ۲۴- سنگ قبر ابوسعید دحدوک ، ص ۸۸ .
- ۲۵- ماکت آرامگاه جلدید ابن سینا ، ص ۹۰ .
- ۲۶- برج اصلی آرامگاه ابن سینا ، ص ۹۱ .
- ۲۷- مجسمه ابن سینا ، ص ۹۳ .
- ۲۸- آرامگاه ابوعلی سینا ، ص ۹۵ .
- ۲۹- کتیبه کتابخانه آرامگاه ابن سینا ، ص ۱۰۱ .
- ۳۰- صندوق مفرغی زیر گنبد آرامگاه ابن سینا ، ص ۱۰۳ .
- ۳۱- تصویر تمام رخ ابن سینا ، ص ۱۰۸ .
- ۳۲- تصویر نیم رخ ابن سینا ، ص ۱۰۹ .
- ۳۳- مجسمه ابن سینا ، ص ۱۱۰ .
- ۳۴- مدال ابن سینا ، ص ۱۱۵ .
- ۳۵- حسین علاء ، ص ۱۲۰ .
- ۳۶- آیین پرده برداری از مجسمه ابن سینا ، ص ۱۳۸ .
- ۳۷- آیین پرده برداری از مجسمه ابن سینا ، ص ۱۳۹ .
- ۳۸- جلسه هیأت مؤسسين انجمن بتاريخ شهر یور ماه ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) ، ص ۱۴۰
- ۳۹- جلسه هیأت مؤسسين انجمن بتاريخ شهر یور ماه ۲۵۱۱ (۱۳۳۱ ه. ش.) ، ص ۱۴۱ ،
- ۴۰- آرامگاه سابق سعدی ، ص ۱۶۶ .
- ۴۱- داخل آرامگاه سابق سعدی ، ص ۱۶۷ .

- ۴۲- نقشه آرامگاه سعدی ، ص ۱۷۰ .
- ۴۳- نقشه ساختمان ومحوطه آرامگاه سعدی، ص ۱۷۳ .
- ۴۴- تصویر سعدی، ص ۱۸۲ .
- ۴۵- مجسمه سعدی پس از مراسم پرده برداری، ص ۱۸۳ .
- ۴۶- مجسمه سعدی ، ص ۱۸۶ .
- ۴۷- آیین افتتاح آرامگاه سعدی، ص ۱۹۱ .
- ۴۸- اعلیحضرت همایونی بهنگام افتتاح آرامگاه سعدی، ص ۲۰۴ .
- ۴۹- آرامگاه پیشین نادرشاه، ص ۲۱۴ .
- ۵۰- جلسه هیأت مؤسسين انجمن در باغ ییلاقی حکیم‌الملک بتاریخ مردادماه ۲۵۱۴ (۱۳۳۴ ه.ش.) ؛ ص ۲۲۲ .
- ۵۱- نقشه آرامگاه نادرشاه، ص ۲۲۳ .
- ۵۲- نقشه باغ نادری و آرامگاه نادرشاه، ص ۲۲۵ .
- ۵۳- باز کردن صندوق استخوانهای نادرشاه، ص ۲۲۸ .
- ۵۴- استخوانهای نادرشاه درون صندوق ، ص ۲۲۹ .
- ۵۵- بیرون آوردن استخوانهای نادرشاه از صندوق ، ص ۲۳۰ .
- ۵۶- استخوانهای نادر در درون پارچه، ص ۲۳۰ .
- ۵۷- اقامه نماز برعظام‌رمیمه نادرشاه، ص ۲۳۱ .
- ۵۸- استخوانهای نادرشاه در درون قبر، ص ۲۳۲ .
- ۵۹- نصب سنگ قبر نادرشاه ، ص ۲۳۳ .
- ۶۰- سنگ قبر نادرشاه، ص ۲۳۴ .
- ۶۱- مجسمه نادرشاه، ص ۲۳۷ .
- ۶۲- آرامگاه نادرشاه ، ص ۲۳۹ .
- ۶۳- اعضای هیأت مؤسسين انجمن در آرامگاه نادرشاه ، ص ۲۵۰ .
- ۶۴- جلسه انجمن در تالار کتابخانه نادرشاه، ص ۲۵۱ .

- ۶۵- جلسه انجمن در تالار کتابخانه نادرشاه، ص ۲۵۲ .
- ۶۶- جلسه انجمن در تالار کتابخانه نادرشاه، ص ۲۵۳ .
- ۶۷- مجسمه سواره نادرشاه، ص ۲۶۰ .
- ۶۸- تصویر نادر در یکی از صحنه های نبرد ، کارمیرمصور ارژنگی ، ص ۲۶۲ .
- ۶۹- مجسمه نیم تنه مرمری نادرشاه، ص ۲۶۳ .
- ۷۰- اعلیحضرت همایونی بهنگام افتتاح آرامگاه نادر، ص ۲۷۲ .
- ۷۱- اعلیحضرت همایونی در مقابل قبر نادرشاه، ص ۲۷۶ .
- ۷۲- لوله توپ کنار آرامگاه ، ص ۲۷۸ .
- ۷۳- آرامگاه سابق خیام، ص ۲۸۸ .
- ۷۴- بیرون آوردن استخوانهای خیام از مدفن سابق حکیم، ص ۲۹۹ .
- ۷۵- اقامه نماز براستخوانهای خیام، ص ۳۰۰ .
- ۷۶- اقامه نماز براستخوانهای خیام، ص ۳۰۲ .
- ۷۷- انتقال استخوانهای خیام به داخل آرامگاه جدید، ص ۳۰۳ .
- ۷۸- آرامگاه جدید خیام ، ص ۳۰۴ .
- ۷۹- نمای بخشی از بدنه آرامگاه خیام، ص ۳۰۶ .
- ۸۰- بازدید از آرامگاه خیام، ص ۳۱۴ .
- ۸۱- فیتز جرالده مترجم رباعیات خیام به انگلیسی ، ص ۳۱۵ .
- ۸۲- لوحه اول رباعیات خیام ، ص ۳۱۶ .
- ۸۳- لوحه دوم رباعیات خیام، ص ۳۱۷ .
- ۸۴- تصویر خیام، ص ۳۲۶ .
- ۸۵- بقعه عطار بوضع پیشین ، ص ۳۳۷ .
- ۸۶- بقعه عطار پس از تعمیر، ص ۳۴۵ .

- ۸۷- خیابان بین آرامگاه خيام و عطار، ص ۳۴۷.
- ۸۸- خیابانی که نیشابور را به آرامگاه خيام متصل می کند، ص ۳۴۹.
- ۸۹- تصویر کمال الملك، ص ۳۵۴.
- ۹۰- آرامگاه کمال الملك قبل از نصب کاشیکاری، ص ۳۵۷.
- ۹۱- آرامگاه کمال الملك، ص ۳۵۸.
- ۹۲- مراسم افتتاح آرامگاه های خيام و عطار و کمال الملك، ص ۳۶۱.
- ۹۳- شاهنشاه در آرامگاه خيام، ص ۳۶۲.
- ۹۴- شاهنشاه بر سر تربت عطار، ص ۳۶۳.
- ۹۵- شاهنشاه در آرامگاه کمال الملك، ص ۳۶۴.
- ۹۶- شاهنشاه بهنگام توشیح دفتر یادبود آرامگاه خيام، ص ۳۶۵.
- ۹۷- شاهنشاه در میان روحانیان نیشابور، ص ۳۶۶.
- ۹۸- بقعه امامزاده محروق پس از تعمیرات، ص ۳۷۸.
- ۹۹- غرفه تحتانی مزار امامزاده محمد محروق، ص ۳۷۹.
- ۱۰۰- شبکه سازی باکشی معرق نفیس در بالای در ورودی امامزاده محروق، ص ۳۸۱.
- ۱۰۱- گنبد امامزاده محروق و امامزاده ابراهیم، ص ۳۸۲.
- ۱۰۲- شاهنشاه در امامزاده محروق، ص ۳۸۳.
- ۱۰۳- هیأت مؤسسين انجمن در کاخ هشت بهشت، ص ۳۹۶.
- ۱۰۴- هیأت مؤسسين انجمن در کاخ هشت بهشت، ص ۳۹۸.
- ۱۰۵- چند نفر از اعضای هیأت مؤسس انجمن و اعضای مربوط اصفهان بر مزار صائب، ص ۴۰۱.
- ۱۰۶- چند نفر از اعضای هیأت مؤسسين انجمن و مقامات مربوط بر مزار صائب، ص ۴۰۲.

- ۱۰۷- آرامگاه صائب ، ص ۴۰۵ .
- ۱۰۸- تصویر دیگری از آرامگاه صائب، ص ۴۱۱ .
- ۱۰۹- پرفسور پوپ ، ص ۴۲۳ .
- ۱۱۰- آرامگاه پرفسور پوپ، ص ۴۲۹ .
- ۱۱۱- مقبره قدیم باباطاهر ، ص ۴۴۳ .
- ۱۱۲- آرامگاه قدیم باباطاهر، ص ۴۴۴ .
- ۱۱۳- لوحه کاشی مربوط به بقعه باباطاهر، ص ۴۴۵ .
- ۱۱۴- آرامگاه قدیم باباطاهر، ص ۴۴۶ .
- ۱۱۵- آرامگاه جدید باباطاهر، ص ۴۵۴ .
- ۱۱۶- نمای برج آرامگاه جدید باباطاهر، ص ۴۶۲ .
- ۱۱۷- آرامگاه فردوسی پس از تجدید ساختمان، ص ۴۷۷ .
- ۱۱۸- کتیبه جبهه جنوبی آرامگاه فردوسی ، ص ۴۸۲ .
- ۱۱۹- کتیبه دیوار غربی پلکان بزرگ مدخل آرامگاه فردوسی، ص ۴۸۴ .
- ۱۲۰- تندیس حکیم ابوالقاسم فردوسی منصوب در باغ آرامگاه، ص ۴۹۷ .
- ۱۲۱- شاهنشاه بهنگام افتتاح آرامگاه فردوسی، ص ۵۰۴ .
- ۱۲۲- بنای ناتمام آرامگاه شاه شجاع ، ص ۵۴۶ .
- ۱۲۳- بقعه شیخ ابوالحسن خرقانی ، ص ۵۷۱ .
- ۱۲۴- مقبره خرقانی و بناهای جداگانه زائران، ص ۵۷۶ .
- ۱۲۵- آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی، ص ۵۸۱ .
- ۱۲۶- مقبره قدیم ابن یمن ، ص ۵۹۲ .
- ۱۲۷- سورة فاتحة الكتاب از قرآن آریامهر (به خط نیریزی)، ص ۶۲۹ .
- ۱۲۸- تصویر حاج ملاهادی سبزواری، ص ۶۴۲ .
- ۱۲۹- آرامگاه کمال الدین اسماعیل اصفهانی، ص ۶۷۸ .

- ۱۳۰- نقشه مقبرة الشعرا، ص ۷۰۲ .
- ۱۳۱- میرزاتقی خان امیر کبیر ، ص ۷۴۳.
- ۱۳۲- جبهه جنوبی ساختمان انجمن آثار ملی (حسینیه امیر بهادر) ، ص ۷۹۵.
- ۱۳۳- لوحه منصوب بردیوار غربی ایوان مقابل عمارت انجمن آثار ملی، ص ۷۹۷.
- ۱۳۴- تالار مطالعه کتابخانه انجمن، ص ۸۰۰ .
- ۱۳۵- تالار مطالعه کتابخانه انجمن و تصویر حکیم الملک، ص ۸۰۲.
- ۱۳۶- کتابهای اهدایی مرحوم بیات، ص ۸۰۴.
- ۱۳۷- آرامگاه ملاحسین واعظی در سبزوار، ص ۸۲۷.
- ۱۳۸- آرامگاه ناتمام اوحدی در مراغه، ص ۸۲۸.
- ۱۳۹- آرامگاه نزاری قهستانی در بیرجند، ص ۸۲۸.
- ۱۴۰- آرامگاه ابن یمن در فریومد، ص ۸۲۹ .
- ۱۴۱- آرامگاه اریمانی، ص ۸۳۰ .
- ۱۴۲- آرامگاه سید جمال الدین اسدآبادی، ص ۸۳۰.
- ۱۴۳- آرامگاه اسرار در سبزوار، ص ۸۳۱.
- ۱۴۴- بنای یادبود مقبرة الشعرا، ص ۸۳۱.
- ۱۴۵- ماکت بنای یادبود مقبرة الشعرا، ص ۸۳۲.

فهرست اعلام انسانی

اشخاص، خاندانها، زبانها

آ

- آبراهیمیان : ۴۴۱
آتش- احمد : ۱۳۱، ۱۲۵
آخوند ملا محمد کاشی : ۷۳۲
آدم : ۱۷۹، ۱۴۶
آذر بیگدلی : ۶۹۲، ۶۹۱
آذرکین- علی : ۷۹۸، ۷۸۸، ۷۸۷
آزبری : ۳۱۶
آرتلت- والتر : ۱۳۰
آریا- میرعباس : ۲۱۴
آریامهر - اعلیحضرت همایون شاهنشاه : ۱۷۰، ۱۳۹، ۱۳۷، ۵۹
۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۰۴، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۴۲
۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۹۶، ۳۴۱، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۶
۳۷۰، ۳۷۵، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۳، ۴۰۰، ۴۰۸، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۱۶
۴۲۵، ۴۷۰، ۴۷۷، ۴۸۸، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹
۷۱۶، ۷۶۴، ۷۸۹، ۷۹۸ ← محمدرضا شاه پهلوی و ← پهلوی
و ← پهلوی دوم
آریائی (طوائف) : ۴
آزموده- تیمسار سپهبد اسکندر : ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳
آسوری (زبان) : ۸۰۵
آشیکاگو- آتسوجی : ۳۷
آقا ابراهیم قمی : ۶۲۸
آقا اوغلو- دکتر محمد : ۴۵، ۳۷

آقا بزرگ تهرانی : ۶۰۱

آقازاده خراسانی : ۲۱۴

آقامحمدخان قاجار : ۲۳۶

آق اولی - تیمسار سپهبد فرج الله : ۲۵۰، ۲۳۱، ۲۲۲، ۱۵۹، ۱۵۷

۳۲۳، ۳۱۴، ۳۰۲، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۹۶، ۲۷۲، ۲۵۷، ۲۵۳، ۲۵۲

۴۸۹، ۴۶۰، ۴۱۶، ۴۱۴، ۴۰۲، ۴۰۱، ۳۹۸، ۳۹۶، ۳۶۰، ۳۴۲

۸۱۱، ۸۰۹، ۸۰۱، ۷۹۶، ۷۲۱، ۶۹۹، ۶۹۶، ۵۸۱، ۵۰۲، ۴۹۰

آق قویونلو : ۶۸۸

آل افراسیاب : ۸۰-۸۳

آل بویه : ۵۱۱

آل کرت : ۵۸۸

آلمانی (زبان) : ۸۰۶، ۲۸۳، ۱۴۹، ۱۳۱، ۱۱۴، ۱۱۳، ۴۹

آل مظفر : ۵۴۸، ۵۳۹ و ← مظفریان

آیه الله زاده شیرازی - مهندس باقر : ۶۸۵، ۶۸۳، ۶۸۲، ۴۲۷ و ←

شیرازی (مهندس)

آیتی بیرجندی : ۶۵۱، ۶۵۰

الف

ابایزید : ۵۷۷

ابتهاج : ۱۵۷

ابدالیها : ۲۱۱

ابراهیم خان (برادر نادرشاه) : ۲۱۰

ابراهیم خان : ۷۸۰

ابرقوهی : ۲۸۱

ابطحی : ۱۰۴

ابن اثیر : ۳۳۱، ۲۸۱

ابن اصیبه : ۸۴، ۸۳

ابن الجرزی : ۵۵۵

ابن العبری : ۸۴

ابن بطوطه : ۶۷۲، ۱۶۴، ۱۶۳ و ← ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهیم طنجی

ابن جنید شیرازی : ۶۱۷

ابن حموده : ۱۲۶

ابن خفیف : ۶۷۱ و ← ابو عبدالله خفیف ← و شیخ کبیر

ابن خلکان : ۵۵۵، ۸۴

ابن سینا : ۹۴، ۹۳، ۹۰، ۸۹، ۸۷، ۸۵، ۸۴، ۸۲، ۷۹، ۷۷، ۷۵، ۷۴، ۶۴

۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳،

۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶

۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۹

۱۴۰، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۲۳۶

۲۸۴، ۳۲۵، ۴۴۷، ۷۰۱، ۷۸۸ و ← ابو علی سینا

ابن طفیل ، ۱۲۸

ابن فندق : ۶۰۰، ۶۰۴، ۶۰۵ و ← ابو الحسن بیهقی و ← فریدالدین

ابو الحسن بیهقی

ابن قاضی شهبه : ۵۵۵

ابن یعین : ۵۸۸، ۵۸۹ و ← امیر فخرالدین محمود بن امیر یعین الدین

طغرائی

ابو اسحاق کازرونی (ابراهیم بن شهریار کازرونی) : ۶۷۱

ابو الحسن اخنش : ۵۵۶

ابو الحسن احمد محمد السهیلی : ۸۰

ابو الحسن بیهقی (ابو الحسن علی بن زید بیهقی) : ۲۸۲، ۲۸۴، ۶۰۰،

۶۰۲، ۶۰۴، ۶۰۶، و ← فریدالدین ابو الحسن بیهقی و ←

ابن فندق و ← فرید خراسان

ابو الحسن دیلمی : ۶۱۷

ابو الخیر خمار : ۸۰

ابو العباس لوکری : ۲۸۱

ابو العباس احمد بن ابرالخیر زرکوب شیرازی : ۶۱۸، ۶۲۰ و ← احمد بن

ابی الخیر زرکوب

ابو العباس مأمون خوارزمشاه : ۸۰

ابو العباس مبرد : ۵۵۶

ابو العطا کمال الدین محمد بن علی بن محمود : ۵۸۲ و ← خواجو

ابو العلاء : ۶۸۸

- ابو الفتح اسعد (ملقب به مجدالدین) : ۴۶۱
 ابو الفتح عبدالرحمن المنصور الخازنی : ۲۸۱
 ابو القاسم فردوسی طوسی : ۴۸۳، ۴۹۷، ۵۰۲، و ← حکیم
 ابو القاسم فردوسی و ← فردوسی
 ابو المظفر اسفزاری : ۲۸۱
 ابو الوفابن ابو القاسم : ۴۴۴
 ابو بشر عمرو بن عثمان فارسی بیضاوی : ۵۵۵ و ← سیبویه
 ابو بکر بن سعد بن زنگی : ۱۶۳، ۱۹۹
 ابو بکر زبیدی : ۵۵۶
 ابو تراب غفاری : ۳۵۵
 ابو تمام طائی : ۴۶۱
 ابو جعفر : ۴۸۵
 ابو حامد محمد بن ابراهیم : ۶۷۷
 ابو حفص شهاب الدین عمر سهروردی ← سهروردی : ۶۷۷
 ابو ریحان بیرونی : ۷۹۰، ۱۲۷، ۸۰
 ابو سعید بن دحدوک : ۸۱، ۸۵، ۸۶ ← ابو سعید دحدوک
 ابو سعید (بخشدار اسدآباد) : ۷۲۸
 ابو سعید ابو الخیر : ۵۶۸
 ابو سعید جره : ۳۲۲
 ابو سعید دحدوک : ۷۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۳، ۹۶، ۱۰۵ و ← ابو سعید دحدوک
 ابو سهل مسیحی : ۸۰، ۸۱
 ابو طالب خزر ج بغدادی : ۶۱۸
 ابو عبدالله خفیف : ۶۲۳ و ← ابن خفیف و شیخ کبیر
 ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهیم طنجی : ۱۶۳ و ← ابن بطوطه
 ابو عبدالله ناقلی : ۷۹
 ابو عبید جوزجانی : ۱۰۷، ۸۱ و ← ابو عبید عبدالواحد الجوزجانی
 ابو عبید عبدالواحد الجوزجانی : ۹۶ و ← ابو عبید جوزجانی
 ابو عثمان مازنی : ۵۵۶
 ابو عطاء رشا : ۳۹۵
 ابو علی سینا : ۵۹، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۳، ۹۶، ۹۷، ۹۹،
 ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹

۵۷۸، ۲۸۲، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۰، ۱۳۶، ۱۳۱

و ← ابن سینا و ← شیخ الرئيس...

ابو عیسی میرزا محمد صادق خان حسینی فراہانی امیر الشعراء ادیب
الممالک امیری : ۷۱۹ و ← ادیب الممالک

ابو محمد روزبہان بن ابی نصر بن روزبہان سابر بقلی فسانی شیرازی :

۵۳۳، ۵۱۱

ابو محمد رویم : ۶۱۸

ابونجیب عبدالقادر سہروردی : ۶۷۷

ابونصر الکندری : ۴۳۸

ابونصر عراق : ۸۰

ابی احمد کبیر ← شیخ ابی احمد فضل بن محمد

ابی نصر (پدر شیخ روزبہان) : ۵۳۳

اتابکان آذربایجان : ۶۸۸

اتابک جہان پهلوان : ۶۸۸

اتابک زنگی بن مودود : ۶۲۱ و ← زنگی بن مودود

اتکین سن : ۵۰

اتہ : ۶۶۰، ۵۱

اتینگھاوژن-ریچارد : ۱۴۹، ۱۲۹

اثیر الدین اخسیکتی : ۶۹۲، ۶۸۹، ۶۸۸

احمد (نام پدر خرقانی در بعضی روایات) : ۵۶۷

احمد (پسر خرقانی) : ۵۶۸

احمد بن ابی الخیر زرکوب : ۶۲۱ و ← ابوالعباس احمد بن ابوالخیر

زرکوب شیرازی

احمد بن شمس الدین محمد نیریزی : ۶۲۶ و ← احمد نیریزی و ← نیریزی

احمد بن محمد السہلی (یا: سہیلی) : ۸۰

احمد بن محمد میدان : ۶۰۰

احمد بن نصر اللہ تتوی ہندی : ۲۸۱

احمد نیریزی : ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۳۲ و ← احمد بن شمس الدین نیریزی

و ← سلطان : نیریزی

احمدی-آسید نور اللہ : ۳۰۲، ۳۰۱، ۳۰۰

احمدی-محمد حسین : ۷۱۵

احمدی-ہرمز : ۱۵۸

احمدیہ-دکتر عبداللہ : ۱۳۲

ادیب-دکتر محمد حسین : ۱۲۷

- ادیب السلطنه سمیع : ۶۴ و ← سمیع
ادیب الممالك : ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰ و ← امیری و ← پروانه
ارتیمانی ← رضی الدین ← میررضی الدین ارتیمانی و ← میرسید محمد
رضی الدین ارتیمانی : ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۳، ۶۶۵
ارجاسب : ۴۸۰
اردشیر : ۱۵۴
ارژنگی - میرمصور : ۲۶۲
ارسطو : ۱۲۶، ۱۲۸
ازبکان : ۲۰۹
ازهری : ۵۵۵
اسپانیائی (زبان) : ۱۵۸
اسپهد شهریار باوندی : ۷۴۹
استخر - محمدحسین : ۱۶۸
اسحق - محمد : ۳۷، ۴۶
اسدی توپسر کانی - مهراب : ۶۶۰
اسدی طوسی : ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۸
اسرار : ۶۴۱-۶۴۲، ۶۴۴-۶۴۸ و ← حکیم سبزواری و ← حاج
ملاهادی سبزواری
اسرافیل : ۸۷
اسعد بختیاری - جعفرقلی خان : ۱۰
اسفندیار : ۴۷۹
اسفندیاری - حسن محتشم السلطنه : ۳، ۳۹، ۴۹، ۷۴، ۸۰، ۸۱، ۸۱۱
اسکندر : ۱۴۲، ۵۴۱ و ← سکندر
اسکوئی - کاظم : ۶۴۹
اسلام (دین) : ۱۱، ۳۸، ۴۶، ۷۹، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۴۳، ۱۴۶، ۵۰۲
اسلامی - حسن : ۵۹۴
اسلامی ندوشن - دکتر محمدعلی : ۵۰۱، ۵۰۲
اسماعیلیان : ۱۳۱
اسماعیلیه - حسین : ۶۶۹
اشتارکن فلداطریشی : ۵۰
اشترن - پرفسور مرکن : ۱۵۰
اشجری : ۶۵۵

- اشرف-دکتر الفرد : ۱۵۰
 اشرفی-حبیب الله : ۴۱۳
 اشرف-اسماعیل : ۱۶۸
 اشرف-علیرضا : ۷۰۲
 اشرف-افغان : ۲۱۰
 اشرف پهلوی (والاحضرت شاهدخت) : ۱۸۸، ۱۷۱، ۱۶۹
 اشکانی : ۲۶۴
 اشمیت-کله : ۱۵۳
 اشهری سبزواری : ۶۹۱، ۶۸۹
 اشیدری-دکتر جهانگیر : ۳۴
 اصغریان-علی اکبر : ۸۱۰، ۷۱، ۶۹
 اطریشی (زبان) : ۴۹
 اعتصام-یوسف : ۳۹
 اعتصام زاده-ابوالقاسم : ۳۹
 اعتضاد السلطنه : ۳۵۳
 اقرا م بستانی-دکتر فوآد : ۱۲۸
 افشار-ایرج : ۷۹۴، ۷۷۵، ۶۷۵، ۶۷۱، ۵۰۱
 افشار (ایل) : ۲۳۸، ۲۱۳، ۲۰۹
 افشار شیرازی-احمد : ۸۰۵، ۷۷۱
 افصح المتکلمین سعدی شیرازی : ۱۸۷ و ← سعدی و ← شیخ سعدی
 افغان : ۲۸۶، ۲۰۵
 افغانها : ۲۱۰
 افلاطون : ۱۲۸
 اقبال آشتیانی-عباس : ۶۵۱، ۶۵۰، ۲۸۲، ۲۳۵، ۱۲۹، ۴۶، ۳۹
 اقبال-محمد : ۶۴۳، ۴۴۰، ۴۳۸
 اقبال-دکتر منوچهر : ۶۸۰، ۵۷۳، ۲۷۱
 اقلیدس : ۷۹
 اکبری (فرماندار توپسرکان) : ۶۶۲
 البیهقی : ۱۰۷، ۸۴ و ← بیهقی و ← ابن فندق
 الماس خان کندولی : ۷۵۹

- امام ابراهیم الهراز : ۶۰۰
 امامزاده ابراهیم : ۳۶۹
 امامقلی : ۲۰۹
 امامقلی خان : ۲۷۶
 امام محمد البغدادی : ۲۸۴
 امام محمد فزاری : ۶۰۰
 امام مظفر اسفزاری : ۳۲۲
 امامی- جمال : ۲۵۸، ۲۵۷
 امامی- سید احمد : ۲۷۷
 امامی- نصرالله : ۶۹۰
 امانت- حسین : ۷۰۴
 امیر ابوسعید جره : ۲۸۵
 امیر اعظم : ۳۶
 امیر الشعراء نادری ← محمد حسین میرزا : ۲۱۸، ۲۱۵
 امیرالکتاب : ۹۶
 امیر بهادر : ۷۶
 امیر بهادر- حسین پاشا خان : ۷۹۵، ۷۹۴، ۷۹۳
 امیر تیمور : ۵۴۳، ۵۳۹
 امیر روح الله ← میرک نقاش : ۶۳۵
 امیر عزیزی (سهبید) : ۴۶۸
 امیر علیشیر نوائی : ۷۴۶، ۶۳۵، ۵۹۵، ۳۶۹، ۳۴۴، ۳۳۴ و ←
 علیشیر نوائی
 امیر فخرالدین محمود بن امیر یحیی الدین طغرانی : ۵۸۸ و ← ابن یحیی
 امیر کبیر : ۷۴۵، ۷۴۴، ۷۴۲ و ← میرزا تقی خان امیر کبیر
 امیر کل : ۳۶
 امیر مبارزالدین : ۵۴۸
 امیر نظام گروسی : ۷۳۸، ۷۱۷
 امیری (ادیب الممالک) : ۷۱۸، ۷۱۷ و ← ادیب الممالک
 امیری فیروز کوهی- سید کریم : ۴۱۸، ۴۱۶
 امیر یحیی الدین طغرانی (پدر ابن یحیی) : ۵۸۸

انتخابی (پیشکاردارائی اصفہان) : ۳۹۴

انتظام : ۱۱۸

انتظام الملك : ٢١٤

انصاری۔ عبدالحسین مسعود : ۱۸۹

انصافی۔ غلامرضا : ۶۵۵

انکلساریا : ۳۷ - ۴۴

انگلیسی-زبان: ۱، ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸،

'31V '31S '283'15A '1F9'132 '131 '130'129

Λ·Ϛ·Λ·Δ·Λ·Ι·ΥΔϚ·ΥΥΔ·ϞϞΙ·ϞϞ·ϞϞϑ·ϞϞ··ϞΙΛ

انگلیسیان : ۲۸۷

انواتی : ۱۳۰

انوار۔ مہد عبد اللہ : ۲۶۹

انور۔ دکتړ مهیل : ۱۲۶

انوری : ۵۸۸، ۶۸۸، ۶۹۱، ۶۹۲ و ← اوحد الدین الانوری

انوشیروان عادل : ۴۷۹

اوانس-دکتر لوتر : ۱۵۰

اوحدالدين الانورى : ۹۷ و — انورى

اوحدی: ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸ و — رکن الدین اوحدی مراغہ ہی اصفہانی

اوحدی : ۷۳۳

اوربلی : ۴۷،۳۷

اورمزد : ۶

اورنگ : ۴۶،۳۹

اوزار - عزت اللہ : ۸۲۴

اوزولی : ۵۰

اوسلی۔ سرگور : ۱۶۵

اوکتابی : ۴۶۷، ۲۷۸، ۲۵۳، ۲۱۸

اونوالا : ۱۲۶،۴۶،۳۷

أويسن : ١٢٣ و ← ابو علي سيناو ← ابن ميناو ← شيخ الرئيس ...

ایران، - مهدی : ۲۵۰، ۳۰۰

ایرانیان: ۴۵، ۵۹، ۱۲۲، ۲۱۶، ۲۷۴، ۲۷۷، ۵۰۳، ۸۷۰ ← ایرانیها

ایرانیها : ۱۲ و ← ایرانیان

ایرج میرزا جلال الملك : ۶۵۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱ و ← حلال۔

الممالك ایرج میرزا

- ایزدپناه- حمید : ۷۷۳
 ایزدی- سلیم : ۳۹
 ایزدیار : ۱۰۴
 ایطالیانی : ۲۸۳
 ایلخانیان : ۶۸۸
 ایلکانیان : ۶۸۸
 ایلیاس امیروس : ۴۵
 اینجو (خاندان) : ۶۲۲
 ایوانف- ولادیمیر : ۱۳۱

ب

- باباافضل : ۱۵۴
 بابائیان (مهندس) : ۱۵۲
 باباجعفر : ۴۳۸
 باباطاهرعریان : ۴۴۷، ۴۴۶، ۴۴۲، ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۳۹، ۴۳۸، ۴۳۷
 ۴۴۸، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۷۰ و ← طاهر
 باباعلی بیگ : ۲۰۹
 بابلی (زبان) : ۶
 باتمانقلیچ (سپهد) : ۴۹۳، ۴۹۲، ۴۹۱، ۴۹۰، ۲۶۳
 باخ : ۱۵۷
 بازیار ۰ ۶۲۲ و ← حسین بن محمد بن احمد
 بالاخانلو : ۴۵۱
 بالزاک : ۱۵۷
 بایزید بسطامی : ۵۸۰، ۵۶۷
 بدر (نایب التولیه آستان قدس) : ۴۶۸، ۴۶۷، ۲۱۹، ۲۱۸
 بدیع الافاضل برهمن : ۶۸۰
 بدیع الزمان : ۷۴۰ و ← سری
 برتلس : ۶۵۱، ۱۵۰، ۱۲۵، ۱۲۴، ۴۵، ۳۷
 برتون- الیزابت کرتیس : ۴۴۱، ۴۳۹
 برزوئی- بهمن : ۱۵۳

- برشنا- عبدالغفور : ۱۴۹،۱۲۵
 برکشلی- دکتر مهدی : ۱۲۲
 برون- ادوارد : ۶۴۳،۵۸۲،۴۴۲،۴۴۰
 برونی- آرتور : ۲۶۱،۲۵۷،۲۵۶
 برهمند (فرماندار نیشابور) : ۳۴۸،۲۹۶
 بشارت- احمد علی : ۴۱۴،۴۰۴،۳۹۶،۳۹۳
 بصیری : ۵۱۷
 بطحانی- حسین : ۴۴۹،۱۵۲
 بطلمیوس : ۸۰
 بقای اصفهانی : ۷۹۴
 بك- مباحثیان : ۳۷
 بلوتنیکوف : ۴۵،۳۷
 بلوچان : ۲۱۰
 بنونیست- امیل : ۱۲۸
 بنی فاطمه : ۱۷۵
 بو الحسن خارقانی : ۵۸۰،۵۷۷ و ← ابو الحسن و ← شیخ ابو الحسن
 خارقانی و ← خرقانی
 بو ذری- ابراهیم : ۱۷۴
 بو علی سینا : ۱۲۴،۱۲۳،۱۱۵،۱۰۹،۱۰۵،۱۰۱،۱۰۰،۹۷،۹۴،۹۲
 ۸۲۴،۷۸۶،۱۴۵،۱۴۴،۱۴۲،۱۳۷،۱۳۰ ← ابو علی سینا و
 ← ابن سینا و ← شیخ الرئيس...
 بهاء الملك قراگزلو : ۶۴ و ← قراگزلو
 بهادری- محمد طاهر : ۴۷۵،۳۹۴،۳۴۲،۲۷۸،۲۵۰،۲۳۲،۲۲۷
 ۸۱۱،۴۹۲
 بهادری (سناتور) : ۶۹۴
 بهار- شیخ احمد : ۲۱۴
 بهار- ملك الشعراء : ۲۸۷،۵۲،۴۷،۴۵،۳۹
 بهارمست- مرتیپ احمد : ۲۲۱،۵۷،۴۵
 بهرام گور : ۳۲۲
 بهزاد : ۶۳۹،۶۳۶،۶۳۵ و ← کمال الدین بهزاد و ← کمال بهزاد

بهزادی : ۱۵۸

بهشتیان- عباس : ۶۸۱،۴۱۴،۴۰۱،۳۹۵

بهمنیار- احمد : ۳۹

بیات- بزرگ : ۸۰۱

بیات- عبدالحسین : ۸۰۷،۸۰۶،۸۰۴،۸۰۱،۷۹۹

بیانی - دکتر مهدی : ۸۰۹،۸۰۸،۷۹۲،۱۵۹،۱۳۳،۷۳

بیداری-ابراهیم : ۱۵۲

بیریای گیلانی (شیدا) : ۴۱۷

بیگلری-سروان حمید : ۲۵۹

بیهقی (ابوالحسن علی بن زید بن محمد بیهقی) : ۶۰۵،۶۰۲،۶۰۰

و- ابوالحسن علی بن زید بیهقی و - ابن فندق و- فرید

خراسان و- فریدالدین ابوالحسن بیهقی

پ

پارسا- تیمسار سرتیپ علی : ۵۴۴

پارسا (مهندس- استاندار اصفهان) : ۴۰۰،۳۹۹،۳۹۷،۳۹۶،۳۹۵

۶۸۱،۶۸۰،۴۲۶،۴۲۵،۴۲۴،۴۱۰،۴۰۴،۴۰۲،۴۰۱

پارسی (زبان) : ۵۰۵،۴۸۷،۴۸۳،۴۸۱،۴۴۱،۳۳۲،۱۹۳،۸۲

۷۱۷،۶۹۸ و - فارسی

پارسیان هند : ۱۵۶،۱۳۱،۱۲۹،۱۲۶،۳۹،۳۷

پدرامی - سعید : ۶۹۵

پرتقالی (زبان) : ۸۰۶

پروانه (تخلص اولیه ادیب الممالك) : ۷۱۷ و- ادیب الممالك

و- امیری

پرورش-میرسید محمد : ۲۱۴

برهام- فتاح : ۱۶۸

پزشک پور : ۲۷۸،۲۶۴،۲۵۱

پزشکی- منوچهر : ۶۹۵

پسیان- کلنل محمد تقی خان : ۲۳۶،۲۳۴،۲۲۹،۲۲۷

پوپر فسور آرتور اپهام : ۴۲۶،۴۲۴،۴۲۳،۴۲۲،۴۲۱،۱۲،۱۰،۹

۳۳۰،۳۲۷

- پورداد : ۳۹
 پورشهیدی- منیره : ۸۱۱
 پورمند- عبدالعلی : ۸۱۰، ۷۱، ۸۲۴
 پورمنوچهری- شعبان : ۴۸۹
 پهلبد- مهرداد : ۸۱۰، ۷۴۳، ۵۳۰، ۴۶۰، ۴۴۹
 پهلوی (خاندان- شاه) : ۴۸۷، ۴۱۰، ۲۴۷، ۵۵، ۴۸، ۴۶
 پهلوی : ۲۵۲، ۲۴۸ و ← آریامهر و ← محمدرضا شاه پهلوی
 پهلوی دوم : ۳۴۲ و ← آریامهر و ← محمدرضا شاه پهلوی
 پیدزی ایتالیانی : ۵۰
 پیرزاده : ۵۲۶
 پیرسید احمد تبریزی : ۶۳۵
 پیرنهاد- حسن : ۸۱۱
 پیرنیا- مشیرالدوله حسن : ۳۹، ۳۳، ۳
 پیرنیا- حسین : ۵۱۱، ۶۶۹، ۶۶۷، ۶۱۵، ۵۴۵، ۵۳۰، ۵۲۹، ۳۹
 پیروز- استاندار فارس : ۵۶۰، ۵۵۹، ۵۴۷

ت

- تاتار : ۱۹۹ و ← تاتار
 تاتارما : ۲۱۰
 تاج القضاة یحیی بن عبدالملك : ۶۰۰
 تاج الملك : ۸۱
 تاراچند (دکتر) : ۱۴۹، ۱۲۵، ۱۲۳
 تازی (زبان) : ۷۳۸، ۷۱۷، ۶۷۶، ۴۸۶، ۱۳۴، ۸۲ و ← عربی
 تازی (قوم) : ۲۴۷ و ← عرب
 تالبرک- فردریک : ۲۵۰
 تاورنیه : ۸۱۹
 تاتار : ۲۴۷ و ← تاتار
 تجددخواه- سیف الله : ۴۰۰، ۳۹۷
 تجویدی- اکبر : ۳۲۵
 تدین- محمد : ۳۹
 تربیت- محمدعلی : ۳۹
 ترک : ۱۱

- ترکمنها : ۲۱۰
 ترکی (زبان) : ۸۰۶، ۸۰۵، ۷۳۸، ۱۴۹
 ترنر مکان : ۴۹
 ترنوسکی- واسیلی نیکلایویچ : ۱۲۶
 تفضلی (شهردار بروجرد) : ۷۲۳
 تفضلی (دکتر تقی) : ۳۴۴، ۳۱۴
 تقوی- حاج سیدنصرالله : ۳۹، ۳
 تقی‌الدین کاشی : ۶۱۱
 تقی‌زاده- سیدحسن : ۲۵۳، ۲۲۲، ۱۵۹، ۱۴۹، ۱۴۸، ۶۴، ۵۸، ۳۳
 ۸۱۱، ۸۰۹، ۷۹۶، ۴۸۹، ۴۶۰، ۴۰۱، ۳۹۶، ۳۹۱، ۳۲۳
 توج- دکتر : ۱۵۰
 توکلی- علی : ۶۹۶، ۶۵۵
 توللی : ۵۸۵، ۵۸۴
 تهرانی- سیدجلال : ۳۰۱، ۲۷۷
 تیمور : ۱۵۴
 تیمورتاش (عبدالحسین- سردار معظم) : ۸۱۱، ۶۴، ۳۳، ۲۵، ۳
 تیموری (عهد) : ۶۳۵، ۳۶۹، ۱۵۴
 تیموریان : ۳۳۴

ث

- ثابتی- مؤید : ۲۹۱، ۲۴۹، ۲۴۲، ۲۲۲، ۲۲۱
 ثقة الاسلام : ۷۱۶، ۷۰۰، ۶۹۸، ۶۹۷، ۶۹۵

ج

- جامی : ۶۵۰، ۵۹۵، ۵۶۷، ۵۱۱، ۳۳۲
 جانی بیک همدانی : ۴۳۹
 جبرائیل : ۸۷ و ← جبرئیل
 جبرئیل : ۱۷۵-۱۷۶ و ← جبرائیل
 جزی زاده- هوشنگ : ۴۱۴-۴۰۸
 جعفر (نام پدر خرقانی) : ۵۷۸

جعفری-رضا : ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۴۰، ۲۷۷، ۲۸۸، ۲۹۷، ۳۵۶

جعفری-محمد : ۱۳۲

جلال الدین ابوالفوارس شاه شجاع : ۵۳۹ و ← شاه شجاع

جلال الدین منکبرنی : ۶۷۷

جلال الممالک ایرج میرزا : ۷۳۸-۷۳۹ و ← ایرج میرزا

جلیوند - علی اکبر : ۱۵۲

جم : ۱۸۹، ۱۸۰، ۲۴۷، ۲۴۸ و ← جمشید

جمال زاده- محمد علی : ۷۲۲-۷۲۳

جمالی- بهاء الله : ۷۲۶

جمالی- جلال : ۷۲۸

جمالی- صفات الله : ۷۲۶-۷۲۹

جمشید : ۳۲۲، ۷ و ← جم

جمیل الدین (نام پدر نزاری) : ۶۵۰-۶۵۶

جوادی- دکتر مصطفی : ۱۲۸

جوادی- جعفر : ۶۹۵

جوانمرد- محمدرضا : ۵۶۲

جودت - حسین : ۱۴۱، ۲۲۴، ۲۵۰، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۰۱، ۳۳۶

۳۳۹، ۳۵۶، ۳۹۶، ۴۰۱، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۶۱، ۴۷۱

۵۳۳، ۵۳۱، ۵۵۰، ۵۶۱، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۹۳، ۵۹۷

۶۳۷، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۹، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۸، ۶۶۳، ۶۶۸

۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۹، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹

۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۴، ۸۱۱، ۸۲۵

جودت- مهندس گودرز : ۴۶۱، ۷۲۷، ۷۸۹

جودت- گیو : ۴۷۵-۴۹۲

جونز- ویلیام : ۵۰

جوهری- هوشنگ : ۶۶۲

جهانبانی - سیهب امان الله : ۳۰، ۳۳، ۶۴، ۷۴، ۱۵۹، ۲۲۱، ۲۵۰،

۲۵۳، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۲۳، ۴۶۰، ۴۸۹، ۶۹۵، ۷۹۶، ۸۰۸، ۸۰۹

جهانسوز-احمد: ۴۴۶،۱۵۹،۱۰۴

جهانشاهی- ابوالفتح: ۶۹۵

جهانگیرخان قشقائی: ۷۳۲

جیران (بانو): ۱۵۲

چ

چرکس: ۴۶

چک (زبان): ۸۰۶،۴۹

ح

حاتم طی: ۳۱۸

حاج اسماعیل معمار: ۶۶۹

حاج شیخ هادی هادوی: ۶۵۷ و ← شیخ هادوی و ← هادوی

حاج ملاهادی سبزواری: ۱۵۱،۵۲،۶۴۱،۶۴۲،۶۴۷،۶۴۹ و ←

حکیم سبزواری و ← اسرار

حاج میرزا حسین فراهانی: ۷۱۷

حاجی لر (طایفه): ۸۵

حاجی میرزا کریم: ۶۱۲

حاج میرزا حسن فسائی: ۲۳۵،۱۶۵

حاج میرزا علی نقی کوثر: ۴۶۱

حافظ: ۷۹۸،۶۲۲،۵۴۸،۵۴۶،۵۴۱،۵۴۰،۵۲۳،۳۸۸،۱۹۰،۴۰

و ← خواجه حافظ و ← شمس الدین محمد حافظ

حافظ سلفی: ۵۱۲

حبیب اللهی نوید - ابوالقاسم: ۲۷۸

حبیبی: ۲۷۸،۲۵۳،۲۶۰

حجاریباشی زنجانی - استاد حسین: ۳۳

حجت: ۲۷۸

حجة الحق شیخ الرئيس شرف الملك ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا:

۱۰۰،۷۹ و ← ابن سینا و ← ابوعلی سینا و ← شیخ الرئيس

و ← اویسن

- حجة الحق عمر خیام : ۳۲۳ و ← خیام
 حریری - علی اصغر : ۲۶۹
 حزین لاهیجی (محمد علی) : ۲۱۳
 حسابی (دکتر) : ۱۸۹
 حسابی - ایرج : ۷۰۴
 حسابی - هوشنگ : ۷۰۴
 حسنعلی میرزا : ۱۶۵
 حسین (نام ابن سینا) : ۷۹
 حسین (نام پدر اوحدی مراغه ای) : ۶۶۶
 حسین بن محمد بن احمد ← بازیار : ۶۲۲
 حسین پاشا خان : ۷۹۶ و ← امیر بهادر
 حسین کاشفی : ۵۹۶ و ← واعظ کاشفی و ← ملا حسین واعظ کاشفی
 حسین منصور : ۶۱۸
 حسینی : ۴۹-۴۶
 حشری : ۶۸۷
 حشمت زاده - احمد : ۱۸۶
 حفید افتدی : ۵۷۰
 حق شناس - احمد : ۶۹۵
 حق نیا - حاج حسنعلی : ۶۲۲
 حق نیا - عبدالرسول : ۶۲۴
 حقیری - عبدالحسین : ۷۰۴
 حکمت - علی اصغر : ۱۲۱، ۱۰۱، ۱۰۰، ۷۴، ۶۴، ۴۹، ۴۲، ۴۱، ۳۳
 ۱۵۲، ۲۵۰، ۱۴۸، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۷، ۱۳۵، ۱۲۸، ۱۲۴
 ۲۲۵، ۴۰۲، ۴۰۱، ۳۹۶، ۳۲۳، ۲۵۳، ۱۸۷، ۱۸۳، ۱۵۹، ۱۵۷
 ۶۱۰، ۶۰۸، ۵۸۶، ۵۸۴، ۵۲۷، ۴۸۹، ۴۶۰، ۴۵۷، ۴۴۷، ۴۴۵
 ۸۱۰، ۸۰۹، ۸۰۸، ۷۹۶، ۷۳۵، ۶۱۳، ۶۱۲
 حکمت - مرتضی : ۱۶۸
 حکمت (مشارالدوله) : ۸۱۱ و ← مشارالدوله
 حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی : ۶۹۸، ۴۷۱، ۴۶۷، ۳۶۰، ۳۱۳
 ۷۰۱، ۶۹۹ و ← ابوالقاسم فردوسی و ← فردوسی

- حکیم الملك (ابراهيم حکیمی) : ۱۴۱،۱۴۰،۶۴،۳۳،۲۷،۲۶،۱۹
 ۱۵۹،۲۲۲،۲۵۳،۳۵۵،۳۹۱،۷۹۹،۸۰۲،۸۱۱ و ← حکیمی
 حکیم سبزواری (حاج ملاهادی) : ۶۴۲،۶۴۱ و ← حاج ملاهادی
 سبزواری و ← اسرار
 حکیم عمر خیام نیشابوری : ۷۸۷،۶۰۳،۶۰۰،۳۷۰،۳۶۵ و ← حکیم
 غیاث الدین عمر خیام نیشابوری و ← خیام و ← خیامی
 حکیم غیاث الدین عمر خیام نیشابوری : ۲۹۷ و ← حکیم عمر خیام
 نیشابوری و ← خیام
 حکیم ناصر خسرو : ۶۵۰
 حکیم نزاری : ۶۵۰ و ← نزاری قهستانی
 حکیم سعدالدین نزاری قهستانی : ۶۵۶،۶۵۰ و ← نزاری قهستانی
 حکیمی : ۶۷۹
 حکیمی- ابراهیم : ۳۲۳،۳۹،۳ و ← حکیم الملك
 حکیمی- حسام : ۶۴۹،۶۴۸،۶۴۷
 حلبی- شیخ محمود : ۴۶۷،۲۱۸
 حمدالله مستوفی : ۶۹۲،۶۹۱،۴۴۲،۴۷
 حیدر : ۱۹۲
 حیدر علی- مهندس رضا : ۶۰۶
 حیدریان- محمد علی : ۳۲۷

خ

- خاقانی : ۶۹۸،۶۹۲،۶۹۰،۶۸۹،۶۸۸،۶۸۷
 خانلری- دکتر پرویز ناتل : ۴۴۱،۱۳۲
 خدایاری- قدرت الله : ۷۳۰
 خراسانی (آیت الله) : ۶۵۷
 خراسانی- احمد : ۱۲۶
 خرقانی : ۵۷۵،۵۷۴،۵۶۸ و ← ابوالحسن خارقانی و ← شیخ
 ابوالحسن خارقانی
 خرمی- شهلا : ۸۱۱
 خسرو پرویز : ۵۴۱

- خشیار شاه : ۷۴۸، ۱۵۴
 خضر : ۵۴۱، ۴۳۸، ۲۰۵، ۱۹۷، ۱۴۲
 خطیب وزیری ← محمد بن ابراهیم : ۴۴۰
 خطیبی - دکتر حسین : ۲۳۲، ۱۳۰
 خفیه (فرقه) : ۶۱۷
 خلاق المعانی کمال الدین ابوالفضل اسماعیل بن جمال الدین ابومحمد
 عبدالله بن عبدالرزاق اصفهانی : ۶۷۹، ۶۷۶
 خلیل بن احمد : ۵۵۶
 خلیلی - خلیل الله : ۲۰۲
 خلیلی - عباس : ۳۹
 خواجو : ۶۵۰، ۵۸۷، ۵۸۴، ۵۸۳، ۵۸۲
 خواجه امام حجة الحق ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیامی نیشابوری :
 ۳۱۳، ۲۸۱ و ← حکیم عمر خیام و ← خیام
 خواجه حافظ : ۵۳۹، ۵۸۲، ۶۵۰، ۶۷۷، ۷۰۳ و ← حافظ و ←
 شمس الدین محمد حافظ
 خواجه رشید الدین فضل الله همدانی : ۷۷۵
 خواجه عبدالله انصاری : ۵۷۰
 خواجه نصیر الدین طوسی : ۶۷۷
 خواجه نصیری - منصور : ۵۷۳
 خواجه نظام الملک : ۲۸۲
 خواجه نوری - نصرت الله : ۴۴۵، ۱۵۸
 خوارزمشاه علی بن مأمون بن محمد : ۸۰
 خواندمیر : ۸۴
 خوشکیش : ۶۵۴، ۶۵۳، ۶۵۲
 خیام : ۲۸۶، ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۸۳، ۲۸۲، ۲۸۱، ۹۷، ۷۴، ۵۹، ۵۳، ۵۲
 ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۹۹، ۲۹۸، ۲۹۶، ۲۹۴، ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۸۸، ۲۸۷
 ۳۱۴، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۰۹، ۳۰۸، ۳۰۷، ۳۰۳، ۳۰۲
 ۳۶۱، ۳۴۸، ۳۳۹، ۳۲۸، ۳۲۷، ۳۲۶، ۳۲۵، ۳۱۸، ۳۱۷، ۳۱۶
 ۳۷۵، ۵۷۳، ۷۷۱، ۷۸۸، ۷۸۹، ۸۰۵، ۸۰۷ و ← حکیم عمر خیام
 و ← خیامی

خیامی : ۳۲۲،۲۸۱ ← وخیام و ← حکیم عمر خیام

د

دادفر- دکتر : ۶۶۸،۶۶۷

دادور- محمد : ۳۴۰،۲۷۷،۲۵۱

دارا : ۶

دارمستتر : ۵۰

داریوش اول : ۷۶۳،۷۴۸،۴۷۶،۱۵۴

داعی : ۶۰۸،۶۰۹،۶۱۱ و ← داعی الی الله و ← شاه داعی و ←

فخر العارفین سید نظام الدین...

داعی الی الله : ۶۰۸،۶۱۳ و ← داعی و ← شاه داعی و ← فخر العارفین

سید نظام الدین...

داعی صغیر : ۶۰۸

داکن- سن توماس : ۱۳۰

داناسرشت - اکبر : ۱۳۰

دانای خراسانی : ۲۴۶،۲۴۵،۲۴۲،۲۱۵ و ← فرخ

دانش پژوه- محمد تقی : ۵۱۱-۵۱۶

دانشور- مصطفی : ۷۰۴

دانشی- مصطفی : ۶۱۵

دانمارکی (زبان) : ۸۰۶،۲۸۳

داوینچی- لئونارد : ۱۲۴

دبیر میاقی- محمد : ۵۰۱،۶۱۰،۶۱۱،۶۱۲،۶۹۲

درو دیان- تقی : ۳۳

درویش صالح لبنانی : ۴۱۵

درویش علی میرزا شاهرخ نادری : ۲۱۸

درینک واتر- جان : ۵۳،۴۷،۳۷

دریوس- پرفسور : ۱۴۹

دستور انوشیروان : ۴۶،۳۹

دقیقی : ۴۸۷،۴۷

دسیری: ۵۵۵

دوکاوینا- انت: ۱۵۰

دولت آبادی- حسام الدین: ۶۸۰

دولت آبادی- عزیز: ۶۹۲، ۶۹۱، ۶۸۶، ۶۳۵

دولت شاه سمرقندی: ۶۹۳، ۶۹۲، ۶۹۱، ۶۵۱، ۶۵۰، ۶۳۵، ۳۳۴، ۱۶۴

دولت شاهی- طهماسب: ۷۱۴، ۷۰۶-۷۰۵

دهخدا- علی اکبر: ۴۴۱، ۲۸۱، ۳۹

دهقان- علی محمد: ۱۶۸

دیلیم: ۵۱۱

دیالمه: ۶۱۸ و ← دیلمیان

دیلمیان: ۶۱۷ و ← دیالمه

دیهمیم- محمد: ۶۹۵

ذ

ذکاء الدولة سراج میر: ۷۷۵

ذکاء الملك ← فروغی

ذوالفتون- مهندس منوچهر: ۳۹۱

ذوالقدر- یعقوب: ۱۶۴

ذهبی: ۶۰۱

ر

رایرتسن: ۵۰

راس- سردنيسن: ۵۳-۴۷-۳۷

راستکار- علی: ۸۱۱

رام (مصطفی قلی): ۶۲۳، ۵۵۷، ۲۸۸، ۲۷۷، ۲۲۰

راوندی: ۴۳۸

رحمانی (مهندس): ۵۹۰

رحیم اف- یحیی: ۱۲۷

رخسار- علی: ۷۷۰

- رزاقی- محسن : ۸۱۱
 رستم زال : ۴۷۹،۴۷۷،۴۷۶،۳۱۸
 رسی- اتور : ۱۴۹،۱۳۰
 رشتی (آیه الله) : ۶۵۷
 رشیدالدین فضل الله : ۲۸۱
 رضا (حضرت) : ۸۱۹،۳۸۷
 رضا- (پرفسور فضل الله) : ۵۰۱
 رضاخان پهلوی : ۱۰ و- رضاشاه کبیر و- سردار سپه
 رضاشاه کبیر : ۶۴،۵۹،۵۵،۵۴،۵۳،۵۱،۳۵،۳۴،۳۳،۳۱،۱۲،۳
 ۴۴۲،۴۲۱،۳۷۰،۲۴۵،۲۳۵،۲۱۶،۱۸۷،۱۳۷،۱۳۳،۱۱۸
 ۷۹۷،۷۹۶،۷۸۹،۵۰۳،۵۰۰،۴۸۹،۴۸۳،۴۵۶
 رضاقلی میرزا : ۲۱۷،۲۱۲،۲۰۹
 رضاقلی هدایت : ۶۱۱
 رضایی- دکتر جمال : ۶۵۷
 رضایی- دکتر خسرو : ۶۶۸
 رضوان- محمد حسن : ۳۷۹
 رضوانی- اسماعیل : ۶۵۷
 رضوی- پروفیسور محمد طاهر : ۴۸،۳۷
 رفعتی افشار : ۳۰۰
 رکن الدین اوحدی مراغه‌یی اصفهانی : ۶۶۶ و- اوحدی
 روح بخش - شیخ محمود : ۲۳۲
 رودکی : ۷۸۸،۷۸۷،۴۸۷
 روزبهان بقلی : ۵۲۵،۵۲۴،۵۳۲،۵۱۸،۵۱۷،۵۱۶،۵۱۴،۵۱۲
 ۶۱۸،۵۳۶ و- شیخ روزبهان
 روزبهانی (سلسله) : ۵۱۲
 روزن- بارون ویکتور : ۵۱
 روزن- فردریک : ۲۸۳
 روسی (زبان) : ۷۳۸،۸۰۶،۸۰۵،۱۴۹،۱۳۰،۱۲۶
 روشندل- مهدی : ۸۱۲
 روکرت آلمانی : ۵۰
 روماسکوویچ : ۴۷،۳۷

رئوفی- عبدالعلی : ۸۱۲

رومی ها : ۱۲

رهنا- زین العابدین : ۳۹

ریاضی- سرلشکر علی : ۵۸۴،۲۳۶

ریاضی- غلامرضا : ۲۶۳

ریپکا : ۴۹،۳۸

ریتر- پرفسور : ۱۴۹،۱۲۷

رئوسی : ۳۰۰

ز

زاره- پرفسور دکتر فردریک : ۴۳،۳۸

زال : ۴۷۸،۳۱۸،۵۹

زاهدی- تیمسار سرلشکر : ۲۲۱

زاهدی- سرهنگ : ۶۷۹

زاهدی- تیمسار سپهبد فضل الله : ۱۳۹،۱۳۵،۱۱۸

زایاچووسکی- آنانیا : ۱۳۰

زایونجی کومسکی : ۱۵۰

زییدی : ۵۵۵

زردشتیان : ۵۸،۳۶،۳۳

زرین خط حسن : ۴۸۹،۴۶۱،۳۲۴،۳۱۷،۹۹

زرین صفت- علی : ۳۱۷

زکریا بن محمد بن محمود القزوی : ۲۸۱

زمانی : ۶۵۵

زنجان- احمد : ۹۸

زند (خاندان) : ۲۷۷،۲۳۵

زنگی بن مودود — اتابک زنگی بن مودود : ۶۲۱

زوتن برگ فرانسوی : ۵۱

زهاوی- جمیل صدقی : ۴۷،۳۸

زیدین حسن بن علی بن ابیطالب : ۶۰۸

زین العابدین (ع) : ۲۸۵

ژ

ژاپونی (زبان) : ۸۰۶

Japan Arshitect (مجله) : ۳۰۷

ژرژسوم : ۱۶۵

ژوکوفسکی ، ۲۸۳

س

ساجده احمد : ۸۱۲

سادات حسنی شیراز : ۶۰۸

سارای- ژان : ۱۴۹

ساسانی : ۷۷۳، ۷۷۰، ۴۸۶، ۴۷۶، ۳۱۵، ۲۶۴، ۲۶۳، ۱۵۴، ۱۱، ۴

ساسانیان : ۷۵۲، ۷۴۸، ۱۵۴، ۴۸، ۴۷

ساعی- علی اصغر : ۱۵۲

سالار- ناصر : ۱۶۸

سالور- مهندس منوچهر : ۸۱۰، ۸۰۹، ۴۶۰، ۶۹

سامانیان : ۴۸۷، ۴۸۶، ۲۶۳، ۸۰۰، ۷۹

سامی- علی : ۵۱۷، ۵۱۴، ۵۱۳، ۵۱۱، ۱۷۴، ۱۶۸، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۴

۵۵۰، ۵۴۷، ۵۴۶، ۵۴۵، ۵۴۴، ۵۴۳، ۵۳۹، ۵۲۹، ۵۲۸، ۵۲۷

۶۱۳، ۶۱۱، ۵۸۶، ۵۸۴، ۵۶۲، ۵۶۱، ۵۵۹، ۵۵۸، ۵۵۲، ۵۵۱

۸۱۲، ۷۶۳، ۶۷۴، ۶۷۳، ۶۳۲، ۶۳۱، ۶۲۴، ۶۲۳، ۶۲۰، ۶۱۷

سامی- مهندس جاوید : ۶۳۲، ۵۶۱

سایلی- دکتر آیدیس : ۱۳۱

سبزویشان : ۳۷۳

سپنتا- عبدالحسین : ۴۱۷

سپهسالار اعظم : ۷۹۳ و ← امیر بهادر و ← حسین پاشا خان

ستاره (مادر ابن سینا) : ۱۴۲، ۷۹

سجادی (دکتر) : ۲۷۷

- سجادی- حسن : ۷۲۷
- سربداران : ۵۸۸
- سردادور (سرلشکر) : ۲۷۸، ۲۵۱
- سردار اسعد بختیاری : ۴۲۱
- سردار سپه : ۲۶، ۳ و- رضاخان پهلوی و- رضاشاه کبیر
- سردار معتمد : ۳۶
- سرلک (مهندس) : ۶۹۵، ۶۹۴
- سرمد- صادق : ۲۰۰، ۱۹۴، ۱۴۶، ۱۴۰
- سروش : ۱۶۶
- سری : ۷۴۱، ۷۳۰ و- بدیع الزمان سری و- نوربخش
- سعدین زنکی : ۱۹۹
- سعدی : ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۶۴، ۵۹، ۴۰
- ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱
- ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲
- ۲۰۵، ۳۲۵، ۳۸۸، ۶۱۸، ۶۵۶، ۷۸۷، ۷۸۸ و- شیخ سعدی
- و- شیخ مشرف الدین بن مصلح الدین سعدی شیرازی
- سعیدی- ابراهیم : ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۲۳، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۴۶، ۳۴۸
- سعیدی- عبدالله : ۳۰۱
- سکندر : ۴۰۷، ۲۱۵، ۱۴۴ و- اسکندر
- سکها : ۶
- سلجوقی (سلسله- دودمان) : ۱۵۴، ۲۸۲، ۳۶۱، ۵۸۰، ۷۵۳، ۷۵۸، ۷۷۰
- سلجوقی- لسان الدین : ۳۸
- سلجوقیان : ۱۱، ۴، ۱۵۴، ۳۷۰، ۵۷۲
- سلطان احمد خضرویه : ۶۹۱
- سلطان اویس جلایر : ۶۳۴
- سلطان حسین (پسر سلطان اویس جلایر) : ۶۳۳
- سلطان حسین بایقرا : ۲۸۶، ۳۶۹، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۳۵
- سلطان حسین میرزانییرالدوله : ۳۴۴، ۳۳۳
- سلطان زاده پسیان- حسینعلی : ۸۱۱

- سلطان عبدالحمید عثمانی : ۷۲۵
 سلطان محمد خدابنده : ۸۲۱
 سلطانی : ۶۲۷ و ← نیریزی و ← احمدنیریزی
 سلمان ساوجی : ۶۹۲، ۶۸۹
 سلطان محمود غزنوی : ۵۶۸، ۲۹
 سلیمی- عبدالمجید : ۶۱۴
 سلیمی-یحیی : ۶۶۲، ۶۶۰
 سماءالدوله : ۸۱
 سعانی : ۵۷۰، ۵۶۹، ۵۶۷
 سمندر-الهه : ۸۱۱
 سمندر-حسن : ۳۰۰
 سمیع : ۱۵۹، ۱۳۷
 سمیعی- ادیب السلطنه حسین : ۸۱۱، ۱۵۹، ۱۴۱، ۱۴۰، ۳۹ و ←
 ادیب السلطنه
 سنا : ۴۸۹، ۴۵۷، ۴۳۳، ۴۱۰، ۳۲۵، ۲۴۴ و ← همایی
 سنایی : ۲۸۲، ۲۸۱، ۲۰۵
 سنجر : ۲۸۲
 سنگینی- غلامحسین : ۸۱۱
 سهراب : ۴۷۷
 سهروردی : ۵۲۳
 سهیلی خوانساری - احمد : ۵۸۲، ۳۴۴، ۲۶۹
 سیاح- جعفر : ۳۹
 سیاسی- دکتر علی اکبر : ۱۴۹، ۱۲۷، ۱۲۲
 سیبویه : ۵۶۲، ۵۶۱، ۵۵۷، ۵۵۶، ۵۵۵ و ← ابوبشر عمرو بن عثمان
 فارسی بیضاوی
 سیحون-مهندس : ۲۲۷، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۱، ۱۴۱، ۹۹، ۹۲، ۸۹
 ۲۹۴، ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۹۱، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۷۳، ۲۵۴، ۲۵۲، ۲۲۸
 ۳۴۶، ۳۴۰، ۳۳۹، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۲۵، ۳۲۳، ۳۱۴، ۳۰۱، ۲۹۵
 ۴۷۴، ۴۷۳، ۴۷۱، ۴۵۱، ۴۵۰، ۳۹۷، ۳۹۶، ۳۷۷، ۳۵۷، ۳۵۶
 ۷۶۰، ۷۵۰، ۵۴۴، ۵۳۱، ۴۹۰

سید تقی (معروف به قلندر) : ۴۶۱

سید جمال الدین اسدآبادی : ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰،

۸۱۲

سید جمال الدین واعظ اصفهانی : ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳

سید رکن الدین : ۷۷۹

سید شریف جرجانی : ۵۳۹

سید صفا : ۴۶۱

سید قاسم (فرزند شاه داعی) : ۶۱۳

سید محمد باقر امام جمعه : ۶۶۰

سید محمد باقر درچه‌ای : ۷۳۲

سید محمد علی صائب : ۳۸۷ و صائب

سیده : ۸۱

سیرانی : ۵۵۶

سمیسن : ۲۸۶

سیوطی : ۵۵۵

ش

شادمان (دکتر) : ۷۳۵

شاک آلمانی : ۵۰

شالچیان : ۶۵۵

شامپیون- ژزف : ۴۹

شاه اسماعیل صفوی : ۶۳۵

شاهپور اول : ۱۵۴

شاهپورین محمد : ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۱ و شاهپور نیشابوری

شاهپور عبدالرضا : ۱۳۹

شاهجهان : ۳۸۷

شاهداعی : ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۹ و

داعی و داعی الی الله و فخر العارفین سید نظام الدین

محمود بن حسن الحسنی

شاهرخ - ارباب کیخسرو : ۳۶،۳۴،۳۳،۳۰،۲۹،۲۷،۲۶،۲۵،۲ : ۸۱۱،۸۰۸،۶۴

شاهرخ تیموری : ۳۰۵،۱۵۴

شاهرخی - ابوالفضل : ۴۷۵

شاهزاده ابوالفتح : ۷۷۸

شاهسلطان حسین صفوی : ۶۲۷،۶۲۶،۲۱۰،۲۰۹

شاه سلیمان صفوی : ۷۵۳

شاه شجاع : ۵۴۹،۵۴۸،۵۴۷،۵۴۴،۵۴۳،۵۴۲،۵۴۱،۵۴۰،۵۳۹

۵۵۰ و ← جلال الدین ابوالفوارس

شاه شیخ ابواسحاق اینجو : ۶۲۲

شاه صفی : ۸۲۰،۶۵۹

شاه طهماسب صفوی : ۳۷۶،۳۷۰،۳۶۹،۲۸۶،۲۱۱،۲۱۰،۲۰۹

۸۲۱،۶۳۵،۳۸۰

شاه عباس کبیر : ۸۱۸،۶۵۹،۳۸۷،۲۷۵،۲۱۱،۲۰۹،۱۶۴، ۱۱

۸۲۳،۸۲۲،۸۲۱،۸۲۰،۸۱۹

شاه عباس ثانی : ۳۸۸

شاهنور نیشابوری : ۶۹۲،۶۸۸ و ← شاهپور بن محمد

شاه محمود : ۵۴۳،۵۴۰

شاهکار - عبدالحسین : ۶۶۱

شاه میر حسین : ۳۶۹

شاه نعمه الله ولی : ۶۰۸

شاه یحیی : ۵۴۲

شهبی - محمدرضا : ۱۲۷

شخصیان - احمد : ۷۰۴

شریف امامی - مهندس جعفر : ۷۸۹،۶۹۶،۴۸۹،۴۶۰،۳۲۳،۷۱،۶۹

۸۲۳،۸۱۰،۸۰۹،۷۹۶

شفق - دکتر رضا زاده : ۴۰۱،۳۹۶،۳۹۱،۳۲۵،۳۲۳،۲۶۹،۲۵۴،۴۵،۳۹

۷۹۶،۶۹۸،۶۹۷،۶۹۶،۶۹۵،۵۸۲،۵۰۱،۴۸۹،۴۶۰،۴۴۰

۸۱۱،۸۰۹

شفیع امین (دکتر) : ۶۹۵

شفیعی- محمود : ۵۰۱

شکوه- حسین : ۳۹

شکیبا- حسین : ۶۹۵

شکیب آذر : ۶۶۳

شمس الدوله ابوطاهر شاه خسرو دیلمی : ۸۵،۸۱

شمس الدین محمد بن قیس رازی : ۶۷۷

شمس الدین محمد بن محمود شهرزوری : ۲۸۱

شمس الدین محمد حافظ : ۵۴۸،۵۴۳ و ← حافظ و ← خواجه حافظ

شمس العرفا : ۳۹

شمس المعالی قابوس و شمگیر : ۹۰،۸۹،۸۱

شمس پهلوی (شاهدخت) : ۱۵۵

شمس مغربی : ۶۹۱

شمیل تاری- آناماریا : ۶۱۷

شوریده (فصیح الملك) : ۱۷۹،۱۷۲

شهابی- دکتر علی اکبر : ۶۸۱،۴۰۲،۳۹۶،۳۰۱،۳۰۰

شهبانو فرح : ۵۰۵،۵۰۲،۳۲۸ و ← علیا حضرت شهبانو و ←

فرح پهلوی

شهمردان- رشید : ۱۲۹

شهید بلخی : ۴۸۷

شهیدی- دکتر سید جعفر : ۴۴۲،۲۶۹

شیبانی- حسین : ۲۱۴

شیبانی- عبدالحسین : ۳۹

شیخ ابواسحاق کازرونی : ۶۷۵

شیخ ابوحامد اوحد الدین کرمانی : ۶۶۶

شیخ ابی احمد حسن بن علی ← ابی احمد صغیر : ۶۲۲

- شیخ ابی احمد فضل بن محمد ← ابی احمد کبیر : ۶۲۲
- شیخ ابوالحسن خرقانی (شیخ ابوالحسن علی بن جعفر خرقانی) : ۵۶۷
- ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۹، ۵۸۰ و ← بوالحسن خرقانی
- و ← خرقانی
- شیخ احمد احسائی : ۶۴۳
- شیخ رئیس ابوعلی سینا (حجة الحق ابوعلی الحسین بن عبدالله بن سینا) :
- ۹۶، ۱۰۳، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۳۳، ۱۴۳، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۶۳ و ۳۶۳
- ← ابوعلی سینا و ← ابن سینا
- شیخ بهلول : ۶۲۱
- شیخ جنید : ۶۱۸
- شیخ حمشا : ۴۳۸
- شیخ رکن الدین کتکی : ۶۱۸
- شیخ روزبهان بقلی (ابو محمد بن ابونصر بقلی فسائی شیرازی) :
- ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۸، ۵۳۳، ۵۳۵، ۷۰۳ و ←
- روزبهان بقلی
- شیخ سعدی : ۲۷۳، ۵۸۳، ۶۵۰، ۷۰۳ و ← سعدی و ← شیخ مشرف
- الدین بن مصلح الدین سعدی شیرازی
- شیخ شرف الدین ابراهیم بن صدرالدین روزبهان ثانی : ۵۱۵، ۵۱۶
- شیخ صدرالدین روزبهان ثانی : ۵۱۵، ۵۱۷
- شیخ فخرالدین احمد بن روزبهان بقلی : ۵۱۵
- شیخ عطار : ۵۷۲، ۶۲۰ و ← شیخ فریدالدین عطار و ← شیخ فریدالدین
- ابوحامد محمد بن ابراهیم عطار نیشابوری و ← عطار
- شیخ فریدالدین ابوحامد محمد بن ابراهیم عطار نیشابوری : ۳۳۱،
- ۳۳۳، ۳۶۵ و ← شیخ فریدالدین عطار و ← شیخ عطار و ←
- عطار
- شیخ فریدالدین عطار : ۵۸۰، ۶۰۳، ۷۰۳ و ← شیخ عطار و ←
- شیخ فریدالدین ابوحامد محمد بن ابراهیم عطار نیشابوری و ←
- عطار
- شیخ قطب الدین محمود : ۵۴۳

شیخ کبیر ابو عبدالله محمد بن خفیف شیرازی ملقب به شیخ الاسلام :

۱۷۶۱، ۱۸۶۱، ۱۹۶۱، ۲۰۶۲، ۲۱۶۲، ۲۲۶۲ و ← ابن خفیف و ←

ابو عبدالله خفیف

شیخ مجبعلی قره گزلو : ۴۶۱

شیخ مرشدالدین ابواسحاق . ۶۰۸

شیخ مشرف الدین بن مصلح الدین سعدی شیرازی : ۱۶۳، ۱۸۵، ۱۹۰

و ← سعدی و ← شیخ سعدی

شیخ هادی : ۶۵۸ و ← حاج شیخ هادی هادوی و ← هادوی

شیدا ← بیرای گیلانی

شیرازی : ۳۶

شیرازی - مهندس آیه الله زاده : ۳۹۵، ۴۲۷، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۵

شیرازیان : ۱۸۶

شیرزاد : ۳۲۵

شیعه : ۴۴۲

شیعه جعفری : ۲۴۴

شیعیان : ۲۸۵

ص

صابر - حاج عباسقلی : ۷۸۱

صادق (مستشار الدوله) : ۲۱۸، ۴۶۷، ۸۰۸، ۸۱۱ و ← مستشار الدوله

صادق - مهندس علی : ۶۵، ۷۱، ۱۷۰، ۱۸۸، ۲۹۳، ۳۳۶، ۸۰۹

۸۲۴، ۸۱۰

صادق (نقاش) : ۲۳۶

صارم الدوله (اکبر مسعود) : ۳۶

صافی : ۶۶ و ← اوحدی

صالح - اللہیار : ۶۵، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۹، ۲۲۲، ۲۵۴، ۳۲۳، ۴۸۹

۸۱۰، ۷۹۶

صالح - دکتر جهان‌شاه : ۱۱۸، ۱۶۲، ۱۵۰

صالح - علی پاشا : ۴۴۰

صالحی - جهانگیر . ۶۶۲

صائب تبریزی (خلاق المضامین) : ۳۹۰،۳۸۹،۳۸۸،۳۸۷،۵۹ :

۴۱۱،۴۱۰،۴۰۸،۴۰۷،۴۰۶،۴۰۲،۴۰۱،۳۹۴،۳۹۲،۳۹۱

← ۷۰۳،۶۴۵،۴۱۸،۴۱۷،۴۱۶،۴۱۵،۴۱۴،۴۱۳،۴۱۲

سید محمدعلی صائب

صدر (استاندار خراسان) : ۳۵۵

صدر- ابوالفضل : ۶۰۶

صدرالاشراف (محسن صدر) : ۲۷۷

صدر عرفانی (سالک)- حسن : ۶۷۷

صدر هاشمی (مهندس) : ۵۴۴،۳۹۴

صدری : ۵۳۱

صدقیانی زاده- کاظم : ۶۹۵

صدیق اعلم- دکتر عیسی : ۴۳،۳۵،۳۳،۳۰،۲۹،۲۷،۲۵،۱۲،۱۰ :

۲۵۰، ۲۲۲، ۱۵۹، ۱۴۱، ۱۲۸، ۷۱، ۶۹، ۶۳، ۵۸، ۵۳، ۴۴

۳۹۶، ۳۲۵، ۳۲۳، ۳۱۵، ۳۰۲، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۵۸، ۲۵۳، ۲۵۱

۴۶۷، ۴۶۰، ۴۴۸، ۴۳۲، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۴، ۴۲۱، ۴۰۲، ۴۰۱

۸۲۴، ۸۱۰، ۸۰۸، ۸۰۵، ۷۹۶، ۷۹۲، ۷۶۴، ۶۳۶، ۵۰۲، ۴۸۹

صدیقی- استاد ابوالحسن : ۱۵۱، ۱۳۸، ۱۱۷، ۱۱۴، ۱۱۱، ۱۰۷، ۲۴ :

۲۵۵، ۲۵۴، ۲۵۰، ۲۲۴، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۰۱، ۱۸۵، ۱۸۲، ۱۸۱

۳۶۳، ۳۵۹، ۳۵۷، ۳۲۸، ۲۷۳، ۲۶۴، ۲۶۱، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۶

۷۹۸، ۷۹۰، ۷۸۹، ۷۸۸، ۷۸۷، ۴۹۷، ۴۹۶، ۴۷۸

صدیقی- دکتر غلامحسین : ۲۵۴، ۲۲۲، ۱۵۹، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۱۲، ۶۹ :

۸۲۴، ۸۱۰، ۷۹۶، ۷۳۶، ۴۸۹، ۴۶۰، ۳۲۳

صدیقی- فریدون : ۷۹۰، ۴۷۸

صرافت- عزیز : ۶۱۴

صغیر اصفهانی : ۶۸۱، ۶۸۰، ۴۱۷

صفاء دکتر ذبیح الله : ۸۲۴، ۸۱۰، ۱۳۱، ۱۱۳، ۹۳، ۸۳، ۷۹، ۷۱، ۶۹ :

صفاری (خاندان) : ۶۱۷

صفاریان : ۶۱۷

صفائی- ابراهیم : ۴۴۱

صفدر (نام پدر سید جمال الدین اسدآبادی) : ۷۲۵

- صفدی : ۶۰۱
صفوی (سلسله) : ۸۲۳،۶۵۹،۴۱۶،۳۹۳،۳۷۴،۲۶۳
صفوی- رحیم زاده : ۳۹
صفوی- فخرالدین : ۸۱۱
صفویه : ۲۱۵،۴۱۴،۳۹۷،۳۷۳،۳۷۰،۲۹۰،۲۷۷،۲۱۳،۱۱۶،۶۵
۷۵۷،۷۵۳،۶۶۱،۶۳۵،۵۱۴،۴۳۰
صلیبا-دکتر جمیل : ۱۵۰،۱۲۸
صمیمی- صادق : ۲۵۲،۲۵۰
صورتگر- دکتر لطفعلی : ۱۹۱،۵۸
صوفی نیا : ۱۵۹
صوفیه : ۶۱۷
صهبا- ابراهیم : ۷۴۱،۷۳۹،۶۵۷،۶۵۲،۳۶۶،۳۱۲

ض

- ضحاك : ۴۷۹
ضرغامی (ارتشبد) : ۷۰۳
ضیاءالدوله جهانبانی : ۷۱۶،۷۰۰
ضیاءالواعظین شیرازی : ۲۳۵

ط

- طاهر : ۴۵۹،۴۵۸،۴۴۷،۴۳۷ و ← بابا طاهر
طاهرزاده- کریم : ۶۳۶،۳۰
طاهری- ابوالقاسم : ۶۳۶
طاهری- محسن : ۴۶۷،۲۷۸،۲۱۸
طاهری سبزواری- محمد : ۶۰۳
طاهری نیریزی- محمد : ۶۲۶
طباطبائی- محمد : ۶۲۶
طباطبائی (خاندان) : ۷۱۸
طباطبائی- مصطفی : ۳۰۷
طباطبائی پور : ۷۸۱

طبسی - سید حسن : ۳۹

طریحی - محمد کاظم : ۱۳۲

ظفرل بیک سلجوقی : ۴۴۷، ۴۳۸، ۴۳۷

طه (سوره) : ۱۷۶

ظ

ظفر - مهندس کیقباد : ۱۸۸

ظفرخان - میرزا حسن الله : ۳۸۷

ظل السلطان : ۳۶

ظهیر الدوله - علیخان : ۷۳۹، ۷۳۳

ظهیر الدین (لقب ابو الحسن بیهقی) : ۶۰۱، ۶۰۰ و - بیهقی

ظهیر فاریابی : ۶۹۸، ۶۹۲، ۶۹۰، ۶۸۹، ۶۸۸، ۶۸۷

ع

عارف قزوینی : ۱۵۲، ۱۰۶، ۱۰۵، ۸۸

عاطفی - ابراهیم : ۸۱۲

عبادی - عبدالحمید : ۳۸

عباس میرزا : ۸۵

عبدالرزاق لاهیجی : ۶۲۲

عبدالرسولی - مرتضی : ۳۰۹، ۳۰۷

عبدالصمد : ۸۶

عبدالله (پدر ابن سینا) : ۷۹

عبدالله خان صارم الدوله : ۸۵

عبرت مصاحبی نائینی : ۷۳۷، ۷۳۶، ۷۳۵، ۷۳۴

عبری (زبان) : ۸۰۶

عتیقه چی : ۱۱۷

عثمانیها : ۲۱۱، ۲۱۰

عجم : ۴۸۱

عدالت : ۵۵۷، ۵۲۶، ۵۲۵، ۵۱۷

عدل - غلامرضا : ۶۹۵

عدنانی : ۳۹۴

عرب : ۱۵۷، ۴۵

عربی (زبان) : ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۱، ۸۲، ۴۸

۵۴۲، ۵۱۸، ۴۴۱، ۴۳۸، ۲۸۳، ۱۵۷، ۱۴۹، ۱۳۲، ۱۲۹، ۱۲۸

تازی ← ۸۰۶، ۸۰۵، ۷۲۵، ۶۷۶، ۶۴۱

عزام- عبدالوهاب : ۴۸، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۳۸

عزرائیل : ۸۷

عزیزی- فیروزه : ۸۱۱

عشاقی- حسن : ۴۳۰

عصار- نصیر : ۷۳۵

عضدالدوله : ۶۱۸

عضدالدین ایچی : ۵۳۹

عضدی (امیراعظم) : ۵۲

عضدی : ۲۷۸

عطار (فریدالدین) : ۳۴۳، ۳۳۹، ۳۳۴، ۳۳۳، ۳۳۲، ۳۱۳، ۲۹۷، ۵۹

۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۹، ۵۶۷، ۵۷۳، ۶۱۸ ← شیخ عطار ← شیخ

فریدالدین عطار .

عطار (محمد) : ۶۶۲

عطاردی قوچانی- حاج عزیزالله : ۷۶۴، ۷۶۳

عظاملك جوينی : ۶۷۷

عظیم عظیم (معتضدالملک) : ۵۷۹

عطائی : ۱۵۹

عظیم جان او (بانو) : ۱۳۰

عفیفی : ۱۲۶

علاء حسین : ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۸، ۱۱۶، ۶۴، ۳۳، ۲۷، ۲۶، ۱۹، ۱۰

۳۹۲، ۳۲۳، ۲۵۷، ۲۵۳، ۲۲۲، ۱۸۵، ۱۵۹، ۱۳۹، ۱۳۷، ۱۳۶

۸۰۹، ۸۰۸، ۷۹۲، ۴۸۹، ۴۴۸، ۴۴۷، ۳۹۸

علاءالدوله کاکویه : ۸۱

علاءالدین تبریزی : ۶۲۶

- علائی- مهندس رضا : ۷۰۴
 علم- اسدالله : ۷۴۱،۶۵۸،۶۴۵،۴۱۵،۴۱۲،۳۹۹
 علم- خزیمه : ۶۵۲
 علمی - محمود : ۳۷۴،۳۶۹،۳۲۹،۳۳۸،۳۳۷،۲۹۶،۲۵۰،۲۳۲
 ۷۴۷،۷۴۶،۳۷۵
 علوی مقدم (سرلشکر): ۶۳۰
 علی (ع) : ۶۱۲،۳۴۳،۱۹۶،۱۷۵،۸۷
 علی (نام شیخ خرقانی) : ۵۷۸
 علی (نام پدر واعظ کاشفی) : ۵۹۹،۵۹۸
 علی آبادی- دکترتقی : ۱۴۱
 علیاحضرت شهبانو : ۸۰۳،۷۹۸،۷۸۹،۶۴۵ و ← شهبانوفرچ و ←
 فرح پهلوی
 علی بن المولی : ۵۱۶
 علی شیرازی : ۸۷
 علیشیر نوائی : ۵۹۹ و ← امیرعلیشیر نوائی
 عمرخیام : ۷۰۱،۶۹۸،۳۶۳،۳۶۲ و ← حکیم عمرخیام و ← خیام
 و ← خیامی
 عمروبن لیث : ۶۱۷
 عیسی بن عمرثقفی : ۵۵۶
 عیلامی (زبان) : ۶
 عمید- دکترموسی : ۱۳۱،۱۱۲
 عمیدالسلطنه : ۲۱۴
 عوض بیگ- دکترمحمد : ۱۵۷
 عیسی : ۴۸۱،۱۷۸
 عین القضاة همدانی : ۴۴۰

غ

- غازان خان : ۱۵۴
 غرابه- دکتر حمود : ۱۲۷

غزالی : ۵۱۵،۲۸۲،۱۲۶

غزان : ۳۳۱

غزنوی (سلسله) : ۴۷۰

غلامحسین میرزا : ۷۳۸

غنی- دکتر قاسم : ۸۱۱،۲۸۳،۶۵،۵۲،۳۶

غنی- کاظم : ۶۵۲

ف

فاتح- مصطفی : ۲۷

فاتحة الكتاب (سوره) : ۶۲۹

فارسی (زبان) : ۱۱۴،۱۱۳،۱۱۱،۸۳،۸۲،۵۳،۴۵،۴۴،۴۱،۳۳،۶

۱۳۲،۱۳۱،۱۳۰،۱۲۹،۱۲۸،۱۲۷،۱۲۶،۱۲۵،۱۲۴،۱۲۱

۲۸۴،۲۸۳،۱۸۵،۱۸۴،۱۶۳،۱۵۸،۱۵۷،۱۵۶،۱۴۷،۱۳۴

۶۱۷،۵۹۵،۵۷۲،۵۴۲،۵۲۳،۵۱۸،۵۰۳،۴۳۲،۴۳۰،۳۹۳

۷۱۸،۷۳۵،۷۳۸،۷۵۶،۷۹۳،۸۰۵،۸۰۶،۸۰۷ و ← پارسی

فاضلی : ۲۸۸

فامیلی : ۳۶

فائضی : ۲۷۸،۲۳۲

فتحعلیخان قاجار : ۲۰۹

فتحعلیشاه قاجار : ۲۳۶،۲۳۵،۱۶۵،۸۵

فخرالدوله : ۸۱

فخرالدین عراقی : ۵۱۲

فخر العارفين سيد نظام الدين محمود بن حسن الحسنی ملقب به داعی الى الله :

۶۰۸ و ← داعی و ← داعی الى الله و ← شاه داعی

فرامرزی- عبدالرحمن : ۷۳۵

فرانسوی (زبان) ← فرانسه

فرانسه (زبان) : ۱۲۸،۱۲۷،۱۲۶،۱۲۳،۱۱۴،۱۱۳،۴۶،۴۴

۱۲۹،۱۳۰،۱۴۹،۱۵۸،۲۸۳،۴۳۹،۴۴۱،۵۱۸،۵۲۲،۷۵۶

۸۰۱،۸۰۵،۸۰۶ و ← فرانسوی

فرانکلین : ۱۶۵

فرح بخش- مهندس احمد : ۵۹۸

فرح پهلوی : ۵۳۰ و ← علیاحضرت شهبانو و ← شهبانوفر

فرخ محمود : ۶۹۲، ۴۶۷، ۲۷۸، ۲۱۸ و ← دانای خراسانی

فردوسی : ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۵، ۴

۵۱، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۱، ۴۰، ۳۷، ۳۵، ۳۴

۲۸۷، ۳۷۳، ۷۲، ۶۴، ۶۳، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴

۴۹۶، ۴۹۰، ۴۸۹، ۴۸۶، ۴۸۳، ۴۷۹، ۴۷۸، ۴۷۵، ۴۶۹، ۳۲۵

۷۸۸، ۶۳۵، ۵۰۸، ۵۰۴، ۵۰۳، ۵۰۲، ۵۰۱، ۵۰۰، ۴۹۹

فردوسی ثانی - محمدعلی : ۲۶۹

فرزانمهر- مهندس : ۷۱۴، ۷۰۶، ۷۰۵، ۷۰۴، ۶۶۴، ۶۲۵

فرزین- محمدعلی : ۶۴، ۳۳

فرس قدیم (زبان) : ۶

فرصت : ۵۱۷ و ← فرصةالدوله و ← فرصت شیرازی

فرصةالدوله : ۱۶۴ و ← فرصت و ← فرصت شیرازی

فرصت شیرازی : ۵۱۱، ۵۲۴، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۲۰ و ← فرصت و ←

فرصةالدوله

فرمانفرما : ۳۶

فرمانفرمائیان- مهندس عبدالعزيز : ۲۲۴

فروزانفر- بدیع الزمان : ۳۴۴، ۳۳۱، ۱۲۸، ۴۴، ۳۹

فروغ- دکتر مهدی : ۲۵۸

فروغ الملك ← قوامی

فروغی- مهندس محسن : ۲۸۹، ۲۵۴، ۲۲۳، ۱۸۸، ۱۷۰، ۸۹، ۷۱، ۶۹

۴۱۴، ۴۱۱، ۴۱۰، ۴۰۰، ۳۹۷، ۳۹۵، ۳۹۴، ۳۳۶، ۳۲۳، ۲۹۳

۴۶۱، ۴۶۰، ۴۵۴، ۴۵۳، ۴۵۲، ۴۵۰، ۴۴۹، ۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶

۶۲۵، ۶۰۶، ۵۹۸، ۵۹۳، ۵۶۱، ۵۳۳، ۵۳۱، ۴۸۹، ۴۶۴، ۴۶۳

۷۰۵، ۷۰۴، ۷۰۳، ۶۸۵، ۶۸۴، ۶۸۳، ۶۶۸، ۶۶۲، ۶۵۴، ۷۴۷

۸۲۴، ۸۱۰، ۷۹۹، ۷۹۶، ۷۶۰، ۷۵۴، ۷۴۴، ۷۲۳، ۷۲۲، ۷۰۶

فروغی- محمدعلی ذکاء الملك : ۵۷، ۵۳، ۴۰، ۳۳، ۲۷، ۲۶، ۱۴، ۶، ۳

۸۱۱، ۸۰۸، ۲۸۳، ۲۰۰، ۶۴، ۵۸

- فرهمنده محمد : ۶۴۸
 فریار- عبدالله : ۶۳۶
 فریدالدین ابوالحسن بیهقی : ۶۰۲ و ← ابن فندق و ← ابوالحسن
 بیهقی و ← بیهقی
 فریدالدین عطار : ۵۲۳، ۳۴۲ و ← شیخ عطار و ← عطار
 فرید خراسان : ۶۰۱، ۶۰۰ و ← ابوالحسن بیهقی و ← بیهقی
 فشارکی- سید محمد : ۶۵۷
 فصحتی- علیمحمد : ۶۱۵، ۶۱۴
 فصیحی- حسین : ۱۶۸
 فصیحی خوانی : ۶۹۱
 فضائلی- حبیب الله : ۷۷۷، ۴۱۴، ۴۰۸، ۴۰۶
 فضل الله بن روزبهان خنجی : ۶۷۷
 فلکی شروانی : ۶۹۱، ۶۸۸
 فقیهزاده : ۲۷۸
 فقیه سبزواری : ۴۶۷، ۲۱۸
 فلاطون : ۲۰۳
 فلسفی- نصر الله : ۴۵، ۳۹
 فوآد البستانی : ۱۵۰
 فوآد الهوانی- دکتر احمد : ۱۲۸
 فولادوند : ۱۵۰
 فهم بیرقدارویج : ۳۸
 فیاض- دکتر علی اکبر : ۲۷۸
 فیانگر- مهندس ایوان : ۲۲۸
 فیتز- کیخسرو اردشیر : ۱۳۱، ۱۲۹
 فیتزجرالد- ادوارد : ۳۲۷، ۳۲۵، ۳۱۸، ۳۱۶، ۳۵۱، ۲۸۷، ۲۸۳، ۵۸
 ۸۰۶
 فیروز- فیروز میرزا نصرت الدوله : ۸۱۱، ۳۳، ۳ و ← نصرت الدوله
 فیروز- سرلشکر محمد حسین : ۳۹۶، ۳۲۳، ۳۰۲، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۵۱
 ۸۲۴، ۸۱۰، ۷۹۶، ۴۸۹، ۴۶۰، ۴۰۲، ۴۰۱

فیروزفر : ۸۹۷

فیلیپ دوم : ۲۷۷

فیوضات : ۴۶۸،۴۶۷،۲۱۹

ق

قاجار : ۲۳۵،۲۱۳،۸۷،۷۵

قاجاریه : ۶۴۴،۳۷۰،۱۶۵

قادری- ابوالفضل میرزا : ۸۱۱

قاضی اکرم جمال الدین ابوالحسن علی بن یوسف القفطی : ۲۸۱

قاضی نورالله : ۸۴

قائم مقام (خاندان) : ۷۴۲،۷۱۶

قائم مقام- میرزا ابوالقاسم : ۷۴۲،۷۱۷

قائم مقام التولید- حاج میرزا محمدعلی : ۴۹۰،۴۸۹،۳۳،۳۰،۲۹

۴۹۲،۴۹۱

قائم مقامی- میرزا ابوالحسن : ۷۱۸

قائم مقامی- میرزا ابوالفضل : ۷۱۹

قائم مقامی- عیسی : ۴۹۳،۴۹۲،۴۹۱

قائم مقامی موسی : ۴۹۳،۴۹۲،۴۹۱

تدری حافظ طوغان : ۱۵۰،۱۲۸

قدس نخعی- حسین : ۸۱۰،۷۱۲،۳۲۷،۷۱،۶۹

قدوسی- محمدحسین : ۲۷۸،۲۶۹،۲۵۳،۲۵۰،۲۳۹،۲۲۷،۲۲۶

قراختائیان کرمان : ۵۳۹

قراگزلو- علیرضا بهاء الملك : ۸۱۱،۸۰۸،۷۴ و- بهاء الملك

قربانی- ابوالقاسم : ۷۹۰

قره باغی- مسعود : ۷۰۴

قریب- عبدالعظیم : ۳۹

قزل ارسلان : ۲۴۵

قزل ایاغ- محمدرضا : ۲۶۳

قزوینی - محمد : ۶۴، ۵۸، ۲۰۰، ۲۸۱، ۲۸۶، ۶۰۰، ۶۷۲، ۷۱۸،

۷۱۹-۷۳۳، ۸۱۱

قضائی : ۲۷۷

قطب - علی : ۸۱۱

قطب الدین محمد مروزی : ۶۰۰

قطبی - حاج سید علی . ۳۱ :

قطران : ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۸

قطرب : ۵۵۶

قناعت - مؤمن شاه : ۱۵۳

قنواتی - دکتر شوکت : ۱۲۶

قوام الدین حسن : ۴۸۵

قوام السلطنه (احمد قوام) : ۲۱۳

قوام الملك شیرازی : ۳۶

قوامی - محمد قلی : ۱۶۸، ۱۸۵

قوامی - تیمسار سر تیب اسماعیل فروغ الملك : ۱۶۸

قویمی - محسن : ۴۶۱

قهرمان (سر هنگ) : ۷۵۴

قهرمانی - پرویز : ۸۱۱

ک

کاتوزیان (سر تیب) : ۲۵۹

کارنگ - عبدالعلی : ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۶، ۸۱۷

کارو (دکتر) : ۳۹۴

کاسمی (دکتر) : ۴۴۱

کاشانیان - احمد : ۶۹، ۷۱، ۲۵۰، ۳۰۰، ۳۹۶، ۲، ۶۹۵، ۸۱۱

کاشانیان - علی : ۸۱۱

کاشفی : ۵۹۶، ۵۹۸ و ← ملاحسین کاشفی و ← واعظ سبزواری

کاظم اسماعیل بیگ : ۱۲۴، ۱۲۵

کاظمی : ۶۴

کامبیز - جواد : ۱۴۱، ۲۲۲، ۲۵۰، ۲۵۲

- کامرون - ژرژ : ۱۲۴، ۱۲۵-۱۲۸، ۱۳۲
 کانگر - پرفسور ژ.ب : ۱۳۲
 کاووسی - محمدعلی : ۲۶۳
 کاوه آهنگر : ۴۷۹، ۵۵
 کجوری : ۶۷۳-۶۷۴
 کرامتی - حاج میرزا آقا : ۳۶
 کرامیه : ۶۱۷
 کر بلائی عبدالخالق : ۸۶
 کرین - هانری : ۱۱۳، ۱۲۹، ۵۱۱، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۵
 کردی (زبان) : ۸۰۶
 کرزن (لرد) : ۱۶۶
 کرکتر (پرفسور) : ۷۶۳، ۷۶۴
 کریستن سن - آرتور : ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۲۸۳
 کریم اف - پرفسور عبیدالله : ۱۲۷
 کریم خان زند : ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۵، ۲۷۷، ۵۴۳، ۵۴۷، ۶۱۱
 ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۲۱
 کریمی - بهمن : ۵۱۱، ۷۶۳
 کریمی - سیدعلی اکبر : ۵۷۳
 کسایی : ۵۵۶
 کسروی - احمد : ۳۹
 کشاورز : ۴۰۱
 کشمیری - حاج محمدجعفر : ۲۱۴
 کفائی - حسن : ۲۱۹، ۴۶۷
 کمال اسماعیل (خلاق المعانی) : ۳۸۸، ۴۱۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹
 و ← خلاق المعانی ...
 کمال الدین بهزاد : ۶۳۵، ۶۳۶ و ← بهزاد و ← کمال بهزاد
 کمال الدین مسعود خجندی : ۶۳۴، ۶۳۶، ۶۳۹، و ← کمال خجندی
 کمال الملك (محمد غفاری) : ۵۹، ۲۹۶، ۳۱۳، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۵۳
 ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۷۰، ۳۷۸، ۵۷۳، ۷۰۳، ۷۸۸
 ۸۰۲، ۷۹۹

- کمال بهزاد : ۶۹۲ و ← بهزاد و ← کمال الدین بهزاد
 کمال خجندی : ۶۹۲، ۶۵۰ و ← کمال الدین مسعود خجندی
 کمالی - حیدر علی : ۳۹
 کمیل : ۶۲۷
 کنتنو : ۴۵ و ← کونتنو
 کنتانتین (مهندس) : ۲۲۷، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۱۴، ۳۷۲
 کنفوسیوس : ۱۵۷
 کوپرلی زاده - فوآدیک : ۳۸
 کوچ - دکتر ویلهلم : ۱۳۱
 کورزون (لرد) : ۲۸۶
 کورش کبیر : ۷۴۸، ۶۶۰، ۵۴۸، ۱۵۴، ۳۰
 کوفن - لوئی : ۱۴۹
 کومتز - گارسیا : ۱۴۹
 کونتنو : ۳۸ و ← کنتنو
 کوئتل - دکتر ارنست : ۴۶، ۳۸
 کوهی کرمانی : ۵۸۲
 کیان : ۳۱۳
 کیانپور - علی : ۴۰۰
 کیانپور - غلامرضا : ۶۸۳
 کیخسرو : ۱۷۹
 کیکاووس : ۳۰۹
 کیوان - مجتبی : ۴۱۶، ۳۹۷، ۳۹۶، ۳۹۵، ۳۹۴
 کیومرث : ۴۹۸

گ

- گارد - لوئی : ۱۲۹
 گذاره - آندره : ۸۱۹، ۸۰۸، ۵۱۸، ۱۲۸، ۸۹، ۷۴، ۶۴، ۳۸، ۳۰
 گرانسایه - کمال : ۲۶۴
 گرجی : ۴۶

- گرزن (سرلشکر): ۳۹۵
 گریگوری (تقویم): ۲۸۱
 گشتاسپ: ۴۸۰
 گشتاسپ هخامنشی: ۶
 کلچین: ۳۸۹
 گلستان - تقی: ۱۶۸
 گلشن آزادی ۱۹۲۰، ۲۷۸، ۴۶۷
 گلکانی: ۲۱۸-۴۶۷
 گنابادی - ملاسلطانعلی: ۴۴۱
 گنتر: ۳۸-۴۶ و ← گونتر
 گنجعلیخان: ۷۶۶-۸۷۰
 گواشن (مادموازل): ۱۲۹، ۱۵۸
 گورکان - دکتر کاظم اسماعیل: ۱۲۶، ۱۵۰
 گونتر - پرفسور کارمیا: ۱۲۸ و ← گنتر
 کونیلی - حسن: ۱۱۷
 گیرشمن: ۷۵۶، ۷۷۱

ل

- لاتین (زبان): ۱۰۷، ۲۸۳
 لاحق: ۳۸
 لاری - حاج احمد: ۳۶
 لرزاده - حسین: ۳۳
 لری (لهجه): ۴۳۸
 لوزنسکی - ژرژ: ۴۴۰
 لمب - هارولد: ۱۳۰
 لمسدون: ۴۹
 لوژی - پرفسور هانری: ۱۲۴، ۱۲۵
 لوی - روبین: ۱۳۱
 لوی فیلیپ: ۵۰

لیلی : ۴۶۰۰

م

مار، ژرژ : ۴۶،۳۸

مارینو : ۲۵۸

ماسه هانری : ۱۵۸،۱۴۹،۱۲۷،۴۶،۴۴،۴۳،۳۸

ماسینیون-لونی : ۵۲۳،۵۱۸،۱۳۸،۱۲۷،۱۲۵،۱۲۴

مأمون عباسی : ۳۶۹

مانی شیرازی : ۶۹۰،۶۸۹

مأئده (سوره) : ۴۴۳

مایر : ۳۹

مایل- یدالله : ۳۹

مبارزالدین محمد بن امیر مظفر بن منصور : ۵۳۹

مبهوت- مصطفی : ۲۳۱،۲۲۸

متولی- حسن : ۶۴۹

متین : ۱۵۹،۱۴۶

متین دفتری : ۶

مجتبائی- فتح الله : ۴۴۰

مجتهدزاده- مرتضی : ۶۵۱

مجتهدی : ۳۰۱

مجدوالدوله ابوطالب رستم بن فخرالدوله دیلمی : ۸۱

مجدالدین ← ابوالفتح اسعد : ۴۶۱

مجنون : ۴۶۰

مجیدی- عبدالمجید : ۷۱۳

مجیرالدین بیلقانی : ۶۹۳،۶۸۹،۶۸۸

محشم السلطنه اسفندیاری : ۶۴،۴۴،۴۳،۳۳،۱۹ و ← اسفندیاری

محشم کرمانشاهی- سرهنگ سلیمان : ۴۶۱

محقق- دکتر مهدی : ۶۴۳،۳۴۴

محقق لاهیجی : ۶۴۳

- محلّاتی - صدرالدین : ۵۸۴،۵۲۹،۵۱۷،۵۱۰،۱۶۸
 محمد (ص) : ۴۴۴،۴۳۷
 محمد ابراهیم خان : ۲۱۷
 محمد بن ابراهیم مشهور به خطیب وزیرى : ۴۴۰
 محمد بن بدر جاجرمی : ۶۷۷
 محمد بن زکریای رازی : ۱۵۲
 محمد بن عبدالعزیز ← ابوالوفا : ۴۶۱
 محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ایطالب : ۳۶۹
 ۳۸۱
 محمد حبیب : ۳۹
 محمد حسین فریدالدوله کلکون همدانی : ۸۷
 محمدرضا شاه پهلوی : ۲۴۹،۲۴۵،۲۴۱،۱۸۵،۱۳۵،۱۳۳،۱۱۹،۱۰۰
 ۵۸۰،۵۴۸،۵۳۳،۴۸۳،۴۵۶،۳۵۹،۳۴۳،۳۱۳،۳۱۲،۲۹۷
 ۷۹۶،۷۳۷،۵۹۹ ← آریامهر و ← پهلوی دوم
 محمد رضی : ۲۶۶
 محمّدزاده کرمانی - حسن : ۸۱۱
 محمدزین دین : ۴۸۵
 محمدشاه (هندوستان) : ۲۱۲
 محمدشاه قاجار : ۷۷۲،۷۷۰،۷۱۷
 محمد شفیع : ۱۵۰،۱۲۵،۱۲۳
 محمدصادق خان آجودان باشی : ۷۹۳
 محمد صالح (خوشنویس) : ۳۹۰،۳۸۹
 محمدعلی بن عبدالخالق بن میرزا حبیب الله بن میرزا علی اکبر النائینی :
 ۷۳۴ ← عبرت مصباحی نائینی
 محمدعلی فرزند میرزا رحیم صائب : ۳۸۹
 محمدعلی شاه : ۷۹۳،۷۲۱
 محمد کردعلی : ۶۰۱
 محمدی : ۷۶۷
 محمود (برادر ابن سینا) : ۷۹

شكوة - سيد محمد : ۱۱۲۶۱۱۱

- مشکوتی : ۲۲۱
 مشکوتی- شهاب الدین : ۴۵۱
 مشکوتی- نصرت الله : ۷۶۰
 مشهدی باقر : ۷۴۲
 مشیرالدوله پیرنیا : ۶۴ و ← پیرنیا
 مشیرفاطمی : ۱۶۹
 مصاحب- دکتر غلامحسین : ۳۲۷
 مصدق- حبیب الله : ۴۱۴
 مصدق- مصطفی : ۴۱۴
 مصدق زاده- حسن : ۴۱۴
 مصدق زاده- یدالله : ۴۱۴
 مصطفوی- دکتر جلال : ۳۲۷، ۱۲۷
 مصطفوی- محمدتقی : ۱۵۹، ۱۴۱، ۱۳۷، ۹۷، ۹۱، ۸۵، ۸۳، ۶۹، ۶۰
 ۲۵۸، ۲۵۴، ۲۵۲، ۲۵۰، ۲۳۵، ۲۳۲، ۲۲۷، ۲۲۱، ۱۹۰، ۱۸۱
 ۴۸۹، ۴۶۰، ۴۴۳، ۴۴۰، ۴۰۲، ۳۹۶، ۳۴۲، ۳۲۳، ۳۱۴، ۳۰۲
 ۶۹۵، ۶۸۰، ۶۴۹، ۶۴۴، ۶۱۱، ۵۷۷، ۵۱۹، ۵۱۸، ۵۱۱، ۵۰۸
 ۸۲۵، ۸۱۰، ۷۹۶، ۷۶۵، ۷۳۶، ۷۲۳، ۷۰۴، ۶۹۷
 مصطفی قلی خان اعتماد السلطنه : ۸۵
 مظفرالدین شاه قاجار : ۷۹۶، ۷۹۳، ۷۳۸، ۷۱۷
 مظفریان : ۵۳۹ - ۵۴۸ و ← آل مظفر
 مظلوم یزدی - مهندس جهانگیر : ۷۱۴
 معارفی- حسین : ۷۶۰، ۴۲۸، ۴۱۴، ۴۰۱، ۴۰۰، ۳۹۷، ۳۹۵
 معتضدالدوله رفاهی : ۷۴۵
 معتضدالملک عظیمی : ۵۷۹، ۵۷۷، ۵۷۲
 معتمدالدوله : ۳۶
 معتمدی : ۲۲۱
 معدل- لطفعلی : ۱۸۹
 معزالملک : ۳۶
 معزی : ۴۱۴
 معصومخانی : ۳۹۴

- معصوم علی شاه : ۵۲۴، ۵۱۱
 معصومی زنجانی - احمد : ۱۰۳، ۹۶
 معمار باشی - حاج حسن : ۳۳۵
 معین - دکتر محمد : ۵۲۴، ۵۲۳، ۵۱۸، ۵۱۷، ۵۱۱، ۱۳۰، ۱۱۲، ۲۹
 ۶۳۶، ۵۲۵
 معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی : ۵۱۱، ۱۶۴
 معینیان : ۶۹۸، ۴۶۹
 مغربی : ۶۹۲
 مغول : ۷۷۵، ۷۵۳، ۲۸۶، ۱۵۴، ۸۶، ۸۵
 مغولان : ۶۷۷، ۳۶۲، ۳۴۴، ۳۳۳، ۳۳۱
 مفتون کبریائی : ۴۶۱
 مقتدر سر لشکر غلامحسین : ۲۶۹، ۲۵۰
 مقدم - محسن : ۲۵۸
 مقصود - دکتر جواد : ۴۴۰
 مک کارتی - دکتر ریچارد : ۱۳۱
 ملا حسین کاشفی : ۵۹۹، ۵۹۸، و ← کاشفی و ← واعظ سبزواری
 ملا صدرای شیرازی : ۴۴۲
 ملا علی اکبر (نام پدر نیریزی) : ۶۲۶
 ملا محسن فیض : ۶۴۳
 ملک : ۱۵۹
 ملک - حسین : ۷۴۷، ۴۹۲، ۴۹۱، ۴۹۰، ۴۸۹
 ملک احمدی - مهدی : ۶۸۱
 ملک التجار : ۳۰
 ملک ابرج بن فتحعلیشاه : ۷۳۸
 ملک زاده : ۱۸۵
 ملک شاه سلجوقی : ۲۸۲، ۲۸۱
 ملک شرف الدین شاه محمود اینجو : ۶۲۲
 ملک محمود سیستانی : ۲۱۰، ۲۰۹
 ملکم سرجان : ۱۶۶

- ملك نصر- حسينقلی : ۳۹۶
 ملكوتی : ۳۹۵، ۳۹۴
 ممتازالدوله : ۶۵۷
 منتصر- عبدالحلیم : ۱۲۶
 مؤدب نفیسی- دکتر عباس : ۱۲۶
 موراتوری : ۱۵۷
 موسویان : ۴۶۸، ۴۶۷، ۲۱۹
 موسی بن جعفر : ۳۶۹
 مول- ژول : ۵۷ و- مهل
 مولانا تاج الدین کرکهری : ۶۹۲
 مولانا جلال الدین : ۳۳۳
 مولانا قوام الدین عبدالله : ۵۴۰
 مولوی : ۵۸۰، ۵۷۰، ۵۶۷، ۳۸۸
 مولوی (خانواده) : ۷۱۶
 مولوی- عبدالحمید : ۶۹۶، ۴۶۸، ۴۶۷، ۳۸۳، ۳۷۹، ۳۴۳، ۲۱۹
 مؤید- هوشنگ : ۷۲۸
 مهدوی- آقارضا : ۲۱۴
 مهدوی- دکتریحیی : ۸۲۴، ۸۱۰
 مهذب - نصرالله : ۳۹۵
 مهذب الدوله- سیداحمد : ۱۶۸
 مهران- حسن : ۷۴۵
 مهران- فاطمه : ۸۱۱، ۷۹۹، ۶۹
 مهران- محمد : ۲۷۸، ۲۵۱
 مهران- دکتر محمود : ۴۰۱، ۳۹۶، ۳۲۳، ۲۹۵، ۲۵۴، ۲۲۲، ۷۱، ۶۹
 ۸۲۴، ۸۱۰، ۷۹۶، ۷۲۹، ۷۲۲، ۷۲۱، ۶۶۸، ۵۷۳، ۴۸۹، ۴۶۰
 مهريار- محمد : ۳۹۵
 مهل- ژول : ۵۰ و- مول
 مهين- مرتیپ . ۴۶۷، ۲۱۸

- میر احمد منشی ← میر منشی : ۱۶۴
 میر باقر : ۸۷
 میر باقری : ۵۷۷
 میرزا آقا گچ کار ولد حسن : ۷۹۳
 میرزا ابراهیم ادهم : ۶۵۹
 میرزا احسن الله ← احسن : ۳۸۷
 میرزا بزرگ (پدر کمال الملك) : ۳۵۹، ۳۵۳
 میرزا تقی خان امیر کبیر : ۷۴۴، ۷۴۳ و ← امیر کبیر و ← میرزا
 تقی خان امیر نظام
 میرزا تقی خان امیر نظام : ۷۴۳، ۷۴۲ و ← امیر کبیر و ← میرزا
 تقی خان امیر کبیر
 میرزا تقی شیرازی : ۶۵۷
 میرزا احسن شیرازی : ۶۵۷
 میرزا احسن فسائی : ۶۱۲
 میرزا رحیم صائب : ۳۸۹
 میرزا عبدالرحیم : ۳۸۷
 میرزا فتحعلی خان شیرازی : ۱۶۵
 میرزا محمد صادق (ادیب المالك) : ۷۱۷ و ← ادیب المالك
 میرزا محمد صادق طباطبائی : ۷۱۸
 میرزا محمد علی صائب تبریزی : ۴۰۸ و ← سید محمد علی صائب
 و ← صائب
 میرزا محمد محسن : ۳۸۹
 میرزا محمد علی مصاحبی نائینی : ۷۳۴ و ← عبرت مصاحبی نائینی
 میرزا محمد کرمانی : ۵۴۳
 میرزا معصوم : ۷۱۷
 میرزا مقدم و یکتوریا : ۸۱۱، ۷۱، ۶۹
 میرزا مهدی خان استرآبادی : ۲۶۹
 میرزا مهدی خان کوکب : ۴۴۲
 میرزا نصیر فرصت : ۶۱۲ و ← فرصة الدوله و ← فرصت
 میرزا یانس : ۳۹
 میرزا یحیی مدرس اصفهانی : ۷۳۲
 میرزا یوسف : ۶۴۱

- میرسید شریف جرجانی : ۶۲۲
 میرفتاح- علی اصغر : ۶۶۱
 میکائیل : ۸۷
 میمون بن نجیب واسطی : ۲۸۱
 منوچهر- دکتر حسن : ۱۳۲
 مینورسکی- ولادیمیر : ۴۴۲-۴۴۱-۱۲۶-۴۶-۳۹
 مینوی- مجتبی : ۷۷۵، ۵۷۰، ۵۶۹، ۵۰۱، ۴۴۱، ۲۵۸، ۱۱۲، ۳۹، ۶

ن

- ناپلئون بناپارت : ۲۷۳
 ناچی ← ابوعبدالله ناتلی : ۷۹
 ناقلی الاویل (دکتر) : ۱۴۹، ۱۲۷
 نادرشاه افشار : ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۷۰۴، ۷۳، ۵۹
 ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۳، ۲۲۱، ۲۲۰، ۲۱۸، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۵
 ۲۴۲، ۲۴۱، ۲۴۰، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۳۱
 ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۵۳، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۴۵، ۲۴۳
 ۲۷۴، ۲۷۳، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۸، ۲۶۶، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۶۱
 ۷۵۹، ۷۴۶، ۶۰۳، ۵۷۳، ۳۸۰، ۳۶۵، ۳۶۳، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۵

۷۸۸

- نادرقلی : ۲۰۹ و ← نادرشاه افشار
 نادر میرزا (مؤلف) : ۶۹۳، ۶۸۷
 نادری- احمد : ۱۶۸
 ناصح- محمدعلی : ۷۳۵، ۲۴۹، ۲۴۷، ۲۴۲
 ناصحی- ایرج : ۷۰۴
 ناصر- حسن : ۸۰۸، ۶۴
 ناصرالدینشاه : ۷۴۲، ۷۲۵، ۳۵۳
 ناصرالدین میرزا : ۷۴۲ و ← ناصرالدین شاه
 ناصرالملک : ۳۶
 نافذاوزلوق- دکتر فریدون : ۱۳۱
 نایب الصدر شیرازی : ۶۱۱

نبوی - حسن: ۷۱، ۶۹، ۲۹۱، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۲۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۷۲

۸۲۴، ۸۱۰، ۸۰۹، ۷۹۶، ۴۶۰، ۳۹۹

نجفیان (مهندس): ۵۹۰

نجم آبادی - دکتر محمود: ۱۳۱، ۱۱۱، ۹۹

نجم الدین ابوبکر رازی معروف به نجم دایه: ۲۸۱

نجم دایه: ۲۸۱ و ← نجم الدین ابوبکر

نخجوانی: ۶۹۰

نذرقلی: ۲۰۹ و ← نادرقلی و ← نادرشاه افشار

نذیمی - غلامحسین: ۵۱۱

نذیر احمد: ۲۸۲

نراقی: ۸۱۹، ۱۴۸، ۱۱۷

نرسی: ۲۶۳، ۱۵۴

نروژی (زبان): ۸۰۶

نزاری قهستانی: ۶۵۵، ۶۵۴، ۶۵۳، ۶۵۲، ۶۵۱، ۶۵۰

نسرین پور: ۶۹۶

نصر - دکتر ولی الله: ۳۹

نصرت الدوله فیروز: ۶۴، ۱۹ و ← فیروز

نصیر الدین: ۴۸۵

نظام الدین: ۶۰۸ و ← شاه داعی

نظام الدین - دکتر محمد: ۱۳۱

نظام الدین حکمت: ۶۴، ۴۶، ۳۹

نظام الدین محمود الحسینی: ۶۱۳ و ← شاه داعی

نظام الملك: ۱۵۴

نظامی: ۶۰۸ و ← شاه داعی

نظامی عروضی: ۳۶۱، ۳۲۲، ۲۸۱، ۸۰، ۲۹

نظامی گنجوی: ۶۳۵، ۴۵

نعمت اللهی (طایفه): ۶۰۹

نفیسی - سعید: ۲۸۳، ۱۳۴، ۱۳۰، ۱۱۳، ۹۹، ۵۷، ۴۶، ۳۹

نقاشباشی: ۳۵۳ و ← کمال الملك

نکو - مهندس: ۴۷۱، ۳۱۴

- نگار خانم: ۸۸، ۸۷، ۸۵
 نگهبان (دکتر): ۲۵۸
 نواب - دکتر عبدالباقی: ۳۹۵، ۳۹۴
 نوح: ۱۹۷
 نوح بن منصور: ۷۹
 نور (سوره): ۸۸
 نورانی وصال (دکتر): ۵۱۷
 نوربخش - بدیع الزمان: ۷۴۰
 نوربخش - عبدالغفار: ۳۹۵
 نوروزی - علی اصغر: ۵۹۸، ۵۹۷
 نوری - اسفندیاری - موسی: ۲۵۷
 نوشیروان: ۲۴۵ و ← انوشیروان
 نوشیروان - سردار دستور: ۳۹ و ← دستور انوشیروان
 ندلده: ۵۱
 نوید خراسانی: ۲۱۶
 نهادیک - علی: ۳۹
 نرو - پاندیت: ۱۲۳
 نیر اعظم (بانو): ۱۵۲
 نیرالدوله: ۳۶
 نیریزی: ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲ و ← احمد نیریزی
 نیکپور - عبدالحسین: ۲۷
 نیکزاد - کریم: ۳۹۵
 نیکلابویچ - زاخودر بوریس: ۱۳۰

و

- واچها (پرفسور): ۱۳۰
 وارسته - حمید: ۷۱۱
 وارینگک - اسکات: ۱۶۶
 واعظ خراسانی - حاج سید محمد: ۴۷۵
 واعظ سبزواری: ۵۹۸-۵۹۹ و ← واعظ کاشفی و ← کاشفی و ←
 ملاحسین کاشفی

- والری رادو - پرفسور بامستور: ۱۳۵
 والرین: ۱۵۴
 والنبورگ اطریشی: ۴۹
 وثوق - حسن: ۳۹
 وحدتی - حاج حسین آقا: ۳۳۹، ۳۳۸
 وحید دستگردی: ۳۹، ۶۶۷، ۶۷۸، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷
 وحیدزاده دستگردی (نسیم) - محمود: ۷۳۲-۷۳۳
 وحیدنیا - سیف الله: ۷۳۵
 وختشور - نسترن: ۸۱۱
 وزیری - علیمحمد: ۷۶۸
 وستن - استفان: ۵۰
 وسیلی: ۱۰۳
 وکیل: ۳۳۶ و ← وکیل الرعایا و ← کریم خانم زند
 وکیل الرعایا: ۶۱۱ و ← وکیل و ← کریم خان زند
 ولف - دکتر فریتس: ۴۸-۵۱
 ولرس: ۵۷، ۵۰
 ویلسون: ۶۳۶
 وین فیلد: ۳۱۶

ه

- هادوی: ۶۵۷ ← شیخ هادی و ← شیخ هادی هادوی
 هادی حسن: ۳۹: ۱۳۲
 هاکن: ۴۹، ۳۹
 هاگمان: ۴۹
 هالیستن فنلاندی: ۵۰
 هانیبال: ۸۰۷
 هجویری: ۵۶۷
 هخامنشی: ۶۴، ۱۱۱، ۱۵۴، ۲۶۴، ۷۴۸
 هدایت - رضاقلی: ۳۹

- هدایت - مهدیقلی: ۳۹
 هرتسفلد، - ارنست: ۸۱۱،۳۰،۱۹،۱۷،۶،۵،۴
 هر ن آ لن - ادوارد: ۴۴۱،۴۴۰،۴۳۹
 هر وزنی: ۳۹
 هکسلی - ژولین: ۱۴۹،۱۲۹
 همام تبریزی: ۶۸۸-۶۹۲،۶۹۱
 همایونفر - ابراهیم: ۶۸۱،۴۲۷،۴۱۵،۴۱۳،۴۱۲
 همائی - استاد جلال الدین: ۳۲۴،۳۰۹،۳۰۷،۲۴۲،۱۲۹،۱۱۲،۲۹
 ۳۲۵،۳۲۷،۳۹۹،۴۰۰،۴۱۴،۴۱۵،۴۱۶،۴۳۲،۴۵۷،۴۷۸
 ۴۸۵،۴۸۹،۷۳۵،۷۹۰ و ← سنا
 حمدانیان: ۴۱۲
 هندوها: ۶
 هنر فر - لطف الله: ۷۶۳،۳۹۶،۳۹۵
 هوار - کلمان: ۴۴۰،۴۳۹
 هریر - شوارتز: ۵۰
 هیئت - علی: ۸۱۱،۸۰۹،۳۲۳،۲۵۳،۲۵۱،۲۵۰،۲۲۲،۱۵۹
 هیئت - فیروز: ۲۵۰
 هویدا: ۷۵-۷۱۲

ی

- یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی: ۳۲۷
 یار شاطر - دکتر احسان: ۱۳۲-۱۱۳
 یار محمدی (مهندس): ۳۹
 یارنوس کیویچ: ۳۹
 یاسمی - رشید: ۷۱۸-۳۹
 یاقوت حموی: ۶۰۱-۶۰۰
 یحیی بن المولی الولی.... ابی محمد روزبهان: ۵۱۶
 یحیی بن خالد: ۵۵۶
 یزدگرد: ۴۸۱
 یس (سوره): ۱۷۶
 یعقوب لیث: ۷۹۰،۶۱۷

بغمای جندقی: ۷۸۱

بغمائی - حبیب: ۷۸۱، ۵۰۱، ۳۱۴، ۲۶۹

بکائی - اسماعیل: ۳۲۷، ۲۸۳

بحین الدوله محمود: ۸۰ و ← سلطان محمود غزنوی

بعینی (سرهنګ): ۱۵۳

بوسف: ۵۵۰

بوسفی - حاج حسن: ۶۶۲

بونانیها: ۱۱

یونس بن حبیب: ۵۵۶

فهرست اعلام اماکن

جایها، عمارات، ادارات، رودها و ...

آ

آبیک: ۷۰۹

آبادانا: ۷۷۹

آتشگاه اصفهان: ۷۷۸

آدران: ۷۸۳

آذرآبادگان: ۷۱۶ و ← آذربایجان

آذربایجان: ۷۵، ۲۱۰، ۳۹۱، ۴۱۲، ۵۳۹، ۵۴۲، ۵۸۲، ۶۶۶، ۶۶۷

۶۸۶، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۱۶، ۷۱۷

و ← آذرآبادگان

آذربایجان شرقی: ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۷۰۳، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳

آرامگاه ابن خفیف ← آرامگاه شیخ کبیر ابو عبدالله بن خفیف

آرامگاه ابن سینا: ۷۴، ۷۸، ۸۳، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۲،

۱۰۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۹، ۲۷۳

۸۱۲، ۸۰۸، ۷۸۵، ۴۴۹، ۴۴۸، ۴۴۷، ۲۸۸

آرامگاه ابن سینا (آرامگاه قدیم): ۱۵۴

آرامگاه ابوالحسن بیهقی ← آرامگاه بیهقی

آرامگاه ابوالحسن یغمای جندقی: ۷۸۱

آرامگاه ابو عبدالله خفیف ← آرامگاه شیخ کبیر ابو عبدالله بن خفیف

آرامگاه احمد نیریزی ← آرامگاه نیریزی

آرامگاه ادیب المعالک فراهانی: ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹

آرامگاه ارتیمانی ← آرامگاه رضی الدین ارتیمانی

آرامگاه اسرار ← آرامگاه حاج ملاهادی سبزواری

آرامگاه امیرویس: ۷۵۳

آرامگاه اوحدی مراغدی: ۸۱۲، ۶۷۰، ۶۶۹، ۶۶۸، ۶۶۷، ۶۶۶

آرامگاه ایرج میرزا: ۷۳۹

آرامگاه باباطاهر: ۴۴۹، ۴۴۸، ۴۴۷، ۴۴۶، ۴۴۳، ۴۴۲، ۴۳۷، ۴۳۵، ۷۴

۷۸۵، ۶۴۷، ۴۶۲، ۴۶۰، ۴۵۶، ۴۵۵، ۴۵۴، ۴۵۳، ۴۵۲، ۴۵۰

۸۱۲ و ← بقعه باباطاهر

آرامگاه باباطاهر (آرامگاه قدیم): ۴۴۴

آرامگاه بوعلی ← آرامگاه ابن سینا

آرامگاه بیهقی: ۶۰۷، ۶۰۶، ۶۰۵، ۶۰۴، ۶۰۳، ۶۰۰

آرامگاه برفسور پوپ: ۴۲۹، ۴۱۹

آرامگاه حاج شیخ هادی بیرجندی: ۶۵۸

آرامگاه حاج ملاهادی سبزواری: ۶۴۸، ۶۴۶، ۶۴۵، ۶۴۴، ۶۴۳، ۶۴۱

آرامگاه حاجی بکتاش: ۷۶۱

آرامگاه حافظ: ۷۴۷، ۲۰۰، ۱۸۷، ۱۶۷

آرامگاه حافظ (آرامگاه قدیم): ۵۸۴

آرامگاه حبیب بن موسی ← امامزاده حبیب بن موسی

آرامگاه حر عاملی: ۷۷۸

آرامگاه حکیم سبزواری ← آرامگاه حاج ملاهادی سبزواری

آرامگاه خیام: ۲۹۴، ۲۹۳، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۷۹، ۷۴

۳۰۸، ۳۰۷، ۳۰۶، ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۰۱، ۲۹۸، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۹۵

۳۶۲، ۳۶۱، ۳۶۰، ۳۴۹، ۳۴۷، ۳۴۶، ۴۳۶، ۳۳۳، ۳۲۴، ۳۱۲

۶۴۳، ۳۷۸، ۳۷۷، ۳۷۵، ۳۷۲، ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۶۶، ۳۶۴، ۳۶۳

۸۱۲، ۷۸۶، ۷۸۵

آرامگاه خیام (آرامگاه قدیم): ۲۹۹، ۲۸۸، ۵۲

آرامگاه خرقانی: ۵۸۱، ۵۷۶، ۵۷۵، ۵۷۳، ۵۶۵ و ← ۸۱۲، ۷۸۵

بقعه شیخ ابوالحسن خرقانی

آرامگاه خلاق المعانی ← آرامگاه کمال الدین اسماعیل

آرامگاه خواجو: ۵۸۴، ۵۸۲

آرامگاه حکیم عمر خیام ← آرامگاه خیام

آرامگاه رضی الدین ارتیمانی : ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴،

۶۶۵

آرامگاه سرخوش : ۶۴۹

آرامگاه سعدی : ۷۴، ۸۳، ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷،

۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۸۷، ۱۹۱، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲

۲۸۸، ۲۰۴

آرامگاه سید جمال الدین اسد آبادی : ۷۲۱

آرامگاه سیبویه : ۵۵۱، ۵۵۳، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱

آرامگاه شاه داعی : ۶۱۶

آرامگاه شاه سلطان حسین : ۷۷۲

آرامگاه شاه شجاع مظفری : ۵۳۷، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸

۵۵۱، ۵۵۲

آرامگاه شاه عباس دوم : ۷۷۲، ۷۷۹

آرامگاه شاه عباس کبیر : ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۱، ۸۲۲

آرامگاه شاه قاسم انوار : ۷۴۶

آرامگاه شیخ ابواسحاق کازرونی : ۶۷۲، ۶۷۳

آرامگاه شیخ ابوالحسن خرقانی ← آرامگاه خرقانی

آرامگاه شیخ الرئيس ← آرامگاه ابن سینا

آرامگاه شیخ روزبهان بقلی : ۵۰۹، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۲۷

۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۳، ۵۳۵، ۵۳۶ و ← بقعه روزبهان

آرامگاه شیخ کبیر ابو عبد الله بن خفیف : ۵۲۸، ۶۱۷، ۶۲۲، ۶۲۳

۶۲۴

آرامگاه صائب : ۷۴، ۳۸۵، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۴

۴۰۵، ۴۰۶، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۸، ۴۴۹، ۴۵۰

آرامگاه طباطبائی : ۷۱۹

آرامگاه عبرت مصاحبی نائینی : ۷۳۲

آرامگاه عطار : ۲۸۸، ۲۹۱، ۳۲۹، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸

۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۵، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۶

۷۸۵، ۸۱۲ و ← بقعه عطار

آرامگاه غزالی : ۵۰۵، ۵۰۸، ۷۷۶ و ← بقعه امام محمد غزالی

آرامگاه فردوسی : ۱۸۷،۷۴،۶۴،۵۴،۵۱،۳۲،۳۱،۳۰،۲۹،۲۵ :
 ۶۷۲،۴۷۱،۴۷۰،۴۶۹،۴۶۸،۴۶۷،۴۶۵،۴۲۹،۲۹۴،۲۲۶
 ۴۹۴،۴۹۳،۴۹۲،۴۹۱،۴۹۰،۴۸۹،۴۸۸،۴۷۷،۴۷۴،۴۷۳
 ۸۱۱،۷۸۵،۷۷۰،۶۹۵،۵۰۸،۵۰۵،۵۰۴،۵۰۲،۵۰۱

آرامگاه کاشفی ← آرامگاه واعظ کاشفی

آرامگاه کمال الدین اسماعیل : ۶۸۲،۶۸۱،۶۸۰،۶۷۹،۶۷۸،۶۷۶ :
 ۶۸۵،۶۸۴،۶۸۳

آرامگاه کمال الدین بهزاد : ۶۴۰،۶۳۹،۶۳۷،۶۳۴

آرامگاه کمال الدین خنجدی : ۶۴۰،۶۳۹،۶۳۷،۶۳۵،۶۳۴

آرامگاه کمال الملك : ۳۵۷،۳۵۵،۳۵۱،۳۳۶،۳۲۳،۲۹۱،۲۸۹ :
 ۸۱۲،۶۳۳،۳۶۶،۳۶۴،۳۶۳،۳۶۱،۳۶۰

آرامگاه کورش : ۱۵۴،۳۰

آرامگاه نادرشاه : ۲۲۱،۲۲۰،۲۱۹،۲۱۸،۲۱۴،۲۱۳،۲۰۷،۷۴ :
 ۲۴۲،۲۳۹،۲۳۸،۲۳۱،۲۲۷،۲۲۶،۲۲۵،۲۲۴،۲۲۳،۲۲۲
 ۲۸۸،۲۷۷،۲۷۲،۲۷۱،۲۷۰،۲۶۹،۲۶۴،۲۵۳،۲۵۰،۲۴۴
 ۸۱۲،۷۸۵،۶۲۳،۳۶۰،۳۴۰،۲۹۵،۲۹۴،۲۹۳،۲۹۲

آرامگاه نادرشاه (آرامگاه قدیم) : ۲۱۷،۲۱۴

آرامگاه نزاری قهستانی : ۶۵۷،۶۵۵،۶۵۴،۶۵۳،۶۵۲،۶۵۱،۶۵۰ :
 ۶۵۸

آرامگاه نیریزی : ۶۳۲،۶۳۱،۶۲۶

آرامگاه واعظ کاشفی : ۵۹۹،۵۹۸،۵۹۷،۵۹۶،۵۹۵

آرامگاه وحید دستگردی : ۷۳۲

آستان قدس رضوی : ۲۷۸،۲۵۳،۲۵۱،۲۲۶،۲۲۲،۲۱۹،۲۱۸،۲۱۷ :
 ۳۰۱،۳۷۷،۴۶۷،۴۶۸،۴۷۵،۴۹۰،۵۰۶،۷۶۸ و ←

خراسان

آستانه شیخ صفی الدین : ۷۵۵

آسیا : ۲۲۷،۲۷۳،۵

آسیای صغیر : ۴۵،۱۱

آلمان : ۷۶۴،۱۴۹،۱۳۰،۱۲۷،۵۱،۴۸،۳۸،۳۷،۳۰،۴

آلمان شرقی : ۱۵۸

آلوسه جرد (رود) : ۱۰۵،۹۷،۸۹،۸۷

آمریکا : ۴۲۱،۳۱۵،۱۵۸،۱۲۹،۱۳۰،۱۲۸

آمل : ۷۷۸،۷۷۴،۷۷۲،۷۷۰

آنکارا : ۶۱۷

الف

ایرقو : ۷۶۷،۱۵۴

ایورد : ۲۰،۱۴۵

اتازونی : ۳۷

اتاق بازرگانی : ۴۶۷،۲۱۹

اتحاد جماهیر شوروی : ۱۵۸ و ← روسیه

اتحادیه بازرگانان تهران : ۱۵۶

اداره آثار باستانی فارس : ۷۴۸،۷۴۷،۵۸۶،۵۲۸،۵۲۷

اداره آموزش و پرورش آذربایجان شرقی : ۶۹۵

اداره آموزش و پرورش بیرجند : ۶۵۲

اداره آموزش و پرورش تویسرکان : ۶۶۳،۶۶۲،۶۶۱

اداره آموزش و پرورش خراسان : ۲۵۰، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۱۹، ۲۱۸

۴۹۴،۴۹۳،۴۹۱،۴۷۴،۴۶۸،۳۳۰،۲۷۸،۲۶۹،۲۵۴،۲۵۳

۷۵۲

اداره آموزش و پرورش خور : ۷۸۱

اداره آموزش و پرورش سبزوار : ۶۴۹،۶۰۵،۶۰۴،۵۹۷،۵۹۶

اداره آموزش و پرورش کازرون : ۶۷۲

اداره آموزش و پرورش مراغه : ۶۶۹،۶۶۷

اداره آموزش و پرورش نیریز : ۶۳۱

اداره آموزش و پرورش نیشابور ← اداره فرهنگ نیشابور

اداره اصلاحات ارضی خراسان ← اداره کشاورزی و اصلاحات ارضی خراسان

اداره امور فنی شهرداری شیراز : ۶۲۳

- اداره اوقاف — اداره کل اوقاف
 اداره اطلاعات و جهانگردی : ۳۹۵
 اداره اوقاف اصفهان : ۳۹۳، ۳۹۴، ۴۰۱، ۴۷۹
 اداره اوقاف توپسرکان : ۶۶۳
 اداره اوقاف خراسان : ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۷۸، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۳۰، ۳۷۷
 اداره اوقاف سبزوار : ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۴۹
 اداره اوقاف فارس : ۵۸۵، ۵۴۴، ۶۱۴
 اداره اوقاف گلپایگان : ۷۶۷
 اداره اوقاف نیشابور : ۲۹۵، ۳۷۵
 اداره باستانشناسی* (اداره کل) : ۶۴، ۱۶۸، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۵۰، ۳۰۰
 ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۴۰۰، ۴۶۹، ۵۱۹، ۵۲۸، ۶۱۳، ۷۵۳
 ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۹، ۷۶۷، ۸۱۹، ۸۲۲ و — اداره کل
 باستانشناسی
 اداره باستانشناسی اصفهان : ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۹
 ۴۰۰، ۴۰۳، ۴۰۶، ۴۱۴، ۴۱۵، ۷۵۳، ۷۵۴
 اداره باستانشناسی شیراز : ۶۲۲
 اداره باستانشناسی فارس : ۵۲۹، ۵۱۴، ۶۱۵، ۶۲۳، ۷۵۱، ۷۶۷
 اداره بیوتات سلطنتی : ۷۹۲
 اداره تعاون وامورروستاهای سبزوار : ۶۰۷
 اداره ثبت اسناد خراسان : ۴۹۲، ۵۰۶
 اداره ثبت اسنادفارس : ۵۸۵
 اداره حمل و نقل ارتش (ترابری) : ۲۵۹
 اداره دارایی اصفهان : ۳۹۴
 اداره دارائی خراسان : ۲۱۸، ۲۲۶
 اداره روابط فرهنگی وزارت امور خارجه : ۷۶۱
 اداره عتیقات : ۳۸، ۷۳۸
 اداره فرهنگ اردبیل : ۷۵۵

- اداره فرهنگ اصفهان : ۳۹۴
 اداره فرهنگ خراسان ← اداره آموزش و پرورش خراسان
 اداره فرهنگ شاهرود : ۵۹۰
 اداره فرهنگ شیراز : ۶۲۲
 اداره فرهنگ فارس : ۵۱۷، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۴۷، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۸۴
 اداره فرهنگ کاشان : ۷۵۸، ۷۵۷
 اداره فرهنگ مازندران : ۷۴۹
 اداره فرهنگ نیشابور : ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۲۴، ۳۳۶، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۴
 ۳۷۹، ۳۷۵
 اداره فرهنگ همدان : ۴۳۸، ۴۴۹، ۷۵۶
 اداره فرهنگ یزد : ۷۵۸
 اداره فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی : ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۶۷، ۷۷۵، ۶۹۰
 ۶۹۳، ۶۹۵، ۷۰۶
 اداره فرهنگ و هنر اصفهان : ۳۹۵، ۴۱۳، ۴۳۰، ۴۸۲
 اداره فرهنگ و هنر توپسرگان : ۶۶۳
 اداره فرهنگ و هنر سبزوار : ۵۹۷، ۶۴۹
 اداره فرهنگ و هنر فارس : ۵۵۱، ۶۳۱، ۶۷۲، ۶۷۳
 اداره کشاورزی و اصلاحات ارضی خراسان : ۴۹۳، ۵۰۶
 اداره کل اقتصاد آذربایجان شرقی : ۷۱۳
 اداره کل اوقاف : ۲۹۵، ۳۳۵، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵
 ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۳، ۶۴۸، ۷۶۹
 اداره کل اوقاف آذربایجان شرقی : ۶۹۴، ۶۹۵، ۷۱۴
 اداره کل باستانشناسی : ۱۳۷، ۵۸۴، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۸۱، ۷۴۹، ۷۵۰
 ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۹۲ و ← اداره باستانشناسی
 اداره کل باستانشناسی عراق : ۷۶۰
 اداره کل تعاون و امور روستاهای استان خراسان : ۶۰۴
 اداره کل ثبت : ۷۹۳

اداره کل حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی ایران: ۵۹۷، ۶۰۴، ۶۶۱

اداره کل راه‌های فرعی وزارت راه: ۶۰۴

اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی ← اداره فرهنگ و هنر آذربایجان

شرقی

اداره کل فرهنگ و هنر اصفهان ← اداره فرهنگ و هنر اصفهان

اداره معارف و اوقاف فارس: ۵۸۴

اداره کل موزه‌ها و ابنیه تاریخی: ۶۰۷، ۶۶۰

اداره کل هنرهای زیبا: ۱۱۶، ۱۳۲، ۱۳۵

اداره موسیقی کشور: ۱۱۶

اداره هنرهای دراماتیک: ۲۵۸

اراک: ۷۱۷، ۷۴۲، ۷۴۴

ارجمان: ۶۵۹، ۶۶۵

اردبیل: ۷۵۵، ۷۷۴

اردستان: ۱۵۴، ۷۵۳، ۷۷۴

اردن هاشمی: ۱۲۸، ۱۵۰

ارس (رود): ۵۴۲

ارگ بم: ۷۸۰

ارگ علیشاه: ۷۷۴، ۷۷۸

ارگ کریمخان: ۷۷۴، ۸۷۸

اروپا: ۴، ۵، ۱۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۴۷، ۲۸۲، ۲۸۳، ۳۵۳

ازبکستان: ۱۳۰

اسپانیا: ۱۴۹، ۲۷۷

استانبول: ۵۷۰، ۷۲۵، ۷۳۰، ۷۶۱، ۷۸۰، ۷۸۱

استانداری آذربایجان شرقی: ۶۹۰، ۶۹۳، ۶۹۹، ۷۰۱، ۷۰۵، ۷۱۲

استانداری اصفهان: ۳۹۲

استانداری خراسان: ۲۲۲، ۲۷۰، ۲۸۹، ۳۷۶، ۳۷۸

استانداری فارس: ۵۳۰، ۵۴۵

استانداری همدان: ۶۶۴، ۷۳۰

استرآباد: ۵ و ← گرگان

اسدآباد: ۳۶، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۹، ۷۳۰

اسکندریه: ۵۱۲

اسلامیه (مزرعه): ۴۹۳، ۴۹۲

اشرف مازندران: ۸۱۹

اصفهان: ۱۵۰، ۱۲۹، ۱۱۷، ۱۰۲، ۹۹، ۸۱، ۷۴، ۳۶، ۱۲، ۷، ۶، ۵

۳۹۰، ۳۸۹، ۳۸۷، ۲۷۶، ۲۳۶، ۲۱۱، ۲۱۰، ۱۵۴، ۱۵۲

۴۰۱، ۴۰۰، ۳۹۹، ۳۹۷، ۳۹۶، ۳۹۵، ۳۹۴، ۳۹۳، ۳۹۱

۴۱۵، ۴۱۴، ۴۱۳، ۴۱۲، ۴۱۱، ۴۱۰، ۴۰۶، ۴۰۴، ۴۰۲

۴۲۸، ۴۲۷، ۴۲۶، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۱۷، ۴۱۶

۵۸۲، ۵۳۹، ۵۳۲، ۵۰۰، ۴۴۹، ۴۳۳، ۴۳۲، ۴۳۰، ۴۲۹

۶۷۷، ۶۶۶، ۶۶۵، ۶۵۹، ۶۴۳، ۶۴۱، ۶۲۷، ۶۲۶، ۵۸۳

۷۵۱، ۷۳۴، ۷۳۳، ۷۳۲، ۷۲۱، ۶۸۱، ۶۸۰، ۶۷۹، ۶۷۸

۷۶۶، ۷۶۵، ۷۶۴، ۷۶۲، ۷۶۰، ۷۵۵، ۷۵۴، ۷۵۳، ۷۵۲

۷۸۴، ۷۸۱، ۷۷۸، ۷۷۷، ۷۷۶، ۷۷۴، ۷۷۳، ۷۷۰، ۷۶۷

۸۲۰، ۸۱۹، ۸۱۸

اطریش: ۷۹۳

افشنه (روستا): ۷۹

افغانستان: ۷۲۵، ۵۷۴، ۱۵۸، ۱۴۹، ۱۲۵، ۸۲، ۳۸

اکبر آباد: ۳۸۷

البوکرك (دژ): ۲۷۶

الجزایر: ۱۲۶

الله اکبر (جبال): ۲۰۹

الوسه جرد ← آلوسه جرد

الوند: ۷۸۹، ۶۶۱، ۲۵۲، ۱۰۴، ۱۰۰

الیکودرز: ۷۷۴

امامزاده ابراهیم: ۳۸۳، ۳۸۲، ۳۷۱، ۳۷۰

امامزاده احمد: ۷۸۳ و ← بقعه امامزاده احمد

امامزاده حبیب بن موسی: ۸۲۲، ۸۲۱، ۸۲۰، ۸۱۹

امامزاده سید میر شهاب الدین: ۶۳۲

امامزاده عباس: ۷۷۴

امامزاده عبدالله: ۷۴۹، ۷۳۶، ۷۳۵، ۷۳۴، ۷۳۳ و ← برج لاجیم

امامزاده عبیدالله: ۷۵۹

امامزاده قاسم: ۷۷۴

امامزاده محمد محروق: ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۰۱،

۳۰۸، ۳۱۳، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۴۸، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱،

۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۳

۸۱۲ و ← بقعه امامزاده محروق

امامزاده یحیی: ۴۴۴

امریکا: ۲۸۳، ۲۸۲، ۲۵۸، ۶۴، ۳۸، ۱۰ و ← ایالات متحده امریکا

امریکای شمالی: ۱۳۲، ۱۲۹

املش: ۲۶۷

انجمن آثار ملی: ۱ تا ۱۳، ۹ تا ۲۵، ۲۱ تا ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۴۰،

۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۹، ۶۳ تا ۷۹، ۸۱، ۸۳، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۱۰۲،

۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۳ تا ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۲، ۱۳۳،

۱۳۵ تا ۱۳۷، ۱۳۹ تا ۱۴۱، ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۵ تا

۱۵۹، ۱۶۷ تا ۱۷۱، ۱۷۱ تا ۱۸۱، ۱۸۵، ۱۸۷ تا ۱۹۱، ۲۰۰، ۲۱۸ تا

۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۵۰،

۲۵۹ تا ۲۶۲، ۲۶۹، ۲۷۱ تا ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۷ تا ۲۹۷،

۳۰۰ تا ۳۰۲، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۲ تا ۳۱۴، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۷،

۳۳۱ تا ۳۳۵، ۳۴۰، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۵۶،

۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۳ تا ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۸۰، ۳۹۰ تا ۳۹۲، ۳۹۶،

۳۹۷، ۳۹۹ تا ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۰۴، ۴۰۶، ۴۱۰، ۴۱۲ تا ۴۱۴، ۴۱۶،

۴۱۸ تا ۴۲۸، ۴۳۲، ۴۳۷، ۴۴۵ تا ۴۴۷، ۴۵۶، ۴۶۰،

۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۷ تا ۴۶۹، ۴۷۵، ۴۸۳، ۴۸۸ تا ۴۹۴، ۵۰۱ تا

۵۰۳، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۱۱، ۵۱۸، ۵۲۳، ۵۲۵ تا ۵۳۰، ۵۳۳،

۵۴۴ تا ۵۴۸، ۵۵۰ تا ۵۵۲، ۵۵۷ تا ۵۶۳، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۳ تا

۵۷۶، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۴ تا ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۴، ۵۹۹،

۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۰۲ تا ۶۰۷، ۶۱۳، ۶۱۵ تا ۶۱۷، ۶۲۲ تا

۶۲۶، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۴۰، ۶۴۳، ۶۴۵ تا ۶۴۹، ۶۵۲ تا

۶۵۴، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۰ تا ۶۶۵، ۶۶۷ تا ۶۶۹، ۶۷۲ تا

۶۷۵، ۶۷۹ تا ۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۳ تا ۷۰۱، ۷۰۳ تا ۷۱۶

۷۱۹ تا ۷۲۴، ۶۲۶ تا ۷۳۱، ۷۳۵ تا ۸۳۷، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۴ تا

۷۸۰، ۷۸۲ تا ۷۸۷، ۷۸۵ تا ۷۸۷، ۷۹۰ تا ۷۹۲، ۷۹۹ تا ۸۰۱، ۸۰۳،

۸۰۶، ۸۰۷، ۸۱۲، ۸۱۲ تا ۸۲۵

انجمن آثار ملی اصفهان: ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۴،

۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۲۵، ۴۲۶، ۵۱۴، ۵۱۷،

۶۸۱، ۶۸۳، ۷۷۷

انجمن آثار ملی خراسان: ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۳۵،

۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۴، ۲۸۸، ۲۸۹،

۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۸، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۰۶

انجمن آثار ملی فارس: ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۲، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۵، ۲۳۱،

۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۹، ۲۸۵، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۲۳، ۳۲۵،

۷۴۸، ۷۶۷

انجمن آثار ملی نیشابور: ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱

انجمن آثار ملی همدان: ۴۴۸

انجمن اخوت: ۷۳۹

انجمن آرشیوهای ایران: ۷۰۱

انجمن ادبی ایران: ۷۳۳

انجمن ادبی حکیم نظامی: ۷۳۳

انجمن ایران و فرانسه: ۱۳۵

انجمن ایران و لهستان: ۳۹

انجمن بین‌المللی دانشگاهها: ۱۴۹

انجمن حفاظت آثار باستانی کاشان: ۷۸۲

انجمن حفظ آثار باستانی و ملی نیشابور: ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۳۴

انجمن خیریه و همکاری ایرانیان مقیم ترکیه: ۷۸۰

انجمن شهر شیراز: ۶۲۴

انجمن شهر تبریز: ۶۳۱

انجمن شهر نیشابور: ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۴۹

انجمن عمران دهستان فرومد: ۵۹۳

انجمن فرهنگی ایران و پاکستان: ۱۵۰

انگلستان: ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۹، ۱۵۸، ۱۶۵، ۱۸۳

اهر : ۷۷۸، ۷۷۴، ۷۷۰

اهواز : ۷۵۷

ایالات متحده آمریکا : ۴۳۲، ۴۲۴، ۱۲۴ و ← آمریکا

ایتالیا : ۷۹۱، ۷۹۰، ۲۵۷، ۲۵۵، ۱۵۸، ۱۴۹، ۱۳۰، ۱۲۸، ۳۷، ۵

ایران : ۳ تا ۷، ۲۷، ۲۵، ۱۶ تا ۳۰، ۳۶، ۳۵، ۳۳ تا ۴۱، ۴۰

۱۰۰، ۹۳، ۹۲، ۸۳، ۸۲، ۷۵، ۶۹ تا ۵۹، ۵۵، ۵۴، ۵۱ تا ۱۰۰

۱۳۴، ۱۳۲ تا ۱۲۶، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۶، ۱۰۵

۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۵، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۰ تا ۱۴۶، ۱۳۸، ۱۳۵

۲۱۰، ۲۰۲، ۱۹۸، ۱۹۰، ۱۸۷، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۶۹، ۱۶۷، ۱۶۵

۲۴۲، ۲۴۱، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۳، ۲۱۲

۲۶۳، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۵، ۲۵۲، ۲۴۹، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۵، ۲۴۳

۲۹۰، ۲۸۶، ۲۸۳، ۲۸۱، ۲۷۷ تا ۲۷۵، ۲۷۳، ۲۷۲، ۲۶۴

۳۵۳، ۳۴۶، ۳۴۳، ۳۳۷، ۳۳۱، ۳۲۸، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۰۵، ۲۹۷

۴۰۷، ۴۰۰، ۳۹۲، ۳۸۸، ۳۸۷، ۳۷۷، ۳۶۵، ۳۶۰، ۳۵۶، ۳۵۵

۴۳۲، ۴۳۰، ۴۲۷، ۴۲۵، ۴۲۴، ۴۲۲، ۴۲۱، ۴۱۳، ۴۱۰، ۴۰۸

۴۷۲، ۴۷۱، ۴۷۰، ۴۵۷، ۴۵۶، ۴۵۳، ۴۴۷، ۴۴۰، ۴۳۸، ۴۳۳

۵۰۸، ۵۰۵، ۵۰۳، ۵۰۲، ۴۹۲، ۴۹۱، ۴۸۸، ۴۷۸ تا ۴۷۶

۵۹۸، ۵۹۴، ۵۵۹، ۵۵۵، ۵۵۲، ۵۵۱، ۵۴۸، ۵۴۵، ۵۳۶، ۵۳۰

۶۵۷ تا ۶۵۵، ۶۵۲، ۶۴۵، ۶۴۱، ۶۳۶، ۶۳۵، ۶۲۷، ۶۲۶

۷۲۰، ۷۱۹، ۷۱۶، ۷۰۳، ۷۰۰، ۶۹۸، ۶۹۵، ۶۸۹، ۶۸۶، ۶۶۶

۷۵۱، ۷۵۰، ۷۴۵، ۷۳۷، ۷۳۵، ۷۳۰، ۷۲۶، ۷۲۵، ۷۲۳، ۷۲۲

۷۸۰، ۷۷۸، ۷۷۴، ۷۷۲، ۷۷۱، ۷۶۴ تا ۷۶۲، ۷۶۰، ۷۵۲

۸۰۳، ۸۰۱، ۷۹۹، ۷۹۸، ۷۹۶، ۷۹۱ تا ۷۸۷، ۷۸۶، ۷۸۴

۸۲۳، ۸۲۱، ۸۱۸

ایران شهر : ۴

ایروان : ۲۱۱

ایوان مداین : ۷۶۰، ۱۵۴

ایوان مرشدیه : ۶۷۵، ۶۷۴، ۶۷۳، ۶۷۲، ۶۷۱ و ← بقعه شیخ

ابواسحاق کازرونی

ب

باب الخداش ← باب خداش ← درب خداش ← درب خدش (محلّه):

۵۱۳

بابل : ۹۴

بادگیر (عمارت) : ۷۹۲

بارانی (انتشارات) : ۱۶۴

بازار وکیل : ۶۲۴،۶۲۰

بازارنو (درشیراز) : ۶۲۴

بازرگان (شهر) : ۳۳۴

بازمه‌ور : ۷۵۲

باشگاه افسران : ۲۷۷،۱۳۵،۱۳۲

باشگاه بانک ملی ایران : ۶۲۱

باشگاه دانشگاه : ۱۳۵

باشگاه ورزشی کارگران تبریز : ۷۱۳

باغ ارم : ۷۹۴

باغ ایلچی کاشان : ۷۵۷

باغ تکیه (باغ صائب) : ۴۱۵،۴۰۰،۳۹۱،۳۸۹

باغ خیام : ۳۷۶،۳۷۳

باغ دولت آباد : ۷۸۰

باغ رضوان : ۴۶۴

باغشاه فین : ۷۷۹،۷۷۳،۷۷۰،۷۶۶،۷۶۲،۷۵۷

باغ شهرداری : ۴۲۷

باغ صائب ← باغ تکیه

باغ فردوسی : ۴۹۶،۴۹۴،۴۹۲،۴۹۰

باغ قدمگاه : ۷۸۲

باغ کمال : ۶۳۶

باغ لاله‌زار : ۳۶

باغ نادری : ۲۶۹،۲۲۵،۲۱۹،۲۱۷،۲۱۴،۲۱۳

- باغ نگارستان : ۳۵۳
 باغ نیرالدوله : ۲۵
 باغهای معلق بابل : ۹۴
 باکو : ۷۱۷، ۲۱۱
 بانک رهنی : ۷۹۳
 بانک صنعتی : ۲۰۰، ۱۷۱، ۱۶۹
 بانک ملی : ۶۵۳، ۶۵۲، ۶۵۱، ۵۵۸، ۴۲۱، ۳۹۴، ۱۵۷، ۱۳۳، ۲۷
 ۶۵۴
 بانک ملی بیرجند : ۶۵۵، ۶۵۴، ۶۵۳، ۶۵۲
 بانک ملی مشهد : ۲۷۸
 بخارا : ۷۶۴، ۱۴۵، ۸۰، ۷۹
 بختیاری : ۵
 بخشداری اسدآباد : ۷۳۰، ۷۲۹
 بخشداری ششتمد : ۶۰۵
 بدخشان : ۴۸۶
 برج اخنجان : ۷۷۶
 برج چهل دختران : ۷۸۲
 برج رادکان : ۷۷۴، ۷۷۰، ۷۵۱
 برج علاءالدین : ۷۸۲
 برج کاشانه : ۷۸۲، ۱۵۴
 برج لاجیم : ۷۴۹ و ← امامزاده عبدالله
 برج مهماندوست : ۷۸۴-۷۸۲
 برج میدانک : ۷۵۸
 برلن : ۶۳۶، ۴۴۰، ۵۸، ۳۸، ۳۷
 برلین ← برلن
 بروجرد : ۷۷۹، ۷۷۴، ۷۲۴، ۷۲۲، ۷۲۱، ۱۵۲
 بسطام : ۷۸۴، ۷۸۲، ۷۷۹، ۷۷۸، ۵۷۹، ۵۷۱، ۵۶۷، ۱۵۴، ۵
 بغداد : ۶۱۸، ۵۸۲، ۴۶۱، ۳۵۳، ۲۷۶، ۱۶۳، ۱۵۴، ۱۵۲، ۱۵۱، ۳۶
 ۸۲۲، ۸۲۱، ۷۶۰
 بقعه ابن حسام : ۶۵۱

- بقعه احمد بن اسحاق : ۷۷۹
 بقعه اسرار : ۶۴۳، ۶۴۶
 بقعه امامزاده احمد : ۷۲۶ و ← امامزاده احمد
 بقعه امامزاده زکریا : ۷۶۱
 بقعه امامزاده زید : ۷۷۰، ۷۷۲
 بقعه امامزاده محروق : ۵۲، ۲۹۰، ۲۹۶، ۳۰۳، ۳۶۷، ۳۷۱، ۳۷۷
 ۳۸۲، ۳۷۸ و ← امامزاده محمد محروق
 بقعه امامزاده محمد : ۷۷۲
 بقعه امامزاده مهدی : ۷۸۲
 بقعه امام محمد غزالی : ۵۰۴، ۷۷۰، ۷۷۲، و ← آرامگاه غزالی
 بقعه باباطاهر : ۴۴۵ و ← آرامگاه باباطاهر
 بقعه بابا ملا : ۷۵۳
 بقعه بایزید : ۷۸۲
 بقعه پیراقوس (بابامسافر) : ۷۸۴
 بقعه پیرداود : ۷۸۳
 بقعه پیرعلمدار : ۷۷۸
 بقعه چهارپادشاهان : ۷۷۰، ۷۷۲
 بقعه حبیب بن موسی ← امامزاده حبیب بن موسی
 بقعه خرقانی ← بقعه شیخ ابوالحسن خرقانی و ← آرامگاه خرقانی
 بقعه خواجه ربیع : ۳۷۴، ۷۷۲
 بقعه خواجه مظفر بتکچی : ۷۸۳
 بقعه روزبهان : ۵۳۱ و ← آرامگاه شیخ روزبهان
 بقعه سید اسماعیل : ۷۶۷، ۷۶۹
 بقعه سید حمزه : ۶۸۷، ۶۹۸، ۷۰۰، ۷۱۶، ۷۷۴
 بقعه سید داود : ۷۸۲
 بقعه سید رکن الدین : ۷۸۲، ۷۸۳
 بقعه سید علاء الدین حسین : ۵۵۸
 بقعه شاهچراغ : ۷۴۸ و ← گنبد شاهچراغ
 بقعه شاه داعی الی الله : ۶۰۸، ۶۱۵، ۶۱۶
 بقعه شاهزاده ابراهیم : ۷۷۰، ۷۷۲

- بقعه شاهزاده طالب : ۷۸۳
 بقعه شاه قاسم انوار : ۷۴۶
 بقعه شیخ ابواسحاق کازرونی : ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵
 بقعه شیخ ابوالحسن خرقانی : ۵۷۱، ۵۷۷ و ← آرامگاه خرقانی
 بقعه شیخ اردبیل : ۷۷۴
 بقعه شیخ جبرائیل : ۷۵۵
 بقعه شیخ زاهد گیلانی : ۷۸۰
 بقعه شیخ شهاب الدین : ۷۷۰، ۷۷۴
 بقعه شیخ صنی : ۷۷۴
 بقعه شیخ علی بلیمان : ۷۸۳
 بقعه شیخ فرید الدین عطار ← بقعه عطار
 بقعه شیخ مشرقی : ۵۸۳
 بقعه عطار : ۲۸۹، ۲۹۶، ۳۲۳، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵
 ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۸
 ۶۴۳ و ← آرامگاه عطار
 بقعه غزالی ← بقعه امام محمد غزالی
 بقعه قدمگاه : ۷۸۲، ۷۸۳
 بقعه قطب الدین حیدر : ۷۷۴
 بقعه مالک : ۷۷۴
 بقعه هارونیه : ۵۰۶
 بلخ : ۷۹، ۲۸۵، ۳۱۲، ۳۲۲، ۳۲۳، ۶۹۱
 بلژیک : ۱۴۹
 بلغارستان : ۱۵۸
 بلواریاباطاهر : ۴۶۲
 بلوارخیام : ۳۴۹
 بمبئی : ۱۶۵
 بندامیر : ۷۸۰
 بندر پهلوی : ۳۶
 بنگاه امید : ۶۱۵

- بنگاه راه آهن دولتی: ۲۷۴،۲۷۱،۲۰۴
 بنگاه علمی تخت جمشید: ۶۲۳،۵۸۶،۵۲۸،۵۱۷،۱۶۸
 بنیاد پهلوی: ۴۴۹
 بوژمه‌هران: ۳۷۳
 بوکان: ۱۵۰
 بهشهر: ۷۸۲
 بیدآخوند: ۷۸۳
 بیدخت: ۵۷۲
 بیضا: ۵۵۵
 بقعه شاهچراغ: ۷۲۸ و ← گنبد شاهچراغ
 بیرجند: ۶۵۸،۶۵۷،۶۵۶،۶۵۵،۶۵۴،۶۵۳،۶۵۲،۶۵۱،۶۵۰
 بیمارستان شاهرضا: ۵۵
 بیهقی: ۶۰۱،۶۰۰

پ

- پارساگرد: ۱۵۴ و ← پاسارگاد
 پاریس: ۷۵۱،۷۲۵،۶۳۵،۴۴۱،۱۵۸،۱۵۷،۱۳۵،۱۱۴،۹۲،۵۸
 پاسارگاد: ۷۵۱،۷۴۸،۷۴۷،۳۰ و ← پارساگرد
 پاکستان: ۵۷۴،۳۹۲،۱۵۰،۱۲۵،۱۲۴،۱۲۳
 پائین خیابان (در مشهد): ۷۷۶
 برتقال: ۲۷۷،۲۷۶
 پردیس فرح: ۸۷۹
 پست و تلگراف (وزارت): ۴۲۱،۱۰
 پل الله وردیخان: ۷۷۸ و ← پل سی و سه چشمه و ← سی و سه پل
 پل امیر بهادر: ۷۹۳،۷۰۱
 پل چهارباغ: ۸۱۸ و ← پل سی و سه چشمه
 پل خواجو: ۷۷۸،۴۲۶،۴۲۵،۴۲۴،۳۹۹
 پل دختر: ۷۸۲
 پل سی و سه چشمه: ۸۱۸،۶۷۹ و ← پل الله وردیخان و ← سی و سه پل

پل کهنه کرمانشاه: ۷۸۴، ۷۷۴
 پل لنگرود: ۷۷۸، ۷۷۶
 پنجره فولاد: ۲۱۷
 بهندژ ← فهندژ (کوه): ۱۶۳، ۱۸۷

ت

تاجیکستان: ۱۵۳
 تاریخانه دامغان ← مسجد تاریخانه
 تالار آینه ← تچر: ۱۵۴
 تالار ابن سینا: ۱۵۰، ۱۴۸، ۱۱۸، ۱۱۷
 تالار فردوسی: ۷۹۲، ۷۴، ۵۹
 تالار فرهنگ: ۱۳۵، ۱۱۶
 تایباد: ۷۸۰، ۷۶۶، ۳۰۵
 تبریز: ۱۵۰، ۲۱۱، ۳۰۵، ۳۸۷، ۴۱۷، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷،
 ۶۴۰، ۶۸۶، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵،
 ۶۹۶، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۵،
 ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۳۸، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۸، ۷۸۴، ۷۹۳
 تپه سلام: ۲۲۶
 تپه میل: ۷۸۳
 تخت جمشید: ۱۵۴، ۱۶۸، ۴۹۶، ۷۵۱، ۷۶۳، ۷۶۴
 تخت ضرابی ← کوه چهل مقام: ۵۴۳
 تربت جام: ۷۷۸، ۷۴۶
 تربت حیدریه: ۷۵۲، ۳۳۱
 ترکیه: ۳۸، ۳۹، ۸۲، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۵۰، ۱۵۸، ۷۳۰،
 ۷۸۱، ۷۶۱
 تفرش: ۷۷۲
 تفلیس: ۲۱۱
 تکیه امیرچقماق: ۷۶۶، ۷۵۸
 تکیه سعیدیه: ۱۶۴
 تکیه شاه داعی: ۶۱۴، ۶۱۲

تکیه میرزا صائب : ۳۹۲، ۳۸۹
 تکیه هفت تنان : ۵۵۱، ۵۴۷، ۵۴۶، ۵۴۴، ۵۴۳
 تنگ الله اکبر : ۵۸۳، ۱۸۴، ۱۸۱
 توران : ۴۷۷، ۲۱۵
 توس (شهر) : ۳۴ و ← توس
 تویسرکان : ۶۶۵، ۶۶۳، ۶۶۲، ۶۶۱، ۶۶۰، ۶۵۹
 تهران : ۱۲۱، ۱۱۶، ۸۳، ۶۷، ۶۶، ۵۸، ۳۶، ۳۵، ۲۷، ۱۲، ۱۰، ۵
 ۲۳۵، ۲۲۱، ۲۱۷، ۲۱۰، ۱۶۴، ۱۵۷، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۳۲، ۱۲۲
 ۴۱۲، ۳۹۳، ۳۵۳، ۲۹۶، ۲۸۷، ۲۷۷، ۲۷۰، ۲۵۹، ۲۵۷
 ۶۵۵، ۶۳۶، ۶۰۶، ۵۶۱، ۵۵۵، ۴۴۴، ۴۴۰، ۴۲۷، ۴۲۱
 ۷۱۷، ۷۰۱، ۶۹۹، ۶۹۵، ۶۷۹، ۶۷۱، ۶۶۶، ۶۶۵، ۶۵۹
 ۷۵۸، ۷۴۹، ۷۴۸، ۷۴۲، ۷۳۹، ۷۳۳، ۷۳۳، ۷۲۱، ۷۱۸
 ۷۹۳، ۷۹۰، ۷۸۹، ۷۸۴، ۷۸۲، ۷۷۶، ۷۷۰، ۷۶۹، ۷۶۴
 ۸۰۵، ۷۹۹ و ← طهران
 تیسفون : ۱۵۴

ج

جایان : ۵۲
 جاجرم : ۵۹۱
 جامع عتیق شیراز : ۵۱۲
 جبال : ۸۱
 جلفای ارس : ۸۱۹
 جلفای اصفهان : ۸۱۹
 جندی شاپور : ۷۹۰
 جوباره جهانباره ← (محلّه) : ۶۷۹، ۶۷۸
 جوشقان : ۵۶۳
 جدین : ۵۸۸

چ

- چاپخانه بروخیم: ۵۷
 چارباغ: ۲۰۷
 چالوس: ۷۵۸
 چرنداب: ۶۹۲، ۶۸۶، ۶۴۰
 چشمه علی (در دامغان): ۷۷۹
 چشمه عمارت (در بهشهر): ۷۸۲
 چشمه کیلاس: ۵۰۶
 چکوسلواکی: ۱۵۸، ۱۰۳، ۴۹، ۳۹، ۳۸
 چهارباغ کاشان: ۷۵۷
 چهارسوق شاه اصفهان: ۷۵۵
 چهارمحال بختیاری: ۷۳۳
 چهلستون: ۸۱۸، ۶۲۷، ۳۹۵، ۲۳۶، ۷ ← کاخ چهلستون
 چهلستون قزوین: ۷۷۶، ۷۷۴
 چین: ۵۱۳، ۱۱

ح

- حافظیه: ۱۷۱
 حجاز: ۷۶۴، ۵۱۲، ۱۶۳
 حرم حضرت رضا ← حرم رضوی
 حرم رضوی: ۳۷۸، ۲۳۵
 حزب ایران نوین: ۶۹۶
 حزب دموکرات: ۲۱۴، ۲۱۳
 حزب مردم: ۶۹۶
 حسین آباد: ۳۵۵
 حسینیه امیر بهادر: ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۶، ۷۵
 حله: ۲۱۱
 حمام گنجعلیخان: ۷۷۹
 حیدرآباد: ۵۶۷-۱۳۱

حیره (گورستان): ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۲۳، ۳۶۹

خ

خارقان: ۵۷۷، ۵۷۸ و ← خرقان

خاک مصلی: ۲۰۳

خانقاه بایزید: ۷۸۲

خانقاه سعدی: ۱۶۴

خانقاه سلطان بندر آباد: ۷۸۳

خانقاه شیخ شهاب الدین دراهر: ۷۷۸

خانقاه شیخ علاء الدوله: ۷۸۳

خانقاه شیخ کبیر: ۶۲۱

خانه امیر بهادر ← حسینیة امیر بهادر

خبوشان: ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲

خجند: ۶۳۴

خراسان: ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۱۸،

۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۴۱، ۲۵۰،

۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۶۳، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۱،

۲۹۷، ۳۰۱، ۳۳۴، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۷۴، ۳۸۷،

۲۶۷، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴،

۵۰۲، ۵۰۷، ۵۳۹، ۵۸۸، ۵۹۱، ۶۰۴، ۶۴۱، ۶۵۵، ۶۸۸،

۶۹۸، ۷۵۲، ۷۶۴، ۷۶۶، ۷۷۰، ۷۷۲، ۷۷۴، ۷۷۸، ۸۱۱

خرقان: ۵۶۷، ۵۶۹، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۹، ۷۷۰، ۸۱۲ و ←

خارقان

خرگرد: ۷۷۴

خرم آباد: ۷۷۳، ۷۷۴

خرمشهر: ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۱

خرمیشان: ۷۹

خزانه داری کل: ۳۶۶

خلخال: ۶۹۲

خواجهر بیع: ۳۳۸

خوار: ۲۱۰

خوارزم: ۷۱۷، ۸۱، ۸۰، ۷۹

خور: ۷۸۲، ۷۸۱

خورشید (عمارت تاریخی): ۷۴۶ و ← قصر خورشید

خورمیش: ۷۹

خوزستان: ۷۹۹، ۷۶۶، ۷۰۹، ۵۸۲، ۵۳۹، ۵

خوسف: ۶۵۱

خوی: ۷۸۴، ۷۸۳

خیابان آستانه سید علاء الدین: ۵۳۲

خیابان آرامنه: ۷۹۳

خیابان امیر بهادر: ۷۰۱

خیابان باباطاهر: ۴۵۱، ۴۴۲

خیابان بالا (بالا خیابان): ۲۱۷، ۲۱۳ و ← خیابان نادری

خیابان بوعلی: ۱۳۶، ۱۰۹، ۱۰۵، ۹۵

خیابان بین النهرین: ۹۷

خیابان بهلوی (در تبریز): ۶۳۶

خیابان چهارباغ: ۸۱۸، ۶۷۹

خیابان حافظ: ۱۸۶، ۱۸۱

خیابان خواجه نظام الملک: ۵۹۷

خیابان دروازه قرآن: ۵۴۵

خیابان روزبهان: ۵۳۲

خیابان ژاله: ۲۵

خیابان سعدی: ۱۸۶، ۵۸

خیابان شاهرخانو: ۲۴۰، ۲۳۹

خیابان شاه عباس: ۸۲۳، ۸۲۲

خیابان صائب: ۳۹۱، ۳۸۹

خیابان فردوسی: ۵۸

خیابان فروغی: ۲۷۷

خیابان علاءالدوله: ۵۸

خیابان کمال اسماعیل: ۶۸۳، ۶۷۹

خیابان لطفعلی خان زند: ۵۳۲،۵۲۹
 خیابان محمدرضا شاه: ۶۵۳
 خیابان منوچهری: ۵۵۸
 خیابان نادرشاه: ۲۴۰،۲۳۹
 خیابان نادری: ۳۴۰،۲۴۰،۲۱۵ و ← خیابان بالا
 خیابان هاتف: ۶۷۲
 خیابان هدایت: ۵۸
 خیابو: ۷۷۸

۵

دادگستری خراسان: ۲۷۸
 دادگستری فارس: ۶۱۴
 دادالصنایع شیکاگو: ۹
 دارالفنون: ۷۴۲،۷۳۸،۳۹۹،۳۵۳،۴۰،۲۵
 دارالمعلمین عالی: ۲۷
 داغستان: ۲۱۲،۲۱۱
 دامغان: ۷۸۴،۷۸۲، ۷۷۹، ۷۷۸، ۲۳۷، ۳۶، ۵
 دانشسرای پسران همدان: ۱۱۴
 دانشسرای عالی: ۲۷
 دانشسرای مقدماتی شیراز: ۱۵۱
 دانشکده ادبیات اصفهان: ۷۵۶
 دانشکده ادبیات تبریز: ۷۷۵، ۷۵۶، ۶۹۶، ۶۸۶
 دانشکده ادبیات تهران: ۶۵۷، ۴۸۵، ۲۴۲
 دانشکده ادبیات شیراز: ۷۵۶، ۵۱۷
 دانشکده ادبیات مشهد: ۷۵۶
 دانشکده پزشکی تبریز: ۱۵۲
 دانشکده پزشکی تهران: ۱۵۶، ۱۳۳، ۱۱۸، ۱۱۷
 دانشکده معماری دانشگاه ملی: ۸۲۳، ۷۰۱
 دانشکده هنرهای تزئینی: ۳۲۵
 دانشکده هنرهای زیبا: ۷۶۰، ۷۰۱، ۳۹۷، ۳۲۵، ۲۹۰، ۲۷۳، ۲۲۳
 دانشکده هنرهای زیبای استانبول: ۷۸۱
 دانشکده هنرهای زیبای پاریس: ۹۲
 دانشگاه آذربایجان: ۶۹۰، ۶۸۹

- دانشگاه استانبول: ۸۲
 دانشگاه اورشلیم: ۳۹
 دانشگاه برلن: ۴
 دانشگاه بلگراد: ۳۸
 دانشگاه پاریس: ۱۴۹
 دانشگاه پراك: ۴۹
 دانشگاه پهلوی: ۵۸۹، ۵۶۰، ۵۵۹، ۴۲۰، ۴۲۷
 دانشگاه تبریز: ۷۷۵
 دانشگاه تهران: ۱۳۵، ۱۳۲، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۵۹، ۵۸
 ۶۵۷، ۳۴۴، ۳۲۷، ۲۹۰، ۲۸۹، ۲۸۵، ۲۷۳، ۲۴۲، ۲۲۳، ۱۴۹
 ۷۸۹، ۷۷۵، ۷۶۷، ۷۶۰، ۷۵۶، ۷۵۰، ۷۰۱
 دانشگاه جندی شاپور: ۷۹۱
 دانشگاه سلطنتی رم: ۳۷
 دانشگاه سوربن: ۵۲۵
 دانشگاه شیراز: ۵۴۴
 دانشگاه شیکاگو: ۴۲۱
 دانشگاه علیگر: ۲۸۲، ۳۹
 دانشگاه کمبریج: ۳۱۶
 دانشگاه کیوتو: ۳۷
 دانشگاه ملی: ۸۲۳، ۷۰۱
 دانشگاه میشیگان: ۴۸، ۳۷
 دانمارك: ۳۸
 داورزن (قریه): ۵۲
 دبستان ابن یمن: ۵۸۹
 دبستان توللی شیراز: ۱۵۱
 دبستان شاهپور: ۳۷۳
 دبستان فردوسی: ۴۹۳
 دبستان یکتای کرمانشاه: ۱۵۲
 دبیرستان خیام: ۳۰۱

- دبیرستان سیروس : ۲۵
 دبیرستان شاهپور : ۶۲۴
 دبیرستان شاهرضا : ۵۵
 دبیرستان فروغ : ۱۵۱
 دبیرستان فرهنگ : ۳۴۹
 دبیرستان گلپهار : ۳۹۴
 دجله : ۱۷۷
 دربارشاهنشاهی : ۱۱۷، ۱۱۶ و وزارت دربار شاهنشاهی
 درب امام اصفهان (بنا) : ۳۰۵
 دربند : ۲۱۱
 دروازه سعدی : ۱۸۶
 دروازه شمیران : ۵۸
 دروازه نیشابور : ۶۴۱
 دروازه قرآن : ۵۸۳، ۱۸۱
 دره عباس آباد : ۱۰۴
 دره گز : ۲۰۹
 دره مرادیك : ۸۴
 دریای خزر : ۸۱
 دزفول : ۷۹۰
 دستگرد : ۷۳۲، ۲۴۱، ۲۰۹
 دشت مغان : ۲۶۳، ۲۱۲، ۲۱۱
 دفتر فنی دانشگاه : ۲۲۵
 دفتر مخصوص شاهنشاهی : ۷۷۳، ۷۰۰، ۶۹۸، ۴۷۲
 دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانو : ۷۰۴، ۷۰۳
 دکن : ۳۸۷، ۴۹
 دماوند : ۷۵۹
 دولتخانه کاشان : ۷۵۷
 دهید : ۵۶۳

دهستان : ۸۱

دهشك : ۲۱۸،۲۱۷

ر

راه آهن تهران (اداره) : ۲۷۰

رباط دهستان : ۵۸۰

رباط شرف : ۷۷۸

رباط شیخ روزبهان : ۵۲۵،۵۱۸،۵۱۳

رباط شیخ کبیر : ۶۲۲

رباط قدمگاه : ۷۸۳

رباط کریم : ۷۵۲

رباط گنجعلیخان : ۷۸۰

رزان : ۲۹

رشت : ۱۵۱،۳۶

رصدخانه مراغه : ۶۶۸

رضائییه : ۴۹۸،۱۵۴،۹۷

رکن آباد : ۵۸۳،۱۶۴

رم : ۷۸۹،۲۵۸،۲۵۷،۲۵۵،۲۵۴

روچیلد پاریس : ۶۳۵

رودبار : ۲۹

رودسر : ۱۵۱

روسیه : ۵۰۰،۲۱۱،۳۶ و ← شوروی

روم : ۱۷۴،۱۵۴،۱۱،۵

رومانی : ۱۵۸

ری : ۸۱

ز

زاوه : ۵۸۸

زاینده رود : ۶۷۹،۴۳۳،۴۰۶

زنده رود ← زاینده رود

زواره : ۷۵۳

ژ

ژاپن : ۳۷،۱۱

ژنو : ۷۲۳،۷۲۲

س

سابزوار : ۶۰۰ ← سبزوار

ساری : ۷۸۲،۷۷۴

سازمان اوقاف : ← سازمان کل اوقاف

سازمان باستانشناسی : ۵۹۶ ← اداره باستانشناسی

سازمان جلب سیاحان : ۷۶۹

سازمان خیریه بهداشت : ۷۸۶،۷۷۷

سازمان کل اوقاف : ۷۳۵،۷۱۵،۷۱۴،۳۷۶ ← اداره اوقاف

سازمان برنامه : ۷۱۳،۷۰۷،۶۶۸،۴۷۴،۱۸۸،۱۷۱،۱۵۸

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی : ۲۰۱،۲۰۰،۱۸۸،۱۷۱

سازمان ملی حفاظت آثار باستانی : ۵۳۵،۴۲۸،۴۲۷،۳۷۷،۷۶،۶۳

۶۸۶،۶۸۳،۶۸۲،۶۷۵،۶۷۴،۶۷۲،۶۶۸،۶۶۷،۶۴۴،۶۰۵

۷۸۰،۷۷۹،۷۷۸،۷۷۶،۷۷۴،۷۷۲،۷۶۹،۷۲۹،۷۲۲،۷۲۱

۸۲۲،۷۸۶،۷۸۴

ساوه : ۷۷۰

سبزوار : ۶۰۲،۵۹۷،۵۹۶،۵۹۵،۵۹۳،۵۹۲،۵۸۸،۱۵۱،۵۲،۳۶

۸۱۲،۶۹۱،۶۴۹،۶۴۵،۶۴۴،۶۴۳،۶۴۱،۶۰۷،۶۰۶،۶۰۴،۶۰۳

مپرد (جا) : ۶

سرباغان : ۵۰۷

سرپل ذهاب : ۷۷۹

سرخاب : ۶۹۸،۶۹۴،۶۹۲،۶۹۱،۶۹۰،۶۸۹،۶۸۷،۶۸۶،۶۳۶

۷۰۵،۷۰۱،۷۰۰،۶۹۹

سردار (بناها) : ۷۸۴

سروستان فارس : ۷۷۰

- سریال (جا) : ۷۴۳
 سعیدیه : ۱۷۱
 سعیدیه (قریه) : ۲۰۱
 مغد : ۶
 سفارت شاهنشاهی ایران در بغداد : ۸۲۲، ۸۲۱
 سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس : ۷۵۱
 سفارت شاهنشاهی ایران در کابل : ۲۰۲
 سلیمانیه : ۵۷۰
 مسنان : ۷۸۳، ۷۸۲، ۷۷۸، ۶۰۴، ۵۷۵، ۵۷۳، ۴۹۹، ۱۵۱، ۵۲، ۳۶، ۵
 سمرقند : ۱۵۳
 سند : ۲۱۵
 سنندج : ۷۷۴، ۴۹۸، ۴۹۶
 سنقر : ۷۷۴
 سنگ چال : ۵۰۶
 سنگ سفید ← آرامگاه امیرویس
 سنگلج : ۷۹۳
 سوادکوه : ۷۴۹
 سوریه : ۱۵۰، ۱۲۶
 سویس : ۸۰۳، ۱۵۰
 سیتی (قصر) : ۱۵۷
 میرکان : ۶۶۱
 میستان : ۷۹۰، ۵
 مینا (طور) : ۱۴۵، ۱۰۰
 می و سهیل : ۷۷۴، ۳۹۹ و ← پل الله وردیخان و ← پل می و سه
 چشمه

ش

- شادیاخ : ۳۳۴، ۳۳۳، ۳۳۱
 شام : ۵۸۲، ۵۱۲، ۱۷۴، ۱۶۳
 شاه تقی (جا) : ۷۵۲
 شاهرود : ۵۹۳، ۵۹۲، ۵۹۰، ۵۸۱، ۵۷۷، ۵۷۵، ۵۲، ۳۶

- شاهزاده حسین : ۸۲۱،۳۷۶
 شرکت آبیاری و شیارخراسان : ۳۴۸،۳۴۷،۲۹۶
 شرکت ارتوس برتراند : ۱۱۴
 شرکت پخش سیگار ایران : ۷۹۳
 شرکت پریفاب : ۷۱۱،۷۱۰،۷۰۹،۶۰۷،۶۰۶
 شرکت ساختمانهای کشور (شرکت نسبی مهندس ابتهاج و شرکا) :
 ۹۹،۹۲
 شرکت سیمان فارس : ۷۰۹
 شرکت فرش ایران : ۳۱۵
 شرکت کا.ژ.ت : ۲۹۶،۲۹۴،۲۹۳،۲۹۲،۲۵۴،۲۵۰،۲۲۷،۲۲۴
 ۴۷۴،۴۷۱،۳۷۲،۳۵۷،۳۴۸،۳۴۶،۳۴۰،۳۲۳،۳۰۰،۲۹۹
 ۴۹۲،۴۹۰،۴۷۵
 شرکت کرومیت : ۵۹۲،۵۹۱
 شرکت لومار : ۳۴۱
 شرکت مثلث : ۲۰۱،۱۷۰
 شرکت ملی نفت ایران : ۸۰۳،۷۸۳
 شرکت نفت ایران وانگلیس : ۲۷
 شرکت وارمر : ۷۹۴،۷۰۸
 شروان : ۶۸۸
 ششتمد : ۶۰۷،۶۰۶،۶۰۵،۶۰۴،۶۰۳،۶۰۲،۵۰۰
 ششتمد ← ششتمد
 شش گیلان (شش گیله) : ۶۸۶
 شکرکوه : ۷۶۱
 شماخی : ۶۹۱،۲۱۱
 شورای حفاظت آثار باستانی بیرجند : ۶۵۲
 شورای عالی شهرسازی : ۷۰۱
 شوروی : ۱۵۰،۱۳۰،۱۲۷،۱۲۶،۱۲۵،۱۲۴،۴۸،۴۶،۳۹،۳۸،۳۷
 ۱۵۳، و ← روسیه
 شوش : ۷۷۹،۷۵۷،۴۵
 شهداد : ۷۸۴

شهربانی تهران: ۲۷

شهربانی همدان: ۴۶۱

شهرداری اسدآباد: ۷۳۰

شهرداری اصفهان: ۷۵۵، ۶۸۱، ۴۲۴، ۳۹۹، ۳۹۸، ۳۹۱

شهرداری بروجرد: ۷۲۳

شهرداری بیرجند: ۶۵۴، ۶۵۲

شهرداری تبریز: ۷۱۱، ۷۰۶، ۷۰۵، ۷۰۳، ۷۰۱، ۶۹۹، ۶۹۵، ۶۹۴

۷۱۳، ۷۱۲

شهرداری تهران: ۷۳۶، ۲۷

شهرداری رشت: ۱۵۱

شهرداری رودسر: ۱۵۱

شهرداری سبزوار: ۶۴۹، ۶۰۴، ۵۹۷، ۵۹۶

شهرداری شهرری: ۷۳۶

شهرداری شیراز: ۶۲۳، ۶۲۲، ۶۱۴، ۵۶۰، ۵۵۹، ۵۵۸، ۵۳۱، ۵۳۰

۶۲۵، ۶۲۴

شهرداری کاشان: ۸۲۲

شهرداری مراغه: ۶۶۸

شهرداری مشهد: ۲۷۰، ۲۶۴، ۲۲۲

شهرداری نیریز: ۶۳۲

شهرداری نیشابور: ۳۴۸، ۳۰۱

شهرداری همدان: ۴۵۴، ۴۵۲، ۴۴۷، ۴۴۶، ۴۴۵، ۴۴۳، ۱۵۲، ۱۰۵

۴۶۳، ۴۶۲، ۴۵۶

شهرری: ۷۳۳، ۷۱۸، ۱۱۸

شهریار: ۷۸۳

شیراز: ۱۷۱-۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۵۱، ۷۴، ۳۶

۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۷۴، ۱۷۲

۴۲۶، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۳۶، ۲۱۰، ۲۰۳، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۵

۵۲۴، ۵۲۳، ۵۱۷، ۵۱۴، ۵۱۳، ۵۱۲، ۵۱۱، ۴۹۹، ۴۲۷

۵۳۶، ۵۳۴، ۵۳۲، ۵۳۱، ۵۳۰، ۵۲۹، ۵۲۷، ۵۲۶، ۵۲۵

۵۵۸، ۵۵۶، ۵۵۵، ۵۵۱، ۵۵۰، ۵۴۷، ۵۴۵، ۵۴۰، ۵۳۹

۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۶، ۶۰۸، ۶۰۹،

۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۲۱،

۶۲۲، ۶۲۳، ۶۴۱، ۷۲۱، ۷۴۸، ۷۷۰، ۷۷۸، ۷۸۸

شیر و خورشید سرخ: ۱۵۵، ۱۵۸، ۲۳۲

ص

صبوی (کوه): ۵۸۳

صحن عتیق: ۲۱۷، ۲۱۸

صدر آباد: ۵۹۱

صفاهان: ۱۴۵ و ← اصفهان

صفه کریمخانی (درکاشان): ۷۵۷

ض

ضرابخانه (در اصفهان): ۷۷۰

ط

طاق بستان: ۱۵۲، ۱۵۴

طاق کسری: ۴۴۹

طبران: ۲۹

طلا جرد: ۳۷۳

طور: ۱۰۰، ۴۰۷، ۴۷۷، ۴۸۶

طوس: ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۴۰، ۵۱، ۵۲، ۵۹، ۲۱۷،

۲۸۷، ۳۰۹، ۴۶۷، ۴۷۵، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴،

۴۹۵، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۰۸، ۷۷۰، ۷۸۶

طوس سفلی: ۵۰۶

طوس علیا: ۵۰۶، ۵۰۸

طهران: ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۴۰، ۷۰، ۷۳۳ و ← تهران

ع

عالی قاپو: ۸۱۸، ۷

عباس آباد: ۵۹۱

عثمانی: ۲۱۱، ۲۱۰

عدن: ۴۸۶

عراق: ۷۶۰، ۵۱۲، ۱۴۹، ۱۳۲، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۴۷، ۳۸

غزنه: ۴۶۱، ۴۸ و ← غزنی

غزنی ۴۸۸ و ← غزنه

ف

فارس: ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۷۲، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۵، ۱۶۴، ۷، ۶، ۵

۵۴۴، ۵۳۹، ۵۲۹، ۵۲۷، ۵۲۴، ۴۴۹، ۲۷۶، ۱۹۳، ۱۸۹

۶۲۰، ۶۱۸، ۶۱۵، ۶۱۴، ۵۸۴، ۵۶۰، ۵۵۵، ۵۵۰، ۵۴۷

۷۵۱، ۶۷۴، ۶۷۳، ۶۷۲، ۶۷۱، ۶۳۰، ۶۲۶، ۶۲۳، ۶۲۲

۸۱۲، ۷۸۰، ۷۷۰، ۷۶۷، ۷۶۲

فتح آباد: ۲۱۲

فرانسه: ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴، ۵۰، ۳۹، ۳۸

۱۵۸، ۱۴۹

فراهان: ۷۴۳، ۷۴۲، ۸۱

فرح آباد: ۷۸۲

فرخك: ۳۷۳

فرمانداری بروجرد: ۷۲۲

فرمانداری بیرجند: ۶۵۲

فرمانداری تویسرکان: ۶۶۵، ۶۶۴، ۶۶۱

فرمانداری سبزوار: ۶۴۹، ۶۰۶، ۶۰۵، ۶۰۴، ۵۹۸، ۵۹۶

فرمانداری کاشان: ۸۲۲، ۷۵۸

فرمانداری کل همدان: ۶۶۱، ۴۵۲، ۴۴۷

فرمانداری نیریز: ۶۳۱

فرمانداری نیشابور: ۳۷۶، ۳۴۸، ۳۰۱

فرمانداری همدان ← فرمانداری کل همدان

فرمانیه: ۱۹

فرومد: ۵۹۴، ۵۹۳، ۵۹۲، ۵۹۱، ۵۹۰

فرهنگستان ایران: ۱۳۴، ۱۳۲

فرهنگستان فرانسه: ۱۳۵

فرهنگ و هنر ← وزارت فرهنگ و هنر

فریمان: ۴۹، ۴۵، ۳۸

فرومد: ۵۹۰، ۵۸۹، ۵۸۸ و ← فرومد

فسا: ۵۳۴، ۵۱۱

فلسطین: ۳۹

فلك الافلاك: ۷۷۹، ۷۷۶، ۷۷۴

فلکة سعدی: ۱۸۶

فلورانس: ۲۵۵، ۱۵۸، ۱۵۷

فوداج: ۶۵۶، ۶۵۰

فورج: ۷۸۳، ۷۸۰

فیروزآباد: ۷۷۰، ۷۶۶، ۷۶۲

فین کاشان: ۷۵۷، ۷۴۲

ق

قاهره: ۸۰۳، ۷۲۵، ۱۲۹

قاین: ۷۸۲، ۲۱۰

قاینات: ۶۵۱، ۵

قبر بابا کماجی: ۶۸۰ و ← آرامگاه کمال الدین اسماعیل

قبرستان باغ نو: ۵۱۳

قبرستان دارالسلام (درب سلم): ۶۱۱

قزوین: ۸۲۱، ۷۸۴، ۷۷۹، ۷۷۶، ۷۷۴، ۳۷۶، ۸۱، ۳۶

قصر خورشید: ۷۷۴، ۷۷۸ و ← خورشید

قصر شیرین: ۷۷۳، ۷۷۰، ۳۶

قفقاز: ۷۱۷ و ← قفقازیه

قفقازیه: ۸۱۹ و ← قفقاز

قلعه فردجان: ۸۱

قلعه نوبسظام: ۵۷۵، ۵۷۱

قم: ۷۸۸، ۷۷۹، ۷۷۲، ۱۸۱، ۱۰۹

قمصر: ۷۸۳

قندهار: ۲۱۰

قوچان: ۳۴

قیصریه: ۷۷۰

ک

کابل: ۳۸۷، ۲۰۲، ۸۲

کاخ اردشیر بابکان: ۷۶۶، ۷۶۲، ۷۵۱

کاخ چهلستون: ۷۷۰، ۷۵۴، ۷۵۳ و ← چهلستون

کاخ خورشید ← خورشید و ← قصر خورشید

کاخ گلستان: ۷۹۲، ۳۵۵، ۲۳۵

کاخ مرمر: ۱۳۳، ۱۱۸، ۱۲

کاخ هشت بهشت: ۸۱۸، ۷۵۴، ۳۹۸، ۳۹۶

کارخانه برادبوری ویلکنسن: ۱۵۳

کارخانه برونی: ۲۵۸، ۲۵۶، ۲۵۵، ۲۵۴

کارخانه تراورسازی شیرگاه: ۷۴۹

کارخانه سیمان ایران: ۱۸۸، ۱۷۱

کارخانه سیمان دورود: ۷۷۹

کارخانه صابر: ۴۹۵، ۳۱۵، ۲۷۰

کارخانه فکور: ۳۴۲

کاروانسرای شاه عباس: ۷۸۲

کاروانسرای لاسجرد: ۷۸۲

کاروانسرای مهیار: ۷۵۳

کاروانسرای نعل بندی: ۶۲۵، ۶۲۴

کاروان: ۷۵۷

کازرون : ۶۷۴،۶۷۳،۶۷۲،۶۷۱

کاشان : ۱۵۰، ۱۵۴، ۳۵۳، ۴۹۹، ۵۷۳، ۷۴۲، ۷۵۷، ۷۶۲، ۷۶۶

۸۲۱، ۸۲۰، ۸۱۹، ۷۸۲، ۷۸۰، ۷۷۹، ۷۷۴، ۷۷۳، ۷۷۲، ۷۷۰

۸۲۳، ۸۲۲

کالژ پریزدنسی : ۳۷

کانادا : ۱۵۸

کاوه (انتشارات) : ۶۶۶

کبکان (کوبکان) : ۲۰۹

کبودگنبد (قبرمادرهلاکو) : ۶۶۸ و ← گنبد مادرهلاکو

کتابخانه آستان قدس رضوی : ۴۶۷، ۲۱۸، ۲۱۷، ۵۵

کتابخانه بروخیم : ۵۷

کتابخانه بودلیان : ۶۳۵

کتابخانه سلطنتی : ۶۲۷

کتابخانه سلطنتی صفویه : ۶۳۵

کتابخانه فرهنگ : ۵۹۰

کتابخانه مجلس شورای ملی : ۷۳۵، ۱۳۴، ۱۱۶، ۴۹

کتابخانه مدرسه عالی سیهسالار : ۶۱۰

کتابخانه مرکزی دانشگاه : ۵۷۰

کتابخانه ملی : ۷۹۲، ۷۴۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۱۶، ۷۴، ۶۶، ۵۹

کتابخانه ملی قاهره : ۶۳۵

کتابخانه ملی ملک : ۷۹۴، ۶۱۰

کتابخانه وزیری یزد : ۷۸۶، ۷۶۸

کتابفروشی ثقفی اصفهان : ۶۴۳

کتابفروشی خیام : ۳۸۹

کدکن : ۳۳۱

کریلا : ۵۹۶، ۵۸۸، ۳۵۳، ۲۱۱

کرج : ۷۵۸

کردستان : ۱۵۲

کردستان (کوه) : ۷۹۱، ۷۹۰

کرمان : ۷۷۶، ۷۶۶، ۶۰۸، ۵۸۴، ۵۸۲، ۵۳۹، ۵۱۲، ۱۵۱، ۱۱۷، ۵

۷۸۴، ۷۸۳، ۷۸۰، ۷۷۹

کرمانشاه : ۷۷۹، ۷۷۴، ۴۵۱، ۱۵۲، ۳۶

کرمانشاهان : ۷۲۹، ۱۵۴، ۱۵۲، ۵

کرنال : ۲۳۶

کشف‌رود : ۵۰۷، ۵۰۶، ۵۰۴، ۴۸۳

کلات : ۷۷۸، ۷۷۶، ۷۴۶

کلاردشت : ۷۶۱

کلاشم : ۶۱۷

کلاله‌خاور (انتشارات) : ۵۹۶، ۵۹۵

کلیسای طاطا ووس : ۷۶۹

کنتیکوت : ۴۳۲، ۴۲۴

کنگره بین‌المللی هنر و باستانشناسی ایران : ۴۲۷، ۴۲۱

کوبکان ← کبکان

کوچه میرزا محمود وزیر : ۷۷۲

کوش (جا) : ۶

کوه‌دشت : ۷۷۳

کوه‌سنگی : ۲۳۸، ۲۲۶

کوی برده‌فروشان : ۳۲۲، ۲۸۵

کوی میدان ← محله میدان

ک

کازران : ۷۱۷

کجیل : ۶۸۶، ۶۴۰

کرگان : ۷۸۳، ۷۷۸، ۷۷۴، ۷۵۱، ۱۵۴، ۱۴۵، ۸۱، ۸۰

کرگانج : ۸۰

کلپایگان : ۷۷۸، ۷۶۷

کمپرون (بندر عباس) : ۲۷۶

کناباد : ۷۷۴، ۵۷۳

- کنبه امامزاده ابراهیم : ۳۸۲
 کنبه امامزاده محروق : ۳۸۲ و ← بقعه امامزاده محروق
 کنبه دشتی : ۷۵۳
 کنبه سبز : ۳۷۴، ۳۳۸، ۳۳۷
 کنبه سرخ : ۶۶۸
 کنبه سلطانیه : ۷۷۵، ۷۵۰
 کنبه شاهچراغ : ۷۴۸، ۵۹۴ و ← بقعه شاهچراغ
 کنبه شیخ حیدر : ۷۷۸
 کنبه شیخ لطف الله : ۱۲
 کنبه علویان : ۷۷۴، ۱۵۴
 کنبه علی : ۱۵۴
 کنبه قابوس : ۷۷۸، ۷۷۶، ۷۷۴، ۱۵۴، ۹۲، ۹۱، ۸۹
 کنبه کاووس : ۴۹۹
 کنبه مادره لاکو : ۷۸۰ و ← کبود کنبه
 کنبه هشت : ۷۷۹، ۷۷۶
 کنبه نامه : ۷۷۹، ۷۵۶، ۷۳۹، ۱۵۳، ۱۰۴
 کنبه : ۶۸۸، ۲۱۱
 گورستان سید حمزه : ۶۹۸، ۶۸۷، ۴۹۴
 گورستان کمال ← باغ کمال
 کیلان : ۷۷۸، ۶۱۷، ۵۱۱، ۱۵۱

ل

- لار : ۲۷۷، ۲۷۶
 Lazac : ۸۰۱
 لاسجرد : ۷۸۲
 لاهیجان : ۷۸۰، ۷۷۲، ۷۷۰
 لبنان : ۱۵۰، ۱۲۸
 لرستان : ۷۷۹، ۷۷۴، ۷۷۳، ۲۶۸، ۲۶۷، ۱۵۱
 لندن : ۸۰۱، ۷۲۵، ۴۳۹، ۲۸۳، ۱۵۴
 لواسان : ۷۸۳، ۷۸۲

لهستان : ۱۵۸،۱۵۰،۱۳۰،۳۹

لیدن : ۳۳۰،۳۳۱

لیورنو : ۲۵۸

م

مازندران : ۸۲۰،۸۱۹،۷۷۸،۷۴۹،۴۷۹،۲۱۰،۵

ماوراءالنهر : ۶۳۴

ماهان : ۶۰۸

مجارستان : ۱۵۸

مجلس سنا : ۸۲۴،۷۸۹،۶۹۹،۶۹۶،۲۸۹،۱۵۶

مجلس شورای ملی : ۱۵۶،۱۴۸،۱۱۸،۶۳،۳۵،۲۹،۲۷،۲۶،۱۰

۶۹۵،۶۹۴،۶۵۷،۴۶۷،۴۵۱،۳۷۲،۲۸۹،۲۲۰،۲۱۹،۲۱۸

۸۲۴،۸۲۳،۷۱۸

محلات : ۷۹۱،۷۹۰،۹۷،۹۵،۵

محله امامزاده : ۷۴۳

محله بالاکند : ۵۱۳ و ← محله درشیخ

محله بزرگ : ۷۴۳

محله پایین : ۷۴۳

محله تره زار : ۷۴۳

محله چاله : ۷۴۳

محله درشیخ (درب شیخ) : ۵۱۷،۵۱۵،۵۱۳ و ← محله بالاکند

محله سادات : ۶۳۰

محله سنگ سیاه : ۵۵۹،۵۵۷،۵۵۶

محله سرآسیابها : ۷۴۳

محله میدان : ۷۳۰،۷۲۶

محله عباس آباد : ۳۸۷

محله کوره پزخانه : ۶۹۲

محله کوه بر : ۷۴۳

محله نیریزی : ۶۳۰

- مدارس هندوستان : ۶۶۷،۶۶۶
 مدرسه السنه شرقیه پاریس : ۱۵۸
 مدرسه جدّه بزرگ اصفهان : ۷۷۷،۷۷۴
 مدرسه چهارباغ : ۳۸۹
 مدرسه حسینیان : ۷۷۶
 مدرسه خان : ۷۷۸
 مدرسه خرگرد : ۷۶۶
 مدرسه دارالشفاء : ۵۳۹
 مدرسه درب کوشک اصفهان : ۷۷۸۴
 مدرسه سیدحمزه : ۷۱۵
 مدرسه صنایع مستظرفه : ۳۵۳
 مدرسه عالی سپهسالار : ۱۱۳۴،۱۱۶
 مدرسه غیاثیه (درنیریز) : ۶۳۰
 مدرسه غیاثیه (درخرگرد) : ۷۷۴
 مدرسه قنبرعلیخان : ۷۷۶
 مدرسه لقمانیه : ۷۱۷
 مدرسه لوور : ۳۹
 مدرسه ملاعبدالله : ۷۷۴،۷۶۷
 مدرسه میرزا جعفر : ۳۷۰
 مراغه : ۶۶۶،۶۶۷،۶۶۸،۶۶۹،۶۷۰،۷۶۶،۷۷۴،۷۷۸،۷۸۰،۷۸۴
 مرو : ۶۰۱،۲۱۰
 مرو دشت : ۱۵۱، ۱۶۹، ۱۸۸
 مزار حبیب بن موسی بن — امامزاده حبیب بن موسی
 مزار مولانا زین الدین ابوبکر : ۷۸۰
 مسجد ازیران : ۷۵۳
 مسجد ایرانیان در ترکیه : ۷۸۱،۷۸۰
 مسجد بازار اردستان : ۷۵۳
 مسجد بایزید : ۷۷۹
 مسجد پامنا زواره : ۷۵۳
 مسجد تاریخانه دامغان : ۷۷۹،۲۳۷
 مسجد جامع ابرقو : ۷۶۷

- مسجد جامع اردستان : ۷۷۵، ۷۷۴، ۷۵۳، ۱۵۴
 مسجد جامع اشترجان : ۷۵۳
 مسجد جامع برسیان : ۷۵۳
 مسجد جامع بروجرد : ۷۷۴
 مسجد جامع خوزان : ۷۵۳
 مسجد جامع رضائیه : ۱۵۴
 مسجد جامع زواره : ۷۵۳
 مسجد جامع ساوه : ۷۷۰
 مسجد جامع سبزوار : ۵۲
 مسجد جامع سروش آذران : ۷۵۳
 مسجد جامع سمنان : ۷۷۸
 مسجد جامع ششتمد : ۶۰۶
 مسجد جامع شوشتر : ۷۸۰، ۷۶۲
 مسجد جامع عتیق : ۶۲۲، ۵۱۵
 مسجد جامع فریومد : ۵۹۲، ۵۹۱، ۵۸۹
 مسجد جامع قائن : ۷۸۲
 مسجد جامع کاج : ۷۵۳
 مسجد جامع کبیر یزد : ۷۷۹، ۷۷۳، ۷۶۸
 مسجد جامع کرمان : ۷۸۳
 مسجد جامع گلپایگان : ۷۷۸، ۷۶۷، ۷۶۲
 مسجد جامع گناباد : ۷۷۴
 مسجد جامع مهاباد : ۷۸۳
 مسجد جامع نائین : ۷۷۴
 مسجد حاج رجبعلی : ۷۸۴
 مسجد جمعه اصفهان : ۱۵۴
 مسجد خواجه نصیر : ۷۷۴
 مسجد دارالاحسان : ۷۷۴
 مسجد سلطان بندر آباد : ۷۸۳
 مسجد شاه ابوالقاسم : ۷۷۹

مسجد شاه اصفهان : ۷۷۳، ۷۶۶

مسجد شیخ لطف الله : ۸۱۸

مسجد شاه مشهد : ۷۷۸، ۷۷۲

مسجد صاحب الامر : ۷۸۴

مسجد ضیائیة : ۷۸۳

مسجد فهرج : ۷۸۳، ۷۸۰

مسجد کبود تبریز : ۷۷۸، ۷۷۴، ۳۰۵

مسجد گز اوش : ۷۸۳

مسجد گوهر شاد : ۴۶۷، ۳۷۷، ۲۱۸، ۱۵۴

مسجد لتیان : ۳۹۳، ۳۹۲، ۳۹۱، ۳۹۰

مسجد مطلب خان : ۷۸۴، ۷۸۳

مسجد معز الدین (در مراغه) : ۷۷۸، ۷۷۴

مسجد ملارستم : ۷۸۴

مسجد ملك : ۷۷۹، ۷۷۶

مسجد مولانا : ۷۶۶، ۳۰۵

مسجد میر عماد : ۷۸۰

مسجد نیرد : ۶۷۱

مسجد نوشیراز : ۷۷۸

مسجد وکیل : ۷۷۰

مسعودیه : ۴

مسکو : ۴۴۲

مشهد : ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۰، ۲۰۹، ۱۵۴، ۱۵۱، ۷۴، ۵۵، ۵۳، ۳۶، ۳۴

۲۶۱، ۲۵۹، ۲۵۳، ۲۳۸، ۲۳۵، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۲، ۲۱۷

۳۳۷، ۳۱۵، ۲۹۷، ۲۹۶، ۲۹۲، ۲۸۷، ۲۷۸، ۲۷۰، ۲۶۴

۴۹۳، ۴۷۶، ۴۶۹، ۳۷۰، ۳۶۳، ۳۶۰، ۳۴۱، ۳۴۰، ۳۳۸

۷۷۶، ۷۷۳، ۷۵۲، ۷۲۱، ۷۱۷، ۷۰۴، ۶۴۱، ۴۹۵

۷۸۱، ۷۷۸

مشهد اردهال (مشهد قالی شویان) : ۸۲۲، ۸۲۱، ۸۱۷، ۷۷۴

مشهد قالی شویان ← مشهد اردهال

مشهد مرغاب : ۱۵۴

مشهد میر بزرگ : ۷۷۸، ۷۷۴، ۷۷۲، ۷۷۰

مصر: ٣٨، ٤٩، ٩٣، ١٢٣، ١٢٦، ١٢٧، ١٢٨، ١٢٩، ١٣٠، ١٤٩،

١٥٧، ١٦١، ١٨٢، ٥٨٢، ٦٠٠، ٦٠١، ٦٢٧، ٨٠٣،

معبد چغازنبیل: ٧٥٦، ٧٦٦

مقبره ابو الحسن بیهقی ← مقبره بیهقی

مقبره ابن سینا: ٨٤ و ← آرامگاه ابن سینا

مقبره ادیب العمالک: ٧١٩ و ← آرامگاه ادیب العمالک

مقبره اسرار ← بقعه اسرار

مقبره الشعرا: ٦٠٦، ٦٣٦، ٦٥١، ٦٨٦، ٦٨٧، ٦٨٨، ٦٨٩، ٦٩٠،

٦٩١، ٦٩٢، ٦٩٣، ٦٩٤، ٦٩٥، ٦٩٦، ٦٩٧، ٦٩٨، ٦٩٩،

٧٠٠، ٧٠١، ٧٠٢، ٧٠٣، ٧٠٥، ٧٠٦، ٧٠٧، ٧٠٨، ٧٠٩،

٧١١، ٧١٢، ٧١٣، ٧١٤، ٧١٦، ٧٨٧، ٨١٢،

مقبره امامزاده میر شهاب الدین احمد: ٦٣٠

مقبره امام فرید الدین ← مقبره بیهقی

مقبره اوحدی ← آرامگاه اوحدی

مقبره بابا افضل: ١٥٤

مقبره باباطاهر: ٤٤٢، ٤٤٣ و ← آرامگاه باباطاهر

مقبره بیهقی: ٦٠٢، ٦٠٣

مقبره پیر حاجات: ٥٩٧ و ← مقبره کاشفی

مقبره حاج شیخ هادی بیرجندی ← مقبره هادی

مقبره حافظ: ١٦٦ و ← آرامگاه حافظ

مقبره حمد الله مستوفی: ٧٧٦

مقبره خواجه اتابک: ٧٨٤

مقبره خیام: ٣٦، ٢٩٠ و ← آرامگاه خیام

مقبره روزبهان: ٥٢٩، ٥٣٠ و ← آرامگاه شیخ روزبهان

مقبره شاه داعی: ٦١٦ و ← بقعه شاه داعی

مقبره شیخ ابواسحاق کازرونی ← آرامگاه شیخ ابواسحاق کازرونی

مقبره شیخ ابوالحسن خرقانی: ٥٧٣ و ← بقعه شیخ ابوالحسن خرقانی

مقبره شیخ کبیر عبدالله بن خفیف: ٦٢٢ و ← آرامگاه شیخ کبیر

مقبره صائب: ٣٩٣، ٦٨٠ و ← آرامگاه صائب

مقبره صفای: ٧٣٩

مقبره عطار: ۳۵۸، ۳۵۵ و ← بقعه عطار

مقبره قابوس: ۹۳

مقبره قائم مقام: ۷۰۸

مقبره قدیم ابن یمن: ۵۹۲

مقبره کاشفی: ۵۹۷، ۵۹۶ ← آرامگاه کاشفی

مقبره کریمخان زند: ۲۳۶

مقبره کمال الدین خجندی ← آرامگاه کمال الدین خجندی

مقبره مشایخ شادی آبادی: ۶۹۰

مقبره میررضی الدین ارتیمانی: ۶۶۲، ۶۶۰ ← آرامگاه رضی الدین

ارتیمانی

مقبره میرزا عیسی حسینی فراهانی: ۶۸۷

مقبره نزاری: ۶۵۱ و ← آرامگاه نزاری قهستانی

مقبره هادوی: ۶۵۸، ۶۵۷، ۶۵۰

مکتب صائب (انجمن ادبی): ۴۱۷

مکه: ۶۴۱، ۳۸۷

ملایر: ۲۳۵

منار زیار: ۷۵۳

مناره کار: ۷۵۳

مورچه خورت: ۲۱۰

موزه آرامگاه حاجی بکتاش: ۷۶۱

موزه آستان قدس: ۵۵

موزه ایران باستان: ۱۱۶، ۱۳۲، ۱۳۴، ۲۲۴، ۴۴۴، ۴۶۱، ۷۵۱

۸۱۹، ۷۹۲

موزه باستانشناسی: ۳۹۵، ۸۹

موزه بریتانیا: ۵۷۰

موزه پارس: ۱۶۸

موزه فردوسی: ۴۹

موزه قزوین: ۷۷۹

موزه گلستان: ۱۳۴

موزه ملی کاشان: ۷۸۲

- موزة ملی ملک: ۳۵۵
 مؤسسه آثار عتیقه شرقیه آلمان: ۴
 مؤسسه آسیائی: ۴۲۷
 مؤسسه صنایع و حفريات ایران: ۳۸
 مؤسسه ماخ: ۷۰۷
 مهاباد: ۷۸۳، ۱۵۱
 مهران (آبادی): ۷۴۳
 مهمانخانه ایران: ۱۳۶
 مهمانخانه بوعلی: ۱۳۶، ۱۳۲
 مهمانخانه روشن: ۱۳۶
 مهمانخانه شفق: ۱۳۶
 مهمانخانه فردوسی: ۱۳۲
 مهمانخانه نادى: ۱۳۶
 مهماندوست: ۲۱۰
 مهمانسرای شاه عباس: ۷۸۲، ۷۵۷
 میان ده: ۷۴۳
 میان ولایت مشهد: ۲۱۷
 میانه: ۷۸۲
 میدان پهلوی اصفهان: ۶۷۹
 میدان باباطاهر: ۴۶۳، ۴۶۲، ۴۵۱
 میدان باغ رضوان: ۶۴۶
 میدان بوعلی: ۷۸۸، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۰۹، ۱۰۵
 میدان توپخانه شیراز: ۶۲۱
 میدان خیام: ۳۰۴
 میدان دروازه اصفهان: ۷۸۸، ۱۸۱
 میدان سپه: ۵۸
 میدان شاهپور: ۱۳۶
 میدان فردوسی: ۷۸۹، ۵۸، ۲۴
 میدانک (جا): ۷۵۸
 میدان کرمان: ۷۸۰

میدان کمال اسماعیل : ۶۷۲

میدان نقش جهان : ۳۶

میدان ورزش : ۵۹۷

میرملاس (تنگه) : ۷۷۳

ن

نابل : ۲۵۵

نائین : ۷۷۸، ۷۷۴، ۵

نجف : ۸۲۲، ۸۲۰، ۸۱۸، ۶۲۷، ۲۳۵، ۲۱۱

نجف آباد : ۸۱۸، ۵۶۳

نخجوان : ۲۱۱

نخست وزیري : ۷۱۳، ۳۵۵

نروژ : ۱۵۰

نشابور ← نیشابور

نطنز : ۷۸۲

نظامیه بغداد : ۴۶۱، ۱۹۵، ۱۶۳

نقش رستم : ۷۵۱، ۷۴۸، ۱۵۴

نیاوران : ۱۴۱

نیاسر : ۱۵۴

نیاسرم : ۳۹۲، ۳۹۱، ۳۸۹

نیریز : ۶۳۲، ۶۳۱، ۶۳۰، ۶۲۶

نیشابور : ۲۹۶، ۲۹۵، ۲۸۹، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۸۵، ۷۴، ۵۲، ۳۶

۳۳۴، ۳۳۳، ۳۳۱، ۳۲۳، ۳۱۵، ۳۱۳، ۳۱۲، ۳۰۲، ۳۰۱، ۲۹۷

۳۵۶، ۳۵۵، ۳۴۹، ۳۴۸، ۳۴۶، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۴۲، ۳۴۰، ۳۳۵

۶۰۱، ۵۹۵، ۳۷۸، ۳۷۶، ۳۷۲، ۳۷۱، ۳۶۶، ۳۶۳، ۳۶۱، ۳۶۰

۸۱۲، ۷۸۲، ۷۵۲، ۶۹۱، ۶۱۷

نیویورک : ۴۲۷، ۴۲۲، ۴۲۱

و

وارن : ۴۳۲، ۴۲۴

- واتیکان : ۱۵۰،۱۳۱
 واشنگتن : ۴۲۲،۴۲۱
 ورامین : ۷۸۳،۷۸۲،۶۵۵
 ورشو : ۳۹
 وزارت آبادانی و مسکن : ۷۰۱
 وزارت آب و برق : ۶۰۵
 وزارت آموزش و پرورش : ۶۳۱ و ← وزارت فرهنگ
 وزارت امور خارجه : ۸۲۱،۷۸۰،۷۶۴،۷۶۱،۱۵۸،۱۳۵
 وزارت بهداری : ۱۵۶
 وزارت پست و تلگراف : ۱۵۸
 وزارت جنگ : ۲۷۷،۲۷۴،۲۷۱،۲۷۰،۲۵۴،۲۲۲،۲۲۱
 وزارت دادگستری : ۷۹۳،۲۷ و ← وزارت عدلیه
 وزارت دارائی : ۸۲۴،۷۵۹،۳۷۸،۳۶۶،۲۷۴،۲۷۱،۶۴،۲۶
 وزارت دربار شاهنشاهی : ۱۳۶، ۲۱۷، ۲۲۰، ۴۴۸، ۳۹۲ و ← دربار
 شاهنشاهی
 وزارت راه : ۷۹۲،۶۰۴،۲۱۴،۱۷۱،۱۵۸
 وزارت عدلیه : ۷۱۸ و ← وزارت دادگستری
 وزارت فرهنگ : ۱۶۸،۱۵۸،۱۵۶،۱۵۵،۱۱۸،۶۳،۵۸،۹،۷،۶،۴
 ۳۶۶،۳۳۵،۲۸۸،۲۷۴،۲۷۱،۲۷۰،۲۵۹،۲۵۴،۲۲۲،۱۸۹
 ۷۵۴،۷۵۱،۷۵۰،۵۷۳،۴۲۳،۳۹۲،۳۹۰،۳۸۰،۳۷۸،۳۷۰
 ۷۵۵ و ← وزارت آموزش و پرورش و ← وزارت معارف
 وزارت فرهنگ و هنر : ۵۵۱،۵۳۶،۵۳۵،۵۳۰،۴۸۹،۴۶۰،۴۴۹،۶۳
 ۷۶۲،۷۴۴،۷۳۹،۷۰۱،۶۹۹،۶۶۷،۶۵۲،۶۴۵،۶۳۱،۶۰۳
 ۸۲۳،۸۱۰،۷۸۳،۷۷۳،۷۶۹،۷۶۶
 وزارت کشور : ۷۰۱،۶۹۷،۶۹۶،۶۲۵،۵۳۱،۱۵۸،۱۵۶
 وزارت گمرکات و انحصارات : ۲۵۹
 وزارت معارف : ۷۳۸،۷۳۳،۴۹،۴۱،۳۸،۳۵،۳۲،۱۵ و → وزارت
 فرهنگ

وکیل آباد : ۲۲۶

ولیانکود ← ولیانکوی

ولیانکوی : ۸۱۷،۶۴۰،۶۳۴

ونیز : ۷۶۵

وین : ۷۹۳

۵

مرات : ۸۱۸،۶۳۵،۵۹۵،۲۱۱

مرمز (جزیره) : ۲۷۶

مزاوه : ۷۴۴،۷۴۳،۷۴۲

هلند : ۱۴۹

هشت بهشت ← کاخ هشت بهشت

همایون شهر : ۷۵۳

همدان : ۱۰۲،۹۷،۹۶،۹۲،۸۸،۸۷،۸۵،۸۴،۸۳،۸۱،۷۴،۳۶،۶،۵

۱۳۲،۱۲۱،۱۲۰،۱۱۷،۱۱۵،۱۱۴،۱۱۱،۱۰۹،۱۰۵،۱۰۴

۱۵۳،۱۵۲،۱۴۸،۱۴۷،۱۴۶،۱۴۵،۱۴۰،۱۳۹،۱۳۷،۱۳۶

۴۳۶،۴۴۳،۴۴۲،۴۳۸،۴۳۷،۲۱۱،۲۱۰،۱۵۷،۱۵۶،۱۵۴

۵۰۱،۴۶۳،۴۶۱،۴۵۶،۴۵۳،۴۵۲،۴۵۱،۴۴۹،۴۴۸،۴۴۷

۷۷۹،۷۷۴،۷۵۶،۷۳۹،۷۳۰،۷۲۸،۷۲۷،۷۲۱،۶۶۵،۶۵۹

۸۱۲،۷۸۸،۷۸۲

همینه (تپه) : ۶۶۵،۶۶۰

هند : ۳۸۸،۳۸۷،۲۱۵،۱۳۱،۱۳۰،۱۲۹،۱۲۳،۳۹،۳۷،۱۱ ←

هندوستان

هندوستان : ۲۱۱،۱۵۸،۱۵۶،۱۳۲،۱۲۶،۵۰،۴۹،۳۶،۳۷،۳۶

۶۶۶،۴۷۶،۳۹۳،۲۸۳،۲۸۲،۲۳۶ ← هند

هنرستان موسیقی : ۱۳۵

هنرستان هنرهای زیبا : ۳۹۵،۳۹۴

هومیان (کوهستان) : ۷۷۳

ی

یزد : ۷۶۸،۷۶۶،۷۵۸،۷۱۸،۵۴۲،۴۱۱،۱۵۱،۱۲۶،۹۷،۹۶

۷۸۶،۷۸۳،۷۸۲،۷۸۰،۷۷۹،۷۷۳

یوگوسلاوی : ۱۵۰،۳۸

یونان : ۲۰۳،۹۳،۵

یونسکو : ۷۶۵،۷۶۳،۷۶۰،۱۵۸،۱۵۷،۱۵۰،۱۲۹،۱۲۴

فهرست کتابها، رسالات، مجلات و روزنامه‌ها

ت

- آتشکده آذر : ۸۲۰، ۶۹۳، ۶۹۰، ۶۶۰، ۶۵۱، ۶۳۵، ۵۴۳، ۴۴۲
 آثار البلاد و اخبار العباد : ۲۸۱
 آثار العجیم ← آثار عجم
 آثار باستانی آذربایجان : ۶۹۳، ۶۸۹
 آثار باستانی خراسان : ۳۸۳، ۳۷۹، ۳۶۹، ۳۵۸، ۳۵۵، ۳۴۳، ۳۴۲
 ۷۴۶، ۵۸۸
 آثار تاریخی شیراز : ۷۶۳
 آثار تاریخی و باستانی لرستان : ۷۷۳
 آثار عجم : ۶۷۲، ۶۲۰، ۶۱۲، ۶۱۱، ۵۱۷، ۵۱۱، ۱۶۵، ۱۶۴
 آداب اللغة العربية : ۵۵۶
 آفتاب شرق (روزنامه) : ۲۲۱
 آیینة بینایان : ۴۴۱
 آیینة سکندری (جام جم) : ۵۹۶

ا

- ابطال مذهب الدهرین : ۷۲۵
 احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی : ۵۶۹، ۵۶۷
 اخبار النحویین البصرین : ۵۵۵
 اختلاف الناس فی الروح : ۶۱۹
 اخلاق محسنی : ۵۹۵
 ارشاد ترکی (روزنامه) : ۷۱۷
 ارمغان (مجله) : ۷۳۶، ۷۳۵، ۷۳۳، ۷۱۸، ۴۴۱

از سعدی تاجامی : ٥٨٢، ٥٨٧، ٥٩٦، ٦٣٥، ٦٥١، ٦٦٧

از صبا تانیا : ٧١٨، ٧١٩

از کوچهرندان : ٥٤٠

اسامی المشایخ : ٦٢٠

اسباب حدوث الحروف : ١٣٢

اسرار التوحید : ٥٦٨، ٥٧٠

اسرار الحكم : ٦٤٢

اسرار قاسمی : ٥٩٦

اسرار نامه : ٣٣١، ٣٣٢، ٣٣٣

اسوة الكسوة : ٦١٠

اشارات : ١٠٠

اشتر نامه : ٣٤٤

اطلاعات (روزنامه) : ٤٢١، ٧٠٠

اطلس خط : ٦٢٧، ٦٣٠، ٧٧٧

اعیان الشیعه : ٥٩٦، ٦٠١

اقلیم پارس : ٥١١، ٦١١، ٦٢٠

الاختیارات ← الاختیارات النجوم

الاختیارات النجوم : ٥٩٥، ٥٩٦

الاستدراج والاندراج : ٦٢٠

الاستذکار : ٦١٩

الاشارات والتنبيهات : ١٥٨

الاغاثه : ٦١٩

الاقتصاد : ٦١٩

البرهان : ١٢٦

انتحفة العلیه فی علم الحروف و بیان اسرارها : ٥٩٦

التفهیم : ٧٩٠

الجمال : ٧٢١

الجمع والتفریق : ٦١٩

الجوع وترك الشهوات : ٦٢٠

الدين اساس المدنية والكفر فساد العمران : ٧٢٥

الذريعة : ٥٩٦، ٦٣٠، ٦٤٣، ٦٦٦

الرد على ابن رزمان : ٦١٩

الرد على ابن سالم : ٦٢٠

الرد والالفة : ٦١٩

الرسالة العلية في الاحاديث النبوية : ٥٩٦

السامى في الاسامى : ٦٠٠

العقائد : ٥١٨

الفتوحات الربانى في اشارات الهمدانى : ٤٣٩، ٤٤٠

الفصول في الاصول : ٦١٩

الفلاكة والمفلوكين : ٥٥٥

الفهرست : ٥٥٥، ٥٥٦

القولنج : ٨١

الكتاب : ٥٥٦

اللوامع : ٦١٩

المجسطى : ٧٩

المرآة الجنان : ٥٥٥

المزهر : ٥٥٥

المعاد : ٨١

المعارف : ٥٥٥

المعتقد الكبير والصغير : ٦٢٠

المعجم في معايير اشعار العجم : ٦٧٧

المعراج : ٦٢٠

المفردات : ٦١٩

المنقطعين : ٦١٩

المنهج في الفقه : ٦٢٠

المواهب العلية (بإتفسير حسيني) : ٥٩٦

الموشح في المذاهب الاربعة : ٥٣٥

الوافى (از صفوى) : ٦٠١

- المهرجان لاين سينما : ۱۱۳
 الوصايا : ۱۲۶
 الهداية : ۸۱
 الهيئات دانشنامه علانی : ۱۱۲
 الهی نامه : ۳۳۳،۳۳۲
 انالوطيقای ثانيه ارسطو : ۱۲۶
 انباء الرواة : ۵۵۵
 اندوه باباطاهر : ۴۳۹
 انساب : ۵۷۰،۵۶۷
 انقلاب سفید : ۳
 انوار سهیلی ، ۵۹۹،۵۹۵
 ايران (روزنامه) : ۶۰،۴۷،۳۹
 ايران سلطانی (روزنامه) : ۷۱۷
 ايران شهر : ۷۶۳
 ايران ومسألة ايران : ۱۶۶
 ايضاح : ۴۴۱
 ايضاح المکنون : ۶۰۱

ب

- بختيارنامه : ۷۳۳
 بدايع : ۱۷۴
 بدايع الافكار في صناعة الاشعار : ۵۹۶
 بدايع الجمال : ۵۸۳
 بررسی هنر ايران : ۴۲۱
 برهان قاطع : ۶۳۶
 بستان السیاحة : ۶۹۳،۶۹۱،۶۹۰،۶۶۰
 بستان الناظر : ۶۵۷
 بغية الوعاة : ۵۵۵

بلوی الانبیاء : ۶۱۹

بوستان : ۶۳۵، ۱۹۶، ۱۷۴، ۱۶۳

بهارستان : ۶۳۵، ۳۵۵

بهارستان آبتی : ۶۵۱، ۶۵۰

پ

پاتنجلی : ۱۲۷

پروانه (روزنامه) : ۷۳۳

پیام نو (مجله) : ۴۴۱

پیدایش خط و خطاطان : ۶۳۰، ۶۲۷

ت

تاج العروس : ۵۵۵

تاج نامه : ۶۱۰

تاریخ ادبیات اته : ۶۶۰

تاریخ ادبیات ادوار براون : ۷۱۸، ۵۸۲، ۴۴۰

تاریخ ادبیات ایران (تألیف دکتر شفق) : ۵۸۹، ۵۸۲، ۴۴۰

تاریخ ادبیات در ایران : ۶۰۲، ۴۴۰، ۴۳۹، ۴۳۸، ۲۸۵، ۲۸۲

تاریخ افغانستان : ۷۲۶

تاریخ الحكماء : ۲۸۱

تاریخ الفی : ۲۸۱

تاریخ اولاد الاطهار : ۶۹۳، ۶۸۷

تاریخ بغداد : ۵۵۵

تاریخ بناکتی : ۶۲۰

تاریخ بیهق : ۶۰۲، ۶۰۱، ۶۰۰

تاریخ تبریز : ۶۸۷

تاریخ جهانگشای جویی : ۶۷۷

تاریخ حزین : ۲۱۳

- تاریخ حشری: ۶۸۷، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳
 تاریخ حکماء الاسلام: ۶۰۱
 تاریخ دار السلطنة تبریز: ۶۸۷، ۶۹۳
 تاریخ سلجوقیان و غزدر کرمان: ۵۱۱
 تاریخ صنایع ایران: ۶۳۶
 تاریخ عالم آرای عباسی: ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱
 تاریخ عصر حافظ: ۵۴۲، ۵۸۲
 تاریخ گزیده: ۶۷۲، ۶۹۰، ۶۹۳
 تاریخ مغول: ۶۵۰، ۶۵۱
 تنمہ صوان الحکمه: ۸۴، ۱۰۷، ۱۶۰، ۶۰۱، ۶۰۲
 تجلیل ابوعلی سینا در پنجمین دورہ اجلاسیہ یونسکو در قلو رانس (رساله):

۱۱۱

- تحریر الوجود: ۶۱۰
 تحفہ سامی: ۷۳۳
 تحفہ الصلوات: ۵۹۶
 تحفہ العرفان ← تحفہ اهل العرفان
 تحفہ المجبین: ۵۳۵
 تحفہ اهل العرفان: ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۵
 تحفہ النظارفی غرایب الامصار: ۱۶۳ و ← رحلة ابن بطوطه
 تحقیق درباره آثار ریاضی ابوریحان: ۷۹۰
 تذکرہ الشعراء: ۱۶۴، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۸۷، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۳
 تذکرہ الاولیاء: ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۱۸، ۶۲۰،

۶۷۲

- تذکرہ خلاصۃ الاشعار: ۶۹۲، ۶۹۳
 تذکرہ حشری: ۶۹۲
 تذکرہ دولتشاه ← تذکرہ الشعراء
 تذکرہ شعرای معاصر اصفهان: ۷۳۴
 تذکرہ شمع انجمن: ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۳
 تذکرہ میخانه: ۶۶۰، ۷۹۱، ۶۹۳
 تذکرہ نتایج الافکار: ۶۹۰، ۶۹۳
 تذکرہ نصیر آبادی: ۶۶۰، ۷۳۳

تذکره هفت اقلیم: ۶۹۳، ۶۵۱، ۶۵۰، ۵۹۶

ترجمه ادب الکبیر: ۶۵۷

ترجمه اشارات و تنبيهات: ۱۱۳

ترجمه خطبة الغراء ابن سینا: ۲۸۴

ترجمه رساله سرگذشت ابن سینا: ۱۱۲

ترجمه رساله شیخ محیی الدین: ۶۱۰

ترجمه عهدنامه مالک اشتر: ۶۵۷

ترجمه فصلی از آثار الباقیة: ۷۹۰

تقریرات ثلاثه: ۱۶۳

تمدن ساسانی: ۷۶۳

توسعه الهیات در ایران: ۶۴۳

توضیح: ۴۴۱

تهذیب اللغة: ۵۵۵

تهران مصور (مجله): ۳۸۹

ج

جام جم: ۷۳۳، ۶۶۷، ۶۶۶

جامع الارشاد: ۶۱۹

جامع التواریخ: ۲۸۱

جامع الستین: ۵۹۶

جبر و مقابله خیام: ۳۲۷

جشن نامه ابن سینا: ۱۲۵، ۱۱۳، ۱۰۷، ۱۰۳، ۹۳، ۸۹، ۸۴، ۸۳، ۷۹

۱۵۸، ۱۵۷

جوامع احکام النجوم: ۶۰۱

جواهر الاسرار (یا: اللباب المعنوی): ۵۹۶

جواهر نامه: ۳۳۳

جهانگشای نادری: ۲۶۹

چ

چشمه زندگانی: ۶۰۹

چهارچمن: ۶۰۹

چهارمقاله نظامی: ۲۹، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۶، ۳۲۲

چهل صباح: ۶۰۹

ح

حاشیه بر اسفار ملاصدرا: ۶۴۲

حاشیه بر شرح تجرید محقق لاهیجی: ۶۴۳

حاشیه بر شرح سیوطی: ۶۴۳

حاشیه بر شواهد الربوبية: ۶۴۲

حاشیه بر مبدأ و معاد: ۶۴۲

حبل المتین (روزنامه): ۶۵۷

حبیب السیر: ۶۷۲، ۶۵۱، ۵۹۶

حدائق الاخبار: ۵۳۵

حقایق الاخبار: ۵۱۸

حکیم عمر خیام بعنوان عالم جبر: ۳۲۷

حماسه ملی ایران: ۵۱

حیات سعدی: ۱۶۶

خ

خداینامه: ۴۷

خسرونامه: ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۴۴

خسرو و شیرین نظامی: ۶۳۵

خلاصة العلوم: ۵۴۳

خسمة امیر علی شیر نوائی: ۶۳۵

خسمة حکیم نظامی: ۷۳۳

خیامی نامه: ۳۲۷

د

داستان داستانها رستم و اسفندیار: ۵۰۲

دانشمندان آذربایجان: ۶۶۷، ۶۹۰، ۶۹۳، ۸۲۰

دانشنامه علائی: ۱۵۸، ۱۲۶

- دانش و خرد فردوسی: ۵۰۱
 دائرة المعارف اسلامی: ۶۳۶، ۶۳۵، ۵۵۵، ۴۴۱
 درفش کاویان (روزنامه): ۷۳۳
 درة نادره: ۲۶۹
 دستورالوزراء: ۸۴
 دستورنامه: ۶۵۶، ۶۵۱
 ده نامه: ۵۴۰
 دیوان ابوالفرج رونی: ۷۳۳
 دیوان ادیب المالك: ۷۳۳، ۷۱۸
 دیوان اسرار: ۶۴۳
 دیوان اشعار خواجو: ۵۸۲
 دیوان اشعار نزاری: ۶۵۱
 دیوان المعارف: ۵۳۵
 دیوان انوری: ۶۹۳، ۶۹۱
 دیوان اوحدی: ۶۶۶
 دیوان باباطاهر: ۷۳۳، ۶۴۱
 دیوان بقای اصفهانی: ۷۹۴
 دیوان جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی: ۷۳۳
 دیوان حاج ملاهادی ← دیوان اسرار
 دیوان حافظ: ۲۰۰
 دیوان خاقانی: ۶۹۳
 دیوان شاه داعی شیرازی: ۶۱۳-۶۱۱، ۶۱۰، ۶۰۹، ۶۰۸
 دیوان صائب: ۴۱۸، ۴۰۶، ۳۹۰
 دیوان قائم مقام فراهانی: ۷۳۳
 دیوان قصاید و غزلیات عطار: ۳۴۴، ۳۳۳
 دیوان کمال الدین اسماعیل: ۶۷۹، ۶۷۷
 دیوان کمال خجندی: ۶۳۵، ۶۳۴
 دیوان هاتف اصفهانی: ۷۳۳

ذ

ذيل عالم آراى عباسى: ٨٢٠، ٨٢١

ر

راحة الصدور وآية السرور: ٤٣٨، ٤٣٩

راح قراح: ٤٤٣

رباعيات خيام: ٢٨٤

رحلة ابن بطوطه: ١٦٣، ١٦٤، ٦٢٠، ٦٧٢ و — تحفة النظار

فى غرايب الامصار

رحيق در علم بديع: ٤٤٣

رسالة اشارة الثقال: ٦٠٩

رسالة الانس فى روح القدس: ٥٣٥

رسالة البادية: ٥٨٣

رسالة القوس: ٦٧٦، ٦٧٧

رسالة الشد متعلقة بالعد: ٦٠٩

رسالة الضياء العقلى فى الموضوع العلم الكلى: ٢٨٤

رسالة الكلمات الباقية: ٦١٠

رسالة بيان عيان: ٦٠٩، ٦١٠

رسالة تحرير معنى الوجود: ٦١٠

رسالة تحفة المشتاق: ٦١٠

رسالة ترجمة الاخبار العلوية: ٦٠٩

رسالة تشريح اعضاء (ابن سينا): ١١٢

رسالة تنهاى ونامتناهى: ١٣٠

رسالة جبر ومقابلته: ٢٨٢

رسالة جواهر الكنوز: ٦٠٩

رسالة جوديه ابن سينا: ١١١

رسالة چهار مطلب: ٦١٠

رسالة حكمة الموت: ١٢٥

رسالة حل يك مسالة جبرى بوسيلة قطاع مخروطى: ٢٨٢، ٢٨٣

- رسالة حی بن یقظان ابن سینا : ۱۲۸، ۱۱۳، ۸۱
 رسالة حی بن یقظان ابن طفیل : ۱۲۸
 رسالة خیر الزاد : ۶۰۹
 رسالة در البحر : ۶۱۰
 رساله دریان زیج ملکشاهی : ۲۸۴
 رساله در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات : ۱۱۲
 رساله در سه مسأله : ۲۸۴
 رساله در صحت طرق هندی برای استخراج جذر و کعب : ۲۸۴
 رساله در طبیعیات : ۲۸۴
 رساله در علم کلیات (یا: رساله وجودیه) : ۲۸۴
 رساله در معاکمات میان ملامحسن فیض و شیخ احمد احسانی : ۶۴۳
 رسالة راه روشن : ۶۱۰
 رسالة رضائیة : ۶۱۰
 رسالة سبع المثانی : ۵۸۳
 رسالة شجریه : ۶۱۰
 رسالة طراز الایالة : ۶۱۰
 رسالة عقل و عشق : ۱۶۳
 رسالة فی الاحتمال لمعرفة مقداری الذهب و الفضة فی جسم مرکب
 منهما : ۲۸۴
 رساله فی الشفاء من خوف الموت : ۱۰۳
 رسالة فی الکون والتکلیف : ۲۸۴
 رسالة فی الوجود : ۲۸۴
 رسالة فی براهین الجبر والمقابلة : ۲۸۴
 رسالة فی شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس : ۲۸۴، ۲۸۲
 رسالة فی معنی المعجبة : ۶۱۰
 رسالة قراضة طبیعات ابن سینا : ۱۱۳
 رسالة قلب و روح : ۶۰۹
 رسالة کمیلیه : ۶۱۰
 رسالة کمیلیه ثانیه : ۶۱۰

- رسالة كنوز المعزمين : ١١٢
 رسالة لطايف : ٦١٠
 رسالة لمعه : ٦١٠
 رسالة لوازم الامكنه : ٢٨٤
 رسالة مرآت الوجود : ٦٠٩
 رسالة مشكلات الحساب : ٢٨٤
 رسالة معيار العقول : ١١٢
 رسالة مناظرة شمس و سحاب : ٥٨٣
 رسالة نبض ابن سينا : ١١١
 رسالة نظام الملك راجع به حكومت : ٢٨٤
 رسالة نظام و سرانجام : ٦١٠، ٦٠٩
 رسالة نفس ابن سينا : ١١٢
 رسالة وجوديه — رساله در علم كليات
 رسالة ولايت : ٦١٠
 رسايل خواجه عبدالله انصاري : ٧٣٣
 رشحات عين الحيوه : ٥٩٦
 روح الجنان : ٥١٤
 روح العاشقين : ٥٤٠
 روزبهان ياشطاح فارس : ٥١١
 روزبهان نامه : ٥١٦، ٥١٤، ٥١١
 روزگار نو (مجله) : ٦٣٦
 روزنامه مجلس : ٧١٨
 روضات الجنات : ٥٩٦، ٥٥٥
 روضات الجنات : ٦٩٣، ٦٩٢، ٦٩١، ٦٩٠
 روضه اطهار : ٦٩٣، ٦٩٠
 روضه الانوار : ٥٨٣، ٥٨٢
 روضه الشهداء : ٥٩٩، ٥٩٦، ٥٩٥
 روضه الصفا : ٦٥١
 رؤياى صادق : ٧٢١
 ره آورد وحيد : ٧٣٣
 رياض الجنة : ٦٩٣، ٦٩٢

- ریاض العارفین : ۶۹۰، ۶۶۰، ۶۴۳، ۶۳۵، ۶۲۰، ۶۱۱، ۶۱۰، ۴۴۰ :
 ۶۹۳، ۶۹۲
 ریاض العلما : ۵۹۶
 ریاضیات دانشنامه علائی : ۱۱۲
 ریحانة الادب : ۶۶۶، ۶۵۱، ۶۳۵، ۶۳۰، ۶۱۱، ۶۱۰ :

ز

- زاینده‌رود (روزنامه) : ۷۳۳
 زندگانی و فلسفه حاج ملاهادی سبزواری : ۶۴۳
 زندگی و مرگ بهلولانان در شاهنامه : ۵۰۱

س

- سالی میان ایرانیان : ۶۴۳
 سام‌نامه : ۵۸۳
 سبحة الابرار : ۶۳۵
 سبعة کاشفیه : ۵۹۶
 سبک‌شناسی : ۴۴۱
 سخن تازه : ۶۰۹
 سرآمدان هنر : ۶۳۶
 سفارشنامه انجمن آثار ملی : ۷۶۵، ۶۸۰
 سفرنامه (منظومه از نزاری) : ۶۵۶، ۶۵۱
 سفرنامه ابن بطوطه ← رحله ابن بطوطه
 سفینه الاولیاء : ۶۷۲
 سفینه فرخ : ۵۴۲
 سلجوق‌نامه : ۶۷۷
 سلوة العاشقین : ۵۳۵
 سلوة القلوب : ۵۳۵
 سؤال و جواب : ۶۴۳
 سیر الارواح : ۵۳۵

سیر النبلاء : ۶۰۱

ش

شانزده رساله از شاه داعی : ۶۱۰، ۶۱۱

شاهنامه فردوسی : ۶۰۵، ۲۵، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱

۵۰۱، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۱۵۰، ۴۷۰، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۷، ۵۰۱

۷۹۳، ۷۷۰، ۶۳۵، ۵۰۲

شاهنامه نادری : ۲۶۹

شدالازار : ۱۶۴، ۴۴۱، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲

شذرات الذهب : ۵۵۵

شرح احوال حضرت عبدالعظیم : ۷۶۳

شرح احوال و آثار و دوبیتی های باباطاهر : ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۶

۴۵۴

شرح احوال و نقد و تحلیل آثار عطار : ۳۳۲، ۳۴۴

شرح اسماء الحسنی : ۵۹۶

شرح الحجب والامتار فی مقامات اهل انوار : ۵۳۵

شرح الشطحیات فارسی : ۵۳۵

شرح الطواسبین : ۵۱۸

شرح الفضائل : ۶۱۹

شرح القلب : ۳۳۳

شرح برگلشن راز (نسایم گلشن) : ۶۱۰

شرح بر بعضی کلمات محیی الدین : ۶۱۰

شرح دعای جوشن کبیر : ۶۴۲

شرح دعای صباح : ۶۴۳

شرح مثنوی (از ملا حسین کاشفی) : ۵۹۶

شرح مثنوی (از حاج ملاهادی) : ۶۴۲

شرح منظومه : ۶۴۳

شرح بر مثنوی مولوی رومی : ۶۱۰

شرح بر بعضی از اشعار عطار : ۶۱۰

شرح نهج البلاغة (از بیهقی) : ۶۰۱

شرف الفقراء المتحققين على الاغنياء المنفقين : ۶۱۹

شرق (مجله) : ۲۸۲

شفا : ۱۲۲، ۸۱

شهنامه ← شاهنامه

شیراز (کتاب) : ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۴، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۳۹

۶۱۳، ۶۱۱، ۵۸۴، ۵۴۷، ۵۴۳

شیرازنامه : ۵۱۱، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۷۲

ص

صادرات : ۶۰۹

صبح گلشن : ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۳

صحيح بخارى : ۵۱۲

صفوة مشارب العشق : ۵۳۵

صنایع الکمال : ۵۸۳

ض

ضیاء الخافقين (روزنامه) : ۷۲۵

ط

طبقات ابن قاضی شهید : ۵۵۵

طبقات الادباء : ۵۵۵

طبقات الاطباء : ۸۴

طبقات الصوفیه : ۵۷۰

طبقات القراء : ۵۵۵

طبقات زبیدی : ۵۵۵

طبیعیات دانشنامه علائی ابن سینا : ۱۱۲

طرائق الحقایق : ۵۱۱، ۵۱۸، ۵۲۴، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۳۵، ۶۶۶

طربخانه : ۳۲۷

طیبات : ۱۷۴، ۱۸۴، ۱۹۶

ظ

ظفرنامه ابن سینا : ۱۱۲

ع

عبر العاشقين : ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۳۵

عرايس البيان في حقايق القرآن : ۵۱۸، ۵۳۵

عرفات العاشقين : ۶۱۱

عروة الوثقى (روزنامه) : ۷۲۵

عشاقنامه : ۵۱۲

عشق نامه : ۶۰۹

عمدة الطالب : ۳۶۹

غ

غمر الفوائد : ۶۴۲

غلطات السالكين : ۵۳۵

ف

فارسنامة ابن بلخی : ۶۷۲

فارسنامة ناصری : ۱۶۵، ۲۳۵، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۷۲

فردوس التواريخ ابرقوهی : ۲۸۱

فردوس المرشديه فی اسرار الصمديه : ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۵

فردوسی نامه مهر : ۵۷، ۳۸

فردوسی وشاهنامه او : ۵۰۱

فردوسی وشعراو : ۵۰۱

فرماندهی خداوند جنگ سپهبد فردوسی : ۵۷

فرهنگ شاهنامه : ۵۰۱

فرهنگ فارسی : ۶۳۵، ۷۲۱، ۷۲۵، ۷۳۵، ۷۳۹، ۷۴۲

فرهنگنامه : ۶۳۵

فضل التصوف : ۶۱۹

فهرس المخطوطات المصوره : ۶۰۱

- فهرست کتابخانه رضوی : ۶۰۱
فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار : ۶۰۳
فیض مجدد : ۶۰۹

ق

- قاموس الاعلام ترکی : ۶۶۱، ۶۶۰
قانون : ۱۵۲، ۱۳۰، ۱۲۶، ۱۲۴، ۱۲۲، ۱۰۰
قدسیات : ۶۰۹
قرآن : ۶۷۱، ۶۲۹، ۶۲۷، ۵۹۸، ۵۳۹، ۵۱۲، ۱۷۴، ۱۲۸، ۸۵، ۷۹

ک

- کارنامه بزرگان : ۶۳۰
کامل التواریخ : ۲۸۱
کاوه (مجله) : ۵۸
کتاب الارشاد : ۵۳۵
کتاب العرفان فی خالق الانسان : ۵۳۵
کتاب العقاید : ۵۳۵
کتاب المناهج : ۵۳۵
کتاب الوجیز : ۵۱۵
کتابشناسی فردوسی ، فهرست آثار و تحقیقات درباره فردوسی و
شاهنامه : ۵۰۱
کشف الابیات فردوسی : ۵۰۱
کشف الاسرار : ۵۱۲، ۵۱۱
کشف الظنون : ۶۵۱، ۶۰۱، ۵۹۶
کشف المحجوب : ۶۷۲، ۶۲۰، ۵۷۰
کشف المراتب : ۶۱۰
کلیات سعدی : ۲۰۰
کلیات صائب تبریزی : ۳۸۹
کمال نامه : ۵۸۳
کمبریج : ۴۴۲

کنوزالاجداد : ۶۰۱
کیهان (روزنامه) : ۷۰۰

ک

کشایش آرامگاه سعدی (نشریه) : ۱۶۶
گلستان : ۶۳۵، ۲۰۴، ۲۰۳، ۱۷۸، ۱۷۴، ۱۶۳، ۵۹
گلستان هنر : ۱۶۴
گل ونوروز : ۵۸۳
گنج روان : ۶۰۹
گنج سخن : ۷۱۸، ۶۶۷
گنجینه آثار تاریخی اصفهان : ۷۶۳
کوهر نامه : ۵۸۳

ل

لآلی المنتظمه : ۶۴۲
لباب الانساب : ۶۰۱
لباس التقوی : ۷۲۱
لبس المرقعات : ۶۱۹
لطائف البیان فی تفسیر القرآن : ۵۳۵، ۵۱۸
لغت نامه : ۶۳۰، ۶۲۰، ۶۱۱، ۶۰۱، ۶۰۰، ۵۹۶، ۵۴۰، ۵۱۱، ۴۴۱
۷۲۱، ۷۱۸، ۶۹۳، ۶۶۷، ۶۶۰، ۶۳۶
لوامع التوحید : ۵۳۵، ۵۱۸

م

مثنوی مولوی : ۵۸۰، ۵۷۰، ۵۶۷
مجالس المؤمنین : ۶۹۳، ۶۹۰، ۵۹۶، ۸۴
مجالس النفایس : ۶۹۳، ۶۹۰، ۶۵۱، ۶۳۵، ۵۹۶، ۵۸۲
مجالس پنجگانه سعدی : ۱۶۳
مجله آسیائی : ۴۴۲، ۴۴۱، ۴۳۹
مجله دانشکده ادبیات تهران : ۲۴۱
مجله دانشکده ادبیات شیراز : ۵۱۱

مجمع الفصحاء : ۵۸۲، ۶۲۰، ۶۳۵، ۶۵۱، ۶۶۶، ۶۹۰، ۶۹۲

۶۹۳

مجله فصیحی خوافی : ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۳

مجموعه انتشارات قدیم انجمن : ۱۲، ۸۱، ۷، ۶، ۵

مجموعه مقالات فروغی درباره شاهنامه و فردوسی : ۵۰۱

مجموعه نامه های خیام : ۲۸۴

محاضر السیر فی احوال خیر البشر : ۶۰۹

مختار نامه : ۳۳۳

مختصر الدول : ۸۲

مدینه الادب : ۷۳۴

مرآت الخیال : ۶۳۵

مرشد الرموز : ۶۰۹

مرصاد العباد : ۵۷۰، ۲۸۱

مسالك التوحید : ۵۳۵

مسائل ایران و ایرانیان : ۲۸۶

مسائل علی بن سهل : ۶۱۹

مشارب التجارب : ۶۰۰

مشاهد : ۶۰۹

مشرب الارواح : ۵۳۵

مصنفي علم الرجال : ۶۰۱

مصیبت نامه : ۳۳۳، ۳۳۲

مطلع الانوار : ۵۹۶

مطلع الشمس : ۶۴۳، ۳۶۹

معجم الادباء : ۵۵۵، ۶۰۰، ۶۰۱

معجم المؤلفين : ۶۰۱

معراجنامه ابن سینا : ۱۱۲

معرفة الزوال : ۶۲۰

معیار الاشعار : ۶۶۷

مغنی اللیب : ۵۵۶

- مفاتیح القلوب ومصابیح الغیوب : ۵۸۳
 مفتش ایران (روزنامه) : ۷۳۳
 مقاصد الفلاسنة غزالی : ۱۲۶
 مقایس السماع : ۵۳۵
 مکاتیب سنائی : ۲۸۲
 مکتون الحديث : ۵۳۵، ۵۱۸
 منتخب التواریخ : ۳۶۹
 منتخب شاهنامه فردوسی : ۵۷
 منطق الاسرار ببيان الانوار : ۵۳۵، ۵۱۸
 منطق الطیر : ۵۷۰، ۳۳۳
 منطق العشاق (ده نامه) : ۶۶۶
 منطق دانشنامه علائی ابن سینا : ۱۱۲
 منهج السالکین : ۵۳۵
 مونس الاحرار : ۶۷۷
 مهور (مجله) : ۵۷
 مهمان نامه بخارا : ۶۷۷

ن

- نادرشاه از نظر خاورشناسان : ۲۱۳
 نادرشاه : ۲۶۹
 نادرنامه : ۲۷۷، ۲۶۹، ۲۳۹
 نادره ایام حکیم عمر خیام ورباعیات او : ۳۲۷، ۲۸۶، ۲۸۳
 نامه دانشوران : ۶۲۰
 نامه فرهنگیان : ۷۳۴
 نامه های طبیب نادرشاه : ۲۶۹
 نبردهای بزرگ نادرشاه : ۲۶۹
 ندای خراسان (روزنامه) : ۲۱۶

نزهة الارواح و روضة الافراح فی تواریخ حکماء المتقدمین والمتأخرین :

۶۴۳، ۲۸۱

نزهة القلوب : ۶۴۰، ۶۴۲، ۶۷۲، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳

نسیم بهاری : ۶۵۱

نشریه انجمن آثار ملی (مجله) : ۷۸۴

نشریه دانشکده ادبیات تبریز : ۶۸۶، ۶۹۳

نصیحة الملوك : ۱۶۳

نفحات الانس : ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۶۳۵

نگاهی به شاهنامه : ۵۰۱

نور العلوم : ۵۶۸، ۵۶۹

نوروزنامه : ۲۸۴

نیو اورینت (مجله) : ۴۴۰

و

واردات : ۶۰۹

وحید (مجله) : ۷۲۴، ۷۳۵

وفیات الاعیان : ۸۴

وقفنامه ربع رشیدی : ۷۷۵، ۸۱۷

ه

هدیه العارفین : ۵۹۶، ۶۰۱

هرمزنامه : ۶۵۱، ۶۵۶

هزاره فردوسی : ۳۸، ۴۷، ۵۸

هفت اقلیم : ۶۹۰ و — تذکره هفت اقلیم

هکمتانه : ۸۳، ۸۵، ۹۰، ۹۷، ۱۵۷، ۱۸۱، ۴۴۰، ۴۴۳

همای و همایون : ۵۸۳

هنر و مردم (مجله) : ۹۹، ۸۱۹

هوخت (مجله) : ۳۴

ی

یادداشت‌های سفرهمدان : ۴۴۱

یادداشت‌های قزوینی : ۷۳۴،۴۴۲

یادگار (مجله) : ۷۱۹،۷۱۸،۲۳۵

یادگار عمر : ۸۰۵،۴۲۲،۶۳،۵۹،۵۸،۵۲،۳۶،۳۰،۲۹

یادنامه شادروان حسین‌علاء : ۳۶۹،۲۱۴

یادنامه فردوسی ، حاوی مقالات و چکامدها بمناسبت تجدید آرامگاه

فردوسی : ۵۰۱

یغما (مجله) : ۷۲۴،۷۰۰،۶۹۳،۶۸۸،۶۸۶،۶۵۱

فهرست

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴	۱۱	Ernest	Ernst
۸۱	۲۲	ودرزی	درزی
۸۵	۳	پنهان	پنهان بود
۸۶	۱۵	خدوک	دخدوک
۹۲	۱۸	فرماندار همان	فرماندار همدان
۱۱۳	۲	۲۹۱۱	۲۵۱۱
۱۲۶	۲۴	u .Nwala	Unwala
۱۲۹	۵	julien	Julien
۱۲۹	۲۰	اتینگهاورن	اتینگهاوزن
۱۳۰	۹	برسی	بررسی
۱۳۰	۱۵	آتور	اتور
۱۳۲	۸	حسین	حسن
۱۳۴	۱۷	دارند	دارد
۱۳۵	۱۵	مستشرقین	مستشرقین
۱۳۸	۹	ایراد کردند	ایراد کرد
۱۵۳		در ذیل صفحه کلمه‌های اول، دوم، چهارم، ششم و هفتم باید با حرف بزرگ آغاز شود.	
۱۵۷	۱۳	Sébastien Buch	Sebastien Bach
۱۵۷	۱۸	پنج بعد از ظهر	پنج بعد از ظهر روز پنجشنبه
			پانزدهم ژوئن ۱۹۵۰
			(۲۵ خرداد ۱۳۲۹)
۱۶۸	۱۷ و ۱۸	محمد تقی	محمد قلی
۱۷۸	۱۹	کین	کاین
۱۷۹	۴	کین	کاین
۲۱۱	۱۵	ماکو	باکو
۲۱۵	۲۱	گردار	کردار
۲۴۱	۲	ترورتان	تراورتن
۲۵۰	۲	علاقه‌مندان	علاقه‌مندان

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۵۵	۳	ابوالحسن	ابوالحسن
۲۵۵	۹	حتى المقدور	حتى المقدور
۲۵۶	۱۸	اتصالی بوده و	اتصالی بوده
۲۶۱	۲	تریلی	تریلر
۲۷۰	۲	۷×۴	۴ متر ۷×۴ متر
۲۷۰	۳	۳/۴۵×۲۱۰	۲/۱۰ متر ۳/۴۵×۲۱۰ متر
۲۷۰	۱۶	با درجه يك	با قطار درجه يك
۲۸۲	۱۷	حیدوار	حیدروار
۲۸۶	۲۲	Persian	The Persian
۳۰۲	۴	ازچپ بر است	از راست به چپ
۳۰۲	۶	جلوی	جلو
۳۰۷	۲۱	Arshetect	Arshitect
۳۱۹	۱۲	میرو	میروو
۳۴۶	۸	سواره رویی	سواره روی
۳۶۹	۲۰	عمدة المطالب	عمدة الطالب
۳۹۱	۱۶	جنوب باغ است	جنوب باغ زمین است
۴۱۳	۱۳	اکتفا نماید	اکتفا می نماید
۴۱۶	۴	استاد با اظهار تشکر	
		از اعضاء انجمن	استاد از اعضاء انجمن
۴۳۳	۵	ازدر	ایدر
۵۱۹	۲۲	Fariddaddin	Farid-addin
۵۱۹	۲۴	Vècu	Vécu
۵۱۹	۲۷	d'âme	d'âme
۵۱۹	۲۸	tafsir	Tafsir
۵۲۰	۱۱	recu	reçu
۵۲۰	۱۳	á	à
۵۲۰	۱۵	auprintemps	au printempe
۵۲۰	۱۶	dé já	déjà
۵۲۰	۱۸	Nous	nous

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵۲۰	۲۰	Torâ-1q	Tarâ-1q
۵۲۰	۲۷	estelle	est elle
۵۲۰	۳۰	recues	reques
۵۲۱	۲	la piée	La pièee
۵۲۱	۳	Ou	Où
۵۲۱	۱۲	recues	reques
۵۲۱	۱۴	recu	reçu
۵۲۱	۲۳	Asâr-e	Asâr-é
۵۲۲	۱۶	iranolgie	iranologie
۵۲۴	آخر	شد	شش
۵۳۳	۹	آجرها تراش	آجرهای تراش
۵۴۸	۱۶	پند	بند
۵۵۶	۳	بنیانگزار	بنیانگذار
۵۷۷ و ۵۷۲	۹ و ۱۳	عظیما عضدی	عظیما
۵۸۰	۲۱	دفن	ذفن
۶۰۱	۱۴	صفوی	صفدی
۶۲۸	۲	و یا اشتباهی	و اشتباهی
۶۳۲	۷	قبلاً	فعلاً
۶۴۹	۶	قرار گردید	قرار گیرد
۶۸۵	۶	در دو قبر	دو قبر
۷۰۱	۲۲	علاقه‌مندان	علاقه‌مندان
۷۰۵	۸	تفضیلی	تفضیلی
۷۲۵	۱۶	المدينة	المدنية
۷۲۷	۳	مسطحی	سطحی
۷۲۸	۲۴	و قبر	دفتر
۷۳۷	۱۳	عبارات	عبارت
۷۳۹	۸	متمنی است با توجه	با توجه
۷۴۶	۸	عمارات	عمارت
۷۷۸	۱۱	انجام پذیرفته	تعمیرات آنها انجام پذیرفته

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۷۸۱	۴	عرا بدنه	شانزده بدنه
۷۸۹	۹	بنای تازه ساز	بنای تازه ساز کتابخانه
۷۹۴	۲۲	غربی	شرقی
۷۹۷	آخر	غربی	شرقی
۷۹۸	۸	نقاشی روی دیوار	نقاشی روی دیوار کتابخانه
۸۰۱	۲۱	Lazac	Luzac
۸۱۰	۴	۱۳۳۵	۱۳۵۳
۸۲۰	۲۰	ایهام	ایهام
۸۲۵	۴	بانك	بانك سپه
۸۴۱	۱۰	واعظی	واعظ کاشفی

فهرست انتشارات انجمن آثار ملی

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱	فهرست مختصری از آثار و ابنیه تاریخی ایران	شهریورماه ۱۳۰۴
۲	آثار ملی ایران (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	مهرماه ۱۳۰۴
۳	شاهنامه و تاریخ (کنفرانس پرفسور هرتسفلد)	شهریورماه ۱۳۰۵
۴	کشف دولوح تاریخی در همدان (تحقیق پرفسور هرتسفلد - ترجمه مجتبی مینوی)	اسفندماه ۱۳۰۵
۵	سه خطابه درباره آثار ملی و تاریخی ایران (از محمدعلی فروغی و هرتسفلد و هانی بال)	مهرماه ۱۳۰۶
۶	کشف الواح تاریخی تخت جمشید (نوشته پرفسور هرتسفلد)	اسفندماه ۱۳۱۲
۷	کنفرانس محمدعلی فروغی راجع بفردوسی	بهمن ماه ۱۳۱۳
۸	تحقیق مختصر در احوال و زندگانی فردوسی (بقلم فاطمه سیاح)	۱۳۱۳
۹	تجلیل ابوعلی سینا در پنجمین دوره اجلاس یونسکو در فلورانس	اسفندماه ۱۳۲۹
۱۰	رساله جودیة ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر محمود نجم آبادی)	اسفندماه ۱۳۳۰
۱۱	رساله نبض ابن سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه)	اسفندماه ۱۳۳۰
۱۲	منطق دانشنامه علائی ابن سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوة و دکتر محمد معین استادان دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۳	طبیعیات دانشنامه علائی ابن سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوة)	۱۳۳۱
۱۴	ریاضیات دانشنامه علائی ابن سینا (بتصحیح مجتبی مینوی)	۱۳۳۱
۱۵	الهیات دانشنامه علائی ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر محمد معین)	۱۳۳۱
۱۶	رساله نفس ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۷	رساله ای در حقیقت و کیفیت سلسله موجودات به تصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۱۸	ترجمه رساله سرگذشت ابن سینا (از آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	-

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۱۹	معراج نامه ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	-
۲۰	رساله تشریح اعضاء ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	-
۲۱	رساله قراضه طبیعیات منسوب باین سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه)	-
۲۲	ظفر نامه منسوب به ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی)	۱۳۴۸
۲۳	رساله کنوز المعزمین ابن سینا (بتصحیح استاد جلال الدین همایی)	۱۳۳۱
۲۴	رساله معیار العقول - جرثقیل ابن سینا (بتصحیح آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۳۱
۲۵	رساله حی بن یقظان ابن سینا با ترجمه و شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن سینا (به تصحیح آقای هانری کرین)	۱۳۳۱
۲۶	جشن نامه ابن سینا (مجلد اول - سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه	۱۳۳۱
۲۷	ترجمه مجلد اول جشن نامه بفرانسه (بوسیله سعید نفیسی)	۱۳۳۱
۲۸	ترجمه اشارات و تنبیها (بتصحیح آقای دکتر احسان یار شاطر)	۱۳۳۲
۲۹	پنج رساله فارسی و عربی از ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر احسان یار شاطر استاد دانشگاه)	۱۳۳۲
۳۰	آثار تاریخی کلات و سرخس (تألیف آقای مهدی بامداد)	بهمن ماه ۱۳۳۳
۳۱	جشن نامه ابن سینا، مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضاء کنگره ابن سینا)	۱۳۳۴
۳۲	جشن نامه ابن سینا مجلد سوم (کتاب المهرجان لابن سینا) حاوی نطقهای عربی اعضاء کنگره ابن سینا	۱۳۳۵
۳۳	جشن نامه ابن سینا، مجلد چهارم (شامل خطابه های اعضاء کنگره ابن سینا بزبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی)	۱۳۳۴
۳۴	نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر)	۱۳۳۹
۳۵	جبر و مقابله خیام (به تصحیح و تحشیه آقای دکتر جلال مصطفوی)	۱۳۳۹

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۳۶	شاهنامه نادری تألیف مولانا محمدعلی فردوسی ثانی (بتصحیح و تحشیه آقای احمدسهیلی خوانساری)	۱۳۳۹
۳۷	اشترنامه شیخ فریدالدین عطار (بتصحیح و تحشیه آقای دکتر مهدی محقق)	۱۳۳۹
۳۸	حکیم عمرخیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب	۱۳۳۹
۳۹	نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازاده شفق استاد دانشگاه	۱۳۳۹
۴۰	دره نادره تألیف میرزا مهدی خان (بتصحیح و تحشیه آقای دکتر سیدجعفر شهیدی)	۱۳۴۰
۴۱	شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف بدیع الزمان فروزانفر استاد دانشگاه	۱۳۴۰
۴۲	خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (بتصحیح و اهتمام آقای احمد سهیلی خوانساری)	۱۳۴۰
۴۳	نامه های طبیب نادرشاه، ترجمه آقای دکتر علی اصغر حریری (باهتمام آقای حبیب یغمائی)	۱۳۴۰
۴۴	دیوان غزلیات و قصائد عطار (باهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی)	۱۳۴۱
۴۵	جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدی خان استرآبادی (با تصحیح و تعلیقه آقای سیدعبدالله انوار)	۱۳۴۱
۴۶	طربخانه (رباعیات حکیم عمرخیام نیشابوری) تألیف یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی (بامقدمه و تصحیح و تحشیه استاد جلال الدین همایی استاد دانشگاه)	۱۳۴۲
۴۷	نادره ایام، حکیم عمرخیام و رباعیات او بقلم آقای اسمعیل یکانی	۱۳۴۲
۴۸	اقلیم پارس (آثار باستانی و ابنیه تاریخی فارس) تألیف سید محمدتقی مصطفوی	۱۳۴۳
۴۹	سفارش نامه انجمن آثار ملی	اردیبهشت ۱۳۴۴
۵۰	یادنامه شادروان حسین علاء	۱۳۴۴
۵۱	ذخیره خوارزمشاهی، تألیف زین الدین ابوالبراهیم اسمعیل جرجانی سنه ۵۰۴ هجری (باهتمام و تصحیح و تفسیر دکتر	

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
	محمدحسین اعتمادی - دکتر محمد شهراد - دکتر جلال مصطفوی (کتاب نخستین)	۲۵ شهریور ۱۳۴۴
۵۲	دیوان صائب، باحواشی و تصحیح بخط خود استاد، مقدمه و شرح حال بخط وخامه استاد امیری فیروزکوهی	۱۳۴۵
۵۳	عرائس الجواهر و نفایس الاطایب تألیف ابوالقاسم عبدالله کاشانی بسال ۷۰۰ هجری به کوشش آقای ایرج افشار	۱۳۴۵
۵۴	ری باستان (مجلد اول) مباحث جغرافیائی شهرری به عهد آبادی تألیف دکتر حسین کریمان	۱۳۴۵
۵۵	خیامی نامه (جلد اول) تألیف استاد جلال الدین همائی	آبان ۱۳۴۶
۵۶	فردوسی و شعرا و تألیف مجتبی مینوی استاد دانشگاه	آبان ۱۳۴۶
۵۷	خردنامه تألیف و نگارش ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی بکوشش آقای عبدالعلی ادیب برومند	فروردین ۱۳۴۷
۵۸	فرهنگ واژه های فارسی در زبان عربی تألیف آقای سید محمد علی امام شوشتی	تیرماه ۱۳۴۷
۵۹	کتابشناسی فردوسی، فهرست آثار و تحقیقات درباره فردوسی و شاهنامه، تدوین آقای ایرج افشار	مرداد ۱۳۴۷
۶۰	روزبهران نامه، بکوشش آقای محمد تقی دانش پژوه	اسفند ۱۳۴۷
۶۱	کشف الایات فردوسی (جلد اول) بکوشش دکتر محمد دبیرسیاقی	اردیبهشت ۱۳۴۸
۶۲	زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، نگارش دکتر محمد علی اسلامی ندوشن	خرداد ۱۳۴۸
۶۳	آثار باستانی کاشان و نطنز تألیف آقای حسن نراقی	مهر ۱۳۴۸
۶۴	بزرگان شیراز، تألیف آقای رحمت الله مهر از	آبان ۱۳۴۸
۶۵	آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان تألیف آقای احمد اقتداری	آذر ۱۳۴۸
۶۶	تاریخ بناکتی بکوشش آقای دکتر جعفر شعار	دی ۱۳۴۸
۶۷	عهد اردشیر، برگرداننده بفارسی سید محمد علی امام شوشتی	دی ۱۳۴۸
۶۸	یادگارهای یزد (جلد اول) تألیف آقای ایرج افشار	بهمن ۱۳۴۸
۶۹	ری باستان (مجلد دوم) تألیف آقای دکتر حسین کریمان	خرداد ۱۳۴۹
۷۰	از آستارا تا استارباد (جلد اول بخش اول) آثار و بناهای تاریخی	

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
	گیلان بیه پس، تألیف دکتر منوچهر ستوده	تیر ۱۳۴۹
۷۱	یادنامه فردوسی، حاوی مقالات و چکامه ها به مناسبت تجدید آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی	آبان ۱۳۴۹
۷۲	فردوسی و شاهنامه او باهتمام آقای حبیب یغمائی	آذر ۱۳۴۹
۷۳	فیلسوفی-محمد بن زکریای رازی تألیف آقای دکتر مهدی محقق	آذر ۱۳۴۹
۷۴	سرزمین قزوین تألیف آقای دکتر پرویز ورجاوند	آذر ۱۳۴۹
۷۵	یادنامه شادروان سید حسن تقی زاده به اهتمام حبیب یغمائی	بهمن ۱۳۴۹
۷۶	ذخیره خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابوالبراهیم اسمعیل جرجانی؛ سنه ۵۰۴ هجری به اهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی- (کتاب دوم)	بهمن ۱۳۴۹
۷۷	نظری اجمالی به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن تألیف آقای دکتر محمد جواد مشکور	بهمن ۱۳۴۹
۷۸	تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان نوشته آقای یحیی ذکاء	فروردین ۱۳۵۰
۷۹	کشف الایات شاهنامه فردوسی جلد دوم - بکوشش دکتر محمد دبیرسیاقی	خرداد ۱۳۵۰
۸۰	آثار باستانی و تاریخی لرستان - جلد نخست- تألیف آقای حمید ایزدپناه	تیر ۱۳۵۰
۸۱	دردربار شاهنشاه ایران- تألیف ا. کمپفر آلمانی- ترجمه آقای کیکاووس جهاننداری	مرداد ۱۳۵۰
۸۲	نگاهی به شاهنامه، تألیف آقای پروفیسور فضل الله رضا	شهریور ۱۳۵۰
۸۳	مونس الاحرار فی دقایق الاشعار (جلد دوم) تألیف محمد بن بدر جاجرمی	شهریور ۱۳۵۰
۸۴	بسال ۷۴۱ هجری با تحشیه و تفسیر آقای میر صالح طبیبی	شهریور ۱۳۵۰
	مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی تألیف سرهنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی	شهریور ۱۳۵۰
۸۵	فرهنگ شاهنامه تألیف دکتر رضا زاده شفق	مهر ۱۳۵۰
۸۶	دانش و خرد فردوسی، فراهم آورده دکتر محمود شفیع	مهر ۱۳۵۰
۸۷	وقتنامه ربع رشیدی (چاپ عکسی) از روی نسخه مورخ به سال ۷۰۹ قمری زیر نظر آقایان مجتبی مینوی و ایرج افشار	اسفند ۱۳۵۰

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
۸۸	ذیل جامع التواریخ رشیدی، تألیف حافظ ابرو و مورخ دوران تیموری بامقدمه و تعلیقات آقای دکتر خانابا بیانی	اسفند ۱۳۵۰
۸۹	از استارا تا استارباد (مجلد دوم) آثار و بناهای تاریخی گیلان بیهیش تألیف دکتر منوچهر ستوده	خرداد ۱۳۵۱
۹۰	نصیحة الملوك تألیف امام محمد غزالی بامقدمه و تصحیح و تحشیة استاد جلال الدین همائی	آذرماه ۱۳۵۱
۹۱	آثار باستانی آذربایجان (جلد اول آثار تاریخی شهرستان تبریز) تألیف آقای عبدالعلی کارنگ	آذرماه ۱۳۵۱
۹۲	مجموعه انتشارات قدیم انجمن	دی ماه ۱۳۵۱
۹۳	مجموعه مقالات فروغی درباره شاهنامه و فردوسی به اهتمام آقای حبیب یغمائی	بهمن ماه ۱۳۵۱
۹۴	داستان داستانها (داستان رستم و اسفندیار) تنظیم متن و شرح و توضیح به کوشش دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن	اسفندماه ۱۳۵۱
۹۵	فردوس در تاریخ شوشتر تألیف علاءالملک حسینی شوشتری (قرن ۱۱ هجری) بامقدمه و تصحیح و تعلیق آقای جلال محدث	خرداد ۱۳۵۲
۹۶	تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری تألیف دکتر محمدجواد مشکور	تیرماه ۱۳۵۲
۹۷	ذخیره خوارزمشاهی تألیف زین الدین ابوابراهیم اسماعیل جرجانی (جلد سوم) باهتمام و تفسیر و تصحیح دکتر جلال مصطفوی	شهریور ۱۳۵۲
۹۸	ترجمه یک فصل از آثار الباقیه ابوریحان بیرونی بخامه علیقلی میرزا اهتضاد السلطنه و ملاعلی محمد اصفهانی بکوشش آقای اکبر داناسرشت بامقدمه و الحاقات از ایشان	آبان ۱۳۵۲
۹۹	مادها و بنیانگذاری نخستین شاهنشاهی در غرب فلات ایران تألیف آقای جلیل ضیاء پور	بهمن ۱۳۵۲
۱۰۰	سیر فرهنگ ایران در بریتانیا یا تاریخ دوست ساله مطالعات ایرانی تألیف آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۱	آثار ملی اصفهان تألیف آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۲	سیراف (بندر طاهری) تألیف آقای غلامرضا معصومی	اسفند ۱۳۵۲
۱۰۳	فرهنگ فارسی به پهلوی تألیف آقای دکتر بهرام فره‌وشی	

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
	استاد دانشگاه تهران	فروردین ۱۳۵۳
۱۰۴	کتابشناسی کتابهای خطی تألیف شادروان دکتر مهدی بیانی	
	استاد فقید دانشگاه به کوشش آقای حسین محبوبی اردکانی	خرداد ۱۳۵۳
۱۰۵	تاریخ بافت قدیمی شیراز، تألیف آقای کرامت الله افسر	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۶	فرار از مدرسه، درباره زندگی و اندیشه ابو حامد محمد غزالی، تألیف دکتر عبدالحسین زرین کوب	مرداد ۱۳۵۳
۱۰۷	بیرونی نامه، پژوهش و نگارش آقای ابوالقاسم قربانی	مهر ۱۳۵۳
۱۰۸	جامع جعفری، تاریخ یزد در دوران نادری و زندیه و عصر سلطنت فتحعلی شاه، تألیف محمد جعفر بن محمد حسین نائینی متخلص به «طرب»، به کوشش آقای ایرج افشار	آبان ۱۳۵۳
۱۰۹	کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، تألیف ابوریحان محمد بن احمد بیرونی خوارزمی، با تجدید نظر و مقدمه تازه به خاتمه استاد جلال الدین همائی	دی ماه ۱۳۵۳
۱۱۰	دیار شهریاران، آثار و بناهای تاریخی خوزستان جلد نخستین بخش اول - تألیف آقای احمد اقتداری	خرداد ۱۳۵۴
۱۱۱	دیار شهریاران، آثار و بناهای تاریخی خوزستان جلد نخستین بخش دوم - تألیف آقای احمد اقتداری	خرداد ۱۳۵۴
۱۱۲	احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی بضمیمه «منتخب نورالعلوم» تألیف آن عارف بزرگوار با اهتمام استاد مجتبی مینوی	تیر ماه ۱۳۵۴
۱۱۳	شرح احوال و آثار و دوبیتی های باباطاهر عریان به انضمام شرح و ترجمه کلمات قصار وی منسوب بعین القضاة همدانی (؟) با اصل و ترجمه کتاب (الفتوحات الربانیة فی مزج الاشارات الهمدانیة) بشرح و تفسیر محمد بن ابراهیم مشهور به خطیب وزیری بکوشش دکتر جواد مقصود	تیر ماه ۱۳۵۴
۱۱۴	کتاب « الفارات » تألیف ابواسحق ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی کوهی اصفهانی با اهتمام و تصحیح استاد میر جلال الدین محدث (بخش نخست)	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۵	کتاب « الفارات » به شرح مذکور در شماره ۱۱۴ (بخش دوم)	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۶	یادگارهای یزد (جلد دوم شهر یزد) تألیف آقای ایرج افشار	شهریور ۱۳۵۴
۱۱۷	تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس از دوران	

شماره	نام کتاب	تاریخ انتشار
	فرمانروائی مغولان تا پایان عهد قاجاریه تألیف و تدوین آقای دکتر ابوالقاسم طاهری	مهرماه ۱۳۵۴
۱۱۸	از آستارا تا استارباد «مجلد ششم» شاهل اسناد تاریخی گرگان بکوشش آقایان مسیح ذبیحی و دکتر منوچهر ستوده (بخش نخست)	مهرماه ۱۳۵۴
۱۱۹	از آستارا تا استارباد «مجلد هفتم» بشرح مذکور در شماره ۱۱۸ (جلد دوم)	آذرماه ۱۳۵۴
۱۲۰	سفرنامه حکیم ناصر خسرو به کوشش و تصحیح دکتر محمد دبیرسیاقی	بهمن ماه ۱۳۵۴
۱۲۱	آثار باستانی خراسان جلد اول شامل آثار و ابنیه تاریخی اردیبهشت ۲۵۳۵ شاهنشاهی جام و نیشابور و سبزوار - اثر آقای عبدالحمید مولوی (خورشیدی ۱۳۵۵)	
۱۲۲	تاریخ باستانی ایران بر پایه باستان شناسی تألیف پرفسور هرتسفلد ترجمه علی اصغر حکمت استاد ممتاز اردیبهشت ۲۵۳۵ شاهنشاهی دانشگاه تهران (خورشیدی ۱۳۵۵)	
۱۲۳	آثار باستانی و تاریخی لرستان - جلد دوم تألیف آقای خرداد ۲۵۳۵ شاهنشاهی حمید ایزدیناه (خورشیدی ۱۳۵۵)	
۱۲۴	تحریر کتاب استخراج الاوتار تألیف استاد ابوریحان تیرماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی بیرونی-پژوهش و نگارش آقای ابوالقاسم قربانی (خورشیدی ۱۳۵۵)	
۱۲۵	تاریخ نیشابور - تألیف آقای سیدعلی مؤید ثابتی تیرماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی (خورشیدی ۱۳۵۵)	
۱۲۶	وادی هفتواد - بحثی در تاریخ اجتماعی و آثار تاریخی کرمان (جلد اول) تألیف آقای دکتر محمد ابراهیم باستانی بهمن ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی پاریزی استاد دانشگاه تهران (خورشیدی ۱۳۵۵)	
۱۲۷	مجموعه آثار قلمی فقه الاسلام شهید تبریزی بهمن ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی بکوشش آقای نصرت الله فتحی (خورشیدی ۱۳۵۵)	
۱۲۸	«المختارات من الرسائل» مجموعه اسناد و وثایق تاریخی از روی نسخه خطی کتابخانه وزیری یزد بامقدمه و بهمن ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی زیر نظر آقای ایرج افشار (خورشیدی ۱۳۵۵)	
۱۲۹	آثار باستانی آذربایجان (جلد دوم) آثار و ابنیه تاریخی شهرستانهای اردبیل-ارسباران-خلخال-مراب اسفندماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی مشگین شهر-مغان-تألیف آقای سیدجمال ترابی طباطبائی (خورشیدی ۱۳۵۵)	
۱۳۰	از آستارا تا استادباد (مجلد سوم) آثار و بناهای تاریخی اسفندماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی مازندران غربی تألیف دکتر منوچهر ستوده (خورشیدی ۱۳۵۵)	